



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

علم مفاهیم شناسی
در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصغرنانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکین اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و هشتم - حرف ن
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه
۲۵	نامنی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۷	ناسخ و منسوخ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۶	ناصره از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۹	نافله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۲	نام از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۱۰	نامحرم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۶	نامشروع از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۰	نامه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۹۰	نان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۹۱	ناهیان از منکر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۹۴	نبوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۷۸	نبی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۸۲	نجات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۹۳	نجاست از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۹۶	نجاشی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۰۰۱	نجوا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۰۱۹	نحر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۰۲۵	نخل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۰۳۸	نذر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۰۶۰	نژادپرستی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

۱۰۷۰	نسب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۰۸۰	نسل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۱۶۴	نشاط از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۱۷۸	نشوز از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۱۸۴	نصرت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۵۹	نطفه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۸۴	نظام آفرینش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۶۴	نظم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۵۰۷	نعمت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۱۳۲	نفاق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۱۹۷	نفخ صور از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۲۱۵	نفرین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۲۷۶	نفس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۳۲۳	نقعه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۳۳۱	نقره از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۳۳۸	نقص از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۳۶۱	نگاه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۳۷۴	نگرانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۴۸۲	نماز از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۸۹۱	نمرود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۸۹۸	نوجوانان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۹۰۶	نوح(ع) از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۳۶۷	نور از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۴۳۴	نوزاد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۴۴۹	نوه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۴۵۱	نهر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

- ۳۴۶۴ ----- نهضت اسلامی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۳۴۶۷ ----- نهی از منکر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۳۵۱۷ ----- نیاز از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۳۸۵۲ ----- نیاکان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۳۹۱۲ ----- نیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۳۹۴۹ ----- نیکی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۳۹۹۴ ----- درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: رسول ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و هشتم - حرف ن / رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : ۵۲/BP۶۵/۴

رده بندی دیویی : ۱۳۹۰۲۵۷۷۴ ۳۷۲/۲۱

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱- قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس و بشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و از معجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که در طول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمر خود را گذاشته اند. هر زمانی که از این کتاب می گذرد تازه هائی از معارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. در پرتو این تلاشهای شایسته علمی زیادی از معارف و علوم قرآنی برای ما به یادگار باقی مانده است . که از مهمترین آن می توان از تفسیر قرآن نام برد. این علم بر اساس مقدماتی از علوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراتر از آن است و نه می توان آن را علم تفسیر نامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصویری و تصدیقی) است و

تعریف، هدف، فایده، پیش‌انگاره‌ها (مبانی و مبادی) و ... است. از این رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می‌آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می‌شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش‌ها، معیارها و قواعد آن آشنا می‌سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود: (۱) مبانی تفسیر؛ (۲) قواعد تفسیر؛ (۳) منابع تفسیر؛ (۴) شرایط مفسر؛ (۵) سنجه‌های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ (۶) روش‌های تفسیری؛ (۷) گرایش‌ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدی خدا (مقاصد آیات).

۲- اگر مفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شود مقدمه تفسیر خواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می‌باشد. زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که در دوره‌های مختلف شامل کلام‌های مقدس (کتابهای آسمانی) نیز شده است. زبان‌شناسی شامل: زبان‌شناسی نظری؛ آواشناسی؛ واج‌شناسی؛ واژه‌شناسی؛ ساخت‌واژه؛ نحو؛ معناشناسی؛ معناشناسی واژگانی؛ معناشناسی آماری؛ معناشناسی ساختاری؛ سبک‌شناسی؛ تجویز و توصیف؛ کاربردشناسی؛ زبان‌شناسی کاربردی؛ اکتساب زبان؛ زبان‌شناسی روان‌شناختی؛ زبان‌شناسی جامعه‌شناختی؛ زبان‌شناسی شناختی؛ جامعه‌شناسی زبان؛ زبان‌شناسی محاسباتی؛ زبان‌شناسی توصیفی؛ زبان‌شناسی تاریخی؛ زبان‌شناسی تطبیقی؛ رده‌شناسی زبان؛ دستورگشتاری؛ ریشه‌شناسی. و همچنین توجه به نظریات

هرمنوتیک و متودولوژی می تواند تاثیرات خوبی در مباحث شناخت قرآن داشته باشد و فضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳- اگر تفسیر ما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است. این مسئله برای هر کس که با تفسیر قرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکار قرآن بیش از ده هزار کتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوز به صورت کامل از این ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم را از این گنج الهی نکرده است.

۴- بعضی آیات قرآن قرن‌ها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است. و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است. چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیر کرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکار شدن این مدعی تفاسیر قرآن را بر اساس قرون طبقه بندی کرده و سیر پیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیر آیات را در آن بر اساس استانداردهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵- متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند و کتابهایی به همین نام تالیف شده است و اسم کتاب خود را مفاهیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقدار بیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و در این

زمینه مراکز قرآنی و علمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶- علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن در تمام حالات علمی و ادبی در قرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب- معرب القرآن که در آن در مورد واژه هایی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونگی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د- مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندان بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهایی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند: معجم الادباء، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و..... آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به

مجله بینات شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکار و نهان یک لغت است؛ و بررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. و این تقریباً یک علم کاملاً جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن در قالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد. تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کار ساده ای نیست و افراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کار کنند. مفهوم شناسی قرآن بعد از آشنائی علوم ادبی و منطقی و فلسفی و عرفانی و تاریخی و فقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم در قرآن است؛ حال آنکه اگر ما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره دیگر بررسی کنیم؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی (ابرایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هر حال کاری است که باید در آینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸- قرآن را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصورات اگر شما به یک آجر در یک ساختمان بسیار بزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجر در کل مجموعه را بررسی کنید یک تصور مفهومی بدست آورده اید که جایگاه و معنای آن

را در منظومه این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود و نبود آن در این منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید در نظر داشت هر یک از کلمات قرآن مفهومی در بردارد که با تمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که در طول تاریخ تفسیر قرآن کشف نشده است. و از این مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که در لابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹- البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیرا که بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده از ابزار و امکانات جدید بویژه رایانه و برنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوز وارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته در ضمن مطالب دیگر بیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند و بسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد از حدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی و قرآنی و بعد تمرکز بر روی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) و کشف آن در تفسیر شریف راهنما به این امر خطیر نائل شدم و خداوند رحیم افق نور دیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و

نقش آن در کل قرآن فکرو دل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم؛ هر لحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی در معرض دیگران قرار دهم؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه در حیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم و اعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را در سینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بار قابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمایی می کند. کاری که از عهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی بر نمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی در تفسیر قیم راهنما انجام داده اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرده ام؛ هر چند که قبل از من به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰- از خوبیهای علم در دوران جدید این است که آنچه را در تصور ذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم در آورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت. شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن و نامرئی شدن

و صدها نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علمی که از قواعد و ضوابط مثل تفسیر قرآن برخوردار است.

۱۱- بسیاری از تفاسیر که در دوران قدیم نوشته شده است در محدوده علم آموزی و دانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که در اختیار داشته و گرایش و هدفی که داشته است. در صورتیکه در زمان معاصر باید از نوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیر خوداری کرد و زیر نظر مجموعه ای از اساتید ، تفسیر همه جانبه نوشت. و حوزه های پژوهشی عظیمی به این امر مهم اختصاص یابد. امید است در آینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی در راستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش از آن چیزی که امروز وجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن در طول نگارش تفاسیر از نکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی از موارد یک مفهوم را در یک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و در جاهای دیگر قرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه (صلوة) را به این شکل و در جاهای دیگر قرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگر ما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و در قرآن برسیم باید با این ملاک واحد در کل قرآن به تحقیق پردازیم.

۱۳- اگرخواستیم عظمت قرآن را در نظر بگیریم باید اینطور تصور کرد که تمام عالم هستی دو بار تکرار شده است یکبار بصورت عینی در عالم خارج و یکبار بصورت مکتوب به صورت قرآن و اگر گفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت است که وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴- قرآن کریم در آیه ی بیست

و یکم سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معین آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معین آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز از همین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هر وقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند. و چهره کامل آن در زمان حکومت ولی عصر (عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَٰ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به

آنچه فرو فرستادم (/قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدر و قیمت و عظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی از موارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است. کسانی که خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظر داشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

۱۶- در این قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر حضرت امام خمینی (ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی (ره) - صفحه ۹۱ تا ۹۳ - پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی"):

(از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نوزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات

وینیات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضت‌های قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد های اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبانی ربی" دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه

هدایت بارقه ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار

مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلاّی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فرو بسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مختل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل

نطق ظاهر که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهای معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً- توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز میرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ پردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمر آن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) -

وجود لفظی (علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) - وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) - وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی. از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مباحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستور زبان که اختصاص بزبانی معین دارد. (علم منطق - رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگر بر این مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیت های علمی و قرآنی ما از چهار حالت خارج نیست:

الف- وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی؛ روان خوانی؛ تندخوانی؛ صوت و لحن؛ علم تجوید؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛ و تمام فعالیت هایی که در این حوزه لفظی قرآن می شود.

ب- وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط و نوشتن قرآن؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج- وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه در ذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسر و محقق قرآن وجود دارد و بر روی آن تدبر و تفکر می کند و آن را نشر و ارائه می دهد. و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د- وجود عینی قرآن که به دو صورت جلوه می کند یا بصورت فردی که در یک انسان قرآنی در خارج مصداق پیدا می

کند و حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهر عینی کامل قرآن در عالم خارج است و قرآن ناطق است و در زمان ما حضرت امام ولی عصر (عج) می باشد و یا بصورت جمعی تجلی و ظهور پیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله در آینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هر حال هر کس که عالم و خادم قرآن باشد بصورت حصر عقلی از یکی از این چهار قسم خارج نیست؛ و کسیکه در حوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند در بخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد و وقتی در عرصه نشر مکتوب می پردازد در جایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگر بخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست؟ باید کتابهای مستقلی تألیف گردد؛ که امیدواریم این مهم در آینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷- ما در اینجا بر اساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش از هزار تا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی و بر اساس حروف الفبا استخراج کرده ایم؛ باشد که انشاء الله در آینده این علم (مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیر تفسیر راهنما را ملاک قراردادیم که نسبت به تمام تفاسیرهای قرآن بعضی از استانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را در مقدمه آن تفسیر شایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی از کلمات مشترک لفظی و بعضی از آنها مشترک معنوی می باشند؛ و تعدادی از کلمات نیز عربی و فارسی می باشد؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدور فهرست کلمات را بررسی کند. این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتر برای محققین و پژوهشگران قرآنی

و کسانی که می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند و یا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

نامنی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نامنی

احساس نامنی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۲۰

۲۰ - موسی (ع) به خاطر ارتکاب قتل ، نزد فرعونیان امنیت جانی نداشت .

فنجینک من الغم

بلائی نامنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۸

۸- گرسنگی و نامنی ، از بلا های مهم اجتماعی است .

قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

بهانه نامنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیمار دل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و يستئذون فریق منهم النبى يقولون ان بيوتنا عوره و ما هي بعوره ان يريدون الا فر

۱۶ مجازات دنیوی محاربان و فسادانگیزان در مقایسه با مجازات اخروی آنان ، بسی اندک و ناچیز است .

ذلك لهم خزی فی الدنيا و لهم فی الاخره عذاب عظیم

تصریح به بزرگی عذاب محاربان در آخرت در مقابل کیفر دنیوی آنان، گویای برداشت فوق است.

۲۷ بریدن یک دست و یک پا از جهت مخالف و سپس به دار آویختن ، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها به همراه قتل و غارت

اموال

انما جزؤا الذین یحاربون الله

و رسوله .. و ارجلهم من خلف

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: .. و ان كانوا اخافوا السبيل و قتلوا النفس و اخذوا المال امر بقطع ايديهم و ارجلهم من خلاف و صلبهم بعد ذلك ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

زمینه ناامنی اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۵

۱۵- فقر و گرسنگی مردم، زمینه ساز ناامنی اجتماعی است . *

فكفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

از اینکه خداوند در کیفر کفران نعمت، ابتدا فقر و گرسنگی و سپس ترس و ناامنی را مطرح ساخته است، می توان به دست آورد که فقر و گرسنگی زمینه ناامنی اجتماعی، همچون دزدی و ... را فراهم می آورد.

زمینه ناامنی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۶ - ۱

۱ - قتل مرد قبطی، ظلم موسی (ع) به خود و باعث به خطر افتادن جان او از سوی فرعونیان

فوكزه موسى فقضى عليه .. قال ربّ اِنّي ظلمت نفسي

موسی(ع) در پیشگاه پروردگار اعتراف کرد که مرتکب خطای بزرگی شده و با کشتن مرد قبطی، در معرض خطری جدی قرار گرفته است.

عوامل ناامنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ ناامن بودن اطراف و حوالی يك منطقه ، مایه زوال امنیت آن منطقه است .

أو

تَحَلَّ قَرِيْبًا مِنْ دَارِهِمْ

نامن بودن حوالی مکه به عنوان تهدیدی برای آن دیار ، گویای برداشت فوق است.

عوامل ناامنی اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۶، ۹، ۷، ۶

۶- مبتلا شدن جامعه به فقر ، گرسنگی و ناامنی ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

۷- کمترین کیفر الهی برای جامعه ناسپاس ، پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی فراگیر است . *

فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <اذاق> اشاره به چشاندن و ظاهر ساختن گوشه ای از کیفر باشد و <لباس> اشاره به اثرات و فراگیری آن کیفر داشته باشد.

۹- ابداع روش های جدید برای گناه و استمرار آن و نیز ناسپاسی در برابر خدا ، عامل پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی اجتماعی

فکفرت بأنعم الله .. بما كانوا يصنعون

برداشت فوق، با توجه به واژه <يصنعون> که در بردارنده معنای ابداع و ایجاد مسبوق به عدم است، استفاده گردید.

۱۶- دستیابی جامعه به امنیت ، رشد و رفاه اقتصادی و یا ابتلای آن به فقر ، گرسنگی ، ناامنی و ترس ، در گرو اعمال افراد آن جامعه است .

و ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۳ - ۷

۷- فقر ، ناامنی و عذاب دنیوی ، دستاورد تکذیب کنندگان انبیا و رسولان الهی

فأذقها الله لباس الجوع و الخوف . . . رسول منهم فكذبوه

فأخذهم العذاب

عوامل ناامنی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۴

۱۴- روی آوری فقر ، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما ک

برداشت فوق چنان چه عده ای از مفسران گفته اند بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

کیفر ناامنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۰

۲۰ سلاح بر گرفتن و ایجاد ناامنی در راه ها همراه با قتل ، محاربه با خدا و رسول و کیفر آن اعدام است .

انما جزؤا الذين يحاربون الله .. ان يقتلوا

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ از سؤال حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: .. و ان كانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس امر بقتلهم

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

۲۵ تبعید محارب (از محل ارتکاب جرم به شهری دیگر) و قطع معاشرت وی با مردم ، کیفر سلاح بر کشیدن بدون قتل و غارت

انما جزؤا الذين يحاربون الله .. او ینفوا من الارض

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: .. و ان شهر السیف فحارب الله و رسوله و سعی فی الارض فساداً و لم یقتل و لم يأخذ المال ... ینفی من المصر الذی فعل

فيه ما فعل الى مصر غيره و يكتب الى اهل ذلك المصر انه منفي فلا- تجالسوه و لا- تباعوه و لا- تناكحوه و لا تواكلوه و لا تشاربوه ...

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۶ زندانی کردن، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها، بدون قتل و غارت

انما جزؤا الذين يحاربون الله... او ينفوا من الارض

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مرم بسته اند فرمود: ... فان كانوا اخافوا السبيل فقط و لم يقتلوا احداً و لم يأخذوا مالا امر بايداعهم الحبس فان ذلك معنى نفيهم من الارض ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

۲۷ بریدن یک دست و یک پا از جهت مخالف و سپس به دار آویختن، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها به همراه قتل و غارت اموال

انما جزؤا الذين يحاربون الله و رسوله... و ارجلهم من خلف

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: ... و ان كانوا اخافوا السبيل و قتلوا النفس و اخذوا المال امر بقطع ايديهم و ارجلهم من خلاف و صلبهم بعد ذلك ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

ناامنی اخروی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۳

۳ - دنیا جویان آسایش طلب، فاقد امنیت و

آسایش در آخرت

يستعجل بها الذين لا يؤمنون . . . و من كان يريد حرث الدنيا ... ترى الظلمين مشفقين

نامنی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵ - ۸

۸- در امان نبودن بنی اسرائیل حتی در زوایای خانه های خود ، به دنبال فسادانگیزی و تعقیب قرار گرفتنشان از سوی مردانی جنگاور

فجاسوا خلل الديار

نامنی تهمت زنندگان به مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۷

۷- اتهام زنندگان به مریم (س) ، از سلامت و امنیت بی بهره بودند .

و السلم علی

<السلام>، یعنی سلام کامل و دارای همه خصوصیات. این سخن داری حصر اضافی است و در برابر کسانی که برای توییح مریم گرد آمده بودند، حاوی نوعی تعریض است؛ یعنی تنها من از آن سلامت کامل برخوردارم، ولی شما چنین نیستید.

نامنی جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۱۱

۱۱ - > عن رسول الله (ص) قال : إذا أخذتم الساحر فاقتلوه ثم قرأ < و لا یفلح الساحر حیث أتى > قال : لا یأمن حیث وجد ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: هرگاه بر ساحری دست یافتید او را بکشید؛ سپس این آیه را قرائت فرمود: <حو

لايفلح الساجر حيث أتي < [آن گاه] فرمود: ساجر هر جا يافت شود در امان نيست >.

نامني در اطراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۳

۳ - نامني و آدم ربائي در پيرامون مکه ،

در دوران آغاز اسلام ، رواج داشته است .

أولم يروا أننا جعلنا حرمًا آمنًا و يتخطف الناس من حولهم

نامنی دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ دنیا سرایی است نامن و آرمیدن در آن و گردش بر مدار آن ، نشانه ای است از کوته نظری .

إنما مثل الحیوه الدنیا .. کذلک نفصل الأیت لقوم یتفکرون

غرض از تمثیل در آیه شریفه به قرینه آیه بعد (و الله یدعوا الی دارالسلام ..) بیان این حقیقت است که: این سرا، سرایی است که در معرض انواع حوادث و رخدادهای مرگبار است و انسان نباید به چنین جایی بسنده کند و آن را وجهه همت خود قرار دهد. گفتنی است که از ذیل آیه (لقوم یتفکرون) استفاده می شود که اهل دنیا مردمانی فاقد فکر و اندیشه هستند.

نامنی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۴

۴ مؤمنان راهی بهشت با فرمان اصحاب اعراف به آن جایگاه رفیع وارد خواهند شد .

ادخلوا الجنة

ظاهر این است که جمله <اهؤلاء الذین .. > دنباله سخنان اصحاب اعراف با کافران مستکبر باشد. یعنی: قالوا ... هؤلاء الذین ... بر این تقدیر جمله <ادخلوا ... > نیز سخن اعرافیان است.

نامنی مؤمنان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۷

۱۷ - زندگی مؤمنان نیکوکار صدراسلام در بیشترین دوران بعثت ، همراه با ترس و نامنی از سوی دشمنان بود .

ءامنوا منكم و عملوا الصلحت .. و لبيدلتهم من بعد خوفهم آمن

مقصود از خوف و ناامنی در آیه شریفه به قرینه وعده جایگزین شدن آنان به جای کافران حاکم ناامنی و ترسی است که از ناحیه کافران و دشمنان به وجود آمده بود و چون این آیات، در سال های پایانی دوران بعثت نازل گردیده بود، می رساند که مؤمنان، بیشترین دوران بعثت را به حالت ترس و اضطراب گذرانده اند.

ناپسندی ناامنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۱۱

۱۱ - امنیت ، نعمتی الهی است و ناامنی و جو آدم ربایی ، امری نامطلوب و نکوهیده است .

أولم يروا أننا جعلنا حرمًا آمنًا و يتخطف الناس من حولهم أفعالبطل .. و بنع

ناسخ و منسوخ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{ناسخ و منسوخ}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۳۷

۳۷ آیات منسوخ ، از مصادیق متشابه و ناسخ آنها از محکومات است .

منه آیات محکومات .. و اخر متشابهات

امام باقر (ع): .. فالمنسوخات من المتشابهات و المحکومات من الناسخات.

کافی، ج ۲، ص ۲۸، ح ۱ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۱۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۱۸

۱۸ اسلام ، ناسخ ادیان گذشته

و لو آمن من اهل الكتب لكان خيراً لهم

بنابر اینکه <خیر>، اسم تفضیل نباشد و منظور از ایمان، ایمان به اسلام و پیامبر (ص) باشد.

ناسخ

آیات ناسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- آیات ناسخ و منسوخ ، همه از جانب پروردگار نازل شده است .

قل نزلہ روح القدس من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۲۳

۲۳- > عن أبي عبد الله (ع) في قوله : > و لا تجهر بصلاتك و لاتخافت بها > قال : نسختها > فاصدع بما تؤمر < السوره حجر الأيه ۹۴ ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره سخن خدا > و لا تجهر بصلاتك و لاتخافت بها < فرمود: این آیه شریفه، به وسیله آیه ۹۴ از سوره حجر: > فاصدع بما تؤمر < نسخ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۹ - ۱۷

۱۷ - > عن مسعده ابن صدقه قال : دخل سفیان الثوری علی ابي عبد الله . . . فأتاه قوم مّمن یظهرون الزهد . . . فقالوا یقول الله تبارک و تعالی مخبراً عن قوم من أصحاب النبى (ص) > و یؤثرون علی أنفسهم و لو کان بهم خصاصه . . . > فمدح فعلهم . . فقال أبو عبد الله (ع) : . . . أخبرونی . . . ألكم علم بناسخ القرآن و منسوخه . . . فقالوا له أو بعضه و أمّا کلّه فلا فقال لهم . . . فأما ما ذکرتم من أخبار الله عزوجلّ إيانا فی کتابه عن القوم الذین اخبر عنهم بحسن فعالهم فقد کان مباحاً جائزاً و لم یکنوا نهوا عنه و ثوابهم منه علی الله عزوجلّ و . . . انّ الله

جَلَّ و تقدس أمر بخلاف ما عملوا به فصار أمره ناسخاً لفعالهم . . . هذا ما نطق به الكتاب . . . > والذين إذا أنفقوا لم يسرفوا و لم يقتروا و كان بين ذلك قواماً < ;

از مسعده بن صدقه روايت شده است: سفیان ثوری وارد بر امام صادق(ع) شد . . . و جمعی از کسانی که اظهار زهد می کردند وارد شدند . . . و گفتند: خدای تعالی در حالی که از قومی از اصحاب پیغمبر خبر می دهد، می فرماید: >ویؤثرون علی أنفسهم...< و فعل آنان را ستوده است . . . پس امام صادق(ع) فرمود: آیا شما از ناسخ و منسوخ قرآن آگاهی دارید . . . گفتند: بعضی را می دانیم؛ ولی همه رانمی دانیم. امام به آنان فرمود: . . . آنچه را یاد نمودید که خداوند در کتاب خود از حسن عمل قومی خبر داده، این عمل در آن زمان مباح بوده و از آن نهی نشده بود و ثواب آن عمل برای آنان نزد خداوند بوده است؛ ولی خداوند برخلاف عمل آنان، امر فرموده و امر خدا ناسخ فعل آنان است . . . این است آنچه کتاب خدا به آن سخن گفته: والذین إذا أنفقوا لم يسرفوا...<.

حقانیت آیات ناسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۷

۷- نزول تدریجی قرآن و ناسخ و منسوخ آن ، امری به حق و بایسته

و إذا بدلنا آیه مکان آیه . . . قل نزله روح القدس من ربک بالحقّ

مراد از ناسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶

۱۷ - از امام باقر (ع) درباره سخن خدا که می فرماید: < ما ننسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها أو مثلها > روایت شده که فرمود: < الناسخ ما حوّل... مثل قوم یونس إذ بداله فرحمهم... >

ناسخ عبارت است از چیزی که تغییر دهد... مثل قوم یونس زمانی که برای خدا نسبت به عذاب آنان بداء حاصل شد و مورد رحمت خدا قرار گرفتند...>

ناسخ بودن اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۵ - ۵

۵ اسلام، ناسخ تمامی ادیان گذشته

و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه

بنابراینکه <الاسلام>، نام شریعت پیامبر (ص) باشد.

نسخ

{نسخ}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۵ - ۵

۵ اسلام، ناسخ تمامی ادیان گذشته

و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه

بنابراینکه <الاسلام>، نام شریعت پیامبر (ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۱۲، ۱۳

۱۲ تورات، ناسخ حرمت برخی از خوردنی ها بر بنی اسرائیل

كل الطعام كان حلا لبني اسرائيل الا ما حرم اسرائيل على نفسه من قبل ان تنزل التوري

بنابراينکه <من قبل> متعلق به <حرّم> باشد، یعنی حرمتهاى وضع شده برای بنى اسرائيل توسط يعقوب (ع)، تا قبل از نزول تورات بوده است.

۱۳ راه نداشتن نسخ در احكام شريعت ، پندار باطل يهود

الا ما حرم اسرائيل على نفسه من قبل ان

تنزل التوریه قل فاتوا بالتوریه فاتلوها

بنابراینکه <من قبل> متعلق به <کان حلا> باشد، یعنی برخی طعامها قبل از نزول تورات حلال بوده و تورات آن را حرام کرده است.

آثار نسخ آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۳

۳ - نسخ ادیان و نیز نسخ برخی از آیات و احکام قرآن، برانگیزنده مسلمانان به طرح پرسشهایی نا به جا از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

برداشت فوق بر این منبست که <أن تسئلوا> به معنای پرسش کردن باشد. از آن جا که لحن آیه گویای مذمت است، از آن پرسشها به پرسشهای نا به جا تعبیر شده است.

آثار نسخ احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۲،۳

۲ - امکان نسخ و تبدیل احکام، ترغیب کننده برخی از مسلمانان ها به درخواست تغییر و تبدیل برخی از آن احکام

ما ننسخ من آیه .. أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

با توجه به آیه قبل، می توان گفت: منشأ گرایش مسلمانان به درخواست نسخ برخی از احکام، طرح مسأله نسخ و امکان آن بوده است.

۳ - نسخ ادیان و نیز نسخ برخی از آیات و احکام قرآن، برانگیزنده مسلمانان به طرح پرسشهایی نا به جا از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

برداشت فوق بر این منبست که <أن تسئلوا> به معنای پرسش کردن باشد. از آن جا که لحن آیه گویای مذمت است، از آن پرسشها به پرسشهای نا به جا تعبیر شده است.

آثار نسخ ادیان

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۳

۳ - نسخ ادیان و نیز نسخ برخی از آیات و احکام قرآن ، برانگیزنده مسلمانان به طرح پرسشهایی نا به جا از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

برداشت فوق بر این مبناست که <أن تسئلوا> به معنای پرسش کردن باشد. از آن جا که لحن آیه گویای مذمت است، از آن پرسشها به پرسشهای نا به جا تعبیر شده است.

آثار نسخ در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۲

۲- نسخ و تغییر برخی از پیام های الهی ، دستاویزی برای مشرکان در مبارزه با پیامبر (ص) و متهم کردن او به دروغ گویی

و إذا بدلنا آیه مکان آیه .. قالوا إنما أنت مفتر

اعتراض به نسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۵

۵ - نسخ احکام دین امری ممکن و ناروا شمردن آن ، نشانه سفاهت و کم خردی است .

سیقول السفهاء من الناس ما ولیهم عن قبلتهم

حقیقت نسخ در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۷

۷- بیشتر منکران و تکذیب کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، به حقیقت نسخ و حکمت آن جاهل بودند .

و إذا بدلنا آية .. أكثرهم لا يعلمون

درخواست نسخ احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۴،۹

۴ - مسلمانانی که در صدد

درخواست نسخ و تبدیل برخی از احکام بودند ، مورد نکوهش شدید خداوند قرار گرفتند .

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

در اینکه مخاطب <أن تسئلوا> مسلمانان هستند یا اهل کتاب، دو نظر ابراز شده است. <کما سئل موسی> تأیید کننده این نظر است که مخاطب مسلمانان هستند و گرنه در عبارت بعد گفته می شد: <کما سألتم موسی>. جمله <أم تریدون> (آیا می خواهید) دلالت می کند که درخواست یا پرسش، انجام نشده بود و لذا در برداشت گفته شد: <در صدد درخواست ...>.

۹- درخواست نسخ و تبدیل برخی از احکام ، زمینه ساز از دست دادن ایمان و گرایش به کفر است .

أم تریدون أن تسئلوا .. و من یتبدل الکفر بالایمن

رد شبهات نسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۷

۷- توجه به قدرت همه جانبه خداوند و انحصار حاکمیت او بر هستی زایل کننده هر شبهه ای درباره نسخ ادیان و احکام دین است .

ما ننسخ من آیه أو ننسها .. ألم تعلم أن الله علی کل شیء قدير. ألم تعلم أن الل

استفهام تقریری در دو جمله <ألم تعلم أن الله علی ..> و <ألم تعلم أن الله له ...> بیانگر این است که: مخاطبان (انسانها) در ارتباط با نسخ دین و جایگزینی آن شبهه هایی داشته یا برای آنان رخ خواهد داد. خداوند، برای یافتن پاسخ شبهات، آنان را به توجه در قدرت همه جانبه و حاکمیت مطلق خویش، سفارش کرده است.

زمینه نسخ احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۱۱ - نافرمانی مسلمانان و نادیده گرفتن حرمت آمیزش در شب های رمضان ، از زمینه های نسخ آن حکم بود .

أحل لكم .. علم الله أنكم كنتم تختانون أنفسكم فتاب عليكم و عفا عنكم

جمله <علم الله ..> نیز همانند <هن لباس لكم ...> بیان حکمت و دلیل جعل حلیت آمیزش در شبهای ماه رمضان (أحل لكم ...) است.

فلسفه نسخ ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۹

۹ - نسخ ادیان و جایگزینی دینی دیگر از سوی خدا ، در جهت تدبیر امور انسان ها و به منظور یاری آنهاست .

ما ننسخ من آیه .. و ما لكم من دون الله من ولی و لانصیر

برداشت فوق مقتضای ارتباط بین جمله <ما ننسخ من آیه ..> با جمله <و ما لكم ...> است.

فلسفه نسخ در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۶،۷

۶- نسخ و تبدیل آیات و پیام های قرآن ، دارای حکمت و دلیلی عالمانه است .

و إذا بدلنا آیه مکان آیه و الله أعلم بما ينزل

۷- بیشتر منکران و تکذیب کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، به حقیقت نسخ و حکمت آن جاهل بودند .

و إذا بدلنا آیه .. أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱۰

۱۰- تثبیت ایمان مؤمنان و هدایت و بشارت به مسلمانان ، از اهداف نسخ و تغییر پیام های الهی و نزول تدریجی آیات

و إذا بدلنا آية مكان آية... قل نزله... ليثبت الدين آمنوا و هدى و بشرى

منشأ نسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۴،۱۴

۴ - نسخ ادیان و نسخ آیاتی از قرآن و احکامی از دین اسلام، تنها به دست خدا و در اختیار اوست .

ما ننسخ من آية... ألم تعلم أن الله على كل شيء قدير

از اینکه نسخ به خداوند نسبت داده شده و نیز از تعلیل آن به اقتدار خداوند با جمله < ألم تعلم... >، برداشت فوق به دست می آید.

۱۴ - نسخ ادیان و احکامی از دین، درخورِ دارنده قدرت مطلق است .

ما ننسخ من آية أو ننسها... ألم تعلم أن الله على كل شيء قدير

جمله < ألم تعلم... > (البته دانستی که خدا بر هر چیز تواناست) دلیل برای حقایقی است که در آیه مطرح شده است و از آنهاست نسخ کردن احکام و یا به فراموشی انداختن آنها؛ یعنی، چون خداوند دارای قدرت مطلق است، می تواند دینی را نسخ کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۲۳

۲۳ - خداوند بر اثبات حکمی و برداشتن آن در زمانی مناسب، و نیز جایگزین کردن آن با دستوری دیگر، تواناست .

فاعفوا و اصفحوا حتى يأتي الله بأمره إن الله على كل شيء قدير

جمله < إن الله... > را می توان با هر یک از حقایق مطرح شده در آیه ملاحظه کرد و به مناسبت آن، هدف از توجه دادن مخاطبان را

به قدرت فراگیر خداوند، دریافت. دربرداشت فوق جمله <إِنَّ اللَّهَ...> در ارتباط با فرمان به عفو و گذشت و نسخ آن در آینده لحاظ شده است.

منشأ نسخ احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۰

۱۰ - تشریح احکام دین و نسخ آنها به دست خداوند و در اختیار اوست .

قد نرى تقلب وجهك فى السماء فلنولينك قبلة ترضيها

منشأ نسخ قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۰

۱۰ - تشریح احکام دین و نسخ آنها به دست خداوند و در اختیار اوست .

قد نرى تقلب وجهك فى السماء فلنولينك قبلة ترضيها

نسخ آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۷

۷ - خداوند ، هرگاه آیه ای از قرآن یا حکمی از اسلام را نسخ کند و یا به متارکه آن فرمان دهد ، آیه و حکمی بهتر یا همسان با آن را نازل می کند .

ما ننسخ من آیه أو ننسها نأت بخیر منها أو مثلها

نسخ احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۱۴،۱۵

۱۴ - نسخ ادیان و احکامی از دین ، درخورِ دارنده قدرت مطلق است .

ما ننسخ من آیه أو ننسها .. ألم تعلم أن الله کل شیء قدیر

جمله < ألم تعلم .. > (البته دانستی که خدا بر هر چیز تواناست) دلیل برای حقایقی است که در آیه مطرح شده است و از آنهاست نسخ کردن احکام و یا به

فراموشی انداختن آنها؛ یعنی، چون خداوند دارای قدرت مطلق است، می تواند دینی را نسخ کند.

۱۵ - تشریح دینی به جای دین نسخ شده و نازل کردن حکمی به جای حکم منسوخ، درخورِ دارنده قدرت مطلق است.

نأت بخیر منها أو مثلها ألم تعلم أن الله كل شیء قدیر

در برداشت فوق جمله تعلیلیه < ألم تعلم .. > در ارتباط با < نأت بخیر ... > معنا شده است؛ یعنی، چون خداوند دارای قدرت مطلق است، بر جای گزینی شریعتی بهتر و یا همانند شریعت منسوخ، تواناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۷

۷ - توجه به قدرت همه جانبه خداوند و انحصار حاکمیت او بر هستی زایل کننده هر شبهه ای درباره نسخ ادیان و احکام دین است.

ما ننسخ من آیه أو ننسها .. ألم تعلم أن الله علی كل شیء قدیر. ألم تعلم أن الل

استفهام تقریری در دو جمله < ألم تعلم أن الله علی .. > و < ألم تعلم أن الله له ... > بیانگر این است که: مخاطبان (انسانها) در ارتباط با نسخ دین و جایگزینی آن شبهه هایی داشته یا برای آنان رخ خواهد داد. خداوند، برای یافتن پاسخ شبهات، آنان را به توجه در قدرت همه جانبه و حاکمیت مطلق خویش، سفارش کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۲۳

۲۳ - خداوند بر اثبات حکمی و برداشتن آن در زمانی مناسب، و نیز جایگزین کردن آن با دستوری دیگر، تواناست.

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی الله بأمره إن الله

علی کل شیء قدیر

جمله <إِنَّ اللَّهَ...> را می توان با هر یک از حقایق مطرح شده در آیه ملاحظه کرد و به مناسبت آن، هدف از توجه دادن مخاطبان را به قدرت فراگیر خداوند، دریافت. در برداشت فوق جمله <إِنَّ اللَّهَ...> در ارتباط با فرمان به عفو و گذشت و نسخ آن در آینده لحاظ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۵

۵ - نسخ احکام دین امری ممکن و ناروا شمردن آن ، نشانه سفاهت و کم خردی است .

سيقول السفهاء من الناس ما وليهم عن قبلتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۷

۷ - انتظار و اشتیاق پیامبر (ص) برای نسخ قبله سابق (بیت المقدس) دارای نقشی بسزا در نسخ آن بود .

قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبلة ترضيها

تفریع جمله <فلنولينك...> بر <قد نرى...> به وسیله حرف <فاء> می رساند که انتظار و اشتیاق پیامبر(ص) به تغییر قبله در آن امر مؤثر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۲

۲ - حرمت آمیزش با همسران در شب های رمضان پس از مدتی نسخ شده و این عمل حلال گشت .

أحل لكم ليلة الصيام الرفث إلى نسائكم .. فالن بشروهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۱۴، ۱۰، ۷

۷ نقش زمان ، در تغییر و تبدیل برخی احکام الهی

لکم بعض الذی حرّم علیکم

۱۰ معجزات عیسی (ع)، نشانه ای از سوی پروردگار، برای اثبات رسالت او و صحّت تغییر برخی احکام الهی توسط وی

و لآحلّ لکم .. و جئتکم بایه من ربکم

جمله <و جئتکم بایه>، پس از بیان تغییر برخی احکام، تذکر به این معناست که تغییر احکام باید تنها از جانب پیامبران با ارائه معجزه برای اثبات نبوت صورت گیرد.

۱۴ نپذیرفتن تغییرات احکام که توسط پیامبر جدید ابلاغ می شود خلاف تقواست .

و لآحلّ لکم .. فاتّقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸

۱۴ نوید خداوند به نسخ کیفر زنا (حبس ابد)

و التي یأتین الفاحشه .. فامسکوهنّ ... او یجعل الله لهنّ سبیلاً

۱۶ امکان نسخ در احکام الهی

او یجعل الله لهنّ سبیلاً

۱۷ حکم خدا (شلاق) در مورد فحشای زنان، ناسخ حکم حبس ابد در مورد آنان

و التي یأتین الفاحشه من نسائکم .. فامسکوهنّ فی البیوت حتی یتوفیهنّ الموت او یج

امام صادق (ع) درباره <سبیل> در آیه فوق فرمود: منسوخه و السبیل هو الحدود.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۰؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۵۳، ح ۲.

۱۸ حبس ابد و محرومیت از گفتگو و همنشینی، کیفر منسوخ شده فحشای زنان

فامسکوهنّ فی البیوت

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: هذه منسوخه .. كانت المرأه ... ادخلت بيتاً و لم تحدث و لم تكلم و لم تجالس و اوتيت فيه بطعامها و شرابها حتى تموت ...

تفسير عياشى،

ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۳

۳ لزوم پایداری هر مؤمن در میدان نبرد با دو کافر، نسخ کننده حکم پیشین (لزوم پایداری هر مؤمن در برابر ده کافر)

ان یکن منکم عشرون .. الثن خفف الله عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۵

۵ - خداوند، حکم صدقه نجوا را در پی امتناع ورزیدن مسلمانان از آن و ترک کردن گفتوگوی محرمانه با پیامبر اکرم (ص) لغو و نسخ کرد.

فإذ لم تفعلوا و تاب الله علیکم

مفسران، بر آنند که این آیه ناسخ حکم صدقه نجوا است.

نسخ احکام اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۳،۴،۷

۳ - امکان نسخ در آیات قرآن و احکام اسلام

ما ننسخ من آیه أو ننسها

از مصادیق <آیه> می تواند آیه ای از قرآن و یا حکمی از اسلام باشد.

۴ - نسخ ادیان و نسخ آیاتی از قرآن و احکامی از دین اسلام، تنها به دست خدا و در اختیار اوست.

ما ننسخ من آیه .. ألم تعلم أن الله علی کل شیء قدیر

از اینکه نسخ به خداوند نسبت داده شده و نیز از تعلیل آن به اقتدار خداوند با جمله <ألم تعلم ..>، برداشت فوق به دست می آید.

۷- خداوند ، هرگاه آیه ای از قرآن یا حکمی از اسلام را نسخ کند و

یا به متارکه آن فرمان دهد، آیه و حکمی بهتر یا همسان با آن را نازل می کند .

ما ننسخ من آیه أو ننسها نأت بخیر منها أو مثلها

نسخ احکام تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۳

۳ نسخ بعضی از احکام تورات، توسط حضرت عیسی (ع)

و لآحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم

چون مخاطبان عیسی (ع)، بنی اسرائیل بودند، و شریعت بنی اسرائیل تا قبل از عیسی (ع)، شریعت حضرت موسی (ع) بوده، بنابراین چیزهایی که عیسی (ع) برای آنان حلال می کند، چیزهایی است که تورات آنها را تحریم کرده است.

نسخ ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۱۵، ۱۴، ۱۱، ۶، ۴، ۱

۱ - ادیان الهی قابل نسخ شدن است .

ما ننسخ من آیه أو ننسها

از مصادیق مورد نظر برای <آیه> - به دلیل آیات گذشته که درباره بعثت پیامبر و دعوت اهل کتاب به شریعت اسلام بود - ادیان گذشته است. <ما> در <ما ننسخ> شرطیه و مفعول برای <ننسخ> می باشد و <من> بیانیه است؛ یعنی، آنچه از آیات را که نسخ کنیم و باطل سازیم ...

۴ - نسخ ادیان و نسخ آیاتی از قرآن و احکامی از دین اسلام، تنها به دست خدا و در اختیار اوست .

ما ننسخ من آیه .. ألم تعلم أن الله علی کل شیء قدیر

از اینکه نسخ به خداوند نسبت داده شده و نیز از تعلیل آن به اقتدار خداوند با جمله <ألم تعلم ..>، برداشت فوق به دست

آید.

۶ - خداوند ، در پی نسخ ادیان گذشته و واداشتن مردم به ترک آن ، دینی بهتر و یا همانند آن را به مردم ارائه می کند .

ما ننسخ من ءایه أو ننسها نأت بخیر منها أو مثلها

حرف <أو> برای بیان تنويع است. بنابراین مراد از <نأت بخیر منها...> (بهتر از آن یا همانند آنها را می آوریم) این است که احکام جایگزین شده، برخی بهتر از احکام منسوخ و برخی همانند آن است.

۱۱ - نسخ ادیان گذشته و ارائه آیینی بهتر و یا همانند آن ، رحمت و فضلی است از جانب خدا بر بندگان .

والله ذوالفضل العظیم. ما ننسخ من ءایه ... نأت بخیر منها أو مثلها

بیان فضل و رحمت الهی در آیه قبل و سپس بیان نسخ دینی و جایگزین کردن شریعتی دیگر، حاکی از آن است که: نسخ دینی و ارائه آیینی جدید، از مصادیق رحمت و فضل خداوند است.

۱۴ - نسخ ادیان و احکامی از دین ، درخورِ دارنده قدرت مطلق است .

ما ننسخ من ءایه أو ننسها .. ألم تعلم أن الله کل شیء قدیر

جمله <ألم تعلم ..> (البته دانستی که خدا بر هر چیز تواناست) دلیل برای حقایقی است که در آیه مطرح شده است و از آنهاست نسخ کردن احکام و یا به فراموشی انداختن آنها؛ یعنی، چون خداوند دارای قدرت مطلق است، می تواند دینی را نسخ کند.

۱۵ - تشریح دینی به جای دین نسخ شده و نازل کردن حکمی به جای حکم منسوخ ، درخورِ دارنده قدرت مطلق است .

نأت بخیر منها أو مثلها ألم تعلم أن الله کل شیء قدیر

در

برداشت فوق جمله تعلیلیه <ألم تعلم ..> در ارتباط با <نأت بخیر...> معنا شده است؛ یعنی، چون خداوند دارای قدرت مطلق است، بر جای گزینی شریعتی بهتر و یا همانند شریعت منسوخ، تواناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۷

۷ - توجه به قدرت همه جانبه خداوند و انحصار حاکمیت او بر هستی زایل کننده هر شبهه ای درباره نسخ ادیان و احکام دین است .

ما ننسخ من آیه أو ننسها .. ألم تعلم أن الله علی کل شیء قدير. ألم تعلم أن الل

استفهام تقریری در دو جمله <ألم تعلم أن الله علی ..> و <ألم تعلم أن الله له ...> بیانگر این است که: مخاطبان (انسانها) در ارتباط با نسخ دین و جایگزینی آن شبهه هایی داشته یا برای آنان رخ خواهد داد. خداوند، برای یافتن پاسخ شبهات، آنان را به توجه در قدرت همه جانبه و حاکمیت مطلق خویش، سفارش کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۲

۱۲ - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن ، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند .

ما ننسخ من آیه .. أم تریدون أن تسئلوا رسولکم ... و دّ کثیر من أهل الکتب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند

مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر(ص) دچار تردید کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۵ - ۵

۵ اسلام ، نسخ تمامی ادیان گذشته

و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه

بنابراینکه <الاسلام>، نام شریعت پیامبر (ص) باشد.

نسخ در حکم جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۴، ۳، ۱

۱ لزوم پایداری اهل ایمان در برابر لشکری با نیرویی ده برابر ، حکمی که پس از گذشت مدتی تخفیف داده شد .

الئن خفف الله عنکم

۳ لزوم پایداری هر مؤمن در میدان نبرد با دو کافر ، نسخ کننده حکم پیشین (لزوم پایداری هر مؤمن در برابر ده کافر)

ان یکن منکم عشرون .. الئن خفف الله عنکم

۴ بروز ضعف در جامعه ایمانی صدر اسلام ، موجب تخفیف حکم پایداری در برابر دشمنان شد .

الئن خفف الله عنکم و علم أن فیکم ضعفا

نسخ در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۴، ۳

۳ - امکان نسخ در آیات قرآن و احکام اسلام

ما ننسخ من آیه أو ننسها

از مصادیق <ءایه> می تواند آیه ای از قرآن و یا حکمی از اسلام باشد.

۴- نسخ ادیان و نسخ آیاتی از قرآن و احکامی از دین اسلام ، تنها به دست خدا و در اختیار اوست .

ما ننسخ من ءایه .. ألم تعلم أن الله علی کل شیء قدیر

از اینکه نسخ به خداوند نسبت داده شده و

نیز از تعلیل آن به اقتدار خداوند با جمله <ألم تعلم...>، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۲

۱۲ - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند.

ما ننسخ من آیه... أم تریدون أن تستلوا رسولکم... و قد کثیر من أهل الکتب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر(ص) دچار تردید کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۱،۳،۵

۱- متهم شدن پیامبر (ص) به دروغ گویی از سوی مشرکان، با رخ دادن نسخ و تبدیل پیامی به پیام دیگر در برخی از آیات قرآن

و إذا بدلنا آیه مکان آیه... قالوا إنما أنت مفتر

۳- وجود نسخ و تغییر برخی از پیام های الهی در قرآن به وسیله خود قرآن

و إذا بدلنا آیه مکان آیه

۵- نزول تدریجی آیات قرآن و تغییر برخی از آنها از نظر مفاد به مرور زمان، ناشی از علم الهی است.

و إذا بدلنا آیه مکان آیه و الله أعلم بما ينزل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ -

۲- آیات ناسخ و منسوخ ، همه از جانب پروردگار نازل شده است .

قل نزلہ روح القدس من ربک

نسخ صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۵

۵- خداوند ، حکم صدقه نجوا را در پی امتناع ورزیدن مسلمانان از آن و ترک کردن گفتوگوی محرمانه با پیامبر اکرم (ص) لغو و نسخ کرد .

فاذ لم تفعلوا و تاب الله علیکم

مفسران، بر آنند که این آیه ناسخ حکم صدقه نجوا است.

نسخ قبله بودن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۷

۷- انتظار و اشتیاق پیامبر (ص) برای نسخ قبله سابق (بیت المقدس) دارای نقشی بسزا در نسخ آن بود .

قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولينک قبله ترضیها

تفریع جمله < فلنولينک .. > بر < قد نری ... > به وسیله حرف < فاء > می رساند که انتظار و اشتیاق پیامبر (ص) به تغییر قبله در آن امر مؤثر بوده است.

ناصره از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

ناصره

خضر (ع) در ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹- > عن جعفر بن محمد (ع) : ... > فانطلقا حتى إذا أتيا أهل قرية < و هي الناصره /

از امام صادق (ع) روايت شده: .. مقصود از قريه، در آيه شريف قريه ناصره است <.

صفات اهل ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۷ - ۵

۵- مردم شهري كه موسى و خضر (ع)

به آن وارد شدند ، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی ، دور بودند .

فأبوا أن يضيّفوهما

ملاقات خضر(ع) با اهل ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به يك آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّى إذا أتيا أهل قرية

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

ملاقات موسی(ع) با اهل ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به يك آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّى إذا أتيا أهل قرية

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

موسی(ع) در ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۷ - ۱۹

۱۹- < عن جعفر بن محمد (ع) : . . . > فانطلقا حتّى إذا أتيا أهل قرية < و هي الناصره ;

از امام صادق(ع) روایت شده.. .. مقصود

از قریه، در آیه شریف قریه ناصره است <.

نافله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نافله

اهمیت نافله صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۱۳

۱۳- < عن أبي عبد الله (ع) انه سئل عن قول الله عزوجل : < و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً > قال : هو الركعتان قبل صلاة الفجر ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجل < و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً > سؤال شد، حضرت در جواب فرمود: آن دو رکعت (نماز نافله)، قبل از نماز صبح است <.

اهمیت نماز نافله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۵

۵ - اهمیت تعقیبات نماز و نوافل آن *

و من الليل فسبحه و أدبر السجود

در صورتی که سجده، اشاره به نماز داشته باشد؛ تعبیر <أدبار السجود> می تواند ناظر به تعقیبات نماز و نوافل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۳ - ۵،۶

۵ - < محمد بن فضیل عن أبي الحسن (ع) أنه قال : أولئك أصحاب الخمسين صلاة من شيعتنا . . . >

محمد بن فضیل از امام کاظم(ع) [درباره آیه <الذین هم علی صلاتهم دائمون>] روایت نموده که فرمود: آنان اصحاب پنجاه رکعت نماز، از شیعیان ما هستند <. گفتنی است که: الف مقصود از <پنجاه رکعت نماز> نمازهای یومیه به علاوه نافله های آن است. ب تعداد رکعات نمازهای یومیه و نوافل آن ۵۱ رکعت است لکن در برخی روایات درباره نافله عشاء آمده که این

یک رکعت از نوافل بشمار نمی

آید بلکه مستحبی است که صرفاً به منظور دو برابر شدن تعداد رکعات نافله نسبت به نمازهای یومیه اضافه شده است. (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۵۵، ح ۱۳۱۸). براساس این روایات، مجموع عدد نمازهای یومیه و نوافل پنجاه رکعت است.

۶- > عن فضیل، قال: سألت أبا جعفر (ع) عن قول الله عزوجل: > ..الذین هم علی صلاتهم دائمون < قال: هی النافله ; فضیل می گوید: از امام باقر(ع) از سخن خدای عزوجل > ..الذین هم علی صلاتهم دائمون < سؤال کردم فرمود: مراد نماز نافله است <.

دعا در نماز نافله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۳

۳- فرمان خداوند به پیامبر (ص) برای دعا و نیایش همراه با نماز و نوافل

أقم الصلوه .. فتَهَجِّدْ به نافله لك ... و قل رب أدخلى مدخل صدق

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که عبارت < و قل رب > عطف به < فتَهَجِّدْ .. > بوده و ذکر خاص بعد از عام بیانگر یکی از اعمال باشد که شایسته است در تهجد و نماز شب انجام گردد.

قضای نماز نافله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۱۰

۱۰ > عن عنبسه العابد، قال: سألت أبا عبد الله (ع): عن قول الله عزوجل: > و هو الذى جعل الليل و النهار خلفه لمن أراد أن يذكر أو أراد شكوراً < قال: قضاء صلاه الليل بالنهار و قضاء صلاه النهار بالليل ;

امام صادق در باره آیه

یاد شده فرمود: مراد قضای نمازهای شب در روز و قضای نمازهای روز در شب است. توضیح: با توجه به روایات قبل از حدیث یاد شده، در تهذیب و روایت صفحه ۱۱۶ از تفسیر قمی به نظر می رسد، قضای نماز نافله مقصود است.

مراد از نافله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۸

۸- > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عزوجل: < ووهبنا له اسحاق و يعقوب نافله > قال: ولد الولد نافله ;

از امام صادق(ع) در باره قول خدای عزوجل: <ووهبنا له اسحاق و يعقوب نافله > روایت شده که فرمود: فرزند فرزند، نافله است.<

نافله مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۷،۸

۷ - > عن زراره عن أبي جعفر (ع) قال: قلت له: ... < و أدبار السجود > قال: ركعتان بعد المغرب ;

زراره گوید: از امام باقر(ع) پرسیدم: ... مراد از تسبیح در <و أدبار السجود > چیست؟ فرمود: مراد دو رکعت نماز بعد از [نماز] مغرب است.<

۸ - > عن ابن أبي نصر قال: سألت الرضا (ع) عن قول الله < و من الليل فسبحه و أدبار السجود > قال: أربع ركعات بعد المغرب ;

ابن ابی نصر گوید: از امام رضا(ع) درباره سخن خداوند <و من الليل فسبحه و أدبار السجود > پرسیدم؛ حضرت فرمود: مراد چهار رکعت [نماز] بعد از نماز مغرب است.<

نام از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نام

آثار ذکر نام خدا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۵ - ۸

۸ - ذکر نام خدا و روی آوردن به نماز ، نشانه پندپذیری از قرآن ، ترس از خداوند و مایه دوری از آتش دوزخ است .

سیدّ کر من یخشی . و يتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار ... قد أفلح من ... فصلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۸ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی امت های گذشته ، رستگاری را در گرو تزکیه ، یاد نام خدا و ادای نماز دانسته ، از ترجیح زندگانی دنیا بر آخرت نکوهش کرده اند .

قد أفلح .. إنّ هذا لفی الصحف الأولى

مشارالیه <هذا> می تواند آیه قبل (و الآخره خیر و أبقی) باشد و ممکن است آن را اشاره به مفاد آیات <قد أفلح..> به بعد بدانیم. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۹ - ۳

۳ - برتری آخرت بر زندگانی دنیا و توقف رستگاری بر تزکیه ، یاد نام خدا و ادای نماز ، از معارف یاد شده در کتاب های آسمانی ابراهیم و موسی (ع)

قد أفلح .. بل تؤثرون ... صحف إبرهیم و موسی

آداب تفسیر نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱ - ۵

۵ - لزوم پرهیز از حمل نام های خداوند ، بر معنایی که زیننده او نیست .

سَبَّح اسم رَبِّكَ

آداب ذکر نام خدا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱ - ۴

۴ - نام خداوند ، هرگز نباید با اثبات صفات ناشایست و سلب صفات بایسته ، همراه شود .

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ

تسبیح و تقدیس و تنزیه به یک معنا است (مصباح). مراد از تسبیح نام خداوند، پاک و دور از عیب معرفی کردن آن است که مستلزم چند چیز است: ۱. همراه نساختن نام خداوند با وصفی ناشایست؛ ۲. حمل نکردن نام او بر معنایی نادرست؛ ۳. سلب نکردن صفات نیکو از آن؛ ۴. به کار نبردن نام های اختصاصی خداوند برای غیر او؛ ۵. پرهیز از بی احترامی به نام های او. برداشت یاد شده به برخی از امور یاد شده نظر دارد.

ابداع نام یحیی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۶

۶ - نام < یحیی > ، بیش از عصر زکریا ، در بین مردم بی سابقه بود .

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیاً

< سَمِیٌّ > ؛ یعنی ، هم نام (تاج العروس) و مراد از جمله < لم نجعل .. > این است که قبل از فرزند زکریا ، کسی به نام < یحیی > نام گذاری نشده بود .

اهمیت ذکر نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۵ - ۴

۴ - لزوم ذکر نام خدا پیش از نماز

ذکر اسم ربّه فصلی

اهمیت نام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۵

۵- اهمیت نام و نام گذارنده و نقش آن در شخصیت کودک

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیاً

تعبیر

<اسمه یحیی> از آن جهت مورد تصریح قرار گرفته است که تعیین آن از سوی خدا، خود شرافتی برجسته و قابل تأمل است.

اهمیت نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۱ - ۷،۸

۷ - رحمت گسترده خداوند و مهربانی او به بندگان ، دلیل لزوم انجام کارها با نام او

بسم الله الرحمن الرحيم

توصیف <الله> به رحمان و رحیم پس از اشاره به لزوم انجام کارها با نام خدا، گویای حکمت این دستور است / یعنی، چون خدا رحمان و رحیم است، کارها را با نام او آغاز کنید.

۸ - انجام کارها با نام خدا ، مایه جلب رحمت اوست .

بسم الله الرحمن الرحيم

توصیه به انجام دادن کارها با نام خدا و تذکر به رحمانیت و رحیمیت او به عنوان حکمت این توصیه، گویای این است که نام خدا در کارها، موجب جلب رحمت الهی و در نتیجه به کمال رسیدن آن کارهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱ - ۶

۶ - لزوم پرهیز از هرگونه جسارت و بی احترامی ، به نام های خداوند

سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ

بهترین نام ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۱

۱ تمای نام های بهتر و نیکوتر (أسماء حسنی) از آن خداوند است .

و لله الأسماء الحسنى

<ال> در <الأسماء> برای استغراق و به معنای کل است. <حسنى> مؤنث احسن و به معنای نیکوترین می باشد. توصیف
<الأسماء> به وصف <الحسنى> می رساند که مراد از اسم،

نامی است که معنای آن لحاظ شده باشد، یعنی اگر خداوند به <الرحمن> نامیده می شود، به لحاظ رحمت و اسعه اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۵

۵- تنها خداوند، دارای اسمای حسنی (بهترین نام ها) و برخوردار از برترین صفات

أَيُّمَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸ - ۳

۳- بهترین نام ها و اوصاف، از آن خدای یگانه و زینده او است.

له الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

<الْأَسْمَاءُ> جمع با الف و لام است و افاده عموم می کند و <الحسنی> اسم تفضیل است و مفاد آیه این است که تمامی نام های بهتر و نیکوتر، مخصوص خداوند است. توصیف اسم ها به حسن و خوبی، حکایت از آن دارد که مقصود نام هایی است که در اصطلاح صرفی، صفت نامیده می شود، مانند: رازق، شکور و رحیم، زیرا اسمی که معنای وصفی ندارد، تنها برای اشاره به ذات است و زشتی و زیبایی در باره آن معنا ندارد.

تبرک از نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۲

۲- تبرک جستن به نام خداوند در همه امور، امری شایسته و پسندیده

تبرک اسم رَبِّكَ

تعظیم ذکر نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱ - ۴

۴ - نام خداوند ، هرگز نباید با اثبات صفات ناشایست و سلب صفات بایسته ، همراه شود .

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ

تَسْبِيحٌ وَتَقْدِيسٌ

و تنزیه به یک معنا است (مصباح). مراد از تسبیح نام خداوند، پاک و دور از عیب معرفی کردن آن است که مستلزم چند چیز است: ۱. همراه نساختن نام خداوند با وصفی ناشایست؛ ۲. حمل نکردن نام او بر معنایی نادرست؛ ۳. سلب نکردن صفات نیکو از آن؛ ۴. به کار نبردن نام های اختصاصی خداوند برای غیر او؛ ۵. پرهیز از بی احترامی به نام های او. برداشت یاد شده به برخی از امور یاد شده نظر دارد.

تنزیه نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱ - ۴،۵

۱ - تسبیح خداوند و دور نگه داشتن نام های او از اوصاف ناروا، وظیفه ای الهی برعهده پیامبر (ص)

سَبِّح

۴ - نام خداوند، هرگز نباید با اثبات صفات ناشایست و سلب صفات بایسته، همراه شود.

سَبِّح اسم رَبِّک

تسبیح و تقدیس و تنزیه به یک معنا است (مصباح). مراد از تسبیح نام خداوند، پاک و دور از عیب معرفی کردن آن است که مستلزم چند چیز است: ۱. همراه نساختن نام خداوند با وصفی ناشایست؛ ۲. حمل نکردن نام او بر معنایی نادرست؛ ۳. سلب نکردن صفات نیکو از آن؛ ۴. به کار نبردن نام های اختصاصی خداوند برای غیر او؛ ۵. پرهیز از بی احترامی به نام های او. برداشت یاد شده به برخی از امور یاد شده نظر دارد.

۵ - لزوم پرهیز از حمل نام های خداوند، بر معنایی که زیننده او نیست.

سَبِّح اسم رَبِّک

توقیفیت نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲۰

۷ - نام های اختصاصی خداوند ، نباید بر غیر او نهاده شود .

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى

پاکیزه نگه داشتن نام خداوند، معنایی عام است و شامل نکته یاد شده نیز می باشد.

۱۴ - خداوند ، دارای نام هایی منزّه از دلالت بر کمترین عیب و سازگار با مقام والای او است .

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى

ذکر نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۵ - ۱،۶

۱ - به زبان آوردن نام خداوند ، درست کاری و مایه نجات است .

قد أفلح من .. و ذکر اسم ربّه

ذکر دو نوع است: ذکر با قلب و ذکر با زبان (مفردات راغب) و مراد از آن در آیه شریفه به قرینه کلمه <اسم> ذکر با زبان است.

۶ - یاد نام و اوصاف خداوند ، سوق دهنده انسان به عبادت و نماز است .

و ذکر اسم ربّه فصلی

زمینه تنزیه نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱ - ۹

۹ - باور به ربوبیت خداوند ، زمینه ساز پرهیز از همراه ساختن نام او با هرگونه وصف ناشایست .

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ

عظمت نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۴ - ۳

۳ - نام خداوند ، بزرگ و ارجمند است .

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

برداشت بالا، بر این احتمال است که <العظیم> وصف <اسم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۶ - ۴

۴ - نام

خدا ، بزرگ و ارجمند است .

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <العظیم> وصف <اسم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۲ - ۳

۳ - نام خداوند ، بزرگ و ارجمند است .

باسم رَبِّكَ الْعَظِيمِ

مبارکی نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۱

۱ - نام خداوند ، نامی خجسته و مبارک

تبرک اسم رَبِّكَ

موجبات ذکر نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۵ - ۳

۳ - توجه به جلوه های ربوبیت خداوند ، وادار سازنده انسان به عبادت و ذکر خدا و جاری ساختن نام او بر زبان است .

و ذکر اسم رَبِّهِ

نام پیشین مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۶

۶- یثرب ، نام پیشین مدینه پیامبر است .

يَا أَهْلَ يَثْرِبِ

نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۱ - ۱۰، ۲، ۳

۲- قرآن ، کتابی است آغاز شده با نام خدا و همراه با اعلام رحمت بر بندگان .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳- لزوم آغاز کردن کارها با نام خدا و گفتن < بسم الله >

بِسْمِ اللَّهِ

از آنجا که قرآن کتاب هدایت است و سخن خویش را با < بسم الله > آغاز کرده این نکته را به مخاطبانش القا می کند که کارهای خود را با < بسم الله > شروع کنند.

۱۰- عبدالله بن سنان می گوید از امام صادق (ع)

(از معنای < بسم الله الرحمن الرحيم > سؤال کردم ، آن حضرت فرمود : < الباء بهاء الله و السين سناء الله و الميم مجد الله و روى بعضهم ملك الله والله إله كل شيء > [و] الرحمن لجميع العالم و الرحيم بالمؤمنين خاصة ;

<بای> بسم الله، نشانگر خوبی و حسن خداوند و <سین> اشاره به رفعت او و <میم> اشاره به مجد و عظمت اوست. و بعضی روایت کرده اند که: [میم] اشاره به ملک و سلطنت خداوند است و <الله> معبود همه چیز است [و] <رحمان> نظر به رحمت او در باره همه عالم و <رحیم> نظر به رحمت او فقط درباره مؤمنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۴ - ۳

۳ لزوم تعظیم و اجلال نام خداوند

لا تجعلوا الله عرضة ليمانكم .. و الله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۸ - ۱،۲،۷

۱ بردن نام خدا به هنگام ذبح حیوان، شرط حلیت خوردن آن است.

فكلوا مما ذكر اسم الله عليه

جمله <مما ذكر اسم .. > گرچه بیان اباحه خوردن از گوشتی است که نام خدا به هنگام ذبح آن برده شده، در عین حال می تواند ارشاد به شرط بودن <تسمیه> هنگام ذبح باشد.

۲ خوردن ذبیحه ای که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده شده، مجاز است.

فكلوا مما ذكر اسم الله عليه إن كنتم بآيته مؤمنين

۷ تردید افکنی درباره حلیت حیوانی که با نام خدا ذبح شده باشد، از محورهای تبلیغاتی علیه

اسلام و پیامبر(ص) در مکه بوده است.

و إن تطع أكثر من فی الأرض .. فكلوا مما ذکر اسم الله علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۴

۴ نکوهش خداوند از برخی مسلمانان صدر اسلام به سبب تحریم خوردن گوشت حیوانی که با نام خدا ذبح شده است.

و ما لكم ألا تأكلوا مما ذکر اسم الله علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۱،۲،۳

۱ خوردن ذبیحه ای که نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

و لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله علیه

۲ خوردن از ذبیحه ای که نام خدا بر آن برده نشده، فسق (خروج از طاعت خداوند) است.

و لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله علیه و إنه لفسق

مرجع ضمیر <إنه>، <أكل> می تواند باشد که از جمله <لا تأكلوا> گرفته شده است.

۳ یاد نکردن عمدی نام خداوند در هنگام ذبح حیوان، فسق است.

و لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله علیه و إنه لفسق

مرجع ضمیر <إنه>، <ترك التسمیه> می تواند باشد که از مضمون جمله <مما لم يذكر> انتزاع شده و نتیجه آن برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۵،۷

۵ تعدد مشرکان عصر جاهلی به نبرد نام خدا بر بعضی از چهارپایان به هنگام ذبح

و أنعم لا يذكرون اسم الله عليها

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی

از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۲، ۶

۶ خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن یکون میتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزیر فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

۱۲ بردن نامی جز نام خدا بر حیوان به هنگام ذبح، فسق و خروج از طاعت خداست.

أو فسقا أهل لغير الله به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱ - ۸

۸ - هر نام که بر ربوبیت دلالت کند، ویژه خداوند است و بر غیر او روا نیست.

سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ

نام خدا قبل از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۵ - ۵

۵ - به جا آوردن نماز پس از ذکر نام خداوند، مایه رستگاری است.

قد أفلح من .. ذکر اسم ربّه فصلی

نام دین محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۷ - ۶

۶- < اسلام > ، نام دین حضرت رسول اکرم (ص)

و هو يدعى إلى الإسلام

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که کلمه <اسلام> در آیه شریفه، در معنای لغوی آن به کار نرفته باشد؛ بلکه مقصود از آن دین الهی پیامبر(ص) باشد.

نام ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۸

۸- > عن أبي

عبدالله (ع) قال : ملك الأرض كلها أربعه : مؤمنان و كافران . فأما المؤمنان : فسلیمان بن داوود و ذوالقرنین ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: چهار نفر بودند که بر تمام زمین حکومت کردند: دو نفر مؤمن و دو نفر کافر. آن دو نفر مؤمن: سلیمان بن داوود و ذوالقرنین بودند.*.

نام عبادتگاه زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۶

۶ - نام معبد هم کیشان حضرت زکریا ، < محراب > بود . *

فخرج علی قومه من المحراب

نام عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۱۰

۱۰ مسیح ، لقب حضرت عیسی ، و عیسی ، اسم او *

انما المسیح عیسی ابن مریم

معمولا اسم را توصیف به <ابن > می کنند بنابراین <عیسی > اسم آن حضرت و در نتیجه <مسیح > لقب او خواهد بود.

نام معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۸ - ۳

۳ - < الله > ، نام مخصوص و ویژه معبود یگانه و حقیقی هستی

إنما إلهکم الله الذی لا إله الا هو

نام یحیی در دوران زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۶

۶ - نام < یحیی > ، بیش از عصر زکریا ، در بین مردم بی سابقه بود .

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیاً

< سَمِی > یعنی ، هم نام (تاج العروس) و مراد از جمله < لم نجعل .. > این است که قبل از فرزند

زکریا، کسی به نام <یحیی> نام گذاری نشده بود.

نامگذاری با نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۹

۹ توصیف و نامیدن غیر خدا با نام ها و وصف های الهی ، الحاد در اسماء او و انحراف از اعتدال است .

و لله الأسماء الحسنی . . و ذروا الذین یلحدون فی أسمئه

جمله <و لله الأسماء الحسنی> دلالت می کند که هیچکس جز خدا دارای اسماء حسنی نیست. بنابراین نامیدن و توصیف غیر خدا با نیکوترین اسم و وصف که ویژه خداوند است از موارد الحاد در اسماء الهی خواهد بود.

نقش نام موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۱ - ۴

۴ - نام و علامت اشیا ، دارای نقشی اساسی در فراگیری علوم و معارف

و علم ادم الأسماء کلها

مراد از <الاسماء> حقایق هستی است نه فقط نامها و علامتهای آنها. بنابراین تعبیر کردن از حقایق هستی به نامها و علامتها، بیانگر این است که نام و نشان اشیا نقشی بسزا در علوم و معارف دارد.

نقش نام ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱۸

۱۸ خطاب جبرئیل به حضرت ابراهیم ، در عرفات : < اعرف بها مناسکک و اعترف بذنبک > سبب نامگذاری عرفات به این نام

فاذا افضتم من عرفات

امام باقر (ع) و امام صادق (ع): .. فقال <جبرئيل > هذه عرفات، فاعرف بها مناسكك و اعترف بذنبك فسَمي عرفات

كافي، ج ٤، ص ٢٠٧، ح ٩؛ علل الشرايع،

ج ۲، ص ۴۳۶، ح ۱، ب ۱۷۳.

نامگذاری

احکام نامگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۱۴

۱۴- از نام گذاری افراد و اشیا به نام های اختصاصی خداوند باید اجتناب کرد .

هل تعلم له سمياً

چنان که گفته شد، <سمی> به معنای هم نام است گفتنی است که آیه در صدد بیان امری حقیقی در مورد یکتایی خداوند و بی نظیر بودن او است؛ ولی نفی هم نام می تواند متضمن این پیام نیز باشد که نام گذاری افراد به نام های ویژه خداوند هر چند اعتباری بیش نیست ولی کاری ناروا است.

شرایط نامگذاری خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۱۰، ۷۸

۷ یاد خدا با نام و وصفی که حکایتگر نقص و کاستی است ، انحراف و خارج شدن از حق و اعتدال است .

و ذروا الذین یلحدون فی أسمئہ

<إلحاد> مصدر <یلحدون> به معنای انحراف و خروج از حد اعتدال است. انحراف در أسماء الهی به قرینه <لله الأسماء الحسنی> به این است که خداوند با نامی یاد شود و توصیف گردد که حاکی از نقص و کاستی است.

۸ در نامیدن خدا و توصیف او باید نام ها و وصفهایی را عنوان کرد که گویای کمال مطلق است .

و لله الأسماء الحسنی فادعوه بها

۱۰ نامیدن خداوند به اوصافی که حکایتگر نقص و کاستی است ، مستلزم کیفری از جانب او خواهد شد .

و ذروا الذین یلحدون فی أسمئہ سیجزون ما کانوا یعملون

فلسفه نامگذاری طارق

جلد - نام سوره - سوره

۴ - > عن ضحاک بن مزاحم قال سئل علی (ع) عن الطارق قال : هو أحسن نجم فی السماء و لیس تعرفه الناس و انما سمی الطارق لأنه یطرق نوره سماءً سماءً إلى سبع سماوات ثم یطرق راجعاً حتی یرجع إلى مکانه ;

از ضحاک بن مزاحم روایت شده است: از امام علی(ع) از معنای <طارق> سؤال شد، حضرت فرمود: نیکوترین ستاره ای است که در آسمان است و مردم آن را نمی شناسند و همانا <طارق> نامیده شده؛ چون نور آن در آسمان ها، یکی پس از دیگری تا هفت آسمان نفوذ می کند. سپس در بازگشت نیز هم چنان نفوذ می کند تا به محل اول برسد.<

فلسفه نامگذاری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۱۳

۱۳ > عن ابن عباس ... قال عبدالله بن سلام : ... یا محمّد (ص) فاخبرنی هل أنزل علیک کتاباً ؟ قال : نعم قال : و أئی کتاب هو ؟ قال : الفرقان ، قال : ولمّ سمّاه ربّک فرقاناً ؟ قال : لأنه متفرق الأیات و السور ... ;

ابن عباس گوید: عبدالله بن سلام [به رسول خدا(ص)...] گفت: یا محمد(ص)! به من خبر ده که آیا خدا کتابی بر تو نازل کرده است؟ فرمود: آری. گفت: آن کتاب کدام است؟ فرمود: فرقان است. گفت: چرا پروردگارت آن را فرقان نامیده است؟ فرمود: برای این که، آیه ها و سوره های آن متفرق

نازل شده است ...>.

فلسفه نامگذاری کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۱۰، ۱۱

۱۰ - > عن أبي عبد الله (ع) قال: إنَّ الله عزَّوجلَّ أغرق الأرض كلها يوم نوح إلا البيت فيومئذ سمى العتيق لأنه أعتق يومئذ من الغرق... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای عزوجل در روز طوفان نوح، همه زمین را غرق کرد، مگر <بیت[الله]>. پس در آن روز عتیق نامیده شد؛ زیرا در آن روز از غرق شدن آزاد شد.

۱۱ - > عن أبي حمزة الثمالي قال: قلت لأبي جعفر (ع) في المسجد الحرام: لأى شيء سمَّاه الله العتيق؟ فقال: إنه ليس من بيت وضعه الله على وجه الأرض إلا له ربٌّ و سكان يسكنونه غير هذا البيت فإنه لاربِّ له إلا الله عزَّوجلَّ و هو الحرّ... ;

ابوحمزه ثمالی گوید: به امام باقر(ع) در مسجدالحرام گفتم: چرا خدا [بیت الله] را عتیق نامیده است؟ فرمود: خداوند هیچ خانه ای را بر روی زمین ننهاده است مگر این که صاحب و ساکنانی دارد که در آن سکنی گزیده اند؛ غیر از این بیت که صاحبی به جز خدای عزوجل ندارد و آن [از مالکیت اشخاص] آزاد است...>.

فلسفه نامگذاری محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۱۶

۱۶ - > الحسن بن علي بن أبي طالب (ع) قال: جاء نفر من اليهود إلى رسول الله فسأله أعلمهم... لأى

شیء سُمِّيتَ مُحَمَّدًا و أَحْمَدًا . . . ؟ فقال النبي (ص) : أَمَا مُحَمَّدٌ فَإِنِّي محمود في الأرض و أَمَا أَحْمَدُ فَإِنِّي محمود في السماء .
; . .

امام مجتبی(ع) فرمود: گروهی از یهودیان، نزد رسول خدا(ص) آمدند. پس عالم ترین ایشان از آن حضرت پرسید: برای چه مُحَمَّد و احمد نامیده شدی؟ پیامبر(ص) فرمود: اما مُحَمَّد برای این است که در زمین ستایش شده ام و احمد برای این است که در آسمان ستایش گشته ام <.

فلسفه نامگذاری نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۵ - ۷

۷ > عن أبي عبد الله (ع) إنه قال : كان اسم نوح عبدالغفار و إنما سمى نوحاً لأنه كان ينوح على نفسه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نام حضرت نوح ، عبدالغفار بود و اینکه نوح نامیده شد ، برای این بود که بر خویشتن می گریست <.

منافقان مدینه و نامگذاری مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۷

۷ - منافقان ، به نام سابق مدینه ، علاقه مند بودند و از نامگذاری آن شهر به < مدینه النبی > ناخرسند بودند .

يأهل يثرب

با توجه به این که نام مدینه، در آیه صدو بیست از سوره توبه و آیه شصت از سوره احزاب آمده و در این جا، از قول منافقان، آن شهر به نام سابق اش خوانده شده، نکته بالا به دست می آید.

منشأ نامگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ -

۱۱- اسامی همه انسان ها را خداوند تعیین می کند . *

لم نجعل له من قبل سمياً

مراد از جمله <لم نجعل..>، این نیست که در بین آن اسامی که خداوند مستقیماً تعیین کرده است، نام <یحیی> وجود نداشته، بلکه این است که نام <یحیی>، نامی بی سابقه در بشر آن روزگار بوده است؛ بنابراین اسناد آن به خداوند در فعل <لم نجعل> گویای این است که باقی اسامی نیز به جعل خداوند است، گرچه این ارتباط بر همه کس آشکار نیست.

منشأ نامگذاری آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۶ - ۳

۳ - آیه ، نامی نهاده شده از سوی خدا بر بندبند نثر قرآن

قد کانت آیتی تتلی علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۴ - ۳

۳ - نام گذاری هر یک از عبارات های مشخص قرآن به < آیه > از سوی خداوند

و لقد أنزلنا إلیکم آیت مبینت

منشأ نامگذاری آیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۵

۵ - آیه ، نامی است نهاده شده از جانب خدا بر بند های عبارات قرآن .

و لایصدنک عن آیت الله

مراد از <آیات الله> آیات قرآن است و <آیه> برای هر جمله مستقلی گفته می شود که با سجع ویژه ای از جمله دیگر جدا

می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۴

۴ - نام گذاری بند بند قرآن ، به < آیه >

از سوی خداوند

و ما تأتیهم من آیه من آیت ربهم

منشأ نامگذاری اصطلاح آیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۷

۷- آیه ، نامی از سوی خدا برای هر بند بند سوره های قرآن

سوره .. فیها آیت بینت

منشأ نامگذاری اصطلاح سوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۲

۲- سوره ، نامی است از سوی خداوند برای دسته ای از آیات به هم پیوسته .

سوره أنزلنها .. فیها آیت بینت

منشأ نامگذاری مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۴

۱۴ - < مسلمان > ، نامی برگزیده از سوی خدا برای امت پیامبر (ص)

هو سمیکم المسلمین

منشأ نامگذاری یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۴

۴ - < یحیی > ، نامی تعیین شده از سوی خدا برای فرزند زکریا

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیاً

نامگذاری اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۸

۸ خداوند ، فرزند ابراهیم و همسرش ساره را پیش از تولدش اسحاق نامید . *

فبشّرناها یاسحق

ظاهر جمله <فبشّرناها یاسحق .. یعقوب> این است که فرشتگان، نام اسحاق و یعقوب را نیز در بشارت آورده باشند.

نامگذاری انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۱۶

۱۶ نسیان آدمی ، علت نامگذاری وی به

و خلق الانسان ضعيفاً

امام صادق (ع) درباره علّت نامگذاری آدمیان به انسان فرمود: لانه ينسى.

علل الشرايع، ص ۱۵، ح ۱، ب ۱۱؛ معانی الاخبار، ص ۴۸، ح ۱.

نامگذاری با اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۱۴

۱۴- از نام گذاری افراد و اشیا به نام های اختصاصی خداوند باید اجتناب کرد .

هل تعلم له سمياً

چنان که گفته شد، <سمی> به معنای هم نام است گفتنی است که آیه در صدد بیان امری حقیقی در مورد یکتایی خداوند و بی نظیر بودن او است؛ ولی نفی هم نام می تواند متضمن این پیام نیز باشد که نام گذاری افراد به نام های ویژه خداوند هر چند اعتباری بیش نیست ولی کاری ناروا است.

نامگذاری با نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۹

۹ توصیف و نامیدن غیر خدا با نام ها و وصف های الهی ، الحاد در اسماء او و انحراف از اعتدال است .

و لله الأسماء الحسنی .. و ذروا الذین یلحدون فی أسمئه

جمله <و لله الأسماء الحسنی> دلالت می کند که هیچکس جز خدا دارای اسماء حسنی نیست. بنابراین نامیدن و توصیف غیر خدا با نیکوترین اسم و وصف که ویژه خداوند است از موارد الحاد در اسماء الهی خواهد بود.

نامگذاری پسر زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۴

۴ - < یحیی > ، نامی تعیین شده از سوی خدا

برای فرزند زکریا

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیاً

نامگذاری عرفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱۸

۱۸ خطاب جبرئیل به حضرت ابراهیم ، در عرفات : < اعرف بها مناسکک و اعترف بذنبک > سبب نامگذاری عرفات به این

نام

فاذا افضتم من عرفات

امام باقر (ع) و امام صادق (ع): .. فقال < جبرئیل > هذه عرفات، فاعرف بها مناسکک و اعترف بذنبک فسمی عرفات

کافی، ج ۴، ص ۲۰۷، ح ۹؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۶، ح ۱، ب ۱۷۳.

نامگذاری عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۵ - ۶

۶ نامگذاری فرزند مریم به عیسی و مسیح ، از جانب خداوند

اسمه المسيح عیسی ابن مریم

نامگذاری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۵

۵- نام گذاری آخرین کتاب آسمانی به < قرآن > و تقسیم بندی آن به < آیات > ، از جانب خداوند بود .

الر تلك ءايت الكتب وقرءان مبين

نامگذاری كعبه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - مائده - ٥ - ٩٧ - ٢١

٢١ ممنوعيت ورود مشركان به خانه خدا، سبب نامگذاري آن به بيت الله الحرام

جعل الله الكعبه البيت الحرام

از امام صادق(ع) نقل شده كه در پاسخ سؤال از سبب نامگذاري خانه خدا به بيت الله الحرام فرمود: لانه حرم على المشركين ان يدخلوه.

علل الشرايع، ص ٣٩٨، ح ١، ب ١٣٩ نورالثقلين، ج ١، ص ٦٨٠، ح ٤٠١.

نامگذاري مريم(س)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۹

۹ همسر عمران ، نوزاد خویش را مریم نامید .

و اُنّی سمّيتها مریم

نامگذاری مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۱۲

۱۲ ازدحام جمعیت در مکه ، سبب نامگذاری آن به < بکه >

وضع للناس للذی بیّکه

امام صادق (ع) در پاسخ از علت نامگذاری مکه به بکه فرمود: لَانَ النَّاسِ بِيَكِّ بَعْضُهُمْ فِيهَا بِالْأَيْدِي.

علل الشرايع، ج ۲، ص ۳۹۸، ح ۵؛ تفسير عياشى، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۹۵.

نامگذاری ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۷ - ۱

۱ - برگزیدن نام های زنانه برای فرشتگان ، نمودی از باور مشرکان ، به دختر بودن فرشتگان برای خداوند

أَلْكُمْ الذَّكَرُ وَ لَهُ الْأُنْثَى... إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ... لِيَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنْثَى

از ارتباط بین آیات، استفاده می شود از آن جایی که مشرکان فرشتگان را دختران خدا می انگاشتند، نام های زنانه را برای آنان برمی گزیدند.

نامگذاری نامناسب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۱۰

۱۰ نامیدن خداوند به اوصافی که حکایتگر نقص و کاستی است ، مستلزم کیفری از جانب او خواهد شد .

و ذرؤا الذین یلحدون فی أسمئه سیجزون ما کانوا یعملون

نامگذاری یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۹

۹ نامگذاری یحیی (ع) ، از جانب خداوند

انّ الله

بیشترک بیحیی

نامگذاری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ خداوند ، پیش از تولد یعقوب ، نام یعقوب را برای او برگزید و آن را به ابراهیم (ع) و همسرش اعلام کرد .

فبشئرها یاسحق و من وراء إسحق یعقوب

نامحرم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نامحرم

آثار تماس با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۳۱

۳۱ - رویارویی مستقیم زنان و مردان نامحرم ، لغزش آفرین است و باید از آن اجتناب کرد .

فستلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أظهر لقلوبکم و قلوبهنّ

آثار خلوت با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۸ - ۹

۹- خلوت کردن زن و مرد نامحرم حتی برای تقوایبندگان دامی خطرناک و زمینه سقوط به ورطه گناه است .

إني أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقياً

جواب شرط <إن كنت> محذوف است. برخی مراد از جمله شرطیه را ترغیب به تقوا دانسته و برخی اشتراط را حقیقی می دانند؛ در صورت دوم، مفاد آیه این است که اگر اهل تقوا باشی جا دارد که من به خدا پناه ببرم (تا چه رسد به این که متقی نباشی). بنابراین، نکته شرط آن است که چنین موقعیتی، حتی برای تقوایبندگان خطرناک است، تاچه رسد به غیر آنان.

آثار نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۷

۷ - خیره شدن به نامحرمان و چشم چرانی ، زمینه ساز آلودگی به فحشا و فساد جنسی

است .

قل للمؤمنين يغضوا من أبصرهم و يحفظوا فروجهم

در آیه شریفه حکم حرمت چشم چرانی و نگاه به نامحرمان، بر حکم عفت گزینی و اجتناب از فحشا، مقدم داشته شده است و این تقدم ذکر، می تواند حکایت از تقدم رتبی و ارتباط میان این دو حکم داشته باشد، به این معنا که پرهیز از چشم چرانی، زمینه عفت گزینی و اجتناب از آلودگی جنسی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۷

۷ - خیره شدن به نامحرمان و چشم چرانی ، زمینه ساز آلودگی به فحشا و فساد جنسی است .

قل للمؤمنت ... يحفظن فروجهنّ

اجتناب از اختلاط با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۱۲،۱۳

۱۲ - پرهیز از اختلاط با مردان نامحرم ، انگیزه دختران شعیب در ندادن آب به گوسفندان خود

قالتا لانسقى حتى يصدر الرعاء

۱۳ - لزوم اجتناب زنان از اختلاط با مردان نامحرم

قالتا لانسقى حتى يصدر الرعاء

اجتناب از جلب توجه نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۸

۲۸ - زنان مؤمن ، وظیفه دار پرهیز از هر گونه رفتار تحریک آمیز و جلب کننده توجه نامحرمان به سوی خویش

ولا يضربن بأرجلهنّ ليعلم ما يخفين من زينتهنّ

لام در <لِعلم> برای تعلیل و بیان علت حرمت پای کوبیدن بر زمین است و در چنین مواردی، تعلیل موجب تعمیم حکم می شود. از این رو می توان استفاده کرد که هر آنچه موجب آشکار شدن زینت زنان شود، همین حکم

را دارد و حرام خواهد بود.

اجتناب از خلوت با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۸ - ۱۰

۱۰- لزوم اجتناب از خلوت با نامحرم

قالت إني أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقياً

با این که مرد ناشناس هیچ حرکتی از خود نشان نداده بود که حمل بر برخی اغراض گردد، ولی حضرت مریم از صرف خلوت بودن مکان متأثر گشته و به خدا پناه می برد و زبان به نصیحت می گشاید. با این مقدمات می توان نتیجه گرفت که اصل خلوت با نامحرم، کاری دور از تقوا است.

اجتناب از نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۴

۴ - شایسته است که زنان ، خود را از معرض نگاه نامحرمان ، دور نگاه داشته و از خود آرایی ، به منظور در معرض نمایش گذاشتن زیبایی هایشان ، خودداری کنند .

و قرن فی بیوتکنّ و لاتبرجن تبرج الجهلیه الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۲۷

۲۷ - همسران پیامبر ، موظف به حفظ حجاب و پوشش مناسب و نگهداری خود از نگاه نامحرمان بودند .

و إذا سألتموهنّ متعاً فسلوهنّ من وراء حجاب

اجتناب از نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - مردان مؤمن ، وظیفه دار پرهیز از نظر دوختن و خیره شدن به نامحرمان اند .

و قل للمؤمنین یغضّوا من أبصرهم

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱. <غَضَّ> (مصدر

<يَغْضُوا> به معنای کاستن از نگاه و صدا است (مفردات راغب). مقصود از آن در آیه شریقه، اجتناب از نظر دوختن و خیره شدن به نامحرمان است، نه نگاه اولیه و ناخودآگاه. ۲. <من> در <من أبصارهم> برای تبعیض است و مقصود، فرو بستن چشم از چیزهایی است که نگاه به آنها ناشایست و حرام است (مثل نگاه به نامحرمان).

۱۷ > عن أبي عبد الله (ع) : ... (في قوله تعالى) < قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم و يحفظوا فروجهم > ... > و قل للمؤمنات يغضضن من أبصارهنّ و يحفظن فروجهنّ > ... قال : كلّ شيء في القرآن من حفظ الفرج فهو من الزنا إلا هذه الآية فإنّ ها من النظر ... ;

از امام صادق(ع) [درباره سخن خدای تبارک و تعالی] <قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم و يحفظوا فروجهم..> روایت شده است: هر چیزی که در قرآن درباره حفظ فرج آمده، مراد حفظ آن، از زنا است؛ مگر در این آیه مراد حفظ آن، از نگاه دیگران است...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱

۱ - زنان مؤمن ، وظیفه دار پرهیز از نظر دوختن و خیره شدن به مردان نامحرم

و قل للمؤمنت يغضضن من أبصرهنّ

احکام نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۷ - ۲۲

۲۲ جواز گفتگوی زن و مرد نامحرم

کَلِمَا دَخَلَ عَلَيْهَا .. قَالَ يَا مَرْيَمُ ... قَالَتْ هُوَ

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۲۱

۲۱- سخن گفتن زن جوان با مرد اجنبی ، جایز است .

فلن أکلم الیوم إنسیاً

اگر اصل سخن گفتن زن با نامحرم حرام بود، به ایجاد عذر شرعی دیگر و نذر روزه سکوت، نیازی نبود. گفتنی است این آیه در غیر مورد روزه سکوت که بر نسخ آن نص خاص وارد شده است، قابل تمسک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۹ - ۸،۹

۸- سخن گفتن مرد با زن اجنبی در آیین یهود جایز بود .

قالوا یمریم .. قالوا کیف نکلم

کسانی که به سراغ مریم(س) آمده و با او سخن گفتند، داعیه دین داری داشته و از همین رو با احساساتی برافروخته به مریم(س) اعتراض کردند. روشن است که چنانچه این کار در آیین آنها روا نبود، راه دیگری را برای آن در نظر می گرفتند.

۹- شنیدن سخنان نامحرم و گفتوگو با وی جایز است . *

قالوا یمریم .. قالوا کیف نکلم

نقل ماجرای گفت و گوی هم کیشان مریم با وی بدون رد و ایراد بر آن در قرآن، می تواند دلیل مشروعیت آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۸،۱۰

۸ - جواز گفت و گوی مردان با زنان نامحرم ، با هدف خیرخواهانه و انگیزه دستگیری و مدد رسانی به آنان

قال ما خطبکما

۱۰ - جواز پاسخ زنان به پرسش خیرخواهانه مردان نامحرم

قالتا لانسقی حتی یصدر الرعاء و أبونا شیخ کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶

۴ - جواز ستایش زنان از مردان نامحرم

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَشْجَرْتَ الْقَوِيَّ الْأَمِينِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ - همسران پیامبر ، به سخن گفتن با مردان نامحرم ، در صورت رعایت موازین تعیین شده ، مجاز بودند .

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ . . . وَ قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا

جواز گفتگو با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ - همسران پیامبر ، به سخن گفتن با مردان نامحرم ، در صورت رعایت موازین تعیین شده ، مجاز بودند .

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ . . . وَ قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا

حرمت نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲

۲ - نظر دوختن به نامحرمان و چشم چرانی ، حرام است .

وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ

رابطه با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۴

۴ رابطه زناشویی زن با غیرشوهر خویش ، رابطه ای ناروا و نامشروع است .

واستغفری لذنبک

زینت در برابر نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۵

۵ - آرایش و خودآرایی زنان در برابر نامحرمان ، امری مهم و غیر قابل اغماض در نظام اسلامی

و القواعد من النساء التي لا يرجون نکاحًا .. غیر متبرّجت بزینة

ممنوعیت زنان سالخورده و بی میل به امور جنسی از خودآرایی، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

شرایط گفتگو با نامحرم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ - همسران پیامبر ، به سخن گفتن با مردان نامحرم ، در صورت رعایت موازین تعیین شده ، مجاز بودند .

فلاتخضعن بالقول .. و قلن قولاً معروفاً

عوامل تمایل به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - بیمار دلی ، باعث طمع ورزی در زنان نامحرم است .

فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

کیفر نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۵

۱۵ - کسانی که از نگاه کردن به نامحرمان و شرمگاه دیگران ابایی ندارند ، به مجازات الهی تهدید شده اند .

قل للمؤمنین یغضوا .. إنّ الله خبیر بما یصنعون

جمله < إنّ الله خبیر بما یصنعون > که آگاهی همه جانبه الهی به بشر را یادآوری می کند هشدار است به کسانی که احکام یادشده را رعایت نکنند.

گفتگو با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۵ - ۸

۸ جواز گفتگوی مردان با زنان در عدّه ، به گونه ای متعارف و شایسته (دور از گستاخی و فریب)

لا تواعدوهنَّ سرّاً إلاّ ان تقولوا قولاً معروفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۷ - ۲۲

۲۲ جواز گفتگوی زن و مرد نامحرم

کلما دخل علیها . . . قال یا مریم . . . قالت هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱- سخن گفتن زن جوان با مرد اجنبی ، جایز است .

فلن أكلم اليوم إنسیًا

اگر اصل سخن گفتن زن با نامحرم حرام بود، به ایجاد عذر شرعی دیگر و نذر روزه سکوت، نیازی نبود. گفتنی است این آیه در غیر مورد روزه سکوت که بر نسخ آن نص خاص وارد شده است، قابل تمسک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۹ - ۹

۹- شنیدن سخنان نامحرم و گفتوگو با وی جایز است . *

قالوا یمریم .. قالوا کیف نكلّم

نقل ماجرای گفت و گوی هم کیشان مریم با وی بدون رد و ایراد بر آن در قرآن، می تواند دلیل مشروعیت آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۸،۱۰

۸- جواز گفت و گوی مردان با زنان نامحرم ، با هدف خیرخواهانه و انگیزه دستگیری و مدد رسانی به آنان

قال ما خطبکما

۱۰ - جواز پاسخ زنان به پرسش خیرخواهانه مردان نامحرم

قالتا لانسقی حتّی یصدر الرعاء و أبونا شیخ کبیر

گفتگو با نامحرم در یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۹ - ۸

۸- سخن گفتن مرد با زن اجنبی در آیین یهود جایز بود .

قالوا يـمـرـيـم . . قالوا كيف نـكـلـم

كسانی که به سراغ مریم(س) آمده و با او سخن گفتند، داعیه دین داری داشته و از همین رو با احساساتی برافروخته به مریم(س) اعتراض کردند. روشن است که چنانچه این کار در آیین آنها روا نبود، راه دیگری را برای آن در

نظر می گرفتند.

محدوده گفتگو با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ - لزوم رعایت گزیده گویی از سوی مردان و زنان نامحرم در گفت و گو با یکدیگر و پرداختن به امور مهم و بسنده کردن به مقدار ضرورت

قال ما خطبکما قالتا .. و أبونا شیخ کبیر

در آیات مربوط به گفت و گوی موسی (ع) و دختران شعیب، رعایت گزیده گویی و پرهیز از زیاده گویی کاملاً مشهود است.

مدح نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۴

۴ - جواز ستایش زنان از مردان نامحرم

إِنَّ خَیْرَ مَنْ اسْتَنْجَرْتَ الْقَوَى الْأَمِیْنِ

نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۲

۲ - نظر دوختن به نامحرمان و چشم چرانی ، حرام است .

قُلْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ یَغْضُؤْا مِنْ أَبْصَرِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۲ - ۶

۶ - نگاه به زن ، به قصد ازدواج با او ، جایز است .

و لو أعجبك حسنهنَّ

از این که خداوند، به پیامبر(ص) فرموده است: <اگرچه زیبایی آنان، برای تو خوشایند باشد>، استفاده می شود که چنین امری، قبل از ازدواج بوده و احتمالاً آن حضرت زنی را می دیده که موجب خوشایندی اش می شده است. این عمل پیامبر(ص) حجت است و می تواند نکته بالا را برساند.

نامشروع از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{نامشروع}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۵

۵ حرمت روابط جنسی

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

ارضای نامشروع غریزه جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۱ - ۱،۵

۱ - ارضای غرایز جنسی ، جز از طریق همسر یا کنیز مملوک ، تجاوز به حدود الهی و به دور از حق و اعتدال است .

فمن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون

<عدوان> (مصدر <عادون>)، به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن است.

۵ - > سُئِلَ الصَّادِقُ (ع) عَنْ الْخَصْخَصَةِ فَقَالَ : إِنَّهُ عَظِيمٌ قَدْ نَهَى اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِهِ ... فَقَالَ السَّائِلُ : بَيْنَ لِي يَا بَنَ رَسُولَ اللَّهِ (ع) مِنْ كِتَابِ اللَّهِ نَهْيَهُ فَقَالَ : قَوْلَ اللَّهِ > فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ < وَهُوَ مِمَّا وَرَاءَ ذَلِكَ ... >

از امام صادق(ع) درباره خصخضه (عمل استمنا) سؤال شد، فرمود: گناه بزرگی است که خداوند در قرآن از آن نهی فرموده است . . سؤال کننده پرسید: ای فرزند رسول خدا! نهی آن را از قرآن برای من بیان کن، فرمود: سخن خداوند <فمن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون> و آن [عمل استمنا] از مصادیق <وراء ذلك> است...<.

حرمت کسب نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۹

۱۹ - کسب در آمد از راه های نامشروع ، حرام و موجب عذاب الهی است .

و يشترون به ثمناً قليلاً أولئك ... لا يكلمهم الله ... و لهم عذاب اليم

حکومت نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان ، به جز ولایت خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

برداشت فوق با توجه به کلمه <انما> که برای حصر است، استفاده شده است.

روابط نامشروع در تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۵

۵ بشر از دیرباز به ناروایی رابطه زناشویی زن با غیر همسر خویش ، معتقد بود و بر آن تأکید می کرد .

واستغفری لذنبک إنک کنت من الخاطئين

زشتی روابط نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۵

۵ بشر از دیرباز به ناروایی رابطه زناشویی زن با غیر همسر خویش ، معتقد بود و بر آن تأکید می کرد .

واستغفری لذنبک إنک کنت من الخاطئين

کیفر کسب نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۹

۱۹ - کسب در آمد از راه های نامشروع ، حرام و موجب عذاب الهی است .

و یشترون به ثمنًا قليلًا أولئک .. لا یکلمهم الله ... و لهم عذاب الیم

موانع روابط نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۷

۷ - چشم پاکی ، زمینه مصونیت از ابتلا به آلودگی *

فیهنّ قصرت الطرف لم یطمثهنّ انس قبلهم ولا جانّ

<قصرات الطرف> می تواند کنایه از پاکی چشم باشد. از این که این عبارت قبل از <لم

یطمثهن... < مطرح گردیده، مطلب بالا احتمال می رود.

نامه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نامه

آثار رؤیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱- مجرمان ، هنگام مشاهده کتاب اعمال شان آرزومند مرگ خویش اند . *

و یقولون یویلنا مال هذا الکتب

<ویل> و <ویل> به معنای <هلاکت> است و مؤنث بودن <ویل> مفید مبالغه است. منادا قرار گرفتن <ویل> از سوی مجرمان، گویای این است که آنان، با مشاهده نامه عمل خود، راهی جز هلاک و عذاب برای خود ندیده، لذا آن را منادا قرار داده و آمدن اش را می طلبند و یا این که به قدری حال خود را وخیم می بینند که مرگ و هلاکت را، تنها راه رهایی خود از آن وضعیت می پندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۱ - ۱

۱ - مشاهده نامه اعمال در قیامت ، مایه آگاهی به کردار ها و پیش بینی کیفر ها است .

و أما من أوتی . . فسوف یدعوا ثبورا

آثار علم به نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۷

۷ - اطلاع بر پرونده اعمال ، راهی برای آگاهی انسان در قیامت بر کردار خویش

و إذا الصحف نشرت . . علمت نفس ما أحضرت

آداب نامه نگاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۰ - ۵

۵ - نام خداوند ، بهترین سرآغاز هر سخن و نامه و هر کار و برنامه

إِنِّي أُلْقِي إِلَيْكَ كِتَابًا كَرِيمًا.. و

إِنَّه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

با توجه به این که سلیمان(ع) به عنوان پیامبر، نامه اش را با نام خدا آغاز کرده و خداوند آن را به عنوان یک ارزش یاد نموده است، مطلب یاد شده به دست می آید.

آورنده نامه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۹ - ۳

۳ - عدم اطلاع بلقیس از مشخصات آورنده نامه سلیمان

إِنِّي أُلْقِي إِلَيْ

مجهول آمدن فعل <أُلْقِي> نشانگر آن است که ههدد، نامه سلیمان را طوری به سوی ملکه انداخت که کسی متوجه او نشد.

اختفای نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۰ - ۳

۳ - پرونده اعمال هر کس تا قیامت ، بسته است و بر کسی مکشوف نیست .

و إِذَا الصّٰحْفِ نَشْرَتْ

ارائه نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۵

۱۵ خداوند در قیامت انسان ها را به تمامی اعمال دنیویشان آگاه ساخته و دستاوردشان را به آنان نشان خواهد داد .

إِلَى اللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِیْعًا فِیْنَبْئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - نامه اعمال همه بندگان در قیامت ، عرضه خواهد شد .

و وضع الکتب

<وضع> به معنای نهادن است و در این جا کنایه از عرضه شدن می باشد. <کتاب> در آیه شریفه به معنای نامه اعمال است.

۶ - تمامی اعمال بندگان ثبت و درج شده و در قیامت به صورت نوشته ای ظاهر خواهد شد .

و وضع الکتب

حضور پیامبران در قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه اعمالشان

و جایء بالنبیین

مقصود از آوردن پیامبران در قیامت هنگام عرضه نامه اعمال بندگان به قرینه آیه <فکیف إذا جئنا من کلّ اُمّه بشهید و جنّابک علی هؤلاء شهیداً (نساء(۴)، ۴۱) گواهی دادن آنان است.

۹- احضار شاهدانی چند در عرصه قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه نامه اعمالشان

و الشهداء

<شهادا> جمع <شاهد> (گواه) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۰ - ۲،۵

۲- قیامت ، روز باز شدن نامه عمل انسان و آگاهی او بر محتوای آن

و إذا الصحف نشرت

<نشر>، مخالف پیچیدن است (لسان العرب). براساس این معنا، فعل <نشرت>، دلالت دارد که نامه اعمال پیش از نشر، به شکل طومار است.

۵- نامه های اعمال در قیامت ، بر اهل محشر پراکنده و پخش خواهد شد .

و إذا الصحف نشرت

<نشر> به معنای تفریق (پراکنده ساختن) آمده است (تاج العروس). مراد از <نُشرت>، در این معنا پراکنده شدن نامه ها بر صاحبان آن و رسیدن نامه عمل هر کس به دست او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۱،۶

۱- برای هر انسان ، نامه عملی است که در قیامت آن را دریافت خواهد کرد .

فأما من أوتی کتبه

۶- انسان‌ها هنگام حضور در پیشگاه خداوند نامه‌های اعمال خود را در اختیار داشته و به کردار خویش آگاهی یافته‌اند.

فمَلَقِيهِ . فَأَمَّا مِنْ أُوْتِي كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

<فاء> در <فَأَمَّا> بیانگر ارتباط مفاد این آیه با ملاقات

خداوند است که در آیه قبل مطرح شده بود.

استنساخ نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۱۱

۱۱- > عن أبي جعفر (ع) : إنَّ في الهواء ملكاً يقال له إسماعيل على ثلاثمئة ألف ملك كل واحد منهم على مائة ألف يحصون أعمال العباد فإذا كان رأس السنه بعث الله إليهم ملكاً يقال له : السجّل فانتسخ ذلك منهم و هو قول الله تبارك و تعالی : > يوم نطوى السماء كطيّ السجّل للكتب < ;

از امام باقر(ع) روایت شده که در فضا فرشته ای است به نام اسماعیل که سیصد هزار فرشته تحت فرمان دارد و هر کدام از فرشتگان صد هزار فرشته را فرماندهی می کند و آنان کارهای بندگان را احصا می کنند و با شروع هر سالی خداوند فرشته ای را به نام <سجّل> می فرستد تا از [نامه اعمال] بندگان [که در اختیار فرشتگان فضا است] نسخه برداری کند و این است سخن خداوند تبارک و تعالی که: <یوم نطوى السماء كطيّ السجّل للكتب>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۹ - ۶

۶ - نسخه برداری مداوم و ثبت دقیق اعمال آدمیان

إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ

اهمیت نامه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۹ - ۲

۲ - جلوه عظمت و گران سنگی نامه سلیمان و پیام آن در نظر ملکه سبا (بلقیس)

قالت يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْكِ كِتَابٌ كَرِيمٌ

<کریم>، صفت <کتاب> و به معنای گران مایه است. <کتاب کریم> ;

یعنی، نامه ای عظیم و گران سنگ.

بسمله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول الله > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یاد شده بود.

بسمله نامه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۰ - ۳،۴،۶

۳ - < بسم الله الرحمن الرحيم > سرآغاز نامه سلیمان به ملکه سبا

و إنه بسم الله الرحمن الرحيم

۴ - آغاز نامه سلیمان با نام و یاد خدا ، سبب شکوه و عظمت آن نزد بلقیس

إِنِّي أُلْقِي إِلَيْكَ كِتَابًا كَرِيمًا .. و إنه بسم الله الرحمن الرحيم

جمله < و إنه بسم الله .. > تعلیل دیگری برای بیان گرانبمایه بودن مکتوب سلیمان است؛ یعنی، نامه ای که برای من آورده شده، از دو جهت کریم و گران سنگ است: یکی این که از شخصیتی مانند سلیمان است و دیگر آن که با نام خدای رحمان و رحیم آغاز شده است.

۶ - اعلام موضع توحیدی و هدف الهی سلیمان (ع) ، با آغاز نامه خود به نام و یاد خدا

و إنه بسم الله الرحمن الرحيم

بی منطقی درخواست نامه سرگشاده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - نازل شدن نامه ای سرگشاده از سوی خداوند ، برای

یکایک انسان ها در اثبات رسالت پیامبر (ص) ، درخواستی نابجا و غیرمنطقی

بل یرید کلّ امریء منهم . . . کلاً

تاریخ نامه رسانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۳

۳ - استفاده از پرنده پیک برای ارتباطات ، به عصر سلیمان بازمی گردد .

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

تشخیص نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۹ - ۱

۱ - ابزار شناخت دیوان نامه های عمل نیکوکاران ، در دسترس همگان نیست .

و ما أدریک ما علیون

تشخیص نامه عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۸ - ۱

۱ - ابزار شناخت دیوان نامه های اعمال بد ، در دسترس همگان نیست .

و ما أدریک ما سجین

تعالیم نامه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۰ - ۶

۶- اعلام موضع توحیدی و هدف الهی سلیمان (ع)، با آغاز نامه خود به نام و یاد خدا

و إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۳

۳- نامه سلیمان، پیامدار رحمت و مهر و نشانگر قدرت و قهر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَ أَتُونِي مُسْلِمِينَ

آوردن اوصاف <رحمان> و <رحیم> در سرآغاز نامه، پیامدار رحمت و لحن قاطع و آمرانه متن آن، بیانگر قدرت است.

تکریمهای کارگزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۵

۵ - واگذار کنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت ، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفت بار خواهند داشت .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . . . وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ

ثبت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۱۱ - ۵

۵ - تکذیب قیامت ، در نامه عمل تکذیب کنندگان ثبت شده و براساس آن کیفر خواهند دید .

کتاب مرقوم . ویل یومئذ للمکذبین . الذین یکذبون بیوم الدین

جامعیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۵

۵- > عن أبي عبد الله (ع) في قوله : < اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم > قال : يذكر بالعبء جميع ما عمل و ما كتب عليه حتى كأنه فعله تلك الساعة فلذلك قالوا : يا ويلتنا ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيرة ولا كبيرة إلا أحصاها > ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا <اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم> روایت شده است که فرمود: همه اعمالی که بنده انجام داده و بر او نوشته شده است به یادش می آورند؛ به گونه ای که گویی همان لحظه انجام داده است. پس بدین جهت گویند: یا ویلتنا ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيرة ولا كبيرة إلا أحصاها.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۲، ۱۰

۱۰- مجرمان ، از جامعیت و دقت کتاب اعمال آدمیان ، شگفت زده و به

شدت نگران خواهند شد .

یویلتتا مال هذا الكتب لا یغادر صغیره و لا کبیره

۱۲- نامه اعمال ، دربرگیرنده ریز و درشت کردار ها و به شمار آورنده کمترین عمل انسان است .

لا یغادر صغیره و لا کبیره إلاّ أحصیها

<غدر> و <مغادره> به معنای ترک است و <لایغادر..> یعنی هیچ کوچک و بزرگی را فروگذار نکرده و نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۳ - ۳

۳- انسان ، در برابر عقاید و باور های خویش ، مسؤول بوده و همه آنها در نامه اعمال او ثبت است .

من أوتی کتبه .. و لم أدر ما حسابه... خذوه... فاسلکوه . إنه کان لایؤمن بالل

خداوند علت سرنوشت بد و عذاب کافران را، ایمان نیاوردن به خدای بزرگ دانسته است. از این نکته می توان استفاده کرد که انسان در برابر مجموعه عقاید و اندیشه های خویش، مسؤول است و باید در برابر خدای بزرگ پاسخگو باشد.

جایگاه نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۹ - ۲

۲ - جایگاه نامه های عمل نیکوکاران ، دارای ویژگی هایی فراتر از حد بیان است .

و ما أدریک ما علیون

حتمیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۴

۴ - امتناع کردن از دریافت نامه اعمال در قیامت ، امکان پذیر نیست .

فأما من أوتى كتبه بيمينه

برداشت یاد شده، از مجهول بودن <أوتى> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ -

۲- امتناع کردن از دریافت نامه عمل در قیامت ، امکان پذیر نیست .

و أمّا من أوتى كُتبه

برداشت یاد شده، از مجهول بودن <أوتى> استفاده شده است.

حقانیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۲

۲- نامه عمل سراسر حقیقت و خالی از هرگونه خطا است .

یعلمون ما تفعلون

تصریح به علم کاتبان نامه عمل، توجه دادن به راستی و درستی آن نامه است.

درخواست رؤیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۴

۴- مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فیقول هاؤُم اقرءوا کتبه

<هاؤُم> اسم فعل امر و به معنای <خذوا> (بیاوید بگیریید) است.

درخواست قرائت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۴

۴- مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فَيَقُولُ هَآؤُمُ اقْرءُوا كِتٰبِيَهٗ

<هَآؤُمُ> اسم فعل امر و به معنای <خندوا> (بیاید بگیریید) است.

درخواست نامه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۵۶

۵- صعود پیامبر (ص) به آسمان و آوردن دستخطی قابل خواندن و گواه بر صعود واقعی خویش ، معجزه درخواستی مشرکان مکه از آن حضرت

أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرَقِيكَ حَتَّىٰ تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرؤه

۶- صعود پیامبر (ص) به آسمان و آوردن نامه ای برای حقانیت خویش ، پیش شرط مشرکان مکه برای ایمان آوردن به آن حضرت

و

قالوا لن نؤمن لك حتى .. أو ترقى في السماء و لن نؤمن لرقيتك حتى تنزل علينا

درخواست نامه سرگشاده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۱،۳،۵

۱ - کافران پندناپذیر ، ایمان به پیامبر (ص) را به آمدن نامه های سرگشاده برای یکایکشان ، مشروط دانستند .

بل یرید کلّ امریء منهم أن یؤتی صحفًا منشّره

۳ - درخواست نامه های سرگشاده و جداگانه برای خود ، جلوه نابخردی و سبک مغزی کافران مخالف پیامبر (ص)

فما لهم عن التذکره معرضین . .. بل یرید کلّ امریء منهم أن یؤتی صحفًا منشّره

۵ - > عن أبي جعفر (ع) فی قوله > بل یرید کلّ امریء منهم أن یؤتی صحفًا منشّره < و ذلك أنّهم قالوا : یا محمد قد بلغنا أنّ الرجل من بنی اسرائیل کان یذنب الذنب فیصبح و ذنبه مکتوب عند رأسه و کفّارته ، فنزل جبرئیل علی النبیّ (ص) و قال : یسألک قومک سنّه بنی اسرائیل فی الذنوب فإن شاءوا فعلنا ذلك بهم و أخذناهم بما کنا نأخذ به بنی اسرائیل . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند >بل یرید کلّ امریء منهم أن یؤتی صحفًا منشّره< روایت شده که آنان [به رسول خدا] گفتند: ای محمد! به ما خبر رسیده که مردی از بنی اسرائیل، گناهی مرتکب می شد و از خواب برمی خاست، در حالی که گنااهش در بالای سرش همراه با کفّاره آن نوشته شده بود. سپس جبرئیل بر رسول خدا(ص) نازل شد و فرمود: قومت از تو می خواهند،

همان سنت بنی اسرائیل در مورد گناهان درباره آنان جاری شود، اگر آنان بخواهند ما درباره آنان انجام می دهیم و آنان را گرفتار می کنیم؛ به همان عذابی که بنی اسرائیل را گرفتار می کردیم...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۱

۱ - مشروط دانستن ایمان به رسالت پیامبر (ص) ، به نازل شدن نامه های سرگشاده از سوی خداوند در تأیید آن ، بهانه ای از سوی کافران بود .

بل یرید کل امریء منهم . . . کلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۴ - ۱

۱ - درخواست نزول نامه سرگشاده از سوی خداوند ، در تأیید رسالت پیامبر (ص) و بر درستی قرآن ، درخواستی نابجا و نشانه بهانه جویی کافران

بل یرید کل امریء منهم أن یوتی صحفاً منشره . . . کلاً إنه تذکره

کلمه <کلاً>، تأکید مطلبی است که در آیه پیش (کلاً بل لایخافون..) بیان شده است؛ یعنی، قرآن کریم تذکره است و اگر بنا بود که کافران به سبب آن متذکر شوند، نزول قرآن به همین صورت برای پندآموزی آنان کافی بود. پس درخواست کافران مبنی بر نامه اختصاصی از جانب خداوند، بهانه ای بیش از سوی آنان نیست.

دریافت نامه عمل از پشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۳،۶

۳ - نامه عمل برخی از انسان ها در قیامت ، از پشت سرشان به آنان واگذار خواهد شد .

و أمّا من أوتی کتبه وراء ظهره

از ضمیمه

این آیه با آیه ای که از گرفتن نامه عمل با دست چپ سخن گفته است (الحاقه، آیه ۲۵)، به دست می آید که این گروه، نامه عمل خود را با دست چپ از پشت سر خود تحویل خواهند گرفت.

۶- > عن أبي جعفر (ع) قال: ... ان الله ... أنزل في < إذا السماء انشقت > < و أمّيا من أوتى كتابه وراء ظهره ... > فهذا مشرك ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. خداوند... در سوره <إذا السماء انشقت> فرمود: <و أمّيا من أوتى كتابه وراء ظهره...>. این شخص [که نامه عملش از پشت سر به او داده می شود] مشرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۱ - ۲،۳،۴

۲ - گرفتن نامه عمل از پشت سر در قیامت ، سرآغاز گرفتاری در موقعیتی دشوار که هر کس ، فریاد هلاکت خواهی و آرزوی مرگ سر خواهد داد .

فسوف يدعوا ثبورًا

>ثبور< به معنای هلاکت و تباهی است. (مفردات راغب)

۳ - دریافت نامه عمل از پشت سر ، رمز و نشانه محکومیت در عرصه حسابرسی است .

فسوف يحاسب .. فسوف يدعوا ثبورًا

تقابل دو گروه دریافت کننده نامه عمل، بیانگر این است که هر دو حسابرسی خواهند شد؛ ولی نتیجه آن در مورد آنان متفاوت است. بنابراین گرچه <فسوف يحاسب> تنها در مورد یک دسته آمده است؛ ولی دسته دیگر نیز به قرینه حرف <سوف> که بین گرفتن نامه عمل از پشت سر و فریاد و اوایلای شخص، فاصله

ای را مفروض گرفته مورد محاسبه قرار خواهند گرفت.

۴ - محاسبه و رسیدگی به اعمال کسانی که نامه عمل خود را از پشت سر دریافت کرده اند، سخت و اندوه بار خواهد بود.

حَسَابًا يَسِيرًا .. مَسْرُورًا ... فَسُوفَ يَدْعُوا ثُبُورًا

برداشت یاد شده، از مقابله دو گروه استفاده شده است. از آنجا که گروه اول حسابی آسان داشته و شادمان خواهند شد، دانسته می شود که برای گروه دوم، جز سختی حساب و غمگین شدن نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۲ - ۱

۱ - کسانی که نامه عمل خود را از پشت سر دریافت می کنند، به آتش برافروخته جهنم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت.

و يَصَلِي سَعِيرًا

<صَلِي> یعنی، حرارت را چشید (مصباح). در لسان العرب آمده است: صَلِيَ فلان بالنار يَصَلِي صَلِيًّا احترق (سوخت). راغب می گوید: <صَلِيَ بالنار> یعنی، به آتش مبتلا شد و از برخی اهل لغت نقل می کند که: <صَلِيَ النار>: دَخَلَ فِيهَا (درون آتش رفت). <سَعِير> (بر وزن فعيل) به معنای مفعول است یعنی، داغ و برافروخته. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۵

۵ - اعطای نامه عمل از پشت سر، فریاد هلاکت خواهی در قیامت و گرفتاری به آتش جهنم، برخاسته از استبعاد معاد است.

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ .. إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ

این آیه، می تواند بیانگر علت برای مطالب قبل باشد که از جمله آنها <أُوتِيَ كتابه وراء ظهره> بود.

جلد - نام سوره

۱۱ - کسانی که در قیامت نامه عمل را از پشت سر دریافت کرده و به دوزخ گرفتار می شوند ، خود عامل پیدایش چنین سرنوشتی اند .

أَمَا مِنْ أُوتِي كِتَابَهُ .. و يَصَلِي سَعِيرًا ... بَلِي إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا

۱۲ - عذاب دوزخیان و اعطای نامه عمل به آنان از پشت سرشان ، نظام جزایی آگاهانه و مدبرانه خداوند است .

و أَمَا مِنْ أُوتِي كِتَابَهُ .. و يَصَلِي سَعِيرًا ... بَلِي إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا

حرف <بلی> ممکن است به تمام مشخصات دسته دوم (و أَمَا مِنْ أُوتِي ..) ارتباط داشته باشد. در این صورت پندار رجوع نکردن را، پنداری باطل و حوادث پیش آمده (أوتی کتابه وراء ظهره ... یصلی سعیراً) را، رخدادی ثابت معرفی می کند. جمله <إِنَّه...> بیانگر این است که آن حادثه ها، برخاسته از ربوبیت و بصیرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - مردم بی ایمان در قیامت ، نامه عمل خویش را از پشت سر دریافت کرده و به آتش جهنم گرفتار خواهند شد .

أَمَا مِنْ أُوتِي كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ .. و يَصَلِي سَعِيرًا ... فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

ارتباط مجموع آیات این سوره، اقتضا می کند که مراد از ضمیر <هم> و تعبیر <الذین كفروا> (در آیات بعد) همان کسانی باشند که در آیه دهم، با تعبیر <من أُوتی کتابه وراء ظهره> از آنان یاد گردید. همان طور که مراد از <الذین آمنوا> (در آیات بعد)،

همان <من أوتی کتابه بیمینه> در آیات پیشین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۵

۵ - نامه عمل کافر ، از پشت سر به او داده شده و آتش دوزخ فرجام او خواهد بود .

و أمّا من أوتی کتبه وراء ظهره . . . و یصلی سعیرًا . . . بل الذین کفروا

ارتباط مجموع آیات سوره با یکدیگر، اقتضا می کند که دو دسته آخر سوره (الذین کفروا) و (الذین آمنوا)، همان دو دسته قبل باشند که با عنوان <من أوتی کتابه بیمینه> و <من أوتی کتابه وراء ظهره> از آنان یاد شد.

دلایل حقانیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۹ - ۷

۷ - مستند بودن نامه اعمال آدمیان ، دلیل حق بودن و کاستی نداشتن آن

ینطق علیکم بالحقّ إنّنا کنا نستنسخ

<إنّا کنا..> در مقام تعلیل است و تکرار ضمائر متکلم و نیز تأکید به وسیله <إنّ>، مطلب بالا را افاده می کند.

رسول الله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن <بسمله> و عنوان <رسول الله> در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

رضایت از نامه عمل

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۹ - حاقہ - ۶۹ - ۱۹

۵ - شادمانی و رضایت مندی کامل مؤمنان بهشتی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فیقول هَاؤُم اقرءوا کتبه

روش برخورد کارگزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۵

۵ - واگذارکنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت ، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفت بار خواهند داشت .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ .. وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ

رؤیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱،۳،۷

۱- در قیامت ، نامه عمل هر فرد ، در برابر دیدگان او نهاده شده ، آن را مشاهده خواهد کرد .

و وضع الکتب .. و یقولون یویلنا مال هذا الکتب

مقصود از <الکتاب> به قرینه جملات بعدی، نوشته هایی است که در آن، همه اعمال آدمیان، ثبت و ضبط شده است. حرف <ال> در <وضع الکتاب>، برای استغراق افراد است، یعنی <کل کتاب>. در نتیجه، مراد این است که همه کتاب ها را در برابر دیدگان آحاد انسان ها قرار خواهند داد و هر فرد، کتاب خودش را ملاحظه خواهد کرد.

۳- در قیامت مجرمان ، هنگام مشاهده نامه عمل ، از کردار خود وحشت و دلهره پیدا می کنند .

فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

۷- پرهیزکنندگان از جرم و گناه ، به هنگام مشاهده نامه اعمال خود در قیامت ، بیم و هراس نخواهند داشت .

و وضع الکتب فتري المجرمین مشفقین ممّا فیه

جمله <وضع الكتاب> وضع و مشاهده كتاب را به

مجرمان اختصاص نداده است، ولی جمله <فتري المجرمين.. > تنها، از ترس مجرمان سخن گفته است، بنابراین، دیگران، با مشاهده کتاب خود، اضطرابی نخواهند یافت.

زمان دریافت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۲

۲ - مرحله حسابرسی در قیامت ، مرحله ای پس از دریافت نامه های اعمال است .

فسوف يحاسب حسابًا يسيرًا

<سوف>، برای وعده دادن به کار می رود (مصباح) و دلالت بر تأخیر دارد. (مقایس اللغه)

سرزنشهای کارگزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۵

۵ - واگذار کنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت ، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفت بار خواهند داشت .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ .. وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ

سوگند به نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲ - ۵

۵ - سوگند خداوند ، به نامه اعمال آدمیان

و کتب مسطور

برخی از مفسران مراد از <کتاب مسطور> را نامه اعمال دانسته اند. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

عظمت نامه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۰ - ۴

۴ - آغاز نامه سلیمان با نام و یاد خدا، سبب شکوه و عظمت آن نزد بلقیس

إِنِّي أُلْقِي إِلَيْكَ كِتَابًا كَرِيمًا... وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جمله <و إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ..> تعلیل دیگری برای بیان گرانمایه بودن مکتوب سلیمان است؛ یعنی، نامه ای

که برای من آورده شده، از دو جهت کریم و گران سنگ است: یکی این که از شخصیتی مانند سلیمان است و دیگر آن که با نام خدای رحمان و رحیم آغاز شده است.

علم به نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۲

۲ - کافران دوزخی ، پس از دریافت نامه اعمال خود ، از محتوا و حکم نهایی آن درباره خویش آگاه خواهند شد .

و لم أدر ما حسابه

علم توزیع کنندگان نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۵

۵ - تحویل دهندگان نامه های اعمال به انسان ها در قیامت ، از فرجام آنها آگاه اند .

من أوتی کتبه بیمینه

عمومیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۱

۱ - برای هر انسان ، نامه عملی است که آن را در قیامت دریافت خواهد کرد .

يَأْتِيهَا الْإِنْسَنُ .. فَأَمَّا مِنْ أُوْتِي كِتَبَهُ ... وَ أَمَّا مِنْ أُوْتِي كِتَبَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ

فلسفه نامه نگاری سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۷

۷- هدف سلیمان (ع) از نوشتن نامه به دربار سبا ، ایفای رسالت الهی و معنوی خود بود ، نه رسیدن به مال و حکومت بزرگ تر .

قال أتمدونن بمال فما آتین الله خیر ممّا آتیکم

قرائت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ -

۱- خداوند ، فراخوان انسان ها در قیامت ، به خواندن نامه عمل خویش

و نخرج له يوم القيمة كتبًا .. اقرأ كتبك

۲- هر انسانی در قیامت ، با خواندن پرونده اعمال خویش ، خود حسابگر آنها خواهد بود .

اقرأ كتبك كفى بنفسك اليوم عليك حسيبًا

محافظت از نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۴

۴ - نامه عمل فاجران ، در دیوانی تغییرناپذیر و زندانی منحصّ ، بایگانی و حفاظت می شود .

إنّ كتب الفجّار لفي سجّين

سجّین همان سجن (زندان) است، علاوه بر رساندن معنای خلود زیرا این وزن برای مبالغه است (مجمع البیان). تفسیر آن به <کتاب مرقوم> در دو آیه بعد دلالت دارد که <سجّین> کتابی است که نامه عمل فاجران، به گونه ای در آن قرار داده شده است که گویا نوشته ها در آن حبس شده است. مقابله آن با <علّیین> که در آیات بعد آمده است بیانگر انحطاط و پستی آن است.

محافظت از نامه عمل کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۶

۶ - نامه عمل کم فروشان ، در جایگاهی پست نگه داری خواهد شد .

ويل للمطففين .. إنّ كتب الفجّار لفي سجّين

محافظت از نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - نامه عمل نیکوکاران ، در دیوانی تغییرناپذیر و جایگاهی رفیع ، (علّین) ، بایگانی و حفاظت می شود .

إنّ کتب الأبرار

<عَلَّین> گرچه به لفظ جمع آمده است؛ ولی به قرینه <کتاب مرقوم> و ضمیر مفرد در <یشهده المقرَّبون>، معنای مفرد دارد. لسان العرب از ابواسحاق نقل کرده است: چون <عَلَّین> در لفظ به صورت جمع است، اعراب جمع دارد. برخی از اهل لغت، آن را جمع <عَلَّی> و به معنای سلسله مراتب رفیع تا بی نهایت می دانند. (مقایس اللغه)

مشاوره درباره نامه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۹ - ۴

۴ - اقدام بقیس به در میان گذاشتن خبر نامه سلیمان با درباریان خود

قالت يَأْتِيهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِي إِلَيْ كِتَابِ كَرِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۲ - ۱

۱ - نظرخواهی بقیس از درباریان خود، درباره چگونگی پاسخ به سلیمان (ع)

قالت يَأْتِيهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي

<إفتاء> (مصدر <أفتوني>) به معنای اظهار نظر است. <أفتوني في أمری>؛ یعنی، نظرتان را در این که باید چه کار انجام دهم، بیان کنید.

مطالعه نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - سعادت‌مندان، نامه اعمال خویش را در قیامت، خود مورد مطالعه قرار می دهند.

فَمَنْ أَوْتَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ

مکان نامه عمل کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۷ - ۶

۶ - نامه عمل کم فروشان ، در جایگاهی پست نگه داری خواهد شد .

ویل للمطفین . . . إنَّ کتب الفجار لفی سچین

ملکه سبأ و نامه سلیمان(ع)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۲ - ۲،۵

۲ - برخورد جدی ملکه سبا با نامه سلیمان و عدم تردید وی در صحت آن

قالت یا أيها الملؤا أفتونی فی امری

در عبارات بلقیس، کلامی که حاکی از تردید باشد مشاهده نمی شود؛ بلکه اقدام وی به مشاوره درباره محتوای نامه، نشانگر اطمینان او است.

۵ - احساس خطر جدی ملکه سبا از نامه سلیمان و تلاش وی برای تحکیم روابط در درون دربار

أفتونی فی امری ما کنت قاطعه أمرًا حتّی تشهدون

در صورتی که کار مشاوره برای بلقیس امری معمولی بود، وی نیازی نداشته تا در خصوص این موضوع، بر شیوه مشاوره خود تأکید کند. احتمال می رود این تأکید از آن جهت باشد که موضوع را بسیار جدی و خطرناک تلقی کرده و با این سخنان سعی داشته تا دل درباریان را به دست آورد و آنان را با خود همراه سازد.

نامه به ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۱،۲

۱ - مأموریت هدهد از سوی سلیمان، برای بردن نامه وی به جانب ملکه سبا

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

<کتاب> معادل <مکتوب> و به معنای نامه است؛ یعنی، این نامه مرا ببر، آن گاه... .

۲ - افکندن نامه به محلّ تجمع ملکه و درباریان سبا، مأموریت هدهد از جانب سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

<ها> ساکن در <ألقه> ها سکت و <إلقاء> (مصدر <ألق>) به معنای افکندن است؛ یعنی، آن گاه [نامه را] به سوی آنان بیفکن.

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۹ - ۱

۱ - قرار گرفتن نامه سلیمان در اختیار ملکه سبا (بلقیس)

قالت يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْكِ كِتَابٌ كَرِيمٌ

نامه رسانی در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۳

۳ - استفاده از پرنده پیک برای ارتباطات ، به عصر سلیمان بازمی گردد .

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

نامه رسانی هدهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۱،۲،۴

۱ - مأموریت هدهد از سوی سلیمان ، برای بردن نامه وی به جانب ملکه سبا

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

<کتاب> معادل <مکتوب> و به معنای نامه است؛ یعنی، این نامه مرا ببر، آن گاه... .

۲ - افکندن نامه به محلّ تجمع ملکه و درباریان سبا ، مأموریت هدهد از جانب سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

<ها> ساکن در <ألقه> ها سکت و <إلقاء> (مصدر <ألق>) به معنای افکندن است؛ یعنی، آن گاه [نامه را] به سوی آنان بیفکن.

۴ - هدهد ، موظف به روی برتافتن از درباریان سبا (پس از افکندن نامه سلیمان) نزد ایشان

ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَاَنْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ

<تَوَلَّى> (مصدر <تَوَلَّى>) به معنای روی برتافتن است، یعنی، از آنان روی برتاب و سپس بنگر چه پاسخ می دهند.

نامه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۵، ۲، ۱

۱ - مأموریت هدهد از سوی سلیمان ، برای بردن نامه وی به جانب ملکه سبا

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

<کتاب> معادل <مکتوب> و به معنای نامه

است، یعنی، این نامه مرا ببر، آن گاه... .

۲ - افکندن نامه به محلّ تجمع ملکه و درباریان سبا، مأموریت هدهد از جانب سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

<ها> ساکن در <ألقه> ها سکت و <إلقاء> (مصدر <ألق>) به معنای افکندن است، یعنی، آن گاه [نامه را] به سوی آنان بیفکن.

۵ - مأموریت هدهد برای مشاهده بازتاب نامه سلیمان در میان درباریان سبا و شنود کردن سخنان ایشان.

ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَاَنْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۹ - ۱

۱ - قرار گرفتن نامه سلیمان در اختیار ملکه سبا (بلقیس)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنَّي أُؤْتِيكُمُ الْحِكْمَ لَئِيْلَآئِي أَهْلُ الْبَيْتِ الْمُنْتَفِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۰ - ۱

۱ - اقدام بلقیس به معرفی نویسنده نامه برای درباریان، پیش از خواندن محتوای آن

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۳،۶

۳ - ناخشنودی سلیمان (ع) از عکس العمل دربار سبا در قبال نامه وی

قَالَ أَتَمَدُّونَ بِمَالِ

۶ - توییح دربار سبا توسط سلیمان (ع)، به خاطر تلقی مادی و نادرست آنان از نامه و دعوت وی

قال أتمدّونن بمال

استفهام در <أتمدّونن> برای توییخ و سرزنش است.

نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۰ - ۴

۴ - اعمال مردمان در نامه ای ثبت و نگه داری می شود .

اللّٰه أعلم بما تعملون .. إنّ ذلك في كتب

<ذلك> اشاره

دارد به مضمون جمله <ما تعملون> در آیه ۶۸ یعنی، آنها (اعمال شما)، همگی در کتابی ثبت و ضبط می شوند.

نامه عمل اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۱ - ۲

۲ - کسانی که در قیامت نامه عملشان را در دست چپ داشته باشند ، اصحاب الشمال هستند .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۱

۱ - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتى كتبه بشماله

نامه عمل اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ - برخی از انسان ها پس از حضور در قیامت ، نامه اعمال خود را با دست راست خویش دریافت می کنند .

یوم ندعوا .. فمن أوتى كتبه یمینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

<یمین> در مقابل <شمال> و به معنای دست راست است با توجه به آیه ۱۹ سوره <حاقه> (فأما من أوتى كتبه یمینه ..)

باید گفت: <أصحاب اليمين> یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

۲- آنان که در قیامت نامه عمل خود را در دست راست دارند ، < اصحاب اليمين > هستند .

و أصحاب اليمين ما أصحاب اليمين

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۰ - ۱،۲

۱ - دسته ای از مردم در قیامت ، نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود .

و أمّا إن كان من أصحاب الیمین

<اصحاب الیمین> (یاران دست راست) کسانی اند که در سوره های <اسراء>، <حاقه> و <انشقاق> از آنان به <من اُتی کتابه بیمیینه> (کسانی که نامه اعمالشان را به دست راست آنان داده اند) تعبیر شده است.

۲ - به کسانی که در قیامت ، نامه عمل خویش را در دست راست گیرند ، <اصحاب الیمین> گفته می شود .

و أمّا إن كان من أصحاب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۱

۱ - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فأما من أوتی کتبه بیمیینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۱ - ۱

۱ - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت برخوردار خواهند بود .

فأما من أوتی کتبه بیمیینه .. فهو فی عیشه راضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۲ - ۱

۱ - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، در بهشت برین جای خواهند داشت .

إِنِّي ظننت أُنِّي ملق حسابیه .. فی جنّه عالیه

<عاليه > هم می تواند بیانگر علو قدر و منزلت باشد و هم به علو مکانی اشاره داشته

باشد. در این صورت مقصود از آن، مسرت آفرین بودن بوستان های بهشتی است؛ زیرا صاحبان آنها به خوبی بر همه مناظر آن اشراف داشته و از این رهگذر لذت برده و مسرور خواهند شد. برداشت بالا براساس معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۲

۲ - برخی از انسان ها در قیامت ، نامه عمل خود را با دست راست دریافت خواهند کرد .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

نامه عمل امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۸،۹

۸ - فراخوانده شدن هر امت ، به سوی نامه اعمال خویش در قیامت

كُلُّ أُمَّةٍ تَدْعِي إِلَىٰ كِتَابِهَا

۹ - هر امت ، دارای نامه عملی ویژه و گروهی ، در قیامت

كُلُّ أُمَّةٍ تَدْعِي إِلَىٰ كِتَابِهَا

بازگشت ضمیر <کتابها> به امت، ظهور در این معنا دارد که هر جامعه و امت به عنوان یک جمع و گروه کتاب و پرونده ای ویژه و مخصوص به خود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۹ - ۳

۳ - صحیفه اعمال امت ها در قیامت ، بیان کننده تمامی کردار ایشان ، به صورتی دقیق و بدون کمترین کاستی و فزونی

يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ

نامه عمل انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۳

۳ - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

و أَمَا مِنْ أُوْتِي كُتْبِهِ بِشِمَالِهِ

نامه عمل بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۲،۴

۲ - نامه اعمال مؤمنان بهشتی در قیامت ، در دست راست آنان قرار دارد .

فَأَمَا مِنْ أُوْتِي كُتْبِهِ بِيَمِينِهِ

از اوصاف بیان شده برای این گروه در آیات بعدی به دست می آید که آنان مؤمنانی بهشتی و از همان گروهی اند که در آیه ۳۸ سوره <واقعه>، از آنان به <اصحاب الیمین> نام برده شده است.

۴ - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فَيَقُولُ هَآؤُمِ اقْرءُوا كُتُبِهِ

<هَآؤُمِ> اسم فعل امر و به معنای <خذوا> (بیاید بگیرید) است.

نامه عمل بی ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۸

۸ - مردم بی ایمان در قیامت ، نامه عمل خویش را از پشت سر دریافت کرده و به آتش جهنم گرفتار خواهند شد .

أَمَا مِنْ أُوْتِي كُتْبِهِ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ... وَ يَصْلِي سَعِيرًا ... فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

ارتباط مجموع آیات این سوره، اقتضا می کند که مراد از ضمیر <هم> و تعبیر <الذین كفروا> (در آیات بعد) همان کسانی باشند که در آیه دهم، با تعبیر <من أوتی کتابه وراء ظهره> از آنان یاد گردید. همان طور که مراد از <الذین آمنوا>

(در آیات بعد)، همان <من أوتی کتابه بيمينه > در آیات پیشین خواهد بود.

نامه عمل جهنمیان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۲

۲ - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتی کتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه ۴۱ سوره <واقعه> از آنان به <أصحاب الشمال> یاد شده است.

نامه عمل در دست چپ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۱ - ۱،۲

۱ - در قیامت دسته ای از مردم ، نامه عملشان را در دست چپ خواهند داشت .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

<شمال> (در مقابل <یمین>) به معنای دست چپ است. طبق آیه ۲۵ سوره <حاقه> (و أمّا من أوتی کتبه بشماله فيقول ياليتني لم أوت کتابيه) اصحاب الشمال، کسانی اند که نامه عملشان در دست چپ آنان خواهد بود.

۲ - کسانی که در قیامت نامه عملشان را در دست چپ داشته باشند ، اصحاب الشمال هستند .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۱،۲،۶

۱ - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتی کتبه بشماله

۲ - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتی کتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که

در آیه ۴۱ سوره <واقعه> از آنان به <أصحاب الشمال> یاد شده است.

۶- <عن أبي جعفر (ع) قال: ... و أنزل في الحاقه ، > و أمّا من أوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم أوت كتابيه ... > فهذا مشرك ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. خداوند در سوره <الحاقه> می فرماید: (و أمّا من أوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم أوت كتابيه...) این [کسی که کتابش را به دست چپش می دهند] مشرک است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۴

۴ - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحاب المشئمه

<سمت چپ و راست> در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است؛ بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به <اصحاب الیمین> و <اصحاب الیمینه> نام گذاری شده و دسته دوم <اصحاب الشمال> و <اصحاب المشأمه> نام گرفته اند.

نامه عمل در دست راست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۲

۱۲- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتى كتبه بيمينه فأولئك يقرءون كتبهم ولا يظلمون فتيلاً

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

< یمین > در مقابل < شمال > و به معنای دست راست است با توجه به آیه ۱۹ سوره < حاقه > (فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بَیْمِیْنَهُ ..) باید گفت: < أصحاب الیمین > یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

۲ - آنان که در قیامت نامه عمل خود را در دست راست دارند ، < اصحاب الیمین > هستند .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۰ - ۱،۲

۱ - دسته ای از مردم در قیامت ، نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود .

و أَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

< اصحاب الیمین > (یاران دست راست) کسانی اند که در سوره های < اسراء > ، < حاقه > و < انشقاق > از آنان به < من اُتی کتابه بَیْمِیْنَهُ > (کسانی که نامه اعمالشان را به دست راست آنان داده اند) تعبیر شده است.

۲ - به کسانی که در قیامت ، نامه عمل خویش را در دست راست گیرند ، < اصحاب الیمین > گفته می شود .

و أَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بَیْمِیْنَهُ

۲ - نامه اعمال مؤمنان بهشتی در قیامت ، در دست راست آنان قرار دارد .

از اوصاف بیان شده برای این گروه در آیات بعدی به دست می آید که آنان مؤمنانی بهشتی و از همان گروهی اند که در آیه ۳۸ سوره <واقعه>، از آنان به <اصحاب الیمین> نام برده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۱

۱ - نامه اعمال معتقدان به قیامت و حساب رسی ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فأما من أوتی کتبه بیمینه .. إني ظننت أني ملق حسابيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۱ - ۱

۱ - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت برخوردار خواهند بود .

فأما من أوتی کتبه بیمینه .. فهو فی عیشه راضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۲ - ۱

۱ - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، در بهشت برین جای خواهند داشت .

إني ظننت أني ملق حسابيه .. فی جنّه عالیه

<عالیه> هم می تواند بیانگر علوّ قدر و منزلت باشد و هم به علوّ مکانی اشاره داشته باشد. در این صورت مقصود از آن، مسرت آفرین بودن بوستان های بهشتی است؛ زیرا صاحبان آنها به خوبی بر همه مناظر آن اشراف داشته و از این رهگذر لذت برده و مسرور خواهند شد. برداشت بالا براساس معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴

۲ - برخی از انسان ها در قیامت ، نامه عمل خود را با دست راست دریافت خواهند کرد .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۳،۴

۳ - کسانی که نامه عمل آنان به دست راستشان داده شود ، حسابرسی آسانی خواهند داشت .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . فسوف يحاسب حسابًا يسيرًا

<یسیر> دو معنا دارد: ۱. آسان، ۲. قلیل (مفردات راغب). در آیه شریفه، اولین معنا مناسب است.

۴ - اعطای نامه عمل به دست راست حاضران در قیامت ، رمز و نشانه چشم پوشی از لغزش های آنان است . *

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . فسوف يحاسب حسابًا يسيرًا

نادیده گرفتن <سیئات> که در بعضی از سوره های دیگر درباره گروهی از حاضران قیامت مطرح شده مصداق حساب آسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۱،۳

۱ - اعطای نامه عمل به دست راست انسان در قیامت و حسابرسی آسان از او ، فرح بخش و شادی آفرین است .

و ينقلب إلى أهله مسرورًا

۳ - دریافت کنندگان نامه عمل با دست راست ، با آسان گذراندن مرحله حسابرسی ، شادمان به نزد خویشاوندان خود بر خواهند گشت .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ .. و ينقلب إلى أهله مسرورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۴

۴ - مؤمنان در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست راست ، دریافت خواهند کرد .

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

این

احتمال وجود دارد که اصحاب الیمینه بودن کنایه از گرفتن نامه اعمال با دست راست (یمین) باشد.

نامه عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۷ - ۱،۲

۱ خداوند در قیامت رفتار و عقاید آدمیان را به گونه ای دقیق و عالمانه برای آنان بیان خواهد کرد.

فلنقصن علیهم بعلم و ما کنا غائبین

حرف <باء> به معنای مصاحبت و ملابست است؛ یعنی: <فلنقصن علیهم مصاحبین و متلبسین بعلم. و نکره بودن <علم> دلالت بر عظمت آن علم دارد که از آن به <دقیق بودن> تعبیر شد.

۲ خداوند در قیامت سرگذشت پیامبران را در ابلاغ رسالت به گونه ای دقیق برای آنان بیان خواهد کرد.

و لنستلن المرسلین. فلنقصن علیهم بعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۷ - ۱

۱ - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

<یمین> در مقابل <شمال> و به معنای دست راست است با توجه به آیه ۱۹ سوره <حاقه> (فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ یَمِینَهُ ..) باید گفت: <أصحاب الیمین>؛ یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۱ - ۱

۱ - در قیامت دسته ای از مردم ، نامه عملشان را در دست چپ خواهند داشت .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

<شمال> (در مقابل <یمین>) به معنای دست چپ است. طبق آیه ۲۵ سوره <حاقه> (وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فِیْقُولُ

لم أوت كتابيه) اصحاب الشمال، کسانی اند که نامه عملشان در دست چپ آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۳،۵

۳ - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

۵ - شادمانی و رضایت مندی کامل مؤمنان بهشتی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فَيَقُولُ هَذَا مَا أَدْرَأْتُ كَلِمَةٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۱،۳،۶

۱ - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست چپ آنان داده می شود .

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ

۳ - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ

۶ - > عن أبي جعفر (ع) قال : ... و أنزل في الحاقه ، < و أمّا من أوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم أوت كتابيه ... <
فهذا مشرك ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. خداوند در سوره <الحاقه> می فرماید: (و أمّا من أوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم أوت كتابيه...) این [کسی که کتابش را به دست چپش می دهند] مشرک است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۰ - ۴،۵

۴ - بسته ماندن و باز شدن نامه اعمال انسان در قیامت ، در اختیار او نیست .

و إذا الصحف نشرت

مجهول بودن <نشرت>، گویای برداشت یاد شده است.

۵- نامه های اعمال در قیامت ،

بر اهل محشر پراکنده و پخش خواهد شد .

و إذا الصحف نشرت

<نشر> به معنای تفریق (پراکنده ساختن) آمده است (تاج العروس). مراد از <نُشرت>، در این معنا پراکنده شدن نامه ها بر صاحبان آن و رسیدن نامه عمل هر کس به دست او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۳

۳ - پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۱

۱ - برای هر انسان ، نامه عملی است که در قیامت آن را دریافت خواهد کرد .

فأما من أوتی کتبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۳

۳ - نامه عمل برخی از انسان ها در قیامت ، از پشت سرشان به آنان واگذار خواهد شد .

و أما من أوتی کتبه وراء ظهره

از ضمیمه این آیه با آیه ای که از گرفتن نامه عمل با دست چپ سخن گفته است (الحاقه، آیه ۲۵)، به دست می آید که این گروه، نامه عمل خود را با دست چپ از پشت سر خود تحویل خواهند گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۱ - ۳

۳ - دریافت نامه عمل از پشت سر ، رمز و نشانه محکومیت در عرصه حسابرسی است .

فسوف يحاسب .. فسوف يدعوا ثبورا

تقابل دو گروه دریافت کننده نامه عمل، بیانگر این است که هر دو حسابرسی خواهند

شد؛ ولی نتیجه آن در مورد آنان متفاوت است. بنابراین گرچه <فسوف يحاسب> تنها در مورد یک دسته آمده است؛ ولی دسته دیگر نیز به قرینه حرف <سوف> که بین گرفتن نامه عمل از پشت سر و فریاد واویلائی شخص، فاصله ای را مفروض گرفته مورد محاسبه قرار خواهند گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۴

۴ - کافران در آخرت، نامه عمل خویش را با دست چپ، دریافت خواهند کرد.

هم أصحاب المشئمه

<سمت چپ و راست> در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است؛ بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به <اصحاب الیمین> و <اصحاب الیمینه> نام گذاری شده و دسته دوم <اصحاب الشمال> و <اصحاب المشأمه> نام گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۳ - ۴،۹

۴- خداوند اعمال انسان را در دنیا ثبت کرده و در قیامت، به صورت کتابی گشوده در برابر او ظاهر خواهد ساخت.

و نخرج له يوم القيامة كتاباً يلقه منشوراً

۹- > عن النبي قال: الكتب كلها تحت العرش فإذا كان يوم القيامة بعث الله تبارك و تعالی ریحاً تطيرها بالأیمان و الشمال أول حرفه: > اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم عليك حسيباً >;

از رسول خدا(ص) روایت

شده است که فرمود: تمام نامه ها زیر عرش قرار دارند و آن گاه که روز قیامت فرا رسد، خداوند تبارک و تعالی بادی را برمی انگیزد تا آنها را به پرواز درآورد و به دستهای چپ و راست مردم برساند و اولین حرف آن کتاب این است: **اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً**.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۱۵، ۳، ۱

۱- خداوند ، فراخوان انسان ها در قیامت ، به خواندن نامه عمل خویش

و نخرج له یوم القیمه کتباً .. اقرأ کتابک

۳- حساب انسان در پرونده عمل وی در قیامت ، روشن و آشکار است .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً

از اینکه خداوند فرموده است: **<خودت برای حسابرسی عمل خود کافی هستی>** نشان می دهد که اعمال و حسابرسی آنها روشن و آشکار است و نیاز به تبیین از سوی کسی ندارد.

۵- **<عن ابي عبدالله (ع) فی قوله : اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم>** قال : یذکر بالعبء جمیع ما عمل و ما کتب علیه حتی كأنه فعله تلک الساعه فلذلک قالوا : یا ویلتنا ما لهذا الکتاب لا یغادر صغیره و لا کبیره إلاّ أحصاها >

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا **<اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم>** روایت شده است که فرمود: همه اعمالی که بنده انجام داده و بر او نوشته شده است به یادش می آورند؛ به گونه ای که گویی همان لحظه انجام داده است. پس بدین جهت گویند: **یا ویلتنا ما لهذا الکتاب لا یغادر صغیره و لا کبیره إلاّ أحصاها**.

جلد - نام

۹- انسان ها ، عملکرد دنیوی خویش را در قیامت ، به صورت مجموعه ای ثبت شده و مکتوب دریافت می کنند .

فمن أوتی کتبه بيمينه

۱۰- محاکمه انسان ها در قیامت ، بر اساس دلایل و اسناد مکتوب است .

ندعوا .. فمن أوتی کتبه بيمينه

۱۱- برخی از انسان ها پس از حضور در قیامت ، نامه اعمال خود را با دست راست خویش دریافت می کنند .

یوم ندعوا .. فمن أوتی کتبه بيمينه

۱۲- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتی کتبه بيمينه فأولئك يقرءون کتبهم ولا یظلمون فتيلاً

۲۲- > عن أبي جعفر (ع) : ... أما المؤمن فيعطى كتابه بيمينه قال الله عزوجل : ... > من أوتی کتابه بيمينه فأولئك يقرءون کتابهم ... < ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. اما مؤمن کتاب او به دست راستش داده می شود. خداوند عزوجل می فرماید: ... > من أوتی کتابه بيمينه فأولئك يقرءون کتابهم ... < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- در قیامت ، نامه عمل هر فرد ، در برابر دیدگان او نهاده شده ، آن را مشاهده خواهد کرد .

و وضع الکتب .. و يقولون یولتنا مال هذا الکتب

مقصود از <الکتاب> به قرینه جملات بعدی، نوشته هایی است که در آن، همه اعمال آدمیان، ثبت و ضبط شده است. حرف

<ال> در <وضع الکتب>، برای

استغراق افراد است، یعنی <کَلَّ کتاب>. در نتیجه، مراد این است که همه کتاب ها را در برابر دیدگان آحاد انسان ها قرار خواهند داد و هر فرد، کتاب خودش را ملاحظه خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۴، ۹، ۶، ۵

۵ - نامه اعمال همه بندگان در قیامت، عرضه خواهد شد.

و وضع الکتب

<وضع> به معنای نهادن است و در این جا کنایه از عرضه شدن می باشد. <کتاب> در آیه شریفه به معنای نامه اعمال است.

۶ - تمامی اعمال بندگان ثبت و درج شده و در قیامت به صورت نوشته ای ظاهر خواهد شد.

و وضع الکتب

۹ - احضار شاهدانی چند در عرصه قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان، هنگام عرضه نامه اعمالشان

و الشهداء

<شهداء> جمع <شاهد> (گواه) است.

۱۴ - داوری خداوند میان بندگان در قیامت، بر پایه مستندات پرونده اعمال، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود.

و وضع الکتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۹

۹ - هر امت، دارای نامه عملی ویژه و گروهی، در قیامت

کَلَّ أُمَّه تَدْعِي إِلَيَّ كَتَبَهَا

بازگشت ضمیر <کتابها> به امت، ظهور در این معنا دارد که هر جامعه و امت به عنوان یک جمع و گروه کتاب و پرونده ای ویژه و مخصوص به خود دارد.

نامه عمل سعادت‌مندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - سعادت‌مندان

، نامه اعمال خویش را در قیامت ، خود مورد مطالعه قرار می دهند .

فمن أوتى كتبه بيمينه فأولئك يقرءون كتبهم

نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۶

۶ - کردار بدکاران ، از نظر مأموران الهی مخفی نمانده و در نامه عمل آنان ثبت خواهد شد .

کتبهم . يعلمون ما تفعلون ... و إِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۷ - ۳

۳ - کردار بدکاران ، ثبت و ضبط شده و در نامه عمل آنان باقی خواهد ماند .

کتب الفجار

< کتاب الفجار > ، صحیفه ای است که در آن ، اعمال فاجران ثبت شده است .

نامه عمل فاسقان در سجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۷ - ۴

۴ - نامه عمل فاجران ، در دیوانی تغییرناپذیر و زندانی منحصراً ، بایگانی و حفاظت می شود .

إِنَّ كِتَابَ الْفَجَّارِ لَفِي سَجِينٍ

سَجِين همان سجن (زندان) است، علاوه بر رساندن معنای خلود، زیرا این وزن برای مبالغه است (مجمع البیان). تفسیر آن به <کتاب مرقوم> در دو آیه بعد دلالت دارد که <سَجِين> کتابی است که نامه عمل فاجران، به گونه ای در آن قرار داده شده است که گویا نوشته ها در آن حبس شده است. مقابله آن با <عَلَّيْنِ> که در آیات بعد آمده است بیانگر انحطاط و پستی آن است.

نامه عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۸

-۸

خداوند ، پرونده کردار کافران و مشرکان را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد .

إِنَّمَا نَعَدُّ لَهُمْ عَدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۲،۴،۵

۲ - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتى كُتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه ۴۱ سوره <واقعه> از آنان به <أصحاب الشمال> یاد شده است.

۴ - کافران دوزخی ، از عرضه شدن نامه اعمالشان اظهار ناخوردگی می کنند .

فيقول يليتني لم أوت كُتبه

۵ - ناراحتی و اندوه شدید کافران دوزخی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فيقول يليتني لم أوت كُتبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۱

۱ - کافران دوزخی ، از آگاه شدنشان نسبت به حساب و محتوای پرونده اعمال خود اظهار ناخوردگی می کنند .

فيقول يليتني .. و لم أدر ما حسابيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۵

۵ - نامه عمل کافر ، از پشت سر به او داده شده و آتش دوزخ فرجام او خواهد بود .

و أمّا من أوتى كُتبه وراء ظهره .. و يصلى سعيرًا ... بل الذين كفروا

ارتباط مجموع آیات سوره با یکدیگر، اقتضا می کند که دو دسته آخر سوره (الذین كفروا) و (الذین آمنوا)، همان دو دسته قبل باشند که با عنوان >من أوتی

کتابه بیمینه < و >من اوتی کتابه وراء ظهره< از آنان یاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۴

۴ - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحاب المشئمه

<سمت چپ و راست> در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است؛ بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به <اصحاب الیمین> و <اصحاب الیمینه> نام گذاری شده و دسته دوم <اصحاب الشمال> و <اصحاب المشأمه> نام گرفته اند.

نامه عمل گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۱، ۱۰

۱۰- مجرمان ، از جامعیت و دقت کتاب اعمال آدمیان ، شگفت زده و به شدت نگران خواهند شد .

یویلتنا مال هذا الکتب لایغادر صغیره و لاکبیره

۱۱- مجرمان ، هنگام مشاهده کتاب اعمال شان آرزومند مرگ خویش اند . *

و یقولون یویلتنا مال هذا الکتب

<ویله> و <ویل> به معنای <هلاکت> است و مؤنث بودن <ویله> مفید مبالغه است. منادا قرار گرفتن <ویل> از سوی مجرمان، گویای این است که آنان، با مشاهده نامه عمل خود، راهی جز هلاک و عذاب برای خود ندیده، لذا آن را منادا قرار داده و آمدن اش را می طلبند و یا این که به قدری حال خود را وخیم می بینند

که مرگ و هلاکت را، تنها راه رهایی خود از آن وضعیت می پندارند.

نامه عمل متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۷

۷- پرهیز کنندگان از جرم و گناه ، به هنگام مشاهده نامه اعمال خود در قیامت ، بیم و هراس نخواهند داشت .

و وضع الکتب فتری المجرمین مشفقین ممّا فيه

جمله <وضع الکتب> وضع و مشاهده کتاب را به مجرمان اختصاص نداده است، ولی جمله <فتری المجرمین..> تنها، از ترس مجرمان سخن گفته است، بنابراین، دیگران، با مشاهده کتاب خود، اضطرابی نخواهند یافت.

نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۸ - ۴

۴ - کردار نیکوکاران ، ثبت و ضبط شده ، در نامه عمل آنان باقی خواهد ماند .

کتب الأبرار

<کتاب الأبرار> صحیفه ای است که در آن اعمال نیکوکاران ثبت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۰ - ۲

۲ - نامه های عمل نیکوکاران در دیوان جامع (علّین) ، با یک دیگر مشتبّه نخواهد شد .

کتب مرقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۱ - ۳

۳ - مقرّبان درگاه خداوند گواهان نامه اعمال نیکوکاران اند .

يشهده المقرّبون

فعل <يشهد>، يا از <شهود> به معنای حضور است و يا از <شهاده> كه ابن اثير در نهایه آن را <خبر دادن از مشاهدات خویش> معنا کرده است؛ در هر صورت گواه بودن <مقرّبون> استفاده می شود؛ زیرا در معنای اول حضور و نظارت آنان

به منظور گواهی دادن است و معنای دوم که در آن صورت <یشهده> به معنای <یشهد به> خواهد بود صریح در نکته یاد شده است.

نامه عمل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۸

۸- خداوند ، پرونده کردار کافران و مشرکان را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد .

إِنَّمَا نَعَدُّ لَهُمْ عَدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۶

۶- < عن أبي جعفر (ع) قال: ... و أنزل في الحاقه ، > و أمّيا من أوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم أوت كتابيه ... > فهذا مشرك ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: ..خداوند در سوره <الحاقه> می فرماید: (و أمّا من أوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم أوت كتابيه...) این [کسی که کتابش را به دست چپش می دهند] مشرک است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۶

۶- < عن أبي جعفر (ع) قال: ... ان الله ... أنزل في > إذا السماء انشقت < > و أمّيا من أوتى كتابه وراء ظهره ... > فهذا مشرك ... ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. خداوند... در سوره <إذا السماء انشقت> فرمود: < و أمّيا من أوتى كتابه وراء ظهره...>. این شخص [که نامه عملش از پشت سر به او داده می شود] مشرک است.<

نامه

عمل مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۴

۴ - تکذیب کنندگان قرآن و منکران معاد ، خود رقم زننده نامه عمل خویش اند و کردار ناپسند خود را در آن ذخیره می سازند .

بمایوعون

به قرینه آیات پیشین که درباره نامه های اعمال بود می توان گفت: مراد از <وعاء> در <یوعون>، همان نامه عمل است که منکران معاد آن را ظرف کردار خود ساخته اند.

نامه عمل مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۱ - ۵

۵ - تکذیب قیامت ، در نامه عمل تکذیب کنندگان ثبت شده و براساس آن کیفر خواهند دید .

کتب مرقوم . ویل یومئذ للمکذبین . الذین یکذبون بیوم الدین

نامه عمل مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۴

۴ - تکذیب کنندگان قرآن و منکران معاد ، خود رقم زننده نامه عمل خویش اند و کردار ناپسند خود را در آن ذخیره می سازند .

بمایوعون

به قرینه آیات پیشین که درباره نامه های اعمال بود می توان گفت: مراد از <وعاء> در <یوعون>، همان نامه عمل است که منکران معاد آن را ظرف کردار خود ساخته اند.

نامه عمل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۲۲

۲۲- > عن أبي جعفر (ع) :... أما المؤمن فيعطى كتابه بيمينه قال الله عزوجلّ :... > من أُوتى كتابه

بیمینه فأولئك يقرؤن كتابهم ... < ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. اما مؤمن کتاب او به دست راستش داده می شود. خداوند عزوجل می فرماید: ... <من أوتي كتابه بيمينه فأولئك يقرؤن كتابهم...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۲،۴

۲ - نامه اعمال مؤمنان بهشتی در قیامت ، در دست راست آنان قرار دارد .

فأما من أوتي كُتبه بيمينه

از اوصاف بیان شده برای این گروه در آیات بعدی به دست می آید که آنان مؤمنانی بهشتی و از همان گروهی اند که در آیه ۳۸ سوره <واقعه>، از آنان به <اصحاب اليمين> نام برده شده است.

۴ - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فيقول هاؤم اقرءوا كُتبه

<هاؤم> اسم فعل امر و به معنای <خداوا> (بیاید بگیریید) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۱

۱ - نامه اعمال معتقدان به قیامت و حساب رسی ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فأما من أوتي كُتبه بيمينه .. إنني ظننت أنني ملق حسابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۶

۶ - < قاسم بن محمد عن علی قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : إنَّ الله تبارك و تعالی إذا أراد أن يحاسب المؤمن أعطاه كتابه بيمينه و حاسبه فيما بينه و بينه فيقول : عبدی ! فعلت كذا ... قد غفرتها لك و ابدلتها حسنات .. >

. و هو قول الله عزوجل > فَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يَحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا < ;

قاسم بن محمد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی زمانی که بخواهد مؤمنی را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست وی می دهد و او را در آنچه بین خود و او است محاسبه کرده، می فرماید: بنده من فلان کار را کردی؟ ... من آن را برای تو بخشیدم و آن را به حسنه هایی تبدیل کردم ... و این سخن خدای عزوجل است > فَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . فسوف يحاسب حساباً يسيراً <».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۴

۴ - مؤمنان در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست راست ، دریافت خواهند کرد .

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمِيمَنَةِ

این احتمال وجود دارد که اصحاب المیمنه بودن کنایه از گرفتن نامه اعمال با دست راست (یمین) باشد.

نشانه های نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۲۰ - ۱

۱ - دیوان نامه های عمل نیکوکاران ، نوشته ای خوانا و نشانه دار است .

کتب مرقوم

>مرقوم< ; یعنی، دارای علامت و به معنای واضح و درشت خط نیز آمده است.

نظارت بر نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۲۱ - ۲

۲ - مقام قرب خداوند ، والاتر از مقام نیکوکاران ، و مایه شایستگی انسان برای آگاهی از کردار

نیکوکاران و مشاهده نامه اعمال آنان است .

يشهده المقرَّبون

نقش نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۶

۶- عذاب آدمیان ، مستند به اسنادی مکتوب و ثبت شده است .

سنکتب ما يقول و نمده له من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۴ - ۷

۷- تنظیم نامه عمل برای هر یک از انسان ها از سوی خدا ، پشتوانه تضمین پاداش کامل آنان است .

فمن يعمل .. إنا له کتبون

جمله <إنا له کاتبون> عطف بر جمله <فلا کفران لسعیه> و تأکید کننده مضمون آن است و در حقیقت، بیانگر این نکته است که چون اعمال همه انسان ها را می نویسیم، پس بدون کم و کاست، پاداش آنان را خواهیم داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - داوری خداوند درباره امت ها ، براساس نامه عمل شان

تدعی إلی کتبها الیوم تجزون ما کنتم تعملون

از این که پس از فراخوانی انسان ها به نامه عمل خویش، مسأله جزای آنان مطرح شده است، به دست می آید که نامه عمل شان ملاک داوری حق خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۹ - ۲،۳

۲ - احتجاج الهی در قیامت با امت ها ، براساس مدرک و سند

هذا کتبنا

۳ - صحیفه اعمال امت ها در قیامت ، بیان کننده تمامی کردار ایشان ، به صورتی دقیق و بدون کمترین کاستی و فزونی

ینطق علیکم بالحقّ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۳

۳ - پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تفعلون

وضوح نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۳

۳- حساب انسان در پرونده عمل وی در قیامت ، روشن و آشکار است .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

از اینکه خداوند فرموده است: <خودت برای حسابرسی عمل خود کافی هستی> نشان می دهد که اعمال و حسابرسی آنها روشن و آشکار است و نیاز به تبیین از سوی کسی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۹ - ۵

۵ - نامه اعمال امت ها ، خود گویا و بی نیاز از شرح و تفسیر

ینطق علیکم بالحقّ

واژه <نطق> چه در معنای حقیقی (سخن گفتن) باشد و چه در معنای کنایی (گویایی و روشنی) بی نیازی از تفسیر و توضیح را می رساند.

وضوح نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۹ - ۱

۱ - دیوان نامه های عمل بدکاران ، نوشته ای خوانا و علامت دار و بی ابهام است .

<کتاب> خبر برای ضمیر محذوفی است که به <سَجِّین> برمی گردد. <مرقوم> از ریشه <رَقْم> (علامت و مارکی که بر پارچه زده شود) (مصباح) یعنی، دارای علامتی که تشخیص آن را آسان سازد. ماده <رقم> به معنای <خط درشت> و <برطرف ساختن ابهام نوشته> نیز آمده است. (مفردات راغب)

مکان نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۸ - ۲

۲ - مخزن نامه های عمل بدکاران ، دارای ویژگی هایی فراتر از حد بیان است و پستی و گریزناپذیر بودن آن قابل توصیف نیست .

و ما أدریک ما سجین

ریشه کلمه <سَجین> بر زندان بودن جایگاه نامه عمل بدکاران دلالت دارد و پستی آن، از تقابل با <علّین> در آیات بعد استفاده می شود.

ویژگیهای نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳ - ۲

۲ - اعمال آدمیان ، مدون در صحیفه ای باز و گسترده

و کتب مسطور . فی رقّ منشور

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از <کتاب مسطور> نامه اعمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۹ - ۲

۲ - کردار هر کس ، تنها گریبان گیر شخص او بوده و نامه عمل او با دیگر نامه های اعمال ، مشتبه نخواهد شد .

ما سجین . کتب مرقوم

ویژگیهای نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۹ - ۱

۱ - دیوان نامه های عمل بدکاران ، نوشته ای خوانا و علامت دار و بی ابهام است .

کتاب مرقوم

<کتاب> خبر برای ضمیر محذوفی است که به <سجین> برمی گردد. <مرقوم> از ریشه <رَقْم> (علامت و مارکی که بر پارچه زده شود) (مصباح) یعنی، دارای علامتی که تشخیص آن را آسان سازد. ماده <رقم> به معنای <خط درشت> و <برطرف ساختن ابهام

نوشته < نیز آمده است. (مفردات راغب)

ویژگیهای نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۰ - ۱

۱ - دیوان نامه های عمل نیکوکاران ، نوشته ای خوانا و نشانه دار است .

کتب مرقوم

<مرقوم> یعنی، دارای علامت و به معنای واضح و درشت خط نیز آمده است.

نامه آسمانی

درخواست نامه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۵،۶

۵- صعود پیامبر (ص) به آسمان و آوردن دستخطی قابل خواندن و گواه بر صعود واقعی خویش ، معجزه درخواستی مشرکان مکه از آن حضرت

أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرَقِيكَ حَتَّى تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ

۶- صعود پیامبر (ص) به آسمان و آوردن نامه ای برای حقانیت خویش ، پیش شرط مشرکان مکه برای ایمان آوردن به آن حضرت

وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى... أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرَقِيكَ حَتَّى تَنْزِلَ عَلَيْنَا

نامه رسانی

تاریخ نامه رسانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۳

۳ - استفاده از پرنده پیک برای ارتباطات ، به عصر سلیمان بازمی گردد .

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

نامه رسانی در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۳

۳ - استفاده از پرنده پیک برای ارتباطات ، به عصر سلیمان بازمی گردد .

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

نامه رسانی هدهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸

۱ - مأموریت هدهد از سوی سلیمان ، برای بردن نامه وی به جانب ملکه سبا

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

<کتاب> معادل <مکتوب> و به معنای نامه است؛ یعنی، این نامه مرا ببر، آن گاه... .

۲ - افکندن نامه به محلّ تجمع ملکه و درباریان سبا ، مأموریت هدهد از جانب سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

<ها> ساکن در <ألقه> ها سکت و <إلقاء> (مصدر <ألق>) به معنای افکندن است؛ یعنی، آن گاه [نامه را] به سوی آنان بیفکن.

۴ - هدهد ، موظف به روی برتافتن از درباریان سبا (پس از افکندن نامه سلیمان) نزد ایشان

ثمّ تولّ عنهم فانظر ماذا يرجعون

<تولّى> (مصدر <تولّى>) به معنای روی برتافتن است؛ یعنی، از آنان روی برتاب و سپس بنگر چه پاسخ می دهند.

نامه عمل

{نامه عمل}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۲

۲- اعمال تمام انسان ها ، در کتابی جامع ثبت می شود .

و وضع الکتب فتری المجرمین مشفقین ممّا فيه

چنانچه مراد از <الکتاب> جنس و ماهیت کتاب باشد. ممکن است، جمله <وضع الکتاب> دلالت کند که اعمال همه آدمیان، در یک کتاب ثبت شده و در قیامت، به آن ها نشان داده خواهد شد. برداشت بالا، ناظر به این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۳

۳- ثبت گناهان در نامه اعمال ، فوری نیست و با انجام آن با تأخیر صورت می گیرد .

سنکتب ما يقول

حرف <سین> برای استقبال است و دلالت دارد که ثبت گفتاری که

از شخص صادر می شود، با اندکی فرصت انجام می گیرد. دلیل این تأخیر ممکن است احتمال توبه از گناه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۲ - ۵

۵ - ثبت دقیق اعمال آدمیان در کتابی نزد خداوند

و لدینا کتب ینطق بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۰ - ۴

۴ کسانی که مرتکب گناه شرک، آدم کشی و زنا شده اند، در صورتی که به توبه، ایمان و عمل صالح روی آورند، خداوند کردار بد آنان را از نامه عملشان محو کرده و به جای آنها کردار نیک قرار می دهد.

و من یفعل ذلک . . . یضعف له العذاب ... إلا من تاب ... فأولئک یدلّ الله سیئ

در این که مقصود از تبدیل <سینات> به <حسنات> چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه عمده وجود دارد: ۱- تبدیل خود اعمال بد به اعمال نیک؛ به گونه ای که در پرونده اعمال مؤمنان به جای <سیئه>، <حسنه> نوشته شود. ۲- تبدیل آثار و پیامدهای <سینات> که عقاب است به آثار و پیامدهای <حسنات> که ثواب است. گفتنی است برداشت فوق مبتنی بر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۲ - ۹

۹ - تمامی رفتار و آثار انسان، در کارنامه روشن و در لوح محفوظ، شمارش و ثبت می شود.

و کلّ شیء أحصینہ فی إمام مبین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله <و کلّ

شیء.. < تأکید برای جمله > و نکتب ما قَدِّموا...> و مربوط به اعمال انسان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۳ - ۱

۱ - تمامی اعمال کوچک و بزرگ آدمیان ، مکتوب در صحیفه اعمال ایشان

و کلّ صغیر و کبیر مستطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۴ - ۴

۴ - انسان ، در برابر تمامی رفتار های فردی و اجتماعی خویش ، مسؤول بوده و همه آنها در نامه اعمال او ثبت است .

من أوتی کتبه.. و لم أدر ما حسابه... و لایحضّ علی طعام المسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۳ - ۴

۴ - تمام نشدن پرونده اعمال انسان ها پس از مرگ

يَتَّبِعُوا الْاِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَاٰخِر

برداشت یاد شده، براساس احتمال دوم در آیه شریفه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۹ - ۳

۳ - هیچ یک از کردار و پندار های انسان ها نابود نمی شود و در نامه عمل آنان باقی می ماند .

و کلّ شیء أحصینه کتبا

< کلّ شیء > ممکن است جمع عرفی باشد، یعنی، هر چیزی که در ثواب و عقاب مؤثر است. به قرینه دو آیه قبل، باور نداشتن معاد و نیز تکذیب آیات الهی، از جمله آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۰ - ۱

۱ - اعمال انسان ها ، در طومارهایی ، نوشته و ثبت می گردد .

و

إذا الصحف نشرت

آثار رؤیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱- مجرمان ، هنگام مشاهده کتاب اعمال شان آرزومند مرگ خویش اند . *

و يقولون يويلتنا مال هذا الكتب

<ويله> و <ويل> به معنای <هلاکت> است و مؤنث بودن <ويله> مفید مبالغه است. منادا قرار گرفتن <ويل> از سوی مجرمان، گویای این است که آنان، با مشاهده نامه عمل خود، راهی جز هلاک و عذاب برای خود ندیده، لذا آن را منادا قرار داده و آمدن اش را می طلبند و یا این که به قدری حال خود را وخیم می بینند که مرگ و هلاکت را، تنها راه رهایی خود از آن وضعیّت می پندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۱ - ۱

۱ - مشاهده نامه اعمال در قیامت ، مایه آگاهی به کردار ها و پیش بینی کیفر ها است .

و أمّا من أوتى .. فسوف يدعوا ثبورًا

آثار علم به نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۷

۷ - اطلاع بر پرونده اعمال ، راهی برای آگاهی انسان در قیامت بر کردار خویش

و إذا الصحف نشرت .. علمت نفس ما أحضرت

اختفای نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۰ - ۳

۳ - پرونده اعمال هر کس تا قیامت ، بسته است و بر کسی مکشوف نیست .

و إذا الصحف نشرت

ارائه نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۷، ۶، ۵

۵ - نامه اعمال همه بندگان در قیامت ، عرضه خواهد شد .

و وضع الکتب

<وضع> به معنای نهادن است و در این جا کنایه از عرضه شدن می باشد. <کتاب> در آیه شریفه به معنای نامه اعمال است.

۶ - تمامی اعمال بندگان ثبت و درج شده و در قیامت به صورت نوشته ای ظاهر خواهد شد .

و وضع الکتب

۷ - حضور پیامبران در قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه اعمالشان

و جایء بالنبیین

مقصود از آوردن پیامبران در قیامت هنگام عرضه نامه اعمال بندگان به قرینه آیه <فکیف إذا جئنا من کل أمه بشهید و جئناک علی هؤلاء شهیداً (نساء (۴)، ۴۱) گواهی دادن آنان است.

۹ - احضار شاهدانی چند در عرصه قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه نامه اعمالشان

و الشهداء

<شهداء> جمع <شاهد> (گواه) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۰ - ۵، ۲

۲ - قیامت ، روز باز شدن نامه عمل انسان و آگاهی او بر محتوای آن

و إذا الصحف نشرت

<نشر>، مخالف پیچیدن است (لسان العرب). براساس این معنا، فعل <نشرت>، دلالت دارد که نامه اعمال پیش از نشر، به شکل طومار است.

۵ - نامه های اعمال در قیامت ، بر اهل محشر پراکنده و پخش خواهد شد .

و إذا الصحف نشرت

<نشر> به معنای تفریق (پراکنده ساختن) آمده است (تاج العروس). مراد از <نُشرت>، در این معنا پراکنده شدن نامه ها بر صاحبان آن و رسیدن نامه عمل هر کس به دست او است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۱،۶

۱ - برای هر انسان ، نامه عملی است که در قیامت آن را دریافت خواهد کرد .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ

۶ - انسان ها هنگام حضور در پیشگاه خداوند نامه های اعمال خود را در اختیار داشته و به کردار خویش آگاهی یافته اند .

فَمَلْقِيَهُ . فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

<فاء> در <فَأَمَّا> بیانگر ارتباط مفاد این آیه با ملاقات خداوند است که در آیه قبل مطرح شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۵

۱۵ خداوند در قیامت انسان ها را به تمامی اعمال دنیویشان آگاه ساخته و دستاوردهایشان را به آنان نشان خواهد داد .

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

استنساخ نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۱۱

۱۱- > عن أبي جعفر (ع) : إِنَّ فِي السَّمَاءِ مَلَكًا يَقَالُ لَهُ إِسْمَاعِيلُ عَلَى ثَلَاثِمِائَةِ أَلْفٍ مَلَكٌ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ عَلَى مِائَةِ أَلْفٍ يَحْصُونَ أَعْمَالَ الْعِبَادِ فَإِذَا كَانَ رَأْسُ السَّنَةِ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِمْ مَلَكًا يَقَالُ لَهُ : السَّجِّلْ فَاَنْتَسِخْ ذَلِكَ مِنْهُمْ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : > يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِّلِ لِلْكِتَابِ ;

از امام باقر(ع) روایت شده که در فضا فرشته ای است به نام اسماعیل که سیصد هزار فرشته تحت فرمان دارد و هر کدام از فرشتگان صد هزار فرشته را فرماندهی می کند و آنان کارهای بندگان را احصا می کنند و با شروع هر سالی خداوند فرشته ای را به نام

<سجل> می فرستد تا از [نامه اعمال] [بندگان] [که در اختیار فرشتگان فضا است] نسخه برداری کند و این است سخن خداوند تبارک و تعالی که: <یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب>».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۹ - ۶

۶ - نسخه برداری مداوم و ثبت دقیق اعمال آدمیان

إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ

تشخیص نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۹ - ۱

۱ - ابزار شناخت دیوان نامه های عمل نیکوکاران ، در دسترس همگان نیست .

و ما أدریک ما علیون

تشخیص نامه عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۸ - ۱

۱ - ابزار شناخت دیوان نامه های اعمال بد ، در دسترس همگان نیست .

و ما أدریک ما سجین

تکریمهای کارگزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشفاق - ۸۴ - ۱۰ - ۵

۵ - واگذارکنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت ، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفت بار خواهند داشت .

فَأَمَّا مَنْ أَوْتَىٰ كُتْبَهُ بِيَمِينِهِ .. وَأَمَّا مَنْ أَوْتَىٰ كُتْبَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ

ثبت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۱ - ۵

۵ - تکذیب قیامت ، در نامه عمل تکذیب کنندگان ثبت شده و براساس آن کیفر خواهند دید .

کتب مرقوم . ویل یومئذ للمکذبین . الذین یکذبون بیوم الدین

جامعیت نامه عمل

جلد - نام سوره -

۵- > عن أبي عبد الله (ع) في قوله : < اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم > قال : يذكر بالعبء جميع ما عمل و ما كتب عليه حتى كأنه فعله تلك الساعه فلذلك قالوا : يا ويلتنا ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيره و لا كبيره إلا أحصاها < ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا <اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم> روايت شده است كه فرمود: همه اعمالی كه بنده انجام داده و بر او نوشته شده است به يادش می آورند؛ به گونه ای كه گویی همان لحظه انجام داده است. پس بدین جهت گویند: يا ويلتنا ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيره و لا كبيره إلا أحصاها.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مجرمان ، از جامعیت و دقت كتاب اعمال آدميان ، شگفت زده و به شدت نگران خواهند شد .

یویلتنا مال هذا الكتب لا يغادر صغيره و لا كبيره

۱۲- نامه اعمال ، دربرگیرنده ریز و درشت کردارها و به شمارآورنده کمترین عمل انسان است .

لا يغادر صغيره و لا كبيره إلا أحصاها

<غدر> و <مغادره> به معنای ترك است و <لا يغادر..> یعنی هیچ كوچك و بزرگی را فروگذار نكرده و نمی كند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- انسان ، در برابر عقاید و باورهای خویش ، مسؤول بوده و همه آنها در نامه اعمال او ثبت است .

من أوتی كتبه . . . و لم أدر ما حسابیه...

خذوه... فاسلكوه . إنّه كان لا يؤمن بالل

خداوند علت سرنوشت بد و عذاب کافران را، ایمان نیاوردن به خدای بزرگ دانسته است. از این نکته می توان استفاده کرد که انسان در برابر مجموعه عقاید و اندیشه های خویش، مسؤول است و باید در برابر خدای بزرگ پاسخگو باشد.

جایگاه نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۹ - ۲

۲ - جایگاه نامه های عمل نیکوکاران ، دارای ویژگی هایی فراتر از حد بیان است .

و ما أدریک ما علیون

حتمیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۴

۴ - امتناع کردن از دریافت نامه اعمال در قیامت ، امکان پذیر نیست .

فأما من أوتی کتبه بیمینه

برداشت یاد شده، از مجهول بودن <أوتی> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۲

۲ - امتناع کردن از دریافت نامه عمل در قیامت ، امکان پذیر نیست .

و أمّا من أوتی کتبه

برداشت یاد شده، از مجهول بودن <أوتی> استفاده شده است.

حقانیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۲

۲ - نامه عمل سراسر حقیقت و خالی از هرگونه خطا است .

یعلمون ما تفعلون

تصریح به علم کاتبان نامه عمل، توجه دادن به راستی و درستی آن نامه است.

درخواست رؤیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۴

۴ - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده

و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فَيَقُولُ هَآؤُمُ اقْرءُوا كِتَابِيَهٗ

<هَآؤُمُ> اسم فعل امر و به معنای <خذوا> (بیاید بگیریید) است.

درخواست قرائت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۴

۴ - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فَيَقُولُ هَآؤُمُ اقْرءُوا كِتَابِيَهٗ

<هَآؤُمُ> اسم فعل امر و به معنای <خذوا> (بیاید بگیریید) است.

دریافت نامه عمل از پشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۳،۶

۳ - نامه عمل برخی از انسان ها در قیامت ، از پشت سرشان به آنان واگذار خواهد شد .

و اَمَّا مِنْ اُوتِي كِتٰبِهٖ وَّرَآءَ ظَهْرِهٖ

از ضمیمه این آیه با آیه ای که از گرفتن نامه عمل با دست چپ سخن گفته است (الحاقه، آیه ۲۵)، به دست می آید که این گروه، نامه عمل خود را با دست چپ از پشت سر خود تحویل خواهند گرفت.

۶ - < عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ : ... ان الله ... أنزل في < إذا السماء انشقت > < و أمّا من أوتى كتابه وراء ظهره ... > فهذا مشرك ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: ... خداوند... در سوره <إذا السماء انشقت> فرمود: <و أمّا من أوتى كتابه وراء ظهره...>. این شخص [که نامه عملش از پشت سر به او داده می شود] مشرك است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

گرفتن نامه عمل از پشت سر در قیامت ، سرآغاز گرفتاری در موقعیتی دشوار که هر کس ، فریاد هلاکت خواهی و آرزوی مرگ سر خواهد داد .

فسوف يدعوا ثبورًا

<ثبور> به معنای هلاکت و تباهی است. (مفردات راغب)

۳- دریافت نامه عمل از پشت سر ، رمز و نشانه محکومیت در عرصه حسابرسی است .

فسوف يحاسب .. فسوف يدعوا ثبورًا

تقابل دو گروه دریافت کننده نامه عمل، بیانگر این است که هر دو حسابرسی خواهند شد؛ ولی نتیجه آن در مورد آنان متفاوت است. بنابراین گرچه <فسوف يحاسب> تنها در مورد یک دسته آمده است؛ ولی دسته دیگر نیز به قرینه حرف <سوف> که بین گرفتن نامه عمل از پشت سر و فریاد واویلائی شخص، فاصله ای را مفروض گرفته مورد محاسبه قرار خواهند گرفت.

۴- محاسبه و رسیدگی به اعمال کسانی که نامه عمل خود را از پشت سر دریافت کرده اند ، سخت و اندوه بار خواهد بود .

حسابًا یسیرًا .. مسرورًا ... فسوف يدعوا ثبورًا

برداشت یاد شده، از مقابله دو گروه استفاده شده است. از آنجا که گروه اول حسابی آسان داشته و شادمان خواهند شد، دانسته می شود که برای گروه دوم، جز سختی حساب و غمگین شدن نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۲ - ۱

۱- کسانی که نامه عمل خود را از پشت سر دریافت می کنند ، به آتش برافروخته جهنم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

و یصلی سعیرًا

<صلی> یعنی، حرارت را چشید (مصباح). در لسان العرب آمده است: صَلَّی فلان بالنار

يَصْلِي صُلْبًا احترق (سوخت). راغب می گوید: <صَلِيَ بالنار>؛ یعنی، به آتش مبتلا شد و از برخی اهل لغت نقل می کند که: <صلى النار>: دَخَلَ فِيهَا (درون آتش رفت). <سعير> (بر وزن فعيل) به معنای مفعول است؛ یعنی، داغ و برافروخته. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۵

۵ - اعطای نامه عمل از پشت سر، فریاد هلاکت خواهی در قیامت و گرفتاری به آتش جهنم، برخاسته از استبعاد معاد است.

و أَمَا مِنْ أُوتَى . . . إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ

این آیه، می تواند بیانگر علت برای مطالب قبل باشد که از جمله آنها <أوتی کتابه وراء ظهره> بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - کسانی که در قیامت نامه عمل را از پشت سر دریافت کرده و به دوزخ گرفتار می شوند، خود عامل پیدایش چنین سرنوشتی اند.

أَمَا مِنْ أُوتَى كِتَابَهُ . . . وَيَصْلِي سَعِيرًا . . . بَلَى إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا

۱۲ - عذاب دوزخیان و اعطای نامه عمل به آنان از پشت سرشان، نظام جزایی آگاهانه و مدبرانه خداوند است.

و أَمَا مِنْ أُوتَى كِتَابَهُ . . . وَيَصْلِي سَعِيرًا . . . بَلَى إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا

حرف <بلی> ممکن است به تمام مشخصات دسته دوم (و أَمَا مِنْ أُوتَى . . .) ارتباط داشته باشد. در این صورت پندار رجوع نکردن را، پنداری باطل و حوادث پیش آمده (أوتی کتابه وراء ظهره . . . یصلی سعیراً) را، رخدادی ثابت معرفی می کند. جمله <إِنَّهُ

...> بیانگر این است که آن حادثه ها، برخاسته از ربوبیت و بصیرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۸

۸ - مردم بی ایمان در قیامت ، نامه عمل خویش را از پشت سر دریافت کرده و به آتش جهنم گرفتار خواهند شد .

أما من أوتي كتبه وراء ظهره . . . و يصلی سعیرًا ... فما لهم لا يؤمنون

ارتباط مجموع آیات این سوره، اقتضا می کند که مراد از ضمیر <هم> و تعبیر <الذین كفروا> (در آیات بعد) همان کسانی باشند که در آیه دهم، با تعبیر <من أوتي كتبه وراء ظهره> از آنان یاد گردید. همان طور که مراد از <الذین آمنوا> (در آیات بعد)، همان <من أوتي كتبه بيمينه> در آیات پیشین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۵

۵ - نامه عمل کافر ، از پشت سر به او داده شده و آتش دوزخ فرجام او خواهد بود .

و أما من أوتي كتبه وراء ظهره . . . و يصلی سعیرًا ... بل الذین كفروا

ارتباط مجموع آیات سوره با یکدیگر، اقتضا می کند که دو دسته آخر سوره (الذین كفروا) و (الذین آمنوا)، همان دو دسته قبل باشند که با عنوان <من أوتي كتبه بيمينه> و <من أوتي كتبه وراء ظهره> از آنان یاد شد.

دلایل حقانیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۹ - ۷

۷ - مستند بودن نامه اعمال آدمیان ، دلیل حق بودن و کاستی نداشتن آن

ینطق علیکم

بالحقِّ إنا كنا نستنسخ

<إنا كنا..> در مقام تعلیل است و تکرار ضمایر متکلم و نیز تأکید به وسیله <إِنَّ>، مطلب بالا را افاده می کند.

رضایت از نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۵

۵ - شادمانی و رضایت مندی کامل مؤمنان بهشتی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فیقول هأؤم اقرءوا کتبه

روش برخورد کارگزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۵

۵ - واگذارکنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت ، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفت بار خواهند داشت .

فأما من أوتی کتبه بيمينه .. و أما من أوتی کتبه وراء ظهره

رؤیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۷،۳،۱

۱- در قیامت ، نامه عمل هر فرد ، در برابر دیدگان او نهاده شده ، آن را مشاهده خواهد کرد .

و وضع الکتب .. و یقولون یویلتنا مال هذا الکتب

مقصود از <الکتاب> به قرینه جملات بعدی، نوشته هایی است که در آن، همه اعمال آدمیان، ثبت و ضبط شده است. حرف <ال> در <وضع الکتاب>، برای استغراق افراد است، یعنی <کل کتاب>. در نتیجه، مراد این است که همه کتاب ها را در برابر دیدگان آحاد انسان ها قرار خواهند داد و هر فرد، کتاب خودش را ملاحظه خواهد کرد.

۳- در قیامت مجرمان ، هنگام مشاهده نامه عمل ، از کردار خود وحشت و دلهره

پیدا می کنند .

فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

۷- پرهیز کنندگان از جرم و گناه ، به هنگام مشاهده نامه اعمال خود در قیامت ، بیم و هراس نخواهند داشت .

و وضع الکتب فتري المجرمین مشفقین ممّا فیه

جمله <وضع الکتب> وضع و مشاهده کتاب را به مجرمان اختصاص نداده است، ولی جمله <فتري المجرمین..> تنها، از ترس مجرمان سخن گفته است، بنابراین، دیگران، با مشاهده کتاب خود، اضطرابی نخواهند یافت.

زمان دریافت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۲

۲ - مرحله حسابرسی در قیامت ، مرحله ای پس از دریافت نامه های اعمال است .

فسوف یحاسب حسابًا یسیرًا

<سوف>، برای وعده دادن به کار می رود (مصباح) و دلالت بر تأخیر دارد. (مقایس اللغه)

سرزنشهای کار گزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۵

۵ - واگذار کنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت ، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفت بار خواهند داشت .

فأما من أوتی کتبه بیمینه .. و أما من أوتی کتبه وراء ظهره

سوگند به نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲ - ۵

۵- سوگند خداوند ، به نامه اعمال آدمیان

و کتب مسطور

برخی از مفسران مراد از <کتاب مسطور> را نامه اعمال دانسته اند. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

علم به نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۲

- کافران دوزخی ، پس از دریافت نامه اعمال خود ، از محتوا و حکم نهایی آن درباره خویش آگاه خواهند شد .

و لم أدر ما حساييه

علم توزیع کنندگان نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۵

۵ - تحویل دهندگان نامه های اعمال به انسان ها در قیامت ، از فرجام آنها آگاه اند .

من أوتی کتبه بیمینه

عمومیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۱

۱ - برای هر انسان ، نامه عملی است که آن را در قیامت دریافت خواهد کرد .

يَأْتِيهَا الْإِنْسَنُ .. فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ ... وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ

قرائت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۱،۲

۱- خداوند ، فراخوان انسان ها در قیامت ، به خواندن نامه عمل خویش

و نخرج له يوم القيمة كِتَابًا .. اقرأ كِتَابَكَ

۲- هر انسانی در قیامت ، با خواندن پرونده اعمال خویش ، خود حسابگر آنها خواهد بود .

اقرأ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا

محافظت از نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۷ - ۴

۴ - نامه عمل فاجران ، در دیوانی تغییرناپذیر و زندانی منحنّ ، بایگانی و حفاظت می شود .

إِنَّ كِتَابَ الْفَجَّارِ لَفِي سَجِّينَ

سَجِّينَ همان سجن (زندان) است، علاوه بر رساندن معنای خلود^۲ زیرا این وزن برای مبالغه است (مجمع البیان). تفسیر آن به
<کتاب مرقوم> در

دو آیه بعد دلالت دارد که <سَجِّين> کتابی است که نامه عمل فاجران، به گونه ای در آن قرار داده شده است که گویا نوشته ها در آن حبس شده است. مقابله آن با <عَلَّيْن> که در آیات بعد آمده است بیانگر انحطاط و پستی آن است.

محافظت از نامه عمل کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۷ - ۶

۶ - نامه عمل کم فروشان ، در جایگاهی پست نگه داری خواهد شد .

وَيْلٌ لِلْمُطَفِّينَ . . . إِنَّ كُتُبَ الْفُجَّارِ لَفِي سَجِّينَ

محافظت از نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۸ - ۵

۵ - نامه عمل نیکوکاران ، در دیوانی تغییرناپذیر و جایگاهی رفیع ، (عَلَّيْن) ، بایگانی و حفاظت می شود .

إِنَّ كُتُبَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَّيْنِ

<عَلَّيْن> گرچه به لفظ جمع آمده است ولی به قرینه <کتاب مرقوم> و ضمیر مفرد در <يشهده المقرَّبون>، معنای مفرد دارد. لسان العرب از ابو اسحاق نقل کرده است: چون <عَلَّيْن> در لفظ به صورت جمع است، اعراب جمع دارد. برخی از اهل لغت، آن را جمع <عَلَّيْ> و به معنای سلسله مراتب رفیع تا بی نهایت می دانند. (مقایس اللغه)

مطالعه نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - سعادت‌مندان ، نامه اعمال خویش را در قیامت ، خود مورد مطالعه قرار می دهند .

فَمَنْ أَوْتِيَ كُتُبَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كُتُبَهُمْ

مکان نامه عمل کم فروشان

- آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۶

۶ - نامه عمل کم فروشان ، در جایگاهی پست نگه داری خواهد شد .

ویل للمطففین . . . إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سَجِينِ

نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۰ - ۴

۴ - اعمال مردمان در نامه ای ثبت و نگه داری می شود .

اللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ . . . إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَابِ

<ذَلِكَ> اشاره دارد به مضمون جمله <ما تعملون> در آیه ۶۸؛ یعنی، آنها (اعمال شما)، همگی در کتابی ثبت و ضبط می شوند.

نامه عمل اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۱ - ۲

۲ - کسانی که در قیامت نامه عملشان را در دست چپ داشته باشند ، اصحاب الشمال هستند .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۱

۱ - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتی کتبه بشماله

نامه عمل اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۱

۱۱- برخی از انسان ها پس از حضور در قیامت ، نامه اعمال خود را با دست راست خویش دریافت می کنند .

یوم ندعوا .. فمن أوتی کتبه بيمينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از

مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحاب اليمين ما أصحاب اليمين

<يمين> در مقابل <شمال> و به معنای دست راست است با توجه به آیه ۱۹ سوره <حاقه> (فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ..) باید گفت: <أصحاب اليمين> یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

۲- آنان که در قیامت نامه عمل خود را در دست راست دارند ، < اصحاب اليمين > هستند .

و أصحاب اليمين ما أصحاب اليمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۰ - ۱،۲

۱ - دسته ای از مردم در قیامت ، نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود .

و أَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

<اصحاب اليمين> (یاران دست راست) کسانی اند که در سوره های <اسراء>، <حاقه> و <انشقاق> از آنان به <من أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ> (کسانی که نامه اعمالشان را به دست راست آنان داده اند) تعبیر شده است.

۲- به کسانی که در قیامت ، نامه عمل خویش را در دست راست گیرند ، < اصحاب اليمين > گفته می شود .

و أَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۱

۱ - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۱ - ۱

۱ - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت

برخوردار خواهند بود .

فَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ .. فَهُوَ فِي عَيْشِهِ رَاضِيَةٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۲ - ۱

۱ - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، در بهشت برین جای خواهند داشت .

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلِقٌ حَسَابِيَهُ .. فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

<عالیه> هم می تواند بیانگر علو قدر و منزلت باشد و هم به علو مکانی اشاره داشته باشد. در این صورت مقصود از آن، مسرت آفرین بودن بوستان های بهشتی است زیرا صاحبان آنها به خوبی بر همه مناظر آن اشراف داشته و از این رهگذر لذت برده و مسرور خواهند شد. برداشت بالا براساس معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۲

۲ - برخی از انسان ها در قیامت ، نامه عمل خود را با دست راست دریافت خواهند کرد .

فَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

نامه عمل امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۸،۹

۸ - فراخوانده شدن هر امت ، به سوی نامه اعمال خویش در قیامت

كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا

۹ - هر امت ، دارای نامه عملی ویژه و گروهی ، در قیامت

كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا

بازگشت ضمیر <کتابها> به امت، ظهور در این معنا دارد که هر جامعه و امت به عنوان یک جمع و گروه کتاب و پرونده ای

ویژه و مخصوص به خود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاییه

۳ - صحیفه اعمال امت ها در قیامت ، بیان کننده تمامی کردار ایشان ، به صورتی دقیق و بدون کمترین کاستی و فزونی

یَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ

نامه عمل انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۳

۳ - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

فَأَمَّا مِنْ أُوْتِي كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۳

۳ - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

وَأَمَّا مِنْ أُوْتِي كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ

نامه عمل بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۲،۴

۲ - نامه اعمال مؤمنان بهشتی در قیامت ، در دست راست آنان قرار دارد .

فَأَمَّا مِنْ أُوْتِي كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

از اوصاف بیان شده برای این گروه در آیات بعدی به دست می آید که آنان مؤمنانی بهشتی و از همان گروهی اند که در آیه ۳۸ سوره <واقعه>، از آنان به <اصحاب الیمین> نام برده شده است.

۴ - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فَيَقُولُ هَآؤُمُ اقْرءُوا كِتٰبِيَهٗ

<هَآؤُمُ> اسم فعل امر و به معنای <خندوا> (بیاید بگیریید) است.

نامه عمل بی ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۸

۸ - مردم بی ایمان در قیامت ، نامه عمل خویش را از پشت سر دریافت کرده و به آتش جهنم گرفتار خواهند شد .

أَمَّا مَنْ

أوتى كتبه وراء ظهره .. و يصلى سعيراً... فما لهم لا يؤمنون

ارتباط مجموع آیات این سوره، اقتضا می کند که مراد از ضمیر <هم> و تعبیر <الذین كفروا> (در آیات بعد) همان کسانی باشند که در آیه دهم، با تعبیر <من أوتى كتابه وراء ظهره> از آنان یاد گردید. همان طور که مراد از <الذین آمنوا> (در آیات بعد)، همان <من أوتى كتابه بيمينه> در آیات پیشین خواهد بود.

نامه عمل جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۲

۲ - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتى كتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه ۴۱ سوره <واقعه> از آنان به <أصحاب الشمال> یاد شده است.

نامه عمل در دست چپ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۱ - ۲، ۱

۱ - در قیامت دسته ای از مردم ، نامه عملشان را در دست چپ خواهند داشت .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

<شمال> (در مقابل <یمین>) به معنای دست چپ است. طبق آیه ۲۵ سوره <حاقه> (و أمّا من أوتى كتابه بشماله فيقول ياليتنى لم أوت كتابيه) اصحاب الشمال، کسانی اند که نامه عملشان در دست چپ آنان خواهد بود.

۲ - کسانی که در قیامت نامه عملشان را در دست چپ داشته باشند ، اصحاب الشمال هستند .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

جلد - نام سوره - سوره

۱ - نامه اعمال گروهی از اهل محشر، به دست چپ آنان داده می شود.

و أمّا من أُوتی کتبه بشماله

۲ - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت، به دست چپ آنان داده می شود.

و أمّا من أُوتی کتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه ۴۱ سوره <واقعه> از آنان به <أصحاب الشمال> یاد شده است.

۶ - <عن أبي جعفر (ع) قال: ... و أنزل فی الحاقّه، > و أمّا من أُوتی کتبه بشماله فیقول یا لیتنی لم أُوت کتاییه ... < فهذا مشرک؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. خداوند در سوره <الحاقّه> می فرماید: (و أمّا من أُوتی کتبه بشماله فیقول یا لیتنی لم أُوت کتاییه...) این [کسی که کتابش را به دست چپش می دهند] مشرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۴

۴ - کافران در آخرت، نامه عمل خویش را با دست چپ، دریافت خواهند کرد.

هم أصحاب المشئمه

<سمت چپ و راست> در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است؛ بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ

دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به <اصحاب الیمین> و <اصحاب الیمینه> نام گذاری شده و دسته دوم <اصحاب الشمال> و <اصحاب المشأمه> نام گرفته اند.

نامه عمل در دست راست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۲

۱۲- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتی کتبه بيمينه فأولئك يقرءون کتبهم و لا یظلمون فتيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

<یمین> در مقابل <شمال> و به معنای دست راست است با توجه به آیه ۱۹ سوره <حاقه> (فأما من أوتی کتابه بيمينه ..) باید گفت: <اصحاب الیمین> یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

۲ - آنان که در قیامت نامه عمل خود را در دست راست دارند ، <اصحاب الیمین> هستند .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۰ - ۱،۲

۱ - دسته ای از مردم در قیامت ، نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود .

و أما إن كان من أصحاب الیمین

<اصحاب الیمین> (یاران دست راست) کسانی اند که در سوره های <اسراء>، <حاقه> و <انشقاق> از آنان به <من أتی کتابه بيمينه> (کسانی که نامه اعمالشان را به دست راست آنان داده اند) تعبیر شده است.

، نامه عمل خویش را در دست راست گیرند ، < اصحاب الیمین > گفته می شود .

و أمّا إن كان من أصحاب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فأما من أوتی کتبه بيمينه

۲ - نامه اعمال مؤمنان بهشتی در قیامت ، در دست راست آنان قرار دارد .

فأما من أوتی کتبه بيمينه

از اوصاف بیان شده برای این گروه در آیات بعدی به دست می آید که آنان مؤمنانی بهشتی و از همان گروهی اند که در آیه ۳۸ سوره < واقعه > ، از آنان به < اصحاب الیمین > نام برده شده است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۱

۱ - نامه اعمال معتقدان به قیامت و حساب رسی ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فأما من أوتی کتبه بيمينه . .. إني ظننت أني ملق حسابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۱ - ۱

۱ - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت برخوردار خواهند بود .

فأما من أوتی کتبه بيمينه . .. فهو فی عیشه راضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۲ - ۱

۱ - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، در بهشت برین جای خواهند داشت .

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَقٌ

حسابیه .. فی جَنّه عالیّه

<عالیه> هم می تواند بیانگر علوّ قدر و منزلت باشد و هم به علوّ مکانی اشاره داشته باشد. در این صورت مقصود از آن، مسرت آفرین بودن بوستان های بهشتی است؛ زیرا صاحبان آنها به خوبی بر همه مناظر آن اشراف داشته و از این رهگذر لذت برده و مسرور خواهند شد. برداشت بالا براساس معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۲

۲ - برخی از انسان ها در قیامت ، نامه عمل خود را با دست راست دریافت خواهند کرد .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۳،۴

۳ - کسانی که نامه عمل آنان به دست راستشان داده شود ، حسابرسی آسانی خواهند داشت .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . فسوف يحاسب حسابًا يسيرًا

<یسیر> دو معنا دارد: ۱. آسان، ۲. قلیل (مفردات راغب). در آیه شریفه، اولین معنا مناسب است.

۴ - اعطای نامه عمل به دست راست حاضران در قیامت ، رمز و نشانه چشم پوشی از لغزش های آنان است . *

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . فسوف يحاسب حسابًا يسيرًا

نادیده گرفتن <سیئات> که در بعضی از سوره های دیگر درباره گروهی از حاضران قیامت مطرح شده مصداق حساب آسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۱،۳

۱ - اعطای نامه عمل به دست راست انسان در قیامت و حسابرسی آسان از او ، فرح بخش و شادی آفرین است

و ينقلب إلى أهله مسرورًا

۳- دریافت کنندگان نامه عمل با دست راست ، با آسان گذراندن مرحله حسابرسی ، شادمان به نزد خویشاوندان خود بر خواهند گشت .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . . . و ينقلب إلى أهله مسرورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۴

۴- مؤمنان در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست راست ، دریافت خواهند کرد .

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

این احتمال وجود دارد که اصحاب المیمنه بودن کنایه از گرفتن نامه اعمال با دست راست (یمین) باشد.

نامه عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۳ - ۴،۹

۴- خداوند اعمال انسان را در دنیا ثبت کرده و در قیامت ، به صورت کتابی گشوده در برابر او ظاهر خواهد ساخت .

و نخرج له يوم القيامة كتابًا يلقه منشورًا

۹- > عن النبي قال : الكتب كلها تحت العرش فإذا كان يوم القيامة بعث الله تبارك و تعالی ریحاً تطيرها بالأيمان و الشمال أول حرفه : > اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم عليك حسيباً < ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: تمام نامه ها زیر عرش قرار دارند و آن گاه که روز قیامت فرا رسد، خداوند تبارک و تعالی بادی را برمی انگیزد تا آنها را به پرواز درآورد و به دستهای چپ و راست مردم برساند و اولین حرف آن کتاب این است: اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم عليك حسيباً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- خداوند ، فراخوان انسان ها در قیامت ، به خواندن نامه عمل خویش

و نخرج له يوم القيمة كِتَابًا .. اقرأ كتابك

۳- حساب انسان در پرونده عمل وی در قیامت ، روشن و آشکار است .

كفى بنفسك اليوم عليك حسيبًا

از اینکه خداوند فرموده است: <خودت برای حسابرسی عمل خود کافی هستی> نشان می دهد که اعمال و حسابرسی آنها روشن و آشکار است و نیاز به تبیین از سوی کسی ندارد.

۵- < عن أبي عبدالله (ع) في قوله : < اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم > قال : يذكر بالعبء جميع ما عمل و ما كتب عليه حتى كأنه فعله تلك الساعة فلذلك قالوا : يا ويلتنا ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيرة و لا كبيرة إلا أحصاها > ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا <اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم> روایت شده است که فرمود: همه اعمالی که بنده انجام داده و بر او نوشته شده است به یادش می آورند؛ به گونه ای که گویی همان لحظه انجام داده است. پس بدین جهت گویند: یا ویلتنا ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيرة و لا كبيرة إلا أحصاها.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۲۲، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹

۹- انسان ها ، عملکرد دنیوی خویش را در قیامت ، به صورت مجموعه ای ثبت شده و مکتوب دریافت می کنند .

فمن أوتى كُتبه بيمينه

۱۰- محاکمه انسان ها در قیامت ، بر اساس دلایل و اسناد مکتوب است .

ندعوا .. فمن أوتى كُتبه بيمينه

۱۱- برخی از انسان ها پس از حضور در قیامت ، نامه اعمال

خود را با دست راست خویش دریافت می کنند .

یوم ندعوا . .. فمن أوتی کتبه بيمينه

۱۲- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتی کتبه بيمينه فأولئك يقرءون کتبهم ولا یظلمون فتیلاً

۲۲- > عن أبي جعفر (ع) : ... أما المؤمن فيعطى كتابه بيمينه قال الله عزوجل : ... > من أوتی کتابه بيمينه فأولئك يقرءون کتابهم ... < ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. اما مؤمن کتاب او به دست راستش داده می شود. خداوند عزوجل می فرماید: ... > من أوتی کتابه بيمينه فأولئك يقرءون کتابهم ... < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱

۱- در قیامت ، نامه عمل هر فرد ، در برابر دیدگان او نهاده شده ، آن را مشاهده خواهد کرد .

و وضع الکتب . .. و يقولون یویلتنا مال هذا الکتب

مقصود از <الکتاب> به قرینه جملات بعدی، نوشته هایی است که در آن، همه اعمال آدمیان، ثبت و ضبط شده است. حرف <ال> در <وضع الکتب>، برای استغراق افراد است، یعنی <کل کتاب>. در نتیجه، مراد این است که همه کتاب ها را در برابر دیدگان آحاد انسان ها قرار خواهند داد و هر فرد، کتاب خودش را ملاحظه خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۴، ۹، ۶، ۵

۵- نامه اعمال همه بندگان در قیامت ، عرضه خواهد شد .

و وضع الکتب

<وضع> به معنای نهادن است و در این

جا کنایه از عرضه شدن می باشد. <کتاب> در آیه شریفه به معنای نامه اعمال است.

۶- تمامی اعمال بندگان ثبت و درج شده و در قیامت به صورت نوشته ای ظاهر خواهد شد.

و وضع الکتب

۹- احضار شاهدانی چند در عرصه قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان، هنگام عرضه نامه اعمالشان

و الشهداء

<شهادا> جمع <شاهد> (گواه) است.

۱۴- داوری خداوند میان بندگان در قیامت، بر پایه مستندات پرونده اعمال، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود.

و وضع الکتب و جایء بالنیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۹

۹- هر امت، دارای نامه عملی ویژه و گروهی، در قیامت

کَلَّ أُمَّه تَدْعِي إِلَي كَتَبِهَا

بازگشت ضمیر <کتابها> به امت، ظهور در این معنا دارد که هر جامعه و امت به عنوان یک جمع و گروه کتاب و پرونده ای ویژه و مخصوص به خود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- اعراف - ۷ - ۷ - ۱،۲

۱ خداوند در قیامت رفتار و عقاید آدمیان را به گونه ای دقیق و عالمانه برای آنان بیان خواهد کرد.

فلنقصن علیهم بعلم و ما کنا غائبین

حرف <باء> به معنای مصاحبت و ملابست است؛ یعنی: <فلنقصن علیهم مصاحبین و متلبسین بعلم. و نکره بودن <علم> دلالت بر عظمت آن علم دارد که از آن به <دقیق بودن> تعبیر شد.

۲ خداوند در قیامت سرگذشت پیامبران را در ابلاغ رسالت به گونه ای دقیق برای آنان بیان خواهد

کرد.

و لنسئلن المرسلین. فلنقصن علیهم بعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۷ - ۱

۱ - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

<یمین> در مقابل <شمال> و به معنای دست راست است با توجه به آیه ۱۹ سوره <حاقه> (فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بَیْمِینَهُ ..) باید گفت: <أصحاب الیمین> یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۱ - ۱

۱ - در قیامت دسته ای از مردم ، نامه عملشان را در دست چپ خواهند داشت .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

<شمال> (در مقابل <یمین>) به معنای دست چپ است. طبق آیه ۲۵ سوره <حاقه> (وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ یَالِیْتَنی لِمَ أُوْتِیْتُ كِتَابَیْهِ) اصحاب الشمال، کسانی اند که نامه عملشان در دست چپ آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۳،۵

۳ - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بَیْمِینَهُ

۵ - شادمانی و رضایت مندی کامل مؤمنان بهشتی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فَيَقُولُ هَآؤُمِ اقْرءُوا كِتَابَیْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتی کتبه بشماله

۳ - هر انسانی ،

دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

و أَمَا مِنْ أُوتِي كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ

۶ - > عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: ... وَ أَنْزَلَ فِي الْحَاقَّةِ ، < وَأَمَّا مِنْ أُوتِي كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيهِ ... > فِهَذَا مُشْرِكٌ ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. خداوند در سوره <الحاقه> می فرماید: (و أَمَا مِنْ أُوتِي كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيهِ...) این [کسی که کتابش را به دست چپش می دهند] مشرک است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۰ - ۴،۵

۴ - بسته ماندن و باز شدن نامه اعمال انسان در قیامت ، در اختیار او نیست .

و إِذَا الصَّحُفُ نُشِرَتْ

مجهول بودن <نشرت>، گویای برداشت یاد شده است.

۵ - نامه های اعمال در قیامت ، بر اهل محشر پراکنده و پخش خواهد شد .

و إِذَا الصَّحُفُ نُشِرَتْ

<نشر> به معنای تفریق (پراکنده ساختن) آمده است (تاج العروس). مراد از <نُشِرَتْ>، در این معنا پراکنده شدن نامه ها بر صاحبان آن و رسیدن نامه عمل هر کس به دست او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۳

۳ - پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۱

۱ - برای هر انسان ، نامه عملی است که در قیامت آن را دریافت خواهد کرد

فأما من أوتى كُتبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۳

۳ - نامه عمل برخی از انسان ها در قیامت ، از پشت سرشان به آنان واگذار خواهد شد .

و أما من أوتى كُتبه وراء ظهره

از ضمیمه این آیه با آیه ای که از گرفتن نامه عمل با دست چپ سخن گفته است (الحاقه، آیه ۲۵)، به دست می آید که این گروه، نامه عمل خود را با دست چپ از پشت سر خود تحویل خواهند گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۱ - ۳

۳ - دریافت نامه عمل از پشت سر ، رمز و نشانه محکومیت در عرصه حسابرسی است .

فسوف يحاسب .. فسوف يدعوا ثبورًا

تقابل دو گروه دریافت کننده نامه عمل، بیانگر این است که هر دو حسابرسی خواهند شد ولی نتیجه آن در مورد آنان متفاوت است. بنابراین گرچه <فسوف يحاسب> تنها در مورد یک دسته آمده است ولی دسته دیگر نیز به قرینه حرف <سوف> که بین گرفتن نامه عمل از پشت سر و فریاد و اویلای شخص، فاصله ای را مفروض گرفته مورد محاسبه قرار خواهند گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۴

۴ - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحاب المشئمه

<سمت چپ و راست> در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است بلکه

کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به <اصحاب الیمین> و <اصحاب الیمینه> نام گذاری شده و دسته دوم <اصحاب الشمال> و <اصحاب المشأمه> نام گرفته اند.

نامه عمل سعادت‌مندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۳

۱۳- سعادت‌مندان ، نامه اعمال خویش را در قیامت ، خود مورد مطالعه قرار می دهند .

فمن أوتی کتبه بيمينه فأولئك يقرءون کتبهم

نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۶

۶ - کردار بدکاران ، از نظر مأموران الهی مخفی نمانده و در نامه عمل آنان ثبت خواهد شد .

کتیین . یعلمون ما تفعلون ... و إنَّ الفجّار لفی جحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۳

۳ - کردار بدکاران ، ثبت و ضبط شده و در نامه عمل آنان باقی خواهد ماند .

کتب الفجّار

<کتاب الفجّار>، صحیفه ای است که در آن، اعمال فاجران ثبت شده است.

نامه عمل فاسقان در سجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۴

۴ - نامه عمل فاجران ، در دیوانی تغییرناپذیر و زندانی منحنی ، بایگانی و حفاظت می شود .

إِنَّ كَتَبَ الْفَجَّارَ لَفِي سَجِينٍ

سَجِين همان سجن (زندانی) است، علاوه بر رساندن معنای خلود؛ زیرا این وزن برای مبالغه است (مجمع البیان). تفسیر

آن به <کتاب مرقوم> در دو آیه بعد دلالت دارد که <سَجِّين> کتابی است که نامه عمل فاجران، به گونه ای در آن قرار داده شده است که گویا نوشته ها در آن حبس شده است. مقابله آن با <عَلِّين> که در آیات بعد آمده است بیانگر انحطاط و پستی آن است.

نامه عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۸

۸- خداوند ، پرونده کردار کافران و مشرکان را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد .

إِنَّمَا نَعَدُّ لَهُمْ عَدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۴،۵،۲

۲ - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه ۴۱ سوره <واقعه> از آنان به <أصحاب الشمال> یاد شده است.

۴ - کافران دوزخی ، از عرضه شدن نامه اعمالشان اظهار ناخوردگی می کنند .

فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لِمَ أُوتِيَ كِتَابِي

۵ - ناراحتی و اندوه شدید کافران دوزخی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لِمَ أُوتِيَ كِتَابِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۱

۱ - کافران دوزخی ، از آگاه شدنشان نسبت به حساب و محتوای پرونده اعمال خود اظهار ناخوردگی می کنند .

فيقول يلىتنى . . و لم أدر ما حساييه

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۵

۵ - نامه عمل کافر ، از پشت سر به او داده شده و آتش دوزخ فرجام او خواهد بود .

و أما من أوتي كتبه وراء ظهره .. و يصلی سعیرًا ... بل الذین كفروا

ارتباط مجموع آیات سوره با یکدیگر، اقتضا می کند که دو دسته آخر سوره (الذین كفروا) و (الذین آمنوا)، همان دو دسته قبل باشند که با عنوان <من أوتي كتابه بيمينه> و <من أوتي كتابه وراء ظهره> از آنان یاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۴

۴ - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحاب المشأمة

<سمت چپ و راست> در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است؛ بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به <اصحاب الیمین> و <اصحاب الیمینه> نام گذاری شده و دسته دوم <اصحاب الشمال> و <اصحاب المشأمة> نام گرفته اند.

نامه عمل گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۱، ۱۰

۱۰- مجرمان ، از جامعیت و دقت کتاب اعمال آدمیان ، شگفت زده و به شدت نگران خواهند شد .

یویلتنا مال هذا الكتب لا یغادر صغیره و لا کبیره

۱۱- مجرمان ، هنگام مشاهده

کتاب اعمال شان آرزومند مرگ خویش اند . *

و يقولون یویلتنا مال هذا الکتب

<ویله> و <ویل> به معنای <هلاکت> است و مؤنث بودن <ویله> مفید مبالغه است. منادا قرار گرفتن <ویل> از سوی مجرمان، گویای این است که آنان، با مشاهده نامه عمل خود، راهی جز هلاک و عذاب برای خود ندیده، لذا آن را منادا قرار داده و آمدن اش را می طلبند و یا این که به قدری حال خود را وخیم می بینند که مرگ و هلاکت را، تنها راه رهایی خود از آن وضعیت می پندارند.

نامه عمل متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۷

۷- پرهیز کنندگان از جرم و گناه، به هنگام مشاهده نامه اعمال خود در قیامت، بیم و هراس نخواهند داشت .

و وضع الکتب فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

جمله <وضع الکتب> وضع و مشاهده کتاب را به مجرمان اختصاص نداده است، ولی جمله <فتری المجرمین..> تنها، از ترس مجرمان سخن گفته است، بنابراین، دیگران، با مشاهده کتاب خود، اضطرابی نخواهند یافت.

نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۸ - ۴

۴ - کردار نیکوکاران، ثبت و ضبط شده، در نامه عمل آنان باقی خواهد ماند .

کتب الأبرار

<کتاب الأبرار> صحیفه ای است که در آن اعمال نیکوکاران ثبت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۰ - ۲

۲ - نامه های عمل نیکوکاران در دیوان جامع (علّیین) ، با یک دیگر مشته

نخواهد شد .

کتاب مرقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۲۱ - ۳

۳ - مقرَّبان در گاه خداوند گواهان نامه اعمال نیکوکاران اند .

یشهده المقرَّبون

فعل < یشهد >، یا از < شهود > به معنای حضور است و یا از < شهاده > که ابن اثیر در نهاییه آن را < خبر دادن از مشاهدات خویش > معنا کرده است؛ در هر صورت گواه بودن < مقرَّبون > استفاده می شود؛ زیرا در معنای اول حضور و نظارت آنان به منظور گواهی دادن است و معنای دوم که در آن صورت < یشهده > به معنای < یشهد به > خواهد بود صریح در نکته یاد شده است.

نامه عمل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۸

۸- خداوند ، پرونده کردار کافران و مشرکان را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد .

إِنَّمَا نَعَدُّ لَهُمْ عَدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۶

۶- < عن أبي جعفر (ع) قال : . . . و أنزل في الحاقه ، > و أمّا من أوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتنى لم أوت كتابيه . . . > فهذا مشرك ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. خداوند در سوره < الحاقه > می فرماید: (و أمّا من أوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتنى لم أوت كتابيه...) این [کسی که کتابش را به دست چپش می دهند] مشرک است < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠- انشقاق - ٨٤ - ١٠ - ٦

٦- > عن أبي جعفر

(ع) قال: ... ان الله ... أنزل في < إذا السماء انشقت > < و أمّا من أوتى كتابه وراء ظهره ... > فهذا مشرك ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: ... خداوند... در سوره <إذا السماء انشقت> فرمود: <و أمّا من أوتى كتابه وراء ظهره...>. این شخص [که نامه عملش از پشت سر به او داده می شود] مشرک است.<

نامه عمل مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۴

۴ - تکذیب کنندگان قرآن و منکران معاد ، خود رقم زننده نامه عمل خویش اند و کردار ناپسند خود را در آن ذخیره می سازند .

بما یوعون

به قرینه آیات پیشین که درباره نامه های اعمال بود می توان گفت: مراد از <وعاء> در <یوعون>، همان نامه عمل است که منکران معاد آن را ظرف کردار خود ساخته اند.

نامه عمل مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۱ - ۵

۵ - تکذیب قیامت ، در نامه عمل تکذیب کنندگان ثبت شده و براساس آن کیفر خواهند دید .

کتب مرقوم . ویل یومئذ للمکذبین . الذین یکذبون بیوم الدین

نامه عمل مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۴

۴ - تکذیب کنندگان قرآن و منکران معاد ، خود رقم زننده نامه عمل خویش اند و کردار ناپسند خود را در آن ذخیره می سازند .

بما یوعون

به قرینه آیات پیشین

که درباره نامه های اعمال بود می توان گفت: مراد از <وعاء> در <یوعون>، همان نامه عمل است که منکران معاد آن را ظرف کردار خود ساخته اند.

نامه عمل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۲۲

۲۲- <عن أبي جعفر (ع): ... أما المؤمن فيعطى كتابه بيمينه قال الله عزوجل: ... > من أوتي كتابه بيمينه فأولئك يقرؤون كتابهم ... >;

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. اما مؤمن کتاب او به دست راستش داده می شود. خداوند عزوجل می فرماید: ... <من أوتي كتابه بيمينه فأولئك يقرؤون كتابهم...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۲،۴

۲ - نامه اعمال مؤمنان بهشتی در قیامت ، در دست راست آنان قرار دارد .

فأما من أوتي كتبه بيمينه

از اوصاف بیان شده برای این گروه در آیات بعدی به دست می آید که آنان مؤمنانی بهشتی و از همان گروهی اند که در آیه ۳۸ سوره <واقعه>، از آنان به <اصحاب اليمين> نام برده شده است.

۴ - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فيقول هاؤم اقرءوا كتيبہ

<هاؤم> اسم فعل امر و به معنای <خذوا> (بیاید بگیرید) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۱

۱ - نامه اعمال معتقدان به قیامت و حساب رسی ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

... إني ظننت أنني ملق حسابيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - انشقاق - ٨٤ - ٨ - ٦

٦ - > قاسم بن محمد عن علي قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : إنَّ الله تبارك و تعالی إذا أراد أن يحاسب المؤمن أعطاه كتابه بيمينه و حاسبه فيما بينه و بينه فيقول : عبدی ! فعلت كذا . . . قد غفرتها لك و ابدلتها حسنات . . . و هو قول الله عزوجل > فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فُسُوفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا < ;

قاسم بن محمد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی زمانی که بخواهد مؤمنی را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست وی می دهد و او را در آنچه بین خود و او است محاسبه کرده، می فرماید: بنده من فلان کار را کردی؟ . . . من آن را برای تو بخشیدم و آن را به حسنه هایی تبدیل کردم ... و این سخن خدای عزوجل است > فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . فسوف يحاسب حساباً يسيراً< .».

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - بلد - ٩٠ - ١٨ - ٤

٤ - مؤمنان در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست راست ، دریافت خواهند کرد .

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمِيمَنَةِ

این احتمال وجود دارد که اصحاب المیمنه بودن کنایه از گرفتن نامه اعمال با دست راست (یمین) باشد.

نشانه های نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

- ٢٠

۱ - دیوان نامه های عمل نیکوکاران ، نوشته ای خوانا و نشانه دار است .

کتب مرقوم

<مرقوم> یعنی، دارای علامت و به معنای واضح و درشت خط نیز آمده است.

نظارت بر نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۱ - ۲

۲ - مقام قرب خداوند ، والاتر از مقام نیکوکاران ، و مایه شایستگی انسان برای آگاهی از کردار نیکوکاران و مشاهده نامه اعمال آنان است .

یشهده المقربون

نقش نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۶

۶- عذاب آدمیان ، مستند به اسنادی مکتوب و ثبت شده است .

سنکتب ما یقول و نمده من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۴ - ۷

۷- تنظیم نامه عمل برای هر یک از انسان ها از سوی خدا ، پشتوانه تضمین پاداش کامل آنان است .

فمن یعمل ... إنا له کتبون

جمله <إنا له کاتبون> عطف بر جمله <فلاکفران لسعیه> و تأکید کننده مضمون آن است و در حقیقت، بیانگر این نکته است که چون اعمال همه انسان ها را می نویسیم، پس بدون کم و کاست، پاداش آنان را خواهیم داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - داوری خداوند درباره امت ها ، براساس نامه عمل شان

تدعی إلی کتبها الیوم تجزون ما کنتم تعملون

از این که پس از فراخوانی انسان ها به نامه عمل خویش، مسأله جزای

آنان مطرح شده است؛ به دست می آید که نامه عمل شان ملاک داوری حق خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاایه - ۴۵ - ۲۹ - ۲،۳

۲ - احتجاج الهی در قیامت با امت ها ، براساس مدرک و سند

هذا کتبنا

۳ - صحیفه اعمال امت ها در قیامت ، بیان کننده تمامی کردار ایشان ، به صورتی دقیق و بدون کمترین کاستی و فزونی

ینطق علیکم بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۳

۳ - پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تفعلون

وضوح نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۳

۳ - حساب انسان در پرونده عمل وی در قیامت ، روشن و آشکار است .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

از اینکه خداوند فرموده است: <خودت برای حسابرسی عمل خود کافی هستی> نشان می دهد که اعمال و حسابرسی آنها روشن و آشکار است و نیاز به تبیین از سوی کسی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاایه - ۴۵ - ۲۹ - ۵

۵- نامه اعمال امت ها ، خود گویا و بی نیاز از شرح و تفسیر

ینطق علیکم بالحقّ

واژه <نطق> چه در معنای حقیقی (سخن گفتن) باشد و چه در معنای کنایی (گویایی و روشنی) بی نیازی از تفسیر و توضیح را می رساند.

وضوح نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین

۱ - دیوان نامه های عمل بدکاران ، نوشته ای خوانا و علامت دار و بی ابهام است .

کتاب مرقوم

<کتاب> خبر برای ضمیر محذوفی است که به <سجین> برمی گردد. <مرقوم> از ریشه <رَقْم> (علامت و مارکی که بر پارچه زده شود) (مصباح) یعنی، دارای علامتی که تشخیص آن را آسان سازد. ماده <رقم> به معنای <خط درشت> و <برطرف ساختن ابهام نوشته> نیز آمده است. (مفردات راغب)

ویژگیهای مکان نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۸ - ۲

۲ - مخزن نامه های عمل بدکاران ، دارای ویژگی هایی فراتر از حد بیان است و پستی و گریزناپذیر بودن آن قابل توصیف نیست .

و ما أدریک ما سجین

ریشه کلمه <سجین> بر زندان بودن جایگاه نامه عمل بدکاران دلالت دارد و پستی آن، از تقابل با <علین> در آیات بعد استفاده می شود.

ویژگیهای نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳ - ۲

۲ - اعمال آدمیان ، مدون در صحیفه ای باز و گسترده

و کتب مسطور . فی رق منشور

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از <کتاب مسطور> نامه اعمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - کردار هر کس ، تنها گریبان گیر شخص او بوده و نامه عمل او با دیگر نامه های اعمال ، مشتبه نخواهد شد .

ما سَجِّين . کتب مرقوم

ویژگیهای نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۹ - ۱

۱ - دیوان نامه های عمل بدکاران ، نوشته ای خوانا و علامت دار و بی ابهام است .

کتاب مرقوم

<کتاب> خبر برای ضمیر محذوفی است که به <سجین> برمی گردد. <مرقوم> از ریشه <رَقَم> (علامت و مارکی که بر پارچه زده شود) (مصباح) یعنی، دارای علامتی که تشخیص آن را آسان سازد. ماده <رقم> به معنای <خط درشت> و <برطرف ساختن ابهام نوشته> نیز آمده است. (مفردات راغب)

ویژگیهای نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۰ - ۱

۱ - دیوان نامه های عمل نیکوکاران ، نوشته ای خوانا و نشانه دار است .

کتاب مرقوم

<مرقوم> یعنی، دارای علامت و به معنای واضح و درشت خط نیز آمده است.

نامه نگاری

آداب نامه نگاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۰ - ۵

۵ - نام خداوند ، بهترین سرآغاز هر سخن و نامه و هر کار و برنامه

إِنِّي أُلْقِي إِلَيْكَ كِتَابًا كَرِيمًا .. وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با توجه به این که سلیمان(ع) به عنوان پیامبر، نامه اش را با نام خدا آغاز کرده و خداوند آن را به عنوان یک ارزش یاد نموده است، مطلب یاد شده به دست می آید.

فلسفه نامه نگاری سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۷

۷- هدف سلیمان (ع) از نوشتن نامه به دربار سبا، ایفای رسالت الهی و معنوی خود بود،

نه رسیدن به مال و حکومت بزرگ تر .

قال أتمدونن بمال فما ءاتين الله خير ممّا ءاتيكم

نان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نان

تعبیر رؤیای حمل نان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۳

۳ یوسف (ع) ، رؤیای حمل نان و خوردن پرندگان از آن را ، به دار کشیده شدن صاحب رؤیا و خوردن پرندگان از سر او تفسیر کرد .

و أما الآخر فیصلب فتأکل الطیر من رأسه

<صلب> (مصدر یصلب) یعنی ، کشتن به طریق بستن به چوبه دار

رؤیای حمل نان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۵

۵ حمل نان بر بالای سر و خوردن پرندگان از آن ، رؤیای یکی دیگر از هم بندان یوسف (ع)

و قال الآخر إنی أرینی أحمل فوق رأسی خبزًا تأکل الطیر منه

<طیر> جمع طائر و به معنای پرندگان است.

نزول نان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۹

۹ نزول نان و گوشت (مائده آسمانی) بر حواریین از سوی خداوند پس از درخواست حضرت عیسی (ع)

قال الله انی منزلها علیکم

رسول خدا(ص) در توصیف مائده ای که بر حواریین نازل شد فرمود: نزلت المائده خبزاً و لحماً . . .

مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۱۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۹۱، ح ۴۳۷.

ناهیان از منکر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

عذر ناهیان از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۴

۱۴ تنها مصلحان و نهی کنندگان از منکر در جوامع فسادپیشه ، دارای عذری قابل قبول در پیشگاه خداوند هستند .

لم تعظون قوماً .. قالوا معذره إلی ربکم

ناهیان از منکر ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۰، ۱۳، ۱۰

۱ یهودیان ساکن در ایله متشکل از سه گروه بودند: تجاوزگران فاسق، صالحان موعظه گر و نهی کننده از منکرات، تارکان نهی از منکر.

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

مقصود از موعظه، به دلیل <الذین ینهون عن السوء> در آیه بعد، نهی از منکر است.

۳ موعظه گران یهود در آبادی ایله، همکیشان خویش را از نافرمانی خدا (شکستن احکام روز شنبه) برحذر می داشتند.

لم تعظون قوماً

۱۰ باور مصلحان یهود به ربوبیت خداوند بر بندگان، وادار کننده ایشان به تلاش برای اصلاح جامعه و بازداری منحرفان از گناه و تجاوز

قالوا معذره إلی ربکم

برداشت فوق از آوردن اسم <رب> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱

۱ یهودیان متخلف در آبادی ایله، به نصایح و مواعظ مصلحان و نهی کنندگان از منکر اعتنا نکردند و آن را به فراموشی سپردند.

فلما نسوا ما ذکرنا به

ناهیان از منکر و افساد اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۱۱

۱۱ ناهیان از منکر در میان اقوام هلاک شده پیشین به دلیل اندک بودنشان ، نتوانستند جامعه خویش را از فساد و تباهی بازدارند .

إِلَّا قَلِيلاً مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ

جمله <إِلَّا قَلِيلاً..> به قرینه <أَنْجَيْنَاهُمْ> دلالت می کند که خداوند ناهیان از فساد را که در برخی از جوامع بودند نجات داد و جامعه

ایشان را به عذاب هلاک کرد. بنابراین آن صاحب خردان نتوانسته بودند جامعه خویش را از فساد بازدارند و لذا عذاب بر جامعه آنان نازل شد.

نجات ناهیان از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۹

۹ خداوند ، تنها صالحان ناهی از منکر را از عذاب های نازل شده بر امت های پیشین ، نجات داد .

إِلَّا قَلِيلاً مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ

<منهم> قید برای <قلیلاً> است و ضمیر در آن به <القرون> باز می گردد و <من> در <ممن = من من> بیانیه است بنابراین <إِلَّا-قلیلاً...> یعنی، مگر اندکی از جوامع گذشته که در آنها صاحب خردانی ناهی از فساد بودند همانها که نجاتشان دادیم.

نجات ناهیان از منکر ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۳

۳ خداوند از میان یهودیان ایله تنها مصلحانِ نهی کننده از منکر را از گرفتار شدن به عذاب رهایی بخشید .

أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ

نبوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{نبوت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۱۴، ۱۰

۱۰ یحیی ، تصدیق کننده و مبلغ رسالت و نبوت عیسی بن مریم (س)

مصدقاً بكلمه من الله

< کلمه الله >، عیسی بن مریم است؛ به دلیل آیه چهل و پنجم از سوره آل عمران.

۱۴ اعتقاد به نبوت عیسی (ع)، ارزشی برای یحیی

مصدقاً بکلمه من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۳،۷

۳ ارسال

رسول همراه با آیات روشنگر (معجزه) ، جلوه ای از ربوبیت خداست .

و رسولاً .. ائی قد جئکم بایه من ربکم

۷ معجزه ، وسیله ایجاد و باور به صدق نبوت پیامبران در انسانها

قد جئکم بایه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۹

۹ ربوبیت حق ، مقتضی فرستادن انبیا ، همراه با معجزات

و جئکم بایه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۱۵

۱۵ پیامبری و هدایت ، تفضلی است از خداوند که به هر کس بخواهد اعطا می کند .

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دینکم .. قل ان الفضل بید الله یؤتیه من یشاء

ظاهراً <قل ان الفضل .. > ، ردّ پندار یهودیان است که می گفتند پیامبر فقط از میان آنان باید برگزیده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۹

۹ ناسازگاری مقام نبوت و دارا بودن کتاب و حکمت ، با دعوت مردم به پرستش خویش

ما کان لبشر .. ثم یقول للناس کونوا عباداً لی من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۱ - ۱۹، ۹، ۴، ۱

۱ پیمان الهی از پیامبران و پیروان آنان برای ایمان به پیامبر بعدی و یاری وی

و اذ اخذ الله ميثاق النبيّن . . . ثم جاءكم رسول ... لتؤمننّ به و لتنصرنه

<ميثاق النبيّن>، می تواند میثاقی باشد که خدا از پیامبران گرفته و

یا از مردم برای پیامبران گرفته است.

۴ پیامبر اکرم (ص)، مأمور یادآوری میثاق الهی از انبیای پیشین، مبنی بر لزوم ایمان به پیامبران بعدی

و اذ اخذ الله میثاق النّبین .. لتؤمننّ به

بنابراینکه <اذ>، متعلق به <اذکر> باشد.

۹ ایمان به پیامبر اسلام (ص) و یاری کردن او، میثاقی الهی از انبیای گذشته و پیروان آنان

ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم

بنابراین که آیه، خطاب به اهل کتاب و مراد از <رسول>، پیامبر اکرم (ص) باشد.

۱۹ خداوند و انبیا، گواهان بر میثاق الهی در مورد ایمان آوردن به انبیا و یاری کردن آنان

و انا معکم من الشاهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۲،۳

۲ ابرهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و فرزندانش، از انبیا و دریافت کنندگان وحی از جانب خداوند

و ما انزل علی ابراهیم .. و الاسباط

چون <الاسباط> به معنای نوه ها پس از یعقوب ذکر شده است، به نظر می رسد منظور از آن، فرزندان یعقوب باشند.

۳ موسی و عیسی از انبیای الهی و دارای کتاب

و ما اوتی موسی و عیسی

ظاهراً مراد از <ما اوتی>، کتاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۲

۲ ناسازگاری خیانت با مقام نبوت و رسالت الهی

و ما كان لنبی ان یغلّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۲۰

۲۰ بیان و اظهار نبوت پیامبر اسلام (ص

(توسط اهل کتاب پس از بعثت ایشان ، پیمان خداوند از آنان

و اذ اخذ الله ميثاق الذين اتوا الكتب لتبيننه للناس ولا تكتمونه

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: انّ الله اخذ ميثاق الذين اتوا الكتاب في محمّد (ص) <لتبيننه للناس > اذا خرج و لا يكتمونه ...

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۸؛ بحار الانوار، ج ۹، ص ۱۹۲، ح ۳۵.

آثار تکذیب نبوت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۱

۱ خداوند ، قوم عاد را به سبب شرک‌ورزی و انکار رسالت هود به پلیدی گرفتار ساخت و بر آنان غضب کرد .

قال قد وقع عليكم من ربكم رجس و غضب

آثار شک در نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۸

۸- تردید و ناباوری نسبت به مبانی اسلام (توحید ، معاد ، نبوت ، قرآن و ...) ، عامل شقاوت و بدبختی اهل نفاق

قالوا بلی و لکنکم ... ارتبتم

آثار نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۵

۵- مقام پیامبری و رهبری امت ، در پی دارنده تکالیفی سنگین تر و افزون بر دیگران

و من الّیل فتَهَجِدُ به نافلة لك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۳ - ۶

۶- مقام نبوت ، مانع پیروی از پیامبر دیگر نیست .

و وهبنا له من رحمتنا أخاه هرون نبیًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مقام نبوت ، برای پیامبر (ص) حق ولایت و تصمیم گیری ایجاد کرده است .

النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۶ - ۵

۵ - پیامبری و نبوت رسول اکرم (ص) ، مایه فضیلت و مورد عنایت خاص خدا بودن است .

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

احتمال دارد که ذکر <نبی> با <ال> به جای اسم خاص رسول اکرم(ص) برای بیان شأن و منزلت آن حضرت به خاطر وصف نبوت باشد. به عبارت دیگر، وصف <النبي> مشعر به علت صلوات خداوند بر او و نیز لزوم صلوات مؤمنان بر او است.

آثار نبوت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۱ - ۷

۷- مقام نبوت و صدیق بودن ابراهیم (ع) ، موجب تجلیل و یاد از او در قرآن

و اذکر فی الکتب ابرهیم إنه کان صدیقاً نبیاً

جمله <إنه کان صدیقاً نبیاً> به منزله تعلیل برای <اذکر..> است.

آثار نبوت ادريس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۵

۵- صداقت و راستی کامل ادريس (ع) و نبوت آن حضرت ، مایه گرامی داشت یاد و خاطره او در قرآن است .

و اذکر فی الکتب ادريس إنه کان صدیقاً نبیاً

<إِنَّهٗ كَانَ صَدِيقًا> به منزله علت برای <واذکر ..> است.

آثار نبوت در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ -

۱۰ - کتاب ، حکومت ، نبوت و اقتصادی شکوفا ، عوامل برتری بنی اسرائیل بر ملت های عصر خویش *

و لقد آتینا بنی اسرائیل الکتب .. و فضلنهم علی العلمین

<فضلناهم..>، ناظر به نتیجه موهبت هایی است که خداوند در گذشته به بنی اسرائیل عطا کرده بود.

آثار نبوت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۹

۹ برخورداری شعیب (ع) از مقام نبوت ، برانگیزنده او به فراخوانی مردمان به توحید و رعایت عدل و انصاف در مبادلات

قالوا یشعیب أصلوتک تأمرک .. قال یقوم أریتم إن کنت علی بینة من ربی و رزقنی

سخنان شعیب(ع) در آیه مورد بحث ، پاسخی است به تحلیل استهزاآمیز قومش (أصلوتک). شعیب(ع) با جمله <أریتم...> بیان می دارد که منشأ مخالفت وی با آرا و عقاید آنان و عملکرد ناصوابشان ، مسؤولیتی است که خداوند برعهده او قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۵

۵ - تأکید شعیب (ع) بر خیرخواهی خود ، مبنی بر تضمین منافع مردم <ایکه > در پرتو رسالت وی

إنی لکم رسول أمين

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> (با لام انتفاع) استفاده می شود.

آثار نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۵

۵ - تصریح صالح (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده، با توجه به قید <لکم> (همراه با

لام انتفاع) استفاده می شود.

آثار نبوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۵

۵ - تصریح لوط (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> (برای شما) به دست می آید.

آثار نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۳ - ۲

۲ - بعثت پیامبر (ص) برای مشرکان به رغم سوگند مؤکد آنان بر ایمان و پذیرش موجب گردنکشی بیشتر و حيله گری علیه اسلام گردید .

فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نَفُورًا .. وَ مَكْرَ السَّيِّئِينَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <استکباراً> بدل برای <نفوراً> باشد؛ یعنی، <ما زادهم إلا استکباراً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۴،۵

۴ - نوید خداوند به امت اسلامی در برخورداری از حکومت، اقتصاد شکوفا و شرافت، در پرتو تعالیم قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

و لقد آتينا بني إسرائيل .. ثم جعلناك على شريعة من الأمر

واژه <الأمر> در این آیه همانند واژه <الأمر> در آیه قبل می تواند نظر به کتاب، حکومت، نبوت، رزق پاکیزه و فضیلت اجتماعی داشته باشد. در این صورت تعبیر <جعلناك على شريعة من الأمر>، نوید به بهره مندی پیامبر(ص) و امتش از آن

مواهب خواهد بود.

۵- بعثت پیامبر اکرم (ص)، در ادامه تبیین حقایق و زدایش اختلافات دیرین دینی *

فما اختلفوا إلاّ

من بعد . . . ثم جعلناك على شريعة من الأمر

طرح رسالت پیامبر(ص) (جعلناك على شريعة) در پی یادکرد اختلاف بنی اسرائیل، می تواند پیامدار این معنا باشد که: پیدایش و گسترش آن اختلاف ها، مقتضی آمدن رسول جدید و به منظور تبیین حقایق و پایان بخشیدن به تفرقه ها بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۷۸

۷- بعثت پیامبر خاتم (ص) و نزول قرآن، از نشانه های تحقق حتمی قیامت *

فقد جاء أشراطها

به قرینه آیات پیشین و به میان آمدن نام پیامبر(ص) و استماع کلمات وحی از آن حضرت (من يستمع إليك..)، احتمال دارد مراد از شرایط قیامت، آمدن پیامبر خاتم(ص) و قرآن باشد.

۸- برپایی قیامت و نظام کیفر و پاداش منوط به آمدن پیامبر و قوانین روشنگر *

فقد جاء أشراطها

اگر این احتمال را بپذیریم که مراد از <أشراط>، بعثت پیامبر(ص) و نزول قرآن است و در صورتی که <أشراط> را شرط بدانیم و نه صرفاً نشانه از آیه شریفه استفاده می شود که آمدن پیامبر و قرآن، شرط کیفر و پاداش است؛ زیرا تا اتمام حجت نشود، مجازات معنا ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۵

۵- ولایت پیامبر (ص) بر مردم، نشأت یافته از منصب رسالت الهی آن حضرت

أطيعوا الله و أطيعوا الرسول

وصف <الرسول>، می تواند مشعر به علیت باشد؛ یعنی، رسالت پیامبر(ص)، ولایت بر خلق را برای او به ارمغان آورده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- بعثت پیامبر (ص) همراه با قرآن، تحقیق بخش پیش شرط اهل کتاب و مشرکان برای ترک آیین خویش

لم یکن... منفکین حتی تأتیمهم البینه . رسول... فیها کتب قیمه

برداشت یاد شده، براساس یکی از احتمالاتی است که درباره نخستین آیه بیان شد. در آن احتمال، آیه شریفه، بیانگر ادعای کافران دانسته شده بود.

آثار نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۱ - ۹

۹- پاکی و برگزیدگی موسی و مقام رسالت و نبوت او، موجب شرافت و بزرگداشت یاد او در قرآن

واذکر فی الکتب موسی إنه کان مخلصاً و کان رسولاً نبیاً

جمله <إنه کان...> تعلیل برای <اذکر> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۶ - ۸،۹

۸- بهره مندی بنی اسرائیل، از نعمت های مادی و روزی های پاکیزه در پی رسالت موسی (ع)

ورزقنهم من الطیبیت

۹- برتری یافتن بنی اسرائیل بر مردمان عصر خویش، در پی رسالت موسی (ع)

وفضّلنهم علی العلمین

مراد از <العالمین> در برداشت یاد شده، مردمان عصر بنی اسرائیل دانسته شده است.

آثار نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - تلاش نوح (ع) برای نمایاندن خیرخواهی خود و تضمین منافع قومش در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> به دست می آید.

آثار نبوت هود(ع)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۵ - ۵

۵ - تصریح هود (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع عادیان در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> بالام انتفاع استفاده می شود.

آدم(ع) قبل از نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۲۵

۲۵ - < عن الرضا (ع) (فی قوله تعالی) : < وعصى آدم ربه فغوى > قال : ... كان ذلك من آدم قبل التوبه و لم یکن ذلك بذنب کبیر استحقّ به دخول النار و إنّما کان من الصغائر الموهوبه التي تجوز علی الأنبياء قبل نزول الوحی علیهم ;

از امام رضا(ع) (در باره قول خدا) <و عصی آدم ربه فغوی> روایت شده که فرمود: این عصیان از آدم قبل از نبوت بود و این گناه بزرگی نبود که آدم بسبب آن مستحق دخول آتش شود بلکه از صغائری بود که بخشیده شده و برای پیامبران قبل از نزول وحی جایز است. <..>

اتمام حجت بر مکذبان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۵

۵ - آیات قرآن ، اتمام حجت خداوند بر منکران رسالت

أولم تأتهم بينه ... و لو أنا أهلکنهم بعذاب من قبله ... فتتبع آیتک

ادعای نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۲

۲ - ادعای نبوت از سوی پیامبران ، با دلایل روشن ،

قانع کننده و خردپذیر ، همراه بود .

و لَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ

ارزش مقام نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۷

۷- مشرکان معتقد به برتر بودن مقام رسالت از شأن بشر

قَالُوا أبعثَ اللهُ بَشَرًا رَسولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۴

۴- امامت ، مقام و منصبی برتر و سنگین تر از نبوت و پیامبری است .

و کَلَّا جَعَلْنَا صٰلِحِیْنَ . و جَعَلْنٰهُم اٰثِمَه یَهْدُوْنَ بِاَمْرِنَا

صالح قرار دادن و اعطای منصب امامت به ابراهیم(ع) از جانب خداوند، پس از نبوت و پیامبری ایشان بود. این می تواند بیانگر برتری و سنگینی مقام امامت در مقایسه با منصب نبوت باشد.

ارزش نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۷

۷- پیامبری ، فضل و بخششی است از جانب خدا برای گزینش شدگان به نبوت

أَن یَنْزِلَ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلٰی مَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

مراد از <فضله> وحی و در نتیجه پیامبر شدن کسی است که به وی وحی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ - وحی و رسالت ، دارای ارزشی والا و غیرقابل قیاس با اندوخته های مادی

أهم یقسمون رحمت ربك . . و رحمت ربك خیر مما یجمعون

استبعاد نبوت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۱

۱ شگفتی بیجای کافران ، از آمدن فردی از جنس خودشان ، برای انذار

بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم

استحاله نبوت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۳

۳ آمدن فرشتگان به عنوان پیامبر و یا تصدیق کننده قرآن امری ناشدنی

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة

با توجه به اینکه آیه مورد بحث ناظر به آیه قبل است و در آن آیه سخن از قرآن و منکران آن بود، معلوم می شود انتظارات مطرح شده در این آیه شرایطی است که برای ایمان به قرآن مطرح شده است. بیان نکردن پیامد نزول ملائکه، در مقابل تحلیل سومین پیشنهاد و بیان نتایج آن، اشاره به ناممکن بودن نزول ملائکه بر عموم مردم دارد.

استمرار نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۲

۲ - رسالت پیامبر اسلام ، تداوم خط رسولان پیشین

و إنك لتلقى القرآن من لدن حكيم عليم . . . و لقد أرسلنا إلى ثمود أخاهم صلحا

با توجه به ارتباط بخش های این سوره با یکدیگر، استفاده می شود که یادکرد رسالت پیامبران گذشته، در مقام افاده این معنا است که رسالت پیامبر اسلام (ص) امری شگفت و بی سابقه نیست؛ بلکه حرکتی در تداوم خط رسولان قبلی است.

اشراف قوم نوح و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۸

۸ سران و اشراف قوم نوح ، کوردلانی ناتوان از درک دلایل نبوت و فهم و معارف الهی

أرءيتم إن . . . ءاتنى رحمه من عنده فعمّيت عليكم

تعميه (مصدر عمّيت) به معنای کور ساختن است و آن گاه که به <علی > متعدی

شود ، به معنای مخفی کردن می باشد. بنابراین <فعمیت علیکم> یعنی ، آن یئنه و رحمتی که خداوند به من عطا کرده است ، بر شما مخفی مانده و از درکش ناتوانید.

اشراف قوم نوح و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۲

۲ سران کفرپیشه قوم نوح ، بشر را شایسته رسالت نمی پنداشتند .

فقال الملاء .. ما نریک إلا بشراً مثلنا

اشراف و نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۴

۴ اشراف قوم نوح به دلیل نامعقول شمردن پیامبری برای فردی از بشر ، رسالت وی را انکار کردند .

إنا لنریک فی ضلل مبین .. أو عجبتم أن جاءکم ذکر من ربکم علی رجل منکم

اعطای نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۷

۷ - پیامبری ، فضل و بخششی است از جانب خدا برای گزینش شدگان به نبوت

أن ینزل الله من فضله علی من یشاء من عباده

مراد از <فضله> وحی و در نتیجه پیامبر شدن کسی است که به وی وحی می شود.

اقرار به نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اعتراف کافران در حضور نگهبانان و دربانان دوزخ ، به آمدن پیامبران تلاوت گر آیات خداوند و انذارگران الهی برای هدایت آنان

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا

اقرار به نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱ - ۳،۵

۳ - منافقان در هر بار ملاقات با رسول اکرم (ص) ، اظهار ایمان کرده و به رسالت الهی آن حضرت شهادت اُکید می دادند

إذا جاءك المنافقون قالوا نشهد إنك لرسول الله

۵ - شهادت صریح و اُکید به رسالت پیامبر (ص) در حضور آن حضرت ، از شگرد های منافقان برای پنهان نگه داشتن چهره نفاق خود از آن حضرت

إذا جاءك المنافقون قالوا نشهد إنك لرسول الله

اقرار به نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۸ - ۳

۳ - اعتراف و ایمان ساحران به رسالت موسی و هارون (ع)

قالوا ءامنّا برّب العلمین

قید <رَبِّ موسی و هارون> اعتراف ضمنی بر ایمان آوردن ساحران به رسالت موسی و هارون(ع) است. آیه بعد (قال آمتمم له...) این مطلب را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - اقرار به یگایی پروردگار هستی و اعلام پیامبری خویش ، نخستین سخن موسی (ع) در برابر فرعون و فرعونیان

فقال إننی رسول ربّ العلمین

اقرار به نبوت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - اعتراف و ایمان ساحران به رسالت موسی و هارون (ع)

قالوا امنّا برّب العلمین

قید <رّب موسی و هارون> اعتراف ضمنی بر ایمان آوردن ساحران به رسالت موسی و هارون(ع) است. آیه بعد (قال آمنتم له...) این مطلب را تأیید می

کند.

انبیا قبل از نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۲۵

۲۵ - < عن الرضا (ع) (فی قوله تعالى) : < وعصى آدم ربّه فغوی > قال : ... كان ذلك من آدم قبل التّبوه و لم یکن ذلك بذنب کبیر استحقّ به دخول النار و إنّما كان من الصغائر الموهوبه التي تجوز علی الأنبياء قبل نزول الوحی علیهم ;

از امام رضا(ع) (در باره قول خدا) < وعصى آدم ربّه فغوی > روایت شده که فرمود: این عصیان از آدم قبل از نبوت بود و این گناه بزرگی نبود که آدم بسبب آن مستحق دخول آتش شود بلکه از صغائری بود که بخشیده شده و برای پیامبران قبل از نزول وحی جایز است. <.. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۵ - ۲

۲ - پیامبران ، شخصیت هایی ناب ، خالص و شایسته ، پیش از احراز مقام نبوت

الله یصطفی ... و من الناس

<إصطفا> (مصدر <یصطفی>) مشتق از <صفوه> است. و <صفوه> به معنای ناب و خالص می باشد. بنابراین معنای <الله یصطفی...> چنین است: <خدا از میان فرشتگان و انسان ها، افرادی ناب، خالص و شایسته را برای رسالت خویش برمی گزیند.>

انبیا و بررسی مشکلات نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۷

۷ - بررسی مشکلات و موانع احتمالی مسؤولیت ها و ترس از ناکامی در ابلاغ رسالت های الهی ، منافاتی با مقام نبوت و اخلاص

در برابر خداوند ندارد .

واصطنعتك لنفسی . . . إنا نخاف أن يفرط علينا أو أن يطغى

اهداف نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۳ - ۳

۳- روی آوردن عموم مردم به تسبیح خداوند ، از اهداف رسالت موسی و هارون (ع) بود .

یفتهوا قولی . . . کی نسبحک کثیرا

ممکن است مراد از تسبیح کثیر، کثرت تسبیح کنندگان باشد. در این صورت فاعل <نسبحک> منحصر به موسی و هارون(ع) نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۴ - ۲

۲- انتشار فراوان یاد خداوند در بین مردم ، از اهداف رسالت موسی و هارون (ع) بود .

یفتهوا قولی . . . و نذکرک کثیرا

اهداف نبوت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۳ - ۳

۳- روی آوردن عموم مردم به تسبیح خداوند ، از اهداف رسالت موسی و هارون (ع) بود .

یفتهوا قولی . . . کی نسبحک کثیرا

ممکن است مراد از تسبیح کثیر، کثرت تسبیح کنندگان باشد. در این صورت فاعل <نسبحک> منحصر به موسی و هارون(ع) نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - هدف موسی (ع) از تقاضای نبوت و رسالت برای هارون (ع)، به دست آوردن فرصت بسیار برای ذکر خداوند و حمد و ثنای مکرر او بود .

و أشركه فی أمری . . . و نذکرک کثیرًا

فاعل <نذکرک> موسی و هارون(ع) است

و مراد از کثرت ذکر خدا، افزایش تبلیغات توحیدی بر اثر همراهی آن دو است که متضمن مدح و ثنای خداوند می باشد.

۲ - انتشار فراوان یاد خداوند در بین مردم ، از اهداف رسالت موسیو هارون (ع) بود .

یفقهوا قولی .. و نذکرک کثیراً

اهل کتاب و نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۱

۱ - اطمینان اهل کتاب به نبوت پیامبر (ص) همانند اطمینان آنان به فرزندی پسرانشان بود .

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

ظاهر این است که مراد از ضمیر مفعولی در <یعرفونه> پیامبر(ص) می باشد، گرچه این احتمال نیز وجود دارد که آن ضمیر به تغییر قبله باز گردد. از آن جا که <مشبه به> فرزندان می باشد، این احتمال قوی به نظر نمی رسد، زیرا تشبیه شناخت قبله به شناخت فرزندان، تناسب چندانی ندارد.

اهمیت نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۵ - ۷

۷ نیاز همواره انسان ها به پیامبران برای هدایت و راهیابی

رسلا .. لئلا یکون للناس علی الله حجه بعد الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۳

۳ نبوت ، امری ضروری و لازم و از مقتضیات ربوبیت خدا نسبت به انسان است .

أکان للناس عجباً أن أوحینا إلی رجل منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ هدف از اعطای معجزه و دلیل های روشن به پیامبران

، تدبیر امر نبوت و پیشبرد هدف های رسالت آنان است . *

إِنْ كُنْتَ عَلِيَّ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۴

۴ هدف از اعطای معجزه و دلایل روشن به پیامبران ، تدبیر امر نبوت و پیشبرد هدف های رسالت آنان است . *

إِنْ كُنْتَ عَلِيَّ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّي

برداشت فوق، احتمالی است که می توان از اضافه <رب> به یای متکلم استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۳

۳- ساکنان زمین چه انسان باشند و چه فرشته نیازمند رسولانی از جنس خویشند .

قُلْ لَوْ كَانُ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ .. لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۶

۶- رسالت و پیامبری ، باری سنگین و مسؤولیت ی خطیر بر دوش رسولان و پیامبران

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ .. فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ

برداشت یاد شده، از تعبیر <حَمِّلَ> استفاده گردید؛ زیرا <حمل> به معنای اشیای سنگین وزن است؛ مثل حمل بچه در شکم مادر (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۲

۲- رسالت الهی ، مرتبتی غیر قابل دستیابی برای بشر در دیدگاه قوم ثمود

فَقَالُوا أَبَشْرًا مِّنَّا وَحَدًّا نَّتَّبِعُهُ

برداشت یاد شده در صورتی است که گفتار قوم ثمود و انکار آنان، صرفاً جنبه بهانه جویی نداشته بلکه ریشه در باورهای آنان داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۵

۵ - بنده صالح و شایسته بودن ، مایه اصلی رسیدن پیامبران (نوح ، لوط و ...) به مقام نبوت

عبدین من عبادنا صلحین

توصیف حضرت نوح و لوط(ع)، به صفت <عبدصالح> در میان دیگر اوصاف والای انسانی و الهی آنان گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۴

۴ - رسالت و پیامبری ، مسؤولیتی بس سنگین و خطیر

و إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که اجر و پاداش ها، در قبال مسؤولیت ها است و به هر میزان که مسؤولیت سنگین تر و پرزحمت تر باشد، اجر و پاداش آن نیز بزرگ تر و بیشتر خواهد بود. بنابراین اجر بزرگ، نشانگر مسؤولیت بزرگ و خطیر است.

اهمیت نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۴

۴ هدف از اعطای معجزه و دلیل های روشن به پیامبران ، تدبیر امر نبوت و پیشبرد هدف های رسالت آنان است . *

إِنْ كُنْتَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۶

۶ - هدایت ناپذیری برخی مردم ، مانع فرستادن رسول الهی به سوی آنان نیست .

أولم تأتهم . . . ولو أنا أهلكنهم ... لولا أرسلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۶ - ۳

۳- فرستادن رسولان ، رحمتی از جانب خداوند بر خلق

إِنَّا

کُنَّا مَرْسَلِينَ . رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ

اهمیت نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲ - ۸

۸ رسالت پیامبر (ص) ، از پیام های متقن ، روشن و اساسی قرآن

کتاب اُحکمت ءایته ثم فصلت .. اِننی لکم منه نذیر و بشیر

جمله < اِننی لکم منه .. > نیز همانند < لاتعبدوا ... > تفسیر < کتاب اُحکمت ... > می باشد یعنی ، از پیامهای این کتاب ، رسالت و نبوت پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱۴

۱۴ قدرت شکست ناپذیر خداوند ، پشتوانه پیشبرد هدف های رسالت و تدبیر امور نبوت رسول خداست .

اِن رَبِّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

اهمیت نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۲ - ۵

۵ - اصالت موسی (ع) در رسالت نسبت به هارون (ع)

و اَشْرَکَهُ فِیْ اَمْرِی

ایمان به نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۳ - ۱۳

۱۳ آزادی انسان ها در انتخاب کفر و ایمان به رسالت انبیا ، سُنت الهی

و لو شاء الله ما اقتتل . . . و لكن اختلفوا فمنهم من امن و منهم من كفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۱ - ۱۹، ۹، ۴، ۱

۱ پیمان الهی از پیامبران و پیروان آنان برای ایمان به پیامبر بعدی و یاری وی

و اذ اخذ الله ميثاق النبيّن . . . ثم جاءكم رسول ... لتؤمننّ به و

<ميثاق النبيّن>، می تواند ميثاقی باشد که خدا از پیامبران گرفته و یا از مردم برای پیامبران گرفته است.

۴ پیامبر اکرم (ص)، مأمور یادآوری ميثاق الهی از انبیای پیشین، مبنی بر لزوم ایمان به پیامبران بعدی

و اذ اخذ الله ميثاق النبيّن .. لتؤمننّ به

بنابراینکه <اذ>، متعلق به <اذکر> باشد.

۹ ایمان به پیامبر اسلام (ص) و یاری کردن او، ميثاقی الهی از انبیای گذشته و پیروان آنان

ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم

بنابراین که آیه، خطاب به اهل کتاب و مراد از <رسول>، پیامبر اکرم (ص) باشد.

۱۹ خداوند و انبیا، گواهان بر ميثاق الهی در مورد ایمان آوردن به انبیا و یاری کردن آنان

و انا معكم من الشاهدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۰ - ۳،۴

۳ اعتقاد به خدا و همه انبیا و رسالت آنان، شرط تحقق ایمان

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ يُؤْتَوْنَ كُفْرَهُمْ كُفْرًا كَرِيمًا .. أُولَئِكَ هُمُ الْكٰفِرُونَ

۴ وجود تلازم میان ایمان به خدا و ایمان به رسالت انبیای الهی

و یریدون أن یرفقا بین الله و رسله .. و یریدون ان یتخذوا بین ذلك سییلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۱۷،۱۹

۱۷ ایمان به خدا، اعتقاد به وحی و رسالت و عفت و پاکدامنی، از ارزش های والا در انتخاب همسر و تشکیل خانواده

و المحصنت .. و المحصنت

احل لكم الطيب و طعام الذين اتوا الكتب . . . و المحصنت من الذين اتوا الكتب

مراد از <الذين اتوا الكتب>، یهود و نصارا هستند، ولی از آنان به <اتوا الكتاب> تعبیر شده تا به علت حکم اشاره داشته باشد. و مشخصه اهل کتاب در بین سایر کافران، اعتقاد به خدا و رسالت پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۲۱

۲۱- ایمان به توحید و نبوت و معاد و دعوت به انجام دادن عمل صالح ، چکیده دعوت پیامبر (ص) است .

قل إنما أنا بشر . . . و لا یشرك بعباده ربّه أحدًا

جمله <یوحی الّی . . . > نبوت و <إنّما إلهکم...> توحید و <یرجو لقاء...> معاد و <عملاً صالحاً> عمل صالح را مطرح کرده است.

ایمان به نبوت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۱

۱ گروهی از مردم مدین به رسالت شعیب (ع) ایمان آوردند و گروهی دیگر از پذیرش آن سر باز زدند .

و إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به و طائفه لم یؤمنوا فاصبروا

<إن کان طائفه . . . > به دلیل آیه قبل از مواردی است که در آن <إن> شرطیه در مورد تحقق شرط به کار رفته است ؛ مانند <ان کنت ابنی فلا تفعل کذا>. بنابراین <إن کان طائفه منکم ... فاصبروا> یعنی چنانچه گروهی از شما ایمان آوردید پس صبر پیشه سازید.

ایمان به نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ -

۵ رؤیت پروردگار ، شرط دیگر مشرکان و منکران معاد برای ایمان آوردن به خدای یکتا و پذیرش نبوت پیامبر (ص)

و قال الذین لایرجون لقاءنا .. أو نری ربنا

برادران یوسف و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۷

۷ > نشیط ... قال : قلت لأبی عبدالله (ع) : أکان إخوه یوسف صلوات الله علیه أنبیاء قال : لا و لا برره أتقیاء و کیف و هم یقولون لأبیهم یعقوب : > تالله إنک لفی ضلالک القدیم < ;

نشیط گفت: به امام صادق(ع) گفتم: آیا برادران یوسف پیامبر بودند؟ حضرت فرمود: نه، از نیکان و پرهیزکاران نیز نبودند و چگونه پیامبر بودند در حالی که به پدرشان یعقوب می گفتند: تالله إنک لفی ضلالک القدیم <.

بشارت نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۱۳، ۶

۶ - بشارت مردم به بعثت پیامبر اسلام در آینده ، از سرفصل های مهم پیام و دعوت عیسی (ع)

و مبشراً برسول یأتی من بعدی اسمه أحمد

ذکر موضوع بشارت به رسالت پیامبر اکرم(ص) در دعوت عیسی(ع)، نشان از جایگاه مهم آن در برنامه حضرت عیسی(ع) دارد.

۱۳ - بنی اسرائیل ، به رغم در دست داشتن بشارت عیسی (ع) ، در برابر رسول اکرم (ص) موضع گیری کرده و رسالت آن حضرت را نپذیرفتند .

و مبشراً برسول یأتی من بعدی اسمه .. فلما جاءهم بالبیت قالوا هذا سحر مبین

بهانه جویی مکذبان نبوت

سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۹ - ۴

۴ انکار معجزه بودن معجزات ارائه شده از جانب پیامبر(ص)، از بهانه های منکران رسالت

لئن جاءتهم آیه لیؤمننّ بها

تردید نیست که پیامبر(ص) معجزاتی را به مردم ارائه می کرد، ولی مشرکان با درخواست نزول آیات گویا در صدد انکار آن معجزات بودند.

بی منطقی مخالفان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۷

۲۷ گفتگو و مجادله های لجاجت پیشگان مخالف وحی و رسالت، بازیگری و فاقد ریشه و بنیان است.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

تاریخ نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۷

۷ - رسول اکرم (ص) ، تنها پیامبر مبعوث شده بعد از عیسی (ع)

و مبشّرًا برسول یأتی من بعدی اسمه أحمد

تبیین تاریخ نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱ - ۷

۷ - طرح موضوع پیشینه داشتن خط رسالت و بی سابقه نبودن رسالت بشری ، از سوی موسی (ع) برای فرعون

و جعلنی من المرسلین

تعبیر <و جعلنی من المرسلین> (مرا از پیامبران قرارداد) به جای <جعلنی رسولاً> (مرا پیامبر قرار داد) می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

تداوم نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۹ - ۱

۱ - به جا آوردن سپاس و ستایش خدا، به خاطر بقای خط رسالت و اضمحلال جبهه کفر و فرستادن سلام و درود

بر رسولان او، رهنمود الهی به پیامبر اسلام (ص)

قل الحمد لله و سلم علی عباده الذین اصطفی

با توجه به این که در آیات پیشین نام چند تن از پیامبران (موسی، داوود، سلیمان، صالح و لوط) و یاد تلاش ها و مبارزات آنان و پیروزی نهایی حق و اضمحلال کافران به میان آمده است، آیه یاد شده می تواند ختامی بر آن مجموعه یادها باشد.

تداوم نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۷ - ۲

۲ - تاریخ، شاهد بعثت پی در پی پیامبران، از زمان موسی (ع) تا ظهور عیسی (ع)

ثم قفینا علی اثرهم برسلنا

<تقفیه> (مصدر <قفینا>) به معنای چیزی را به دنبال چیزی قرار دادن است. بنابراین <قفینا برسلنا>؛ یعنی، پیامبران خود را یکی پس از دیگری مبعوث کردیم.

تصدیق نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۱

۱- کافران مکه، از پیامبر (ص) خواستار آوردن فرشتگان برای تصدیق نبوت آن حضرت بودند.

قالوا.. لو ما تأتینا بالملئکه إن كنت من الصدقین

<لو ما> مانند <هلا> و <لولا> برای تحضیض است.

تعجب از نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸ - ۴

۴ - اظهار شگفتی فرعون از تعلق رسالت الهی به فردی که در خاندان وی رشد یافته بود.

قال ألم نربك . . من عمرک سنین

مقصود فرعون این بود که چگونه می شود کسی که در دامن ما پرورش یافته با ادعای رسالت

الهی علیه خود ما قیام کند.

تفاوت نبوت با رسالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۱۰

۱۰- > عن یزید الكناسی قال : سألت أبا جعفر (ع) أكان عیسی بن مریم حین تكلم فی المهد حجه الله علی أهل زمانه ؟ فقال : كان یومئذ نبیاً حجه الله غیر مرسل ، أما تسمع لقوله حین قال : > إني عبد الله آتانی الكتاب و جعلنی نبیاً < . . . فلما بلغ عیسی سبع سنین تكلم بالنبوه والرساله حین أوحى الله تعالى إليه ;

از یزید کناسی نقل شده که گفت: از امام باقر(ع) سؤال کردم آیا عیسی بن مریم(ع) آن گاه که در گهواره بود حجت خدا بر اهل زمانش بود؟ فرمود: (عیسی(ع)) در آن زمان پیامبر و حجت خدا بود، اما مأموریت رسالت نداشت، آیا سخن او را نمی شنوی آن گاه که گفت: > .. و جعلنی نبیاً < ... پس آن گاه که به هفت سالگی رسید، ابراز نبوت و رسالت کرد، همان هنگام که خدا به او وحی کرد.<.

تکذیب نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱

۱ اکثریت عمده قوم نوح (ع) وی را تکذیب کردند و یگانگی خداوند ، معاد و رسالت را باورهایی دروغین پنداشتند .

فکذبوه

از اینکه خداوند تکذیب نوح(ع) را به همگان نسبت داده (فکذبوه)، در حالی که عده ای از آنان، یعنی همراهانش در کشتی، رسالت وی را تصدیق کردند، معلوم می شود نسبت مؤمنان به کافران بسیار اندک بوده است.

تکذیب نبوت بشر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۴

۴ نزول قرآن گواه دیگری بر بطلان ادعای عدم نزول وحی بر بشر است.

ما أنزل الله على بشر .. من أنزل الكتب الذي جاء به موسى ... و هذا كتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۲

۲ انکار وحی و رسالت انسان از جانب خدا، نشانه بی خردی و کوتاه نظری

أكان للناس عجباً أن أوحينا إلى رجل منهم

استفهام در <أكان للناس عجباً> استفهام انکاری و برای اظهار شگفتی از موضع گیری انکار آمیز مردم مکه در برابر پدیده وحی و رسالت انسان از جانب خداست. اظهار شگفتی خداوند، نشان دهنده این حقیقت است که: مسأله وحی و نبوت مسأله ای بدیهی و ضروری و از مقتضیات ربوبیت خدا نسبت به انسان است و انکار آن به منزله انکار امور بدیهی و ضروری بوده و بیانگر بی خردی و کوتاه نظری منکران آن است.

تکذیب نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۰ - ۵

۵ اهل کتاب با انکار رسالت پیامبر (ص)، در حقیقت به خدا و تمامی پیامبران و پیامبر خویش کافرند .

إن الذين يكفرون .. و يقولون نؤمن ببعض و نكفر ببعض ... أولئك هم الكفرون

بنا به گفته مفسران و به دلیل آیات بعد، مراد از <الذين يكفرون ..>، اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۴ - ۲

انکار رسالت پیامبر (ص) ، انکار رسالت دیگر پیامبران الهی است . *

أوحينا إليك كما أوحينا إلى نوح . . . ورسلا قد قصصنهم عليك

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۳

۳ انکار رسالت پیامبر (ص) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا ، گمراهی عمیق است .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلالًا بَعِيدًا

متعلق <کفروا> به قرینه آیات قبل قرآن و پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۲

۲ انکار رسالت پیامبر (ص) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا ، موجب محرومیت از هدایت و آمرزش الهی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ طَرِيقًا

با توجه به آیات قبل مراد از <کفر> ، کفر به پیامبر(ص) و قرآن است و مراد از ظلم، بازداشتن دیگران از راه خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۶

۶ کفر به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام ، مایه خلود در جهنم

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا . . . خَلدِينَ فِيهَا أَبَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۹ - ۱

۱ - انکار رسالت پیامبر (ص) از سوی کافران و رفاه زدگان

أم لم يعرفوا

رسولهم فهم له منكرون

همان طوری که در ذیل آیه قبل آمده، این بخش از آیات، در ردّ اتهاماتی است از سوی کافران نسبت به قرآن و پیامبر(ص) وارد می شد. خداوند با ارائه دلایل گوناگون، همه آنها را بی اساس خوانده و تهمت زندگان را سخت مورد سرزنش قرار داده است. آیه فوق نیز، ظاهراً مربوط به تکذیب پیامبر(ص) و نسبت دروغ گویی به ساحت آن حضرت می باشد.

تکذیب نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۶

۶ - < از جنس بشر بودن نوح (ع) > دستاویز اشراف کافر در انکار رسالت آن حضرت

فقال الملوأ .. ما هذا إلا بشر مثلكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۵

۵ - رسالت حضرت نوح (ع) ، مورد تکذیب و انکار مردم قرار گرفت .

جزاء لمن كان كافر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <کفر> در این آیه چنان که مفسران نیز گفته اند به معنای انکار باشد.

توطئه علیه نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۲ - ۷

۷ - توطئه علیه خط رسالت و رهبران الهی ، بارزترین نمود ظلم

قالوا تقاسموا بالله لنبيته و أهله .. فتلك بيوتهم خاويه بما ظلموا

با توجه به ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیشین و این که در آیات گذشته، تصمیم گروه های نه گانه فسادگر مبنی بر ترور صالح پیامبر(ع) و خانواده اش، به عنوان مهم ترین فسادگری مطرح

شده، قید <بما ظلموا> بیانگر آن است که توطئه، بارزترین و مهم ترین مصداق ظلم نیز می باشد.

توقع نبوت اشراف طائف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۱

۱ - توقع بی جای مشرکان مکه در لزوم انتخاب پیامبر، از میان اشراف < مکه > و < طائف >

و قالوا لولا نزل هذا القرآن على رجل من القريتين عظيم

عموم مفسران مراد از <قريتين> را مکه و طائف دانسته اند.

توقع نبوت اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۱

۱ - توقع بی جای مشرکان مکه در لزوم انتخاب پیامبر، از میان اشراف < مکه > و < طائف >

و قالوا لولا نزل هذا القرآن على رجل من القريتين عظيم

عموم مفسران مراد از <قريتين> را مکه و طائف دانسته اند.

حق ناپذیری مکذبان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۲

۲- جدی نگرفتن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شكّ یلعبون

تعبیر <یلعبون> بیانگر این نکته است که کافران، علاوه بر سست اندیشی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبستگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

حقانیت نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۱،۱۰

۱ خداوند و فرشتگان او گواه بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لكن الله يشهد بما أنزل إليك .. و الملائكة يشهدون

در برداشت فوق

جمله <والملائكة يشهدون> عطف بر <اللّٰه يشهد> گرفته شده است و در نتیجه متعلق <يشهدون> نیز <بما انزل اليك> خواهد بود.

۱۰ قرآن دلیلی کافی برای باور به حقانیت رسالت پیامبر (ص)

لكن اللّٰه يشهد بما أنزل إليك أنزله بعلمه

<باء> در <بما انزل اليك> می تواند سببیه باشد؛ در این صورت متعلق شهادت به قرینه آیات گذشته رسالت پیامبر(ص) خواهد بود؛ بنابراین مبنا مفاد جمله <يشهد بما انزل ..> این است که علت شهادت خداوند بر رسالت پیامبر(ص)، نزول قرآن بر وی است، یعنی هر کس قرآن را ملاحظه کند به حقانیت رسالت پیامبر(ص) شهادت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۴ - ۳

۳ پیامبر (ص) خود حجت و برهانی روشن بر حقانیت رسالت خویش

قد جاءكم برهن من ربكم

مصدق بارز و مورد نظر از <برهان> پیامبر اکرم(ص) است. که با توجه به آیه ۱۷۰ و آیات قبل از آن می توان گفت چیزی که برهان بر آن اقامه شده، حقانیت رسالت آن حضرت است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق(ع) است که درباره <برهان> در آیه فوق فرمود البرهان، محمد(ص) ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۳۰۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۹، ح ۷۰۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۴ - ۳

۳ - فرستادن حضرت محمد (ص) به پیامبری، ارسالی به جا و بایسته در نظام هدایتی بشر

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <بالحق> قید برای ارسال

باشد، یعنی، <إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ إِسْرَافًا بِالْحَقِّ> ای پیامبر! تو را به سوی مردم به رسالت برانگیختیم و این ارسال بحق و بایسته بود.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۲

۲ تأکید خداوند، بر حقانیت رسالت پیامبر اسلام

ق و القرءان المجید . بل عجبوا أن جاءهم منذر

سوگند به قرآن در حقیقت تثبیت حقانیت آن و در نتیجه تأکید بر حقانیت رسالت پیامبر اسلام (ص) و نوعی تأیید غیرمستقیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۲

۲ قرآن و رسالت پیامبر (ص)، از نمودهای بارز حق

و القرءان المجید . بل عجبوا أن جاءهم منذر ... بل كذبوا بالحق

حقانیت نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۱

۱ - پی بردن ساحران به حقانیت رسالت موسی (ع)، در پی مشاهده بطلان افسون خود در برابر معجزه موسی

فإذا هی تلقف ما یأفکون . فألقى السحره سجدین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <ألقى> بر آیه پیش به دست می آید.

ختم نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۰ - ۱۳، ۸

۸ - پیامبری و نبوت ، امری دائمی و همیشگی نیست .

خاتم النبیین

۱۳ - آنچه را که خداوند درباره نبوت پیامبر (ص) و ختم آن بیان کرده ، براساس علم و آگاهی همه جانبه او است .

و لكن رسول الله و خاتم النبیین و كان الله بكلّ شيء عليماً

درخواست نبوت ملائکه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۲

۲ درخواست نزول فرشته به عنوان پیامبر، از بهانه های کفرپیشگان

و لو جعلنه ملکا

جمله <و لو جعلناه ملکا... >، می تواند منقطع از آیه قبل بوده و جواب از درخواست دیگر کفار، که فرستادن فرشته به عنوان پیامبر است، باشد.

دلایل حقانیت نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۹

۹ حضرت نوح (ع) ، قومش را بر قتل خود تحدی کرد و عدم توانایی آنان را بر انجام این کار ، شاهد درستی ادعای نبوت خود ، اعلام نمود .

إن كان کبر علیکم مقامی .. فأجمعوا أمرکم ... و لا تنظرون

جمله <فعلی الله توکلت > بیانگر شکست ناپذیری حضرت نوح (ع) به علت متکی بودنش به قدرت لایزال الهی و جمله <أجمعوا أمرکم و شرکاءکم > بیان ناچیزی قدرت قومش می باشد.

دلایل نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ معجزات عیسی (ع) ، نشانه ای از سوی پروردگار ، برای اثبات رسالت او و صحت تغییر برخی احکام الهی توسط وی

و لآحلّ لکم .. و جئتکم بایه من ربکم

جمله <و جئتکم بایه >، پس از بیان تغییر برخی احکام، تذکر به این معناست که تغییر احکام باید تنها از جانب پیامبران با ارائه معجزه برای اثبات نبوت صورت گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ -

۱۰ علمای یهود، منکر توان مسلمانان در احتجاج بر نبوت پیامبر اسلام (ص)

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم .. او يجاجوكم عند ربكم

بنابراینکه <او یجاجوکم>، که عطف به <ان یؤتی> است، مفعول له برای <لا تؤمنوا> باشد؛ به تقدیر <لا> یعنی: لان لا یجاجوکم عند ربکم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ - تصدیق کتب آسمانی و انبیای گذشته، شرطی برای صحت ادعای پیامبری

ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۱

۱۱ معجزه، از راه های اثبات نبوت

قد جاءكم رسل من قبلي بالبينات و بالذی قلتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۴ - ۳

۳ پیامبر (ص) خود حجت و برهانی روشن بر حقانیت رسالت خویش

قد جاءكم برهن من ربكم

مصدق بارز و مورد نظر از <برهان> پیامبر اکرم (ص) است. که با توجه به آیه ۱۷۰ و آیات قبل از آن می توان گفت چیزی که برهان بر آن اقامه شده، حقانیت رسالت آن حضرت است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره <برهان> در آیه فوق فرمود البرهان، محمد (ص) ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۳۰۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۹، ح ۷۰۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶ ضرورت پرهیز پیروان ادیان الهی از درخواست معجزه مجدد پس از اثبات رسالت

انبیا با معجزات و دلایل روشن

قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا داشتن معجزه برای اثبات رسالت خویش را به فرعون ابلاغ کنند .

قد جنك بآيه

<آیه> اسم جنس و قابل اطلاق بر کم و زیاد است. بنابراین می توان بر معجزات متعدد نیز <آیه> اطلاق کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۴

۴ داشتن ثروتی بی نیاز کننده از هرگونه داد و ستد با مردم ، و تأمین شدن نیاز های مادی از سوی خداوند و یا داشتن بوستانی پر ثمر ، نشانه درستی ادعا پیامبری در دیدگاه کافران

أو یلقى إلیه کنز أو تکون له جنه يأکل منها

دلایل نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۲

۲ خداوند ، عطاکننده معجزه و دلیل های روشن به پیامبران (ع)

إن كنت علی بینه من ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲

۲ خداوند ، عطا کننده معجزه و دلیل های روشن به پیامبران

إن كنت علي بينه من ربي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۶

۶ - رسالت پیامبران ، متکی بر معجزات و دلایل روشن بود .

جاءتهم رسلهم بالبينت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳

۲- ادعای نبوت از سوی پیامبران ، با دلایل روشن ، قانع کننده و خردپذیر ، همراه بود .

و لَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۹ - ۷

۷- معجزات پیامبران ، دلایل روشن و آشکار بر صدق نبوت آنان

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ .. إِنِّي ءَاتِيكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

بنابراین که مراد از <سلطان> معجزه باشد و با الغای خصوصیت از مورد آیه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۸ - ۴

۴- رسالت پیامبران ، همراه با دلایل قطعی و آشکار

فَلْيَأْتِ مُسْتَمْعِمَهُم بِالْبَيِّنَاتِ

لازمه دعوت از کافران برای ارائه دلیل، این است که پیامبر(ص) نیز، برای اثبات رسالت و ارتباط خود با عالم بالا، دلیل قاطع و روشن ارائه کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۳

۳- معجزه ، نشانه روشن و غیرقابل تردید برای نبوت پیامبران بود .

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ

<بیّنات> در آیه شریفه دربرگیرنده دلایل معقول (حجت ها و برهان) و دلایل محسوس (معجزات) است. بنابراین از مصداق های مورد نظر از بیّنات، معجزات پیامبران است.

دلایل نبوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۶

۱۶- ساختن اسلحه و زره ، معجزه داوود (ع) و دلیل نبوت او

داود . . . و علّمنه صنعه لبوس لکم ... فهل أنتم شکرون

نوع مفسران برآند که این آیه و آیات پیشین، در مقام بیان معجزه های پیامبران

گذشته و شواهد نبوت آنان است.

دلایل نبوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۱ - ۴

۴- مسخر و رام بودن تندباد ها در دست سلیمان (ع) و فرمان روایی ایشان بر آنها ، معجزه آن حضرت و دلیل پیامبری او

و لسلیمن الريح عاصفه

نوع مفسران بر آنند که این آیه و آیات دیگر، در مقام بیان معجزه های پیامبران گذشته و دلایل نبوت آنان است.

دلایل نبوت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱

۱ حضرت شعیب (ع) برخوردار از معجزه و دلیلی روشن بر پیامبری خویش

يقوم أروء یتیم إن كنت علی بیته من ربی

دلایل نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۸، ۱۶، ۱۵

۱۵ خداوند بدون جریان اسباب و علل عادی ، شتری آفرید تا معجزه ای باشد بر اثبات رسالت صالح (ع)

هذه ناقه الله لكم ءایه

چون ناقه نشانه ای بر رسالت صالح(ع) بود، معلوم می شود به گونه ای خارق العاده به وجود آمده بود.

۱۶ ناقه صالح ، شاهد و دلیلی آشکار بر حقانیت رسالت آن حضرت

قد جاء تکم بیته من ربکم

۱۸ قوم ثمود در انتظار دلیل و معجزه ای از جانب خداوند برای اثبات رسالت صالح (ع)

قد جاء تکم بینه من ربکم

برداشت فوق بر این اساس است که <قد> در <قد جاء تکم> برای توقع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۵

۵ مبارزه اشراف کفرپیشه

ثمود با صالح (ع) ، علی رغم مشاهده معجزه و دلیل روشن بر رسالت آن حضرت

قال الملائکة الذین استکبروا من قومہ .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱

۱ صالح (ع) ، برخوردار از معجزه و دلیلی روشن بر پیامبری خویش

قال یقوم اراءیتم ان کنت علی بیّنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۱

۱ پیدایش شتری به اراده خداوند و بدون جریان اسباب و علل عادی ، معجزه صالح (ع) برای اثبات رسالت خویش

و یقوم هذه ناقه الله لکم ءایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۲

۲ - ناقه صالح ، معجزه الهی و نشانه رسالت آن حضرت بود .

فقال لهم رسول الله ناقه الله

اضافه <ناقه> به <الله> پس از بیان رسالت صالح(ع) بیانگر معجزه بودن آن برای اثبات رسالت او است.

دلایل نبوت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۷ - ۵

۵ - عیسی (ع) از پیامبران الهی و برخوردار از معجزات و دلایلی روشن بر پیامبری خویش

و ءاتینا عیسی ابن مریم البیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۱

۱ - رسالت عیسی (ع) ، متکی به ادله و براهین آشکار

و لما جاء عیسی بالبینات

<بینات> (جمع <بینه>) به معنای دلایل و حجت های روشن و آشکار

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۸

۸ - معجزات و دلایل روشن ، پشتوانه رسالت عیسی (ع) بود .

فلما جاءهم بالبیت

<بینه> (مفرد <بیتات>) به معنای دلیل روشن است. از مصادیق بینات، معجزات می باشد.

دلایل نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۵

۵ - قرآن ، سندی اساسی برای اثبات رسالت پیامبر (ص) است .

و إن كنتم فی ریب . . . إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۳،۴

۳ - ناتوانی انسان ها از آوردن سخنی همانند سوره ای از قرآن ، دلیل آسمانی بودن قرآن و حقانیت رسالت پیامبر (ص)

است .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

چنانچه ناتوانی از آوردن همانند برای قرآن، دلالت بر آسمانی بودن آن نمی کرد؛ حجت بر مخالفان تمام نمی شد و تفریع

<اتقوا النار> بر آن صحیح نمی بود.

۴ - قرآن ، دلیل حقانیت خود و سند راستی و درستی نبوت پیامبر (ص) است .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - مشرکان ، آیات و نشانه های رسالت پیامبر را نادیده گرفته مدعی نبودن هیچگونه نشانه ای بر حقانیت او بودند .

و قال الذین لایعلمون لولا .. أو تأتینا آیه

۸ - ادعای مشرکان بر نبود آیه و معجزه ای برای رسالت پیامبر (ص

(، نشانه جهل آنان است .

و قال الذین لایعلمون لولا . . . أو تأتینا ءایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۲

۲ قرآن ، دلیل حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و ارسلناک للناس رسولا و کفی باللہ شهیداً . . . افلا یتدبرون القران

در آیه ۷۹ بیان شد که خدا، شاهد حقانیت رسالت پیامبر (ص) است و در این آیه چگونگی شهادت را این چنین توضیح می دهد که خداوند قرآن را به صورت معجزه بر پیامبر (ص) فرستاد تا شاهد حقانیت او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۷ - ۱

۱ مشرکان، مدعی نارسایی معجزات پیامبر (قرآن) برای اثبات رسالت آن حضرت.

و قالوا لولا نزل علیه ءایه من ربه

درخواست معجزه از سوی مشرکان، علی رغم معجزاتی مانند قرآن، حکایت از آن دارد که آنان معجزات آن حضرت را برای اثبات رسالت کافی نمی دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۶

۶ قرآن خالی از هر گونه نقص و کاستی برای اثبات رسالت پیامبر(ص)

لولا نزل علیه ءایه . . . ما فرطنا فی الکتب من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۴

۴ قرآن کتابی تمام و کافی برای اثبات نبوت و رسالت پیامبر(ص) است.

و تمت كلمت ربك صدقا و عدلا

اگر مراد از <کلمت>، قرآن باشد، تمام بودن آن بدین معنی می تواند باشد که قرآن از جهت مقاصدی که برای آن آمده

وافی و کافی است. و از جمله مقاصد، به قرینه آیات قبل، اثبات حقانیت رسالت پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ خداوند به منظور تبیین حقانیت توحید و رسالت پیامبر (ص)، جنگ بدر را تحقق بخشید و مسلمانان را به پیروزی رسانید

لیقضى الله أمرا كان مفعولا ليهلك من هلك عن بينه و يحيى من حى عن بينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۷

۷ زندگی و شخصیت پیش از بعثت پیامبر (ص)، دلیلی روشن برای رسالت و نبوت او

قل لو شاء الله ما تلوته عليكم .. فقد لبث فيكم عمراً من قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۲

۲ قرآن، معجزه حضرت محمد (ص) و دلیل رسالت و نبوت وی

و ما كان هذا القرءان أن يفترى من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۱۰

۱۰ - قرآن، معجزه پیامبر (ص) و دلیل روشن بر اثبات نبوت آن حضرت

أولم تأتهم بينه ما فى الصحف الأولى

بیان: یعنی، وضوح و انکشاف (مصباح). بنابراین <بینه> به چیزی گفته می شود که واضح باشد. ضمیر مذکر که از کلمه <من قبله> (در آیه بعد) به این کلمه بازمی گردد دلالت می کند که از آن برهان و دلیل اراده شده است (کشاف).

جلد - نام سوره - سوره

۳ ارائه معجزه ای محسوس و قابل رؤیت ، توقع مشرکان از پیامبر (ص) جهت اثبات درستی ادعای نبوت خویش *

أو یلقى إلیه کنز أو تکون له جنّه یا کل منها

درخواست و انتظار فرود آمدن گنجی برای پیامبر(ص) و یا داشتن باغ های پرثمر که امری محسوس و ملموس است می تواند به این خاطر باشد که کافران، به دنبال معجزه ای محسوس و قابل رؤیت از پیامبر(ص) بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تبیین ماجرای نزول تورات بر موسی (ع) از سوی پیامبراسلام با این که خود ، نه در وادی طور بود و نه شاهد نزول گواهی است روشن بر رسالت الهی آن حضرت .

و ما کنت بجانب الغربیّ . . . و ما کنت من الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - بیان سرگذشت اهل مدین از سوی پیامبر (ص) برای مردم با این که خود آن حضرت در میان مدینیان اقامت نداشت نشانه دیگری بر رسالت آن حضرت است .

و ما کنت ثاویّاً فی أهل مدین تتلوا علیهم ءایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - اطلاعات دقیق پیامبر (ص) از جریان بعثت موسی (ع) و سخن گفتن خداوند با وی در طور با این که خود در

آن جا حضور نداشت گواهی است روشن بر رسالت الهی آن حضرت .

و ما كنت بجانب الطور إذ نادينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۵

۵ - قرآن ، برای اثبات حَقانیت نبوت پیامبر (ص) از هر معجزه دیگری برتر است .

قالوا لولا أنزل عليه آية .. أولم يكفهم أنا أنزلنا عليك الكتب

<کفایه> رسیدن به حدی است که نیاز بر طرف شود و با توجه به این که معجزه، برای اثبات حقانیت است، نزول قرآن، به جای هر معجزه دیگری و اعلام کافی بودن آن، حکایت از حقیقت بالا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۱۲

۱۲ - رسالت پیامبر اسلام (ص) ، همراه با معجزات و دلایل روشن

يأتي من بعدى اسمه أحمد فلما جاءهم بالبئنت

درباره مرجع ضمیر در <جاء> دو احتمال وجود دارد. ۱ ضمیر مزبور به عیسی(ع) بازمی گردد. برداشت های پیشین براساس این احتمال است. ۲ ضمیر به کلمه <أحمد>(ص) بازمی گردد. برداشت بالا و نیز برداشت های بعدی بر این احتمال استوار است.

دلایل نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۲

۲ - موسی (ع) ، برخوردار از دلایل و معجزاتی فراوان بر پیامبری خویش

و لقد جاءكم موسى بالبئنت

جمع آوردن <بینات> همراه با <ال> استغراقی، بیانگر کثرت آن بینات است. <بینه> به معنای دلیل روشن است و از

مصادقاتهای مورد نظر آن، معجزه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۵

۵ موسی (ع) برای اثبات رسالت الهی خویش برخوردار از دلیلی روشن بود .

قد جئتکم ببینه من ربکم

<با> در <ببینه> به معنای مصاحبت است. بنابراین جمله <قد جئتکم ببینه> یعنی من با دلیلی روشن به سوی شما آمدم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۳

۳ موسی و هارون (ع) برای اثبات نبوت خود، دارای معجزات متعددی بودند .

ثم بعثنا .. موسی و هرون ... بأیتنا

با توجه به جمله <قالوا إن هذا لسحر مبین> در آیه بعد، استفاده می شود که مراد از <آیات> در این جا عبارت از کارهایی است که بشر بر انجام آن توانایی ندارد؛ بلکه به طور یقین فعل خداست که به دست انسانی انجام گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۹۶ - ۲،۳

۲ موسی (ع) برخوردار از معجزاتی فراوان و با عظمت بر رسالت الهی خویش

و لقد أرسلنا موسی بأیتنا

مراد از آیات (نشانه ها) در آیه فوق، معجزات است و جمع آوردن آن حاکی از کثرت آنهاست. اضافه آن به ضمیر متکلم (نا) دلالت بر عظمت و بزرگی آن معجزات دارد.

۳ موسی (ع) دارای حجت و دلیلی روشن و روشنگر بر رسالت الهی خویش بود .

و لقد أرسلنا موسی بأیتنا و سلطن مبین

<سلطان> به معنای حجت و برهان است. <مبین> به معنای روشن و نیز روشنگر است؛ یعنی، هم به صورت لازم و هم به

صورت متعدی استعمال

می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۲ - ۴

۴ - ید بیضا و مار شدن عصا ، دو معجزه برای اثبات رسالت موسی (ع) بود .

فَأَلْقِيهَا فَإِذَا هِيَ حَيْهَ تَسْعَى . . . وَاضْمَمَ يَدَكَ . . . آيَةُ أُخْرَى

<آیه> (علامت)، حال است برای فاعل <تخرج> و به قرینه آیات بعد که در آنها هدایت فرعون بر عهده موسی نهاده شده، مراد از <آیه>، علامت رسالت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۵

۵ - تبدیل عصا به موجودی که ابزار سحر ساحران را بلعید و به حالت اولیه برگشت ، حاوی نشانه های متعددی بر رسالت موسی (ع)

ما جاءنا من البینت

از این که ساحران، از مشاهدات خود با تعبیر <بینات> (جمع <بینه>) یاد کردند، به دست می آید که آنچه دیدند، معجزات متعددی در ضمن یک معجزه بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۳ - ۲

۲ - ید بیضا ، دومین معجزه موسی (ع) و دلیل صدق رسالت وی

و نزع یده فإذا هی بیضاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۶ - ۳

۳ - معجزات ارائه شده از سوی موسی (ع) ، دلایلی روشن و غیر قابل انکار بر رسالت الهی وی

فلما جاءهم موسى بآيتنا بينت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - غافر - ٤٠ - ٢٣ - ٢

٢ - رسالت موسى (ع) ، همراه با

نشانه های الهی و حجت و برهان روشن و روشنگر بود .

و لقد أرسلنا موسى بأيتنا و سلطن مبین

<سلطان> در این آیه به معنای حجت است و <مبین> در معنای <روشن> و <روشنگر> به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۹ - ۵۸

۵- موسی (ع) ، ارائه دهنده برهانی آشکار ، بر صدق خویش در دعوی رسالت

إِنِّي ءَاتِيكُمْ بسلطن مبین

۸- معجزات و دلایل نیرومند موسی (ع) ، پشتوانه آن حضرت در برخورد مقتدرانه با فرعونیان

أَن أَدُوا .. و أَن لَاتَعْلُوا ... إِنِّي ءَاتِيكُمْ بسلطن مبین

تعبیر <إِنِّي ..> در مقام تعلیل است؛ یعنی، موسی(ع) به دلیل بهره مندی از <سلطان مبین>، به فرعونیان فرمان <أَن أَدُوا> و <أَن لَاتَعْلُوا> می دهد.

دلایل نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۱

۱ نوح (ع) برخوردار از معجزه و دلیلی روشن ، بر پیامبری خویش

قال يقوم أَرءَيْتُمْ إِن كُنتَ عَلِي بَيِّنَه

قابل ذکر است که <أَرءَيْتُمْ> به معنای <آخبرونی> است و مفعول آن جمله <أَنْلِزْمَكُمُوهَا> است و این هر دو به منزله جواب شرط <إِن كُنتَ ...> می باشد و تقدیر جمله چنین است <إِن كُنتَ عَلِي بَيِّنَه ... فَأَخْبِرُونِي أَنْلِزْمَكُمُوهَا>

دلایل نبوت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۳

۳ موسی و هارون (ع) برای اثبات نبوت خود، دارای معجزات متعددی بودند.

ثم بعثنا .. موسی و هرون ... بأیتنا

با توجه به جمله >قالوا

إن هذا لسحر مبين > در آیه بعد، استفاده می شود که مراد از <آیات> در این جا عبارت از کارهایی است که بشر بر انجام آن توانایی ندارد؛ بلکه به طور یقین فعل خداست که به دست انسانی انجام گرفته است.

دلایل نبوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۳، ۱۹

۳ - یوسف (ع) ارائه دهنده دلایل روشن و بی ابهام، بر رسالت خویش برای مردم مصر

و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينات

۱۹ - > عن محمد بن مسلم قال: قلت لأبي جعفر (ع) ... كان يوسف رسولاً نبياً؟ قال: نعم أما تسمع قول الله تعالى: > و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينات <

از محمد بن مسلم نقل شده که گفت: به امام باقر(ع) عرض کردم: .. آیا یوسف(ع) دارای رسالت و نبوت بود؟ حضرت فرمود: آری آیا نشنیده ای سخن خدای تعالی را [که فرمود]: و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينات <.

دوران نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۱

۱ خداوند، موسی (ع) را پس از نوح، هود، صالح، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد.

ثم بعثنا من بعدهم موسی

مراد از ضمیر در <من بعدهم> پیامبرانی است که داستانشان در آیات پیشین مطرح شد.

رحمت نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۱۲

۱۲ - > روی عن أمير المؤمنين (ع)

و عن ابی جعفر الباقر (ع) ان المراد برحمته هنا النبوه ... ;

از امیرالمؤمنین و امام باقر(ع) درباره <رحمت> در آیه فوق روایت شده که مراد نبوت است ..<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۴ - ۱

۱ نبوت و هدایت ، رحمت خاص خداوند

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم قل ان الهدى هدى الله .. قل ان الفضل بيد الله ..

جمله <یختص برحمته>، رد پندار یهود است که می پنداشتند پیامبر فقط از میان ایشان مبعوث می شود، بنابراین مقصود از <رحمه> در آیه، پیامبری است.

رد نبوت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۳

۱۳- حضرت مریم (س) ، از پیامبران الهی نبوده است .

أولئك .. من النبیین ... و مّمن هدینا واجتیننا

چنان که <مّمن هدینا> عطف بر <من النبیین> باشد، باید در بین مذکورین در آیات قبل که به وسیله <أولئك> به آنان اشاره شد، غیر نبی نیز وجود داشته باشد، زیرا عطف، ظهور در تغایر دارد و بدان لحاظ که در آیات قبل به جز در مورد مریم صریحاً و یا با اشاره نبوت مذکورین مطرح گردیده، تنها موردی که برای <من هدینا..> باقی می ماند، مریم(س) است.

رهبران شرک و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۵

۵ خودکفایی مالی و بی نیازی از تلاش اقتصادی ، حداقل شرط پیامبری و کمترین شایستگی لازم برای احراز مقام نبوت

، در دیدگاه سران کفر و شرک

أُو يَلْقَى إِلِيهِ كَنْزُ أُو تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه پیش آمده بود: <کافران این نکته را القا کردند که پیامبر(ص) از نظر جسمی نباید نیازمند به تغذیه و داد و ستد اقتصادی باشد>؛ ولی در این آیه از آن نکته صرف نظر کردند و گفتند: <پیامبر باید از نظر معیشتی و مالی خودکفا باشد>.

رهبران کفر و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۵

۵ خودکفایی مالی و بی نیازی از تلاش اقتصادی ، حداقل شرط پیامبری و کمترین شایستگی لازم برای احراز مقام نبوت ، در دیدگاه سران کفر و شرک

أُو يَلْقَى إِلِيهِ كَنْزُ أُو تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه پیش آمده بود: <کافران این نکته را القا کردند که پیامبر(ص) از نظر جسمی نباید نیازمند به تغذیه و داد و ستد اقتصادی باشد>؛ ولی در این آیه از آن نکته صرف نظر کردند و گفتند: <پیامبر باید از نظر معیشتی و مالی خودکفا باشد>.

زمینه نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۵ - ۸

۸ - نبوت و دریافت وحی ، نیازمند سینه ای فراخ و ظرفیتی گسترده است .

قال ربِّ اشرح لي صدري

زمینه نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۸ - ۶

۶- بعثت پیامبران ، مقتضای ربوبیت خداوند و در راستای تربیت و رشد و کمال

و الرسول يدعوكم لتؤمنوا بربكم

<ربّ> یعنی، تربیت کننده و تربیت ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است، تا آن گاه که به حد تمام و کمال برسد (مفردات راغب).

زمینه نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱ - ۷

۷- نقش عبادت و عبودیت پیامبر (ص) ، در نایل شدن آن حضرت به مقام رسالت و نزول قرآن برایشان

أنزل علی عبده الكتب

وصف و یاد کردن از پیامبر(ص) به عنوان <بندی خداوند> در بیان نازل کردن قرآن بر او، می تواند این معنا را برساند که: <بنده خدا> بودن و او را بندگی و عبادت کردن، از زمینه های مهم برای تحمّل رسالت و دریافت وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۴

۴ - نقش عبودیت حضرت محمد (ص) ، در دستیابی آن حضرت به مقام نبوت و دریافت پیام وحی از جانب خداوند

هو الذی ینزل علی عبده

تعبیر <عبده> درباره پیامبر(ص) به جای هر تعبیر دیگر می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

زمینه نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۳۵، ۳۴، ۴۰

۳۴ - سختی های زندگی موسی (ع) و آزمون های الهی او ، جهت رسیدن به رتبه و شایستگی لازم برای تحمّل رسالت الهی بود .

وَفَتَّنَكَ فَتُونًا.. ثُمَّ جِئْتَ عَلِيَّ قَدْرَ يَمُوسَى

<قَدْرٌ>؛ یعنی، مبلغ و حد مطلوب. این کلمه با قَدْر و مقدار به یک معنا است (لسان العرب). <علی

قدر < حال برای فاعل > جئت است؛ یعنی، ای موسی! تو در حالی که بر مقدار لازم از شایستگی و استواری رسیدی، به این وادی گام نهادی.

۳۵ - موسی (ع) زمانی توفیق مناجات با خداوند در کوه طور و دریافت حکم رسالت را یافت که از مرحله آزمون الهی و چشیدن سختی ها، عبور کرد و شایستگی لازم را به دست آورده بود.

و فتتک فتوناً.. ثم جئت علی قدر یموسی

۴۰ - زندگانی طولانی موسی (ع) در مدین، دارای نقشی به سزا در رسیدن او به شایستگی لازم برای رسالت بود.

فلبث سنین فی أهل مدین ثم جئت علی قدر یموسی

<ثم> برای تراخی است و دلالت می کند که آمدن موسی(ع) به کوه طور، با گذشت زمان قابل توجهی از آغاز سکونت در مدین همراه بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱ - ۳،۵

۳ - جدایی موسی (ع) از دستگاه فرعون، زمینه اعطای رسالت و سرپرستی بنی اسرائیل به وی از جانب خداوند

ففررت منکم... فوهب لی ربی حکماً و جعلنی من المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تفریع <وهب> بر <ففررت> اشاره به تأثیر جدایی موسی(ع) از دستگاه فرعون در شایستگی وی برای دریافت حکم و رسالت داشته باشد. گفتنی است که در برداشت فوق واژه <حکم> به معنای ولایت و سرپرستی گرفته شد و مراد از آن سرپرستی بر بنی اسرائیل و هجرت دادن آنان از سرزمین مصر می باشد.

۵ - اعطای حکمت و دانش به موسی (ع)، زمینه

ساز نایل آمدن او به مقام رسالت

فوهب لی ربی حکماً و جعلنی من المرسلین

جدا بودن <وهب> و <جعل> و مقدم آمدن اعطای حکمت، نشان دهنده تمایز میان آن دو و قرار داشتن <جعل رسالت> در طول اعطای حکمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۲

۲ - آتش طور، وسیله ای برای کشاندن موسی (ع) به وادی طور، جهت سخن گفتن خدا با وی و دریافت رسالت الهی

فلما أتيتها نودی .. یموسی إنی أنا الله رب العلمین

زمینه نبوت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۲ - ۴

۴ - موسی (ع) در اعطای مقام نبوت به هارون (ع)، وساطت کرد.

و أشركه فی امری

سختی نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۴

۴ - رسالت و پیامبری، مسؤولیتی بس سنگین و خطیر

و إن لك لأجرًا غیر ممنون

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که اجر و پاداش ها، در قبال مسؤولیت ها است و به هر میزان که مسؤولیت سنگین تر و پرزحمت تر باشد، اجر و پاداش آن نیز بزرگ تر و بیشتر خواهد بود. بنابراین اجر بزرگ، نشانگر مسؤولیت بزرگ و خطیر است.

سختی نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۰

۱۰- نوید الهی به پیامبر (ص) در شرایط سخت رسالت ، درباره جهانی شدن پیام و قوانین مکتب

آن حضرت

هو الذی أرسل رسوله بالهدی .. لیظهره

با توجه به این که آیه شریفه در شرایطی بر پیامبر(ص) نازل شده که مشرکان مکه، مانع ورود مسلمانان به مسجد الحرام بودند، برداشت بالا قابل استفاده است.

سختیهای نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۷

۷- پیامبر (ص) مأمور درخواست کمک از خداوند، برای زدایش سختی‌ها و پیامدهای سنگین رسالت *

و استغفر لذنبک

برداشت بالا بنا بر این نکته است که واژه <استغفر> در معنای طلب ایجاد مصونیت و <ذنب> در معنای پیامدها، به کار رفته باشد، یعنی، رسالت پیامبر(ص) سختی‌هایی را برای خود آن حضرت و مؤمنان واقعی (از قبیل هجرت، جهاد و ..) به دنبال داشته و حضرت برای کاهش این دشواری‌ها، باید از خداوند استمداد کند.

سرزنش شک در نبوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۸

۸- نکوهش مؤمن آل فرعون از مردم مصر، به خاطر تردید کردن در رسالت یوسف (ع) در گذشته (علی رغم مشاهده دلایل روشن او)

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

سنگینی نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۶

۶- رسالت و پیامبری ، باری سنگین و مسئولیت ی خطیر بر دوش رسولان و پیامبران

قل أطيعوا الله .. فإن تولّوا فإنّما عليه ما حمّل

برداشت یاد شده، از تعبیر <حمّل> استفاده گردید؛ زیرا <حمل> به معنای اشیای سنگین وزن است؛ مثل حمل بچه در شکم

مادر (مفردات راغب).

سهولت نبوت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۰ - ۲

۲ - انتخاب پیامبران از میان فرشتگان ، امری آسان برای خداوند

و لو نشاء لجعلنا منکم ملئکه فی الأرض

برداشت یاد شده بدین احتمال است که آیه شریفه پاسخی باشد به انتظار مشرکان مکه که توقع فرشته بودن پیامبر را داشتند.

شرایط ادعای نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۳ - ۳

۳ ادعای نبوت و رسالت ، باید همراه با ارائه معجزه و دلیل روشن باشد . *

قالوا یهود ما جئنا ببینه

<بینه> به معنای دلیل و حجت روشن است و مراد از آن در آیه شریفه معجزه می باشد. قوم هود مدعی آنند که وی معجزه ای ارائه نکرده است و این سخن از ناحیه او رد نمی شود و بیان نمی کند که اثبات پیامبری نیازمند معجزه نیست. گویا این معنا که پیامبران باید معجزه داشته باشند، مورد تأیید قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۹ - ۶

۶- ادعای رسالت ، باید همراه با دلایل روشن و قانع کننده باشد .

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ .. إِنِّي ءَاتِيكُمْ بِسُلْطَنِ مَبِينٍ

شرایط نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ برخی از مردم عصر بعثت پیامبری و نبوت را مستلزم آگاهی به امور غیبی می پنداشتند .

لو كنت أعلم الغيب لاستكثرت من الخير .. إن أنا إلا نذير

حصر در جمله > إن أنا

... < ناظر به پندارهایی است که مردم درباره پیامبر(ص) داشتند که از جمله آنها عالم بودن پیامبر(ص) به امور غیبی است. جمله <إن أنا... > بیان می دارد که او تنها نذیر و بشیر است؛ یعنی عالم به غیب بودن، لازمه پیامبری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۳،۴

۳ در اختیار داشتن همه نعمت های الهی و توان دسترسی به گنجینه های هستی و دانستن غیب ، از لوازم و شرایط پیامبری نیست .

و لأقول لكم عندی خزائن الله و لأعلم الغیب

۴ فرشته بودن ، از شرایط احراز مقام نبوت و پیامبری نیست .

و لأقول إني ملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۷

۷ رسیدن به مقام نبوت ، مشروط به داشتن زمینه و صلاحیت است .

و لما بلغ أشده ءاتینه حکماً و علماً و كذلك نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ توانایی به ارائه هر گونه معجزه و در هر زمان ، از شرایط پیامبری در دیدگاه ناصواب مردم عصر بعثت

و لقد أرسلنا رسلاً .. و ما كان لرسول أن يأتي بأیه إلا بإذن الله لكل أجل كتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۷

۷- مشرکان مکه ، مبعوث شدن انسان زوال پذیر را برای نبوت ، قبول نداشتند . *

و أقسموا بالله جهد أیمنهم لایبعث الله من یموت

به قرینه آیات قبل که درباره

بعثت انبیا و مورد انکار قرار گرفتن آن از سوی مشرکان بود احتمال دارد مراد آیه نکته یاد شده باشد؛ یعنی، منظور از <بعثت> برانگیختن برای نبوت باشد نه حشر اخروی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۷

۷- پیامبری، مسؤولیتی است الهی که تنها بر عهده مردان گذاشته شده است.

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحى إليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۶ - ۱۵

۱۵- برخورداری از تمام مراتب علم و نیز کمال نهایی، شرط نبوت نیست.

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت رشداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۷، ۸، ۹

۷- دارا شدن مقام نبوت و کتاب آسمانی، به سن و سال خاصی مقید نیست.

كيف نكلم من كان في المهد .. قال إني عبدالله ءاتيني الكتب و جعلني نبياً

۸- طهارت مولد از جمله شرایط احراز مقام نبوت است.

قال .. و جعلني نبياً

گرچه سخن گفتن عیسی (ع) خود معجزه ای برای اثبات طهارت مریم (س) بود؛ ولی در مفاد جملات نیز نوعی استدلال وجود دارد و آن این که من پیامبرم و متولد از حرام نمی تواند پیامبر باشد، پس من طهارت مولد دارم.

۹- احراز مقام نبوت بر تربیت های عملی و کسب زمینه ها و قابلیت ها، وابسته نیست.

قال إني عبدالله ءاتيني الكتب و جعلني نبياً

حضرت عیسی (ع) در گهواره خود را پیامبر و دارای کتاب می داند؛ از این موضوع می توان دریافت که مقام

نبوت بر کسب زمینه های قبلی و تلاش های شخصی افراد متکی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۱ - ۱۰

۱۰- صداقت ، شرط رسیدن به مقام نبوت است .

إِنَّهٗ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا

تقدیم <صَدِيقًا> بر <نَبِيًّا> به نکته یاد شده اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۸

۸- صداقت ، شرط رسیدن به مقام نبوت است .

إِنَّهٗ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا

تقدیم <صَدِيقًا> بر <نَبِيًّا> حاکی از برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۳۷

۳۷- نبوت و رسالت الهی ، ویژه کسانی است که شایستگی لازم را کسب کرده باشند .

ثُمَّ جِئْتِ عَلٰی قَدْرِ مَوْسٰی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۱ - ۶

۶- شایستگی برای رسالت و نبوت ، وابسته به اخلاص کامل برای خداوند است .

وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي

این آیه، تفسیر آخرین بخش آیه قبل است و بیانگر قدر و میزانی است که پیامبران باید دارای آن باشند و موسی(ع) با رسیدن

به آن رتبه و مقام به کوه طور آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۶

۶- دریافت وحی الهی ، لازمه منصب رسالت

و ما أرسلنا .. نوحی إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۴

۴ - استغنا از مردم ، شرط لازم نبوت و درخواست کمترین مزد از آنان ، نشانه

عدم صداقت مدعی پیامبری است .

أم تسئلهم خرَجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۲

۲ - منوط دانستن نبوت و رسالت ، به اشرافیت و توانمندی های مادی ، امری نامعقول

لولا نزل .. أ هم یقسمون رحمت ربک

از استفهام توییخی <أهم> استفاده می شود که هیچ نوع ارتباطی بین دستیابی به مقام نبوت و برخورداری از امکانات مادی، وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۲

۲- از نگاه کافران عصر نزول ، مقام رسالت شایسته موجودی آسمانی و فرابشری است .

بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم

شعیب(ع) قبل از نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۴

۴ شعیب (ع) حتی پیش از رسیدن به مقام رسالت ، فردی دلسوز و دوستدار مردم مدین بود .

و إلی مدین أ خاهم شعیبًا

شک در نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۷

۷- منافقان ، گرفتار شك و تردید نسبت به مبانی اسلام (توحید ، نبوت ، معاد ، قرآن و ...)

قالوا بلی و لکنکم .. . ارتبتم

شك در نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۷

۷- ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش ، تردید داشتند .

فأت بئایه إن كنت من الصدقین

برداشت یاد شده از به کار گرفتن <إن>

که در موارد تردید به کار می رود استفاده می شود.

شک در نبوت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۵

۵ - شک و تردید مستمر مردم مصر در رسالت یوسف (ع) تا پایان عمر ایشان (علی رغم مشاهده دلایل روشن بر صدق رسالت آن حضرت).

لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينت فمازلتهم في شك مما جاءكم به

شگفتی نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۱ - ۴

۴ رسالت مداری انسان از سوی خداوند ، امری شگفت آور و غیر قابل قبول از دیدگاه مشرکان

أهذا الذي بعث الله رسولا

استفهام در <أهذا> انکاری و برای اظهار تعجب و شگفتی آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۱

۱ - برگزیده شدن پیامبر اسلام (ص) از میان توده های عرب برای پیامبری ، امری غیرمنطقی و ناممکن در نظر کافران و مشرکان

أءنزل عليه الذكر من بيننا

صالح (ع) قبل از نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۴

۴ صالح (ع) ، دلسوز برای قوم خویش و با محبت نسبت به آنان ، حتی پیش از بعثتش به پیامبری

و إلی ثمود أخواهم صلحًا

مراد از اخوت صالح(ع) برای قوم ثمود ، می تواند مهربانی و دلسوزی او نسبت به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱

۱ صالح (ع)

(، حتی پیش از نبوتش ، انسانی فرزانه و دارای استعدادی ویژه در میان قوم ثمود

قالوا يصلح قد كنت فينا مرجوًا قبل هذا

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) جمله <قوم ثمود به تو امیدها داشتند> که مضمون جمله <قد كنت ..> است حکایت از نبوغ صالح(ع) و استعدادهای خاص و سابقه نیک او دارد. ب) مشارالیه <هذا> ادعای نبوت صالح(ع) و اعلام توحید و لزوم یکتاپرستی از سوی اوست.

عظمت نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۴ - ۲

۲ - فضل الهی به پیامبر (ص) (فضل نبوت) ، بس بزرگ و ارجمند

ذلک فضل الله

به کارگیری <ذلک> (اشاره بعید) می تواند به خاطر بلندی درجه و فضلی باشد که خداوند به پیامبر(ص) عطا کرده است (فضل نبوت و رسالات).

عوامل تکذیب نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۴، ۲، ۱

۱ کسانی که نزول وحی بر بشر و رسالت یافتن او را انکار می کنند، خداوند را، آن گونه که هست، نشناخته اند.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر

۲ انکار وحی و رسالت یافتن بشر، معلول نقصان معرفت آدمی به خداوند است.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر

۴ یهود به سبب انکار رسالت پیامبر(ص) منکر نزول هرگونه وحی بر افراد بشر شدند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء

عوامل تكذيب نبوت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - اعراف

۲ قوم عاد به دلیل نامعقول شمردن پیامبری برای فردی از بشر ، رسالت هود را انکار کردند .

إنا لنرىك في سفاهه .. أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

فترت در نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۸

۸ وجود فاصله ای طولانی بین بعثت پیامبر (ص) و رسولان گذشته

علی فتره من الرسل

<فتره> به معنای سکون و انقطاع است. بنابراین <فتره من الرسل> به معنای انقطاع پیامبری است. نکره آوردن <فتره> دلالت می کند بر اینکه آن انقطاع به طول انجامیده بود.

فرعون و نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸ - ۵

۵ - ادعای رسالت الهی و درخواست آزاد گذاشتن بنی اسرائیل برای خروج از سرزمین مصر از سوی موسی (ع) ، دور از انتظار فرعون و عملی جسورانه در نظر وی بود .

فقولاً إنا رسول ربّ العلمین . أن أرسل معنا بنی إسرئیل . قال ألم نربّک ... و لبث

برداشت یاد شده از به رخ کشیدن دوران کودکی و بخشی از عمر موسی(ع) پس از اظهاراتش درباره رسالت الهی و آزاد سازی بنی اسرائیل، به دست می آید.

فضیلت مقام نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۲

۲- فضیلت و برتری مقام رسالت بر نبوت

و ما أرسلنا من قبلك من رسول ولا نبی

با توجه به تقدیم <رسول> بر <نبی>، مطلب فوق را به دست می آید.

فضیلت نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۷

۷ پیامبری ، صدیق ، شاهد و صالح بودن ، مقامی رفیع و نعمتی بزرگ *

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين . . . و الصالحين

بنابراین احتمال که مراد از نعمت در <انعم الله عليهم> همان مقام نبوت و . . . باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۰ - ۴

۴ نبوت ، صداقت کامل ، گواه بودن بر اعمال بندگان و صالح شدن ، تفضل خاص الهی

فاولئك . . . ذلك الفضل من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۹ - ۵

۵ - نبوت ، مرتبتی والا و از نعمت های ارجمند خدادادی است .

إن هو إلا عبد أنعمنا عليه

مراد از نعمت در <أنعمنا> ممکن است خصوص نبوت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۹ - ۳

۳ - نبوت ، نمود فضل و فزون بخشی خداوند است .

ألا يقدر على شيء من فضل الله

مراد از <شئ من فضل الله> فضل نبوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ بعثت پیامبران ، اتمام حجت خداوند بر مردم

ان تقولوا ما جاءنا من بشير و لاندیر

اگر چه خطاب آیه متوجه اهل کتاب است، ولی قطعاً در اتمام حجت به سبب پیامبر(ص) بین اهل کتاب و سایر مردم تفاوتی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - بعثت پیامبران و تعالیم ادیان ، در جهت تأمین منافع و مصالح انسان ها است .

إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

به کارگیری <لام> انتفاع در <لکم> می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۴ - ۳

۳ - وحی و رسالت ، در راستای رشد و تکامل انسان ، و نه برآوردن تمنیات هواپرستانه او *

و لقد جاءهم من ربهم الهدى . أم للإنسن ما تمنى

برداشت یاد شده بدان احتمال است که: الف) مراد از <الهدی> در آیه پیش، وحی و رسالت باشد. ب) آیه <أم للإنسن...> با <و لقد جاءهم من ربهم...> مرتبط باشد، یعنی، انسان نباید انتظار آن را داشته باشد که آمال هواپرستانه اش، در شریعت ارضا شود.

فلسفه نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۰ - ۲

۲- فرستادن انبیا از جانب خداوند ، برای جوامع و امتهاست نه افراد . *

و لقد أرسلنا من قبلك في شيع الأولين

ذکر <شيع> در جمله، در حالی که بدون آن هم معنا تمام بود، مشعر به نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۱

۱ - اتمام حجت و سلب حقانیت از هرگونه اعتراض ، از اهداف فرستادن پیامبران و نزول آیات و معجزات

و لو أَنَا أَهْلُكُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ

مراد از ضمیر در <من قبله> به قرینه <لولا أرسلت> رسول است و ممکن است مربوط به کلمه

<بینه> (در آیه قبل) باشد گرچه کلمه <بینه> مؤنث است و ولی به اعتبار این که به معنای برهان است، ارجاع ضمیر مذکر به آن صحیح می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۷ - ۲

۲- مورد لطف و مرحمت قرار گرفتن انسان ، فلسفه دین و حکمت فرستاده رسولان

و ما أرسلنک إلا رحمہ للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۶

۶ - یکسان سازی سرنوشت انسان ها در قیامت ، ناهماهنگی با فلسفه نزول وحی و بعثت پیامبران

و كذلك أوحینا .. لتنذر ... و لو شاء الله لجعلهم أمه وحده

از آنجا که آیه شریفه در ادامه آیات مربوط به وحی می باشد، می توان استفاده کرد که نزول وحی با یکسان ساختن انسان ها، از نظر کفر و ایمان و در نتیجه وحدت سرنوشت آنان ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۵

۵ - بنده صالح و شایسته بودن ، مایه اصلی رسیدن پیامبران (نوح ، لوط و ...) به مقام نبوت

عبدین من عبادنا صلحین

توصیف حضرت نوح و لوط(ع)، به صفت <عبدصالح> در میان دیگر اوصاف والای انسانی و الهی آنان گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۵

۵ - مشترک بودن فلسفه بعثت پیامبران

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا .. كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا

فلسفه نبوت لوط (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ -

آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۵

۵ - بنده صالح و شایسته بودن ، مایه اصلی رسیدن پیامبران (نوح ، لوط و ...) به مقام نبوت

عبدین من عبادنا صلحین

توصیف حضرت نوح و لوط(ع)، به صفت <عبدصالح> در میان دیگر اوصاف والای انسانی و الهی آنان گویای مطلب یاد شده است.

فلسفه نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۶

۶ تبیین و تشریح راه های سعادت و شقاوت ، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

قد جاءکم رسولنا یبیین لکم

مفعول <یبیین> می تواند مفهومی باشد که از <بشیر> و <نذیر> به دست می آید، یعنی سعادت و شقاوت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۴

۴ تلاوت قرآن بر مردم ، از وظایف پیامبر (ص) و از هدف های ارسال او به پیامبری

أرسلنک .. لتتلوا علیهم الذی أوحینا إلیک

<تلاوت> (مصدر تتلوا) به معنای خواندن است و <لتتلوا> متعلق به <أرسلناک> می باشد و بیانگر وظیفه پیامبر و هدف ارسال او به پیامبری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۱۱

۱۱ انذار و اخطار به همه انسان ها در تمام گیتی ، از اهداف قرآن و پیامبراسلام (ص)

نَزَلَ الْفَرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَلَمِينَ نَذِيرًا

ضمیر در <لیکون> ممکن است به دو چیز باز گردد: ۱ <فرقان> ۲ <عبدہ> (پیامبر اسلام).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص -

۱ - بستن راه بهانه جویی کافران و حق ستیزان (به این که چرا برای مارتسولی نفرستادی) به هنگام گرفتار شدن به عذاب ، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

و لولا أن تصيبهم مصيبة بما قدمت أيديهم فيقولوا ربنا لولا أرسلنا رسولاً

جواب <لولا> در <لولا> آن تصیبهم مصیبه... < حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لولا> آن تصیبهم مصیبه... لَمَا أرسلناك إليهم >. گفتنی است که آیه پیش، هدف از بعثت پیامبر(ص) را تَبَّه و بیداری مردم بیان کرده است. بنابراین آیه یاد شده بیانگر یکی دیگر از هدف های رسالت پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۴

۴ - هدف آغازین بعثت پیامبر (ص) ، انذار مردم مکه و نواحی آن بوده است .

لتندر أم القرى و من حولها

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از <حولها> فقط حاشیه مکه باشد و با توجه به این که دعوت پیامبر(ص) همگانی بوده و نه مخصوص مردم مکه و اطراف آن در این برداشت قید آغازین افزوده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، فرستاده الهی برای گواهی بر خلق و بشارت و انذار آنان

إننا أرسلناك شهيداً و مبشراً و نذيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۹ - ۱

۱ - ایمان به خدا و رسول او ، یاری دین و تعظیم و تقدیس

پیوسته ذات الهی ، هدف عالی و نهایی رسالت پیامبر اکرم (ص)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ .. لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعَزَّوهُ وَتُوقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بِكُرْهِ وَأَصْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۲

۲- هدایت خلق در مسیر بایسته زندگی و ارائه قوانین حق ، دو هدف مهم رسالت پیامبر (ص)

أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۷

۷- هدایت انسان ها و بیرون آوردن آنان از ورطه گمراهی ، هدف الهی در بعثت پیامبر (ص) و نازل کردن قرآن

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَيَّ عَبْدَهُ .. لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

واژه <ظلمات>، استعاره از گمراهی و واژه <نور> استعاره از هدایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۲ - ۵،۱۰

۵ - برانگیخته شدن رسول اکرم (ص) از میان غیر اهل کتاب ، برای هدایت خلق از سوی خداوند ، جلوه ای از عزت و

حکمت خداوند

العزیز الحکیم . هو الذی بعث فی الأممین رسولاً منهم

کلمه <أممین> در قرآن، در مقابل اهل کتاب نیز به کار رفته است. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

۱۰ - هدف بعثت پیامبر (ص) ، هدایت مردم و بیرون آوردن آنان از گمراهی ها است .

یتلوا علیهم .. و إن کانوا من قبل لفی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۳ - ۲

۲ - رساندن

پیام های خداوند به انسان ها ، از اهداف پیامبر (ص)

إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ

فلسفه نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۵

۵ - بنده صالح و شایسته بودن ، مایه اصلی رسیدن پیامبران (نوح ، لوط و ...) به مقام نبوت

عبدین من عبادنا صلحین

توصیف حضرت نوح و لوط(ع)، به صفت <عبدصالح> در میان دیگر اوصاف والای انسانی و الهی آنان گویای مطلب یاد شده است.

قوم ثمود و نبوت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۲

۲ - رسالت الهی ، مرتبتی غیر قابل دستیابی برای بشر در دیدگاه قوم ثمود

فَقَالُوا أَبَشَرًا مِمَّنَّا وَحَدًّا نَنْبِعُهُ

برداشت یاد شده در صورتی است که گفتار قوم ثمود و انکار آنان، صرفاً جنبه بهانه جویی نداشته؛ بلکه ریشه در باورهای آنان داشته باشد.

قوم ثمود و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۹

۱۹ قوم ثمود ، بر خلاف قوم نوح و هود ، منکر وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر نبودند .

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

نیامدن جمله ای همانند <أو عجبتم أن جاءكم... > در داستان صالح، به خلاف ذکر آن جمله در داستان نوح و هود (آیه ۶۳ و ۶۹) دلالت بر این دارد که قوم صالح، وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر را امری مستبعد نمی شمردند و آن را انکار نمی کردند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۶

۶ قوم ثمود، پیامبری و بعثت انسانهایی را از جانب خدا ناممکن نمی شمردند.

إن كنت من المرسلین

جمع آوردن کلمه <المرسلین>، اشاره به آن دارد که قوم ثمود پذیرفته بودند که انسانهایی از جانب خدا به پیامبری مبعوث می شوند، ولی درباره رسالت حضرت صالح(ع) شک و تردید می کردند.

قوم ثمود و نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ تلاش تبلیغاتی کفرپیشگان قوم ثمود برای ایجاد شک در رسالت صالح، تلاشی بی ثمر بود.

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

قوم عاد و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۱،۲

۱ بعثت فردی از بشر برای رسالت، شگفت آور و نامعقول در دیدگاه قوم هود

أو عجبتم أن جاءكم من ربكم علی رجل منكم

۲ قوم عاد به دلیل نامعقول شمردن پیامبری برای فردی از بشر، رسالت هود را انکار کردند.

إنا لنرىك فی سفاهه .. أو عجبتم أن جاءكم من ربكم علی رجل منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۹

۱۹ قوم ثمود، بر خلاف قوم نوح و هود، منکر وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر نبودند.

و إلى ثمود أخاهم صلحاً

نیامدن جمله ای همانند <أو عجبتم أن جاءكم... > در داستان صالح، به خلاف ذکر آن جمله در داستان نوح

و هود (آیه ۶۳ و ۶۹) دلالت بر این دارد که قوم صالح، وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر را امری مستبعد نمی شمردند و آن را انکار نمی کردند.

قوم عاد و نبوت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۳

۳ ادعای پیامبری از سوی هود (ع) ، نشانه سفاهت وی در پندار قوم عاد

إنا لنرىك في سفاهه .. أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۲

۲ قوم عاد ، رسالت هود را از سوی خداوند ، برای دعوت به توحید و مبارزه با شرک باور نداشتند .

أجئتنا لنعبد الله وحده

استفهام در جمله <أجئتنا .. > استفهام انکاری ابطالی است. یعنی دلالت می کند که آنچه مورد استفهام واقع شده (مأموریت هود برای دعوت به یکتاپرستی)، بی اساس است و مدعی آن (حضرت هود) دروغگوست.

قوم نوح و ادعای نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۵

۵ ادعای پیامبری ، نشانه گمراهی نوح در پندار ناصواب قوم وی

يقوم ليس بي ضلله .. أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

جمله <أو عجبتم .. > عطف بر <ليس بي ضلله > است.

قوم نوح و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٦- اعراف - ٧ - ٧٣ - ١٩

١٩ قوم ثمود ، بر خلاف قوم نوح و هود

، منکر وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر نبودند .

و إلى ثمود أخاهم صلحاً

نیامدن جمله ای همانند <أو عجبتم أن جاءكم .. > در داستان صالح، به خلاف ذکر آن جمله در داستان نوح و هود (آیه ۶۳ و ۶۹) دلالت بر این دارد که قوم صالح، وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر را امری مستبعد نمی شمردند و آن را انکار نمی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۳

۳ بشر بودن نوح (ع) ، بهانه و دستاویز کفرپیشگان برای انکار پیامبری و رسالت آن حضرت

فقال الملائة .. ما نريك إلا بشراً مثلنا

قوم نوح و نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۶

۶ نبوت حضرت نوح (ع) و نزول آیات الهی بر او برای قومش امری دشوار و باور نکردنی بود .

يقوم إن كان كبر عليكم مقامی و تذکیری بأیت الله

جمله <فكذبوه> در دو آیه بعد (۷۳) دلالت می کند بر اینکه موضوع مورد بحث، نبوت و رسالت حضرت نوح (ع) است و حضرت در مقام تحدی و اثبات این ادعاست.

كافران مكه و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۵

۵- نزول وحی از جانب خداوند بر بشر ، امری غیر قابل قبول و به دور از عقل و خرد و در حد دیوانگی در بینش کافران مکه

قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر إنک لمجنون

كافران و نبوت

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۴

۴ داشتن ثروتی بی نیاز کننده از هرگونه داد و ستد با مردم ، و تأمین شدن نیاز های مادی از سوی خداوند و یا داشتن بوستانی پر ثمر ، نشانه درستی ادعا پیامبری در دیدگاه کافران

أو یلقى إلیه کتز أو تکون له جَنّه یا کل منها

کافران و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۴

۴ کافران، مدعی عدم شایستگی بشر برای احراز مقام رسالت و اختصاص آن به فرشتگان

و لو جعلنه ملکا

کافران و نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۱

۱۱ کافران به رسالت پیامبر(ص)، حق پوش و مغالطه کارند.

و للبسنا علیهم ما یلبسون

<یلبسون>، فعل مضارع و بیانگر استمرار تلبیس کافران است.

کافران و نبوت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۴

۴ کافران، مدعی عدم شایستگی بشر برای احراز مقام رسالت و اختصاص آن به فرشتگان

و لو جعلنه ملکا

کفر به نبوت صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۵

۵ قوم ثمود ، ناباور به رسالت حضرت صالح (ع)

إن كنت من المرسلین

کیفر ادعای دروغین نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۷ - ۲

۲ - مرگ و نابودی ، کیفر قطعی و رهایی ناپذیر گناه دروغ بستن بر خدا

و ادعای دروغین نبوت

فما منکم من أحد عنه حجزین

گواهان نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۵،۲۷

۵ خداوند، بزرگترین گواه رسالت پیامبر اکرم(ص) در برابر منکران است.

قل أي شیء أكبر شهادة قل الله شهید بینی و بینکم

با توجه به این حقیقت که نزاع بین پیامبر(ص) و مشرکان، نزاع شخصی نبوده، بلکه اختلاف بر سر درستی ادعای پیامبر(ص) به نزول وحی بر ایشان بوده است.

۲۷ عن أبي جعفر(ع) فی قوله: <قل أي شیء أكبر شهادة قل الله شهید بینی و بینکم> و ذلك ان مشرکی أهل مکة قالوا: یا محمّد ما وجد الله رسولا یرسله غیرک؟ ما نری أحداً یصدقک بالذی تقول .. قتأتینا من یشهد إنک رسول الله؟ قال رسول الله(ص): <الله شهید بینی و بینکم ... >.

از امام باقر(ع) درباره آیه <قل أي شیء أكبر شهادة ... > روایت شده است که مشرکان مکة به حضرت محمّد(ص) گفتند: خداوند رسولی غیر از تو نیافت که بفرستد؟ کسی را نمی بینیم درباره آنچه می گویی تو را تصدیق کند ... پس کسی که به رسالت تو گواهی دهد، برای ما می آوری؟ رسول خدا(ص) فرمود: خداوند بین من و شما گواه است ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۴

۴ لجاجت پیشگان، حتی در صورت سخن گفتن مردگان با ایشان و شهادت بر رسالت پیامبر(ص)، ایمان نمی آورند.

و لو أننا .. و کلمهم الموتی ... ما كانوا لیؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۷- یونس - ۱۰ - ۳۸ - ۴

۴ قرآن ، معجزه جاودان حضرت محمد (ص) و گواه صدق نبوت آن حضرت

أم يقولون افتريه قل فأتوا بسوره مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۵

۵ خداوند خود گواهی دهنده به حقانیت رسالت پیامبر (ص) و الهی بودن بعثت او

كفى بالله شهيداً بينى و بينكم

<بالله> فاعل برای <كفى> است و حرف <باء> در آن به اصطلاح زائیده و دلالت بر تأکید انتساب فعل به فاعل دارد. قابل ذکر است که گواهی های خداوند بر رسالت پیامبر(ص) بسیار است و آن آیات گوناگون و متعددی است که در آنها تصریح شده که او فرستاده ای از ناحیه خداوند است. و چون قرآن معجزه است و الهی بودن آن برای حق جویان امری روشن می باشد، شهادت خداوند به رسالت پیامبر(ص) ثابت می شود و جمله <كفى بالله...> برهانی تام خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴- عنكبوت - ۲۹ - ۵۲ - ۸

۸- احاطه علمی خداوند بر موجودات جهان ، دلیل کفایت گواهی او برای حقانیت نبوت پیامبر (ص) است .

قل كفى بالله بينى و بينكم شهيداً يعلم ما فى السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹- منافقون - ۶۳ - ۱ - ۷

۷- گواهی اُکید خداوند ، به صدق رسالت پیامبر (ص)

و الله يعلم إتكك لرسوله

مدت نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ -

۳- نوح (ع) به مدت نهصدوپنجاه سال، در میان قوم خود، عهده دار پیامبری بود.

و لقد أرسلنا نوحًا .. فلبث فيهم ألف سنة إلا خمسين عامًا

۱۳- > عن أبي عبد الله (ع) قال: > عاش نوح ألفي سنة و ثلاث مائة سنة . منها ثمانمائة و خمسين سنة ، قبل أن يبعث و ألف سنة إلا خمسين عامًا و هو في قومه يدعوهم و خمس مائة عام بعد ما نزل من السفينه ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده که نوح(ع)، دو هزار و سیصد سال عمر کرد. که هشتصد و پنجاه سال آن، پیش از بعثت او بود و نهصدوپنجاه سال، دورانی بود که در میان قوم خود مشغول دعوت آنها بود و پانصد سال نیز، بعد از آنکه از کشتی پیاده شد، (زندگانی کرد)... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۵

۵- مدت رسالت نهصدوپنجاه ساله نوح (ع) در میان قوم اش، تنها، مربوط به زمان قبل از طوفان است.

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه فلبث فيهم .. فأخذهم الطوفان ... فأنجينه

مدعیان دروغین نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۵،۹

۵ مدعیان دروغی نزول وحی بر خود (متنبیان) ظالمترین مردمانند.

و من أظلم .. أو قال أوحى إلى و لم يوح إليه شيء

۹ ادعای عدم نزول وحی، به دروغ مدعی نبوت شدن و ادعای آوردن مانند برای قرآن، از روشهای

مخالفان برای مبارزه با اسلام و پیامبر(ص) بود.

ما أنزل الله على بشر .. افتري على الله كذبا أو قال أوحى إليّ ... سأنزل مثل ما

مردم صدر اسلام و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ توانایی به ارائه هر گونه معجزه و در هر زمان ، از شرایط پیامبری در دیدگاه ناصواب مردم عصر بعثت

و لقد أرسلنا رسلاً .. و ما كان لرسول أن يأتي بأية إلاّ بإذن الله لكل أجل كتاب

مردم صدر اسلام و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۷

۷ مردم عصر بعثت ، پیامبری فردی از افراد بشر را امری بعید می شمردند .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك و جعلنا لهم أزواجاً و ذرية

مشركان مكه و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۷

۷- مشركان مكه ، مبعوث شدن انسان زوال پذیر را برای نبوت ، قبول نداشتند . *

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لا يبعث الله من يموت

به قرینه آیات قبل که درباره بعثت انبیا و مورد انکار قرار گرفتن آن از سوی مشركان بود احتمال دارد مراد آیه نکته یاد شده باشد؛ یعنی، منظور از <بعثت> برانگیختن برای نبوت باشد نه حشر اخروی.

مشركان مكه و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۵

۵- مشرکان مکه ، نزول وحی به انسان را قبول نداشتند .

و ما أرسلنا من قبلك

إِلَّا رَجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ

آیه در صدد تعریض به مشرکان و جواب گویی به آنان است که طبق قرینه ها و آیات دیگر قرآن کریم (سوره یونس ، آیه ۲) آنها مبعوث شدن انسان را از جانب خداوند برای پیامبری قبول نداشتند. فعل <نوحی> در آیه قرینه و نشانه ای است بر نکته فوق.

مشرکان و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۹

۹- اصل وجود خدا و نیاز به رسالت ، امری پذیرفته شده حتی در بین مشرکان

أَبْعَثَ اللَّهُ بَشْرًا رَسُولًا

از اینکه مشرکان به جای انکار اصل رسالت به استبعاد نبوت بشر پرداختند، می توان استفاده کرد که اصل رسالت و نبوت برای آنان، امری محرز بود.

مغالطه در نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۲

۱۲ خداوند حق پوشان و مغالطه کاران در رسالت پیامبر(ص) را در گمراهی رها می کند.

و للبسنا علیهم ما یلبسون

مقام نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۴ - ۸

۸ - امامت ، مقامی برتر از نبوت *

و إذ ابتلی إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَّهَنَ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۴،۵،۸

۴ کافران، مدعی عدم شایستگی بشر برای احراز مقام رسالت و اختصاص آن به فرشتگان

و لو جعلنه ملکا

۵ خداوند، جز از جنس بشر، پیامبری برای آدمیان قرار نخواهد داد.

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

۸ خداوند، فرشتگان را برای آدمیان به پیامبری

برنمی گزیند.

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

حرف <لو> در مواردی به کار می رود که شرط، امری ممتنع و غیرعملی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۵

۵ خداوند عطا کننده کتاب و منصب قضاوت و نبوت به پیامبران است.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱۳

۱۳ امامت و پیشوایی بر امت ها ، منصبی غیر از نبوت و رسالت است .

و قال موسى لأخيه هرون اخلفني في قومي

جمله <اخلفني في قومي> می رساند که موسی(ع) رسماً هارون را به امامت و رهبری بنی اسرائیل منصوب کرد. اگر پیامبری با امامت و رهبری تفاوتی نداشت نیازی نبود که موسی(ع) هارون را که از پیامبران بود به امامت منصوب کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۵

۵ بشر ، شایسته دستیابی به مقام رسالت و پیامبری است .

و لأقول إني ملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۷

۷ مقام نبوت ، رحمت خاص خداوند به پیامبران است .

و ءاتنی منه رحمه

نکره آوردن <رحمه> دلالت بر عظمت آن دارد که در برداشت از آن به رحمت خاص تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۵

۵- انبیای الهی ، برگزیدگی خویش را از سوی خداوند به مقام پیامبری ، نعمتی بزرگ از سوی او بر خود

می دانستند .

و لکنّ الله یمنّ علی من یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۷

۷- نبوت ، مقامی انتصابی از ناحیه خداوند

و کلاً جعلنا نبیاً

مقام نبوت و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۳

۳- درخواست علامت از خدا برای اطمینان فزون تر ، با مقام پیامبری سازگار است .

قال ربّ اجعل لی ءایه قال ءایتک ألا تکلم الناس

مکذبان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۵ - ۴

۴ - قوم نوح ، منکر حقیقتی به نام رسالت

کذّبت قوم نوح المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمع آمدن واژه <المرسلین> از آن جهت باشد که قوم نوح، اصولاً حقیقتی به عنوان رسالت را قبول نداشتند و این به معنای انکار همه رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۳ - ۴

۴- قوم عاد ، منکر حقیقتی به نام رسالت

کذبت عاد المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که قوم عاد اصولاً حقیقتی به عنوان رسالت را قبول نداشتند. بدیهی است که این امر، به منزله انکار همه پیامبران الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۱ - ۴

۴- ثمودیان ، منکر حقیقتی به نام رسالت

کذبت ثمود المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که نسبت دادن تکذیب همه فرستادگان الهی به ثمود، از آن جهت باشد که آنان اصولاً حقیقتی به

نام <رسالت> را قبول نداشتند و این به منزله انکار همه رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۰ - ۴

۴ - قوم لوط ، منکر حقیقتی به نام رسالت

کذب قوم لوط المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمع آمدن واژه <المرسلین> از آن جهت باشد که قوم لوط، اصولاً حقیقتی به نام رسالت را قبول نداشتند و این به منزله انکار همه رسولان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۶ - ۴

۴ - اصحاب ایکه ، منکر حقیقتی به نام رسالت

کذب أصحاب لیکه المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که نسبت دادن تکذیب همه رسولان به اصحاب ایکه، از آن جهت باشد که آنان اصولاً حقیقتی به عنوان <رسالت> را قبول نداشتند و این امر به منزله انکار همه رسولان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۶ - ۶،۷

۶ - فرعونیان ، مدعی بی سابقه بودن مسأله نبوت در تاریخ گذشته آنان

و ما سمعنا بهذا فی ابائنا الأولین

۷ - دیرینه نداشتن موضوع نبوت در تاریخ گذشته مصر ، دستاویز فرعونیان برای انکار رسالت موسی (ع)

و ما سمعنا بهذا فی ابائنا الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۱

۱- قوم نوح ، نمونه ای عبرت انگیز از اقوام تکذیب کننده وحی و رسالت در طول تاریخ

من الأنباء ما فيه مزدجر .. كذبت قبلهم قوم نوح

با توجه به ارتباط این آیه با آیه

>من أنباء ما فيه مزدجر<، استفاده می شود که بیان کفر قوم نوح، از جمله اخبار هشداردهنده قرآن است.

مکذبان نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۳، ۱، ۶

۱ کسانی که نزول وحی بر بشر و رسالت یافتن او را انکار می کنند، خداوند را، آن گونه که هست، نشناخته اند.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله على بشر

۶ گفتار یهود زمان پیامبر(ص) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر، در تناقض با عقیده آنان در مورد نبوت موسی(ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء قل من أنزل الكتب الذي جاء به موسى

۲۳ نزول تورات دلیلی بر امکان نزول وحی بر پیامبر(ص) و گواهی بر بطلان پندار منکران نزول وحی بر بشر است.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر... قل من أنزل الكتب... قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۲

۲ سران کفرپیشه قوم نوح ، بشر را شایسته رسالت نمی پنداشتند .

فقال الملاء .. ما نريك إلا بشراً مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۷

۷- مشرکان مکه ، مبعوث شدن انسان زوال پذیر را برای نبوت ، قبول نداشتند . *

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لا يبعث الله من يموت

به قرینه آیات قبل که درباره بعثت انبیا و مورد انکار قرار گرفتن آن از سوی مشرکان بود احتمال دارد مراد آیه

نکته یاد شده باشد، یعنی، منظور از <بیعت> برانگیختن برای نبوت باشد نه حشر اخروی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۱

۱- مشرکان مکه، برگزیده شدن نوع بشر برای پیامبری را منکر بودند و آن را امری امکان ناپذیر و ناشدنی تلقی می کردند.

و ما منع الناس .. إلا أن قالوا أبعث الله بشراً رسولاً

<ال> در <الناس> عهد است و با توجه به آیات سابق مراد از آن، مشرکان مکه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۱۰

۱۰- ناسازگاری بشر بودن با دستیابی به مقام نبوت، از دیدگاه مشرکان

هل هذا إلا بشر مثلكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۲

۲- منافات داشتن پیامبری با بشر بودن، پندار باطل مشرکان

هل هذا إلا بشر مثلكم .. ما أرسلنا قبلك إلا رجالاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۷

۷- اعتقاد اشراف قوم نوح، به عدم صلاحیت بشر برای رسالت الهی

فقال الملأؤا .. ما هذا إلا بشر مثلكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۷ - ۱

۱- فرعون و اشراف دربار او ، منکر صلاحیت بشر برای دستیابی به مقام رسالت الهی

فقالوا أنؤمن لبشرین مثلنا

همزه در <أنؤمن> برای استفهام انکاری است. <قوم> به معنای طایفه و <عباده> (مصدر <عابدون>) در این آیه، به معنای خدمت گذاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷ - ۴

۴ در پندار مشرکان ، بشر بودن و همچون مردم عادی زیستن ، ناسازگار با رسیدن به مقام نبوت و دریافت وحی از جانب خداوند

مالِ هذا الرسول يأكل الطعام و یمشی فی الأسواق

برداشت فوق، از اسم استفهام <ما> که در این جا برای اظهار تعجب است استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۶ - ۲

۲ - بشر بودن ، مانع رسالت و پیامبری در دید مردم آیکه

و ما أنت إلا بشر مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۵ - ۲،۳

۲ - مردم انطاکیه ، مسؤولیت پیامبری را در شأن انسان نمی دانستند و او را شایسته تلقی وحی از جانب خداوند نمی انگاشتند .

قالوا ما أنتم إلا بشر مثلنا

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام بیان علل و انگیزه های تکذیب رسولان الهی از جانب مردم است؛ همان طور که به این نکته در ذیل آیه تصریح شده است: <ما أنزل الرحمان من شیء إن أنتم إلا تكذبون>.

۳ - انسان بودن ، دلیل رد رسالت رسولان و نادرستی ادعا های آنان ، در دیدگاه مردم انطاکیه

قالوا ما أنتم إلا بشر مثلنا

مکذبان نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۹

۹- مشرکان مکہ ، نسبت به آسمانی بودن قرآن و رسالت الهی پیامبر (ص) بی اعتقاد بودند .

أو ترقى فى السماء ولن نؤمن لرقيك حتى

تنزل علينا كتبًا نقرؤه

از اینکه آنان، نامه و کتابی را از پیامبر(ص) خواستند که خود از آسمان آورده باشد، حکایت از آن دارد که: قرآن را که به صورت وحی بر آن حضرت نازل می شده است قبول نداشتند.

مکذبان نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۲،۳

۲- فرعون ، معجزات ارائه شده از جانب موسی (ع) را تکذیب کرد و منکر دلالت آنها بر رسالت او شد .

و لقد أرینہ ءایتنا کلہا فکذب

۳- فرعون ، علی رغم مشاهده تمامی معجزات و آیات موسی (ع) ، از پذیرفتن رسالت او امتناع کرد .

و لقد أرینہ ءایتنا کلہا فکذب و أبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۲

۲- شرک و سحر خواندن معجزات موسی و ادعای آوردن همانند برای آن و تکذیب رسالت الهی آن حضرت ، از جمله افترا های فرعونیان به خداوند بود .

لا تفتروا علی اللہ کذبًا

با توجه به آیات پیشین که مشتمل بر بیان توحید از زبان موسی(ع) و نیز ارائه معجزات، و عکس العمل فرعون در سحر خواندن آنها بود، می توان به مواردی از افتراهای فرعونیان اشاره کرد.

ملاک نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۱ - ۲

۲- توانایی مادی و امکانات سرشار دنیوی ، ملاک پیامبری و پیشوایی در دید مشرکان مکه

لن نؤمن لك حتى . . . تكون لك جنة من نخيل و عنب

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که خواسته

مشركان مكه، داشتن مال، مكنت و باغ بوده است نه معجزه اقتراحي.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۴

۴- در نظر مشركان تنها ملائكه ، شايسته رسالت و پيامبري بودند .

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً. قل لو كان في الأرض ملئكة ... لنزلنا عليهم من الس

از پاسخ خداوند در قبال اعجاب مشركان و از گفته آنان (أبعث الله بشراً رسولاً) استفاده مي شود كه آنان، توقع داشتند كه پيامبر(ص) از جنس ملائكه باشد نه از جنس بشر.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۲

۲ - رسالت الهی ، مرتبتي غير قابل دستيابي براي بشر در ديدگاه قوم ثمود

فقالوا أبعثنا منّا وحداً نتبعه

برداشت ياد شده در صورتی است كه گفتار قوم ثمود و انكار آنان، صرفاً جنبه بهانه جویی نداشته؛ بلكه ريشه در باورهای آنان داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۳

۳- قوم ثمود ، براساس ملاك های مادی خود ، معتقد به وجود افرادی شايسته تر از صالح (ع) برای پيامبري

ألقى الذكر عليه من بيننا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۲۹ - ۲

۲ - اهل كتاب ، بر اين باور بودند كه آنان تنها قوم صاحب فضيلت و شايسته نبوت اند .

لئلا يعلم أهل الكتب ألا يقدرون على شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۵

۵ - در بینش کافران ، بشر شایسته

مقام پیامبری ، واسطه ارتباط میان خدا و خلق و هادی برای انسان ها نیست .

فقالوا أبشر يهدوننا فكفروا و تولّوا

ملائکة و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۴

۴ فرشته بودن ، از شرایط احراز مقام نبوت و پیامبری نیست .

و لا أقول إني ملك

منشأ نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۶

۶- رسیدن به مقام نبوت منوط به مشیت الهی است .

و لكنّ الله يمتنّ علی من یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۶

۶- اعطای کتاب آسمانی و مقام نبوت ، به دست خداوند است .

ءاتیني الكتب و جعلني نبیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۷

۷- نبوت ، مقامی انتصابی از ناحیه خداوند

و کلاً جعلنا نبیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶ - ۵

۵ - فرستادن رسولان ، برخاسته از مقام ربوبیت و پروردگاری خداوند

فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱ - ۶

۶ - دریافت حکمت الهی و نیل به مقام رسالت ، موهبتی خدا دادی است ، نه اکتسابی .

فَوَهَّبَ لِي رَبِّي حِكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۹ - ۲،۵

۲ - مقام نبوت ، موهبت خداوند و جلوه ای از رحمت

او است .

أم عندهم خزائن رحمه ربك

مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، درصدد پاسخ گفتن به کافران معترض به انتخاب پیامبر اسلام برای رسالت است. از این رو مقصود از <رحمت> می تواند مقام نبوت و رسالت باشد.

۵- برگزیدن انسانی از میان توده های مردم برای دریافت وحی و رسیدن به پیامبری ، مقتضای ربوبیت خداوند است .

أم عندهم خزائن رحمه ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۱۵

۱۵ - نبوت و رسالت ، تبلور رحمت الهی بر انسان ها

لولا نزل .. أهم يقسمون رحمت ربك ... و رحمت ربك خير مما يجمعون

از آن جا که آیات پیشین در مورد رسالت پیامبر(ص) بوده است، معلوم می شود که مراد از <رحمت ربك> نبوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۰ - ۸

۸ - نبوت و رسالت ، امری برخاسته از مشیت و اراده خداوند است .

و لو نشاء لجعلنا منكم ملئكة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۳

۳ - برگزیدن افرادی از میان مردم به رسالت و پیامبری ، مقتضای ربوبیت خداوند است .

فاجتبيه ربّه

منشأ نبوت ابراهيم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۸ - ۹

۹ - حضرت ابراهیم (ع) ، پیامبری از جانب خداوند بود .

و ما علی الرسول إلاّ البلغ المبین

منشأ نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۰

- ۱۰

خداوند ، بر اساس مشیت خویش ، پیامبران را به پیامبری بر می گزیند و انتخاب می کند .

أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَيَّ مِنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۹

۹ - امور طبیعی ، مجرای عملی شدن اراده خداوند در باره اعطای رسالت به پیامبران است .

إِذْ رَأَىٰ نَارًا .. لَعَلِّي ءَاتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ

کشاندن موسی (ع) به کوه طور که از آیات بعد استفاده می شود با فراهم آوردن مقدماتی طبیعی (از قبیل گم کردن راه، احساس نیاز به آتش و ..)، گویای نکته مذکور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۹

۹ - اتمام حجت و فرستادن پیامبران برای ابلاغ آیات الهی ، مقتضای ربوبیت الهی است .

رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايَاتِكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ - ربوبیت الهی ، مقتضای فرستادن رسول و ارائه دین به بشر ، همراه با دلیل و برهان روشن و اثباتگر

و قد جاءكم بالبينت من ربكم

برداشت یاد شده از آمدن قید <من ربكم> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴ - ۲

۲ - وحی و بعثت پیامبران ، مقتضای مالکیت و ربوبیت بی شریک خدا بر جهان و انسان

كذلك يوحى إليك .. له ما فى السموت و ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٧ - دخان - ٤٤ -

۱- فرستنده قرآن و رسولان، همان پروردگار یگانه آسمان ها و زمین و موجودات است .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ... إِنَّا كُنَّا مَرْسَلِينَ... رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۷ - ۲

۲ - یگانه مالک گنجینه های وجود، دارای اختیار در اعطای رسالت به برگزیدگان خود

أُمُّ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ

از ارتباط آیات که در زمینه اثبات حقانیت رسالت پیامبر(ص) و رد منکران آن است مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ انتخاب پیامبران از میان انسان ها و با ویژگی های انسانی، برخاسته از بصیرت و بینایی همه جانبه خداوند بر احوال و نیاز

های انسان ها

و مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لِيَأْكُلُوا الطَّعَامَ... وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا

منشأ نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۱۷

۱۷ - دستیابی پیامبر (ص)، به منصب رسالت در پرتو برخورداری آن حضرت از ربوبیت ویژه الهی

و رَحْمَتِ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

اضافه <رَبِّ> به کاف خطاب گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱

۱- خداوند ، فرستنده رسول خویش (محمد (ص)) ، با دو ارمغانِ هدایت و دین حق

هو الذى أرسل رسوله بالهدى و دین الحقّ

منکران نبوت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۲

۲ قوم عاد ، رسالت هود را از سوی خداوند ، برای دعوت به توحید و مبارزه با شرک باور نداشتند .

أَجْتَنَّا لِنُعْبَدَ اللَّهَ وَحْدَهُ

استفهام در جمله <أَجْتَنَّا .. > استفهام انکاری ابطالی است. یعنی دلالت می کند که آنچه مورد استفهام واقع شده (مأموریت هود برای دعوت به یکتاپرستی)، بی اساس است و مدعی آن (حضرت هود) دروغگوست.

موانع شک به نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۸ - ۴

۴ - در صورتی که پیامبر (ص) دانش خواندن و نوشتن داشت ، باطل اندیشان ، درباره نبوت او ، به تردید می افتادند .

و ما كنت تتلوا من قبله .. إذا لآرتاب المبطلون

موانع قبول ادعای نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۹ - ۵

۵ - مشخص نبودن پیشینه زندگی شخص ، مانع از پذیرش ادعای او در رابطه با نبوت و وحی

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مَنكْرُونَ

موجبات نبوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ نیکوکاری یوسف (ع) ، مایه رسیدن او به مقام نبوت بود .

ءاتینه حکماً و علماً و كذلك نجزی المحسنین

موسی (ع) قبل از نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۵

۵ - موسی (ع) پیش از نبوت و دریافت وحی نیز ، عارف به خداوند و پذیرای

ربوبیت او بود .

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ .. إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

دو جمله <إِنِّي أَنَا رَبُّكَ> و <إِنِّي أَنَا اللَّهُ> حکایت از آن دارد که موسی(ع) قبلاً این نام ها را می شناخته و بدان اعتقاد داشته است و در کوه طور به تطبیق <رَبِّ> و <اللَّهِ> بر صاحب صدا پی برد.

نبوت آل عمران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۸

۸ نذر مخلصانه همسر عمران ، زمینه برگزیدن آل عمران برای نبوت از سوی خداوند

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى .. إِنْ أَلَّ عِمْرَانٌ ... إِذْ قَالَتْ أَمْرَاتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ

<إِذْ> متعلق به <اصطفی> است ؛ یعنی آنگاه خداوند آل عمران را برگزید که همسر عمران، نذری مخلصانه کرد. و اخلاص، از <لَكَ> استفاده شده است.

نبوت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۴ - ۷

۷ - رسیدن ابراهیم (ع) به مقام امامت ، پس از احراز مقام نبوت بوده است .

قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا

<من ذریتی> دلالت می کند که: ابراهیم(ع) آن هنگام که به مقام امامت رسید، دارای فرزند بوده است و قطعاً ابراهیم(ع) پیش از آن که دارای فرزند شود، به مقام نبوت رسیده بود. بنابراین، نبوت او پیش از امامتش بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۲

۲ ابرهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و فرزندانش ، از انبیا و دریافت کنندگان وحی از جانب خداوند

و ما انزل على ابراهيم .. .

چون <الاسباط> به معنای نوه ها پس از یعقوب ذکر شده است، به نظر می رسد منظور از آن، فرزندان یعقوب باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۴

۴ ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحینا إلی إبرهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئک> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۶

۶ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی شناخته شده برای مردم مصر

واتبع مله ءاباءِ إبرهیم و إسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۱ - ۵

۵- حضرت ابراهیم (ع) از صدیقان و از پیامبران الهی بود .

و اذکر فی الکتب إبرهیم إنه کان صدیقاً نبیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۴

۴- گفت وگوی ابراهیم (ع) با آزر، در زمان نبوت آن حضرت بوده است . *

إِنَّهٗ كَانَ صَدِيقًا نَّبِيًّا . إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ

در باره

<إذ قال .. > چندین احتمال ادبی وجود دارد. ۱ بدل برای <ابراهیم> باشد که در این صورت حکم مفعولٌ به برای <اذکر> در آیه قبل را دارد. ۲ ظرف برای <کان> و یا <نیئاً> باشد. برداشت فوق بر احتمال دوم مبتنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۰

۱۰- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی که از سوی خداوند به آنان وحی می شد .

و أوحینا إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۳ - ۱

۱ - ابراهیم و لوط (ع) ، از پیامبران الهی

و قوم إبرهیم و قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۲۰

۲۰- <سماعه بن مهران قال : قلت لأبی عبد الله (ع) قول الله عزوجلّ > فاصبر كما صبر أولوالعزم من الرسل < فقال : نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد (ص) ... >

سماعه بن مهران می گوید: از امام صادق(ع) درباره آیه <فاصبر كما صبر أولوالعزم من الرسل> سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (ع) و محمد(ص) هستند. <..>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۱،۲

۱ - نوح و ابراهیم (ع) ، از رسولان الهی

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم

۲ - حضرت نوح (ع) ، پیش از حضرت ابراهیم (ع) می زیسته است .

ولقد أرسلنا نوحًا

و ابرهیم

تقدیم ذکری نوح(ع) در آیه شریفه، می تواند برای بیان تقدم زمانی آن حضرت بر حضرت ابراهیم(ع) باشد.

نبوت ادریس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۳

۳- حضرت ادریس (ع) ، از صدیقان و دارای مقام نبوت بود .

إِنَّهٗ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا

نبوت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۲

۲ ابرهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و فرزندانش ، از انبیا و دریافت کنندگان وحی از جانب خداوند

و ما انزل علی ابراهیم . . . و الاسباط

چون <الاسباط> به معنای نوه ها پس از یعقوب ذکر شده است، به نظر می رسد منظور از آن، فرزندان یعقوب باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۴

۴ ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و

مخاطب وحی

و أوحینا إلی ابرهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۵،۶

۵ اسحاق

و یعقوب (ع) ، پیامبرانی پیرو شریعت پدرشان ابراهیم (ع)

واتبعت مله اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

۶ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی شناخته شده برای مردم مصر

واتبعت مله اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۵

۵- اسحاق و یعقوب (ع) ، فرزندان ابراهیم و از پیامبران الهی بودند .

وهبنا له اسحق و یعقوب و کلاً جعلنا نبیاً

اسحاق(ع)، فرزند ابراهیم(ع) بود، ولی یعقوب(ع) به دلیل آیه بیست و هفتم سوره هود (و من وراء اسحاق یعقوب) فرزند اسحاق و نوه ابراهیم(ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۰

۱۰- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی که از سوی خداوند به آنان وحی می شد .

و أوحینا إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۳

۳- اسحاق و یعقوب (ع) از مقام نبوت و کتاب آسمانی ، برخوردار بودند .

و وهبنا له اسحق و یعقوب و جعلنا فی ذریتہ النبؤہ

از مصداق های اتم و اکمل ذریه ابراهیم، اسحاق و یعقوب اند که خداوند به آنها، نبوت و کتاب عطا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - اسحاق (ع) (فرزند ابراهیم (ع)) ، از پیامبران الهی

و بشرنه یاسحق نبیًّا

نبوت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۲

۲ ابرهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و فرزندان ، از انبیا و دریافت کنندگان وحی از جانب خداوند

و ما انزل علی ابراهیم . . . و الاسباط

چون <الاسباط> به معنای نوه ها پس از یعقوب ذکر شده است، به نظر می رسد منظور از آن، فرزندان یعقوب باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۴

۴ ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و

مخاطب وحی

و أوحینا إلی ابرهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت

و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۴ - ۵

۵- صداقت در وعده ، رسالت و نبوت اسماعیل (ع) ، علت گرامی داشت یاد و نام او در قرآن

واذکر فی الکتب إسمعیل إنه کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیاً

نبوت الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت

و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۳ - ۱

۱ - الیاس (ع) ، از رسولان الهی

و إنّ إلیاس لمن المرسلین

نبوت الیسع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۳ - ۸

۸ خداوند با اعطای علم ، ایمان ، اسم اکبر ، میراث علم و آثار علم نبوت به انبیا ، آنان را برگزیده است .

انّ الله اصطفى ادم و نوحاً

امام باقر(ع): ... یا محمد... فانی لم اقطع العلم و الايمان و الاسم الاکبر و میراث العلم و آثار علم النبوه ... من بیوتات الانبیاء الذین کانوا بینک و بین ابیک آدم و ذلک قول الله تبارک و تعالی: <انّ الله اصطفى ادم و ... >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۷

۷ معجزه ، وسیله ایجاد و باور به صدق نبوت پیامبران در انسانها

قد جئتکم بایه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹

۹ ناسازگاری مقام نبوت و دارا بودن کتاب و حکمت ، با دعوت مردم به پرستش خویش

ما کان لبشر .. ثم یقول للناس کونوا عباداً لی من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۲

۲ کتب آسمانی ، نبوت و حکومت پیامبران ، از آیات خداوند

فقد اتینا ال ابرهیم الکتب و الحکمه و اتیناهم ملکاً عظیماً .. ان الذین کفروا با

با توجه به آیه ۵۴ می توان گفت: کتاب، حکمت و ملک عظیم از مصادیق <بآیاتنا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۴ - ۱

۱ حضرت محمد (ص) پیامبر و فرستاده ای از جانب خدا همانند دیگر پیامبران و فرستادگان خدا

و رسلا قد قصصنهم علیک من قبل و رسلا لم نقصصهم علیک

<رسلا> مفعول برای <ارسلنا>ی مقدر می باشد، یعنی و ارسلنا رسلا و این جمله عطف شده به <اوحینا الی .. > بنابراین در تشبیه با آن شریک است. با این تفاوت که لازمه معنای مشبه (انا اوحینا الیک) که رسالت باشد، اراده شده است ؛ یعنی ای پیامبر تو رسول ما هستی چنانچه پیامبران پیشین عهده دار رسالت بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۵ - ۱۰

۱۰ فرستادن پیامبران مقتضای عزتمندی و حکمت خداوند

رسلا مبشرین و منذرین .. و کان الله عزیزاً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۵

منصب قضاوت و نبوت به پیامبران است.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۶

۶ مقام نبوت ، رحمت خاص خداوند به پیامبران

و ءاتنی رحمه من عنده

نکره آوردن <رحمه> دلالت بر عظمت دارد و توصیفش به <من عنده> حاکی از ارجمندی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۰

۱۰ مقام نبوت ، روزی خاص و نیکوی خداوند به پیامبران است .

و رزقنی منه رزقاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۲

۲ رسول اکرم (ص) و سایر پیامبران ، از ناحیه خداوند به رسالت برانگیخته شدند .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۲

۲- تفاوت انبیا با سایر انسان ها ، در دریافت وحی از خدا ، داشتن مقام نبوت و کتاب آسمانی است .

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحی إليهم . . . بالبینت و الزبر

برداشت فوق، بنابراین نکته است که آیه در ادامه معرفی انبیا باشد بدین صورت که: آنان از جنس بشر هستند (و ما أرسلنا من

قبلک إلا رجلاً نوحی إلیهم..) و به آنان وحی می شود و....

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - فرستادگان الهی ، با در دست داشتن وحی الهی در قالب عبارت های قابل تلاوت در میان مردم ،

مبعوث می شدند .

ألم يأتكم رسل منكم يتلون عليكم آيات ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱

۱ - خداوند ، پیش از بعثت پیامبر اسلام (ص) ، رسولانی بسیار فرستاده است .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك

تنکیر <رسلاً> برای بیان تکثیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۳ - ۱

۱ - جوامع و امت های پیشین ، برخوردار از فرستادگان الهی ، با پیام ها و دلایل روشن

فلما جاءتهم رسلهم بالبينت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۱ - ۷

۷ - بعثت رسولان و پیامبران ، یکی از راه های گفتوگوی خداوند با انسان ها

أو يرسل رسلاً

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که فرستادن رسول غیر از وساطت فرشتگان در ابلاغ وحی بوده و <فیوحی> نظر به ابلاغ وحی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶ - ۲

۲ - رسالت پیامبر اکرم (ص) ، در ادامه سنت الهی بر بعثت پیامبران

و کم أرسلنا من نبی

نبوت برادران انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۴

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم .. أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

نبوت بشر

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۴، ۳

۳ بعثت فردی از بشر برای رسالت ، شگفت آور و نامعقول در دیدگاه قوم نوح

أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

۴ اشراف قوم نوح به دلیل نامعقول شمردن پیامبری برای فردی از بشر ، رسالت وی را انکار کردند .

إننا لنرىك في ضلل مبين .. أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۵

۵ بشر ، شایسته دستیابی به مقام رسالت و پیامبری است .

و لأقول إنني ملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۱۸

۱۸- کافران معتقد بودند که آدمیان توان نیل به مقام رسالت را ندارند .

إن أنتم إلا بشر مثلنا

کافران، در پاسخ دعوت انبیا به ایمان، می گفتند: <إن أنتم إلا بشر مثلنا>، و این جواب، حاکی از آن است که آنان به این معتقد بودند که بشر، نمی تواند پیامبر شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۱

۱- انبیا در مقابل اقوام کافر که بشر بودن را با مقام پیامبری منافی می دانستند ، بر بشر بودن خود تأکید می کردند و عدم تنافی آن را با مقام نبوت اعلام می داشتند .

قالوا إن أنتم إلا بشر مثلنا .. قالت لهم رسلهم إن نحن إلا بشر مثلكم و لكننا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳

۱۱ - بعثت رسولی از میان نسل بشر ، پدیده ای نو و بی سابقه در نظر قوم نوح

ما سمعنا بهذا فی ءابائنا الأوّلین

کلمه <هذا> به قرینه <و لو شاء الله لأنزل ملائکه> اشاره دارد به موضوع بعثت رسولی از میان نسل بشر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱ - ۷

۷ - طرح موضوع پیشینه داشتن خط رسالت و بی سابقه نبودن رسالت بشری ، از سوی موسی (ع) برای فرعون

و جعلنی من المرسلین

تعبیر <و جعلنی من المرسلین> (مرا از پیامبران قرارداد) به جای <جعلنی رسولاً> (مرا پیامبر قرار داد) می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

نبوت پدران انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۴

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم .. أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

نبوت خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۶

۶- حصرت خضر ، دارای مقام نبوت بود . *

ءاتینه رحمه من عندنا

بدان احتمال که مراد از <رحمه من عندنا> نبوت باشد. آوردن ضمیر جمع در <عندنا> که حاکی از نقش وسایط در رحمت مورد نظر است و نیز اطلاق <رحمت> بر <نبوت> در برخی آیات دیگر، این احتمال را تأیید می کند.

نبوت خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۴

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم .. أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

نبوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۱۴

۱۴ حضرت داود (ع) از پیامبران پس از نوح (ع) و دارای کتابی از جانب خدا به نام زبور

و ءاتینا داود زبوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۸

۸ حضرت داود (ع) و عیسی (ع) از پیامبران بنی اسرائیل می باشند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئک> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - داوود (ع) ، از سوی خدا مأمور حکومت و داوری میان مردم برپایه حق

إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

نبوت در بنی اسرائیل

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۶ - ۱

۱ - اعطای کتاب آسمانی ، حکومت و نبوت به بنی اسرائیل از سوی خداوند

ءاتینا بنی اسرائیل الکتب و الحکم و النبوه

نبوت در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ - وحی و رسالت ، دارای پیشینه در تاریخ جزیره العرب

أم جاءهم ما لم یأت ءاباءهم الأولین

نبوت در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۶

۶ یوسف (ع) در سن جوانی و برخوردار شدن از رشد ، به مقام نبوت نایل گردید .

و لما بلغ أشده ءاتینه حکمًا و علمًا

برداشت فوق ، بر اساس نظر برخی از مفسران است که <حکم> را به مقام نبوت و <علم> را به دانش شریعت ، تفسیر کرده اند.

نبوت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ یوسف (ع) در سنین کودکی به نبوت رسید . *

و أوحينا إليه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - مريم - ١٩ - ١٢ - ١٤

١٤- > علي بن اسباط قال: رأيت أبا جعفر (ع) ... فقال يا عليّ إنّ الله إحتج في الإمامه بمثل ما احتج به في النبوه فقال : >
و آتيناہ الحکم صبیاً < ... فقد يجوز أن یؤتی الحکمہ و هو صبی ... ;

علي بن اسباط گفت: امام جواد(ع) را دیدم .

.. به من فرمود ای علی همان خداوند احتجاج نموده در مورد امامت به حجتی نظیر آنچه در مورد نبوت احتجاج نموده است، پس فرمود: <و آتیناه الحکم صبیّاً> ... پس روا است که حکمت به کودک هم داده شود...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۱۱، ۱۰، ۴

۴- حضرت عیسی (ع) در خردسالی، خود را بنده خدا، صاحب کتاب آسمانی و پیامبری الهی معرفی کرد.

قال إني عبد الله ءاتيني الكتب و جعلني نبياً

۱۰- < عن يزيد الكناسي قال : سألت أبا جعفر (ع) أكان عيسى بن مريم حين تكلم في المهد حجه الله على أهل زمانه ؟ فقال : كان يومئذ نبياً حجه الله غير مرسل ، أما تسمع لقوله حين قال : < إني عبد الله آتاني الكتاب و جعلني نبياً > . . . فلما بلغ عيسى سبع سنين تكلم بالنبوه والرساله حين أوحى الله تعالى إليه ;

از يزيد کناسی نقل شده که گفت: از امام باقر(ع) سؤال کردم آیا عیسی بن مریم(ع) آن گاه که در گهواره بود حجت خدا بر اهل زمانش بود؟ فرمود: (عیسی(ع)) در آن زمان پیامبر و حجت خدا بود، اما مأموریت رسالت نداشت، آیا سخن او را نمی شنوی آن گاه که گفت: <.. و جعلنی نبیاً> ... پس آن گاه که به هفت سالگی رسید، ابراز نبوت و رسالت کرد، همان هنگام که خدا به او وحی کرد.>.

۱۱- < عن رسول الله (ص) : . . . و هذا عيسى بن مريم (ع) . . . حين أشارت

إليه... قال: إني عبد الله آتاني الكتاب <... أعطى كتاب النبوه وأوصى بالصلاه والزكاه في ثلاثه أيام من مولده و كلمهم في اليوم الثاني من مولده... >

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: .. و این عیسی بن مریم(ع) است که وقتی مریم به او اشاره کرد گفت: <إني عبد الله آتاني الكتاب > ... کتاب نبوت به او داده شد و به نماز و زکات سفارش گردید (و این همه) ظرف سه روز پس از ولادت او بود و در روز دوم ولادت با مردم سخن گفت...>.

نبوت در نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۷ - ۴

۴ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله: < و جعلنا ذرّيته هم الباقين > يقول: بالحقّ و النبوه و الكتاب و الإيمان في عقبه ، و ليس كلّ من في الأرض من بني آدم من ولد نوح (ع) ... >

از امام باقر(ع) [در باره سخن خداوند که می فرماید: <و جعلنا ذرّيته هم الباقين > روایت شده است: خدا می فرماید: ذریه او را با حق و نبوت و کتاب و ایمان باقی قرار دادیم و آن طور نیست که تمام فرزندان آدم که در روی زمین زندگی می کنند از فرزندان نوح(ع) باشند..>.

نبوت در نوزادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۳

۳- حضرت عیسی (ع) در دوران نوزادی ، دارای کتاب الهی و

مقام نبوت بوده است .

ءاتینی الکتب و جعلنی نبیاً

نبوت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۹

۹- > عن أبي جعفر (ع) قال : إنَّ ذالقرنین لم یکن نبیاً و لکنه کان عبداً صالحاً أحبَّ الله فأحبَّه الله و ناصح لله فناصحہ الله .
أمر قومه بتقوی الله فضربوه علی قرنه ، فغاب عنهم زماناً ، ثم رجع إليهم ، فضربوه علی قرنه آخر و فیکم من هو علی سنته ؛

از امام باقر(ع) روایت شده: ذی القرنین، پیامبر نبود و لکن بنده صالحی بود که خدا را دوست داشت، پس خدا نیز او را دوست داشت؛ برای خدا خالصانه عمل می کرد، پس خدا هم خیر او را خواست. او قوم خود را به تقوای خدا امر کرد، آن قوم ضربتی بر قرن او (یعنی یک طرف سر او) وارد کردند، پس، مدّت زمانی را از آن ها پنهان شد، سپس به سوی آنان بازگشت، پس ضربتی به قرن دیگرش (یعنی طرف دیگر سرش) وارد کردند و در میان شما [نیز] کسی وجود دارد که همانگونه خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۴ - ۹

۹- > عن الأصبع بن نباته ، عن أمير المؤمنين (ع) أنه قال : سئل عن ذی القرنین قال : . . . و جعل عزّ ملكه و آیه نبوته فی قرنه . . . و آتاه الله من کلّ شیء علماً يعرف به الحقّ و الباطل . . . و أوحى الله إليه . . .

فقد طويت لك البلاد و ذللت لك العباد فأرهبتهم منك . . . فلم يبلغ مغرب الشمس حتى دان له أهل المشرق والمغرب قال : و ذلك قول الله : < إنا مكنا له في الأرض و آتينا من كل شيء سبباً > ;

از اصبع بن نباته، روایت شده که امیرالمؤمنین (ع) در پاسخ سؤال از ذی القرنین فرمود: . . . (خداوند) قدرت پادشاهی و نشانه نبوت او را در شاخ اش قرار داد ... و از هر چیزی، خداوند، به او دانشی عطا کرد تا به وسیله آن، حق و باطل را بشناسد ... و خدا به او وحی فرمود: ... شهرها را در اختیار تو قرار دادم و بندگان را برای تو رام و دل آنان را از بیم تو پر کردم ... پس هنوز به محل غروب خورشید نرسیده بود که اهل شرق و غرب عالم، تسلیم او شدند. سپس (امیرالمؤمنین) فرمود: و این سخن خداوند است که می فرماید: *إنا مكنا له في الأرض و آتينا من كل شيء سبباً*.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۱

۱۱- ذوالقرنین از پیامبران بود و به مقام دریافت سخن های خداوند نایل شده بود . *

قلنا یذا القرنین

ظاهر کلمه <قلنا> خطاب مستقیم است، گرچه احتمال الهام و یا رساندن پیام به وسیله پیامبری دیگر نیز وجود دارد.

نبوت زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط (ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب

قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۳

۳- زکریا (ع) از مقام نبوت و تلقی وحی ، برخوردار بود .

یزکریا إنا نبشرك بغلم

ظاهر آیه این است که زکریا، خود پیام الهی را دریافت کرده است، نه این که پیام خداوند را پیامبری دیگری دریافت کرده و به زکریا رسانده باشد.

نبوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱

۱ - حضرت سلیمان ، پیامبری دارای سلطنت و حکومت

علی ملک سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۴

۴ ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحینا إلی إبرهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۹

۹ - افتخار سلیمان (ع) به مقام نبوت و رسالت الهی خود و نه مال و قدرت مادی

فما آتین الله خیر ممّا آتیکم

مراد از <ما آتان الله> حقیقتی متفاوت با امکانات مادی است؛ چرا که اولاً دربار سبب نیز از آن امکانات مادی برخوردار بود ثانیاً بجای <خیر> باید می فرمود <ما آتانی الله أكثر ممّا آتاکم>.

نبوت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱

۱ شعیب از

انبیا و فرستادگان الهی

و إلى مدین أھام شعباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۵،۷

۵ شعب (ع)، پیامبری از جانب خداوند و حامل رسالت های متعدد

لقد أبلغتكم رسل ربی

۷ شعب (ع)، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۱

۱ خداوند، موسی (ع) را پس از نوح، هود، صالح، لوط و شعب به پیامبری مبعوث کرد.

ثم بعثنا من بعدهم موسی

مراد از ضمیر در <من بعدهم> پیامبرانی است که داستان‌شان در آیات پیشین مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱

۱ شعب (ع)، از انبیا و فرستادگان الهی است.

و إلى مدین أھام شعباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۸

۸ خداوند، شعب (ع) را از روزی و نعمت خاص و نیکوی خویش بهره مند ساخت و او را به مقام نبوت رسانید.

أرءيتم إن .. رزقني منه رزقاً حسناً

مقصود از <رزقاً حسناً> به مناسبت مورد ، مقام نبوت و پیامبری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۱

۱ - موسی و شعيب (ع) ، از پیامبران الهی

فقد کذبت .. و أصحاب مدین و کذب موسی

اصحاب مدین، قوم شعيب بودند؛ همان طور که در

آیه ۸ سوره <اعراف> آمده است: <وإلى مدین أأخاهم شعیباً...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۱

۱ - شعیب (ع) از پیامبران الهی بود که به شهر مدین فرستاده شد .

و لقد أرسلنا نوحاً و... و إلى مدین أأخاهم شعیباً

نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱

۱ صالح (ع) ، از انبیا و فرستادگان الهی

و إلى ثمود أأخاهم صلحاً

<إلى ثمود> عطف بر <إلى قومه> و <أخاهم> عطف بر <نوحاً> در آیه ۵۹ است، یعنی: أرسلنا إلى ثمود أأخاهم صلحاً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۱، ۶، ۸

۱ صالح (ع) ، از پیامبران الهی

أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۶ اشراف کفرپیشه قوم ثمود برای ایجاد تردید در مؤمنان ، از باور و اطمینان آنان به رسالت صالح پرسش کردند .

قال الملاء... أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۸ مستضعفان مؤمن قوم ثمود با پاسخی قاطع به کفرپیشگان ، ایمان و باور خویش را به صالح و تمامی رسالت های وی اعلان کردند .

أتعلمون... قالوا إنا بما أرسل به مؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۱

۱ خداوند ، موسی (ع) را پس از نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد .

ثم بعثنا من بعدهم موسی

مراد از ضمیر در >من

بعدهم < پیامبرانی است که داستانشان در آیات پیشین مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱

۱ صالح (ع)، از پیامبران و رسولان الهی بود.

و لقد أرسلنا... و إلى ثمود أخاهم صلحاً

<إلى ثمود> عطف بر <إلى قومه> و <أخاهم> عطف بر <نوحاً> در آیه بیست و پنجم است؛ یعنی: لقد أرسلنا إلى ثمود أخاهم صلحاً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۶

۶ خداوند، صالح (ع) را از رحمت ویژه خویش بهره مند ساخت و به مقام نبوت رسانید.

و ءاتنی منه رحمه

مقصود از <رحمه>، به مناسبت مورد، مقام نبوت و پیامبری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۲ - ۴

۴ - نوح، هود و صالح (ع)، از پیامبران الهی

فقد کذبت قبلهم قوم نوح و عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۱

۱ - صالح (ع)، رسول و فرستاده خدا به سوی قوم ثمود

و لقد أرسلنا إلى ثمود... صلحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۳

۳ - قوم ثمود ، براساس ملائک های مادی خود ، معتقد به وجود افرادی شایسته تر از صالح (ع) برای پیامبری

أَلْقَى الذِّكْرَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ -

۱ - حضرت صالح (ع) ، رسول خدا و پیامبر قوم ثمود بود .

فقال لهم رسول الله

ذکر وصف <رسالت> به جای نام صالح(ع) تأکید بر الهی بودن گفته های آن حضرت است.

نبوت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۱۴ ، ۱۰

۱۰ یحیی ، تصدیق کننده و مبلغ رسالت و نبوت عیسی بن مریم (س)

مصدقاً بکلمه من الله

<کلمه الله>، عیسی بن مریم است؛ به دلیل آیه چهل و پنجم از سوره آل عمران.

۱۴ اعتقاد به نبوت عیسی (ع) ، ارزشی برای یحیی

مصدقاً بکلمه من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۶ - ۱

۱ احتجاج بحق نصارا ، با یهود ، درباره اثبات نبوت حضرت عیسی (ع)

حاجبتم فیما لکم به علم

احتجاج نصارا در موردی که علم داشتند، عبارت بود از نبوت حضرت عیسی (ع) که این احتجاج، حق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۳

۳ موسی و عیسی از انبیای الهی و دارای کتاب

و ما أُوتی موسی و عیسی

ظاهراً مراد از <ما أُوتی>، کتاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۵

۵ حضرت عیسی (ع)، فرزند مریم (ع) و رسولی از جانب خداست .

و قولهم إنا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۴

۴ ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحینا إلی إبرهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۸

۸ حضرت عیسی (ع) ، فرزند مریم و پیامبر خداست .

انما المسیح عیسی ابن مریم رسول الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۱

۱ حضرت عیسی (ع) ، فرستاده ای از جانب خدا پس از پیامبران یهود

و ققینا علی ءاثرهم بعیسی ابن مریم

<ققینا> از مصدر <تقفیه> به معنای چیزی را به دنبال چیزی دیگر آوردن است و ضمیر <ءاثرهم> به <النبین> بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۸

۸ حضرت داود (ع) و عیسی (ع) از پیامبران بنی اسرائیل می باشند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا ، یحیی ، عیسی ، الیاس ، اسماعیل ، الیسع ، یونس و لوط (ع) ، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت

و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۳۰ - ۳،۴،۱۱

۳- حضرت عيسى

(ع) در دوران نوزادی، دارای کتاب الهی و مقام نبوت بوده است.

ءاتینی الکتب و جعلنی نبیاً

۴- حضرت عیسی (ع) در خردسالی، خود را بنده خدا، صاحب کتاب آسمانی و پیامبری الهی معرفی کرد.

قال إني عبد الله ءاتيني الکتب و جعلني نبياً

۱۱- > عن رسول الله (ص) :... و هذا عیسی بن مریم (ع) ... حين أشارت إليه ... قال : إني عبد الله آتاني الکتب < .. أعطی کتاب النبوه و أوصی بالصلاه والزکاه فی ثلاثه أيام من مولده و کلمهم فی الیوم الثانی من مولده ... ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: .. و این عیسی بن مریم(ع) است که وقتی مریم به او اشاره کرد گفت: >إني عبد الله آتاني الکتب < ... کتاب نبوت به او داده شد و به نماز و زکات سفارش گردید (و این همه) ظرف سه روز پس از ولادت او بود و در روز دوم ولادت با مردم سخن گفت...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۹ - ۷،۱۲

۷- تنها امتیاز عیسی (ع) بر سایر بنی اسرائیل، برخورداری آن حضرت از نعمت خدادادی نبوت بود.

إن هو إلا عبد أنعمنا علیه

۱۲- عیسی (ع)، پیامبری مبعوث شده برای بنی اسرائیل *

و جعلنه مثلاً لبني إسرائيل

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ذکر <مثلاً لبني اسرائیل> از این باب باشد که عیسی(ع) تنها برای بنی اسرائیل مبعوث شده باشد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۲۰

۲۰- > سماعه بن مهران قال : قلت لأبي عبد الله (ع) قول الله عز وجل > فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل < فقال : نوح و ابراهيم و موسى و عيسى و محمد (ص) ... ;

سماعه بن مهران می گوید: از امام صادق(ع) درباره آیه > فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل < سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (ع) و محمد(ص) هستند.. <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۷ - ۴،۶

۴ - عیسی (ع) ، از پیامبران الهی

و قفینا بعیسی

۶ - بعثت عیسی (ع) ، پس از موسی (ع) و پیامبران بعد از او بوده است .

ثم قفینا علی ءاثرهم برسنا و قفینا بعیسی ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۲

۲ - عیسی (ع) ، پیامبری مبعوث شده برای بنی اسرائیل

بینی إسرائیل إنی رسول الله إلیکم

نبوت فرزندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۴

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذريتهم و إخوانهم .. أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

نبوت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الكتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۱

۱ لوط ، از پیامبران و فرستادگان خداوند

و لوطا إذ قال لقومه

کلمه <لوط> می تواند عطف بر <نوحاً> در آیه ۵۹ باشد ؛ یعنی <و أرسلنا لوطاً>. و نیز می تواند مفعول به برای فعل مقدر <اذکر> باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۱

۱ خداوند ، موسی (ع) را پس از نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد .

ثم بعثنا من بعدهم موسی

مراد از ضمیر در <من بعدهم> پیامبرانی است که داستانشان در آیات پیشین مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۳ - ۱

۱ - ابراهیم و لوط (ع) ، از پیامبران الهی

و قوم ابرهیم و قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۱

۱- لوط (ع)، از پیامبران الهی و ادامه دهنده خط رسالت

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صالحاً .. و لوطاً

کلمه <لوطاً> می تواند عطف به <صالحاً> و به تقدیر <و أرسلنا لوطاً> باشد. هم چنین می تواند مفعول برای فعل محذوف و

به تقدیر <و اذکر لوطاً> باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۱

۱ - حضرت لوط (ع) ، پیامبری فرستاده شده از جانب خداوند

و لقد أرسلنا نوحاً... و إبرهیم... و لوطاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۳ - ۱

۱ - لوط (ع) ، از رسولان الهی

و إنّ لوطاً لمن المرسلین

نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۱

۱۱ - یهودیان ، به خاطر نزول وحی بر پیامبر (ص) و رسالت آن حضرت ، بر او حسادت میورزیدند .

بغیاً أن ینزل الله من فضله علی من یشاء من عباده

عبارت <أن ینزل الله...> به تقدیر <لام> بیانگر علت و منشأ حسادت است و حاصل معنای <أن یکفروا... من عباده>

چنین است: یهودیان به خاطر حسادتشان بر پیامبر(ص)، به قرآن کافر شدند و منشأ حسادتشان این بود که خدا محمد(ص) -

که از نژاد عرب بود - به پیامبری برگزید و به آن حضرت وحی فرستاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۱۴

۱۴ - رسول خدا (ص) فرمود: <انا دعوه ابراهیم قال و هو یرفع القواعد من البیت ربنا و ابعث فیهم رسولا منهم...>

من اجابت شده دعای ابراهیم(ع) هستم. ابراهیم در حالی که پایه های خانه کعبه را بالا می

برد، گفت: پروردگارا! در میان آنان پیامبری از خودشان مبعوث کن ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۹

۹ - اصیغ بن نباته از علی (ع) روایت کرده که آن حضرت درباره آیه <الحق من ربك ...> فرمود: <... الحق من ربك (انك الرسول إليهم) فلا تكونن من الممترين ...>

... تو رسول به سوی آنان هستی، پس هیچ گونه شکی در آن نداشته باش ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۲۰

۲۰ بیان و اظهار نبوت پیامبر اسلام (ص) توسط اهل کتاب پس از بعثت ایشان، پیمان خداوند از آنان

و اذ اخذ الله ميثاق الذين اتوا الكتب لتبيننه للناس ولا تكتمونه

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: انّ الله اخذ ميثاق الذين اتوا الكتاب في محمّد (ص) <لتبيننه للناس> اذا خرج و لا يكتمنونه ...

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۸؛ بحار الانوار، ج ۹، ص ۱۹۲، ح ۳۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۱

۱ خداوند به حضرت محمد (ص) وحی کرد و وی را به پیامبری برانگیخت.

إنا أوحينا إليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۴ - ۱

۱ حضرت محمد (ص) پیامبر و فرستاده ای از جانب خدا همانند دیگر پیامبران و فرستادگان خدا

رسلا قد قصصنهم علیک من قبل و رسلا لم نقصصهم علیک

<رسلا> مفعول برای <ارسلنا>ی مقدر می باشد، یعنی و ارسلنا رسلا و این جمله عطف شده به <اوحینا الی . . .> بنابراین در تشبیه با آن شریک است. با این تفاوت که لازمه معنای مشبه (انا اوحینا الیک) که رسالت باشد، اراده شده است؛ یعنی ای پیامبر تو رسول ما هستی چنانچه پیامبران پیشین عهده دار رسالت بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱

۱ پیامبر (ص) فرستاده ای از جانب خدا به همراه رسالت و معارفی سراسر حق

قد جاءکم الرسول بالحق

در برداشت فوق <باء> در <بالحق> به معنای مصاحبت گرفته شده است و مراد از آن می تواند تعالیم و معارف الهی که همان رسالت پیامبر(ص) است، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۲

۲ پیامبر (ص) ، فرستاده خداوند

قد جاءکم رسولنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۸

۸ حضرت محمد(ص)، دارای کتاب و مقام حکم و قضاوت و نبوت از جانب خداوند است.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه فإن یکفر بها هؤلاء

گر چه در این آیه نام حضرت محمد(ص) به صراحت نیامده، ولی یاد انبیای گذشته و اشاره به مقامات آنان و همچنین سخن از کفر مردم مکه، با لطافتی تمام، اشاره به این دارد که خداوند همان مقامات را به حضرت محمد(ص) نیز عطا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۶،۹

۶ پیامبر اسلام (ص) فرستاده ای از جانب خدا که هرگز نوشتن را آموزش ندید .

الرسول النبى الأُمى

<اُمى> به کسی گفته می شود که نوشتن را نیاموخته است. برخی از اهل لغت نخواندن کتاب را نیز در معنای امی ذکر کرده اند.

۹ تصریح تورات و انجیل به برخوردار بودن پیامبر موعود از مقام رسالت علاوه بر مقام نبوت

الرسول النبى الأُمى الذی یجدونه مکتوبا عندهم فى التوریه و الإنجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۱

۱ ادعای نبوت از سوی حضرت محمد (ص) امری شگفت و باور نکردنی برای مردم عصر بعثت

أکان للناس عجباً أن أوحینا إلی رجل منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۳

۳ بعثت پیامبر اکرم (ص) و نزول قرآن ، از مقتضیات ربوبیت خدا بر انسان ها و در راستای تربیت و رشد آنان است .

أکان للناس عجباً أن أوحینا إلی رجل منهم . . . إن ربکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲ - ۷

۷ محمد (ص) ، پیامبری از ناحیه خداوند

إننى لکم منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۱

۱ پیامبر (ص) فرستاده و رسولی از ناحیه خداوند در میان مردم

أرسلنک فی أمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ -

۲ رسول اکرم (ص) و سایر پیامبران ، از ناحیه خداوند به رسالت برانگیخته شدند .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۱

۱ پیامبر (ص) فرستاده و رسولی از ناحیه خداوند

و يقول الذين كفروا لست مرسلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۶ - ۲

۲- پیامبر اسلام (ص) ، شخصیتی که از جانب خداوند به او وحی می شد .

و لئن شئنا لنذهبن بالذی أوحینا إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۱۴

۱۴- پیامبر (ص) ، انسانی همانند دیگر انسان ها و امتیاز و ویژگی او تنها به رسالت و پیامبری است .

قل سبحان ربی هل کنت إلا بشراً رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۸ - ۴

۴ - > عن أبي جعفر (ع) قال > الذی یراک حین تقوم فی النبوه ... ;

از امام باقر(ع) درباره >الذی یراک حین تقوم< روایت شده که فرمود: [مراد از قیام، قیام] در مسأله نبوت است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- برخورداری پیامبر (ص) از هدایت های قرآن و مقام رسالت ، مقتضی سپاس گذاری او به درگاه الهی و ستایش ذات
خدای یگانه در همه حال

و أن أتلو القرآن .. المنذرین . و قل الحمد لله

آیات

پیشین، در زمینه رسالت پیامبر(ص) بود و نیز آن حضرت مأموریت یافت که بر طریق تلاوت قرآن استوار بماند؛ بنابراین آمدن عبارت "قل الحمد لله" در پی تلاوت آن، مطلب یاد شده را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۸

۸ - پیامبر (ص) فرستاده ای از جانب خداوند

و ما كنت ثاوياً في أهل مدین . . . و لکنّا کنا مرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۰ - ۶،۹،۱۳

۶ - محمد (ص) ، پیامبری از جانب خداوند برای مردم است .

و لکن رسول الله

۹ - پیامبر اکرم (ص) ، دارای مقام رسالت (پیامرسان خدا به مردم) و نبوت (آورنده اخبار غیبی درباره شریعت) بود .

و لکن رسول الله و خاتم النبیین

در تفاوت میان مقام رسالت و نبوت، آمده است: <رسول>، صاحب کتاب است و <نبی>، از خداوند خبر می دهد. و <رسالت> به خداوند اضافه می شود در حالی که <نبوت> چنین نیست. <رسول>، پیام آور و <نبی>، انجام دهنده امر رسالت است (معجم الفروق اللغویه).

۱۳ - آنچه را که خداوند درباره نبوت پیامبر (ص) و ختم آن بیان کرده ، براساس علم و آگاهی همه جانبه او است .

و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شیء علیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۴ - ۶

۶ - خداوند ، برای مشرکان مکه قبل از رسول گرامی اسلام ، پیامبری مبعوث نکرده

بود .

و ما أرسلنا إليهم قبلك من نذير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳ - ۴

۴ - حضرت محمد (ص) ، از رسولان الهی است .

إنّك لمن المرسلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۷

۷ - پیامبر اکرم (ص) ، پیش از نزول وحی با کتاب های آسمانی و مفاهیم قرآن هیچ آشنا نبود .

ما كنت تدري ما الكتاب ولا الایمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۳

۳ - بعثت پیامبر اسلام (ص) ، تحقق اراده الهی به استمرار آیین توحیدی در نسل ابراهیم (ع)

و جعلها كلمه باقيه فی عقبه . . . حتّى جاءهم الحقّ و رسول مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۲۰

۲۰ - > سماعه بن مهران قال : قلت لأبي عبد الله (ع) قول الله عزّوجلّ > فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل < فقال : نوح و

ابراهيم و موسى و عيسى و محمد (ص) . . . ;

سماعه بن مهران می گوید: از امام صادق (ع) درباره آیه > فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل < سؤال کردم، حضرت فرمود:

آنان نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (ع) و محمد (ص) هستند. . . < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- وجود پیامبر (ص) به عنوان فرستاده خدا در میان امت ، مقتضی تبعیت مردم

از آن حضرت و نه تحمیل آرای عمومی بر ایشان

و اعلموا أنّ فيكم رسول الله لو يطيعكم .. لعنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۲

۲ - حضرت محمد (ص)، رسول و فرستاده خداوند است .

ءامنوا بالله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۸ - ۴

۴ - حضرت محمد (ص)، رسول و فرستاده خداوند است .

و الرسول يدعوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱۶

۱۶ - بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن، جلوه ای از رأفت و رحمت خداوند بر خلق

هو الذی ینزل .. و إنّ الله بكم لرءوف رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۲

۲ - حضرت محمد (ص)، رسول خدا و پیام آور او است .

اتّقوا الله و ءامنوا برسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۴

۴ - حضرت محمد (ص) ، رسول خدا و پیام آور از جانب او

و معصیت الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۲

۲ - حضرت محمد (ص) ، رسول خدا و پیام آور از جانب او بود .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳

۱۱ - حضرت محمد (ص) ، رسول خدا و پیام آور از جانب او

و أطيعوا الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۰ - ۳

۳ - حضرت محمد (ص) ، رسول و پیام آور از جانب خداوند

يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۷

۷ - حضرت محمد (ص) ، رسول و پیام آور از جانب خداوند

مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۴

۴ - حضرت محمد (ص) ، رسول خدا و پیام آور از جانب او

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۲ - ۴

۴ - تجلی عزت و حکمت خداوند در بعثت پیامبر (ص)

العزیز الحکیم . هو الذی بعث فی الأمین رسولا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بعثت پیامبر اکرم (ص) و برگزیده شدن آن حضرت از جانب خداوند به نبوت و رسالت ، فضل الهی به ایشان

ذَٰلِكَ فَضْلَ اللَّهِ

در مشارالیه <ذَٰلِكَ> چند احتمال وجود دارد برداشت یاد شده بدان احتمال است که <ذَٰلِكَ> اشاره به بعثت پیامبر اکرم (ص) داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱ - ۶

۶ - حضرت محمد (ص) ، رسول خدا و پیام آور از

جانب او

و الله يعلم انك لرسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۵ - ۴

۴ - حضرت محمد (ص) رسول خدا و پیام آور از جانب او

يستغفر لكم رسول الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۷

۷ - حضرت محمد (ص) رسول خدا و پیام آور از جانب او

على من عند رسول الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۴

۴ - حضرت محمد (ص) و موسی (ع)، از رسولان الهی

إنا أرسلنا إليكم رسولا .. كما أرسلنا إلى فرعون رسولا

نبوت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۸

۱ خداوند بر فرض انتخاب فرشتگان برای پیامبری، آنان را به صورت بشر قرار می داد.

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

۸ خداوند، فرشتگان را برای آدمیان به پیامبری بر نمی گزیند.

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

حرف <لو> در مواردی به کار می رود که شرط، امری ممتنع و غیرعملی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۴

۴- در نظر مشرکان تنها ملائکه ، شایسته رسالت و پیامبری بودند .

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً. قل لو كان في الأرض ملئكة ... لنزلنا عليهم من الس

از پاسخ خداوند در قبال اعجاب مشرکان و از گفته آنان (أبعث الله بشراً رسولاً) استفاده می شود که آنان، توقع داشتند که پیامبر(ص) از جنس

ملائکة باشد نه از جنس بشر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۹

۹ - تنها فرشتگان ، شایسته رسالت الهی در بینش اشراف کافر قوم نوح

و لو شاء الله لأنزل ملئكة

<مشيئه> (مصدر <شاء>) به معنای خواستن و اراده کردن و <إنزال> (مصدر <أنزل>) به معنای فرو فرستادن است.
<ملائكة>، جمع <ملك> (فرشتگان) می باشد، یعنی: <اگر خدا می خواست، قطعاً فرشتگانی فرو می فرستاد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۴ - ۹،۱۱

۹ - پندار باطل قوم عاد و ثمود ، مبنی بر لزوم فرشته بودن رسولان الهی

قالوا لو شاء ربنا لأنزل ملئكة

۱۱ - فرشتگان در دید قوم عاد و ثمود موجوداتی برتر از آدمیان و شایسته تر برای رسالت از جانب خداوند

قالوا لو شاء ربنا لأنزل ملئكة

از این که قوم عاد و ثمود، پیامبران خویش را به واسطه بشر بودن انکار می کردند و نبوت را فقط لایق فرشتگان می دانستند،
مطلب بالا استفاده می شود.

نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۱

۱ - موسی (ع) از پیامبران دارای کتاب و شریعت

و إذ آتینا موسی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۵

۵ - موسی (ع) ، پیامبری مبعوث شده پیش از پیامبر اسلام (ص)

کما سئل موسی من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۳

موسی و عیسی از انبیای الهی و دارای کتاب

و ما اوتی موسی و عیسی

ظاهراً مراد از <ما اوتی>، کتاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون (ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۵

۵ موسی (ع) پیامبری از جانب خداوند برای ارشاد و هدایت فرعون زمان خویش و بزرگان دربار وی

إلی فرعون و ملایه

کلمه <فرعون> عنوان و لقب پادشاهان و حاکمان بزرگ مصر در عصرهای گذشته بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۴ - ۱

۱ موسی پس از بعثت به نبوت با حضور در برابر فرعون و گفتگو با وی، رسالت الهی خویش را به او اعلان کرد.

وقال موسی یفرعون إنی رسول من رب العلمین

کلمه <واو> در <وقال...> بیانگر این است که در قبل از بیان رسالت سخنانی بین موسی و فرعون مبادله شده بود که به سبب دخالت نداشتن آنها در موضوع بحث، بیان نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ هارون همراه و همگام موسی (ع) در ابلاغ رسالت های الهی

رب موسی و هرون

هدف ساحران از یاد

کردن <هارون> در کنار موسی می تواند بدان جهت باشد که وی نیز در ارشاد آنان نقشی بسزا داشته و یا بدان جهت بوده که مبادا فرعون چنین وانمود کند که منظور ساحران از رب موسی، فرعون است. زیرا همگان می دانستند که او برای مدتی سرپرستی موسی (ع) را به عهده گرفته بود. چنانچه گفته است: <الم نربک فینا ولیداً> (شعرا، ۱۸). بنابراین ساحران با یادکردن از هارون در صدد دفع این توهم بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱۲

۱۲ موسی (ع) ، علاوه بر مقام نبوت ، منصب امامت و رهبری سیاسی بنی اسرائیل را نیز عهده دار بود .

و قال موسی لأخیه هرون اخلفنی فی قومی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۶ - ۱

۱ موسی (ع) از پیامبران الهی است .

و لقد أرسلنا موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۱

۱ موسی (ع) از پیامبران دارای کتاب آسمانی است .

و لقد آتینا موسی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱

۱- حضرت موسی (ع) ، همراه با آیات و معجزات متعدد از سوی خداوند برای مردم عصر خویش مبعوث شد .

و لقد أرسلنا موسی بأیتنا أن أخرج قومک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- موسی (ع) از پیامبران دارای شریعت بود

و ءاتینا موسی الکتب

اعطای کتاب مستقل به موسی(ع) نشانگر تعالیمی جدید و شریعتی جدا از شریعتهای سابق است و این حکایت از آن دارد که موسی(ع) دارای شریعت مستقل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۱ - ۶

۶- حضرت موسی (ع) برگزیده خداوند و دارای مقام رسالت و نبوت بود .

إِنَّهٗ كَانَ مَخْلُصًا وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا

فرق <رسول> و <نبی> این است که هر کس رسالت الهی دارد <نبی> نیز می باشد، زیرا <نبی> یعنی دارای خبر، ولی ممکن است کسی نبی باشد، اما به سوی شخصی یا قومی ارسال نشده و حامل رسالت الهی نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳ - ۱۴،۵

۱ - خداوند ، موسی (ع) را به پیامبری برگزید و در وادی طوی او را از انتخاب شدن به رسالت ، آگاه ساخت .

و أَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى

به قرینه <لما یوحی>، اختیار شدن موسی(ع) به معنای گزینش او برای پیامبری و تحمل وحی الهی است.

۴ - خداوند ، موسی (ع) را پس از برگزیدن به پیامبری ، به گوش فرادادن و دریافت وحی فرمان داد .

و أَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى

۵ - سخن خداوند با موسی (ع) در وادی طوی (پای کوه طور) ، به صورت وحی بوده است .

فاستمع لما یوحی

جمله <إِنِّي أَنَا اللَّهُ> (در آیه بعد) بدل برای <ما یوحی> است. بنابراین آنچه در پایین کوه طور با موسی(ع) گفته شده بود، وحی بوده است.

سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۳۶

۳۶ - سپری شدن سال هایی از عمر موسی (ع) در مدین و پیدا کردن شایستگی های لازم برای رسالت ، از جمله نعمت های خداوند به موسی (ع) بود .

و لقد منّا علیک مَرّه أُخری... إذ تمشی أُختک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۲

۲ - ساحران فرعون ، موسی و هارون (ع) را پیامبر خدا دانسته و به آنان ایمان آوردند .

ءامنتم له

تعبیر ساحران در آیه قبل، <آمنا برّ هارون و موسی> بود؛ ولی فرعون در توبیخ خود، آنان را مؤمن به موسی (ع) معرفی کرد. گفتنی است که این نکته گویای تلازم ایمان به <ربّ موسی و هارون> با ایمان به رسالت آن دو در دعوت به ربوبیت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۱،۵

۱- حضرت موسی و هارون (ع) ، دو پیامبر دارای کتاب آسمانی و رسالت مشترک

و لقد ءاتینا موسی و هرون الفرقان و ضیاء و ذکرًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <الفرقان> کتاب آسمانی تورات باشد. بر این اساس دادن کتاب آسمانی به هارون در کنار حضرت موسی (ع)، بیانگر این است که او نیز مانند موسی (ع) در نبوت و دریافت کتاب آسمانی شریک و برابر بود.

۵- حضرت موسی و هارون (ع) ، دو پیامبر برخوردار از حجت و برهان الهی

و لقد ءاتینا موسی و هرون الفرقان

یکی از معانی لغوی <فرقان> حجت

و برهان است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۱

۱ - موسی و شعیب (ع) ، از پیامبران الهی

فقد کذبت .. و أصحاب مدین و کذب موسی

اصحاب مدین، قوم شعیب بودند، همان طور که در آیه ۸ سوره <اعراف> آمده است: <و إلى مدین أخواهم شعیباً..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۵ - ۱

۱ - موسی و هارون (ع) ، دو پیام آور الهی

ثم أرسلنا موسی و أخاه هرون بأیتنا و سلطن مبین

<آیه> (مفرد <آیات>) به معنای نشانه است و <سلطان> مرادف حجت و <مبیین> (از <إبانه>) به معنای روشن و آشکار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۵ - ۱

۱ موسی (ع) ، از پیامبران دارای کتاب (تورات) و شریعت مستقل از جانب خداوند

و لقد ءاتینا موسی الکتب

دریافت کتاب آسمانی، حاکی از دریافت شریعت مستقل و جدا از شریعت سابق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰ - ۲

۲ - قتل مرد قبطی ، قبل از رسیدن موسی (ع) به مقام رسالت بود .

قال فعلتها إذا و أنا من الضالين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد موسی از <و أنا من الضالين> این باشد که او در آن زمان رسول نبوده است. این احتمال با توجه به این که فرعون برای ردّ رسالت او آن را یادآوری کرده است، تقویت می

شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۰ - ۸

۸ - اعطای مقام رسالت از جانب خداوند به موسی (ع) در وادی طور

یموسی لاتخف إني لا يخاف لدي المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، پناه و پشتیبان موسی (ع) از مرحله شیرخوارگی تا رسیدن به مقام رسالت

إِنَّ فرعون . . . يذبح أبناءهم . . . و أوحينا إلى أم موسى أن أرضعيه . . . إنا رادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۹ - ۳

۳ - موسی (ع) ، پیامبری از جانب خداوند ، با بینات و آیات روشن بود .

و لقد جاءهم موسى بالبينات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۳ - ۱

۱ - حضرت موسی (ع) از رسولان الهی بود .

و لقد أرسلنا موسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۲۰

۲۰ - > سماعه بن مهران قال : قلت لأبي عبد الله (ع) قول الله عز وجل > فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل < فقال : نوح و

ابراهیم و موسی و عیسی و محمد (ص) ... ;

سماعه بن مهران می گوید: از امام صادق (ع) درباره آیه <فاصبر كما صبر أولوالعزم من الرسل> سؤال کردم، حضرت فرمود:
آنان نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (ع) و محمد (ص) هستند..<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ذاریات - ۵۱ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - سرگذشت موسی (ع) و رسالت او در هدایت فرعون ، آیتی الهی و درس آموز

و فی موسی إذ أرسلنه إلی فرعون

عبارت <و فی موسی> عطف بر جمله <ترکنا فیها آیه> است ، یعنی ، <و فی قصه موسی آیه> .

۲ - موسی (ع) ، رسول الهی

و فی موسی إذ أرسلنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۷ - ۱

۱ - بعثت موسی (ع) ، آغاز مرحله ای جدید از بعثت پیامبران

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم .. ثم قفینا علی ءاثرهم برسلنا

<ثم> در <ثم قفینا..> چنان که برخی مفسران گفته اند برای تراخی رتبی است نه زمانی. بر این اساس تعبیر <ثم قفینا>، بیانگر شروع مرحله ای جدید از بعثت پیامبران است و با مراحل قبلی (مرحله نوح(ع) تا ابراهیم(ع) و مرحله ابراهیم(ع) به بعد) از نظر اهمیت، متفاوت است. این مرحله با توجه به این که قبل از بعثت حضرت عیسی(ع) و بعد از بعثت نوح و ابراهیم(ع) قرار گرفته باید مرحله ای باشد که با بعثت حضرت موسی آغاز می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۴

۴ - موسی (ع) ، پیامبری مبعوث شده برای بنی اسرائیل

و قد تعلمون أتی رسول الله إلیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۴

۴ - حضرت محمد (ص) و موسی (ع) ، از رسولان

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا... كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا

نبوت نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۶،۷

۶ - اعطای اسحاق و یعقوب (ع) به ابراهیم (ع) و نیز قرار دادن مقام نبوت در نسل آن حضرت ، پاداش دنیوی ابراهیم (ع) از سوی خداوند بود .

و وهبنا له إسحق... و جعلنا فی ذرّيته النبوه... و آتینه أجره فی الدنيا

۷ - ذریه ابراهیم (ع) از مقام نبوت و کتاب آسمانی ، برخوردار بودند .

و جعلنا فی ذرّيته النبوه و الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۳،۴

۳ - تداوم یافتن بعثت پیامبران ، در نسل های پس از نوح و ابراهیم (ع)

و جعلنا فی ذرّيتهما النبوه

۴ - پیامبران مبعوث شده پس از نوح (ع) از ذریه حضرت نوح و پیامبران مبعوث شده پس از ابراهیم (ع) از ذریه حضرت ابراهیم (ع) بودند .

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم و جعلنا فی ذرّيتهما النبوه

نبوت نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۳،۴

۳ - تداوم یافتن بعثت پیامبران ، در نسل های پس از نوح و ابراهیم (ع)

و جعلنا فی ذرّیتهما النبوه

۴- پیامبران مبعوث شده پس از نوح (ع) از ذریه حضرت نوح و پیامبران مبعوث شده پس از ابراهیم (ع) از ذریه حضرت ابراهیم (ع)

(بودند .

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهيم و جعلنا في ذرّيتهما النبوه

نبوت نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۲،۴

۲ خداوند نوح (ع) را به پیامبری برانگیخت و به وی وحی کرد .

كما أوحينا إلى نوح

۴ ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحينا إلى إبرهيم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون (ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

>أولئك< اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱

۱ نوح (ع) ، از رسولان الهی است .

لقد أرسلنا نوحًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۶۱ - ۲

۲ نوح (ع) ، رسولی از جانب خداوند بود .

و لکنی رسول من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱،۵

۱ نوح (ع) ، پیامبری از جانب خداوند و حامل رسالت های متعدد

أبلغکم رسلت ربی

۵ نوح (ع) ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و أنصح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۷

۷ پیامبری نوح (ع) و معارف ارائه شده از سوی وی ، از آیات خداوند

فکذبوه ... و أغرقنا الذین کذبوا بآیتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۱

۱ خداوند ، موسی (ع) را پس از نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد .

ثم بعثنا من بعدهم موسی

مراد از ضمیر در <من بعدهم> پیامبرانی است که داستان‌شان در آیات پیشین مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۳

۳ حضرت نوح (ع) خود را فرستاده خداوند دانسته و اجر و مزد خود را نیز تنها بر عهده او اعلام کرد .

إن کان کبر علیکم مقامی و تذکیری بأیت الله .. فإن تولیتکم فما سألتکم من أجر إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۵ - ۱

۱ نوح (ع) ، از پیامبران و رسولان الهی است .

و لقد أرسلنا نوحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۵

۵ خداوند ، نوح (ع) را از رحمت ویژه خویش بهره مند ساخت و به مقام نبوت رسانید .

ءاتنی رحمه من عنده

مقصود از <رحمه>، به مناسبت مورد، مقام نبوت و پیامبری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲

۴ - نوح ، هود و صالح (ع) ، از پیامبران الهی

فقد کذبت قبلهم قوم نوح و عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۱

۱ - نوح (ع) ، از رسولان الهی بود .

و لقد أرسلنا نوحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۶ - ۱

۱ - نوح (ع) ، پیامبری از نژاد قوم خویش و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم نوح

قید <آخوهم> هم می تواند بیانگر پیوند خویشاوندی نوح(ع) با قومش باشد و هم تعبیر کنایی از اشفاق و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۹ - ۲

۲ - نوح (ع) ، پیامبری برجسته در سلسله پیامبران الهی و دارای مقام رفیع در پیشگاه خداوند

سلم علی نوح فی العلمین

برداشت یاد شده از قید <فی العالمین> برای سلام به دست می آید زیرا در این سوره خداوند سلام و تحیت خود را نسبت به چند پیامبر بزرگ (همچون ابراهیم، موسی و هارون علیهم السلام) نقل فرموده، ولی بدون این قید آورده است مانند: آیه ۱۰۹ (سلام علی ابراهیم) و آیه ۱۲۰ (سلام علی موسی و هارون).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠- > سماعه بن مهران قال : قلت لأبي عبد الله (ع) قول الله عزّوجلّ > فاصبر كما صبر أولواالعزم من الرسل < فقال

: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد (ص) ... ;

سماعه بن مهران می گوید: از امام صادق (ع) درباره آیه <فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل> سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (ع) و محمد (ص) هستند. <..>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۱

۱ - نوح و ابراهیم (ع) ، از رسولان الهی

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱ - ۱

۱ - حضرت نوح (ع) ، از رسولان الهی

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا

نبوت و اشرافیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۲

۲ - منوط دانستن نبوت و رسالت ، به اشرافیت و توانمندی های مادی ، امری نامعقول

لولا نزل .. أهم یقسمون رحمت ربک

از استفهام توییخی <أهم> استفاده می شود که هیچ نوع ارتباطی بین دستیابی به مقام نبوت و برخورداری از امکانات مادی، وجود ندارد.

نبوت و امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۳

۳ در اختیار داشتن همه نعمت های الهی و توان دسترسی به گنجینه های هستی و دانستن غیب ، از لوازم و شرایط پیامبری نیست .

و لأقول لكم عندی خزائن الله و لأعلم الغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱۶

۱۶ - عدم تنافی شکوه و قدرت و امکانات مادی با مقام

نبوت و مراتب عالی معنوی

قال إنّه صرح ممّرد من قواریر

تعبیر <صرح ممّرد من قواریر> بیان گوشه ای از برخورداری ها و حشمت و شوکت سلیمان(ع) است. این در حالی است که او پیامبری بزرگ و دارای جایگاهی ارجمند در مقامات معنوی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۲

۲ - منوط دانستن نبوت و رسالت ، به اشرافیت و توانمندی های مادی ، امری نامعقول

لولا نزل .. اَهم یقسمون رحمت ربّک

از استفهام توییخی <اَهم> استفاده می شود که هیچ نوع ارتباطی بین دستیابی به مقام نبوت و برخورداری از امکانات مادی، وجود ندارد.

نبوت و اندوه بر فراق محبوبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۸

۸ گریستن و اندوهگین شدن در فراق عزیزان و تأسف خوردن بر دوری آنان ، با مقام نبوت ناسازگار نیست .

قال یأسفی علی یوسف وایبضت عیناه من الحزن

نبوت و ترس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۴

۴ - عدم منافات ترس از چیز های هراسناک ، با مقام نبوت *

فأوجس منهم خیفه قالوا لاتخف

نبوت و جهل به مقدرات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ - عدم تنافی مقام نبوت با آگاهی نداشتن از مقدرات الهی نسبت به خویش

فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ

نبوت و عزت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱۶

۱۶ - عدم تنافی شکوه

و قدرت و امکانات مادی با مقام نبوت و مراتب عالی معنوی

قال إِنَّه صرح ممرّد من قوارير

تعبیر <صرح ممرّد من قوارير> بیان گوشه ای از برخورداری ها و حشمت و شوکت سلیمان(ع) است. این در حالی است که او پیامبری بزرگ و دارای جایگاهی ارجمند در مقامات معنوی بود.

نبوت و علم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۳

۳ در اختیار داشتن همه نعمت های الهی و توان دسترسی به گنجینه های هستی و دانستن غیب ، از لوازم و شرایط پیامبری نیست .

و لا أقول لكم عندی خزائن الله و لا أعلم الغیب

نبوت و قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹ - ۵

۵ - قتل نفس و ناسپاسی نعمت ، دو رفتار نامناسب با شأن و ادعای پیامبری در نظر فرعون

و فعلت فعلتک التي فعلت و أنت من الکفرین

به رخ کشیدن قتل نفس و ناسپاسی موسی(ع) از جانب فرعون، می تواند به منظور خدشه دار کردن پیامبری آن حضرت و منافی دانستن مقام نبوت با قتل نفس و ناسپاسی ادا شده باشد. گفتنی است آیه بعد که در آن حضرت موسی(ع) قتل نفس را عملی غیر عمدی و ناخواسته می شمرد مؤید برداشت یاد شده است.

نبوت و قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱۶

۱۶ - عدم تنافی شکوه و قدرت و امکانات مادی با مقام نبوت و مراتب عالی معنوی

قال إنّه صرح ممّرّد من قواریر

تعبیر <صرح ممّرّد من قواریر> بیان گوشه

ای از برخورداری ها و حشمت و شوکت سلیمان(ع) است. این در حالی است که او پیامبری بزرگ و دارای جایگاهی ارجمند در مقامات معنوی بود.

نبوت و کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹ - ۵

۵ - قتل نفس و ناسپاسی نعمت ، دو رفتار نامناسب با شأن و ادعای پیامبری در نظر فرعون

و فعلت فعلتک التي فعلت و أنت من الکفرین

به رخ کشیدن قتل نفس و ناسپاسی موسی(ع) از جانب فرعون، می تواند به منظور خدشه دار کردن پیامبری آن حضرت و منافی دانستن مقام نبوت با قتل نفس و ناسپاسی ادا شده باشد. گفتنی است آیه بعد که در آن حضرت موسی(ع) قتل نفس را عملی غیر عمدی و ناخواسته می شمرد مؤید برداشت یاد شده است.

نبوت و گریه بر فراق محبوبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۸

۸ گریستن و اندوهگین شدن در فراق عزیزان و تأسف خوردن بر دوری آنان ، با مقام نبوت ناسازگار نیست .

قال یأسفی علی یوسف و ابیضت عیناه من الحزن

نبوت و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ توانایی به ارائه هر گونه معجزه و در هر زمان ، از شرایط پیامبری در دیدگاه ناصواب مردم عصر بعثت

و لقد أرسلنا رسلاً .. و ما کان لرسول أن یأتی بأیه إلا یاذن الله لکل أجل کتاب

نبوت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴

۴ ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحینا إلی إبرهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئک> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۳ - ۱،۴

۱- برانگیخته شدن هارون (ع) به نبوت ، موهبت خداوند و پرتوی از رحمت او به موسی (ع) بود .

و وهبنا له من رحمتنا أخاه هرون نبیًا

۴- هارون ، برادر موسی (ع) ، و دارای مقام رفیع نبوت

أخاه هرون نبیًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۲ - ۵

۵- اصالت موسی (ع) در رسالت نسبت به هارون (ع)

و أشركه فی أمری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- هارون (ع) در وادی طوی به مقام نبوت و رسالت برگزیده شد .

هرون أخی . . . و أشركه فی أمری ... قد أتیت سؤلک

چنانچه مراد از <أشركه فی أمری> درخواست نبوت و رسالت برای هارون(ع) باشد، اجابت آن در وادی طوی

انجام پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۲

۲ - ساحران فرعون ، موسی و هارون (ع) را پیامبر خدا دانسته و به آنان ایمان آوردند .

ءامنتم له

تعبیر ساحران در آیه قبل، <آمنا برّ هارون و موسی> بود؛ ولی فرعون در توبیخ خود، آنان را مؤمن به موسی (ع) معرفی کرد. گفتنی است که این نکته گویای تلازم ایمان به <برّ موسی و هارون> با ایمان به رسالت آن دو در دعوت به ربوبیت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۳ - ۷

۷ - هارون (ع) در عین دارا بودن مقام نبوت ، موظف به پیروی از موسی (ع) و فرمان های او بود .

ما منعك .. ألا تتبعن أفعصيت أمری

<ألا تتبعن> خطاب به هارون (ع) و دال بر این نکته است که او در عین نبوت، موظف به پیروی از فرمان های موسی (ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۱،۵

۱- حضرت موسی و هارون (ع) ، دو پیامبر دارای کتاب آسمانی و رسالت مشترک

و لقد ءاتینا موسی و هرون الفرقان و ضیاء و ذکرًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <الفرقان> کتاب آسمانی تورات باشد. بر این اساس دادن کتاب آسمانی به هارون در کنار حضرت موسی (ع)، بیانگر این است که او نیز مانند موسی (ع) در نبوت و دریافت کتاب آسمانی شریک و برابر بود.

۵- حضرت موسی و هارون (ع) ، دو پیامبر

برخوردار از حجت و برهان الهی

و لقد آتینا موسی و هرون الفرقان

یکی از معانی لغوی <فرقان> حجت و برهان است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۵ - ۱

۱ - موسی و هارون (ع) ، دو پیام آور الهی

ثم أرسلنا موسی و أخاه هرون بآیتنا و سلطن مبین

<آیه> (مفرد <آیات>) به معنای نشانه است و <سلطان> مرادف حجت و <مبیین> (از <إبانه>) به معنای روشن و آشکار است.

نبوت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۱

۱ هود ، از انبیا و فرستادگان الهی است .

لقد أرسلنا .. و إلی عاد أخاهم هوداً

<إلی عاد> عطف بر <إلی قومه> و <أخاهم> عطف بر <نوحاً> در آیه ۵۹ است، یعنی: أرسلنا إلی عاد أخاهم هوداً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۷ - ۲،۳

۲ هود ، رسولی از جانب خدا

و لکنی رسول من رب العلمین

۳ هود با استناد به رسالت الهی خود ، خویشتن را از هر گونه سفاهت و کم خردی میرا دانست .

قال يقوم ليس بي سفاهه و لكنى رسول من رب العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۳

۳ هود ، پیامبری از جانب خداوند و حامل رسالت های متعدد

أبلغكم رسلت ربي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۱

۱ خداوند ، موسى (ع) را پس از

نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعيب به پيامبري مبعوث كرد .

ثم بعثنا من بعدهم موسى

مراد از ضمير در <من بعدهم> پيامبراني است كه داستانشان در آيات پيشين مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۱

۱ هود (ع) ، از پيامبران و رسولان الهی است .

و لقد أرسلنا .. و إلى عاد أخاهم هودًا

<إلى عاد> عطف بر <إلى قومه> و <أخاهم> عطف بر <نوحًا> در آيه ۲۵ است؛ يعنى: و لقد أرسلنا إلى عاد أخاهم هودًا.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۲ - ۴

۴ - نوح ، هود و صالح (ع) ، از پيامبران الهی

فقد كذبت قبلهم قوم نوح و عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۴ - ۱

۱ - هود (ع) ، پيامبري از نژاد قوم عاد و داراي پيوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم هود

قيد <أخوهم> می تواند برای بيان پيوند خویشاوندی هود(ع) با قومش و يا تعبیری کنایي از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آن قوم باشد.

نبوت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم -

۲- یحیی (ع) دریافت کننده وحی و دارای شخصیتی ممتاز در پیشگاه خداوند بود .

یحیی خذ الکتب بقوه

در باره این که ندای <یا یحیی> گفته چه کسی بود، دو احتمال وجود دارد: ۱ از جانب خداوند و توسط فرشته وحی؛ ۲ توصیه زکریا به فرزندش یحیی. ظاهر آیه مؤید احتمال اول است. برداشت یاد شده نیز بر همین اساس است.

نبوت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۲

۲ ابرهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و فرزندان ، از انبیا و دریافت کنندگان وحی از جانب خداوند

و ما انزل علی ابراهیم . . . و الاسباط

چون <الاسباط> به معنای نوه ها پس از یعقوب ذکر شده است، به نظر می رسد منظور از آن، فرزندان یعقوب باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۴

۴ ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحینا إلی إبرهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۵،۶

۵ اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی پیرو شریعت پدرشان ابراهیم (ع)

واتبعت مله اباؤی ابرهیم و اسحق و یعقوب

۶ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی شناخته شده برای مردم مصر

واتبعت مله اباؤی ابرهیم و اسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۵

۵- اسحاق و یعقوب (ع) ، فرزندان ابراهیم و از پیامبران الهی بودند .

وهبنا له اسحق و یعقوب و کلاً جعلنا نبیاً

اسحاق(ع)، فرزند ابراهیم(ع) بود، ولی یعقوب(ع) به دلیل آیه بیست و هفتم سوره هود (و من وراء اسحاق یعقوب) فرزند اسحاق و نوه ابراهیم(ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۰

۱۰- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی که از سوی خداوند به آنان وحی می شد .

و أوحینا إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۳

۳- اسحاق و یعقوب (ع) از مقام نبوت و کتاب آسمانی ، برخوردار بودند .

و هبنا له اسحق و یعقوب و جعلنا فی ذرّیته النبوه

از مصداق های اتمّ و اکمل ذریه ابراهیم، اسحاق و یعقوب اند که خداوند به آنها، نبوت و کتاب عطا کرده است.

نبوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از

تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الكتب و الحکم و النبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ یوسف (ع) در سنین کودکی به نبوت رسید . *

و أوحینا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۶

۶ یوسف (ع) در سن جوانی و برخوردار شدن از رشد ، به مقام نبوت نایل گردید .

و لما بلغ أشده آتینه حکمًا و علمًا

برداشت فوق ، بر اساس نظر برخی از مفسران است که <حکم> را به مقام نبوت و <علم> را به دانش شریعت ، تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ > عن الصادق (ع) [فی البرهان الذی رأی یوسف] : انه النبوه المانعه من إرتکاب الفواحش و الحکمه الصارفه عن القبایح ;

از امام صادق(ع) [درباره برهانی که یوسف(ع) دیده] روایت شده: آن برهان نبوت بود که مانع از ارتکاب گناهان می شود و حکمتی که از کارهای زشت باز می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۲

۲- یوسف (ع)، پیامبر مردم مصر پیش از حضرت موسی (ع)

و لقد جاء کم یوسف من قبل

نبوت یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۴

۴ ابراهیم

، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحینا إلی إبرهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۹ - ۱

۱ - یونس (ع) ، از رسولان الهی

و إن یونس لمن المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۵

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۸ - ۱

۱ - تمامی قوم یونس ، پس از رسالت و مأموریت مجدد آن حضرت به سوی آنان ایمان آوردند .

و أرسلنه . . . فآمنوا فمّتعنهم إلی حین

نشانه های نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۶

۶ از دیدگاه برخی مردم در اختیار داشتن خزاین الهی و آگاهی به غیب و فرشته بودن، نشانه پیامبری است.

قل لا أقول لكم عندي خزائن الله ولا أعلم الغيب ولا أقول لكم إني ملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ - دشمنی با کفرپیشگان حق ستیز و پرهیز از تقویت

آنان ، نشانه پیامبری و لازم جدایی ناپذیر آن

و ما كنت ترجوا أن يلقى إليك الكتب . . . فلا تكونن ظهيرا للكافرين

برداشت یاد شده با توجه به تفریح <لاتكونن..> بر صدر آیه به دست می آید.

نشانه های نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۰

۲۰ برداشتن تکالیف شاق ، گسستن زنجیر های جهل و خرافه و زدودن بدعت های دینی از وظایف پیامبر (ص) در انجام رسالت خویش

و يضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

<إصر> به معنای عهد و پیمان سنگین و نیز به هر چیز دشوار و طاقت شکن گفته می شود. در آیه شریفه بدین مناسبت که در مقام بین تشریح احکام از سوی پیامبر(ص) است، مراد از آن تکالیف مشقتباری است که امتهای گذشته بدانها پایبند بوده اند. غُلّ (مفرد اغلال) به معنای طوق و زنجیری است که به گردن و یا دستها بسته می شود و مراد از آن جهل و خرافه و بدعت و مانند اینهاست.

نعمت نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۶،۱۷،۱۹

۱۶ پایداری در دین و حرکت در مسیر انبیای الهی ، شکر نعمت هدایت و رسالت انبیاست .

افاین مات او قتل انقلبتم . . . و سیجزی الله الشاکرین

مراد از <الشاکرین> در این آیه، یا خصوص کسانی است که هرگز مرتد نمی شوند و همچنان پایبند دین الهی هستند، و یا مؤمنان پایدار، مصداق مورد نظر برای <الشاکرین> هستند.

۱۷ واپسگرایی و ارتداد ، کفران نعمت رسالت انبیا و هدایت

الهی است .

و من ینقلب علی عقبیه . . . و سیجزی الله الشاکرین

مفهوم جمله <و سیجزی الله الشاکرین> این است که مرتدان، ناسپاس هستند، و به مناسبت حکم و موضوع، این ناسپاسی در ارتباط با رسالت انبیا و هدایت الهی است.

۱۹ استقامت پیشگان و پایمردان پیکار احد ، شاکران نعمت رسالت پیامبر (ص)

انقلبتم علی اعقابکم . . . و سیجزی الله الشاکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۵، ۲، ۵، ۱

۱ بعثت پیامبر (ص) ، نعمتی بزرگ برای مؤمنان

لقد منّ الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا

فعل <منّ> از مصدر <منّه> به معنای نعمت بزرگ است.

۲ بهره جستن از نعمت بزرگ بعثت انبیا ، در گرو ایمان به آنهاست .

لقد منّ الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا

بعثت رسول اکرم (ص) نعمتی بزرگ برای همه انسانهاست ؛ بنابراین ذکر خصوص مؤمنان بدان جهت است که بهره گیری از آن نعمت بزرگ، مشروط به ایمان به اوست.

۵ برخاستن انبیا از میان مردم و از جنس آنان بودن ، نعمتی برای انسانها

لقد منّ الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم

جمله <منّ الله> علاوه بر بیان نعمت بودن اصل بعثت، بر نعمت بودن هر یک از قیده‌های مذکور در آیه نیز دلالت دارد که از جمله آنها، از میان مردم و از جنس آنان بودن است.

۱۵ یادآوری وضعیّت نابهنجار (گمراهی آشکار) مردم پیش از بعثت ، برانگیزنده توجّه و قدردانی از نعمت بزرگ رسالت پیامبر (ص)

لقد منّ الله . . . و ان كانوا من قبل

جمله <ان کانوا .. > به منزله دلیل است برای بزرگی نعمت رسالت. یعنی روشن است که پیش از بعثت پیامبر (ص) در چه منجلابی از گمراهی و ضلالت فرو رفته بودید و این پیامبر (ص) و تعالیم قرآنی بود که شما را هدایت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۵،۷

۵- انبیای الهی، برگزیدگی خویش را از سوی خداوند به مقام پیامبری، نعمتی بزرگ از سوی او بر خود می دانستند.

و لکنّ الله یمنّ علی من یشاء من عباده

۷- مقام پیامبری، موهبت و نعمتی بزرگ از سوی خداوند برای بندگانی خاص است.

و لکنّ الله یمنّ علی من یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۶

۶- پیامبری، موهبتی است الهی که خداوند، به پیامبران اعطا کرده است.

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجلاً نوحی إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۹ - ۲

۲ - مقام نبوت، موهبت خداوند و جلوه ای از رحمت او است.

أم عندهم خزائن رحمة ربّک

مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، درصدد پاسخ گفتن به کافران معترض به انتخاب پیامبر اسلام برای رسالت است. از این رو مقصود از <رحمت> می تواند مقام نبوت و رسالت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۹ - ۵،۷

۵- نبوت ، مرتبتی والا و از نعمت های ارجمند خدادادی است .

إن هو

إِلَّا عَبْد أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ

مراد از نعمت در <أنعمنا> ممکن است خصوص نبوت باشد.

۷- تنها امتیاز عیسی (ع) بر سایر بنی اسرائیل، برخورداری آن حضرت از نعمت خدادادی نبوت بود.

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْد أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۶ - ۶

۶- برخورداری از حکومت الهی، موهبتی والا همچون برخورداری از کتاب آسمانی و نبوت

و لَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَ وَالنَّبِيَّ

در صورتی که <الحکم> نظر به حکومت داشته باشد؛ از این که در زمره کتاب و نبوت به عنوان موهبتی الهی برای بنی اسرائیل معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲ - ۳

۳- برخورداری پیامبر (ص)، از نعمت نبوت و عقل

مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ

واژه <جنون>، قرینه است بر این که نعمت اعطایی به پیامبر(ص) <عقل> است و برخی از مفسران آن را نعمت <نبوت> دانسته اند؛ چنان که در آیه ۱۶۴ سوره <آل عمران> بدان اشاره شده است: <لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ..>.

نعمت نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۴

۴- بعثت نوح (ع)، نعمت الهی برای قومش

لمن كان كفر

از اینکه تکذیب نوح(ع) از سوی قومش کفران خوانده شده برداشت بالا استفاده می شود.

نفرت از نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ -

۸- نفرت شدید مشرکان از بعثت رسول اکرم (ص)، به رغم سوگند مؤکد قبلی خود مبنی بر ایمان به پیامبر برخاسته از میان نژاد آنان

و أقسموا بالله .. فلما جاءهم نذير ما زادهم إلا نفورًا

نقش نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ - وحی و رسالت، برنامه کامل هدایت و در راستای رشد و تعالی بشر

و لقد جاءهم من ربهم الهدى

بنابراین که <الهدی> اشاره به وحی و رسالت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

وحی و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۶

۶- دریافت وحی الهی، لازمه منصب رسالت

و ما أرسلنا .. نوحی إليهم

وضوح دلایل نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۹ - ۶

۶- ادعای رسالت، باید همراه با دلایل روشن و قانع کننده باشد.

إني لكم رسول أمين .. إني آتاكم بسلطن مبین

وضوح دلایل نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۲

۲ - ساحران مؤمن ، برتری دادن فرعون بر خداوند و بهادادن به تهدیدات او در برابر دلایل روشن موسی (ع) را ، به کلی منتفی دانسته و ثبات و استحکام ایمان خود را نشان دادند .

قالوا لن نؤثرک علی ما جاءنا من البینت والذی فطرنا

وضوح نبوت محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ -

۸ رسالت پیامبر (ص)، از پیام های متقن، روشن و اساسی قرآن

کتاب اُحکمت ءآیته ثم فصلت .. . اینی لکم منه نذیر و بشیر

جمله <اینی لکم منه .. .> نیز همانند <لاتعبدوا...> تفسیر <کتاب اُحکمت ...> می باشد، یعنی، از پیامهای این کتاب، رسالت و نبوت پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۷

۷ - پیامبری محمد (ص)، امری شناخته شده برای همه مردم در مدینه بود.

و إذ یقول المنفقون .. . هذا ما وعدنا الله ورسوله

وعده نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۱

۱۱ - برگزیدن موسی (ع) برای مقام رسالت، وعده الهی به مادرش جهت آرام بخشیدن خاطر وی

و لاتخافی و لاتحزنی .. . و جاعلوه من المرسلین

ویژگیهای نبوت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۱

۱ - رسالت عیسی (ع)، متکی به ادله و براهین آشکار

و لَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ

<بیّنات> (جمع <بیّنه>) به معنای دلایل و حجت های روشن و آشکار است.

یهود و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۴،۶

۴ یهود به سبب انکار رسالت پیامبر(ص) منکر نزول هرگونه وحی بر افراد بشر شدند.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء

۶ گفتار یهود زمان پیامبر(ص) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر،

در تناقض با عقیده آنان در مورد نبوت موسی(ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء قل من أنزل الكتب الذي جاء به موسى

يهود و نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۵

۵ - یهودیان ، پیش از بعثت ، به نازل شدن قرآن و مبعوث شدن پیامبر (ص) آگاهی داشتند .

و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۳

۱۳ - یهودیان ، معترض به خداوند به خاطر گزینش رسول اکرم (ص) به پیامبری و نازل کردن وحی بر آن حضرت

بغياً أن ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده

از اینکه قرآن در بیان ریشه حسادت یهود (آن ينزل ..) به دو چیز اشاره کرده است (پیامبری رسول اکرم (ص) و اینکه خدا این مقام را به او عطا کرده) می توان چنین نتیجه گرفت که یهودیان علاوه بر حسادتشان بر رسول اکرم(ص) به خداوند نیز به سبب اعطای این مقام، معترض بودند.

يهود و نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۶

۶ گفتار یهود زمان پیامبر(ص) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر، در تناقض با عقیده آنان در مورد نبوت موسی(ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء قل من أنزل الكتب الذي جاء به موسى

نبی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نبی

آخرین نبی

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۰ - ۷

۷ - پیامبر اکرم (ص) خاتم پیامبران است .

و لکن رسول الله و خاتم النبیین

اولین نبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۲

۲ - نوح ، نخستین فرستاده خدا به سوی جامعه بشری

و لقد أرسلنا نوحًا إلی قومه

با توجه به این که در آیات پیشین، بحث با چگونگی خلقت انسان شروع شده بود و در ادامه آن، به اسرار نهفته در موجودات طبیعت اشاره گشته بود، ذکر حضرت نوح(ع) به عنوان فرستاده خدا به سوی خلق، می تواند رساننده مطلب بالا باشد.

اولین نبی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۴ - ۶

۶ - خداوند ، برای مشرکان مکه قبل از رسول گرامی اسلام ، پیامبری مبعوث نکرده بود .

و ما أرسلنا إلیهم قبلک من نذیر

اولین نبی سرزمین مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۸

۸ - رسول خدا (ص) ، نخستین پیامبر مبعوث شده در سرزمین مکه

لتندر قومًا ما أتاهم من نذير من قبلك

مراد از <قوماً> مردم سرزمین مکه است و <ما> در <ما أتاهم> نافیه می باشد، یعنی، مردمی که پیش از تو برای آنان هشدار دهنده ای مبعوث نشده است.

مراد از نبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۴ - ۱۳

۱۳- > عن زراره قال : سألت أبا جعفر (ع) عن قول الله

عَزَّوَجَلَّ : > و كان رسولاً- نبياً < ما الرسول و ما النبى؟ قال : النبى الذى يرى فى منامه و يسمع الصوت و لا يعاين الملك و الرسول الذى يسمع الصوت و يرى فى المنام و يعاين الملك ;
مشاهده مى کند.<

نجات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{نجات}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۱۹،۲۰

۱۹ نقش دعا در تحقق وعده های الهی و رهایی از خذلان در آخرت

رَبَّنَا و اتنا ما وعدتنا على رسلك و لا تخزنا يوم القيمة

اگر دعا در تحقق وعده های الهی تأثیر نداشت، خداوند آن را به عنوان ویژگی مؤمنان خردمند نقل نمی کرد.

۲۰ ایمان ، زمینه تحقق نوید های الهی به خردمندان و رهایی از خواری و خذلان اخروی

فامناً ربَّنَا .. ربَّنَا و اتنا ما وعدتنا على رسلك و لا تخزنا يوم القيمة

با توجه به اینکه <اتنا> عطف است بر <اغفر لنا>، در جمله <فامناً ربَّنَا فاغفر لنا>، معلوم می شود که خردمندان انتظار برآورده شدن دعا و خواست خویش را، بر ایمانشان به ربوبیت خداوند مترتب ساختند.

آثار نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۷ - ۴

۴- سعادت واقعی ، تنها در پرتو رهایی از دوزخ و ره یابی به بهشت میسر است .

و وقهم عذاب الجحيم .. ذلك هو الفوز العظيم

آثار نجات از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- انسان ها پس از رهایی از خطر های مرگ آفرین ، خدا را

فراموش می کنند و از حق روی گردان می شوند .

فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ

۱۰- غفلت از یاد خدا در پی نجات از خطرات ، برخاسته از خصلت حق ناشناسی شدید انسان است .

فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا

جمله <و كان الإنسان كفوراً> که بیانگر یک خصلت عام همه انسانهاست به منزله تعلیل برای مطالب قبل است.

آثار نجات از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۵

۵ آدمی پس از نجات از شداید، علی رغم پیمان عدم شرک و سپاسگزاری از خداوند، پیمان شکنی می کند و مجدداً شرک میوزد.

لئن أنجنا .. قل الله ينجيكم ... ثم أنتم تشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۶

۶- انسان ها پس از رهایی از خطر های مرگ آفرین ، خدا را فراموش می کنند و از حق روی گردان می شوند .

فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۱،۱۲

۱۱ - گروهی از مردم ، به هنگام برخورداری از رفاه و آسایش و رهیدن از خطرات و سختی ها ، ناسپاسی می کنند و شرک میوزند .

و إذا مسّ الناس ضرّ .. ثم إذا أذاقهم ... إذا فریق منهم برّهم یشركون

۱۲ - برخی از مشرکان ، به رغم رویکرد به خدا ، به هنگام ابتلا به ناملایمات و سختی ها ، به محض احساس رهایی از آن و

دست يابی به اندک آسایش ، شرک

ربوبی پیدا می کنند .

و إذا مسّ الناس ضرّاً دعوا ربّهم . . . ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه إذا فریق منهم برّبهم

تعبیر <أذاق> که به معنای <چشانند> است و معمولاً، برای <خوردن کم> به کار می رود به جای <برخوردار کردن> و <عطا کردن> و امثال آنها و نیز تنوین تنکیر <رحمه> که دلالت بر قلّت می کند، حکایت از دست یابی به رفاه اندک دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۶

۱۶ - رهایی از گرفتاری و برخورداری از نعمت آسودگی ، زمینه شرکورزی و مؤثر دانستن غیر خدا در وضعیت خویش

إذا خوّله نعمه منه . . . و جعل لله أنداداً

آثار نجات از ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۸

۸- رهایی از ستم و دستیابی امت ها به پیروزی ، مقدمه آزمون آنان از سوی خداوند

و لقد نجّينا بني إسرائيل . . . ما فيه بلّوا مبین

از ترتب آزمایش بر آزادی بنی اسرائیل، مطلب بالا استفاده می شود.

آثار نجات از هواپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱۸

۱۸ - رهایی از هوای نفس ، از میان برنده روحیه طغیان گری است .

فأما من طغى . . . و أما من ... و نهى النفس عن الهوى

آثار نجات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۹ - ۲

۲ - هلاک شرک پیشگان مفسد و نجات مؤمنان به اراده الهی و در سایه

تلاش های پیامبران ، شایان سپاس گزاری به درگاه خدا و فرستادن درود و سلام بر فرستادگان او

قل الحمد لله و سلم على عباده الذين اصطفى

رهنمود الهی به حمد و ستایش برای او و فرستادن درود و سلام بر بندگان برگزیده اش (پیامبران)، در پی یادآوری مکرر نجات مؤمنان و هلاکت کافران، مطلب یاد شده را افاده می کند.

آرزوی نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۳

۳ - دوزخیان ، آرزومند رهایی از دوزخ و متعهد به صلاح و ایمان ، در صورت بازگشت به دنیا

ربنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنا ظلمون

آرزوی نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۳،۹

۳ - دوزخیان ، عاجزانه در تمنای مرگ و نابودی ، برای رهایی یافتن از عذاب

كانوا هم الظلمين . و نادوا يملكك ليقض علينا ربك

۹ - تمنای دوزخیان برای رهایی از عذاب ، تمنایی بی جا و غیر قابل پذیرش

و نادوا .. إنکم مکتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۳

۳ - مجرمان در روز محشر ، آرزومند نجات خویش از عذاب الهی با پرداخت فدیة

يوذ المجرم لويفتدى من عذاب يومئذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۵ - ۱

۱ - نجات مجرمان با پرداخت فدیة از عذاب الهی در قیامت هر چند بسیار و نامحدود آرزویی واهی و ناممکن است .

یوّد المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ ببینه .

.. کلا

ابزار نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۶

۶- امکانات پاکیزه و ارزشمند زندگی دنیا، وسیله راه یابی به درجات عالی و رهایی از دوزخ

أذهبتم طیبتکم فی حیاتکم الدنیا

مفاد آیه این است که پس از عرضه کردن کافران به آتش، به آنان گفته می شود که امکانات ارزنده را نابود ساختید؛ در حالی که اگر از آن پاکی ها به درستی بهره می جستید، اکنون دوزخی نبودید.

ابزار نجات پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۸

۸ نجات نوح (ع) و مؤمنان به او، در گرو ساخت کشتی بود.

واصنع الفلک .. . إنهم مغرقون

ابزار نجات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۸

۸ نجات نوح (ع) و مؤمنان به او، در گرو ساخت کشتی بود.

واصنع الفلک .. . إنهم مغرقون

اخلاص و نجات از مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۵- قصد قربت با قصد رهایی از ناملايمات اجتماعي منافاتي ندارد .

إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا

مریم(س) به منظور عذر آوردن نزد مردم برای سکوت خویش، روزه را نذر کرد، ولی با جمله <إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ> نذر خود را وسیله تقرب به خدا قرار داد.

ارزش نجات از زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۰

ارزش اعاده حیثیت و شرف بیش از ارزش رهایی از زندان و نجات از دشواری ها و مشکلات ، در بینش یوسف (ع)

فلما جاء الرسول قال ارجع إلی ربك فسله ما بال النسوه

ارزش نجات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۱۳

۱۳ رهاسازی انسان ها از اسارت نظام های فسادگر و غیر توحیدی ، ارزشی الهی

فأرسل معی بنی اسرائیل

استبعاد نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۱

۱ - راه خروج از آتش جهنم ، بر دوزخیان بسته خواهد بود .

إنها علیهم مؤصده

<وصیده> به اتاقی گفته می شود که برای نگه داری اموال، در کوه ایجاد می کنند. فعل <آصده> یعنی، درب آن را بستم و محکم ساختم (مفردات)؛ بنابراین <مؤصده>، به معنای مکان بسته و غیر قابل خروج است.

استحاله نجات محتضر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۳ - ۳

۳ - تلاش برای نجات محتضر از مرگ ، هنگامی که جاننش به گلو رسیده باشد ، ناموفق و بی ثمر است .

فلولا إذا بلغت الحلقوم

<فلولا> تحضیضیه در آیه شریفه، برای تعجیز و بیان ناتوانی انسان از نجات دادن شخص محتضر از مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۴ - ۱

۱ - افراد حاضر در کنار محضر ، تنها نظاره گر جان کندن و ناتوانی از نجات وی از مرگ

فلولا إذا بلغت الحلقوم . و أنتم حينئذ تنظرون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۷ - ۱

۱ - نجات دادن محتضر از مرگ ، هنگامی که جانش به گلو رسیده باشد ، امری غیرممکن است .

فلولا إذا بلغت الحلقوم .. ترجعونها إن كنتم صدقین

امتحان با نجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۸،۲۰

۱۸ - آزمایش بندگان ، جلوه ربوبیت الهی نسبت به آنان است .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

۲۰ - آزمایش های خداوند از بندگان دارای مراتب است .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

امکان عذاب نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۳

۳ - امکان بازگشت دوباره نجات یافتگان از خطر دریا به آن و گرفتار شدن به طوفان دریایی و غرق شدن

أم أمتتم أن یعیدکم فیہ تاره آخری

انذار نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۱

۱ - هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطرات و مشکلات ، به دچار شدن به خطرات و مهلکه های دیگر

فلما نَجِّكم إلى البرِّ أعرَضتم .. أفأمتم أن يخسف بكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۱

۱- هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطر ، به دچار آمدن در همان مهلکه

أم أمتم أن یعیدکم فیہ تارہ آخری

اهمیت نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۶

برنامه ها و قوانینی رشید و بالنده اند که مایه سعادت اخروی آدمیان و باعث نجات آنان از آتش دوزخ باشند .

و ما أمر فرعون برشید. يقدم قومه يوم القيمة فأوردهم النار

اهمیت نجات از دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۹

۹ رها شدن از فتنه های دشمن ، دارای مصلحتی بیشتر و مهمتر از انجام کامل نماز

فليس عليكم جناح ان تقصروا من الصلوه ان خفتم ان يفتنكم الذين كفروا

اهمیت نجات از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۴

۴ جواز استمداد از کافران برای رهایی از مشکلات و تنگناها *

اذکرنی عند ربک

ظاهر این است که هم بند یوسف(ع) هنگام آزاد شدن از زندان موحد نشده و اظهار ایمان نکرده بود، و گرنه قرآن از آن یاد می کرد. بنابراین وی به هنگامی که یوسف(ع) از او تقاضا کرد ، کافر بود.

اهمیت نجات از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۱

۱ جنگ مسلمانان با مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، به منظور نجات آنان از آیین شرک و بازگشت به توحید و اسلام ، بود

إن تابوا و اقاموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

برداشت فوق از تفریع جمله <إن تابوا .. > بر الغای صلحنامه و اعلام جنگ با مشرکان پیمان شکن (کیف یکون للمشرکین

عهد ...) استفاده می شود. قابل ذکر است که <توبه> (مصدر تابوا) به معنای بازگشتن است ؛ یعنی، اگر مشرکان به

اسلام و توحید بازگردند و

اهمیت نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۱ - ۱،۲

۱ - نجات از عذاب الهی و دستیابی به زندگی جاودانه بهشتی و رستگاری بزرگ ، سزاوار هر گونه عمل و تلاش است .

و ما نحن بمعذبين . إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ . لمثل هذا فليعمل العملون

<لام> در <لمثل> برای تعلیل و <هذا> اشاره به مضامین آیات گذشته است که درباره رهایی از عذاب الهی و نیل به بهشت جاودان بود.

۲ - رهایی از عذاب الهی و دستیابی به حیات جاودانه بهشتی (رستگاری بزرگ) ، تنها هدف شایسته برای هر گونه سعی و تلاش در زندگی آدمی

لمثل هذا فليعمل العملون

از تقدم جار و مجرور (لمثل) بر عامل خود (فليعمل) که مفید حصر است برداشت یاد شده به دست می آید.

اهمیت نجات از عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۴

۴ - ناچیز و بی ارزش بودن ثروت ها و خوشی های دنیا ، در مقابل رهایی از عذاب قیامت

و لو أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ .. لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۴۳

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - مجرمان در قیامت ، برای رهایی خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همسران خویش اند .

و صحبت

۲ - مجرمان در عرصه

محشر ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن برادران خویش اند .

و أخیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۳ - ۱

۱ - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن بستگان نزدیک خویش اند .

و فصیلة الّتی تویه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همه انسان های کره زمین اند .

و من فی الأرض جمیعاً

۲ - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همه محبوب ها و خلائق زمینی اند (انس ، جن و ..) .

و من فی الأرض جمیعاً ثمّ ینجیه

<من> برای مطلق موجودات شعورمند وضع شده است و برداشت یاد شده، مبتنی بر همین وضع اصلی است.

اهمیت نجات از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۵

۵- هجرت ، حرکتی است در جهت حفظ ایمان و رهایی از محیط جبر و حاکمیت کفر .

هاجروا من بعد ما فتنوا

با توجه به ارتباطی که میان این آیه و آیه <من کفر بالله من بعد ایمانه إلاّ من أکره ..> وجود دارد که می نمایاند در شرایط دشوار تقیه امری جایز است، اما انسان نباید برای همیشه به اظهار ظاهری کفر تن در دهد؛ بلکه در صورت امکان باید محیط

کفر را ترک نماید، برداشت فوق به دست

می آید.

اهمیت نجات اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۳ - ۷

۷ - پرداخت وجه مورد نیاز اسیران و زندانیان برای آزادسازی آنان ، گامی بلند و انفاق سنگین است .

ما العقبه . فکّ رقبه

آزاد سازی بردگان، مصداق آشکار <فکّ رقبه> است؛ ولی تنها مصداق آن نیست. بنابراین رها سازی هر شخص در بندی، می تواند مراد آیه باشد.

اهمیت نجات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۵

۵ - نجات و رستگاری مردم ، هدف و محور تمامی تلاش های ارشادی ، سیاسی و اجتماعی مؤمن آل فرعون

و قال رجل مؤمن من آل فرعون یکتّم ایمنه . . . و یقوم مالی أَدعوکم إلی النجوه

اهمیت نجات بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۴

۴ نوح (ع) ، فرزندش را از بی ثمر بودن صعود بر کوه و منحصر بودن راه نجات در بهره جستن از امداد الهی ، آگاه ساخت .

لاعاصم الیوم من أمر الله إلا من رحم

اهمیت نجات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - رهانیدن بنی اسرائیل از سلطه و ستم فرعونى ، در رأس اهداف موسى (ع) و هارون (ع) قرار داشت .

أن ائت القوم الظلمين .. فأتيا فرعون فقولا... أن أرسل معنا بنى إسرائيل

مقصود از <إرسال> (فرستادن) در این جا آزاد کردن و رها ساختن بنی اسرائیل است.

بنابراین از آیه یاد شده استفاده می شود که اساسی ترین مأموریت موسی(ع) این بود که بنی اسرائیل را از سرزمین فرعونیان خارج کند و آنان را از بند اسارت و بردگی مصریان آزاد سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۲

۲ - نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان، مهم ترین و برجسته ترین نعمت و احسان خداوند به ایشان بود.

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که نجات موسی و هارون(علیهماالسلام) از اندوه بزرگ بخشی از نعمت های الهی به ایشان بود؛ ولی در عین حال به طور جداگانه ذکر شده است.

اهمیت نجات زندانیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۳ - ۷

۷ - پرداخت وجه مورد نیاز اسیران و زندانیان برای آزادسازی آنان، گامی بلند و انفاق سنگین است.

ما العقبه . فکّ رقبه

آزاد سازی بردگان، مصداق آشکار <فکّ رقبه> است؛ ولی تنها مصداق آن نیست. بنابراین رها سازی هر شخص در بندی، می تواند مراد آیه باشد.

اهمیت نجات مظلومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۳ - ۳

۳ نجات ستمدیدگان از بیدادگری بیدادگران، هدف خداوند از بعثت پیامبران در طول تاریخ

لما ظلموا و جاءتهم رسلهم بالبینت

ذکر جمله <جاءتهم رسلهم> بعد از <لما ظلموا> حکایت از این حقیقت دارد که بعثت پیامبران در پی گسترش ظلم و

رهایی مظلومان از شرّ ظالمان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۱۱

۱۱ بعثت پیامبران الهی ، در راستای نجات مظلومان از ستم بیدادگران

كذلك كذب الذين من قبلهم فانظر كيف كان عقبه الظلمين

رویارویی بیدادگران با رسولان الهی در طول تاریخ، بیانگر برداشت فوق است.

اهمیت نجات موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۲

۲ - نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان ، مهم ترین و برجسته ترین نعمت و احسان خداوند به ایشان بود .

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که نجات موسی و هارون(علیهماالسلام) از اندوه بزرگ بخشی از نعمت های الهی به ایشان بود؛ ولی در عین حال به طور جداگانه ذکر شده است.

اهمیت نجات هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۲

۲ - نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان ، مهم ترین و برجسته ترین نعمت و احسان خداوند به ایشان بود .

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که نجات موسی و هارون(علیهماالسلام) از اندوه بزرگ بخشی از نعمت های الهی به ایشان بود؛ ولی در عین حال به طور جداگانه ذکر شده است.

ایمان به نجات بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- انسان ها در گرداب های خطر آفرین ، نه تنها متوجه خداوند می شوند ؛ بلکه او را یگانه قدرتی می دانند که توان نجات آنان را از مرگ حتمی دارد .

و إِذَا مَسَّكُمُ الضَّرْفُ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ

بت ها و نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۸

۸ بت ها و خدایان پنداری ، هرگز به فریاد پرستشگران خویش نمی رسند و نمی توانند حتی اندکی از عذاب های الهی را از آنان دور سازند .

فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ

برادران یوسف و نجات بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۱۱، ۷، ۶، ۳، ۲

۲ فرزندان یعقوب با تحریک عواطف یوسف (ع) درصدد جلب رضایت او برای آزادسازی بنیامین برآمدند .

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا

۳ اقتدار یوسف (ع) بر انجام خواسته های خویش ، نیکوکار بودن وی و سزاواری یعقوب (ع) برای ترحم ، دلیل های ارائه شده از سوی فرزندان یعقوب به یوسف (ع) برای آزادسازی بنیامین

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا .. إنا نريك من المحسنين

هدف برادران یوسف از مخاطب ساختن یوسف (ع) با عنوان <عزیز> بیان اقتدار او بر انجام خواسته هایش است، و توصیف یعقوب به <پیرمردی سالخورده> بیان سزاواری او برای ترحم است و مدح یوسف (ع) به نیکوکاری به منظور ترغیب او به احسان و گذشت می

باشد.

۶ بازداشت یکی از برادران بنیامین در مقابل آزاد کردن او ، پیشنهاد برادران به یوسف

فخذ أهدنا مكانه

۷ فداکاری و گذشت برادران بنیامین ، برای باز گرداندن او به پدرشان یعقوب

فخذ أهدنا مكانه

۱۱ مشاهده نیکوکار بودن یوسف ، مایه تشجیع فرزندان یعقوب به تقاضای آزادی بنیامین و بازداشت یکی از آنان به جای وی

فخذ أهدنا مكانه إنا نريك من المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱

۱ یوسف (ع) پیشنهاد فرزندان یعقوب (بازداشت یکی از آنان به جای بنیامین) را پذیرفت .

فخذ أهدنا مكانه .. قال معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا

<معاذ> مصدر میمی و مفعول مطلق برای فعل محذوف است (نعوذ بالله معاذاً). عبارت <أن نأخذ> به تقدیر <من> و متعلق به <معاذ الله> می باشد. بنابراین جمله <معاذ الله أن نأخذ...> یعنی، به خدا پناه می بریم پناه آوردنی از اینکه بگیریم (بازداشت کنیم) مگر کسی را که متاع خویش را نزد او یافتیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱،۲

۱ فرزندان یعقوب به جلب رضایت یوسف موفق نشدند و از آزاد شدن بنیامین کاملاً ناامید گشتند .

فلما استئسوا منه

<یأس> <و> <استئاس> به معنای ناامید شدن است، با این تفاوت که <استئاس> حاکی از مبالغه و شدت ناامیدی می باشد. مراد از ضمیر در <منه> یوسف و یا بنیامین است. بنابراین <فلما استئسوا منه...> یعنی، پس آن گاه که فرزندان یعقوب از [جلب رضایت] یوسف و یا [آزادی] بنیامین کاملاً ناامید شدند ...

۲ فرزندان یعقوب پس از ناامید شدن از آزادی بنیامین ، در کناری به دور از یوسف و کار گزارانش برای چاره اندیشی درباره مشکل پیش آمده به مشورت و گفت و گوی محرمانه پرداختند .

فلما استئسوا منه خلصوا نجياً

از معانی <خلوص> اعتزال و کناره گیری کردن است. <نجی> به فرد و یا افرادی اطلاق می گردد که در نهمان با او گفت و گو شود. این کلمه در آیه شریفه حال برای فاعل <خلصوا> می باشد. بنابراین <خلصوا نجياً> یعنی، برادران یوسف از دیگران جدا شدند و با یکدیگر به نجوا و گفت و گوی سرّی پرداختند.

بشارت نجات از ظلم فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ خداوند به موسی (ع) فرمان داد تا رهایی بنی اسرائیل از چنگال فرعون را به آنان بشارت دهد .

و نجنا برحمتك من القوم الكفرين .. و بشر المؤمنين

بشارت نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۵

۵- مبلغان مؤمن جن ، نوید دهنده قوم خویش به غفران الهی و رهایی از عذاب ، در پرتو ایمان

يقومنا .. و ءامنوا به يغفر لكم من ذنوبكم و يجركم من عذاب أليم

بشارت نجات به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۸

۸ خداوند یوسف (ع) را از طریق وحی به نجات یافتن از چاه کنعان و دیداری مجدد با برادرانش ، نوید داد .

و أوحينا إليه لتبئتهم بأمرهم

جمله <لَتَنْبِئَنَّهُمْ> (همانا این واقعه را در آینده به برادرانت یادآوری خواهی کرد) دلالت بر نجات یوسف از چاه دارد و نیز حاکی از این است که او برادرانش را در آینده ملاقات خواهد کرد.

بشارت نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۳

۳ خداوند ، نوح (ع) را به نجات افراد خانواده اش نوید داده بود .

إِن ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِن وَعْدُكَ الْحَقُّ

مصدق مورد نظر برای <وعدك> نجات خانواده نوح از حادثه طوفان است که جمله <قلنا احمل . . و أهلكك> بیانگر نوید به آن بود.

بنی اسرائیل و نجات از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۱

۱ درخواست مؤمنان قوم موسی از خداوند ، برای نجات از گروه کفرپیشه

ربنا لا تجعلنا فتنة . . و نجنا برحمتك من القوم الكافرين

پیشگویی نجات محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۴ - ۵

۵ - قرآن پیشاپیش ، رهایی پیامبر (ص) را از روی گردانی و خشم خداوند تا پایان عمر آن حضرت ، خبر داده است .

و للأخرة خیر لک من الأولى

مراد از <آخرت> و <أولی> چه دنیا و آخرت باشد و چه آغاز و فرجام زندگانی دنیوی پیامبر(ص) چنانچه برخی از

مفسران احتمال داده اند آیه شریفه سلامت کامل پیامبر(ص) را، از هرگونه انحراف که به خشم خداوند بینجامد، پیشگویی کرده است.

تلاش برای نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره -

۱ - نجات از عذاب الهی و دستیابی به زندگی جاودانه بهشتی و رستگاری بزرگ ، سزاوار هرگونه عمل و تلاش است .

و ما نحن بمعذبين . إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ . لمثل هذا فليعمل العملون

<لام> در <لمثل> برای تعلیل و <هذا> اشاره به مضامین آیات گذشته است که درباره رهایی از عذاب الهی و نیل به بهشت جاودان بود.

۲ - رهایی از عذاب الهی و دستیابی به حیات جاودانه بهشتی (رستگاری بزرگ) ، تنها هدف شایسته برای هرگونه سعی و تلاش در زندگی آدمی

لمثل هذا فليعمل العملون

از تقدم جار و مجرور (لمثل) بر عامل خود (فليعمل) که مفید حصر است برداشت یاد شده به دست می آید.

حتمیت نجات متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده رهایی تقوایندگان از آتش دوزخ ، حتمی و تخلف ناپذیر است .

سَيَجْزِيهَا الْأَتْقَى

حرف <سین> برای تأکید بر وعده است.

درخواست نجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۱۳

۱۳ دور ماندن از خواری و خذلان در روز قیامت ، خواسته و دعای خردمندان به پیشگاه خداوند

و لا تخزنا يوم القيمة

درخواست نجات از اذیتهای قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۵

۵- نوح (ع)، نجات خود و خاندانش را از دست ستم و اذیت و آزار قوم خود، از خداوند خواستار شده بود

و لقد نادينا نوح... و نجينه و أهله من الكرب العظيم

درخواست نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۱

۱ استغاثه و درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای رهایی از آتش جهنم نتیجه بخش نبوده و عذابشان ادامه خواهد یافت .

لاتدعوا اليوم ثبورا وحدا و ادعوا ثبورا كثيرا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از درخواست هلاکت، در حقیقت کنایه از نجات از وضع بسیار سخت دوزخ است؛ نه مرگ و نابودی واقعی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۱،۳

۱ بندگان خالص خدا، پیوسته از پروردگارشان خواستار رهایی از عذاب دوزخ اند .

و عباد الرحمن... و الذین یقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم

فعل مضارع <یقولون> مفید استمرار است.

۳ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم، سبب دست به دعا برداشتن و تضرع بندگان خالص خدا برای رهایی از آن عذاب

و الذین یقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم إن عذابهاکان غرما

جمله <إن عذابها..> در مقام تعلیل برای جمله قبل است؛ یعنی، به این سبب بندگان خدا از پروردگار خواستار رهایی از عذاب دوزخ اند که چون آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۲،۴

۲ بد و ناگوار بودن جهنم برای انسان، موجب هراسناکی و دست به دعا برداشتن بندگان خالص خدا به درگاه الهی برای

رهایی از آن

ربنا اصراف عَنَّا عذاب جهنم .. . إِنَّهَا سَاءت مُسْتَقَرًّا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که جمله <إِنَّهَا سَاءَتْ..> تعلیل برای جمله <و الذین یقولون ربّنا اصرف...> است / یعنی، چون جهنم جایگاه بدی است، بندگان خدا برای نجات خود از آن، دست به دعا برمی دارند.

۴ جمله <ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غراماً . إنّها ساءت مستقرّاً و مقاماً > ، متن دعا و تضرع بندگان خالص خدا به درگاه الهی

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم .. إنّها ساءت مستقرّاً و مقاماً

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <إِنَّ عَذَابَهَا تَأْسِفُ مَقَاماً> نیز مانند جمله <ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم > جزء دعا و تضرع عبادالرحمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱

۱ - فریاد و استغاثه کافران ، برای خروج از دوزخ به منظور تصحیح رفتار خود و انجام اعمال نیک

و هم یصطرخون فیها ربّنا أخرجنا نعمل صلحاً غیر الذی کنا نعمل

<استراخ> (مصدر <یسترخون>) به معنای فریاد شدید است که غالباً در مورد کمک طلبی به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۷

۷ - درخواست نجات از سوی دوزخیان ، به منظور انجام اعمال صالح ، صادقانه نبوده و آنان باز به رفتار زشت خود ادامه خواهند داد .

فما للظلمین من نصیر . إنّ الله علم غیب السموت و الأرض إنّّه علیم بذات الصدور

یادآوری علم همه جانبه خداوند پس از نفی وجود یاور برای کافران می تواند پاسخی به این سؤال باشد که

چرا و کجا آنان بی ناصرانند؟ پاسخ این است که: چون خداوند به راز دل‌ها آشنا است، می‌داند که آنان هرگز ایمان نمی‌آورند و در نتیجه از نصرت و یاری کسی بهره‌مند نخواهند شد.

درخواست نجات از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۳ - ۳

۳- ایوب (ع) با صدای بلند و رسا، برای خود دعا کرد و از خداوند خواستار نجات و بهبود خود از انواع ناگواری‌ها، ناراحتی‌های جسمانی و فقر شد.

و أَيُوبُ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ

<ندا> به معنای صدای بلند و روشن است (مفردات راغب).

درخواست نجات از ظلم قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۵

۵- نوح (ع)، نجات خود و خاندانش را از دست ستم و اذیت و آزار قوم خود، از خداوند خواستار شده بود.

و لَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا... وَ نَجَّيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

درخواست نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۸

۸- کافرانِ پیرو از رهبران مستکبر خویش، در قیامت درخواست می‌کنند که در صورت امکان، اندکی از عذاب خدا را از آنان بکاهند.

فَقَالَ الضُّعْفُوْا لِلَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْا اِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ اَنْتُمْ مَّغْنُوْنَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللّٰهِ

تنوین <شیء> تنوین تنکیر و برای کم بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱

۸ - درخواست عاجزانه کافران و مشرکان ، از خداوند برای رهایی خود از عذاب

فهل إلی خروج من سبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۱

۱ - کفر و گرایش به شرک ، سبب پذیرفته نشدن عذرخواهی و درخواست کافران و مشرکان برای رهایی خویش از عذاب الهی

ذلکم بأنّه إذا دعی اللّٰه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

<ذلکم> اشاره به مطلب گذشته (عذاب شدن) دارد؛ یعنی، <ذلکم الذی أنتم فیه من العذاب>. گفتنی است که <باء> در <بأنّه> برای سببیت می باشد.

درخواست نجات از عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۹

۹ تشویق خداوند به دعا و تضرع به درگاه الهی و درخواست رهایی از عذاب اخروی

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا .. إنّ عذابهاکان غرامًا

درخواست نجات از فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۷۸

۷ - درخواست همسر فرعون از خداوند ، به نجات خویش از شرّ فرعون

و نَجّنی من فرعون

۸ - درخواست همسر فرعون از خداوند ، به رهایی خویش از رفتار و برخورد فرعون

و نَجْنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ

درخواست نجات از فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۶ - ۲

۲ - اعتراف صریح موسی (ع) در پیشگاه پروردگار ، به اشتباه خویش در قتل مرد قبطی و درخواست آمرزش از ساحت او و نجات از شرّ فرعونیان

قال رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي

مقصود موسی (ع)

از آموزش در <اغفرلی> زدوده شدن پی آمد کار وی و رهایی از انتقام فرعونیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۱ - ۵

۵ - نیایش موسی (ع) به درگاه پروردگار، برای نجات خویش از شر فرعونیان

قال ربّ نجّنی من القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - همسر فرعون، از خداوند خواستار نجات خود از شرّ مردم ستمگر (قبطیان و کارگزاران فرعون)

و نجّنی من القوم الظلمین

درخواست نجات از فقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۳ - ۳

۳- ایوب (ع) با صدای بلند و رسا، برای خود دعا کرد و از خداوند خواستار نجات و بهبود خود از انواع ناگواری ها،

ناراحتی های جسمانی و فقر شد.

و أيوب إذ نادى ربّه أنّى مسّنى الضّرّ

<ندا> به معنای صدای بلند و روشن است (مفردات راغب).

درخواست نجات از کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - همسر فرعون، از خداوند خواستار نجات خود از شرّ مردم ستمگر (قبطیان و کارگزاران فرعون)

و نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

درخواست نجات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۳

۳ - آزادی بنی اسرائیل و گسیل داشتن آنان با موسی و هارون (ع) ، نخستین خواسته آن دو از فرعون بود .

فقولا

.. فأرسل معنا بنی إسرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸ - ۵

۵- ادعای رسالت الهی و درخواست آزاد گذاشتن بنی اسرائیل برای خروج از سرزمین مصر از سوی موسی (ع)، دور از انتظار فرعون و عملی جسورانه در نظر وی بود.

فقولا إنا رسول ربّ العلمین . أن أرسل معنا بنی إسرئیل . قال ألم نربّک ... و لبث

برداشت یاد شده از به رخ کشیدن دوران کودکی و بخشی از عمر موسی (ع) پس از اظهاراتش درباره رسالت الهی و آزاد سازی بنی اسرائیل، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۸ - ۱،۵،۶

۱- رهایی بنی اسرائیل از نظام فرعون، یکی از مهم ترین خواسته های موسی (ع) از فرعونیان

أن أدوا إلیّ عباد الله

چنانچه مراد از <عبادالله> بنی اسرائیل باشد از این که خداوند در رأس همه سخنان موسی درخواست آزادی بنی اسرائیل را مطرح ساخته اهمیت آن استفاده می شود.

۵- تذکر موسی (ع) به فرعونیان، نسبت به خیراندیشی خود در پیشنهاد رهایی بنی اسرائیل

أن أدوا .. إنی لکم رسول أمين

لام در <لکم> برای منفعت و <رسول أمين> تأکیدی بر رعایت امانت در نصیحت است؛ یعنی، بنی اسرائیل را رها کنید و بدانید که در این پیشنهاد، منفعت واقعی شما نهفته است و من در این سخن صداقت دارم.

۶- درخواست رهایی بنی اسرائیل از سوی موسی (ع)، نشأت یافته از رسالت آن حضرت و نه انگیزه های قومی و طبقاتی

أن

أَدُوا .. إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

از تأکید موسی (ع) بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ> استفاده می شود که آنچه آن حضرت به فرعونیان پیشنهاد کرده، نه از آن جهت است که با بنی اسرائیل پیوند نژادی و طبقاتی دارد؛ بلکه صرفاً در این سخن، پیامداری امین از جانب خداوند است.

درخواست نجات خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۲،۷

۲ - التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

۷ - دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار، برای نجات خود و کسانش از پی آمده های سوء کردار قوم خود (عذاب)

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من وبال ما يعملون)؛ یعنی، پروردگارا! من و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد که نجات لوط و اهلش را از عذاب مطرح می کند تأیید کننده همین برداشت است.

درخواست نجات لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۲،۷

۲ - التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

۷ - دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار، برای نجات خود و کسانش از پی آمده های سوء کردار قوم خود (عذاب)

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا

يعملون

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من وبال ما يعملون) یعنی، پروردگارا! من و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد که نجات لوط و اهلش را از عذاب مطرح می کند تأیید کننده همین برداشت است.

درخواست نجات مؤمنان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۵

۵ - نوح (ع) ، خواستار نزول عذاب بر کافران و نجات خود و مؤمنان از آن عذاب

فافتح بینی . . . و نجّنی و من معی من المؤمنین

دعا برای نجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - درخواست از خدا برای نجات از گرفتاری ، مقتضای ربوبیت او است .

ناکسوا رءوسهم عند ربّنا أبصرنا

دعا برای نجات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۲

۲ - دعای نوح به درگاه خدا ، برای نجات خود و مؤمنان همراهش از شرّ قوم کفرپیشه خویش

ربّ إنّ قومی کذّبون . . . نجّنی و من معی من المؤمنین

متعلق <نجّنی> حذف شده است و تقدیر آن <نجّنی و . . . من شرّهم> می باشد.

دعای نجات از ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۵ - ۷

۷ از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که درباره سخن خداوند : < ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظالمین > فرمود

: لا تسلطهم علينا ففتنهم بنا ;

پروردگارا! گروه ستمگران را بر ما مسلط مکن که ما را وسیله آزمایش آنان قرار دهی <.

دعای نجات از ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱۵، ۱۰

۱۰ دعای مسلمانان مظلوم و مستضعف مکه به درگاه پروردگار برای رهایی از ستم حاکم بر آنان

و المستضعفين .. الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهله

۱۵ مسلمانان مستضعف صدر اسلام ، خواستار فرمانده و نیروی انسانی از جانب خداوند برای رهایی از ستم کفرپیشگان مکه

واجعل لنا من لدنك ولياً واجعل لنا من لدنك نصيراً

دعای نجات از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۱

۱ درخواست مؤمنان قوم موسی از خداوند ، برای نجات از گروه کفرپیشه

ربنا لا تجعلنا فتنه .. و نجنا برحمتك من القوم الكافرين

دعوت به نجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۶

۶ - مؤمنان ، وظیفه دار فراخواندن مردم به نجات و رستگاری

و يقوم مالي أدعوكم إلى النجوه

ذکر نجات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۳

۳ - نجات از چنگال فرعونیان و عذاب های ایشان ، خاطره ای برای بنی اسرائیل ، که شایسته به خاطر سپردن و همواره به یاد داشتن است . *

و إذ نجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

<إذ نجیناکم> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است و در حقیقت مفعول برای <اذکروا>

می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۶

۶- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، نعمت چشمگیر و به یاد ماندنی خداوند بر آنان بود .

إذ قال موسى لقومه اذكروا نعمه الله عليكم إذ أنجكم من آل فرعون

راههای نجات از وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۲ - ۷

۷- تعقل و خرد ورزی ، راه نجات از وسوسه ها و دام های شیطان

و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً أفلم تكونوا تعقلون

روش نجات از انحراف جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۵

۱۵ دعا و نیایش به درگاه خدا و استمداد از او ، راه مصون ماندن از گناه و انحرافات جنسی است .

رب .. و إلاّ تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ

روش نجات از غضب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۷

۷ برای گریز از خشم خدا ، چاره ای نیست جز پناهنده شدن به درگاه خود او .

لا ملجأ من الله إلاّ إليه

روش نجات از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۲۱

۲۱- بیان تاریخ انبیا و سرگذشت اقوامشان ، از روش های هدایتی تربیتی قرآن برای نجات مردم از ظلمت ها و بردن آنان به سوی نور

أخرج قومك من الظلمت إلى النور .. ألم يأتكم نبؤا الذين من قبلكم قوم نوح

و عاد

روش نجات از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ برای نجات از ورطه های گناه و لغزش ، باید به خداوند پناه آورد .

قال معاذ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۵

۱۵ دعا و نیایش به درگاه خدا و استمداد از او ، راه مصون ماندن از گناه و انحرافات جنسی است .

رب .. و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

زمینه نجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۴ - ۳

۳ - دعا و تسبیح مستمر خداوند ، مایه نجات از گرفتاری و غم و اندوه

فلولا أنّه کان من المسبّحین . للبت فی بطنه إلی یوم یبعثون

زمینه نجات از تحیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۷

۱۷ توحید، زمینه ساز رهایی از تحیر و سرگردانی و معنی دهنده و جهت بخش به زندگی است.

کالذی استهوته الشیطان فی الأرض حیران

چون حالت مرتدان و مشرکان به دیوانگانی متحیر تشبیه شده، طبیعتاً نقطه مقابل شرک (توحید) اثراتی متضاد با آن خواهد داشت.

زمینه نجات از توطئه دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۹

۹ - توکل بر خداوند ، رهاننده انسان از تنگنای توطئه های دشمنان

و لاتکن فی ضیق مّما یمکرون . . . فتوکل علی الله

سیاق آیات، نشانگر ارتباط معنوی این آیه با <ولاتکن فی ضیق مّما یمکرون> می باشد.

زمینه نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۶

۶- ایمان به خدا و اجابت دعوت او ، باعث غفران خطاها و لغزشها و رهایی از عذاب دوزخ

و ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۸ - ۱

۱ - دعا و نیایش به درگاه خداوند ، زمینه ساز راهیابی انسان به بهشت و رهایی از دوزخ

فمنّ الله علينا و وقینا عذاب السموم . إنا کنّا من قبل ندعوه

زمینه نجات از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۸

۱۸ لزوم اتکا به خداوند و امید داشتن به او ، برای دستیابی به خواستهها و رهایی از دشواریها

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۹

۹ - توکل بر خداوند ، رهاننده انسان از تنگنای توطئه های دشمنان

و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون . . فتوکل علی الله

سیاق آیات، نشانگر ارتباط معنوی این آیه با <ولاتکن فی ضیق ممّا یمکرون> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - دعا به پیشگاه خداوند، زمینه نجات از ناملايمات و سختی ها است .

و إذا مسّ الناس ضرّاً دعوا ربّهم . . . ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه

إعطای رحمت به بندگان گرفتار در ناملايمات، در پی دعای آنان برای نجات

از آن وضعیّت، احتمال دارد به خاطر دعا و تأثیر آن باشد.

زمینه نجات از سختی مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۷

۱۷ - > عن ابن عباس قال : قال رسول الله (ص) في قوله < و من يتق الله يجعل له مخرجاً > قال : من شبهات الدنيا و من غمرات الموت و من شدائد يوم القيامة ;

از ابن عباس نقل شده که رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <و من يتق الله يجعل له مخرجاً> فرمود:[خدا برای کسی که تقوای الهی داشته باشد] راه نجاتی از شبهات دنیا، دشواری های مرگ و سختی های قیامت قرار می دهد.<

زمینه نجات از سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۷

۱۷ - > عن ابن عباس قال : قال رسول الله (ص) في قوله < و من يتق الله يجعل له مخرجاً > قال : من شبهات الدنيا و من غمرات الموت و من شدائد يوم القيامة ;

از ابن عباس نقل شده که رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <و من يتق الله يجعل له مخرجاً> فرمود:[خدا برای کسی که تقوای الهی داشته باشد] راه نجاتی از شبهات دنیا، دشواری های مرگ و سختی های قیامت قرار می دهد.<

زمینه نجات از شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۷

۱۷ - > عن ابن عباس قال : قال رسول الله (ص) في قوله < و من يتق الله

يجعل له مخرجاً > قال : من شبهات الدنيا و من غمرات الموت و من شدائد يوم القيامة ;

از ابن عباس نقل شده که رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <و من يتق الله يجعل له مخرجاً> فرمود: [خدا برای کسی که تقوای الهی داشته باشد] راه نجاتی از شبهات دنیا، دشواری های مرگ و سختی های قیامت قرار می دهد.

زمینه نجات از ظلم فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۹

۹ ایمان و اقامه نماز ، زمینه ساز نجات بنی اسرائیل از سلطه فرعون بود .

ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمين . و نجنا برحمتك ... و أقيموا الصلوه و بشر المؤمن

زمینه نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۴

۴ - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فنجينه و أهله أجمعين . إلا عجوزاً في الغبرين

از واژه <الغابرين> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۰ - ۴

۴ - نجات از عذاب ، در گرو تلاش و کوشش در پرتو ارشاد های الهی است .

هل أدلكم على تجره تنجيكم من عذاب

زمینه نجات از عذاب های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - آزمون دانستن فقر و غنا ، گرامی داشت یتیمان ، سیر

کردن گرسنگان ، تصرف نکردن ارث دیگران و پرهیز از مال دوستی ، زمینه ساز اعتماد به رهایی از صحنه های وحشت بار
قیامت

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ .. يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ

<نفس مطمئن> به قرینه آیات پیشین انسانی است که از اوصاف ذکر شده در آن آیات، میرا باشد.

زمینه نجات از فقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۴

۴ - شکست اصحاب فیل ، زمینه ساز گرفتار نشدن قریش ، به فقر اقتصادی و گرسنگی فراگیر و جان فرسا

ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل .. لإيلف قریش ... الذي أطعمهم من جوع

نکره بودن <جوع>، بر شدت آن دلالت دارد.

زمینه نجات از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۵

۱۵ - ربوبیت الهی ، مقتضی بیرون آوردن بندگان خویش از گمراهی کفر ، و هدایت آنان به نور ایمان

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور يا ذن ربهم

زمینه نجات از کیفرهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۵

۵ - نجات از کیفر دامنگیر الهی ، در گرو ایمان به پیامبران است ، نه پیوند خانوادگی و خویشاوندی با آنان

فأنجينه و أهله إلامرأته

همسر لوط با او پیوند نزدیک خانوادگی داشت و ولی این پیوند، ثمری برای او نداشت و چه این که او با خط فکری و عقیدتی لوط (ع) هماهنگ نبود.

زمینه نجات از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۵

۱۵ - ربوبیت

الهی ، مقتضی بیرون آوردن بندگان خویش از گمراهی کفر ، و هدایت آنان به نور ایمان

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور بإذن ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۷

۷- استفاده از رخداد های مهم تاریخی ، روشی برای تربیت مردم و ابزاری جهت نجات آنان از ظلمتها

أخرج قومك من الظلمت إلى النور .. ألم يأتكم نبؤا الذين من قبلكم قوم نوح و عاد

زمینه نجات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۹

۹ ایمان و اقامه نماز ، زمینه ساز نجات بنی اسرائیل از سلطه فرعون بود .

ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمین. و نجنا برحمتك ... و أقيموا الصلوه و بشر المؤمن

زمینه نجات فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۶

۶- فرعونیان نجات و بقای خود را در گرو غلبه ساحران بر موسی (ع) در صحنه مقابله می دانستند .

و قد أفلح اليوم من استعلى

زمینه نجات قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۴

۴ - شکست اصحاب فیل ، زمینه ساز گرفتار نشدن قریش ، به فقر اقتصادی و گرسنگی فراگیر و جان فرسا

ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل .. لإيلف قريش ... الذي أطعمهم من جوع

نكره بودن <جوع>، بر شدت آن دلالت دارد.

زمينه نجات قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ -

۸ - تلاش دلسوزانه صالح (ع) برای رفع گرفتاری ها از قوم خویش و جلب رحمت الهی برای آنان

قال يقوم لم تستعجلون .. لولا تستغفرون الله لعلکم ترحمون

زمینه نجات متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۷ - ۲

۲ - امداد های ویژه الهی ، مایه دور ماندن اهل تقوا از آتش دوزخ است .

و سیجنبها

فعل <يُجَنَّبُ> گرچه مجهول است، ولی به قرینه <إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ> در آیات بعد، این موهبت را خداوند در اختیار آنان می گذارد.

زمینه نجات یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۴ - ۲

۲ - تسبیح مستمر یونس (ع) ، تنها وسیله نجات او از دل ماهی شد .

فلولا أنه كان من المسبحين . للبت في بطنه إلى يوم يبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ - > عن أبي عبد الله (ع) الأنبياء والمرسلون على أربع طبقات ... و نبی یری فی منامه و یسمع الصوت و یعاین الملك و قد أرسل إلى طائفه قلاً أو كثروا کیونس . قال الله لیونس > و أرسلناه إلى مائه ألف أو یزیدون < ...

از امام صادق(ع) روایت شده که: پیامبران و رسولان بر چهار طبقه اند ... و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شنود و فرشته را می بیند و به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد

فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: <و أرسلناه إلى مائه ألف أو يزيدون...>.

سنت نجات بخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۳ - ۲

۲ نجات مؤمنان و آسیب ندیدن از عذاب استیصال ، سنتی است الهی و تخلف ناپذیر .

ثم ننجی رسلنا و الذین ءامنوا کذلک حقاً علینا ننج المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۶۸

۶- نجات و رهایی بخشیدن مؤمنان از غم و اندوه ، سنت خداوند است .

فاستجبنا له و نجّیناه من الغمّ و کذلک ننجی المؤمنین

جمله <کذلک ننجی المؤمنین> پس از ذکر نجات یونس (ع) می تواند بیانگر یک قانون و سنت الهی باشد.

۸- رهایی یونس (ع) از غم و اندوه ، جلوه ای از سنت الهی در نجات مؤمنان

و نجّیناه من الغمّ و کذلک ننجی المؤمنین

اسم اشاره <کذلک>، اشاره به نجات یونس (ع) از غم و اندوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۴

۴ - سنت الهی بر اعطای پاداش عالی ، به شکر گزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

کذلک نجزی من شکر

شرایط نجات از اغواگری ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- بندگی خداوند و نداشتن هیچ گونه ناخالصی ، شرط رهایی از اغواگری ابلیس

إِلَّا عِبَادِكُمْ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ

شرایط نجات از اغواگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - عبودیت خالصانه خدا ، موجب رهایی و مصونیت از وسوسه ها و اغواگری های شیطان

لَاغُوبِيْنَهُمْ .. إِلَّا عِبَادِكِ الْمَخْلَصِيْنَ

شرایط نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۷،۱۸

۱۷ - اصحاب اخدود ، چنانچه از گناه سوزاندن مؤمنان توبه می کردند ، از عذاب جهنم رهایی می یافتند .

ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ

۱۸ - رهایی اصحاب اخدود از آتش جهنم ، تنها در صورتی امکان پذیر است که از کفر خویش توبه کرده باشند .

ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا

سیاق آیه شریفه، گرچه قرینه است بر این که متعلق <لم يتوبوا> فتنه گری و سوزاندن مؤمنان است ولی آیه بعد، می تواند قرینه باشد که مراد از توبه، روی آوردن به ایمان و عمل صالح است و نیز توبه از شکنجه مؤمنان، زمانی توبه به درگاه خداوند است که شخص منکر او نباشد.

شرایط نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۷

۷ پذیرش احکام قضایی پیامبر (ص) و همسویی با مؤمنان ، شرط نجات از عذاب دوزخ

و من يشاقق الرسول من بعد ما تبين له الهدى و يتبع غير سبيل المؤمنين

با توجه به آیات قبل، مخالفت و موافقت با احکام قضایی پیامبر(ص)، از مصادیق مورد نظر در آیه شریفه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ - توبه ، تنها پیش از آمدن عذاب الهی پذیرفتنی است و رهایی از عذاب پس از نزول آن

حتی با توبه و تسلیم ممکن نیست .

و أنیبوا إلی ربکم و أسلموا له من قبل أن یأتیکم العذاب ثم لاتنصرون

شرایط نجات از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۴

۱۴- خارج ساختن مردم از ظلمت کفر و گمراهی و رهنمونی آنان به نور ایمان ، حتی از سوی پیامبر (ص) ، منوط به اذن و مشیت خداوند است .

لتخرج الناس من الظلمت إلی النور بإذن ربهم

شرایط نجات از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۴

۱۴- خارج ساختن مردم از ظلمت کفر و گمراهی و رهنمونی آنان به نور ایمان ، حتی از سوی پیامبر (ص) ، منوط به اذن و مشیت خداوند است .

لتخرج الناس من الظلمت إلی النور بإذن ربهم

شرایط نجات اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۷،۱۸

۱۷ - اصحاب اخدود ، چنانچه از گناه سوزاندن مؤمنان توبه می کردند ، از عذاب جهنم رهایی می یافتند .

ثم لم یتوبوا فلهم عذاب جهنم

۱۸ - رهایی اصحاب اخدود از آتش جهنم ، تنها در صورتی امکان پذیر است که از کفر خویش توبه کرده باشند .

ثم لم یتوبوا

سیاق آیه شریفه، گرچه قرینه است بر این که متعلق <لم یتوبوا> فتنه گری و سوزاندن مؤمنان است؛ ولی آیه بعد، می تواند قرینه باشد که مراد از توبه، روی آوردن به ایمان و عمل صالح است و نیز توبه از شکنجه مؤمنان، زمانی توبه

به درگاه خداوند است که شخص منکر او نباشد.

شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۱۰

۱۰ - مردم گرفتار در خطر دریا ، پس از رهایی از آن و رسیدن به خشکی ، به رغم دعای مخلصانه شان در هنگام خطر ، به خدا شرک میورزند !

فَإِذَا رَكبُوا فِي الْفَلَكَ دَعَا اللَّهَ .. فَلَمَّا نَجَّيْهِمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يَشْرِكُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۵

۵ - بازگشت رهیدگان از ناملايمات ، به شرک ، کفران نعمت های خدا است .

فَلَمَّا نَجَّيْهِمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يَشْرِكُونَ . لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ

شرک نجات یافتگان از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۲

۲ - بازگشت رهیدگان از ناملايمات به شرک ربوبی ، کفران نعمت های خداوند است .

بِرَبِّهِمْ يَشْرِكُونَ . لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ

به قرینه < ما آتیناهم > مراد از < لیکفروا > کفران نعمت است.

شگفتی شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - رویکرد افراد رهیده از سختی ها و ناملايمات به شرک ، به رغم توجه شان به خداوند ، به هنگام ابتلا ، امری غیر منتظره و ناشایست است .

ثم إذا أذاقهم منه رحمه إذا فریق منهم برّهم یشرکون

<إذا> در عبارت <إذا فریق..> فجاییه است. کاربرد آن، در جایی است که حادثه ای به صورت غیرمنتظره رخ بدهد. تکرار <رّبهم> با این

بیان که ذکر <رَبِّهِمْ> اشعار به این نکته دارد که آنان به رغم این که خداوند، پروردگارشان است، چنان کردند، مؤید این مطلب است.

شناخت راههای نجات از پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۸ - ۳

۳ - تعادل قوا در ساختار روح انسان ، آماده سازنده آن برای آگاهی فطری به پلیدی ها و شناخت راه گریز از آنها است .

و ما سؤیها. فألهمها فجورها و تقویها

حرف <فاء> در <فألهمها> آن را بر تسویه (در آیه قبل) تفریع کرده است، تا بیانگر این باشد که خداوند، در ابتدا روح انسان را از قدرت های هماهنگ برخوردار کرده؛ آن گاه بدی ها و راه محفوظ ماندن از آنها را به او الهام می کند. <تقوی> اسم مصدر است. فعل <أتقیت>؛ یعنی، بر حذر ماندم و خود را دور نگه داشتم (قاموس). بنابراین <تقواها>؛ یعنی، دور ماندن روح از فجور.

شیطان و نجات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ خروج یوسف (ع) از زندان و رفع اتهام از او ، ناسازگار با اهداف شیطان

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

عجز از نجات محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۷ - ۱

۱ - ناتوانی همگان از نجات پیامبر (ص) از کیفر الهی ، در صورت دروغ بستن آن حضرت بر خداوند

فما منکم من أحد عنه حجزین

عوامل نجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶

۴ - ایمان به خدا و همراهی با پیامبران ، مایه نجات و بهره مندی از لطف و رحمت الهی

و نَجْنِي و من معي من المؤمنين . فَأُنَجِّينَهُ و من معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۳

۳ - ایمان به خدای یکتا ، عزیز و غفار ، عامل نجات انسان

مالي أَدْعُوكُمْ إِلَى النِّجْوَةِ و تَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ .. وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعِزِّزِ الْغَفَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۳

۳ - صرف انتساب به خداوند و یا پیوند خویشاوندی با پیامبران ، موجب نجات و سعادت انسان نمی شود .

ءال لوط نَجِّينَهُمْ .. كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۴

۴ - خودسازی و پاک سازی خویش از وابستگی به دنیا ، مایه نجات و صلاح است .

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى

تَزَكَّى در آیه به قرینه <بَل تَوْثَرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا> در آیه بعد شامل پاکی از علاقه به دنیا نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۵ - ۱

۱ - به زبان آوردن نام خداوند ، درست کاری و مایه نجات است .

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ .. و ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ

ذکر دو نوع است: ذکر با قلب و ذکر با زبان (مفردات راغب) و مراد از آن در آیه شریفه به قرینه کلمه <اسم> ذکر با زبان است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۹ - ۲

۲ - خودسازی و پاک ساختن روح خویش از گناه و پلیدی و سوق دادن آن به تقوا، مایه نجات و کامیابی است.

فألهمها فجورها و تقویها. قد أفلح من زکیها

مراد از <تزکیه نفس> به قرینه آیه قبل پاک سازی آن از <فجور> (گناه، فسق، دروغ و ..) و رشد دادن آن به وسیله تقوا است.

عوامل نجات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱۰

۱۰ - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامد های اعمال نخواهد شد.

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

بیان این معنا که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمند نخواهد بود، در خطاب کسانی که از نسل پیامبرانی چون ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۱۰

۱۰ - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامد های اعمال نخواهد شد.

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

بیان این معنا - که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمند نخواهد بود - در خطاب به کسانی که از نسل پیامبرانی چون: ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۹

قیامت در گرو ایمان توأم با عمل صالح است.

لا ینفع نفساً إیمنها لم تکن ءامنت من قبل أو کسبت فی إیمنها خیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۵

۵ - توجه به قرآن و تذکار های آن ، موجب سبک باری و نجات در روز قیامت است .

من أعرض عنه فإنه یحمل یوم القیمه وزراً

همان گونه که روی گردانی از قرآن موجب گران باری و گرفتاری در قیامت است، روی آوردن به قرآن و التزام به آن، نیز زمینه ساز سبک باری و نجات انسان در قیامت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۲۲

۲۲ - ایمان ، عامل نجات در قیامت است .

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربهم .. لولا أنتم لکننا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۱ - ۷

۷ - تقوا ، موجب نجات انسان از هر گونه بدی و اندوه در قیامت

الذین اتَّقوا .. لا یمسهم السوء و لا هم یحزنون

عوامل نجات از ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۲ - ۴

۴ - عبودیت و بندگی ، عامل تقرب به خداوند و موجب رهایی از سلطه ابلیس

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

اضافه شدن <عباد> به یای متکلم ممکن است به منظور ذکر بندگان خاص باشد. بنابراین، ذکر <عباد> (بندگان) به جای هر واژه دیگری که مقصود را برساند می تواند اشاره به حقیقت یاد شده بکند.

عوامل نجات از اضطراب

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۶

۶ انجام کارهای شایسته و پیشه ساختن صبر، آدمی را از روحیه ای مقاوم بهره مند خواهد ساخت و از تزلزل روحی و روانی نجات خواهد داد.

إِنَّه لِيُؤْسُ كَفُورٌ .. إِنَّه لَفَرِحَ فَخُورٌ. إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

آیه نهم و دهم، بیانگر این بود که: انسانها تحت تأثیر کمترین رفاه و محنت متزلزل شده و خود باخته می شوند و آیه مورد بحث، صابرابانی را که اعمال شایسته انجام می دهند، از این خصلت استثنا کرده است.

عوامل نجات از اندوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۱

۱ خداوند تنها نجاتبخش آدمیان از مهلکه ها و از هرگونه اندوه و سختی است.

قُلْ مَنْ يَنْجِيكُمْ .. قُلْ اللَّهُ يَنْجِيكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۱ - ۷

۷ - تقوا، موجب نجات انسان از هرگونه بدی و اندوه در قیامت

الَّذِينَ اتَّقَوْا .. لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

عوامل نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۱۱، ۲

۲ - تقوا، مایه نجات یافتن آدمی، از دوزخ

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا

۱۱- تقوا، موجب نجات از جهنم و پایداری بر ظلم، موجب بقای در آن

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا

<اتقوا> فعل و نشان دهنده حدوث است؛ ولی <ظالمین> اسم و دال کننده بر ثبوت است بنا بر گفته برخی

از مفسران، این تفاوت به جهت بیان رحمت گسترده الهی است که اگر کسی فعل تقوا به او منتسب گردد، نجات می یابد؛ ولی تا کسی به وصف ظلم متصف نگردد و عنوان <ظالم> بر او صدق نکند، در دوزخ ماندگار نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۶

۶ - انجام اعمال صالح ، شرط نجات از دوزخ و آسودگی در آخرت است .

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذَا نَجِدْ لَكَ كَثِيرًا مِمَّا نَسُوا بِكَ إِذْ جَاءَكَ الْبُرْجَانُ وَنَجِّنَا مِنَ الدَّهْجَانِ وَاجْعَلْ لَنَا فِي الْمَدِينَةِ آيَاتٍ لِنُؤْمِنَ بِكَ يَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۴ - ۲

۲ - تحمل صبورانه عذاب و یا پشیمانی و عذرخواهی دشمنان خدا در قیامت ، بی تأثیر در رهایی آنان از دوزخ

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتَبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ

<استعتاب> (مصدر <يستعتبوا>) به معنای درخواست رضایت است که لازمه عذرخواهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۶

۶ - پذیرش پیام حق رسولان الهی ، مایه سعادت انسان و رهایی از عذاب دوزخ است ؛ نه التجا به فرشتگان در قیامت .

و نادوا يملك ليقض علينا ربك قال انكم مكثون . لقد جئكم بالحق

این آیه شریفه در حقیقت مکمل آیه قبل و بیانگر فلسفه عدم پذیرش التجای مجرمان به فرشتگان خازن دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - تقوایبندگان ، مورد حفاظت خداوند از گرفتاری به جهنم ، در قبال تلاش آنان برای

حفظ ارزش های الهی در دنیا

إِنَّ الْمُتَّقِينَ... و وقیهم ربهم عذاب الجحیم

با توجه به این که ریشه <متقین> و <وقاهم> از یک ماده می باشد، ممکن است تعبیر <وقاهم> اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۷ - ۱

۱ - کسانی که از همه باتقواتر و دارای مراقبت بیشتراند، از آتش دوزخ دور گردانده خواهند شد.

و سیجّنبها الأتقی

<جَبَّئْتُ>؛ یعنی، دور ساختم (مفردات) و باب تفعیل آن، برای مبالغه است. بنابراین <یُجَنَّبُ>؛ یعنی، به طور کامل دور نگه داشته می شود.

عوامل نجات از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱

۱ خداوند، نجاتبخش گرفتاران در تاریکیها و تنگناهای هول انگیز خشکی و دریاست.

قل من ینجیکم من ظلمت البر و البحر تدعونه

عوامل نجات از دشمنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۴

۱۴ - پیروی از رهنمود های خداوند، نجات دهنده انسان ها، از عواقب دشمنی ها و کشمکش های زمینیان است.

بعضکم لبعض عدو فإما یأتینکم منی هدی

عوامل نجات از ذلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱۳

۱۳ - رهایی یافتن یهود از خواری و درماندگی و برطرف شدن غضب الهی از آنان ، در گرو ایمان واقعی ایشان به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح است .

ضربت عليهم الذلة والمسكنه . . من ءامن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحاً

در آیه قبل بیان شد که یهود بر اثر کفر و گناه به خواری، ذلت و غضب گرفتار شدند. آیه مورد بحث خصوصاً با توجه به اینکه از یهودیان نام برده (والذین هادوا) می تواند اشاره به این باشد که: راه نجات یهود از آن سرنوشت شوم ایمان و عمل صالح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۱۹،۲۰

۱۹ نقش دعا در تحقق وعده های الهی و رهایی از خذلان در آخرت

رَبَّنَا وَاتْنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رَسَلِكْ وَلَا تَخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ

اگر دعا در تحقق وعده های الهی تأثیر نداشت، خداوند آن را به عنوان ویژگی مؤمنان خردمند نقل نمی کرد.

۲۰ ایمان، زمینه تحقق نوید های الهی به خردمندان و رهایی از خواری و خذلان اخروی

فَاَمَّا رَبَّنَا .. رَبَّنَا وَاتْنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رَسَلِكْ وَلَا تَخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ

با توجه به اینکه <اتنا> عطف است بر <اغفر لنا>، در جمله <فامنا ربنا فاغفر لنا>، معلوم می شود که خردمندان انتظار برآورده شدن دعا و خواست خویش را، بر ایمانشان به ربوبیت خداوند مترتب ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۹

۹ توبه و بازگشت به خدا، راه نجات یهودیان از ذلت و بیرون آمدن از سلطه عذاب کنندگان ایشان است.

وَإِذْ تَأْتِي رَبِّكَ لِيَبْعَثَنَّ .. وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

هدف از تذکر بخشایشگری و مهربانی خداوند پس از بیان گرفتاری یهودیان به شکنجه و سلطه دیگران، این است که آنچه بر یهود از جانب خداوند

مقدّر شده است، تا زمانی است که از فرمانهای الهی سرپیچی کنند.

عوامل نجات از زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۹،۱۰

۹ آدم و حوا آمرزش خدا و رحمت وی را تنها عامل نجات خویش از زیانکاری دانستند.

و إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرين

۱۰ مغفرت و رحمت الهی تنها امید و وسیله رهایی گنهکاران از خسران گناه است.

و إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۸

۸ نوح (ع)، رهایی خویش از زیان کاری را در گرو مغفرت و رحمت الهی می دانست .

إلا تغفر لی و ترحمنی أکن من الخسرين

عوامل نجات از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۲۳

۲۳ - روزه، موجب نیل انسان ها به معیشتی سهل و راحت و رهایی یافتن از تنگناهای دنیا و آخرت *

یرید الله بکم اليسر و لایرید بکم العسر

برداشت فوق بر این اساس است که <یرید الله> ناظر به وجوب روزه باشد. بر این اساس جمله <یرید الله> اشاره به این دارد که: خداوند روزه را بر شما واجب کرد تا بر اثر آن به معیشتی سهل نایل شوید و به مشکلات گرفتار نگردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند تنها نجاتبخش آدمیان از مهلکه ها و از هر گونه اندوه و سختی است.

قل من ینجیکم

.. قل الله ینجیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۷۸

۷ نیایش خالصانه به درگاه خدا ، عامل جلب رحمت او و مایه رفع گرفتاریهاست .

و إذا مسّ الإنسان الضرّ دعانا .. فلما كشفنا عنه ضرّه

تفریع جمله <لما كشفنا> بر <دعانا> بیانگر برداشت فوق است.

۸ رهایی انسان از گرفتاری ها و مصایب ، در گرو مشیت خدا و بسته به لطف و رحمت اوست .

و إذا مسّ الإنسان الضرّ دعانا .. فلما كشفنا عنه ضرّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۸

۸ - رهایی انسان از گرفتاری ها و مصیبت ها ، در گرو مشیت خداوند و بسته به لطف و رحمت او است .

و إذا مسّ الإنسان ضرّ دعا ربّه منینا إلیه ثمّ إذا خوّله نعمه منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۰ - ۸

۸ - دعا به درگاه خداوند ، دارای تأثیر در رهایی انسان از مشکلات و سختی ها

ادع لنا ربّک .. فلما كشفنا عنهم العذاب

عوامل نجات از سرگردانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۴

۴ - ایمان و اعتقاد به پروردگار یگانه ، مایه رهایی انسان از وادی حیرت و سرگردانی در عقیده و عمل

ألم تر أنّهم في كلّ واد يهيمون .. إلّا الذين ءامنوا

عوامل نجات از شرور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - زمر - ٣٩ - ٦١

۷ - تقوا ، موجب نجات انسان از هر گونه بدی و اندوه در قیامت

الذین اتَّقوا .. لا یمسَّهُم السوء و لا هم یحزنون

عوامل نجات از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۱ - ۲،۳،۴،۶

۲ تقوای پیشگان به هنگام مواجه شدن با شیطان و وسوسه های او ، فرمان های خدا را به یاد آورده و به راهی که مسیر تقواست ، واقف می شوند .

إن الذین اتَّقوا إذ امسَّهُم طئف من الشیطن تذکروا فإذا هم مبصرون

تذکر در اینجا به معنای توجه کردن و به خاطر آوردن دانسته هاست و مراد از دانسته ها، به قرینه آیه ۱۹۹، اوامر الهی است. <ابصار> (مصدر مبصرون) به معنای بینا شدن و آگاهی یافتن است و مراد از آن به دلیل <الذین اتَّقوا> قرار گرفتن در مسیر تقوای پیشگی و در نتیجه رهیدن از دام شیطان است.

۳ تقوای پیشگان به هنگام احساس وسوسه گری های شیطان با یادآوری فرمان خدا (استعاذه) به وی پناه می برند و با بصیرت و آگاهی از دام شیطان می رهند .

إذ امسَّهُم طئف من الشیطن تذکروا فإذا هم مبصرون

در برداشت فوق، به قرینه <فاستعذ بالله> در آیه قبل، متعلق <تذکروا> لزوم استعاذه گرفته شده است.

۴ باور به شنوایی و آگاهی خدا ، زمینه ساز دور ماندن از وسوسه های شیطان و رهیدن از دام اوست .

تذکروا فإذا هم مبصرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که متعلق <تذکروا>، به قرینه فراز قبل (إنه سمیع علیم)، شنوایی و آگاهی خداوند باشد.

۶ تقوا عامل توجه آدمی به خداوند و فرمان های او

به هنگام وسوسه انگیزی های شیطان

إن الذین اتقوا إذ امسهم طئف من الشیطن تذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۱ - ۸

۸ - پرستش خدای یگانه و روی برتافتن از عبادت غیر او ، رهایی از دام شیطان و دستیابی به اوج کمال است .

حنفاء لله غیر مشرکین به ... فتخطفه الطیر

عوامل نجات از طوفان نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۳

۱۳ اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و ...) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع) .

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

تصریح خداوند به این که <هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است > ، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده ؛ بلکه منزه بودنشان از اعمال ناشایست ، مایه نجاتشان بوده است .

عوامل نجات از ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۱۲

۱۲ ایمان و اقامه نماز ، در رهایی از فتنه گری ستمگران ، نقشی بسزا دارد .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین ... و أقیموا الصلوه و بشر المؤمنین

عوامل نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - رهایی از عذاب دردناک قیامت در گرو لطف خدا و پاک شدن از گناهان و آلودگیهاست .

و لا یكلمهم الله

یوم القیمه و لایزکیهم و لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۶ - ۴۸

۴ ایمان ، زمینه ساز غفران الهی و مصوئیت از عذاب دوزخ

امّا فاغفرلنا ذنوبنا و قنا عذاب النار

برداشت فوق، از ترتّب <غفران> به وسیله <فاء> بر ایمان، استفاده شده است.

۸ بخشایش گناهان انسان از سوی خداوند ، زمینه مصوئیت او از عذاب

فاغفرلنا ذنوبنا و قنا عذاب النار

تقوای پیشگان، نخست بخشایش گناهان را می طلبند و پس از آن، طالب دوری از عذاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۷

۷ ایمان و عمل صالح ، عامل نجات انسان از عذاب الهی در دنیا و آخرت

فامّا الذین کفروا فاعذبهم عذاباً شدیداً فی الدنیا و الاخره .. و اما الذین امن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۱ - ۲

۲ هیچ فدیة ای در قیامت برای رهایی کافران از عذاب ، پذیرفته نخواهد شد .

انّ الذین کفروا .. و لو افتدی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۳۳

۳۳ پیامبر (ص) ، نجات بخش مسلمین ، از پرتگاه آتش

و كنتم على شفا حفرة من النار فانقذكم منها

امام صادق (ع) درباره آيه فوق فرمود: فبرسول الله (ص) و الله انقذوا.

تفسير عياشى، ج ١، ص ١٩٤، ح ١٢٦ / تفسير برهان، ج ١، ص ٣٠٧، ح ٤.

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۳

۳ رسیدن به مقام رضای الهی ، رهایی از دوزخ و نیل به درجات عالی ، در پرتو بعثت پیامبر (ص) و ایمان به اوست .

افمن أتبع رضوان الله .. هم درجات عند الله ... لقد منّ الله على المؤمنين اذ

با توجه به آیه قبل که سخن از نیل به درجات و رضای الهی بود، گویا در این آیه راه وصول به آن را بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۲

۱۲ سعادت‌مندی رهایی یافتگان از آتش و ره یافتگان به بهشت

فمن زحزح عن النار و ادخل الجنة فقد فاز

<زحزح>، از مصدر <زحزحه>، به معنی دور شدن و کنایه از نجات یافتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۲۸،۳۰،۳۱،۳۴

۲۸ دعای خردمندان برای رهایی از عذاب دوزخ

لاولى الالباب .. فقنا عذاب النار

۳۰ خداوند تنها بازدارنده انسان از گرفتار شدن به عذاب دوزخ

فقنا عذاب النار

با توجه به این که خردمندان پس از پی بردن به هدفداری آفرینش تنها از جانب خداوند درخواست نجات از عذاب دارند.

۳۱ اعتقاد به معاد و درخواست رهایی از آتش دوزخ ، نشانه خردمندی

لايات لاولى الالباب .. فقنا عذاب النار

۳۴ دعا برای نجات یافتن از عذاب دوزخ ، وسیله ای برای رهایی یافتن از آن

فقنا عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶ - ۲،۴

۲ آدمی، در هر

مرتب و با هر گونه عمل، برای رهایی از عذاب قیامت نیازمند رحمت خداوند است.

من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه

<من> اسم موصول و از ادات عموم است، یعنی (هر کس) بنابراین مفاد صله آن <یصرف ..> عمومیت داشته و شامل همه مردم می شود.

۴ پیامبر اکرم(ص) هم نیازمند رحمت الهی برای نجات از عذاب قیامت است.

قل إني أخاف .. من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۱۵

۱۵ ایمان به آیات الهی، علی رغم سابقه اعراض و تکذیب، موجب رهایی از عذاب الهی خواهد شد.

سنجری الذین یصدفون .. بما کانوا یصدفون

<با> در <بما کانوا ..> سببیه و <ما> مصدریه است. آمدن <کان> و مانند آن قبل از فعل مضارع دلالت بر استمرار معنای آن فعل دارد. لذا <سنجری .. بما کانوا یصدفون> یعنی <آنان را به سبب اعراض مستمرشان به عذاب سوء کیفر می دهیم>. بنابراین اگر کسانی پس از مدتی سرپیچی، آیات الهی را تصدیق کردند به عذاب گرفتار نخواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۵

۱۵ روابط خانوادگی (نسبی یا سببی) با پیامبران، تأثیری در نجات آنان از عذاب های الهی ندارد.

و أهلك إلا من سبق عليه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ نهی از منکر و بازداري مردمان از فساد، مایه نجات و رهایی از عذاب های الهی است.

إلا قليلاً ممن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۳،۵

۳- پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا ءال لوط إنا لمنجّوهم أجمعين

۵- پاکی و دوری از جرم و تبه کاری، موجب نجات از عذاب الهی در دنیا (عذاب استیصال)

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا ءال لوط إنا لمنجّوهم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۱۰

۱۰- اهتمام به نماز و پشت پازدن به هواهای نفسانی، موجب هدایت و نجات از عذاب است.

أضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوت فسوف يلقون غيّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۱

۱- توبه، ایمان واقعی و عمل صالح، تنها راه رهایی ضایع کنندگان نماز و پیروان شهوها از عذاب الهی است.

فسوف يلقون غيّا . إلا من تاب و ءامن و عمل صلحًا

استثنا در <إلا من تاب..> متصل است و مراد از توبه، پشیمانی از ضایع کردن نماز و پیروی از تمایلات نفسانی است. در

مورد ایمان بدان جهت قید <واقعی> ذکر شده است که بر حسب ظاهر افراد یاد شده در آیه قبل، در زمره مؤمنان بودند.

ولی نماز را ضایع می کردند؛ یعنی، ایمان ظاهری و اسمی را دارا بودند، ولی ایمان واقعی را نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ -

۲ - پایبندی مستمر مؤمنان ثمود به تقوا و پرهیز از گناه ، عامل نجات آنان از عذاب الهی

و أنجینا الذین ءامنوا و كانوا یتّقون

جمله <كانوا یتّقون> ماضی استمراری است ، یعنی ، راز نجات مؤمنان در تقوای مستمر آنان نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۳

۳ - طهارت و پاکدامنی و تلاش در راه اصلاح جامعه ، مایه نجات از امواج بلا و کیفر الهی

أخرجوا ءال لوط . . . إنهم أناس یتطهّرون . فأنجیناه و أهله إلاّ امرأته

قوم لوط، وی و خاندانش را به جرم پاکی و پارسایی محکوم به تبعید و اخراج کردند؛ اما خداوند ایشان را به همین دلیل از کیفر دامنگیر آن قوم نجات داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۷ - ۲

۲ - تسبیح خداوند و تنزیه او از هر عیب و نقصی ، نجات دهنده انسان از عذاب الهی است .

و أمّا الذین كفروا . . . فی العذاب ... فسبحن الله

<فاء> در <فسبحان الله> فصیحه و یا تفریع است. بنابراین، معنای عبارت، با توجه به دو آیه پیش، چنین می شود: <حال که مشخص شد فرجام مؤمنان و کافران چیست، پس تسبیح کنید که جزء گروه نخست بشوید و از عذاب رهایی یابید.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۱ - ۹

۹ - بازگشت انسان خطاکار به درگاه خدا ، مایه مصونیت وی از عذاب اخروی است .

و لنذیقنهم من العذاب الأدنى دون العذاب الأكبر لعلهم یرجعون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - تقوای پیشگی و پروای الهی ، موجب رهایی از آتش دوزخ

لهم من فوقهم ظلل من النار .. یعباد فأتقون

برداشت یاد شده از تفریع جمله <فأتقون> بر جمله <ذلك یخوف الله به عباده> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ - تقوا و احسان ، دو عنصر سعادت آفرین و رهایی بخش از عذاب الهی

من قبل أن یأتیکم العذاب .. لکنتم من المتّقین ... فأکون من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۱ - ۳

۳ - تقوا ، عامل رستگاری و کامیابی و نجات بخش انسان ها از عذاب الهی

و ینجی الله الذین اتقوا بمفازتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۸ - ۳

۳ - همراهی ایمان و تقوا ، عامل نجات انسان از عذاب و انتقام الهی

و نجینا الذین ءامنوا و کانوا یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - قدرت و امکانات مادی کافران و سلطه طلبان ، مایه نجات آنان از هلاکت و قهر الهی نخواهد بود .

و کم اهلکنا قبلهم من قرن هم اشدّ منهم بطشاً .. هل من محیص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۰ - ۳

۳ - ایمان به تنهایی ، موجب نجات از عذاب نمی شود .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدْلَكُم عَلَى

تجره تنجیکم من عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۷

۷- ایمان استوار به خدا و رسول او و جهاد در راه خدا ، رهایی بخش انسان از عذاب دردناک الهی

تنجیکم من عذاب أليم . تؤمنون بالله ورسوله و تجهودون فی سبیل الله

عوامل نجات از عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۴،۴

۳- ایمان به قرآن ، پیروی از دستورات خدا و پرهیز از محرّمات ، وسیله محافظت آدمی در برابر مخاطرات و عذاب های روز قیامت است .

ءامنوا بما أنزلت .. و اتقوا يوماً

فرمان به گرفتن وقایه (وسیله محافظت) - پس از دعوت به ایمان (آمنوا بما أنزلت) و دیگر تکلیفهای یاد شده در آیه - می رساند که: وقایه آدمی در روز قیامت، همان ایمان به قرآن و .. خواهد بود.

۴- برپایی نماز ، پرداخت زکات و شرکت در نماز جماعت از جمله سبب های کارساز برای دور ماندن از عذاب ها و مخاطرات روز قیامت

و أقيموا الصلوة .. و اتقوا يوماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲۰

۲۰- نجات از عذاب اخروی خداوند منوط به هدایت و امداد اوست .

فهل أنتم مغنون عَنَّا من عذاب الله من شيء قالوا لو هدينا الله لهدينكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۵- اعتراف به حق در قیامت ، رهایی بخش از عذاب نیست .

إني كفرت بما أشركتمون

من قبل إن الظلمين لهم عذاب أليم

برداشت فوق بر این اساس است که <إن الظالمين لهم عذاب أليم> کلام خداوند باشد. از اینکه خداوند ماجرای برخورد مستکبران و پیروانشان و نیز برخورد آنها با شیطان و اعتراف شیطان به خطای خود در قیامت را بیان می کند و آن گاه می فرماید که برای ستمگران عذابی دردناک در نظر گرفته شده است، نکته فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۲ - ۹

۹ - ایمان ، نجات بخش آدمی از گرفتاری های قیامت است .

و لو تری إذ فزعوا فلا فوت . . . و قالوا ءامنا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۹

۹ - رهایی از عذاب و کیفر الهی در روز قیامت ، جز با در دست داشتن دلیل و حجت شرعی برای هیچ کس میسر نیست .

فانفذوا لاتنفذون إلا بسطن

یکی از کاربردهای <سلطان>، حجت و برهان است (لسان العرب). برداشت یاد شده مبتنی بر این کار برد و نیز مرتبط بودن آیه شریفه با مسأله قیامت است.

عوامل نجات از عذاب استیصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۳ - ۳

۳ ایمان ، وسیله نجات از عذاب استیصال است .

ثم ننجی رسلنا و الذین ءامنوا كذلك حقاً علينا ننج المؤمنین

عوامل نجات از عذاب دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - عبادت خداوند ، رعایت تقوای الهی و اطاعت

از پیامبران ، از موجبات آمرزش گناهان و نجات از عذاب الهی در دنیا

أَنْ اَعْبُدُوا اللّٰهَ .. یَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ یُوَخِّرْكُمْ اِلَىٰ اَجَلٍ مُّسَمًّى

عوامل نجات از غضب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱۳

۱۳ - رهایی یافتن یهود از خواری و درماندگی و برطرف شدن غضب الهی از آنان ، در گرو ایمان واقعی ایشان به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح است .

ضربت علیهم الذله والمسکنه .. من ءامن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً فلهم أج

در آیه قبل بیان شد که یهود بر اثر کفر و گناه به خواری، ذلت و غضب گرفتار شدند. آیه مورد بحث خصوصاً با توجه به اینکه از یهودیان نام برده (والذین هادوا) می تواند اشاره به این باشد که: راه نجات یهود از آن سرنوشت شوم ایمان و عمل صالح است.

عوامل نجات از فرجام شوم اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۴

۴ - حق پذیری ، تنها رمز سعادت و رهایی انسان از فرجام شوم اخروی

لقد جننکم بالحقّ و لکنّ اکثرکم للحقّ کرهون

تکرار لفظ <حقّ> و اکتفا نکردن به ضمیر، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که تنها حق پذیری، می تواند تعیین کننده سرنوشت انسان باشد.

عوامل نجات از فقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۲

۲ رهایی از تنگناها و دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف زندگی ، ثمره

ای برای هجرت در راه خدا

و من يهاجر في سبيل الله يجد في الارض مراغماً كثيراً وسعه

عوامل نجات از کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۹

۹ - رهایی از عذاب و کیفر الهی در روز قیامت ، جز با در دست داشتن دلیل و حجت شرعی برای هیچ کس میسر نیست .

فانفذوا لاتنفذون إلاّ بسطن

یکی از کاربردهای <سلطان>، حجت و برهان است (لسان العرب). برداشت یاد شده مبتنی بر این کار برد و نیز مرتبط بودن آیه شریفه با مسأله قیامت است.

عوامل نجات از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۱

۱ - مؤثر دانستن ثروت ، در جاودانگی و رهایی از نابودی و مرگ ، پنداری نادرست و ناروا است .

أخلده . کلاً

حرف <کلاً>، مخاطب را از پذیرش گفتارهای بیان شده در جملات پیش، بازمی دارد.

عوامل نجات از مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۶

۶ - نقش دین داری و خوشبینی به تأییدات الهی ، در دلگرمی به ادامه حیات و رهایی از پوچی و بن بست در زندگی

من كان يظنّ أن لن ينصره الله.. فليمدد... هل يذهب كیده ما يغیظ

عوامل نجات از مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۸

۸ - رهایی انسان از گرفتاری ها و مصیبت ها ، در گرو مشیت خداوند و بسته به لطف و رحمت او است .

و إذا

مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْبُ دَعَا رَبِّهِ مَنِيًّا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَهُ مِنْهُ

عوامل نجات از هلاکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۷

۷ خداوند در عین قدرت بر عذاب و نابودی مشرکان، آنان را از مهلکه ها نجات می دهد.

قل الله ينجيكم ممنها و من كل كرب . . قل هو القادر على أن يبعث عليكم عذابا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۱۲

۱۲- پیشرفت های اقتصادی و قدرت های چشم گیر حتی در عالی ترین شکل آن تضمین کننده نجات جامعه از نابودی نیست

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أحسن أثنا و رءیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۴ - ۶

۶ - راه توبه و بازگشت برای رهایی از پیامد های هلاکت بار برای همه گنه کاران باز است .

و أنیبوا إلی ربکم و أسلموا له من قبل أن یأتیکم العذاب

عوامل نجات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۴

۱۴ - پیروی از رهنمود های خداوند ، نجات دهنده انسان ها ، از عواقب دشمنی ها و کشمکش های زمینیان است .

بعضکم لبعض عدو فإما یأتیکم منی هدی

عوامل نجات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۸

۸ - پیروزی بنی اسرائیل در آزمون الهی با تحمل رنج ها و سختی ها ، موجب تحقق نصرت الهی و نجاتشان

شد .

یسومونکم سوء العذاب ... و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم. و إذ فرقنا بکم البحر

آیه قبل که بیانگر آزمون الهی از بنی اسرائیل و تحمل رنجها و سختیها از سوی آنان بود، توضیح دهنده سببیت بنی اسرائیل در شکافته شدن دریاست؛ یعنی، چون بنی اسرائیل آن گونه عمل کردند شایستگی آن را پیدا کردند که خداوند با شکافتن دریا، آنان را نجات دهد و دشمنانشان را هلاک سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۷

۷ - فضل و رحمت الهی بر بنی اسرائیل ، نجات دهنده آنان از زیان و خسران شد .

فلولا فضل الله علیکم و رحمته لکنتم من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۰ - ۹

۹ نجات بنی اسرائیل از شر فرعون و اطرافیانش ، ثمره استقامت و پایداری آنان بود .

فاستقیما .. و جوزنا ببنی إسرئیل البحر ... حتی إذا أدركه الغرق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۶

۶- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، نعمت چشمگیر و به یاد ماندنی خداوند بر آنان بود .

إذ قال موسى لقومه اذكروا نعمه الله علیکم إذ أنجکم من آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۶

۶ - نجات بنی اسرائیل از ستم فرعونیان ، بدون کوچ دادن آنان از مصر و بیرون آوردنشان از جامعه فرعونی ممکن نبود .

فأرسل معنا بنی إسرئیل و لاتعدّ بهم

عطف <لا تعذبهم>

بر <أرسل> گویای این نکته است که درخواست <ارسال> به منظور نجات از عذاب و شکنجه است بنابراین، بدون هجرت، امکان رهایی در کار نبوده است.

عوامل نجات پیروان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۲

۲ - پایبندی مستمر مؤمنان ثمود به تقوا و پرهیز از گناه ، عامل نجات آنان از عذاب الهی

و أنجینا الذین ءامنوا و كانوا یتقون

جمله <كانوا یتقون> ماضی استمراری است؛ یعنی، راز نجات مؤمنان در تقوای مستمر آنان نهفته است.

عوامل نجات تَضییع کنندگان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۱

۱- توبه ، ایمان واقعی و عمل صالح ، تنها راه رهایی ضایع کنندگان نماز و پیروان شهو ها از عذاب الهی است .

فسوف یلقون عِقَابًا . إِلَّا مِنْ تَابٍ وَ ءَامِنٍ وَ عَمَلٍ صَالِحًا

استثنا در <إِلَّا- مِنْ تَابٍ..> متصل است و مراد از توبه، پشیمانی از ضایع کردن نماز و پیروی از تمایلات نفسانی است. در مورد ایمان بدان جهت قید <واقعی> ذکر شده است که بر حسب ظاهر افراد یاد شده در آیه قبل، در زمره مؤمنان بودند؛ ولی نماز را ضایع می کردند؛ یعنی، ایمان ظاهری و اسمی را دارا بودند، ولی ایمان واقعی را نداشتند.

عوامل نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۳

۳- پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ مَجْرَمِينَ .

إِلَّا ءَالَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجِّوهُمْ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِّنْهُمْ .. نِعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا

عوامل نجات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۷

۷ - رعایت تقوای الهی ، مایه نجات انسان در روز حشر

و اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

عوامل نجات گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ مغفرت و رحمت الهی تنها امید و وسیله رهایی گناهکاران از خسران گناه است.

و إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

عوامل نجات لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِينِهِمْ .. نِعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا

عوامل نجات موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۹ - ۹

۹ - زنده گذاشتن موسی (ع) و چشم پوشی از قتل وی ، درخواست آسیه از فرعون

و قالت امرأت فرعون .. لا تقتلوه

عوامل نجات نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۹

۹ - نجات نوح (ع)

ع) و همراهان او ، پاداش عبودیت و شکرگزاری مداوم وی بود .

ذَرِيهٍ مِنْ حَمَلِنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا

<ذَرِيهٍ .. > اشاره به نجات همراهان نوح(ع) از غرق شدن دارد و جمله <إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا> می تواند تعلیل برای آن نجات باشد، یعنی، چون حضرت نوح(ع) عبدی شاکر بود، او و همراهانش را نجات بخشیدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۳

۳- نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَنْ كَانَ كُفْرًا

مراد از <لِمَنْ كَانَ كُفْرًا> نوح است که مورد کفران مستمر قومش قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

عوامل نجات همسفران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۹

۹- نجات نوح (ع) و همراهان او ، پاداش عبودیت و شکرگزاری مداوم وی بود .

ذَرِيهٍ مِنْ حَمَلِنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا

<ذَرِيهٍ .. > اشاره به نجات همراهان نوح(ع) از غرق شدن دارد و جمله <إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا> می تواند تعلیل برای آن نجات باشد، یعنی، چون حضرت نوح(ع) عبدی شاکر بود، او و همراهانش را نجات بخشیدیم.

عوامل نجات هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۱

۱- توبه ، ایمان واقعی و عمل صالح ، تنها راه رهایی ضایع کنندگان نماز و پیروان شهو ها از عذاب الهی است .

يلقون غيًّا . إلا من تاب و ءامن و عمل صلحًا

استثنا در <إلا- من تاب.. > متصل است و مراد از توبه، پشیمانی از ضایع کردن نماز و پیروی از تمایلات نفسانی است. در مورد ایمان بدان جهت قید <واقعی > ذکر شده است که بر حسب ظاهر افراد یاد شده در آیه قبل، در زمره مؤمنان بودند ولی نماز را ضایع می کردند؛ یعنی، ایمان ظاهری و اسمی را دارا بودند، ولی ایمان واقعی را نداشتند.

عوامل نجات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۲

۲ امداد خداوند ، مایه رهایی یوسف (ع) از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشراف شد .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهن

عوامل نجات یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱۳

۱۳ - رهایی یافتن یهود از خواری و درماندگی و برطرف شدن غضب الهی از آنان ، در گرو ایمان واقعی ایشان به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح است .

ضربت عليهم الذله و المسکنه . . من ءامن بالله و الیوم الآخر و عمل صلحاً فلهم أجمع

در آیه قبل بیان شد که یهود بر اثر کفر و گناه به خواری، ذلت و غضب گرفتار شدند. آیه مورد بحث خصوصاً با توجه به اینکه از یهودیان نام برده (والذین هادوا) می تواند اشاره به این باشد که: راه نجات یهود از آن سرنوشت شوم ایمان و عمل صالح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ -

۹ توبه و بازگشت به خدا، راه نجات یهودیان از ذلت و بیرون آمدن از سلطه عذاب کنندگان ایشان است .

و إذ تأذن ربك ليعثن ... و إنه لغفور رحيم

هدف از تذکر بخشایشگری و مهربانی خداوند پس از بیان گرفتاری یهودیان به شکنجه و سلطه دیگران، این است که آنچه بر یهود از جانب خداوند مقدر شده است، تا زمانی است که از فرمانهای الهی سرپیچی کنند.

غرق نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۳

۳- امکان بازگشت دوباره نجات یافتگان از خطر دریا به آن و گرفتار شدن به طوفان دریایی و غرق شدن

أم أمتتم أن يعيدكم فيه تاره أخرى

فضیلت نجات مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ - نجات مظلومان از یوغ ستم و بردگی و رهایی آنان از سلطه نظام های غیر توحیدی، مطلوب خداوند و همسو با اهداف رسولان الهی است .

اذهبا .. فأرسل معنا بنی إسرءیل

فلسفه شرک نجات یافتگان از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۵

۵ - هدف رهیدگان از ناگواری ها، از گرایش به شرک، انکار خدایی بودن نجات شان است .

إذا مسّ الناس ضرّ ... ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه ... یشركون . لیکفروا

<لام> در <لیکفروا> لامِ عاقبت است و مفید این نکته است که آنان، مشرک شدند تا سرانجام کفران نعمت کنند.

کیفر اسناد نجات بخشی به غیر خدا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ - ۱۱

۱۱- نسبت دادن نجات از گرفتاری که کار خداست به غیر او ، مورد مؤاخذه شدید قرار خواهد گرفت .

ثم إذا كشف الضر عنكم إذا فریق منكم برّبهم یشركون .. و يجعلون لما لا یعلمون نص

لاوی و نجات بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۶

۶ ناراحتی و شرمساری فرزند ارشد یعقوب از توفیق نیافتن در عمل به عهد و پیمان خویش (بازگرداندن بنیامین)

قال کبیرهم .. قد أخذ علیکم موثفاً ... فلن أبرح الأرض

لاوی و نجات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۴،۶

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لا تقتلوا یوسف .. و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

۶ لاوی قرار دادن یوسف (ع) را در چاه ، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف (ع) و مایه نجات او از مرگ می دید .

یلتقطه بعض السیّاره

التقاط (مصدر یلتقطه) به معنای یافتن

و برگرفتن است.

محدوده نجات از هلاکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۲

۲- رهایی انسان از مهلکه ای ، ایمنی بخش همیشگی وی از قهر الهی نخواهد بود .

نَجِّكُمْ إِلَى الْبِرِّ .. أَفَأَمْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبِرِّ

مظاهر نجات بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۱

۱ خداوند تنها نجاتبخش آدمیان از مهلکه ها و از هر گونه اندوه و سختی است.

قُلْ مَنْ يَنْجِيكُمْ .. قُلْ اللَّهُ يَنْجِيكُمْ

معبودان باطل و نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۸

۸ بت ها و خدایان پنداری ، هرگز به فریاد پرستشگران خویش نمی رسند و نمی توانند حتی اندکی از عذاب های الهی را از آنان دور سازند .

فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ

مکذبان نجات بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۲

۲- هدف رهیدگان از ناگواری ها از گرایش به شرک ، انکار خدایی بودن نجاتشان است .

ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضَّرُّ . . . لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَهُمْ

لام <لیکفروا> احتمال دارد به معنای <کی> باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: آنان شرک ورزیدند تا اثبات کنند که نجاتشان از جانب خداوند نبوده است. در این برداشت مراد از <ما ءاتیناهم> رفع ناگواری و معنای <یکفروا> همان پوشاندن و انکار کردن است.

منشأ نجات

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۲

۲ - انسان های گرفتار در سختی ها و تنگنا ها ، مرجع خود را ، خداوند می دانند و برای نجات خویش ، به او روی می آورند .

و إذا مسّ الناس ضرّ دعوا ربّهم منینین إلیه

<إنابه> مصدر <منیب> به معنای <رجوع مکرّر در مکرّر> است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۵

۵ - هدف رهیدگان از ناگواری ها ، از گرایش به شرک ، انکار خدایی بودن نجات شان است .

إذا مسّ الناس ضرّ . . . ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه ... یشرکون . لیکفروا

<لام> در <لیکفروا> لام عاقبت است و مفید این نکته است که آنان، مشرک شدند تا سرانجام کفران نعمت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - نجات دهنده انسان ها از شداید و گرفتاری های سخت ، خداوند است .

و إذا غشیهم موج . . . فلما نجّیهم إلی البرّ

منشأ نجات ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۴

۴ - لطف و عنایت خدا ، موجب شکست توطئه مشرکان علیه ابراهیم (ع) و پیروزی آن حضرت در برابر آنان

فأرادوا به کیداً فجعلنهم الأسفلین

<أسفل> (مفرد <أسفلين>) در اصل به معنای فروتر است؛ ولی در آیه شریفه کنایه از شکست و به معنای مغلوب می باشد؛ زیرا انسان غالب، احساس برتری و انسان مغلوب، احساس فروتری می کند.

منشأ نجات از بلایای طبیعی

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۸

۸- هیچ کس و هیچ ملجأیی جز خداوند ، توان نجات انسان ها را از مرگ حتمی در برابر حوادث طبیعی ندارد .

و إِذَا مَسَّكُمُ الضَّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مِنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ فَلَمَّا نَجَّكُم إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ

از اینکه خداوند در آیه قبل فرمود: <انسان به هنگام گرفتار شدن به خطر حتمی، تنها به یاد خدا و قدرت نجات بخش او می افتد و پس از رهایی فراموش می کند> و نیز از اینکه در آیه بعدی هشدار داد که هیچ گاه نباید احساس ایمنی کنند، نشان می دهد که تنها اوست که می تواند انسان را از مرگ حتمی نجات بخشد.

منشأ نجات از جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۵ - ۳،۴

۳ - خروج انسان از نادانی ، در گرو خواست خداوند و به دست او است .

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم

۴ - رها ساختن انسان از جهل ، جلوه کرم والای خداوند است .

و رَبِّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي ... عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم

منشأ نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - اعتراف متقین به نقش اصلی ربوبیت خداوند ، در هدایت آنان به بهشت و نجات از دروخ

فَكَهِنَ بِمَا آتَاهُمُ رَبُّهُمْ وَ وَقِيَهُمُ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

قید <بما آتاهم..> می رساند که پارسایان بهشتی، در عین برخورداری از نعمت ها، گرفتار غفلت نشده و مغرور به تقوای خود نمی باشند؛ بلکه توجه دارند که به

هر نعمتی رسیده اند و از هر بلایی که رهیده اند جز در پرتو امداد و رهنمودهای رشد آفرین خداوند و الطاف او نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۱

۱- اذعان متقین در بهشت ، به نقش لطف الهی در رهایی آنان از عذاب دوزخ و ورود ایشان به بهشت

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ

منشأ نجات از حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۷

۷- نجات از خطراتی که مرگ قطعی برای انسان می آورد ، تنها به عنایت خداوند امکان پذیر است .

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضَّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ فَلَمَّا نَجَّكُم إِلَى الْبَرِّ

منشأ نجات از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۹

۹ - نجات دهنده گرفتاران ، از خطر ، خداوند است .

فَلَمَّا نَجَّيْهِمْ

منشأ نجات از دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹ - ۴

۴- نجات و رهایی مردم از دست دشمنان ، در گرو مشیت الهی است .

فَأُنَجِّيْهِمْ وَ مِنْ نَشَاءِ

منشأ نجات از ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۱

۱۱- تحمیل بدترین شکنجه ها و آزار بر قوم موسی (بنی اسرائیل) ، شیوه مستمر فرعونیان

یسومونکم سوء العذاب

<یسومون> از <سوم>، به معنای تحمیل شکنجه و عذاب، است و فعل مضارع آوردن آن، می تواند اشاره به تداوم آن باشد.

منشأ نجات از عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۱ - ۱

۱ - خداوند ، نجات بخش تقوایپیشگان از عذاب قیامت

أليس في جهنم مثوى للمتكبرين . و ينجي الله الذين اتقوا

منشأ نجات از عذاب برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۵ - ۹

۹ - رهایی از عذاب الهی در دنیا و آخرت ، جز با جلب رضای خداوند و با اراده او ممکن نیست .

فلم يجدوا لهم من دون الله أنصارًا

برداشت یاد شده، از تعبیر <من دون الله> (بدون خداوند) استفاده می شود.

منشأ نجات از عذاب دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۵ - ۹

۹ - رهایی از عذاب الهی در دنیا و آخرت ، جز با جلب رضای خداوند و با اراده او ممکن نیست .

فلم يجدوا لهم من دون الله أنصارًا

برداشت یاد شده، از تعبیر <من دون الله> (بدون خداوند) استفاده می شود.

منشأ نجات از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۷ - ۲

۲- توفیق نجات از پیامد های هلاکت بار معاشرت با افراد فاسد و منحرف ، نعمت و لطف الهی است .

و لولا نعمه ربّی لکننت من المحضّرين

منشأ نجات از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۷

۷- نجات از خطراتی که مرگ قطعی برای انسان می آورد ، تنها به عنایت خداوند امکان پذیر است .

و إذا مسکم

الضَّرِّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۸

۸- هیچ کس و هیچ ملجایی جز خداوند ، توان نجات انسان ها را از مرگ حتمی در برابر حوادث طبیعی ندارد .

و إِذَا مَسَّكُمُ الضَّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ

از اینکه خداوند در آیه قبل فرمود: <انسان به هنگام گرفتار شدن به خطر حتمی، تنها به یاد خدا و قدرت نجات بخش او می افتد و پس از رهایی فراموش می کند> و نیز از اینکه در آیه بعدی هشدار داد که هیچ گاه نباید احساس ایمنی کنند، نشان می دهد که تنها اوست که می تواند انسان را از مرگ حتمی نجات بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۴ - ۲

۲- رحمت خدا و تقدیر زندگی محدود و موقت دنیا ، فلسفه استمرار حیات بشر و نجات او از عوامل مرگ و نابودی است .

و لَا هُمْ يَنْقُذُونَ . إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَ مَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ

منشأ نجات انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۴

۴- رهایی پیامبران از فریب ها و وسوسه های کافران ، در پرتو تذکرات و رهنمود های خداوند است .

فَلَا يَصِدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا

منشأ نجات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۱۰

۱۰- برطرف شدن تاریکی شب و شکافتن آن

با طلوع صبحدم به تدبیر خداوند ، دلیل توانمندی او بر نجات انسان ها از حوادث خطرناک

قل أعوذ ربّ الفلق

منشأ نجات بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۱۴

۱۴ ترحم خدا بر برخی انسان ها و نجات آنان از سیطره نفس اماره ، برخاسته از رحمت و غفران اوست .

إن النفس .. إلا ما رحم ربی إن ربی غفور رحیم

منشأ نجات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۲

۲ خداوند با بعثت موسی ، بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان و شکنجه های سهمگین آنان رها ساخت .

و إذ أنجینکم من آل فرعون یسومونکم سوء العذاب

در جمله <هو فضلکم> (او شما را برتری بخشید)، برتری دادن تنها به خداوند نسبت داده شده است، ولی در جمله دوم <أنجیناکم> (ما شما را نجات دادیم) نسبت نجات بخشی به ضمیر <نا> (یعنی ما) داده شده است. از این مقابله می توان فهمید که خداوند در نجات بخشی نظر به اسباب نیز دارد که به مناسبت، سبب آن بعثت حضرت موسی است. بنابراین <أنجیناکم> یعنی ما با بعثت موسی شما را نجات دادیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۵ - ۱

۱ - نجات یافتن موسی (ع) و همراهان وی (بنی اسرائیل) از شر فرعونیان ، با عبور از دریا به اراده الهی بود .

و أنجینا موسی و من معه أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵ - ۲،۳

۲ - تعلق اراده الهی بر تغییر تحولات مصر به نفع بنی اسرائیل و رهانیدن آنان از استضعاف فرعون

و نريد أن نمَنَّ على الذين استضعفوا في الأرض

۳ - نجات از حکومت بسیار خشن و بی رحم فرعون ، امتنانی بزرگ و نعمتی گران سنگ از سوی خدا به بنی اسرائیل بود .

و نريد أن نمَنَّ على الذين استضعفوا في الأرض

<نمَنَّ> از ریشه <مَنَّه> مشتق شده است و <مَنَّه> به نعمت سنگین گفته می شود (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶ - ۱

۱ - تعلق اراده الهی بر اختصاص دادن نقطه ای از زمین (ارض مقدس) به بنی اسرائیل [زمان موسی و فرعون] در خارج از کشور مصر

و نمكّن لهم في الأرض

<تمكین> از ریشه <مکان> و به معنای اسکان دادن است. بنابراین <نمكّن لهم في الأرض> یعنی، <نجعل لهم مكاناً يستقرون فيه>. گفتنی است <ارض مقدس> مکان و سرزمینی بود که خداوند برای بنی اسرائیل مقرر فرموده بود (ادخلوا الأرض المقدسه التي كتب الله لكم)، (مائده، آیه ۲۱).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۰ - ۱

۱- نجات بنی اسرائیل از زندگی سخت و خفت بار به اراده الهی

و لقد نجّينا بنی إسرئیل من العذاب المهین

منشأ نجات بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بهشتیان ، رهایی خود از پیامد های هلاکت بار هم نشینی با کافران دوزخی را ، مدیون لطف خدا

و به توفیق او می دانند .

و لولا نعمه ربّی لکننت من المحضّرين

منشأ نجات پیروان صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۱

۱ - نجات یافتن مؤمنان پیرو صالح ، از عذاب نازل شده بر ثمودیان به اراده الهی

و أنجینا الذین ءامنوا

منشأ نجات پیروان نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۲

۲ - حمایت و لطف الهی ، عامل اصلی نجات نوح (ع) و مؤمنان به آن حضرت از مهلکه طوفان ؛ و نه صرفاً ابزار مادی (کشتی) *

تجری بأعیننا

در صورتی که <بأعیننا> کنایه از نظارت، حمایت و لطف الهی باشد، ذکر <تجری بأعیننا> پس از <حملناه علی ذات..> بیانگر این معنا است که هر چند کشتی نوح از ابزار بایسته ای ساخته شده بود؛ اما این حمایت و نظارت لحظه به لحظه ما بود که در نهایت کارساز و نجات آفرین بود.

منشأ نجات خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۲

۲ - نجات لوط (ع) و همه کسانش ، به اراده خداوند و در پی استمداد وی برای رهایی از مکافات عمل قومش

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون . فنجّینه و أهله أجمعین

منشأ نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۴

۴ - نجات نوح (ع) و خاندان و همراهان او از شر ستمگران ، به اراده

خداوند

فقل الحمد لله الذي نَجَّنا من القوم الظلمين

منشأ نجات غرق شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۴ - ۱

۱ - جز رحمت خدا، هیچ چیز موجب نجات کسانی نمی شود که به مشیت خدا در آستانه غرق شدن قرار دارند .

و إن نشأ نغرقهم .. إلا رحمه مَّا

استثنا در <إلا رحمه..> استثنای مفرغ (به حذف مستثمانه) و به تقدیر <لا ینقذون لأی شیء من الأشياء إلا لرحمه...> می باشد.

منشأ نجات قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۵

۵ - خداوند، با خنثی کردن توطئه اصحاب فیل، قریش را از خطر از هم گسیختگی رهانید .

لایلف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱

۱ - خداوند، قریش را از گرسنگی رهانید و مواد غذایی آنان را تأمین کرد .

الذی أطعمهم من جوع

حرف <من> یا تعلیلی است و یا بدلی، یعنی، به دلیل گرسنگی یا به جای آن. در هر دو صورت، بیانگر وجود زمینه گرسنگی در قریش است؛ به گونه ای که اگر خداوند آنان را اطعام نمی کرد، راهی دیگر نداشتند.

منشأ نجات لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۲

۲ - نجات لوط (ع) و همه کسانش ، به اراده خداوند و در پی استمداد وی برای رهایی از مکافات عمل قومش

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ . فَنجينه و أهله أجمعين

منشأ نجات متقين

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۵

۵ - خداوند ، نجات دهنده مؤمنان تقوایپیشه از گرداب های سخت و بلا های فراگیر

أنا دمرنهم و قومهم أجمعين . . . و أنجينا الذين ءامنوا و كانوا يتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - اعتراف متقین به نقش اصلی ربوبیت خداوند ، در هدایت آنان به بهشت و نجات از دروخ

فكهنين بما ءاتيهن ربهم و وقيهن ربهم عذاب الجحيم

قید <بما آتاهم..> می رساند که پارسایان بهشتی، در عین برخورداری از نعمت ها، گرفتار غفلت نشده و مغرور به تقوای خود نمی باشند؛ بلکه توجه دارند که به هر نعمتی رسیده اند و از هر بلایی که رهیده اند جز در پرتو امداد و رهنمودهای رشد آفرین خداوند و الطاف او نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۱

۱ - اذعان متقین در بهشت ، به نقش لطف الهی در رهایی آنان از عذاب دوزخ و ورود ایشان به بهشت

فمنّ الله علينا و وقينا عذاب السموم

منشأ نجات متقین قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۸ - ۲

۲ - خداوند ، مؤمنان تقوایپیشه قوم عاد و ثمود را از عذاب نازل شده نجات داد .

و نَجِّينَا الَّذِينَ ءَامَنُوا و كَانُوا يَتَّقُونَ

مراد از <الذين آمنوا> به قرینه سیاق مؤمنان هر دو قوم عاد و ثمود است.

منشأ نجات متقين قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۸ - ۲

۲ - خداوند ، مؤمنان تقوایبیشه قوم عاد و ثمود را از عذاب نازل شده نجات داد .

و نَجِّينَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ

مراد از <الذین آمنوا> به قرینه سیاق مؤمنان هر دو قوم عاد و ثمود است.

منشأ نجات محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۲ - ۷

۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را از گرفتاری به سنت های دوران جاهلیت رها کنید .

و وضعنا عنك وزرك

منشأ نجات مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۶

۶ - فضل و رحمت خدا ، مردم صدر اسلام را که ندانسته در گسترش توطئه < افک > دخالت داشتند ، از گرفتار شدن به عذاب دنیوی و اخروی نجات بخشید .

و لولا فضل الله عليكم و رحمته

به قرینه آیه پیش و نیز آیه ۱۴ ، جمله < و لولا فضل الله > ، به تقدیر < و لولا فضل الله عليكم و رحمته مسكم عذاب في الدنيا و الآخرة > می باشد .

منشأ نجات موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۸ - ۴

۴ - خداوند ، راهنمای موسی (ع) در لحظات حساس و سرنوشت ساز و رهاننده او از بحران های روحی و اضطراب های درونی

قلنا لاتخف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۵ - ۱

۱ - نجات یافتن موسی (ع) و همراهان وی (بنی اسرائیل

(از شرّ فرعونیان ، با عبور از دریا به اراده الهی بود .

و أنجینا موسی و من معه أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۳،۴

۳ - غلبه اراده الهی بر خواست و تصمیم فرعون در نابود کردن موسی (ع)

یذبح أبناءهم .. فرددنه إلی أمه

موسی(ع) زمانی به دنیا آمد که فرعون به بهانه از بین بردن او، هر کودک پسر بنی اسرائیلی را سر می برید اما خداوند حوادث را طوری ترتیب داد که شخص فرعون به حمایت از موسی(ع) برخیزد و او را تحت سرپرستی خود قرار دهد.

۴ - تعلق اراده الهی بر بازگرداندن سریع موسی (ع) و دیر نپاییدن زمان جدایی میان او و مادرش

فرددنه إلی أمه

به کارگیری <فاء> عاطفه که برای بیان عدم تراخی است نشان می دهد که زمان جدایی میان موسی(ع) و مادرش به قدری کوتاه بود که می توان آن را نادیده گرفت.

منشأ نجات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۵ - ۴

۴ - اقدام خداوند بر نجات دادن رهروان راه خود در سخت ترین شرایط

و أنجینا موسی و من معه أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۵

۵ - خداوند ، نجات دهنده مؤمنان تقوایپیشه از گرداب های سخت و بلا های فراگیر

أنا دمرنهم و قومهم أجمعین .. و أنجینا الذین ءامنوا و كانوا یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷

۲ - تقدیر عذاب برای کافران و نیز نجات مؤمنان ، متکی به اراده الهی است .

فَأُنجِيهِمْ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا مِنَ الْغَابِرِينَ

برداشت یاد شده با توجه به انتساب فعل <أُنجينا> و <قَدَّرْنَا> به خداوند است.

منشأ نجات مؤمنان قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۸ - ۲

۲ - خداوند ، مؤمنان تقوایبشه قوم عاد و ثمود را از عذاب نازل شده نجات داد .

و نَجَّيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ

مراد از <الذين آمنوا> به قرینه سیاق مؤمنان هر دو قوم عاد و ثمود است.

منشأ نجات مؤمنان قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۸ - ۲

۲ - خداوند ، مؤمنان تقوایبشه قوم عاد و ثمود را از عذاب نازل شده نجات داد .

و نَجَّيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ

مراد از <الذين آمنوا> به قرینه سیاق مؤمنان هر دو قوم عاد و ثمود است.

منشأ نجات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۴

۴ - نجات نوح (ع) و خاندان و همراهان او از شر ستمگران ، به اراده خداوند

فقل الحمد لله الذي نجّنا من القوم الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۲

۲ - نجات نوح (ع) و همراهانش ، به اراده خدا و در پی استمداد وی برای رهایی از شرّ کافران

و نجّنی و من معی ... فأنجینه و من معه فی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۲

۱ - نجات یافتن نوح (ع) از طوفان ، به اراده الهی بود .

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

۲ - نقش عوامل و اسباب طبیعی ، در تحقق اراده الهی برای نجات نوح (ع)

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

تعبیر <و حملناه علی ذات ألواح ..> بیانگر این معنا است که: <خداوند برای تحقق اراده خویش، عوامل طبیعی (کشتی) را به کار می گیرد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۲

۲ - حمایت و لطف الهی ، عامل اصلی نجات نوح (ع) و مؤمنان به آن حضرت از مهلکه طوفان ؛ و نه صرفاً ابزار مادی (کشتی) *

تجری بأعیننا

در صورتی که <بأعیننا> کنایه از نظارت، حمایت و لطف الهی باشد، ذکر <تجری بأعیننا> پس از <حملناه علی ذات ..> بیانگر این معنا است که هر چند کشتی نوح از ابزار بایسته ای ساخته شده بود؛ اما این حمایت و نظارت لحظه به لحظه ما بود که در نهایت کارساز و نجات آفرین بود.

منشأ نجات همسفران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۴

۴ - نجات نوح (ع) و خاندان و همراهان او از شر ستمگران ، به اراده خداوند

فقل الحمد لله الذي نَجَّنا من القوم الظلمين

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۲

- نجات نوح (ع) و همراهانش ، به اراده خدا و در پی استمداد وی برای رهایی از شر کافران

و نَجْنِي و من معي .. فَأُنَجِّينَهُ و من معه في الفلك

منشأ نجات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۵

۵ سرگذشت یوسف (ع) (نجات از چاه کنعان تا رسیدن به وزارت و نیل به قدرت) به اراده خداوند و بر اساس تدبیر او بود

و كذلك مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ

منشأ نجات یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۱

۱ - یونس (ع) با اراده الهی ، از شکم ماهی در زمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی بیرون افکنده شد .

فنبذنه بالعراء

<نبذ> (مصدر <نبذنا>) به معنای افکندن است و <عراء> به سرزمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۲

۲ - نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس (ع) ، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء

موانع نجات اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - راه نجات از عذاب جهنم ، بر روی ستمکاران و گمراه شدگان از سوی خدا ، مسدود است .

و من یضلل الله فما له من سبیل

برداشت یاد شده بر این اساس

است که آیه شریفه، ناظر به وضعیت گمراه شدگان در قیامت باشد.

موانع نجات اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۵

۵ - راه نجات از عذاب جهنم، بر روی ستمکاران و گمراه شدگان از سوی خدا، مسدود است.

و من یضلل الله فما له من سبیل

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه شریفه، ناظر به وضعیت گمراه شدگان در قیامت باشد.

موانع نجات از تحیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۸

۸ کفرپیشگان منکر قرآن راهی برای نجات از تحیر و سرگردانی ندارند.

و یدرهم فی طغینهم یعمهون

معنای جمله <یدرهم...> بنابراینکه <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> باشد، چنین می شود: خداوند منکران قرآن را رها نمی سازد تا همچنان در وادی طغیان، سرگردان بمانند.

موانع نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۲

۲۲ ستمکاران هیچ یآوری برای نجات از آتش دوزخ ندارند.

و ما للظلمین من انصار

موانع نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۱۹

۱۹ هیچ فدیة ای از بازیچه قرار دهندگان دین، برای رهایی آنان از عذاب پذیرفته نمی شود.

اتخذوا دینهم لعبا . . . و إن تعدل کل عدل لا یؤخذ منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۶

۶ جدایی دیرینه زن لوط از آیین و روش

همسرش ، عامل جدا ماندن وی از خانواده لوط و نجات نیافتن از عذاب الهی

إلا امرأته كانت من الغبرین

موجبات نجات از اندوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۱

۱ ایمان به خدا و قیامت و انجام عمل صالح ، شرط رهایی مسلمانان ، یهودیان ، صائبی ها و نصارا از هرگونه ترس و اندوه

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبْثُونَ وَالنَّصْرَى ... وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

<صائبی> که مفرد <صابئون> است به کسی گفته می شود که آیین خویش را رها کرده و به آیینی دیگر گرویده باشد ؛
با توجه به این معنا می توان گفت مصداق مورد نظر از <الصَّبْثُونَ> در این آیه به قرینه وقوع آن بین <الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ
هادوا> <و النصری>، کسانی هستند که با ترک اسلام و یا یهودیت پذیرای آیین نصارا شده باشند.

موجبات نجات از ترس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۱

۱ ایمان به خدا و قیامت و انجام عمل صالح ، شرط رهایی مسلمانان ، یهودیان ، صائبی ها و نصارا از هرگونه ترس و اندوه

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبْثُونَ وَالنَّصْرَى ... وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

<صائبی> که مفرد <صابئون> است به کسی گفته می شود که آیین خویش را رها کرده و به آیینی دیگر گرویده باشد ؛
با توجه به این معنا می توان گفت مصداق مورد نظر از <الصَّبْثُونَ> در این آیه به قرینه وقوع آن بین <الَّذِينَ ءَامَنُوا و

الذین هادوا < و النصری >، کسانی هستند که با ترک اسلام و یا یهودیت پذیرای آیین نصارا شده باشند.

موجبات نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۷

۷ - اطاعت از خداوند و رسول او ، نجات بخش آدمی از آتش جهنم است .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یتینا أطعنا الله و أطعنا الرسولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۲ - ۴

۴ - پذیرش تذکرات قرآن و خشیت و هراس در برابر خداوند ، مایه رهایی از آتش دوزخ

سیدّکر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۹ - ۲

۲ - بذل مال بدون چشمداشت ، از عوامل دور ماندن از آتش جهنم است .

سیجنّبها .. یؤتی ماله ... و ما لأحد عنده من نعمه تجزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۲

۲ - بذل مال در صورتی نشانه برترین تقوا و مایه تزکیه نفس و نجات از آتش است که تنها به نیت دستیابی به لطف خداوند باشد .

الأتقی . الذی یؤتی ماله ... إلا ابتغاء وجه ربّه

موجبات نجات از خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۴

۴ پیروی از قرآن و رسول خدا عامل رهایی از افکار و اندیشه های خرافی

ما جعل الله من بحيره .. تعالوا إلى ما أنزل الله

و إلى الرسول

موجبات نجات از سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۰ - ۷

۷- رهایی انسان از گرفتاری های روز قیامت ، تنها در پرتو ولایت خداوند و اطاعت از او است .

و لا یغنی عنهم .. و لا ما اتخذوا من دون الله أولیاء

موجبات نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۲

۲ ایمان به خدا و شکر نعمت های او ، موجب گرفتار نشدن انسان به عذاب دوزخ است .

ما یفعل الله بعدابکم إن شکرتم و ءامنتم

مراد از عذاب به قرینه آیه ۱۴۵ (فی الدرک الاسفل من النار)، آتش جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۵

۵ ایمان و تقوا و تقرب به خداوند و جهاد در راه او ، راه نجات از عذاب قیامت

یا یها الذین ءامنوا اتقوا الله .. لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۴،۴۱

۳۴ رسول خدا (ص) ، دارای حق شفاعت در هدایت انسان ها و نجات آنان از عذاب

و من یرد الله فتنته فلن تملک له من الله شیئاً

کلمه <من الله> می رساند که پیامبر(ص) نسبت به گروه یاد شده از جانب خداوند، توانی بر نجات آنان از عذاب و ضلالت ندارد. و مفهوم آن این است که نسبت به دیگران ماذون به هدایت و نجات می باشد. و این هدایتگری و نجات بخشی از

جانب خدا به وی داده شده است. یعنی پیامبر(ص) واسطه و شفیع برای هدایت و نجات کسانی است که شایسته آن باشند.

۴۱ ناپاکی جان و دل منافقان و یهودیان ، موجب محرومیت آنان از شفاعت رسول خدا (ص) برای هدایت و نجاتشان از عذاب *

و من یردالله فتنه فلن تملک له .. أولئک الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۴ - ۴

۴ بازگشت به توحید و طلب آموزش از خداوند ، راه نجات مشرکان ، از عذاب دردناک

لیمسن الذین کفروا منهم عذاب الیم .. افلا یتوبون إلى الله و یتغفرونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۸ - ۶

۶ نجات از عقاب شدید الهی تنها در پرتو مغفرت و رحمت الهی میسر است .

اعلموا إنّ الله شدید العقاب و إنّ الله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۷

۷ منکران قرآن پس از برپایی قیامت در آرزوی یافتن شفیعان نجات دهنده از عذاب و یا بازگشت به دنیا برای انجام اعمالی سعادت آفرین

یقول الذین نسوه .. فیشفعوا لنا او نرد فنعمل غیر الذین کنا نعمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۱۳

۱۳ هود برحذردارنده قوم خویش از گرفتار شدن به عذاب های الهی به سبب پرستش نکردن خدای یکتا و پرهیز نکردن از گرایش های شرک آلود

أفلاتتقون

<اتقاء> مصدر <تقون> به معنای گرفتن

حفاظ برای دوری از مکروه و مانع شدن از رسیدن مکروه است. در اینجا به مناسبت مورد و تأیید آیات بعد (همانند آیه ۷۰)، مراد از مکروه، عذابهای الهی است، یعنی: أفلا تتقون عذاب الله.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۶ - ۱۲

۱۲ ایمان و تقوای جوامع انسانی موجب رهایی آنان از عذاب های الهی است .

و لو أن أهل القرى ءامنوا و اتقوا .. و لكن كذبوا فأخذنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱۷

۱۷ موحدان ، پرداخت کنندگان زکات و مؤمنان به آیات الهی ، مصون از عذاب های الهی هستند .

عذابی أصیب به من أشاء و رحمتی .. فسأکتبها للذین ... بایتنا يؤمنون

جمله <سأکتبها> به منزله تفسیری است برای <من أشاء>. یعنی بیان می کند که چه کسانی مصون از عذاب الهی هستند و مشیت الهی بر عذاب نکردن آنان تعلق نمی گیرد و چه کسانی در خطر گرفتار شدن به عذاب الهی هستند. منطوق جمله <سأکتبها> بیانگر طایفه اول و مفهوم آن بیانگر طایفه دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱۲

۱۲ نهی از منکر مایه رهایی یافتن از عذاب های تعیین شده برای جوامع گنهکار است .

أنجینا الذین ینهون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱۵، ۱۶

۱۵ راه نجات از عذاب برزخ ، توبه به درگاه خدا

و جلب رحمت اوست .

من يسومهم سوء العذاب .. إنه لغفور رحيم

۱۶ خداوند با گسترش رحمت خویش بر گنهکاران تائب ، آنان را می بخشاید و به عذاب برزخی گرفتار نمی سازد .

و إنه لغفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۰ - ۳

۳ - عبودیت خالص برای خدا ، موجب رهایی از عذاب الهی است .

إنکم لذائقوا العذاب الأليم .. إلاّ عباد الله المخلصين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۴

۲۴- حضور مؤمنان در محیط زندگی کافران مکه ، باعث نجات موقت کفار از عذاب الهی

لو تزیلوا لعذبنا الذين كفروا منهم

موجبات نجات از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۸

۱۸ رهایی از کیفر گناهان ، در گرو پذیرش احکام الهی و قضاوت های پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما یریدالله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ ایمان ، عمل صالح ، تقوا و ایمان عامل رهایی از مؤاخذه بر کردار های ناروای گذشته

ليس على الذين آمنوا و عملوا الصلحت . . و آمنوا ثم اتقوا و احسنوا

ناپسندی شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - رویکرد افراد رهیده از سختی ها و ناملايمات به شرک ، به رغم توجه شان به خداوند ، به هنگام ابتلا

، امری غیر منتظره و ناشایست است .

ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يَشْرَكُونَ

<إِذَا> در عبارت <إِذَا فَرِيقٌ..> فجایبه است. کاربرد آن، در جایی است که حادثه ای به صورت غیرمنتظره رخ بدهد. تکرار <رَبِّهِمْ> با این بیان که ذکر <رَبِّهِمْ> إشعار به این نکته دارد که آنان به رغم این که خداوند، پروردگارشان است، چنان کردند، مؤید این مطلب است.

نجات آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۲

۲- حضرت ابراهیم (ع) برای هدایت آزر به توحید و نجات وی از عذاب الهی ، تلاشی دلسوزانه داشت .

يَأْتِ بِإِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمْسُكَ عَذَابُ مِنَ الرَّحْمَنِ

نجات ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۱

۱- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از نیرنگ ها و دسیسه های قوم خود ، به اراده الهی نجات یافتند .

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا .. وَ نَجَّيْنَاهُ وَ لُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۱۲ ، ۱۰

۱۰ - خداوند ، ابراهیم (ع) را از آتش نجات داد .

أَوْ حَرَّقُوهُ فَأَنْجِيهِ اللَّهُ مِنَ النَّارِ

۱۲ - نجات حضرت ابراهیم (ع) از مجازات قوم اش (آتش ، گستردگی آتش ، پرتاب کردن ، ...) ، نشانه های چندی از خدا ، برای اهل ایمان است .

فأنجيه الله من النار إنّ في ذلك لأيت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - حضرت ابراهیم (ع) پس از نجات از آتش، قوم خود را رها نکرد و به ارشاد آنان پرداخت.

فأنجيه الله من النار .. و قال إنما اتخذتم من دون الله أوثناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۳

۳ - حضرت ابراهیم (ع) از سرزمین خویش، پس از واقعه دعوت به توحید و انداخته شدن در آتش و نجات اش از آن، هجرت کرد.

و إبراهيم إذ قال .. اعبدوا الله .. فما كان جواب قومه إلا أن قالوا ... أو حرّ

به قرینه سیاق، مرجع ضمیر فاعلی <قال> حضرت ابراهیم (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۳

۳ - نجات ابراهیم (ع)، از میان تلی از آتش پرشعله مشرکان

فألقيه في الجحيم .. فجعلنهم الأسفلين

نجات اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند، مؤمنان نیک کردار را در صحنه قیامت از رنج تنهایی نجات خواهد داد.

و كلهم آتیه يوم القيامة فرداً. إن الذين آمنوا و عملوا الصلحت سيجعل

چنان که برخی از مفسران گفته اند، این آیه می تواند در ارتباط با مضمون آیه قبل و مربوط به صحنه قیامت باشد؛ زیرا همگان در صحنه قیامت تنها و بی یاورند (و كلهم آتیه يوم القيامة فرداً). این آیه بشارتی است برای مؤمنان که خداوند آنان را در آن روز،

تنها نخواهد گذاشت و به زودی آنان را از انس و محبت دیگران برخوردار خواهد ساخت.

نجات اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۱ - ۱

۱ - تقوای پیشگان در آخرت ، اهل بهشت ، سعادت مند و رهیده از عذاب اند .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا

<مفاز> (مانند <فوز> و <مفازه>) مصدر و به معنای دستیابی به خیر و رهایی از شرّ است (لسان العرب). هم چنین ممکن است اسم مکان و کنایه از بهشت نیز باشد که مکان رستگاری و سعادت است. آیات بعد که بیان <مفازاً> است و از بوستان ها و دیگر لذت های بهشتی سخن می گوید - این احتمال را تقویت می کند.

نجات اخروی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۸

۸- > عن جابر بن عبد الله قال : قال رسول الله (ص) : إن ناساً من أمتي يعذبون بذنوبهم فيكونون في النار ما شاء الله أن يكونوا ، ثم يعيرهم أهل الشرك فيقولون : ما نرى ما كنتم فيه من تصديقكم نفعكم . فلا يبقى موحد إلا أخرجته الله تعالى من النار ثم قرأ رسول الله (ص) : > ربما يوّد الذين كفروا لو كانوا مسلمين < ;

جابر بن عبد الله روایت کرده است که رسول خدا (ص) فرمود: همانا گروهی از امت من به سبب گناهانشان عذاب می شوند. پس مدتی که خدا می خواهد در آتش هستند؛ سپس اهل شرک آنان را سرزنش می کنند و می گویند: نمی بینیم که ایمان شما برایتان سودی داشته است. پس هیچ موحدی نمی ماند مگر

اینکه خدا او را از آتش بیرون می آورد؛ سپس رسول خدا(ص) این آیه را قرائت فرمود: >ربما يود الذين كفروا لو كانوا مسلمين<.

نجات اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند ، مؤمنان نیک کردار را در صحنه قیامت از رنج تنهایی نجات خواهد داد .

و كلهم ءاتيه يوم القيمة فردًا . إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ

چنان که برخی از مفسران گفته اند، این آیه می تواند در ارتباط با مضمون آیه قبل و مربوط به صحنه قیامت باشد؛ زیرا همگان در صحنه قیامت تنها و بی یاورند (و كلهم ءاتيه يوم القيامة فرداً). این آیه بشارتی است برای مؤمنان که خداوند آنان را در آن روز، تنها نخواهد گذاشت و به زودی آنان را از انس و محبت دیگران برخوردار خواهد ساخت.

نجات از آتش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، ابراهیم (ع) را از آتش نجات داد .

أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجِيهِ اللَّهُ مِنَ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۱

۱ - حضرت ابراهیم (ع) پس از نجات از آتش ، قوم خود را رها نکرد و به ارشاد آنان پرداخت .

فَأَنْجِيهِ اللَّهُ مِنَ النَّارِ . . . وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا

نجات از اسارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢ - بقره - ٢ - ٢٤٨ - ١١

١١ صندوق معهود ،

یاد آور و موجب برانگیختن بنی اسرائیل به پیروی از آیین موسی (پیکار در راه خدا و رهایی از اسارت متجاوزان) *

و بقیه ممّا ترک ال موسی و ال هرون

ذکر جمله <بقیه ممّا ترک .. > شاید از این جهت باشد که به بنی اسرائیل خاطر نشان سازد که پیوند مذهبی خود را با موسی (ع) قطع نمایند.

نجات از استضعاف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱۱

۱۱ مؤمنان تحت ستم ، موظف به هجرت برای رهایی از استضعاف

قالوا کنا مستضعفین فی الارض قالوا الم تکن ارض الله واسعه فتهاجروا فیها

نجات از اندوه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۸

۸ - نجات آدمی از ترس و اندوه صحنه قیامت ، در گرو تسلیم شدن در برابر خدا و انجام دادن اعمال نیک در دنیا است .

من أسلم .. ولا خوف علیهم و لا هم یحزنون

نجات از احوال قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۰ - ۳

۳ - کارساز نبودن استمداد از دیگران ، حتی از خویشان و صمیمی ترین دوستان ، برای رهایی از مشکلات و حوادث تلخ روز محشر

و لایسئل حمیم حمیمًا

درخواست و سؤال نکردن از یکدیگر در قیامت، ممکن است به سبب بی فایده بودن آن باشد.

نجات از تحیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۶

۶ - هدایت انسان ها و رهایی آنان از تحیر و سرگردانی

، در اختیار خدا و به مشیت اوست .

و إنا إن شاء الله لمهتدون

نجات از ترس در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۸

۸- نجات آدمی از ترس و اندوه صحنه قیامت ، در گرو تسلیم شدن در برابر خدا و انجام دادن اعمال نیک در دنیا است .

من أسلم . . . ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون

نجات از تکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۶ - ۲،۳

۲- کسانی که به لقای خدا باور دارند ، از خود بزرگ بینی رهیده و به خصلت نیکوی خشوع آراسته می شوند .

إلا على الخشعين. الذين يظنون أنهم ملقوا ربهم

۳- کسانی که < بازگشت به خدا > را قبول دارند ، مردمی فروتن و منزّه از خود بزرگ بینی هستند .

إلا على الخشعين. الذين يظنون ... أنهم إليه رجعون

نجات از تنهایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۳

۳- رهایی از تنهایی و حفظ دستاورد های خود پس از مرگ ، انگیزه زکریا (ع) در فرزند خواهی از خداوند

و زکریا إذ نادى ربه ربّ لا تذرني فردا و أنت خير الورثين

زکریا(ع) به جای تصریح به فرزند خواهی خود، تنهایی خویش را مطرح کرد و در پایان درخواست خود مسأله بهترین وارث

بودن خدا را یاد نمود. ذکر این دو مطلب، در حقیقت بیانگر انگیزه زکریا(ع) و شرح حال او در دعا و خواسته خویش است.

نجات از تنهایی صالحان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند ، مؤمنان نیک کردار را در صحنه قیامت از رنج تنهایی نجات خواهد داد .

و کلّهم آتیه یوم القیمه فردًا . إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل

چنان که برخی از مفسران گفته اند، این آیه می تواند در ارتباط با مضمون آیه قبل و مربوط به صحنه قیامت باشد؛ زیرا همگان در صحنه قیامت تنها و بی یاورند (و کلّهم آتیه یوم القیامه فرداً). این آیه بشارتی است برای مؤمنان که خداوند آنان را در آن روز، تنها نخواهد گذاشت و به زودی آنان را از انس و محبت دیگران برخوردار خواهد ساخت.

نجات از تنهایی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند ، مؤمنان نیک کردار را در صحنه قیامت از رنج تنهایی نجات خواهد داد .

و کلّهم آتیه یوم القیمه فردًا . إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل

چنان که برخی از مفسران گفته اند، این آیه می تواند در ارتباط با مضمون آیه قبل و مربوط به صحنه قیامت باشد؛ زیرا همگان در صحنه قیامت تنها و بی یاورند (و کلّهم آتیه یوم القیامه فرداً). این آیه بشارتی است برای مؤمنان که خداوند آنان را در آن روز، تنها نخواهد گذاشت و به زودی آنان را از انس و محبت دیگران برخوردار خواهد ساخت.

نجات از توطئه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ اعتماد و اطمینان پیامبر (ص)

به نصرت الهی نسبت به او و فرد همراهش (ابوبکر) در خلاصی از توطئه کافران مکه

لا تحزن إن الله معنا

نجات از جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۵ - ۶

۶- نجات از جامعه فاسد و آلوده ، نشانگر رحمت خاص الهی است . *

و نجینه .. و أدخلنه فی رحمتنا

برداشت یاد شده مبتنی براین است که عطف جمله <أدخلناه..> بر جمله <آیناه>، از نوع عطف تفسیری باشد.

نجات از جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۲۲، ۲۱

۲۱ رهایی مردم از جاهلیت و گرایش آنان به اسلام ، از نعمت های بزرگ الهی

كذلك كنتم من قبل فمّن الله علیكم

<مّنّت> به معنای نعمت بزرگ است.

۲۲ رهایی آدمی از گرایش های جاهلی در اختیار خدا و به مشیت اوست .

كذلك كنتم من قبل فمّن الله علیكم

نجات از جبر محیط اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۷ - ۳

۳- رهایی انسان از جبر محیط اجتماعی و نیز از پیامد های سوء معاشرت با افراد فاسد و منحرف جامعه ، در سایه ایمان به خدا

و لطف و عنایت او ، امری ممکن است .

و لولا نعمه ربّی لکننت من المحضّرين

نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۱

۱ پندار باطل گروهی از اهل کتاب و برخی از مسلمانان در مورد نجات از جهنم و ورود به بهشت ، به

صرف انتساب به ادیان الهی

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الكتب

مراد از اسم <لیس> با توجه به آیات گذشته، رهایی از جهنم و ورود به بهشت است یعنی لیس الجنة و المحیص عن النار ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۱

۱ منافقان در صورت توبه، اصلاح گذشته، تمسک به خدا و اطاعت خالصانه، به آتش دوزخ گرفتار نخواهند شد.

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ... إِيَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۶

۶ نجات از عذاب دردناک دوزخ، فلاح و رستگاری است.

لعلکم تفلحون. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا... لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

بیان عذاب دردناک کافران در قیامت پس از راهنمایی مؤمنان به فلاح و رستگاری، حاکی از این است که رها شدن از عذاب، رستگاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۲

۲۲ سزاواران خلود در جهنم ممکن است با مشیت خداوند از آن رهایی یابند.

خُلِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۷

۷ رهایی جهنمیان از آتش دوزخ، امری ممکن و محتمل است و به مشیت خداوند بستگی دارد.

خلدین فیہا . . . إلا ما شاء ربک

منظور از <ما> ی موصولہ در <إلا ما شاء ربک> می تواند زمان و مدت باشد. در این صورت <مستثنی منہ> مدت زمانی است کہ بہ

خلود و دوام توصیف شد. بر این اساس حاصل معنای <خالدین فیها...> چنین می شود: دوزخیان در آتش برای همیشه ماندگارند، مگر آنکه خداوند همیشه بودن را ملغی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- آتش قیامت ، همانند سراپرده ای فراگیر ، راه گریز را بر کافران خواهد بست .

نازًا أحاط بهم سرادقها

<سرادق> معرب <سراطاق> و به معنای خیمه و پرده سرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۳،۵،۶

۳- مجرمان ، در قیامت ، به دوزخی بودن خود و نداشتن راه گریزی از آن ، پی خواهند برد .

فَطَّنُوا إِنَّهُمْ مَوَاقِعُهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرَفًا

بیان دیدگاه مشرکان در مورد ورود به جهنم با فعل <ظَنَّ>، حکایت از آن دارد که آنان، در آن شرایط، خود را دوزخی می بینند، ولی هنوز امیدهایی هر چند واهی به نجات دارند. ولی به زودی درمی یابند که گریزگاهی برای آنان نیست. <مصرفاً> اسم مکان به معنای مکانی است که به آن روی آورند. جمله <لم يجدوا...> یعنی جایی را که بتوانند با پناه بردن به آن، از آتش رها شوند، نمی یابند.

۵- مشرکان ، در قیامت ، در پی یافتن راهی برای نجات خویش از آتش دوزخ اند .

فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ .. و لَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرَفًا

در آیه قبل، بیان شد که مشرکان، با خواندن معبودان پنداری شان، در صدد نجات خود برخواهند آمد و این آیه، خبر از نافرجامی تلاش آنان داده است.

۶- مشرکان ، در قیامت ،

راهی برای نجات خود از آتش نخواهند یافت .

فَطَّوْا أَنَّهُمْ مَوَاقِعُهَا وَ لَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرَفًا

<مواقعہ> در مورد جنگ به کار می رود (مفردات راغب) و مفاد آیه، این است که مشرکان، برای دور ساختن آتش از خود و چیره شدن بر آن، تلاش می کنند ولی راه گریزی نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۱۳، ۱

۱- خداوند ، در پی ورود همگان به دوزخ ، تقوای پیشگان را از آن نجات می دهد .

وَ إِن مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا .. ثُمَّ نَجَّيَ الَّذِينَ اتَّقَوْا

۱۳- > عن رسول الله (ص) قال : يردّ الناس النار ثم يصدرون بأعمالهم فأولهم كلمع البرق ، ثم كمزّ الريح ، ثم كحضر الفرس ، ثم كالراكب ، ثم كشد الرجل ، ثم كمشيه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: مردم وارد آتش می شوند، آن گاه به میزان اعمالشان از آن خارج می گردند، پس اولین گروه به سرعت تابش برق و گروه بعدی به سرعت وزش باد و گروه بعد مانند دویدن اسب و گروه دیگر مانند سواره و گروهی مانند دویدن مرد و دسته ای مانند راه رفتن مرد [از آتش خارج می شوند].<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۳

۳- کافران دوزخی ، از دفع و برگردانیدن عذاب الهی ، کاملاً ناتوان اند .

فلا يستطيعون ردّها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۷

۷- > عن أبي بصير عن أبي عبد الله (ع) .

.. و ان أهل جهنم إذا دخلوها هـوا فيما مسيره سبعين عاماً فإذا بلغوا أعلاها قمعوا بمقامع الحديد و أعيذوا في دركها هذه حالهم و هو قول الله عزوجل > كلما أرادوا أن يخرجوا منها ... /

ابی بصیر از امام صادق(ع) روایت کرده است: .. اهل جهنم وقتی که داخل آن می شوند، به اندازه سیر هفتاد ساله در آن سقوط می کنند پس زمانی که به بالای آن بیایند، با گزرهای آتشین بر سر آنها کوبیده می شود و به ته جهنم برگردانده می شوند و این حال و وضعیت آنها است و این همان سخن خدا است که فرمود: < کَلِّمًا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا... >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۲

۲ - یأس کافران از نجات و رهایی ، پس از قرار گرفتن در تنگنای عذاب جهنم

عذاب شدید إذا هم فيه ملبسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ تلاش برای سوق دادن انسان ها به بهشت و نجات آنان از ابتلای به آتش جهنم ، از هدف های پیامبران الهی

قل أذلك خير أم جنة الخلد التي وعد المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۹

۹ - راه نجات از عذاب جهنم ، به روی تمامی کافران ستیزه جو بسته است .

و ما دعوا الكافرين إلا في ضلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۶

۶ - مشرکان و

کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فَإِذَا نَرَيْتَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعْدَهُمْ أَوْ نَتُوفِّيَنَّكَ فَاِلَيْنَا يَرْجِعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۵

۵ - راه نجات از عذاب جهنم ، بر روی ستمکاران و گمراه شدگان از سوی خدا ، مسدود است .

و من يضلل الله فما له من سبيل

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه شریفه، ناظر به وضعیت گمراه شدگان در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۷

۷ - سپاس گزاری متقین از خداوند ، به خاطر رهایی شان از عذاب باد های سوزان و کشنده دوزخ

فَمَنْ أَلَّهَ عَلَيْنَا وَ وَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۲ - ۳

۳ - پرهیزکنندگان از طغیان ، گرچه بر جهنم و کمین کنندگان در آن عبور خواهند کرد ؛ ولی گرفتار آن نخواهند شد . *

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا . لِلطَّغْيَانِ مَابًا

چنانچه <لِلطَّغْيَانِ> متعلق به <مَابًا> باشد، <مِرْصَادًا> مطلق خواهد بود؛ در این صورت مفاد دو آیه این است که جهنم برای همگان <مِرْصَاد> است؛ ولی <مَاب> و بازگشتگاه همه نبوده و تنها طغیان گران گرفتار آن خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۳ - ۴

۴ - > قال رسول الله : لا يخرج من النار من دخلها حتى يمكث

فيها أحقاباً و الحقب بضع و ستون سنه و السنه ثلاثمائة و ستون يوماً كل يوم كآلف سنه ممّا تعدون فلايتكلمن أحد أن يخرج من النار ;

رسول خدا(ص) فرمود: کسی که داخل آتش جهنم شود از آن خارج نمی گردد؛ مگر این که چند <حُقب> در آن توقف کند. مراد از <حُقب> شصت و اندی سال می باشد. و سال ۳۶۰ روز است. هر روزی مثل هزار سالی است که شما آن را می شمارید. بنابراین کسی دل خوش نکند که [در نهایت] از آتش خارج خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۷ - ۲

۲ - امداد های ویژه الهی ، مایه دور ماندن اهل تقوا از آتش دوزخ است .

و سیجنّها

فعل <يُجَنَّب> گرچه مجهول است، ولی به قرینه <إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ> در آیات بعد، این موهبت را خداوند در اختیار آنان می گذارد.

نجات از حکومت ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۶

۶ - آزادی از ستم نظام ستمگر و نجات از مشکلات اندوه بار آن ، از نعمت های بزرگ الهی

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

نجات از حکومت فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۱۳

۱۳ رهاسازی انسان ها از اسارت نظام های فسادگر و غیر توحیدی ، ارزشی الهی

فأرسل معی بنی اسرائیل

نجات از حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷

۲- زندگی بدون آرامش بنی اسرائیل تا قبل از رهایی از حکومت فرعون *

فأراد أن يستفزهم من الأرض .. و قلنا من بعده لبني إسرائيل اسكنوا الأرض

احتمال دارد که <اسكنوا الأرض> به معنای آرام گرفتن در زمین و بیرون آمدن از اضطرابی باشد که قبلاً گریبانگیر آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵ - ۲،۳

۲ - تعلق اراده الهی بر تغییر تحولات مصر به نفع بنی اسرائیل و رهاندن آنان از استضعاف فرعون

و نريد أن نمَنَّ على الذين استضعفوا في الأرض

۳ - نجات از حکومت بسیار خشن و بی رحم فرعون ، امتنانی بزرگ و نعمتی گران سنگ از سوی خدا به بنی اسرائیل بود .

و نريد أن نمَنَّ على الذين استضعفوا في الأرض

<نمَنَّ> از ریشه <منَّه> مشتق شده است و <منَّه> به نعمت سنگین گفته می شود (مفردات راغب).

نجات از دار الكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۶

۶ نجات کودکان از محیط کفر و شرک ، از وظایف مؤمنان

و الولدان .. الظالم اهلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۶

۶ - حضور مؤمنان در بین کافران و ظالمان ، بلایی سخت و رهایی از آن لطفی بزرگ و الهی

فقل الحمد لله الذي نجّنا من القوم الظلمين

نجات از دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹ - ۱

۱- نجات پیامبران و مؤمنان از دست دشمنان و پیروزی بر

آنان ، وعده خداوند به ایشان است .

و ما أرسلنا قبلك رجلاً.. ثم صدقهم الوعد فأنجينهم و من نشاء

نجات از دشمنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۳

۱۳ - خداوند دشمنی افراد بشر را با یکدیگر را به آدم و حوا (ع) گوشزد کرد و راه رهایی از پی آمد های آن را به آنان آموخت .

بعضکم لبعض عدو... فمن اتبع هداى فلا يضلّ ولا يَشقى

نجات از دنیا طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۶ - ۹

۹ - رهایی از جلوه های فانی دنیا و تلاش در راه نعمت های پایدار اخروی ، تنها در سایه ایمان و توکل بر خدا ممکن است .

فما أوتيتم من شيء... و ما عند الله... للذين ءامنوا و على ربهم يتوكلون

نجات از ذلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۵

۵ خردمندان ، خواستار کرامت انسانی و گریزان از خذلان و خواری

لاولى الالباب... ربنا انك من تدخل النار فقد اخزيته

خردمندان از آن جهت خواهان دوری از آتشند که ورود در آتش را حاکی از خواری و خفت خویش در پیشگاه خداوند می دانند و این معنا کاشف از کرامتخواهی آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ تضمین تحقق وعده های الهی به خردمندان مؤمن و تضمین رهایی آنان از خواری در قیامت

رَبَّنَا اتَّنا

ما وعدتنا على رسلك و لا تخزنا يوم القيمة .. فاستجاب لهم ربهم

نجات از زندگی ذلت بار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۰ - ۱

۱- نجات بنی اسرائیل از زندگی سخت و خفت بار به اراده الهی

و لقد نجینا بنی اسرائیل من العذاب المہین

نجات از زندگی سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۰ - ۱

۱- نجات بنی اسرائیل از زندگی سخت و خفت بار به اراده الهی

و لقد نجینا بنی اسرائیل من العذاب المہین

نجات از زیان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۱۰

۱۰ شمول رحمت خدا و آمرزش او تنها راه نجات از زیان گناه و گرایش های شرک آلود است .

لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

نجات از زیان گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۱۰

۱۰ شمول رحمت خدا و آمرزش او تنها راه نجات از زیان گناه و گرایش های شرک آلود است .

لئن لم يرحمنا ربنا و يغفر لنا لنكونن من الخسرين

نجات از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۵

۵ - لزوم حمد و ستایش خدا و سپاس گزاری به درگاه او ، پس از رهایی از مشکلات

فإذا استويت .. فقل الحمد لله الذي نجنا من القوم الظلمين

با توجه به این که ستایش خدا، پس از رهایی از مشکلات،

به منظور سپاس‌گزاری به درگاه او انجام می‌گیرد، گفتن <الحمد لله> (ستایش از آن خدا است) دربردارنده شکر و سپاس‌گزاری نیز می‌باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۴،۱۹

۴ - مشرکان نیز، برای نجات خود از سختی‌ها و ناملايمات، به خداوند روی می‌آورند و به درگاه او دعا می‌کنند.

المشركين... و إذا مسّ الناس ضرّ دعوا ربّهم

<ال> در <الناس> می‌تواند عهد باشد و مراد از آن، مشرکاني باشد که در آیات قبل از آنها سخن گفته شده است.

۱۹ - توجه به عوامل غیر الهی، در نجات از ناملايمات، عامل روی آوردن به شرک است.

إذا فریق منهم برّبهم یشرکون

احتمال دارد مراد از <یشرکون> این باشد که آنان، عامل نجات خویش را از سختی‌ها، عوامل مادی تلقی می‌کنند و به جای این که سر منشأ همه امور را، خداوند بدانند، عوامل ظاهری را نجات بخش می‌دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۸

۸ - نجات انسان‌ها از تنگناها و ناملايمات، از نعمت‌های الهی است.

ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه... لیکفروا بما ءاتینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۰، ۱۲، ۱۷

۱۰ - نجات دهنده انسان‌ها از شدايد و گرفتاری‌های سخت، خداوند است.

و إذا غشیهم موج... فلما نجّیهم إلى البرّ

۱۲ - گروهی از مردم، در برابر نعمت نجات از

بلاها و خطرهای مرگ آفرین ، ناسپاس اند .

فَلَمَّا نَجَّيْهِمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا... كَفُورٌ

۱۷ - نجات از بلاهای خطرناک و مرگ آفرین در پی دعا ، از آیه های توحید خداوند است .

دعوا الله مخلصين... فَلَئِمَّا نَجَّيْهِمْ... و ما يجحد بأيتنا إلا كل ختار كفور

نجات از سلطه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۱۱

۱۱- تنها خداوند می تواند انسان ها را از سلطه و نفوذ شیطان نجات بخشد .

ليس لك عليهم سلطان و كفى بربك و كيا

نجات از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۴،۵

۴ خداوند نجاتبخش شعیب (ع) و همگامانش از گرایش به شرک

بعد إذ نجنا الله منها

۵ مشرکان در اسارت اوهام شرک آلود ، و موحدان رهیده از آن

بعد إذ نجنا الله منها

به کارگیری واژه <نجات> (نجینا الله)، برای دست کشیدن از آیینی و روی آوری به آیینی دیگر، اشاره به این دارد که آیین نخست مایه اسارت و گرفتاری بوده و آیین جدید فرجبخش و باعث آزادی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱۱

۱۱- اصحاب كهف ، تمامى راه هاى گريز از شرك را در صورت پذيرش اجبارى آيين مشركان برخويش بسته مى ديدند .

او يعيدوكم فى ملتهم و لن تفلحوا اذًا ابدًا

مراد از <فلاح> به مناسبت مورد رستن و رهائي از شرك است.

نجات از شكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۱

۱ - یونس (ع) پس از رهایی از شکم ماهی ، از نعمت و لطف ویژه الهی برخوردار گشت .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه

نجات از شکنجه های فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۷

۷ - بنی اسرائیل ، دارای آمادگی لازم برای هجرت از مصر و رهایی از عذاب فرعون

أسر بعبادی

حرکت شبانه، گریختن از چنگ کسانی است که برای آن حرکت، مانع ایجاد می کنند. بنابراین ماندن بنی اسرائیل نزد فرعونیان، برخلاف میل آنان بوده است.

نجات از شکنجه های فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۶،۷

۶ - نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، نعمت چشمگیر و به یاد ماندنی خداوند بر آنان بود .

إذ قال موسى لقومه اذكروا نعمه الله عليكم إذ أنجكم من آل فرعون

۷ - نجات از نظام اجتماعی ظالمانه ، نعمتی الهی و شایسته به خاطر سپردن است .

اذكروا نعمه الله عليكم إذ أنجكم من آل فرعون يسومونكم

نجات از طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۴،۶

۴ اتکا به مغفرت و رحمت خدا برای نجات از حادثه طوفان ، توصیه نوح (ع) به پیروان خویش

قال اركبوا فيها .. إن ربی لغفور رحیم

نوح(ع) با یادآوری مغفرت و رحمت الهی ، پس از فرمانش مبنی بر سوار شدن به کشتی ، درصدد بیان این

حقیقت بود که کشتی تنها یک وسیله است و آنچه تأمین کننده نجات می باشد شمول مغفرت و رحمت الهی است.

۶ نجات پیروان نوح از حادثه طوفان ، پرتوی از مغفرت و رحمت الهی بود .

قال اركبوا فيها .. إن ربی لغفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۵۸، ۲

۲ فرزند نوح ، مأوا گرفتن در کوه را مایه نجات از حادثه طوفان می پنداشت .

قال سأوی إلى جبل یعصمنی من الماء

<أوی> (مصدر آوی) به معنای رجوع کردن و منضم شدن و جای گرفتن است و <عصمه> (مصدر یعصم) به معنای منع کردن و بازداشتن است. بنابراین <سأوی...> یعنی ، به زودی به کوهی می روم که مرا از [خطر] این آب باز دارد.

۵ هیچ چیز و هیچ کس ، جز خداوند رحمان ، توانا بر نجات افراد از حادثه طوفان نوح نبود .

قال لا عاصم الیوم من أمر الله إلا من رحم

ظاهر جمله <لا عاصم...> این است که <من رحم> استثنا از <لا عاصم> باشد. در این صورت باید گفت: مراد از <من رحم> رحم کننده ، یعنی خداوند است نه کسی که مورد رحمت قرار می گیرد؛ یعنی: لا عاصم ... الا الراحم و هو الله.

۸ نجات یافتن از حوادثی چون طوفان نوح (عذاب های الهی) ، جز در سایه رحمت الهی ، امکان پذیر نیست .

لا عاصم الیوم من أمر الله إلا من رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ نجات فرزند فسادپیشه نوح از حادثه طوفان ، امری

خلاف حکمت و مصلحت در نزد خداوند

فلاتسئلن ما لیس لک به علم

>به< متعلق به <علم> است و مراد از آن <بمصلحت و حکمت و صوابه> می باشد. بنابراین <فلاتسئلن ما لیس...>؛ یعنی، درخواستی را که نمی دانی درست است و یا مطابق مصلحت و حکمت است، از من نخواه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۲

۲ - نوح (ع) و خاندانش، به لطف الهی از عذاب طوفان نجات یافتند.

و نجینه و أهله من الكرب العظيم

مقصود از <اندوه بزرگ> یا طوفان است و یا اذیت و آزار مردم کافر. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۷ - ۲

۲ - نسل نوح (ع)، تنها نسل باقی مانده از میان نجات یافتگان از عذاب طوفان برای همیشه تاریخ

و جعلنا ذرّيته هم الباقين

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که حصر استفاد از ضمیر فصل <هم>، حصر اضافی باشد و در مقایسه با افراد موجود در کشتی سنجیده شود که برخی از خاندان نوح(ع) و برخی از دیگر مردمان بودند که به آن حضرت ایمان آورده بودند؛ یعنی، نسل مردم کافر طوفان زده و نیز نسل مردم مؤمن نجات یافته بر عرشه کشتی، همگی قطع شده و تنها نسل نوح(ع) باقی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۱،۳

۱ - نجات یافتن نوح (ع) از طوفان، به اراده الهی

بود .

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

۳- نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألوح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

نجات از ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۵

۵- رهایی از چنگال ظالمان با هلاک شدنشان و سکونت در جای آنان ، تنها برای کسانی میسر است که از مقام و وعید خداوند بترسند .

لنهلکنّ الظلمین . و لنسکنتکم الأرض من بعدهم ذلک لمن خاف مقامی و خاف وعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۵ - ۶

۶ مقام ربوبیت خداوند ، سزاوار درخواست یاری از او ، برای رهایی از چنگال ستمگران است .

ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۴

۴- نجات نوح (ع) و خاندان و همراهان او از شر ستمگران ، به اراده خداوند

فقل الحمد لله الذی نجنا من القوم الظلمین

نجات از ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۶

۶ - حضور مؤمنان در بین کافران و ظالمان ، بلایی سخت و رهایی از آن لطفی بزرگ و الهی

فقل الحمد لله الذي نجنا من القوم الظلمين

نجات از ظلم فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷ - ۱

۱ - رهانیدن بنی اسرائیل از سلطه و ستم فرعون ، در رأس اهداف موسی (ع) و هارون (ع) قرار داشت .

أن ات القوم الظلمين . .. فأتيا فرعون فقولوا... أن أرسل معنا بنی إسرئیل

مقصود از <إرسال> (فرستادن) در این جا آزاد کردن و رها ساختن بنی اسرائیل است. بنابراین از آیه یاد شده استفاده می شود که اساسی ترین مأموریت موسی(ع) این بود که بنی اسرائیل را از سرزمین فرعونیان خارج کند و آنان را از بند اسارت و بردگی مصریان آزاد سازد.

نجات از ظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱

۱ خداوند، نجاتبخش گرفتاران در تاریکیها و تنگناهای هول انگیز خشکی و دریاست.

قل من ینجیکم من ظلمت البر و البحر تدعونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۵،۶

۵- هدف از نزول قرآن ، خارج ساختن مردم از ظلمت ها و رهنمونی آنان به نور است .

کتب أنزلنه إلیک لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

۶- پیامبر (ص) ، وظیفه دار هدایت مردم به سوی نور و خارج کردن آنان از ظلمت ها (گمراهی ها) ، با تعالیم قرآن

أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۹

۹ - کسانی که به انگیزه دستیابی به دنیا، آخرت خویش را تباه می کنند، برای رهایی از عذاب، یآوری نخواهند داشت.

فَلَا يَخْفَىٰ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ يَقْتُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱۹

۱۹ - هیچ پشتیبان و یآوری نیست که بتواند مستحقان عذاب الهی را از گرفتار شدن به عقوبت رهایی بخشد.

مَالِكٍ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيِّ وَ لَانصِير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱۲

۱۲ - کتمان حقایق و دیگر ترفند های عالمان اهل کتاب، آنان را از عذاب دنیا (ذلت، شکست و...) نجات نخواهد داد.

لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ ... بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ

در برداشت فوق، عذاب اول، به قرینه تکرار آن، عذاب دنیوی گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۱۲، ۱۳

۱۲ - بدکاران و گناهکاران، محروم از هرگونه مدافع و یاور، برای گریز از کیفر الهی

و لا یجد له من دون الله ولیاً و لانصیراً

<ولئى> به كسى گفته مى شود كه آدمى را سرپرستى كند و دفاع و حمايت او را بر عهده گيرد، ضمير فاعلى در <لايجد> و نيز ضمير <له> به <من يعمل> بر مى گردد.

۱۳ نجات آدميان از عذاب و كيفر گناهانشان ، تنها به

دست خداوند و منوط به اراده اوست .

و لا یجد له من دون اللّٰه ولیاً و لانصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ اجرای حدود و مجازات های دنیوی ، مستلزم رهایی از عذاب اخروی نیست .

لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخره عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۲،۳

۲ کفرپیشگان ، راهی برای نجات از عذاب دوزخ ندارند .

إِنَّ الذّٰلِیْنَ كَفَرُوا .. و لهم عذاب الیم

جمله <لو ان ..> کنایه از نبود راه نجات از عذاب دوزخ است.

۳ ثروت های دنیا ، هر چند دو برابر شود ، و کافران آن را در قبال رهایی از دوزخ بپردازند ، پذیرفتنی نیست .

إِنَّ الذّٰلِیْنَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِی الْاَرْضِ جَمِیْعًا .. ما تقبل منهم و لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۷ - ۲،۴،۵

۲ دوزخیان ، همواره در پی خروج از آتش و در آرزوی رهایی از آن

یریدون ان یخرجوا من النار

۴ نافرجامی تلاش کافران برای رهانیدن خویش از آتش دوزخ

و ما هم بخرجین منها

۵ احاطه آتش دوزخ بر تار و پود کافران ، دلیل بی ثمر ماندن تلاش آنان برای رهایی از آن

یریدون ان یخرجوا من النار و ما هم بخرجین منها

جمله <و ما هم بخرجین منها> به این معناست که کافران با آتش عجین شده اند و هیچگاه از آتش خارج نیستند.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۷

۷ پندار رهایی از مجازات نقض میثاق و تکذیب و کشتن انبیا، از باور های بی اساس بنی اسرائیل

لقد اخذنا میثاق بنی اسرائیل . . . و حسبوا الا تکون فتنه

در برداشت فوق <فتنه> به معنای عذاب گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ گفتار هر کس، گواه افکار و عقاید او و کافی در اثبات ایمان و کفر وی

لقد كفر الذين قالوا . . . و إن لم ينتهوا عما يقولون

به کارگیری کلمه <قالوا> و <يقولون> به جای مثلا <زعموا و اعتقدوا> راهنمای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶ - ۱،۶

۱ رهایی آدمی از عذاب قیامت، نشانه برخورداری او از رحمت الهی است.

من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه

۶ رهایی از عذاب قیامت و دریافت رحمت الهی، رستگاری و سعادت آشکار است.

من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه و ذلك الفوز المبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۳،۵

۳ خداوند، هود و مؤمنان به وی را از عذاب نازل شده بر قوم عاد، نجات بخشید.

فأنجیناه و الذین معه برحمه منا

۵ به هنگام نزول عذاب الهی ، تنها همگامان پیامبران اهل نجاتند .

فأنجينه و الذين معه برحمه منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۷

۷ داشتن روابط خویشاوندی با پیامبران در رهایی از

مجازات های الهی بی تأثیر است .

إلا امرأته كانت من الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۷

۱۷ هلاکت اقوام مشرک و فسادگر پیشین و رهایی موحدان آن اقوام از عذاب های دنیوی ، دلیلی روشنگر فراسوی قوم شعیب

قد جاء تکم بینه من ربکم

برخی به قرینه آیات گذشته، برآنند که مراد از <بینه> در آیه مورد بحث سرگذشت اقوامی است که مشرکانشان بر اثر شرکورزی، تکذیب انبیا و ابتلا به فسادهای اجتماعی، به عذاب گرفتار آمدند و موحدان صلاح پیشه از آن عذابها رهایی یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۳

۳ خداوند از میان یهودیان ایله تنها مصلحانِ نهی کننده از منکر را از گرفتار شدن به عذاب رهایی بخشید .

أنجینا الذین ینهون عن السوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۳ - ۱،۲

۱ خداوند ، به هنگام نزول عذاب استیصال بر کافران ، رسولان خود و مؤمنان را از مهلکه دور کرده و از آسیب پذیری نجات می داد .

فهل ینتظرون إلا مثل أيام الذین خلوا من قبلهم .. ثم ننجی رسلنا و الذین ءامنوا

۲ نجات مؤمنان و آسیب ندیدن از عذاب استیصال ، سنتی است الهی و تخلف ناپذیر .

ثم ننجی رسلنا و الذین ءامنوا كذلك حقاً علينا ننج المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ خداوند ، هود (ع) و پیروانش را ، از عذاب نازل

شده بر قوم عاد نجات داد .

و لما جاء أمرنا نجينا هودًا والذين ءامنوا معه

۸ خداوند ، پیش از نازل کردن عذاب استیصال ، مؤمنان و صالحان را از مهلکه خارج می سازد تا عذاب دامنگیر آنان نشود .

*

و لما جاءنا أمرنا نجينا هودًا والذين ءامنوا معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ همگان از دفع کیفر های خداوند و یاری گرفتاران به عذاب های او ناتوانند .

فمن ينصرني من الله إن عصيته

فعل <ينصر> به دلیل آنکه با <من> متعدی شده ، متضمن معنای <ینجی> (نجات می دهد) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۶،۷

۶ خداوند ، صالح (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر قوم ثمود رها کنید و آنان را از ننگ آن عقوبت دور ساخت .

نجينا صلحا و الذين ءامنوا معه . . و من خزی يومئذ

۷ نجات صالح (ع) و پیروانش از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند بر آنان بود .

نجينا صلحا و الذين ءامنوا معه برحمه منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۰

۲۰ رابطه خویشاوندی با پیامبران ، بی تأثیر در نجات از عذاب های الهی است .

إلا امرأتك إنه مصيها ما أصابهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۴

۴ خداوند ، شعيب (ع) و پيروانش را از عذاب نازل شده بر مردم مدين رهايي بخشيد

و لما جاء أمرنا نجينا شعيبًا والذين ءامنوا معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۹

۹ تنها خداوند بر نجات آدمیان از خطر ها و عذاب ها تواناست .

فما أغنت عنهم .. من دون الله

توصیف <ءالهم> به <التي يدعون من دون الله> گویای این است که: نباید غیر خدا را به یاری طلبید زیرا هر معبودی غیر از خدای یکتا ، از دفع عذاب ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۸

۸ خداوند ، برخی از دوزخیان را از آتش دوزخ رهایی می بخشد و از عذاب نجات می دهد .

خلدین فیها .. إلا ما شاء ربك

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از <ما> در <إلا ما شاء ربك> افراد و اشخاص باشد. بر این مبنا <مستثنی منه> ضمیر مستتر در <خلدین> می باشد و حاصل معنای <خلدین فیها...> چنین خواهد بود: دوزخیان در آتش مغلط هستند، مگر افرادی را که خداوند بخواهد که در آن جا خالد نباشند. وصف <فعال لما یريد> به این نکته اشاره دارد که خداوند با اعمال مشیت خویش، برخی دوزخیان را رهایی خواهد بخشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۳

۱۳ گنه کاران مجرم ، پس از نزول عذاب الهی ، راهی برای نجات خویش نخواهند یافت .

و لا یردّ بأسنا عن القوم المجرمین

<بأس> به معنای عذاب است. <ردّ> (مصدر لایردّ) به معنای باز گرداندن می باشد.

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۲

۲- مأموران الهی ، خاندان لوط (ع) را از عذاب نازل شده بر قوم وی نجات دادند .

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ مِجْرَمِينَ . إِلَّا لَوطَ لُوطِ إِنَّا لَمُنَجِّوهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱،۲،۳

۱- فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فَأَسْرَبْنَا بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ

۲- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی ، مأمور گردید .

فَأَسْرَبْنَا بِأَهْلِكَ .. وَاتَّبَعْنَا أَدْبُرَهُمْ

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتّبع ادبرهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

۳- لوط (ع) ، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر ، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فَأَسْرَبْنَا بِأَهْلِكَ .. وَاتَّبَعْنَا أَدْبُرَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۶ - ۸

۸- توانایی های انسان در برابر عذاب الهی ، فاقد کارآیی است .

أَوْ يَأْخُذْهُمْ فِي تَقْلِبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۹

۹- انسان ها ، حتی پیامبران در صورت ابتلا به عذاب الهی ، هیچ یار و مددکاری

برای نجات خویش نخواهند یافت .

ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۳ - ۲

۲- اموال و نفرات ، هیچ قدرت و تأثیری در جلوگیری از عذاب و کیفر الهی ندارند .

و هی خاویه علی عروشها .. و لم تکن له فئه ینصرونه من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲- اولیای پنداری کافران (معبودان باطل) از دفع عذاب الهی از آنان ناتوانند .

أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

همزه استفهام در <أفحسب> گویای آن است که گمان ولایت برای معبودان، گمانی خطا است زیرا، عذاب جهنم مهیا است (إِنَّا أَعْتَدْنَا..) و از معبودان برای دفع آن کاری ساخته نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۲

۲- حضرت ابراهیم (ع) برای هدایت آزر به توحید و نجات وی از عذاب الهی ، تلاشی دلسوزانه داشت .

يَأْتِ بِئِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمْسَكَ عَذَابٍ مِنَ الرَّحْمَنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۱۰

۱۰- تنها پیروان راه اعتدال و هدایت یافتگان به حقیقت ، از عذاب رهایی خواهند یافت .

و لو أَنَا أَهْلُكُنْهَمْ بِعَذَابٍ .. فَسَتَعْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصُّرُطِ السُّوَّى وَمَنْ اهْتَدَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۳

۳ - فضل و رحمت الهی و افشای چهره توطئه گران < افک > از

سوی خدا، مسلمانان صدراسلام را از خطر عذابی بزرگ نجات بخشید .

و لولا فضل الله عليكم و رحمته ... لمسکم فی ما أفضتم فيه عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۱

۱ - نجات یافتن مؤمنان پیرو صالح ، از عذاب نازل شده بر ثمودیان به اراده الهی

و أنجینا الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خانواده اش به جز همسر وی از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فأنجینہ و أهله إلا امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۸

۸ - داشتن رابطه خانوادگی با پیامبری از پیامبران الهی ، انسان را از عذاب نجات نمی دهد .

لننّجینہ و أهله إلا امرأته كانت من الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ - رابطه خویشاوندی با پیامبری از پیامبران الهی ، تأثیری در نجات از عذاب ندارد .

إنّا منجّوک .. إلا امرأتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۹

۹ - هیچ قدرتی ، توان نجات انسان را ، از عذاب خدا ندارد .

ما لکم من دونه من ولیّ و لاشفیع

به قرینه آیه پیش که در آن از انذار سخن به میان آمده و نیز <شفیع> در همین آیه و آیه بعد که درباره قیامت است، مراد از <ولیّ>

با توجه به ریشه لغوی آن (قرب) می تواند کسی باشد که خویش و نزدیک انسان است و انسان را یاری می دهد. با توجه به سیاق آیات و این که نکره در سیاق نفی، دلالت بر عموم می کند، نفی هرگونه مددکننده ای، می تواند مربوط به عذاب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۷

۷- رهیدن از دوزخ، تنها در پرتو هدایت پذیری اختیاری در دنیا ممکن است.

و لو شئنا لأتینا کلّ نفس هدیها و لكن حقّ القول منی لأملأنّ جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۰ - ۱

۱ - رهایی از عذاب الهی و دستیابی به حیات جاودانه بهشتی، فوز عظیم و رستگاری بزرگ برای انسان ها است.

فی جنّٰت النعیم .. و ما نحن بمعذبین . إنّ هذا لهو الفوز العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۱

۱ - بندگان مخلص خدا (بندگان خالص و برگزیده خدا)، تنها گروه نجات یافته از میان اقوام عذاب شده پیشین

فانظر کیف کان عقبه المنذرین . إلاّ عباد الله المخلصین

طبق نظر بیشتر مفسران، مقصود و معنای <مخلصین> (خالص شدگان) این است: <الذین أخلصهم الله لنفسه و ولايته؛ کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ - لوط (ع)

و خاندان او ، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند .

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱۱

۱۱- غفران الهی ، پناهگاه مؤمنان از آثار سخت گناهان و عذاب دردناک

يَغْفِرْ لَكُمْ... وَيَجْرِمَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

در برداشت یاد شده عطف <یجرکم..> بر <یغفرلکم...> تفسیری دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۳،۴

۳- هلاکت تمامی قوم لوط با عذاب الهی ؛ به جز شخص لوط (ع) و خاندان او

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ

۴- نجات یافتن خاندان لوط ، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۴

۴- سنت الهی بر اعطای پاداش عالی ، به شکرگزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۰ - ۱

۱- ترغیب مسلمانان از سوی خداوند ، به تجارتي سودمند و نجات بخش از عذاب

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدْلَكُم عَلَىٰ تَجْرِهِ تَنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - نبأ - ٧٨ - ٣١ - ١

١ - تقوایندگان در آخرت ، اهل بهشت ، سعادت‌مند و رهیده از عذاب اند .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا

<مفاز> (مانند <فوز> و <مفازه>) مصدر و به معنای دستیابی به خیر و رهایی از شر است (لسان العرب). هم چنین

ممکن است اسم مکان و کنایه از بهشت نیز باشد که مکان رستگاری و سعادت است. آیات بعد که بیان <مفازاً> است و از بوستان ها و دیگر لذت های بهشتی سخن می گوید - این احتمال را تقویت می کند.

نجات از عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۱۱،۱۲

۱۱ - توهم وجود یارانی که آدمی را از عذاب قیامت نجات دهند و یا گناه او را بر عهده بگیرند ، از پندار های باطل بنی اسرائیل

واتقوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس شیئاً .. و لاهم ینصرون

۱۲ - گناه کردن به خیال پذیرش شفاعت و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب قیامت ، از پندار های باطل بنی اسرائیل

واتقوا يوماً .. ولا یقبل منها شفعه و لایؤخذ منها عدل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۳،۹،۱۰

۳ - ایمان به قرآن و پیامبر (ص) و پرهیز از کفر ورزی به آنها ، وسیله محافظت در برابر مخاطرات و عذاب های روز قیامت است .

أولئک یؤمنون به و من یکفر به .. و اتقوا يوماً

فرمان به گرفتن وقایه (وسیله محافظت)، پس از ترغیب به ایمان (أولئک یؤمنون به) و هشدار از کفرورزی (و من یکفر ..) می رساند که: وقایه انسان در روز قیامت، ایمان به قرآن و پیامبر(ص) و پرهیز از کفرورزی به آن دو است.

۹ - توهم سودبخشی شفاعت از گنهکاران و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب

قیامت ، از پندار های بنی اسرائیل است .

بینی إسرءیل . . . و لایقبل منها عدل و لاتنفعها شفعه

فعل <اتقوا> به قرینه آیات پیشین، خطاب به بنی اسرائیل است. این خطاب خود قرینه وجود چنین افکاری در بین آنان است.

۱۰ - توهم وجود مدافعانی در قیامت که آدمی را از عذاب نجات دهند یا گناه او را بر عهده بگیرند ، از پندار های بنی اسرائیل است .

بینی إسرءیل . . . و اتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً ... و لاهم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۴

۴ - هیچ وسیله نجاتی از عذاب قیامت برای مشرکان (سران شرک و پیروانشان) وجود ندارد .

تقطعت بهم الأسباب

<بهم> قید برای <الأسباب> است و <باء> در آن به معنای ملابست می باشد. بنابراین جمله <تقطعت ...> / یعنی، [در حالی که] تمام سببها و وسیله هایی که داشتند از هم گسیخته شود و از میان برود. مقصود از <الأسباب> می تواند سببهای نجات از عذاب باشد و نیز می تواند سببهایی باشد که سران و پیروان را با یکدیگر پیوند می دهد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۰ - ۸

۸ رهایی از عذاب سخت اخروی ، فلاح و رستگاری است .

لا یفلحون. متع فی الدنیا ثم إلینا مرجعهم ثم نذیقهم العذاب الشدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۷

۷ گرفتار شدن کفرپیشگان و ستمکاران به عذاب دنیوی

، موجب رهایی آنان از عذاب اخروی نیست .

فكان من المغرّقين ... و قيل بعدًا للقوم الظلمين

بیان عذاب اخروی کفرپیشگان ، پس از بیان گرفتاری آنان به عذاب دنیوی ، اشاره به این نکته دارد که: نباید گمان شود اگر کافران به کیفر دنیوی و عذاب استیصال گرفتار شدند ، از عذابهای اخروی رهایی خواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ خداوند ، هود (ع) و پیروان او را ، از گرفتار شدن به عذاب آخرت نجات داد .

و نجّينهم من عذاب غليظ

بر این اساس که مقصود از <عذاب غلیظ> عذاب اخروی باشد ، ماضی آوردن فعل <نجّینا> اشاره به این نکته دارد که: مؤمنان به هود(ع) پس از نزول عذاب استیصال بر قوم عاد ، همچنان به ایمان خویش پایبند بودند و مستحق عذاب اخروی نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۷

۷ مشرکان و کافران ، در روز قیامت حاضرند در صورت دارا بودن حتی دو برابر ثروت زمین ، آن را برای رهیدن از عذاب فدیة دهند .

والذين لم يستجيبوا له لو أن لهم ما فى الأرض جميعًا و مثله معه لافتدوا به

<إفتداء> (مصدر افتدوا) به معنای بخشیدن چیزی است برای رها شدن و خلاصی یافتن از اسارت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۹ - ۲

۲ - سرور و شادمانی بهشتیان ، از نمردن و جاودانه زیستن و نیز رهایی از عذاب الهی در آخرت

إلا موتتنا الأولى و

ما نحن بمعذبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۱

۱ - ستمگران در قیامت ، برای رهایی خود از عذاب سخت الهی ، حاضراند دو چندان ثروت ها و دارایی های زمین را فدا کنند .

و لو أن للذین ظلموا ما فی الأرض جمیعاً و مثله معه لآفتدوا به من سوء العذاب یوم

نجات از عذاب استیصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۰ - ۱

۱ راه نجات به هنگام وقوع عذاب استیصال بسته است و هیچ کس را توانایی دفع آن نیست .

قل أرءیتم إن أتیکم عذابه بیتاً أو نهاراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۳،۶،۱

۱ مستحقان عذاب استیصال ، به هنگام وقوع آن ، مایلند تمام مایملک خود را برای نجات جان خویش ، نثار کنند .

و لو أن لكل نفس ظلمت ما فی الأرض لافتدت به

با توجه به اینکه آیات فراز پیش، برخی مربوط به عذاب استیصال: (قل أرءیتم إن أتیکم عذابه بیتاً أو نهاراً ..) و برخی مربوط به عذاب قیامت است: (ثم قیل للذین ظلموا ذوقوا عذاب الخلد)، آیه فوق می تواند بیانگر حال ستمگران به هنگام مشاهده عذاب استیصال باشد و می تواند مربوط به عذاب قیامت باشد، برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

۳ ترس و وحشت ستمگران ، به هنگام نزول عذاب قیامت ، تا درجه ای است که اگر از هر یک از آنان به اندازه تمام آنچه در

زمین است برای

رهایشان درخواست شود ، اگر می داشتند ، بی درنگ نثار می کردند .

و لو أن لكل نفس ظلمت ما في الأرض لافتدت به

۶ تمامی عوامل و امکانات نجات آدمی از خطر مرگ ، در برابر عذاب استیصال ، بی اثر بوده و کارساز نیست .

و لو أن لكل نفس ظلمت ما في الأرض لافتدت به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۵

۵ نجات شعیب (ع) و پیروان او از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند بر آنان بود .

نجینا شعيبًا والذين آمنوا معه برحمه منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۲، ۱۱

۱۱ خداوند ، پیامبران و پیروان ایشان را از عذاب های استیصال نجات می بخشید .

جاءهم نصرنا فنجی من نشاء

<نجی> ماضی مجهول و <من> نایب فاعل آن است. مفعول <نشاء> کلمه ای مانند <نجاته> است که از <نجی> استفاده می شود. بنابراین <فنجی من نشاء> ؛ یعنی، پس نجات داده شد آنکه ما نجات یافتنش را می خواستیم. از مصداقهای مورد نظر برای <من نشاء> پیامبران و پیروان ایشان است.

۱۲ خداوند ، تقوایندگان و درستکاران را از عذاب های استیصال نجات می بخشد .

فنجی من نشاء

از مصداق مورد نظر برای <من نشاء> علاوه بر پیامبران ، تقوایندگان و درستکاران است. آیه قبل (أفلم یسیروا ... و لدار الأخره خیر للذین اتقوا) و ذیل آیه مورد بحث (ولایرد بأسنا عن القوم المجرمین) قرینه بر این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم -

۵- ستمگران پیشین برای نجات خویش از عذاب استیصال به انواع گوناگون مکر و چاره اندیشی متوسل شدند و ولی از آنها هیچ نتیجه ای نگرفتند .

و سکتتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم و تبین لکم کیف فعلنا بهم .. و قد مکروا مک

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و قد مکروا مکرم .. > حال برای ضمیر <بهم> باشد یعنی، با اینکه آنان به انواع حيله ها و چاره اندیشیها برای نجات از عذاب متوسل می شدند گرفتار آن شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۵

۵- پاکی و دوری از جرم و تبه کاری ، موجب نجات از عذاب الهی در دنیا (عذاب استیصال)

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا ءال لوط إنا لمنجّوهم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۶ - ۷

۷- توطئه کنندگان علیه پیامبر (ص) ، هیچ راهی برای گریز از عذاب استیصال الهی ندارند .

أفأمن الذین مکروا السیئات .. أو یأخذهم فی تقلّبهم فما هم بمعجزین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۶

۶- روز وقوع عذاب استیصال ، آخرین روز حیات کافران بوده و رهایی آنان از آن ناممکن است .

أو یأتیهم عذاب یوم عقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۸ - ۴

۴- نجات مؤمنان تقوایشه از عذاب استیصال ، سنت الهی است .

وَنَجِّينَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

بنابر این که آیه مربوط به هر دو گروه (عاد و ثمود) باشد، می توان به نوعی سنت بودن نجات مؤمنان را استفاده کرد.

نجات از عذاب برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱۵،۱۶

۱۵ راه نجات از عذاب برزخ ، توبه به درگاه خدا و جلب رحمت اوست .

من يسومهم سوء العذاب . . . إنه لغفور رحيم

۱۶ خداوند با گسترش رحمت خویش بر گنهکاران تائب ، آنان را می بخشاید و به عذاب برزخی گرفتار نمی سازد .

و إنه لغفور رحيم

نجات از عذاب دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۳ - ۴

۴ از حقوق مؤمنان بر خداوند ، نجات آنان از عذاب های دنیوی است .

كذلك حقاً علينا ننج المؤمنين

نجات از عذابهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۸

۸ کفرپیشگان نه می توانند از نزول عذاب الهی جلوگیری کنند و نه قادرند از گرفتار شدن به آن ، خود را رهایی بخشند .

إنما يأتيكم به الله . . . و ما أنتم بمعجزين

عجاز (مصدر معجزین) به معنای فرار کردن و از دسترس خارج شدن است. بنابراین <ما أنتم بمعجزين> یعنی ، [پس از

نزول عذاب] نمی توانید فرار کنید و خود را از عذاب برهانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۸

۸ نجات یافتن از حوادثی چون طوفان نوح (عذاب های الهی) ، جز در سایه رحمت

الهی ، امکان پذیر نیست .

لا عاصم الیوم من أمر الله إلا من رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۴ - ۴

۴ معبود های اهل شرک ، ناتوان از رهانیدن آنان از عذاب های الهی

و ما لهم من الله من واق

چون روی سخن با مشرکان است ، مصداق مورد نظر برای <واق> معبودهای اهل شرک می باشد.

نجات از غضب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۸

۸ نجاتبخش نبودن قدرت و تمکن مادی از هلاکت و قهر الهی

ألم یروا کم أهلكنا من قبلهم من قرن مکنهم فی الأرض

نجات از فرجام شوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۳

۳ بنی اسرائیل پس از اذعان به گمراهی خویش ، به این حقیقت رسیدند که نجاتشان از فرجام شوم گوساله پرستی در گرو شمول رحمت خدا و مغفرت اوست .

قالوا لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

نجات از فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند ، بنی اسرائیل را در حالی که در معرض هجوم فرعون و سپاهیان‌ش قرار داشتند ، از دریا عبور داد .

و جوزنا بنی اسرائیل البحر فأتبعهم فرعون و جنوده بغياً و عدواً

۹ نجات بنی اسرائیل از شر فرعون و اطرافیان‌ش ، ثمره استقامت و پایداری آنان بود .

فاستقيما .. و جوزنا بنی اسرائیل البحر ... حتی إذا أدركه الغرق

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۲،۷

۲ - خداوند ، بنی اسرائیل را از خطر فرعون رهانید و آنان را از اسارت او نجات داد .

فأتبعهم فرعون . . . بینی اسرئیل قد أنجینکم من عدوکم

۷ - نزول < من و سلوی > بر بنی اسرائیل ، پس از نجات آنان از چنگال فرعون و استقرار آنها در بیابان بوده است .

قد أنجینکم . . . وعدنکم ... و نزلنا علیکم المنّ والسلوی

نزول < من و سلوی > ، نشان عاری بودن منطقه از مواد غذایی متداول و بیابانی بودن محیط استقرار آنها است .

نجات از فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۰ - ۱،۹

۱ خداوند ، بنی اسرائیل را در حالی که در معرض هجوم فرعون و سپاهیان قرار داشتند ، از دریا عبور داد .

و جوزنا بینی إسرئیل البحر فأتبعهم فرعون و جنوده بغياً و عدواً

۹ نجات بنی اسرائیل از شر فرعون و اطرافیانش ، ثمره استقامت و پایداری آنان بود .

فاستقیما . . . و جوزنا بینی إسرئیل البحر ... حتی إذا درکه الغرق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۹،۱۸

۹- اطرافیانش و خاندان فرعون ، مردمی ظالم و شکنجه گر بودند .

إذ أنجکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

۱۸- آزمایش بندگان ، جلوه ربوبیت الهی نسبت به آنان است .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۷

۷ - رهایی بنی اسرائیل از ظلم

و ستم فرعونیان ، نعمتی بزرگ برای آنان و شایسته شکرگزاری

إذ أنجكم من آل فرعون . . . و إذ تأذن ربكم لئن شكرتم لأزيدنكم

عبارت <إذ تأذن ربكم> ادامه کلام موسی(ع) است که نجات بنی اسرائیل از چنگال فرعونیان را به آنان یادآوری کرد. با این کلام، موسی(ع) به طور تلویحی به بنی اسرائیل متذکر شده که نجات آنان، نعمت خدادادی و مستلزم شکرگزاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۹

۹ - نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

یبنی اسرئیل قد أنجینکم . . . و نزلنا علیکم المنّ والسلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۹

۹ - اقدام شعیب به دلداری موسی (ع) رفع نگرانی و ترس از وی و اعلام نجات یافتنش از شر فرعونیان

قال لا تخف نجوت من القوم الظالمین

نجات از قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۵

۵- خداوند ، حضرت لوط (ع) را از شرّ قوم پلید ، ناپاک و زشتکارش نجات داد .

و نَجّینه من القریه التي كانت تعمل الخبیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۱

۱ - استجابت دعای لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود ، از شرّ قوم زشتکارش از

رَبِّ نَجْنِي وِ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ . فَجْنِيهِ وِ أَهْلِهِ

نجات از قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۴،۵

۴- حضرت نوح (ع) ، با صدای بلند و روشن از خداوند ، خواستار نجات از دست قومش گردید .

و نوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلِ

<ندا> به معنای صدای بلند و روشن است (مفردات راغب) و مقصود از آن در این آیه به قرینه آیه ۲۶ سوره <نوح> (و قال نوح رب لاتذر علی الأرض من الکافرین دیاراً) و نیز ذیل آیه شریفه (فنجیناه و أهله ..) نجات نوح از دست قومش می باشد.

۵- دعای حضرت نوح (ع) برای نجات از دست قومش ، مستجاب شد .

و نوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلِ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۲

۲ - دعای نوح به درگاه خدا ، برای نجات خود و مؤمنان همراهش از شرّ قوم کفرپیشه خویش

رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُون .. نَجْنِي وِ مَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

متعلق <نجنی> حذف شده است و تقدیر آن <نجنی و .. من شرهم> می باشد.

نجات از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۸

۸ اعتقاد به وجود خداوند برای خروج آدمی از زمره کافران کافی نیست .

أقسمت لاينالهم الله برحمه .. إن الله حرمهما على الكافرين

سياق آیات این بخش نشان می دهد که گویندگان جمله <أقسمتم .. > از دوزخیانند. بنابراین عنوان <الكافرين > در این

آیه شامل آنان نیز می شود؛ در حالی که به شهادت جمله نقل شده از آنها (أقسمتم لا- ینالهم الله برحمه)، این گروه به خداوند اعتقاد داشته اند.

نجات از کمبود آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱۴، ۴، ۲

۲ - موسی (ع) از خداوند خواست، تا قومش را از کمبود آب رهایی بخشد.

و إذا استسقى موسى لقومه

<استسقاء> در لغت به معنای طلب کردن آب است و در اصطلاح شرعی دعا به درگاه خداوند است به نحوی خاص برای نزول باران.

۴ - خداوند، دعا و درخواست موسی (ع) (دستیابی به آب) را سریعاً اجابت کرد.

فقلنا اضرب بعصاك الحجر

حرف <فاء> در <فقلنا> اشاره به این دارد که میان دعای موسی و اجابت آن فاصله زمانی نبوده است.

۱۴ - دعا و مناجات به درگاه خدا برای رفع کمبود آب (استسقا) امری نیکو و شایسته، و وظیفه ای بر عهده رهبران دین

و إذا استسقى موسى لقومه

نجات از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۳

۳ پندار رهایی از کیفر، به صرف انتساب به دین و آیین الهی، تلقینی شیطانی است.

یعدهم و یمتیهم... لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب من یعمل سوءاً

با توجه به آیات گذشته (لامتیهم... یعدهم و یمتیهم)، می توان نتیجه گرفت که پندار رهایی از کیفر اعمال بد، از همان خیالپردازیهای موهومی است که شیطان برای فریب مردم به آنان تلقین می کند.

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴ - ۱

۱ - پندار بدکاران در گریز از مجازات الهی ، پنداری باطل است .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا

<أم> در <أم حسب> منقطعه و به معنای <بل اضراب> است و معنای انتقال را می هد. انتقال، از <انکار پندار آزموده نشدن، به مجرد ایمان> به <انکار عدم مجازات>، است. مراد از <سبقت از خدا> یا کنایه از <مغلوب ساختن دین خدا> است و یا <گریز از خدا>. به قرینه این که در آیه، سخن از گناه است، <گریز از عذاب خدا> مراد است و برداشت بالا، مبتنی بر همین احتمال است.

نجات از کیفر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۶

۶ - خداوند ، تنها یار و یاور انسان در حفاظت وی از عواقب ناگوار گناهان

و ما أصبكم .. و ما لكم من دون الله من ولي و لا نصير

نجات از گرسنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قريش - ۱۰۶ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، قريش را از گرسنگی رهانید و مواد غذایی آنان را تأمین کرد .

الذي أطعمهم من جوع

حرف <من> یا تعلیلی است و یا بدلی ؛ یعنی ، به دلیل گرسنگی یا به جای آن. در هر دو صورت، بیانگر وجود زمینه گرسنگی در قريش است ؛ به گونه ای که اگر خداوند آنان را اطعام نمی کرد، راهی دیگر نداشتند.

نجات از گرفتاری در بیابان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸

۲- نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس (ع) ، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء

نجات از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۱۹

۱۹ دستیابی اهل کتاب به راه های سلامت و رهایی آنان از گمراهی ها و قرار گرفتن آنان در صراط مستقیم ، در گرو ایمان به قرآن و پیامبر (ص)

ياهل الكتب قد جاءکم رسولنا .. یهدیهم إلی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۵،۶

۵- هدف از نزول قرآن ، خارج ساختن مردم از ظلمت ها و رهنمونی آنان به نور است .

کتب أنزلنه إلیک لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

۶- پیامبر (ص) ، وظیفه دار هدایت مردم به سوی نور و خارج کردن آنان از ظلمت ها (گمراهی ها) ، با تعالیم قرآن کریم

أنزلنه إلیک لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۳۸،۹

۳- موسی (ع) ، وظیفه دار هدایت مردم خویش به سوی نور و خارج کردن آنان از ظلمت ها ، با آیات و معجزات الهی .

و لقد أرسلنا موسی بأیتنا أن أخرج قومک من الظلمت إلی النور

۸- حضرت موسی (ع) ، دارای هدفی مشترک با پیامبر اسلام (ص) در نجات مردم از ظلمت ها و هدایت آنان

كتب أنزلنه إليك لتخرج الناس من الظلمت .. لقد أرسلنا موسى بأيتنا أن أخرج قو

۹- تورات ، حاوی تعالیمی برای نجات مردم از ظلمت ها و رهنمونی آنان به سوی نور بود .

و لقد أرسلنا موسى بأيتنا أن أخرج قومك من الظلمت إلى النور

مصدق بارز <آیاتنا>، که در آیه آمده است، همان تورات است که کتاب آسمانی حضرت موسی(ع) بود. از اینکه خداوند رسالت موسی(ع) را در بیرون بردن مردم از ظلمتها با اعطای تورات به او بیان می کند برداشت می شود که تورات حاوی چنین تعالیمی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) نیز ، توان بیرون آوردن افراد حق گریز را از گمراهی ، ندارد .

فإنك لاتسمع الموتى و لاتسمع الصمّ الدعاء

نجات از لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۱

۱ - کتمان کنندگان حقایق دینی در صورت توبه ، از لعنت خدا نجات یافته و از رحمت او برخوردار خواهند شد .

أولئك يلعنهم الله .. إلا الذين تابوا

نجات از مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۷

۷ - خودکشی ، تلاش بی ثمر در جهت رهایی از سرخوردگی و بن بست در زندگی

من كان يظنّ أن لن ينصره الله .. فليمدد بسبب الى السماء... هل يذهبن كیده ما يغ

نجات از مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ -

۱۳ رهاسازی انسان ها از اسارت نظام های فسادگر و غیر توحیدی ، ارزشی الهی

فأرسل معی بنی اسرائیل

نجات از مکر ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۹

۹ تنها گروهی از انسانها سپاسگزار خداوند بوده و از تزویر و فریب ابلیس رهایی می یابند.

و لاتجد أكثرهم شکرین

نجات از مکر زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۱،۲،۶

۱ خداوند ، دعای یوسف (ع) (درخواست رهایی از کید زلیخا و همپالگی های وی) را اجابت کرد و او را از مکر آنان مصون داشت .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهن

<استجاب> (مصدر استجاب) به معنای پذیرفتن درخواست است.

۲ امداد خداوند ، مایه رهایی یوسف (ع) از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشراف شد .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهن

۶ نجات یوسف (ع) از کید زلیخا و دیگر زنان ، جلوه ای از ربوبیت الهی بر آن حضرت

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهن

نجات از مکر زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ رهایی از دام تمایلات جنسی و مکر زنان ، بدون امداد الهی حتی برای پیامبران و بندگان خالص خدا نیز میسر نیست .

وإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ

نجات از مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۲،۶

۲ امداد خداوند ، مایه رهایی یوسف (ع)

(از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشراف شد .

فاستجاب له ربه فصرف عنه كيدهنّ

۶ نجات یوسف (ع) از کید زلیخا و دیگر زنان ، جلوه ای از ربوبیت الهی بر آن حضرت

فاستجاب له ربه فصرف عنه كيدهنّ

نجات از مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۴

۴ - رهایی پیامبران از فریب ها و وسوسه های کافران ، در پرتو تذکرات و رهنمود های خداوند است .

فلا يصدّك عنها من لايؤمن بها

نجات از نفس اماره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۱۴

۱۴ ترحم خدا بر برخی انسان ها و نجات آنان از سیطره نفس اماره ، برخاسته از رحمت و غفران اوست .

إن النفس .. إلا ما رحم ربي إن ربي غفور رحيم

نجات از وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۱ - ۵

۵ - پرهیز از شرک و رهایی از وسوسه های شیطان ، مقدمه و پیش شرط ورود به آستان بندگی خدا و گام نهادن در صراط مستقیم الهی است .

ألم أعهد إليكم بيني و آدم أن لاتعبدوا الشيطان .. و أن اعبدوني هذا صراط مستقيم

از تقدم توصيه خداوند به پرهيز از اطاعت شيطان، بر فرمان به عبادت خالص خدا و دعوت به صراط مستقيم، مي توان برداشت ياد شده را به دست آورد.

نجات از هلاکت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۸

نجاتبخش نبودن قدرت و تمکن مادی از هلاکت و قهر الهی

ألم یروا کم أهلكنا من قبلهم من قرن مکنهم فی الأرض

نجات اسرافیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ - > قال رسول الله (ص) : > و نفخ فی الصور فصعق من فی السماوات و من فی الأرض إلاّ من شاء الله > قالوا : یا

رسول الله من هؤلاء الذین استثنی الله ، قال : جبرئیل و میکائیل و ملک الموت و اسرائیل و حملة العرش ... ۷

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: > و نفخ فی الصور.. إلاّ من شاء الله <. [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا! این

کسانی که استثنا شده اند چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرئیل، میکائیل، ملک الموت، اسرائیل و حاملان عرش هستند...<.

نجات انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۳ - ۱

۱ خداوند ، به هنگام نزول عذاب استیصال بر کافران ، رسولان خود و مؤمنان را از مهلکه دور کرده و از آسیب پذیری نجات

می داد .

فهل ینتظرون إلا مثل أيام الذین خلوا من قبلهم .. ثم نجی رسلنا و الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۱

۱۱ خداوند ، پیامبران و پیروان ایشان را از عذاب های استیصال نجات می بخشید .

جاءهم نصرنا فنجی من نشاء

>نجی< ماضی مجهول و >من< نایب فاعل آن است. مفعول >نشاء< کلمه ای مانند >نجاته< است که از >نجی<

استفاده می شود.

بنابراین <فنجی من نشاء> یعنی، پس نجات داده شد آنکه ما نجات یافتنش را می خواستیم. از مصداقهای مورد نظر برای <من نشاء> پیامبران و پیروان ایشان است.

نجات انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۳

۳ - کسانی که انفاق کرده و زکات مال خود را ادا کنند ، انسان هایی صالح و نجات یافته اند .

قد أفلح من تزکی

برخی از لغت دانان، فعل <تزکی> را به معنای <تصدق> می دانند. (لسان العرب)

نجات اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ هیچ یاور و نگه دارنده ای نیست که بتواند مستحقان عذاب الهی را از گرفتار شدن به عقوبت رهایی بخشد .

مالک من الله من ولی و لا واق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۲ - ۱۲

۱۲ - محکومان به عذاب استیصال الهی ، هیچ راه گریزی از آن نداشته و تلاش های آنان ، بی ثمر می باشد .

فما أغنی عنهم ما كانوا یکسبون

نجات بخشی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲ - ۸

۸- مردان الهی (همچون پیامبران) در اندیشه آزادی ملت های مظلوم اند ، نه در فکر رفاه خویش .

و تلک نعمه تمنّها علیّ أن عبّدتّ بنی إسرئیل

از آیه یاد شده به دست می آید که آنچه فکر موسی(ع) را شدیداً به خود مشغول می داشت، گرفتاری بنی اسرائیل بود و این نگرانی آسایش زندگی وی را

در دستگاه فرعون به کلی تحت الشعاع قرار داده بود.

نجات بخشی اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲ - ۸

۸ - مردان الهی (همچون پیامبران) در اندیشه آزادی ملت های مظلوم اند، نه در فکر رفاه خویش .

و تلك نعمه تمنها علی أن عبدت بنی إسرئیل

از آیه یاد شده به دست می آید که آنچه فکر موسی (ع) را شدیداً به خود مشغول می داشت، گرفتاری بنی اسرائیل بود و این نگرانی آسایش زندگی وی را در دستگاه فرعون به کلی تحت الشعاع قرار داده بود.

نجات بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۴

۴ - خداوند، نجات بخش بنی اسرائیل و هلاک کننده فرعونیان

فأنجینکم و أغرقنا آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱

۱ خداوند، نجاتبخش گرفتاران در تاریکیها و تنگناهای هول انگیز خشکی و دریاست.

قل من ینجیکم من ظلمت البر و البحر تدعونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۱

۱ خداوند تنها نجاتبخش آدمیان از مهلکه ها و از هرگونه اندوه و سختی است.

قل من ینجیکم .. قل الله ینجیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۷

۷ خداوند در عین قدرت بر عذاب و نابودی مشرکان، آنان را از مهلکه ها نجات می دهد.

قل الله ینجیکم ممنها و من کل کرب ..

قل هو القادر على أن يبعث عليكم عذابا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۳ - ۱

۱ خداوند ، به هنگام نزول عذاب استیصال بر کافران ، رسولان خود و مؤمنان را از مهلکه دور کرده و از آسیب پذیری نجات می داد .

فهل ينتظرون إلا مثل أيام الذين خلوا من قبلهم .. ثم نجى رسلنا و الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۵۸

۵ هیچ چیز و هیچ کس ، جز خداوند رحمان ، توانا بر نجات افراد از حادثه طوفان نوح نبود .

قال لا عاصم اليوم من أمر الله إلا من رحم

ظاهر جمله <لا عاصم...> این است که <من رحم> استثنا از <لا عاصم> باشد. در این صورت باید گفت: مراد از <من رحم> رحم کننده ، یعنی خداوند است نه کسی که مورد رحمت قرار می گیرد؛ یعنی: لا عاصم... الا الراحم و هو الله.

۸ نجات یافتن از حوادثی چون طوفان نوح (عذاب های الهی) ، جز در سایه رحمت الهی ، امکان پذیر نیست .

لا عاصم اليوم من أمر الله إلا من رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۵۸،۱۰

۵ خداوند ، هود (ع) و پیروانش را ، از عذاب نازل شده بر قوم عاد نجات داد .

و لما جاء أمرنا نجينا هودًا والذين ءامنوا معه

۸ خداوند ، پیش از نازل کردن عذاب استیصال ، مؤمنان و صالحان را از مهلکه خارج می سازد تا عذاب دامنگیر

آنان نشود . *

و لما جاءنا أمرنا نجينا هودًا والذين ءامنوا معه

۱۰ خداوند ، هود (ع) و پیروان او را ، از گرفتار شدن به عذاب آخرت نجات داد .

و نجينهم من عذاب غليظ

بر این اساس که مقصود از <عذاب غلیظ> عذاب اخروی باشد ، ماضی آوردن فعل <نجینا> اشاره به این نکته دارد که: مؤمنان به هود(ع) پس از نزول عذاب استیصال بر قوم عاد ، همچنان به ایمان خویش پایبند بودند و مستحق عذاب اخروی نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۴

۴ خداوند ، شعیب (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر مردم مدین رهایی بخشید .

و لما جاء أمرنا نجينا شعيبًا والذين ءامنوا معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۹

۹ تنها خداوند بر نجات آدمیان از خطر ها و عذاب ها تواناست .

فما أغنت عنهم .. من دون الله

توصیف <ءالهتم> به <التي يدعون من دون الله> گویای این است که: نباید غیر خدا را به یاری طلبید زیرا هر معبودی غیر از خدای یکتا ، از دفع عذاب ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۸

۸ خداوند ، برخی از دوزخیان را از آتش دوزخ رهایی می بخشد و از عذاب نجات می دهد .

خلدين فيها .. إلا ما شاء ربك

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از <ما> در <إِلَّا مَا شَاءَ رَبِّكَ> افراد و اشخاص باشد. بر این

مبنا <مستثنی منه> ضمیر مستتر در <خالدین> می باشد و حاصل معنای <خالدین فیها...> چنین خواهد بود: دوزخیان در آتش مخلد هستند، مگر افرادی را که خداوند بخواهد که در آن جا خالد نباشند. وصف <فعال لما یزید> به این نکته اشاره دارد که خداوند با اعمال مشیت خویش، برخی دوزخیان را رهایی خواهد بخشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۹

۹ خداوند ، تنها صالحان ناهی از منکر را از عذاب های نازل شده بر امت های پیشین ، نجات داد .

إِلَّا قَلِيلًا مِّنْ أُنْجِيْنَا مِنْهُمْ

<منهم> قید برای <قلیلاً> است و ضمیر در آن به <القرون> باز می گردد و <من> در <ممن = من من> بیانیه است بنابراین <إِلَّا قَلِيلًا...> یعنی، مگر اندکی از جوامع گذشته که در آنها صاحب خردانی ناهی از فساد بودند همانها که نجاتشان دادیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ خداوند ، خنثی کننده مکر و حيله زنان اشراف و نجات بخش یوسف (ع) از زندان

أَنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۱، ۱۲

۱۱ خداوند ، پیامبران و پیروان ایشان را از عذاب های استیصال نجات می بخشید .

جاءهم نصرنا فنجی من نشاء

<نجی> ماضی مجهول و <من> نایب فاعل آن است. مفعول <نشاء> کلمه ای مانند <نجاته> است که از <نجی> استفاده می شود. بنابراین <فنجی من نشاء> یعنی، پس نجات داده شد آنکه ما نجات یافتنش را

می خواستیم. از مصداقهای مورد نظر برای <من نشاء> پیامبران و پیروان ایشان است.

۱۲ خداوند ، تقوایبشگان و درستکاران را از عذاب های استیصال نجات می بخشد .

فنجی من نشاء

از مصادیق مورد نظر برای <من نشاء> علاوه بر پیامبران ، تقوایبشگان و درستکاران است. آیه قبل (أفلم یسیروا ... و لدار الأخره خیر للذین اتقوا) و ذیل آیه مورد بحث (ولایرد بأسنا عن القوم المجرمین) قرینه بر این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۱

۱۱- تحمیل بدترین شکنجه ها و آزار بر قوم موسی (بنی اسرائیل) ، شیوه مستمر فرعونیان

یسومونکم سوء العذاب

<یسومون> از <سوم>، به معنای تحمیل شکنجه و عذاب، است و فعل مضارع آوردن آن، می تواند اشاره به تداوم آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۱۱

۱۱- تنها خداوند می تواند انسان ها را از سلطه و نفوذ شیطان نجات بخشد .

لیس لک علیهم سلطن و کفی برّبک و کیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۷

۷- نجات از خطراتی که مرگ قطعی برای انسان می آورد ، تنها به عنایت خداوند امکان پذیر است .

و إذا مسکم الضرّ فی البحر ضلّ من تدعون إلاّ إیاه فلما نجّکم إلی البرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۸،۹

۸- هیچ کس و هیچ ملجأیی جز خداوند ، توان نجات انسان ها را از مرگ حتمی در برابر حوادث طبیعی ندارد .

إِذَا مَسَّكُمُ الضَّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ

از اینکه خداوند در آیه قبل فرمود: <انسان به هنگام گرفتار شدن به خطر حتمی، تنها به یاد خدا و قدرت نجات بخش او می افتد و پس از رهایی فراموش می کند> و نیز از اینکه در آیه بعدی هشدار داد که هیچ گاه نباید احساس ایمنی کنند، نشان می دهد که تنها اوست که می تواند انسان را از مرگ حتمی نجات بخشد.

۹- انسان ها به هنگام گرفتار آمدن به گرداب حوادث مرگ آفرین ، هیچ کارساز و پشتیبانی جز خداوند برای نجات خویش نمی یابند .

ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۱

۱- خداوند ، در پی ورود همگان به دوزخ ، تقوایندگان را از آن نجات می دهد .

وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَاْرِدَهَا .. ثُمَّ نَنْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۲۲

۲۲ - خداوند موسی (ع) را از اندوه و نگرانی بر ارتکاب قتل نفس ، نجات بخشید .

وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنِكَ مِنَ الْغَمِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۸ - ۴

۴ - خداوند ، راهنمای موسی (ع) در لحظات حساس و سرنوشت ساز و رهاننده او از بحران های روحی و اضطراب های درونی

قَلْنَا لَا تَخَفْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۲

۲ - خداوند ، بنی اسرائیل

را از خطر فرعون رهانید و آنان را از اسارت او نجات داد .

فأتبعهم فرعون .. بینی اسرئیل قد أنجینکم من عدوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۱

۱- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از نیرنگ ها و دسیسه های قوم خود ، به اراده الهی نجات یافتند .

و أرادوا به کیداً .. و نَجَّیْنِه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۵

۵- خداوند ، حضرت لوط (ع) را از شرّ قوم پلید ، ناپاک و زشتکارش نجات داد .

و نَجَّیْنِه من القریه التی کانت تعمل الخبیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۷

۷- خداوند ، نوح (ع) و خاندانش را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فَنَجَّیْنِه و أهله من الکرب العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۱

۱- خداوند ، حضرت نوح (ع) را از گزند تکذیب کنندگان آیات الهی نجات داد و از او کاملاً حمایت کرد .

و نصرنه من القوم الذین کذبوا بایتنا

واژه <نصر> هرگاه با <من> متعدی شود، متضمن معنای نجات و خلاصی است (برگرفته از <قاموس المحيط>).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- خداوند ، یونس (ع) را از غم و اندوه

نجات و رهایی بخشید .

و نَجِّينَهُ مِنَ الْعَمِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۳

۳ - خدا ، تنها دستگیر و یاور مردمان در دنیا و سرای آخرت

من كان يظنّ أن لن ينصره الله في الدنيا و الآخره . .. هل يذهبنّ كیده ما يغیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۷

۷ - خداوند ، دستگیر امت اسلامی در مواقع بروز خطر

و لولا فضل الله عليكم . . . لمسکم فی ما أفضتم فيه عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۶

۶ - فضل و رحمت خدا ، مردم صدراسلام را که ندانسته در گسترش توطئه < افک > دخالت داشتند ، از گرفتار شدن به عذاب دنیوی و اخروی نجات بخشید .

و لولا فضل الله عليكم و رحمته

به قرینه آیه پیش و نیز آیه ۱۴ ، جمله < و لولا فضل الله > ، به تقدیر < و لولا فضل الله عليكم و رحمته مسکم عذاب فی الدنيا و الآخره > می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۵ - ۴

۴ - اقدام خداوند بر نجات دادن رهروان راه خود در سخت ترین شرایط

و أنجینا موسی و من معه أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۲

۲ - نجات نوح (ع) و همراهانش ، به اراده خدا و در پی استمداد وی برای رهایی از شرّ کافران

و نَجْنی و من

معى . . فأنجینه و من معه فى الفلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۲

۲ - نجات لوط (ع) و همه کسانش ، به اراده خداوند و در پی استمداد وی برای رهایی از مکافات عمل قومش

ربّ نجنى و أهلى ممّا يعملون . فنجینه و أهله أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۵

۵ - خداوند ، نجات دهنده مؤمنان تقوایسته از گرداب های سخت و بلا های فراگیر

أنا دمرنهم و قومهم أجمعين . . . و أنجينا الذين ءامنوا و كانوا يتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۳،۴

۳ - غلبه اراده الهی بر خواست و تصمیم فرعون در نابود کردن موسی (ع)

يذبح أبناءهم . . . فرددنه إلى أمه

موسی(ع) زمانی به دنیا آمد که فرعون به بهانه از بین بردن او، هر کودک پسر بنی اسرائیلی را سر می برید؛ اما خداوند حوادث را طوری ترتیب داد که شخص فرعون به حمایت از موسی(ع) برخیزد و او را تحت سرپرستی خود قرار دهد.

۴ - تعلق اراده الهی بر بازگرداندن سریع موسی (ع) و دیر نپاییدن زمان جدایی میان او و مادرش

فرددنه إلى أمه

به کارگیری <فاء> عاطفه که برای بیان عدم تراخی است نشان می دهد که زمان جدایی میان موسی(ع) و مادرش به قدری کوتاه بود که می توان آن را نادیده گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ -

۴ - پذیرفته شدن تقاضای موسی (ع) از سوی خداوند و تعلق اراده او بر بخشودن خطای موسی (ع) و نجات وی از فرعونیان

قال ربّ .. فاغفر لی فغفر له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۱

۱ - خداوند ، نوح (ع) و اصحاب کشتی او را ، از غرق شدن در طوفان ، نجات داد .

فأخذهم الطوفان .. فأنجینه و أصحاب السفینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۹

۹ - نجات دهنده گرفتاران ، از خطر ، خداوند است .

فلما نجّیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۵،۱۰

۵ - عقیده به توحید و نجات بخشی خداوند ، باوری فطری برای انسان ها است .

و إذا غشیهم موج کالظلل دعوا الله مخلصین له

۱۰ - نجات دهنده انسان ها از شداید و گرفتاری های سخت ، خداوند است .

و إذا غشیهم موج .. فلما نجّیهم إلى البرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۱ - ۱

۱ - خداوند ، نجات بخش تقوایبشگان از عذاب قیامت

أليس في جهنم مثوى للمتكبرين . و ينجى الله الذين اتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۸ - ۲

۲ - خداوند ، مؤمنان تقوایبشه قوم عاد و ثمود را از عذاب نازل شده نجات داد .

و نجينا الذين ءامنوا و كانوا يتقون

مراد از <الذين آمنوا>

به قرینه سیاق مؤمنان هر دو قوم عاد و ثمود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۶

۶ - خداوند ، تنها یار و یاور انسان در حفاظت وی از عواقب ناگوار گناهان

و ما أصبکمْ . . . و ما لکم من دون اللّٰه من ولیّ و لا نصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۲ - ۷

۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را از گرفتاری به سنت های دوران جاهلیت رها کنید .

و وضعنا عنک وزرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۸،۱۰

۸ - خداوند ، بر حفاظت انسان ها از خطر ها و آسیب ها توانا است .

قل أعوذ بربّ الفلق

۱۰ - برطرف شدن تاریکی شب و شکافتن آن با طلوع

صبحدم به تدبیر خداوند ، دلیل توانمندی او بر نجات انسان ها از حوادث خطرناک

قل أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۲ - ۳

۳ - خداوند ، توانا بر دفع ضرر و جلوگیری از آسیب دیدن انسان از دیگر موجودات

قل أَعُوذُ . . . مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۳ - ۲

۲ - خداوند ، بر حفاظت انسان از مخفی ترین خطر ها ، توانا است .

و مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۵

۵ - توانایی خداوند بر شکافتن تاریکی ها با سپیده صبح ، دلیل قدرت او بر نجات انسان از خطر حسودان

قل أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ . . . وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ

نجات بخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۵

۵- قرآن ، مایه نجات آدمی از خطر ها ، آسیب ها و دشواری های موجود بر سر راه انسان *

هَذَا بَلْغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ

نجات بخشی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۴

۴ - داشتن پیام هدایت آفرین و نجات بخش برای زندگی دنیایی و اخروی انسان ها ، از ویژگی های خدای بر حق و شایسته پرستش

لاجرم أنما تدعونني إليه ليس له دعوة في الدنيا ولا في الآخرة

از این که مؤمن آل فرعون در رد عقیده مشرکان،

به این مطلب استدلال کرد که معبودهای ادعایی شما، پیامی برای بشر ندارد؛ می توان استفاده کرد که داشتن پیام، از خصوصیات معبود حقیقی و شایسته پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۸ - ۳

۳- معبود راستین ، قادر به نجات انسان در همه شرایط دشوار

فلولا نصرهم الذين اتخذوا من دون الله قرباناً ءالهه

مفهوم آیه، گویای برداشت یاد شده است.

نجات بخشی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷ - ۱

۱ - رهانیدن بنی اسرائیل از سلطه و ستم فرعونى ، در رأس اهداف موسی (ع) و هارون (ع) قرار داشت .

أنا أئت القوم الظلمين .. فأتيا فرعون فقولا... أن أرسل معنا بنى إسرائيل

مقصود از <إرسال> (فرستادن) در این جا آزاد کردن و رها ساختن بنی اسرائیل است. بنابراین از آیه یاد شده استفاده می شود که اساسی ترین مأموریت موسی(ع) این بود که بنی اسرائیل را از سرزمین فرعونیان خارج کند و آنان را از بند اسارت و بردگی مصریان آزاد سازد.

نجات بخشی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷ - ۱

۱ - رهانیدن بنی اسرائیل از سلطه و ستم فرعونى ، در رأس اهداف موسی (ع) و هارون (ع) قرار داشت .

أنا أئت القوم الظلمين .. فأتيا فرعون فقولا... أن أرسل معنا بنى إسرائيل

مقصود از <إرسال> (فرستادن) در این جا آزاد کردن و رها ساختن بنی اسرائیل است. بنابراین از آیه یاد شده استفاده

می شود که اساسی ترین مأموریت موسی (ع) این بود که بنی اسرائیل را از سرزمین فرعونیان خارج کند و آنان را از بند اسارت و بردگی مصریان آزاد سازد.

نجات بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۱

۱ - بندگان مخلص خدا (بندگان خالص و برگزیده خدا) ، تنها گروه نجات یافته از میان اقوام عذاب شده پیشین

فانظر كيف كان عقبه المنذرین . إلاّ عباد الله المخلصین

طبق نظر بیشتر مفسران، مقصود و معنای <مخلصین> (خالص شدگان) این است: <الذین أخلصهم الله لنفسه و ولايته> کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است.

نجات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱۲، ۱۱، ۹، ۲

۲ - خداوند با بعثت موسی (ع) ، بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان و شکنجه های سهمگین آنها رها ساخت .

و إذ نجینکم من آل فرعون یسومونکم سوء العذاب

در جمله <أنعمت علیکم> و <أنی فضلتکم> نعمت دادن و برتری بخشیدن به خداوند نسبت داده شده و ولی در جمله <نجیناکم> (ما شما را نجات دادیم) نجات بخشی به ضمیر <نا> (ما) نسبت داده شده است. از این مقابله می توان فهمید که خداوند در نجات بخشی، نظر به سببهایی نیز دارد که به قرینه آیات بعد می توان گفت: آن سبب بعثت حضرت موسی (ع) بوده است.

۹ - در صورتی که خداوند بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان نجات نمی داد ، آنان همچنان به شکنجه و کشتار فرزندانشان

ادامه

می دادند .

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

برداشت فوق از فعلهای مضارع <یسومون> و <یذبحون> و <یستحیون> استفاده شده است.

۱۱ - خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل از شکنجه های سخت فرعونى ، آنان را مورد آزمون بزرگى قرار داد .

و فى ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب - که از <نجیناکم> استفاده می شود - باشد.

۱۲ - نجات از شکنجه فرعونیان ، از نعمت های بزرگ خداوند برای بنی اسرائیل

و فى ذلکم بلاء من ربکم عظیم

در برداشت فوق <بلاء> به معنای نعمت و <ذلکم> اشاره به رهاسازی از عذاب، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۱۳، ۴، ۳

۳ - بنی اسرائیل ، با عبور از دریا نجات یافتند و فرعونیان در آب دریا غرق شدند .

فأنجینکم و أغرقنا آل فرعون

۴ - خداوند ، نجات بخش بنی اسرائیل و هلاک کننده فرعونیان

فأنجینکم و أغرقنا آل فرعون

۱۳ - خاطره نجات بنی اسرائیل و هلاکت خاندان فرعون با شکافته شدن دریا ، خاطره ای عبرت آموز و شایسته و بایسته به یاد داشتن

و إذ فرقنا بکم البحر . . . و أنتم تنظرون

<إذ فرقنا> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است. بنابراین <إذ فرقنا> نیز مفعول برای <أذکروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، پس از نجات بنی اسرائیل از سیطره فرعونیان ، موسی (ع) را برای عبادت و مناجاتی خاص فرا خواند

و إذ وعدنا موسى أربعين ليلة

به کارگیری کلمه <لیله> (شب) - با وجود اینکه معمولا در بیان شبانه روز و مانند آن، از کلمه <یوم> (روز) استفاده می شود - اشاره به این معنا دارد که: وعده خدا با موسی (ع) برای عبادت و مناجات بوده است. از آن جا که موسی (ع) در میان بنی اسرائیل نیز اعمال عبادی داشته، معلوم می شود آن دعوت برای عبادت و مناجاتی خاص بوده است.

۱۰ - گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی ، پس از عبورشان از دریا و نجات یافتن از سیطره فرعونیان بود .

و إذ فرقنا بكم البحر . . . و إذ وعدنا ... ثم اتخذتم العجل من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱،۲،۵

۱ - قوم موسی پس از نجات از سلطه فرعونیان و گذر از دریا ، در بیابان ها به گرمای سوزان خورشید گرفتار شدند .

و ظللنا عليكم الغمام

<تظليل> مصدر <ظللنا> - که به معنای سایه قرار دادن می باشد - گویای این است که: قوم موسی پس از گذشتن از دریا، در جایی که سقف و دارای سایه بانی باشد سکونت نکردند و لذا کلمه <بیابانها> در برداشت آورده شد.

۲ - خداوند ، با سایه گستر ساختن ابرها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشید رهایی بخشید .

و ظللنا عليكم الغمام

غمامه به معنای ابر و جمع آن غمام است (لسان العرب). برخی از اهل لغت بر آنند که غمامه به معنای ابر سفید می باشد.

۵ - نزول < مَن > و < سلوی > بر بنی اسرائیل

و نجاتشان از حرارت شدید خورشید با ابر های سایه گستر ، پس از حادثه صاعقه زدگی و زنده شدن آنان بود .

ثم بعثنکم . . . و ظللنا علیکم الغمام

عطف جمله <ظللنا ..> بر <بعثناکم ...> اقتضا می کند که گفته شود: داستان سایه گستر شدن ابرها و نزول <منّ> و <سلوی> پس از داستان صاعقه، تحقق یافته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱

۱ - قوم موسی ، پس از نجات از سیطره فرعون و گذر از دریا ، در سرزمینی به دور از آب حرکت می کردند و کمبود شدید آب مبتلا بودند .

و إذاستسقی موسی لقومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۱۰، ۹

۹ موسی (ع) در راستای رهاسازی بنی اسرائیل از فرعون خواست تا از مهاجرت آنان با وی جلوگیری نکند .

فأرسل معی بنی اسرائیل

۱۰ رهاسازی بنی اسرائیل از نظام فاسد فرعون ، از وظایف الهی موسی (ع)

فأرسل معی بنی اسرائیل

تفریع جمله <فأرسل ..> بر <ینی رسول ...> حکایت از آن دارد که رهایی بنی اسرائیل از رسالت‌های الهی موسی بوده است. یعنی به امر خداوند موظف به انجام این کار بود، نه به تصمیم شخصی خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۱

۱ به قدرت رساندن بنی اسرائیل برای برچیدن نظام فرعون ، تحلیل اشراف دربار از پیشنهاد موسی (رهاسازی بنی اسرائیل)

فأرسل معی بنی اسرائیل ..

یرید أن یخرجکم من أرضکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۱۰، ۱۱، ۱۲

۱۰ فرعونیان با موسی (ع) پیمان بستند و سوگند یاد کردند که در صورت برطرف ساختن عذاب شدید از آنان، به وی ایمان آورند و بنی اسرائیل را آزاد سازند.

لئن كشفت عنا الرجز لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی اسرائیل

۱۱ فرعونیان پس از وقوع هر یک از عذاب های پنجگانه (طوفان...) با موسی پیمان بستند که در صورت برطرف ساختن آن، به وی ایمان آورند و بنی اسرائیل را آزاد کنند.

لئن كشفت عنا الرجز لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی اسرائیل

برداشت فوق بر این اساس است که <ال> در <الرجز> عهد ذکر می باشد. در این صورت <الرجز> اشاره به عذابهای پنجگانه در آیه قبل است.

۱۲ ایمان به رسالت موسی و آزادی بنی اسرائیل، از مهمترین خواسته های موسی (ع) از فرعونیان

لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۵ - ۸

۸ فرعونیان، علی رغم پیمان مؤکدشان با موسی (ع) (تصدیق رسالت او و آزادسازی بنی اسرائیل پس از برطرف شدن عذاب)، حتی لحظه ای به وی ایمان نیاوردند و بنی اسرائیل را آزاد نکردند.

فلما كشفنا عنهم الرجز .. إذا هم ينكثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۶ - ۳

۳ فرعونیان به دلیل شکستن پیمانشان با

موسی (ع) (ایمان به وی و آزادسازی بنی اسرائیل) سزاوار انتقام الهی و غرق شدن در دریا گشتند .

إذا هم ینکثون. فانتقمنا منهم

تفریع جمله <فانتقمنا> بر جمله <إذا هم ینکثون> به وسیله حرف <فاء> می رساند که پیمان شکنی فرعونیان در انتقام الهی از آنان دخیل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۱۲، ۱۱، ۴، ۳

۳ نجات از سیطره فرعونیان و عذاب های ایشان ، خاطره ای برای بنی اسرائیل و شایسته همواره به یاد داشتن

و إذ أنجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

<إذ> مفعولٌ به برای فعل مقدر <اذکروا> است.

۴ موسی (ع) با تکیه بر لطف خداوند به بنی اسرائیل در نجات بخشی آنان از شکنجه فرعونیان ، لزوم پرستش خدای یگانه و پرهیز از گرایش به شرک را به آنان گوشزد کرد .

قال أغیر الله أبغیکم إلهاً . .. و إذ أنجینکم من ءال فرعون

برداشت فوق بر این اساس است که مفاهیم ذکر شده در آیه مورد بحث برگرفته از سخنان موسی باشد و مخاطبان اصلی آن همان مردمی باشند که پس از عبور از دریا به بت پرستی گرایش پیدا کردند.

۱۱ خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل عصر موسی از شکنجه های سخت فرعونی ، آنان را مورد آزمایشی سنگین قرار داد .

و إذ أنجینکم . . . و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب باشد.

۱۲ نجات از شکنجه فرعونیان ، از نعمت های بزرگ خداوند برای بنی

و إذ أنجینکم . . . و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

در برداشت فوق <بلاء> به معنای نعمت و <ذلکم> اشاره به رهاسازی از عذاب که از <أنجیناکم> استفاده می شود گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ خداوند به موسی (ع) فرمان داد تا رهایی بنی اسرائیل از چنگال فرعون را به آنان بشارت دهد .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین . . . و بشر المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۰ - ۱

۱ خداوند ، بنی اسرائیل را در حالی که در معرض هجوم فرعون و سپاهیاناش قرار داشتند ، از دریا عبور داد .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً و عدواً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۵،۷،۹،۱۸

۵- موسی (ع) از قومش درخواست کرد که همواره به خاطر داشته باشند که خداوند عامل رهایی آنان از شکنجه و کشتار فرعونیان بود .

إذ قال موسی لقومه اذکروا نعمه الله علیکم إذ أنجکم من ءال فرعون

۷- نجات از نظام اجتماعی ظالمانه ، نعمتی الهی و شایسته به خاطر سپردن است .

اذکروا نعمه الله علیکم إذ أنجکم من ءال فرعون یسومونکم

۹- اطرافیان و خاندان فرعون ، مردمی ظالم و شکنجه گر بودند .

إذ أنجکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

۱۸- آزمایش بندگان ، جلوه ربوبیت الهی نسبت به آنان است .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۷

۷- رهایی بنی اسرائیل از ظلم و ستم فرعونیان ، نعمتی بزرگ برای آنان و شایسته شکرگزاری

إِذْ أَنْجَمْنَا مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ... وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شِئْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ

عبارت <إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ> ادامه کلام موسی(ع) است که نجات بنی اسرائیل از چنگال فرعونیان را به آنان یادآوری کرد. با این کلام، موسی(ع) به طور تلویحی به بنی اسرائیل متذکر شده که نجات آنان، نعمت خدادادی و مستلزم شکرگزاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۴

۴ - نجات بنی اسرائیل از شکنجه و آزار فرعونیان و بیرون آوردن آنان از محدوده حکومت فرعون ، از اهداف مهم رسالت موسی و هارون (ع) بود .

فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تَعَذِّبْهُمْ

<فا> در <فأرسل> تفریع بر <إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ> است و می رساند که کوچ دادن بنی اسرائیل، از رسالت های الهی موسی و هارون(ع) بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۹، ۷، ۲

۲ - خداوند ، بنی اسرائیل را از خطر فرعون رهانید و آنان را از اسارت او نجات داد .

فَأْتَبِعَهُمْ فِرْعَوْنُ... يَبْنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكَ مِنْ عَدُوِّكَ

۷- نزول <مَنْ و سلوی> بر بنی اسرائیل ، پس از نجات آنان از چنگال فرعون و استقرار آنها در بیابان بوده است .

قَدْ أَنْجَيْنَاكَ... وَعَدْنَاكَ... وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوى

نزول <مَنْ و سلوی>، نشان عاری بودن منطقه از مواد غذایی متداول و

بیابانی بودن محیط استقرار آنها است.

۹ - نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

بنی اسرائیل قد أنجینکم .. و نزلنا علیکم المنّ والسلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷ - ۲

۲ - موسی و هارون (ع) ، مأمور هجرت از سرزمین مصر به همراه بنی اسرائیل

أن أرسل معنا بنی إسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۳ - ۳

۳ - شکافته شدن دریا با ضربت عصای موسی و باز شدن راه نجات برای بنی اسرائیل

أن اضرب بعصاک البحر فانفلق

<انفلاق> (مصدر <انفلق>) به معنای شکافته شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶ - ۲

۲ - بیرون آوردن بنی اسرائیل از محرومیت و فقر و قرار دادن امکانات دنیوی (سرزمین مستقل ، قدرت و مکنّت) در اختیار آنان ، نمودی دیگر از امتنان الهی بر آنها

و نرید أن نمّن .. و نمکن لهم فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۱

۱ - موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نَجِّينَهُمَا وَ قَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۸ - ۴

۴- آزادسازی

بنی اسرائیل و ترک بهره کشی ظالمانه از آنان ، یکی از محور های آزمایش الهی برای فرعونیان

و لقد فتنّا قبلهم قوم فرعون .. أن أدوا إلى عباد الله

از ارتباط <أن أدوا> با <و لقد فتنّا>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۴ - ۳

۳- اطمینان بخشی خداوند به موسی (ع) و بنی اسرائیل ، در به سلامت عبور کردن آنان از دریا و غرق شدن فرعونیان

و اترك البحر رهوا إنهم چند مغرقون

هر چند عبارت <واترك ..> معنای فرمان را در خود نهفته دارد؛ اما قرین شدن <رهوا> می نمایاند که خداوند با بیان این صفت، در صدد اطمینان بخشی و ایجاد آرامش در روح موسی(ع) و اطرافیان آن حضرت بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۷

۷- بیان هلاکت فرعونیان و نجات بنی اسرائیل از سوی خداوند ، پیامدار تهدید برای مشرکان و نویدی برای پیامبر (ص) و مؤمنان

و لقد نجینا بنی إسرائيل .. بلوا مبین

با توجه به این که آیات گذشته، در زمینه رویارویی مشرکان و مؤمنان بود؛ طرح سرگذشت فرعونیان و بنی اسرائیل، پیامدار مطلب یاد شده است.

نجات بنی اسرائیل از گرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۷

۱۷ خداوند با سایه گستر ساختن ابرها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشید رهایی بخشید .

و ظللنا عليهم الغمم

<غمامه> به معنای ابر و جمع آن غمام است. (لسان

العرب). برخی از اهل لغت برآند که غمام به معنای ابر سفید است. <تظلیل> (مصدر ظللنا) به معنای سایه قرار دادن است.

نجات پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۱

۱ - انسان های پاک ، درست کار و تلاش کننده در مسیر رشد و کمال ، اهل نجات اند و به هدف اصلی دست یافته ، همواره در خوبی خواهند ماند .

قد أفلح من تزکی

<فلاح> / یعنی، ظفر یافتن و دستیابی به مقصود (مفردات راغب) و نیز به معنای <فوز>، <نجات> و <باقی ماندن در خیرات> است (قاموس). فعل <تزکی> از باب تفعّل است و بر تکلف (تلاش برای تزکیه) دلالت دارد. این فعل از مشتقات <زکاء> یا <زکاه> است. <زکاه> / یعنی، درستی و درستکاری (مصباح) و به دست آوردن چیزی که مایه پاکی شود (مفردات) و <زکاه> / یعنی، پاکی، رشد و نمو، برکت و ممدوح بودن. (نهایه ابن اثیر)

نجات پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۰، ۹، ۷

۷ نوح (ع) به حکیمانه نبودن نجات فرزند فسادپیشه اش ، از حادثه طوفان آگاه نبود .

فلاتسئلن ما لیس لك به علم

۹ خداوند ، نوح (ع) را از درخواست نجات فرزندش ، برحذر داشت .

فلاتسئلن ما لیس لك به علم

چون مفعول دوم <فلاتسئلن> یعنی، <ما لیس...> بدون حرف <عن> آمده است، مقصود از سؤال، درخواست و مطالبه است نه پرسش و جستوجو. بنابراین <فلاتسئلن> / یعنی، از من نخواه و درخواست نکن مصداق مورد نظر برای <مالیس...>

نجات فرزند نوح می باشد.

۱۰ نجات فرزند فسادپیشه نوح از حادثه طوفان ، امری خلاف حکمت و مصلحت در نزد خداوند

فلاتسئلن ما لیس لك به علم

<به> متعلق به <علم> است و مراد از آن <بمصلحته و حکمته و صوابه> می باشد. بنابراین <فلاتسئلن ما لیس...>؛ یعنی ، درخواستی را که نمی دانی درست است و یا مطابق مصلحت و حکمت است ، از من مخواه.

نجات پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۱

۱۱ خداوند ، پیامبران و پیروان ایشان را از عذاب های استیصال نجات می بخشید .

جاءهم نصرنا فنجی من نشاء

<نجی> ماضی مجهول و <من> نایب فاعل آن است. مفعول <نشاء> کلمه ای مانند <نجاته> است که از <نجی> استفاده می شود. بنابراین <فنجی من نشاء>؛ یعنی، پس نجات داده شد آنکه ما نجات یافتنش را می خواستیم. از مصداقهای مورد نظر برای <من نشاء> پیامبران و پیروان ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۵

۵ به هنگام نزول عذاب الهی ، تنها همگامان پیامبران اهل نجاتند .

فأنجینه و الذین معه برحمه منا

نجات پیروان شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۴

۴ خداوند نجاتبخش شعيب (ع) و همگامانش از گرایش به شرک

بعد إذ نجنا الله منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۴،۵

۴ خداوند ، شعیب (ع) و پیروانش را از عذاب

نازل شده بر مردم مدین رهایی بخشید .

و لما جاء أمرنا نجينا شعيبًا والذين آمنوا معه

۵ نجات شعیب (ع) و پیروان او از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند بر آنان بود .

نجينا شعيبًا والذين آمنوا معه برحمه منا

نجات پیروان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۶،۷

۶ خداوند ، صالح (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر قوم ثمود رهایی داد و آنان را از ننگ آن عقوبت دور ساخت .

نجينا صلحا والذين آمنوا معه .. و من خزي يومئذ

۷ نجات صالح (ع) و پیروانش از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند بر آنان بود .

نجينا صلحا والذين آمنوا معه برحمه منا

نجات پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۶

۶ نجات پیروان نوح از حادثه طوفان ، پرتوی از مغفرت و رحمت الهی بود .

قال اركبوا فيها .. إن ربی لغفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۶۸

۶ - واقعه طوفان و هلاکت قوم نوح و نجات آن حضرت و مؤمنان به وی ، از آن حادثه ، درس عبرتی بزرگ برای انسان هااست .

فأخذهم الطوفان .. فأنجيتهم و أصحاب السفينه و جعلتها آية للعلمين

مرجع ضمير <ها> می تواند <سفینه> و یا <واقعه طوفان> باشد. برداشت بالا، بنا بر احتمال دوم است. گفتنی است، <آیه> به معنای <عبرت> است و نکره آمدن اش، دلالت بر

تفخیم می کند.

۸- نجات نوح (ع) و اصحاب کشتی وی و باقی ماندن کشتی ، به عنوان آیه الهی برای مردم ، به دست خداوند بود .

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ

نجات پیروان هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۵۸ - ۱۰، ۶، ۵

۵ خداوند ، هود (ع) و پیروانش را ، از عذاب نازل شده بر قوم عاد نجات داد .

و لما جاء أمرنا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ

۶ نجات هود (ع) و پیروانش از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند بر آنان بود .

نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا

<برحمه> متعلق به <نَجَّيْنَا> می باشد.

۱۰ خداوند ، هود (ع) و پیروان او را ، از گرفتار شدن به عذاب آخرت نجات داد .

و نَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ

بر این اساس که مقصود از <عذاب غلیظ> عذاب اخروی باشد ، ماضی آوردن فعل <نَجَّيْنَا> اشاره به این نکته دارد که: مؤمنان به هود(ع) پس از نزول عذاب استیصال بر قوم عاد ، همچنان به ایمان خویش پایبند بودند و مستحق عذاب اخروی نشدند.

نجات جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ - < قال رسول الله (ص) : > و نَفَخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ > قالوا : يا رسول الله من هؤلاء الذين استثنى الله ، قال : جبرئيل و ميكائيل و ملك الموت و اسرائيل و حملة العرش .

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: <و نفخ فی الصور.. إلّا- من شاء الله>. [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا! این کسانی که استثنا شده اند چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرئیل، میکائیل، ملک الموت، اسرائیل و حاملان عرش هستند...>.

نجات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۲

۲۲ سزاواران خلود در جهنم ممکن است با مشیت خداوند از آن رهایی یابند.

خلدین فیها إلّا ما شاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۷،۸

۷ رهایی جهنمیان از آتش دوزخ، امری ممکن و محتمل است و به مشیت خداوند بستگی دارد.

خلدین فیها .. إلّا ما شاء ربک

منظور از <ما> ی موصوله در <إلّا ما شاء ربک> می تواند زمان و مدت باشد. در این صورت <مستثنی منه> مدت زمانی است که به خلود و دوام توصیف شد. بر این اساس حاصل معنای <خلدین فیها...> چنین می شود: دوزخیان در آتش برای همیشه ماندگارند، مگر آنکه خداوند همیشه بودن را ملغی کند.

۸ خداوند، برخی از دوزخیان را از آتش دوزخ رهایی می بخشد و از عذاب نجات می دهد.

خلدین فیها .. إلّا ما شاء ربک

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از <ما> در <إلّا ما شاء ربک> افراد و اشخاص باشد. بر این مبنا <مستثنی منه> ضمیر مستتر در <خلدین> می باشد و حاصل معنای <خلدین فیها...> چنین خواهد بود: دوزخیان در آتش مخلد هستند، مگر افرادی را که خداوند بخواهد که در آن

جا خالد نباشند. وصف <فعال لما یزید> به این نکته اشاره دارد که خداوند با اعمال مشیت خویش، برخی دوزخیان را رهایی خواهد بخشید.

نجات حاملان عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ - < قال رسول الله (ص) : > و نفخ فی الصور فصعق من فی السماوات و من فی الأرض إلاّ من شاء الله > قالوا : یا رسول الله من هؤلاء الذین استثنی الله ، قال : جبرئیل و میکائیل و ملک الموت و اسرائیل و حملة العرش ... ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: <و نفخ فی الصور.. إلاّ من شاء الله>. [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا! این کسانی که استثنا شده اند چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرئیل، میکائیل، ملک الموت، اسرائیل و حاملان عرش هستند...>.

نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۶، ۲۷ - ۱۳

۱۳ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلك بقطع من الیل

۲۶ > عن أبی جعفر (ع) : ... > فلما جاء آل لوط المرسلون ... قالوا : ... > فأسر بأهلك > یا لوط إذا مضی لك من یومك هذا سبعة أيام و لیالیها > بقطع من الیل > إذا مضی نصف الیل ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: ... هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند ... گفتند: ... ای لوط

! از این تاریخ پس از گذشت هفت شبانه روز نیمه شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ...>

۲۷ > عن أبي جعفر (ع) : ... إن الله تعالى لما أراد عذابهم (قوم لوط) ... بعث إليهم ملائكة ... وقالوا للوط : أسر بأهلك من هذه القرية الليلة ... فلما إنتصف الليل سار لوط ببناته ...

از امام باقر روایت شده است: .. هنگامی که خداوند اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط گفتند: امشب خانواده خود را از این آبادی بیرون ببر ... چون شب به نیمه رسید، لوط دختران خود را از آبادی بیرون برد ...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۲

۲- مأموران الهی ، خاندان لوط (ع) را از عذاب نازل شده بر قوم وی نجات دادند .

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا لوط إننا لمنجّوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱

۱- فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلك بقطع من اليل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۱

۱ - استجابت دعای لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود ، از شر قوم زشتکارش

از سوی پروردگار

رَبِّ نَجْنِي و أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ . فَنجينه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۱،۴

۱ - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فنجينه و أهله أجمعين إِلَّا عجوزًا في الغبرين

<عجوز> به معنای پیر زن و <عجوزًا> مستثنی از <أهله> است. <غبور> (مصدر <غابرين>) نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، <غابر> به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

۴ - نجات لوط (ع) و اهلس از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فنجينه و أهله أجمعين . إِلَّا عجوزًا في الغبرين

از واژه <الغابرين> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱،۲

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش به جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآیه

<ذلک> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

۲ - هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش به جز همسر وی نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآیه

قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خانواده اش به جز همسر وی از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فَأُنجِيهِ وَ أَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ - لوط (ع) و خاندان او، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند .

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۳

۳ - هلاکت تمامی قوم لوط با عذاب الهی، به جز شخص لوط (ع) و خاندان او

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نَجَّيْنَاهُمْ... نَعْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا

نجات خانواده لوط (ع) از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۵

۵ - ملائکه مأمور عذاب قوم لوط ، به ابراهیم (ع) اطمینان دادند که لوط (ع) و اهل اش را ، حتماً از عذاب نجات خواهند داد .

قالوا نحن أعلم بمن فيها لننجيها و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به لوط (ع) اعلام کردند که او و خانواده اش ، به جز همسرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

إِنَّا مَنجُوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ

نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۳، ۱۱

۱۱ نوح (ع) از ناحیه خداوند به نجات خانواده خویش و سوار کردن آنان به کشتی موظف شد .

قلنا احمل فيها .. أهلك

کلمه <اهل> در <أهلك> عطف بر <زوجین> و در حقیقت مفعول برای <احمل> است.

۱۳ خداوند ، نوح (ع) را از سوار کردن کفرپیشگان خانواده اش بر کشتی نجات ، منع کرد .

احمل فيها .. أهلك إلا من سبق عليه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۳

۱۳ اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و ...) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع) .

إنه ليس من أهلك إنه عمل غير صالح

تصریح خداوند به این که <هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است> ، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده بلکه منزه بودنشان از اعمال ناشایست ، مایه نجاتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- خداوند ، نوح (ع) و خاندانش را

از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فَنجِيْنِهٖ وَاَهْلُهٗ مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيْمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۱،۲

۱ - نوح (ع) و خاندانش ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نَجِيْنِهٖ وَاَهْلُهٗ مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيْمِ

۲ - نوح (ع) و خاندانش ، به لطف الهی از عذاب طوفان نجات یافتند .

و نَجِيْنِهٖ وَاَهْلُهٗ مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيْمِ

مقصود از <اندوه بزرگ> یا طوفان است و یا اذیت و آزار مردم کافر. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

نجات خویشاوندان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۲

۲ خداوند با خارج ساختن لوط و بستگان قومش از دیارشان ، وی را از عذاب مقدر شده برای قوم لوط نجات بخشید .

فانجینه و أهله

چون جمله <فانجینه> در مقابل جمله <كانت من الغبرین> (همسر لوط در زمره باقی ماندگان بود) قرار گرفته است، معلوم می شود نجات از عذاب قوم لوط در گرو خارج شدن از شهر و دیار آنان بوده است. بنابراین <فانجینه> یعنی: فانجینه باخراجنا اياه من بینهم.

نجات در سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۴

۴ - نجات یافتن خاندان لوط ، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نَجِينِهِمْ بِسِحْرِ

نجات رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۳

۳ پیروان شرک و کفر برای

رهایی از عذاب مضاعف هیچ مزیتی بر سران خویش ندارند.

فما كان لكم علينا من فضل

نجات رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۳

۳ پیروان شرک و کفر برای رهایی از عذاب مضاعف هیچ مزیتی بر سران خویش ندارند.

فما كان لكم علينا من فضل

نجات زکات دهندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۴ - ۳

۳ - کسانی که انفاق کرده و زکات مال خود را ادا کنند، انسان هایی صالح و نجات یافته اند .

قد أفلح من تزكى

برخی از لغت دانان، فعل <تزکی> را به معنای <تصدق> می دانند. (لسان العرب)

نجات ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۱

۱ یکی از دو هم بند زندانی یوسف (ع)، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد .

وقال الذی نجا منهما

نجات شاگردان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۴

۴ - سنت الهی بر اعطای پاداش عالی ، به شکر گزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

كذلك نجزي من شكر

نجات شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۴

۴ خداوند نجاتبخش شعيب (ع) و همگامانش از گرایش به شرک

بعد إذ نجنا الله منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود -

۴ خداوند ، شعیب (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر مردم مدین رهایی بخشید .

و لما جاء أمرنا نجينا شعيبًا والذين آمنوا معه

۵ نجات شعیب (ع) و پیروان او از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند بر آنان بود .

نجينا شعيبًا والذين آمنوا معه برحمه منا

نجات صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۶،۷

۶ خداوند ، صالح (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر قوم ثمود رهایی داد و آنان را از ننگ آن عقوبت دور ساخت .

نجينا صلحا و الذين آمنوا معه . . و من خزي يومئذ

۷ نجات صالح (ع) و پیروانش از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند بر آنان بود .

نجينا صلحا و الذين آمنوا معه برحمه منا

نجات صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۸

۸ خداوند ، پیش از نازل کردن عذاب استیصال ، مؤمنان و صالحان را از مهلکه خارج می سازد تا عذاب دامنگیر آنان نشود .

*

و لما جاءنا أمرنا نجينا هودًا والذين آمنوا معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۲

۱۲ خداوند ، تقوایندگان و درستکاران را از عذاب های استیصال نجات می بخشد .

فنجی من نشاء

از مصادیق مورد نظر برای <من نشاء> علاوه بر پیامبران ، تقوایندگان و درستکاران است. آیه قبل (أفلم یسیروا ... و لدار
الأخره خیر للذین اتقوا) و ذیل

آیه مورد بحث (و لا یردّ بأسنا عن القوم المجرمین) قرینه بر این معناست.

نجات عدالتخواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۱۰

۱۰- تنها پیروان راه اعتدال و هدایت یافتگان به حقیقت ، از عذاب رهایی خواهند یافت .

و لو أنا أهلکنهم بعذاب .. فستعلمون من أصحاب الصرط السویّ و من اهتدی

نجات عزرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ - > قال رسول الله (ص) : > و نفخ فی الصور فصعق من فی السماوات و من فی الأرض إلاّ من شاء الله > قالوا : یا رسول الله من هؤلاء الذین استثنی الله ، قال : جبرئیل و میکائیل و ملک الموت و اسرائیل و حملة العرش ... ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: > و نفخ فی الصور .. إلاّ من شاء الله > . [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا! این کسانی که استثنا شده اند چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرئیل، میکائیل، ملک الموت، اسرائیل و حاملان عرش هستند...< .

نجات عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۴،۷،۳،۲،۱

۱ توفی (نجات) ، عروج ، تطهیر حضرت عیسی (ع) و غلبه پیروان آن حضرت بر دشمنان ، مکر خداوند در برابر مکر کافران

و مکروا و مکر الله .. اذ قال الله یا عیسی انی متوفیک ... فوق الذین کفروا

بنابراینکه <اذ>، متعلق به <مکر الله> باشد، یعنی مکر خداوند هنگام بوده که عیسی را بسوی

خویش عروج داد و . . .

۲ بشارت خداوند به عیسی (ع) بر نجات آن حضرت از مکر کافران

فلما احسّ عیسی منهم الکفر . . . و مکروا و مکر الله ... اذ قال الله یا عیسی انّ

۳ خاطره نجات حضرت عیسی (ع) از دست کافران ، سرگذشتی شایسته تذکر برای پیامبر (ص) و مؤمنان

اذ قال الله یا عیسی انّی متوفّیک

بنابراینکه <اذ>، مفعول به برای <اذکروا> یا <اذکروا> که در تقدیر است، باشد.

۴ نجات و تطهیر حضرت عیسی (ع) ، توسط خداوند

انّی متوفّیک . . . و مطهّرك

۷ خداوند ، حضرت عیسی (ع) را از جامعه آلوده به کفر ، نجات داد .

و رافعک الّی و مطهّرك من الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۸ - ۳

۳ نجات حضرت مسیح (ع) از توطئه قتل ، با معراج وی به سوی خدا

و ما قتلوه و ما صلبوه . . . بل رفعه الله إلیه

نجات فرزندان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۲

۲ - سوار شدن فرزندان نوح (ع) و همراهان مؤمن او بر کشتی و نجات آنان از غرق شدن ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیتهم فی الفلک المشحون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که ضمیر <لهم> و <ذَرِيَّتَهُمْ> به <عباد> بازگردد (البته به اعتبار این که عباد از بشر می باشند). و نیز مقصود

از <فلک مشحون> کشتی حضرت نوح(ع) باشد که در آیه ۱۱۹ سوره <شعراء> به همین تعبیر آمده است (فأنجیناه و من معه فی الفلک المشحون). بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <آیه لهم انا حملنا ذریات البشر فی سفینه نوح>.

نجات قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱

۱ - خداوند، قریش را از گرسنگی رهانید و مواد غذایی آنان را تأمین کرد.

الذی أطعمهم من جوع

حرف <من> یا تعلیلی است و یا بدلی، یعنی، به دلیل گرسنگی یا به جای آن. در هر دو صورت، بیانگر وجود زمینه گرسنگی در قریش است؛ به گونه ای که اگر خداوند آنان را اطعام نمی کرد، راهی دیگر نداشتند.

نجات کافران از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۳

۳ گرفتار نشدن کفرپیشگان به عذاب الهی، ستمی است از جانب خدا بر بندگان مؤمن

ذلك بما قدمت أیدیکم و أن الله لیس بظلم للعبيد

برداشت فوق مبتنی بر این است که <أن الله...> عطف بر <ما قدمت> و بیانگر علتی دیگر برای گرفتار سازی کافران به عذاب حریق باشد. بر این اساس مفهوم آیه چنین می شود: اگر خدا کفرپیشگان را عذاب نکند ستم کرده است. و چون عذاب نکردن آنان ستمی به خود آنان محسوب نمی شود، باید گفت این ستم نسبت به بندگان مؤمن است.

نجات کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۳

۳ پیروان شرک و

کفر برای رهایی از عذاب مضاعف هیچ مزیتی بر سران خویش ندارند.

فما كان لكم علينا من فضل

نجات کودکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۶

۶ نجات کودکان از محیط کفر و شرک ، از وظایف مؤمنان

و الولدان .. الظالم اهلها

نجات گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۵

۱۵ - عمر گناهکاران ، هر چند طولانی باشد ، موجب نجاتشان از عذاب الهی نخواهد شد .

بما قدمت أیدیهم .. و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمرو

نجات لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۳

۱۳ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلک بقطع من الیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۳

۳- لوط (ع) ، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر ، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فأسر بأهلك .. و اتبع أدبرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۱

۱- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از نیرنگ ها و دسیسه های قوم خود ، به اراده الهی نجات یافتند .

و أرادوا به کیداً .. و نجینه و لوطاً إلى الأرض التي برکنا فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء

۵- خداوند ، حضرت لوط (ع) را از شر قوم پلید ، ناپاک و زشتکارش نجات داد .

و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۱

۱ - استجابت دعای لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود ، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ . فَنَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۴

۴ - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فَنَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ . إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَيْرِينَ

از واژه <الغابرين> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱،۲

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش به جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

<ذَلِكَ> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

۲ - هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش به جز همسر وی نمودی از سنت مستمر الهی در یاری

رسانی به حق و سرکوب باطل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خانواده اش به جز همسر وی از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فَأُنجِيهِ وَ أَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ - لوط (ع) و خاندان او، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند.

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۷

۷ - نجات لوط (ع) و مؤمنان، از عذاب الهی، با خروج از شهر انجام پذیرفت.

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

از آمدن تعبیر <غابرين> (بازماندگان) درباره همسر کافر و هلاک شده همسر لوط، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۳

۳ - هلاکت تمامی قوم لوط با عذاب الهی، به جز شخص لوط (ع) و خاندان او

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِم حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب ، نعمت و امتنان الهی بر

ایشان

نَجِينِهِمْ . . . نِعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا

نجات لوط (ع) از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۵

۵ - ملائکه مأمور عذاب قوم لوط ، به ابراهیم (ع) اطمینان دادند که لوط (ع) و اهل اش را ، حتماً از عذاب نجات خواهند داد .

قالوا نحن أعلم بمن فيها لننجيها و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به لوط (ع) اعلام کردند که او و خانواده اش ، به جز همسرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

إِنَّا مَنْجُوكَ وَ أَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ

نجات متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۲

۱۲ خداوند ، تقواییشان و درستکاران را از عذاب های استیصال نجات می بخشد .

فنجی من نشاء

از مصادیق مورد نظر برای <من نشاء> علاوه بر پیامبران ، تقواییشان و درستکاران است. آیه قبل (أفلم یسیروا ... و لدار الأخره خیر للذین اتقوا) و ذیل آیه مورد بحث (و لایرد بأسنا عن القوم المجرمین) قرینه بر این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۱

۱- خداوند ، در پی ورود همگان به دوزخ ، تقواییشان را از آن نجات می دهد .

و إن منکم إلاّ واردھا .. ثمّ ننجی الذین اتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۱ - ۱

۱ - خداوند

، نجات بخش تقوایبندگان از عذاب قیامت

أليس في جهنم مثوى للمتكبرين . و ينجي الله الذين اتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۸ - ۴

۴ - نجات مؤمنان تقوایبشه از عذاب استیصال ، سنت الهی است .

و نَجِينَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ

بنابر این که آیه مربوط به هر دو گروه (عاد و ثمود) باشد، می توان به نوعی سنت بودن نجات مؤمنان را استفاده کرد.

نجات محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۹، ۱۰، ۵

۵ موفقیت پیامبر (ص) در خروج از مکه و خلاصی از توطئه کافران ، مرهون نصرت خاص خداوند بود .

نصره الله إذ أخرجہ الذین کفروا

۱۰ اعتماد و اطمینان پیامبر (ص) به نصرت الهی نسبت به او و فرد همراهش (ابوبکر) در خلاصی از توطئه کافران مکه

لا تحزن إن الله معنا

۱۹ رهایی پیامبر (ص) از توطئه کافران مکه و اعتلای کلمه الله ، جلوه عزت (شکست ناپذیری) و حکمت خدا

فقد نصره الله إذ أخرجہ .. کلمه الله هی العلیا و الله عزیز حکیم

نجات مخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۱

۱ - بندگان مخلص خدا (بندگان خالص و برگزیده خدا) ، تنها گروه نجات یافته از میان اقوام عذاب شده پیشین

فانظر كيف كان عقبه المنذرين . إلا عباد الله المخلصين

طبق نظر بیشتر مفسران، مقصود و معنای <مخلصين> (خالص شدگان) این است: <الذين أخلصهم الله لنفسه و ولايته؛

کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است >.

نجات مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱۹، ۱۲، ۴، ۳، ۲

۲ وجوب جنگ و مبارزه برای رهایی مستضعفان

و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين

مراد از جنگ در راه مستضعفان به قرینه ادامه آیه جنگیدن برای رهایی آنان از چنگال ستمگران است. در برداشت فوق، <المستضعفين> عطف بر <الله> گرفته شده است.

۳ متخلفان از جهاد در راه خدا و رهایی مستضعفان، مورد سرزنش و توبیخ خداوند

و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين

۴ جنگ برای رهایی مستضعفان موحد، از مصادیق جهاد در راه خداست.

و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين

مراد از راه مستضعفین، رهایی آنان است. بنابراین <المستضعفين> عطف است بر <سبيل الله> و این عطف، عطف خاص بر عام می باشد. زیرا آنچه به امر خدا انجام می گیرد، نمی تواند خارج از <سبيل الله> باشد.

۱۲ رهایی مستضعفان موحد، مجوز جهاد ابتدایی

و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين .. الذين يقولون ربنا اخرجنا م

۱۹ ارتش آزادیبخش اسلام، مددی الهی برای رهایی مستضعفان موحد

و ما لكم لا تقاتلون .. و اجعل لنا من لدنك نصيراً

نجات مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۷

۷ - خداوند ، دستگیر امت اسلامی در مواقع بروز خطر

و لولا فضل الله عليكم .. لمسکم فی ما أفضتم فيه عذاب

عظیم

نجات مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۳

۳ - فضل و رحمت الهی و افشای چهره توطئه گران < افک > از سوی خدا ، مسلمانان صدراسلام را از خطر عذابی بزرگ نجات بخشید .

و لولا فضل الله عليكم و رحمته .. لمسکم فی ما أفضتم فيه عذاب عظیم

نجات مشرکان از هلاکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۷

۷ خداوند در عین قدرت بر عذاب و نابودی مشرکان، آنان را از مهلکه ها نجات می دهد.

قل الله ینجیکم منها و من کل کرب .. قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذابا

نجات مشرکان پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۳

۳ پیروان شرک و کفر برای رهایی از عذاب مضاعف هیچ مزیتی بر سران خویش ندارند.

فما کان لکم علینا من فضل

نجات مصرباستان از قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۵

۵ سرزمین مصر بر اثر پیش بینی یوسف (ع) و تدبیر عالمانه او، از عواقب فاجعه آمیز قحطی مصون ماند.

و جاء إخوه يوسف

نجات مصلحان اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۹

۹ خداوند، تنها صالحان ناهی از منکر را از عذاب های نازل شده بر امت های پیشین، نجات داد.

إِلَّا قَلِيلاً مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ

<منهم> قید برای

<قلیلاً> است و ضمیر در آن به <القرون> باز می‌گردد و <من> در <ممن = من من> بیانیه است بنابراین <إلا قليلاً> .. یعنی، مگر اندکی از جوامع گذشته که در آنها صاحب خردانی ناهی از فساد بودند همانها که نجاتشان دادیم.

نجات مصلحان ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۳

۳ خداوند از میان یهودیان ایله تنها مصلحانِ نهی کننده از منکر را از گرفتار شدن به عذاب رهایی بخشید .

أُنجِنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ

نجات معرضان از طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۲ - ۳

۳ - پرهیزکنندگان از طغیان ، گرچه بر جهنم و کمین کنندگان در آن عبور خواهند کرد ؛ ولی گرفتار آن نخواهند شد . *

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا . لِلطَّغْيَانِ مَابًا

چنانچه <للطغیان> متعلق به <مآباً> باشد، <مرصاداً> مطلق خواهد بود؛ در این صورت مفاد دو آیه این است که جهنم برای همگان <مرصاد> است ؛ ولی <مآب> و بازگشتگاه همه نبوده و تنها طغیان گران گرفتار آن خواهند شد.

نجات موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۷

۱۷ هلاکت اقوام مشرک و فسادگر پیشین و رهایی موحدان آن اقوام از عذاب های دنیوی ، دلیلی روشنگر فراسوی قوم شعیب

قد جاء تکم بینه من ربکم

برخی به قرینه آیات گذشته، برآنند که مراد از <بینه> در آیه مورد بحث سرگذشت اقوامی است که مشرکانشان بر اثر شرکورزی، تکذیب انبیا و ابتلا به فسادهای اجتماعی، به عذاب گرفتار آمدند و

موحدان صلاح پیشه از آن عذابها رهایی یافتند.

نجات موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۹ - ۸

۸ - مادر موسی (ع) ، پیش از افکندن او به آب ، از جانب خداوند ، به نجات موسی (ع) به دست یکی از دشمنان آگاه شده بود .

أوحینا.. يأخذہ عدو لی و عدو له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۳۲، ۲۳، ۲۲

۲۲ - خداوند موسی (ع) را از اندوه و نگرانی بر ارتکاب قتل نفس ، نجات بخشید .

و قتلت نفسًا فنجینک من الغم

۲۳ - رهایی موسی (ع) از عواقب وخیم قتل نفس ، نعمتی بزرگ از جانب خداوند بر آن حضرت بود .

و قتلت نفسًا فنجینک من الغم

<قتلت عطف بر >لقد منّا< در آیات قبل است و باز گوکننده منّت و نعمت جدیدی پس از یاد نعمت رهایی موسی(ع) از مشکلات دوران ولادت خویش است.

۳۲ موسی (ع) در پی رهایی از چنگ فرعونیان ، با سختی به مدین رسید و در آن جا چندین سال اقامت گزید .

و فتّک فتوناً فلبثت فی أهل مدین

>فاء< در >فلبثت..< دلالت دارد که ورود موسی به مدین، بعد از سختی کشیدن او در راه مصر و مدین بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸ - ۷، ۳، ۱

۱ - برگرفته شدن موسی (ع) از آب نیل به وسیله نزدیکان فرعون

فالتقطه ءال فرعون

<إلتقاط> به معنای برگرفتن چیزی از زمین است و

<آل> به کسان و نزدیکان شخص گفته می شود.

۳- برگرفتن موسی (ع) از آب به وسیله فرعونیان ، اقدامی ناخواسته علیه خود آنان

فالتقطه ءال فرعون لیکون لهم عدوًّا و حزناً

۷- کشتن پسران بنی اسرائیل از سوی و برگرفتن موسی (ع) از آب از سوی دیگر ، نمود خطاپیشگی و نابخردی فرعونیان

یذبح أبناءهم .. فالتقطه ءال فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۹ - ۱

۱ - انتقال موسی (ع) پس از برگرفته شدن از آب ، به نزد فرعون و همسرش

فالتقطه ءال فرعون .. و قالت امرأت فرعون قرت عین لی و لک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۱ - ۸

۸ - خواهر موسی ، شاهد برگرفته شدن برادرش از آب به وسیله کسان فرعون

فبصرت به عن جُنُب

برداشت یاد شده برپایه این احتمال است که <بصرت به..> به این معنا باشد که خواهر موسی، از دور دید که فرعونیان او را از آب گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۶ - ۴

۴ - پذیرفته شدن تقاضای موسی (ع) از سوی خداوند و تعلق اراده او بر بخشودن خطای موسی (ع) و نجات وی از فرعونیان

قال ربّ .. فاغفر لی فغفر له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - اقدام شعیب به دلداری موسی (ع) رفع نگرانی و ترس از وی و

اعلام نجات یافتنش از شر فرعونیان

قال لا تخف نجوت من القوم الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۱

۱ - موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نَجَّيْنَهُمَا وَ قَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۴ - ۳

۳- اطمینان بخشی خداوند به موسی (ع) و بنی اسرائیل ، در به سلامت عبور کردن آنان از دریا و غرق شدن فرعونیان

و اترك البحر رهوا إنهم جند مغرقون

هر چند عبارت <واترك ..> معنای فرمان را در خود نهفته دارد؛ اما قرین شدن <رهوا> می نمایاند که خداوند با بیان این صفت، در صدد اطمینان بخشی و ایجاد آرامش در روح موسی(ع) و اطرافیان آن حضرت بود.

نجات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۳ - ۱،۲،۴

۱ خداوند ، به هنگام نزول عذاب استیصال بر کافران ، رسولان خود و مؤمنان را از مهلکه دور کرده و از آسیب پذیری نجات می داد .

فهل ينتظرون إلا مثل أيام الذين خلوا من قبلهم .. ثم ننجي رسلنا و الذين ءامنوا

۲ نجات مؤمنان و آسیب ندیدن از عذاب استیصال ، سنتی است الهی و تخلف ناپذیر .

ثم ننجي رسلنا و الذين ءامنوا كذلك حقاً علينا ننج المؤمنین

۴ از حقوق مؤمنان بر خداوند ، نجات آنان از عذاب های دنیوی است .

كذلك حقاً علينا ننج المؤمنين

جلد - نام سورہ - سورہ -

آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۸

۸ خداوند ، پیش از نازل کردن عذاب استیصال ، مؤمنان و صالحان را از مهلکه خارج می سازد تا عذاب دامنگیر آنان نشود .

*

و لما جاءنا أمرنا نجينا هودًا والذين ءامنوا معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۸۸ - ۸

۸- رهایی یونس (ع) از غم و اندوه ، جلوه ای از سنت الهی در نجات مؤمنان

و نجينه من الغم و كذلك نجى المؤمنين

اسم اشاره <كذلك>، اشاره به نجات یونس(ع) از غم و اندوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۶

۶ - حضور مؤمنان در بین کافران و ظالمان ، بلایی سخت و رهایی از آن لطفی بزرگ و الهی

فقل الحمد لله الذى نجنا من القوم الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۸ - ۴

۴ - نجات مؤمنان تقوایشه از عذاب استیصال ، سنت الهی است .

و نجينا الذين ءامنوا و كانوا يتقون

بنابر این که آیه مربوط به هر دو گروه (عاد و ثمود) باشد، می توان به نوعی سنت بودن نجات مؤمنان را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - جدا شدن مؤمنان از صف مجرمان و مسرفان پیش از نزول عذاب ، نمودی از قانون مندی نظام کیفری حق

مسومه عند ربك .. فأخرجنا ... من المؤمنین

ممکن است <أخرجنا..>، نمودی از <مسومه> و مصداقی برای آن باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۷ - ۳

۳ - خطر نزول عذاب الهی بر جامعه کفرپیشه ، پس از تهی شدن آن از مؤمنان

فأخرجنا .. من المؤمنین ... و ترکنا فیها آیه للذین یخافون

نجات مؤمنان به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۱

۱ - استجابت دعای نوح (ع) از سوی خداوند ، درباره عذاب قوم کافر او و نجات همراهان مؤمنش

و نَجّنی و من معی .. فأنجینه و من معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۱

۱ - نجات نوح (ع) و پیروانش و هلاکت کفرپیشگان قوم وی ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إِنَّ فی ذلک لأیه و ما کان أكثرهم مؤمنین

<ذلک> به جریان نجات نوح(ع) و پیروان وی و نیز هلاکت قوم کفرپیشه وی اشاره دارد. <آیه> در این جا مرادف <عبره> می باشد و نکره آمدن آن بیانگر عظمت آن است.

نجات مؤمنان قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۳،۴

۳ خداوند ، هود و مؤمنان به وی را از عذاب نازل شده بر قوم عاد ، نجات بخشید .

فأنجینه و الذین معه برحمه منا

۴ نجات هود و همراهانش ، جلوه ای از رحمت خاص خداوند

فأنجینہ و الذین معہ برحمہ منا

نجات مؤمنان قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ -

۷- نجات لوط (ع) و مؤمنان، از عذاب الهی، با خروج از شهر انجام پذیرفت.

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

از آمدن تعبیر <غابرین> (بازماندگان) درباره همسر کافر و هلاک شده همسر لوط، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۵ - ۱

۱ - خارج گشتن مؤمنان به فرمان الهی از میان قوم لوط، قبل از نزول عذاب

فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۶ - ۴

۴- > عن أبي جعفر (ع) (ع) إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ سَأَلَ جِبْرِئِيلَ كَيْفَ كَانَ مَهْلِكُ قَوْمِ لُوطٍ؟ فَقَالَ إِنَّ قَوْمَ لُوطٍ... فَلَمَّا عَتَا عَنْ أَمْرِهِ بَعَثَ إِلَيْهِمْ مَلَائِكَةً لِيُخْرِجُوا مِنْ كَانَ فِي قَرْيَتِهِمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَمَا وَجَدُوا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ... فَلَمَّا انْتَصَفَ اللَّيْلُ سَارَ لُوطٌ بَيْنَاتِهِ...;

از امام باقر(ع) روایت شده که رسول خدا(ص) از جبرئیل درباره نحوه هلاکت قوم لوط سؤال نمود، حضرت فرمود: قوم لوط.. چون از امر پروردگار سرپیچی نمودند، خداوند فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد تا هر کس را که در قریه آنان از مؤمنان است خارج کنند. فرشتگان در آن قریه غیر از یک خانواده را که اهل ایمان و تسلیم بودند نیافتند... چون شب به نیمه رسید، لوط دختران خود را برداشت و از شهر خارج گشت...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۷ - ۲

- فروریختن سنگ های عذاب بر قوم لوط و هلاکت تمامی آنان ، پس از خروج مؤمنان از میان ایشان

لنرسل علیهم حجاره من طین . . . و ترکنا فیها آیه للذین یخافون العذاب الالم

در آیه شریفه اصل نزول سنگ ها بر قوم لوط و نابودی آنان، مفروغ عنه گرفته شده و تعبیر <ترکنا فیها آیه> اشاره به سپری شدن آن مرحله دارد.

نجات مؤمنان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۳

۳ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را به وسیله کشتی از غرق شدن رهایی بخشید .

فکذبوه فانجینہ و الذین معه فی الفلک و أغرقنا الذین کذبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۷

۱۷ نوح (ع) موظف به سوار کردن مؤمنان بر کشتی و نجات دادن آنان از طوفان

قلنا احمل فیها . . من ءامن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۱ - ۲،۳

۲ - نجات یافتن عده ای از قوم نوح به وسیله کشتی از هلاکت و غرق شدن

حملنکم فی الجاریه

۳ - ساختن کشتی و نجات یافتن عده ای از قوم نوح به وسیله آن ، با هدایت و تدبیر الهی بود .

حملنکم فی الجاریه

نسبت داده شدن فعل <حملناکم> به خداوند، گویای مطلب یاد شده است. تصریح به این مطلب در آیات دیگر مؤید آن است (فأوحینا إلیه أن اصنع الفلک بأعیننا و وحینا...). (مؤمنون (۲۳) آیه ۲۷).

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۹ - حاقہ - ۶۹

۱ - غرق شدن قوم نوح و نجات مؤمنان ، ماجرای درس آموز و پنددهنده

لنجعلها لكم تذکره

نجات مؤمنان مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۶

۶ هلاکت کافران قوم شعیب و نجات مؤمنان آن قوم ، داوری به حق خداوند در میان آنان

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق .. فأخذتهم الرجفه

نجات مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۱۰

۱۰- تنها پیروان راه اعتدال و هدایت یافتگان به حقیقت ، از عذاب رهایی خواهند یافت .

و لو أنا أهلکنهم بعذاب .. فستعلمون من أصحاب الصرط السوی و من اهتدی

نجات میکائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ - > قال رسول الله (ص) : > و نفخ فی الصور فصعق من فی السماوات و من فی الأرض إلاّ من شاء الله < قالوا : یا

رسول الله من هؤلاء الذین استثنی الله ، قال : جبرئیل و میکائیل و ملک الموت و اسرائیل و حملة العرش ... ۷

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: <و نفخ فی الصور.. إلاّ من شاء الله>. [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا! این

کسانی که استثنا شده اند چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرئیل، میکائیل، ملک الموت، اسرائیل و حاملان عرش هستند...<.

نجات ناهیان از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۹

۹ خداوند ، تنها صالحان

ناهی از منکر را از عذاب های نازل شده بر امت های پیشین ، نجات داد .

إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ

<منهم> قید برای <قلیلاً> است و ضمیر در آن به <القرون> باز می گردد و <من> در <ممن = من مَن> بیانیه است بنابراین <إِلَّا قَلِيلًا...>؛ یعنی، مگر اندکی از جوامع گذشته که در آنها صاحب خردانی ناهی از فساد بودند همانها که نجاتشان دادیم.

نجات ناهیان از منکر ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۳

۳ خداوند از میان یهودیان ایله تنها مصلحانِ نهی کننده از منکر را از گرفتار شدن به عذاب رهایی بخشید .

أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ

نجات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۳

۳ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را به وسیله کشتی از غرق شدن رهایی بخشید .

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۳

۳ خداوند ، حضرت نوح (ع) و تمام کسانی را که با او در کشتی بودند ، از غرق شدن نجات داد .

فَنَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۵،۷

۵- دعای حضرت نوح (ع) برای نجات از دست قومش ، مستجاب شد .

و نوحًا إذ نادى من قبل فاستجبنا له

۷- خداوند ، نوح (ع) و

خاندانش را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فَنجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۱

۱- خداوند ، حضرت نوح (ع) را از گزند تکذیب کنندگان آیات الهی نجات داد و از او کاملاً حمایت کرد .

و نصرته من القوم الذین کذبوا بآیتنا

واژه <نصر> هر گاه با <من> متعدی شود، متضمن معنای نجات و خلاصی است (برگرفته از <قاموس المحيط>).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۰ - ۱

۱ - غرق شدن و هلاکت قوم نوح ، پس از نجات وی و همراهانش

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ

<إغراق> (مصدر <أغرقنا>) به معنای غرق کردن است. مضاف الیه <بعد> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <بعد نجات نوح و من معه> . <الْبَاقِينَ> جمع همراه با <ال> جنس و مفید استغراق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۱

۱ - نجات نوح (ع) و پیروانش و هلاکت کفرپیشگان قوم وی ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

<ذَلِكَ> به جریان نجات نوح(ع) و پیروان وی و نیز هلاکت قوم کفرپیشه وی اشاره دارد. <آیه> در این جا مرادف <عبره> می باشد و نکره آمدن آن بیانگر عظمت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۶۸، ۱

۱ - خداوند ، نوح (ع) و اصحاب کشتی او

را ، از غرق شدن در طوفان ، نجات داد .

فأخذهم الطوفان .. فأنجینہ و أصحاب السفینہ

۶ - واقعه طوفان و هلاکت قوم نوح و نجات آن حضرت و مؤمنان به وی ، از آن حادثه ، درس عبرتی بزرگ برای انسان ها است .

فأخذهم الطوفان .. فأنجینہ و أصحاب السفینہ و جعلنها آیه للعلمین

مرجع ضمیر <ها> می تواند <سفینه> و یا <واقعه طوفان> باشد. برداشت بالا، بنا بر احتمال دوم است. گفتنی است، <آیه> به معنای <عبرت> است و نکره آمدن اش، دلالت بر تفخیم می کند.

۸ - نجات نوح (ع) و اصحاب کشتی وی و باقی ماندن کشتی ، به عنوان آیه الهی برای مردم ، به دست خداوند بود .

فأنجینہ و أصحاب السفینہ و جعلنها آیه للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۲

۲ - سوار شدن فرزندان نوح (ع) و همراهان مؤمن او بر کشتی و نجات آنان از غرق شدن ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و آیه لهم أنا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که ضمیر <لهم> و <ذریتهم> به <عباد> بازگردد (البته به اعتبار این که عباد از بشر می باشند). و نیز مقصود از <فلک مشحون> کشتی حضرت نوح(ع) باشد که در آیه ۱۱۹ سوره <شعراء> به همین تعبیر آمده است (فأنجیناه و من معه فی الفلک المشحون). بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <آیه لهم أنا حملنا ذرّیات البشر فی سفینہ نوح>.

جلد - نام سوره - سوره -

۱ - نوح (ع) و خاندانش ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نَجِّينَهُ و أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

۲ - نوح (ع) و خاندانش ، به لطف الهی از عذاب طوفان نجات یافتند .

و نَجِّينَهُ و أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

مقصود از <اندوه بزرگ> یا طوفان است و یا اذیت و آزار مردم کافر. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

نجات هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نَجِّينَهُمَا و قَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

نجات همبند یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

یوسف (ع) ، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری را ، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن را به ایشان گوشزد کرد .

قضى الأمر الذى فيه تستفتيان

<افتاء> بیان کردن حکم است و <استفتاء> (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از <الأمر> تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین <قضى الأمر...> ; یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۵،۶

۵ ساقی پادشاه به درستی تعبیر یوسف (ع) از رؤیای خویش اعتماد کرد و به نجات خویش امیدوار گردید .

و قال للذى ظنّ أنه ناج منهما

ضمیر در <ظن> محتمل است به <الذى> باز گردد و محتمل است به یوسف(ع) ارجاع شود. برداشت فوق، بر اساس احتمال اول است. بر این مبنا مفاد جمله <قال للذى...> چنین می شود: یوسف(ع) به ساقی پادشاه - همان که به نجات خویش دل بسته بود و بدان امیدوار بود - گفت: مرا نزد مالکت یاد کن. قابل ذکر است که چون یوسف(ع) به نجات وی یقین داشت نه گمان، این احتمال قوی تر به نظر می رسد.

۶ تعبیر یوسف (ع) از رؤیای هم بند خویش ، تحقق یافت و او با رهایی از زندان ، به استخدام پادشاه درآمد .

فأنسبه الشيطان ذكر ربه

با توجه به اینکه ضمیر در <فأنساه> به <الذى>

که مراد از آن ساقی پادشاه است باز می گردد ، جمله <فأنساه الشيطان ذكر ربه> دلالت می کند که وی از زندان آزاد و به دربار پادشاه راه یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۱

۱ یکی از دو هم بند زندانی یوسف (ع) ، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد .

و قال الذی نجا منهما

نجات همسفران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۳

۳ خداوند ، حضرت نوح (ع) و تمام کسانی را که با او در کشتی بودند ، از غرق شدن نجات داد .

فنجینه و من معه فی الفلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۰ - ۱

۱ - غرق شدن و هلاکت قوم نوح ، پس از نجات وی و همراهانش

ثم أغرقنا بعد الباقین

<إغراق> (مصدر <أغرقنا>) به معنای غرق کردن است. مضاف الیه <بعد> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <بعد نجات نوح و من معه> . <الباقیین> جمع همراه با <ال> جنس و مفید استغراق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۱

۱ - خداوند ، نوح (ع) و اصحاب کشتی او را ، از غرق شدن در طوفان ، نجات داد .

فأخذهم الطوفان .. فأنجينه و أصحاب السفينه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - سوار شدن فرزندان نوح (ع) و همراهان مؤمن او بر کشتی و نجات آنان از غرق شدن ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و آیه لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که ضمیر <لهم> و <ذریتهم> به <عباد> بازگردد (البته به اعتبار این که عباد از بشر می باشند). و نیز مقصود از <فلک مشحون> کشتی حضرت نوح(ع) باشد که در آیه ۱۱۹ سوره <شعراء> به همین تعبیر آمده است (فأنجیناه و من معه فی الفلک المشحون). بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <آیه لهم انا حملنا ذریات البشر فی سفینه نوح>.

نجات هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۳،۴

۳ خداوند ، هود و مؤمنان به وی را از عذاب نازل شده بر قوم عاد ، نجات بخشید .

فأنجینه و الذین معه برحمه منا

۴ نجات هود و همراهانش ، جلوه ای از رحمت خاص خداوند

فأنجینه و الذین معه برحمه منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۵،۶،۱۰

۵ خداوند ، هود (ع) و پیروانش را ، از عذاب نازل شده بر قوم عاد نجات داد .

و لما جاء أمرنا نجینا هودًا و الذین ءامنوا معه

۶ نجات هود (ع) و پیروانش از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند بر آنان بود .

نجینا هودًا و الذین ءامنوا معه برحمه منا

<برحمه > متعلق به <نَجِينَا > می باشد.

۱۰ خداوند

، هود (ع) و پیروان او را ، از گرفتار شدن به عذاب آخرت نجات داد .

و نَجِّينَهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ

بر این اساس که مقصود از <عذاب غلیظ> عذاب اخروی باشد ، ماضی آوردن فعل <نَجِّينَا> اشاره به این نکته دارد که: مؤمنان به هود(ع) پس از نزول عذاب استیصال بر قوم عاد ، همچنان به ایمان خویش پایبند بودند و مستحق عذاب اخروی نشدند.

نجات یافتگان از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۹

۹ - برخی انسان ها ، پس از رهایی از مشکلات و سختی های شدید ، در صراط مستقیم الهی باقی می مانند .

و إِذَا غَشِيَهُمْ مَوَاجٌ .. دَعَا اللَّهَ ... فَلَمَّا نَجَّيَهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمَنْهُمْ مَقْتَصِدٌ

<قصد> ریشه <مقتصد> به معنای <راه راست و میانه> است (مفردات راغب).

نجات یافتگان امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۱

۱ - بندگان مخلص خدا (بندگان خالص و برگزیده خدا) ، تنها گروه نجات یافته از میان اقوام عذاب شده پیشین

فانظر كيف كان عقبه المنذرین . إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمَخْلُصِينَ

طبق نظر بیشتر مفسران، مقصود و معنای <مخلصین> (خالص شدگان) این است: <الذین أخلصهم الله لنفسه و ولايته> کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است.

نجات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۸

۸ یوسف (ع)، به گشودن درب و فرار از چنگ زلیخا

موفق شد .

و أَلْفِيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۶

۶ نجات یوسف (ع) از کید زلیخا و دیگر زنان ، جلوه ای از ربوبیت الهی بر آن حضرت

فاستجاب له ربه فصرف عنه كيدهنّ

نجات یوسف (ع) از چاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱۳، ۷، ۳، ۲

۲ آب آور کاروان به منظور آب کشیدن ، دلو خویش را در چاه کنعان افکند و برخلاف انتظار ، کودکی را از آن بیرون آورد .

فأدلى دلوه قال يبشرى هذا غلم

<أدلاء> (مصدر أدلى) به معنای فرستادن <دلو> است. <غلام> به پسر کوچک گفته می شود (مصباح المنیر).

۳ یوسف (ع) با چنگ زدن به طناب و دلو آب آور کاروان ، خود را از چاه نجات داد .

فأرسلوا واردهم فأدلى دلوه قال يبشرى هذا غلم

۷ نجات یوسف (ع) از چاه سرآغاز بردگی او

و أسزوه بضعه

بضاعت و کالای تجارتی قرار دادن انسان ، مستلزم برده بودن و یا برده شمردن اوست.

۱۳ اتراق کاروانیان در اطراف چاه کنعان ، نجات دادن یوسف (ع) از آن چاه و به همراه خویش بردن او ، به تقدیر خداوند و تحت نظارت دقیق او انجام می گرفت .

و جاءت سياره .. والله عليم بما يعملون

مراد از <ما> در <ما يعملون> می تواند کالا قرار دادن یوسف (ع) باشد (أسرّوه بضاعه). و نیز محتمل است همه داستان کاروان، در رابطه با یوسف (ع) باشد. بنابر فرض نخست، علم خدا به رفتار آنان (کالا قرار دادن) کنایه از

کیفردهی است و بنابر فرض دوم، علم خدا کنایه از تقدیر و تدبیر اوست / یعنی، تمام مقدماتی که مایه نجات یوسف (ع) از چاه شد (گذر کردن کاروان در اطراف کنعان، منزل کردن در اطراف چاه و ...) همه به نظارت خدا و تدبیر او بود.

نجات یوسف (ع) از زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۴، ۱۲

۱۲ خروج یوسف (ع) از زندان و رفع اتهام از او، ناسازگار با اهداف شیطان

فَأَنسِيهِ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ

۱۴ پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (ع)، او را از زندان آزاد می کرد.

فَأَنسِيهِ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ

<لبث> به معنای اقامت کردن (مانند گار شدن) است. برداشت فوق، از تفریع جمله <لبث...> بر جمله قبل معلوم می شود / یعنی، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه، یوسف (ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۴، ۳

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد.

و قال الملك ائتونی به

۴ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش، به آزادی یوسف (ع) از زندان و بار یافتن او به دربار فرمان داد.

و قال الملك ائتونی به .. قال ارجع

از اینکه یوسف (ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید، معلوم می شود

فرمان پادشاه مبنی بر احضار او (اثتونی به) احضار اجباری نبوده است؛ بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

۵ ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه، به سوی زندان روانه شد.

فلما جاء الرسول

<ال> در <الرسول> عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه ۴۵ معلوم می شود که این فرستاده، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف (ع) فرستاده شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ خداوند، خنثی کننده مکر و حيله زنان اشراف و نجات بخش یوسف (ع) از زندان

أن الله لا يهدى كيد الخائنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۶

۱۶ آزاد ساختن یوسف (ع) از زندان و کوچ دادن خاندان یعقوب از کنعان به مصر، از جمله احسان های خداوند در حق یوسف (ع).

وقد أحسن بي إذ أخرجني من السجن و جاء بك من البدو

نجات یونس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۲

۲- خداوند، یونس (ع) را از غم و اندوه نجات و رهایی بخشید.

و نَجِّينَهُ مِنَ الْغَمِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- یونس (ع)، به هنگام بیرون افتادن از شکم ماهی،

۴ - "قال رسول الله (ص): "لما أراد الله حبس يونس عليه السلام في بطن الحوت، أوحى الله إلى الحوت أن خذه، و لا تخدش له لحماً، و لا تكسر له عظماً، فأخذه ثم أهوى به إلى مسكنه في البحر، فلما انتهى به إلى أسفل البحر سمع يونس حساً فقال في نفسه: ما هذا...؟ فأوحى الله إليه و هو في بطن الحوت: إن هذا تسييح دواب الأرض فسبح و هو في بطن الحوت فسمعت الملائكة عليهم السلام تسيحه فقالوا: ربنا إنا نسمع صوتاً ضعيفاً بأرض غربه، قال: ذاك عبدى يونس، عصاني فحبسته في بطن الحوت في البحر، قالوا: العبد الصالح الذى كان يصعد إليك منه فى كل يوم عمل صالح؟ قال: نعم. فشفعوا له عند ذلك، فأمره فقذفه فى الساحل، كما قال الله: " و هو سقیم";

رسول خدا(ص) فرمود: خداوند اراده نمود که یونس را در شکم ماهی زندانی کند به ماهی وحی (الهام) نمود: او را بگیر، اما خدشه ای به گوشت او وارد نکن و استخوانش را نشکن. پس ماهی یونس را گرفت و به سوی جایگاهش در دریا حرکت کرد پس چون به قعر دریا رسید، یونس صدای خفیفی شنید و با خود گفت: این صدا چیست...؟ سپس خدا به یونس که در شکم ماهی بود وحی کرد که: این تسیح جنبندگان زمین است، پس یونس در حالی که در شکم ماهی بود تسیح گفت: ملائکه تسیح او را شنیدند و گفتند: پروردگارا! ما صدای ضعیفی را در زمینی ناآشنا می شنویم؟ خداوند فرمود: این بنده من یونس است. وی نافرمانی من

نمود، پس او را در شکم ماهی در دریا زندانی کردم. ملائکه گفتند: همان بنده صالحی که هر روز عمل صالحی از او به سوی تو بالا می‌آمد؟ خدا فرمود: آری. پس ملائکه در این هنگام یونس را شفاعت کردند، سپس خدا به ماهی امر کرد و ماهی یونس را در ساحل انداخت، چنان که خدا فرمود: و هو سقیم".

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۱

۱ - رویدن درخت پهن برگ و پوشش دهنده به اراده خداوند، بر فراز یونس (ع) پس از بیرون آمدن او از شکم ماهی و اُنبتنا علیه شجره من یقطین

<یقطین> به درخت و گیاه پهن برگ و پوشش دهنده (مانند کدو) گفته می‌شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۱

۱ - یونس (ع)، پس از نجات از شکم ماهی، مجدداً از سوی خداوند مأمور ادامه رسالت خود در میان قومش گردید. فنبذنه بالعرء .. و أرسلنه إلی مائه ألف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۱

۱ - یونس (ع) پس از رهایی از شکم ماهی، از نعمت و لطف ویژه الهی برخوردار گشت. لولا أن تدرکه نعمه من ربّه

نجات یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۴

۱۴ - زندگانی در دنیا و داشتن عمری طولانی، نجاتبخش یهود از عذاب اخروی نیست.

بمزرحه من العذاب أن يعمر

<أن يعمر> بدل برای <هو> و یا فاعل برای <مزرحه> است. مآل هر دو به یک معناست؛ معنای جمله <ما هو...> چنین است: یهودیان [بر فرض اینکه عمری هزار ساله داده شوند] آن عمر طولانی، ایشان را از عذاب رها نخواهد ساخت.

نذر برای نجات از مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۳۰

۳۰- بهره جستن از نذر برای فرار از تنگناهای اجتماعی جایز است .

إني نذرت .. فلن أکلم اليوم إنسيًا

نعمت نجات از جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۱۲

۱۲- نجات از جامعه فاسد و ناپاک ، نعمتی بزرگ و درخور شکر و سپاس است .

و نجينه من القرية التي كانت تعمل الخبث إنهم كانوا قوم سوء فسقین

آیه شریفه در مقام امتنان بر حضرت لوط(ع) است. بنابراین نجات از دست قوم فاسد، نعمتی است که خداوند با آن کار بر حضرت لوط(ع) منت نهاد.

نعمت نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۶،۷

۶- رهایی از عذاب دوزخ در پرتو ربوبیت خداوند ، خود نعمتی بزرگ برای تقوایندگان

و وقیهم ربهم عذاب الجحیم

۷- بهشتیان ، مسرور و شادمان از لطف پروردگار خویش ، به خاطر رهایی از دوزخ

فكهنين بما آتاهم ربهم ووقيهم ربهم عذاب الجحيم

نعمت نجات از حكومت ظالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۷ - ۵

۵ - شكر نعمت رهايي

از نظام ظالمانه ، موجب فزونی و بقای آن نعمت شده و کفران آن ، مایه از دست رفتنش می شود .

إذ أنجكم من آل فرعون .. و إذ تأذن ربكم لئن شكرتم لأزيدنكم و لئن كفرتم إن

نعمت نجات از حکومت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۴

۴ - نجات موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان از شر حکومت فرعونیان ، از احسان ها و نعمت های بزرگ الهی به آنان

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجینهما و قومهما من الكرب العظیم

نعمت نجات از ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۸

۸- روز نجات بنی اسرائیل از نظام ظالمانه فرعونیان ، از < ایام الله > است .

و ذکرهم بأیم الله .. و إذ قال موسی لقومه اذکروا نعمه الله علیکم إذ أنجکم م

کلمه < اذکروا > در این آیه می تواند از مصداقهای تذکر به < ایام الله > باشد که موسی (ع) مأمور به ابلاغ آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ - نجات از چنگال دشمن ستمگر و نابودی او ، اعطای مکتب و برنامه زندگی و تأمین ارزاق ، از بزرگ ترین نعمت های الهی است .

أنجینکم .. وعدنکم ... نزلنا علیکم المنّ والسلوی

امتنان به بنی اسرائیل در قالب سه نوع نعمت در آیه بیان شده است: نجات، اعطای برنامه زندگی در طور (تورات) و تأمین رزق آنان. از این رو معلوم

می شود که این سه امر، از نعمت های بزرگ الهی است.

نعمت نجات از ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۲۰

۲۰- آزمایش های خداوند از بندگان دارای مراتب است .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

نعمت نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب ، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نَجِّينَهُمْ .. نعمه من عندنا

نعمت نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۹

۹ - نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لقد نادینا نوح .. و نَجِّينَهُ و أهله من الكرب العظيم

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

نعمت نجات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ، از نعمت‌ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لقد نادینا نوحاً... و نَجَّیناهُ و أهله من الکرب العظیم

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت‌های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

نوح(ع) و نجات از زیان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۸

۸ نوح (ع) ، رهایی خویش از زیان کاری را در گرو مغفرت و رحمت الهی می دانست .

إلا تغفر لي و ترحمني أكن من الخسرين

نوح(ع) و نجات پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۱،۵،۷

۱ نوح (ع) در پی حایل شدن امواج آب میان او و فرزندش ، با شفاعت به درگاه خدا ، خواستار نجات وی شد .

و حال بینهما الموج . . . و نادى نوح ربه فقال رب إن ابني من أهلي

جمله <فلاتستلن> (در آیه چهل و ششم) حاکی است که: نوح(ع) خواستار نجات فرزندش از غرق شدن بود. براین اساس دعا و التجای آن حضرت پیش از غرق شدن فرزندش بود و لذا برخی از مفسران جمله <نادی نوح ربه ...> را بر <حال بینهما الموج> عطف گرفته اند.

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق

۷ نوح (ع) ، پس از طرح استدلال خویش برای لزوم نجات فرزندش ، حکم و قضاوت آن را به خداوند واگذار کرد .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق و أنت أحکم الحکمین

نوح(ع) و نجات پیروان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۱

۱ نوح (ع) ، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات

حرکت ، از پیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند .

و قال اركبوا فيها

به نظر می رسد جمله <قال اركبوا ..> عطف بر جملائی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل ماجرا بیان نشده است ؛ یعنی: قلنا احمل فیها ... ففعل کذا و کذا و قال اركبوا فیها و لذا در برداشت <انجام مقدمات حرکت > آورده شد.

نوح(ع) و نجات خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۱

۱ نوح (ع) ، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت ، از پیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند .

و قال اركبوا فيها

به نظر می رسد جمله <قال اركبوا ..> عطف بر جملائی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل ماجرا بیان نشده است ؛ یعنی: قلنا احمل فیها ... ففعل کذا و کذا و قال اركبوا فیها و لذا در برداشت <انجام مقدمات حرکت > آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۵

۵ نوح (ع) ، بر اساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق

نوح(ع) و نجات فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۱،۷

۱ نوح (ع) ، از تقاضای نجات فرزند ناصالحش منصرف شد و آن را امری نابه جا دانست .

إن ابني من أهلي .. قال رب إنني أعوذ بك أن أسئلك ما ليس لي به علم

۷ نوح (ع) ، با پی بردن به نادرستی تقاضای خود (نجات فرزندش) خواهان آمرزش و رحمت الهی شد .

إلا تغفر لي و ترحمني أكن من الخسرين

نوح(ع) و نجات قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ خداوند ، نوح (ع) را از شفاعت درباره کفرپیشگان و درخواست رهایی آنان از عذاب ، برحذر داشت .

و لا تخطبني في الذين ظلموا إنهم مغرقون

مراد از <لاتخطبني .. > (درباره ستمگران با من سخن مگو) به دلیل جمله بعد (زیرا غرق شدن برای آنان حتمی است) درخواست برطرف شدن عذاب و نجات از طوفان آب است.

نوح(ع) و نجات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، نوح (ع) را از سوار کردن کفرپیشگان خانواده اش بر کشتی نجات ، منع کرد .

احمل فيها .. أهلک إلا من سبق علیه القول

وعده نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۴

۱۴- رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان برای رهایی از عذاب ، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات یافتن خود ، آنان را هم نجات خواهند داد .

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۱

۱ - خداوند ، به کسانی که منزلت

نیکو و خصلت پسندیده دارند (مؤمنان راستین) ، وعده دوری و نجات از آتش دوزخ داده است .

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحَسَنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ

<الحسنی> مؤنث <أحسن> و صفت برای موصوف محذوفی چون <المنزله> و <الخصله> است و به قرینه مقابله با آیه قبل که در باره کافران و مشرکان بود آیه شریفه در باره مؤمنان راستین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده رهایی تقوایندگان از آتش دوزخ ، حتمی و تخلّف ناپذیر است .

سَيَجْنِبُهَا الْأَتَقَى

حرف <سین> برای تأکید بر وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۵

۵ - دوری از آتش دوزخ ، وعده خداوند به اهل زکات و انفاق

و سَيَجْنِبُهَا الْأَتَقَى . الذی یؤتی ماله یتزکی

وعده نجات انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیا - ۲۱ - ۹ - ۳، ۱

۱- نجات پیامبران و مؤمنان از دست دشمنان و پیروزی بر آنان ، وعده خداوند به ایشان است .

و ما أرسلنا قبلك رجلاً .. ثم صدقهم الوعد فأنجينهم و من نشاء

۳- خداوند ، به وعده خویش مبنی بر نجات پیامبران و مؤمنان و هلاکت دشمنان ، عمل کرد .

ثم صدقهم الوعد فأنجينهم و من نشاء و أهلکنا المسرفین

<صدق> (مصدر <صدقنا>) در دو چیز استعمال می شود: ۱ در اعتقاد است، که در این صورت به معنای اعتقاد مطابق با واقع خواهد بود. ۲ در جوارح و افعال انسان، که در این صورت به معنای انجام دادن کار به طور

شایسته و بایسته خواهد بود. (مفردات راغب). در آیه بالا معنای دوم منظور است. گفتنی است ماده <صدق> در مواردی به دو مفعول متعدی می شود که این آیه یکی از آن موارد است.

وعدۀ نجات به انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۵

۵ - دوری از آتش دوزخ ، وعدۀ خداوند به اهل زکات و انفاق

و سیجنِّبها الأتقی . الذی یؤتی ماله یتزکّی

وعدۀ نجات به مؤدیان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۵

۵ - دوری از آتش دوزخ ، وعدۀ خداوند به اهل زکات و انفاق

و سیجنِّبها الأتقی . الذی یؤتی ماله یتزکّی

وعدۀ نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۵

۵ نوح (ع) ، براساس وعدۀ خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعدۀ های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابنی من أهلی و إن وعدک الحق

وعدۀ نجات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۱،۳

۱- نجات پیامبران و مؤمنان از دست دشمنان و پیروزی بر آنان ، وعده خداوند به ایشان است .

و ما أرسلنا قبلك رجلاً.. ثم صدقناهم الوعد فأنجينهم و من نشاء

۳- خداوند ، به وعده خویش مبنی بر نجات پیامبران و مؤمنان و هلاکت دشمنان ، عمل کرد .

ثم صدقناهم الوعد فأنجينهم و من نشاء و أهلکنا المسرفين

<صدق> (مصدر <صدقنا>) در دو چیز استعمال می

شود: ۱ در اعتقاد است، که در این صورت به معنای اعتقاد مطابق با واقع خواهد بود. ۲ در جوارح و افعال انسان، که در این صورت به معنای انجام دادن کار به طور شایسته و بایسته خواهد بود. (مفردات راغب). در آیه بالا معنای دوم منظور است. گفتنی است ماده <صدق> در مواردی به دو مفعول متعدی می شود که این آیه یکی از آن موارد است.

وقت نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۴

۴ - نجات یافتن خاندان لوط ، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نَجِّينَهُمْ بِسِحْرِ

نجات بخشی

اهمیت نجات بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۴

۴ نوح (ع) ، فرزندش را از بی ثمر بودن صعود بر کوه و منحصر بودن راه نجات در بهره جستن از امداد الهی ، آگاه ساخت .

لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ

ایمان به نجات بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۳

۳- انسان ها در گرداب های خطر آفرین ، نه تنها متوجه خداوند می شوند ؛ بلکه او را یگانه قدرتی می دانند که توان نجات آنان را از مرگ حتمی دارد .

وَ إِذَا مَسَّكُمُ الضَّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مِنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ

سنت نجات بخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۳ - ۲

۲ نجات مؤمنان و آسیب ندیدن از عذاب استیصال ، سنتی است

الهی و تخلف ناپذیر .

ثم ننجی رسلنا و الذین ءامنوا کذلک حقاً علینا ننج المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۶۸

۶- نجات و رهایی بخشیدن مؤمنان از غم و اندوه ، سنت خداوند است .

فاستجینا له و ننجینه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین

جمله < کذلک ننجی المؤمنین > پس از ذکر نجات یونس (ع) می تواند بیانگر یک قانون و سنت الهی باشد.

۸- رهایی یونس (ع) از غم و اندوه ، جلوه ای از سنت الهی در نجات مؤمنان

و ننجینه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین

اسم اشاره < کذلک >، اشاره به نجات یونس (ع) از غم و اندوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۴

۴ - سنت الهی بر اعطای پاداش عالی ، به شکرگزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

کذلک نجزی من شکر

کیفر اسناد نجات بخشی به غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ - ۱۱

۱۱- نسبت دادن نجات از گرفتاری که کار خداست به غیر او ، مورد مؤاخذه شدید قرار خواهد گرفت .

ثم إذا کشف الضرّ عنکم إذا فریق منکم برّبهم یشرکون .. و یجعلون لما لایعلمون نص

مظاهر نجات بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۱

۱ خداوند تنها نجاتبخش آدمیان از مهلکه ها و از هرگونه اندوه و سختی است.

قل من ینجیکم .. قل الله ینجیکم

مکذبان نجات بخشی خدا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۲

۲- هدف رهیدگان از ناگواری ها از گرایش به شرک ، انکار خدایی بودن نجاتشان است .

ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضَّرُّ . . . لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَهُمْ

لام <لیکفروا> احتمال دارد به معنای <کی> باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: آنان شرک ورزیدند تا اثبات کنند که نجاتشان از جانب خداوند نبوده است. در این برداشت مراد از <ما ءاتیناهم> رفع ناگواری و معنای <یکفروا> همان پوشاندن و انکار کردن است.

منشأ نجات بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۱۴

۱۴ ترحم خدا بر برخی انسان ها و نجات آنان از سیطره نفس اماره ، برخاسته از رحمت و غفران اوست .

إِنَّ النَّفْسَ . . . إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

نجات بخشی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲ - ۸

۸ - مردان الهی (همچون پیامبران) در اندیشه آزادی ملت های مظلوم اند ، نه در فکر رفاه خویش .

و تَلَكْ نَعْمَةٌ تَمَنَّا عَلَيْ أَنْ عُبِّدْتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

از آیه یاد شده به دست می آید که آنچه فکر موسی (ع) را شدیداً به خود مشغول می داشت، گرفتاری بنی اسرائیل بود و این نگرانی آسایش زندگی وی را در دستگاه فرعون به کلی تحت الشعاع قرار داده بود.

نجات بخشی اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - مردان الهی (همچون پیامبران) در اندیشه آزادی

ملت های مظلوم اند ، نه در فکر رفاه خویش .

و تلک نعمه تمنها علی أن عبدت بنی اسرائیل

از آیه یاد شده به دست می آید که آنچه فکر موسی (ع) را شدیداً به خود مشغول می داشت، گرفتاری بنی اسرائیل بود و این نگرانی آسایش زندگی وی را در دستگاه فرعون به کلی تحت الشعاع قرار داده بود.

نجات بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۴

۴ - خداوند ، نجات بخش بنی اسرائیل و هلاک کننده فرعونیان

فأنجینکم و أغرقنا ءال فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱

۱ خداوند، نجاتبخش گرفتاران در تاریکیها و تنگنای هول انگیز خشکی و دریاست.

قل من ینجیکم من ظلمت البر و البحر تدعونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۱

۱ خداوند تنها نجاتبخش آدمیان از مهلکه ها و از هر گونه اندوه و سختی است.

قل من ینجیکم .. قل الله ینجیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۷

۷ خداوند در عین قدرت بر عذاب و نابودی مشرکان، آنان را از مهلکه ها نجات می دهد.

قل الله ينجيكم ممناها و من كل كرب . . قل هو القادر على أن يبعث عليكم عذابا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - يونس - ١٠ - ١٠٣ - ١

١ خداوند ، به هنگام نزول عذاب استیصال بر کافران ، رسولان خود و مؤمنان را

از مهلکه دور کرده و از آسیب پذیری نجات می داد .

فهل ينتظرون إلا مثل أيام الذين خلوا من قبلهم .. ثم ننجي رسلنا و الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۵۸

۵ هیچ چیز و هیچ کس ، جز خداوند رحمان ، توانا بر نجات افراد از حادثه طوفان نوح نبود .

قال لا عاصم اليوم من أمر الله إلا من رحم

ظاهر جمله <لا عاصم...> این است که <من رحم> استثنا از <لا عاصم> باشد. در این صورت باید گفت: مراد از <من رحم> رحم کننده ، یعنی خداوند است نه کسی که مورد رحمت قرار می گیرد یعنی: لا عاصم... الا الراحم و هو الله.

۸ نجات یافتن از حوادثی چون طوفان نوح (عذاب های الهی) ، جز در سایه رحمت الهی ، امکان پذیر نیست .

لا عاصم اليوم من أمر الله إلا من رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۱۰، ۵۸

۵ خداوند ، هود (ع) و پیروانش را ، از عذاب نازل شده بر قوم عاد نجات داد .

و لما جاء أمرنا نجينا هودًا والذين ءامنوا معه

۸ خداوند ، پیش از نازل کردن عذاب استیصال ، مؤمنان و صالحان را از مهلکه خارج می سازد تا عذاب دامنگیر آنان نشود .

*

و لما جاءنا أمرنا نجينا هودًا والذين ءامنوا معه

۱۰ خداوند ، هود (ع) و پیروان او را ، از گرفتار شدن به عذاب آخرت نجات داد .

و نجينهم من عذاب غليظ

بر این اساس که مقصود از

<عذاب غلیظ> عذاب اخروی باشد ، ماضی آوردن فعل <نجینا> اشاره به این نکته دارد که: مؤمنان به هود(ع) پس از نزول عذاب استیصال بر قوم عاد ، همچنان به ایمان خویش پایبند بودند و مستحق عذاب اخروی نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۴

۴ خداوند ، شعیب (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر مردم مدین رهایی بخشید .

و لما جاء أمرنا نجینا شعیبًا والذین ءامنوا معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۹

۹ تنها خداوند بر نجات آدمیان از خطر ها و عذاب ها تواناست .

فما أغنت عنهم .. من دون الله

توصیف <ءالهتم> به <التی یدعون من دون الله> گویای این است که: نباید غیر خدا را به یاری طلبید؛ زیرا هر معبودی غیر از خدای یکتا ، از دفع عذاب ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۸

۸ خداوند ، برخی از دوزخیان را از آتش دوزخ رهایی می بخشد و از عذاب نجات می دهد .

خلدین فیها .. إلا ما شاء ربك

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از <ما> در <إلا ما شاء ربك> افراد و اشخاص باشد. بر این مبنا <مستثنی منه> ضمیر مستتر در <خلدین> می باشد و حاصل معنای <خلدین فیها...> چنین خواهد بود: دوزخیان در آتش مخلد هستند، مگر افرادی را که خداوند بخواهد که در آن جا خالد نباشند. وصف <فعال لما یرید> به این

نکته اشاره دارد که خداوند با اعمال مشیت خویش، برخی دوزخیان را رهایی خواهد بخشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۹

۹ خداوند، تنها صالحان ناهی از منکر را از عذاب های نازل شده بر امت های پیشین، نجات داد.

إِلَّا قَلِيلاً مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ

<منهم> قید برای <قلیلاً> است و ضمیر در آن به <القرون> باز می گردد و <من> در <ممن = من من> بیانیه است بنابراین <إِلَّا قَلِيلاً...>؛ یعنی، مگر اندکی از جوامع گذشته که در آنها صاحب خردانی ناهی از فساد بودند همانها که نجاتشان دادیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ خداوند، خنثی کننده مکر و حيله زنان اشراف و نجات بخش یوسف (ع) از زندان

أَنْ لِّلَّهِ لَإِيْهْدِيْ كَيْدَ الْخَائِنِيْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۱،۱۲

۱۱ خداوند، پیامبران و پیروان ایشان را از عذاب های استیصال نجات می بخشید.

جاءهم نصرنا فنجی من نشاء

<نجی> ماضی مجهول و <من> نایب فاعل آن است. مفعول <نشاء> کلمه ای مانند <نجاته> است که از <نجی> استفاده می شود. بنابراین <فنجی من نشاء>؛ یعنی، پس نجات داده شد آنکه ما نجات یافتنش را می خواستیم. از مصداقهای مورد نظر برای <من نشاء> پیامبران و پیروان ایشان است.

۱۲ خداوند، تقوایبشگان و درستکاران را از عذاب های استیصال نجات می بخشد.

فنجی من نشاء

از مصادیق مورد نظر برای <من نشاء> علاوه بر پیامبران ، تقوایندگان

و درستکاران است. آیه قبل (أفلم یسیروا... و لدار الأخره خیر للذین اتقوا) و ذیل آیه مورد بحث (و لایردّ بأسنا عن القوم المجرمین) قرینه بر این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۱

۱۱- تحمیل بدترین شکنجه ها و آزار بر قوم موسی (بنی اسرائیل) ، شیوه مستمر فرعونیان

یسومونکم سوء العذاب

<یسومون> از <سوم>، به معنای تحمیل شکنجه و عذاب، است و فعل مضارع آوردن آن، می تواند اشاره به تداوم آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۱۱

۱۱- تنها خداوند می تواند انسان ها را از سلطه و نفوذ شیطان نجات بخشد .

لیس لک علیهم سلطن و کفی برّبک و کیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۷

۷- نجات از خطراتی که مرگ قطعی برای انسان می آورد ، تنها به عنایت خداوند امکان پذیر است .

و إذا مسکم الضرّ فی البحر ضلّ من تدعون إلاّ إیّاه فلما نجّکم إلى البرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۸،۹

۸- هیچ کس و هیچ ملجأیی جز خداوند ، توان نجات انسان ها را از مرگ حتمی در برابر حوادث طبیعی ندارد .

و إذا مسکم الضرّ فی البحر ضلّ من تدعون إلاّ إیّاه فلما نجّکم إلى البرّ أعرضتم

از اینکه خداوند در آیه قبل فرمود: <انسان به هنگام گرفتار شدن به خطر حتمی، تنها به یاد خدا و قدرت نجات بخش او می

پس از رهایی فراموش می کند < و نیز از اینکه در آیه بعدی هشدار داد که هیچ گاه نباید احساس ایمنی کنند، نشان می دهد که تنها اوست که می تواند انسان را از مرگ حتمی نجات بخشد.

۹- انسان ها به هنگام گرفتار آمدن به گرداب حوادث مرگ آفرین ، هیچ کارساز و پشتیبانی جز خداوند برای نجات خویش نمی یابند .

ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۱

۱- خداوند ، در پی ورود همگان به دوزخ ، تقوای پیشگان را از آن نجات می دهد .

وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا .. ثُمَّ نَنْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۲۲

۲۲ - خداوند موسی (ع) را از اندوه و نگرانی بر ارتکاب قتل نفس ، نجات بخشید .

و قَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنِكَ مِنَ الْغَمِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۸ - ۴

۴ - خداوند ، راهنمای موسی (ع) در لحظات حساس و سرنوشت ساز و رهاننده او از بحران های روحی و اضطراب های درونی

قَلْنَا لَا تَخَفْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۲

۲ - خداوند ، بنی اسرائیل را از خطر فرعون رهانید و آنان را از اسارت او نجات داد .

فأتبعهم فرعون .. بينى اسرء يل قد أنجىنكم من عدوكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۱

۱- حضرت

ابراهیم و لوط (ع) ، از نیرنگ ها و دسیسه های قوم خود ، به اراده الهی نجات یافتند .

و أرادوا به كيدًا .. و نَجَّينَه و لوطًا إلى الأرض التي برَكنا فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۵

۵- خداوند ، حضرت لوط (ع) را از شر قوم پلید ، ناپاک و زشتکارش نجات داد .

و نَجَّينَه من القرية التي كانت تعمل الخبث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۷

۷- خداوند ، نوح (ع) و خاندانش را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فَنَجَّينَه و أهله من الكرب العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۱

۱- خداوند ، حضرت نوح (ع) را از گزند تکذیب کنندگان آیات الهی نجات داد و از او کاملاً حمایت کرد .

و نصرنه من القوم الذين كذبوا بآيتنا

واژه <نصر> هر گاه با <من> متعدی شود، متضمن معنای نجات و خلاصی است (برگرفته از <قاموس المحيط>).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۲

۲- خداوند ، یونس (ع) را از غم و اندوه نجات و رهایی بخشید .

و نَجَّينَه من الغم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - خدا، تنها دستگیر و یاور مردمان در دنیا و سرای آخرت

من كان يظنّ أن

لن ينصره الله في الدنيا و الآخرة. .. هل يذهبن كیده ما يغیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۷

۷ - خداوند ، دستگیر امت اسلامی در مواقع بروز خطر

و لولا فضل الله عليكم .. لمسکم فی ما أفضتم فيه عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۶

۶ - فضل و رحمت خدا ، مردم صدراسلام را که ندانسته در گسترش توطئه < افک > دخالت داشتند ، از گرفتار شدن به عذاب دنیوی و اخروی نجات بخشید .

و لولا فضل الله عليكم و رحمته

به قرینه آیه پیش و نیز آیه ۱۴ ، جمله < و لولا فضل الله > ، به تقدیر < و لولا فضل الله عليكم و رحمته مسکم عذاب فی الدنيا و الآخرة > می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۵ - ۴

۴ - اقدام خداوند بر نجات دادن رهروان راه خود در سخت ترین شرایط

و أنجینا موسی و من معه أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۲

۲ - نجات نوح (ع) و همراهانش ، به اراده خدا و در پی استمداد وی برای رهایی از شرّ کافران

و نَجْنی و من معی .. فأنجینه و من معه فی الفلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - نجات لوط (ع) و همه کسانش ، به اراده خداوند و در

پی استمداد وی برای رهایی از مکافات عمل قومش

رَبِّ نَجْنِي و أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ . فَنجينه و أَهله أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۵

۵ - خداوند ، نجات دهنده مؤمنان تقوایپیشه از گرداب های سخت و بلا های فراگیر

أنا دمرنهم و قومهم أجمعين . . . و أنجينا الذين ءامنوا و كانوا يتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۳،۴

۳ - غلبه اراده الهی بر خواست و تصمیم فرعون در نابود کردن موسی (ع)

يذبح أبناءهم . . . فرددنه إلى أمه

موسی(ع) زمانی به دنیا آمد که فرعون به بهانه از بین بردن او، هر کودک پسر بنی اسرائیلی را سر می برید؛ اما خداوند حوادث را طوری ترتیب داد که شخص فرعون به حمایت از موسی(ع) برخیزد و او را تحت سرپرستی خود قرار دهد.

۴ - تعلق اراده الهی بر بازگرداندن سریع موسی (ع) و دیر نیایدن زمان جدایی میان او و مادرش

فرددنه إلى أمه

به کارگیری <فاء> عاطفه که برای بیان عدم تراخی است نشان می دهد که زمان جدایی میان موسی(ع) و مادرش به قدری کوتاه بود که می توان آن را نادیده گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۶ - ۴

۴ - پذیرفته شدن تقاضای موسی (ع) از سوی خداوند و تعلق اراده او بر بخشودن خطای موسی (ع) و نجات وی از فرعونیان

قال ربّ . . . فاغفر لي فغفر له

- آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۱

۱ - خداوند ، نوح (ع) و اصحاب کشتی او را ، از غرق شدن در طوفان ، نجات داد .

فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ .. فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۹

۹ - نجات دهنده گرفتاران ، از خطر ، خداوند است .

فَلَمَّا نَجَّيْنَاهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۰، ۵

۵ - عقیده به توحید و نجات بخشی خداوند ، باوری فطری برای انسان ها است .

و إِذَا غَشِيَهُمْ مَوَاجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ

۱۰ - نجات دهنده انسان ها از شداید و گرفتاری های سخت ، خداوند است .

و إِذَا غَشِيَهُمْ مَوَاجٌ .. فَلَمَّا نَجَّيْنَاهُمْ إِلَى الْبَرِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۱ - ۱

۱ - خداوند ، نجات بخش تقوایپیشگان از عذاب قیامت

أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ . وَ يَنْجِي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۸ - ۲

۲ - خداوند ، مؤمنان تقوایبشه قوم عاد و ثمود را از عذاب نازل شده نجات داد .

و نَجِّينَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ

مراد از <الذین آمنوا> به قرینه سیاق مؤمنان هر دو قوم عاد و ثمود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۶

۶ - خداوند ، تنها یار و یاور انسان در حفاظت وی

از عواقب ناگوار گناهان

و ما أصبكم . . . و ما لكم من دون الله من ولي ولا نصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۲ - ۷

۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را از گرفتاری به سنت های دوران جاهلیت رهانید .

و وضعنا عنك وزرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۸،۱۰

۸ - خداوند ، بر حفاظت انسان ها از خطر ها و آسیب ها توانا است .

قل أعوذ بربّ الفلق

۱۰ - برطرف شدن تاریکی شب و شکافتن آن با طلوع صبحدم به تدبیر خداوند ، دلیل توانمندی او بر نجات انسان ها از حوادث خطرناک

قل أعوذ بربّ الفلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- فلق - ۱۱۳ - ۲ - ۳

۳- خداوند ، توانا بر دفع

ضرر و جلوگیری از آسیب دیدن انسان از دیگر موجودات

قل أَعُوذُ . . من شرِّ ما خلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۳ - ۲

۲ - خداوند ، بر حفاظت انسان از مخفی ترین خطر ها ، توانا است .

و من شرِّ غاسقٍ إذا وقب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۵

۵ - توانایی خداوند بر شکافتن تاریکی ها با سپیده صبح ، دلیل قدرت او بر نجات انسان از خطر حسودان

قل أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ . . و من شرِّ حاسدٍ إذا حسد

نجات بخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۵

۵- قرآن ، مایه نجات آدمی از خطر ها ، آسیب ها و دشواری های موجود بر سر راه انسان *

هذا بلغ للناس و لينذروا به

نجات بخشی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۴

۴ - داشتن پیام هدایت آفرین و نجات بخش برای زندگی دنیایی و اخروی انسان ها ، از ویژگی های خدای بر حق و شایسته

پرستش

لاجرم أنما تدعونني إليه ليس له دعوة في الدنيا ولا في الآخرة

از این که مؤمن آل فرعون در رد عقیده مشرکان، به این مطلب استدلال کرد که معبودهای ادعایی شما، پیامی برای بشر ندارد؛ می توان استفاده کرد که داشتن پیام، از خصوصیات معبود حقیقی و شایسته پریشتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶

۳- معبود راستین ، قادر به نجات انسان در همه شرایط دشوار

فلولا نصرهم الذين اتخذوا من دون الله قرباناً ءالهه

مفهوم آیه، گویای برداشت یاد شده است.

نجات بخشی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷ - ۱

۱ - رهانیدن بنی اسرائیل از سلطه و ستم فرعونى ، در رأس اهداف موسی (ع) و هارون (ع) قرار داشت .

أن ائت القوم الظلمين . .. فأتيا فرعون فقولاً... أن أرسل معنا بنى إسرائيل

مقصود از <إرسال> (فرستادن) در این جا آزاد کردن و رها ساختن بنی اسرائیل است. بنابراین از آیه یاد شده استفاده می شود که اساسی ترین مأموریت موسی(ع) این بود که بنی اسرائیل را از سرزمین فرعونیان خارج کند و آنان را از بند اسارت و بردگی مصریان آزاد سازد.

نجات بخشی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷ - ۱

۱ - رهانیدن بنی اسرائیل از سلطه و ستم فرعونى ، در رأس اهداف موسی (ع) و هارون (ع) قرار داشت .

أن ائت القوم الظلمين . .. فأتيا فرعون فقولاً... أن أرسل معنا بنى إسرائيل

مقصود از <إرسال> (فرستادن) در این جا آزاد کردن و رها ساختن بنی اسرائیل است. بنابراین از آیه یاد شده استفاده می شود که اساسی ترین مأموریت موسی(ع) این بود که بنی اسرائیل را از سرزمین فرعونیان خارج کند و آنان را از بند اسارت و بردگی مصریان آزاد سازد.

نجات یافتگان

{نجات یافتگان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۴ - ۳

۳ - کسانی که انفاق کرده و زکات مال خود را ادا کنند، انسان هایی صالح و نجات یافته اند .

قد أفلح من تزكى

برخی از لغت دانان، فعل <تزکی> را به معنای <تصدق> می دانند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۹ - ۱

۱ - پاک سازندگان و رشد دهندگان روح خویش، اهل نجات اند و به هدف اصلی دست یافته و همواره در خوبی خواهند ماند .

قد أفلح من زكّیها

<زکاه> در لغت عرب، در اصل به معنای <طهارت>، <نمو>، <برکت> و <ستودن> است (نهایه ابن اثیر) معنای اول و دوم، با آیه شریفه تناسب بیشتری دارد. <فلاح> یعنی، پیروزمندی و رسیدن به مقصود (مفردات) و به معنای نجات و باقی ماندن در خوبی (قاموس) نیز آمده است.

امکان عذاب نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۳

۳- امکان بازگشت دوباره نجات یافتگان از خطر دریا به آن و گرفتار شدن به طوفان دریایی و غرق شدن

أم أمتهم أن یعیدکم فیه تاره آخری

انذار نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۱

۱- هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطرات و مشکلات ، به دچار شدن به خطرات و مهلکه های دیگر

فلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ .. أَمْ أَمْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۱

هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطر، به دچار آمدن در همان مهلکه

أم أمتم أن يعيدكم فيه تاره أخرى

شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۱۰

۱۰ - مردم گرفتار در خطر دریا، پس از رهایی از آن و رسیدن به خشکی، به رغم دعای مخلصانه شان در هنگام خطر، به خدا شرک میورزند!

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله... فلما نجّهم إلى البرّ إذا هم يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۵

۵ - باز گشت رهیدگان از ناملایمات، به شرک، کفران نعمت های خدا است.

فلما نجّهم إلى البرّ إذا هم يشركون . ليكفروا بما آتینهم

شرک نجات یافتگان از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۲

۲ - باز گشت رهیدگان از ناملایمات به شرک ربوبی، کفران نعمت های خداوند است.

برّهم يشركون . ليكفروا بما آتینهم

به قرینه <ما آتیناهم> مراد از <ليكفروا> کفران نعمت است.

شگفتی شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - رویکرد افراد رهیده از سختی ها و ناملايمات به شرک ، به رغم توجه شان به خداوند ، به هنگام ابتلا ، امری غیر منتظره و ناشایست است .

ثم إذا أذاقهم منه رحمه إذا فریق منهم برّهم یشرکون

<إذا> در عبارت <إذا فریق..> فجاییه است. کاربرد آن، در جایی است

که حادثه ای به صورت غیرمنتظره رخ بدهد. تکرار <رَبِّهِمْ> با این بیان که ذکر <رَبِّهِمْ> اشعار به این نکته دارد که آنان به رغم این که خداوند، پروردگارشان است، چنان کردند، مؤید این مطلب است.

غرق نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۳

۳- امکان بازگشت دوباره نجات یافتگان از خطر دریا به آن و گرفتار شدن به طوفان دریایی و غرق شدن

أم أمتنم أن یعیدکم فیه تاره آخری

فلسفه شرک نجات یافتگان از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۵

۵ - هدف رهیدگان از ناگواری ها ، از گرایش به شرک ، انکار خدایی بودن نجات شان است .

إذا مسّ الناس ضرّ .. ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه ... یشرکون . لیکفروا

<لام> در <لیکفروا> لام عاقبت است و مفید این نکته است که آنان، مشرک شدند تا سرانجام کفران نعمت کنند.

ناپسندی شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - رویکرد افراد رهیده از سختی ها و ناملايمات به شرک ، به رغم توجه شان به خداوند ، به هنگام ابتلا ، امری غیر منتظره و ناشایست است .

ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه إذا فریق منهم برّبهم یشرکون

<إذا> در عبارت <إذا فریق..> فجاییه است. کاربرد آن، در جایی است که حادثه ای به صورت غیرمنتظره رخ بدهد.

تکرار <رَبِّهِمْ> با این بیان که ذکر <رَبِّهِمْ> اشعار به این نکته دارد که آنان

به رغم این که خداوند، پروردگارشان است، چنان کردند، مؤید این مطلب است.

نجات یافتگان از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۹

۹ - برخی انسان ها ، پس از رهایی از مشکلات و سختی های شدید ، در صراط مستقیم الهی باقی می مانند .

و إذا غشیهم موج .. دعا الله ... فلما نَجَّیهم إلى البرّ فمنهم مقتصد

<قصد> ریشه <مقتصد> به معنای <راه راست و میانه> است (مفردات راغب).

نجات یافتگان امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۱

۱ - بندگان مخلص خدا (بندگان خالص و برگزیده خدا) ، تنها گروه نجات یافته از میان اقوام عذاب شده پیشین

فانظر كيف كان عقبه المنذرين . إلا عباد الله المخلصين

طبق نظر بیشتر مفسران، مقصود و معنای <مخلصین> (خالص شدگان) این است: <الذین أخلصهم الله لنفسه و ولايته؛ کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است.>

نجاست از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نجاست

تطهیر نجاست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۷،۹

۷ فراموش شدن آب برای غسل و وضو و تطهیر نجاست ها و قذارت ها ، از اهداف نزول باران برای مجاهدان بدر

و ينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم به

ذکر نشدن متعلق <یطهركم> حکایت از عمومیت آن متعلق دارد (نجاستهای ظاهری و باطنی). یعنی خداوند باران را فرو فرستاد تا نجاستهای ظاهری را به وسیله آن برطرف سازید و آنان که جنب هستند غسل کنند و

دیگران وضو بسازند.

۹ فقدان آب برای تحصیل طهارت و برطرف کردن نجاست ها ، مایه وسوسه شیطان و ایجاد نگرانی در پیکارگران بدر

لیطهرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطن

نبودن لام در <یذهب> بیانگر این است که <یذهب .. > مترتب بر <لیطهرکم ... > است. و تناسب تطهیر با برطرف شدن رجز شیطان اقتضا می کند که مراد از رجز شیطان وسوسه هایی باشد که شیطان بر اثر نبودن آب برای طهارت در مجاهدان ایجاد می کرده است.

عوامل نجاست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ شیطان ، مایه پلیدی ها و ناپاکیها

لیطهرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطن

نجاست خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۹

۹ خوک، حیوانی آلوده و کثیف و نجس که باید از آن اجتناب کرد.

إلا أن یکون .. فإنه رجس

بنابراین که ضمیر <انه> به خنزیر برگردد، نه به لحم خنزیر. در لسان العرب آمده است: <الرجس، القذر و القذار ضد النظافه ... و رجس، نجس.>

نجاسات

احکام نجاسات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ خوک، حیوانی آلوده و کثیف و نجس که باید از آن اجتناب کرد.

إلا أن يكون .. فإنه رجس

بنابراین که ضمیر <انه> به خنزیر برگردد، نه به لحم خنزیر. در لسان العرب آمده است: <الرجس، القذر و القذار ضد النظافه ... و رجس، نجس.>

نجاشی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نجاشی

ایمان نجاشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل

۲۸ نجاشی (پادشاه حبشه) ، مؤمن به خدا ، قرآن و کتب آسمانی و خاضع در برابر خداوند

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن باللّٰه

رسول خدا (ص) پس از مرگ نجاشی، به یاران خود فرمود: انّ احاکم النّجاشی قد مات، قوموا فصلّوا علیه ۷ فقال رجل یا رسول اللّٰه کیف نصلی علیه و قد مات فی کفره؟ قال (ص) الا تسمعون قول اللّٰه < و انّ من اهل الکتب . . >

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۴۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱۲

۱۲ نجاشی و یاران او در زمره محسنان و مؤمنان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن بودند .

قالوا انا نصری ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً . . . ذلک جزاء المحسنین

این بخش از آیات (۸۲ ۸۵) بنابر آنچه بسیاری از مفسران گفته اند، درباره نجاشی پادشاه حبشه و یاران او نازل شده است.

خضوع نجاشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۸

۲۸ نجاشی (پادشاه حبشه) ، مؤمن به خدا ، قرآن و کتب آسمانی و خاضع در برابر خداوند

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن باللّٰه

رسول خدا (ص) پس از مرگ نجاشی، به یاران خود فرمود: انّ احاکم النّجاشی قد مات، قوموا فصلّوا علیه ۷ فقال رجل یا رسول اللّٰه کیف نصلی علیه و قد مات فی کفره؟ قال (ص) الا تسمعون قول اللّٰه < و انّ من اهل الکتب . . >

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۴۱۶.

نجاشی از محسنان

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱۲

۱۲ نجاشی و یاران او در زمره محسنان و مؤمنان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن بودند .

قالوا إنا نصری ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً .. ذلک جزاء المحسنین

این بخش از آیات (۸۲ ۸۵) بنابر آنچه بسیاری از مفسران گفته اند، درباره نجاشی پادشاه حبشه و یاران او نازل شده است.

نجاشی از مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱۲

۱۲ نجاشی و یاران او در زمره محسنان و مؤمنان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن بودند .

قالوا إنا نصری ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً .. ذلک جزاء المحسنین

این بخش از آیات (۸۲ ۸۵) بنابر آنچه بسیاری از مفسران گفته اند، درباره نجاشی پادشاه حبشه و یاران او نازل شده است.

نجاشی و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱۲

۱۲ نجاشی و یاران او در زمره محسنان و مؤمنان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن بودند .

قالوا إنا نصری ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً .. ذلک جزاء المحسنین

این بخش از آیات (۸۲ ۸۵) بنابر آنچه بسیاری از مفسران گفته اند، درباره نجاشی پادشاه حبشه و یاران او نازل شده است.

نجاشی و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱۲

، پیامبر (ص) و قرآن بودند .

قالوا إنا نصرى ذلك بان منهم قسيسين و رهباناً .. ذلك جزاء المحسنين

این بخش از آیات (۸۲ ۸۵) بنا بر آنچه بسیاری از مفسران گفته اند، درباره نجاشی پادشاه حبشه و یاران او نازل شده است.

نجوا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نجوا

آثار و جوب صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۲

۲ - وجوب صدقه ، باعث شد مسلمانان از گفتوگویی محرمانه با رسول اکرم (ص) صرف نظر کنند .

ءأشفقتم أن تقدّموا بين یدی نجویکم صدقت

احکام صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - صدقه نجوا ، تنها بر کسانی واجب بود که توانایی مالی داشتند .

فإن لم تجدوا فإنّ الله غفور رحيم

احکام نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۱،۲

۱ - نجوا کردن (با هم درگوشی صحبت کردن) امری جایز است .

يأيتها الذين ءامنوا إذا تنجيتم

۲ - جواز نجوا کردن مشروط به این است که آلوده به گناه ، تعدی و نافرمانی پیامبر (ص) نباشد .

إذا تنجيتم فلا تنجوا بالإثم و العدوان و معصية الرسول

احکام نجوا با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۴

۴ - خداوند ، بر هر مسلمانی که خواستار نجوا و گفتوگوی محرمانه با پیامبر اکرم (ص) بود ، واجب کرد که پیش از آن صدقه ای بپردازد .

يأيتها الذين ءامنوا إذا نجيتم الرسول فقدموا

بین یدی نجویکم صدقه

امتناع از صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۱،۴،۵

۱ - مسلمانان ، از پرداخت صدقه پیش از نجوا با پیامبر اکرم (ص) ، امتناع ورزیدند .

ءأشفقتم أن تقدّموا بین یدی نجویکم صدقت

۴ - نکوهش مسلمانان از سوی خداوند ، به خاطر صرف نظر کردن از ملاقات های محرمانه با پیامبر اکرم (ص) و امتناع ورزیدن از پرداخت صدقه نجوا

ءأشفقتم أن تقدّموا بین یدی نجویکم صدقت

۵ - خداوند ، حکم صدقه نجوا را در پی امتناع ورزیدن مسلمانان از آن و ترک کردن گفتوگوی محرمانه با پیامبر اکرم (ص) لغو و نسخ کرد .

فاذ لم تفعلوا و تاب الله علیکم

مفسران، بر آنند که این آیه ناسخ حکم صدقه نجوا است.

ترک نجوا با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۴،۱۵

۴ - نکوهش مسلمانان از سوی خداوند ، به خاطر صرف نظر کردن از ملاقات های محرمانه با پیامبر اکرم (ص) و امتناع ورزیدن از پرداخت صدقه نجوا

ءأشفقتم أن تقدّموا بین یدی نجویکم صدقت

۱۵ - > عن علی (ع) إنّه قال : بی خفف الله عن هذه الأمة لأنّ الله امتحن الصحابه بهذه الآیه فتقاعسوا عن مناجاه الرسول (ص) . . . و كان معی دینار فتصدّقت به فکنت أنا سبب التوبه من الله علی المسلمین حین عملت بالآیه و لو لم يعمل بها أحد لنزل العذاب لإمتناع الكلّ من العمل بها r

از حضرت علی(ع) روایت شده که فرمود: خدا به وسیله

من [کیفر سنگینی] این امت را سبک کرد؛ زیرا خداوند صحابه را با آیه <قدموا بین یدی نجواکم صدقات > امتحان کرد. آنان از نجوا کردن با رسول خدا(ص) خودداری کردند... و با من دیناری بود که آن را [قبل از نجوا] صدقه دادم. پس من سبب گذشت خداوند از مسلمین شدم؛ آن گاه که به این آیه عمل کردم و اگر هیچ کس به آن عمل نمی کرد، عذاب نازل می شد؛ زیرا همه از عمل به آن امتناع کرده بودند.

توصیه به تقوا در نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۵

۵ - نجوای مؤمنان ، باید آراسته به سفارش به نیکی و توصیه به تقوای الهی باشد .

و تنجوا بالبرّ و التقوی

توصیه به خیر در نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۵

۵ - نجوای مؤمنان ، باید آراسته به سفارش به نیکی و توصیه به تقوای الهی باشد .

و تنجوا بالبرّ و التقوی

شرایط نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۲

۲ - جواز نجوا کردن مشروط به این است که آلوده به گناه ، تعدی و نافرمانی پیامبر (ص) نباشد .

إذا تنجیتم فلا تنجوا بالاثم و العدوان و معصیت الرسول

صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - خداوند ، بر هر مسلمانی که خواستار نجوا و گفتوگویی محرمانه با پیامبر اکرم (ص) بود ، واجب

کرد که پیش از آن صدقه ای بپردازد .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدْتُمُو بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَيْكُمْ صَدَقَةٌ

۱۲ - اجازه گفتوگویی محرمانه با پیامبر اکرم (ص) ، بدون دادن < صدقه نجوا > برای افراد ناتوان ، برخاسته از غفران و رحمت خداوند

فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۱۵ - < قال علی (ع) إِنَّ فِي كِتَابِ اللَّهِ لآيَةً مَا عَمِلَ بِهَا أَحَدٌ قَبْلِي وَلَا يَعْمَلُ بِهَا أَحَدٌ بَعْدِي وَهِيَ آيَةُ النُّجْوَى ، كَانَ عِنْدِي دِينَارٌ فَبَعْتُهُ بَعِشْرَةَ دَرَاهِمٍ فَجَعَلْتُ أَقْدَمَ بَيْنَ يَدَيْ كُلِّ نَجْوَى أَنَا جِئْتُهَا النَّبِيُّ دَرَاهِمًا ، قَالَ : فَنَسَخَهَا قَوْلُهُ > ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تَقْدَمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٌ < ;

حضرت علی(ع) فرمود: در قرآن آیه ای است که قبل از من هیچ کس به آن عمل نکرد و بعد از من نیز احدی احد به آن عمل نخواهد کرد و آن آیه <نجوا> است. نزد من دیناری بود که آن را به ده درهم فروختم و هر دفعه که با رسول خدا(ص) نجوا داشتم، یک درهم آن را صدقه می دادم. حضرت فرمود: این حکم را آیه <ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تَقْدَمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٌ > نسخ کرد [و دیگر در پی نجوا با رسول خدا(ص) صدقه واجب نبود].

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۱۵

۱۵ - < عن علی (ع) إِنَّهُ قَالَ : بِي خَفَّفَ اللَّهُ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لِأَنَّ اللَّهَ امْتَحَنَ الصَّحَابَةَ بِهَذِهِ الْآيَةِ فَتَقَاعَسُوا عَنْ مَنَاجَاةِ الرَّسُولِ (ص) . . . وَكَانَ مَعِيَ دِينَارٌ فَتَصَدَّقْتُ بِهِ فَكُنْتُ أَنَا سَبَبُ التَّوْبَةِ

من الله على المسلمين حين عملت بالآيه و لو لم يعمل بها أحد لنزل العذاب لإمتناع الكل من العمل بها ؛

از حضرت علی(ع) روایت شده که فرمود: خدا به وسیله من [کیفر سنگینی] این امت را سبک کرد؛ زیرا خداوند صحابه را با آیه <قدّموا بین یدی نجواکم صدقات> امتحان کرد. آنان از نجوا کردن با رسول خدا(ص) خودداری کردند... و با من دیناری بود که آن را [قبل از نجوا] صدقه دادم. پس من سبب گذشت خداوند از مسلمین شدم؛ آن گاه که به این آیه عمل کردم و اگر هیچ کس به آن عمل نمی کرد، عذاب نازل می شد؛ زیرا همه از عمل به آن امتناع کرده بودند.

علم خدا به نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۴

۴ - خداوند ، آگاه به هر سرّ و شنونده هر نجوا

أَمْ يَحْسِبُونَ أَنَّا لَنَسْمَعُ سُرْمَمٍ وَ نَجْوِيهِمْ

فلسفه صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۹

۹ - اقدام به انجام بهترین عمل و مؤثرترین کار برای طهارت نفس ، حکمت واجب شدن صدقه ، پیش از نجوا و گفتوگوی محرمانه با پیامبر اکرم (ص)

فقدّموا بین یدی نجویکم صدقه ذلک خیر لکم و أظهر

فلسفه نهی از نجوای ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۶

۶ - شاداب ماندن جامعه ایمانی و جلوگیری از عوامل ناراحتی زا و اندوه آفرین ، حکمت نهی الهی از نجوا های آلوده به گناه

إنّما النجوى من

الشيطان ليحزن الذين ءامنوا

إنّما النجوى من الشيطان ليحزن الذين ءامنوا

گناه در نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۳

۳ - نهی خداوند ، از نجوای آلوده به گناه ، تعدی به حقوق مسلمین و نافرمانی پیامبر (ص)

فلاتتنجوا بالاثم و العدون و معصيت الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۱

۱ - نجوای آلوده به گناه ، تعدی به دیگران و نافرمانی از پیامبر اکرم (ص) ، از القائات شیطان است .

إنّما النجوى من الشيطان

الف و لام <النجوى> برای عهد است و به نجوای منافقان اشاره دارد که آلوده به <إثم> ، <عدوان> و <معصیت الرسول> است .

مسلمانان صدر اسلام و صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۱،۳

۱ - مسلمانان ، از پرداخت صدقه پیش از نجوا با پیامبر اکرم (ص) ، امتناع ورزیدند .

ءأشفقتم أن تقدّموا بين یدی نجویکم صدقت

۳ - پرداخت صدقه ، پیش از هر بار نجوا با پیامبر اکرم (ص) ، برای مسلمانان امری دشوار می نمود .

ءأشفقتم أن تقدّموا بين یدی نجویکم صدقت

منشأ نجوای ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۱

۱ - نجوای آلوده به گناه ، تعدی به دیگران و نافرمانی از پیامبر اکرم (ص) ، از القائنات شیطان است .

إِنَّمَا النِّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ

الف و لام <النجوى> برای عهد است و به نجوای منافقان اشاره دارد که آلوده به <إثم>،

<عدوان> و <معصیت الرسول> است.

نجوا با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۹،۱۲

۹ - اقدام به انجام بهترین عمل و مؤثرترین کار برای طهارت نفس ، حکمت واجب شدن صدقه ، پیش از نجوا و گفتوگوی محرمانه با پیامبر اکرم (ص)

فقدّموا بین یدی نجویکم صدقه ذلک خیر لکم و أظہر

۱۲ - اجازه گفتوگوی محرمانه با پیامبر اکرم (ص) ، بدون دادن < صدقه نجوا > برای افراد ناتوان ، برخاسته از غفران و رحمت خداوند

فإن لم تجدوا فإنّ الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۶

۱ - مسلمانان ، از پرداخت صدقه پیش از نجوا با پیامبر اکرم (ص) ، امتناع ورزیدند .

ءأشفقتم أن تقدّموا بین یدی نجویکم صدقت

۲ - وجوب صدقه ، باعث شد مسلمانان از گفتوگوی محرمانه با رسول اکرم (ص) صرف نظر کنند .

ءأشفقتم أن تقدّموا بین یدی نجویکم صدقت

۳ - پرداخت صدقه ، پیش از هر بار نجوا با پیامبر اکرم (ص) ، برای مسلمانان امری دشوار می نمود .

ءأشفقتم أن تقدّموا بین یدی نجویکم صدقت

۶ - نجواهای برخی از مسلمانان با پیامبر اسلام (ص) ، غیر ضرور و بی فایده بود .

فإذ لم تفعلوا و تاب الله علیکم

از این که مسلمانان پس از صدور حکم صدقه، نجوا با رسول خدا(ص) را ترک کردند، به دست می آید که آنان، کار

ضروری و حیاتی با آن حضرت نداشتند؛ و گرنه برای آن خرج می کردند و صدقه می

پرداختند.

نجوا به نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۲،۷

۲ ارزش والای نجوا ها و مذاکرات محرمانه ، به انگیزه وادار نمودن دیگران به صدقه و دعوت به کار نیک و اصلاح میان مردمان

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف او اصلح بین الناس

۷ نجوا ها و مذاکرات محرمانه برای دعوت مردم به کار های نیک ، موجب پاداش بزرگ الهی

من نجویهم . . . و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

نجوای با ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۲،۱۲

۲ ارزش والای نجوا ها و مذاکرات محرمانه ، به انگیزه وادار نمودن دیگران به صدقه و دعوت به کار نیک و اصلاح میان مردمان

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف او اصلح بین الناس

۱۲ گفتگوی محرمانه در مورد توصیه به قرض الحسنه ، کاری پسندیده و شایسته

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف

امام صادق(ع) در مورد <معروف> در آیه فوق فرمود: یعنی بالمعروف القرض.

کافی، ج ۴، ص ۳۴، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۹، ح ۵۵۸.

نجوای حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۳

۳ - نهی خداوند ، از نجوای آلوده به گناه ، تعدی به حقوق مسلمین و نافرمانی پیامبر (ص)

فلاتتنجوا بالاثم و العدوان و معصیت الرسول

نسخ صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۵

۵ - خداوند ، حکم صدقه نجوا را در پی امتناع ورزیدن مسلمانان از آن و ترک کردن گفتوگوی محرمانه با پیامبر اکرم (ص) لغو و نسخ کرد .

فَاذِلْمُ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ

مفسران، بر آنند که این آیه ناسخ حکم صدقه نجوا است.

نهی از نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۱۱

۱۱ نهی خداوند از گفتگوهای سرّی بی فایده (بگو مگو)

لا خیر فی کثیر من نجویهم

امام باقر(ع) فرمود: ... ان الله نهی عن القیل و القال ... ان الله عزوجل یقول فی کتابه: <لا خیر فی کثیر من نجویهم > ...

کافی، ج ۵، ص ۳۰۰، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۹، ح ۵۵۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۸ - ۲،۳

۲ - منافقان ، از نجوا های آزاردهنده شان نهی و از آنان خواسته شده بود تا از آن کار زشت دست بکشید .

ألم تر إلی الذین نهوا عن النجوى

۳ - منافقان با وجود این که از نجوا کردن نهی شده بودند بر آن اصرار میورزیدند .

ألم تر إلی الذین نهوا عن النجوى ثمّ یعودون لما نهوا عنه

نجواکنندگان

خدا و نجواکنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۷ - ۵،۶،۷،۸،۱۰

۵ - نجواکنندگان اگر سه نفر باشند ، خداوند چهارمی آنان است .

ما یكون من نجوى ثلثه إلا هو رابعهم

۶ - نجواکنندگان اگر پنج نفر باشند ،

خداوند ششمین آنان است .

و لا خمسة إلا هو سادسهم

۷- نجواکنندگان ، چه کمتر از سه و پنج نفر باشند (دو یا چهار نفر) و چه بیشتر از پنج نفر باشند (شش نفر یا بیشتر) ، خدا نیز با آنان خواهد بود .

و لا أدنی من ذلك و لا أكثر إلا هو معهم

۸- نجواکنندگان هر کجا باشند ، خداوند نیز همراه با آنان است و گفتوگوی آنان را می شنود .

إلا هو معهم أين ما كانوا

۱۰- خداوند ، گفتوگوهای محرمانه نجواکنندگان را ، در قیامت به آنان خبر خواهد داد .

ثم یتبئهم بما عملوا یوم القیمه

مسئولیت نجواکنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۷ - ۹

۹- نجواکنندگان ، در برابر نجواهایشان مسئول بوده و در قیامت باید در برابر خداوند پاسخگو باشند .

ما یکون من نجوی ... ثم یتبئهم بما عملوا یوم القیمه

ناظر نجواکنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۷ - ۴

۴- گفتوگوهای محرمانه هیچ جمع نجواکننده ای ، بر خداوند پوشیده نیست .

ما یکون من نجوی ... إلا هو معهم أين ما كانوا

نجواکنندگان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۷ - ۹،۱۰

۹ - نجواکنندگان ، در برابر نجواهایشان مسؤول بوده و در قیامت باید در برابر خداوند پاسخگو باشند .

ما یكون من نجوى . . . ثم یتبئهم بما عملوا یوم القیمه

۱۰ - خداوند ، گفتوگوهای محرمانه نجواکنندگان را ، در

قیامت به آنان خبر خواهد داد .

ثُمَّ يَتَّبِعُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ

نحر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نحر

آداب نحر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۸،۹

۸ - لزوم به صف کردن شتران قربانی و نحر هم زمان آنها ، همراه ذکر نام خدا

فاذکروا اسم الله علیها صوافّ

<صوافّ> جمع <صافه> حال از ضمیر <علیها> و از مصدر <صفّ> (گروهی را در کنار هم و در یک امتداد مستقیم به نظم در آوردن) مشتق شده است؛ یعنی، پس نام خدا را بر شتران (به هنگام نحر کردن آنها) در حالی که در امتداد مستقیم به نظم در آمدند ببرید.

۹ - لزوم بستن دست ها و پا های شتران قربانی ، به هنگام نحر کردن آنها

فاذکروا اسم الله علیها صوافّ

با توجه به این که هنگام نحر کردن شتر برای این که بر اثر وارد شدن فشار کارد فرار نکند، ابتدا دستها و پاهایش را کنار هم قرار می دهند و دور آنها را طناب می پیچند و سپس آن را نحر می کنند <صوافّ> را می توان چنین معنا کرد: در حالی که دستها و پاهایشان را کنار هم قرار دادید و با طناب بستید آنها را نحر کنید.

اخلاص در نحر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۸

۸ - قربانی کردن شتر و قصد انجام دادن فرمان الهی ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

وانحر

قید <لرَبِّكَ> درباره <صَلِّ>، قرینه بر وجود چنین قیدی برای <انحر> نیز می باشد. <نحر>؛ یعنی، مقداری از سینه که جای گلوبند است و از

جمله معانی که برای فعل <انحر>، بیان کرده اند، فرمان به کشتن شتر قربانی است. (مفردات)

بسمله در نحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۴

۴ - لزوم به زبان آوردن نام خدا، به هنگام ذبح یا نحر قربانی

لیذکروا اسم الله علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

بسمله در نحر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۶،۷

۶ - وجوب ذکر نام خدا، به هنگام نحر کردن شترانی قربانی

فاذکروا اسم الله علیها

۷ - جواز ذکر هر یک از اسمای خداوند (الله، رحمان و...) به هنگام نحر شتر

فاذکروا اسم الله علیها

اضافه در <اسم الله> می تواند بیانیه و یا لامیه باشد. از این رو <اسم الله> بنابر احتمال اول، به معنای <اسمی که عبارت از الله است> و بنابر احتمال دوم <هر اسمی که برای خدا هست> می باشد. برپایه احتمال اول، ذکر نامی غیر از <الله> به هنگام ذبح یا نحر حیوان، کافی نیست؛ به خلاف احتمال دوم. برداشت یاد شده بر اساس احتمال دوم است.

توصیه نحر شتر به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۸

۸ - قربانی کردن شتر و قصد انجام دادن فرمان الهی، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

وانحر

قید <لرَبَّكَ> درباره <صلِّ>، قرینه بر وجود چنین قیدی برای <انحر> نیز می باشد. <نحر>؛ یعنی، مقداری از سینه که جای گلوبند است و از جمله معانی که برای فعل <انحر>، بیان کرده

اند، فرمان به کشتن شتر قربانی است. (مفردات)

نامهای خدا در نحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۷۸

۷ - جواز ذکر هر یک از اسمای خداوند (الله، رحمان و ...) به هنگام نحر شتر

فاذکروا اسم الله علیها

اضافه در <اسم الله> می تواند بیانیه و یا لامیه باشد. از این رو <اسم الله> بنابر احتمال اول، به معنای <اسمی که عبارت از الله است> و بنابر احتمال دوم <هر اسمی که برای خدا هست> می باشد. برپایه احتمال اول، ذکر نامی غیر از <الله> به هنگام ذبح یا نحر حیوان، کافی نیست؛ به خلاف احتمال دوم. برداشت یاد شده بر اساس احتمال دوم است.

۸ - لزوم به صف کردن شتران قربانی و نحر هم زمان آنها، همراه ذکر نام خدا

فاذکروا اسم الله علیها صواف

<صواف> جمع <صافه> حال از ضمیر <علیها> و از مصدر <صَفَّ> (گروهی را در کنار هم و در یک امتداد مستقیم به نظم در آوردن) مشتق شده است؛ یعنی، پس نام خدا را بر شتران (به هنگام نحر کردن آنها) در حالی که در امتداد مستقیم به نظم در آمدند ببرید.

نحر شتر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به اعتقاد همه مفسران مراد

از <انعام> در این جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می باشد. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

نحر شتر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۸،۹

۸ - لزوم به صف کردن شتران قربانی و نحر هم زمان آنها ، همراه ذکر نام خدا

فاذکروا اسم الله علیها صواف

<صواف> جمع <صافه> حال از ضمیر <علیها> و از مصدر <صَفَّ> (گروهی را در کنار هم و در یک امتداد مستقیم به نظم در آوردن) مشتق شده است؛ یعنی، پس نام خدا را بر شتران (به هنگام نحر کردن آنها) در حالی که در امتداد مستقیم به نظم در آمدند ببرید.

۹ - لزوم بستن دست ها و پا های شتران قربانی ، به هنگام نحر کردن آنها

فاذکروا اسم الله علیها صواف

با توجه به این که هنگام نحر کردن شتر برای این که بر اثر وارد شدن فشار کارد فرار نکند، ابتدا دستها و پاهایش را کنار هم قرار می دهند و دور آنها را طناب می پیچند و سپس آن را نحر می کنند <صواف> را می توان چنین معنا کرد: در حالی که دستها و پاهایشان را کنار هم قرار دادید و با طناب بستید آنها را نحر کنید.

نحر شتر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱۱

۱۱ - برگزیدن گران بهاترین حیوان اهلی (شتر) برای قربانی ، واکنشی بایسته از سوی

پیامبر (ص) ، در سپاس گذاری از کوثر عطا شده به آن حضرت

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ .. وانحر

نخل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{نخل}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۹

۹- > عن النبي (ص) [فی قوله تعالى : < کلمه طیبه کشجره طیبه ... >] : إن هذه الشجره الطیبه هی النخله ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا < کلمه طیبه کشجره طیبه .. > روایت شده است که فرمود: همانا [مراد از] درخت پاکیزه، درخت خرماست < .

اهمیت نخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۰ - ۳

۳ اهمیت نخل و خرما ، در میان درخت ها و میوه ها

فأنبئنا به جنت .. و النخل باسقت لها طلع نضید

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که از میان همه درختان، <نخل> یاد شده است. البته بعید نیست که این انتخاب با توجه به جغرافیای سرزمین وحی صورت گرفته باشد.

باروری نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۳،۷

۳- بارور شدن و ثمر دادن غیر طبیعی درخت خرما ، به تلاش مریم (س) و کشیدن و تکان دادن نخل وابسته بود .

و هزّی إليك .. تسقط

فعل <تساقط> مجزوم است و عامل جزم آن شرط مقدر است؛ یعنی اگر درخت را تکان دهی و به سمت خود بکشی، برای تو خرما می ریزد.

۷- به بار نشستن فوری درخت خرما و نیرومندی مریم (س) برای تکان دادن آن

، از کرامات او بود .

و هزّی إليك .. تسقط

بلندی نخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۰ - ۲

۲ قامت بلند نخل و شکوفه های انبوه خرما ، پیامدار بصیرت و مایه تذکر خلق

تبصره و ذکری .. و النخل باسقت لها طلع نضید

پیدایش نخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۲

۲ خداوند پدید آورنده باغستانها، درختان خرما و کشتزارهاست.

و هو الذی أنشأ جنت .. و النخل و الزرع

تعقل در درخت نخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۱۳

۱۳ دوران ثمردهی تا رسیدن میوه اصله نخل و تاک انگور و درخت زیتون و انار، شایان مطالعه و تأمل و راهی برای خداشناسی است.

و من النخل .. من أعتاب و الزیتون و الرمان ... أنظروا إلى ثمره إذا أثمر و ینعه

مرجع ضمیر <ثمره> می تواند <الرمان> باشد و نیز می تواند <النخل> <اعناب> <الزیتون> به صورت بدل باشد. برداشت فوق بر این مبنا صورت گرفته است. لذا فرمان <انظروا> شامل تمامی موارد مذکور در آیه است.

تکاندن نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۱،۷

۱- عیسی (ع)، در بدو تولد، مادرش مریم (س) را به تکان دادن درخت خرما و استفاده از میوه آن راهنمایی کرد.

و هزّی إلیک بجذع النخله تسقط علیک رطبًا جئیًا

>هزّ< به معنای حرکت دادن به چپ

و راست است و به قرینه <إلیک> در آن معنای <متمایل ساختن> نیز تضمین شده است. بنابراین <هزّی إلیک>، یعنی درخت را به جانب خود بکش و به چپ و راست تکان ده این راهنمایی چنان چه از آیه بعد پیدا است، به منظور تأمین غذای مریم(س) بوده است.

۷- به بار نشستن فوری درخت خرما و نیرومندی مریم (س) برای تکان دادن آن، از کرامات او بود.

و هزّی إلیک .. تسقط

ثمردهی نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۳

۳- بارورشدن و ثمردادن غیر طبیعی درخت خرما، به تلاش مریم (س) و کشیدن و تکان دادن نخل وابسته بود.

و هزّی إلیک .. تسقط

فعل <تساقط> مجزوم است و عامل جزم آن شرط مقدر است؛ یعنی اگر درخت را تکان دهی و به سمت خود بکشی، برای تو خرما می ریزد.

خشکی نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۲

۲- نخلی که مریم (س) در کنار آن وضع حمل نمود، میوه نداشت.

و هزّی إلیک بجذع النخلة تسقط علیک رطبًا جئیًا

جمله <تساقط علیک..> گویای امتنان بر مریم(س) است، نه خبر از اثر طبیعی تکان دادن درخت، چرا که این موضوع نیازی به راهنمایی نداشت؛ بنابراین، پس از تکان دادن درخت بود که خرماي آن پدیدار گشته و فرو می ریخت. اضافه شدن کلمه <جذع> به کلام و نیز اسناد <تساقط> به <نخله>، خشک بودن درخت و خارق العاده

بودن ریزش خرما را تأیید می کند.

خوشه های نخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۷

۷ خداوند با باران از شکوفه های نخل، خوشه هایی سر فروشته و در دسترس را می رویاند.

فأخرجنا .. و من النخل من طلعتها قنوان دانيه

<طلع> به معنای شکوفه خرما و <قنوان> نیز به معنای خوشه است و <قنوان دانيه> یعنی خوشه های نزدیک که در دسترس باشد.

رویاننده نخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۱

۱- خداوند، رویاننده کشتزارها و درختان زیتون، خرما و انگور و تمامی محصولات کشاورزی است.

ينبت لكم به الزرع و الزيتون و النخيل و الأعب و من كل الثمرت

رویش نخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۷

۷ خداوند با باران از شکوفه های نخل، خوشه هایی سر فروشته و در دسترس را می رویاند.

فأخرجنا .. و من النخل من طلعتها قنوان دانيه

<طلع> به معنای شکوفه خرما و <قنوان> نیز به معنای خوشه است و <قنوان دانيه> یعنی خوشه های نزدیک که در دسترس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- رویش گیاهان و درختان زیتون ، نخل و تاک به وسیله آب ، زمینه ای برای اندیشیدن و راهی برای خداشناسی است .

یَنْبِتْ لَكُمْ بِهِ .. . إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

سیراب شدن خوشه های نخل

جلد - نام سوره - سوره -

۵ دستیابی خوشه های خرما بر بلندای قامت نخل به عنصر حیاتی آب ، شایان تأمل و درس آموزی *

أفلم ينظروا... و النخل باسقت لها طلع نضيد

برداشت بالا- بدان احتمال است که تعبیر <باسقات>، از آن جهت در آیه قید شده باشد که رسیدن <آب> از زمین به خوشه های خرما در ارتفاع بالا، از فرایندی پیچیده و شایان تأمل برخوردار است.

عبرت از نخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۲

۲- درختان خرما و انگور و استحصال نوشیدنی از آنها ، مایه پند و عبرت است .

و من ثمرت النخيل و الأعب تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا

برداشت فوق، با توجه به معطوف بودن جمله <و من ثمرات..> بر جمله <و إن لكم في الأنعام لعبرة> است.

فواید نخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۳

۳- درختان خرما و انگور ، دارای محصولات و فرآورده های گوناگون

و من ثمرت النخيل و الأعب تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا و رِزْقًا حَسَنًا

نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۳ - ۱

۱- درد زایمان ، مریم (س) را به کنار تنه درخت خرما کشانید .

فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة

<أجاء> متعدی <جاء> یعنی آورد و <مخاض> درد زایمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۱

۱- مریم (س) ، در کنار درخت خرما وضع حمل

نمود و عیسی (ع) را به دنیا آورد .

فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة .. فناديتها

<فاء> در <فنادها> فصيحه است و از جمله ای محذوف، قبل از خود، حکایت می کند و مضمون آن جمله، خبر از ولادت عیسی(ع) در کنار درخت است.

نقش شکوفه های نخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۰ - ۲

۲ قامت بلند نخل و شکوفه های انبوه خرما ، پیامدار بصیرت و مایه تذکر خلق

تبصره و ذکری ... و النخل باسقت لها طلع نضید

نقش نخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۰ - ۱،۲

۱ نخل های افراشته ، با شکوفه هایی انبوه و برهم چیده ، آیتی خداوندی است .

و النخل باسقت لها طلع نضید

<باسقات> (جمع <باسق>) به معنای بلند و برافراشته، <طلع> به معنای شکوفه و <نضید> به معنای روی هم افتاده و انبوه است.

۲ قامت بلند نخل و شکوفه های انبوه خرما ، پیامدار بصیرت و مایه تذکر خلق

تبصره و ذکری ... و النخل باسقت لها طلع نضید

ویژگیهای نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۳ - ۴

۴- اصله نخلی که مریم (س) در کنار آن پناه گرفت ، نخلی مشخص و درختی خشکیده بود .

فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة

<النخلة> معرفه و <ال> در آن می تواند عهد ذهنی باشد. عهدی که یا بین خدا و مریم(س) و یا خدا و پیامبر(ص) بوده است و از این که گفته نشد < إلى النخلة>،

دانسته می شود که آنچه مریم در کنار آن قرار گرفت، چیزی جز تنه درخت نبود. آیات بعد که سخن از آگاه ساختن مریم به وجود آب و لزوم تکان دادن درخت، برای استفاده از خرما می آورد، نیز حاکی از پیدایش خارق العاده آب و خرما است و گرنه مریم (س) برای پی بردن به آن دو موضوع، به راهنما نیازی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- > عن أبي الحسن الرضا (ع) قال: كانت نخلة مریم العجوه، و نزلت فی کانون و نزل مع آدم (ع) من الجنة العتيق والعجوه منهما تفرق أنواع النخل؛

از امام رضا(ع) روایت شده: نخله مریم <عجوه> بود که در برج کانون نازل شد و با آدم(ع) از بهشت <عتیق> (نوعی درخت خرما می نر) و عجوه (نوعی خرما که درخت آن <لینه> نامیده می شود) نازل شد که از آن دو، انواع نخل منشعب شد.

نخلستان

اهمیت نخلستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۴ - ۲

۲ - نخلستان ها و تاکستان ها ، از نشانه های قدرت خداوند است .

و ءایه لهم . . . و جعلنا فیها جنت من نخیل و أعنب

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه درصدد ارائه نمونه هایی از قدرت خدا و نیز برشمردن نعمت های الهی برای بشر است.

درخواست نخلستان از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۱ - ۱،۴

۱- برخورداری پیامبر (ص)

، از باغستانی بزرگ با درخت های خرما و انگور و جاری ساختن نهر های آب فراوان در لابه لای آنها ، پیش شرط مشرکان مکه برای ایمان آوردن به آن حضرت

و قالوا لن نؤمن لك حتى . . . أو تكون لك جنة من نخيل و عنب

۴- ایجاد باغ بزرگ خرما و انگور با نهر های آب جاری ، معجزه درخواستی (اقتراحی) مشرکان مکه از پیامبر (ص)

لن نؤمن لك حتى . . . تكون لك جنة من نخيل و عنب

زیبایی نخلستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۲ - ۳

۳- در اختیار داشتن باغ هایی از انواع انگور ، محصور شده در میان نخل ها و کشت زارهایی در پیرامون آن ، از دلرباترین صحنه ها برای آدمی است .

عوامل پیدایش نخلستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۳

۳- روان شدن چشمه ها ، از عوامل پیدایش باغ ها و به ثمر نشستن درختان نخل ، انگور و . . . است .

و جعلنا فیها جنة . . . و فجّرنا فیها من العیون . لیأكلوا من ثمره

جمله < لیأكلوا من ثمره > متعلق به < جعلنا > است و قرار گرفتن آن پس از جمله < فجّرنا فیها من العیون > ، می تواند حاکی از این نکته باشد که روان شدن چشمه ها ، نقش اساسی در به ثمر نشستن باغ ها و درختان نخل و انگور دارد.

فواید نخلستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۱

هدف و فلسفه آفرینش نخلستان ها و تاکستان ها از سوی خداوند ، تغذیه و بهره مندی انسان ها از میوه ها و محصولات آنها است .

و جعلنا فیها من نخیل و أعنب .. لیأكلوا من ثمره

منشأ پیدایش نخلستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۹ - ۱

۱ - پیدایش باغ های خرما و انگور بر اثر ریزش باران ، به اراده خداوند است .

فأنشأنا لكم به جنت من نخیل و أعنب

<إنشاء> (مصدر <أنشأنا>) به معنای پدید آوردن و پروراندن <جنت> (جمع <جنته>) به معنای باغات است. <نخیل> نیز جمع <نخیله> (خرما) و <أعنب> جمع <عنب> (انگور) است.

منشأ خلقت نخلستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۴ - ۱

۱ - خداوند ، باغ هایی از خرما و انگور در زمین آفریده است .

و جعلنا فیها جنت من نخیل و أعنب

نخلستان در مرکز حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۶

۱۶ - مرکز حکومت فرعون ، منطقه ای گرمسیر و دارای درختان نخل بود .

و لأصلبکم فی جذوع النخل

نذر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نذر

آثار وفای به نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۰ - ۷۸

۷ خداوند ، مددکار و یاور اهل انفاق و وفاکنندگان به نذر است .

و ما للظالمین من انصار

از مفهوم <و ما للظالمین من انصار> که تنها ترک کنندگان انفاق محروم از حمایت خداوند می باشند، برداشت فوق استفاده شده است.

۸ انفاق و وفای

به نذر ، از عوامل ایجاد و بسط تعاون اجتماعی *

و ما انفقتم من نفقه او نذرتم من نذر .. و ما للظالمين من انصار

به نظر می رسد از مصادیق یاوران (انصار) همان مردمی باشند که از اموال انفاق کنندگان بهره مند می شوند یعنی انفاق کنندگان و وفا کنندگان به نذر، برخوردار از یاری مردم هستند و نیز آنان، مددکار مردم و اجتماعند؛ بنابراین انفاق از عوامل بسط تعاون اجتماعی خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۷ - ۵

۵ - وفای به نذر و خوف از قیامت ، از عوامل ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ ... يوفون بالنذر و يخافون يومًا كان شره مستطيرًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <یوفون بالنذر..> جمله ای است بیانیه که علت بهره مندی ابرار از مواهب بهشتی را بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۱ - ۵

۵ - وفای به نذر ، ایثار و انفاق خالصانه به نیازمندان و بیم از روز قیامت ، موجب مصونیت از سختی های قیامت و شادمانی در آخرت است .

یوفون بالنذر و يخافون يومًا ... إنما نطعمكم لوجه الله ... فوقههم الله ... و

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که آیه شریفه ناظر به مجموع آیات مربوط به ابرار و ویژگی های آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۳

وفای به نذر، ایثار و انفاق به نیازمندان جامعه بدون چشمداشتی و خوف از قیامت، از موجبات ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن است.

یوفون بالنذر و یخافون یوماً... إنا نطعمکم لوجه اللّٰه... و جزیهم بما صبروا ج

از مصادیق مورد نظر صبر در این آیه، موارد یاد شده است که در آیات پیش در وصف ابرار آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۷

۷ - وفای به نذر، خوف از قیامت و دستگیری خالصانه از بینوایان، یتیمان و اسیران، موجب بهره مندی از پاداش های بهشتی و مورد ستایش و قدردانی خداوند

یوفون بالنذر و یخافون یوماً... إنا هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکوراً

آداب نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۰ - ۱

۱ آگاهی خداوند به کمیّت و کیفیت انفاق ها و نذر ها، هر چند اندک باشد.

و ما انفقتم من نفقه او نذرتم من نذر فانّ اللّٰه یعلمه

تعهد انسان بر عمل نیک را <نذر> گویند؛ یعنی شخص خود را متعهد کند به انجام عمل نیک.

احکام نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۲،۳

۲ مشروعیت نذر بر خدمتکاری فرزند در راه خداوند در شرایع پیشین

ربّ ائی نذرت لک ما فی بطنی محرراً

۳ تحقق یافتن نذر، با گفتن جمله: ربّ ائی نذرت لک...

رَبِّ اَنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰

۲۲- وفای به نذر واجب است .

إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ ... فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ إِسِيًّا

چنانچه مریم(ع) با وجود نذر، حق سخن گفتن داشت، نذر او نمی توانست نزد مردم عذر قطعی برای سکوت باشد.

۲۳- زنی که شوهر ندارد ، در نذر کردن آزاد است .

فَقَوْلِي إِنِّي نَذَرْتُ

۲۴- در نذر ، قصد قربت لازم است .

إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ

۲۶- نذر کننده باید صیغه نذر را تلفظ کند .

فَقَوْلِي إِنِّي نَذَرْتُ

۲۷- در صیغه نذر ، باید نام خداوند ذکر شود .

إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ

۲۸- ذکر وصفِ < رحمان > برای صحت نذر کافی است .

إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ

۲۹- نذر تبرعی (معلق نبودن نذر بر هیچ شرطی) صحیح است .

إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا

۳۰- بهره جستن از نذر برای فرار از تنگنا های اجتماعی جایز است .

إِنِّي نَذَرْتُ ... فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ إِسِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۳

۳ - لزوم ادای نذر ، پس از تقصیر و خارج شدن از احرام

و لیوفوا نذورهم

اخلاص در نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۲۴

۲۴ - در نذر ، قصد قربت لازم است .

إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ

پاداش نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۰ - ۲

۲ پاداش الهی به انفاق ها و نذر های بندگان ، هر چند اندک باشد .

و ما انفقتم من نفقه .. فان الله يعلمه

توجه دادن به علم

خداوند بر اعمال بندگان کنایه از پاداش الهی در برابر آن اعمال است.

تاریخ نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۱۷

۱۷- < نذر > امری مطلوب در آیین مریم (س) و معروف نزد هم عصران او

فَأَمَّا تَرِيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقَوْلِيْ إِنَّيْ نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ

ترک وفای به نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۰ - ۶

۶ ترک انفاق و یا انفاق را به ریا و منت و آزار آلودن و نیز انفاق کردن از خبایث و عمل نکردن به نذر، ستمگری است.

لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى .. انْفَقُوا مِنْ طَيِّبَاتٍ ... وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَا

تشویق به نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۰ - ۴

۴ تشویق خداوند به انفاق و نذر، هر چند اندک باشد.

وَ مَا انْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ

دانایی و آگاهی خدا به اعمال نیک، کنایه از پاداش وی و غرض از بیان پاداش، ترغیب بر اعمال نیک است.

زمینه وفای به نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۰ - ۹

۹ توجه به علم خداوند به انفاق ها و نذر ها ، برانگیزنده آدمی به انفاق و وفای به نذر

و ما انفقتم من نفقه او نذرتم من نذر فان الله يعلمه

شرایط صحت نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ -

۲۸- ذکر وصفِ < رحمان > برای صحت نذر کافی است .

إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ

صِيغَةَ نَذْرٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۲۷، ۲۸، ۲۶

۲۶- نذر کننده باید صیغه نذر را تلفظ کند .

فَقَوْلِي إِنِّي نَذَرْتُ

۲۷- در صیغه نذر ، باید نام خداوند ذکر شود .

إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ

۲۸- ذکر وصفِ < رحمان > برای صحت نذر کافی است .

إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ

مدح وفاکنندگان به نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۷ - ۴

۴ - ستایش و تمجید خداوند ، از وفاکنندگان به نذر و بیم داران از قیامت

یوفون بالنذر و يخافون يومًا كان شره مستطيرًا

نذر اولاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۱۹، ۷

۷ خلوص نیت همسر عمران ، در نذر فرزندش برای خدمت در راه خدا

رَبِّ اَنْتَ نَذَرْتَ لَكَ

<لَكَ>، بیانگر خلوص نیت است.

۱۹ همسر عمران نذر نمود که جنین خود را برای همیشه خدمتگزار عبادتگاه قرار دهد .

رَبِّ اَنْتَ نَذَرْتَ لَكَ مَا فِی بَطْنِی مُحَرَّرًا

امام باقر (ع): .. انّ امراه عمران نذرت ما فی بطنها محرّراً و المحرّر للمسجد یدخله ثم لا یدخر منه ابداً

کافی، ج ۳، ص ۱۰۵، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۱۱۳.

نذر برای گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۸

۱۸ - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: > ان من خطوات الشیطان الحلف بالطلاق و

النذور في المعاصي و كل يمينا بغير الله ;

از گامهای شیطان است قسم خوردن به طلاق همسر و نذر در گناهان و هر سوگندی که به غیر خداوند باشد <.

نذر برای نجات از مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۳۰

۳۰- بهره جستن از نذر برای فرار از تنگناهای اجتماعی جایز است .

إِنِّي نَذَرْتُ .. فلن أَكَلِمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا

نذر به عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۱۷

۱۷ پابندی مادر مریم (س) به نذر خویش در گماردن وی برای عبادت خداوند

رَبِّ اِنِّي نَذَرْتُ .. و اِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ

از اینکه نام فرزند خویش را مریم (به معنی عابده) گذاشت، برداشت فوق به دست می آید.

نذر تبرعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۲۹

۲۹- نذر تبرعی (معلق نبودن نذر بر هیچ شرطی) صحیح است .

إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا

نذر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - > عن أمير المؤمنين (ع) أنه قال في قول الله عزَّوجلَّ : > ثمَّ ليقضوا تفثهم و ليوافوا نذورهم و ليطوفوا بالبيت العتيق < قال : التفث الرمی و الحلق و النذور من نذر أن یمشی و الطواف هو طواف الزیارة . . . /

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که در باره سخن خداوند عزوجلّ > ثمَّ ليقضوا تفثهم و ليوافوا نذورهم و ليطوفوا بالبيت العتيق <

فرمود: مراد از <تفث> رمی جمرات و تراشیدن سر است و مراد از <نذور> کسی است که نذر کرده که پیاده برود (۱) و مراد از طواف، طواف زیارت است. ..<. ۱. محتمل است مقصود این باشد که شخص نذر کرده که پیاده از منا به مکه برود؛ نه این که نذر کرده است از وطنش پیاده به حج برود؛ چون در این صورت با ظاهر آیه سازگار نیست.

نذر در دوران مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۱۷

۱۷- < نذر > امری مطلوب در آیین مریم (س) و معروف نزد هم عصران او

فَأَمَّا تَرِينَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقَوْلِي إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ

نذر در یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۱۷، ۱۸

۱۷- < نذر > امری مطلوب در آیین مریم (س) و معروف نزد هم عصران او

فَأَمَّا تَرِينَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقَوْلِي إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ

۱۸- رجحان روزه سکوت و تعلق نذر به آن، از احکام آیین مریم (دین یهود)

إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا

نذر زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۲۳

۲۳- زنی که شوهر ندارد، در نذر کردن آزاد است.

فَقَوْلِي إِنَّي نَذَرْتُ

نذر مادر مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۱۷،۲۱

۱۷ پایبندی مادر مریم (س) به نذر خویش در گماردن وی برای عبادت خداوند

ربّ ائی نذرت .. و ائی سمیتها مریم

از اینکه نام

فرزند خویش را مریم (به معنی عابده) گذاشت، برداشت فوق به دست می آید.

۲۱ تأسف همسر عمران ، در پی زادن مریم (س) ، از اینکه نذرش محقق نشده و دخترش به دلیل حائض شدن نمی تواند در مسجد مانده و محرّر باشد .

رَبِّ اَنْتِ وُضِعْتَهَا اُنْثَى .. و لیس الذَّکَرُ کَالْاُنْثَى

امام صادق (ع): .. <و لیس الذَّکَرُ کَالْاُنْثَى > اِنَّ الْاُنْثَى تَحِيضُ فَتَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ وَ الْمَحْرَّرُ لَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۰، ح ۳۷؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۰۴، ح ۱۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۷ - ۱

۱ مریم (س) ، در پی نذر مادرش ، از سوی خداوند به شایستگی پذیرفته شد .

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولِ حَسَنٍ

نذر مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۳۱، ۱۱، ۱۰

۱۰- عیسی (ع) ، مادرش مریم (س) را به نذر روزه سکوت ، هنگام مواجهه با مردم توصیه کرد .

فَاِمَّا تَرَيَنَّ مِنَ الْبَشَرِ اَحَدًا فَقَوْلِي اِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا

۱۱- مریم (س) ، نذر روزه سکوت را پس از مواجهه با اولین نفر از افراد جامعه خویش منعقد ساخت .

فَاِمَّا تَرَيَنَّ مِنَ الْبَشَرِ اَحَدًا فَقَوْلِي اِنِّي نَذَرْتُ

ظاهر <فقولی> آن است که مریم مفاد نذر خود را با زبان بیان کرده باشد؛ در این صورت همان جمله <اِنِّي نَذَرْتُ ..> صیغه نذر بوده و نذر مریم با گفتن آن منعقد شده است.

۳۱- > عن أبي عبد الله (ع) قال : اِنَّ

الصيام ليس من الطعام والشراب وحده... قالت مريم: < إني نذرت للرحمان صوماً > أي صوماً صمتاً ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: همانا روزه، تنها خودداری از خوردنی آشامیدنی نیست... مريم(س) گفت: <إني نذرت للرحمان صوماً>، یعنی روزه سکوت <.

نذر ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۱۳

۱۳ روی عن أبي جعفر و أبي عبدالله(ع): إن من خطوات الشيطان الحلف بالطلاق و النذور في المعاصي و كل يمين بغير الله تعالى.

از امام باقر و امام صادق(ع) روایت شده است: سوگند بر مطلقه شدن همسر و نذر در گناهان و هر سوگندی به غیر نام خدای تعالی، پیروی از گامهای شیطان است.

نذر همسر عمران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۱۹، ۱۲، ۱۰، ۸، ۷، ۱

۱ همسر عمران، فرزندی را که در شکم داشت، برای خداوند نذر کرد و از هر خدمتی به خود آزاد ساخت.

اذ قالت امرات عمران ربّ انّی نذرت لک ما فی بطنی محرّراً

۷ خلوص نیت همسر عمران، در نذر فرزندش برای خدمت در راه خدا

ربّ انّی نذرت لک

<لک>، بیانگر خلوص نیت است.

۸ نذر مخلصانه همسر عمران، زمینه برگزیدن آل عمران برای نبوت از سوی خداوند

انّ الله اصطفی... ال عمران... اذ قالت امرات عمران ربّ انّی نذرت لک

<اذ> متعلق به <اصطفی> است؛ یعنی آنگاه خداوند آل عمران را برگزید که همسر عمران، نذری مخلصانه کرد. و

اخلاص، از <لك> استفاده شده است.

۱۰ زنده نبودن عمران

، آن زمان که همسرش ، فرزند خویش را نذر پروردگار کرد . *

اذ قالت امرات عمران ربّ انّی نذرت لک ما فی بطنی محرّراً

زیرا مادر با وجود پدر، معمولاً چنین تصمیمی را نسبت به فرزند اتخاذ نمی کند.

۱۲ دعای همسر عمران در پیشگاه خداوند و درخواست از او ، برای قبولی نذرش

ربّ انّی نذرت لک .. انّک انت السميع العليم

۱۹ همسر عمران نذر نمود که جنین خود را برای همیشه خدمتگزار عبادتگاه قرار دهد .

ربّ انّی نذرت لک ما فی بطنی محرّراً

امام باقر (ع): .. انّ امراه عمران نذرت ما فی بطنها محرّراً و المحرّر للمسجد یدخله ثم لا یخرج منه ابداً

کافی، ج ۳، ص ۱۰۵، ح ۴ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۱۱۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۳

۳ تأسف و اندوه همسر عمران ، به گمان عدم پذیرش نذرش

انّی نذرت .. قالت ربّ انّی وضعتها انثی

نیت در نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۲۴

۲۴- در نذر ، قصد قربت لازم است .

انّی نذرت للرحمن

وجوب وفای به نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۲۲

۲۲- وفای به نذر واجب است .

إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ .. فَلَئِنْ أَكَلَمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا

چنانچه مریم(ع) با وجود نذر، حق سخن گفتن داشت، نذر او نمی توانست نزد مردم عذر قطعی برای سکوت باشد.

وفاکنندگان به نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۷ - ۶

۶ - حضرت علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع) ، وفاکنندگان به نذر خویش و بیم داران از قیامت بودند .

یوفون بالنذر و یخافون یوماً کان شرّه مستطیراً

وفای به نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۱۷

۱۷ پایبندی مادر مریم (س) به نذر خویش در گماردن وی برای عبادت خداوند

ربّ ائی نذرت .. و ائی سمیتها مریم

از اینکه نام فرزند خویش را مریم (به معنی عابده) گذاشت، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۳

۳ - لزوم ادای نذر ، پس از تقصیر و خارج شدن از احرام

و لیوفوا نذورهم

وفای به نذر ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۷ - ۱

۱ - وفای به نذر ، از ویژگی های ابرار

یوفون بالنذر

<نذر> یعنی، چیزی را تبرعاً (برای رضای خدا و بدون چشم داشت) بر خود واجب کردن است؛ مانند عبادت، صدقه و

مانند آن. (تاج العروس)

وفای به نذر امام حسن (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۷ - ۶

۶ - حضرت علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع) ، وفاکنندگان به نذر خویش و بیم داران از قیامت بودند .

یوفون بالنذر و یخافون یومًا کان شرّه مستطیرًا

وفای به نذر امام حسین (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۷ - ۶

۶ - حضرت علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع) ، وفاکنندگان به نذر خویش و بیم داران از قیامت بودند .

یوفون بالنذر و یخافون یومًا کان شرّه مستطیرًا

وفای به نذر امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۷ - ۶

۶ - حضرت علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع) ، وفاکنندگان به نذر خویش و بیم داران از قیامت بودند .

یوفون بالنذر و یخافون یومًا کان شرّه مستطیرًا

وفای به نذر فاطمه(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۷ - ۶

۶ - حضرت علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع) ، وفاکنندگان به نذر خویش و بیم داران از قیامت بودند .

یوفون بالنذر و یخافون یومًا کان شرّه مستطیرًا

نژادپرستی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار نژادپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۳ - ۱۴

۱۴ - تفاخر های قومی و نژادی ، از عوامل تفرقه و زوال وحدت مؤمنان *

و جعلنکم شعوبًا و قبائل لتعارفوا إنّ أكرمکم عندالله أتقیکم

از ارتباط این آیه با آیه <إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ> مطلب بالا استفاده می شود.

آثار نژادپرستی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۷ - ۷

۷ - نژادپرستی و خوی برتری جویی فرعون و اشراف دربار او ، عامل نادیده گرفتن معجزات و دلایل روشن حضرت موسی و هارون (ع)

ثم أرسلنا .. بأيتنا و سلطان

مبین ... فقالوا أنؤمن لبشرین ... و قومهما لناع

آثار نژادپرستی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۷ - ۷

۷ - نژادپرستی و خوی برتری جویی فرعون و اشراف دربار او ، عامل نادیده گرفتن معجزات و دلایل روشن حضرت موسی و هارون (ع)

ثم أرسلنا .. بآيتنا و سلطان مبين ... فقالوا أنؤمن لبشرین ... و قومهما لناع

ارزش نژادپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۹

۹ نژادپرستی، از ارزشهای شیطانی است.

أنا خير منه خلقتني من نار

پوچی نژادپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۳ - ۵

۵ - تکیه بر نژاد و قبیله برای اثبات شرافت ، موهوم و بی ارزش است .

و جعلنکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إن أكرمکم عند الله أتقیکم

نژادپرستی ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۸

۸ ابلیس موجودی متکبر، نژاد پرست و گستاخ در برابر خداوند

قال أنا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين

نژادپرستی اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۲

۲ منفعت پرستی ، حرام خواری ، تعصب و قوم گرایی عامل های بازدارنده مردم مدین از اندیشه کردن در تعالیم شعیب (ع) و فهمیدن آنها

قالوا يشعيب ما نفقه كثيرًا مما تقول

نژادپرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده -

۵ بنی اسرائیل ، مردمی مغرور به نژاد و دین خویش

لقد اخذنا میثق بنی اسرئیل . . و حسبوا الا تکون فتنه

بسیاری از مفسران برآنند که ریشه اعتقاد بنی اسرائیل (رهایی از آزمون و مجازات الهی) این بوده که آنان از نسل اسرائیل هستند و به یهودیت و یا نصرانیت منتسب می باشند. آیه ۶۹ که مجرد انتساب به دین را کارساز در سعادت نمی دانست، می تواند اشاره به این نظریه داشته باشد.

نژادپرستی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ - حفظ منافع قوم و جامعه یهود ، برتر از اعتراف به باور ها و عقاید دینی در دیدگاه عالمان و پیشوایان آنان

أتحدثونهم بما فتح الله علیکم . . أفلا تعقلون

نژادپرستی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۷، ۶

۶ - یهود ، ایمان به وحی و کتاب های آسمانی را تنها در صورت نزولشان بر پیامبری از نژاد اسرائیل ، ضروری می پنداشتند .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا

۷ - نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل ، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علینا

۱۰ - ملاک یهودیان ، برای ایمان آوردن به پیامبران ، بعثت آنان از میان بنی اسرائیل است .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا

هر چند ایمان به قرآن و کتابهای آسمانی محور سخن در آیه شریفه است ولی از آن جا که نزول کتاب آسمانی مستلزم

هست، دعوت به پذیرش قرآن، دعوت به ایمان به پیامبر(ص) نیز می باشد و سخن یهود - که فقط به کتاب خود ایمان می آوریم - مستلزم این معنا نیز هست که: فقط به پیامبران خود ایمان می آوریم.

۱۱ - یهودیان ، به هر پیامبری که از نژاد اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

۱۲ - یهودیان ، به هر کتاب آسمانی که آورنده آن از بنی اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

۱۳ - یهودیان ، مردمی نژادگرا

قالوا تؤمن بما أنزل علينا و یکفرون بما وراءه و هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۳

۳ - قوم یهود ، مردمی نژادگرا و خودبرترین

إن كانت لكم الدار الآخرة .. خالصه من دون الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۷، ۲، ۱

۱ علمای یهود ، به پیروانشان هشدار دادند ؛ که مبادا به غیر همکیش خود اعتماد کنند .

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

بنابراینکه <لا تؤمنوا> ، به معنای عدم اعتماد باشد؛ نه به معنی عدم تصدیق و باور.

۲ علمای یهود ، به پیروانشان هشدار دادند که مبادا به غیر همکیش خود ایمان بیاورند .

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

بنابراینکه ایمان، به معنی گرایش و باور باشد.

۷ خودبرترینی دینی و تعصب نابجای یهود

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۶

۲۶ پیوستگی و ارتباط محکم یهود با

پیشینه تاریخی ، فرهنگی و قومی خود

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ الْيُنَا أَلَّا نُوْمَنُ .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ یهودیان و مسیحیان خود را انسانهایی ممتاز و برتر می پندارند .

و قالت اليهود و النصرى نحن ابناؤا الله .. بل انتم بشر ممن خلق

از اینکه خداوند در رد پندار یهود و نصارا فرموده است که شما مانند دیگر انسانها هستید، معلوم می شود آنها برای خود امتیازی ویژه می پندارند و خود را برتر از دیگران می شمارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۶

۶ یهود و نصارا ، تنها با یکدیگر و همکیشان خویش روابط دوستی داشته و به آن وفادار هستند .

يا ايها الذين ءامنوا لاتتخذوا اليهود و النصرى اولياء بعضهم اولياء بعض

چون جمله <بعضهم اولياء بعض> به منزله دلیل برای جمله <لاتتخذوا ..> است، معنای حصر از آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۳

۳ - یهود ، قومی نژاد پرست و خودبرترین

إن زعمتم أنكم أولياء لله من دون الناس

نژادپرستان

{نژادپرستان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١ - بقره - ٢ - ٩١ - ١٣

١٣ - يهوديان ، مردمي نژادگرا

قالوا نؤمن بما أنزل علينا و يكفرون بما وراءه و هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره - ٢ - ٩٤ - ٣

٣ - قوم يهود ،

مردمی نژادگرا و خودبرترین

إن كانت لكم الدار الآخرة .. خالصه من دون الناس

نژادها

آثار پیدایش نژادها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۳ - ۴

۴ - پیدایش نژادها و ملیت های مختلف در میان نسل بشر ، تدبیر الهی در جهت شناخت آنان نسبت به یکدیگر

و جعلنکم شعوباً و قبائل لتعارفوا

هرگاه انسان ها از هر جهت شبیه یکدیگر بودند، شناسایی آنان بهوسیله خودشان دشوار می شد. بنابراین هر تمایز ظاهری و اعتباری، می تواند به تشخیص اجتماعی و سهولت ارتباط و شناخت آنان نسبت به هم کمک کند.

نقش نژادها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۳ - ۲،۱۰

۲ - نژاد های مختلف بشر ، فاقد کمترین مزیت بر یکدیگر در اصل آفرینش

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى

۱۰ - فضیلت و برتری انسان ها بر یکدیگر ، تنها براساس تقوا است نه نژاد ، قبیله و ملیت .

و جعلنکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إنَّ أكرمکم عند الله أتقیکم

نسب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نسب

آثار بی نسبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۷،۹

۷ - بی تباری و نداشتن ریشه خانوادگی ، از ویژگی های منفی و ناپسند برای انسان

و لاتطع کلّ .. زنیم

۹ - بی تباری و بی اصل و ریشه بودن ، منشأ رذایل اخلاقی و اوصاف ناپسند و زشت است .

بعد ذلک زنیم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <بعد ذلک> متعلق به <زنیم> باشد.

اهمیت نسب

جلد - نام سوره - سوره -

۷- اهتمام اسلام ، به موضوع مخلوط نشدن نطفه ها و روشن بودن نسب ها و پیوند های خویشاوندی میان انسان ها

و الّٰی یئسن من المحیض . . . فعَدَّتْهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ ... وَأُولَتْ الْأَحْمَالَ أَجْلَهُنَّ أَنْ ی

مطلب یاد شده، از مجموع دستورات و رهنمودهای خداوند درباره عدّه زنان و شمارش دقیق آن به ویژه درباره زنان یائسه ای که صرفاً احتمال داده شود با نطفه همسران قبلی خود باردار شده اند به دست می آید.

نسب ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۳

۳- نسل همراهان نوح در کشتی نجات ، پیامبری بزرگ ، چون ابراهیم (ع) را در خود پروراند .

من النبیّن . . . مَمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ

مراد از <من حملنا مع نوح> به قرینه قبل و بعد آن <ذریّه من حملنا . . .> است. بین انبیای ذکر شده در آیات قبل، تنها ابراهیم(ع) است که غیر از <ذریّه آدم> با عنوان <نسل همراهان نوح> شناسایی شده است.

نسب ادريس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۲

۲- قرآن در بیان دودمان برخی از پیامبران (ادريس) ، تنها از انتساب آنان به آدم (ع) سخن گفته است .

من النبیّن من ذریّه ءادم

<من> در <من ذریّه آدم> برای تبعیض است و بیانگر آن است که <ذریّه آدم> یکی از چهار ویژگی است که در آیه برای <النبیین> ذکر شده است، سه دسته دیگر عبارتند از: <من حملنا مع

نوح < و > ذریه ابراهیم < و [ذریه] اسرائیل >؛ گرچه همه پیامبران < ذریه آدم > هستند، ولی تنها < ادريس > است که گفته می شود قبل از نوح می زیسته و نسب مطرح شده ای جز انتساب به آدم ندارد، اما سه گروه دیگر به نزدیک ترین فرد برجسته در نیاکان خود انتساب یافته اند.

نسب اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۴

۴- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم (اسحاق ، یعقوب و اسماعیل) از نسل ابراهیم (ع) بودند .

من النبیین . . . من ذریه ابرهیم

نسب اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۴

۴- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم (اسحاق ، یعقوب و اسماعیل) از نسل ابراهیم (ع) بودند .

من النبیین . . . من ذریه ابرهیم

نسب انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۲

۲- قرآن در بیان دودمان برخی از پیامبران (ادريس) ، تنها از انتساب آنان به آدم (ع) سخن گفته است .

من النبیین من ذریه ءادم

<من > در <من ذریه آدم > برای تبعیض است و بیانگر آن است که <ذریه آدم > یکی از چهار ویژگی است که در آیه برای <النبیین > ذکر شده است، سه دسته دیگر عبارتند از: <من حملنا مع نوح > و <ذریه ابراهیم > و <ذریه [اسرائیل] >؛ گرچه همه پیامبران <ذریه آدم > هستند، ولی تنها < ادريس > است که گفته می شود قبل از نوح می زیسته

و نسب مطرح شده ای جز انتساب به آدم ندارد، اما سه گروه دیگر به نزدیک ترین فرد برجسته در نیاکان خود انتساب یافته اند.

نسب پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۱۰

۱۰ - > عن أبي عبد الله (ع) قال دعا نوح (ع) قومه علانية فلما سمع عقب هبه الله من نوح تصديق ما في أيدهم من العلم صدقوه ، فأما ولد قاييل فإنهم كذبوه ... > قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأردلون < يعنون عقب هبه الله ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: نوح(ع) قوم خود را آشکارا دعوت کرد و هنگامی که فرزندان هبه الله (پسر آدم(ع)) تصدیق علمی را که در دست آنها بود از نوح شنیدند، وی را تصدیق نمودند؛ اما فرزندان قاییل، نوح را تکذیب کردند و گفتند: <أنؤمن لك و اتبعك الأردلون > مقصود آنان فرزندان هبه الله بود.

نسب زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۴

۴- زکریا ، از نسل یعقوب پیامبر بود . *

یرثنی و یرث من ءال یعقوب

ممکن است <یرث من آل یعقوب > اشاره به میراثی داشته باشد که از نسل یعقوب به زکریا(ع) رسیده بود که گرچه <یرثنی > شامل آن میراث نیز می شد، ولی اهتمام زکریا به حفاظت آن، سبب شد که جداگانه از آن یاد کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۵

۵- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم (زکریا ، یحیی

، عیسی ، موسی و هارون (ع)) از نسل اسرائیل (یعقوب) بودند .

من النبیین . . . من ذرّیه ابرهیم و اسرائیل

نسب عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۵

۵- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم (زکریا ، یحیی ، عیسی ، موسی و هارون (ع)) از نسل اسرائیل (یعقوب) بودند .

من النبیین . . . من ذرّیه ابرهیم و اسرائیل

نسب فرعونى مقتول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۳ - ۲

۲ - مرد قبطی کشته شده به دست موسی ، از وابستگان حکومت فرعون بود .

قال ربّ إني قتلت منهم نفساً

نسب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۸ - ۵

۵ > عن ابن عباس قال : كان رسول الله (ص) إذا انتهى إلى معدبن عدنان أمسك ثم يقول : كذب النسّابون قال الله تعالى >
> وقروناً بين ذلك كثيراً < ;

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا(ص) وقتی به معدبن عدنان (یکی از اجداد خود) می رسید، توقف می کرد و سپس می فرمود: نسابه ها دروغ می گویند. خدای تعالی می فرماید: > وقروناً بین ذلك كثيراً < ; یعنی، نسل های زیادی در فاصله عاد و ثمود و اصحاب رس بودند که به هلاکت رسیدند.

نسب مکذبان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۱۰

> - ۱۰

عن أبي عبد الله (ع) قال دعا نوح (ع) قومه علانية فلما سمع عقب هبه الله من نوح تصديق ما في أيديهم من العلم صدقوه ، فأما ولد قابيل فإنهم كذبوه . . . < قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأذولون > يعنون عقب هبه الله ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: نوح(ع) قوم خود را آشکارا دعوت کرد و هنگامی که فرزندان هبه الله (پسر آدم(ع)) تصدیق علومی را که در دست آنها بود از نوح شنیدند، وی را تصدیق نمودند؛ اما فرزندان قابیل، نوح را تکذیب کردند و گفتند: <أنؤمن لك و اتبعك الأذولون> مقصود آنان فرزندان هبه الله بود.

نسب موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۵

۵- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم (زکریا ، یحیی ، عیسی ، موسی و هارون (ع)) از نسل اسرائیل (یعقوب) بودند

من النبیین . . . من ذرّیه إبرهیم و إسرئیل

نسب هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۵

۵- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم (زکریا ، یحیی ، عیسی ، موسی و هارون (ع)) از نسل اسرائیل (یعقوب) بودند

من النبیین . . . من ذرّیه إبرهیم و إسرئیل

نسب همسر زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۳

۳- همسر زکریا ، از نسل یعقوب پیامبر (ع) بود . *

یرثنی و یرث من

مقابله <یرثی> با <یرث من آل یعقوب>، ممکن است از آن جهت باشد که همسر وی از نسل یعقوب بوده است و طبعاً آن بخش از اموال خاندان یعقوب که به او رسیده بود، پس از وی در اختیار فرزندش قرار می گیرد.

نسب یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۵

۵- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم (زکریا ، یحیی ، عیسی ، موسی و هارون (ع)) از نسل اسرائیل (یعقوب) بودند .

من النبیین .. من ذرّیه ابرهیم و اسرائیل

نسب یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۴

۴- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم (اسحاق ، یعقوب و اسماعیل) از نسل ابراهیم (ع) بودند .

من النبیین .. من ذرّیه ابرهیم

نقش نسب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۷

۷- اصالت خانوادگی و نسبی ، در سعادت و کمال فرزندان نقش مؤثری دارد .

من ذرّیه اءدم .. من ذرّیه ابرهیم و اسرائیل

مطرح شدن پیامبران الهی در طول یک سلسله و ذرّیه های مشخص نشان از نقش نسب و خانواده در کمال فرزندان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - تأثیر نسب و پیوند خویشاوندی در سرنوشت فرزندان و در هدایت و گمراهی آنان ، امری مطلق ، قطعی و جبری نیست .

و من ذرّیتهما

محسن و ظالم لنفسه مبین

دو گروه شدن نسل ابراهیم و اسحاق (علیهما السلام) گویای این حقیقت است که تأثیر نسب و خویشاوندی، در سرنوشت انسان و در هدایت و گمراهی فرزندان، مطلق و جبری نیست؛ بلکه فرزندان از هر خانواده ای ممکن است خوب و یا بد باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۵

۵ - پیوند نسبی علاوه بر عمل نیک خود انسان دارای تأثیر در تعالی جایگاه اخروی وی

أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ

نسل مؤمنان، به جایگاه عالی نیاکان خویش ملحق می شوند و ارتقای درجه می یابند؛ در حالی که اگر مقام نیکانشان در درجه آنان تأثیر نمی گذاشت، آنها با ایمان و عمل خویش جز به مرتبه ای پایین تر، دست نمی یافتند.

نسل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نسل

آرزوی تداوم نسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۱ - ۷

۷ - پیامبر (ص)، خواهان تداوم نسل خویش و در آرزوی داشتن ذریه بود.

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ

لحن بشارت آمیز آیه شریفه، بیانگر اشتیاق پیامبر (ص) به داشتن فرزند است.

ارزش نسل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۵

۵ - ذریه و نسلی که از تعالیم دینی برخوردار بوده و از آلودگی ها پیراسته باشند، برای نیاکانشان ارزشمند و امتیاز آفرین

هستند .

ربنا وبعث فيهم رسولا منهم ... ويزكيهم

ارزش نسل مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۵

۵ - ذريه و نسلي كه از تعاليم

دینی برخوردار بوده و از آلودگی‌ها پیراسته باشند، برای نیاکانشان ارزشمند و امتیاز آفرین هستند.

ربنا و ابعث فیهم رسولا منهم... و یزکیهم

ازدیاد نسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - بقا و ازدیاد نسل از اهداف ازدواج

جعل لکم... أزوجًا... یذرؤکم فیه

در برداشت یاد شده <ازدیاد نسل> از <ذره> (مصدر <یذره> به معنای تکثیر و افزون کردن) و <بقای نسل> از تعبیر به فعل مضارع (یذره) که بیانگر تجدد و استمرار است استفاده شده است.

ازدیاد نسل آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۰ - ۴

۴- ابلیس، به تکثیر نسل آدم (ع) و حوا و نیز به اغواپذیری اکثر آنان و تأثیرناپذیری بندگان خالص خدا از وسوسه هایش، از آغاز خلقت انسان آگاه بود.

لأغوینبهم أجمعین . إلا عبادک منهم المخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۳ - ۴

۴- آگاهی ابلیس، به تکثیر نسل آدم و نیز به اغواپذیری بیشتر آنان و تأثیرناپذیری بندگان خالص خدا، از آغاز خلقت انسان

لأغوینبهم أجمعین . إلا عبادک منهم المخلصین

ازدیاد نسل انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - پیدایش انسان و تکثیر نسل او در زمین ، نشانه و جلوه قدرت خداوند رحمان

الرحمن . . . قل هو الذى ذرأكم فى الأرض

۶ - آفرینش بشر و تکثیر نسل او در زمین ،

نشانه توانایی خداوند بر رستاخیز و حیات دوباره انسان ها در قیامت

قل هو الذي ذرأكم... و إليه تحشرون

ازدیاد نسل قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۳ - ۳

۳ - کثرت توالد و تناسل در میان قوم عاد

أمّکم... و بنین

ازدیاد نسل محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۱ - ۳

۳ - گسترش نسل پیامبر (ص)، از خبر های غیبی قرآن

إنا أعطینک الکوثر

ازدیاد نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۱۱

۱۱ کثرت انبیا(ع) از نسل نوح، پاداش نیل او به مقام نیکوکاران است.

و نوحا هدینا من قبل و من ذریته... و كذلك نجزی المحسنین

اسکان نسل ابراهیم(ع) در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۱،۲،۱۸

۱- حضرت ابراهیم (ع) برخی از ذریه (نسل و فرزندان) خود را در نزدیکی خانه خدا اسکان داد .

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ

۲- محل سکونت ذریه حضرت ابراهیم (ع) در مکه در نزدیکی خانه خدا ، غیر قابل کشت و زرع بود .

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ

۱۸- > عن أبي عبد الله (ع) قال : إن إبراهيم (ع) كان نازلاً في بادية الشام فلما ولد له من هاجر اسماعيل . . . فأوحى الله إليه

.. ثم أمره أن يخرج اسماعيل و أمّه عنها فقال : يا ربّ إلى أيّ مكان ؟ قال : إلى حرمي و أمني ... و هي مكه فأنزل الله عليه جبرائيل بالبراق فحمل هاجر و اسماعيل ... فوضعه في موضع البيت ... فلما سرههم ابراهيم و وضعهم ... ثم انصرف عنهم فلما بلغ كداء و هو جبل بذي طوى إلتفت إليهم ابراهيم فقال : > ربّنا إني أسكنت من ذرّيتي بواد غير ذي زرع عند بيتك المحرم ... < ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که ابراهیم(ع) در صحرای شام مسکن گزید و فرزندش اسماعیل از هاجر متولد شد ... پس خداوند به او وحی کرد ... سپس به او امر کرد که اسماعیل و مادرش را از آن صحرا خارج کند. پس ابراهیم(ع) گفت: پروردگارا! به کدامین مکان ببرم؟ خداوند فرمود: به سوی حرم امن من ... و آن مکّه است. پس خداوند، جبرئیل را با براق (مرکب آسمانی) بر او نازل کرد. پس هاجر و اسماعیل را سوار کرد ... پس او را در جایگاه بیت (کعبه) قرار داد ... پس آن گاه که ابراهیم(ع) آنان را جایگزین کرد ... سپس از آنان جدا گشته و برگشت ... پس آن گاه که به <کداء> که کوهی در منطقه ذی طوی است رسید، به سوی آنان توجه کرد و گفت: >ربّنا إني أسكنت من ذرّيتي بواد غير ذي زرع عند بيتك المحرم ... < ... <.

اعطای نسل صالح

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۷

۷ ذریه صالح پاداش خداوند به نیکوکاران است.

و كذلك نجزي المحسنين .. كل من الصالحين

امامت نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۴ - ۱۴،۲۰

۱۴ - ابراهیم (ع) ، از خداوند خواست تا از دودمانش نیز کسانی را به مقام امامت نایل سازد .

و من ذرّیتی

۲۰ - ذریه ابراهیم در صورتی که از ظلم و ستم مبرا باشند ، به مقام امامت خواهند رسید .

و من ذرّیتی قال لاینال عهدی الظلمین

امت بودن نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱

۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و فرزندان آنان ، امتی پرستشگر خدا و تسلیم در برابر او

تلك أمه قد خلت

مشارالیه <تلك> پیامبران یاد شده در آیه قبل و فرزندانشان است. به کارگیری <تلك> برای اشاره به مذکر به لحاظ خبر

(أمه) می باشد.

انبیای نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - پیامبران مبعوث شده پس از نوح (ع) از ذریه حضرت نوح و پیامبران مبعوث شده پس از ابراهیم (ع) از ذریه حضرت ابراهیم (ع) بودند .

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم و جعلنا فی ذریتهما النبوه

انقراض نسل قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۸ - ۲

۲ - عذاب قوم ثمود، فراگیر بود و

کسی از آنان زنده و نسلی از آنان باقی نماند .

فهل تری لهم من باقیه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیر <لهم> به مجموع قوم ثمود و عاد بازگردد.

انقراض نسل قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۸ - ۱

۱ - عذاب قوم عاد ، فراگیر بود و کسی از آنان زنده و نسلی از آنان باقی نماند .

فهل تری لهم من باقیه

<باقیه> در برداشت یاد شده، صفت برای موصوف مقدر (مانند <نفس>) دانسته شده است.

انقیاد نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱

۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و فرزندان آنان ، امتی پرستشگر خدا و تسلیم در برابر او

تلك أمه قد خلت

مشارالیه <تلك> پیامبران یاد شده در آیه قبل و فرزندانشان است. به کارگیری <تلك> برای اشاره به مذکر به لحاظ خبر (أمه) می باشد.

اهمیت بقای نسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۱۴

۱۴- مصلحت بقای حیات در زمین ، مهمتر از مصلحت عقوبت دنیوی ظالمان

و لو يؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترك عليها من دابته و لكن يؤخرهم إلى أجل مسمى

اهمیت بقای نسل انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۶،۷

۶ - بقای نسل انسان و تداوم حیات زندگان در کره زمین ، فلسفه به تأخیر افتادن کیفر گناه کاران و کافران تا قیامت

و لو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك

علی ظهرها من دابّه و لكن يؤخّرهـم إلى آج

۷- مصلحت بقای نسل انسان ها و حیات در زمین ، مهم تر از مصلحت عقوبت دنیایی بندگان گنه کار و کافران

و لو یؤاخذ الله الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه و لكن يؤخّرهـم إلى آج

اهمیت کثرت نسل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۹

۹ خداوند به نیکوکاران با کثرت ذریه صالح و هدایت یافته پاداش می دهد.

و وهبنا له إسحق و یعقوب .. و من ذریته داود و سلیمن ... و كذلك نجزی المحسنین

اهمیت نسل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۷

۷ ذریه صالح پاداش خداوند به نیکوکاران است.

و كذلك نجزی المحسنین .. کل من الصالحین

ایمان نسل قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۸

۸- نگرانی و احساس خطر نوح (ع) ، درباره به خطر افتادن ایمان مؤمنان و نسل های آینده جامعه ، از سوی کافران حق

ناپذیر و گمراه گر قوم خود

إنّک إن تذرهم یضلّوا عبادک و لایلدوا إلاّ فاجرًا کفّارًا

ایمان نسل کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳۰

۳۰- وجود مؤمنانی در نسل و صلب کافران مکه ، مانع نزول عذاب الهی بر آنان *

لولا رجال مؤمنون .. لم تعلموهم ... لو تزیلوا لعذبنا الذین کفروا منهم عذاباً

برداشت یاد شده بدان احتمال است

که مراد از مردان و زنان مؤمن در آیه شریفه، فرزندان باشند که از کافران مکه تولد خواهند یافت و به ایمان خواهند گروید. آنچه مؤید این احتمال است، تعبیر <لم تعلموهم> و نیز <لو تزیلوا> می باشد؛ زیرا <لو>ی امتناعیه، تفکیک ناپذیری نسل مؤمن از کافران عصر بعثت را می رساند.

ایمان نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۷ - ۴

۴ - < عن أبي جعفر (ع) في قوله : < و جعلنا ذرّيته هم الباقين > يقول : بالحقّ و النبوه و الكتاب و الايمان في عقبه ، و ليس كلّ من في الأرض من بنى آدم من ولد نوح (ع) ... >

از امام باقر(ع) [در باره سخن خداوند که می فرماید: <و جعلنا ذرّيته هم الباقين> روایت شده است: خدا می فرماید: ذریه او را با حق و نبوت و کتاب و ایمان باقی قرار دادیم و آن طور نیست که تمام فرزندان آدم که در روی زمین زندگی می کنند از فرزندان نوح(ع) باشند..>.

ایمان نسل های آینده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۸

۸ از موانع نزول عذاب استیصال بر امت های گنهکار و کافر ، علم خداوند به ایمان آوردن آنان در آینده است .

و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون

بشارت به نسل آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۴

۴ - خداوند ، به هنگام خروج آدم

(ع) و حوا از بهشت، آنان و نسلشان را به بهره مند ساختن از هدایت ها و رهنمودهایی از جانب خودش، بشارت داد.

فإما يأتينكم منى هدى

<إما> مرکب از <إن> شرطیه و <ما>ی زایده است. شرطیه بودن جمله از یکسو و تأکید آن با <ما>ی زایده و نون تأکید در <يأتين> از سوی دیگر، اقتضا می کند که جمله چنین معنا شود: اگر هدایتی از جانب من آمد که البته خواهد آمد ...

بشارت کثرت نسل به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۱ - ۲

۲ - برخورداری از نسلی گسترده، بشارت خداوند به پیامبر (ص)

إنا أعطيناك الكوثر

براساس شأن نزول این سوره، سخن از عطای کوثر به پیامبر(ص)، در پاسخ کسی است که آن حضرت را از تداوم نسل محروم دانسته بود. بنابراین جمله <إنا أعطيناك الكوثر>، بشارتی است که لفظ ماضی در آن، بر تحقق حتمی کوثر در آینده و عطای نسلی فراوان به پیامبر(ص) دلالت دارد.

بشارت نسل موحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۴

۴ به وجود آمدن امتهایی مؤمن و موحد از نسل نوح و یارانش، نوید خداوند به آن حضرت

علی أمم ممن معك

<من> در <ممن> ابتدائیه است. بنابراین <أمم ممن معك>، یعنی، امتهایی که از همراهان تو نشأت خواهند گرفت و از آن جا که برخی از همراهان نوح، فرزندان او بودند، در برداشت <نسل نوح> نیز آورده شد.

بشارت نسل مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۴

۴ به وجود آمدن امتهایی مؤمن و موحد از نسل نوح و یارانش ، نوید خداوند به آن حضرت

علی أمم ممن معك

<من> در <ممن> ابتدائیه است. بنابراین <أمم ممن معك>؛ یعنی ، امتهایی که از همراهان تو نشأت خواهند گرفت و از آن جا که برخی از همراهان نوح ، فرزندان او بودند ، در برداشت <نسل نوح> نیز آورده شد.

بقای نسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۳

۳ توالد و تناسل ، از فلسفه های مهم آمیزش جنسی

نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شتمم وقدموا لانفسکم

اولاً- از بین تمامی اهداف آمیزش، تنها به توالد و تناسل (حرث) اشاره می کند. و ثانیاً مراد از جمله <وقدموا لانفسکم>، بنا بر نظر برخی از مفسرین، فرزند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۱۳

۱۳ حکمت حرمت اجحاف در مال یتیم ، ادامه حیات و استقلال وی و مصون ماندن نسل انسان از آثار سوء آن اجحاف

ولبخش الذین

امام رضا (ع) فرمود: .. ففی تحریم مال الیتیم استبقاء الیتیم و استقلاله بنفسه و السلامه للعقب ان یصیبه ما اصابهم ...

عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۹۲، ح ۱، ب ۳۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۷، ح ۷۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - بقا و ازدیاد نسل از اهداف ازدواج

جعل لکم .. أزوجًا ... ینرؤکم فیه

در برداشت یاد

شده <ازدیاد نسل> از <ذره> (مصدر <یذره> به معنای تکثیر و افزون کردن) و <بقای نسل> از تعبیر به فعل مضارع (یذره) که بیانگر تجدد و استمرار است استفاده شده است.

بقای نسل ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۳ - ۷

۷- حضرت ابراهیم (ع) برخوردار از عنایت ویژه خداوند و بقای نسل او، مورد توجه خاص الهی بود.

قالوا لا توجل إنا نبشرك بغلمِ عَلِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - حضرت ابراهیم (ع)، برخوردار از عنایت ویژه الهی و بقای نسل او مورد توجه خداوند

و بَشْرِهِ بِغْلَمِ عَلِيمِ

بقای نسل انسان در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۶

۶ - هبوط آدم و حوا (ع) به زمین، ملازم با ابقای تمامی نسل انسانی در آن است.

قال اهبطا .. بعضکم لبعض عدوٌّ فإِذَا يَأْتِيَنَّكُمْ

ضمیر جمع در <بعضکم> و <يَأْتِيَنَّكُمْ> گویای این نکته است که هنگام صدور فرمان هبوط، ادامه یافتن زندگی بشر در زمین، قطعی بوده است.

بقای نسل اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۰ - ۴

۴ نزول عذاب بر برخی از اقوام گذشته ، فراگیر همه آنان نشد و نسلی از آنان باقی ماند .

منها قائم

برداشت فوق، براساس این احتمال است که مراد از <منها> من أهلها باشد. بر این اساس، جمله <منها قائم...>؛ یعنی،

برخی از

اقوامی که گرفتار عذاب شدند، هم اکنون (عصر پیامبر) نیز موجودند و برخی از آنان به طور کلی منقرض شده و باقی نماندند.

بقای نسل بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۲

۲- نابود و منقرض نشدن نسل بنی اسرائیل ، علی رغم هجوم سنگین نیرو های توانمند و دو بار شکست سخت آنان

عسی ربکم أن یرحمکم

بقای نسل حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۸

۸ لزوم حفظ حیوانات از خطر انقراض و نابودی

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

تصریح به این معنا که نوح(ع) می بایست از هر حیوان یک جفت (نر و ماده) با خود به همراه برد ، ظاهراً هدفی جز این ندارد که نسل آن حیوان باقی بماند و نابود نشود.

بقای نسل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۹

۹- مشرکان ، تداوم نسل خویش را از طریق داشتن پسر ، برای خود فرجامی نیک تلقی می کردند . *

و یجعلون لله ما یرهون و تصف ألسنتهم الکذب أن لهم الحسنی

احتمال دارد مراد از <الحسنی> به قرینه <و یجعلون لله البنات .. و لهم ما یشتهون> و <یجعلون لله ما یرهون> ادامه نسل مشرکان از طریق پسرانی باشد که آنان برای خویش مدعی بودند.

بقای نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷۷ - ۱،۲،۴

۱ - خداوند ، از میان قوم نوح ، تنها نسل آن حضرت را

برای همیشه تاریخ ، تداوم بخشیده و باقی گذاشته است .

و جعلنا ذرّيته هم الباقين

ضميرِ فصلِ <هم>، مفيد حصر است.

۲ - نسل نوح (ع) ، تنها نسل باقی مانده از میان نجات یافتگان از عذاب طوفان برای همیشه تاریخ

و جعلنا ذرّيته هم الباقين

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که حصر استفاد از ضمير فصل <هم>، حصر اضافی باشد و در مقایسه با افراد موجود در کشتی سنجیده شود که برخی از خاندان نوح(ع) و برخی از دیگر مردمان بودند که به آن حضرت ایمان آورده بودند؛ یعنی، نسل مردم کافر طوفان زده و نیز نسل مردم مؤمن نجات یافته بر عرشه کشتی، همگی قطع شده و تنها نسل نوح(ع) باقی ماند.

۴ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < و جعلنا ذرّيته هم الباقين > يقول : بالحقّ و النبوه و الكتاب و الإيمان في عقبه ، و ليس كلّ من في الأرض من بنى آدم من ولد نوح (ع) ... >

از امام باقر(ع) [درباره سخن خداوند که می فرماید:] <و جعلنا ذرّيته هم الباقين > روایت شده است: خدا می فرماید: ذریه او را با حق و نبوت و کتاب و ایمان باقی قرار دادیم و آن طور نیست که تمام فرزندان آدم که در روی زمین زندگی می کنند از فرزندان نوح(ع) باشند. >..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۳

۳ - اجابت دعا ، نجات از مشکلاتِ اندوه بار ، باقی ماندن نسل و نام نیک و تحیت الهی

، از پاداش های خداوند به حضرت نوح (ع)

و لقد نادينا نوح فلنعم المجيبون .. سلم على نوح في العلمين . إنا كذلك نجزي ا

تداوم نسل انسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۸ - ۱،۳

۱ - خداوند ، نسل انسان نخستین را ، از طریق آبی پست و بی مقدار تداوم بخشید .

ثم جعل نسله من سلله من ماء مهين

۳ - تداوم نسل انسان ، با آبی پست (منی) ، نمونه عزت و علم و تدبیر الهی است .

الله الذي .. و بدأ خلق الإنسن من طين . ثم جعل نسله من سلله من ماء مهين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نبا - ۷۸ - ۸ - ۴

۴ - توجه به آفرینش انسان و تداوم نسل او در زمین ، زمینه ساز پذیرش معاد است .

عم يتساءلون .. و خلقنكم أزوجا

در آیه دو چیز به عنوان دلیل بر معاد ذکر شده است ؛ خلقت انسان ها و زوجیت آنان ؛ یعنی ، چنین آفریده ای نمی تواند معاد نداشته باشد .

تداوم نسل شتر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۴ - ۵

۵ - منقرض نشدن نسل شتر ، تا زمان حوادث آغازین قیامت

و إذا العشار عطّلت

تداوم نسل محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۳ - ۲

۲ - تداوم نسل پیامبر (ص) از طریق فاطمه (س)، پوچی پندار دشمنان آن حضرت را در مورد

قطع نسل او بر ملا ساخت .

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ .. . إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

تزکیه نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۲

۲ - تلاوت آیات الهی ، تعلیم کتاب آسمانی ، آموزش حکمت (معارف و احکام دین و ...) و پاکسازی نسل ابراهیم و اسماعیل (ع) از آلودگی ها و ناخالصی ها ، از ویژگی های پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت او بودند .

ربنا وابعث فيهم رسولا منهم يتلوا عليهم آياتك و يعلمهم الكتب و الحكمة و يزكّهم

تزکیه نسل اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۲

۲ - تلاوت آیات الهی ، تعلیم کتاب آسمانی ، آموزش حکمت (معارف و احکام دین و ...) و پاکسازی نسل ابراهیم و اسماعیل (ع) از آلودگی ها و ناخالصی ها ، از ویژگی های پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت او بودند .

ربنا وابعث فيهم رسولا منهم يتلوا عليهم آياتك و يعلمهم الكتب و الحكمة و يزكّهم

تکثیر نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ کثرت پیامبران و هدایت یافتگان در ذریه ابراهیم(ع)، پاداش نیکوکار بودن آن حضرت است.

و من ذریته .. . و كذلك نجزي المحسنين

توحید در نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٧ - زخرف - ٤٣ - ٢٨ - ٩

٩ - نسل

ابراهیم (ع) ، پرچمدار توحید در طول تاریخ

و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

جاودانگی توحید در نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۱،۴،۵،۷

۱ - بقای آیین توحید در نسل ابراهیم (ع) ، ره آورد تلاش آن حضرت برای استمرار بخشیدن به آن

و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

آیات قبل، می تواند قرینه باشد که فاعل <جعل> ابراهیم(ع) است.

۴ - کلمه توحید ، کلمه ای ماندگار در نسل ابراهیم (ع) ، به اراده و لطف الهی

إِنِّي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ . إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي ... و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

فاعل <جعل> به قرینه آیه بعد می تواند خداوند باشد.

۵ - استمرار دین توحیدی در نسل ابراهیم (ع) ، پاداش الهی به آن حضرت در قبال تلاش های او در مسیر اعتلای کلمه

توحید

و إذ قال إبراهيم .. و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <جعلها> در مقام بیان لطف خداوند در برابر مجاهدت ها و تلاش های

حضرت ابراهیم(ع) باشد.

۷ - استمرار کلمه < توحید > در نسل ابراهیم (ع) و در پهنه قرن ها ، تدبیری خداوندی و به منظور بازگشت مشرکان هر

نسل به توحید

و جعلها کلمه باقیه فی عقبه لعلهم يرجعون

جایگزینی نسل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - جایگزین کردن نسلی به جای نسل دیگر ، فلسفه مقدر شدن مرگ از سوی خداوند برای انسان ها

نحن قدرنا بینکم

الموت .. على أن نبذل أمثلکم

جمله <على أن نبذل> مربوط به تقدیر مرگ در آیه پیش است؛ یعنی، ما بر این اساس که امثال شما (نسل های بعد) را جایگزین شما گردانیم، مرگ را تقدیر کرده ایم.

حفظ نسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۶

۶ اصلاح جامعه و حفظ کشاورزی و نسل ، از ویژگی های حکومت صالح

و اذا تولى .. ليفسد فيها و يهلك الحرث و النسل

از اینکه خداوند، فساد و .. را از کارهای حکومتی منافقان می داند؛ معلوم می شود که در حکومت صالحان، چنین اعمالی نباید باشد.

درخواست محبت به نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۲۳، ۱۲، ۱۰

۱۰- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار توجه قلبی برخی از مردم و جلب محبت آنان به سوی ذریه ساکن در مکه شد .

أسكنت من ذرّيتي .. عند بيتك المحرّم ... فاجعل أئفنده من الناس تهوى إليهم

۱۲- حضرت ابراهیم (ع) برای رفع خطر تنهایی و انزوای فرزندانش در مکه ، از خداوند خواستار توجه قلبی برخی از مردم به سوی آنان و زندگی جمعی شد . *

ربّنا إني أسكنت من ذرّيتي .. عند بيتك المحرّم ... فاجعل أئفنده من الناس تهوى إل

۲۳- < قال الصادق (ع) في تفسير قوله تعالى : > و ارزقهم من الثمرات < : هو ثمرات القلوب ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که در تفسیر سخن خداوند تعالی: <و ارزقهم من الثمرات> فرمود: آن [ثمرات]

میوه های دل است.

درخواست نسل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۲۸

۲۸- انسان خردمند ، در اندیشه داشتن نسلی صالح

و بلغ أربعین سنه قال ربّ .. و أصلح لی فی ذرّیتی

آنچه خداوند در این آیه شریفه، از ناحیه انسان راه یافته به سن خردمندی (چهل سالگی) اظهار داشته؛ در حقیقت ارزش هایی است که هر خردمندی می بایست بدان ها روی آورد.

دشمنی نسل ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۸

۱۸- ابلیس و نسل او ، دشمن انسان هایند .

أفتتخذونه و ذرّیته أولیاء من دونی و هم لکم عدوّ

روش بقای نسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۵

۵- تضمین بقای نسل انسان از طریق زوجیت و همسررداری ، از نعمت های خداوند است .

و الله جعل لکم من أنفسکم أزواجًا و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده

زمینه ازدیاد نسل انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - انسان ، موجودی زمینی و زمین بستر مناسب و طبیعی برای تکثیر نسل او

ذراًکم فی الأرض

مطلب یاد شده، از قید <فی الأرض> استفاده می شود.

زمینه بقای نسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۰ - ۵

۵ - تأثیر احسان و نیکوکاری در اجابت دعا ، بقای نسل و نام نیک ، تقرب به پیشگاه خداوند و محبوبیت در میان خلق

و لقد

نادینا نوح فلنعم المجیون .. سلم علی نوح فی العلمین . إنا کذلک نجزی ا

زمینه عصیان نسل قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۴

۴ - در صورت تداوم حیات قوم کافر و گمراه گر نوح ، تمامی فرزندان و نسل بعدی آنان ، به کفر ، نافرمانی خدا و تبه کاری روی می آوردند .

و لا یلدوا إلا فاجراً کفّاراً

<فاجر> به افراد نافرمان، معصیت کار و زناکار گفته می شود. در این آیه دو معنای اول و دوم مراد است.

زمینه کفر نسل قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۴

۴ - در صورت تداوم حیات قوم کافر و گمراه گر نوح ، تمامی فرزندان و نسل بعدی آنان ، به کفر ، نافرمانی خدا و تبه کاری روی می آوردند .

و لا یلدوا إلا فاجراً کفّاراً

<فاجر> به افراد نافرمان، معصیت کار و زناکار گفته می شود. در این آیه دو معنای اول و دوم مراد است.

سنت بقای نسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۶

۶- ازدواج و همسر داری و برخوردار شدن از فرزند ، از سنت های الهی و نهفته در سرشت انسان

و الله جعل لکم من أنفسکم أزواجاً و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده

برداشت فوق با توجه به این نکته است که ماده <جعل> بیانگر سنت خداست و آنچه به عنوان سنت معرفی شود، روند

طبیعی خواهد داشت.

سهولت جایگزینی نسل ها

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۰ - ۱

۱- میراندن انسان ها و خلق انسانهایی جدید به جای آنان ، کار دشواری برای خداوند نیست .

إِنْ يَشَاءُ يَذْهَبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ . وَ مَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بَعِزٍ

شرك در نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۸

۸ - وجود افرادی شرک پیشه ، در نسل ابراهیم (ع)

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

با توجه به رجوع ضمیر <هم> به نسل ابراهیم(ع)، استفاده می شود که برخی از آنان آلوده به شرک بودند؛ بنابراین مفاد آیه این می شود که توحید در گروهی از نسل ابراهیم باقی ماند تا زمینه آن شود که گروه دیگر آنان نیز به توحید بازگردند.

ظالمان نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۲

۲ - از نسل ابراهیم و اسحاق (علیهماالسلام) ، برخی نیکوکار و برخی ظالم به خویشان گشتند .

وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ

ظالمان نسل اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۲

۲ - از نسل ابراهیم و اسحاق (علیهماالسلام) ، برخی نیکوکار و برخی ظالم به خویشان گشتند .

و من ذرّیتهما محسن و ظالم لنفسه

عبادت نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱

۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و فرزندان آنان ، امتی پرستشگر خدا و تسلیم در برابر او

تلک أمه قد خلت

مشارالیه

<تلک> پیامبران یاد شده در آیه قبل و فرزندانشان است. به کارگیری <تلک> برای اشاره به مذکر به لحاظ خبر (أمه) می باشد.

عصیان نسل قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - > عن صالح بن میثم قال : قلت لأبي جعفر (ع) : ما كان علم نوح (ع) حين دعا قومه إنهم لا يلدوا إلا فاجراً كفاراً فقال : أما سمعت قول الله لنوح : > إنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن < ;

صالح بن میثم گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: نوح(ع) هنگامی که قوم خود را دعوت می کرد از کجا آگاه بود که اولاد آن قوم، غیر از بدکار و کافر به دنیا نمی آیند؟ امام فرمود: آیا سخن خداوند را به نوح نشنیده ای که فرمود: (إنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن).<

علاقه به بقای نسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۳ - ۴

۴- حضرت ابراهیم (ع) ، به فرزنددار شدن و بقای نسل خود علاقه مند بود .

نبشرك بغلم

واژه <بشارت> در جایی به کار می رود که مورد علاقه و مایه سرور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ - حضرت ابراهیم (ع) ، به فرزنددار شدن و بقای نسل خود علاقه مند بود .

و بشروه بغلم علیم

واژه <بشارت>، در جایی به کار می رود که مورد علاقه و مایه سرور باشد.

به نسل علایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۳

۳ - علاقه ابراهیم و اسماعیل (ع) به ذریه خویش

من ذریتنا أمه مسلمه لک

علم نسل اهل بیت(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - > سُلَیْم بن قَیْس قال : خرج علينا علی بن أبی طالب (ع) . . . فقال . . . و العلم فی عقبنا إلی أن تقوم الساعه ثم قرأ > و جعلها کلمه باقیه فی عقبه < ثم قال : کان رسول اللّٰه (ص) عقب ابراهیم و نحن أهل البیت عقب ابراهیم (ع) و محمد (ص) ; (

سلیم بن قیس می گوید: حضرت علی(ع) به سوی ما بیرون آمد و فرمود: علم در نسل ما است تا برپایی قیامت. سپس آیه > جعلها کلمه باقیه فی عقبه < را تلاوت نمود، و فرمود: رسول خدا(ص) از نسل ابراهیم(ع) است و ما اهل بیت از نسل ابراهیم(ع) و محمد(ص) هستیم.<

فضایل نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۳ - ۷

۷- حضرت ابراهیم (ع) برخوردار از عنایت ویژه خداوند و بقای نسل او ، مورد توجه خاص الهی بود .

قالوا لا توجل إنا نبشرك بغلم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۹

۹ - نسل ابراهیم (ع)، پرچمدار توحید در طول تاریخ

و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - حضرت ابراهیم (ع) ، برخوردار از عنایت ویژه الهی و بقای نسل او مورد توجه خداوند

و بشروه بغلم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۳ - ۵

۵ - وجود افرادی شایسته و ارجمند در سلاله ابراهیم

و ما ولد

ممکن است مراد از <ما ولد>، ذریه ابراهیم(ع) در طول تاریخ باشد. در این صورت به قرینه سوگند خداوند مراد افراد گرانقدر آنان است.

فلسفه اسکان نسل ابراهیم(ع) در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۳

۳- هدف حضرت ابراهیم (ع) از اسکان دادن برخی از فرزندان او در جوار خانه خدا ، توفیق یافتن آنان برای عبادت و اقامه نماز بود .

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي .. عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ

قانونمندی تداوم نسل انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۸ - ۵

۵ - آفرینش انسان و تداوم بخشی به نسل او در زمین ، دارای هدفی مشخص

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مَهْدًا .. وَ خَلَقْنٰكُمْ أَوْجًا

قطع نسل دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۳ - ۳

۳ - خداوند ، کسی را که با زخم زبان خود به پیامبر (ص) ، آن حضرت را نسل بریده خواند ، دارای آینده ای خالی از هرگونه خوبی و یاد نیک معرفی کرد .

إِنَّ شَانِئَكَ

آنچه پدر عمرو عاص از کلمه <أبتَر> اراده کرده بود، قطع شدن ذکر خیر پیامبر(ص) بر اثر قطع نسل بود. ضمیر فصل در <هو الأبتَر> نشانگر حصر اضافی است و بیان می دارد که <متروک شدن ذکر خیر>، اختصاص به خود او دارد؛ نه پیامبر(ص). گفتنی است که قطع شدن ذکر خیر لزوماً به معنای نداشتن فرزند نیست؛ زیرا فرزندان که مایه ذکر خیر پدر نشوند، او را از <أبتَر> بودن بیرون نمی آورند.

قطع نسل عاص بن وائل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۳ - ۷

۷ - > تكلّم أبو محمد الحسن بن علی (ع) فقال : قال العاص بن وائل : إنّ محمداً رجل أبتَر لا ولد له فلو قد مات انقطع ذكره ، فأَنْزَلَ اللهُ تبارك و تعالی > إنّ شائتك هو الأبتَر ;

امام حسن(ع) [در مجلس مباحثه با معاویه و یاران او] سخن گفت و فرمود: عاص بن وائل گفت: محمد(ص) مردی ابتَر است که برای او فرزندی نیست و اگر بمیرد [نام و] یاد او تمام می شود. پس خدای تبارک و تعالی [خطاب به رسول خدا این آیه را] نازل فرمود: إنّ شائتك هو الأبتَر.

قطع نسل قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۳

۳- نسل قوم لوط با عذاب الهی ، قطع و ریشه کن شد .

و قضینا .. أن دابر هؤلاء مقطوع مصبحین

<دابر> به معنای <آخر> است (مفردات راغب)، و مقصود از جمله <دابر هؤلاء مقطوع> نابودی آخرین فرد موجود از قوم لوط است که

طبیعتاً قطع نسل آنان را در پی داشت.

قطع نسل کافران قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۱

۱ - درخواست نوح (ع) از درگاه پروردگار مبنی بر نابودی تمامی کافران و مشرکان حق ناپذیر عصر خود و قطع نسل آنان

و قال نوح رب لا تذر علی الأرض من الکفرین دیاراً

واژه <دیار>، همواره پس از نفی قرار می گیرد و شامل همه انسان ها می شود.

قطع نسل محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۳ - ۱

۱ - یکی از دشمنان پیامبر (ص)، آن حضرت را نسل بریده و آینده او را خالی از ذکر خیر خواند.

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

<شائئک>؛ یعنی، کسی که با تو بغض و دشمنی دارد (تاج العروس). بیشتر مفسران، او را پدر عمرو عاص دانسته اند که پس از فوت پسران پیامبر(ص)، آن حضرت را <ابتر> خواند. <أبتر> به معنای کسی است که از او به خیر و نیکی یاد نشود. <بتر> (ریشه <أبتر>) در بریدن دم به کار می رود و به همین جهت شخصی را که نسل او قطع شده است، <ابتر> گویند (مفردات)؛ زیرا نسلی که نام نیک او را زنده نگه دارد، وجود ندارد.

کافران نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۷

۷ خداوند، نوح (ع) را به پدید آمدن جامعه ها و امتیاهی کفرپیشه از نسل او و همراهانش آگاه ساخت.

و أمم ستمتعهم ثم یمسهم منا عذاب الیم

<أمم> مبتدا و خبر آن محذوف می باشد؛ یعنی: ممن معك أمم سنمتعهم. جمله <یمسهم...> حکایت از آن دارد که مقصود از <أمم> در این بخش از آیه ، امتهای کافر هستند.

کتاب آسمانی نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۷

۷- ذریه ابراهیم (ع) از مقام نبوت و کتاب آسمانی ، برخوردار بودند .

و جعلنا فی ذرّیّته النبوه و الکتب

کتاب آسمانی نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۷

۷- نسل های پس از نوح و ابراهیم (ع) ، هیچ گاه از کتاب آسمانی محروم نبوده اند .

و جعلنا فی ذرّیّتهما النبوه و الکتب

کتاب آسمانی نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۷

۷- نسل های پس از نوح و ابراهیم (ع) ، هیچ گاه از کتاب آسمانی محروم نبوده اند .

و جعلنا فی ذرّیّتهما النبوه و الکتب

کثرت نسل فاطمه(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۱ - ۴

۴ - خداوند ، بشارت دهنده پیامبر (ص) به کوثر بودن فاطمه (س) و فراوانی نسل آن حضرت از طریق او

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ

تاریخ قطعی زندگانی پیامبر (ص) که از او پسری نماند گواه بر آن است که تنها مصداق کوثر، فاطمه (س) است.

کفر نسل قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱

۱۳ - > عن صالح بن میثم قال : قلت لأبي جعفر (ع) : ما كان علم نوح (ع) حين دعا قومه إنهم لا يلدوا إلا فاجراً كفاراً فقال : أما سمعت قول الله لنوح : > إنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن < ;

صالح بن میثم گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: نوح(ع) هنگامی که قوم خود را دعوت می کرد از کجا آگاه بود که اولاد آن قوم، غیر از بدکار و کافر به دنیا نمی آیند؟ امام فرمود: آیا سخن خداوند را به نوح نشنیده ای که فرمود: (إنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن).<

گسترش نسل انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۹ - ۲

۲ - گسترش تدریجی نسل بشر در روی زمین ، پس از پیدایش نوع آن

و هو الذی ذرأکم فی الأرض

برداشت فوق، با توجه به معنای <ذرأ> (پراکندن) استفاده می شود.

مبغوضیت نسل کشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۴،۱۱

۴ نابود ساختن کشاورزی و نسل کشی ، از بارزترین نوع فساد در زمین است .

لیفسد فیها و یهلک الحرث و النسل

بنابراینکه جمله <و یهلک الحرث و ..>، تفسیر جمله <لیفسد فیها> باشد.

۱۱ نابود کردن کشاورزی و نسل کشی ، مبغوض خداوند

و اذا تولى .. و یهلک الحرث و النسل و الله لا یحب الفساد

محرومیت نسل آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ -

۱۳ تناول آدم (ع) و حوا از شجره ممنوعه ، مایه سلب شایستگی نسل آنان برای سکونت در بهشت نخستین شد . *

قلنا اهبطوا

خداوند در بیان اخراج آدم(ع) و حوا از بهشت و استقرار آن دو در زمین، خطاب خویش را - بر خلاف مقتضای طبیعی کلام - متوجه نسل آنان نیز کرد؛ تا به این نکته اشاره کند که: تناول آدم(ع) و حوا از شجره منیه در نسل ایشان نیز اثری به جای گذاشت که باعث شد آنان نیز، حیات خویش را در زمین سپری کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۲

۲ - نسل آدم (ع) و حوا نیز بر اثر تناول آن دو از شجره منیه ، از بهشت نخستین محروم شدند .

قلنا اهبطوا منها جميعاً

<اهبطوا> به صیغه جمع اقتضا می کند که: غیر از آدم(ع) و حوا فرد یا افراد دیگری نیز مورد خطاب باشند. در این باره چند نظر ابراز شده است. از جمله اینکه دیگر مخاطبان، نسل آدم(ع) و حوا می باشند. برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است.

محسنان نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۲

۲ - از نسل ابراهیم و اسحاق (علیهما السلام) ، برخی نیکوکار و برخی ظالم به خویشان گشتند .

و من ذریتهما محسن و ظالم لنفسه

محسنان نسل اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۲

۲ - از نسل ابراهیم و اسحاق (علیهما السلام)

، برخی نیکوکار و برخی ظالم به خویشان گشتند .

و من ذرّیتهما محسن و ظالم لنفسه

محمد(ص) از نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۳

۳ - محمد (ص) پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت آن حضرت از میان نسلشان بودند .

ربنا وبعث فیهم رسولا منهم ... یزکیهم

به گفته همه مفسران، مراد از <رسولا> پیامبر عظیم الشأن اسلام، حضرت محمد(ص) است.

محمد(ص) از نسل اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۳

۳ - محمد (ص) پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت آن حضرت از میان نسلشان بودند .

ربنا وبعث فیهم رسولا منهم ... یزکیهم

به گفته همه مفسران، مراد از <رسولا> پیامبر عظیم الشأن اسلام، حضرت محمد(ص) است.

مراد از نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۱۹

۱۹- > عن أبی جعفر (ع) فی قول الله : < إني أسكنت من ذرّیتی ... > قال : ... نحن هم و نحن بقیه تلک الذرّیه ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا <إني أسكنت من ذرّیتی ...> روایت شده است که فرمود: ما از آنانیم و ما باقی مانده آن نسل هستیم.>

ملاک روابط اخروی نسل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۲،۶

۲ - ایمان ، محور پیوند نسل ها به یک دیگر ،

در جهان آخرت

و الذین ءامنوا و اتبعتم ذریتهم بایمن الحقنا بهم ذریتهم

۶- اصل ایمان، شرط بهرهوری فرزندان، از مزیت پیوستن نسل‌ها به پدارن بهشتی خود

و اتبعتم ذریتهم بایمن الحقنا بهم ذریتهم

منشأ ازدیاد نسل انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۴ - ۱،۲

۱ - خداوند، خالق انسان و تکثیر کننده نسل او است.

قل هو الذی ذرأکم

<ذرأ> به معنای خلق است؛ ولی به گفته برخی از مفسران و اهل لغت، این واژه در آیه شریفه و آیات مشابه آن، به معنای تکثیر نسل بشر است (برگرفته از لسان العرب).

۲ - پیامبر (ص)، مأمور توجه دادن مردم به مبدأ پیدایش انسان‌ها و تکثیر نسل او

قل هو الذی ذرأکم فی الأرض

منشأ ازدیاد نسل انسان‌ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۳ - ۳

۳ - آفرینش نسل گسترده بشر، از یک زن و مرد (آدم و حوا) به وسیله خداوند، نمود عظمت آفریدگار

إنا خلقنکم من ذکر و أنثی

تأکید بر <نا>ی متکلم و انتساب خلقت به خداوند، می‌تواند پیام مذکور را نیز دربرداشته باشد.

نبوت در نسل نوح(ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۷ - ۴

۴ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > و جعلنا ذرّيته هم الباقيين < يقول : بالحقّ و النبؤه و الكتاب و الإيمان في عقبه ، و ليس كلّ من في الأرض من بني آدم من ولد نوح

(ع) ...؛

از امام باقر(ع) [در باره سخن خداوند که می فرماید:] <و جعلنا ذریته هم الباقین > روایت شده است: خدا می فرماید: ذریه او را با حق و نبوت و کتاب و ایمان باقی قرار دادیم و آن طور نیست که تمام فرزندان آدم که در روی زمین زندگی می کنند از فرزندان نوح(ع) باشند. >.

نبوت نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۶،۷

۶ - اعطای اسحاق و یعقوب (ع) به ابراهیم (ع) و نیز قرار دادن مقام نبوت در نسل آن حضرت ، پاداش دنیوی ابراهیم (ع) از سوی خداوند بود .

و وهبنا له إسحق . . . و جعلنا فی ذرّيته النبوه... و آتینه أجره فی الدنيا

۷ - ذریه ابراهیم (ع) از مقام نبوت و کتاب آسمانی ، برخوردار بودند .

و جعلنا فی ذرّيته النبوه و الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۳،۴

۳ - تداوم یافتن بعثت پیامبران ، در نسل های پس از نوح و ابراهیم (ع)

و جعلنا فی ذرّيتهما النبوه

۴ - پیامبران مبعوث شده پس از نوح (ع) از ذریه حضرت نوح و پیامبران مبعوث شده پس از ابراهیم (ع) از ذریه حضرت ابراهیم (ع) بودند .

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم و جعلنا فی ذرّيتهما النبوه

نبوت نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- تداوم یافتن بعثت پیامبران ، در نسل های پس از نوح و ابراهیم (ع)

و جعلنا فی ذرّیتهما النبوه

۴ - پیامبران مبعوث شده پس از نوح (ع) از ذریه حضرت نوح و پیامبران مبعوث شده پس از ابراهیم (ع) از ذریه حضرت ابراهیم (ع) بودند .

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم و جعلنا فی ذرّیتهما النبوه

نسل آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۴ - ۱

۱ آدم ، نوح ، خاندان ابراهیم و خاندان عمران از نسل و نژادی واحد

انّ الله اصطفی . . . ذریه بعضها من بعض

برداشت فوق را روایت امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: الذین اصطفاهم الله، بعضهم من نسل بعض.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۳۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۸ - ۲

۲ خداوند تمامی آدمیان و نژادها و تیره های مختلف آن را از یک شخص (آدم) آفریده است.

و هو الذی أنشأکم من نفس وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۴ - ۳

۳ ابلیس، آگاه به پیدایش نسلهایی از آدم و وجود رستاخیز برای ایشان

أنظرنی إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۱

۱ همه انسانها، فرزندان آدم(ع) و او مبدأ تکوین تمامی آنان است.

بینی ءادم

چون مخاطب قرآن همه انسانها هستند و نه قشری خاص، معلوم می شود نسبت بین کلمه بنی آدم و مردمان نسبت تساوی

است ؛ یعنی از نظر مصداق متحد هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۶

۶ آدم و حوا پدر و مادر همه انسانها

كما أخرج أبويكم من الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۱۲

۱۲ تمام انسان ها فرزندان آدم (ع) هستند .

أخذت ربك من بني آدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۴

۴- همه انسان ها ، از نسلی واحد و از فرزندان آدمند .

و لقد كرمنا بني آدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۲

۲- قرآن در بیان دودمان برخی از پیامبران (ادریس) ، تنها از انتساب آنان به آدم (ع) سخن گفته است .

من النبیین من ذریّه آدم

<من> در <من ذریّه آدم> برای تبعیض است و بیانگر آن است که <ذریّه آدم> یکی از چهار ویژگی است که در آیه برای <النبیین> ذکر شده است، سه دسته دیگر عبارتند از: <من حملنا مع نوح> و <ذریّه ابراهیم> و <ذریّه اسرائیل>؛ گرچه همه پیامبران <ذریّه آدم> هستند، ولی تنها <ادریس> است که گفته می شود قبل از نوح می زیسته و نسب مطرح شده ای جز انتساب به آدم ندارد، اما سه گروه دیگر به نزدیک ترین فرد برجسته در نیاکان خود انتساب یافته اند.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۹ - ۸

۸ - ابلیس ، آگاہ

به پیدایش نسل هایی از آدم و وجود رستاخیز برای آنان

قال ربّ فأنظرنی إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱

۱ - خداوند ، انسان ها را از یک تن (آدم (ع)) آفرید .

خلقکم من نفس وحده

مفسران بر این دیدگاه اند که مقصود از <نفس واحده> آدم ابوالبشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۳ - ۱

۱ - همه انسان ها و تمامی نژاد های بشر ، پدید آمده از یک زن و مرد (آدم و حوا)

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنٰكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ

نسل آل ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۴ - ۱

۱ آدم ، نوح ، خاندان ابراهیم و خاندان عمران از نسل و نژادی واحد

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ... ذُرِّيَّتَهُ مِنْ بَعْضِهَا

برداشت فوق را روایت امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: الذین اصطفاهم اللّٰه، بعضهم من نسل بعض.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۳۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ خاندان محمد (ص)، از تبار ابراهیم

واتینا ال ابرهیم الکتب و الحکمہ و اتیناهم ملکاً عظیماً

حضرت علی (ع) در مورد آیه فوق فرمود: ... و نحن آل ابراهیم.

کتاب سلیم بن قیس، ص ۸۷؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۷۵، ح ۴۵.

نسل آل عمران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران

۱ آدم، نوح، خاندان ابراهیم و خاندان عمران از نسل و نژادی واحد

انّ الله اصطفى .. ذریه بعضها من بعض

برداشت فوق را روایت امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: الذین اصطفاهم الله، بعضهم من نسل بعض.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۳۵.

نسل ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۴ - ۱۵، ۲۱

۱۵ - علاقه ابراهیم (ع) به ذریه خود و تمنای او برای رسیدن آنان به مقامات معنوی

و من ذریتی

۲۱ - همه فرزندان ابراهیم (ع)، مبرا از ظلم و ستم نیستند.

و من ذریتی قال لاینال عهدی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۲، ۳، ۶، ۱۰

۲ - ابراهیم و اسماعیل (ع) از خداوند خواستند تا از میان نسلشان گروهی را به مقام تسلیم نایل سازد.

و من ذریتنا أمة مسلمة لك

در برداشت فوق <من> در <من ذریتنا> به معنای بعض گرفته شده است.

۳ - علاقه ابراهیم و اسماعیل (ع) به ذریه خویش

من ذریتنا أمة مسلمة لك

۶- تمامی ذریه ابراهیم و اسماعیل (ع)، شایستگی نایل شدن به مراحل والای تسلیم را دارا نیستند .

و من ذریتنا أمة مسلمة لك

<من> در <من ذریتنا> برای تبعیض است و گویای برداشت فوق می باشد.

۱۰- ابراهیم و اسماعیل (ع)، از خداوند خواستند تا توبه خود و فرزندانشان را بپذیرد .

و تب علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۳- محمد (ص) پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت آن حضرت از میان نسلشان بودند .

ربنا وبعث فيهم رسولا منهم .. يذكركم

به گفته همه مفسران، مراد از <رسولا> پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۸۴ - ۶

۶ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندان از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می آورد که ضمیر در <ذریته> به <ابراهیم> برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۸۵ - ۱

۱ زکریا، یحیی و الیاس، نوادگانی از ذریه ابراهیم(ع) بودند.

و من ذریته .. و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۴،۱۱

۴- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم (اسحاق، یعقوب و اسماعیل) از نسل ابراهیم (ع) بودند .

من النبیین .. من ذریه ابرهیم

۱۱- حضرت ابراهیم (ع) ، علاوه بر حضرت یعقوب و ذریه او ، نسلی مشتمل بر پیامبران الهی ، داشت .

و من ذریه ابرهیم و اسرائیل

<اسرائيل > لقب يعقوب

است. آن حضرت، نوه حضرت ابراهیم(ع) و فرزند اسحاق بوده است. اگر نسل پیامبران، تنها از طریق یعقوب استمرار می یافت، دیگر ذکر ابراهیم و اسرائیل به طور مستقل ضرورتی نداشت، زیرا یکی از دیگری کفایت می کرد، ولی ذکر مستقل نشان از آن دارد که تیره دیگری نیز از نسل ابراهیم، مشتمل بر پیامبران است که همان فرزندان اسماعیل(ع) می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - > سَلِيمُ بن قَيْس قال : خرج علينا علي بن أبي طالب (ع) ... فقال ... و العلم في عقبنا إلى أن تقوم الساعة ثم قرأ > و جعلها كلمة باقية في عقبه < ثم قال : كان رسول الله (ص) عقب إبراهيم و نحن أهل البيت عقب إبراهيم (ع) و محمد (ص) ; (

سليم بن قيس می گوید: حضرت علی(ع) به سوی ما بیرون آمد و فرمود: علم در نسل ما است تا برپایی قیامت. سپس آیه > جعلها كلمة باقية في عقبه < را تلاوت نمود، و فرمود: رسول خدا(ص) از نسل ابراهیم(ع) است و ما اهل بیت از نسل ابراهیم(ع) و محمد(ص) هستیم.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۵

۵ - اقوام دارای پیامبر ، پس از نوح (ع) از نسل حضرت نوح و پس از ابراهیم (ع) از نسل حضرت ابراهیم بودند .

و لقد أرسلنا نوحًا و إبراهيم و جعلنا في ذرّيتهما النبوة

نسل اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۱۰، ۶، ۳، ۲

۲ - ابراهیم و اسماعیل (ع) از خداوند خواستند تا از میان نسلشان گروهی را به مقام تسلیم نایل سازد .

و من ذریتنا أمة مسلمة لك

در برداشت فوق <من> در <من ذریتنا> به معنای بعض گرفته شده است.

۳ - علاقه ابراهیم و اسماعیل (ع) به ذریه خویش

من ذریتنا أمة مسلمة لك

۶ - تمامی ذریه ابراهیم و اسماعیل (ع) ، شایستگی نایل شدن به مراحل والای تسلیم را دارا نیستند .

و من ذریتنا أمة مسلمة لك

<من> در <من ذریتنا> برای تبعیض است و گویای برداشت فوق می باشد.

۱۰ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، از خداوند خواستند تا توبه خود و فرزندانشان را بپذیرد .

و تب علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۳، ۱

۱ - بعثت پیامبری از نسل اسماعیل ، از دعا ها و درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام بنای کعبه

و من ذریتنا أمة مسلمة لك .. ربنا وابعث فیهم رسولا منهم

ضمیر در <فیهم> و <منهم> محتمل است به <أمة مسلمة> در آیه قبل برگردد و نیز محتمل است به <أهله> در آیه ۱۲۶ بازگردانده شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است ؛ یعنی ، <ربنا وابعث فی ذریتنا المسلمة رسولا- منهم>. دعای مشترک ابراهیم و اسماعیل گویای این است که: پیامبر مورد نظر ابراهیم نیز فردی از نسل اسماعیل است نه از نسل دیگر فرزندان.

۳ - محمد (ص) پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع)

خواستار بعثت آن حضرت از میان نسلشان بودند .

ربنا وبعث فیهم رسولا منهم ... یزکیهم

به گفته همه مفسران، مراد از <رسولا> پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۷ - ۳

۳ - > علی بن الحسن بن علی بن الفضال عن ابيه قال : سألت أبا الحسن علی بن موسی الرضا (ع) عن معنی قول النبی (ص) : أنا ابن الذبیحین قال : یعنی اسماعیل بن ابراهیم ... فلما عزم علی ذبحه فداه الله بذبح عظیم ، بکبش أملح ... و کان یرتع قبل ذلك فی ریاض الجنه أربعین عاماً و ما خرج من رحم أنثی ...

علی بن حسن بن علی بن فضال از پدرش نقل می کند که از امام رضا(ع) از سخن رسول خدا(ص) که فرمود: <من فرزند دو ذبیح هستم> پرسیدم، فرمود: [یکی از آن دو] اسماعیل فرزند ابراهیم است .. چون ابراهیم تصمیم به قربانی کردن اسماعیل گرفت، خداوند قربانی بزرگی را جایگزین اسماعیل کرد. آن قربانی قوچی به رنگ سیاه آمیخته با سفیدی (جو گندمی) ... که چهل سال قبل از آن در باغ های بهشت به چرا مشغول بود و از مادری زاییده نشده بود...<

نسل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۱۰

۱۰ - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن ، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامد های اعمال نخواهد شد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

و لکم ما کسبتم

بیان این معنا - که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمند نخواهد بود - در خطاب به کسانی که از نسل پیامبرانی چون: ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۴ - ۱

۱ آدم، نوح، خاندان ابراهیم و خاندان عمران از نسل و نژادی واحد

انّ الله اصطفی... ذریه بعضها من بعض

برداشت فوق را روایت امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: الذین اصطفاهم الله، بعضهم من نسل بعض.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۳۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ مریم، برگزیده خداون از نسل انبیای الهی

یا مریم انّ الله اصطفیک

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: ... اصطفیک من ذریه الانبیاء.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۴۶، نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۱۳۰.

نسل انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۸

۸- نوه های دختری نیز ، همانند پسر و نوه های پسری ، ذریه و فرزند شخصی ، به شمار می آیند .

أُولَئِكَ . . و من ذرّیه ابرهیم

از نظر تاریخی روشن است که مریم و عیسی (ع) از نوادگان حضرت ابراهیم (ع) بوده اند و در این آیه حضرت عیسی (ع)، یکی از افراد مورد نظر از <أُولَئِكَ> است که از ذریه انبیا شمرده شده است؛ بنابراین فرزندان دختر نیز از ذریه به شمار می آیند.

نسل اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۰ - ۵

۵ برخی از اقوام گذشته در پی نزول عذاب بر آنان ، منقرض شدند و نسلی از آنان برجای نماند .

منها .. حصید

نسل با ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۵

۵ - ذریه و نسلی که از تعالیم دینی برخوردار بوده و از آلودگی ها پیراسته باشند ، برای نیاکانشان ارزشمند و امتیاز آفرین هستند .

ربنا و ابعث فیهم رسولا منهم ... و یزکیهم

نسل جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۷

۲۷ - شیاطین و جن ها ، دارای ذریه و زاد و ولدند .

کان من الجنّ .. أفتتخذونه و ذرّیته أولیاء من دونی

نسل حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۶

۶ آدم و حوا پدر و مادر همه انسانها

كما أخرج أبویکم من الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۳ - ۱

۱ - همه انسان ها و تمامی نژاد های بشر ، پدید آمده از یک زن و مرد (آدم و حوا)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى

نسل شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۷

۲۷- شیاطین و جن ها ، دارای ذریه و زاد و ولدند .

كَانَ مِنَ الْجِنَّ .. أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي

نسل قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۱ - ۵

۵ - مردم جزیره العرب ، از نظر نژادی از نسل قوم نوح بودند .

حملنکم فی الجاریه

نسل کشی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۴،۱۱

۴ نابود ساختن کشاورزی و نسل کشی ، از بارزترین نوع فساد در زمین است .

لیفسد فیها و یهلک الحرث و النسل

بنابراینکه جمله <و یهلک الحرث و ..>، تفسیر جمله <لیفسد فیها> باشد.

۱۱ نابود کردن کشاورزی و نسل کشی ، مبعوض خداوند

و اذا تولى .. و یهلک الحرث و النسل و الله لا یحب الفساد

نسل محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ > قال أبو عبد الله (ع) : ... نحن ذریه محمد (ص) و أمنا فاطمه (س) و ما آتی الله أحداً من المرسلین شیئاً إلا و قد آتاه محمداً (ص) ... ثم تلا > و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك و جعلنا لهم أزواجاً و ذریه < ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: ما فرزندان حضرت محمد(ص) هستیم و مادرمان فاطمه(س) است و خداوند به هیچ یک از پیامبران(ع) چیزی را نداده مگر آن که آن را به حضرت محمد(ص) نیز داده است، سپس این آیه را تلاوت فرمود: و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك ... < .

نسل مؤمنان قوم نوح

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۹ - حاقہ - ۶۹ - ۱۱

۴ - مردم جزیره العرب ، از نسل مؤمنان عصر نوح بودند .

حملنکم فی الجاریه

در این آیه، <حمل شدن> به مخاطبان عصر نزول قرآن نسبت داده شده است و مقصود حمل اجداد آنان است و چون نجات آنان به سبب مؤمن بودن ایشان بوده است، می توان نتیجه گرفت مردم جزیره العرب (مخاطبان این آیه)، از نسل همین مؤمنان نجات یافته بودند.

نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۴ - ۱

۱ آدم ، نوح ، خاندان ابراهیم و خاندان عمران از نسل و نژادی واحد

انّ الله اصطفی .. ذریّه بعضها من بعض

برداشت فوق را روایت امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: الذین اصطفاهم الله، بعضهم من نسل بعض.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۳۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۷

۷ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندان از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا .. و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت <نوحا> مرجع ضمیر در <ذریته> است: <نوحا> نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۲

۲ زکریا، یحیی و الیاس از نوادگان نوح(ع) بودند.

و من

ذریته . . . و زکریا و یحیی و عیسی و ایلیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۱

۱ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط، از ذریه نوح(ع) بودند.

و نوحا هدینا من قبل و من ذریته . . . و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۱۱

۱۱- > عن أبي جعفر (ع) : . . . و ليس كلّ من فى الأرض من بنى آدم من ولد نوح قال الله فى كتابه : > . . . ذریه من حملنا مع نوح < ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . چنان نیست که تمام آدمیان روی زمین از فرزندان نوح باشند. خداوند در کتابش فرمود:
... ذریه من حملنا مع نوح.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۵

۵ - اقوام دارای پیامبر، پس از نوح (ع) از نسل حضرت نوح و پس از ابراهیم (ع) از نسل حضرت ابراهیم بودند .

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم و جعلنا فى ذرّیتهما النبوه

نسل والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۱ - ۸،۹

۸- > عن أبي عبد الله (ع) فى قول الله : > فأردنا أن يبدلهما ربّهما خيراً منه . . . < قال : > إنّه ولدت لهما جارية فولدت غلاماً فكان نبياً . < ;

از امام صادق(ع) درباره

این سخن خدا <فأردنا أن يبدلها ربّهما خيراً منه..> روایت شده که فرمود: <همانها، برای آن دو (پدر و مادر مقتول) دختری متولد شد و آن دختر، پسری به دنیا آورد که پیامبر شد.>

۹- < عن أبي عبد الله (ع) :... [في قول الله عزّوجلّ] < فأردنا أن يبدلها ربّهما خيراً منه زكاه و أقرب رحماً > : < يبدلها الله به جاريه ولدت سبعين نبياً . > ;

از امام صادق(ع) [درباره این سخن خدای عزّوجلّ] <فأردنا أن يبدلها ربّهما خيراً منه زكاه..> روایت شده: خداوند، به آن دو (پدر و مادر مقتول) به جای او (مقتول) دختری داد که هفتاد پیغمبر از نسل او متولد شدند.>

نسل هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۳

۳- هارون ، شخصیتی صالح در میان قوم مریم ، که افراد پاک را به او منتسب می کردند . *

یأخت هرون

برخی از مفسران وجه انتساب مریم(س) به هارون را نسبی ندانسته اند، بلکه او را شخصی برجسته در بین قوم حضرت مریم دانسته اند که مردم، زاهدان و تقوا پیشگان را، به او منتسب می کردند. این مفسران، انتساب مریم را به او از این باب می دانند.

نسل هدایت یافته ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ کثرت پیامبران و هدایت یافتگان در ذریه ابراهیم(ع)، پاداش نیکوکار بودن آن حضرت است.

و من ذریته .. و كذلك نجزي المحسنين

نسل همسفران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

۱- بنی اسرائیل، از ذریه و نسل همراهان نوح (ع) در کشتی بودند.

هدی لبني إسرئیل . . . ذرّیه من حملنا مع نوح

۴- انتساب بنی اسرائیل به همراهان نوح (ع)، موجب شایستگی آنان به عنایت خدا برای هدایتشان گردید.

و ءاتینا موسی . . . ذرّیه من حملنا مع نوح

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که نصب <ذریه> به تقدیر فعل <اخص> و مجموع جمله <ذرّیه من حملنا..> در مقام تعلیل برای آیه قبل (و آتینا موسی...) باشد، یعنی، ما با نزول تورات، خواستار هدایت بنی اسرائیل بودیم؛ چون آنان از فرزندان همراهان حضرت نوح(ع) بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- نسل همراهان نوح در کشتی نجات، پیامبری بزرگ، چون ابراهیم (ع) را در خود پروراند.

من النبیّن . . . ممّن حملنا مع نوح

مراد از <من حملنا مع نوح> به قرینه قبل و بعد آن <ذرّیه من حملنا..> است. بین انبیای ذکر شده در آیات قبل، تنها ابراهیم(ع) است که غیر از <ذرّیه آدم> با عنوان <نسل همراهان نوح> شناسایی شده است.

نسل یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - نوادگان یعقوب (طایفه های دوازده گانه بنی اسرائیل) برخوردار از پیامبران و احکام و معارف آسمانی

قولوا ءامنا باللّٰه و ما أنزل إلی . . . و الأسباب

اسباط (جمع سبط) به معنای نوادگان است و مراد از آن، در

آیه شریفه، طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل است که هر کدام به یکی از دوازده فرزند یعقوب (اسرائیل) منتهی می شدند. جمله <و ما أنزل الی ... الأسباب > حکایت از آن دارد که: از میان نوادگان یعقوب، کسانی به پیامبری مبعوث شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۵،۱۱

۵- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم (زکریا ، یحیی ، عیسی ، موسی و هارون (ع)) از نسل اسرائیل (یعقوب) بودند .

من النبیین .. من ذرّیه إبرهیم و إسرئیل

۱۱- حضرت ابراهیم (ع) ، علاوه بر حضرت یعقوب و ذرّیه او ، نسلی مشتمل بر پیامبران الهی ، داشت .

و من ذرّیه إبرهیم و إسرئیل

<اسرائیل > لقب یعقوب است. آن حضرت، نوه حضرت ابراهیم(ع) و فرزند اسحاق بوده است. اگر نسل پیامبران، تنها از طریق یعقوب استمرار می یافت، دیگر ذکر ابراهیم و اسرائیل به طور مستقل ضرورتی نداشت، زیرا یکی از دیگری کفایت می کرد، ولی ذکر مستقل نشان از آن دارد که تیره دیگری نیز از نسل ابراهیم، مشتمل بر پیامبران است که همان فرزندان اسماعیل(ع) می باشند.

نعمت بقای نسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۵

۵- تضمین بقای نسل انسان از طریق زوجیت و همسررداری ، از نعمت های خداوند است .

و الله جعل لکم من أنفسکم أزواجًا و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده

نعمت بقای نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ -

۳- بقای نسل نوح (ع) برای همیشه تاریخ ، از نعمت ها و الطاف ویژه الهی به ایشان

و جعلنا ذرّیّته هم الباقین

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

نعمت نسل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۹

۹ خداوند به نیکوکاران با کثرت ذریه صالح و هدایت یافته پاداش می دهد.

و وهبنا له إسحق و یعقوب ... و من ذرّیته داود و سلیمن ... و كذلك نجزی المحسنین

نقش نسل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳۱

۳۱- نسل صالح ، نمودی از عمل صالح و مورد رضای الهی

و أن أعمل صلحًا ترضیه و أصلح لی فی ذرّیّتی

هدایت نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۲

۲ - اهتمام ابراهیم (ع) ، به هدایت نسل پس از خویش

و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

چنانچه فاعل <جعل> ابراهیم(ع) باشد، به قرینه آیات پیشین که در مورد آن حضرت بود مطلب بالا قابل برداشت است.

هدایت نسل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۹

۹ خداوند به نیکوکاران با کثرت ذریه صالح و هدایت یافته پاداش می دهد.

و وهبنا له إسحق و یعقوب . . . و من ذریته داود و سلیمان ... و كذلك نجزی المحسنین

نسل کشی

مبغوضیت

نسل کشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۴،۱۱

۴ نابود ساختن کشاورزی و نسل کشی ، از بارزترین نوع فساد در زمین است .

لیفسد فیها و یهلک الحرث و النسل

بنابراینکه جمله <و یهلک الحرث و ..>، تفسیر جمله <لیفسد فیها> باشد.

۱۱ نابود کردن کشاورزی و نسل کشی ، مبعوض خداوند

و اذا تولى .. و یهلک الحرث و النسل و اللّٰه لا یحب الفساد

نسل کشی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۴،۱۱

۴ نابود ساختن کشاورزی و نسل کشی ، از بارزترین نوع فساد در زمین است .

لیفسد فیها و یهلک الحرث و النسل

بنابراینکه جمله <و یهلک الحرث و ..>، تفسیر جمله <لیفسد فیها> باشد.

۱۱ نابود کردن کشاورزی و نسل کشی ، مبعوض خداوند

و اذا تولى .. و یهلک الحرث و النسل و اللّٰه لا یحب الفساد

نسل ها

جایگزینی نسل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۱ - ۱

۱ - جایگزین کردن نسلی به جای نسل دیگر، فلسفه مقدر شدن مرگ از سوی خداوند برای انسان ها

نحن قدّرنا بینکم الموت .. علی أن نبذل أمثلکم

جمله <علی أن نبذل> مربوط به تقدیر مرگ در آیه پیش است؛ یعنی، ما بر این اساس که امثال شما (نسل های بعد) را جایگزین شما گردانیم، مرگ را تقدیر کرده ایم.

سهولت جایگزینی نسل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۰ -

۱- میراندن انسان ها و خلق انسانهایی جدید به جای آنان ، کار دشواری برای خداوند نیست .

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ . وَ مَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بَعِزٍ

ملائك روابط اخروی نسل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۶، ۲

۲- ایمان ، محور پیوند نسل ها به یک دیگر ، در جهان آخرت

و الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ اتَّبَعْتَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ

۶- اصل ایمان ، شرط بهره‌وری فرزندان ، از مزیت پیوستن نسل ها به پدارن بهشتی خود

وَ اتَّبَعْتَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ

نسل های آینده

ایمان نسل های آینده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۸

۸ از موانع نزول عذاب استیصال بر امت های گنهکار و کافر ، علم خداوند به ایمان آوردن آنان در آینده است .

وَ مَا كَانَ اللَّهُ مَعَذِبُهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

نشاط از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نشاط

اهمیت نشاط مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - شاداب ماندن جامعه ایمانی و جلوگیری از عوامل ناراحتی زا و اندوه آفرین ، حکمت نهی الهی از نجوا های آلوده به گناه

إِنَّمَا النُّجُوى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا

إِنَّمَا النُّجُوى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا

زمینه نشاط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۶

۶ - نقش سازنده روشنایی روز ، در تلاش روزانه انسان ها و نشاط و شادابی آنان

و النهار مبصرًا

عوامل نشاط

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۴ - ۳،۴

۳ - تأثیر رنگ ها ، در شادابی و یا پژمردگی انسان ها

مدهامتان

۴ - تأثیر سبزرنگی و طراوت باغ ها (درختان ، گیاهان و ...) ، در شادابی انسان ها

مدهامتان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۶ - ۳

۳ - تأثیر چشمه های جوشان ، در طراوت و شادابی انسان ها

فیهما عینان نضاختان

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در سلسله آیاتی قرار دارد که در صدد برشمردن نعمت های روح بخش و طراوت آفرین بهشتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۶ - ۴

۴ - تأثیر رنگ سبز ، در شادابی و سرزندگی انسان ها

متکین علی رفر ف خضر و عبقری حسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۳

۳ - تأثیر رنگ سبز ، در زیبایی و نشاط آوری

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

این آیه، درصدد بیان لباس هایی است که مطلوب انسان ها و فاخر و زیبا است از این رو می تواند به عنوان پاداش آدمیان و مشوق آنان به دینداری به شمار آید. بر این اساس تصریح به رنگ سبز، می تواند بیانگر برآشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۷ - ۶

۶ - سخاوت مندی ، انفاق ، تقواییشگی و تصدیق وعده های الهی ، زمینه ساز امداد های ویژه خداوند و مایه نشاط انسان در

انجام دادن تکالیف دینی است .

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى .. فسنیسه لیسری

عوامل نشاط اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۱ - ۴،۵

۴ - ایمان به قیامت و خوف از احوال آن روز ، موجب مصونیت از شرور روز قیامت و خرمی رخسار و شادمانی دل

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا .. فَوْقِهِمُ اللَّهُ شَرُّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّيْهِمْ نَصْرَهُ وَ سُرُورًا

۵ - وفای به نذر ، ایثار و انفاق خالصانه به نیازمندان و بیم از روز قیامت ، موجب مصونیت از سختی های قیامت و شادمانی در آخرت است .

يُوفُونَ بِالْأَنْذَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا .. إِنَّمَا نَطَعْمُكُمْ لَوْجَهُ اللَّهِ ... فَوْقِهِمُ اللَّهُ ... وَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که آیه شریفه ناظر به مجموع آیات مربوط به ابرار و ویژگی های آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۱ - ۴

۴ - تقوایبشگی ، عامل آسودگی و شادابی در آخرت

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّ وَعَيْون

منشأ نشاط زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱

۱ - حیات و خرمی زمین پزمرده با نزول باران ، از آیات و نشانه های قدرت خداوند است .

و من ءایته أنك تری الأرض خشعه فإذا أنزلنا علیها الماء اهتتت و ربت

<خشوع> (مصدر <خاشعه>) در اصل به معنای تضعیف و تواضع است و در مورد زمین کنایه از خشکی و فسردگی می باشد. <اهتزاز> (مصدر <اهتزازت>) به معنای تحریک و جنبش است که نشانه شادابی و خرمی

می باشد. <ربو> (مصدر <ربت>) به معنای افزایش و نمو است و در این جا مقصود رویش گیاهان می باشد.

نشاط اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۶

۶ - راه نداشتن کمترین ملال و زحمت ، در زندگی اخروی بهشتیان

متکین ... و جنی الجنّین دان

از این که خداوند با تعبیر <متکین علی فرش> و <دان>، نهایت آسایش بهشتیان را ترسیم کرده است، مطلب بالا استفاده می شود.

نشاط اخروی خنده رویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۲

۲ - کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

مستبشره

<إستبشار>؛ یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). <بشر و استبشر> به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

نشاط اخروی زیبارویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۲

۲ - کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

<إستبشار> یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). <بشر و استبشر> به يك معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

نشاط اخروی متقین

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۱ - ۳

۳ - زندگی تقوایپیشگان در بهشت ، در اوج آسودگی و شادابی است .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّ وَعِیُونَ

زندگی در زیر سایه ها و در کنار چشمه سارها، بیانگر برداشت یاد شده است.

نشاط حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۲

۲ - حوریان باطراوت و پاکدامن بهشتی ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

لَمْ يَطْمَئِنِّ اِنْسٌ قَبْلَهُمْ .. فَبِأَيِّ اَلَاءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

نشاط در تسبیح خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ - نشاط در عبادت و خسته نشدن از تسبیح پروردگار ، امری ستوده نزد خداوند

يَسْبَحُونَ لَهُ .. وَ هُمْ لَا يَسْتَمُونَ

نشاط در تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۳

۳ - نشاط و سرحالی در انجام دادن مأموریت های الهی ، وصفی ارزشمند است .

و النشطت نشطاً

سوگند خداوند، حاکی از ارجمندی چیزی است که به آن سوگند یاد شده است.

نشاط در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۱۲

۱۲ نشاط در عبادت ، اخلاص ، ذکر فراوان خدا و استواری در ایمان ، پرتویی از هدایت الهی است .

و إذا قاموا إلى الصلوة . . . و من يضل الله فلن تجد له سيلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۹

۸- مقربان در گاه خداوند از عبادت او هیچ گاه ملول و خسته نمی شوند .

من عنده لا یتکبرون عن عبادته و لا یتحسرون

<استحسار> (مصدر <یتحسرون>) به معنای تعب و ملالت است.

۹- تأثیر دستیابی به مقام قرب الهی ، در خستگی نیافتن از عبادت و پرستش خداوند و تکبر نورزیدن

و من عنده لا یتکبرون عن عبادته و لا یتحسرون

از این که خداوند فرمود <آنها که پیش ما هستند و مقرب اند، از عبادت خسته نمی شوند و تکبر نمیورزند>، به دست می آید که دستیابی به قرب الهی، در خستگی ناپذیری و تکبر نورزیدن تأثیر دارد.

نشاط در عبادت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ - نشاط در عبادت و خسته نشدن از تسبیح پروردگار ، امری ستوده نزد خداوند

یسبحون له .. و هم لا یسئمون

نشاط در عمل به تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۷ - ۶

۶ - سخاوت مندی ، انفاق ، تقوای پیشگی و تصدیق وعده های الهی ، زمینه ساز امداد های ویژه خداوند و مایه نشاط انسان در انجام دادن تکالیف دینی است .

فأما من أعطی .. فسنیسره لیسری

نشاط در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ سستی و نشاط نداشتن در نماز و مقدمات آن، از صفات منافقان

و إذا قاموا إلى الصلوة قاموا كسالى

<کسالی> جمع <کسلان> است؛ و کسلان به کسی گفته می شود که با کندی و اکراه و بدون نشاط و میل، کاری را

انجام دهد. قیام به سوی نماز که مفاد جمله <قاموا إلى الصلوه> است، شامل مقدمات نماز نیز می شود.

۱۰ ضرورت برپایی نماز، با میل و نشاط و پرهیز از کسالت و خمودی در انجام آن

و إذا قاموا إلى الصلوه قاموا كسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۷ - ۸

۸- [> فی فقه الرضا (ع)] قال : لا صلاه إلا باسباغ الوضوء و احضار التیّه و خلوص الیقین و إفراغ القلب و ترك الأشغال و هو قوله > فإذا فرغت فانصب . و إلى ربك فارغب < ;

[در کتاب <فقه الرضا(ع)> آمده که] آن حضرت فرمود: نماز نیست؛ مگر با شاداب ساختن وضو و حاضر داشتن نیت و یقین خالص و خالی کردن قلب [از یاد غیر خدا] و ترک سرگرمی ها و این است [معنای] سخن خدا [که فرمود:] <فإذا فرغت فانصب . و إلى ربك فارغب> .

نشاط مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۹ - ۸

۸- مقربان در گاه خداوند از عبادت او هیچ گاه ملول و خسته نمی شوند .

من عنده لا یتکبرون عن عبادته و لا یتحسرون

<استحسار> (مصدر <یتحسرون>) به معنای تعب و ملالت است.

نشاط ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۱،۲

۱ - فرشتگان در انجام مأموریت های خویش ، سرشار از نشاط و به دور از هرگونه کسالت اند .

و النشاط نشطاً

نشاط، نقطه مقابل کسالت است و به کسی که برای انجام کاری طیب نفس داشته باشد،

<ناشط> می گویند. (لسان العرب)

۲ - سوگند خداوند به فرشتگان پر نشاط و شاداب

و النشاط نشطاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۹ - ۳

۳ - خداوند در تأکید بر وجود ترس و نگرانی در قیامت، به فرشتگان سوگند یاد کرده است که سریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند.

و النازعات .. قلوب یومئذ واجفه . أبصرها خشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

نشوز از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نشوز

روش برخورد با نشوز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۴۱، ۴۰، ۳۵، ۳۰، ۲۹، ۲۷، ۲۶، ۲۴، ۲۳

۲۳ پند و اندرز، اولین اقدام برای جلوگیری از نشوز زن

و التي تخافون نشوزهنّ فعظوهنّ

۲۴ پرهیز شوهر از همخوابگی با همسر، اقدامی برای جلوگیری از نشوز وی

و التي تخافون نشوزهنّ .. و اهجروهنّ فی المضاجع

در برداشت فوق <فی المضاجع> متعلق به <اهجروهنّ> گرفته شده است.

۲۶ زدن، آخرین اقدام برای جلوگیری از نشوز زن

والتی تخافون نشوزهنّ .. و اضربوهنّ

۲۷ بروز علائم نشوز زن ، مجوز تدابیر لازم (ترک همخوابگی ، زدن و ...) برای جلوگیری از آن

والتی تخافون نشوزهنّ .. و اضربوهنّ

چون موضوع حکم را خوفِ نشوز (تخافون) قرار داده است و نه تحقق نشوز. و خوف نشوز، همان بروز علائم آن است.

۲۹ لزوم به کارگیری تدابیر لازم برای جلوگیری از رسیدن زن به مرحله نشوز

والتی تخافون نشوزهنّ .. و اضربوهنّ

به نظر می رسد راههای

پیشنهاد شده خصوصیتی نداشته باشد؛ بلکه مراد، بازداشتن زن از ناشزه شدن است؛ هر چند منجر به ترک برخی از حقوق وی باشد.

۳۰ لزوم مراعات ترتیب در کاربرد موعظه، ترک همخوابگی و تنبیه بدنی در مورد زنان ناشزه

و الّتی تخافون نشوزهنّ فعظوهنّ و اهجروهنّ فی المضاجع و اضربوهنّ

۳۵ امید به اصلاح نشوز زن، شرط ترک همخوابگی و تنبیه بدنی او *

و الّتی تخافون نشوزهنّ... فان اطعنکم فلا تبغوا علیهنّ سیلاً

چون جمله <فان اطعنکم> بر جمله های گذشته تفریح شده، بیانگر این است که هدف از روشهای پیشنهاد شده، وادار کردن زن به اطاعت است، نه اینکه تنبیه موضوعیت داشته باشد.

۴۰ بی اعتنایی مرد به همسر خویش در بستر، شیوه ای برای جلوگیری از ناسازگاری وی

و الّتی تخافون نشوزهنّ... و اهجروهنّ فی المضاجع

امام باقر (ع) درباره <واهجروهنّ فی المضاجع> در آیه فوق فرمود: یحوّل ظهره الیها.

مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۲۳۱.

۴۱ لزوم پرهیز از به کارگیری شدت در تنبیه بدنی زن، جهت جلوگیری از ناسازگاری وی

و الّتی تخافون نشوزهنّ... و اضربوهنّ

رسول خدا (ص) درباره آیه فوق فرمود: ... و اضربوهنّ ضرباً غیر مبرّح.

تفسیر طبری، جزء ۵، ص ۶۷، ۶۸؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۵۲۲.

زمینه ترک نشوز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ جواز گذشت زن از برخی حقوق خویش ، به انگیزه جلوگیری از ناسازگاری شوهر و رخ ندادن طلاق

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: هذا تكون عنده المراه لا-تعجبه فيريد طلاقها فتقول له: امسكني و لا تطلقني و ادع لك ما على ظهرك و اعطيك من مالي و احللك من يومي و ليلتي فقد طاب ذلك له كله .

کافی، ج ۶، ص ۱۴۵، ح ۳، نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۸، ح ۶۰۰.

سرزنش نشوز شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۲

۲ نشوز شوهر و عدم تأمین حقوق همسر، امری ناروا و ناپسند

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً فلاجناح عليهما ان يصلحا

سرزنش نشوز مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۳

۳ متارکه زنان و ترک همبستری با آنان، امری نکوهیده و ناروا

إنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

<من دون النساء> حکایت از آن دارد که قوم لوط ازدواج با زنان و زناشویی با همسران خویش را ترک کرده بودند. بنابراین نکوهشی که از استفهام توبیخی <أتأتون ...> استفاده می شود، دلالت بر ناروایی ترک ازدواج و متارکه زناشویی با همسران نیز دارد.

موارد نشوز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۲۲،۳۶

۲۲ رعایت نکردن حقوق شوهر از سوی همسر ، نشوز است .

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ .. قَانِتَاتٌ ... وَ الَّتِي تَخَافُونَ نَشُوزَهُنَّ

۳۶ زن در صورت اطاعت نکردن از شوهر خویش ، ناشزه است .

وَ الَّتِي تَخَافُونَ نَشُوزَهُنَّ .. فَانِ اطْعِنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً

نشوز زن

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۳۵

۳۵ امید به اصلاح نشوز زن ، شرط ترک همخوابگی و تنبیه بدنی او *

و الّتی تخافون نشوزهنّ .. فان اطعنکم فلا تبغوا علیهنّ سیلاً

چون جمله <فان اطعنکم> بر جمله های گذشته تفریع شده، بیانگر این است که هدف از روشهای پیشنهاد شده، وادار کردن زن به اطاعت است، نه اینکه تنبیه موضوعیت داشته باشد.

نشوز شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱،۵

۱ لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده ، در صورت ناسازگاری شوهر وظیفه ای بر عهده زنان

و إن امرأه خافت من بعلها .. فلا جناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً

کلمه <خافت>، بیانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

۵ جواز صرفنظر کردن زن از بعض حقوق خود ، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و إن امرأه خافت من بعلها نشوزاً .. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

جمله <و احضرت الانفس الشح> حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۵

۵ بلا تکلیف رها ساختن زن (نه زندگی کردن و نه طلاق دادن وی) ، کاری ممنوع و حرام بر شوهران

فلاتمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقه

نصرت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نصرت

آثار اجتناب از نصرت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۵

۲۵ - خودداری

از نصرت دین خدا، موجب محرومیت انسان از یاری و حمایت او

و لِنَصْرِنَ اللّٰهَ مِنْ يَنْصِرُهُ

آثار نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۲،۳

۲- فتح سنگر های دشمن و پیروزی برق آسا بر آنان، نیازمند نصرت و امداد های الهی در نگاه مجاهدان راه خدا

و أُخْرَى تَحِبُّونَهَا نَصْرَ مِنَ اللّٰهِ وَ فَتْحَ قَرِيبٍ

ذکر عبارت <نصر من الله> پیش از <فتح قریب>، می تواند برای بیان مطلب بالا باشد.

۳- با رسیدن نصرت الهی و امداد های غیبی، پیروزی بر دشمن قطعی است.

نصر من الله و فتح قریب

آثار نصرت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۶

۶- وعده خداوند به پیروزی و ثبات قدم مؤمنان، در صورت اقدام به جهاد و حمایت از دین

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللّٰهَ ... وَ يَثْبُتْ أَقْدَامُكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰- توسعه و گسترش دین، نیازمند یاران مؤمنی همچون حواریون عیسی (ع)

قال الحواریون نحن أنصار الله

امیدواری به نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - توجه به عنصر امیدواری به پیروزی و نصرت الهی در تبلیغ ، امری لازم و کارآمد

و أُخْرَى تَحِبُّونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحَ قَرِيبٍ

امیدواری نصرت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۷

- گناه کاران ، نباید خود را از لطف و یاری خدا محروم بدانند .

و ما أصبكم .. و ما لكم من دون الله من ولي ولا نصير

با توجه به آیات پیشین که در مورد انسان ها و جوامع گنه کار است می توان استفاده کرد که <ما لكم من دون الله..> ناظر به این نکته است که خداوند ملجأ و پناهگاه تمامی انسان ها حتی گنه کاران می باشد.

انتظار نصرت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۵

۵- انتظار نصرت و امداد از خداوند ، بدون هیچ گونه حرکت و تلاش ، انتظاری بی جا است .

إن تنصروا الله ينصركم

اهمیت نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۳

۳ امتنان خداوند بر مؤمنان به خاطر نصرتش به آنان در موارد بسیار از جمله در جنگ حنین

لقد نصرکم الله فی مواطن کثیره و یوم حنین

بشارت نصرت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۳ - ۲

۲ - نوید الهی ، به یاری دادن پیامبر خویش ، به گونه ای شگرف و شکست ناپذیر

و ینصرك الله نصرًا عزیزًا

<ینصرك> چنان که از عطف آن بر <یغفر> برمی آید ممکن است نتیجه ای باشد که خداوند، به تحقق آن در آینده نوید داده است، یعنی، صلح حدیبیه خود گامی است در جهت پیروزی و ولی فتح نهایی و بدون شکست (فتح مکه) در پیش است

خواهد یافت.

تداوم نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۳

۳ - یاری کردن خداوند ، باید برنامه همیشگی مؤمنان باشد ؛ نه امری مقطعی .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ

جمله <كونوا أنصار الله>، دلالت بر دوام و استمرار می کند.

حتمیت نصرت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۶،۷

۶ - وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، حق و تخلف ناپذیر است .

إِنَّا لَنَنْصُرَ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

۷ - تخلف ناپذیر بودن وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی رهبران دینی و مؤمنان طرفدار آنان در برابر مشکلات و آزار های دشمنان دین است .

إِنَّا لَنَنْصُرَ رُسُلَنَا .. فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> در مقام تعلیل برای <فاصبر> می باشد ؛ یعنی ، <صبر پیشه کن چون وعده خداوند به پیروزی و نصرت، حق است.>

حتمیت نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۴

۴ - نصرت و یاری خداوند به پیامبران و مؤمنان ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا .. و يوم يقوم الأشهد

از آمدن جمله <إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا ..> با حرف تأکید (إِنَّ) و مسند در قالب فعل (لننصر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

حتمیت نصرت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۶،۷

۶ - وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، حق و تخلف ناپذیر است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

۷ - تخلف ناپذیر بودن وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی رهبران دینی و مؤمنان طرفدار آنان در برابر مشکلات و آزار های دشمنان دین است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا .. فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> در مقام تعلیل برای <فاصبر> می باشد؛ یعنی، <صبر پیشه کن چون وعده خداوند به پیروزی و نصرت، حق است.>

دعوت به نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱،۴

۱ - خداوند ، مؤمنان را به یاری خود فراخوانده است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ

۴ - خداوند ، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی (ع) باشند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ .. قَالَ الْحَوَارِيُّونَ

دلایل نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۱

۱ - توانایی خداوند بر جا به جا کردن شب و روز ، دلیلی است گویا برای توانایی او بر یاری رساندن به ستمدیدگان در انتقام گرفتن آنان از ستمگران .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ . . . وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

در آیه پیش، خداوند به آن مسلمانی که مورد ستم و تجاوز مشرکان

قرار گرفته بود، وعده قطعی داد که او را یاری خواهد کرد تا انتقامش را از متجاوزان بازستاند در این آیه، برای این که کسی در توانایی خدا بر تحقق بخشیدن به وعده‌هایش و در حمایت و پشتیبانی از ستم دیدگان تردیدی نکند، گوشه ای از قدرت نهایت خود را بیان کرده است.

زمینه نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۴

۲۴ - جهاد و دفاع ، یاری از دین خدا و وسیله جلب کمک و حمایت او است .

و لولا دفع الله . . . و لينصرن الله من ينصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۱،۴

۱ - جنگ و پیکار با جبهه کفر و با هدف حاکم ساختن ارزش های دینی و الهی ، در پی دارنده حمایت و نصرت خداوند

و لينصرن الله من ينصره . . . الذين ... أقاموا الصلوه ... و نهوا عن المنکر

<الذين> در محل نصب بوده و بدل یا عطف بیان برای <من> در <من ينصره> که تقدیر آن چنین می شود: <و لينصرن الله..الذين إن مکناهم>. <تمکين> (مصدر <مکنا>) به معنای مسلط کردن و استیلا دادن است؛ یعنی، خدا بی تردید یاران خود را یاری خواهد کرد؛ آنان که اگر بر زمین مسلط شوند، نماز را به پا خواهند داشت و...>.

۴ - برخوردارى جامعه اسلامى از حمايت و نصرت خدا ، در گرو اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر است .

الذين ان مکناهم فى الأرض . . . و نهوا عن المنکر

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۹

۲۹ - اقامه نماز ، پرداخت زکات و اعتصام به خداوند ، زمینه ساز برخورداری از ولایت و جلب یاری و نصرت او

فاقیموا الصلوه .. فنعم المولی و نعم النصیر

برداشت فوق، بدان احتمال است که <فنعم المولی..> مترتب بر تکالیف پیشین باشد که انجام آن، موجب بهره مندی از ولایت ویژه و نصرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۸

۸ - صبر و شکیبایی در برابر آزارها و کارشکنی های دشمنان ، زمینه ساز پیروزی و جلب نصرت الهی

فاصبر إنّ وعد الله حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۷

۷ - ایمان به خدا و جهاد با مال و جان در راه او ، مایه جلب نصرت الهی و شکست سریع جبهه دشمن

تؤمنون بالله .. و تجهدون ... و آخری تحبونها

زمینه نصرت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۳

۳ - ایمان واقعی ، مقتضی تلاش در راه خداوند و دفاع از دین او

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ

خداوند، اهل ایمان را با صفت ایمانشان یاد کرده و در پی آن از ایشان دعوت کرده است که به یاری دین برخیزند، یعنی، ایمان واقعی مستلزم یاری رساندن به دین و راه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۹ - ۴

۴ - یاری دین

خدا و تعظیم و تنزیه پیوسته ذات او ، لازمه ایمان و مکمل آن

لَتُؤْمِنُوا .. و تعزروه و توقروه

شرایط نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۵ - ۳

۳ - امکان مؤثر بودن توبه و بهرهوری از نصرت خدا تا قبل از فرا رسیدن عذاب اخروی

لَاتَجْرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِّنَّا لَا تَنْصُرُونَ

قید <الیوم> بیانگر این است که اگر کافران، پیش از فرا رسیدن روز عذاب، توبه می کردند امکان داشت خداوند آنان را بپذیرد و از نصرت خود بهره مند سازد.

شرایط نصرت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۴

۴- شمول نصرت و امداد های الهی به مؤمنان ، منوط به تلاش خود آنان در راه خداوند است .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ

علاقه به نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۱

۱ - مجاهدان راه خدا ، مشتاق امداد های الهی و غلبه سریع بر دشمن

و أُخْرَى تَحْبُونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ

عوامل محرومیت از نصرت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۵ - ۲

۲ - روی گردانی از خدا در دنیا ، مایه محرومیت از نصرت او در آخرت

لا تجثروا الیوم إنکم منّا لاتنصرون

مراد از <الیوم> (امروز) آخرت است؛ زیرا خداوند به هنگام عذاب استیصال با محکومین آن، سخن نمی گوید.

عوامل محرومیت از نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲

۲۵ - خودداری از نصرت دین خدا، موجب محرومیت انسان از یاری و حمایت او

و لينصرونَّ الله من ينصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۲

۲ - کبرورزی مرفهان کفرپیشه، در برابر آیات الهی (قرآن) و تکذیب آن، عامل محرومیت آنان از نصرت خداوند در قیامت

لا تجزوا اليوم... قد كانت آیتی تتلی علیکم... تنکصون. مستکبرین به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۴

۱۴ - انتخاب غیر خدا به عنوان ولی در دنیا، مایه محرومیت از ولایت و نصرت الهی در قیامت

و الذین اتَّخذوا من دونه أولیاء... و الظلمون ما لهم من ولی و لا نصیر

عوامل نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۸

۸ - پیروزی بنی اسرائیل در آزمون الهی با تحمل رنجها و سختیها، موجب تحقق نصرت الهی و نجاتشان شد.

یسومونکم سوء العذاب... و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم. و إذ فرقنا بکم البحر

آیه قبل که بیانگر آزمون الهی از بنی اسرائیل و تحمل رنجها و سختیها از سوی آنان بود، توضیح دهنده سببیت بنی اسرائیل در شکافته شدن دریاست^۲ یعنی، چون بنی اسرائیل آن گونه عمل کردند شایستگی آن را پیدا کردند که خداوند با شکافتن دریا، آنان را نجات دهد و دشمنانسان را هلاک سازد.

عوامل نصرت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان

۸ ربوبیت خداوند ، مقتضی راهبری پیامبر (ص) و مؤمنان و نصرت و یاری آنان

و کفی برّبک هادیًا و نصیرًا

عوامل نصرت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۸

۸ ربوبیت خداوند ، مقتضی راهبری پیامبر (ص) و مؤمنان و نصرت و یاری آنان

و کفی برّبک هادیًا و نصیرًا

فلسفه نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۱۰

۱۰- > عن علی (ع) فقد قال الله سبحانه: < إن تنصروا الله ينصركم و یثبت أقدامکم > ... فلم یستنصرکم من ذلّ ... استنصرکم و له جنود السماوات و الأرض ... و إنّما أراد أن یلوکم أیکم أحسن عملاً ... ;

از علی (ع) روایت شده که فرمود: خدای سبحان فرموده: <إن تنصروا الله ينصركم و یثبت أقدامکم>. خدا از روی ذلت شما را به یاری خود نطلبیده ... از شما یاری خواسته؛ در حالی که لشکریان آسمان ها و زمین از آن او است. همانا اراده کرده است تا شما را امتحان کند که کدام یک در عمل نیکوترید.

کفایت نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۳

۳ خداوند بی مدد دیگران ، یآوری کافی برای انسان در زندگی و تأمین کننده نیاز های هدایتی او

و کفی برّبک هادیًا و نصیرًا

متخلفان از نصرت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱

۱ - تخلف برخی از اعراب بادیه نشین در سفر منتهی به صلح حدیبیه ، از همراهی و یاری پیامبر (ص)

سیقول لك المخلفون من الأعراب

با توجه به این که آیات پیشین درباره <فتح مبین> (صلح حدیبیه) بود، استفاده می شود که تخلف این گروه از اعراب، در رابطه با همین سفر است که به صلح حدیبیه منتهی گشت.

محرومان از نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۱ - ۹

۹ - مشرکان ، از دستگیری و نصرت خدا محروم اند .

و ما للظلمين من نصير

محرومان از نصرت های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۶ - ۱

۱ - واپس گرایی رفاهمندان کافر و تأثیر ناپذیری در برابر آیات الهی ، عامل محرومیت آنان از نصرت خداوند

لاتجثروا اليوم .. قد كانت آيتي ... على أعقابكم تنكصون

آیه فوق، خطاب به مرفهان گرفتار عذاب و تعلیل برای رد استغاثه آنها است. فعل های <تتلی> و <تنکصون> به دلیل همراه شدن با <کانت> و <کنتم>، ماضی استمراری است. <نکوص> (مصدر <تنکصون>) به معنای بازگشت به قهقرا است. بنابراین قید <على أعقابكم> که آن نیز به معنای قهقرا است برای تأکید معنای <تنکصون> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۵

۵ - ناسزا گویان به قرآن و پیامبر (ص) محروم از امداد های الهی در برابر عذاب قیامت

لاتجثروا الیوم . . . سمرًا تهجرون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۷۸

۷ - پیشوایان کفر ، محروم از هرگونه نصرت و امداد الهی در روز رستاخیز

و یوم القیمه لاینصرون

۸ - بی بهره بودن فرعون و سپاهیان ، از نصرت الهی در روز قیامت

و یوم القیمه لاینصرون

محرومیت از نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱۸، ۱۶

۱۶ - خداوند ، پیامبر (ص) را در صورت تبعیت از آیین یهود و نصارا ، به محروم کردنش از پشتیبانی و یاری خود تهدید کرد .

و لئن اتبعت أهواءهم .. مالک من الله من ولی و لانصیر

در برداشت فوق <من الله> متعلق به محذوف و حال برای ولی و نصیر گرفته شده است. بر این مبنا جمله <مالک...> چنین معنا می شود: برای تو از جانب خداوند هیچ پشتیبان و یآوری نخواهد بود، یعنی، امدادهای خداوند به تو نمی رسد.

۱۸ - پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هواهای نفسانی ، با وجود قوانین الهی ، موجب محروم شدن از ولایت و یاری خداوند است .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءك من العلم مالک من الله من ولی و لانصیر

مشمولان نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۸

۲۸ - خدا ، سرپرست و یاور خوب و شایسته برای امت اسلامی

هو سَمِيكُمُ الْمُسْلِمِينَ .. وَاَعْتَصِمُوا بِاللّٰهِ ... فَنَعْمُ الْمَوْلٰى وَ نَعْمُ النَّصِيْر

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

١٥ - صفات - ٣٧ - ١١٦

۱ - خداوند ، ناصر و یاور موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان در مبارزه با فرعونیان

و نصرنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۲ - ۲

۲ - پیامبران ، در همه عرصه های رسالت و صحنه های مبارزاتی خود ، از نصرت خداوند برخوردار شدند .

و لقد سبقت کلمتنا .. إنهم لهم المنصورون

برداشت یاد شده از آن جا است که در آیه شریفه، حدود و موارد نصرت خداوند به پیامبران ذکر نگردیده، بلکه به صورت مطلق یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۱،۲،۳

۱ - پیامبران (ع) ، برخوردار از نصرت و یاری خداوند

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا

۲ - مؤمنان و پیروان پیامبران ، برخوردار از نصرت و یاری خداوند

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا

۳ - نصرت و یاری خداوند به پیامبران و مؤمنان ، هم در زندگی دنیا است و هم در آخرت .

إِنَّا لَنَنْصُرُ .. فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - پذیرفته نشدن عذر ستمگران ، دوری آنان از رحمت خداوند و جای گرفتن در سرایی بد ، مظهر نصرت الهی به پیامبران و مؤمنان در قیامت

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا .. يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ . يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، بیانگر چگونگی نصرت الهی در قیامت از رسولان و مؤمنان است که در آیه پیش

(یوم یقوم الأشهد) به آن اشاره شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۲

۲ - غلبه و نصرت قریب الوقوع پیامبر (ص) و مؤمنان بر کافران ، از نشانه های برجسته حقانیت و اعجاز قرآن

سنریهم ءایتنا .. حتّی یتبین لهم أنّه الحقّ

بنابراین که مراد از آیات آفاقی، پیروزی مسلمانان باشد و ضمیر <آنه> به قرآن بازگردد، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۵

۱۵ - پیروان وحی ، بهره مند از نصرت و ولایت الهی در قیامت

و کذلک أوحینا .. یدخل من یشاء فی رحمته... و الظلمون ما لهم من ولیّ و لا نصیر

ستمگران (کسانی که از پیام وحی سرپیچی کنند) از ولایت و نصرت الهی محروم خواهند بود و از آن جا که مشمولان رحمت الهی (یدخل من یشاء فی رحمته) در برابر ستمگران قرار گرفته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۴

۴- شمول نصرت و امداد های الهی به مؤمنان ، منوط به تلاش خود آنان در راه خداوند است .

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ

منشأ نصرت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۳ - ۱

۱ - صلح حدیبیه ، در پی آورنده نصرتی بزرگ از سوی خداوند برای پیامبر (ص)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا .. وَ يَنْصُرُكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا

<ينصر.. > بيانگر نتیجه

ای است که مستقیماً بر <فتح مبین> مترتب گشته است؛ یعنی، <فتح مبین> همان نصرت شگرف الهی است.

نشانه های نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - پذیرفته نشدن عذر ستمگران، دوری آنان از رحمت خداوند و جای گرفتن در سرایی بد، مظهر نصرت الهی به پیامبران و مؤمنان در قیامت

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. يَوْمَ يَقُومُ ٱلْأَشْهَد . يَوْمَ لَا يَنْفَعُ ٱلظَّالِمِينَ مَعْدِر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، بیانگر چگونگی نصرت الهی در قیامت از رسولان و مؤمنان است که در آیه پیش (یوم يقوم الأشهد) به آن اشاره شده بود.

نصرت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۵

۱۵ - پیروان وحی، بهره مند از نصرت و ولایت الهی در قیامت

و كذٰلِكَ اَوْحَيْنَا .. يَدْخُلُ مِنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ... وَ ٱلظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ

ستمگران (کسانی که از پیام وحی سرپیچی کنند) از ولایت و نصرت الهی محروم خواهند بود و از آن جا که مشمولان رحمت الهی (یدخل من یشاء فی رحمته) در برابر ستمگران قرار گرفته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

نصرت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۳

۳ - نصرت و یاری خداوند به پیامبران و مؤمنان، هم در زندگی دنیا است و هم در آخرت .

إِنَّا لَنَنْصُرُ .. فِي ٱلْحَيٰوةِ ٱلدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ ٱلْأَشْهَد

۲۱- > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل إنه كان منصوراً < قال : هو الحسين بن علي (ع) قتل مظلوماً و نحن أولياؤه ، و القائم متياً إذا قام طلب بئار الحسين . . . > إنه كان منصوراً < فإنه لا يذهب من الدنيا حتى ينتصر برجل من آل رسول الله (ص) يملأ الأرض قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً ;

از امام باقر(ع) در باره سخن خدا > و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل إنه كان منصوراً < روایت شده است که فرمود: مقصود [حضرت] حسین بن علی(ع) است که مظلومانه کشته شد و ما ائمه، اولیای دم او هستیم و قائم از ما هر گاه قیام کرد، خون خواهی حسین بن علی(ع) خواهد کرد . . . [و درباره] إنه كان منصوراً [فرمود]: پس دیری نپاید که به وسیله مردی از آل رسول خدا(ص) یاری می شود و زمین را پر از قسط و عدل می کند، هم چنان که پر از جور و ظلم شده باشد <.

نصرت انبیا

۲ - پیامبران ، در همه عرصه های رسالت و صحنه های مبارزاتی خود ، از نصرت خداوند برخوردار شدند .

و لقد سبقت كلمتنا .. إنهم لهم المنصورون

برداشت یاد شده از آن جا است که در آیه شریفه، حدود و موارد

نصرت خداوند به پیامبران ذکر نگردیده، بلکه به صورت مطلق یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۴

۱ - پیامبران (ع) ، برخوردار از نصرت و یاری خداوند

إِنَّا لَنَنْصُرُ رَسُلَنَا

۴ - نصرت و یاری خداوند به پیامبران و مؤمنان ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رَسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ

از آمدن جمله <إِنَّا لَنَنْصُرُ رَسُلَنَا ..> با حرف تأکید (إِنَّ) و مسند در قالب فعل (لننصر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - پذیرفته نشدن عذر ستمگران ، دوری آنان از رحمت خداوند و جای گرفتن در سرایی بد ، مظهر نصرت الهی به پیامبران و مؤمنان در قیامت

إِنَّا لَنَنْصُرُ رَسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ . يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْدِرُ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، بیانگر چگونگی نصرت الهی در قیامت از رسولان و مؤمنان است که در آیه پیش (یوم يقوم الأشهاد) به آن اشاره شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۴

۴ - وعده خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی ، در برابر آزارها و کارشکنی های دشمنان است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رَسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. فَاصْبِرْ

نصرت اولیای مقتول

۱۹- > عن إسحاق بن عمار قال : قلت لأبي الحسن (ع) إن الله عزوجل يقول في كتابه : > .. فلايسرف في القتل إنه كان منصوراً < فما هذا الإسراف الذي نهى الله عزوجل عنه قال : نهى أن يقتل غير قاتله أو يمثل بالقاتل قلت : فما معنى قوله : > إنه كان منصوراً < قال : و أي نصره أعظم من أن يدفع القاتل إلى أولياء المقتول فيقتله و لا تبعه تلزمه من قتله في دين و لا دنيا ;

اسحاق بن عمار گوید: به امام موسی بن جعفر(ع) گفتم: همانا خدای عزوجل در کتابش می فرماید: > .. فلايسرف في القتل إنه كان منصوراً< این اسراف چه اسرافی است که خداوند عزوجل از آن نهی کرده است[راوی گوید]گفتم: پس معنای سخن خدا >إنه كان منصوراً< چیست؟ فرمود: چه نصرتی بزرگ تر از اینکه قاتل به اولیای مقتول داده می شود و آنان قاتل را می کُشند و پیامدهایی که لازمه قتل است چه پیامدهای دینی و چه دنیایی دامنگیر آنان نمی شود.<

نصرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ناصر و یاور موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان در مبارزه با فرعونیان

و نصرنهم

نصرت به انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۹

۹ - نسخ ادیان و جایگزینی دینی دیگر از سوی خدا ، در جهت تدبیر

امور انسان ها و به منظور یاری آنهاست .

ما ننسخ من ءایه . . . و ما لکم من دون اللّٰه من ولی و لانصیر

برداشت فوق مقتضای ارتباط بین جمله < ما ننسخ من ءایه . . . > با جمله < و ما لکم . . . > است.

نصرت حامیان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۳

۲۳ - حمایت قطعی خدا ، از یاری کنندگان دین خویش

و لینصرنّ اللّٰه من ینصره

نصرت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۶

۲۶ - قدرت و عزت الهی ، ضامن نصرت قطعی دفاع کنندگان از حق و یاوران دین است .

و لینصرنّ اللّٰه من ینصره إنّ اللّٰه لقویّ عزیز

نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۵،۹

۵ - انسان ها ، جز خداوند یآوری ندارند .

و ما لکم من دون اللّٰه من ولی و لانصیر

۹ - نسخ ادیان و جایگزینی دینی دیگر از سوی خدا ، در جهت تدبیر امور انسان ها و به منظور یاری آنهاست .

ما ننسخ من ءایه . . . و ما لکم من دون اللّٰه من ولی و لانصیر

برداشت فوق مقتضای ارتباط بین جمله <ما ننسخ من آیه .. > با جمله <و ما لکم ... > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱۵

۱۵ - پیامبر (ص) همواره بر خوردار از حمایت و یاری خداوند بود .

و لئن اتبعت .. مالک من الله من

ولّی و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۸

۱۸ وعده قطعی خداوند به یاری و نصرت پیامبر (ص) ، در مباحثه با نصارا

فنجعل لعنت الله علی الکاذبین

پیشنهاد مباحثه از جانب خدا به پیامبر (ص) بوده و این، مستلزم نصرت دادن پیامبر اکرم (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۵ - ۸،۱۰

۸ خداوند ، یاری دهنده ای کافی است .

و کفی بالله نصیراً

۱۰ مؤمنان با اعتماد به ولایت و نصرت الهی ، نباید از دشمنی مخالفان ضعف و ترسی به خود راه دهند .

و الله اعلم باعدائکم و کفی بالله ولئاً و کفی بالله نصیراً

هدف از بیان ولایت و نصرت الهی پس از معرفی یهودیان به عنوان دشمن، این است که مبادا با تصور دشمنی یهود از آنان بهراسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۱،۱۲،۱۳

۱۱ خداوند ، در قیامت ولی (سرپرست) و نصیر (یاری دهنده) است .

و لایجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

۱۲ تنها خداوند ، توانا بر نصرت مستکبران در قیامت

و لایجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

به قرینه فراز قبل <فيعذبهم عذاباً أليماً> مراد از اینکه مستکبران تنها خداوند را یاور خویش می یابند، این است که تنها وی توانا بر یاوری آنهاست، نه اینکه خداوند ایشان را یاری خواهد کرد.

۱۳ خداوند ، هرگز مستکبران رویگردان از عبادت را ، در قیامت یاری نخواهد کرد .

و لایجدون

لهم من دون الله ولياً ولا نصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۰ - ۴

۴ حمایت و نصرت الهی از آن مؤمنانی است که همواره مطیع خدا و رسول او باشند و از دستورات وی تخلف نکنند . *

و أن الله مع المؤمنين .. أطيعوا الله ورسوله ولا تولوا عنه

آیه مورد بحث می تواند بیانگر کلمه <المؤمنین> در آیه قبل باشد. یعنی آن وعده حمایت (أن الله مع المؤمنين)، مخصوص مؤمنانی است که از دستورات خدا و رسول او سرپیچی نکنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۷

۷ - خدا، توانا بر نصرت و یاری رساندن به مؤمنان مورد تهاجم و مظلوم

و إن الله على نصرهم لقدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۶،۷

۶ - وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان، حق و تخلف ناپذیر است .

إننا لننصر رسلنا و الذين ءامنوا .. فاصبر إن وعد الله حقّ

۷ - تخلف ناپذیر بودن وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان، مقتضی صبر و شکیبایی رهبران دینی و مؤمنان طرفدار آنان در برابر مشکلات و آزارهای دشمنان دین است .

إننا لننصر رسلنا .. فاصبر إن وعد الله حقّ

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که جمله <إنّ وعد الله حقّ> در مقام تعلیل برای <فاصبر> می باشد، یعنی، <صبر پیشه کن چون وعده خداوند به پیروزی و نصرت، حق است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۸

۱۸ - ولایت و نصرت الهی ، جلوه ای از رحمت او است .

یدخل من یشاء فی رحمته و الظلمون ما لهم من ولی و لا نصیر

از مقابله دو بخش از آیه شریقه (یدخل من یشاء فی رحمته < و >والظالمون..) مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۶

۶ - خداوند ، تنها یار و یاور انسان در حفاظت وی از عواقب ناگوار گناهان

و ما أصبکم . . . و ما لکم من دون الله من ولی و لا نصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۲۱

۲۱- اراده الهی ، حاکم بر تحولات تاریخ و نصرت دهنده مؤمنان در برابر هجوم کفر

الذین کفروا . . . أضلّ أعملهم . و الذین ءامنوا ... و أصلح بالهم

با توجه به شأن نزول آیه که در کوران مشکلات مسلمانان نازل شده و بدانان نوید پیروزی داده است مطلب بالا استفاده می شود. در این صورت <بال> به معنای شؤون مادی و معنوی زندگی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۲

۲- جهاد و مبارزه با کافران محارب ، یاری خداوند است .

فإذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب . . . إن تنصروا الله ینصرکم

باتوجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، استفاده می شود که <یاری دادن به خدا> بر <جنگ علیه کافران محارب> منطبق شده است.

۵ - حواریون عیسی (ع) ، نمونه و الگوی خوبی برای اهل ایمان در یاری خدا ، پیامبر (ص) و دین او

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ

نصرت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۱، ۱۳

۱۱ خداوند ، در قیامت ولی (سرپرست) و نصیر (یاری دهنده) است .

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

۱۳ خداوند ، هرگز مستکبران رویگردان از عبادت را ، در قیامت یاری نخواهد کرد .

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

نصرت دنیوی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۳

۳ - نصرت و یاری خداوند به پیامبران و مؤمنان ، هم در زندگی دنیا است و هم در آخرت .

إِنَّا لَننصر . . . فی الحیوه الدنیا و یوم یقوم الأشهد

نصرت دنیوی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۳

۳ - نصرت و یاری خداوند به پیامبران و مؤمنان ، هم در زندگی دنیا است و هم در آخرت .

إِنَّا لَننصر . . . فی الحیوه الدنیا و یوم یقوم الأشهد

نصرت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۴

۲۴ - جهاد و دفاع ، یاری از دین خدا و وسیله جلب کمک و حمایت او است .

و لولا دفع الله . . و لينصرن الله من ينصره

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۱

۱- دعوت خداوند ، از مؤمنان برای جهاد و یاری دین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۹ - ۱

۱ - ایمان به خدا و رسول او ، یاری دین و تعظیم و تقدیس پیوسته ذات الهی ، هدف عالی و نهایی رسالت پیامبر اکرم (ص)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ .. لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بِكُورِهِ وَأَصْوَعِهِ

نصرت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۹

۹ - حواریون به دعوت عیسی (ع) ، پاسخ مثبت داده و برای یاری او اعلام آمادگی کردند .

قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ

نصرت محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۴

۴ دلداری و وعده خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، مبنی بر نصرت و راهبری آنان در برابر دشمنانشان

و كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمَجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَنَصِيرًا

آیه شریفه، با بیان وضعیت پیامبران در انجام رسالتشان که همواره بادشمنان تبه کار مواجه بودند می تواند درصدد تعقیب دو هدف باشد: ۱ دلجویی از پیامبر (ص) و مؤمنان در برابر کارشکنی های دشمنان آنان. ۲ تشویق و تحریک پیامبر (ص) و مؤمنان به صبر و پایداری در راه خدا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۲

غلبه و نصرت قریب الوقوع پیامبر (ص) و مؤمنان بر کافران ، از نشانه های برجسته حقانیت و اعجاز قرآن

سنریهم ءایتنا .. حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمُ أَنَّهُ الْحَقُّ

بنابراین که مراد از آیات آفاقی، پیروزی مسلمانان باشد و ضمیر <آنه> به قرآن بازگردد، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۵

۵ - حواریون عیسی (ع) ، نمونه و الگوی خوبی برای اهل ایمان در یاری خدا ، پیامبر (ص) و دین او

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ

نصرت مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۶

۶ - وعده یاری ، حمایت و پشتیبانی از سوی خداوند ، به مسلمانان صدراسلام در پیکارشان علیه جبهه کفر

أُذْنٌ لِلَّذِينَ يَقْتُلُونَ .. و إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

نصرت مظلومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۷

۷ - خدا ، توانا بر نصرت و یاری رساندن به مؤمنان مورد تهاجم و مظلوم

و إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۰ - ۴

۴ - خداوند ، به مسلمان مورد ستم ، وعده قطعی داد که او را نصرت و یاری خواهد داد تا انتقام خود را از ستمگران بازستاند

و من عاقب . . . ثم بغى عليه لينصرته الله

نصرت موسى (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٥ - صفات - ٣٧ - ١١٦

۱ - خداوند ، ناصر و یاور موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان در مبارزه با فرعونیان

و نصرنهم

نصرت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۷

۷ - خدا ، توانا بر نصرت و یاری رساندن به مؤمنان مورد تهاجم و مظلوم

و إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نصرهم لَقَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۰ - ۴

۴ - سرگذشت قوم نوح ، دارای نشانه هایی روشن بر قدرت الهی در کیفر کافران و نصرت مؤمنان

قال رب انصرني .. . إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ

با توجه به ظهور قدرت خدا در طوفان نوح و غرق شدن کافران و مشرکان و نیز ظهور نصرت الهی نسبت به حضرت نوح (ع) و همراهان او، عبارت <إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ>، می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۴

۴ دلداری و وعده خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، مبنی بر نصرت و راهبری آنان در برابر دشمنانشان

و كَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَ نَصِيرًا

آیه شریفه، با بیان وضعیت پیامبران در انجام رسالتشان که همواره بادشمنان تبه کار مواجه بودند می تواند درصدد تعقیب دو هدف باشد: ۱ دلجویی از پیامبر(ص) و مؤمنان در برابر کارشکنی های دشمنان آنان. ۲ تشویق و تحریک پیامبر(ص) و مؤمنان به صبر و پایداری در راه خدا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر -

۲ - مؤمنان و پیروان پیامبران ، برخوردار از نصرت و یاری خداوند

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا

۴ - نصرت و یاری خداوند به پیامبران و مؤمنان ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. و یوم یقوم الأشهد

از آمدن جمله <إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا ..> با حرف تأکید (إِنَّ) و مسند در قالب فعل (لننصر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - پذیرفته نشدن عذر ستمگران ، دوری آنان از رحمت خداوند و جای گرفتن در سرایی بد ، مظهر نصرت الهی به پیامبران و مؤمنان در قیامت

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. یوم یقوم الأشهد . یوم لاینفع الظلمین معذر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، بیانگر چگونگی نصرت الهی در قیامت از رسولان و مؤمنان است که در آیه پیش (یوم یقوم الأشهد) به آن اشاره شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۴

۴ - وعده خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی ، در برابر آزارها و کارشکنی های دشمنان است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. فاصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۲

۲ - غلبه و نصرت قریب الوقوع پیامبر (ص) و مؤمنان بر کافران ،

از نشانه های برجسته حقانیت و اعجاز قرآن

سنریهم ءایتنا .. حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُم أَنَّهُ الْحَقُّ

بنابراین که مراد از آیات آفاقی، پیروزی مسلمانان باشد و ضمیر <آنه> به قرآن بازگردد، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۲۱

۲۱- اراده الهی ، حاکم بر تحولات تاریخ و نصرت دهنده مؤمنان در برابر هجوم کفر

الذین کفروا .. أَضَلَّ أَعْمَلَهُمْ . و الذین ءامنوا ... و أصلح بالهم

با توجه به شأن نزول آیه که در کوران مشکلات مسلمانان نازل شده و بدانان نوید پیروزی داده است مطلب بالا استفاده می شود. در این صورت <بال> به معنای شئون مادی و معنوی زندگی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۳ - ۴

۴- نصرت الهی در حق مؤمنان ، نصرتی حتمی و بدون شکست *

و ينصرک الله نصرًا عزیزًا

<نصرًا عزیزًا> می تواند قید توضیحی باشد؛ یعنی، اصولاً نصرت خداوند نصرتی بدون شکست است.

نصرت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ناصر و یاور موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان در مبارزه با فرعونیان

و نصرنهم

نیاز به نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۸

۸- مؤمنان ، محتاج امداد های الهی ، در پیشبرد دین و مبارزه با دشمنان

إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ

از این که خداوند، نوید نصرت و امداد به مؤمنان را در

زمینه جهاد مطرح کرده است؛ نیاز آنان به امدادهای خداوند استفاده می شود.

وعدۀ نصرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۴

۴ - وعدۀ خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان ، مقتضای صبر و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی ، در برابر آزارها و کارشکنی های دشمنان است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. فَاصْبِرْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۴

۴ - امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعدۀ قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

يَغْفِرْ لَكُمْ .. وَ أُخْرَى تَحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ

وعدۀ نصرت به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را به امداد خویش مطمئن ساخت و به آن حضرت وعدۀ پیروزی بر دشمنان داد .

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحِ

<نصر> به معنای پیروز ساختن و <فَتْح> به معنای گشودن است. (برگرفته از <مقایس اللغه>) حرف <إِذَا> دلالت بر وقوع حتمی شرط در آینده دارد.

ویژگیهای نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۳

۳ خداوند بی مدد دیگران ، یآوری کافی برای انسان در زندگی و تأمین کننده نیاز های هدایتی او

و کفی برَبِّكَ هادِيًا و نصِيرًا

نصرت خدا

آثار نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۲،۳

- فتح سنگر های دشمن و پیروزی برق آسا بر آنان ، نیازمند نصرت و امداد های الهی در نگاه مجاهدان راه خدا

و أُخْرَى تَحْبُونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ

ذکر عبارت <نصر من الله> پیش از <فتح قریب>، می تواند برای بیان مطلب بالا باشد.

۳- با رسیدن نصرت الهی و امداد های غیبی ، پیروزی بر دشمن قطعی است .

نصر من الله و فتح قریب

امیدواری به نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۱۱

۱۱- توجه به عنصر امیدواری به پیروزی و نصرت الهی در تبلیغ ، امری لازم و کارآمد

و أُخْرَى تَحْبُونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ

اهمیت نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۳

۳ امتنان خداوند بر مؤمنان به خاطر نصرتش به آنان در موارد بسیار از جمله در جنگ چنین

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ

تداوم نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۳

۳- یاری کردن خداوند ، باید برنامه همیشگی مؤمنان باشد ، نه امری مقطعی .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ

جمله <كونوا أنصار الله>، دلالت بر دوام و استمرار می کند.

حتمیت نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۴

۴ - نصرت و یاری خداوند به پیامبران و مؤمنان ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا ..

و یوم یقوم الأشهد

از آمدن جمله <إِنَّا لَنَنْصُرُ رَسُلَنَا ..> با حرف تأکید (إِنَّ) و مسند در قالب فعل (لننصر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

دعوت به نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱،۴

۱ - خداوند ، مؤمنان را به یاری خود فراخوانده است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ

۴ - خداوند ، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی (ع) باشند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ .. قَالَ الْحَوَارِيُّونَ

دلایل نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۱

۱ - توانایی خداوند بر جا به جا کردن شب و روز ، دلیلی است گویا برای توانایی او بر یاری رساندن به ستمدیدگان در انتقام گرفتن آنان از ستمگران .

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ .. وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

در آیه پیش، خداوند به آن مسلمانی که مورد ستم و تجاوز مشرکان قرار گرفته بود، وعده قطعی داد که او را یاری خواهد کرد تا انتقامش را از متجاوزان بازستاند در این آیه، برای این که کسی در توانایی خدا بر تحقق بخشیدن به وعدهایش و در حمایت و پشتیبانی از ستم دیدگان تردیدی نکند، گوشه ای از قدرت نهایت خود را بیان کرده است.

زمینه نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۴

وسيله جلب کمک و حمايت او است .

و لولا دفع الله .. و لينصرن الله من ينصره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۱،۴

۱ - جنگ و پیکار با جبهه کفر و با هدف حاکم ساختن ارزش های دینی و الهی ، در پی دارنده حمايت و نصرت خداوند

و لينصرن الله من ينصره .. الذين ... أقاموا الصلوه ... و نهوا عن المنکر

<الذين> در محل نصب بوده و بدل يا عطف بيان برای <من> در <من ينصره> که تقدير آن چنین می شود: <و لينصرن الله.. الذين إن مکناهم>. <تمکين> (مصدر <مکنا>) به معنای مسلط کردن و استيلا دادن است، يعنی، خدا بی تردید ياران خود را ياری خواهد کرد؛ آنان که اگر بر زمین مسلط شوند، نماز را به پا خواهند داشت و...>.

۴ - برخورداري جامعه اسلامي از حمايت و نصرت خدا، در گرو اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر است .

الذين ان مکناهم في الأرض .. و نهوا عن المنکر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۹

۲۹ - اقامه نماز، پرداخت زکات و اعتصام به خداوند، زمينه ساز برخورداري از ولايت و جلب ياری و نصرت او

فاقيموا الصلوه .. فنعم المولى و نعم النصير

برداشت فوق، بدان احتمال است که <فنعم المولى..> مترتب بر تکاليف پيشين باشد که انجام آن، موجب بهره مندی از ولايت ویژه و نصرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر

۸ - صبر و شکیبایی در برابر آزارها و کارشکنی های دشمنان ، زمینه ساز پیروزی و جلب نصرت الهی

فاصبر إن وعد الله حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۷

۷ - ایمان به خدا و جهاد با مال و جان در راه او ، مایه جلب نصرت الهی و شکست سریع جبهه دشمن

تؤمنون بالله .. و تجهدون ... و آخری تحبونها

شرایط نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۵ - ۳

۳ - امکان مؤثر بودن توبه و بهره‌وری از نصرت خدا تا قبل از فرا رسیدن عذاب اخروی

لا تجثروا اليوم إنکم منّا لاتنصرون

قید <الیوم> بیانگر این است که اگر کافران، پیش از فرا رسیدن روز عذاب، توبه می کردند امکان داشت خداوند آنان را بپذیرد و از نصرت خود بهره مند سازد.

علاقه به نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۱

۱ - مجاهدان راه خدا ، مشتاق امداد های الهی و غلبه سریع بر دشمن

و آخری تحبونها نصر من الله و فتح قریب

عوامل محرومیت از نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۵

۲۵ - خودداری از نصرت دین خدا، موجب محرومیت انسان از یاری و حمایت او

و لینصرنّ الله من ینصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۲

۲ - کبرورزی مرفهان کفرپیشه،

در برابر آیات الهی (قرآن) و تکذیب آن، عامل محرومیت آنان از نصرت خداوند در قیامت

لا تجثروا اليوم... قد كانت آیتی تتلی علیکم... تنکصون. مستکبرین به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۴

۱۴ - انتخاب غیر خدا به عنوان ولی در دنیا، مایه محرومیت از ولایت و نصرت الهی در قیامت

و الذین اتخذوا من دونه أولیاء... و الظلمون ما لهم من ولی و لا نصیر

عوامل نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۸

۸ - پیروزی بنی اسرائیل در آزمون الهی با تحمل رنجها و سختیها، موجب تحقق نصرت الهی و نجاتشان شد.

یسومونکم سوء العذاب... و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم. و إذ فرقنا بکم البحر

آیه قبل که بیانگر آزمون الهی از بنی اسرائیل و تحمل رنجها و سختیها از سوی آنان بود، توضیح دهنده سببیت بنی اسرائیل در شکافته شدن دریاست^۸ یعنی، چون بنی اسرائیل آن گونه عمل کردند شایستگی آن را پیدا کردند که خداوند با شکافتن دریا، آنان را نجات دهد و دشمنانسان را هلاک سازد.

فلسفه نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۱۰

۱۰- > عن علی (ع) فقد قال الله سبحانه: < إن تنصروا الله ينصركم و یثبت أقدامکم >... فلم یستنصرکم من ذلّ... استنصرکم و له جنود السماوات و الأرض..

. و إنما أراد أن يبلوكم أيتكم أحسن عملاً . . . ;

از علی(ع) روایت شده که فرمود: خدای سبحان فرموده: <إِن تَنصَرُوا اللّٰهَ يَنصِرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ>. خدا از روی ذلت شما را به یاری خود نطلبیده ... از شما یاری خواسته؛ در حالی که لشکریان آسمان ها و زمین از آن او است. همانا اراده کرده است تا شما را امتحان کند که کدام یک در عمل نیکوترید.<

کفایت نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۳

۳ خداوند بی مدد دیگران ، یآوری کافی برای انسان در زندگی و تأمین کننده نیاز های هدایتی او

و کفی برّبک هادیًا و نصیرًا

محرومان از نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۱ - ۹

۹ - مشرکان ، از دستگیری و نصرت خدا محروم اند .

و ما للظالمین من نصیر

محرومیت از نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱۸، ۱۶

۱۶ - خداوند ، پیامبر (ص) را در صورت تبعیت از آیین یهود و نصارا ، به محروم کردنش از پشتیبانی و یاری خود تهدید کرد .

و لئن اتبعت أهواءهم . . مالک من الله من ولیّ و لانصیر

در برداشت فوق <من الله> متعلق به محذوف و حال برای ولیّ و نصیر گرفته شده است. بر این مبنا جمله <مالک...> چنین

معنا می شود: برای تو از جانب خداوند هیچ پشتیبان و یآوری نخواهد بود؛ یعنی، امدادهای خداوند به تو نمی رسد.

- پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هواهای نفسانی ، با وجود قوانین الهی ، موجب محروم شدن از ولایت و یاری خداوند است .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءك من العلم مالک من اللّٰه من ولیّ و لانصیر

مشمولان نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ناصر و یاور موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان در مبارزه با فرعونیان

و نصرنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۲ - ۲

۲ - پیامبران ، در همه عرصه های رسالت و صحنه های مبارزاتی خود ، از نصرت خداوند برخوردار شدند .

و لقد سبقت کلمتنا .. إنهم لهم المنصورون

برداشت یاد شده از آن جا است که در آیه شریفه ، حدود و موارد نصرت خداوند به پیامبران ذکر نگردیده ، بلکه به صورت مطلق یاد شده است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۱،۲،۳

۱ - پیامبران (ع) ، برخوردار از نصرت و یاری خداوند

إنّا لننصر رسلنا

۲ - مؤمنان و پیروان پیامبران ، برخوردار از نصرت و یاری خداوند

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا

۳ - نصرت و یاری خداوند به پیامبران و مؤمنان ، هم در زندگی دنیا است و هم در آخرت .

إنّا لننصر . . . فى الحيوه الدنيا و يوم يقوم الأشهد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - پذیرفته نشدن عذر ستمگران ، دورى آنان از

رحمت خداوند و جای گرفتن در سرایی بد ، مظهر نصرت الهی به پیامبران و مؤمنان در قیامت

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. یوم یقوم الأشهد . یوم لاینفع الظلمین معذر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، بیانگر چگونگی نصرت الهی در قیامت از رسولان و مؤمنان است که در آیه پیش (یوم یقوم الأشهد) به آن اشاره شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۲

۲ - غلبه و نصرت قریب الوقوع پیامبر (ص) و مؤمنان بر کافران ، از نشانه های برجسته حقانیت و اعجاز قرآن

سنریهم ءایتنا .. حَتَّى یَتَّبِعِنَ لَهُمُ أَنَّهُ الْحَقُّ

بنابراین که مراد از آیات آفاقی، پیروزی مسلمانان باشد و ضمیر <آنه> به قرآن بازگردد، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۵

۱۵ - پیروان وحی ، بهره مند از نصرت و ولایت الهی در قیامت

و کذلک أوحینا .. یدخل من یشاء فی رحمته... و الظلمون ما لهم من ولیّ و لا نصیر

ستمگران (کسانی که از پیام وحی سرپیچی کنند) از ولایت و نصرت الهی محروم خواهند بود و از آن جا که مشمولان رحمت الهی (یدخل من یشاء فی رحمته) در برابر ستمگران قرار گرفته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۴

۴- شمول نصرت و امداد های الهی به مؤمنان ، منوط به تلاش خود آنان در راه خداوند

است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۸

۲۸ - خدا ، سرپرست و یاور خوب و شایسته برای امت اسلامی

هو سَمِّكُمْ الْمُسْلِمِينَ .. و اعتصموا بالله ... فنعم المولى و نعم النصير

نشانه های نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - پذیرفته نشدن عذر ستمگران ، دوری آنان از رحمت خداوند و جای گرفتن در سرایی بد ، مظهر نصرت الهی به پیامبران و مؤمنان در قیامت

إِنَّا لَننصِرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ . يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْدِرُ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، بیانگر چگونگی نصرت الهی در قیامت از رسولان و مؤمنان است که در آیه پیش (یوم يقوم الأشهاد) به آن اشاره شده بود.

نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۵،۹

۵ - انسان ها ، جز خداوند یآوری ندارند .

و ما لكم من دون الله من ولى و لانصير

۹ - نسخ ادیان و جایگزینی دینی دیگر از سوی خدا ، در جهت تدبیر امور انسان ها و به منظور یاری آنهاست .

ما نسخ من ءایه .. و ما لكم من دون الله من ولى و لانصير

برداشت فوق مقتضای ارتباط بین جمله <ما نسخ من آیه .. > با جمله <و ما لکم ... > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰

۱۵ - پیامبر (ص) همواره بر خوردار از حمایت و یاری خداوند بود .

و لئن اتبعت .. مالک من الله من ولی و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۸

۱۸ وعده قطعی خداوند به یاری و نصرت پیامبر (ص) ، در مباحله با نصارا

فنجعل لعنت الله على الكاذبين

پیشنهاد مباحله از جانب خدا به پیامبر (ص) بوده و این، مستلزم نصرت دادن پیامبر اکرم (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۵ - ۱۰، ۸

۸ خداوند ، یاری دهنده ای کافی است .

و كفى بالله نصيراً

۱۰ مؤمنان با اعتماد به ولایت و نصرت الهی ، نباید از دشمنی مخالفان ضعف و ترسی به خود راه دهند .

و الله اعلم باعدائکم و كفى بالله ولياً و كفى بالله نصيراً

هدف از بیان ولایت و نصرت الهی پس از معرفی یهودیان به عنوان دشمن، این است که مبادا با تصور دشمنی یهود از آنان بهراسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۱، ۱۲، ۱۳

۱۱ خداوند ، در قیامت ولی (سرپرست) و نصیر (یاری دهنده) است .

و لایجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

۱۲ تنها خداوند ، توانا بر نصرت مستکبران در قیامت

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

به قرینه فراز قبل <فیعذبهم عذاباً الیماً> مراد از اینکه مستکبران تنها خداوند را یاور خویش می یابند، این است که تنها وی توانا بر یآوری آنهاست،

نه اینکه خداوند ایشان را یاری خواهد کرد.

۱۳ خداوند ، هرگز مستکبران رویگردان از عبادت را ، در قیامت یاری نخواهد کرد .

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۰ - ۴

۴ حمایت و نصرت الهی از آن مؤمنانی است که همواره مطیع خدا و رسول او باشند و از دستورات وی تخلف نکنند . *

و أن الله مع المؤمنین .. أطيعوا الله و رسوله و لاتولوا عنه

آیه مورد بحث می تواند بیانگر کلمه <المؤمنین> در آیه قبل باشد. یعنی آن وعده حمایت (أن الله مع المؤمنین)، مخصوص مؤمنانی است که از دستورات خدا و رسول او سرپیچی نکنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۷

۷ - خدا ، توانا بر نصرت و یاری رساندن به مؤمنان مورد تهاجم و مظلوم

و إن الله علی نصرهم لقدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۶،۷

۶ - وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، حق و تخلف ناپذیر است .

إننا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا .. فاصبر إن وعد الله حقّ

۷ - تخلف ناپذیر بودن وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی رهبران دینی و مؤمنان طرفدار آنان در برابر مشکلات و آزار های دشمنان دین است .

إننا لننصر رسلنا .. فاصبر إن وعد الله حقّ

برداشت بالا به خاطر این نکته است که جمله <إنّ وعد الله حقّ> در مقام تعلیل

برای <فاصبر> می باشد، یعنی، <صبر پیشه کن چون وعده خداوند به پیروزی و نصرت، حق است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۸

۱۸ - ولایت و نصرت الهی، جلوه ای از رحمت او است .

یدخل من یشاء فی رحمته و الظلمون ما لهم من ولی و لا نصیر

از مقابله دو بخش از آیه شریقه (یدخل من یشاء فی رحمته و <والظالمون..> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۶

۶ - خداوند، تنها یار و یاور انسان در حفاظت وی از عواقب ناگوار گناهان

و ما أصبکم .. و ما لکم من دون الله من ولی و لا نصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۲۱

۲۱- اراده الهی، حاکم بر تحولات تاریخ و نصرت دهنده مؤمنان در برابر هجوم کفر

الذین کفروا .. أضلّ أعمالهم . و الذین ءامنوا ... و أصلح بالهم

با توجه به شأن نزول آیه که در کوران مشکلات مسلمانان نازل شده و بدانان نوید پیروزی داده است مطلب بالا استفاده می شود. در این صورت <بال> به معنای شؤون مادی و معنوی زندگی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۲

۲- جهاد و مبارزه با کافران محارب، یاری خداوند است .

فإذا لقیتم الذین کفروا فضرِب الرقاب .. إن تنصروا الله ینصرکم

باتوجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین،

استفاده می شود که <یاری دادن به خدا> بر <جنگ علیه کافران محارب> منطبق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۵

۵ - حواریون عیسی (ع) ، نمونه و الگوی خوبی برای اهل ایمان در یاری خدا ، پیامبر (ص) و دین او

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ

نیاز به نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۸

۸- مؤمنان ، محتاج امداد های الهی ، در پیشبرد دین و مبارزه با دشمنان

إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ

از این که خداوند، نوید نصرت و امداد به مؤمنان را در زمینه جهاد مطرح کرده است، نیاز آنان به امدادهای خداوند استفاده می شود.

ویژگیهای نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۳

۳ خداوند بی مدد دیگران ، یآوری کافی برای انسان در زندگی و تأمین کننده نیاز های هدایتی او

و كَفَىٰ بَرَبِّكَ هَادِيًّا وَنَصِيرًا

نصرت های خدا

محرومان از نصرت های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - واپس گرایی رفاهمندان کافر و تأثیر ناپذیری در برابر آیات الهی ، عامل محرومیت آنان از نصرت خداوند

لا تجثروا اليوم .. قد كانت آیتی ... علی أعقبکم تنکصون

آیه فوق، خطاب به مرفهان گرفتار عذاب و تعلیل برای ردّ استغاثه آنها است. فعل های <تتلی> و <تنکصون> به دلیل همراه شدن با <کانت> و <کنتم>، ماضی استمراری است. <نکوص> (مصدر <تنکصون>) به

معنای بازگشت به قهقرا است. بنابراین قید <علی أعقابکم> که آن نیز به معنای قهقرا است برای تأکید معنای <تنکصون> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۵

۵ - ناسزا گویان به قرآن و پیامبر (ص) محروم از امداد های الهی در برابر عذاب قیامت

لاتجثروا الیوم . . . سمراً تهجرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۷۸

۷ - پیشوایان کفر ، محروم از هرگونه نصرت و امداد الهی در روز رستاخیز

و یوم القیمه لاینصرون

۸ - بی بهره بودن فرعون و سپاهیانش ، از نصرت الهی در روز قیامت

و یوم القیمه لاینصرون

نطفه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نطفه

انسان از نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴ - ۲،۶،۹

۲- نطفه ، منشأ پیدایش آدمی است .

خلق الإنسن من نطفه

۶- مجادله گری و ستیزه جویی انسان آفریده شده از مایعی مثل نطفه ، امری شگفت آور و به دور از انتظار

خلق الإنسن من نطفه فإذا هو خصيم مبين

إذا در <فإذا هو...> فجائیه است و در جایی به کار می رود که عملی برخلاف انتظار انجام شود.

۹- آفرینش انسان از نطفه ، به صورت مجادله گری سخنور ، شاهد و گواه وحدانیت خداوند است .

تعلی عمّا یشرکون . خلق الإنسن من نطفه فإذا هو خصيم مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۷ - ۶،۹

۶- آفرینش آدمی از خاک و سپس نطفه و تکامل آن به صورت انسانی کامل

، سیر پیدایش انسان است .

بالذی خلقک من تراب ثم من نطفه ثم سوّیک رجلاً

جمله <خلقک من تراب> یا نظر به این دارد که خداوند، حضرت آدم(ع) را از خاک آفرید بنابراین، اصل همه انسان ها خاک است و یا این که نطفه از غذاهایی تولید می شود که از خاک گرفته شده است.

۹- آفرینش انسان از خاک و نطفه و معتدل ساختن او ، دلایلی روشن بر امکان برپایی معاد و کافی در رفع استبعاد قیامت است

و ما أظنّ الساعه قائمه . . . أكفرت بالذی خلقک من تراب

پاسخ مرد مؤمن به ثروت مند مغرور، با جمله <أكفرت بالذی..> حکایت از آن دارد که انکار معاد از جانب او که با جمله <و ما أظنّ...> بیان شده بود، به جهت استبعاد تجدید حیات آدمی پس از مرگ بوده است، لذا مرد مؤمن، با یادآوری قدرت خداوند و بیان سابقه خاک و نطفه بودن آدمی، به رفع این استبعاد و بیان قدرت خداوند پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۳ - ۳

۳- آفرینش نسل آدم از نطفه پس از آفرینش خود وی از عصاره گل

و لقد خلقنا الإنسن من سلله من طین . ثم جعلنه نطفه فی قرار مکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۲

۲ - نطفه ، مبدأ پیدایش و خمیرمایه آفرینش انسان است .

أولم یر الإنسن أنّا خلقنه من نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۱۱، ۱۲، ۱

نطفه ، مبدأ پیدایش انسان

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ

۲ - آفرینش انسان از نطفه ، جلوه عظمت و قدرت خداوند

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ

انتساب آفرینش انسان از نطفه به خداوند، با به کارگیری ضمیر متکلم مع الغیر، بیانگر مطلب یاد شده است.

۱۱ - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل قدرت خداوند بر آفرینش مجدد او در روز رستاخیز

هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً . إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است، موضوع آیه ۵ این سوره تا پایان آن، درباره مسائل قیامت (مانند بهشت و جهنم و جایگاه کافران و خوبان و ..) است. ضمن آن که آیه پایانی سوره پیش که درباره اثبات توانایی خداوند بر احیای مردگان بود تأییدکننده همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۶،۷

۶ - آفرینش انسان از مایعی بی مقدار و سیر تکاملی آن در رحم ، جلوه قدرت خداوند

ألم نخلقكم .. فقدرنا فنعم القدرون

برداشت یاد شده، با توجه به این مطلب است که خداوند، وصف <فنعم القادرون> را پس از طرح مسأله آفرینش بشر و تقدیر آن، مطرح فرموده است.

۷ - آفرینش انسان ، از مایعی ناچیز و سیر متوازن و تکاملی وی در رحم ، نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم نخلقكم من ماء .. فقدرنا فنعم القدرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیات تا آخر سوره، درصدد اثبات برپایی قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۲

۲ - انسان ها ، از نطفه آفریده شده اند .

من نطفه خلقه

اهمیت اجتناب از اختلاط نطفه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۴ - ۷

۷ - اهتمام اسلام ، به موضوع مخلوط نشدن نطفه ها و روشن بودن نسب ها و پیوند های خویشاوندی میان انسان ها

و الّٰی یُسنن من المَحِیضِ . . . فَعَدَّتْهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ ... وَأُولَتْ الْأَحْمَالُ أَجْلَهُنَّ أَنْ ی

مطلب یاد شده، از مجموع دستورات و رهنمودهای خداوند درباره عدّه زنان و شمارش دقیق آن به ویژه درباره زنان یائسه ای که صرفاً احتمال داده شود با نطفه همسران قبلی خود باردار شده اند به دست می آید.

اهمیت انعقاد نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۸

۸- لزوم تصفیه درونی و اعتلای روحی پدر ، هنگام انعقاد نطفه فرزند

قال ربّ اجعل لی ءایه قال ءایتک ألا تکلم الناس ثلث لیل سوياً

نشانه ای که زکریا درخواست کرد، اگر برای تشخیص زمان انعقاد نطفه بوده، چنین درخواستی می تواند نشانه حساسیت خاص مسأله باشد و آن حضرت برای مراعات مسائلی خاص و نیز آدابی لازم، زمان آن را خواهان گردید تا با تهیه و تدارک مقدمات روحی لازم، اقدام به انجام مرحله انعقاد نطفه نماید.

بی ارزشی نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نطفه انسان ، چیزی پست و بی ارزش

أولم ير الإنسن أنا خلقنه من نطفه

برداشت یاد شده از

آن جا است که تنکیر <نطفه> بر تحقیر دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۳

۳ - نطفه در مقایسه با جسم کامل انسان ، ناچیز و غیر قابل توجه است .

من نطفه خلقه

نکره بودن <نطفه> مفید تحقیر است. بی اهمیت خواندن نطفه با وجود حیرت آور بودن بافت آن بیانگر اهمیت جسم کامل انسان است که در مقایسه با آن، تمام ویژگی های نطفه هیچ انگاشته می شود.

بی ارزشی نطفه انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۴

۴ - نطفه انسان ، موجودی پست و بی ارزش

من نطفه

تنکیر <نطفه> دلالت بر تحقیر می کند.

تبدیل خاک به نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۷

۷- تحول خاک به نطفه ، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه ، روند آفرینش انسان

فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مَضْغَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۴،۵

۴ - تحوّل خاک به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن ، روند آفرینش انسان

خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ یخرجکم طفلاً

۵ - وجود فاصله زمانی میان تحوّل خاک به نطفه ، نطفه به علقه و علقه به صورت طفل

خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ یخرجکم طفلاً

با توجه به کاربرد <ثمّ> که برای بیان فاصله زمانی است

برداشت بالا به دست می آید.

تبدیل نطفه به علقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۷

۷- تحوّل خاک به نطفه ، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه ، روند آفرینش انسان

فإنّا خلقنکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ من مضغه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - نطفه ، پس از استقرار در رحم ، تبدیل به علقه (خون بسته) می شود .

ثمّ جعلناه نطفه فی قرار مکین . ثمّ خلقنا النطفه علقه

<خلق> (مصدر خلقنا) در اینجا به معنای تصییر (از حالی به حالی دیگر در آوردن) است. و بدین جهت متعدی به دو مفعول، به کار رفته است. <علقه> نیز به خون غلیظ و بسته گفته می شود.

۲ - پس از آن که نطفه در رحم به صورت علقه (خون بسته) در آمد ، علقه به تدریج از حالت خون بودن خارج می شود و به صورت مضغه (پاره گوشتی بدون استخوان) در می آید .

فخلقنا العلقه مضغه

<مضغه> به پاره گوشت بدون استخوان گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۴،۵

۴ - تحوّل خاک به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن ، روند آفرینش انسان

خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ یخرجکم طفلاً

۵ - وجود فاصله زمانی میان تحوّل خاک به نطفه ، نطفه به علقه و علقه به صورت طفل

ثُمَّ مِنْ نَظْفِهِ ثُمَّ مِنْ عُلُقِهِ ثُمَّ يَخْرِجُكُمْ طِفْلاً

با توجه به کاربرد <ثُمَّ> که برای بیان فاصله زمانی است برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۸ - ۱

۱ - تبدیل شدن نطفه به علقه ، از مراحل تکوین انسان و به صورت تدریجی است .

أَلَمْ يَكْ نَظْفَهُ .. ثُمَّ كَانْ عُلُقَهُ

با توجه به کاربرد <ثُمَّ> که برای بیان فاصله زمانی است مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۲

۲ - تحوّل نطفه به علقه و تکامل علقه به موجودی معتدل و هماهنگ از دو صنف زن و مرد ، روند آفرینش انسان

أَلَمْ يَكْ نَظْفَهُ مِنْ مَنَى يَمْنَى . ثُمَّ كَانْ عُلُقَهُ فَخَلَقْ فِسْوَى . فَجَعَلَ مِنْهُ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى

حقیقت نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۳

۳ - نطفه انسان ، از عناصر و مواد گوناگون آمیخته است .

مِنْ نَظْفِهِ أَمْشَاجٍ

<مشیح> (مفرد <أمشاج>) به معنای مخلوط است. (قاموس المحيط)

خروج نطفه از استخوان پشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۷ - ۴

۴ - خروج نطفه از فاصله بین ستون فقرات و قفسه سینه ، امری شگفت آور و مایه رفع استبعاد از < معاد > است .

يخرج من بين الصلب و التراثب

ارتباط این آیه با آیه بعد، گویای برداشت یاد شده است.

خروج نطفه از استخوان سینه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۷ - ۴

۴ - خروج نطفه از فاصله بین ستون فقرات و قفسه سینه ، امری شگفت آور و مایه رفع استبعاد از < معاد > است .

یخرج من بین الصلب و الترائب

ارتباط این آیه با آیه بعد، گویای برداشت یاد شده است.

خلقت از نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۳ - ۳

۳ - آفرینش نسل آدم از نطفه پس از آفرینش خود وی از عصاره گِل

و لقد خلقنا الإنس من سلله من طین . ثم جعلنه نطفه فی قرار مکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۵

۵ - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و زنده کردن انسان

أولم یر الإنسن أنا خلقنه من نطفه

با توجه به آیات بعدی و نیز شأن نزول ها که این آیه و آیات بعدی را درباره فردی به نام <عاصب بنوائل> (از منکران معاد) دانسته است (مجمع البیان و دیگر تفاسیر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۱،۲،۳

۱ - پیدایش زن و مرد ، از نطفه به اراده خدای یگانه

و أنه خلق .. الذکر و الأنثی . من نطفه

۲- پیدایش زوجین (نر و ماده) ، از آبی اندک (نطفه) ، شایان تأمل و درس آموزی

و أنه خلق الزوجین الذکر و الأنثی . من نطفه

<نطفه> در اصل به آب

اندکی گفته می شود که ته ظرف باقی مانده باشد (قاموس المحيط).

۳ - پیدایش انسان از آبی اندک (نطفه) ، نمودی از قدرت و ربوبیت الهی

و أنّ إلی ربّک المنتهی . . . و أنّه خلق ... من نطفه

از ارتباط این آیه با آیه <و أنّ إلی ربّک المنتهی>، مطلب بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۲

۲ - آفرینش آغازین انسان ، از نطفه و علقه به همراه ساختاری معتدل و هماهنگ ، دلیل قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

الم یک نطفه من منی یمنی . . . فخلق فسوی ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

شگفتی خروج نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۷ - ۴

۴ - خروج نطفه از فاصله بین ستون فقرات و قفسه سینه ، امری شگفت آور و مایه رفع استبعاد از < معاد > است .

یخرج من بین الصلب و الترائب

ارتباط این آیه با آیه بعد، گویای برداشت یاد شده است.

مدت استقرار نطفه در رحم (زهدان)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۲ - ۱

۱ - ماندن نطفه در رحم و سیر تکوین آن ، دارای مدتی معین

فجعلنه فی قرار مکین . إلی قدر معلوم

مراحل تکامل نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۷ - ۳

۳ - شناخت مراحل تکوین و مسیر نزول نطفه مراحل تکامل آن تا آفرینش کامل انسان ، توصیه خداوند به

همه انسان ها است .

فلینظر . . . یخرج من بین الصلب و الترائب

مراحل تکوین نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۷ - ۳

۳ - شناخت مراحل تکوین و مسیر نزول نطفه مراحل تکامل آن تا آفرینش کامل انسان ، توصیه خداوند به همه انسان ها است

فلینظر . . . یخرج من بین الصلب و الترائب

مکان انعقاد نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۱ - ۳

۳ - رحم ، مناسب ترین و آسیب ناپذیرترین جا ، برای نطفه و تبدیل آن به فرزندی سالم

فجعلنه فی قرار مکین

وصف <مکین>، ممکن است به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

مکان پرورش نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۳ - ۲

۲ - رحم ، جایگاهی استوار و قرارگاهی امن برای پرورش نطفه

ثم جعلنه نطفه فی قرار مکین

مکان پیدایش نطفه

۱ - محل پیدایش نطفه مرد (منی) ، بین تیره پشت و استخوان های قفسه سینه قرار دارد .

یخرج من بین الصلب و الترائب

<صلب>؛ استخوانی است که از قسمت بالای پشت، نزدیک گردن شروع شده و تا دنبالچه (که جای آن در انسان در جایگاه دم در حیوانات است) ادامه یافته است (قاموس). <تربیه> (مفرد <ترائب>)؛ یعنی، بالاترین استخوان قفسه سینه که زیر چانه قرار گرفته است (نهایه ابن اثیر). تمام اهل لغت آن را جای گردن بند از قفسه سینه می دانند

(لسان العرب). برخی آن را به تمام استخوان های قفسه سینه و گروهی به چهار استخوان از سمت راست و چهار استخوان از سمت چپ اطلاق می کنند (قاموس). خروج نطفه از آن محل، ممکن است به اعتبار تغذیه کیسه منی از آن جا باشد.

۲ - بین استخوان های قفسه سینه و تیره پشت مردان و زنان ، جایگاه خروج عنصر تشکیل دهنده جسم انسان است . *

یخرج من بین الصلب و الترائب

چنانچه مراد از <ماء دافق> در آیه قبل، نطفه مرد و تخمک زن باشد، مفاد این آیه نیز مشترک خواهد بود.

منشأ انعقاد نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۱ - ۱

۱ - ره یابی نطفه به داخل رحم و قرار گرفتنش در آن ، جلوه ای از قدرت عظیم خداوند

فجعلنه فی قرار مکین

<جعل> (مصدر <جعلنا>) به معنای قرار دادن است. <قرار>، کنایه از رحم و به معنای <مستقر> است. <مکین> نیز به معنای محکم و استوار و صفت برای <قرار> است.

نطفه در رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۳ - ۱

۱ - ورود و قرار گرفتن نطفه در داخل رحم ، جلوه ای از قدرت و توانایی عظیم خداوند .

ثم جعلنه نطفه فی قرار مکین

<قرار> کنایه از رحم و به معنای مستقر می باشد. <مکین> نیز به معنای محکم و استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - نطفه ، پس از استقرار در رحم ، تبدیل به علقه (خون

بسته (می شود .

ثم جعلنه نطفه فی قرار مکین . ثم خلقنا النطفه علقه

<خلق> (مصدر خلقنا) در اینجا به معنای تصییر (از حالی به حالی دیگر در آوردن) است. و بدین جهت متعدی به دو مفعول، به کار رفته است. <علقه> نیز به خون غلیظ و بسته گفته می شود.

۲ - پس از آن که نطفه در رحم به صورت علقه (خون بسته) در آمد ، علقه به تدریج از حالت خون بودن خارج می شود و به صورت مضغه (پاره گوشتی بدون استخوان) در می آید .

فخلقنا العلقه مضغه

<مضغه> به پاره گوشت بدون استخوان گفته می شود.

نطفه در رحم (زهدان)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۴

۴ - نحوه جریان نطفه و فرو افتادن آن [در رحم] ، نمودی از تدبیر الهی در تداوم حیات

و أنه خلق .. من نطفه إذا تمنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۶

۶ - آفرینش انسان در رحم ، همراه با تحولات و دگرگونی های پی در پی

إنا خلقنا الإنسان من نطفه .. نبتلیه

<إبتلا>، می تواند استعاره از انتقال از حالتی به حالت دیگر باشد. در این صورت آیه شریفه، به تبدیل نطفه به علقه، علقه به مضغه و... اشاره دارد.

نطفه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٢ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله > أمشاج نبتليه < قال : ماء الرجل و ماء

المرأه اختلطاً جميعاً ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <أمشاج نبتليه> روایت شده که فرمود: نطفه مرد و زن با هم مخلوط شده [و انسان آفریده شده] است < .

نطفه مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۱۲

۱۲ - < عن أبي جعفر (ع) في قوله < أمشاج نبتليه > قال : ماء الرجل و ماء المرأه اختلطاً جميعاً ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <أمشاج نبتليه> روایت شده که فرمود: نطفه مرد و زن با هم مخلوط شده [و انسان آفریده شده] است < .

نقش نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۴ - ۲

۲ نطفه و منی ، خمیرمایه و عنصر نخستین آفرینش انسان

و هو الذی خلق من الماء بشرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۳،۸

۳ - نطفه ، خمیرمایه و منشأ آفرینش انسان ها است .

خلقکم . . من نطفه

۸ - آفرینش آدم (ع) از خاک و انسان از نطفه و در قالب زن و مرد ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او است .

و الله خلقکم من تراب ثم من نطفه ثم جعلکم أزواجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۲

۲ - نطفه ، مبدأ پیدایش و خمیرمایه آفرینش انسان است .

أولم ير الإنسن أنا خلقنه من نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۷ - ۱،۲

نطفه (منی) ، مبدأ و آغاز تکوین انسان

ألم یک نطفه من منی یمنی

۲ - تأثیر قرار گرفتن نطفه مرد (منی) در رحم زن ، در پیدایش و تکوین فرزند

ألم یک نطفه من منی یمنی

برداشت یاد شده را می توان از تعبیر <من منی یمنی> (از منی ریخته شده در رحم) استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۱،۲

۱ - نطفه ، مبدأ پیدایش انسان

إنا خلقنا الإنسان من نطفه أمشاج

۲ - آفرینش انسان از نطفه ، جلوه عظمت و قدرت خداوند

إنا خلقنا الإنسان من نطفه أمشاج

انتساب آفرینش انسان از نطفه به خداوند، با به کارگیری ضمیر متکلم مع الغیر، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۰ - ۲،۴

۲ - آفرینش انسان ها ، از مایعی پست و بی مقدار (نطفه)

ألم نخلقکم من ماء مهین

<مهین>، در معانی حقیر، ضعیف و قلیل به کار می رود (قاموس المحيط).

۴ - آفرینش انسان ها از مایعی پست و بی مقدار (نطفه) ، نشانه قدرت و عظمت خداوند

ألم نخلقکم من ماء مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عیس - ۸۰ - ۱۹ - ۲

۲ - انسان ها ، از نطفه آفریده شده اند .

من نطفه خلقه

نقش نطفه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۴

۴ - مبدأ پیدایش انسان ، آمیزه ای از نطفه مرد و زن است . *

من نطفه أمشاج

به گفته

برخی از مفسران، مقصود از <أمشاج>، ممکن است اختلاط نطفه مرد و زن باشد.

نقش نطفه مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۴

۴ - مبدأ پیدایش انسان ، آمیزه ای از نطفه مرد و زن است . *

من نطفه أمشاج

به گفته برخی از مفسران، مقصود از <أمشاج>، ممکن است اختلاط نطفه مرد و زن باشد.

نظام آفرینش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{نظام آفرینش}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۸

۸ هماهنگی نظام حقوقی اسلام ، با نظام تکوین

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ

چون خداوند حق مدیریت بر زنان را بر اساس برتری تکوینی مردان قرار داده است.

آثار تحول در نظام آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۵ - ۲

۲ - برپایی قیامت و پی بردن به کردارها و بازتاب اخروی آن ، در گرو پیدایش حوادثی تحوّل آفرین در نظام جهان

إِذَا السَّمَاءُ .. و إِذَا ... و إِذَا ... و إِذَا ... علمت نفس ما قَدَّمت و أُخِّرت

جمله <علمت نفس ..> جزای شرط هایی است که در آیات پیشین تکرار شده است.

تبدیل نظام آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۲،۴،۵

۲- دگرگونی اساسی آسمان و زمین و تبدیل نظام کنونی آنها به نظامی دیگر، در آستانه برپایی قیامت

یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السموت و برزوا لله

۴- وجود آسمان و زمین در آخرت، در عین تبدیل شدن

نظم کنونی آنها در آستانه برپایی قیامت

یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السموت

۵- تبدیل نظام کنونی جهان (آسمان و زمین) به نظامی متناسب با حیات جاودانه اخروی انسان در آستانه برپایی قیامت

یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السموت

السموات) ممکن است پاسخ این سؤال باشد که: چگونه ممکن است انسان در آخرت حیات جاودانه ای داشته باشد و مواجه با مرگ نشود؟ قرآن پاسخ می دهد: نظام کنونی جهان متناسب با شرایط زندگی جاودانه دگرگون می شود و به نظامی کاملاً متفاوت تغییر می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۴

۴- برپایی قیامت به معنای نیستی محض و نابودی کامل جهان طبیعت و آفرینش دوباره آن نیست؛ بلکه به معنای در هم پیچیده شدن نظم کنونی آن و تبدیل به نظم نوین است.

یوم نظوی السماء کطی السجل للکتب

با توجه به تشبیه درهم پیچیدگی آسمان به پیچیده شدن طومار که به معنای حفظ اصل و موجودیت آن همراه با از بین رفتن نظام حاکم بر آن است مطلب یاد شده به دست می آید.

تکامل در نظام آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۱۲

۱۲ مجموعه نظام هستی، دارای روندی تکاملی *

رب العرش العظیم

با توجه به معنای <رب> که مستلزم رشد دادن و تکامل بخشیدن به موضوعی است که مورد ربوبیت قرار گرفته و نیز با توجه به اینکه <عرش عظیم> به معنای مرکز اداره هستی است، برداشت فوق استفاده می شود.

حاکم نظام آفرینش

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۳

۳ - بهره‌وری انسان از مصنوعات خویش ، تنها در قلمرو قوانین فائق الهی بر نظام طبیعت

و له الجوار المنشات فی البحر

خداوند با تعبیر <له الجوار..> به انسان تذکر داده است که اگر بشر می تواند با ساخت وسایلی به بهره‌وری بیشتر از دریا پردازد، این چیزی است که در پرتو قوانین الهی حاکم بر ماده صورت می گیرد.

فلسفه تبدیل نظام آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱

۱- تغییر و تبدیل نظام کنونی آسمان ها و زمین به نظام دیگر در آستانه برپایی قیامت ، به منظور کیفر و پاداش انسانهاست .

یوم تبدل الأرض غیر الأرض .. و برزوا لله ... لیجزی الله کل نفس ما کسبت

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیجزی> متعلق به <برزوا> در آیه ۴۸ باشد.

قانونمندی نظام آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۳ - ۱۰

۱۰ - نظام خلقت ، نظامی است قانونمند و متکی بر علل و اسباب .

قد جعل الله لكل شیء قدرًا

نظام آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۱۹

الذی جعل .. فأخرج به من الثمرت رزقاً لکم

آیه شریفه، زمین، باران و عوامل دیگر را برای تأمین هدفی خاص معرفی می کند. وقتی سلسله اموری برای تأمین هدفی به کار گرفته می شوند، در اصطلاح به آن، برنامه گفته

می شود که الزاماً به هدف داری عجين است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۸،۲۰

۱۸ - چگونگی جهان آفرینش (پیوند و ارتباط اجزای آن با یکدیگر و هماهنگی و هدفداری آنها) حکایت از آفریننده ای واحد دارد .

إن فی خلق السموت و الأرض .. لأیت لقوم یعقلون

از آنجا که آیه شریفه در مقام استدلال بر مسأله توحید است، به نظر می رسد: متعلق <یعقلون>؛ یعنی، آنچه محط اندیشه است، پیوند اجزای یک مجموعه از جهان با یکدیگر و ارتباط مجموعه ها با همدیگر و هدفداری آنهاست؛ زیرا پیوند، ارتباط و هدفداری جهان می تواند از خالق یگانه و مدبری واحد حکایت کند.

۲۰ - شرک ورزی و دست نیافتن به توحید ، نشانه اندیشه نکردن و درک نکردن پیوند و هماهنگی در جهان آفرینش است .

إن فی خلق السموت و الأرض .. لأیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۷

۱۷ - تقدیر امور به دست خداوند است .

ما کتب الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۰ - ۹

۹ خداوند ، آغاز و انجام همه امور

و الی الله ترجع الامور

با توجه به معنی <رجع> که بازگشت به مبدأ شروع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ قدرت و تصرف در نظام هستی ، لازمه ربوبیت

حاج ابرهیم فی ربّه . . . فأت بها من المغرب

با توجه به اینکه

حضرت ابراهیم (ع) برای اثبات مقام ربوبیت خداوند، به قدرت و تصرف او استدلال کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲ - ۸

۸ خداوند ، تنها مدبّر و نظم دهنده هستی

الله .. القیوم

قیوم به کسی گویند که: خود پابرجا بوده و نگهبان و قوام بخش همه چیز باشد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۸ - ۵،۶،۷،۱۴

۵ عدل الهی در نظام تکوین و تشریح ، مورد مشاهده فرشتگان و دانشمندان *

شهد الله .. و الملئکه و اولوا العلم قائماً بالقسط

<قائماً بالقسط> می تواند متعلق شهادت باشد یعنی: عالمان و ملائکه علاوه بر شهادت به یگانگی خداوند، شهادت به عدالت او نیز می دهند، گفتنی است تعمیم قسط به نظام تشریح از آیه بعد استفاده شده است.

۶ دانشمند ، در نگرش قرآنی ، کسی است که با شهود نظام عادلانه هستی به وحدانیت خداوند گواهی دهد .

شهد الله .. و اولوا العلم قائماً بالقسط

به نظر می رسد <قائماً بالقسط> به منزله دلیلی برای وحدانیت خداوند باشد.

۷ حاکمیت قسط و عدل بر نظام آفرینش

شهد الله .. قائماً بالقسط

۱۴ نظام عادلانه آفرینش ، نشان وحدانیت ، اقتدار و حکمت الهی است .

قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم

گویا جمله <لا اله الا هو .. >، بیان نتیجه ای است برای <قائماً بالقسط>. یعنی نظام عادلانه دلالت می کند بر توحید، عزّت، اقتدار و حکمت خداوند.

۱۱ نظام حاکم بر طبیعت ، تابع تدبیر واحد و طبق مشیت الهی است .

قل اللهم مالک الملک .. و ترزق من تشاء بغير حساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ عوامل طبیعی ، علت منحصر در حوادث عالم نیست .

كذلك الله يخلق ما يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ اذن خداوند ، حاکم بر نظام حیات

انّی اخلق .. باذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۱۷

۱۷ خداوند در اداره امور جهان و نظام هدایت، سنتهای ثابتی دارد که از آنها عدول نمی کند.

يقص الحق

یکی از معانی <حق> ، <الأمر المقضی> است. یعنی امری که قضا و حکم بر آن تعلق گرفته باشد. و چون در آیه سخن از نزول عذاب یا معجزه است و در پی آن از اختصاصات حکم به خداوند سخن رفته، می توان چنین نتیجه گرفت که <يقص الحق> تأکیدی بر ثبات و استواری قوانین و احکام الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۷ - ۱،۲

۱ خداوند ستارگان را برای راهیابی انسان در ظلمتهای دشت و دریا قرار داده است.

و هو الذى جعل لكم النجوم لتهتدوا بها فى ظلمت البر و البحر

۲ ستارگان و موقعیت و مدارهای آنها، دارای نظم و حساب و برنامه مشخص است.

جعل لكم النجوم لتهتدوا بها فى

راهیابی به وسیله ستارگان زمانی میسر است که مدارات و موقعیت آنها دارای نظمی مشخص باشد؛ زیرا در غیر این صورت راهیابی به وسیله آنها ممکن نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱۶

۱۶ تمامی موجودات جهان هستی، تحت ربوبیت خداوند هستند.

اللّٰه ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۱

۱- لزوم اندیشیدن انسان ها در کیفیت پرواز پرندگان در جو آسمان و قوانین حاکم بر آن

ألم یروا إلی الطیر مسخّرت فی جوّ السّماء

<رؤیت> که به معنای دیدن با چشم است، هر گاه با <إلی> متعدی شود، متضمن معنای نظر و دقت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۸

۸- رخدادهای عظیم قیامت و دگرگونی های عمده در جهان، و نظام دقیق و عادلانه آن، جلوه هایی از مرتبت والا و فرمان روایی مطلق خداوند و منزّه بودن او از هرگونه باطل

فتعلی اللّٰه الملک الحقّ

ارتباط این آیه با آیات پیشین که از حوادث نزدیک به قیامت و رخدادهای آن روز سخن گفته بود گویای نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۳

۳- فروپاشی نظام کنونی طبیعت ، در آستانه برپایی قیامت

یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب

با در هم پیچیده شدن آسمان، نظم کنونی آن هم در هم پیچیده خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - برپایی نظام آفرینش ، جلوه ای از قدرت بی نهایت خداوند

و یمسک السماء أن تقع علی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۸،۱۲

۸ - وجود نشانه های روشن و غیرقابل انکار الهی ، در نظام شب و روز برای جویندگان حقیقت

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

عبارت <قوم یؤمنون>؛ یعنی، کسانی که دارای زمینه گرایش به حق اند و اگر حق را بیابند به آن ایمان می آورند.

۱۲ - اجزا و نمود های نظام طبیعت ، هر یک دارای حکمت و هدف

أَنَا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مَبْصَرًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند برای شب که یکی از پدیده های نظام طبیعت است هدفی را ذکر فرموده و برای روز که یکی دیگر از پدیده های آن می باشد ثمری دیگر را بیان کرده است. بدیهی است که این دو نیز تنها به عنوان نمونه و نماد یاد شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۸ - ۳

۳ - پیدایش ابر های باران زا ، در نظام طبیعت ، براساس قوانین و مقررات خاصی است .

یرسل الريح فتثير سحابًا... و يجعله كسفًا فتری الودق يخرج من خلله

<فء> در <تثیر> و نیز <یسط> تفریع بر فعل های سابق خود هستند و حکایت از تأثیر و تأثر عوامل طبیعی بر هم دارد تا این که پس از آن تحولات، باران ببارد و این، نشان از نظام دار

بودن آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۵ - ۴

۴ - تمام موجودات جهان ، برخوردار از نظامی واحد و تدبیری یگانه اند .

یدبّر الأمر

چون ضمیر فاعلی در <یدبّر> مفرد است نشان می دهد که تدبیر کننده، یکی است و تدبیر کننده واحد از یگانگی تدبیر حکایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۶ - ۴

۴ - نظام و قوانین حاکم بر هستی ، عالمانه است .

یدبّر الأمر من السماء إلى الأرض . . . ذلك علم الغیب و الشّهده

بیان عالم بودن خداوند، پس از ذکر تدبیر عالم، بیان کننده این نکته است که تدبیر، براساس علم و آگاهی انجام پذیرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۰ - ۸

۸ - نظام قانون مند طبیعت ، گذرگاه ره یابی انسان به حیات معنوی و هدایت

الذی جعل لکم . . . لعلکم تهتدون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که منظور از <تهتدون> .. <هدایت معنوی و معرفتی باشد> و نه صرفاً دست یابی به منافع و مقاصد طبیعی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۵ - ۴

۴ - جهان دارای نظامی خاص و استوار ، بر پایه تدبیرهایی از سوی فرشتگان

فالمَدْبَرَتِ أَمْرًا

نظام آفرینش و پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۲

۲- جهان (آسمان و زمین) با نظم کنونیش ، برای کیفر و پاداش کامل انسان ، ممکن

و مناسب نیست .

يوم تبدل الأرض غير الأرض .. و برزوا لله ... ليجزى الله كل نفس ما كسبت

از اینکه خداوند پیش از طرح مسأله کیفر و پاداش انسانها در قیامت موضوع دگرگونی نظام کنونی جهان (دنیا) را مطرح فرمود، برداشت فوق به دست می آید.

نظام آفرینش و کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۲

۲- جهان (آسمان و زمین) با نظم کنونیش ، برای کیفر و پاداش کامل انسان ، ممکن و مناسب نیست .

يوم تبدل الأرض غير الأرض .. و برزوا لله ... ليجزى الله كل نفس ما كسبت

از اینکه خداوند پیش از طرح مسأله کیفر و پاداش انسانها در قیامت موضوع دگرگونی نظام کنونی جهان (دنیا) را مطرح فرمود، برداشت فوق به دست می آید.

ویژگی نظام آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۴

۴ جهان هستی خالی از هر نقص و کاستی است.

ما فرطنا في الكتاب من شيء

با توجه به صدر آیه، که بحث از موجودات هستی است، می توان گفت مراد از <الكتاب> کتاب تکوینی و جهان هستی است و مراد از تفریط نکردن در آن نفی هرگونه نقص و کاستی می تواند باشد.

ویژگیهای نظام آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۳

۱۳- کمترین درهم ریختگی و نابسامانی ، در نظام هستی و آفرینش وجود ندارد .

و کُلّ شیء فصلانه تفصیلاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <کُلّ شیء> همه هستی

باشد و در این صورت <فَصِيْلَةٌ> از ماده <فصل> و به معنای جداسازی چیزی از چیز دیگر است (مفردات راغب). بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما هر چیزی را در جایگاه خویش به گونه ای قرار دادیم که با دیگری مخلوط نشود و اصطکاکی پیدا نکند و هر پدیده ای در این عالم دارای نظم بوده و به سامان است.

هدفداری نظام آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۳ - ۸

۸ - نظام هدف مند و هماهنگ هستی در تأمین نیاز های انسان ، نشانگر توحید و یگانگی مبدأ جهان

و سَخَّرَ لَكُمْ ... جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

تأکید <جمیعاً منه>، انسان را به مبدأ یگانه هستی متوجه می سازد. این تذکر در پی <سَخَّرَ لَكُمْ ما...>، می تواند از آن جهت باشد که هدف مندی هستی که از لام غایت در <لکم> استفاده می شود خود دلیلی است بر هماهنگی همه اجزای نظام در جهت واحد و این مستلزم مبدئی یگانه است.

هماهنگی نظام آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۳ - ۸

۸ - نظام هدف مند و هماهنگ هستی در تأمین نیاز های انسان ، نشانگر توحید و یگانگی مبدأ جهان

و سَخَّرَ لَكُمْ ... جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

تأکید <جمیعاً منه>، انسان را به مبدأ یگانه هستی متوجه می سازد. این تذکر در پی <سَخَّرَ لَكُمْ ما...>، می تواند از آن جهت باشد که هدف مندی هستی که از لام غایت در <لکم> استفاده

می شود خود دلیلی است بر هماهنگی همه اجزای نظام در جهت واحد و این مستلزم مبدئی یگانه است.

نظام اجتماعی

{نظام اجتماعی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۸،۲۳

۱۸ اتحاد و تشکل جوامع بشری ، از اهداف پیامبران و ادیان الهی

فبعث الله ... و انزل ... ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه

۲۳ ضرورت قانون و حکومت ، برای جامعه انسانی

و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۹

۹ لزوم توجه به نیازمندان و رفع نیاز افراد جامعه

قل ما انفقتم من خير فلولو الدين و الأقربين و الیتامی و المساکین و ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۱۵

۱۵ لزوم توجه دائمی به گذشت در روابط اجتماعی

و لا تنسوا الفضل بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۲ - ۳

۳ توجه اسلام به حفظ شخصیت نیازمندان و دریافت کنندگان انفاق

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ .. لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنْأً وَلَا أَدَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۳ - ۵

۵ ارزشمندی سخن نیک با مردم و پرده پوشی اسرار آنان در برخورد های اجتماعی

قول معروف و مغفره خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۸ - ۵

۵ خودداری از انفاق ، زمینه گرایش جامعه به زشتیها

الشیطان

يعدكم الفقر و يأمركم بالفحشاء

گویا جمله <يأمركم بالفحشاء>، توضیح و تفسیر جمله <يعدكم الفقر> است. یعنی شما را از انفاق بازمی دارد و در نتیجه، شما را به فحشا می کشاند. (از یک سو صفت بخل را در انسان رشد می دهد و از سوی دیگر عده ای در فقر و فلاکت خواهند ماند که نتیجه ای جز خیانت و جنایت در جامعه نخواهد داشت).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۱۰

۱۰ حُسن رعایت حال غیر مسلمانان در جامعه اسلامی

لیس علیک هدیهم .. و ما تنفقوا من خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵

۲ نظام اقتصادی ربوی ، موجب عدم تعادل مناسبات اجتماعی

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۰

۲ حمایت اسلام از حقوق طبقات ضعیف اجتماع

و ان كان ذو عسره فنظرة الي ميسره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۸،۵۵،۶۱

۱۸ سفیهان و ناتوانان ، نیازمند ولی و سرپرست در مناسبات اجتماعی خویش هستند .

فان كان الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا او ضَعِيفًا .. فليملل وليه بالعدل

۵۵ خداوند ، آموزش دهنده قوانینی که باید بر روابط اجتماعی اقتصادی حاکم باشد .

اذا تداینتم .. و یعلمکم الله

۶۱ پیوند همگان و تعهد متقابل مؤمنان در جامعه ، نسبت به یکدیگر

یا ایها الذین امنوا .. و لا

يأب كاتب ... و لا يأب الشهداء ... و اشهدوا ...

آیه شریفه برای طرفین قرارداد، کاتب و شاهد، وظایف و حقوقی را معین کرده است که گویای تعهد و مسئولیت متقابل آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۲۱

۲۱ حاکمان، عهده دار اجرای عدالت در جامعه

و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: .. انهم هم الحکام او لا تری انه خاطب بها الحکام.

غیبت نعمانی، ص ۲۵، باب ما جاء فی الامامه و الوصیه؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۷، ح ۱۵۴، ۱۶۷؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۵۷۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۷

۷ مؤمنان وظیفه دار ایجاد ارتباط دوستانه با یکدیگر

کان لم تکن بینکم وینه مؤدّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۴، ۵

۴ اهمیت روابط عاطفی و اخلاقی و برخورد های نیکو در جامعه اسلامی

و اذا حیّتم بتحیه فحیوا باحسن منها او ردّوها

توصیه خداوند به پاسخگویی بهتر در برابر درود و تحیت دیگران، برای ایجاد روابط عاطفی و اخلاقی در جامعه اسلامی است.

۵ جامعه ایمانی وظیفه دار برقراری روابط مسالمت آمیز با جوامعی که خواهان این نوع مناسبات هستند.

و اِذَا حَيَّيْتُمْ بِتَحِيَّهِ فَحَيُّوا بِاِحْسَنِ مِنْهَا اَوْ رَدُّوْهَا

با توجه به معنای لغوی <تَحِيَّت> (درخواست سلامتی)، جمله <اِذَا .. > به این معناست که اگر فردی یا گروهی

خواهان سلامت و امتیّت شما باشند، شما نیز خواهان سلامت و امنیت آنان باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۹

۹ برقراری حاکمیت حق در جامعه ، از اهداف نزول قرآن *

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ

لازمه قضاوت عادلانه و تشکیلات قضایی، وجود حکومت و حاکمیت نظام حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۱،۳

۱ تمامی مؤمنان ، موظف به اقامه قسط و عدل و رعایت آن در روابط اجتماعی خویشند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوِّمِينَ بِالْقِسْطِ

قیام به قسط، به معنای عمل به عدل و نگهبانی و مواظبت بر عدالت است.

۳ اسلام ، خواهان اجرای عدالت در تمام ابعاد زندگی است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوِّمِينَ بِالْقِسْطِ

حذف متعلق قسط، دلالت بر تعمیم و شمول دارد، یعنی باید در تمامی صحنه ها عدالت رعایت شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۴،۶

۴ عدم جواز پذیرش ولایت و سرپرستی کفار

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

در برداشت فوق، <ولئى>، به معنای سرپرست گرفته شده است.

۶ مؤمنان ، وظیفه دار برقراری پیوند های دوستانه با یکدیگر

الذین یتخذون الکفرین أولیاء من دون المؤمنین

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۱،۴،۵،۹

۱ حرمت ایجاد روابط دوستی و مودت با کافران و پذیرش سرپرستی آنان

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین أولیاء من دون المؤمنین

۴ مؤمنان ، موظف به برقراری روابط دوستانه با دیگر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكٰفِرِينَ ءَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

۵ اهل ایمان ، وظیفه دار تشکیل حکومتی بر مبنای ایمان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكٰفِرِينَ ءَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

چنانچه <ولئى> به معنای سرپرست باشد، جمله <لا تتخذوا...>، دلالت بر حرمت پذیرش ولایت کافران دارد، و <من دون المؤمنین>، حکایت از ضرورت تشکیل و پذیرش حکومتی بر پایه ایمان دارد.

۹ هشدار و تهدید خداوند به پذیرندگان ولایت کافران و دوستی آنان

لَا تَتَّخِذُوا الْكٰفِرِينَ ءَوْلِيَاءَ .. أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا اللَّهَ عٰلِيكُمْ سُلْطٰنًا مَبِيْنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۳۰

۳۰ وحدت امت ها در گرو وحدت شریعت و آیین آنهاست .

لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شَرْعَةً وَ مَنَاجَاً وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ ءَامَةً وَحِدَةً

مقتضای ارتباط دو جمله <لكل جعلنا...> و <لو شاء الله...>، این است که پیدایش امت واحده به وسیله شریعت واحد تحقق می یابد. بنابراین وحدت انسانها، وابسته به وحدت شریعت و دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۴،۱۲

۴ ناسازگاری ایمان با ایجاد پیوند دوستی و مودت با یهود و نصارا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصْرِيْ ءَ ءَوْلِيَاءَ

مخاطب قرار دادن مسلمانان با عنوان اهل ایمان و سپس نهی از ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا، گویای برداشت فوق است.

۱۲ لزوم قطع پیوند ، با کسانی که رابطه دوستی با یهود و نصارا برقرار می سازند .

لا تتخذوا اليهود و النصرى اولياء . . . و من يتولهم منكم فانه منهم

جمله <فانه منهم> مى رساند كه هر مسلمانى

که پذیرای ولایت یهود و نصارا باشد و یا با آنان روابط دوستانه برقرار کند، از زمره آنان خواهد بود و جمله >ولاتتخذوا .
< دلالت می کند که نباید با وی رابطه دوستی داشت.

اهمیت حفظ نظام اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ لزوم توجه به پیامد های یک حکم و پیش بینی و تدارک تنش های اقتصادی اجتماعی آن *

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام .. و إن خفتم عيله فسوف يغنيكم الله

خداوند در این آیه، پس از بیان حکم ممنوعیت ورود مشرکان به مسجدالحرام، بلافاصله به پیامد اقتصادی آن برای مسلمین اشاره فرموده و با وعده به تدارک خسارت، این مشکل را حل کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۴

۴ اهمیت حفظ نظم اجتماعی و عدم اخلال در مسایل و نیاز های ضروری جامعه

و ما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين

برداشت فوق به این دلیل است که خداوند از روی آوردن همه مردم به یک وظیفه (جهاد) و معطل گذاردن سایر امور و وظیفه ها چون کسب دانش دین منع کرده است.

اهمیت نظام اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۳

۱۳ توجه اسلام به امور اجتماعی و اقتصادی جامعه

يا ايها الذين امنوا اوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الانعم

وفای به عقد و معاهدات از امور اجتماعی، و بهره برداری از چهارپایان، از امور

اقتصادی است.

ذوالقرنین و تنظیم نظام اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۳

۱۳- ذوالقرنین ، از برخی اختیارات الهی ، در تنظیم نظام اجتماعی مردم ، برخوردار بود .

قلنا یدذا القرنین إِمَّا أَنْ تَعَدَّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حَسَنًا

عوامل اختلال نظام اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - جامعه بی طبقه ، امری خیالی و موجب اختلال و به هم ریختن نظام اجتماعی است .

و رفعا بعضهم .. لیتخذ بعضهم بعضا سخریاً

این که خداوند اصل تفاوت را به خویشتن نسبت می دهد و سپس فایده آن را در گردش نظام اجتماعی بیان می دارد، سستی و بی پایگی اندیشه جامعه بی طبقه را می رساند.

نظام اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۵،۷،۱۰

۵ ولایت و سرپرستی ، ضرورت نظام اجتماعی *

لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

به نظر می آید تعیین ولی و سرپرست در آیه، مفروغ عنه گرفته شده و تنها نسبت به مصداق آن تذکر داده شده است.

۷ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند ، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قل اللهم مالك الملك .. لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه <قل اللهم .. > است.

۱۰ جایگاه مهم ولایت و سرپرستی در نظام اجتماعی اسلام

لا يتخذ المؤمنون .. و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

نظام اخلاقی

{نظام اخلاقی}

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۱۸

۱۸ نظام اخلاقی ، پایگاه و پشتوانه برای عمل به نظام حقوقی ، در اسلام

حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ

با توجه به اینکه خداوند، احسان که از مقوله اخلاق است را زمینه پذیرش احکام حقوقی و عمل به آنها قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۱ - ۵

۵ جمع اخلاق و اقتصاد ، در نظام تعالیم دین

مِثْلَ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

<انفاق> با قید <فی سبیل الله>، امری اقتصادی و در عین حال اخلاقی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۲ - ۶،۷

۶ توجه به پاداش های الهی برای انفاق در راه خدا ، برانگیزنده آدمی به انفاق

لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ

۷ مَنّت و آزار چه در هنگام عمل و چه پس از آن ، از بین برنده ارزش اعمال نیک

ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّْا وَلَا أَدَى

از فعل مضارع <لا يتبعون> به دست می آید که نباید انفاق (و یا هر عمل خیری) در هیچ زمانی مَنّت و یا آزاری را در پی داشته باشد؛ چون فعل مضارع دلالت بر استمرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۳ - ۵

۵ ارزشمندی سخن نیک با مردم و پرده پوشی اسرار آنان در برخورد های اجتماعی

قول معروف و مغفوره خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ -

۴ تأثیر اعمال نیک در ثبات و اطمینان روحی *

مثل الذین .. تثبتاً من انفسهم

۵ جلب رضایت خداوند ، در گرو تلاش و اجتهاد جوینده آن

ابتغاء مرضات الله

با توجه به لغت <ابتغاء> که در آن اجتهاد و تلاش ملحوظ است.

۱۰ نقش نیت (حُسن فاعلی) ، در ارزشمندی اعمال نیک (حُسن فعلی)

و مثل الذین ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله

۱۱ انفاق در جهت رضایت خداوند ، موجب رشد و تکامل انسان

و مثل الذین .. کمثل جنّه بر بوه

از تشبیه انفاق کنندگان به بوستانی که با بارش باران به ثمر نشیند، استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۱۴

۱۴ آنچه برای خود نمی پسندید ، برای دیگران نیز پسندید .

و لا تیمموا .. و لستم باخذیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۰ - ۹

۹ هماهنگی نظام اخلاقی و نظام حقوقی ، در تعالیم دین

و ان کان ذو عسرہ .. و ان تصدّقوا خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ قانون عمل و عکس العمل در رفتارها و کردارها

وليشخس الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً خافوا علیهم

چون مضمون آیه این است که اگر حقوق ایتام دیگران را رعایت نکردید، حقوق ایتام شما رعایت نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ ارتباط و پیوستگی نظام حقوقی

فلا جناح علیهما ان یصلحا .. و إن تحسنوا و تتقوا

تشریح صلح، یک مسأله حقوقی است و احسان و تقوا یک مسأله اخلاقی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۸ - ۱۳، ۱۱، ۷

۷ نظام حقوقی و اخلاقی اسلام، مدافع مظلومان و ستمدیدگان است.

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم

مظلومان در آیه شریفه از حکم تحریم (بدگویی دیگران) استثنا شده و اجازه یافته اند تا برای رساندن ندای مظلومیتشان به افشاگری علیه ظالمان پردازند و این بیانگر دفاع نظام حقوقی اسلام از ستمدیدگان است.

۱۱ آگاهی مطلق خداوند، پشتوانه جعل قوانین حقوقی و اخلاقی اسلام

لا یحب الله الجهر .. و كان الله سمیعاً علیماً

۱۳ نظام اخلاقی و حقوقی اسلام، در ارتباط با یکدیگر و پیوسته با همند.

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم و كان الله سمیعاً علیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۹ - ۱۱

۱۱ نظام اخلاقی اسلام، مکمل نظام حقوقی آن

إن تبدوا خیراً أو تخفوه أو تعفوا عن سوء فإن الله کان عفواً قدیدراً

با توجه به آیه قبل که در مقام بیان نظام حقوقی است (حق مظلوم در پرخاش بر ظالم)، و این آیه که عفو را اخلاقی خدا پسندانه و بهتر از انتقام می داند، معلوم می شود که نظام اخلاقی اسلام، مکمل نظام حقوقی آن است.

نظام اقتصادی

{نظام اقتصادی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۱ - ۵

۵ جمع اخلاق و

اقتصاد ، در نظام تعالیم دین

مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل اللّٰه

<انفاق> با قید <فی سبیل اللّٰه>، امری اقتصادی و در عین حال اخلاقی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۲ - ۴

۴ هماهنگی اخلاق و اقتصاد ، در نظام تعالیم دین

لا یتبعون ما انفقوا متّاً و لا اذیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۹

۹ رفع نیازمندی های بینوایان بدون در نظر گرفتن آیین و مذهب آنان ، اصلی اساسی در اسلام

لیس علیک هدیهم .. و ما تنفقوا من خیر

این برداشت با توجه به شأن نزول آیه که به گفته برخی از مفسران امتناع و پرهیز مسلمانان از انفاق به غیر مسلمانان بوده صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۲،۳

۲ نظام اقتصادی ربوی ، موجب عدم تعادل مناسبات اجتماعی

الذین یأکلون الرّبوا لا یقومون الاّ کما یقوم الذی یتخبّطه الشّیطان

۳ رباخواری ، موجب انحراف و نابسامانی نظام اقتصادی جامعه می گردد .

الذین یأکلون الرّبوا لا یقومون الاّ کما یقوم الذی یتخبّطه الشّیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند ، سوق دهنده دائمی سرمایه های ربوی ، به نقصان و نابودی

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا

رو به کاستی رفتن را <مَحَق> گویند. (مجمع البيان).

۲ خداوند ، رشددهنده اموالی که صدقه داده می شود .

و يَرْبِي الصَّدَقَاتِ

۳ حاکمیت ربا در اقتصاد جامعه ، نابودکننده نظام اقتصادی آن

يُمَحِّقُ اللَّهُ الرَّبُّوَا

۴ رواج صدقه و انفاق ، عاملی جهت رشد نظام اقتصادی

و یربى الصّدقات

<یربى> از <ارباء> به معنای رشد دادن و زیاد کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۸ - ۷

۷ ایمان و تقوای الهی ، زمینه ساز نفی نظام اقتصادی ربوی

يا ايّها الذين امنوا اتّقوا الله و ذروا ما بقى من الرّبوا ان كنتم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۹ - ۱۳، ۱۲، ۸

۸ پذیرش اصل مالکیت خصوصی در اقتصاد اسلامی

فلکم رؤس اموالکم

۱۲ عدالت ، بنیان نظام اقتصادی اسلام

فلکم رؤس اموالکم لا تظلمون و لا تُظلمون

جمله <لا تظلمون ..> به منزله علت برای مالکیت شخصی بر سرمایه و نفی آن نسبت به بهره های ربوی است. و چون علت همواره عهده دار بیان یک قاعده کلی است، بنابراین ظلم نکردن و مظلوم نشدن (عدالت مطلق)، پایه و اساس نظام اقتصادی مورد پذیرش اسلام است.

۱۳ نفی نظام اقتصاد ربوی و ایجاد و بسط نظام اقتصاد عادلانه ، از جمله اهداف والای انبیا

فان لم تفعلوا فأذنوا بحرب من الله و رسوله .. لا تظلمون و لا تُظلمون

اعلام جنگ از سوی خدا و رسول به هدف <لا تظلمون و لا تُظلمون> صورت می گیرد؛ بنابراین عدالت اقتصادی در جامعه

از اهداف خدا و رسول اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۵۷، ۵۵، ۵۴، ۴۰

۴۰ لزوم دقت و محکم کاری ، در تنظیم روابط اقتصادی جامعه

اذا تداینتم بدین فاکتبه .. فلیکتب

و ليملل ... فليملل وليه بالعدل ... و استشه

۵۴ هماهنگی اخلاق و اقتصاد در اسلام

اذا تداینتم ... و لا یأب کاتب ... و استشهدوا ... و لا تسموا ... و اتقوا الله

۵۵ خداوند ، آموزش دهنده قوانینی که باید بر روابط اجتماعی اقتصادی حاکم باشد .

اذا تداینتم ... و یعلمکم الله

۵۷ لزوم احترام به مالکیت قانونی افراد جامعه و حفظ حدود آن

اذا تداینتم ... ذلکم اقسط ... و اتقوا الله

امر به تقوا پس از بیان مسائل و احکامی چند که از جمله آنها، مالکیت افراد بر داراییهای خویش است و نیز بیان شرایط نقل و انتقال آن به دیگران، بیانگر رعایت آن مسائل و محترم شمردن آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۳ - ۷،۸

۷ نقش اعتماد و امانت ، در تسهیل روابط اقتصادی و مبادلاتی

فان امن بعضکم بعضاً فلیؤد الذی اؤتمن امانته

بنابر یک احتمال که گذشت، امانتداری موجب شده که رهن گرفتن از طرف طلبکار، لزومی نداشته باشد و این، تسهیل در امور اقتصادی است.

۸ هماهنگی نظام اخلاقی و روابط اقتصادی در اسلام

فرهان مقبوضه فان امن بعضکم بعضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۱۶، ۱۷، ۶، ۷، ۱، ۶

۱ ثروت ها ، نباید در اختیار سفیهان قرار گیرد .

و لا تؤتوا السفهاء اموالکم

۶ جامعه دارای حقوقی نسبت به اموال شخصی افراد

و لا تؤتوا السفهاء اموالکم

نسبت دادن اموال شخصی سفیهان به جامعه، می رساند که جامعه در اموال شخصی افراد، حقوقی دارد.

۷ امور اقتصادی جامعه ، نباید در

دست سفیهان قرار گیرد .

و لا تؤتوا السفهاء اموالکم

۱۶ ضرورت پرهیز از سپردن اموال به سفیهان ، برای جلوگیری از اتلاف و تباه شدن آن

و لا تؤتوا السفهاء اموالکم

امام باقر (ع): ... انّ الله نهى عن ... و فساد المال ... انّ الله عز و جل يقول ... و لا تؤتوا السفهاء اموالکم ...

کافی، ج ۵، ص ۳۰۰، ح ۲ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۲، ح ۵۵.

۱۷ لزوم اجتناب از سپردن اموال به افرادی که مورد اعتماد نیستند .

و لا تؤتوا السفهاء اموالکم

امام صادق (ع) درباره <السفهاء> در آیه فوق فرمود: من لا تثق به.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۲۰ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۱، ح ۴۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۳، ۱۲

۱۲ روابط نامشروع اقتصادی ، زمینه بروز خونریزی و جنگ های داخلی

لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل .. و لا تقتلوا انفسکم

عطف جمله <لا تقتلوا> بر جمله <لا تاكلوا>، می تواند بیانگر ترتب قتل و خونریزی بر تصرفات نامشروع باشد.

۱۳ سلامت جامعه از مفساد اجتماعی ، از اهداف ارائه احکام اقتصادی از سوی خداوند

لا تاكلوا .. لا تقتلوا ... انّ الله کان بکم رحیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ آمیختگی مسائل اقتصادی اسلام با اخلاق

لا تاكلوا... و لا تتمنوا ما فضل الله... للرجال نصيب... و للنساء نصيب

قرآن در این آیه و آیات گذشته، مسأله اقتصادی (لا تاكلوا... للرجال نصيب) را با مسأله

اخلاقی (لا تتمنوا) مرتبط دانسته و یکی را ریشه دیگری معرفی کرده است.

۱۳ زن و مرد، دارای حق کسب و کار

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا... وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۸

۸ سخاوتمندی و رسیدگی به وضع اقتصادی مردم، از وظایف حکومت و حاکمان

إِن لَّهُمْ نَصِيبٌ... فَأِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۵

۵ پیوستگی مسائل عبادی و اقتصادی در اسلام

اقیموا الصلوة واتوا الزکوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۱۸، ۱۹

۱۸ اهتمام قرآن به مسایل حقوقی و اقتصادی

قُلْ اللَّهُ يَفْتِيكُمْ فِي الْكُلَّةِ... بَيْنَ اللَّهِ لَكُمْ أَنْ تَضَلُّوا

۱۹ نادیده گرفتن مسایل اقتصادی و حقوقی دین (ارث و...) مایه گمراهی و ضلالت

يَسْتَفْتُونَكَ قُلْ اللَّهُ يَفْتِيكُمْ... بَيْنَ اللَّهِ لَكُمْ أَنْ تَضَلُّوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۸

۸ حرمت روش کسب مال، همواره ملازم حرمت تصرف در مال به دست آمده نیست.*

ما كان لنبى أن يكون له أسرى .. فلکوا مما غنمتم حلالا طيبا

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید.

اهمیت نظام اقتصادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۳

۱۳ توجه اسلام به امور اجتماعی و اقتصادی جامعه

يايها الذين ءامنوا

أوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الأنعم

وفای به عقد و معاهدات از امور اجتماعی، و بهره برداری از چهارپایان، از امور اقتصادی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ لزوم توجه به پیامد های یک حکم و پیش بینی و تدارک تنش های اقتصادی اجتماعی آن *

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام .. و إن خفتم عيله فسوف يغنيكم الله

خداوند در این آیه، پس از بیان حکم ممنوعیت ورود مشرکان به مسجدالحرام، بلافاصله به پیامد اقتصادی آن برای مسلمین اشاره فرموده و با وعده به تدارک خسارت، این مشکل را حل کرده است.

نظام اقتصادی ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۷

۷ حاکمیت روابط ناسالم اقتصادی بر جامعه یهود

و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه و أكلهم أموال الناس بالباطل

نظام اقتصادی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۷

۷ حاکمیت روابط ناسالم اقتصادی بر جامعه یهود

و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه و أكلهم أموال الناس بالباطل

نظام تعالیم دین

{نظام تعالیم دین}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۱۱

۱۱ پیوند و آمیختگی احکام فقهی اسلام با مسائل اخلاقی

فامساک بمعروف او تسریح باحسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۸ - ۱

۱ تأثیر اقامه نماز ، در عمل به احکام الهی

حافظوا علی الصلوات

توصیه به نماز پس از بیان

احکام، می تواند اشاره به راهی برای تسهیل عمل به احکام الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۱ - ۵

۵ جمع اخلاق و اقتصاد ، در نظام تعالیم دین

مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله

<انفاق> با قید <فی سبیل الله>، امری اقتصادی و در عین حال اخلاقی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۷

۷ توجّه اسلام به مسائل اقتصادی ، در کنار مسائل عبادی

و اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۸ - ۳

۳ ناسازگاری ربا ، با ایمان و تقوا

یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربوا ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۹ - ۱۴

۱۴ عدالت ، بنیان وضع قوانین در اسلام

لا تظلمون و لا تُظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۰ - ۳،۹

۳ آسان گیری دین ، در احکام و حقوق

و ان کان ذو عسرہ فنظرہ الی میسرہ

۹ هماهنگی نظام اخلاقی و نظام حقوقی ، در تعالیم دین

و ان کان ذو عسرہ . . و ان تصدقوا خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۵۱

۵۱ تقوا و ترس از خدا پشتوانه عمل به احکام الهی ، در روابط اقتصادی و مبادلات

و لا یضار کاتب و لا شهید

... و اتَّقُوا اللَّهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۵

۵ پیوستگی مسائل عبادی و اقتصادی در اسلام

اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۲۲

۲۲ تشویق بردگان به ایمان از راه وضع قوانین حقوقی و امتیاز دادن به بردگان مؤمن

فترحیر رقبه مؤمنه

مقید ساختن برده به ایمان برای آزادسازی در قتل خطائی، بیانگر این تشویق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۸ - ۱۳

۱۳ نظام اخلاقی و حقوقی اسلام، در ارتباط با یکدیگر و پیوسته با همند.

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم و كان الله سمیعاً علیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۹ - ۱۱

۱۱ نظام اخلاقی اسلام، مکمل نظام حقوقی آن

إن تبدوا خیراً أو تخفوه أو تعفوا عن سوء فإن الله کان عفواً قديراً

با توجه به آیه قبل که در مقام بیان نظام حقوقی است (حق مظلوم در پرخاش بر ظالم)، و این آیه که عفو را اخلاقی خدا پسندانه و بهتر از انتقام می داند، معلوم می شود که نظام اخلاقی اسلام، مکمل نظام حقوقی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۴۶

۴۶ اسلام ، دینی آسان و احکام آن ، قابل انطباق با شرایط گوناگون زندگی

فمن اضطر فی مخصصه غیر متجانف لاثم فإنّ الله غفور رحیم

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۶

۶ هماهنگی قوانین شرعی با امور تکوینی

احل لکم الطیبت

ترتیب احکام شرعی <حلیت> بر طیب بودن که امری تکوینی است، دلیل برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۸

۲۸ کلمات خداوند، دارای جایگاهی خاص و نظامی به هم پیوسته

یحرفون الکلم من بعد مواضعه

نظام تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۱۶

۱۶ - تشریح و تکوین دارای ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر *

نأت بخیر منها أو مثلها ألم تعلم أن الله کل شیء قدیر

جمله <الم تعلم ..> تعلیل است برای جمله <ما ننسخ...> و رسای به این نکته است که نسخ شریعت تنها از کسی بر می آید که بر همه چیز قادر باشد، بنابراین، شریعت به همه هستی و قوانین حاکم بر آن مرتبط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۶

۶ - ادیان الهی و احکام دین، دارای ارتباطی تنگاتنگ با هستی و جهان آفرینش

نأت بخیر منها أو مثلها .. ألم تعلم أن الله له ملک السموت و الأرض

جمله <ألم تعلم أن الله .. > به منزله دلیلی برای امکان نسخ و تشریح دین جدید است. استدلال به حاکمیت خدا بر هستی - برای امکان نسخ و تشریح دین جدید - بیانگر ارتباط عمیق دین و قوانین دینی با هستی و قوانین آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۴

۴ - احکام و آداب اسلام ، میرا از هر گونه افراط و تفریط

جعلنکم أمه وسطاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۲

۲۲ - انعطاف پذیری احکام الهی و تخفیف در تکالیف ، پرتوی از رحمت الهی است .

فمن عفی له من أخیه شیء .. ذلک تخفیف من ربکم و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۳۰

۳۰ تکالیف پنجگانه (پرهیز از شرک و ..) دارای ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر و به منزله تکلیفی واحد

ذلکم وصیکم

آوردن ضمیر مفرد <به> و نیز اسم اشاره مفرد <ذلکم> برای اشاره به محرمات پنجگانه، می تواند حاکی از این باشد که آن محرمات آن چنان مرتبط با یکدیگرند که گویا یک تکلیف هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۲۲

۲۲ تکالیف چهارگانه (ضایع نساختن دارایی یتیمان و ..) دارای ارتباطی تنگاتنگ و به منزله تکلیفی واحد

ذلکم وصیکم به

به کارگیری ضمیر و اسم اشاره مفرد برای تکالیف یاد شده می تواند حاکی از برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ احکام نه گانه (پرهیز از شرک و ..) دارای ارتباطی تنگاتنگ و به منزله حکمی واحد

و أن هذا شرطی مستقیماً

<هذا> اشاره به دستورهایی است که در دو آیه پیشین مطرح شده است. به کارگیری اسم اشاره مفرد برای دستورهایی نه گانه

حکایت از وجود ارتباطی شدید میان آنها دارد؛ به گونه ای که گویا امری واحد هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۱ - ۳

۳ آمیختگی دنیا و آخرت (زینت و عبادت) در بینش اسلامی

بینی ءادم خذوا زینتکم عند کل مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۳

۲۳ برنامه های انبیا حاوی مسائل عبادی ، عقیدتی ، اجتماعی و اقتصادی است .

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره . . . فأوفوا الکیل و المیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۷

۷ احکام خداوند و قوانین دین ، فراگیر امور مادی و مسائل اجتماعی انسانها

قل الأنفال لله و الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۸

۸ تکالیف الهی متناسب با توان مکلفان است .

و علم أن فيکم ضعفا فإن یکن منکم مائه صابره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۳

۳ - امور مادی و معنوی ، در خدمت یکدیگر و آمیخته به هم ، در بینش دینی *

وعدکم اللّٰه مغانم کثیره تأخذونها

خداوند، از یک سو مؤمنان حاضر در حدیبیه را به جهت پایداری بر دین و بیعت با پیامبر(ص) مورد تحسین قرار داده و وعده <جَنّاتِ تجری..> داده است و از سوی دیگر برای تشویق آنان و امیدبخشی به رفع کمبودهای مادی، نوید <مغانم کثیره> را به ایشان داده است. این نکته،

پیوستگی میان حیات معنوی و مادی را می رساند.

نظام جزایی

{نظام جزایی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۱۶

۱۶ انفاق کننده در راه خدا، بهره مند از پاداش کامل انفاق، بی هیچ ستمی در حقّ وی

و ما تنفقوا من خیر یوفّ الیکم و انتم لا تظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۲

۲ باور های خودساخته انسان در زمینه تخفیف عذاب، کیفر عادلانه خداوند را تغییر نمی دهد.

قالوا لن تمسنا النار الا ایاماً .. فكيف اذا جمعناهم

گر چه اهل کتاب می گفتند که: لن تمسنا النار .. ، ولی خداوند می فرماید این باور نادرست، مجازات آنان را تغییر نخواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۲ - ۱۴

۱۴ رسیدن به پاداش نیک خدا در گرو انفاق از مال با وجود علاقه به آن و ترس از فقر

لن تنالوا البر حتی تنفقوا ممّا تحبون

از رسول الله (ص) درباره آیه فوق سؤال شد آن حضرت فرمود: هو ان ینفق العبد المال و هو شحیح یأمل الدنیا و یخاف الفقر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۸

۱۸ قانونمندی نظام الهی در جزا و پاداش

یرید الله الا يجعل لهم حظًا في الآخرة و لهم عذاب عظیم

منطوق آیه، عذاب و محروم سازی

از مواهب اخروی را نتیجه کفر دانسته و مفهوم آن دلالت دارد که برخورداری از مواهب اخروی و دوری از عذاب، در گرو ایمان است. بنابراین جزا و پاداش الهی دارای نظام و قانون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۵

۱۵ تناسب عذاب و عقوبت اخروی ، با گناه و عصیان

سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

طوق شدن اموال بخیلان بر گردن آنان به دلیل دلدادگی و وابستگی شدید آنان به اموال می باشد، و این حاکی از تناسب عذاب آخرت با گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۵،۹

۵ راضی بودن به رفتار و اعمال دیگران ، همسنگ انجام آنهاست .

و قتلهم الانبياء... ذلك بما قدمت ايديكم

۹ عذاب دوزخیان ، هرگز فرونتر از اقتضای عملکرد آنان نخواهد بود .

ذوقوا عذاب الحريق. ذلك بما قدمت ايديكم و ان الله ليس بظلام للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۸

۸ برقراری نظام پاداش عمل و تباه نشدن اعمال خیر ، پرتوی از ربوبیت خداوند

فاستجاب لهم ربهم اني لا اضيع عمل عامل منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۵،۲۶،۲۷

۲۵ خداوند پاداش مؤمنان را بدون تأخیر ، به آنان عطا خواهد کرد .

لهم اجرهم عند ربهم ان الله سريع الحساب

یادآوری سرعت حسابرسی پس از بیان پاداش دهی، بیانگر آن است که اعطای اجر از سوی

خداوند، با تأخیر در حسابرسی مواجه نخواهد شد.

۲۶ نظام اجر و پاداش الهی ، قانونمند و دارای محاسبات دقیق و سریع

انّ الله سريع الحساب

۲۷ پاداش مؤمنان از سوی خداوند ، بر اساس درجه ایمان و عملکرد آنان است .

اولئك لهم اجرهم .. انّ الله سريع الحساب

اگر پاداش بر اساس عملکردها نبود، حسابرسی معنا نداشت ؛ و با توجه به مشارالیه <اولئك> معلوم می شود که هم ایمان و هم عملکرد مؤمنان، موجب استحقاق پاداش برای آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۱۱، ۶، ۵، ۲

۲ آرزوهای پوچ انسان ها چه مسلمان و چه اهل کتاب نقشی در پاداش و کیفرهای الهی نخواهد داشت .

ليس بامانيكم و لا امانى أهل الكتب من يعمل سوءاً يجز به

<امانی>، جمع <امنيه>، به معنای آرزو و خیالهای موهوم است.

۵ عملکرد مردم ، تعیین کننده کیفر و جزای الهی است ، نه صرف انتساب به مکتب و یا دینی خاص !

ليس بامانيكم و لا امانى أهل الكتب من يعمل سوءاً يجز به

۶ نظام کیفر و جزای الهی ، دور از هرگونه تبعیض و بی عدالتی است .

من يعمل سوءاً يجز به

۱۱ ضرورت پرهیز از هرگونه تبعیض ، در اجرای مقررات و قوانین جزایی

من يعمل سوءاً يجز به

جمله <من يعمل ..> دارای مضمونی عام و کلی است و شامل کیفرهای دنیوی نیز می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ در نظام جزا و پاداش الهی کمترین ستمی

راه ندارد .

من يعمل سوءاً يجز به .. فأولئك يدخلون الجنة ولا يظلمون نقيراً

<نقير> به فرو رفته گی در هسته خرما گفته می شود و کنایه از چیز اندک و حقیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۶ - ۴

۴ مالکیت و احاطه خداوند بر هستی ، ضامن کیفر و پاداش دهی عادلانه و دقیق وی به اعمال مردم

من يعمل سوءاً يجز به .. والله ما في السموت و ما في الأرض ... محيطاً

برخی بر آنند که جمله < والله ما في السموت >، به منزله تعلیل برای جمله های < من يعمل سوءاً يجز به > و < فأولئك .. > است؛ یعنی چون خداوند مالک تمام هستی است، قادر بر کیفر و پاداش بدون کم و کاست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۱۱

۱۱ نظام پاداش دهی خداوند ، بر اساس علم و آگاهی اوست .

فعند الله ثواب الدنيا والأخره .. و كان الله سمياً بصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۶

۶ نظام آمرزش و غفران و نیز هدایتگری خداوند ، دارای سنن و قوانین

إن الذين .. لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۱۲

۱۲ خداوند بدون حجت و برهان ، کسی را عقاب نخواهد کرد .

أتريدون أن تجعلوا الله عليكم سلطاناً مميّناً

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۱،۱۰

۱ خداوند ، بندگان را از سر نیاز عذاب نمی کند .

ما يفعل الله بعذابكم

۱۰ پاداش الهی ، دارای تناسب و همگونی با اعمال انسانهاست .

إن شكرتم وءامنتم و كان الله شاكراً عليماً

توصیف خداوند به <شاکرا> که حکایت از پاداش دهی او در مقابل شکرگزاری بندگان است، می رساند که پاداشهای الهی مناسب با رفتار و کردار نیک انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۹ - ۱۲

۱۲ تناسب و همگونی پاداش الهی با عمل انسان

أو تعفوا عن سوء فإن الله كان عفواً قديراً

خداوند، گذشت و بخشش خویش را پاداش کسانی قرار داده که اهل عفو و گذشت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۶

۱۶ کیفر مستکبران بیش از استحقاق آنان نخواهد بود .

فاما الذين ءامنوا .. و اما الذين استنكفوا و استكبروا فيعذبهم عذاباً أليماً

خداوند در پاداش مؤمنان جمله <و یزیدهم من فضله> را آورد ولی در کیفر مستکبران چیزی بر آنچه استحقاق دارند (عذاب الیم) نیفزود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۳۲

۳۲ لزوم رعایت عدالت در انتقام

و لایجرمنکم .. ان تعتدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۷

۱۷ تساوی یهود و نصارا با دیگر انسان ها در برخورداری از آمرزش الهی و یا گرفتار شدن به عذاب

بل انتم بشر ممن خلق یغفر لمن یشاء

و يعذب من يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ فسادانگیزی در زمین ، موجب مجازات اعدام

من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱،۷،۲۱

۱ محاربین و ستیزه جویان با خدا و رسول یا باید کشته شوند و یا به دار آویخته گردند و یا دست و پایشان از جهت مخالف بریده شود و یا تبعید گردند .

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله .. او ینفوا فی الارض

۷ ضرورت اعمال حتمی کیفر محاربان و مفسدان و پرهیز از کوتاهی در اجرای حدود الهی بر ایشان

انما جزؤا الذین .. ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم

فعل < یقتلوا > و < یصلبوا > و < تقطع > از باب تفعیل است و دلالت بر تأکید اجرای حدود یاد شده دارد.

۲۱ حاکم اسلامی ، وظیفه دار برگزیدن یکی از مجازات های چهارگانه محارب ، با رعایت تناسب بین مجازات و جنایت وی

انما جزؤا الذین یحاربون الله .. او ینفوا من الارض

از امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق روایت شده: ذلك الى الامام يفعل به ما يشاء، قلت: فمفوض ذلك اليه؟ قال: لا، و لكن نحو الجنایه.

کافی، ج ۷، ص ۲۴۶، ح ۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۲، ح ۱۶۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۷،۸

۷ حدود تعیین شده برای مجرمان ، کیفرهایی کافی و مناسب

جزاء بما کسبا

<جزاء> مفعول له برای

<فاقطعوا> است و بیانگر آن است که خداوند از آن رو بریدن دست دزد را واجب کرده که کیفر مناسب برای دزدان است و از این تعلیل به دست می آید که تمامی حدود الهی کیفرهایی مناسب با جرم مجرمان است.

۸ بریدن دست دزد ، عقوبتی بازدارنده و عبرت آموز

نکلا من الله

<نکال> به عقوبتی گفته می شود که برای بازداشتن مجرم از تکرار گناه و عبرت دیگران انجام گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۳

۳ وضع قوانین و مقررات و جعل کیفر برای متخلفان ، از شؤون خداوند و برخاسته از حاکمیت وی بر جهان هستی

فاقطعوا ایديهما جزاء بما كسبا .. الم تعلم إنّ الله له ملك السموت و الارض

آیه مورد بحث، ناظر به مطالبی است که در آیه قبل بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۱، ۱۲

۱۱ اعمال ناروای آدمی هر یک دارای کیفری مناسب ، در پیشگاه خداوند

قل هل انبئکم بشرّ من ذلك مثوبه عند الله

۱۲ تفاوت کیفر های الهی ، نشاندهنده میزان پلیدی گناهان

قل هل انبئکم بشرّ من ذلك مثوبه عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۲۷، ۳

۳ سوگندشکنان در صورتی که سوگندشان با توجه و از روی قصد باشد ، مورد مؤاخذه خداوند قرار خواهند گرفت

و لكن يؤخذکم بما عقدتم الأیمن

امت اسلام بر این اتفاق نظر دارند که مؤاخذه بر سوگند و لزوم کفاره تنها در صورتی است که یاد کننده سوگند

به آن وفادار نماند (مجمع البیان).

۲۷ سوگند بی هدف و غیر جدی به نام خداوند ، مؤاخذه الهی را در پی ندارد .

لا یؤاخذکم الله باللغو فی أیمنکم

امام صادق (ع) در توضیح معنی <لغو> در آیه فوق فرمود: اللغو قول الرجل <لا والله> و <بلی والله> و لا یعقد علی شیء.

کافی، ج ۷، ص ۴۴۳، ح ۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۵، ح ۳۲۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۵

۱۵ اندازه کیفرها و مجازات های تعیین شده از سوی خداوند ، بسته به میزان گناه نه کم و نه بیش

فجزاء مثل ما قتل .. لیدوق و بال امره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۸

۱۸ اعمال و رفتار هر یک از گمراهان و هدایت یافتگان دارای بازتاب و سزایی مناسب در قیامت

فینبئکم بما کنتم تعملون

هدف از جمله <فینبئکم بما ..> ترغیب مردمان به هدایت و پذیرش تعالیم قرآن و تهدید کفرپیشگان و منحرفان به عذاب است و چون مجرد آگاه سازی به اعمال و کردار برای تهدید و ترغیب کافی نیست بنابراین جمله <فینبئکم> کنایه از پاداش دهی و به کیفرسانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۱

۱ شهادت های ناحق بی اعتبار و احکام مبتنی بر آن ملغاست

فان عثر علی انهما استحقا اثماً فاخران یقومان مقامهما

عُثْر و عُثُور مصدر عُثِرَ به معنای آگاه شدن و اطلاع یافتن است و <استحقا> باب استفعال از <حق> می باشد.

و از جمله معانی باب استفعال، جلوه دادن و قلمداد کردن است. می توان گفت همین معنا از <استحقا> اراده شده است. بنابراین جمله <فان عشر...> یعنی اگر معلوم شد که شاهدان گناهی (شهادت ناحقی) را حق جلوه دادند ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۷

۷ کیفیت و نوع عذاب الهی ، متناسب با چگونگی و نوع گناه

فمن یکفر بعد منکم فانی اعذبه عذاباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۱۱

۱۱ میان گناه و کیفر آن در نظام مجازات الهی نوعی تقابل و تناسب برقرار است.

و إذا جاءتهم آیه قالوا لن نؤمن .. سیصیب الذین أجرموا صغار عندالله

خداوند ذلت و خواری را کیفر متکبران در برابر آیات الهی قرار داده است که با یکدیگر تقابل تضاد دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۴

۴ فرستادن پیامبران و استقرار نظام عمل و جزا، در عین بی نیازی خداوند، جلوه ای از رحمت گسترده اوست.

لکل درجت ما عملوا .. و ربک الغنی ذو الرحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱۲

۱۲ مجازاتهایی که خداوند اعمال می کند، عالمانه و حکیمانه است.

سیجزیهم و صنفهم إنه حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۱،۳،۷

۱ هر کار نیک دارای پاداش ده چندان است.

من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها

> فلا یجزی .

.. < دلیل بر این است که مراد از <عشر أمثالها> پاداش کار نیک است.

۳ عقوبتهای خدا عادلانه و پاداشهای وی جلوه ای از فضل اوست.

من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها و من جاء بالسيئة فلا يجزي إلا مثلها

۷ انجام عمل نیک به شرط حبط نشدن تا حضور در صحنه قیامت دارای پاداشی ده چندان است.

من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها

حرف <باء> در <بالحسنة> هم می تواند برای تعدیه باشد، که در این صورت <مجی> به معنای انجام دادن است، و هم می تواند برای مصاحبت باشد، که در این صورت <مجی> به معنای حاضر شدن است. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. بر این مبنا جمله <من جاء بالحسنة> (کسی که با عمل نیکی در قیامت حاضر شود)، اشاره به این معنا دارد که پاداش از آن کسی است که عمل نیکش تا قیامت باقی باشد و با گناه حبط نشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۲

۲ خداوند در پی ارسال هر یک از پیامبران در شهرها و آبادانیها، کفرپیشگان را به سختی تنگدستی و رنج و اندوه گرفتار ساخت.

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء

با توجه به دو آیه بعد (و لو أن أهل القری ..) معلوم می شود گرفتار ساختن امتهای گذشته به بلاها و سختیها در صورتی بوده که آنان با تبلیغ و ارشاد پیامبران خویش ایمان نمی آوردند و همچنان بر کفرورزی پافشاری داشتند. در این مرحله آنها را گرفتار می ساخت

تا شاید متنبه شوند. بنابراین جمله <أخذنا أهلها ... > مقید می شود به <إذا لم يؤمنوا و لم يتقوا>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۲،۳

۲ خداوند پاداش یهودیان تمسک کننده به تورات و برپا دارنده نماز را تباه نخواهد کرد .

و الذین یمسکون بالکتب .. إنا لانضیع أجر المصلحین

چون آیه مورد بحث در سیاق آیات مربوط به یهود واقع شده، می توان گفت مراد از <الذین .. > یهودیان متعهد هستند، و یا اینکه آنان از مصادیق مورد نظر برای <الذین ... > می باشند.

۳ چنگ زدن به کتاب های آسمانی و برپا داشتن نماز ، دارای پاداشی تضمین شده از جانب خداوند

و الذین یمسکون بالکتب .. إنا لانضیع أجر المصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۶

۶ کمترین ستم از جانب خدا ، ستمی بزرگ است و وی منزه از آن می باشد .

و أن الله لیس بظلم للعبيد

با توجه به اینکه مراد از ظلام نبودن خدا، نفی کمترین ظلم از جانب اوست، به کارگیری صیغه مبالغه می تواند اشاره به این نکته باشد که حتی کوچکترین ستم از ناحیه خدا ستمی بزرگ محسوب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۶

۶ خداوند ، کافران و گنهکاران را پس از ارائه آیات خویش و اتمام حجت بر آنان ، مؤاخذه خواهد کرد .

كفروا بايت الله فأخذهم الله بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره -

۱۷ خداوند هرگز در پاداش دادن به بندگان خویش ستم روانمی دارد .

و أنتم لا تظلمون

۱۸ کاستی در پاداش انفاق ها و نادیده گرفتن انفاق های ناچیز ، ستمکاری است .

و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّٰه یوفّٰ لیکم و أنتم لا تظلمون

۱۹ پرداخت مزد کارها به کمتر از مقدار استحقاق ، ستمکاری است .

یوفّٰ لیکم و أنتم لا تظلمون

<توفیه> مصدر <یوف> به معنای پرداخت کامل و تمام است و جمله <أنتم لا تظلمون> حال برای ضمیر در <إلیکم> است. مفهوم این دو جمله همان است که در برداشت فوق آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ سنت خداوند بر عقوبت نکردن انسان ها پیش از بیان دستورات خویش است .

لو لا کتب من اللّٰه سبق لمسکم فیما أخذتم

در اینکه مراد از <کتب ..> چیست، چندین نظر ایراد شده است؛ از جمله سنت الهی بر اینکه تا دستوری را به روشنی برای مردم بیان نکند، آنان را به عذاب گرفتار نمی سازد. و اسیر گرفتن در جنگ بدر هر چند کاری بسیار ناصواب بوده، ولی حکم آن به روشنی بیان نشده بود و لذا خداوند مرتکبان این عمل ناصواب را به عذاب گرفتار نساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ نقش پیامبر (ص) و رهبر جامعه اسلامی در عفو گروهی از منافقان بر اساس مصالح و کیفر گروهی دیگر

إن نعب .. نعب

به اینکه مراد از عفو و عذاب، می تواند بخشش و کیفر دنیوی باشد، و نیز با الغای خصوصیت و تعمیم دادن صدور حکم عفو و مجازات به رهبر جامعه اسلامی مطلب فوق را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنات .. أولئك سير حمهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۳

۳ تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد الله المؤمنين و المؤمنات جنت تجري من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۱۳

۱۳ در نظام جزایی خداوند ، حتی به ستمگران هم ظلم نخواهد شد .

و لو أن لكل نفس ظلمت .. قضی بینهم بالقسط و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ لزوم پرهیز از ملاحظه نسب و حسب انسان ها در اجرای کیفر ها و مجازات های مطرح شده در دین

و أهلك إلا من سبق عليه القول

بیان این بخش از داستان نوح(ع) (احمل فیها. .. أهلك إلا من سبق عليه القول) رساننده این پیام است که: نباید به خاطر خویشی خطاکاران حتی با افراد برجسته ای چون پیامبران ، از کیفر آنان چشم پوشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

در اجرای کیفرها و مجازات تعیین شده برای گنه کاران، نباید حسب و نسب آنان را ملاحظه کرد.

إلا امرأتك إنه مصيها ما أصابهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۹ - ۸

۸ خداوند، سزا و کیفر مشرکان را بی هیچ کم و کاستی به آنان خواهد رساند.

و إنا لموفوهم نصيبهم غير منقوص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۴۸

۴ پاداشها و کیفرهای خداوند، با اعمال و رفتار آدمیان مطابقت داشته و کاستی ندارد.

ليوفينهم ربك أعملهم

<توفیه> (مصدر یوفی) به معنای به طور کامل و تمام پرداختن است.

۸ رساندن انسانها به سزایی کامل و مطابق با اعمال و رفتار آنان، تنها درخور کسی است که به تمام اعمال و جزئیات رفتار ایشان آگاه باشد.

ليوفينهم ربك أعملهم إنه بما يعملون خبير

بیان آگاهی خداوند به تمامی اعمال و جزئیات آن، پس از مطرح ساختن ادای کامل پاداش و کیفر اعمال، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۴

۴ جواز کیفر مجرمان بیگانه مطابق موازین خود آنان

فما جزؤه إن كنتم کذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ داوطلب شدن بی گناهان برای مجازات شدن به جای مجرمان ، مجوز کیفر دادن آنان نیست .

فخذ أحدنا مكانه .. معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۹،۱۰

۹ خداوند ، اعمال و رفتار آدمیان را محاسبه می کند و بر اساس آن ، ایشان را سزا می دهد .

و هو سریع الحساب

۱۰ مجازات های الهی قانونمند و دارای نظامی خاص

و هو سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱۰

۱۰- کیفر و پاداش الهی تنها در برابر مکتسبات و اعمال ارادی انسان است ، نه در مقابل امور ذاتی و فطری

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

تصریح به اینکه کیفر و پاداش الهی در برابر کسب و تلاش خود انسان است (ما کسبت)، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۷

۷- همه انسان ها ، سزای اعمال خویش را در قیامت ، به طور کامل دریافت خواهند کرد .

یوم . . . و توفی کلّ نفس ما عملت

<توفی> (از ماده توفیه) به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۷

۷- عدل الهی ، بر نظام جزای اعمال حاکم است .

و لا تزر وازره وزر آخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۹

۹ - کیفیت برانگیختن انسان و جزای اعمال او در قیامت ، متناسب با عملکرد دنیایی او است .

فنیتهها .. تنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۶

۶ - هر عمل نیکی ، دارای

مراتب مختلف در نیکی و پاداش های گوناگون متناسب با آن عمل نیک است .

رجال لاتلهيهم تجره ولابيع عن ذكر الله .. ليجزيهم الله أحسن ما عملوا

این که خداوند، اعمال مردمان الهی را به بهترین نوع عمل پاداش می دهد، نشانگر آن است که هر عمل نیکی، دارای انواع و مراتب گوناگون است که خداوند در مقام جزا، بهترین نوع آن را ملاک قرار می دهد و به مردمان الهی عطا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۲،۵

۲ - پاداش الهی در جهان آخرت ، براساس فضل و احسان و کیفر او ، برپایه عدل و انصاف خواهد بود .

من جاء بالحسنة فله خير منها و من جاء بالسيئة فلايجزى .. إلا ما كانوا يعملون

۵ - هر عمل نیک در جهان آخرت ، دارای پاداش افزون و هر عمل بد دارای کیفر متناسب با آن خواهد بود .

من جاء بالحسنة .. و من جاء بالسيئة

<ال> در <الحسنة> و <السيئة> برای جنس و مفید استغراق است. بنابراین <من جاء بالحسنة> / یعنی ، <هر کس هر عمل نیک بیاورد> و <من جاء بالسيئة> / یعنی ، هر کس هر عمل بد بیاورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۲۶

۲۶ - نظام جزایی الهی ، از هر گونه ظلم و ستم ، دور است .

فما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۵

۵ - پاداش های اخروی خداوند به

مؤمنان (بهشت و نعمت های آن) ، تفضل او است .

لیجزی الذین . . . من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۹

۹ - هیچ قدرتی ، توان نجات انسان را ، از عذاب خدا ندارد .

ما لکم من دونه من ولی و لاشفیع

به قرینه آیه پیش که در آن از انداز سخن به میان آمده و نیز <شفیع> در همین آیه و آیه بعد که درباره قیامت است، مراد از <ولی> با توجه به ریشه لغوی آن (قرب) می تواند کسی باشد که خویش و نزدیک انسان است و انسان را یاری می دهد. با توجه به سیاق آیات و این که نکره در سیاق نفی، دلالت بر عموم می کند، نفی هرگونه مددکننده ای، می تواند مربوط به عذاب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۸ - ۱،۳

۱ - برابر نبودن مؤمن و فاسق ، در نظام پاداش الهی ، امری بدیهی و خدشه ناپذیر است .

أفمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً لا یستون

همزه <أفمن..> استفهام انکاری است و <لا یستون> نیز بر آن تأکید بیشتری می کند. گفتنی است: <کاف> در <کمن> تشبیه در جزا است و به قرینه آیات سابق و آیات بعدی (۱۹ و ۲۰)، مراد از نفی تساوی، می تواند عدم تساوی در پاداش و جزا باشد.

۳ - ایمان و فسق دنیوی ، ملاک پاداش و کیفر اخروی است .

أفمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً لا یستون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - عذاب کافران ، بدون پرسش و پاسخ و مؤاخذه خواهد بود .

لیسئل الصدقین .. و أعدّ للكفرین عذابًا ألیماً

تغییر اسلوب کلام از < لیسئل .. > به < أعدّ... > می تواند به منظور افاده این نکته باشد که عذاب کافران، آماده شده است و جای چون و چرا ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - موقعیت انسان ها ، در کیفیت پاداش عمل خیرشان ، نقش دارد .

إن كنتنّ تردن الله و رسوله .. فإنّ الله أعدّ للمحسنّ منكنّ أجرًا عظیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۳

۳ - موقعیت افراد ، در برخورداری شان از پاداش و کیفر الهی ، نقش دارد .

و إن كنتنّ تردن الله .. فإنّ الله أعدّ... أجرًا عظیمًا... من یأت منكنّ بفحشه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۱ - ۴

۴ - موقعیت افراد در برخورداری شان از پاداش مضاعف خداوند در مقابل عمل صالح شان نقش دارد .

و من یقنت منكنّ لله و رسوله و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۷

۷ - جنسیت زن و مرد ، در برخورداری از آمرزش و پاداش الهی ، دخالتی ندارد .

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۵ - سبأ -

۲ - مشرکان ، هیچ گاه درباره کردار پیامبر و مؤمنان ، مورد مؤاخذه قرار نمی گیرند .

قل لاتسئلون عما أجرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۶

۱۶ - نظام کیفر و پاداش خداوند ، بر اساس علم همه جانبه او به احوال و کردار بندگان است .

الذین كفروا لهم عذاب شديد .. إن الله علیم بما یصنعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۴ - ۴

۴ - مجازات به میزان رفتار و کردار و متناسب با کم و کیف آن ، جزایی است عادلانه .

فالیوم لاتظلم نفس شیئاً و لاتجزون إلا ما کتمت عملون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله < و لاتجزون .. > عطف بر جمله پیش (لاتظلم...) است و بیانگر چرایی و چگونگی ستم نشدن به انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۲۰

۲۰ - تأثیر انگیزه ها و نیت های انسان ها در اعمالشان و نیز در چگونگی و میزان کیفر و پاداش آنان

فیبتئکم بما کتمت عملون إنه علیم بذات الصدور

خداوند به جای آن که بفرماید: من به اعمال پنهانی آنان آگاهم، فرمود: به باطن و ضمیر آنان آگاه هستم. این تعبیر می تواند اشاره به حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۶

۶- نظام کیفر و جزای الهی در قیامت ، برپایه عدل و به دور از تبعیض

و نابرابری است .

إِنِّي أَخَافُ إِنَّ عَصِيَّتَ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۱۳

۱۳ - نظام جزا و کیفر الهی ، عادلانه است .

ذوقوا ما كنتم تكسبون

خداوند، عذاب قیامت را برابر و نتیجه دستاوردهای خود انسان دانسته است. این بیان گویای این حقیقت است که عذاب قیامت هر چند سخت است ولی چون نتیجه رفتار و کردار خود انسان است، عادلانه و به دور از ظلم و اجحاف می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ - هر عمل نیکی ، دارای مراتب مختلف در نیکی و پاداش های متناسب با آن است .

و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی كانوا یعملون

این که خداوند به محسنان مطابق بهترین نوع عملشان پاداش می دهد، نشانگر آن است که هر عمل نیکی، دارای انواع و مراتب گوناگون است که خداوند در مقام جزا، بهترین نوع آن را ملاک قرار داده و به آنان عطا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۱،۲

۱ - هر کس جزای اعمال خویش را در قیامت به طور کامل و بی کم و کاست ، دریافت خواهد کرد .

و وُفِّتَ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمَلَتْ

<توفیه> (مصدر <وفیت>) به معنای دادن کامل و بی کم و کاست چیزی است.

۲ - تناسب و مطابقت کامل کیفر و پاداش الهی ، با رفتار و کردار بندگان

و وُفِّتَ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمَلَتْ

حذف مضاف در <ماعت< که در اصل <جزاء ماعت< است

می تواند گویای این نکته باشد که جزای الهی، آن چنان با رفتار بندگان تناسب و مطابقت دارد که گویا، آنچه داده می شود خود عمل است نه جزای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۵، ۳، ۱

۱ - نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است.

اليوم تجزى كل نفس بما كسبت

<ما> در <بما كسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما كسبت> یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

۳ - رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت

اليوم تجزى كل نفس بما كسبت

از این که خداوند در پاداش و کیفر، مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخته است (بما كسبت) استفاده می شود که همین اساس پاداش و کیفر آدمیان است نه چیز دیگر.

۵ - در نظام کیفر و پاداش الهی در قیامت، به کسی کمترین ستمی نخواهد شد.

لا ظلم اليوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱۰، ۱

۱ - جزا و کیفر الهی در قیامت، عادلانه و متناسب با رفتار زشت انسان است.

من عمل سيئه فلا يجزى إلا مثلها

مقصود از مجازات به مثل، عادلانه بودن جزای الهی و متناسب بودن آن با رفتار انسان ها است.

۱۰ - خداوند با کافران بدکردار در قیامت، بر مبنای عدل و با مؤمنان نیک کردار براساس فضل و لطف خویش برخورد

خواهد کرد .

من عمل سیئه فلا یجزی إلا مثلها و من عمل صلحا .. و هو مؤمن ... یرزقون فیها ب

برداشت یاد شده از آن جا است که مجازات گناه کاران، تنها به میزان گناه آنان است؛ ولی پاداش مؤمنان نیک کردار، بی شمار و افزون بر استحقاق آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۱۵

۱۵ - عملکرد انسان ، مبنای کیفر و پاداش الهی است .

اعملوا ما شئتم إنه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۶ - ۵

۵ - عدالت در نظام مجازات و پاداش ، از شؤون ربوبیت الهی است .

و ما ربک بظلم للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۹

۹ - قوانین جزایی اسلام ، برخوردار از روح عدالت و تعادل

و جزوا سیئه .. و أصلح فأجره علی الله

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که از یک سو به حقّ مظلوم توجه گشته و به او اجازه مقابله به مثل داده شده است. از سوی دیگر برای اصلاح خطاکار اصل عفو و اغماض مورد تمجید قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۴ - ۹

۹ - خداوند ، پاداش دهنده و مجازات کننده ملت ها ، براساس عملکرد خود آنان

لیجزی قومًا بما کانوا یکسیون

<قومًا> ممکن است به تمامی ملت‌ها (اعم از مؤمن و کافر) نظر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۵ - ۲،۴

۲ - نظام کیفر و پاداش الهی ، نظامی عادلانه و براساس عملکرد نیک و بد خود انسان

لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون . من عمل صلحًا فلنفسه و من أساء فعليها

۴ - تساوی انسان ها ، در برابر قانون کیفر و پاداش الهی

من عمل صلحًا .. و من أساء

از عموم و شمول واژه <من>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۲ - ۴،۷

۴ - تمامی آدمیان ، بی کمترین ظلم و کاستی به نتایج اعمال خویش خواهند رسید .

و خلق الله .. و لتجزی کلّ نفس بما کسبت و هم لایظلمون

مجهول آمدن فعل <تجزی> می نمایاند که هر چند آدمیان رغبت به دریافت جزای اعمال خود نداشته باشند، به ایشان جزا داده خواهد شد.

۷ - نبود هیچ گونه استثنا و تبعیض ، در نظام کیفری و پاداش دهی خداوند به خلق

و لتجزی کلّ نفس بما کسبت و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ - جزای انسان ها در قیامت ، براساس عملکرد دنیوی آنان است .

الیوم تجزون ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- هر فرد ، دریافت کننده تمامی اعمال خویش و پاداش و کیفر آن به شکلی کامل ، در جهان آخرت

و لیوفیهم أعمالهم و هم لایظلمون

۷- عدل الهی ، در نظام کیفر و پاداش

و لیوفیهم أعمالهم و هم لایظلمون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۶

۶- مجازات اقوام مجرم ، پس از اتمام حجت و اعطای ابزار لازم شناخت ، به ایشان است .

كذلك نجزي القوم المجرمين .. و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده

تذکر به اعطای چشم، گوش و قلب به قوم هلاک شده عاد، در حقیقت اشاره به این است که هلاکت آنان، پس از قرار گرفتن امکانات معرفت در اختیار ایشان و اتمام حجت بر آنان، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۴

۴ - پاداش و کیفر الهی ، بر محور عملکرد نیک و بد آدمی قرار دارد .

ليجزى الذين أسوا بما عملوا و يجزى الذين أحسنوا بالحننى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۹ - ۳

۳ - قانونمند بودن نظام پاداش و مجازات الهی

الأتزر وازره و زر أخرى . و أن لیس للإنسن إلا ما سعى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۴

۴ - مجازات انسان با عملکرد تجسم یافته خویش ، تجلی عدالت الهی در نظام جزا

و أن سعيه .. ثم يجزيه الجزاء الأوفى

با توجه به این که ضمیر مفعولی در <یجزاه> به <سعی> بازمی گردد، می توان استفاده کرد که عادلانه بودن نظام مجازات الهی، نتیجه آن است که کیفر و پاداش در قیامت، چیزی جز عمل خود انسان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- نظام جزا و پاداش خداوند ، جلوه ای از تدبیر مطلقه او است .

ثم يجزيه الجزاء الأوفى . و أنّ إلى ربك المنتهى

ذکر این نکته که سررشته تمامی امور در اختیار خداوند است در پی طرح نظام مجازات الهی بیانگر مطالب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - عذاب دوزخیان و اعطای نامه عمل به آنان از پشت سرشان ، نظام جزایی آگاهانه و مدبرانه خداوند است .

و أمّا من أوتى كتبه ... و یصلی سعیراً ... بلی إنّ ربّه کان به بصیراً

حرف <بلی> ممکن است به تمام مشخصات دسته دوم (و أمّا من أوتى ..) ارتباط داشته باشد. در این صورت پندار رجوع نکردن را، پنداری باطل و حوادث پیش آمده (أوتى کتبه وراء ظهره ... یصلی سعیراً) را، رخدادی ثابت معرفی می کند. جمله <إنّه...> بیانگر این است که آن حادثه ها، برخاسته از ربوبیت و بصیرت خداوند است.

آثار نظام جزایی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۴

۴ - نظام کیفر و پاداش الهی در روز رستاخیز ، موجب تأسّف و حسرت شدید منکران معاد خواهد شد .

و قالوا یویلنا هذا یوم الدین

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <هذا یوم الدین> استثنافیه و در مقام تعلیل برای مفاد جمله قبل است.

اهمیت نظام جزایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶ - ۳

۳ - برپایی نظام کیفر و پاداش

، از بارزترین و مهم ترین وعده های خداوند به خلق

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ . . . و إِنَّ الدِّينَ لَوَقْعٌ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <و إِنَّ الدِّينَ > عطف تفسیری برای <إِنَّمَا تُوْعَدُونَ > باشد.

تکذیب نظام جزایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۴

۴ - تکذیب نظام کیفر و پاداش و جدایی حق و باطل ، از ویژگی های مشرکان

هذا يوم الفصل الذی کنتم به تکذّبون

قانونمندی نظام جزایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۴

۴ - جزا دادن به اعمال ، کاری بس حکیمانه و لازمه بی نظیر بودن قضاوت های خداوند است .

فما یکذّبک بعد بالدین . أليس الله بأحکم الحکمین

برداشت یاد شده، ناظر به ارتباط این آیه با آیه قبل است که در آن، کلمه <دین > آمده بود، راغب در <مفردات > می گوید: کلمه <دین > در مورد <طاعت > و <جزا > گفته می شود و در معنای <شریعت > نیز به صورت استعاره به کار می رود.

ملاکها در نظام جزایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - کیفر و پاداش انسان ها در قیامت ، مستند به گواهی شاهدان است .

يوم يقوم الأشهد

نظام جزایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۲

۲ - طوایف و نژاد های مختلف انسانی ، در برابر کیفر گناهانشان ، هیچ امتیازی بر یکدیگر ندارند .

لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة . . . بلی

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱۱

۱۱ - عدل الهی ، در رسیدگی به اعمال انسان ها و پاداش دهی به ایشان

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۱۱، ۶

۶ - نتیجه عمل هر کس و هر جامعه ای از آن خود اوست و باید به او بازگردانده شود .

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

۱۱ - عدل الهی در رسیدگی به اعمال انسان ها و پاداش دهی به آنان

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

نظام جزایی در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۶

۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) : کانت الحکومه فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، . . . فقال لهم یوسف : ما جزاء من وجد فی رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد . . . پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است ... [که باید به بردگی گرفته شود]<.

نظام جزایی در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۶

۱۶ مجازات مجرمان بیگانه بر اساس مقررات خود آنان ، با قوانین

و مقررات مصر در زمان وزارت یوسف (ع) مخالفتی نداشت .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك إلا أن يشاء الله

نظام جزایی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۳،۴،۶

۳- نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها در برابر تمامی حرکات انسان است .

ليجزى الله كل نفس ما كسبت

<ما> در <ما كسبت> موصوله است و معنای جنس را افاده می کند. بنابراین <ما كسبت>؛ یعنی، هر آنچه بشر انجام دهد و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

۴- کیفر و پاداش الهی به انسان ها در قیامت ، کاملاً مطابق و متناسب با کم و کیف رفتار آدمی است .

ليجزى الله كل نفس ما كسبت

۶- رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش ، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت است .

ليجزى الله كل نفس ما كسبت

از اینکه خداوند در پاداش و کیفر مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخت (ما كسبت)، استفاده می شود که همین اساس پاداش و کیفر آدمیان است نه چیز دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۱۲

۱۲- هیچ انسانی در قیامت نسبت به کیفر و پاداش اعمال خویش ، ظلم و بی عدالتی نخواهد دید .

يوم .. توفى كل نفس ما عملت و هم لا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۵

۱۵- توجه به حاکمیت عدل بر نظام کیفر و پاداش اخروی ، گرایش دهنده انسان

ها به انجام اعمال و رفتار خوب و دارای پاداش

فمن أوتى كتبه بيمينه .. و لا يظلمون فتياً

از اینکه خداوند، نظام پاداش دهی خود را در قیامت، برای مردم تشریح می کند، می تواند به منظور تشویق انسانها به انجام اعمالی باشد که پاداش الهی را در پی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۲۰ - ۷

۷ - وجود نظام کیفر و پاداش برای انسان ها ، مهم ترین مشخصه و ویژگی قیامت

هذا يوم الدين

توصیف قیامت به روز جزا از سوی منکران معاد، به مجرد زنده شدن و بازیافتن خود و دیدن صحنه های قیامت (فإذاهم ينظرون)، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۵

۵ - در قیامت ، هر انسانی با کردار خویش ، مواجه شده و سزای آن را خواهد دید . *

كذَّابًا فَمَلَقِيه

ضمیر مفعولی در <فملاقیه> ممکن است به <كذَّابًا> برگردد؛ در این صورت احتمال می رود مراد ملاقات جزای عمل بوده و از باب مبالغه، به ملاقات خود عمل، تعبیر شده باشد.

ویژگیهای نظام جزایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ - نظام جزا و پاداش الهی ، به دور از هرگونه ستم

و لا يظلمون شيئاً

<شیئاً> می تواند کنایه از <ظلماً> و حاکی از این باشد که هیچ ظلمی در قیامت صورت نخواهد پذیرفت.

نظام حقوقی

{نظام حقوقی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۱۸

۱۸ نظام

اخلاقی ، پایگاه و پشتوانه برای عمل به نظام حقوقی ، در اسلام

حقاً علی المحسنین

با توجه به اینکه خداوند، احسان که از مقوله اخلاق است را زمینه پذیرش احکام حقوقی و عمل به آنها قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۰ - ۹

۹ هماهنگی نظام اخلاقی و نظام حقوقی ، در تعالیم دین

و ان كان ذو عسره .. و ان تصدقوا خيراً لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۹

۱۹ لزوم رعایت عدالت از سوی اولیا و سرپرستان ، در شؤون افراد تحت ولایت خود

فلیملل ولیه بالعدل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۱،۳

۱ کسانی که خواهان رعایت حقوق کودکان یتیم خویش از طرف جامعه هستند ، باید حقوق کودکان یتیم دیگران را رعایت کنند .

ولیخس الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً خافوا علیهم فلیتقوا الله

جمله <فلیتقوا الله>، به قرینه جمله قبل (لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً) چنین معنا می شود: فلیتقوا الله فی امر الذریه الضعاف؛ یعنی کسانی که نگران رعایت حقوق فرزندان خویش پس از مرگ خود هستند، باید تقوای الهی را در مورد فرزندان ضعیف (یتیمان) دیگر مردمان رعایت کنند.

۳ عواطف انسانی ، از زمینه های ایجاد انگیزه برای رعایت حقوق یتیمان جامعه

ولیخس الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً خافوا علیهم

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۳۵

۳۵ نظام حقوقی

اسلام ، نشأت گرفته از علم و حکمت خداوند

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلَّهِ فِي الْأَوْلَادِ لِلذَّكَرِ الْوَسْطَىٰ وَاللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۹،۱۳

۹ حق مساوی زن و مرد در مالکیت و بهره‌وری از کار و تلاش خویش

لِّلرِّجَالِ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ مِمَّا اكْتَسَبْنَ

۱۳ زن و مرد ، دارای حق کسب و کار

لِّلرِّجَالِ مِمَّا اكْتَسَبُوا .. و لِلنِّسَاءِ مِمَّا اكْتَسَبْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۸

۸ هماهنگی نظام حقوقی اسلام ، با نظام تکوین

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ

چون خداوند حق مدیریت بر زنان را بر اساس برتری تکوینی مردان قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱۴

۱۴ ارتباط و پیوستگی نظام حقوقی و اخلاقی اسلام

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَصْلِحَا .. و إِنْ تَحَسَّنَا وَتَتَّقُوا

تشریح صلح، یک مسأله حقوقی است و احسان و تقوا یک مسأله اخلاقی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۸ - ۷،۱۱،۱۳

۷ نظام حقوقی و اخلاقی اسلام ، مدافع مظلومان و ستمدیدگان است .

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم

مظلومان در آیه شریفه از حکم تحریم (بدگویی دیگران) استثنا شده و اجازه یافته اند تا برای رساندن ندای مظلومیتشان به افشاگری علیه ظالمان پردازند و این بیانگر دفاع نظام حقوقی اسلام از ستمدیدگان است.

۱۱ آگاهی مطلق خداوند ، پشتوانه جعل قوانین حقوقی

لايحب الله الجهر . . . و كان الله سميعاً عليماً

۱۳ نظام اخلاقی و حقوقی اسلام ، در ارتباط با یکدیگر و پیوسته با همند .

لايحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم و كان الله سميعاً عليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۹ - ۱۱

۱۱ نظام اخلاقی اسلام ، مکمل نظام حقوقی آن

إن تبدوا خيراً أو تخفوه أو تعفوا عن سوء فإن الله كان عفواً قديراً

با توجه به آیه قبل که در مقام بیان نظام حقوقی است (حق مظلوم در پرخاش بر ظالم)، و این آیه که عفو را اخلاقی خدا پسندانه و بهتر از انتقام می داند، معلوم می شود که نظام اخلاقی اسلام، مکمل نظام حقوقی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۱۵، ۱۸، ۱۹

۱۵ ثبوت مالکیت و حق ارث برای زنان در نظام حقوقی اسلام

فلها نصف ما ترک و هو يرثها . . . فلها الثلثان مما ترک

۱۸ اهتمام قرآن به مسایل حقوقی و اقتصادی

قل الله يفتيكم في الكلله . . . بين الله لكم ان تضلوا

۱۹ نادیده گرفتن مسایل اقتصادی و حقوقی دین (ارث و . . .) مایه گمراهی و ضلالت

يستفتونك قل الله يفتيكم . . . بين الله لكم ان تضلوا

نظام حقوقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٧ - حقوق اسلامى آميخته با اخلاق و احسان

كتب عليكم القصاص . . . فمن عفى له من أخيه شيء فاتباع بالمعروف و أداء إليه بإحسن

{نظام سیاسی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ جایگاه مهم ولایت و سرپرستی در نظام اجتماعی اسلام

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ ... و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۶

۲۱ خطاهای گذشته مردم، نباید مانع از مشورت رهبران اسلامی با آنان باشد.

فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم في الامر

امر به مشورت با مؤمنان پس از تصریح به خطاکاری آنان، اشاره به این معناست که خطا و گناه پیشین مؤمنان نباید مانعی برای مشورت با آنان قلمداد شود.

۲۲ نظام اسلامی، نظامی مردمی و دور از استبداد رهبران است.

و شاورهم في الامر

۲۵ تصمیم گیری نهایی پس از مشورت، بر عهده رهبری است.

و شاورهم في الامر فاذا عزمتم فتوكل على الله

چون <عزم> و تصمیم پس از مشورت، بر عهده شخص پیامبر (ص) گذاشته شده است، (عزمّت) نه به عهده جمع مورد مشورت و یا اکثریت آنان.

۲۶ حاکمیت رهبری واحد، همراه با پذیرش اصل شورا، از ویژگی های نظام اسلامی

و شاورهم في الامر فاذا عزمتم فتوكل على الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ ارتباط عمیق میان فلسفه سیاسی و اعتقادی اسلام

يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول .. فان تنازعتم ... ان كنتم

چون اطاعت از رسول (ص) و اولوالامر، که یک مسأله سیاسی است، مترتب به

ایمان، که یک مسأله اعتقادی است، شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ ارجاع داوری به حاکمان خود کامه و سلطه گر، پذیرش حاکمیت طاغوت است.

الم تر الى الذين يزعمون أنهم امنوا... يريدون ان يتحاكموا الى الطاغوت

امام صادق (ع) فرمود: .. انه لو كان لك على رجل حق فدعوته الى حكام اهل العدل فأبى عليك إلا ان يرافعك الى حكام اهل الجور ليقضوا له لكان ممن حاكم الى الطاغوت و هو قول الله عزّ وجل: الم تر الى الذين يزعمون ...

کافی، ج ۷، ص ۴۱۱، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۸، ح ۳۶۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۲، ۳ و ۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۱۸۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۴

۴ عدم جواز پذیرش ولایت و سرپرستی کفار

الذين يتخذون الكافرين أولياء من دون المؤمنين

در برداشت فوق، <ولئى>، به معنای سرپرست گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۴، ۱۳، ۱۲

۱۲ خداوند کمترین سلطه ای را برای کافران علیه مؤمنان، تشریح نکرده و رضایت نداده است.

و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا

کلمه <سبيل> چون نکره است و پس از نفی قرار گرفته است، دلالت بر عموم دارد. یعنی هیچ راه سلطه ای را خداوند برای کافرین قرار نداده است.

۱۳ حرمت پذیرش ولایت و حکومت کافران

و لن يجعل الله للكافرين

بنابر اینکه جمله <لن يجعل...>، در مقام انشاء باشد و نه اخبار. یعنی نباید مؤمنان سلطه کافران را پذیرا باشند.

۱۴ انعقاد هرگونه پیمان (سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی)، که موجب سلطه کافران گردد، نامشروع و باطل است.

و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۱،۲،۳،۵،۹

۱ حرمت ایجاد روابط دوستی و موَدّت با کافران و پذیرش سرپرستی آنان

يأبها الذين ءامنوا لاتتخذوا الكافرين أولياء من دون المؤمنين

۲ کافران، فاقد صلاحیت سرپرستی و حق ولایت بر مؤمنان

يأبها الذين ءامنوا لاتتخذوا الكافرين أولياء

۳ ایمان به خداوند، ناسازگار با پذیرش دوستی و سرپرستی کافران

يأبها الذين ءامنوا لاتتخذوا الكافرين أولياء من دون المؤمنين

۵ اهل ایمان، وظیفه دار تشکیل حکومتی بر مبنای ایمان

يأبها الذين ءامنوا لاتتخذوا الكافرين أولياء من دون المؤمنين

چنانچه <ولّى> به معنای سرپرست باشد، جمله <لاتتخذوا...>، دلالت بر حرمت پذیرش ولایت کافران دارد، و <من دون المؤمنین>، حکایت از ضرورت تشکیل و پذیرش حکومتی بر پایه ایمان دارد.

۹ هشدار و تهدید خداوند به پذیرندگان ولایت کافران و دوستی آنان

لاتتخذوا الكافرين أولياء .. أتريدون أن تجعلوا الله عليكم سلطاناً مبيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۳

۳ تنها احکام الهی باید اساس و معیار حکومت و قضاوت قرار گیرد .

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰

۵ نظام سیاسی و قضایی شکل گرفته بر پایه قوانین غیر الهی ، نظامی جاهلی

افحکم الجهلیه یبغون و من احسن من الله حکماً

۱۳ نظام برخاسته از وحی الهی ، بهترین نظام حکومتی و قضایی

و من احسن من الله حکماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۲، ۴، ۳، ۱

۱ ضرورت پرهیز مسلمانان از پذیرش ولایت و حاکمیت یهود و نصارا

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الیهود و النصری اولیاء

یکی از معانی ولایت، امارت و سلطنت است. (قاموس المحيط)، بنابراین <ولی> می تواند به معنای امیر و حاکم باشد.

۳ یهود و نصارا ، مردمی غیر قابل اعتماد و ناشایست برای برقراری روابط دوستی مسلمانان با آنان

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الیهود و النصری اولیاء

کلمه <اتخاذ> به معنای برگزیدن و اعتماد کردن است. (مجمع البیان).

۴ ناسازگاری ایمان با ایجاد پیوند دوستی و مودت با یهود و نصارا

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الیهود و النصری اولیاء

مخاطب قرار دادن مسلمانان با عنوان اهل ایمان و سپس نهی از ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا، گویای برداشت فوق است.

۱۲ لزوم قطع پیوند ، با کسانی که رابطه دوستی با یهود و نصارا برقرار می سازند .

لاتتخذوا الیهود و النصری اولیاء . . . و من یتولهم منکم فانه منهم

جمله <فانه منهم> می رساند که هر مسلمانی که پذیرای ولایت یهود و نصارا باشد و یا با آنان روابط دوستانه برقرار کند، از زمره آنان خواهد بود و جمله <ولاتتخذوا . . .> دلالت می کند که نباید با وی رابطه دوستی داشت.

۱ تنها خدا، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما وليکم الله و رسوله و الذین ءامنوا الذین . . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۲ خداوند، معرف فردی از مؤمنان برپا دارنده نماز و ادا کننده زکات برای سرپرستی دیگران، با ذکر نشانی معین و مشخص

انما وليکم الله . . . الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

با توجه به اینکه جمله <و هم رکعون> جمله ای است حالیه و عامل آن فعل <یؤتون> است و نیز با توجه به ظهور <رکوع> در معنای مصطلح آن یعنی رکوع نماز، معلوم می شود صفات شمرده شده، مخصوصاً آخرین صفت، عنوان مشیر دارد؛ یعنی برای معرفی شخصی معین است.

۵ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام، از آن خدا، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما وليکم الله و رسوله و الذین ءامنوا . . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

۶ ولایت و رهبری پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست.

انما وليکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

مفرد آوردن کلمه <ولی> علی رغم جمع بودن خبر آن، رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا(ص) و دیگر واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

پیداشتن همواره نماز با تمامی شرایط آن و کوتاهی نوزیدن در پرداخت زکات ، شرط شایستگی برای ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم الله .. الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

اقامه نماز به معنای برپا داشتن آن با تمامی شرایط است و فعل مضارع <یقیمون> و <یؤتون>، حاکی از استمرار و تداوم اقامه نماز و پرداخت زکات است.

۸ حالت خضوع و فروتنی در پرداخت صدقه و زکات ، از شرایط لازم برای تصدی حکومت و ولایت بر اهل ایمان

انما ولیکم الله .. الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۹ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان ، به جز ولایت خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

برداشت فوق با توجه به کلمه <انما> که برای حصر است، استفاده شده است.

۱۰ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان ، نصارا و دیگر کافران

و من یتولهم منکم فانه منهم .. انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۹

۹ حفظ قداست و احترام اسلام ، اصلی ضروری در روابط با بیگانگان

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً و لعباً .. أولیاء

نظام سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱۸، ۱۲، ۸

در گرو وجود تمایل اجتماعی و زمینه پذیرش آن

ابعث لنا ملكاً نقاتل

با توجه به اینکه حضرت اشموئیل قبل از درخواست مردم، کسی را به عنوان فرمانده ایشان معین نکرد؛ با اینکه ضرورت آن روشن بود.

۱۲ لزوم پیمان گرفتن رهبری جامعه از مردم، برای پابندی بر تبعیت از وی در جنگ و غیر آن

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال الا تقاتلوا

۱۸ پیکار در راه خداوند، عزت بخش و رهاکننده جامعه از قید تجاوز و اسارت

و ما لنا الا نقاتل فی سبیل الله و قد اخرجنا من دیارنا و ابنائنا

۲۷ فقدان زمامدار الهی در یک جامعه، موجب پراکندگی صفوف آن جامعه و تسلط اجانب بر آنان *

من بعد موسی . . . و قد اخرجنا من دیارنا

درخواست بنی اسرائیل از پیامبر خویش برای تعیین زمامداری الهی، حاکی است که چنین مقامی در میان آنها نبوده و در نتیجه، سلطه ستمگرانی را به دنبال داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۸

۸ تقدم برگزیدگان الهی بر دیگران، در حکومت و زمامداری

نحن احق بالملك منه . . . قال ان الله اصطفیه علیکم

نظام سیاسی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۶

۶ فرعون برای اداره امور مملکتی از مشورت با دیگران ابایی نداشت .

یرید ان یخرجکم من ارضکم فماذا تأمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۱

۱ فرعون ، برخوردار از اقتدار و سلطنتی با نفوذ در سرزمین

یأتوک بکل سحر علیم

فعل <یأتوک> جواب فعل امر قرار گرفته و به حرف شرط مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین است: ان ترسل الحاشرین یأتوک بکل ساحر علیم. انتخاب این ترکیب برای کلام حاوی این نکته است که فرستادن نیروها مستلزم آوردن ساحران است و این حکایت از نفوذ فراوان فرعون و مأموران وی بر سرزمین مصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۲

۱۲ نظام فرعونى ، نظامى استمارگر

و نستحى نساءهم

چون مجرد زنده نگهداشتن زنان کیفر محسوب نمی شود و فرعون با جمله <سنقتل .. و نستحى نساءهم> در صدد بیان مجازات قوم موسی بوده است، می توان گفت هدف از بیان این معنا استعمار زنان بنی اسرائیل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۶

۱۶- تحمیل بدترین شکنجه ها ، سر بریدن پسران و زنده نگه داشتن زنان از سوی فرعونیان ، آزمایشی بزرگ از جانب خداوند برای بنی اسرائیل

یسومونکم سوء العذاب .. و فى ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلکم> شکنجه های فرعونیان باشد.

نظام سیاسى مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۸

۸ وحدت نظام سیاسى و قضایى حکومت استبدادى مصر *

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأيت ليسجننه

نظام عليت

{نظام عليت}

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - هود - ١١ - ٣٧ - ٧

٧ جريان مشيت الهى ، از طريق

اسباب و علل طبیعی

واصنع الفلک بأعیننا ووحینا

روشن است که خداوند بدون سببی همانند کشتی نیز توانا بر نجات نوح و همراهانش بود. بنابراین فرمان او مبنی بر ساخت کشتی، اشاره به دو نکته دارد: یکی اینکه خداوند امور جهان را معمولاً از طریق اسباب و علل اداره می کند و دوم آنکه درسی باشد برای مؤمنان که برای پیشبرد اهداف ایمانی خویش، اسباب و علل را به کار گیرند و همواره منتظر امور غیبی نباشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۹

۱۹ جریان مشیت الهی با اسباب و علل طبیعی

ما کان لیاخذ أخاه فی دین الملک إلا أن یشاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۵

۵- نیازمندی پدیده ها به علت و پدید آورنده ، امری بدیهی و غیر قابل تردید است .

أفی الله شک فاطر السموت و الأرض

از اینکه خداوند از خالقیت خود نسبت به پدیده های آسمان و زمین نفی شک می کند، مبتنی بر قضیه ای است که کبرای آن به دلیل وضوح و بداهتش نیاز به ذکر ندارد و آن نیازمندی هر پدیده (معلول) به پدید آورنده (علت) است که همه عقلا، و از جمله کفار، هیچ تردیدی درباره آن ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۵

۵- اراده الهی ، از طریق اسباب و مسببات تحقق می پذیرد .

و إذا أردنا .. ففسقوا فیها فحق علیها القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸- خداوند ، امور این جهان را از طریق اسباب و علل به انجام می رساند .

و تحسبهم أيقاظًا و هم رقود و نقلبهم . . . و لملئت منهم رعبًا

خداوند، برای حفاظت از اصحاب کَهِف، جسم آنان را پهلو به پهلو می کرد و منظره آنان را منظره افرادی بیدار و با هیبت قرار داد. به کاراندازی این اسباب طبیعی، بدون نیاز به آن، نشان دهنده سنت خداوند بر نقش دادن به اسباب و علل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۹

۱۹- خداوند در فعلیت دادن به اراده خود و عملی ساختن آن ، اسباب و علل را به کار می گیرد .

فأردنا أن يبدلهمآ . . فأراد ربك . . . رحمه من ربك و ما فعلته عن أمري

خداوند، ربوبیت خویش را نسبت به مؤمنان و فرزندان ایشان و نیز محرومان، از طریق مأمور ساختن خضر(ع) به شکافتن کشتی و . . عملی ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۸۴ - ۶

۶- نظام طبیعت ، مبتنی بر ایجاد اشیا و تحقق امور از طریق سلسله علل و اسباب است .

و ءاتينه من كل شىء سببًا

موفقیت <ذوالقرنین> در تصرفات خویش، مرهون استفاده او از اسباب و وسائل بوده است. بیان این موضوع در آیه، اشاره به حاکمیت علل و اسباب بر امور جهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۴،۱۳

۴- علل طبیعی در حوادث عالم ، علت منحصر نیست .

كذلك قال ربك هو علي هين

۱۳- قدرت خداوند بر اعطای وجود به معدوم مطلق، نشانگر محدود نبودن آن در دایره علل و اسباب طبیعی است.

هو علي هين و قد خلقتك من قبل و لم تك شيئاً

مراد از <لم تك شيئاً>، نیستی مطلق است و تطبیق آن بر زکریا که پیدایش او به پیدایش حضرت آدم از خاک منتهی می شود، به اعتبار زمانی است که اولین مخلوق از کتم عدم به وجود آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۰ - ۸

۸- برگزیدگان خداوند در تحقق اراده الهی در امور دنیا، انتظار معجزه نداشته و مجرای طبیعی آن را جستجو می کردند.

قالت انی یکون لی غلم و لم یمسسنی بشر

حضرت مریم(س) با آن که به قدرت خداوند ایمان داشت، ولی زمانی که بشارت فرزند را شنید، در تصور راه طبیعی آن به نتیجه نرسید و با جمله <انی یکون لی غلام> از نحوه پیدایش آن پرسید. پیدا است که او اسباب و علل طبیعی را در این امور نیز، از نظر دور نمی داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۵،۶

۵- علل و اسباب عادی و مجاری طبیعی امور، محدودکننده اراده و قدرت خداوند نیست.

قال ربك هو علي هين

مشکلی که برای تولد فرزندی بدون پدر متصور است، از ناحیه فقدان برخی اسباب طبیعی است، ولی خداوند حرکت بر خلاف این مسیر مانوس را امری ساده و آسان می شمارد. پیام این قضیه همان حاکمیت خداوند بر علل و اسباب طبیعی است.

علل و اسباب حوادث عالم ، منحصر به علل طبیعی و عادی نیست .

قال رَبِّكَ هُوَ عَلِيُّ هَيْنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۹

۹- خداوند برای ایجاد چیزی ، نیازمند به کارگیری اسباب و وسایط نیست .

إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

معنای نیازمند نبودن خداوند به اسباب و وسایط این نیست که خداوند اسباب را به کار نمی گیرد، بلکه بدان معنا است که اسباب در رتبه متأخر از اراده و فرمان او قرار دارند، بنابراین اراده او محدود به هیچ وسیله ای نیست و وسایل نیز با فرمان او و به شکلی که او بخواهد عمل می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۹

۹ - علت ها و عوامل طبیعی ، مجاری تحقق اراده خداوند

و هو الذی یحیی . . . و النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۸

۸ علل و اسباب طبیعی ، مجرای اراده خداوند در عالم طبیعت

و هو الذی أرسل . . . و أنزلنا من السماء ماء طهوراً . لنحیی به بلدة میتاً و نسقیه

برداشت فوق، با توجه به این نکته به دست می آید که خداوند، حرکت بادهای باران زا، نزول باران برای احیای زمین و سیراب شدن انسان و چهارپایان را، به خود نسبت داده و کار خویش دانسته است (و هو الذی أرسل الرياح . . . و أنزلنا من السماء ماء طهوراً . لنحیی...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- بهره مندی از اوج رفاه و ثروت ، بدون اسباب و علل ، ناسازگار با قانون بهره گیری از ابزار و وسایل در تأمین معیشت *

و لولا أن يكون الناس أمه وحده لجعلنا .. معارج عليها يظهرون

برداشت بالا- بدان احتمال است که مراد از <امت واحده> تساوی انسان ها در برابر بهره گیری از اسباب و وسایل در تأمین معیشت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۳ - ۶

۶- عوامل و اسباب طبیعی ، مورد توجه ، در تدبیر و برنامه های الهی

فأسر بعبادی لیلًا

خداوند در هر شرایطی، قادر به عملی ساختن برنامه هایش می باشد. با این حال در رهاسازی بنی اسرائیل از چنگال فرعونیان، نقش عوامل طبیعی (لیلاً) را نادیده نگرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۹ - ۶

۶ سلسله علل و اسباب طولی در نظام طبیعت ، به جعل و تدبیر الهی است .

و نزلنا من السماء .. فأنبثنا به جنت و حبّ الحصيد

خداوند، خود باران را فرومی فرستد و خود آن را وسیله رویش گیاهان قرار می دهد و این گونه یکی را رتبه سبب و دیگری را رتبه مسبب می بخشد. انتساب فعل ها به خداوند، می رساند که این نظام طولی، مستند به جعل الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۵ - ۳

۳- نیاز پدیده و شیء ممکن به علت پدید آورنده ، امری بدیهی و قابل فهم

برای همگان

أَمْ خَلَقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ

از این که خداوند این مسأله را با پرسشی ساده و همراه با اعجاب و انکار مطرح کرده است؛ استفاده می شود که شبهه در نیاز معلول به علت، برای عقل سلیم شگفت انگیز بوده و شک در امر بدیهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۵

۵ - تحقق اراده الهی در قیامت ، از طریق اسباب و علل

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس فلاتنتصران

برداشت یاد شده با توجه به دو مطلب زیر به دست می آید: الف) آیه شریفه مربوط به قیامت باشد. ب) خداوند <شواظ> و <نحاس> را وسیله منع نفوذ و گریز خلق قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۱

۱ - هیچ حادثه ناگواری در زندگی بشر ، اتفاقی و از روی تصادف نیست .

ما أصاب من مصیبه فی الأرض و لا فی أنفسکم إلا فی کتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۳ - ۱۰، ۹

۹ - خداوند ، برای هر چیزی اندازه ای و برای هر امری در این عالم ، اسباب و عللی قرار داده است .

قد جعل الله لكلّ شیء قدرًا

۱۰ - نظام خلقت ، نظامی است قانونمند و متکی بر علل و اسباب .

قد جعل الله لكلّ شیء قدرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - استحکام و از هم پاشیدگی اجزای آسمان ، تابع شرایط خاص و تأثیرات

اسباب و علل است .

إذا السماء انشقت

<إنشقاق> (شکافته شدن) مطاوعه <شق> (شکافتن) است و نتیجه و بازتاب آن را بیان می کند. بنابراین آسمان، تحت تأثیر عاملی شکافنده از هم می گسلد.

نظام علیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۳

۳ - تحقق فعل خدا با جریان اسباب و علل

فقلنا اضربوه ببعضها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۹

۹- حاکمیت نظام < علت و معلولی > در جهان طبیعت

و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرات رزقاً لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۴ - ۸

۸- رفع گرفتاری از انسان های گرفتار به وسیله خداوند ، از طریق اسباب و علل ظاهری است . *

ثم إذا كشف الضرب عنكم إذا فریق منكم برّبهم یشركون

نظام علیت و حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۲۰

۲۰ دانش کشف ارتباط نظام اسباب و علل با حاکمیت اراده الهی ، دانشی بس بلند مرتبه

ادخلوا من أبواب متفرقه و ما أغنى عنكم من الله من شيء .. و إنه لذو علم لما علم

نظام فرهنگی

{نظام فرهنگی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۴

۴ حرمت ایجاد روابط دوستی با کسانی که نماز و اذان را بازیچه می پندارند و آن را به تمسخر می گیرند .

لا تتخذوا الدين اتخذوا دينكم هزواً و لعباً .. و إذا

نادیتم إلى الصلوه

نظام قضایی

{نظام قضایی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۴

۱۴ داوری پیامبران در محدوده قوانین الهی

و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

بنابراینکه ضمیر <ليحكم> به <الكتاب> برگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۵

۵ مجازات های الهی ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

ان الله لا يظلم مثقال ذره و ان تك حسنه يضاعفها

جمله <و ان تك حسنه> عطف بر جمله ای مقدر است ؛ یعنی <ان تك سيئه فلا يجزي الا مثلها و ان تك حسنه ... >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۹

۹ لزوم تشکیل حکومت و برقراری نظام قضایی عادلانه در جامعه اسلامی *

ان الله يأمركم ان تؤدوا الامانات الى اهلها و اذا حكمتم بين الناس ان تحكموا ب

لازمه ادای امانت به اهلش و سپردن مسؤولیتها به افراد لایق و قضاوت عادلانه در میان مردم، وجود تشکیلات حکومتی و قضایی میان مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۳۵

۳۵ نظام جزا و پاداش الهی ، به دور از هر گونه ستم

فلما كتب عليهم القتال ... و لا تظلمون فتیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۷

۷ اعطای درجه و اجر و پاداش از سوی خداوند بر اساس نظامی عادلانه

فضّل الله المجاهدون باموالهم و انفسهم على القاعدین

درجه و کلاً .. اجراً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۸

۸ برقراری نظام قضایی عادلانه و برحق در جامعه بشری ، از اهداف نزول قرآن

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ

توصیف قرآن به حق بودن، بیانگر این است که قضاوت نیز، که از اهداف نزول قرآن است، همواره قرین حق و عادلانه خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۹

۹ اقرار انسان علیه خویش ، نافذ و دارای اعتبار قانونی است .

شهداء لله و لو على أنفسكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲۴

۲۴ احکام قضایی و قوانین الهی ، عادلانه و به دور از هرگونه ستم

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۳

۳ تنها احکام الهی باید اساس و معیار حکومت و قضاوت قرار گیرد .

و إن احكم بينهم بما أنزل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ نظام سیاسی و قضایی شکل گرفته بر پایه قوانین غیر الهی ، نظامی جاهلی

افحکم الجهلیه یبغون و من احسن من الله حکماً

۱۳ نظام برخاسته از وحی الهی ، بهترین نظام حکومتی و قضایی

و من احسن من الله حکماً

فلسفه نظام قضایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲

۵- مسئولیت برپایی نظام قضایی به منظور اجرای حدود الهی، بر عهده فرد فرد مسلمانان است.

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ وحد منهما مائه جلده

با آن که اجرای حدود و مقررات، از طریق دستگاه قضایی انجام می پذیرد ولی خداوند همه مردم را مخاطب قرار داده و تازیانه زدن را از آنان خواستار شده است. این حکایت می کند که یکایک افراد جامعه، در برابر اجرای حدود الهی مسؤول اند و باید در این مورد همکاری کنند.

نظام قضایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۹

۹ سرعت در حسابرسی و قضاوت و حکم، معیاری مهم و اساسی در نظام قضائی شایسته

ألا له الحكم و هو أسرع الحسین

بیان سرعت حسابرسی به عنوان یکی از ویژگیهای مهم در حکم و قضاوت خداوند، گویای رجحان و مزیت قضاوت و حکمی است که سرعت هر چه بیشتر و بدون فوت وقت انجام پذیرد.

نظام قضایی در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۸

۸ حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود.

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

نظام قضایی دوران ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۲ - ۴

۴- اعتراف گرفتن از متهمان و مجرمان در منظر همگان ، از شیوه های محاکمه و کیفر دادن در میان قوم بت پرست ابراهیم

قالوا فأتوا به علی أعین الناس . . قالوا ءأنت فعلت هذا بالهتنا یابرهیم

نظام قضایی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۸

۸ وحدت نظام سیاسی و قضایی حکومت استبدادی مصر *

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۸

۸ حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

نظام کیفری

{نظام کیفری}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۵،۶،۷،۸،۹

۵ کیفر انسان ها در قیامت ، بازتاب اعمال خود آنان است .

هل يجزون إلا ما كانوا يعملون

۶ کیفر های الهی همطراز و متعادل با اعمال و رفتار انسانهاست .

هل يجزون إلا ما كانوا يعملون

۷ تباه شدن اعمال نیک ، جزایی مناسب برای تکذیب آیات الهی و روز قیامت است .

حبطت أعمالهم هل يجزون إلا ما كانوا يعملون

۸ خداوند انسان ها را تنها بر گناهان مستمرشان مجازات می کند .

هل یجزون إلا ما کانوا یعملون

استمرار از تقارن <کانوا> و فعل مضارع <یعملون> استفاده شده است.

۹ تباه شدن اعمال نیک آدمی و بی ارزش شدن آنها در پیشگاه خدا، از کیفرهاست .

حبطت أعمالهم هل یجزون إلا ما کانوا یعملون

تبیین این حقیقت که انسانها سزایی جز بازتاب اعمال خودشان ندارند، پس از بیان تباهی اعمال بر اثر تکذیب آیات، بیانگر این است که تباه شدن اعمال نیک نیز به نوبه خود کیفری است که بر تکذیب آیات و انکار قیامت مترتب می شود.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۵

۵ کیفر الهی ، کیفری است سریع و بدون هیچ تأخیر .

إن ربك لسريع العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۸

۸ در نظام کیفری خداوند ، هیچکس به گناه دیگری مؤاخذه نخواهد شد .

أفهلكننا بما فعل المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۱۲

۱۲ کیفر های الهی بازتاب اعمال ناروای گناهکاران است .

سیجزون ما كانوا يعملون

<ما> در <ما كانوا يعملون> مصدریه است و مفاد آیه این می شود که <سیجزون عملهم> . مطرح شدن عمل به عنوان جزا حاکی از این است که کیفر ملحدان چیزی جز چهره دیگر همان عمل ناروای آنان نیست .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۲

۲ کیفر الهی در مورد گنهکاران ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

ذلك بما قدمت أیدیکم و أن الله لیس بظلم للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ توجه به سنت الهی در مجازات کافران و گناهکاران ، زمینه ساز پرهیز از کفرورزی و ارتکاب گناه

كدأب ءال فرعون .. إن الله قوی شدید العقاب

هدف از بیان مؤاخذه کافران و گناهکاران هشدار است به انسانها تا با توجه به آن در مسیر ایمان و ترک گناه قرار گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵

۶- هر گناهی ، کیفر و عذاب متناسب خود را دارد .

و إن جهنم لموعدهم أجمعین . لها سبعة أبواب لكل باب منهم جزء مقسوم

از اینکه گفته شده است: >برای هر گروهی از گمراهان در و یا طبقه ای مخصوص در جهنم وجود دارد< به دست می آید که گناهان متفاوتند و کیفر متناسب خود را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۳

۳ - خداوند ، بدون بیان وظایف و ابلاغ آن به بندگان خود ، آنان را عقوبت نمی کند .

قال كذلك أتتك ءايتنا

روز قیامت به غافلان گفته می شود: >أتتك آياتنا<؛ یعنی، آیات ما نزد تو آمد [نه این که ما آیات را فرستادیم، به تو رسیده باشد یا نرسیده باشد]. بنابراین خداوند، ملاک مؤاخذه را، ابلاغ آیات قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۹

۹- وجود تناسب میان گناه و کیفر آن در نظام کیفری الهی

ثانی عطفه ... له فی الدنيا خزی

برداشت فوق از مقابله >ثانی عطفه< (تکبر) با >خزی< (ذلت) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۶

۶- کیفر های اخروی ، متناسب با کردار های آدمیان در دنیا

و الذین كفروا و كذبوا بايتنا .. عذاب مهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۴

۴ - كيفر های الهی ، متناسب با اعمال آدمیان

فأسقط علينا كسفاً .. قال

رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۲ - ۴

۴ - نظام کیفری خداوند ، دارای حساب و برنامه ای معین

ردف لكم بعض الذی تستعجلون

از عبارت <ردف لكم بعض..> استفاده، می شود که مجازات های الهی بدون محاسبه صورت نمی گیرد؛ بلکه دارای برنامه ای دقیق است که طبق آن مرحله به مرحله اعمال می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۶

۶ - نظام کیفری خداوند ، به دور از هر گونه ظلم و بی عدالتی

هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

پرسش انکاری <هل تجزون..> درصدد بیان این نکته است که: گمان نشود جزای اخروی بدکاران، سنگین و ظالمانه است؛ بلکه جزاها عین عمل آنان و هم طراز با آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۵، ۲

۲ - پاداش الهی در جهان آخرت ، براساس فضل و احسان و کیفر او ، برپایه عدل و انصاف خواهد بود .

من جاء بالحسنة فله خير منها و من جاء بالسيئة فلا يجزي .. إلا ما كانوا يعملون

۵ - هر عمل نیک در جهان آخرت ، دارای پاداش افزون و هر عمل بد دارای کیفر متناسب با آن خواهد بود .

من جاء بالحسنة .. و من جاء بالسيئة

<ال> در <الحسنة> و <السيئة> برای جنس و مفید استغراق است. بنابراین <من جاء بالحسنة>؛ یعنی، <هر کس هر عمل نیک بیاورد> و <من جاء بالسيئة>؛ یعنی، هر کس هر عمل بد بیاورد.

سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱،۲

۱ - هر یک از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان کیفر شدند .

فَكَالًا أَخَذْنَا بَذَنبِهِ

۲ - قوم عاد و ثمود ، مناسب گناهشان ، کیفر و عذاب شدند .

و عَادًا و ثَمُودًا .. و قرون ... فَكَالًا أَخَذْنَا بَذَنبِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۷ - ۹

۹ - مجازات های الهی ، پس از اتمام حجت و ارائه دلیل و برهان است .

فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أُجْرَمُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴

۱۰ - هیچ پدر و فرزندی ، در قیامت به جای هم حتی اندک کیفری نمی شوند .

لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنِ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٌ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا

۱۱ - در قیامت ، بار عمل هر کس ، تنها بر دوش خود او است .

لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنِ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٌ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا

۱۲ - در قیامت ، برعهده گرفتن بخشی از کیفر پدر از ناحیه فرزند ، به خاطر سنگین بودن حق وی بر فرزند ، امری متوقع است

* .

و لامولود هو جاز عن والده

درباره مجازات نشدن پدر به جای فرزند، از فعل <یجزی> استفاده شده است و درباره نفی مجازات فرزند به جای پدر از

<جاز> که حالت صفتی و تأکید بیشتری دارد. چنین تأکیدی، می تواند به خاطر توقعی باشد که از ناحیه پدران هست. و نیز

می تواند به خاطر این باشد که او، از حیث عاطفه و مهر، به مراتب کم

تر از پدر است. برداشت بالا بر اساس احتمال نخست است.

۱۴ - مجازات شدن هر کسی در قبال عمل خودش ، امری حتمی و تخلف ناپذیر است .

يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

این برداشت، بنابراین احتمال است که متعلق <وعد>، عبارت <لایجزی..> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ - عمل ها و موضع گیری ها هر کدام ، متناسب با خود ، عذاب و کیفر دارند .

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ .. ذُوقُوا ... بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

تکرار <ذوقوا> با ذکر سبب هر کدام از آنها، می تواند بیان کننده این نکته باشد که هر کدام از عمل ها و نیز برخوردهای منفی با اعتقادات دینی، عذاب خاص خود را دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۳، ۲۴

۲۳ - عذاب های خداوند ، متناسب با بد کرداری کیفرشدگان است .

هَلْ يَجْزُونَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۲۴ - کیفر مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت ، متناسب با کردار بد آنان است .

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا .. وَجَعَلْنَا الْأَغْلَلَ فِي آعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۲۰

۲۰ - کیفر شدن در قیامت ، پس از اتمام حجت و ارائه راه درست و حق به بندگان در دنیا است .

وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ .. وَإِذَا تَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ ... وَق

از آن جا است که خداوند پس از نقل عذاب شدن ظالمان، مسأله ارائه حق و تلاوت آیات الهی بر آنان را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۹ - ۱،۳

۱ - عذاب دردناک مشرکان و کافران مستکبر در دوزخ، تجسم اعمال خود آنان و متناسب با رفتار ایشان است.

لذائقوا العذاب الأليم . و ما تجزون إلا ما كنتم تعملون

آیه شریفه، در واقع پاسخ سؤالی است که از آیه قبل برمی آید و آن این که: چرا عذاب مشرکان مستکبر، عذابی دردناک است و آیا این عذاب عادلانه است؟

۳ - مجازات های الهی در قیامت، عادلانه و متناسب با اعمال و رفتار خود انسان ها است.

و ما تجزون إلا ما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۳،۴

۳ - کافران و مشرکان تهدید شده به عذاب الهی، از پیش انذار و اخطار شده و اتمام حجت شده بودند.

فساء صباح المنذرين

منظور از <منذرين> (اخطار شدگان) کافران و مشرکان اند. این تعبیر می رساند که آنان از سوی پیامبر اسلام و قرآن، انذار و اخطار شده بودند.

۴ - آمدن عذاب الهی، پس از انذار و اخطار و اتمام حجت است.

فساء صباح المنذرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۲،۳

۲ - تناسب و مطابقت کامل کیفر و پاداش الهی، با رفتار و کردار بندگان

و وقیت کلّ نفس ما عملت

حذف مضاف در <ماعت< که در اصل <جزاء ماعت< است

می تواند گویای این نکته باشد که جزای الهی، آن چنان با رفتار بندگان تناسب و مطابقت دارد که گویا، آنچه داده می شود خود عمل است نه جزای آن.

۳- پاداش و کیفر مطابق و متناسب با رفتار، پاداش و کیفری است عادلانه و به حق.

و هم لایظلمون . و وقیت کلّ نفس ما عملت

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، به منزله بیان برای جمله <و هم لایظلمون> می باشد؛ یعنی، ظلم نشدن در حق بندگان به این خاطر است که هر کسی مطابق آنچه انجام داده، جزا خواهد دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۱،۵

۱- نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است.

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

<ما> در <بما کسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما کسبت>؛ یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

۵- در نظام کیفر و پاداش الهی در قیامت، به کسی کمترین ستمی نخواهد شد.

لا ظلم الیوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱،۱۰

۱- جزا و کیفر الهی در قیامت، عادلانه و متناسب با رفتار زشت انسان است.

من عمل سیئه فلا یجزی إلاّ مثلها

مقصود از مجازات به مثل، عادلانه بودن جزای الهی و متناسب بودن آن با رفتار انسان ها است.

۱۰- خداوند با کافران بدکردار در قیامت، بر مبنای

عدل و با مؤمنان نیک کردار براساس فضل و لطف خویش برخورد خواهد کرد .

من عمل سیئه فلا یجزی إلا مثلها و من عمل صلحا .. و هو مؤمن ... یرزقون فیها ب

برداشت یاد شده از آن جا است که مجازات گناه کاران، تنها به میزان گناه آنان است؛ ولی پاداش مؤمنان نیک کردار، بی شمار و افزون بر استحقاق آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۶

۶ - در قیامت ، هیچ کس بار کیفر دیگران را بر دوش نخواهد کشید .

فیقول الضعفوا .. فهل أنتم مغنون عنا نصیبا من النار . قال الذین استکبروا إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۷

۷ - مجازات پروردگار ، عادلانه و متناسب با نوع رفتار و کردار آدمی است .

إن الذین یرتکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین

مجازات شدن متکبران خود برترین به خواری و ذلت، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ - تناسب کیفرهای الهی با رفتار و عملکرد آدمی

فاستکبروا .. عذاب الخزی ... و لعذاب الأخره أخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - تناسب عذاب های الهی ، با گناهان و عملکرد آدمیان

لهم فيها دار الخلد جزاء بما كانوا بأيتنا يجحدون

گفتنی است که در آیه شریفه در برابر انکار مستمر آیات الهی، عذاب مستمر و همیشگی قرار داده شده است. با الغای

خصوصیت از مورد، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲۵

۲۵ - تفهیم اتهام و تبیین جرایم کافران برای ایشان ، قبل از اعمال مجازات درباره آنان

فلننبئن الذين كفروا بما عملوا و لنذيقنهم من عذاب غليظ

از این که خداوند، مجازات کافران را پس از اطلاع آنان نسبت به گناهان شان ذکر فرموده، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۳،۵

۳ - انتقام جویی ، کینه توزی و تجاوز از حد در مسیر مجازات ستمگر ، ممنوع و نامشروع است .

و جزؤا سيئه سيئه مثلها

۵ - قصاص و مجازات بدی و خطا ، باید مطابق و مماثل با خطا باشد ؛ نه متفاوت با آن

و جزؤا سيئه سيئه مثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - کیفر های الهی برای مجرمان ، متناسب با جرم و گناه ایشان *

تجزون عذاب الهون بما كنتم تستكبرون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <استکبار> در قبال <هون> اشاره به این تناسب داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۴ - ۴

۴ - برنامه الهی در کیفر مجرمان و متجاوزان ، کاملاً دقیق و حساب شده است .

مسومه عند ربك

تعبیر <مسومه عند ربك> و علامت دار بودن سنگ ها، حاکی از وجود دقت و حسابگری در نظام کیفی خداوند برای متجاوزان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - جدا شدن مؤمنان از صف مجرمان و مسرفان پیش از نزول عذاب ، نمودی از قانون مندی نظام کیفری حق

مسوّمه عند ربّک .. فأخرجنا ... من المؤمنین

ممکن است <أخرجنا..>، نمودی از <مسوّمه> و مصداقی برای آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۹ - ۴،۵

۴ - تناسب کامل میان کیفر و کردار مجرمان ، در نظام کیفری خداوند

یوم یسحبون فی النار .. إنا كلّ شیء خلقناه بقدر

خداوند، پس از بیان مجازات مجرمان، در حقیقت این قانون کلی را تذکر داده است که تمامی برنامه های ما از روی عدل و حساب است. از آن جمله کیفر مجرمان است که هر یک به تناسب عمل و استحقاقشان، کیفر خواهند دید.

۵ - < عن علی بن ابی طالب (ع) إنه سئل عن قوله الله : < إنا كلّ شیء خلقناه بقدر > فقال : يقول الله عزوجلّ إنا كلّ شیء خلقناه لأهل النار بقدر أعمالهم ;

روایت شده که از امام علی بن ابی طالب (ع) [درباره] آیه <إنا كلّ شیء خلقناه بقدر> سؤال شد، آن حضرت فرمود: خداوند می فرماید: ما هر چیز را برای اهل دوزخ به اندازه اعمالشان خلق نمودیم.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۷

۷ - مؤاخذه و کیفر خلاق (جن و انس) ، در قیامت براساس جرم آنان است .

یعرف المجرمون بسیمهم فیؤخذ بالنوصی و الأقدام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹

۴ - وجود تناسب ، میان نوع گناه و کیفر الهی

و لایحِضَّ علی طعام المسکین . فلیس له الیوم ههنا حمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۶ - ۴

۴ - وجود تناسب ، میان گناه و کیفر الهی

و لایحِضَّ علی طعام المسکین . . . و لا طعام إلا من غسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۶ - ۱،۴

۱ - جهنمیان به میزان کردار خویش ، کیفر خواهند شد .

جزاء وفاقاً

<جزاء> مصدر است و نصب آن، یا براساس مفعول مطلق بودن آن است، یعنی، <یجزون جزاء> و یا با تأویل به مشتق رفتن، حال برای <حمیم> و <غسیاق> است. در صورت اول، مراد این است که کیفر آنان، کیفری مناسب و به میزان گناه آنان خواهد بود و در صورت دوم، همان <حمیم> و <غسیاق> کیفر مناسب آنان است. هر یک از دو احتمال، می تواند مبنای برداشت یاد شده باشد. <وفاقاً> گرچه مصدر است ولی چون صفت می باشد، به معنای <موافقاً> خواهد بود.

۴ - تناسب عذاب و گناه ، در نظام کیفری خداوند

جزاء وفاقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۷

۷ - نوشیدن آب جوشان و خونابه چرکین و بدبو در جهنم ، عقوبتی مناسب با گناه تکذیب آیات الهی

إلا حمیمًا و غساقًا . . . و کذبوا بایتنا کذابًا

ترتیب پنج آیه مورد بحث، به گونه ای است که آیه <جزاء وفاقاً>، دو عقوبت قبل از خود را کیفری مناسب، برای دو گناه

بعد

از خود قلمداد کرده است. عقوبت ها یکی منفی (لایذوقون) و دیگری مثبت (إلا حميماً و غساقاً) بود و گناهان نیز یکی منفی (لایرجون) و دیگری مثبت (کذبوا) است. آیه <جزاء وفاقاً> در میان آنها، گویای تناسب عقوبت منفی با گناه منفی و تناسب عقوبت مثبت با گناه مثبت است. برداشت یاد شده بیانگر تناسب دو مثبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۹ - ۴

۴ - مجازات هر کس در جهان آخرت ، براساس کردار ها و عقاید او است .

و كل شيء أحصينه كتباً

بیان ثبت همه چیز که مصداق یقینی آن به قرینه آیات پیشین، کردار و عقیده جهنمیان است در واقع تهدیدی برای خطاکاران و هشدار به همه انسان ها است که افکار و رفتارشان، روزی بر آنان عرضه خواهد شد و ایشان کیفر آن را خواهند دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۳۴ - ۶

۶ - تناسب عذاب و گناه ، در نظام کیفری خداوند

إنّ الذين أجرموا كانوا من الذين ءامنوا يضحكون .. فاليوم الذين ءامنوا من الكفّاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۶

۶ - تناسب گناه و عذاب ، در نظام کیفری خداوند

الذين فتنوا .. فلهم عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۶

۶ - تناسب مجازات با گناه ، در نظام کیفری خداوند

في تكذيب .. محيط

ر.ك. توضیح ۵

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۹،۱۰

۹ - تناسب کیفر های اخروی ، با گناهان انسان

همزه لمزه ... لینبذَن فی الحطمه

برگزیدن نام <حطمه> که نشانگر درهم شکسته شدن جهنمیان در آتش است ممکن است در ارتباط با گناه <هَمْز> و <لَمْز> باشد که باعث شکسته شدن شخصیت و اعتبار کسی نزد دیگران است. ماده <نبذ> نیز که بر افکندن تحقیرآمیز دلالت دارد، چه بسا ناظر به تناسب آن با استهزاها و متلک انداختن های فرد دوزخی باشد.

۱۰ - درهم شکسته شدن در آتش جهنم ، کیفری مناسب برای درهم شکستن شخصیت مردم

همزه لمزه ... لینبذَن فی الحطمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۲،۴

۲ - انسان در قیامت ، به جهت باور ها و نیت هایش ، مؤاخذه شده و کیفر خواهد دید .

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْآفْتِنَةِ

۴ - احاطه آتش دوزخ بر قلب عیب جویان ، کیفری مناسب برای گناه افکار ناروای آنان درباره مردم

لمزه ... الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْآفْتِنَةِ

حاکم نظام کیفری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۷ - ۵

۵ - خداوند ، حاکم بر نظام کیفررسانی به مستحقان عذاب

نجزی

عدالت در نظام کیفری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۲ - ۴

۴ - همانندی و یک سانی مجازات و کیفر زنان و مردان مشرک و کافر در قیامت

احشروا الذین ظلموا و أزوجهم

برداشت یاد شده از آن جا است که اختصاص به ذکر یافتن <ازواج> (همسران)، می

تواند برای از بین بردن این توهم باشد که زنان مشرک و کافر از کیفر الهی معاف اند.

نظام کیفری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۵، ۶، ۷، ۸

۵ - هیچ کس در روز قیامت، ذره ای از عذاب دیگری را بر عهده نمی گیرد و متحمل نمی شود.

واتقوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس شیئاً

۶ - در روز قیامت، شفاعت هیچ کس درباره دیگری پذیرفته نخواهد شد.

و لا یقبل منها شفعه

ضمیر در <منها> می تواند به <نفس> دوم برگردد؛ یعنی، اگر فرد مورد مؤاخذه شفیع، بی‌آورد شفاعتش قبول نمی شود و همچنین می تواند به <نفس> اول که مراد از آن دوستان و نزدیکان و... هستند، ارجاع شود؛ یعنی، آن دوستان (در ضمن اینکه عذاب دوست خویش را بر عهده نمی گیرند) اگر شفاعتی نیز درباره او بکنند، شفاعتشان پذیرفته نمی شود.

۷ - در روز قیامت از هیچ کس عدل و عوضی - که خویشان را با آن باز خرد - گرفته نخواهد شد.

و لا یؤخذ منها عدل

کلمه <عَدْلٌ> به معنای: فدیة و عوض است که شخص برای آزادی خود یا دیگری می پردازد، تا از اسارت و مانند آن آزاد شود.

۸ - در روز قیامت هیچ کس به دفاع از دیگری برنخواهد خواست و او را یاری نخواهد کرد.

و لاهم ینصرون

نظام کیفری سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۲

۲ - شکنجه یا مرگ (بریدن سر)، مجازات تخلف بی دلیل از مقررات سپاه سلیمان

كان من الغائبين . لأعذّبته عذاباً شديداً أو لأأذبحنه

نظام کیفری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۴

۱۴ - بریدن دست و پای مجرمان و بستن آنان به چوبه های دار ، از جمله سخت ترین مجازات ها در زمان فرعون بود .

فَلأَقْطَعَنَّ . . . ولأَصْلَبَنَّكُمْ فِي جَذُوعِ النَّخْلِ

ویژگیهای نظام کیفری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۳

۲۳ - عذاب های خداوند ، متناسب با بد کرداری کیفرشدگان است .

هل یجزون إلا ما كانوا یعملون

ویژگیهای نظام کیفری قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۰ - ۲

۲ - قوانین و مجازات های رایج در میان قوم عاد ، ظالمانه و خارج از اعتدال بود .

و إذا بطشتم بطشتم جبارین

نظام های ظالمانه

{نظام های ظالمانه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۶

۱۶- تحمیل بدترین شکنجه ها ، سر بریدن پسران و زنده نگه داشتن زنان از سوی فرعونیان ، آزمایشی بزرگ از جانب خداوند برای بنی اسرائیل

یسومونکم سوء العذاب .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلکم> شکنجه های فرعونیان باشد.

نظم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نظم

آثار نظم آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۵

۵ - تداوم نظم کنونی جهان و ادامه حیات در آن ، جلوه ای از حلم و غفران الهی

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ .

.. إِنَّه كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <إِنَّه كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا> در مقام تعلیل برای جملات پیشین است، یعنی، خداوند آسمان ها و زمین را از فروپاشی حفظ می کند زیرا او نسبت به بندگانش بردبار و آمرزنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶ - ۲

۲ - برنامه و حساب دقیق حاکم بر هستی ، خود دلیل ضرورت قیامت و محاسبه نهایی کردار آدمیان *

و الذریت . . . و إِنَّ الدین لوقع

از مناسبت میان مقسم به و جواب قسم، استفاده می شود: همان طور که تمام مظاهر طبیعت به گونه ای حساب شده در ارتباط باهم قرار دارند و هدفی را دنبال می کنند به طریق اولی حیات انسان بی فرجام نیست و بدون حساب پایان نمی پذیرد.

اختلال در نظم آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۹ - ۳

۳ - متلاشی شدن نظم کنونی آسمان ، در آستانه برپایی قیامت

و إِذَا السَّمَاءُ فَرَجَتْ

اختلال در نظم آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ - ۴

۴ - دگرگونی نظم کنونی طبیعت ، در آستانه برپایی قیامت

یوم ترجف الأرض و الجبال و کانت الجبال کثیرًا مهیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۸ - ۲

۲- دگرگون شدن نظم کنونی منظومه شمسی ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست

اخلال در نظم عمومی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - تصمیم فرعون بر قتل موسی (ع) ، به اتهام فسادانگیزی و اخلالگری او در نظم عمومی کشور

أقتل موسی . . . إننی أخاف ... أن يظهر فی الأرض الفساد

۱۲ - موسی (ع) از سوی فرعون ، به فسادانگیزی و اخلالگری در نظم عمومی سراسر کشور مصر متهم شد .

أو أن يظهر فی الأرض الفساد

آمدن تعبیر <فی الأرض> (در زمین) گویای این نکته است که موسی(ع) به اخلال و فسادانگیزی در سراسر کشور متهم گردید؛ نه در نقطه ای خاص.

ارزش نظم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۵ - ۵

۵ - ارزشمندی نظم و انضباط و شکل و صف آرایی در زندگی

و إنا لنحن الصافون

توصیف فرشتگان و یا بندگان خالص خدا به در صف بودن (در آیه ای که در مقام تمجید از آنان است) برداشت بالا را افاده می کند.

اهمیت نظم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۱۰

۱۰ نقش بارز و سازنده نظم و انضباط در حرکت های رزمی و صحنه های نبرد *

أنی ممدکم بألف من الملائکه مردفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱ - ۷

۷- اهمیت و ارزش والای نظم ، انسجام و حرکت جمعی ، در زندگی و در برابر دشمن

و الصَّفِّ صَفًّا

صف کشیدن هر گروهی چه فرشتگان و چه مجاهدان گویای وجود نظم، انسجام و حرکت جمعی در میان آن گروه است.
توصیف خداوند از گروه فرشتگان

و مجاهدان به صف بستگان، بیانگر برداشت یاد شده است.

اهمیت نظم آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۶

۶ نظم و قانون مندی دقیق و فراگیر ، دارای اهمیتی ویژه در نظام کرات آسمانی

کیف بنینها .. و ما لها من فروج

اهمیت نظم در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۷

۷ - مؤمنان در نبرد با دشمنان ، باید منظم ، سازمان یافته و همچون بنایی ریخته شده از سرب ، استوار و نفوذناپذیر باشند .

یقتلون .. صفاً كأنهم بنین مرصوص

<مرصوص> از ریشه <رصاص> (سرب) مشتق است. <بنیان مرصوص> یعنی، بنایی که با سرب استوار و محکم شده است.

اهمیت نظم در سپاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۵،۶

۵ - اهتمام شدید سلیمان (ع) به برقراری نظم و انضباط کامل در سپاه خویش

أم کان من الغائبین .. أو لأذبحنه

۶ - اهمیت نظم و انضباط در نیروهای نظامی

أم کان من الغائبین . لأعذبنه عذاباً شديداً أو لأذبحنه

اهمیت نظم ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۲

۲ - ستارگان و نظام حاکم بر آنها، پدیده ای عظیم و شایان مطالعه و اندیشه

و اِنَّهٗ لَقَسَمٌ لِّوٓتَلْمُوْنَ عَظِيْمٌ

سوگند مؤکد خداوند به ستارگان و تصریح بر عظمت این سوگند، بیانگر مطلب یاد شده است.

اهمیت نظم مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - نظم و انضباط در نیروی نظامی ، امری با اهمیت و بایسته

و الصَّفَّتْ صَفًّا

برهان نظم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۲ - ۳

۳ - نظم و هماهنگی در جهان آفرینش ، دلیلی است بر وحدانیت خداوند .

لو كان فيهما ءالاله إلاالله لفسدتا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <إلا> به معنای <غیر> باشد؛ یعنی، اگر غیر خداوند، خدایان دیگری در جهان بود، نظم کنونی جهان متلاشی می شد. مفهوم و پیام این سخن این است که نظم کنونی جهان، تنها به اراده خدا و دلیل بر وحدانیت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۷

۷ - چرخه منظم حیات و ارتباط و هماهنگی کامل میان عوامل جوی و زمینی ، نشانه یکتایی مدبر هستی

أمن يبدؤا الخلق ثم يعيده و من يرزقكم من السماء و الأرض

عبارت <من السماء و الأرض> می تواند اشاره به وجود هماهنگی عوامل زمینی و آسمانی، در تدارک نیازمندی های انسان داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۲ - ۲

۲ - عظمت و هماهنگی تدبیر آسمان ها و زمین و عرش ، نشان دهنده حاکمیت خدای یگانه بر هستی است .

سبحن رب السموت و الأرض

تعقل در نظم آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۶ - ۹

۹ مطالعه در طبیعت و کرات آسمانی و نظم دقیق و برنامه آنها، راهی برای درک توحید است.

فأنی

تؤفكون. فالتق الإصباح ... ذلك تقدير العزيز العليم

سياق آیات گذشته بیان توحید و نفی شرک و فرجام آن بود. این آیه نیز، که پس از جمله <فأنی تؤفکون> در آیه پیشین قرار دارد، در صدد بیان دلیل و رهنمودی دیگر برای راهیابی انسان به توحید است.

حافظ نظم آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۱

۱ - تنها خداوند ، نگه دارنده نظم کنونی آسمان ها و زمین از زوال و پاشیدگی است و هیچ قدرت دیگری در آن نقش ندارد

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أُمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

حافظ نظم آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۱

۱ - تنها خداوند ، نگه دارنده نظم کنونی آسمان ها و زمین از زوال و پاشیدگی است و هیچ قدرت دیگری در آن نقش ندارد

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أُمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

حافظ نظم زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۱

۱ - تنها خداوند ، نگه دارنده نظم کنونی آسمان ها و زمین از زوال و پاشیدگی است و هیچ قدرت دیگری در آن نقش ندارد

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أُمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

عوامل اختلال در نظم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۹

تعدد خدا، موجب متلاشی شدن و مختل گشتن نظام زندگی بشر خواهد شد.

ضرب الله مثلاً رجلاً فيه شركاء متشكسون

عوامل نظم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۲ - ۶

۶- نظم و هماهنگی در هر کاری، نیازمند به وحدت در مدیریت و رهبری است.

لو كان فيهما ءالهة الا الله لفسدتا

برداشت یاد شده با انتزاع از مورد آیه به دست می آید؛ زیرا علت فساد و متلاشی شدن جهان، بر اثر چندگانگی در الوهیت و ربوبیت، نسبت به هر امر منسجم و هماهنگی قابل تسری و انطباق است و آسمان ها و زمین خصوصیتی ندارند.

عوامل نظم آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۲ - ۱۳

۱۳- حاکمیت نظم در جهان هستی، تنها در پرتو وجود قدرت واحد امکان پذیر است.

قل لو كان معه ءالهة كما يقولون إذاً لابتغوا إلى ذی العرش سبيلاً

پیام اصلی آیه، برهان هماهنگی در هستی است؛ یعنی، تعدد قدرت با نظم واحد حاکم بر هستی سازگار نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴ - ۲

۲ - سامان یافتن نظام جهان، در پرتو تقسیم و دسته بندی امور، به دست کارگزاران الهی (فرشتگان)

فالمقسّمت أمراً

فلسفه نظم آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۳ - ۲

۲ - چینش اجزای طبیعت (ستارگان و ...) به تدبیر خداوند ، به گونه ای که وسیله هدایت و نجات انسان ها

است .

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظِلْمَتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

مراد از <یهدیکم> مطابق نظر برخی از مفسران و بعضی از آیات قرآن (و بالنجم هم یهدون) رهیابی انسان از طریق ستارگان و دیگر عوامل و مشخص کردن مسیر خود در تاریکی شب ها است.

قانونمندی نظم آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۶

۶ نظم و قانون مندی دقیق و فراگیر ، دارای اهمیتی ویژه در نظام کرات آسمانی

کیف بنینها .. و ما لها من فروج

محدوده نظم آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۷ - ۴

۴ - نظام و نظم موجود آسمان ، دارای امدی محدود است ، نه جاودان .

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكُانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ

منشأ نظم آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۲

۲ - نظم کنونی آسمان ها و زمین در بقا ، همانند مرحله آغازین خود ، نیازمند به اراده و تدبیر خداوند است .

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ... إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

منشأ نظم آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۳

۳ - استواری نظام تکوین ، مرهون راه نداشتن آرای هوسبازان در قوانین به حق آن

و لو اتبع الحق أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۳ - ۲

۲ - چینش اجزای طبیعت (ستارگان و

(...) به تدبیر خداوند ، به گونه ای که وسیله هدایت و نجات انسان ها است .

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظِلْمَتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

مراد از <یهدیکم> مطابق نظر برخی از مفسران و بعضی از آیات قرآن (و بالنجم هم یهدون) رهیابی انسان از طریق ستارگان و دیگر عوامل و مشخص کردن مسیر خود در تاریکی شب ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۳

۳- تداوم نظام هستی ، چونان پیدایش آن ، تحت تدبیر و اراده الهی است .

هو الله .. الملك

وصف <الملك> در صورتی همواره بر خدا صدق می کند که فرمانروایی او همیشگی باشد؛ نه این که نظامی را به وجود آورده باشد که بی نظارت و فرمانروایی او به حیات خود ادامه دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۲ - ۶

۶- آفریدن و نظام دادن به جهان هستی ، اقتضای ربوبیت خداوند است .

رَبِّكَ .. الذی خلق فسوی

منشأ نظم در آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۲ - ۴

۴- هیچ قدرتی جز خداوند ، قادر به اداره منظم و منسجم جهان نیست .

لو كان فيهما ءالاله إلا الله لفسدتا

خداوند، وجود چند خدا را که در امور جهان دخالت داشته باشند نفی فرموده و موجب فساد نظم جهان دانسته است. این فسادآوری ممکن است به خاطر این باشد کهخدایان دیگر، قادر به اداره جهان و سامان بخشیدن به آن نباشند.

منشأ نظم زمين

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۲

۲ - نظم کنونی آسمان ها و زمین در بقا ، همانند مرحله آغازین خود ، نیازمند به اراده و تدبیر خداوند است .

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ يَمْسُكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

نابودی نظم آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۸ - ۳

۳ - متلاشی شدن نظم کنونی جهان طبیعت ، در آستانه برپایی قیامت

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ

نظم آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۸ - ۲

۲ - نظام و نظم موجود آسمان ، دارای فرجامی محدود و رو به نابودی

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۸ - ۲

۲ - خداوند ، آسمان را پدیده ای به دور از کاستی و ناهماهنگی و به گونه ای موزون و متعادل قرار داده است .

فسویها

<سوی> به چیزی گفته می شود که در مقدار و کیفیت آن، افراط و تفریط نشده باشد (مفردات راغب). بنابراین جمله

<سواها>، یعنی، خداوند آسمان را به گونه ای قرار داد که در شکل و اجزای آن، تعادل برقرار است.

نظم آسمان های هفتگانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳ - ۲

۲ - آسمان های هفتگانه در نظم و اتقان ، متناسب و مشابه هم اند .

سبع سموت طباقاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <طباقاً> از مصدر <طابَقَ> و

به معنای مطابقت و مشابهت باشد. در این صورت مقصود از آن، تشابه و تطابق آسمان ها در نظم و اتقان و مانند آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۵ - ۲

۲ - وجود مطابقت و نظم و هماهنگی ، میان آسمان های هفت گانه

ألم تروا كيف خلق الله سبع سموات طباقاً

<طباق> در دو معنا به کار می رود: ۱ مطابق و موافق کامل بودن چیزی با چیز دیگر؛ ۲ قرار گرفتن چیزی بر فراز چیز دیگر. بر مبنای معنای نخست، مقصود وجود هماهنگی و نظم در آسمان ها است. و براساس معنای دوم مراد طبقات آسمان ها است که به شکل طبقه طبقه و تودرتو می باشد.

نظم آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۰ - ۱۱، ۳، ۲

۲ آسمان ها و زمین ، آفریده هایی حادث و دارای نظم

أَنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

۳ نظم شب و روز ، از آیات الهی

أَنَّ فِي ... وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآیات

۱۱ پی بردن از آفرینش به قدرت مطلق خداوند و یکتایی او در فرمانروایی بر هستی ، دلیل بهره مند بودن آدمی از خرد ناب

أَنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ ... لآیات لاولی الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۲۳، ۲۰

۲۰ جهان آفرینش ، مجموعه ای هدفدار و منظم

يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا

<باطل> به چیزی گفته می شود که هدفی

را تعقیب نکند و یا دارای غرض و هدفی معقول نباشد. بنابراین باطل نبودن هستی یعنی دارا بودن هدف معقول و منطقی و لازمه هدفداری، نظم است.

۲۳ آفرینش، نظامی حساب شده، متقن و ضروری

ربّنا ما خلقت هذا باطلاً

حقّ، کاری است که انجام آن ضروری است و به اندازه لازم و در زمان خودش تحقق یابد. (مفردات راغب). و باطل نقیض حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۷

۷- نظام خلقت، قانونمند، هدفدار و دارای نظم

الله الذی خلق السموت و الأرض... رزقاً لكم... و سخر لكم الشمس و القمر دائین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۶ - ۲

۲- ستارگان، در مدار و قرارگاههایی معین در حال حرکتند.

و لقد جعلنا فی السماء بروجا و زیّناها للنظرین

<برج> به منزلگاه و قرارگاه معنا شده است و منزلگاه به جایی اطلاق می شود که وارد شونده ای بر آن وجود داشته باشد و مراد از آن در این آیه، می تواند ستارگان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۲

۲- جهان آفرینش (آسمان ها و زمین)، دارای نظم، هدف، اتقان، استواری و به دور از هرگونه پوچی و بی نظمی

خلق السموت و الأرض بالحق

از معانی <حق> هدف داری حکیمانه و متقن بودن است. بنابراین <خلق السماوات و الأرض بالحق>؛ یعنی، جهان را

هدف دار و در نهایت اتقان و استواری آفرید.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۳

۱۳- کمترین درهم ریختگی و نابسامانی ، در نظام هستی و آفرینش وجود ندارد .

و کلّ شیء فصلنه تفصیلاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <کلّ شیء> همه هستی باشد و در این صورت <فصلناه> از ماده <فصل> و به معنای جداسازی چیزی از چیز دیگر است (مفردات راغب). بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما هر چیزی را در جایگاه خویش به گونه ای قرار دادیم که با دیگری مخلوط نشود و اصطکاکی پیدا نکند و هر پدیده ای در این عالم دارای نظم بوده و به سامان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۲ - ۶

۶- نظم و نظام جهان هستی و حاکمیت قدرت واحدی بر آن ، نشان یگانگی خداوند است .

قل لو كان معه الهه كما يقولون إذا لا بتغوا إلى ذي العرش سبيلاً

این برداشت، از برهان خلفی که در آیه به آن اشاره شده، استفاده می شود. توضیح اینکه اگر خدایان متعددی وجود داشت، باید برای تصاحب قدرت تنازع می کردند و آثار آن معلوم می گردید و چون آثار و نتایج آن معلوم نشده، پس تنازعی رخ نداده است و چون تنازع رخ نداده معلوم می شود خداوند، واحد و یگانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۸

۸- تحقق نیافتن معاد انسان قبل از قیامت ، معلول حاکمیت نظم و برنامه در کار آفرینش است نه ناشی از عدم قدرت خداوند

قادر علی أن یخلق مثلهم

و جعل لهم أجلاً

تذکر <جعل لهم أجلاً> پس از <قادر علی أن یخلق مثلهم> در واقع پاسخ گویی این سؤال مقدر است که اگر خدا قادر بر خلقت دوباره انسانهاست، پس چرا از هم اکنون این کار را نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۴ - ۵

۵- موجودات جهان دارای نظم و آمار دقیق اند .

لقد أحصیهم وعدّهم عدّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱

۱ - تنظیم نظام تشریح و تکوین بر اساس تمایلات و هوس های کافران ، مایه تباهی نظام هستی

و لو اتبع الحقّ أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

این آیه، ادامه آیه پیشین است. در آیه قبل بیان شد که مخالفت کافران و رفاهمندان با پیامبر(ص) و قرآن، از آن جهت نبود که آن دو برای آنها ناشناخته بود؛ بلکه از آن رو بود که پیام های قرآن که آورنده آن پیامبر(ص) می باشد سراسر حق است و حق در ذائقه آنها ناخوشانید بود. بنابراین آنها در صورتی پیامبر(ص) را می پذیرفتند که سخنانی مطابق هوس های آنها می آورد. در این آیه نیز می فرماید: اما هرگز حق نمی تواند تابع هوس های آنها شود؛ زیرا در آن صورت با توجه به نامحدود و متناقض بودن خواسته ها همه چیز از هم می پاشید؛ نه آسمان باقی می ماند، نه زمین و نه موجودات ساکن در آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۱ - ۷

- نظام هماهنگ و سامان مند جهان ، دلیل یگانه بودن خدا و بطلان پندار شرک

و لعلا بعضهم علی بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۷

۷ - چرخه منظم حیات و ارتباط و هماهنگی کامل میان عوامل جوی و زمینی ، نشانه یکتایی مدبر هستی

أمن یبدؤا الخلق ثم یعیده و من یرزقکم من السماء و الأرض

عبارت <من السماء و الأرض> می تواند اشاره به وجود هماهنگی عوامل زمینی و آسمانی، در تدارک نیازمندی های انسان داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۴

۴ - حرکت منظم و بیوقفه خورشید و ماه

و سخر الشمس و القمر کلّ یجری

فعل مضارع <یجری>، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۱

۱ - هر یک از خورشید و ماه در قرارگاه ویژه خود دور از هم در حرکتند و هرگز با هم تلاقی نخواهند کرد .

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا الیل سابق النهار

مقصود از نرسیدن خورشید به ماه (لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر)، به قرینه آیات پیشین که درباره حرکت خورشید و ماه به سوی قرارگاه ویژه خود بود این است که آن دو کره در دو مسیر مجزا در حرکت بوده و به دور از هم قرار دارند و هرگز باهم تلاقی نخواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - جهان آفرینش (آسمان ، زمین و ...) ، مجموعه ای هدفدار و منظم است .

و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما بطلاً

<باطل> به چیز بیهوده و بدون هدف و غرض معقول گفته می شود. بنابراین باطل نبودن آفرینش جهان، به معنای هدفمند بودن آن است و لازمه این هدف مندی وجود نظم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۰ - ۴

۴ - تحقق آفرینش اشیا و تقدیر و تنظیم آنها ، با صدور یک فرمان از جانب خداوند و بی نیاز از بازنگری *

إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ . و ما أمرنا إلاّ وحده كلمح بالبصر

عبارت <و ما أمرنا> می تواند نظر به آیه قبل داشته باشد، یعنی، خلقت و اندازه گیری در دو مرحله صورت نمی گیرد؛ بلکه با یک فرمان هم آفرینش است و هم تقدیر و در این آفرینش و تقدیر تجدید نظر صورت نمی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳ - ۶،۷

۶ - تشویق و ترغیب خداوند ، به نگاه ژرف در مبدأ پیدایش جهان و نظم و هماهنگی میان آنها

ما تری فی خلق الرحمن من تفوت ثم ارجع البصر هل تری من فطور

۷ - جهان آفرینش ، به دور از هرگونه اختلال و آشفتگی است .

هل تری من فطور

<فطر> (ماده <فطور>) در اصل به معنای شکافتن از طول است و در این آیه، در معنای اختلال به کار رفته است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تفکر و تأمل مکرر و عمیق تر در آفرینش جهان ، موجب آگاهی و شناخت فزون تر و ژرف تر نظم و انسجام آن خواهد شد .

هل تری من فطور . ثم ارجع البصر کزترین ینقلب إلیک البصر خاسئاً و هو حسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۹ - ۵

۵ - وجود نظم و حساب در موجودات جهان

و کل شیء أحصینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۵ - ۳

۳ - سیر صعودی و نزولی گیاهان و روئیدن و تبدیل شدن آنها به خاشاک ، نمونه ای از نظم تقدیر شده آفریده های خداوند است .

الذی قدر .. أخرج المرعی . فجعله غطاءً أحوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۴ - ۵

۵ - تمام آفریده های الهی ، نیکو و دارای ساختاری منظم اند . *

أحسن تقویم

<أحسن> ، اسم تفضیل است و اثبات برترین قوام برای انسان ، نیکو بودن قوام دیگر موجودات را در مفهوم خود گنجانیده است .

نظم خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ خورشید و ماه تحت حاکمیت همه جانبه و دقیق نظم و حساب و برنامه قرار دارند.

و الشمس و القمر حسابانا

برداشت فوق بر این مناست که جمله <جعل .. الشمس و القمر حسابانا> از باب مبالغه باشد، مانند <زید عدل> یعنی خورشید و ماه عین حساب و برنامه هستند. این بیان گویای آن

است که هیچ ذره ای از ذرات و حرکتی از حرکات و ... از حساب خارج نیست.

۵ شکافته شدن صبح، آرامش شب و نظم و حساب خورشید و ماه، بر اساس برنامه ریزی خداوند عزیز و داناست.

فالق الإصباح .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۴

۴ - حرکت منظم و بیوقفه خورشید و ماه

و سخر الشمس و القمر کل یجری

فعل مضارع <یجری>، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵ - ۱

۱ - حاکمیت نظم، قانون مندی و هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشمس و القمر بحسبان

<حسبان> معادل <حساب> است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

نظم در آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۴،۵

۴ حرکت منظم ماه در مدار خود و منازل آن (هلال ، تربیع ، بدر و ...) آیت و نشانه ربوبیت خداست .

و القمر نوراً و قدره منازل

۵ حرکت منظم ماه در مدار خود و منازل آن (هلال ، تربیع ، بدر و ...) وسیله ای مطمئن برای شمارش ماه و سال و محاسبه

امور زندگی انسانهاست .

و القمر نوراً و قدره منازل لتعلموا عدد السنين و الحساب

نظم در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ -

۱۳ رعایت نظم و انضباط دقیق، اصلی لازم در جنگ، حتی به هنگام عبادت

فلتقم طائفه منهم معك و ليأخذوا اسلحتهم . . . و لتأت طائفه اخرى

نظم در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۱۰

۱۰ نقش بارز و سازنده نظم و انضباط در حرکت های رزمی و صحنه های نبرد *

أني ممدكم بألف من الملائكة مردفين

نظم در روزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۱۹

۱۹ - روزه عبادتی دارای نظم و در عین حال انعطاف پذیر

كتب عليكم الصيام . . . أياماً معدودت . . . شهر رمضان . . . فمن كان مريضاً أو على سفر

نظم در طلوع خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۷ - ۳

۳ - وجود نظم و برنامه در طلوع و غروب خورشید، نشانی از پروردگار جهان

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

نظم در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ رعایت نظم و انضباط دقیق ، اصلی لازم در جنگ ، حتی به هنگام عبادت

فلتقم طائفه منهم معك و ليأخذوا اسلحتهم . . و لتأت طائفه اخرى

نظم در غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۷ - ۳

۳ - وجود نظم و برنامه در طلوع و غروب خورشید ، نشانی از پروردگار جهان

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

نظم در گیاهان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶ - ۲

۲ - نظام گیاهان با تنوع و قانون مداری خاص خویش ، نشانی از خداوند و رحمت او

و النجم و الشجر یسجدان

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر به دست می آید: الف) تعبیر <یسجدان> اشاره به انقیاد تکوینی و قانون مداری دارد؛
ب) آیات شریفه در مقام ارائه نموده‌های آفرینش و رحمانیت خداوند است.

نظم زندگی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۲

۲ - قریش ، به برنامه ای منظم در اداره زندگانی خود خو گرفته بودند .

لایلف قریش

برای <ایلاف> معانی گوناگونی ذکر شده است؛ از جمله: الفت یافتن، الفت دادن (قاموس)؛ مهیا و مجهز ساختن (تاج العروس)؛ عهد بستن و امان گرفتن (نهایه ابن کثیر). برداشت یاد شده ناظر به معنای نخست (الفت یافتن) است. چیزی که قریش با آن الفت یافته بودند به قرینه آیه بعد کوچ تابستانی و زمستانی بوده است. این برداشت، با معنای <الفت دادن> نیز سازگار است. در آن صورت <الله> (فاعل <ایلاف>) در کلام ذکر نشده است و <قریش> و <رحله> مفعول اول و دوم می باشد.

نظم سپاه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۴

۴ - حاکمیت نظم و انضباط کامل در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اهتمام شدید سلیمان (ع) به برقراری نظم و انضباط کامل در سپاه خویش

أم كان من الغائبين

... أو لأذبحنه

نظم سپاه مسلمانان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - در سپاه مسلمانان ، به هنگام غزوه احزاب ، نظمی استوار ، حاکم بود . به گونه ای که منافقان نیز خود را ملزم به رعایت آن می دانستند .

و یستئذن فریق منهم النبئی

نظم ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۷ - ۲

۲ ستارگان و موقعیت و مدارهای آنها، دارای نظم و حساب و برنامه مشخص است.

جعل لكم النجوم لتهتدوا بها فی ظلمت البر و البحر

راهیابی به وسیله ستارگان زمانی میسر است که مدارات و موقعیت آنها دارای نظمی مشخص باشد ؛ زیرا در غیر این صورت راهیابی به وسیله آنها ممکن نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۲ - ۲

۲ - استقرار ستارگان در جایگاه خود ، سامان یافته و محکوم نظمی حاکم بر همه آنها است .

و إذا الكواكب انتشرت

نظم طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۸ - ۳

۳- زندگی انسان ها ، چونان نظام طبیعت ، وابسته به رعایت موازین و معیارها

و وضع المیزان . أَلَا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ

از ارتباط این آیه با آیات پیشین استفاده می شود: چنانچه وجود موازین در نظام جهان، عامل ثبات و پایداری آن است و بی حسابی و بی قانونی به انهدام آن منتهی می شود، زندگی انسان نیز متکی به رعایت معیارها است.

نظم قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۶

۶ آیات قرآن ، در عین تدریجی و با فاصله نازل شدن آنها ، دارای بهترین نظم و انسجام

کذلک لنتبت به فؤادک و رتله ترتیلاً

<ترتیل > مصدر <رتلنا > و از ریشه <رتل > (به معنای نظم و ترتیب زیبا و منسجم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۴،۱۱

۴ - قرآن ، کتابی است دارای نظم ، شیوه و ترکیبی جذاب و مخصوص به خود .

و ما علّمه الشعر

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که آنچه کافران را به شعر پنداشتن قرآن واداشت، نظم و اسلوب پر جاذبه و ویژه ای بود که در این کتاب الهی مشاهده کردند.

۱۱ - محتوا ، شیوه و نظم موجود در قرآن ، روشنگر خدایی بودن آن و پیراستگی آن از تخیلات شاعرانه .

و ما علّمه الشعر و ما ینبغی له إن هو إلا ذکر و قرءان مبین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مقصود از روشنگر بودن قرآن به قرینه صدر آیه (و ما علّمناه الشعر و ما ینبغی له) این حقیقت باشد که قرآن، خود شاهد و گواه الهی بودن و نیز پیراسته بودنش از تخیلات شاعرانه است.

نظم ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۶ - ۴،۵

۴ خورشید و ماه تحت حاکمیت همه جانبه و دقیق نظم و حساب و برنامه قرار دارند.

و الشمس و القمر حسبانا

برداشت فوق بر این مبناست که جمله <جعل .. >

الشمس و القمر حسابانا > از باب مبالغه باشد، مانند <زید عدل> یعنی خورشید و ماه عین حساب و برنامه هستند. این بیان گویای آن است که هیچ ذره ای از ذرات و حرکتی از حرکات و ... از حساب خارج نیست.

۵ شکافته شدن صبح، آرامش شب و نظم و حساب خورشید و ماه، بر اساس برنامه ریزی خداوند عزیز و داناست.

فالق الإصباح .. ذلك تقدير العزيز العليم

نظم ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵ - ۱

۱ - حاکمیت نظم ، قانون مندی و هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشمس و القمر بحسبان

<حسبان> معادل <حساب> است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

نظم ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۴

۴ - حرکت منظم و بیوقفه خورشید و ماه

و سخر الشمس و القمر کل یجری

فعل مضارع <یجری>، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

نظم محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۵ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، دارای برنامه ای معین ، برای ملاقات مردم *

و لو أنهم صبروا حتى تخرج إليهم لكان خيراً لهم

برداشت بالا- بدان احتمال است که <حتی تخرج..> اشاره به زمان خاصی باشد که پیامبر(ص) به طور معمول از خانه به مسجد می آمد تا به کارها رسیدگی کند.

نظم ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات -

۲ - وجود نظم و انضباط در میان فرشتگان

و إنا لنحن الصّافون

به صف بودن فرشتگان، بیانگر وجود نظم و انضباط میان آنان است.

نظم ملائکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ - ۲۲ - ۴

۴ - فرشتگان در قیامت، در صف هایی منظم، حضور یافته، به اجرای رسالت خویش خواهند پرداخت.

و الملک صفاً صفاً

کلمه های <صفاً صفاً> به تأویل <مصطفین> (در صفوف منظم قرار گرفته) حال برای <الملک> است. <ملک> اسم جنس بوده و حرف <ال> در آن، برای استغراق است. برخی آن را مفرد <ملائکه> دانسته اند (مصباح) و برخی آن را از ریشه <ملک> و به معنای سیاست گذار دانسته و گفته اند: شخص سیاست گذار، اگر انسان باشد <ملک> و اگر فرشته باشد، <ملک> نامیده می شود. این کلمه در اصل <مَلْکُک> و به معنای <رسالت> بوده است. (مفردات راغب)

نظم عمومی

اخلال در نظم عمومی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - تصمیم فرعون بر قتل موسی (ع)، به اتهام فسادانگیزی و اخلالگری او در نظم عمومی کشور

أقتل موسی... إني أخاف... أن يظهر في الأرض الفساد

۱۲ - موسی (ع) از سوی فرعون، به فسادانگیزی و اخلالگری در نظم عمومی سراسر کشور مصر متهم شد.

أو أن يظهر في الأرض الفساد

آمدن تعبیر < فی الأرض > (در زمین) گویای این نکته است که موسی (ع) به اخلاص و فسادانگیزی در سراسر کشور متهم گردید؛ نه در نقطه

نعمت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{نعمت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱،۲،۵

۱ بعثت پیامبر (ص)، نعمتی بزرگ برای مؤمنان

لقد منّ الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا

فعل <منّ> از مصدر <منّه> به معنای نعمت بزرگ است.

۲ بهره جستن از نعمت بزرگ بعثت انبیا، در گرو ایمان به آنهاست.

لقد منّ الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا

بعثت رسول اکرم (ص) نعمتی بزرگ برای همه انسانهاست؛ بنابراین ذکر خصوص مؤمنان بدان جهت است که بهره گیری از آن نعمت بزرگ، مشروط به ایمان به اوست.

۵ برخاستن انبیا از میان مردم و از جنس آنان بودن، نعمتی برای انسانها

لقد منّ الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم

جمله <منّ الله> علاوه بر بیان نعمت بودن اصل بعثت، بر نعمت بودن هر یک از قیده‌های مذکور در آیه نیز دلالت دارد که از جمله آنها، از میان مردم و از جنس آنان بودن است.

آثار اجتماعی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۴، ۱۲، ۹، ۶

۶- مبتلا شدن جامعه به فقر، گرسنگی و ناامنی، در نتیجه کفران نعمت های الهی

قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فكفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع والخوف

۹- ابداع روش های جدید برای گناه و استمرار آن و نیز ناسپاسی در برابر خدا، عامل پیدایش فقر، گرسنگی و ناامنی اجتماعی

فكفرت بأنعم الله .. بما كانوا يصنعون

برداشت فوق، با توجه به واژه <يصنعون> که در بردارنده معنای ابداع و

ایجاد مسبوق به عدم است، استفاده گردید.

۱۲- گناهان و ناسپاسی های اجتماعی ، دارای آثار شوم برای کل جامعه

قریه کانت ءامنه .. فکفرت ... فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

۱۴- روی آوری فقر ، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنه .. فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما ک

برداشت فوق چنان چه عده ای از مفسران گفته اند بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۸

۸ - کفران نعمت های الهی ، در پی دارنده گسیختگی زمام جامعه و از هم فروپاشی آن

و اشکروا له .. فأعرضوا ... و مزقنهم کل ممزق

آثار اجتناب از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۸

۸- تداوم رفاه و آسایش و حیات اقتصادی جوامع ، در پرتو بهره گیری از روزی های حلال و استفاده بهینه از آنها و اجتناب از کفران است .

و ضرب الله مثلاً قریه .. فکفرت بأنعم الله ... فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیب

<فاء> در <فکلوا..> برای تفریع این جمله به آیات پیشین است، یعنی، از روزیهای حلال و دلپذیر استفاده کنید و شکر نعمت خدا را به جا آورید تا گرفتار سرنوشت مردمی نشوید که آنان در اوج رفاه و آسایش بودند ولی در اثر کفران نعمت، دچار عذاب شدند.

آثار استفاده از نعمت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۲

۲ - توجه به آفریننده نعمت ها ، به دنبال بهره‌وری از آن ، امری طبیعی و فطری است .

لتستوا علی ظهوره ثم تذکروا نعمه ربکم إذا استویتم علیه

آثار ذکر حسابرسی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۳

۳ - توجه به حسابرسی و مسؤولیت در برابر نعمت ها ، بازدارنده انسان از دل خوشی به فراوانی آن و زمینه ساز ترک افتخار بر دیگران است .

ألهیکم التکاثر .. ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم

آثار ذکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۶

۶ توجه به خدادادی بودن دارایی ها ، تسهیل کننده انفاق و درمان کننده بخل

الذین یبخلون .. و انفقوا مما رزقهم الله

هدف از بیان این حقیقت که اموال آدمی داده های خداوند است (رزقهم الله)، این است که انسان را به انفاق در راه خدا ترغیب کند و بخل را از وی بزدايد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۲۱

۲۱ یادآوری نعمت های الهی ، دارای تأثیری بسزا در توجه آدمی به خدا و دستیابی به رستگاری است .

فاذکروا لاء الله لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۹، ۱۴

۱۴ به یاد داشتن نعمت های الهی ، نقشی بسزا در هدایت انسان ها و توجه آنان به خدا دارد .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء .

.. فاذكروا ءالاء الله

۱۹ توجه به خدادادی بودن نعمت ها و به یاد داشتن همواره آن ، زمینه ساز پرهیز آدمی از فسادانگیزی است .

فاذكروا ءالاء الله و لاتعتوا فی الارض مفسدین

نهی از فسادانگیزی (لا- تعثوا) در پی توجه دادن به نعمتهای الهی، اشاره به این نکته دارد که توجه به نعمتهای الهی می تواند آدمی را از فسادانگیزی بر حذر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۵

۵ توجه به نعمت های الهی ، موجب پایداری انسان بر توحید و پرهیز وی از گرایش به شرک و بت پرستی است .

قال اغير الله ابغیکم إلهاً . .. و إذ أنجینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۳

۳ یوسف (ع) با یادآوری نعمت های الهی و توجه به ربوبیت و علم و حکمت فراگیر خداوند ، خویشتن را در محضر او احساس کرد .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم . رب قد ءاتیتنی

تغییر سیاق ؛ یعنی، التفات از غیبت (إن ربی . .. إنه هو العلیم) به خطاب (رب قد ءاتیتنی) حاوی نکاتی است از جمله اینکه یوسف (ع) با یاد کردن از نعمتهای خدادادی و توجه به ربوبیت و علم و حکمت مطلق الهی، به این حقیقت توجه پیدا کرد که خداوند حاضر و ناظر است. از این رو خود را در محضر او احساس کرد و او را مخاطب قرار داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۶

نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، نعمت چشمگیر و به یاد ماندنی خداوند بر آنان بود .

إذ قال موسى لقومه اذكروا نعمه الله عليكم إذ أنجكم من آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۱۲

۱۲- توجه به دریا و نعمت های آن ، علاوه بر ایجاد زمینه خداشناسی ، در پی دارنده شکر به درگاه خداست .

سخر البحر... و لعلکم تشکرون

جمله <و لعلکم تشکرون> عطف به جمله محذوفی همانند <و لعلکم تعرفونه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۳

۱۳- توجه به نعمت ، مستلزم سپاسگزاری از نعمت دهنده است .

أفبالبطل يؤمنون و بنعمت الله هم يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۸

۸- توجه به اهمیت شنوایی ، بینایی و ادراک ، مستلزم سپاسگزاری انسان از خداوند

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۱۱

۱۱- توجه به اهمیت و گستردگی نعمت های خداوند ، زمینه ساز تسلیم شدن انسان در برابر خواست و فرمان اوست .

كذلك يتم نعمته عليكم لعلکم تسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- به یاد آوردن نعمت های خداوند ، موجب درک یگانگی خالقیت و رازقیت و اعتراف به آن است .

اذکروا نعمت الله علیکم هل من خلق غیر الله یرزقکم

برداشت یاد شده به خاطر

این نکته است که آیه شریفه، پیش از طرح مسأله خالقیت و رازقیت انحصاری خداوند، به یاد آوردن نعمت های الهی را توصیه کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱۵

۱۵- توجه به نعمت های الهی و ارج نهادن به زحمات والدین ، از نمود های رشد عقلی و کمال وجودی انسان در چهل سالگی

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ

خداوند، سن چهل سالگی را به عنوان زمینه و مقدمه توجه انسان به پروردگار و شکر نعمت ها و تقدیر از والدین دانسته است. این مطلب نشانگر آن است که انسان به طور طبیعی، در این سن به دلیل کمال وجودی و یا رشد قوای عقلانی، به ارزش ها می اندیشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۶

۶- توجه به نعمت های متنوع و گسترده زمین ، زمینه ساز شناخت پروردگار جهان

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

خداوند با این پرسش، در حقیقت انسان ها را به اندیشه و توجه به نعمت ها فرا خوانده است تا از این رهگذر به پروردگار خویش و شناخت او راه یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۶

۶ توجه به نعمت های گسترده الهی ، زمینه ساز شناخت پروردگار جهان

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۴

۴- توجه به نعمت های گسترده الهی ، زمینه ساز شناخت پروردگار

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۳

۳ - توجه به نعمت های گسترده الهی ، زمینه ساز شناخت پروردگار جهان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

خداوند، با پرسش بالا در حقیقت خلق را به تأمل و توجه به نعمت ها فرا خوانده است؛ تا آنان از این رهگذر به پروردگار خویش و شناخت او راه یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۴

۴ - توجه به نعمت های گسترده الهی ، زمینه ساز شناخت پروردگار جهان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۴

۴ - توجه به نعمت های گسترده الهی ، زمینه ساز شناخت پروردگار جهان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

خداوند، با پرسش بالا در حقیقت خلق را به تأمل و توجه به نعمت ها فراخوانده است؛ تا آنان از این رهگذر به پروردگار جهان و شناخت او راه یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۷

۷ - توجه پیامبر (ص) ، به خدادادی بودن نعمت خوش نامی ، مایه اطمینان آن حضرت به دوری اش از قهر و خشم خداوند

ما ودّعك ربّك و ما قلى . . . و رفعنا لك ذكرك

آثار سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ - سلب نعمت از انسان ، شرّ و مایه یأس اوست .

و إذا أنعمنا علی الإنسان . . . و إذا

به قرینه مقابله <مَسَّهُ الشَّرِّ> با <أُنْعَمْنَا> احتمال دارد که مراد از دچار شدن به سختی و شرّ، از دست دادن نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۲ - ۷

۷ - گرفتاری و از دست دادن نعمت ها ، بر اثر کیفر گناهان و خطا ها ، سبب توبه و روی آوری انسان ها به سوی خدا

بل نحن محرومون .. . إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَغْبُونَ

آثار شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۲

۱۲ سپاسگزاری و شکر نعمت های الهی ، موجب روسفیدی در قیامت *

و اذكروا نعمت الله .. . يوم تبيض وجوه

روسیاهی در قیامت، ناشی از کفران نعمت است بنابراین، سفیدرویی ناشی از سپاسگزاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۵

۱۵- صبر پیشه کردن در برابر مشکلات و بلایا و شکرگزاری در مقابل نعمت های الهی ، مایه رشد معرفت آدمی و درک بهتر

آیات و نشانه های خدا

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۱،۲،۳،۵

۱- پیامبر (ص) موظف به یادآوری اعلام الهی به مردم به اینکه : هر کس سپاسگزار باشد ، قطعاً نعمتش فزونی می یابد و هر

کس کفران نماید ، دچار عذاب شدید می گردد .

و إِذْ تَأْذَنُ رَبِّكُمْ لِنِ شُكْرِكُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ وَلِنِ كُفْرِكُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

<وَ إِذْ تَأْذَنُ > عطف بر <إِذْ قَالَ > است كه

در آن <اذکر> در تقدیر است و مخاطب پیامبر اکرم (ص) می باشد.

۲- موسی (ع) از قوم خود خواست تا به یاد فرمان و توصیه خداوند باشند که هر کس شکرگزاری نماید خداوند نعمتش را افزون می کند و هر کس کفران نماید دچار عذاب شدید خواهد شد .

اذکروا نعمه الله علیکم .. و إذ تأذّن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن

این برداشت مبتنی بر این نکته است که <إذ تأذّن ربکم> مقول قول موسی (ع) و عطف به <اذکروا نعمه الله> باشد.

۳- افزایش نعمت در صورت شکرگزاری و تهدید به عذاب در صورت کفران نعمت ، مقتضای ربوبیت الهی

و إذ تأذّن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید

۵- شکر نعمت رهایی از نظام ظالمانه ، موجب فزونی و بقای آن نعمت شده و کفران آن ، مایه از دست رفتنش می شود .

إذ أنجکم من آل فرعون .. و إذ تأذّن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۳

۱۳- ناسپاسی نعمت ها ، موجب سلب آنها و شکرگزاری ، عامل بقای آنهاست .

قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

از مفهوم آیه استفاده می شود که اگر آنان ناسپاسی انجام نمی گرفت، نعمتها سلب نمی شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۶

۶- شکر نعمت ، موجب فزونی نعمت های دنیوی است .

شاکراً لأنعمه .. و ءاتینه فی الدنيا حسنه

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۷

۷ - حفظ امانت و سپاس نعمت ، عامل دستیابی به محبت خدا

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كَلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۰

۲۰ - بازتاب سپاسگزاری و کفران انسان در برابر نعمت های خدا ، تنها متوجه خود او است .

و من شکر فائما يشكر لنفسه و من كفر فإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱۶

۱۶ - استفاده از آیات الهی برای کسانی میسر است که از روحیه شکرگزاری برخوردار باشند .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ شَاكِرٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِّنْهُمْ .. نِعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۵

۵ - سپاسگزاری از خداوند در برابر نعمت کوثر ، وادار سازنده پیامبر (ص) به نماز و اخلاص در آن

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ . فَصَلِّ لِرَبِّكَ

حرف <فاء> در <فصل>، لزوم نماز را بر آیه قبل تفریح کرده است.

آثار عصیان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۹

۱۹ - تخلف از فرمان های خدا و ناسپاسی در برابر نعمت های او ، ظلمی

است از ناحیه انسان به خویشتن

و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

آثار کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۸

۸ - غفلت از یاد خدا و ناسپاسی نعمتهایش ، به منزله انکار اوست .

فاذکرونی ... واشکروالی ولاتکفرون

نهی از کفرورزی و انکار خدا (لا-تکفرون) - پس از فرمان دادن به ذکر و سپاس او - می رساند که: غفلت از یاد خدا و ناسپاسی در برابر او، آدمی را به کفرورزی و انکار خدا می کشاند و یا خود به منزله کفر و انکار خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۴

۴ کفر به خدا ، و ناسپاسی نعمت های او ، موجب گرفتار شدن انسان به عذاب الهی

ما يفعل الله بعذابكم إن شكرتم وءامنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۸

۱۸ ناسپاسی در برابر نعمت های خدا با گرایش به معبودانی دروغین ، نشانه جهل آدمی است .

و جوزنا بنی اِسْرَءِیلَ البحر .. قال إنکم قوم تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۲۲

۲۲ > عن علی بن الحسین (ع) يقول: الذنوب التي تغير النعم، البغی علی الناس و الزوال عن العاده فی الخیر ، و اصطناع المعروف ، و کفران النعم ، و ترک الشکر . قال الله عزوجل : < إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم > .

از امام زین العابدین (ع) روایت شده است که می فرمود: گناहانی که موجب تغییر نعمتها می شوند عبارتند از: ستمگری بر مردم، دوری از عادت به کار خیر و از انتخاب کردار نیک، کفران نعمتها و ترک شکرگزاری. خداوند عزوجل فرموده: **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا بَأْنَفْسِهِمْ**.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۵، ۳، ۲، ۱

۱- پیامبر (ص) موظف به یادآوری اعلام الهی به مردم به اینکه: هر کس سپاسگزار باشد، قطعاً نعمتش فزونی می یابد و هر کس کفران نماید، دچار عذاب شدید می گردد.

و إِذْ تَأْذَنُ رَبِّكُمْ لَنْ شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ و لَنْ كَفَرْتُمْ إِنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

<و إِذْ تَأْذَنُ رَبِّكُمْ لَنْ شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ و لَنْ كَفَرْتُمْ إِنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ> عطف بر <إِذْ قَالَ> است که در آن <اذکر> در تقدیر است و مخاطب پیامبر اکرم (ص) می باشد.

۲- موسی (ع) از قوم خود خواست تا به یاد فرمان و توصیه خداوند باشند که هر کس شکرگزاری نماید خداوند نعمتش را افزون می کند و هر کس کفران نماید دچار عذاب شدید خواهد شد.

اذكروا نعمه الله عليكم .. و إِذْ تَأْذَنُ رَبِّكُمْ لَنْ شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ و لَنْ كَفَرْتُمْ إِنْ

این برداشت مبتنی بر این نکته است که <إِذْ تَأْذَنُ رَبِّكُمْ لَنْ شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ و لَنْ كَفَرْتُمْ إِنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ> عطف به <اذكروا نعمه الله> باشد.

۳- افزایش نعمت در صورت شکرگزاری و تهدید به عذاب در صورت کفران نعمت، مقتضای ربوبیت الهی

و إِذْ تَأْذَنُ رَبِّكُمْ لَنْ شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ و لَنْ كَفَرْتُمْ إِنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

۵- شکر نعمت رهایی از نظام ظالمانه، موجب فزونی و بقای آن نعمت شده و کفران آن

، مایه از دست رفتنش می شود .

إذ أنجكم من آل فرعون .. و إذ تأذن ربكم لئن شكرتم لأزيدنكم و لئن كفرتم إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۳

۳- کفران نعمت های خداوند هیچگونه زیانی به او نمی رساند .

إن تكفروا أنتم و من فی الأرض جميعًا

مراد از <إن تكفروا> به قرینه <و لئن كفرتم> که به معنای کفران بود، می تواند ناسپاسی در برابر نعمتهای خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۷

۷- ناسپاسی نعمت ها موجب هلاکت و سرنوشت شوم است .

ألم تر إلى الذين .. و أحلوا قومهم دار البوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۷، ۱۲

۱۲- روحیه ستم پیشگی و ناسپاسی انسان ، فلسفه دریغ نمودن خداوند از برآوردن تمامی درخواست ها و تقاضا های او

و ءاتیکم من کلّ ما سألتموه .. إنّ الإنسان لظّولم کفّار

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <من کلّ> برای تبعیض و مقصود از سؤال درخواست زبانی باشد و نیز جمله <إنّ الإنسان لظّولم کفّار> تعلیل برای جملات پیشین باشد.

۱۷- کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، ظلم به خویشان است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسان لظّولم کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳- ناسپاسی نعمت ها ، موجب سلب آنها و شکرگزاری ، عامل بقای آنهاست .

قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فکفرت بأنعم

الله فأذقها الله لباس الجوع والخوف

از مفهوم آیه استفاده می شود که اگر آنان ناسپاسی انجام نمی گرفت، نعمتها سلب نمی شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۷

۱۷ - طغیان گری در استفاده از نعمت ها (ناسپاسی ، اسراف و ...) ، زمینه ساز فرا رسیدن غضب الهی و سیطره یافتن آن بر انسان است .

كلوا... و لا تطغوا فيه فيحلّ عليكم غضبي

<يحلّ> یعنی، <ینزل> و نزول و اقامت غضب، کنایه از استقرار کامل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۶

۲۶ - کفران و ناسپاسی نعمت حاکمیت دین داران و امنیت در پناه دین ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از راه حق و صواب است .

وعد الله الذين ءامنوا منكم .. ليستخلفنهم ... و ليمكّننّ لهم دينهم ... يعبدون

<فسق> به معنای عصیان و ترك فرمان های الهی و خروج از راه حق است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۵ - ۳

۳ - کفران نعمت های الهی ، در پی دارنده عذاب و کیفری سخت

و اتّقوا الذي أمدّكم .. إنّي أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۰

۲۰ - بازتاب سپاسگزاری و کفران انسان در برابر نعمت های خدا ، تنها متوجه خود او است .

و من شكر فإِنَّمَا يشكر لنفسه و من كفر فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كريم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ - بنای خداوند بر فضل و رحمت نسبت به خلق و ناسپاسی های مردم زمینه ساز عذاب

و إِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ .. و لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَاشْكُرُونَ

مقدم شدن <فضل و رحمت> بر <شکر و ناسپاسی> می رساند که فضل الهی، دارای اصالت و خواست خدا است و ولی این ناسپاسی ها است که مردم را از آن محروم می سازد و سبب نزول عذاب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۴،۱۵

۱۴ - آگاهی یافتن آرزومندان مال و ثروت به پی آمد شوم ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، با مشاهده نگون بختی قارون

و یكَاثَنَهُ لَایفْلِحُ الْكُفْرُونَ

<کفر> (مصدر <کافرون>) در این جا مقابل <شکر> و به معنای ناسپاسی است. جمله <و یكَاثَنَهُ لَایفْلِحُ الْكُفْرُونَ> اعتراف دنیاطلبان به ناسپاسی خود در مقابل خدا است و اشاره به علت هلاکت قارون دارد.

۱۵ - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، در پی دارنده هلاکت انسان و نابودی ثروت وی

فَحَسْبُنَا بِهِ وَ بَدَارَهُ الْأَرْضُ .. و یكَاثَنَهُ لَایفْلِحُ الْكُفْرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱،۵

۱ - راه افتادن سیل بنیان کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبا ، کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فَاعْرَضُوا فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرْمِ وَ بَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ .. ذَلِكُمْ جَزَاءُ مَا كَفَرُوا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش، احتمال دارد مراد از <کفروا> کفران باشد.

۵ - کفران نعمت های خداوند ،

کیفر در پی دارد .

و اشکروا له .. فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم... ذلك جزينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱۲، ۱۰، ۴

۴ - برنتابیدن و فور نعمت و امنیت و آسایش ، ستم بر خویش است .

و جعلنا بينهم و بين القرى التي برکنا فيها قرى ظهره .. سیروا فيها ... ءامنين

۱۰ - تارومار شدن کامل قوم سبأ در پی کفران آنان ، به دست خداوند بود .

لقد كان لسيا في مسكنهم ءايه جنتان .. بلده طيبه ... فقالوا ربنا بعد بين أسفا

۱۲ - قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، در بردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکر گزار است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲۱

۲۱ - دروغ پردازی و ناسپاسی ، باعث محرومیت از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَذِبٌ كَفَّارٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۳

۱۳ - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ .. و لاتزر وازره وزر أُخرى

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که مقصود از <وزر> در این آیه، کفر و ناسپاسی است زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۳، ۲۱، ۲۰

۲۰ - اندک و ناپایدار بودن بهره‌وری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری

قل تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا

۲۱ - شرک و ناسپاسی خدا ، موجب گرفتاری به آتش جهنم

قل تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ

۲۲ - بهره های دنیایی تحت لوای کفر و ناسپاسی خدا ، در مقایسه با عذاب دایمی دوزخ بسی اندک و ناپایدار است .

قل تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ

جمله >إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ< برای تعلیل و بیان چرایی ناچیز بودن و ناپایداری بهره دنیایی شرک و ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۸

۸ - قشر مرفه و برخوردار ناسپاس ، در معرض عذاب و پیامد های هلاکت بار ناشکری خود

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، علاوه بر آن که درصدد موعظه و درس آموزی است، در مقام تهدید و بازدارندگی نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۲

۲ - رفاه مندی و برخورداری از نعمت ها در سایه تلاش و دانش اقتصادی ، در صورت همراه بودن آن با ناسپاسی و غفلت از منشأ خدایی آنها ، هلاکت و بدبختی در دنیا را در پی خواهد داشت .

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۵

۵ - قرآن ، نعمتی از جانب خداوند و کفر به آن نتیجه کبر و ناسپاسی است .

و إذا أنعمنا على الإنسان .. ثم كفرتم به

با توجه به ارتباط این آیه با آیه

قبل مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۷

۱۷ - دلخوشی به مظاهر دنیا و کفران و ناسپاسی انسان ، موجب روی گردانی وی از پیام وحی است .

فَإِنْ أَعْرَضُوا .. فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

جمله <و إنا إذا .. کفور> می تواند اشاره به وجه اعراض و روی گردانی کافران از پیام وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۲

۲ - کفران نعمت هدایت ، موجب عذاب سخت الهی (همچون زنجیر ، غل و آتش) در قیامت

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلْسَلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - کفران نعمت های خداوند ، سرپیچی از فرمان او است .

مَا أَكْفَرَهُ .. لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ

چنانچه مراد از کفر در <ما أكفراه> کفران نعمت باشد، شکرگزاری نعمت مصداق مورد نظر از <ما أمره> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۴

۴ - ناسپاسی دشمنان اسلام در برابر ربوبیت خداوند ، دلیل هجوم مجاهدان به صفوف آنان است .

و العَدِيتُ .. إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - انکار آگاهانه نعمت های خداوند ، از سوی دشمنان اسلام ، دلیل رویارویی سپاه مجاهدان با صفوف آنان است .

و العدیت إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

. و إِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ لَشَهِيدٌ

آثار محرومیت از نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۳

۳- توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی و محروم ساختن خویش از آن

و من دونهما جَنَّاتان . فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبان

آثار مطالعه نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۴،۲۱

۴- خداوند ، فراخوان مشرکان به مطالعه درباره مسخّر بودن موجودات و نعمت های فراوان خدادادی جهت راه یافتن به توحید

هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه. .. ألم تروا أنّ الله سَخَّرَ لَكُمْ ما

۲۱- دَقَّتْ در مسخّر بودن موجودات عالم و نیز نعمت های فراوان الهی ، مایه برچیده شدن جدال های جاهلانه درباره خدا است .

ألم تروا أنّ الله سَخَّرَ لَكُمْ . . . و أسبغ عليكم نعمه... و من الناس من يجدل في الل

آثار نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۵

۵- برخورداری از نعمت ها ، مقتضی توجه انسان به نعمت آفرین و شکر و سپاس اوست نه روی برتافتن از او .

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض و ننا بجانبه

توصیف حالات انسان به هنگام برخورداری از نعمتهای الهی، دارای لحنی آمیخته به نکوهش است چنین بیانی صرفاً برای گزارش نیست و بلکه ترغیب انسانها به ادای حق منعم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ -

۲- برخورداری از موهبت های طبیعی و نعمت های خدادادی ، مقتضی تقوای پیشگی و سرپیچی نکردن از فرمان های خدا و رسول او .

فی جَنَّتْ و عیون . و زروع ... و تنحتون من الجبال بیوتاً فرهین . فاتَّقوا الله و تفریع <فاتَّقوا..> بر آیات پیش بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۳

۳- لزوم حمد و ستایش به درگاه خدا ، در مقابل برخورداری از نعمت علم و دانش

و لقد ءاتینا داود و سلیمان علماً و قالوا الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۶

۱۶- آسودگی ها و نعمت ها ، عرصه شناخت سپاس گزاران و ناسپاسان

فإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْبٌ... ثُمَّ إِذَا خَوْلَانَهُ نِعْمَةً... بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که هر نعمتی، اقتضای شکر و سپاس گذاری دارد. بنابراین آزمایش بودن نعمت های الهی، می تواند در ارتباط با همین مسأله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۲

۲- آسودگی و برخورداری از نعمت ها ، همواره در طول تاریخ موجب غرور انسان و غفلت وی از نقش خداوند در عرصه تحولات زندگی بوده است .

قال إنما أوتيته على علم .. قد قالها الذين من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - اعراض و روی گردانی انسان از خداوند ، پس از دستیابی به

نعمت

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض و نا بجانبه

۲- رفاه و نعمت ، زمینه پیدایش روحیه تکبر و غرور در آدمی است .

و إذا أنعمنا .. نا بجانبه

<نای> (مصدر <نأى>) به معنای دور شدن است و هرگاه با واژه <جانب> به کار رود، کنایه از تکبر و غرور خواهد بود.

۳- اعطای نعمت از سوی خداوند به انسان ، مقتضی روی آوری به درگاه او و کرنش در برابر او

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض

از لحن نکوهش آمیز آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

۷- کبر و غرور به هنگام نعمت و رفاه و جزع و ناآرامی به هنگام مصیبت و بلا ، امری نکوهیده و ناپسند

و إذا أنعمنا .. و إذا مسّه الشرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۵ - ۹

۹- برخورداری از نعمت و رفاه ، نشانه شرافت مندی در پیشگاه خداوند نیست .

و نعمة فيقول ربّي أكرمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱۵

۱۵- نعمت های الهی حتی برای پیامبر (ص) مسئولیت آفرین است .

إنا أعطینک الکوثر . فصل لربک وانحر

آثار نعمت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نعمت های موجود در زمین ، مقتضی توجه انسان به خدای نعمت آفرین

و أنزلنا من السماء ماء .. و إنا على ذهاب به لقدرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ -

۸- انسان ، گرفتار سرخوشی به هنگام برخورداری از کمترین رفاه و نعمت های دنیوی

و إنا إذا أذقنا الإنسان منّا رحمه فرح بها

<إذاقه> (مصدر <أذقنا>) به معنای چشاندن است. این تعبیر در موردی به کار می رود که بهره کمی از چیزی گرفته شود.

آثار وفور نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۸ - ۴،۶

۴ - نعمت و رفاه فراوان ، زمینه ساز غرور و طغیان

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

۶- سرمستی و غرور ناشی از نعمت و رفاه فراوان ، از عوامل هلاکت جوامع بشری است .

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۲

۱۲- آسودگی از گرفتاری ها به همراه برخورداری از نعمت ها ، زمینه غرور انسان و غفلت وی از نقش خداوند در عرصه

تحولات زندگی

ثم إذا حوّلنه نعمه منّا قال إنّما أوتيته علی علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۷ - ۵

۵- رفاه و وفور نعمت ، زمینه ساز غفلت از یاد خداوند

لأستقینهم ماء غدقاً .. و من يعرض عن ذکر ربّه

مطرح شدن اعراض و غفلت از یاد خدا پس از یادآوری رفاه و وفور نعمت در سایه ایمان و دینداری نشانگر حقیقت یاد شده است.

آثار وفور نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۲۴ - ۱

۱ - وفور ، خرمی و طراوت نعمت های آخرت ، نیکوکاران

را شاداب و دارای رخساری درخشان خواهد ساخت .

تعرف فی وجوههم نصره النعیم

<نعیم> به معنای نعمت فراوان، <نصره> به معنای زیبایی و <نصره النعیم> به معنای درخشندگی آن است (مفردات راغب). مراد از آن به قرینه <تعرف فی وجوههم>، تابناکی چهره بر اثر نعمت وافر است.

آثار کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۳۱

۳۱ ارتکاب فحشا و ناسپاسی در برابر نعمت های خداوند ، مانع رستگاری است .

إنه لا یفلح الظلمون

آداب ذکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۱۰

۱۰- گفتن < ما شاء الله لا قوه إلا بالله > به هنگام مشاهده نعمت ها ، کاری شایسته و لازم است .

و لولا إذ دخلت جنتك قلت ما شاء الله لا قوه إلا بالله

آرزوی سلب نعمت از فخر فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۰ - ۹

۹- آرزوی سلب نعمت از کافرانی که بر مؤمنان فخر فروشی می کنند ، آرزویی شایسته و مطلوب است .

فعسی ربی أن .. یرسل علیها حساباً

آرزوی سلب نعمت از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۰ - ۹

۹- آرزوی سلب نعمت از كافرانی كه بر مؤمنان فخرفروشی می كنند ، آرزویی شایسته و مطلوب است .

فَعَسَى رَبِّي أَن .. يرسل عليها حساباً

آرزوی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۰ - ۱

۱- مرد مؤمن ، با اظهار امیدبه پروردگار خویش ،

نعمتی برتر از بوستان ثروت مند مغرور را آرزو کرد .

فَعَسَى رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۲

۲۲- منافات نداشتن عبادت خالصانه ، با تمنای نعمت از درگاه خداوند

تَرِيهِمْ رُكْعًا سَجْدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ

تعبیر <رُكْعًا سَجْدًا>، اشاره به عبادت و خضوع مؤمنان و تعبیر <يَبْتَغُونَ فَضْلًا> بیانگر تمنای نعمت ها از درگاه الهی است.

آرزوی نعمت جاویدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۴ - ۲

۲- برخورداری از نعمت و رفاه جاودان ، آرمانی اصیل و تحقق پذیر برای موحدانِ راستین در قیامت

أَوْلَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا

با توجه به این که آرمان بقا و جاودانگی در موجود زنده، به صورت فطری وجود دارد؛ خداوند این آرمان را در مورد انسان مؤمن محقق شدنی و دست یافتنی اعلام کرده است.

اتمام نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۲۴، ۲۲، ۲۱

۲۱ روز غدیر (روز نصب علی (ع) به امامت) ، روز اکمال دین و اتمام نعمت خداوند بر مسلمانان

اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي

مراد از <اليوم اكملت .. >، با توجه به شأن نزول آیه و روایات متعدد، روز غدیر خم بوده که پیامبر(ص) حضرت علی(ع) را به امامت منصوب کرد.

۲۲ تعیین امامت و رهبری علی (ع) در روز غدیر ، موجب اکمال دین و اتمام نعمت

الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی

۲۴ ولایت و امامت ، متمم نعمت خداوند بر

اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي

ذکر اتمام نعمت پس از اكمال دين با تعيين امامت و رهبري، می تواند اشاره به اين معنا باشد که تعيين امامت، موجب اتمام نعمت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۳۶، ۳۱، ۲۹

۲۹ هدف از تشریح وضو، غسل و تیمم، طهارت مؤمنان و اتمام نعمت الهی به آنان است، نه ایجاد حرج و مشقت.

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا... و لكن يريدهم ليطهرهم وليتم نعمته عليكم

۳۱ اتمام نعمت الهی بر مؤمنان، از اهداف جعل احکام

يأيها الذين آمنوا... و لكن يريدهم ليطهرهم وليتم نعمته عليكم

ظاهراً تشریح وضو، غسل و تیمم، به عنوان حکمی از احکام الهی، در اتمام نعمت، خصوصیتی نداشته باشد. بنابراین تشریح هر حکمی، نعمتی از جانب خداوند است.

۳۶ طهارت انسان و اتمام نعمت الهی بر او، زمینه ساز سپاسگزاری از خداوند

و لكن يريدهم ليطهرهم وليتم نعمته عليكم لتشكرون

در برداشت فوق <لعلکم>، غایت و تعلیل برای <ليطهرکم> و <ليتم> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۱۰

۱۰- اتمام نعمت خداوند بر انسان، با تدارک امکانات مختلف زندگی و متناسب با نیازهای متنوع وی

والله جعل لكم من بيوتكم سكنًا... أثنا و متعًا... و سربيل تقيكم بأسكم كذلك

اتمام نعمت بر آل یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸- یوسف - ۱۲ - ۶ - ۲۴، ۱۱، ۱۰

۱۰ کامل شدن نعمت الهی بر یوسف و

خاندان یعقوب ، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف (ع) .

و یتیم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

۱۱ یعقوب (ع) از رؤیای یوسف دریافت که خداوند نعمت کامل خویش را بر یوسف (ع) و خاندان یعقوب ، ارزانی خواهد داشت .

ینی رأیت أحد عشر کوکبا .. یتیم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

۱۲ خداوند به واسطه یوسف (ع) ، نعمت کامل و تمام خویش را بر خاندان یعقوب ارزانی داشت .

و کذلک .. و یتیم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

یوسف (ع) از خاندان یعقوب (ع) بود و <آل یعقوب> شامل او نیز می شد. بنابراین آوردن <علیک> و عطف کردن <آل یعقوب> بر آن، می تواند حاکی از نکته ای باشد که در برداشت فوق آمده است. قابل ذکر است که تأویل ستارگان، ماه و خورشید بر برادران و پدر و مادر یوسف (ع) مؤید آن نکته است.

۲۴ حکمت خدا و علم او به خصلت های یوسف (ع) موجب شد تا نعمت خویش را بر خاندان یعقوب کامل کند .

و یتیم نعمته علیک و علی ءال یعقوب .. إن ربک علیم حکیم

اتمام نعمت بر ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۳، ۱۵

۱۳ ابراهیم و اسحاق (ع) از نعمت کامل و تمام الهی برخوردار بودند .

كما أتمّها علی أبویک من قبل إبرهیم و إسحق

۱۵ یوسف (ع) آگاه به بهره مندی ابراهیم و اسحاق (ع) از نعمت های کامل الهی

كما أتمّها علی أبویک من قبل

اتمام نعمت بر اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۳، ۱۵

۱۳ ابراهیم و اسحاق (ع) از نعمت کامل و تمام الهی برخوردار بودند .

كما أتمّها علی أبویک من قبل إبرهیم و إسحق

۱۵ یوسف (ع) آگاه به بهره مندی ابراهیم و اسحاق (ع) از نعمت های کامل الهی

كما أتمّها علی أبویک من قبل

اتمام نعمت بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۷ - ۳

۳ - پدید آمدن اختلاف در میان بنی اسرائیل ، در پی اتمام نعمت و حجت الهی بر آنان

و لقد ءاتینا بنی إسرائیل الکتب و الحکم . . و ءاتینهم بینت من الأمر فما اختلف

اتمام نعمت بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۵

۵ - صلح حدیبیه ، اتمام نعمت خداوند بر پیامبر (ص)

لیغفر لک الله . . و یتّم نعمته علیک

<یتّم نعمته > بیانگر پیامد و نتیجه مستقیم صلح حدیبیه است.

اتمام نعمت بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ کامل شدن نعمت الهی بر یوسف و خاندان یعقوب ، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف (ع) .

و یتیم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

۱۱ یعقوب (ع) از رؤیای یوسف دریافت که خداوند نعمت کامل خویش را بر یوسف (ع) و خاندان یعقوب ، ارزانی خواهد داشت .

إنی رأیت أحد

عشر کو کجا .. یتیم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۵

۵ سرگذشت یوسف (ع) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است.

یجتیبیک ربک و یعلمک .. لقد کان فی یوسف و إخوته آیت للسائلین

برداشت فوق، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه <آیات>، <اجتبا و گزینش یوسف(ع) و...> باشد که از جمله های <کذلک یجتیبیک ربک و...> به دست می آید.

اتمام نعمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۵

۵ - صلح حدیبیه، اتمام نعمت خداوند بر پیامبر (ص)

لیغفر لک الله .. و یتیم نعمته علیک

<یتیم نعمته> بیانگر پیامد و نتیجه مستقیم صلح حدیبیه است.

اجتناب از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۷

۷ - ضرورت پرهیز از کفران نعمت های خداوند

و لا تکفرون

برداشت فوق بر این اساس است که <لا تکفرون> به تقدیر <نعمه> در اصل <و لا تکفروا نعمتی> بوده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- توجه انسان به مقام و کرامت الهی خویش ، مستلزم پرهیز از ناسپاسی خداوند است .

فیغرقکم بما کفرتم .. و لقد کزمنابنی اءدم

یادآوری کرامت انسانها پس از ذکر ماجرای کسانی که پس از رهایی از خطر

مرگ به کفران نعمتهای الهی روی آوردند، می تواند مذمتی باشد برای آنان و نیز به انسانها توجه بدهد که کرامت انسانی مستلزم اجتناب از کفران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۲ - ۱،۲

۱ - تأکید هود (ع) بر تقوای الهی و پرهیز از ناسپاسی در برابر خدای نعمت بخش

و اتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ

<إمداد> (مصدر <أمدكم>) به معنای کمک کردن و <ما> در <بما تعلمون> کنایه از نعمت هایی است که تفصیل آن در آیات بعد آمده است. متعلق <تعلمون> به خاطر رعایت فاصله آیات حذف شده و تقدیر آن چنین است: <أمدكم بما تعلمون أنها من إمداده>.

۲ - لزوم پرهیز از مخالفت و ناسپاسی در برابر خدای نعمت دهنده

و اتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ

احکام نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۴

۱۴ - استفاده و بهره بردن از نعمت ها و ارزاق الهی ، احکام و مقررات ویژه ای دارد .

كلوا من طيبات .. و لا تطغوا فيه

طغیان، تجاوز از حد است. نهی شدن بنی اسرائیل از طغیان در استفاده از طیبات، حکایت از آن دارد که استفاده از طیبات، دارای حد و مرز و مقرراتی است که خروج از آنها، طغیان به شمار می آید.

ارزش نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ ارزش محدود و مقطعی بهره های دنیوی

ذلك متاع الحيوه الدنيا

ارزش نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۱۱ - سرای آخرت و نعمت های آن بسی ارجمند و گرانقدر است .

إن كانت لكم الدار الآخرة .. فتمنوا الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ بی ارزش بودن مواهب دنیوی در برابر نعمت های اخروی

إن الذين يشترون بعهد الله .. ثمناً قليلاً أولئك لا خلاق لهم في الآخرة

جمله <لا خلاق لهم .. > می تواند دلیل اندک بودن بهره های دنیوی باشد، یعنی چون از مواهب آخرت محروم می شوند، آنچه در دنیا کسب کنند، اندک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲۷

۲۷ کم ارزشی و ناچیز بودن بهره های دنیوی در برابر آخرت و نعمت های آن

قل متاع الدنيا قليل و الآخرة خير لمن اتقى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۸

۸ بهره مندی های دنیوی ، در مقایسه با نعمت های اخروی ، متاعی است بسیار اندک و کم ارزش .

فما متع الحيوه الدنيا في الآخرة إلا قليل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۶ - ۷

۷ - مجموعه بهره های دنیوی ، پست و حقیر در مقایسه با موهبت های زندگی اخروی

فما أوتيتم من شيء فمتع الحيوه الدنيا و ما عند الله خير و أبقى

پستی و حقارت از دو نکته استفاده می شود: الف) واژه دنیا که به شکلی حامل معنای حقارت است. ب) خداوند نعمت های
اخروی

را به خاطر ارجمندی و اهمیت آنها به خود نسبت داده است؛ ولی در مورد نعمت های دنیوی فعل را مجهول آورده، گویی که ارزش انتساب نداشته است.

ارزش نعمت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ بی ارزش بودن مواهب دنیوی در برابر نعمت های اخروی

انّ الذین یشترون بعهد اللّهِ .. ثمناً قليلاً اولئک لا خلاق لهم فی الاخره

جمله <لا خلاق لهم .. > می تواند دلیل اندک بودن بهره های دنیوی باشد، یعنی چون از مواهب آخرت محروم می شوند، آنچه در دنیا کسب کنند، اندک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲۸، ۲۷

۲۷ کم ارزشی و ناچیز بودن بهره های دنیوی در برابر آخرت و نعمت های آن

قل متاع الدنيا قليل و الاخره خير لمن اتقى

۲۸ ارزشمندی بهره های دنیوی در دیدگاه انسان، زمینه تخلف و سرپیچی از جهاد و فرامین الهی

و قالوا ربنا لم کتبت علينا القتال .. قل متاع الدنيا قليل

جمله <قل متاع الدنيا>، چون جواب از اعتراض آنهاست، بیانگر این است که علت اصلی تخلف از حکم جهاد، وابستگی به دنیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۲

۲ آخرت اندیشی و توجه به قطعی بودن مرگ و اندک بودن متاع دنیا، زمینه حضور در صحنه جهاد

فلما کتب عليهم القتال .. قل متاع الدنيا قليل و الاخره خير ... این ما تکنونوا

- آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۱۶

۱۶ برتری و فزونی غنائم و اجر و پاداش الهی ، بر بهر های دنیوی و غنائم جنگی

تبتغون عرض الحیوه الدنیا فعند الله مغانم کثیره

کلمه <عند الله> اشاره به برتری پاداشهای الهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۵ - ۵

۵ - حضور در جوار قرب ربوبی ، غیرقابل قیاس با والاترین نعمت های دنیوی

و إن کلّ ذلك .. و الآخره عند ربّك للمتّقین

از <عند ربّك> ، حضور در جوار قرب ربوبی استفاده شده است.

ازدیاد نعمت بر موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۰ - ۳

۳- ربوبیت پروردگار ، مقتضی سلب نعمت از فخر فروشان و مشرکان دل بسته به دنیا واعطای نعمتی افزون تر به موحدان است ،

فعسى ربّی أن یؤتین خیرًا من جنتک و یرسل علیها حسابًا من السماء

ازدیاد نعمت شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۲۱

استفاده از نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۴

۴ - همه انسان ها دارای حق بهره گیری از مواهب طبیعی و نعمت های الهی هستند .

فَأُخْرِجْ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۴،۵

۴ - همه انسان ها دارای حق بهره گیری از مواهب زمین

خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ

۵ - حلیت تصرف در همه موهبت های طبیعی زمین

خلق

لکم ما فی الأرض جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۴

۱۴ - بهره گیری از نعمت ها و روزی های حلال و پاکیزه ، توصیه خداوند به بندگان

کلوا من طیب ما رزقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۲ - ۲،۹

۲ - مسلمانان نباید روزی ها و نعمت های پاکیزه را حرام شمرده و خویشتن را از منافع آنها محروم سازند .

یا ایها الذین ءامنوا کلوا من طیب ما رزقکم

۹ - لزوم شکرگزاری به درگاه خدا پس از تناول غذا و استفاده از مواهب الهی

کلوا من طیب ما رزقکم و اشکروا لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۸

۸ خوردن روزی خداوند و پیروی کردن از شیطان، کاری است ناشایست و نکوهیده.

کلوا مما رزقکم الله و لا تتبعوا خطوت الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۹

۹- بهره‌وری انسان از مواهب الهی و رفع سختی های او ، مطلوب خداوند است .

و الأنعم خلقها لکم .. لکم فیها دفءٌ و منفع .. و تحمل أثقالکم ... إن ربکم لر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- خداوند ، خواهان سعی و تلاش انسان در راه تأمین روزی خویش و برخورداری از مظاهر طبیعت چون دریاهاست .

رَبِّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفَلَكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - بهره بردن از نعمت های الهی و بی مصرف نگذاشتن آنها ، هدف اصلی از اعطای آنها است .

كلوا من طيبات ما رزقنكم

<ما رزقناكم> عنوانی است که به منزله تعلیل برای <كلوا> و توجیه گر مخاطب، به ضرورت استفاده کردن از نعمت است و حکایت از این دارد که ما این رزق را به شما داده ایم که خوراک شما باشد پس از مصرف آن دریغ نوزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۲

۲ - بهره‌وری از نعمت های الهی و تغذیه از غذا های پاکیزه ، توصیه خداوند به یکایک پیامبران

يَأْتِيهَا الرِّسَلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ

از آن جایی که پیامبران الهی به صورت متفرق و جدا جدا و در طول تاریخ فرستاده شده اند، این آیه می تواند به این معنا باشد که: <ما به یکایک پیامبران، توصیه کردیم که از طیبات بهره گیرند و ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۲ - ۶

۶ - پیروی از شیوه زندگی پیامبران (استفاده از نعمت های الهی ، داشتن کردار نیک و پرستش خدای یگانه) توصیه اکید خدا به یکایک امت ها

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ

برداشت های پیشین بر این اساس بود که مراد از ضمیرهای خطاب در کلمه های <أُمَّتُكُمْ> ، <رَبُّكُمْ> و <فَاتَّقُون> پیامبران باشد. احتمال دیگر این است مقصود از این ضمیرها، پیروان هر یک از پیامبران باشد. در این صورت و با توجه به عطف این آیه به آیه قبل، معنای آن چنین

می شود: ما همان گونه که شیوه زندگی را به یکایک پیامبران توصیه کردیم، به مردم نیز سفارش نمودیم که به آنان اقتدا کنند و از آیین آنان پیروی نمایند و از تغییر و تبدیل در آن و یا اتخاذ شیوه دیگری غیر از آن سخت بپرهیزند. گفتنی است که آیه بعدی، این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۴ - ۷

۷ - یاد معاد هنگام تسخیر امکانات و برخورداری از نعمت ها ، زمینه ساز زدایش غرور و غفلت

ثُمَّ تَذَكَّرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَقُولُوا .. وَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ

توصیه به یادآوری معاد پس از برخورداری از نعمت های خداوند، می تواند اشاره به تأثیر آن در زدایش غرور و غفلت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۴

۴ - افراط در گناه و طغیان گری ، در کنار بهره بردن از نعمت ها و کرم الهی ، دور از انتظار و امری ناشایسته است .

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَلْبٌ

می توان گفت: حرف <کَلَّا> ناظر به جمله های بعد است، نه آیه های قبل، زیرا زمان نزول آنها با زمان نزول این آیه و آیات پس از آن، فاصله زیادی داشته است. در این صورت مفاد <کَلَّا>، باز داشتن انسان از طغیان و سایر کارهایی است که تا <کَلَّا لئن لم تنته...> آمده است. در نتیجه حرف <کَلَّا> در آن آیه نیز، تأکید این کلمه خواهد بود.

استفاده از نعمت منّ

جلد - نام سوره - سوره -

۲۲ بهره گیری از < مَنْ > و < سلوی > و روزی های پاکیزه ، توصیه خداوند به بنی اسرائیل

کلوا من طیب ما رزقنکم

برداشت فوق با توجه به فعل امر (کلوا)، استفاده شده است.

استفاده از نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۷

۷ روح دین الهی در صدد برداشتن موانع خرافی در راه استفاده از مواهب و نعمتهای الهی است.

و قالوا هذه أنعم و حرث .. قل الذکرین حرم ... و علی الذین هادوا حرمننا

محور بحث از آیه ۱۳۸ تا ۱۴۵ درباره تحریمهای خرافی و بی جای مشرکان است. آیه ۱۴۶ بیان حکمی استثنایی است که همان تحریم برخی مواهب بر یهود است. از این حکم استثنایی، که به سبب تجاوز کاری یهود بر آنان وضع گردیده، این مطلب که روح ادیان الهی در نقطه مقابل تحریمهای بی جا قرار دارد، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱۱، ۱۲، ۱۰، ۹

۹ جواز استفاده مؤمن و کافر از زیباییها و روزیهای پاکیزه خدا در دنیا

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا خالصه یوم القیمه

کلمه <خالصه> حال است برای <هی> و <یوم القیامه> متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد <الحیاه الدنیا> حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هی للذین آمنوا و لغير هم فی الحیاه الدنیا و لهم خالصه یوم القیامه.

۱۰ استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از

آفرینش آنهاست.

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا

ذکر نکردن <لغیرهم> پس از <للذین ءامنوا>، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالاصاله برای مؤمنان آفریده شده است.

۱۱ ایمان، عامل شایستگی انسان برای استفاده از نعمتهای خدا

قل من حرم ... أخرج لعباده و الطیبیت من الرزق قل هی للذین ءامنوا

۱۲ استفاده از زینتها و روزیها در دنیا، همواره آمیخته با رنجها و کدورتهاست.

قل هی للذین ... خالصه یوم القیمه

برخی برآنند که <خالصه> در آیه مورد بحث به معنای خلوص از ناملایمات و کدورتها است. بر این مبنا چون این قید برای قیامت ذکر نشده، مفهومی این است که در دنیا مواهب خدادادی آمیخته با رنجها و ناملایمات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۰ - ۵

۵ - بهره‌وری انسان از موهبت‌های طبیعی، هدف اصلی از خلقت هستی

الذی جعل لکم الأرض مهذاً و جعل لکم فیها سبلاً

به کار رفتن کلمه <لکم> و تکرار آن، می‌تواند اشاره به این نکته داشته باشد که هدف از آفرینش نعمت‌ها بهوسیله خداوند، بهره‌وری انسان از آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۷

۷ - لزوم تنزیه خداوند، از هرگونه عیب، نقص و شریک به هنگام بهره‌مندی از نعمت‌ها

و تقولوا سبحن الذی سخر لنا هذا

استفاده از نعمت‌های دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۱۱

۱۱- خداوند ، فواید و تفضلات بسیاری در

دریا قرار داده که با تلاش و کوشش می توان از آنها بهره مند شد .

سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ .. و لتبتغوا من فضله

<تبتغوا> (از ابتغاء) به معنای تلاش و کوشش در به دست آوردن خواسته است.

استفاده از نعمت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۳

۳ - تسلط بر موهبت های طبیعی و صنعتی ، نباید به غرور و غفلت انسان بینجامد .

و جعل لكم من الفلك والأنعم .. لتستوا على ظهوره ثم تذكروا نعمه ربكم إذا است

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۴ - ۸

۸ - شکر نعمت های دنیوی ، استفاده از آن در مسیر حیات اخروی است .

جعل لكم من الفلك والأنعم .. ثم تذكروا... و إنا إلى ربنا لمنقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۴، ۱۳

۱۳ - بهره گیری از نعمت های دنیوی و نیندیشیدن به آفریننده آن ، شیوه ای حیوانی است . *

و الذين كفروا يمتنعون و يأكلون كما تأكل الأنعم

برداشت بالا بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان هنگام بهره گیری از موهبت های طبیعی، به پدیدآورنده آن نمی اندیشد.

۱۴ - سود جستن از امکانات زندگی ، بدون هدفی متعالی و احساس مسؤولیت ، عملی حیوانی *

يتمتعون و يأكلون كما تأكل الأنعم

برداشت بالا- بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان در خوردن و لذت جویی، جز ارضای
غریزه به هدفی

دیگر نیندیشیده و خود را مسؤول نمی داند.

استفاده از نعمت های مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۷

۷ - تقوا ، با بهره مندی از نعمت های مادی منافاتی ندارد .

ادخلوا الجنة .. يطاق عليهم ... و فيها ما تشتهي الأنفس

استفاده ز نعمت سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۲۲

۲۲ بهره گیری از < من > و < سلوی > و روزی های پاکیزه ، توصیه خداوند به بنی اسرائیل

كلوا من طيبات ما رزقناكم

برداشت فوق با توجه به فعل امر (كلوا)، استفاده شده است.

استفاده صحیح از نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۰

۱۰- شکر نعمت های اقتصادی و اجتماعی ، به بهره گیری صحیح و مجاز از آنهاست . *

فكلوا مما رزقكم الله حلالاً طيباً و اشكروا نعمت الله

برداشت فوق، بدان احتمال است که عبارت < و اشكروا نعمت الله > تفسیر برای < كلوا .. حلالاً طيباً > باشد.

اعتدال در استفاده از نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - تجاوز نکردن از مرز تعادل و مقررات الهی در استفاده از نعمت ها ، توصیه خداوند به بنی اسرائیل

کلوا من طیبیت . . . و لاتطغوا فیه

۱۳ - لزوم حفظ تعادل و حد و مرز در استفاده از نعمت های الهی و پرهیز از ناسپاسی و اسراف و تبذیر در آن

کلوا من طیبیت ما رزقنکم و لاتطغوا فیه

از

مصادیق مهم و بارز طغیان گری در مورد نعمت ها، کفران، ناسپاسی، اسراف و تبذیر است.

اقرار به کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۱

۱ - انسان های ناسپاس ، خود معترف و گواه بر خصلت ناروای خویش اند .

و إِنَّه علی ذلک لشهید

اقرار به منشأ نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱۱ - ۴

۴ - صاحبان نعمت ، باید هنگام بازگو کردن نعمت ها ، به وابستگی آنها به خداوند ، معترف باشند .

بنعمه ربّک فحدّث

امتحان با سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹ - ۳

۳ خداوند ، با اعطای نعمت به انسان ها و نیز سلب آن نعمت ، ایشان را آزمایش می کند .

لیبلوکم ایتکم أحسن عملاً .. و لئن أذقنا الإنسن منا رحمه ثم نزعنها منه

امتحان با نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱۴، ۱۳

۱۳ - انسان در رهگذر سختی ها و نیز نعمت ها و تفضلات الهی ، مورد آزمایش خداوند است .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

۱۴ - آزمون انسان ها با سختی ها و نیز نعمت ها و آسایش ها برخاسته از مقام ربوبی خدا و در جهت رشد و تربیت آنان است

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق با توجه به کلمه <رب> - که به معنای مربی و مدیر است - استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۱۳

۱۳ انسان با سختی ها و نعمت ها و تفضلات الهی ، مورد آزمایش خداوند قرار می گیرد .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۹

۹ خداوند حتی با اعطای نعمت و امور خوشایند به اهل ایمان ، آنان را آزمایش می کند .

و لیلی المؤمنین منه بلاء حسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹ - ۳

۳ خداوند ، با اعطای نعمت به انسان ها و نیز سلب آن نعمت ، ایشان را آزمایش می کند .

لیلوکم اَیکم أحسن عملاً .. و لئن أذقنا الإنسن منا رحمه ثم نزعنها منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۱۶

۱۶ - نعمت های الهی و امکانات دنیا ، زمینه ای برای آزمایش انسان ها است .

متّعنا به .. لفتنهم فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ - نعمت ها و امکانات خدادادی وسیله آزمون انسان

قال هذا من فضل ربّی لیلونی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۵،۱۸

۱۵ - آسودگی از گرفتاری و برخورداری از نعمت ها ، وسیله آزمایش الهی برای بشر است .

ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا .. بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <فتنه> به معنای امتحان و آزمایش

باشد.

۱۸ - جهل و بی خبری بیشتر انسان ها نسبت به آزمایش بودن نعمت ها و آسودگی ها برای انسان

بل هی فتنه و لکنْ اکثرهم لایعلمون

برداشت بالا مبتنی بر این احتمال است که متعلق علم در <لایعلمون>، فتنه بودن نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۷ - ۲

۲ - رفاه و نعمت ها ، از ابراز های آزمایش الهی

لنفتنهم فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۵ - ۳۸

۳ - خداوند ، با بهره مند ساختن آبرومندانه مردم از مادیات و رساندن آنها به نعمت و رفاه ، آنان را آزمایش می کند .

ابتلیه ربّه فأکرمه و نَعْمه

<اکرام> این است که بدون تحقیر به کسی نفعی رسانده شود و یا به کسی عطای شرافتمندانه ای داده شود(مفردات راغب).
فعل <أکرمه> به معنای <او را با عظمت و بی عیب شمرد> نیز آمده و فعل <نَعْمه>؛ یعنی، او را رفاهمند ساخت (قاموس). حرف فاء در <فأکرمه>، برای تفصیل مجمل به کار رفته و نوع امتحان را بیان می کند.

۸ - غفلت از آزمایش بودن نعمت ها ، مایه خطا در تحلیل عوامل پیشرفت های اقتصادی

ابتلیه ربّه .. فیقول ربّی أکرمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - آزمایش با نعمت ، سخت تر از امتحان با فقر است . *

نَعْمه .. فقدر علیه رزقه

تقدیم امتحان با نعمت بر آزمایش با فقر، ممکن است بیانگر اهمیت آن باشد.

امکان سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۰ - ۶،۷

۶- تبدیل شدن بوستان های زیبا و حاصل خیز ، به کویری خشک و بی حاصل ، با عذاب الهی ، در نتیجه کفر و فخر و مباحات به دیگران ، امری ممکن است .

فَعَسَى رَبِّي .. يَرْسِلُ عَلَيْهَا حَسْبًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتَصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا

<صعید> یعنی، روی زمین و <زلق> یعنی، بدون گیاه.

۷- امکان زوال نعمت های مادی ، هشداری به دنیاگرایان مغرور است .

يَرْسِلُ عَلَيْهَا حَسْبًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتَصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا

انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۳ - ۱

۱- پیامبران و رسولان ، از نعمت های الهی برای امتها

فَكَفَرْتَ بِأَنْعَمِ اللَّهِ .. وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه شریفه بیانگر مصداق دیگری باشد از نعمتهای اعطایی خداوند به امتها که در آیه قبل از آن یاد شده است.

انبیا و نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۵

۱۵ آبادانی و برخوردار شدن جامعه های بشری از نعمت ها و موهبت های دنیوی ، از اهداف پیامبران و ادیان الهی است .

يَرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ

انتساب نعمت به غیرخدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۵

۵ - منتسب کردن نعمت ها و امداد های الهی به غیر خداوند ، حرکتی شرک آلود است .

و ضلّ عنهم ما كانوا يدعون .. و لئن أذقنه ... ليقولنّ هذا لی

با توجه به این

که آیه قبل درباره حرکت ها و فرجام مشرکان بود، ارتباط این آیه با آیه قبل می تواند از آن جهت باشد که انتساب نعمت های الهی به غیر او، نمودی از شرک است.

انذار از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۱

۱۱- هشدار خداوند به ملت های متنعم و مرفه دارای امنیت ، نسبت به کفران نعمت های او

قریه کانت ءامنه .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما كانوا ی

انذار مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۱

۱۱- هشدار خداوند به ملت های متنعم و مرفه دارای امنیت ، نسبت به کفران نعمت های او

قریه کانت ءامنه .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما كانوا ی

انسان ها و نعمت علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۱

۱ - واکنش بیشتر انسان ها در برابر نعمت دانش و هنر نویسنده گی ، واکنشی نامناسب و به دور از انتظار است .

کَلَّا

حرف <کَلَّا>، برای باز داشتن از رویه ای است که یا در جملات پیش از آن، تشریح یا اشاره شده باشد و یا از سیاق آیات به دست آید و در آیه به قرینه <لیطغی> ناظر به حالتی است که نوع انسان ها در برابر نعمت علم و قلم به خود می گیرند. تعبیر <الإنسان که برای جنس به کار رفته ناظر به غالب افراد آن است

که از آن به عموم عرفی تعبیر می شود.

انسان ها و نعمت کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۱

۱ - واکنش بیشتر انسان ها در برابر نعمت دانش و هنر نویسنده گی ، واکنشی نامناسب و به دور از انتظار است .

کَلَّا

حرف <کَلَّا>، برای باز داشتن از رویه ای است که یا در جملات پیش از آن، تشریح یا اشاره شده باشد و یا از سیاق آیات به دست آید و در آیه به قرینه <لیطغی> ناظر به حالتی است که نوع انسان ها در برابر نعمت علم و قلم به خود می گیرند. تعبیر <الإنسان> که برای جنس به کار رفته ناظر به غالب افراد آن است که از آن به عموم عرفی تعبیر می شود.

انسان ها هنگام نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۵ - ۶

۶ - انسان ها ، هنگام برخورداری از نعمت و رفاه ، خود را نزد خداوند ، عزّت مند و با کرامت می پندارند .

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا .. نَعْمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَن

اکرام در فعل های <أکرمه> و <أکرمن>، به یک معنا نیست؛ زیرا لحن آیه شریفه گوینده <رَبِّي أَكْرَمَن> را نکوهش کرده؛ با آن که اکرام را در <أکرمه> پذیرفته است. بنابراین در <أکرمه> مراد <رساندن نفع بدون خواری و ذلت> است که در <مفردات راغب> از معانی اکرام شمرده شده و در <أکرمن> مقصود <با عظمت شمردن و بی عیب دانستن> است که در <قاموس> آمده است.

انسان هنگام

سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹ - ۲

۲ آدمی ، به هنگام از دست دادن امکانات و موهبت های دنیوی ، از رحمت الهی مأیوس شده و تدبیر خداوند در هستی را منکر می شود .

و لئن أذقنا الإنسن .. إنّه لیئوس کفور

<کفور> می تواند از کفر که به معنای انکار است گرفته شده باشد. بر این اساس جمله <إنه ... کفور> اشاره به این دارد که: انسان در پی برخوردار شدن از نعمت و سلب آن نعمت از وی چنین می پندارد که تبدیلهای و تغییرها در هستی به دست خداوند نیست و از اختیار او بیرون است.

انتقید مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۳

۳ - برخورداران از نعمت های جاودان آخرت ، شیفتگان اطاعت پروردگار و برپا دارندگان نماز

و ما عند الله .. للذین ءامنوا ... و أقاموا الصلوه

اهمیت استفاده از نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۴

۴ - اهمیت دادن به تغذیه سالم و بهره گیری از نعمت های الهی ، وجه مشترک همه ادیان آسمانی

يَأَيُّهَا الرِّسْلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ

اهمیت ذکر منشأ نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- انسان ، باید به الهی بودن امکانات و نعمت های دنیوی خویش ، توجه داشته باشد .

جعلنا لأحدهما جَنَّتین . . . و حففنهما بنخل و جعلنا بينهما زرعًا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۷

۷ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق ، به خدایی بودن نعمت های زمین

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

سرزنش تکذیب گران یا غافلانی که با غفلت خویش، از جلوه های ربوبیت خداوند چشم پوشیده اند، در واقع بیانگر این معنا است که آنان به نعمت های او توجه کنند و خدایی بودن آن را دریابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۷

۷ خداوند ، خواهان توجه خلق (جن و انس) به الهی بودن نعمت ها

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۵

۵ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمت ها

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۴

۴ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمت ها

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

سرزنش شدن تکذیب گران و یا غافلانی که با غفلت خویش، از جلوه های ربوبیت خداوند چشم پوشیده اند، در واقع بدین منظور است که آنان بیدار شده و خدایی بودن این نعمت ها را دریابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۵

۵ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمت ها

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۵

- خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمت ها

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۵

۵ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمت ها

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۵

۵ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمت ها

ذَوَاتَا أَفْتَانٍ . فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۵

۵ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به خدایی بودن نعمت ها

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۵

۵ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمت ها

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۵

۵ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمت ها

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۴

۴ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمت ها

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۴

۴ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمت ها

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۴

۴ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق بر الهی بودن نعمت ها

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۵

۵ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمت ها

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۵

۵ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمت ها

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۵

۵ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمت ها

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۵

۵ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمتها

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۵

۵ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمت ها

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۵

۵ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمت ها

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۵

۵ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق به الهی بودن نعمت ها

فبأئىء

ءالآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۴

۴ - خداوند ، خواهان توجه خلق به نعمت های او و سپاس گزاری در برابر آنها

فبأىء الآء ربكما تكذبان

اهمیت ذکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ ضرورت به خاطر آوردن نعمت های خدادادی

اذكروا نعمتى التى أنعمت عليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۲،۳

۲ دعوت بنی اسرائیل از سوی موسی (ع) به یادآوری نعمت های الهی بر آنان

و اذ قال موسى لقومه يقوم اذكروا نعمه الله عليكم

۳ لزوم توجه به نعمت های الهی و یادآور شدن آنها

اذكروا نعمه الله عليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۳،۵

۳- موسی (ع) از قوم خویش خواستار آن شد تا یادآور نعمت های اعطایی خداوند بر خود باشند .

و اذ قال موسى لقومه اذكروا نعمه الله عليكم

۵- موسی (ع) از قومش درخواست کرد که همواره به خاطر داشته باشند که خداوند عامل رهایی آنان از شکنجه و کشتار فرعونیان بود.

إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ عَالِ فِرْعَوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۱۰

۱۰- لزوم توجه انسان به خدایی بودن ابزار و امکانات مورد استفاده اش در تسلط بر طبیعت و بهره‌وری از آن

کرّما... و حملنهم... و رزقنهم

... فضلنهم

تکرار افعال متکلم مع الغير و اسناد کارهای انسان، به خداوند، شاید به این منظور باشد که بخواهد انسانها را متوجه خدایی بودن آنها بکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - لزوم توجه انسان به خدایی بودن نعمت ها و امکانات ، در اوج توانمندی و اقتدار

و أوتینا من کلّ شیء إنّ هذا لهو الفضل المبین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که سلیمان در اوج شکوه و اقتدارش، تصریح می کند که همه امکانات و برخورداریهایش تفضلی است که از جانب خدا به او رسیده است و از جهت استحقاق ذاتی او نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۲، ۱

۱ - توصیه خداوند به همه مردم ، مبنی بر یاد آوردن نعمت هایش

يَأْتِيهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

۲ - لزوم به یاد آوردن نعمت های اعطایی خداوند به انسان ها

يَأْتِيهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱۱ - ۱

۱ - بازگو کردن نعمت های خدادادی و مستور نداشتن آنها از مردم ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و أمّا بنعمه ربّك فحدّث

اهمیت شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳- لزوم شکرگزاری در برابر نعمت های الهی

و لعلکم تشکرون

از آن جایی که خداوند فلسفه ذکر چندین نعمت خویش را ایجاد زمینه شکرگزاری در انسانها بیان می کند، به دست می آید که شکرگزاری امری

بایسته و لازم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۵

۱۵ - سپاسگزاری از خداوند در برابر نعمت های او ، وظیفه ای است بر عهده بندگان

و ما ظلمونا و لکن كانوا أنفسمهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۳۴

۳۴ لزوم شکرگزاری در برابر نعمت های الهی

ولیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۶،۷

۶ لزوم شکرگزاری در برابر نعمتهای الهی

و لقد مکنکم فی الأرض .. قلیلا ما تشکرون

۷ وجود وسائل معیشت در زمین، نعمتی بزرگ برای انسانها و بایسته سپاسگزاری است.

و لقد مکنکم فی الأرض .. قلیلا ما تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۰ - ۷

۷ لزوم سپاسگزاری در برابر نعمت های خدا با پرستش او

أغیر الله أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۱۵

۱۵ لزوم سپاسگزاری در برابر نعمت های خدا

و کن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۹

۹ لزوم شکر و سپاسگزاری به درگاه خدا ، در برابر نعمت آسایش و رفاه و رفع گرفتاریها

فلما كشفنا عنه ضره مرّ كأن لم يدعنا إلى ضرّ مسّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۵

شکر و سپاسگزاری در برابر نعمت های خداوند ، امری شایسته و لازم

و إذا أذقنا الناس رحمه . . . إذا لهم مكر في آياتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲۴

۲۴ لزوم سپاسگزاری در برابر تفضلات الهی

ذلك من فضل الله . . . ولكن أكثر الناس لا يشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۸،۱۷

۸- میوه ها و نباتات تأمین رزق و روزی انسان ، نمودی از نعمت و لطف الهی بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذي خلق السموت والأرض و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت رزقاً لكم

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن، تشویق کننده بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله <إن الاءنسان لظلوم كفار> در دو آیه بعد (آیه ۳۴) مؤید برداشت فوق است.

۱۷- مسخر و رام بودن نهر ها و رود ها ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

و سخر لكم الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۵

۵- رام بودن خورشید ، ماه و شب و روز برای انسان ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذي خلق . . . و سخر لكم الشمس و القمر دائبين و سخر لكم الیل و النهار

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن مشوق بندگان به شکر و

سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله <إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ> در آیه بعد مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۵

۱۵- شکر و سپاس در برابر نعمت های الهی لازم است .

و إِنَّ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ

جمله <إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ> در مقام بیان زشتی ستم و ناسپاسی نعمتهای الهی است، و این می رساند که شکر و سپاس در برابر نعمتهای الهی، امری لازم است؛ زیرا اگر لازم نبود، ترک آن زشت و ناپسند نمی نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۱۶، ۱۷

۱۶- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند توفیق یافتن مردم و ذریه اش برای شکر نعمت های الهی را خواستار گردید .

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي .. فَاجْعَلْ أَفْتَدَهُ مِنَ النَّاسِ ... وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُ

۱۷- شکر و سپاس خداوند هدف و مقصد نعمت ها و موهبت های الهی است .

وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۷

۷- وجود فرزندان ، نعمت الهی و شایسته حمد و سپاس است .

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكَبِيرِ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۸ - ۳

۳- تلاش برای ادای حق نعمت های خداوند ، امری شایسته و بایسته است .

وإن تعدّوا نعمه الله لاتحصوها إن الله لغفور

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۹

۹- شکر نعمت های خداوند ، امری لازم و بایسته

و جعل لکم .. لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰- لزوم شکرگزاری در برابر نعمت های الهی

فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۲

۲- لزوم شکرگزاری انسان ، در قبال بهره‌وری از روزی های حلال و دلپذیر الهی

فکلوا مما رزقکم الله حلالاً طیباً و اشکروا نعمت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۵

۱۵ - لزوم شکر و سپاس‌گزاری در برابر نعمت های خداوند

کذلک سخرنہا لکم لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - لزوم شکر و سپاس‌گزاری به درگاه خداوند ، در برابر استفاده از نعمت های او

کلوا من الطَّيِّبِ و اعملوا صلِحًا

چنان چه <طبیّات> به معنای غذاهای پاکیزه و لذیذ باشد، دستور بعدی (واعملوا صالحاً) بدان معنا خواهد بود که باید به پاس آن نعمت ها کار شایسته انجام دهید. و اگر به معنای <غذاهای حلال>، باشد تقدیم آن بر عمل صالح، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که تغذیه حلال، زمینه ساز عمل صالح است. برداشت فوق، براساس معنای اول می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۸

۸ شب و روز و پدید آمدن روشنایی و

تاریکی ، از نعمت های الهی و شایسته سپاس و تشکر

و هو الذی جعل الیل . . . لمن أراد أن یدکر أو أراد شکورًا

یادآوری سپاس گزاری انسان پس از بیان آفرینش شب و روز برای آدمی، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۷

۷- لزوم سپاس گزاری به درگاه خدا به خاطر نعمت هایش

ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۸

۸- لزوم ادای شکر به درگاه خداوند ، به پاس برقرار کردن نظام شب و روز برای منافع انسان ها

جعل لکم الیل و النهار . . . و لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۲

۲- شکر نعمت های خداوند ، امری بایسته و لازم است .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۵

۵- شکر گزاری به درگاه خداوند به خاطر اعطای نعمت ، امری بایسته و لازم

کلوا من رزق ربکم و اشکروا له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- وجود امنیت در راه ها ، نعمتی شایسته شکرگزاری

لقد كان لسبأ في مسكنهم آية .. و اشكروا له ... و جعلنا بينهم ... سيروا فيها ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - لزوم شکرگزاری در

برابر نعمت های الهی

و لعلکم تشکرون

از این که خداوند فلسفه ذکر چند نعمت اعطایی خود را، شکرگزاری بندگان دانسته است، به دست می آید که شکرگزاری بایسته و لازم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۷

۷ - لزوم شکر و سپاسگزاری در برابر نعمت های فراوان خداوند، امری روشن و بدیهی است.

أفلايشکرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شگفتی از ناسپاسی انسان ها در برابر نعمت های الهی، نشانگر بدیهی بودن زشتی ناسپاسی و لزوم شکرگزاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۶

۶ - شکر و سپاسگزاری در خور شأن بندگان، و کفر و ناسپاسی دور از شأن آنان است.

و لایرضی لعباده الکفر و إن تشکروا یرضه لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۶

۶ - سپاس نعمت های الهی و اعتراف به آن، تکلیفی بس مهم و انکار و ناسپاسی آن، گناهی بس عظیم

فبأیءالآء ربکما تکذبان

از ده ها بار تکرار <فبأیءالآء..> در این سوره، می توان برداشت بالا را استفاده کرد.

اهمیت صبر در نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠ - تكاثر - ١٠٢ - ٧ - ٩

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - تكاثر - ١٠٢ - ٨ - ٩

٩ - > قال رسول الله (ص) ... يا بن مسعود! دع نعيم الدنيا و أكلها

و حلاوت ها و حارّها و باردها و لینها و طیّیها و ألزم نفسک الصبر عنها فإنّک مسؤول عن ذلك کلّه قال الله تعالى : > ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم < ;

رسول خدا(ص) [به عبدالله بن مسعود] فرمود: ای پسر مسعود! رها کن نعمت های دنیا و خوردنی های آن و شیرینی، گرم و سرد، نرم و گوارای آن را و نفس خود را وادار کن که در برابر آنها، صبر پیشه کند زیرا تو از تمامی آنها، سؤال خواهی شد. خدای تعالی فرموده: >ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم< .

اهمیت نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲

۲ - نعمت ، وسعت و آسایش ، از مظاهر رحمت الهی است .

و لئن أدقّنه رحمه منّا من بعد ضراء مسّته

اهمیت نعمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۸ - ۳،۴

۳ نعمت بهره مندی مؤمنان از قرآن ، نعمتی است بهتر و با ارزشتر از تمام دارایی ها و مال و منال دیگران .

قد جاء تکم موعظه من ربکم .. قل بفضل الله و برحمته فلیفرحوا هو خیر مما یج

در عود ضمیرهای فاعلی در <یفرحوا> و <یجمعون> سه احتمال است: الف) هر دو ضمیر به <الناس> برگردد. ب) هر دو ضمیر، عاید به <المؤمنین> باشد. ج) ضمیر اول راجع به <المؤمنین> و ضمیر دوم به <الناس> باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال سوم است.

۴ قرآن ، نعمتی است که مؤمنان با بهره مندی از آن ، نباید از تنگدستی خود و دارایی و

اندوخته های مادی دیگران ، اندوهناک باشند .

قد جاء تکم موعظه من ربکم . . . فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون

اهمیت نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۶ - ۲

۲ - موهبت های اخروی ، بهتر از بهرهوری های دنیایی و برتر از آن است .

فما أوتیتم . . . و ما عند الله خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۵ - ۲

۲ - زندگی مجلل و باشکوه دنیا ، حقیر و ناچیز در برابر نعمت های اخروی

لیبوتهم سقفاً من فضّه . . . و إن کلّ ذلک لّما متع الحیوه الدنیا

اهمیت نعمت هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۳

۳ - هدایت ، نعمتی است بزرگ و کفران آن ، گناهی عظیم و نابخشودنی است .

إنّا هدینہ السبیل . . . إنّا أعتدنا للکفرین ... سعیراً

از مهیا شدن عذاب سخت برای ناسپاسان نعمت هدایت، برداشت بالا به دست می آید.

بشارت اتمام نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۰

۱۰ کامل شدن نعمت الهی بر یوسف و خاندان یعقوب ، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف (ع) .

و یتیم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

بشارت نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۲،۳،۵

۲ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را ، به تأمین سلامتی و نزول

نعمت های پرخیر و برکت نوید داد .

قیل ینوح اهبط بسلم منا و برکت علیک

هر چند نوح(ع) مورد خطاب است و فرمان و اجازه فرود متوجه اوست، ولی به قرینه مقام می توان گفت: خطاب <اهبط .
>.. متوجه همراهان آن حضرت نیز می باشد و <باء> در <بسلام> برای مصاحبت است. بنابراین آیه شریفه چنین معنا می
شود: <یا نوح اهبط أنت و من معک ...> تو و پیروانت فرود آید در حالی که همراه و قرین سلامت، امنیت و برکت خواهید
بود.>

۳ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را ، به مصونیت از عذاب های دنیوی و اخروی و بهره مند شدن از نعمتهایی سعادت
آفرین نوید داد .

اهبط بسلم منا .. و أمم سمنتمهم ثم یمسهم منا عذاب أليم

مقابله <سلام> با <عذاب أليم> حکایت از آن دارد که مراد از <سلام> مصونیت از عذابهایی دنیوی و اخروی است.
تعبیرکردن از نعمت و موهبتهای دنیوی به <برکت> در جانب اهل ایمان و تبدیل آن به <متاع> در جانب کفر پیشگان،
اشاره به این نکته دارد که: نعمتهای ارزانی شده به مؤمنان، برای آنان سعادت آفرین است و موهبتهای عطاشده به کفرپیشگان،
فاقد این خصیصه است.

۵ برخورداری جامعه های مؤمن و موحد از سلامتی و نعمت های فراوان ، بشارت خداوند به حضرت نوح (ع)

اهبط بسلم منا و برکت علیک و علی أمم ممن معک

<علی أمم> عطف بر <علیک> است؛ یعنی: سلام و برکات منا علی أمم. مراد از <أمم ممن معک> به قرینه مقابله آن با
<أمم سمنتمهم> امتهای و جامعه های موحد و مؤمن هستند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۱

۱ یوسف (ع) فرا رسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی، به مردم و حکومت مصر بشارت داد.

ثم يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس

فعل <یغاث> ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول <یغاث الناس> یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم یعنی، مردم یاری می شوند. بر هر مبنا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

بهترین نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالی ترین نعمت ها و آرمانی ترین ارزش و آسایش برای مؤمنان در بهشت برین، وجود دارد.

لا يبيغون عنها حولاً

درخواست تغییر، نوعاً، در پی تصوّر چیزی بهتر و بالاتر پدید می آید. این که بهشتیان، خواهان تغییری در وضع خود نیستند، می تواند بدین جهت باشد که چیزی فوق آنچه آنان در بهشت برخوردارند، به ذهن شان نمی رسد تا آن را آرزو کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۱ - ۳

۳ - بهره مندی از مقام قرب الهی در آخرت، برترین نعمت

أولئك المقربون

ذکر مسأله تقرب به درگاه الهی قبل از <فی جنّات النعیم>، بیانگر برداشت یاد شده است.

بهشتیان و سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۶ - ۲

-۲

بهشتیان ، فارغ از دغدغه مرگ و از دست دادن نعمت ها

لا یدوقون فیها الموت

بینش مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱۲

۱۲- صاحبان نعمت و دانش حتی افراد برجسته و سرآمد نیز باید خداوند را سرچشمه کمالات خود بدانند .

ءاتینه رحمه من عندنا و علمنه من لدنا علماً

پرسش از نعمت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکوین - ۱۰۲ - ۷ - ۹

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکوین - ۱۰۲ - ۸ - ۹

۹ - > قال رسول الله (ص) . . . یابن مسعود! دع نعیم الدنیا و أكلها و حلاوتها و حارّها و باردها و لینها و طیّبها و ألزم نفسک الصبر عنها فإنّک مسؤول عن ذلك کلّه قال الله تعالی : > ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم < ;

رسول خدا(ص) [به عبدالله بن مسعود] فرمود: ای پسر مسعود! رها کن نعمت های دنیا و خوردنی های آن و شیرینی، گرم و سرد، نرم و گوارای آن را و نفس خود را وادار کن که در برابر آنها، صبر پیشه کند زیرا تو از تمامی آنها، سؤال خواهی شد. خدای تعالی فرموده: > ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم <.

پندار جاودانگی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۵ - ۷،۹

۷- ثروت مند مغرور ، باغ و بوستان و نعمت های خود را جاودانه و فناپذیر می پنداشت .

قال ما أظن أن تبيد هذه أبدًا

<تبيد> از

>بید< به معنای هلاک و نابود شدن است.

۹- ثروت مندان و قدرت مندان ، در خطر پندار جاودانگی نعمت ها در دنیایند .

أنا أكثر منك مالا .. قال ما أظنّ أن تبید هذه أبدا

داستان مذکور در آیه، چه واقعی باشد و چه سمبلیک، بیان خصلت های آدمی و واکنش های او در شرایط مختلف است. از جمله این خصلت ها آن است که وقتی در اوج رفاه قرار گیرد و اموال خود را در اطراف خود مشاهده کند، چنین می پندارد که نعمت های اطراف او جاودانه هستند.

تبدیل نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱،۹

۱ خداوند عطاکننده نعمت ها بر جوامع و بازگیرنده و تبدیل کننده آنها به نعمت و عذاب

كفروا بآیت الله .. ذلك بأن الله لم یک مغیرا نعمه أنعمها

۹ خداوند به سبب کفرورزی فرعونیان و اقوام پیش از آنها ، نعمت های خویش را از آنان سلب و به نعمت و عذاب تبدیل کرد .

كدأب ءال فرعون .. ذلك بأن الله لم یک مغیرا ... حتی یغیروا ما بأنفسهم

تحریم نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۴،۵

۴ تحریم و ممنوعیت استفاده از نعمتهای الهی به دلایل واهی مجاز نیست.

كلوا مما رزقکم الله و لا تتبعوا خطوت الشیطن

۵ حرام شمردن نعمتهای خداوند، بدون دلیل و یا به دلایل واهی، پیروی از راه و گام شیطان است.

و لا تتبعوا خطوت الشیطن

تحصيل نعمت

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۷ - توبہ

۱۱ دستیابی به خیرات و نعمت های الهی ، نیازمند ایمان و عمل

ءامنوا معه جهدوا .. و أولئك لهم الخیرت

تحصیل نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۴

۴۴ - رسیدن به مواهب آخرت تنها بهای ارزشمند در مقابل جان آدمی است .

ماله فی الآخره من خلق و لبئس ماشرؤا به أنفسهم

جمله <لقد علموا .. > به ضمیمه <لبئس ... > دلالت بر این دارد که: آدمی اگر به قیمت از دست دادن آخرت منافع دنیوی را کسب کند، خویشتن را به بهای بدی فروخته و خود را تباه ساخته است. بنابراین تنها چیزی که می تواند جلوگیری از زیانکار شدن آدمی باشد، به دست آوردن آخرت است.

تذکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مأمور توجه دادن مردم به مبدأ پیدایش بشر و نعمت های نهفته در وجود او

قل هو الذی أنشاکم و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

تشویق به شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۱۰

۱۰- بیان تسخیر دریا از سوی خداوند و نعمت های فراوان آن برای ترغیب انسان به شکرگزاری است .

سخر البحر لتأكلوا منه .. و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون

تفاوت مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۹

۹- انسان ها دارای رتبه و درجات متفاوت در

برخورداری از نعمت های بزرگ خداوند

إِن نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مَن عَبَادَهُ

پیامبران به همانندی خویش با مردم از جهت بشر بودن معترف بودند و همچنین یادآوری می کردند که آنان این تفاوت را با سایر انسانها دارند که از موهبت ویژه خداوند برخوردار شده اند و این، از تفاوت رتبه انسانها حکایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۱ - ۳

۳- برخورداری همه انسان ها از فیض و عطای الهی ، به صورت یکسان و مساوی نیست .

كَلَّا نَمَدُّ هُوَآءًا وَ هُوَآءًا مِّنْ عَطَاءِ رَبِّكَ . . . انظر كيف فضلنا بعضهم على بعض

تکبر هنگام نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۴

۴ - برخورداری از نعمت های الهی ، نباید به تکبر و غرور آدمی بینجامد .

وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَا بْجَانِبِهِ

تکلیف مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۷ - ۶

۶ - تلاش برای عبادت و دعا ، تکلیفی الهی برعهده بهره مندان از نعمت

ألم نشرح . . . و وضعنا... و رفعنا... فإذا فرغت فانصب

خطاب آیه شریفه گرچه متوجه پیامبر(ص) است ولی از تفریع <فإذا فرغت...> بر نعمت های بیان شده در آغاز سوره، می توان اصلی کلی انتزاع کرد و بر همگان تعمیم داد.

تکمیل نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۴

۴ - دستیابی انسان ها به هدایت و کامل

شدن نعمت الهی بر ایشان ، از اهداف بعثت پیامبر (ص) است .

فولوا وجوهکم شطره ... و لعلکم تهتدون. کما أرسلنا فیکم رسولا

چنانچه < کما أرسلنا .. > بیانگر تشبیه مسأله تغییر قبله به رسالت پیامبر (ص) باشد؛ < لآتم نعمتی علیکم و لعلکم تهتدون > گویای وجه شبهه است؛ یعنی، همان گونه که بعثت پیامبر برای اتمام نعمت بر بندگان و دستیابی آنان به هدایت می باشد، تغییر قبله نیز دارای چنین هدفها و نتایجی است.

تلاش برای نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۶ - ۹

۹ - رهایی از جلوه های فانی دنیا و تلاش در راه نعمت های پایدار اخروی ، تنها در سایه ایمان و توکل بر خدا ممکن است .

فما أوتیتم من شیء .. و ما عند الله ... للذین ءامنوا و علی ربهم یتوکلون

تواضع مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - شایسته است برخورداران از نعمت های خداوند ، فروتنی پیشه کنند و برخورداری خویش را تفضل الهی بدانند .

و لکن الله یمنّ علی من یشاء من عباده

توجه به نعمت های معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۱۴، ۱۲

۱۲ توجه انسان به خدادادی بودن نعمتهای مادی و معنوی، از اهداف تبیین آیات قرآن و معارف دین

ذلک من ءایت الله لعلهم یدکرون

۱۴ ضرورت پرهیز از به فراموشی سپردن خدادادی بودن نعمتهای مادی و معنوی

لعلهم يذكرون

توصيه به استفاده از نعمت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ - استفاده از نعمت های الهی ، سپاس گزاری از خدا و انجام اعمال شایسته ، رسم و راه زندگی ترسیم شده از سوی خدا
برای یکایک پیامبران و همه مؤمنان

يَا أَيُّهَا الرِّسْلُ كُلُّوَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا

توصیه به شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ - استفاده از نعمت های الهی ، سپاس گزاری از خدا و انجام اعمال شایسته ، رسم و راه زندگی ترسیم شده از سوی خدا
برای یکایک پیامبران و همه مؤمنان

يَا أَيُّهَا الرِّسْلُ كُلُّوَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا

توفیق شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۵

۵ - دعای سلیمان در طلب توفیق از پروردگار برای شکر نعمت هایش (نعمت دانش و قدرت)

و لقد آتینا داود و سلیمان علمًا. .. و قال ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتک

<إيزاع> (مصدر <أوزع>) مرادف <الهام> است ، یعنی، پروردگارا در دلم افکن تا شکر نعمت را به جا آورم.

ثروت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۴

۴- توانمندی همراه با انفاقگری ، از الطاف و نعمت های الهی به انسان است .

و من رزقنه منا رزقًا حسنًا فهو ينفق منه سرًّا و جهراً

جاودانگی نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۳

۳ نعمت های جاودان اخروی ، اجرت و مزدی

است در برابر عملکرد مؤمنان مهاجر و مجاهد .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا ... جنت لهم ... خلدین فیها أبداً إن اللّٰه عنده أج

<أجر> اجرت و مزد در برابر عمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳ - ۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۶ - ۳۸

۳ - نعمت ها و بهره‌وری های جهان آخرت ، جاویدان و زوال ناپذیر است .

و ما عند اللّٰه خیر و أبقى

۸ - اهل ایمان و توکل کنندگان به خداوند ، برخوردار از نعمت های برتر و جاودان اخروی

خیر و أبقى للذین ءامنوا و علی ربّهم یتوکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۳ - ۴

۴ - بهره مندی ابرار از نعمت های آخرت ، همیشگی است .

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

حرف <فی> در آیه شریفه، برای ظرفیت مجازی است و بر استقرار ابرار در نعمت دلالت دارد. اسمیه بودن جمله <إِنَّ الْأَبْرَارَ...>، تأکیدی بر مداومت و ثبوت و حرف <لام> در <لَفِي نَعِيمٍ>، تأکید بر تمام محتوا است.

جاودانگی نعمت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۸ - ۶

۶- زوال ناپذیر شمردن نعمت های دنیا و نادیده گرفتن نقش خدا در پیدایش و زوال آنها ، مستلزم شرک در ربوبیت است .

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا

جواز اظهار نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۹

۱۹ اظهار بهره مندی

از نعمت های خدادادی و تفضّلات الهی ، جایز و امری پسندیده است .

ذلکما مما علمنی ربی . . . ذلک من فضل الله علینا و علی الناس

حتمیت حسابرسی اخروی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۲

۲ - حسابرسی از نعمت ها در قیامت ، اجتناب ناپذیر و بیرون از اختیار انسان ها است .

ثم لتسئلنّ

مجهول بودن <لتسئلنّ>، اشاره به نکته یاد شده دارد.

حرمت کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ حرمت پنهان سازی نعمت های الهی به جهت ترک احسان

و یکتمون ما اتیهم الله من فضله و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

حسابرسی اخروی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۴ - ۲

۲ - آگاهی تمام مردم ، از بی پایه بودن امتیازات مادی ، هنگام حسابرسی نعمت ها در قیامت

ثم کلا سوف تعلمون

آخرین آیه سوره، بیانگر زمانی است که مفاد <سوف تعلمون> تحقق می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قیامت ، زمان حسابرسی از نعمت ها است .

ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

<نعیم>، به معنای نعمت فراوان است. (مفردات)

۴ - پرسش و حسابرسی از نعمت ها ، زمینه ساز گرفتاری برتری جویان و تفاخر کنندگان به آتش دوزخ

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ .. ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

نشان دادن جهنم به اهل تکاثر پیش از بازخواست نعمت ها بیانگر آن است که اهل تکاثر، باید پس از

طی مراحل بازخواست و حسابرسی، جهنم را جایگاه خویش بدانند.

حسابرسی اخروی نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۲

۲ - همه انسان ها ، در آینده هنگام حسابرسی نعمت ها ، به پوچی افتخارات مادی پی خواهند برد .

سوف تعلمون

زمان مورد نظر در <سوف تعلمون> به قرینه <ثم لتسئلنَّ يومئذ عن النعم< هنگام حسابرسی نعمت ها است.

حسابرسی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۷

۷ - حسابرسی از نعمت ها ، مرحله ای پس از مشاهده دوزخ و یقین به آن است .

ثم لترونها .. ثم لتسئلنَّ

خالق نعمت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده همه موهبت های موجود در زمین است .

هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً

کلمه <جمیعاً> به معنای کل است و بدل برای <ما> ی موصوله می باشد.

خزاین نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ هر نعمت و موهبتی در جهان هستی ، دارای مخزن و گنجینه ای خاص است .

خزائن الله

برداشت فوق ، از جمع آوردن کلمه <خزائن> به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۷ - ۳

۳ - مظاهر وجود و نعمت های هستی ، دارای منابع و خزاینی نزد پروردگار

أم عندهم خزائن ربك

خشوع مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۸

۱۸- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی ، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ... إِذَا تَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَب

<إِذَا تَلَىٰ> خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای <أُولَئِكَ> است ؛ یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

خضوع مضمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۸، ۱۹

۱۸- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی ، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ... إِذَا تَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَب

<إِذَا تَلَىٰ> خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای <أُولَئِكَ> است ؛ یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و مَمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبِكِيًّا

خلقت نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ - آفرینش آسمان های هفتگانه و مواهب زمین ، آفرینشی عالمانه است .

هُوَ الَّذِي خَلَقَ ... وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

خیریت نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۲

- نعمت ها و امکانات زندگی < خیر > است .

لايسئم الإنسن من دعاء الخير

از این که قرآن از تقاضای اموال و مواهب زندگی از سوی انسان، به تقاضای خیر تعبیر کرده است؛ مطلب بالا به دست می آید.

درخواست نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۲۲

۲۲ از امام رضا (ع) روایت شده: ... < ایاک نعبد > و رغبه و تقرب إلى الله تعالى ذكره و إخلاص له بالعمل دون غيره و < ایاک نستعین > استزاده من توفيقه و عبادته و إستداهه لما أنعم الله عليه و نصره ... ;

... < ایاک نعبد > ابراز رغبه و تقرب جستن عبد به سوی خدای تعالی و اظهار اخلاص در عمل برای اوست و نه غیر او و < ایاک نستعین > در خواست زیاده توفیق خدا و زیاده عبادت او و درخواست ادامه نعمتهای داده شده و یاری خداوند است <...>.

درخواست نعمت برای ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۱۴

۱۴- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار بهبود وضعیت معیشتی و برخوردارى از انواع نعمت ها و محصولات برای فرزندانش و ساکنان مکه شد .

و ارزقهم من الثمرت

با توجه به اینکه حضرت ابراهیم(ع) فرزندانش را در سرزمین بی کشت و زرع اسکان داد، مقصود از < ثمرات > می تواند انواع نعمتها و محصولات مادی و خوراکی باشد.

درخواست نعمت برای اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار بهبود وضعیت معیشتی و برخورداری از انواع نعمت ها و محصولات برای فرزندانش و ساکنان مکه شد .

و ارزقهم من الثمرت

با توجه به اینکه حضرت ابراهیم(ع) فرزندانش را در سرزمین بی کشت و زرع اسکان داد، مقصود از <ثمرات> می تواند انواع نعمتها و محصولات مادی و خوراکی باشد.

دعوت به شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۳

۱۳- خداوند ، مردم عصر داوود (ع) را به شکرگزاری در برابر اعطای نعمت اسلحه سازی به ایشان ، فرا خواند .

و علمنه صنعه لبوس لکم .. فهل أنتم شكرون

استفهام در جمله <فهل أنتم شاکرون>، متضمن معنای امر است.

ذکر آثار کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۹

۹- توجه به تأثیر کفران در نابودی نعمت ها ، باعث قناعت و بسنده کردن انسان به روزی های حلال و دلپذیر و استفاده بهینه از آنهاست .

فکفرت بأنعم الله .. فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیباً و اشکروا

ذکر منشأ نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۷ - ۵

۵- همواره باید نعمت‌های گذشته و حال را وابسته به خواست خداوند دانست .

و لقد منّا علیک مرّه أُخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۳ - ۵

۵- لزوم توجه به خدایی بودن امکانات مادی و نعمت‌های طبیعی

و اتَّقوا الذی أمَدَّکم ..

أمدكم بأنعم و بنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ - توجه دائمی سلیمان (ع) به خدایی بودن امکانات خویش

فلما رءاه مستقرًا عنده قال هذا من فضل ربِّي

از آیه یاد شده و نیز آیات پیشین استفاده می شود که سلیمان در اوج قدرت و شوکت نیز، از یاد خدا غافل نبوده، او را یاد می کند و بر نعمت های او سپاس می گزارد.

ذکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۱۳

۱۳ توجه و باور به خدادادی بودن نعمت ها ، بر انگیزنده انسان ها به پرستش خداوند است .

اعبدوا ربكم الذی .. انزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت

از اینکه خداوند برای ایجاد روحیه پرستش در بندگان، آنان را متوجه نعمتهای الهی می کند، برداشت فوق بدست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۰ - ۱۲، ۲

۲ - خداوند از بنی اسرائیل خواست تا نعمت های او را همواره به خاطر داشته باشند .

یبنی اسرائیل اذکروا نعمتی الی أنعمت علیکم

۱۲ به یاد خدا بودن و نعمت ها را از جانب او دانستن ، هدف از ضرورت یاد کردن و به خاطر داشتن نعمتهاست .

اذکروا نعمتی الی أنعمت علیکم

توصیف <نعمت> به اینکه خداوند آن را عطا فرموده (أنعمت علیکم)، به این حقیقت اشاره دارد که: یاد کردن نعمت باید وسیله ای باشد برای یاد کردن منعم، یعنی، یاد کردن نعمت باید ملازم با دیدن خدا در ورای هر

نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۷ - ۳،۹

۳ - خداوند از بنی اسرائیل خواست تا نعمت های او را یاد کنند و همواره آنها را به خاطر داشته باشند .

بینی اسرائیل اذکروا نعمتی

۹ - به خاطر داشتن نعمت برتری بنی اسرائیل بر همگان ، سفارش و توصیه خداوند به آنان

اذکروا نعمتی .. . أنى فضلکم على العلمین

عطف <أنى فضلکم> بر <نعمتی> اقتضا می کند که: <أنى فضلکم> نیز مفعول <اذکروا> باشد، یعنی: اذکروا .. . أنى فضلکم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۲ - ۳

۳ - خداوند ، از بنی اسرائیل خواست تا نعمت های او را یاد کرده و همواره آنها را به خاطر داشته باشند .

بینی اسرائیل اذکروا نعمتی التى أنعمت علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۶

۶ - تعیین خانه خدا برای حضور مردم و تأکید بر حفظ امنیت حاضران در آن محیط ، از نعمت های الهی و شایسته و بایسته به یادداشتن

و إذ جعلنا البیت مثابه للناس و أمناً

<إذ> مفعول برای <اذکروا> (به یاد داشته باشید) است و لام در <للناس> حکایت از آن دارد که قرار دادن کعبه برای حضور پیاپی مردم در جهت منافع آنان است، که از آن در برداشت، به نعمت تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ بر شمردن نعمتها و ترغیب به تقوا، از رهنمودهای پندآمیز خداوند

ذلك من آيات الله

لعلهم يذكرون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <آیات الله> جملات قرآن و محتوای آنها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۶

۲۶ باور به ربوبیت خدا و توجه به احسان ها و نعمت های او ، زمینه ساز پرهیز از گناهان است .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۹

۱۹ برخورداران از نعمت و عزت و مکتت ، باید به خدادادی بودن آنها توجه داشته و بدان اقرار کنند .

قد منّ الله علينا إنه من يتقّ و يصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۶

۲۶ یاد کردن از نعمت های خداوند و ستایش کردن او با صفاتی شایسته ، از آداب دعا به درگاه اوست .

رب قد ءاتيتنى من الملك .. فاطر السموت و الأرض ... توفنى مسلماً و ألحقنى بالصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۶ - ۷۸

۷- نجات از نظام اجتماعى ظالمانه ، نعمتى الهى و شايسته به خاطر سپردن است .

اذكروا نعمه الله عليكم إذ أنجكم من ءال فرعون يسومونكم

۸- روز نجات بنى اسرائيل از نظام ظالمانه فرعونيان ، از <ايام الله> است .

و ذكّروهم بأيم الله .. و إذ قال موسى لقومه اذكروا نعمه الله عليكم إذ أنجكم م

کلمه <اذکروا> در این آیه می تواند از مصداقهای تذکر به <ایام الله> باشد که موسی(ع) مأمور

به ابلاغ آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - بازگو کردن نعمت های الهی ، امری لازم در جهت شکرگزاری

ثُمَّ تَذَكَّرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ... وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا

در آیه شریفه پس از مسأله یادآوری و شکر نعمت الهی، بازگو کردن آن طلب شده است. (و تقولوا...). از این نکته استفاده می شود که بازگو کردن نعمت از مراحل اساسی شکر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۴ - ۱

۱ - انسان های متذکر و متوجه به نعمت های الهی و تدبیر خداوندی ، معترف به معاد و رستاخیز

و تَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا... وَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱۱ - ۳،۴

۳ - برخورداری از جای امن ، هدایت و ثروت ، نعمت های الهی و سزاوار بازگو کردن برای دیگران است .

فَاوَى... فَاهْدِي... فَأَغْنِي... وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

۴ - صاحبان نعمت ، باید هنگام بازگو کردن نعمت ها ، به وابستگی آنها به خداوند ، معترف باشند .

بنعمه ربِّك فحدِّثْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۳

۳ - شرح صدر و تحمّل سختی ها ، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است .

و أما بنعمه ربك فحدّث . بسم الله الرحمن الرحيم . ألم نشرح لك صدرك

به گفته بسیاری از فقهای امامیه، این سوره،

دنباله سوره قبل و متحد با آن است. بر این اساس مفاد آیه شریفه، اعتراف به یکی از نعمت هایی است که آخرین آیه سوره قبل، به بازگو کردن آنها توصیه داشت. در این دیدگاه، جمله <بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ> ارتباط را قطع نمی کند؛ بلکه برخی از فقها، ترک آن را در نماز مجاز می دانند.

ذکر نعمت ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۸ - ۲

۲ - لزوم توجه انسان به اهمیت نعمت ایمان و الهی بودن آن

و لکنّ اللّٰه حَبِيبٌ إِلَیْكُمْ الْإِیْمَنُ . . . فَضْلاً مِنْ اللّٰه وَ نِعْمَه

ذکر نعمت بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۹ - ۴

۴ - توجه به خدادادی بودن نعمت بیان و ابزار آن ، مایه یقین به آگاهی خداوند از نیت ها ، افکار و دانسته های انسان است .

أَیْحَسِبُ أَنْ لَمْ یَرَهُ أَحَدٌ . أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ ... وَ لِسَانًا وَ شَفِیْتِیْنِ

ذکر نعمت چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۸ - ۴

۴ - توجه به خدادادی بودن نعمت بینایی ، مایه یقین به پنهان نبودن چیزی از خداوند است .

أَیْحَسِبُ أَنْ لَمْ یَرَهُ أَحَدٌ . أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَیْنِیْنِ

مطرح کردن نعمت بینایی در پی سرزنش کسانی که به آگاهی خداوند توجه ندارند نوعی استدلال بر علم خداوند است. به این بیان که انسان باید خداوند را آگاه تر از خود بداند؛ زیرا او ابزار این آگاهی را در اختیار وی قرار داده است.

ذکر

نعمت خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۷

۷- توجه پیامبر (ص)، به خدادادی بودن نعمت خوش نامی، مایه اطمینان آن حضرت به دوری اش از قهر و خشم خداوند

ما ودّعک ربّک و ما قلی... و رفعنا لک ذکرک

ذکر نعمت در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۵

۵- یاد نعمت ها و تعظیم عطایای خداوند، نقل مجلس انس متقین، در بهشت *

فکھین بما ءاتینهم ربّهم

در معنای <فاکھین> گفت و گویای دوستانه در مجالس انس آورده شده است.

زشتی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۸

۸- مشرکان ناسپاس، از زشتی کار خود، آگاهی خواهند یافت.

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم... فسوف یعلمون

زمینه استفاده از نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۶ - ۷

۷- بهره‌وری از نعمت ها و امکانات خدادادی، در پرتو سعی و تلاش امکان پذیر است.

رَبِّكُم الَّذِي يُزْجِي... لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ

خداوند، بهره گرفتن از فضل خود و امکانات موجود در دریاها را با کلمه <ابتغاء> (=تلاش برای دستیابی به مطلوب) آورده است و این نشان دهنده آن است که برای بهره‌وری از امکانات، تلاش و کوشش لازم است.

زمینه تحصیل نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۶ - ۳

۳- دریاها و

کشتی ها ، در دستیابی انسان به موهبت های طبیعت و نعمت های خداوندی ، نقش بس مهم و مؤثر دارند .

رَبِّكُمْ الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله

زمینه تکمیل نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱۵

۱۵ - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، زمینه ساز کامل شدن نعمت خدا بر مسلمانان

فولوا وجوهکم شطره .. لأتم نعمتی علیکم

برداشت فوق بر این اساس است که <لأتم نعمتی .. > عطف بر <لئلا یكون ... > باشد؛ در نتیجه <لأتم ... > بیان غایت و هدف برای جمله <فولوا وجوهکم شطره > خواهد شد.

زمینه زوال نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۶ - ۷

۷ - بی تقوایی و مخالفت با پیامبران ، ناسپاسی و تهدید کننده بقای نعمت های دنیایی

ألا تتقون .. فاتقوا الله و أطيعون ... أترکون فی ما ههنا ءامنین

زمینه سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۷

۷ - کفر به آیات خداوند ، زمینه ساز زوال نعمت ها و موهبت های الهی

و إذا تتلی علیهم ءایتنا .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - ظلم و طغیان و نپرداختن سهم بینوایان از اموال خویش ، سبب زوال نعمت ها و توبه و امید به خداوند ، زمینه ساز بازگشت آنها است .

أَنْ لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ . . . إِنْ أَكَّأَ ظَلَمِينَ

... إنا كنا طغين . عسی

زمینه شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ توجه به بحران های گذشته و برطرف شدن آن ، در پرتو امداد های الهی ، زمینه ساز گرایش به شکرگزاری خداوند در برابر نعمت های او

و اذکروا إذ أنتم قليل . . فاویکم ... لعلکم تشکرون

<لعل> متعلق به <اذکروا> است و بیانگر هدف از ضرورت به یاد داشتن مطالبی است که در آیه مطرح شد. از جمله مقایسه دو حالت قبل از هجرت و بعد از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۳

۱۳- توجه به نعمت ، مستلزم سپاسگزاری از نعمت دهنده است .

أفبالبطل یؤمنون و بنعمت الله هم یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۵

۵- برخورداری از نعمت ها ، مقتضی توجه انسان به نعمت آفرین و شکر و سپاس اوست نه روی برتافتن از او .

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و ثنا بجانبه

توصیف حالات انسان به هنگام برخورداری از نعمتهای الهی، دارای لحنی آمیخته به نکوهش است چنین بیانی صرفاً برای گزارش نیست و بلکه ترغیب انسانها به ادای حق منعم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۴ - ۴

۴ - توجه به تأمین مواد غذایی انسان از سوی خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت و وادارسازنده او به شکرگزاری است .

ما أكفـره .. فـلینظر الإنسن إلی طعامه

چنانچه < کفر > در < ما >

آکفره > به معنای کفران نعمت باشد، ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

زمینه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۶

۶ رفاه و آسایش بسیار، زمینه ساز روحیه ناسپاسی و کفران

و إذا أذقنا الناس رحمه من بعد ضراء مستهم إذا لهم مكر في آياتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۱۱

۱۱- انسان، در معرض کفران نعمت های خداوند قرار دارد.

لعلکم تشکرون

تعبیر <لعلکم> می تواند اشاره به غفلت انسانها از شکرگزاری خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۸

۸- آسایش و احساس امنیت، زمینه گرانش انسان به کفران نعمت

فلما نجکم إلى البرّ أعرضتم و کان الإنسن کفوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۱

۱- انسان، به هنگام برخورداری از رفاه و نعمت های الهی، به ناسپاسی و خداگریزی می گراید.

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و نثا بجانیه

<نثا> به معنای <بُعِدَ> (دوری می شود) است و <أعرض و نثا بجانیه> (اعراض کرد و کناره گرفت) کنایه از حق

ناسپاسی و گریز از خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۱

۱ - کفران نعمت های خداوند و بهره گیری از امکانات دنیوی ، حاصل و عاقبت شرک مشرکان است .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم و لیتمتّعوا

<لام> در <لیفکروا> احتمال دارد برای

تعلیل و به معنای <کی> و احتمال دارد برای امر باشد. برداشت بالا، بنا بر احتمال نخست است. گفتنی است که مراد از <یکفرون> در آیه، به قرینه <بما آتیناهم> کفران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۱

۱ - پیدایش روحیه کفران و ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، پیامد شرک است .

یشرکون . لیکفروا بما آتینهم

لام در <لیکفروا> لام عاقبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۳

۱۳ - انسان ها هنگام رهایی از مشکلات و دستیابی به آسودگی ، موقعیت گذشته خود را فراموش کرده و ناسپاس می شوند .

وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْبٌ مِنْ ضُرَبٍ إِذَا حَوْلَهُ نِعْمَةٌ مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۳

۱۳ - کفران و ناسپاسی انسان ، به هنگام برخورد با کوچک ترین دشواری در زندگی

وَ إِنْ تَصَبَّهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

از نکره آمدن <سئئه> که برای تحقیر است <کوچک ترین دشواری> استفاده شده است.

زمینه نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۶

۱۶ نیاکان در شایستگی نسلشان برای بهره مند شدن از نعمت های الهی ، نقشی بسزا دارند .

یتم نعمته علیک .. کما أتمّها علی أبویک من قبل

کلمه <کما> گاهی برای تشبیه به کار می رود و گاهی برای تعلیل برداشت فوق براساس دومین معنای یاد شده است. قابل ذکر

است که در این گونه موارد مراد از علت ، علت تامه نیست بلکه مقصود اقتضا و زمینه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۹

۹ گرایش ها و رفتار های جوامع بشری ، زمینه ساز دستیابی آنان به نعمت و یا گرفتار شدن به سختیها

إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۸

۸- تقوا ، زمینه ساز ورود به بهشت و رسیدن به مواهب بی کران الهی

دار المتّقین . جنّت عدن ... لهم فیها ما یشاءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۵

۵- کسب فضایل معنوی و کوشش خود انسان ، مؤثر در برخورداری او از مواهب و نیکی ها در دنیا و مقامات عالی در

آخرت

إن إبرهیم کان أمّه قانتاً لله . . . وإنه فی الآخره لمن الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۵

۵- عملکرد نیاکان ، دارای نقشی بس مؤثر در برخورداری فرزندانشان از هدایت ها و نعمت های خداوند

و ءاتینا موسی الکتب . . . ذرّیه من حملنا مع نوح

در این برداشت، جمله <ذرّیه من...> تعلیل برای آیه قبل (و آتینا موسی الکتب...) گرفته شده است؛ یعنی، چون بنی

اسرائیل از فرزندان همراهان نوح(ع) در کشتی بودند، این افتخار را یافته اند که از هدایتهای کتاب آسمانی (تورات) بهره مند

شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- قیام برای خدا و در مسیر توحید ، در پی دارنده تأییدات الهی و موهبت های معنوی او

و ربطنا علی قلوبهم اذ قاموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۴

۴- هجرت و ترک سرزمین شرک و بت پرستی ، زمینه ساز بهرهوری از پاداش ها و موهبت های الهی است .

فلما أعتزلهم و ما یعبدون من دون الله و هبنا له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۸

۱۸- پیشی گرفتن در کار های نیک ، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران (ع) ، عامل بهره مندی آنان از موهبت های الهی بود .

و لقد آتینا موسی و هرون .. إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت ... و کانوا لنا خش

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ ضمیرهای جمع در جمله <إنهم کانوا یسارعون..> به پیامبران باز گردد، چه این که آیات پیشین در مورد آنان بود. ۲ جمله <إنهم کانوا یسارعون...> و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۵

۵- ایمان به خدای یگانه (توحید و نفی شرک) ، مایه برخورداری از غفران الهی و عمل صالح ، مایه بهره مندی از نعمت های بهشت

فالدین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و رزق کریم

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که <مغفرت> مربوط به ایمان و <رزق کریم> مرتبط با عمل صالح

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۵

۲۵ - ربوبیت آمیخته به غنا و کرم خداوند ، مقتضی نعمت بخشی به خلق حتی با وجود ناسپاسی آنان

و من كفر فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ

ارتباط <فَإِنَّ رَبِّي> با <من كفر> بیانگر این نکته است که گرچه ناسپاسان، مستحق دوری از رحمت و نعمت اند، اما چون خداوند در مقام ربوبیت است و غنی و کریم نیز می باشد، باز بر آنان نعمت هایش را ارزانی می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۱

۱ - پرهیزکنندگان از گناهان بزرگ و زشتی ها ، برخوردار از نعمت های جاودان الهی

و ما عند الله... للذين ءامنوا... و الذين يجتنبون كثر الإثم و الفوحش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۹ - ۴

۴ - عبودیت و بندگی خداوند ، زمینه ساز دستیابی انسان به موهبت های خاص الهی است .

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ

از این که خداوند در ابتدا مسأله عبودیت عیسی(ع) و سپس اعطای نعمت به ایشان را مطرح می کند، مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۲ - ۹

۹ - دستیابی انسان ها به نعمت های الهی در پهنه هستی ، منوط به تلاش و پیگیری خود آنان است .

لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ

در واژه <إبتغاء> طلب شدید و اراده اکید نهفته است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِينَهُمْ .. نعمة من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۰ - ۱

۱ - نعمت های شگرف بهشت ، پاداش و احسان خداوند به اعمال نیک و شایسته خلق

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ .. هل جزاء الإحسن إلا الإحسن

واژه <إحسان> در لغت عرب بر دو معنا اطلاق می شود: الف) کار نیک، ب) نیکی به غیر. در آیه شریفه <احسان> اول به معنای اول و احسان دوم به معنای دوم به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۲

۲ - استغفار و ایمان ، از عوامل نزول باران و فرونی نعمت ها است .

استغفروا ربکم .. يرسل السماء عليكم مدرارًا

زمینه نعمت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۳

۳ - بخشودگی گناهان ، مقدمه برخورداری انسان از نعمت های اخروی

لهم مغفرة و رزق کریم

با توجه به تقدیم <مغفرة> بر <رزق کریم> برداشت یاد شده استفاده می شود.

زمینه نعمت خاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۳ - ۸

۸ شایستگی های انسان ها در پیشگاه خدا ، زمینه ساز برخوردار شدن آنان از نعمت های خاص او

فبشّرنها بإسحق .. أتعجبين من أمر الله رحمت الله و برکته علیکم أهل البيت

جمله >رحمت

الله و برکاته.. < حکایت از شایستگیهای خاندان ابراهیم و منزلت والای آنان در نزد خدا دارد و این جمله تعلیل برای مفهومی است که از <أتعجبین...> استفاده می شود و گویای این معناست که چون شما خاندان ابراهیم خاندانی شایسته هستی پس شگفتی ندارد که او شما را از نعمتهای خاص خویش بهره مند سازد.

زمینه نعمت سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۲۰

۲۰ پدیدار شدن ابر بر فراز قوم موسی ، زمینه فرود آمدن منّ و سلوی برای آنان *

و ظللنا عليهم الغم و أنزلنا عليهم المن و السلوی

عطف شدن <أنزلنا .. > بر جمله <ظللنا ... > می تواند حاکی از ارتباط میان آمدن ابر با نزول منّ و سلوی باشد.

زمینه نعمت منّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۲۰

۲۰ پدیدار شدن ابر بر فراز قوم موسی ، زمینه فرود آمدن منّ و سلوی برای آنان *

و ظللنا عليهم الغم و أنزلنا عليهم المن و السلوی

عطف شدن <أنزلنا .. > بر جمله <ظللنا ... > می تواند حاکی از ارتباط میان آمدن ابر با نزول منّ و سلوی باشد.

زمینه نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - در گذشتن از خطای دیگران به هنگام غضب ، مایه برخورداری انسان از نعمت های جاودان آخرت

و ما عند الله .. للذین ءامنوا ... و إذا ما غضبوا هم یغفرون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۴ - ۳

۳ - تقوای پیشگی ، موجب استحقاق پاداش الهی و برخورداری از نعمت های سرشار بهشتی

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ

زیان کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۵

۵- فایده شکر نعمت و ضرر و زیان کفران آن به خود انسان باز می گردد .

لئن شكرتم لأزيدنكم و... إن تكفروا أنتم و من فى الأرض جميعاً فإن الله لغنى حمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۵ - ۵

۵- آسیب و زیان ناسپاسی توانگران در برابر نعمت های الهی ، دامنگیر خود ایشان است .

فقال... أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً... و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - خسارت کفران نعمت الهی ، به خود کفران کننده بازمی گردد .

و من كفر فإن الله غنى

به قرینه مقابله، <و من یشکر..> جواب شرط <من کفر> حذف شده است و <إِنَّ اللَّهَ...> تعلیل برای جواب مقدر است؛
یعنی، هر کس کفران نعمت کند ضررش به خودش برمی گردد؛ چون خداوند نیازی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- نفع و ضرر < ایمان و کفر > و < شکر و ناسپاسی > ، دامنگیر خود انسان ها است ؛ نه خداوند .

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ .. و إِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ

زیبایی نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۲۳ - ۲،۳

۲ - چشم نیکوکاران در آخرت ، بی نیاز از خواب است و حتی به هنگام آرمیدن بر تختخواب ، نظاره گر زیبایی نعمت ها است . *

علی الأرائک ينظرون

<أرائک> (تخت خواب ها)، به معنای محل خوابیدن است که در آیه شریفه محل نظاره گری معرفی شده است. شاید این تعبیر، به نبود خواب در بهشت اشاره داشته باشد.

۳ - نعمت های آخرت ، زیبا و تماشایی است .

لفی نعیم ... ينظرون

سجده مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۹

۱۹ - گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و مَن هَدِينَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تَتَلَىٰ عَلَيْهِمُ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرَوْا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

سرزنش تداوم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۲

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . وَ إِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكِ لَشَهِيدٌ

سرزنش کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۶

۱۶- ناسپاسی در برابر نعمت و احسان ، امری بس نکوهیده و ناپسند است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل -

۶- ادا نکردن حق نعمت های فراوان خداوند ، نوعی نقصان و کاستی و سزاوار توبیخ و سرزنش است .

و إن تعدّوا نعمه الله لا تحصوها إن الله لغفور رحيم

ذکر <إن الله لغفور> پس از بیان نعمتهای فراوان خداوند، احتمال دارد از این جهت باشد که ادا نشدن شایسته حق نعمتهای خداوند، نوعی نقصان تلقی می شود و از این جهت، مایه توبیخ است. عبارت <إن الله لغفور> بیان کننده ضمنی آن نقصان و کاستی است که خداوند آن را مورد بخشایش خویش قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۶

۶- تبتذیر و کفران نعمت های پروردگار ، عملی بس نکوهیده و ناشایسته است .

إن المبذرين .. لربّه کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۶

۶ - شکر و سپاس گزاری در خور شأن بندگان ، و کفر و ناسپاسی دور از شأن آنان است .

و لا یرضی لعباده الکفر و إن تشکروا یرضه لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۱۲

۱۲ - کفران نعمت ، از کسی که از کرم (جود و عفو) خداوند برخوردار است ، دور از انتظار و سرزنش بار است .

یأیها الإنسن ما غرّک برّبک الکریم

سرور از وفور نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۷

۷ خدایان، شادمان از فراوانی نعمت و رفاه و آسایش خویش و غافل از سنت استدرج

فلما

نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم أبوب كل شيء حتى إذا فرحوا بما أوتوا

سنگینی گناه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۳

۱۳ - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إن تكفروا فإن الله غني عنكم .. و لاتزر وازره وزر أخرى

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که مقصود از <وزر> در این آیه، کفر و ناسپاسی است زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

شرایط استفاده از نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۴

۱۴ - استفاده و بهره بردن از نعمت ها و ارزاق الهی ، احکام و مقررات ویژه ای دارد .

كلوا من طيبات .. و لاتطغوا فيه

طغیان، تجاوز از حد است. نهی شدن بنی اسرائیل از طغیان در استفاده از طیبات، حکایت از آن دارد که استفاده از طیبات، دارای حد و مرز و مقرراتی است که خروج از آنها، طغیان به شمار می آید.

شرایط برخورداری از نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۲

۲- برخورداری از ارزش ها و نعمت های اخروی ، مشروط به سعی و تلاش وافی انسان در طریق آن است .

و من أراد الأخره و سعی لها سعیها و هو مؤمن فأولئك كان سعیهم مشكوراً

عبارت <و سعی لها سعیها> به منزله شرط برای <من أراد الأخره> است یعنی، اگر کسی آخرت را طلب کند مشروط بر

اینکه تلاش متناسب آن را نیز داشته باشد

از آخرت بهره مند خواهد بود.

شرایط نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۲

۲- برخورداری از ارزش ها و نعمت های اخروی ، مشروط به سعی و تلاش وافی انسان در طریق آن است .

و من أراد الأخره و سعی لها سعیها و هو مؤمن فأولئك كان سعیهم مشكوراً

عبارت <و سعی لها سعیها> به منزله شرط برای <من أراد الأخره> است؛ یعنی، اگر کسی آخرت را طلب کند مشروط بر اینکه تلاش متناسب آن را نیز داشته باشد از آخرت بهره مند خواهد بود.

شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۶ - ۷۸

۷ اهل انفاق و صدقه ، سپاسگزاران نعمت های الهی و اطاعت کنندگان فرمان او

يُمَحِّقُ اللَّهُ . . . كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ

از مقابله صدقه و ربا به دست می آید که این دو در آثار و تبعات متضادند؛ بنابراین چون رباخوار ناسپاس و گنهکار است، انفاق کننده، سپاسگزار و فرمانبر خداست.

۸ صدقه و انفاق ، سپاسگزاری در برابر نعمت های الهی و پیروی از فرمان اوست .

يُمَحِّقُ اللَّهُ . . . كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶

۱۳ پیکار اهل ایمان با دشمنان دین و پایداری در هنگامه های دشوار ، سپاسگزاری از نعمت های الهی است .

و لَمَّا يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمُ الصَّابِرِينَ . . . و سنجزی الشَّاكِرِينَ

۱۴ جهاد برای سپاسگزاری از نعمت های الهی ، بدون

چشمداشت پاداش در دنیا و آخرت از مقدس‌ترین نوع جهاد و مبارزه

و لَمَّا يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا... مِنْ يَرِدُ ثَوَابُ الدُّنْيَا... ثَوَابُ الْآخِرَةِ... وَس

از تعبیر <سنجزی> برای شاکران و تعبیر به <نؤته> برای خواستاران ثواب دنیا و آخرت به دست می‌آید که پاداش شاکران، جزای شکر آنان است نه اینکه مجرد اعطا باشد. اضافه بر این، کلمه <منها> دلالت می‌کند بر اینکه دو طایفه پیش تنها به برخی از خواسته خود دست می‌یابند، ولی شاکران جزای کامل دریافت می‌دارند.

۱۵ سپاسگزاری نعمت های الهی ، برانگیزنده آدمی به جهاد و انجام تکالیف دینی

و من یرد ثواب الدنیا... و من یرد ثواب الاخره... و سنجزی الشاکرین

به نظر می‌رسد خداوند مجاهدان را به سه دسته تقسیم کرده است و جمله <سنجزی الشاکرین>، بیانگر دسته سوم می‌باشد. یعنی آنان که نه ثواب دنیا انگیزه جهاد آنهاست و نه ثواب آخرت، بلکه انگیزه آنان از جهاد تنها سپاسگزاری است.

۱۶ سپاسگزاران نعمت های خداوند ، بهره مند از پاداش های مخصوص او

و من یرد ثواب الدنیا... و من یرد ثواب الاخره... و سنجزی الشاکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۵

۱۵ یادآوری وضعیت نابهنجار (گمراهی آشکار) مردم پیش از بعثت ، برانگیزنده توجه و قدردانی از نعمت بزرگ رسالت پیامبر (ص)

لقد منّ الله... و ان كانوا من قبل لفی ضلال مبین

جمله <ان كانوا...> به منزله دلیل است برای بزرگی نعمت رسالت.

یعنی روشن است که پیش از بعثت پیامبر (ص) در چه منجلابی از گمراهی و ضلالت فرو رفته بودید و این پیامبر (ص) و تعالیم قرآنی بود که شما را هدایت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۴،۶

۴ - رسالت پیامبر (ص) و تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، از نعمتهایی که مسلمانان باید به پاس آنها ، همواره به یاد خدا باشند .

فولوا وجوهکم شطره .. . کما أرسلنا فیکم رسولا ... فاذکرونی

برداشت فوق از حرف <فاء> که <اذکرونی> را بر نعمتهای یاد شده (تغییر قبله و رسالت پیامبر(ص)) تفریع کرده است، به دست می آید.

۶ - رسالت پیامبر (ص) و تغییر قبله ، دو نعمتی شایسته و بایسته شکرگزاری به درگاه خدا

فولوا وجوهکم شطره .. . کما أرسلنا فیکم رسولا ... واشکروالی

شکر، در برابر نعمت است و مصداق مورد نظر برای نعمت - به قرینه آیات قبل - نعمت رسالت و تغییر قبله می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۲ - ۸

۸ - ضرورت سپاسگزاری به درگاه خدا و شکر نعمت های او

و اشکروالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۲

۲ پیکار در راه خداوند ، شکر نعمت حیات

ثم احیاهم .. . و لکن اکثر الناس لا یشکرون. و قاتلوا فی سبیل الله

فرمان جهاد، پس از بیان ناسپاسی مردمان در برابر نعمت حیات، در واقع نشان دادن روشی است برای سپاس و شکر خداوند

در برابر نعمت حیات.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۱ - ۱۳

۱۳ کثرت یاد خدا و تسبیح او ، سپاس نعمت اوست .

ایتک .. و اذکر ربک کثیراً و سبح

پس از بشارت به اعطای فرزند و قرار علامت برای الهی بودن بشارت، زکریا مأمور به ذکر خدا می شود؛ لذا به نظر می رسد دستور ذکر، برای شکر آن نعمتها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۱۴،۱۵

۱۴ پروا پیشگی و خدا ترسی ، زمینه نیل به سپاسگزاری از نعمت های الهی

فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكِرُونَ

۱۵ رعایت تقوا ، شکر نعمت های الهی است .

فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكِرُونَ

برخی از مفسرین بر آنند که جمله <لَعَلَّكُمْ تُشْكِرُونَ>، به معنی <لیقوموا شکر نعمته> است؛ یعنی تقوا را رعایت کنید تا به شکر و سپاس او قیام کرده باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۶،۱۸،۱۹

۱۶ پایداری در دین و حرکت در مسیر انبیای الهی ، شکر نعمت هدایت و رسالت انبیاست .

افاین مات او قتل انقلبتم .. و سیجزی الله الشاکرین

مراد از <الشاکرین> در این آیه، یا خصوص کسانی است که هرگز مرتد نمی شوند و همچنان پایبند دین الهی هستند، و یا مؤمنان پایدار، مصداق مورد نظر برای <الشاکرین> هستند.

۱۸ وعده خداوند به اعطای پاداش به سپاسگزاران نعمت های الهی

و سيجزى الله الشاکرين

۱۹ استقامت پیشگان و پایمردان پیکار احد ، شاکران نعمت رسالت پیامبر (ص)

انقلبتم على اعقابکم .

.. و سيجزى الله الشاكرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ رعايت تقوا و تنها بر خدا توكل داشتن ، شكر نعمت هاى خداوند و سپاسگرارى از امداد هاى اوست .

اذكروا نعمت الله ... و اتقوا الله و على الله فليتوكل المؤمنون

امر به تقوا و توكل پس از يادآورى نعمتها و امدادهاى الهى، بيانگر آن است كه توكل بر خدا و رعايت تقوا، بزرگداشت و سپاس آن نعمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۵،۶،۷

۵ جهاد در راه خدا براى تصرف سرزمين مقدس ، سپاسگرارى قوم موسى (ع) در برابر نعمت هاى خداوند

اذكروا نعمه الله ... يقوم ادخلوا الارض المقدسه

فرمان موسى(ع) به بنى اسرائيل (ادخلوا الارض) پس از بيان نعمتهاى الهى بر آنان، بيانگر آن است كه اجراى آن فرمان، سپاس نعمتهاى ياد شده است.

۶ فرمانبرى از خداوند و پيامبران او ، سپاس نعمت هاى الهى است .

اذكروا نعمه الله عليكم .. ادخلوا الارض المقدسه

۷ مسؤوليت آدمى در برابر نعمت هاى الهى

اذكروا نعمه الله عليكم .. ادخلوا الارض المقدسه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۲۲،۲۳،۲۴،۲۵،۲۶

۲۲ احكام الهى و تبیین آن ، از جمله نعمت هاى خداوند ، و مردمان وظيفه دار سپاس گزاردن آن

لا تحرموا .. و احفظوا ايمنكم كذلك يبين الله لكم ءاياته لعلكم تشكرون

امر به شکرگزاری پس از بیان احکام، می رساند که احکام خداوند و بیان آنها از

زمره نعمتهای الهی هستند زیرا شکر همواره در برابر نعمت است.

۲۳ احکام سوگند و کفارات آن از نعمت های الهی و مستلزم سپاسگزاری در برابر آن

ذَٰلِكَ كَفْرٌ لِّمَنكُم .. كَذٰلِكَ يَبِيْنُ اللّٰهُ لَكُمْ ءَايٰتَهُ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ

۲۴ باز بودن راه جبران کوتاهی ها و پوشانیدن گناه ، نعمتی الهی و مستلزم سپاسگزاری

ذَٰلِكَ كَفْرٌ لِّمَنكُم .. كَذٰلِكَ يَبِيْنُ اللّٰهُ لَكُمْ ءَايٰتَهُ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ

از مصادیق مورد نظر برای کلمه <آیات> لزوم کفاره برای زدودن گناه حث سوگند است.

۲۵ رزق های خدادادی ، جواز بهره جویی از آنها و گذشت از سوگند های لغو ، نعمتی الهی و بایسته سپاسگزاری

و كَلُوْا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ حَلٰلًا طَيِّبًا .. كَذٰلِكَ يَبِيْنُ اللّٰهُ لَكُمْ ءَايٰتَهُ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ

با توجه به آیات قبل می توان گفت از مصادیق مورد توجه از جمله <كذالك يبين الله لكم آياته> مسایلی است که در آن آیات بیان شد از جمله خدادادی بودن روزیها و ...

۲۶ عمل به احکام الهی ، سپاسگزاری از خداوند است . *

كذٰلِكَ يَبِيْنُ اللّٰهُ لَكُمْ ءَايٰتَهُ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ

جمله <كذالك ..> (این چنین واضح و صریح خداوند احکامش را بیان می کند) اقتضا می کند که پس از آن آورده شود (لعلکم تعملون) این جایگزینی می تواند اشاره به این باشد که عمل به احکام الهی شکرگزاری در برابر بیان احکام از سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ خداوند، آگاهتر از هر کس به سپاسگزاران نعمتهای خویش است.

أليس الله بأعلم بالشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۲،۹،۱۱

۲ توانایی انسانها بر بهره گیری از امکانات زمین نعمتی بایسته شکرگزاری است.

و لقد مکنکم فی الأرض .. قليلا ما تشکرون

۹ ایمان به آیات خداوند و پیروی از قوانین دین، شکرگزاری نعمتهای الهی است.

اتبعوا ما أنزل إليکم .. قليلا ما تشکرون

۱۱ تنها اندکی از مردمان شکرگزار نعمتهای خداوند هستند.

قلیلا ما تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ ایجاد زمینه های تکامل معنوی در انسانها از نعمتهای خدا و سزاوار شکر و سپاسگزاری از اوست.

قلیلا ما تشکرون. و لقد خلقنکم ... ثم قلنا للملائکه اسجدوا لأدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ گرایش انسان به شکرگزاری از خدا، هدف بیان های گوناگون آیات الهی

کذلک نصرف الأیت لقوم یشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۹،۱۰

۹ خداوند از موسی (ع) خواست تا در برابر نعمت رسالت و شایستگی شنیدن سخن خدا، وی را سپاس گوید و از شاگردان شود.

اصطفیتک علی الناس برسلتی و بکلمی . . . و کن من الشکرین

۱۰ فرمان به دریافت پیام های خدا و به کار بستن آنها و سپاسگزاری در برابر نعمت های او ، از سخنان خداوند با موسی (ع)
در میعادگاه مناجات

قال . . . فخذ ما اتیتک و کن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ -

۱۵ داشتن فرزند سالم و شایسته از نعمت های خدا و سزاوار شکرگزاری به درگاه اوست .

لئن ءاتینا صلحاً لنكونن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ ضرورت شکرگزاری به درگاه خداوند به سبب نعمت ها ، امداد ها و روزی های پاکیزه او

فاویکم و ایدکم بنصره و رزقکم من الطیبت لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۱۲

۱۲- > عن أبی عبدالله (ع) قال : فیما أوحی الله عزّوجلّ إلی موسی (ع) یا موسی اشکرنی حق شکرى فقال : یا ربّ و کیف أشکرک حق شکرک و لیس من شکر أشکرک به إلاّ و أنت أنعمت به علیّ ؟ قال : یا موسی الآن شکرتنی حین علمت أن ذلک منّی ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای عزّوجلّ به موسی (ع) وحی کرد که ای موسی! شکر مرا به جای آر، آن گونه که حق شکر مرا ادا کنی. موسی(ع) گفت: چگونه شکر تو را بگویم که آن حق شکر تو باشد و هیچ شکرى نیست که با آن تو را شکر کنم، مگر آنکه آن شکر، خود باز نعمتی است که به من داده ای. خداوند فرمود: اکنون که دانستی که این (نعمت شکرگزاری) از من است شکر مرا به جا آوردی.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۱، ۱۰

۱۰- شکر نعمت های اقتصادی و اجتماعی ، به بهره گیری

صحیح و مجاز از آنهاست . *

فكلوا ممّا رزقكم الله حلالاً طيباً و اشكروا نعمت الله

برداشت فوق، بدان احتمال است که عبارت <و اشکروا نعمت الله> تفسیر برای <کلوا .. حلالاً طیباً> باشد.

۱۱- روزی های حلال و دلپذیر ، از نعمت های شایان شکرگزاری است .

فكلوا ممّا رزقكم الله حلالاً طيباً و اشكروا نعمت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۱ - ۱

۱- شکرگزاری در برابر نعمت های الهی ، از اوصاف و ویژگی های حضرت ابراهیم (ع)

إن إبرهیم کان .. شاکراً لأنعمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۱۳

۱۳- تربیت فرزندان در دامان پر مهر پدر و مادر ، نعمتی بس بزرگ و شایسته قدردانی و موجب استحقاق هرگونه احسان و احترام از سوی فرزند به آنان

و بالولدين إحسنًا و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه و قل ربّ ارحمهما كما ر

برداشت فوق با توجه به این نکته است که خداوند در تعلیم شیوه دعا کردن فرزندان برای پدر و مادرشان، مسأله تربیت والدین آنان را یادآور شد (کما ربّیانی صغیراً).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۶ - ۷

۷- نزول وحی و معارف الهی (قرآن) برای انسان ها ، نعمت خداوند و شایسته شکر و سپاس است .

لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیک

آیه، در مقام تحذیر درباره وحی و معارف آسمانی است و از تحذیر به دست می آید که موارد یاد شده عطایایی الهی است و

پاس داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۱۲

۱۲- نجات از جامعه فاسد و ناپاک ، نعمتی بزرگ و درخور شکر و سپاس است .

و نَجِينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سُوءِ فَسْقِينِ

آیه شریفه در مقام امتنان بر حضرت لوط(ع) است. بنابراین نجات از دست قوم فاسد، نعمتی است که خداوند با آن کار بر حضرت لوط(ع) منت نهاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۴،۱۵

۱۴- دستیابی انسان به علوم و صنایع دفاعی ، نعمتی شایسته سپاس گزاری

و عَلَّمَنَاهُ صِنْعَهُ لِيُبْسِلَ لَكُمْ .. فَهَلْ أَنتُمْ شَاكِرُونَ

۱۵- امنیت کشور و حفظ منافع ملت ، نعمتی شایسته سپاس گزاری

عَلَّمَنَاهُ صِنْعَهُ لِيُبْسِلَ لَكُمْ .. فَهَلْ أَنتُمْ شَاكِرُونَ

خداوند به خاطر آموزش صنعت اسلحه سازی به داوود(ع)، مردم را به شکرگزاری فرا خواند؛ ولی از آن جا که این صنعت باید در جهت منافع مردم (لکم) و حفظ آنان از تعرض دشمن باشد، به دست می آید که منافع مردم و امنیت آنان در برابر دشمن، هدف اصلی و مطلوب نهایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۹

۹ - مراسم قربانی ، عبادت خدا و سپاس گزاری در برابر نعمت های او است .

جَعَلْنَا مَنَسْكَ .. عَلِيٌّ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - نعمت های خداوند شایسته شکر و سپاس گزاری

و البدن .. سخنها

لکم لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۴

۴ - نیروی شنوایی ، بینایی و ادراکی انسان ، نعمت هایی الهی و در خور شکر و سپاس گذاری

و هو الذی أنشأ لکم ... قليلاً ما تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۷۸

۷ باران ، نعمتی بزرگ و مقتضی شکر و سپاس گذاری است .

لقد صرّفنه بینهم لیذکروا فابی أكثر الناس إلا کفوراً

۸ قرآن ، نعمتی بزرگ و مقتضی شکر و سپاس گذاری

و لقد صرّفنه بینهم لیذکروا فابی أكثر الناس إلا کفوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۶ - ۶

۶ - انسان ، در قبال نعمت های الهی مسؤول است .

أترکون فی ما ههنا ءامنین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مقصود از <أترکون> این باشد که خداوند انسان ها را در برابر نعمت هایی که به آنان داده است، آسوده و بدون هیچ گونه مسؤولیتی رها نمی کند؛ بلکه شکر و سپاس آنها را از آنان می خواهد و در صورت ناسپاسی و گناه، از ایشان سلب می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۸

۸ - قدرشناسی عمیق سلیمان (ع) از الطاف الهی در حق خود و پدرش داوود و اعلام آن به مردم

عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَ أَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۳ - نمل -

۸ - علم و قدرت ، دو نعمت بزرگ الهی و درخور شکر و سپاس

و لقد آتینا داود و سلیمان علمًا. .. و آتینا من کلّ شیء... و قال ربّ أوزعنی أن

۱۱ - لزوم سپاس گزاری انسان به درگاه خدا به خاطر نعمت های عطا شده از سوی او به پدر و مادرش

ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتک الّتی أنعمت علیّ و علی ولدیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۱

۲۱ - خداوند ، بی نیاز از شکر گزاری خلق به درگاه او

و من کفر فإنّ ربّی غنیّ کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ - روشنایی روز و آسایش یافتن در تاریکی شب ، از نعمت های بزرگ و درخور شکر و سپاس الهی

قل أریتم إن جعل الله علیکم الّیل سرمداً. .. إن جعل الله علیکم النهار سرمداً .

توحید ربوبی و برشمرنده نعمت های الهی و شکر گزاری از آنها است. ذیل آیه بعد (لعلکم تشکرون) مؤید این مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۷

۷ - برقرار شدن نظام شب و روز در جهت تأمین نیازها و منافع انسان ها ، نعمتی بزرگ و سزاوار شکر و سپاس الهی

و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۹

۹ - امنیت مکه ، نعمت الهی و شایسته سپاسگزاری است .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا ..

أفبالبطل يؤمنون و بنعمه الله يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۱۸، ۱۷

۱۷ - باد ها و رهاورد های آن ، نعمت خداوند و شایسته شکر و سپاس است .

یرسل الرياح .. و لعلکم تشکرون

<لعلّ > در آیه، به معنای تعلیل است.

۱۸ - انسان ها ، به رغم بهره مند بودن از نعمت و فواید باد ، ممکن است از شکر آن نعمت ، سرباز زنند .

و لعلکم تشکرون

<لعلّ > از حروف شبیه به فعل و برای انشا و رجا است استعمال آن در آیه، می تواند به منظور اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۹

۹ - خداوند ، منشأ نعمت ها است و شکر وی ، لازم است .

أن اشکر لله

<شکر > در لغت، <تصور نعمت و اظهار آن > است (مفردات راغب). این که در آیه، فرمان می دهد <که تنها برای خداوند شکر کنید!>، نشان می دهد که او منشأ نعمت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ - انسان ها ، موظف به شکر نعمت های خداوندند .

أن اشکرلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - انسان ها ، در بیشتر لحظه های عمر ، از شکر نعمت های خداوند غافل اند .

قلیلاً ما تشکرون

<قلیلاً> می تواند صفت برای موصوف محذوفی مانند <زماناً> باشد، در این صورت، نکته یاد شده به دست می آید.

قوای ادراکی انسان (چشم و گوش و قلب) مواهب الهی اند و شایسته است که به خاطر آنها، به درگاه وی شکرگزاری شود

ثُمَّ سَوَّيْهِ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَرَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

۱۷ - انسان ها ، شکرگزار نعمت های خداوند نیستند .

قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

به قرینه آیه بعد که در آن آمده است <و قالوا أءذا ضللنا.. > <قليلًا> می تواند به معنای نفی باشد.

۱۸ - انسان ها ، به شکرگزاری در برابر نعمت های الهی موظف اند .

قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - احیای زمین با رویاندن نباتات و درختان میوه ، به منظور تغذیه انسان ها از سوی خدا ، شایسته شکر و سپاس گذاری است .

وَءَايَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا.. جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۴

۴ - شیر و منافع بسیار شتر ، گاو و گوسفند ، نعمتی الهی و شایسته سپاس و شکرگزاری است .

وَ لَهُمْ فِيهَا مِنْعٌ وَ مَشَارِبٌ أَفْلايَشْكُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۷

۷ - نزول کتاب آسمانی (قرآن) ، نعمتی است درخور شکر و شایسته عبادت خالصانه خدا و اطاعت محض از او .

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

برداشت یاد شده از تفریع جمله <فاعبد الله مخلصاً له الدين>، بر

جمله <إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - شب آرامش دهنده و روزِ روشنایی بخش ، دو نعمت بزرگ و درخور شکر و سپاس الهی

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا .. و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا ي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۹

۹ - قرآن ، نعمتی بزرگ و فرو فرستنده آن شایسته ستایش و قدردانی است .

تنزیل من حکیم حمید

به کارگیری وصف <حمید> برای خداوند پس از بیان نزول قرآن می تواند از یکسو عظمت قرآن و نعمت بودن آن را بفهماند و از سوی دیگر کرنش و فروتنی انسان در برابر خدا را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - بازگو کردن نعمت های الهی ، امری لازم در جهت شکرگزاری

ثُمَّ تَذَكَّرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ .. و تَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا

در آیه شریفه پس از مسأله یادآوری و شکر نعمت الهی، بازگو کردن آن طلب شده است. (و تقولوا...). از این نکته استفاده می شود که بازگو کردن نعمت از مراحل اساسی شکر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۳

۳ - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مشتی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی *

الإنسن من صلصل .. فبأىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۰ - ۳

۳ - آب شیرین و نقش حیاتی آن در زندگی بشر ، نعمتی الهی و در خور شکر و سپاس

أفرء یتم الماء .. فلولا تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۲ - ۲

۲ - شرک پیشگان صدراسلام ، به جای سپاس گزاری خداوند به خاطر فرستادن قرآن ، بر تکذیب آن پافشاری کردند .

و تجعلون رزقکم آنکم تکذبون

برخی از مفسران بر آنند که <رزق>، به معنای عطا است و آیه شریفه نیز به تقدیر <و تجعلون شکر رزقکم..> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۵

۵ - قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل ، از نعمت های الهی و در خور شکر و سپاس

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۸

۸ - هدایت ، نعمتی بزرگ و شایسته سپاس گزاری است .

إننا هدیته السبیل إنا شاکراً

از این که در آیه شریفه، به مؤمن هدایت یافته، <شاکر> گفته شده است، استفاده می شود که هدایت نعمتی در خور سپاس گزاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۰ - ۶

۶ - فراهم بودن زمینه آشنایی با راه خدا و آسان بودن سلوک آن ، نعمتی سزاوار شکرگزاری است .

قتل الإنسان ما أكفره

... ثم السبيل يسره

چنانچه کفر در <ما أکفره> به معنای کفران نعمت باشد، آیات پس از آن از جمله این آیه در صدد بیان نعمت هایی خواهد بود که ناسپاسی آنها، موجب نفرین خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۱ - ۷

۷ - مرگ برای انسان و دفن اموات ، دو نعمت از جانب خداوند و سزوار شکرگزاری است .

قتل الإنسن ما أکفره .. ثم أماته فأقبره

برداشت یادشده، بر این اساس است که کفر در <ما أکفره> به معنای کفران نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۵ - ۴

۴ - باران و آب از نعمت های خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان به درگاه او است .

ما أکفره .. إنا صببنا الماء صبًا

کفر در <ما أکفره> به قرینه آیات پیشین ممکن است به معنای کفران نعمت باشد. بنابراین آیه، در صدد برشمردن نعمت های خداوند به انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۸ - ۵

۵ - رویاندن تاک و سبزیجات ، با فرستادن باران و قابل کشت ساختن زمین ، از نعمت های خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان از او است .

ما أکفره .. فأنبثنا فيها ... عبًا و قضبًا

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که <کفر> در <ما أکفره> به معنای کفران نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عیس - ۸۰ - ۲۹ - ۲

۲ - بهره مندی انسان از زیتون

و از منافع گوناگون درخت خرما، نعمتی الهی و سزاوار سپاس گذاری است .

ما أكفره .. و زيتوناً و نخلاً

<زیتون>، میوه ای معروف (مصباح) و درختی معروف است و می تواند جمع <زیتونه> باشد که گاه بر درخت و گاه بر میوه آن اطلاق می گردد (لسان العرب). تعبیر <نخل> به جای نام میوه آن ممکن است ناظر به این باشد که انسان علاوه بر خرما، از اجزای دیگر نخل (از قبیل شاخ، برگ، تنه و لیف آن) نیز بهره می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۲

۲ - ایجاد باغ های پردرخت با نزول باران بر زمین مساعد ، نعمت خداوند و مقتضی شکر گذاری انسان از او است .

صبینا .. شققنا ... فأنتنا ... و حدائق غلباً

چنانچه <غلباً> توصیف ذات <حدائق> باشد نه درختان آن ضخامت بستان کنایه از انبوه و متراکم بودن درختان آن خواهد بود. برداشت یاد شده، براساس ارتباط این آیه با <ما أكفره> در آیات پیشین است. با توجه به این احتمال که <کفر> در آن آیه، به معنای کفران نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۱ - ۲

۲ - دستیابی انسان به میوه ها و مراتع ، نعمت خداوند و مقتضی شکر گذاری انسان از او است .

ما أكفره .. و فكهه و أباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۴

۴ - ایمان به آیات الهی ، سفارش یکدیگر به استقامت

در تکالیف دشوار و اظهار محبت به بردگان، یتیمان و تنگدستان، قدردانی از نعمت های بینایی، گویایی و هدایت است.

ألم نجعل له عينين . و لسائنا و شفقتين . و هدينه النجدين ... ثم كان من الذين ءام

<الذین آمنوا> گرچه مطلق است؛ ولی مصداق بارز آنها به قرینه <و الذین کفروا بآیاتنا> در آیات بعد مؤمنان به آیات الهی است و آیات پیشین که بعضی از تکالیف را <عقبه> نامیده بود قرینه بر مراد از <صبر> است و سیاق آیات نشان می دهد که مراد از <مرحمه>، ترحم بر <رقبه>، <یتیم> و <مسکین> است. ارتباط این آیات با آیه های پیشین که نعمت های الهی را برشمرده گویای برداشت یاد شده است؛ زیرا <بینایی و بصیرت>، زمینه ساز <ایمان> و <داشتن زبان و لب>، زمینه ساز توصیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - دل بستن به لطف خداوند، خود از نعمت های الهی و سزاوار پاسخ گویی و سپاس گذاری است.

و ما لأحد عنده من نعمه تجزی . إلا ابتغاء وجه ربّه الأعلى

چنانچه استثنا در این آیه، متصل باشد، <ابتغاء> از مصادیق <نعمه تجزی> خواهد بود. در نتیجه مفاد دو آیه، این می شود که: کسی نزد انفاق گر نعمتی ندارد، جز یک نعمت [که خداوند عطا کرده است] و آن حالت <ابتغاء> است. بنابراین وجود علاقه و دل بستگی به <وجه الله> که مایه <ابتغاء> است نعمتی است که باید به وسیله سپاس گذاری جزا داده شود (نعمه

تجزی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۸ - ۵

۵ - ابتهاج و تضرع پیامبر (ص) به درگاه خداوند، پاسخی به نعمت های ویژه او به آن حضرت بود.

الم نشرح... و وضعنا... و رفعنا... و إلى ربك فارغب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۸،۹

۸ - رزمندگان مجاهد، سپاسگزار خداوند و پذیرای ربوبیت او هستند.

و العدیت... إنَّ الإنسان لربَّه لکنود

تمجید مجاهدان از یک سو و نکوهش ناسپاسان از سویی دیگر، بیانگر آن است که مجاهدان ناسپاس نیستند.

۹ - جهاد در راه خدا، شکر نعمت های او است.

و العدیت... إنَّ الإنسان لربَّه لکنود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۹

۹ - استوار ماندن قریش بر نظام معیشتی دیرپای خویش، نعمتی الهی و سزاوار سپاس

لایلف قریش

چنانچه سوره <قریش> سوره ای مستقل باشد و با سوره <فیل> یک سوره تلقی نگردد؛ حرف <لام> در <لایلاف> متعلق به <فلیعبدوا> در آیه سوم خواهد بود. در آن صورت مفاد آیه این می شود که چون خداوند، نعمت ایلاف را به قریش عطا کرده است، باید او را بندگی کنند. گفتنی است که بندگی به پاس نعمت، شکرگزاری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۵

۵ - عبادت خداوند ، سپاس نعمت های او است .

لاَیْلِف . . . فلیعبدوا

حرف <فاء>، لزوم عبادت را بر وجود

نعمت <ایلاف> تفریع کرده است و هر کاری که انسان خود را به جهت داشتن نعمتی، موظف به آن سازد، سپاس آن نعمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۶

۱۶ - بر خورداری از غذا و امنیت ، نعمتی است که سپاس آن ، تنها عبادت خداوند است .

فلیعبدوا ربّ هذا البيت . الذی أطعمهم من جوع و ءامنهم من خوف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۷،۱۲

۷ - نماز ، شکر نعمت های خداوند است .

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ . فصلّ

۱۲ - اهدای قربانی به پیشگاه پروردگار ، شکر نعمت های او است .

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ .. وانحر

شکر نعمت آمرزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - بخشوده شدن گناه ، نعمتی بایسته سپاسگزاری

ثم عفونا عنکم .. لعلکم تشکرون

شکر نعمت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۹

۹ بهشتیان پس از ورود به بهشت و مشاهده مواهب آن ، خداوند را به خاطر هدایت شدن و نيلشان به بهشت ، سپاس می گویند .

و قالوا الحمد لله الذي هدانا لهذا

شكر نعمت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ مؤمنان با ایمان خویش به پیامبر(ص) و آیین الهی سپاسگزار نعمت هدایت هستند.

أهؤلاء من الله عليهم .. أليس الله بأعلم بالشكرين

شكر نعمت هدایت

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۹

۹ بهشتیان پس از ورود به بهشت و مشاهده مواهب آن ، خداوند را به خاطر هدایت شدن و نیلشان به بهشت ، سپاس می گویند .

و قالوا الحمد لله الذي هدانا لهذا

شگفتی تداوم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۲

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكْ لَشَهِيدٌ

شگفتی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۶

۶ - ناسپاسی انسان ها در برابر نعمت های الهی ، امری شگفت آور و به دور از منزلت آدمیان

أفلايشكرون

برداشت یاد شده از همزه استفهام <أفلايشكرون> که برای تعجب است استفاده می شود.

صابران هنگام سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱

۱ صبر پیشگان دارای اعمال صالح به هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خدامایوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إنه ليؤس كفور... إلا الذين صبروا و عملوا الصلحت

صالحان هنگام سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱

۱ صبر پیشگانِ دارای اعمال صالح به هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خدا مأیوس

نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إِنَّه لِيُؤْسُ كُفُورٌ .. إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

صلاحیت برای نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۴،۶

۴ انسان ها ذاتا شایسته دریافت نعمت های خداوند هستند .

لَمْ يَكْ مَغِيرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَي قَوْمٍ

برداشت فوق با توجه به برداشت قبل و توضیح آن به دست می آید.

۶ فرعونیان و کفرپیشگان قبل از آنان در ابتدای تشکلشان امتهایی شایسته برای بهره مند شدن از نعمت های الهی بودند .

فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ .. ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكْ مَغِيرًا ... حَتَّى يَغِيرُوا مَا بَأَنْفُسِهِمْ

از نکاتی که می توان از ارتباط این آیه و آیه قبل به دست آورد این است که فرعونیان و امتهای پیش از آنها در ابتدای تشکلشان امتهای کافر و منکر آیات الهی نبودند و این حالت پس از گذشت زمان بر آنان عارض شد.

ضرورت شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۴

۴- شکر نعمت های خداوند ، دارای جایگاهی ویژه و امری لازم

وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ

اینکه خداوند، فرمان خاصی برای شکرگزاری صادر کرده است، حکایت از اهمیت و جایگاه ویژه آن می کند.

ظلم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳۰ نادیده گرفتن نعمت های الهی و ناسپاسی خدا ، با ارتکاب گناه ، ظلم است .

إنه ربی أحسن مثوای إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۶

۶ - ناسپاسی و نادیده گرفتن نقش خداوند در برخورداری از نعمت ها ، ظلم است .

و الذین ظلموا من هؤلاء

توصیف مرفهان ناسپاس به ستمگران، حاکی از مطلب یاد شده است.

عجز از شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۸ - ۲

۲- انسان ها ، توان شکرگزاری مطلوب و ادای حق نعمت های بی شمار خداوند را ندارند .

و إن تعدوا نعمة الله لا تحصوها إن الله لغفور رحيم

از اینکه خداوند پس از بیان نعمتهای بی شمار بر بندگان، خود را با صفت <غفور> (آمرزنده) توصیف می کند، می توان استفاده کرد که انسانها از عهده شکر نعمتهای فراوان الهی بر نخواهند آمد.

عذاب با نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۹

۹ تحقق اراده الهی به عذاب دنیوی منافقان ، از طریق اعطای مال و فرزند فراوان و نعمت های ظاهری به آنان

إنما يريد الله أن يعذبهم بها

عصیان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۳

۱۳ - قوم موسی در برابر نعمت های الهی ، مردمی ناسپاس بودند .

ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسمهم یظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما ظلمونا و لکن ..> در ارتباط با فرازهایی که بیانگر نعمتهای الهی است، لحاظ شود.

علاقه به نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹ - ۵

۵ علاقه و دلبستگی شدید انسان به

نعمتهایی که در اختیار دارد .

ثم نزعها منه

کلمه <نزع> به معنای کندن است. به کارگیری این کلمه در سلب نعمت ، برای رساندن دل بستگی شدید انسان به موهبتهای دنیوی است.

علم به کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۲،۳

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكٍ لَّشَهِيدٌ

۳ - خداوند ، در تأکید بر آگاهی دشمنان اسلام از خوی ناسپاسی خویش ، به اسبان تیزیای مجاهدان ، سوگند یاد کرده است

و العديت .. و إِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكٍ لَّشَهِيدٌ

عمومیت نعمت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ شمول و فراگیری نعمت و روزی خداوند در دنیا برای همه انسان ها ، حتی مشرکان و کافران

مَتَّعْتَهُمْ وَاَبَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا

عوامل ازدیاد نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۱۱،۹،۵،۳،۲،۱

۱- پیامبر (ص) موظف به یادآوری اعلام الهی به مردم به اینکه : هر کس سپاسگزار باشد ، قطعاً نعمتش فزون می یابد و هر

کس کفران نماید ، دچار عذاب شدید می گردد .

و إِذْ تَأْتِيَنَّكُمْ لُثْنٌ مِّمَّا كَفَرْتُمْ لَنْ يَكْتُمَ لَهُ لُثْنُهُ يَكْتُمُ الَّذِي كَفَرَ إِنَّ عَذَابَهُ لَشَدِيدٌ

<و إِذْ تَأْتِيَنَّكُمْ لُثْنٌ مِّمَّا كَفَرْتُمْ لَنْ يَكْتُمَ لَهُ لُثْنُهُ يَكْتُمُ الَّذِي كَفَرَ إِنَّ عَذَابَهُ لَشَدِيدٌ> عطف بر <إِذْ قَالَ> است که در آن <اذکر> در تقدیر است و مخاطب پیامبر اکرم (ص) می باشد.

۲- موسی (ع) از

قوم خود خواست تا به یاد فرمان و توصیه خداوند باشند که هر کس شکرگزاری نماید خداوند نعمتش را افزون می کند و هر کس کفران نماید دچار عذاب شدید خواهد شد .

اذکروا نعمه الله علیکم ... و إذ تأذن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن

این برداشت مبتنی بر این نکته است که <إذ تأذن ربکم> مقول قول موسی(ع) و عطف به <اذکروا نعمه الله> باشد.

۳- افزایش نعمت در صورت شکرگزاری و تهدید به عذاب در صورت کفران نعمت ، مقتضای ربوبیت الهی

و إذ تأذن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید

۵- شکر نعمت رهایی از نظام ظالمانه ، موجب فزونی و بقای آن نعمت شده و کفران آن ، مایه از دست رفتنش می شود .

إذ أنجکم من آل فرعون ... و إذ تأذن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن

۹- انسان ها ، خود در فزونی و یا کاستی نعمت ها نقش اساسی دارند .

لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید

۱۱- قال أبو عبد الله (ع) : أئما عبد أنعم الله علیه بنعمه فعرفها بقلبه و حمد الله علیها بلسانه لم تنفد حتی یأمر الله له بالزیاده و هو قوله : < لئن شکرتم لأزیدنکم >

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: هر بنده ای که خدا به او نعمتی عطا کند، پس او با قلبش آن را بشناسد و خدا را با زبان بر آن نعمت حمد گوید، هنوز حمد او پایان نپذیرفته که خداوند امر می کند تا آن نعمت برای او، زیاد شود و این سخن خداوند است لئن

شکرتم لأزیدنکم > .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۶

۶- شکر نعمت ، موجب افزونی نعمت های دنیوی است .

شاکراً لأنعمه . . . و آتینه فی الدنيا حسنه

عوامل بقای نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۳

۱۳- ناسپاسی نعمت ها ، موجب سلب آنها و شکرگزاری ، عامل بقای آنهاست .

قریه کانت ءامنه مطمئته . . . فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

از مفهوم آیه استفاده می شود که اگر آنان ناسپاسی انجام نمی گرفت، نعمتها سلب نمی شد.

عوامل تغییر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۲۲

۲۲ > عن علی بن الحسین (ع) یقول : الذنوب التي تغير النعم ، البغی علی الناس و الزوال عن العاده فی الخیر ، و اصطناع المعروف ، و کفران النعم ، و ترک الشکر . قال الله عزوجل : < إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم > . . . ;

از امام زین العابدین(ع) روایت شده است که می فرمود: گناهایی که موجب تغییر نعمتها می شوند عبارتند از: ستمگری بر مردم، دوری از عادت به کار خیر و از انتخاب کردار نیک، کفران نعمتها و ترک شکرگزاری. خداوند عزوجل فرموده: إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم > .

عوامل تکمیل نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۵

۵ - نعمت های داده شده به انسان ها از

ناحیه خدا بدون بعثت پیامبر (ص)، نعمتی کامل نبود.

و لأتم نعمتی علیکم و لعلکم تهتدون. کما أرسلنا فیکم رسولا

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل، به دست می آید.

عوامل سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ هلاکت فرعونیان و امت های کافر پیشین، نمودی از زوال نعمت ها در نتیجه ظلم و گناه

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مَغْبِرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا... وَ كَلَّ كَانُوا ظَالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۲۱

۲۱ > عن أبي عبد الله (ع) قال: إن أباي كان يقول: إن الله قضى قضاءً حتماً لا ينعم على عبده بنعم فسلبها إياه قبل أن يحدث العبد ذنباً يستوجب بذلك الذنب سلب تلك النعمة و ذلك قول الله: < إن الله لا يغيّر ما بقوم حتى يغيّروا ما بأنفسهم > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: پدرم می فرمود خداوند به قضای حتمی خود مقرر کرده است که هر نعمتی را به بنده اش بدهد از او باز نستاند، مگر اینکه آن بنده گناهی را مرتکب شود که موجب سلب آن نعمت گردد و این است سخن خدا که فرمود: < إن الله لا يغيّر ما بقوم حتى يغيّروا ما بأنفسهم >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۵

۵- شکر نعمت رهایی از نظام ظالمانه، موجب فزونی و بقای آن نعمت شده و کفران آن،

مايه از دست رفتش می شود .

إذ أنجكم من آل فرعون .. و إذ تأذن ربكم لئن شكرتم لأزيدنكم و لئن كفرتم إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۳

۱۳- ناسپاسی نعمت ها ، موجب سلب آنها و شکرگزاری ، عامل بقای آنهاست .

قریه كانت ءامنه مطمئنّه .. فكفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

از مفهوم آیه استفاده می شود که اگر آنان ناسپاسی انجام نمی گرفت، نعمتها سلب نمی شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۱۰

۱۰- روی گردانی از شکر نعمت خدا ، موجب از دست دادن آن نعمت است .

كلوا من رزق ربكم و اشكروا له .. فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلنهم بجم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۶

۶- از دست دادن نعمت و امکانات ، نوعی کیفر و مجازات است .

و اشكروا له .. فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلنهم بجمّتهم جنتين ذوات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۷ - ۳

۳- بخل و محروم کردن بینوایان از اموال خویش ، از عوامل زوال نعمت و محرومیت صاحبان ثروت و مکت

أن لا يدخلنّها اليوم عليكم مسكين .. بل نحن محرومون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - کفر و گناه ، از عوامل خشک سالی و سلب نعمت ها

است .

استغفروا ربکم .. يرسل السماء علیکم مدرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۶

۶ - حق ناپذیری و عناد با دین ، موجب زوال نعمت ها است .

ثمّ یطمع أن أزید . کلاً إِنَّه کان لأیتنا عنیداً

جمله < إِنَّه کان لأیتنا عنیداً > تعلیل برای ردع (کلاً) است؛ یعنی، چنین نخواهد شد (بر قدرت و ثروت او افزوده نخواهد شد)؛ چون او نسبت به آیات ما عناد دارد.

عوامل شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۵

۱۵- اعتقاد به اختصاص داشتن عبادت به خداوند ، مستلزم شکر نعمت های اوست .

و اشکروا نعمت الله إن کنتم إیّاه تعبدون

آمدن جمله < إن کنتم إیّاه تعبدون > به صورت جمله شرطیه برای < اشکروا .. >، بیانگر وجود تلازم و پیوند ناگسستنی میان شکر و اعتقاد به توحید در عبادت است.

عوامل کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۹

۹ - شرک ، مستلزم ناسپاسی انسان در برابر خالق و یگانه روزی دهنده خویش

أمن یدئوا الخلق .. و من یرزقکم ... أءله مع الله

لحن آمیخته با توییح < أءله مع الله > نشان دهنده آن است که مشرکان با شرک خویش، کفران خدایی کرده اند که خالق و

یگانه روزی دهنده آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۰ - ۹

۹ - ابلیس ، عامل کفران مردم سبأ و برانگیزنده آنان به ظلم به نفس

و لقد صدق عليهم إبليس ظنه

فَاتَّبِعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ

در عبارت <صَدَّقَ عَلَيْهِمْ.. ظَنَّهُ> ایجاز به حذف وجود دارد؛ برای این که صدق ظن، فرع بر دعوت و جواب مثبت دادن مردم است. بنابراین، معلوم می شود که ابلیس از آنان خواسته و آنان نیز او را اجابت نموده و نعمت های خدا را کفران کرده اند.

عوامل محرومیت از نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۳،۴،۱۲

۳ ظلم یهود، موجب محرومیت آنان از برخی نعمت های پاکیزه *

فَبْظَلَمَ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّت لَّهُمْ

بدان احتمال که مراد از تحریم، تحریم تکوینی باشد؛ بنابراین <حرمانا..> به این معنا است که خداوند یهود را از دستیابی به برخی طیبات محروم ساخت.

۴ ظلم، زمینه ساز محرومیت انسان از مواهب خدادادی *

فَبْظَلَمَ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّت لَّهُمْ

برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: من زرع حنطه فی ارض فلم یزک زرع او خرج زرعه کثیر الشعیر فبظلم عمله .. او بظلم لمزارعیه و اکرته لان الله عزوجل یقول: فبظلم من الذین هادوا حرمانا علیهم طیبات ...

کافی، ج ۵، ص ۳۰۶، ح ۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۲، ح ۶۶۵.

۱۲ محرومیت آدمی از نعمت های الهی و مواهب طبیعی، نتیجه اعمال خود وی

فَبْظَلَمَ مِنَ الَّذِينَ .. حَرَمًا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّت لَّهُمْ وَ بَصَدَّهُمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <تحریم> تحریم تکوینی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - ابلیس ، دشمن و بدخواه انسان و در صدد محروم ساختن او از نعمت های الهی و گرفتار ساختن او به رنج و سختی

إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ و لزوجك .. فتشقی

طرح خصومت ابلیس با حوا، گویای آن است که وی با تمامی انسان ها دشمن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۵ - ۱۰

۱۰ - تکذیب پیامبران الهی از سوی ملت ها ، موجب محرومیت آنان از مال و امکانات و نعمت های خداوند نمی شود .

و ما بلغوا معشار ما ءاتینهم فكذبوا رسلی فكیف كان نكیر

عوامل محرومیت از نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - هدف قرار دادن دنیا ، باعث محرومیت کامل از موهبت های جهان آخرت

من كان یرید حرث الأخره .. یرید حرث الدنیا ... و ما له فی الأخره من نصیب

عوامل نقصان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۹

۹ - انسان ها ، خود در فزونی و یا کاستی نعمت ها نقش اساسی دارند .

لئن شكرتم لأزیدنکم و لئن كفرتم إن عذابی لشدید

عوامل وفور نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- ایمان و دین داری ، موجب وفور نعمت و برکت و رفاه عالی است .

وَأَلْوَسْتُمْوَا عَلَی الطَّرِیْقَه لِأَسْقِیْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا

غفلت از منشأ نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- دل بستگیِ شدید به دنیا و غفلت از نقش خداوند در آفرینش و اعطای نعمت ها ، نشانه کفر است .

و کان له ثمر فقال .. أنا أكثر منك مالا ... ما أظن أن تبید هذه ... قال له صاح

در پی گفته های مرد ثروت مند و فخرفروشی های او و انکار فناپذیری نعمت ها، مرد مؤمن، با سؤال <أکفرت> با وی به گفتوگو پرداخت و این نشان دهنده کفرورزی مرد ثروت مند در اندیشه ها و گفته هایش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۲

۲ - رفاه مندی و برخورداری از نعمت ها در سایه تلاش و دانش اقتصادی ، در صورت همراه بودن آن با ناسپاسی و غفلت از منشأ خدایی آنها ، هلاکت و بدبختی در دنیا را در پی خواهد داشت .

فما أغنی عنهم ما كانوا یکسبون فأصابهم سیئات ما کسبوا

غفلت از نعمت چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۸ - ۲

۲ - بی توجهی به نعمت بینایی و غفلت از وابستگی آن به خداوند ، شگفت آور و ملامت بار است .

ألم نجعل له عینین

استفهام در <ألم نجعل ..>، برای تعجب و گرفتن اقرار است.

غفلت هنگام نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۷

۱۷ - برخورداری از آسودگی ها و نعمت ها به همراه غفلت از یاد خدا و ناشکری ، محنت زا و بلاآفرین است .

ثم إذا حوّلنه

نعمه مَنَّا قال إِنَّمَا أُوتِيته علي علم بل هي فتنه

یکی از موارد کاربرد <فتنه>، محنت و بلا- است و برداشت بالا- مبتنی بر این معنا است. بر این اساس می توان گفت: برخورداری از آسودگی و نعمت ها، به همراه این تصور که آنها ناشی از دانش بشری است نه لطف الهی، نه تنها برای بشر نعمت نیست؛ بلکه در دنیا و آخرت نقت و بلا خواهد بود. گفتنی است آیه بعد که از روبه رو شدن مرفهان بی خبر از خدا با عذاب و بدبختی و کارساز نبودن برخورداری های آنان، سخن می گوید مؤید همین برداشت است.

فراوانی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۸ - ۱۳، ۱۰، ۷۸

۷ خداوند ترغیب کننده آدمی به انفاق، با وعده آمرزش گناهان و فزونی رزق

و الله يعدكم مغفرة منه و فضلا

کلمه <فضلا> به قرینه مقابله آن با وسوسه شیطان بر تهیدستی، به معنای فزونی در رزق است.

۸ انفاق، موجب توسعه رزق و آمرزش گناهان

يا ايها الذين امنوا انفقوا .. و الله يعدكم مغفرة منه و فضلا

۱۰ آمرزش گناهان و افزونی مال از جانب خداوند، پاداشی برای انفاق کنندگان

يا ايها الذين امنوا انفقوا .. و الله يعدكم مغفرة منه و فضلا

۱۳ خداوند، آگاه به انفاق کنندگان در راه او و گشایش دهنده روزی آنان است.

و الله واسع علیم

فرجام کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱

۱- مَثَل و مانند آوردن خداوند، برای ترسیم فرجام

شوم کفران نعمت های خویش

ضرب الله مثلاً قریه ... فکفرت بأنعم الله فأذقها ... بما كانوا يصنعون

فضایل مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۳

۳ - برخورداران از نعمت های جاودان آخرت ، شیفتگان اطاعت پروردگار و برپا دارندگان نماز

و ما عند الله .. للذین ءامنوا ... و أقاموا الصلوه

فلسفه خلقت نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۲

۲ - خداوند ، مواهب زمین را برای انسان ها و در راستای منافع آنان آفرید .

هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً

برداشت فوق با استفاده از لام انتفاع در <لکم> به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۲ - ۳

۳ - بهره وری مؤمنان از روزی ها و نعمت های خداوند ، مقصود اصلی از اعطای آنها به انسانهاست . *

یأیها الذین ءامنوا کلوا من طیب ما رزقکم

قرآن در توصیه به اهل ایمان - مبنی بر بهره گیری از نعمتها - (کلوا من طیب ما رزقکم) تصریح کرده که خداوند آن نعمتها را روزی ایشان قرار داده است ولی در توصیه به عموم مردم در آیه ۱۶۸ (کلوا مما فی الأرض) بیان نداشت که خداوند امکانات زمین را روزی همگان قرار داده است. از مقایسه میان این دو تعبیر و تفاوت یاد شده می توان به برداشت فوق دست یافت.

فلسفه خلقت نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ -

۱۰ استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا

ذکر نکردن <لغیرهم> پس از <للذین ءامنوا>، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالإصالة برای مؤمنان آفریده شده است.

فلسفه ذکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۷ - ۶

۶ - هدف از لزوم یاد کرد نعمت های الهی ، به یاد خدا بودن و نعمت ها را از جانب او دانستن است .

اذکروا نعمتی التي أنعمت علیکم

توصیف <نعمت> - به اینکه خداوند آن را انعام کرده (أنعمت علیکم) - اشاره به این معنا دارد که: یاد کردن نعمت، باید وسیله ای باشد برای یاد کردن بخشنده نعمت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۲ - ۶

۶ - هدف از لزوم یاد کردن نعمت ها ، یاد خدا بودن و نعمت ها را از جانب او دانستن است .

اذکروا نعمتی التي أنعمت علیکم

توصیف <نعمت> به اینکه خداوند آنها را ارزانی کرده است (أنعمت علیکم) اشاره به این معنا دارد که: یاد کردن نعمت باید وسیله ای باشد برای یاد کردن بخشنده نعمت.

فلسفه سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۱۳

۱۳ - فلسفه از دست رفتن امکانات دنیوی، در پی گناه، تنبیه گناهکاران جهت بازگشت از خطا به صراط مستقیم است.

ظهر الفساد فی البرّ .. لیذیقهم بعض الذی عملوا

<لام> در <لیذیقهم> لام عاقبت است و <لعلّ>

معنای تعلیل دارد و مراد از <فساد> براساس ریشه لغوی آن، یعنی خروج شیء از اعتدال (تباه شدن)، قابل بهره برداری نبودن امکانات و یا از دست دادن آنها است. بنابراین، خداوند، در پی آلوده شدن انسان ها، به گناه، آنان را مبتلا می کند تا به این صورت، بیدارشان سازد.

فلسفه نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۴

۴- تحقّق یافتن بهترین عمل و برترین عامل، فلسفه آفرینش انسان و موهبت های پیرامون او است.

إِنَّا جَعَلْنَا... لِنَبْلُوهُمْ أَحْسَنَ عَمَلًا

عبارت <لنبلوهم...> در تبیین علت و فلسفه آفرینش موهبت های زمین، به ایجاد زمینه برای تحقّق یافتن دو شاخصه اشاره کرده است: ۱ بهترین عمل کننده از بین افراد انسان؛ ۲ بهترین عمل از بین عمل ها.

فلسفه نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۰ - ۶

۶- آفرینش نعمت ها، از سوی خداوند، زمینه ساز هدایت انسان به یگانگی خداوند

الذی جعل لکم... لعلکم تهتدون

فلسفه نعمت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۹ - ۸

۸- وجود انسان، محور پیدایش نعمت های گوناگون در طبیعت

فَأَنشَأْنَا لَكُمْ... لَكُمْ فِيهَا فَوْكَةً... وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ

فواید شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۵

۵- فایده شکر نعمت و ضرر و زیان کفران آن به خود انسان باز می گردد .

لئن شکرتم لأزیدنکم و

... إن تكفروا أنتم و من فى الأرض جميعًا فإن الله لغنى حمى

قلت شكر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ سپاس مردم در برابر نعمتها، همواره اندك و ناچيز است.

قليلًا ما تشكرون

كلمه <قليلًا> مى تواند صفت براى مفعول مطلق محذوف باشد. يعنى: تشكرون شكرًا قليلًا؛ و مى تواند حال براى فاعل <تشكرون> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

كفران كنندگان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۷

۱۷ واپسگرایی و ارتداد، كفران نعمت رسالت انبیا و هدایت الهی است .

و من ينقلب على عقبيه .. و سيجزى الله الشاكرين

مفهوم جمله <و سيجزى الله الشاكرين> اين است كه مرتدان، ناسپاس هستند، و به مناسبت حكم و موضوع، اين ناسپاسی در ارتباط با رسالت انبیا و هدایت الهی است.

كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۱۳

۱۳ خودداری از انفاق، كفران نعمت و ستمگری است .

انفقوا مما رزقناكم .. و الكافرون هم الظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ ناسپاسان از نعمت‌ها و گنهکاران، محروم از محبت الهی

و الله لا يحب كل كفار اثم

۶ رباخواران، ناسپاسانی گنهکار و محروم از محبت الهی

يمحق الله الربوا . . . و الله لا يحب كل كفار اثم

کلمه <کفّار> (بسیار ناسپاس) و کلمه <اِثم> (فرو رفته در گناه و آلودگی) پس

از بیان ربا و رباخواری، اشاره به این معنا دارد که رباخواران از جمله مصادیق انسانهای ناسپاس و آلوده به گناهند.

۹ رباخواری ، ناسپاسی شدید نعمت و گنهکاری است .

يُمَحِّقُ اللَّهُ الرَّبُّوَا . .. وَ اللَّهُ لَا يَحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ اِثْمِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۰

۱۰ کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، موجب روسیاهی در قیامت *

وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ .. فَمَا الَّذِيْنَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ اَكْفَرْتُمْ بَعْدَ اِيْمَانِكُمْ

بنابراینکه <اکفرتم> به معنای کفران نعمت باشد. و به مقتضای ارتباط با آیات قبل مراد از نعمتهای کفران شده همان نعمتهایی است که در آیات قبل آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۷، ۱۲، ۱۱، ۵، ۴

۴ خداوند کسانی را که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند ، دوست ندارد .

وَ بِالْوَالِدِيْنَ اِحْسَانًا . .. وَ يَكْتُمُوْنَ مَا اَتَيْهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ

۵ فقرنمایی و پنهان سازی نعمت های الهی ، دستاویز بخیلان برای ترک احسان

الَّذِيْنَ يَبْخُلُوْنَ . .. وَ يَكْتُمُوْنَ مَا اَتَيْهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ

۱۱ کسانی که به جهت ترک احسان نعمت های الهی را پنهان می سازند ، کافر هستند .

الَّذِيْنَ يَبْخُلُوْنَ . .. مَا اَتَيْهِمُ اللّٰهُ ... وَ اَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِيْنَ

۱۲ بخیلان و دعوت کنندگان مردم به بخل ، کافر هستند .

الَّذِيْنَ يَبْخُلُوْنَ وَ يَأْمُرُوْنَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ . .. وَ اَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِيْنَ

۱۷ بخلورزی ، کفران نعمت های الهی است .

الذين ييخلون . . . و اعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً

با توجه به

معنای لغوی کافر (ناسپاس)، می توان گفت مراد از کافران، ناسپاسان هستند که مصداق آن در آیه، همان بخیلانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ - بنی اسرائیل ، مردمی بسیار ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

فأنجينكم و أغرقنا ءال فرعون .. ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

هدف از بیان گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا، پس از بیان نعمتهای بزرگ الهی به آنان، نشان دادن روحیه ناسپاسی در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، مردمانی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۹

۱۹ - بنی اسرائیل ، مردمی ناسپاس در برابر نعمت های ارزشمند الهی (منّ و سلوی)

لن نصبر علی طعام وحد .. قال أتستبدلون الذی هو أدنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۹

۹ - ابو عمرو زبیری از امام صادق (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود : > الوجه الثالث من الکفر کفر النعم و ذلک

قوله تعالی ... فاذکرونی أذکرکم و اشکروالی و لاتکفرون ... ;

وجه سوم از اقسام کفر، کفران نعمت است و این است سخن خداوند که می فرماید: ... فاذکرونی أذکرکم و اشکروالی و لاتکفرون ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف

۵ موسی (ع) تمایل قوم خویش را به بت پرستی، ناسپاسی به نعمت های خداوند دانست .

أَغِيرَ اللَّهُ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضْلُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

۶ گرایش به شرک، ناسپاسی به نعمت های خداوند است .

قَالَ أَغِيرَ اللَّهُ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضْلُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۳۱

۳۱ تخلف از فرمان خدا و ناسپاسی در برابر نعمت های او، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشتن

و لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲۲

۲۲ مردم در برابر نعمت وجود پیامبران و معلمان توحید، ناسپاسند .

ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

شکر، در برابر نعمت است و نعمتهایی که آیه مورد بحث گویای آن است عبارت است از: ا توحید (ما کان لنا أن نشکرک . ..)، ۲ وجود پیامبران به عنوان معلمان توحید و بیانگران شریعت و آیین الهی (ملّه آبائی ابراهیم ...). برداشت فوق، ناظر به دومین نعمت یاد شده در آیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - قال هارون لأبي الحسن موسى (ع) نحن كفار؟ قال: لا و لكنّ كما قال الله: > ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار < ... ;

هارون به امام کاظم (ع) گفت [آیا] ما کافریم؟ آن حضرت فرمود:

خیر بلکه آن گونه [هستید] که خدا می فرماید: <ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۸

۱۸- سرشت انسان با نوعی از ظلم به خویشتن و ناسپاسی عجین است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۱،۵

۱- شرک ربوبی رهیدگان از ناگواری ها ، کفران نعمت های خداوند است .

بربهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

<لام> در <لیکفروا> احتمال دارد لام عاقبت باشد. بنابراین معنا چنین می شود: عاقبت شرک آنان، کفران نعمتها شد. لازم به ذکر است به تناسب <ما ءاتیناهم> مراد از <یکفروا> کفران است.

۵- مشرکان ناسپاس ، علی رغم کفران نعمت های الهی ، از آنها برخوردار بوده و به آنان مهلت حیات داده می شود .

بربهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم فتمتعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۱ - ۱۰

۱۰- شرک به خدا ، کفران نعمت های اوست .

أفینعمه الله یجحدون

برداشت فوق با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه مشرکان مکه می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۲

۱۲- نادیده گرفتن آثار وجود خداوند در مظاهر هستی ، کفران و ناسپاسی نعمت های اوست .

و الله جعل لکم ... بنعمت الله هم یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۳ - ۵

۵- پرستش غیر خدا ، ایمان به

باطل و کفران نعمت های الهی است .

أفبالبطل يؤمنون و بنعمت الله هم يكفرون . و يعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۳ - ۳

۳- تکذیب رسولان و رهبران الهی ، ناسپاسی نعمت های خداوندی است .

فكفرت بأنعم الله .. و لقد جاءهم رسول منهم فكذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۶،۷

۶- استفاده از چیز های حرام ، کفران نعمت های الهی است .

يأتيها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله .. فكلوا مما رزقكم الله حلالا

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که <كلوا مما .. حلالاً طيباً> اشاره داشته باشد به اینکه کفران یاد شده در آیه قبل، استفاده از حرام بوده است.

۷- تحریم روزی های حلال و دلپذیر و بهره نگرفتن از آنها ، کفران نعمت های الهی است .

فكفرت بأنعم الله .. فكلوا مما رزقكم الله حلالاً طيباً

با توجه به اینکه آیه بعد، خوردنیهای حرام را در چند چیز محدود کرده است، معلوم می شود که مراد از <کفران> حرام کردن حلالها و استفاده نکردن از آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۳،۵،۷

۳- شیطان ، کفران کننده نعمت های خداوند است .

و كان الشيطان لربه كفوراً

۵- تبذیر (ریخت و پاش و به هدر دادن امکانات) ، کفران نعمت های الهی است .

إن المبدئين كانوا إخوان الشيطان و كان الشيطان لربه كفورًا

۷- ناسپاسی در برابر لطف مربی ، شیوه ای شیطانی است .

و

كان الشيطان لرَبِّه كفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۸

۸- انکار قرآن با وجود دلایل حقانیت و بی مانندی آن ، ناسپاسی بس بزرگ و غیر قابل توجیه است .

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <کفور> به معنای کفران نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۶،۸،۹

۶- شیطان ، موجودی بسیار نافرمان در برابر خداوند و ناسپاس و قدرناشناس در برابر نعمت ها و رحمت واسعه او است .

إنّ الشیطن کان للرحمن عصیًّا

<عصیّ> برای مبالغه به کار می رود (مصباح).

۸- اطاعت از شیطان ، ناسپاسی و قدرناشناسی رحمت واسعه الهی است .

لا تعبد الشیطن إنّ الشیطن کان للرحمن عصیًّا

<رحمن> صیغه مبالغه و از نام های خداوند است. تکیه بر این نام در جمله <کان للرحمن...> به منزله تعلیلی بر زشتی کار شیطان است، زیرا عصیان کردن او در برابر دارنده رحمت واسعه و اصرار بر آن نشانه ناسپاس بودن او است. و جمله <لا تعبد...> دلالت دارد که هر کس از شیطان تبعیت نماید، او نیز چنان خواهد بود.

۹- اطاعت و پیروی از گنه پیشگان و سرپیچی کنندگان از فرمان خداوند ، امری ناروا و ناسپاسی نعمت های او است .

لا تعبد الشیطن إنّ الشیطن کان للرحمن عصیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۵

۵ - دشمنی با دین خدا ، خیانت در امانت او و ناسپاسی در برابر نعمت هدایت او است .

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ . . .

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۶

۶ - کفر به یگانگی خدا در عین برخورداری از امکانات دنیوی بارزترین نوع ناسپاسی در برابر نعمت های او است .

و قال الملائم من قومه الذين كفروا .. و أترفنهم في الحيوة الدنيا

عبارت <و أترفنهم> حال است برای فاعل <كفروا>؛ یعنی، با این که خدا آنان را از امکانات دنیوی برخوردار ساخت، آنها به یگانگی او کفر ورزیدند و به پرستش غیر او رو آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۸

۸ - ناسپاسی در برابر لطف و رحمت الهی و سوء استفاده از آن ، نمودی از انحراف و گمراهی منکران قیامت

و إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ .. و لو رحمناهم ... في طغيانهم يعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۱۱

۱۱ - شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های خدا و ناسپاسی در برابر ربوبیت او است .

و من يدع مع الله .. إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الْكُفْرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۹

۹ اکثر مردم در نیمه نخست بعثت ، نعمت قرآن را قدر نشناخته و بدان بی اعتنائی کردند .

و لقد صرفنه بينهم ليدكروا فابي أكثر الناس إلا كفورا

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است که نیمه نخست دوران بعثت در همین شهر سپری شد.

سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۸

۲۸ - > عن أبي عبد الله (ع) قال: .. الوجه الثالث من الكفر النعم و ذلك قوله تعالى يحكى قول سليمان > هذا من فضل ربى ليلونى ءأشكر أم أكفر... <;

از امام صادق(ع) روایت شده است:.. قسم سوم از اقسام کفر، کفران نعمت ها است و این سخن خداوند متعال است که از زبان سلیمان(ع) حکایت می کند: >... لیلونی ءأشکر أم أكفر<».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۵

۵ - باز گشت رهیدگان از ناملایمات ، به شرک ، کفران نعمت های خدا است .

فلَمَّا نَجَّيْهِم إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يَشْرِكُونَ . لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَهُم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ - مشرکان مکه ، به خاطر ناسپاسی نعمت های الهی ، از سوی خداوند سرزنش شدند .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا ءَامِنًا .. أَفَبِالْبَطْلِ يُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۲

۲ - باز گشت رهیدگان از ناملایمات به شرک ربوبی ، کفران نعمت های خداوند است .

بِرَبِّهِمْ يَشْرِكُونَ . لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَهُم

به قرینه <ما آتیناهم> مراد از <لیکفروا> کفران نعمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۱۸

۱۸ - انسان ها ، به رغم بهره مند بودن از نعمت و فواید باد ، ممکن است از شکر آن نعمت

، سرباز زنند .

و لعلکم تشکرون

<لعلّ > از حروف شبیه به فعل و برای انشا و رجا است استعمال آن در آیه، می تواند به منظور اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ - کفران نعمت های الهی ، هیچ تأثیری بر خداوند ندارد .

و من کفر فانّ الله غنی حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - انسان ، در معرض ناسپاسی نسبت به نعمت های الهی و حقوق والدین و نیازمند به تذکر است .

و وصینا الإنسن بولدیه .. أن اشکرلی و لولدیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۱۹

۱۹ - چشم بستن بر مظاهر وجود خدا و پرداختن به جدال های جاهلانه درباره او ، کفرانِ نعمت است .

ألم تروا أنّ الله .. و أسبغ علیکم نعمه ... و من الناس من یجدل فی الله بغير

ذکر <و من الناس .. > پس از بیان آیات خداوند که از جمله آنها وُفُورِ نعمت بود می تواند اشاره به نکته مذکور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۴ - ۲

۲ - شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های الهی است .

أفلا یشکرون . و اتّخذوا من دون الله ءالهه

از ارتباط میان آیه قبل که از ناسپاسی انسان سخن به میان آورده است و آیه شریفه، برداشت یاد شده به دست می آید، یعنی،
شرک و

بت پرستی در واقع نوعی ناسپاسی به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲۲

۲۲ - شرک به خدا و اطاعت از غیر او ، کفران نعمت خدا و ناسپاسی او است .

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء .. إنّ الله لا یهدی من هو کذب کفار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۳

۳ - کفر و شرک ، کفران نعمت های الهی است .

إن تکفروا فإنّ الله غنی عنکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مقصود از کفر در <إن تکفروا> به قرینه مقابله با <إن تشکروا..> کفران نعمت و ناسپاسی است. بنابراین یاد کردن خداوند از کافران و مشرکان به ناسپاسان، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۹،۱۵

۹ - انسان در برابر نعمت ها و لطف های خداوند ، موجودی ناسپاس است .

و إذا مسّ الإنسان ضرّاً دعا ربّه .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما کان یدعوا إلیه

۱۵ - شرک به خداوند ، کفران نعمت های الهی است .

ثمّ إذا خوّله نعمه منه .. و جعل لله أنداداً

<ندّ> (مفرد <انداد>) به معنای مثل و نظیر است و مقصود از آن شریک در کار خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۷

۱۷ - برخورداری از آسودگی ها و نعمت ها به همراه غفلت از یاد خدا و

ناشکری ، محنت زا و بلا آفرین است .

ثُمَّ إِذَا حَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلِ هِيَ فَتْنَةٌ

یکی از موارد کاربرد <فتنه>، محنت و بلا است و برداشت بالا مبتنی بر این معنا است. بر این اساس می توان گفت: برخورداری از آسودگی و نعمت ها، به همراه این تصور که آنها ناشی از دانش بشری است نه لطف الهی، نه تنها برای بشر نعمت نیست؛ بلکه در دنیا و آخرت نقت و بلا خواهد بود. گفتنی است آیه بعد که از روبه رو شدن مرفهان بی خبر از خدا با عذاب و بدبختی و کارساز نبودن برخورداری های آنان، سخن می گوید مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۳، ۱۵

۱۳ - ناسپاسی ، رفتاری ریشه دار در انسان ها و خصلتی مشترک میان آنان

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

تصریح به لفظ <ناس> در جمله <و لکن اکثر الناس لایشکرون> به جای ضمیر <هم> که به <الناس> قبل بازمی گردد می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۱۵ - عبادت غیر خدا و حاجت خواهی از غیر او ، کفران نعمت های الهی است .

قَالَ رَبِّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ .. اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ آيَاتٍ ... وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ - غرور دنیاگرایان ، موجب ناسپاسی آنان نسبت به خداوند

لَيَقُولُنَّ هَذَا لِي .. وَلَئِن رَّجَعْتَ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لِلْحَسَنَىٰ

بنابراین که

لام در <هدالی> و <إن لی> افاده استحقاق کند، روشن می شود که دنیاگرایان خود را مستحق برخورداری از نعمت های دنیوی و اخروی می دانند و بدین جهت خویشان را موظف به سپاس گزاری در برابر خداوند نمی بینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۲۰

۲۰ - نسبت دادن ناگواری ها و سختی های زندگی به خداوند ، کفران و ناسپاسی است .

بما قدّمت أیدیهم فإنّ الإنسن کفور

خداوند باتصریح به <بما قدّمت أیدیهم>، درصدد رفع این اندیشه باطل است که معمولاً انسان های سطحی، مشکلات زندگی خود را به او نسبت می دهند و احتمال نمی دهند که نتیجه کارهای خودشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۸

۸ - ناخرسندی از داشتن فرزند دختر یا پسر ، کفران نعمت الهی و ناخرسندی از مشیت و موهبت او است .

فإنّ الإنسن کفور .. یهب لمن یشاء إنثاً و یهب لمن یشاء الذکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۷

۷ - پرستش مخلوقات خدا (فرشتگان) و فرزند او انگاشتن آنان ، اقدامی ناسپاسانه و کفرآمیز

و جعلوا له .. إنّ الإنسن لکفور مبین

با توجه به فضای آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان مکه فرشتگان را فرزند خدا می دانستند و آنان را مورد پرستش قرار می دادند. خداوند، پس از یاد کردن نعمت های خویش، این پندار را نمونه بارز ناسپاسی می شمارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعيننا جزاء لمن كان كفر

مراد از <لمن كان كفر> نوح است که مورد کفران مستمر قومش قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۰ - ۴

۴ - نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر ناسپاسی آنان در برابر نعمت های الهی

أفراء يتم الماء .. فلولا تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۶

۶ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله <إلا من تولّى و كفر > يريد من لم يتعظ و لم يصدّقك و جحد ربوبيتي و كفر نعمتي .. ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <إلا من تولّى و كفر> روایت شده است: مقصود کسی است که موعظه نمی پذیرد و تو را [ای محمد] تصدیق نمی کند و پروردگاری مرا منکر است و نعمت من را کفران می کند..<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۷ - ۶

۶ - گرفتاری به طغیان ، برای کسانی که در سایه کرم خداوند و به کمک علوم خدادادی ، به ثروت رسیده و خود را بی نیاز می بینند ، خلاف انتظار و واکنشی ناشایست در برابر نعمت های الهی است .

الأكرم . الذي علم ...

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . أَنْ رءَاهُ اسْتَغْنَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۱،۷

۱ - انسان ، دارای طبیعتی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

<ال> در <الإنسان> برای جنس است و بر استغراق افراد دلالت دارد. <کنود>، به معنای کفور است. برخی از قبایل عرب، آن را در معنای <عاصی> به کار می برند. اسناد این خصلت به عموم مردم، به معنای گرفتار بودن نوع انسان ها به آن است.

۷ - خداوند ، در تأکید بر ناسپاس بودن نوع انسان ها ، به اسبان تیزپای مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العدیت إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

این آیه و دو آیه بعد که عطف بر آن است، جواب سوگندهایی است که در آغاز سوره آمده بود.

كفران نعمت اكثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۱

۱۱ - بیشتر مردم ، نسبت به نعمت ها و احسان های خداوند ، شاکر و سپاس گزار نیستند .

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

كفران نعمت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۴،۱۳

۱۳ - انسان در برابر نعمت های بیکران الهی ، بسیار ستم پیشه و ناسپاس است .

و إن تعدّوا نعمت الله لا تحصوها إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ

<ظلوم> و <كفّار> صیغه مبالغه است و بر کثرت و فراوانی معنای خود دلالت دارد.

۱۴- انسان به خویشتن ستمکار و در برابر نعمت و احسان ، بسیار ناسپاس است .

و إن تعدّوا

نعمت الله لا تحصوها إنّ الإنسان لظّالوم كفّار

مقصود از <ظّالوم> بودن انسان، به قرینه بیان نعمتها و داده های الهی به وی، ظلم به خویشتن است.

کفران نعمت در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۵

۵- قرار گرفتن جامعه در معرض کفران نعمت های الهی پس از آسایش و رفاه مادی

قریه کانت ءامنه مطمئنّه یأتیها رزقها رغداً .. فکفرت بأنعم الله

کفران نعمت قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱

۱ - راه افتادن سیل بنیان کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبأ ، کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلّناهم بجنّتهم .. ذلك جزینهم بما كفروا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش، احتمال دارد مراد از <کفروا> کفران باشد.

کفران نعمت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة قليلاً ما تشكرون

کفران نعمت مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - ناسپاسی انسان ها در برابر آسودگی ها و نعمت های الهی ، دارای پیشینه طولانی در تاریخ قشر مرفه و متنعم جامعه

قال إنّما أُوتيتهُ على علم .. قد قالها الذين من قبلهم

۴ - همسانی طرز تلقی

مرفهان ناسپاس از دنیا و نعمت های آن ، و یگانگی موضع آنان در برابر اندیشه توحیدی پیامبران

قال إنما أوتيته على علم .. قد قالها الذين من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۷

۷ - همسانی سرنوشت هلاکت بارِ مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذين من قبلهم .. فأصابهم سيئات ما كسبوا و الذين ظلموا من هؤلاء سيصي

كفران نعمت مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۴

۴ - مشركان ، به رغم كفران نعمت های خداوند ، از امکانات و وسایل آسایش در دنیا ، بهره مندند .

هم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم و ليتمتعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲۰

۲۰ - مشركان ، مردمی دروغ پرداز و ناسپاس

و الذين اتخذوا من دونه أولياء .. إن الله لا يهدي من هو كذب كفار

كفران نعمت مشركان مكه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۸

۸ - مشركان مكه ، به نعمت های خداوند ، كفر ورزیدند .

هم يشركون .. و بنعمه الله يكفرون

کمی شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۴

۱۴ - انسان ها ، کم و اندک شکر گزار نعمت های خداوندند .

قلیلاً ما تشکرون

<قلیلاً> صفت موصوف محذوفی مانند واژه <شکراً> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- سپاس و شکر انسان ها در برابر نعمت های الهی ، بسیار اندک و ناچیز است .

قلیلاً ما تشکرون

کیفر کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۹

۹ عذاب خوارکننده ، کیفر کسانی که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند .

و یکتمون ما اتیهم الله من فضله و اعتدنا للكافرين عذاباً مهیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۶

۶- مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان مطلع خواهند شد .

بربهم یشرکون .. فتمتعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۷، ۷

۷- کمترین کیفر الهی برای جامعه ناسپاس ، پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی فراگیر است . *

فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <اذاق> اشاره به چشاندن و ظاهر ساختن گوشه ای از کیفر باشد و <لباس> اشاره به اثرات و فراگیری آن کیفر داشته باشد.

۱۷- > عن أبي عبد الله (ع) قال: ... ان أهل قريه ممن كان قبلکم کان الله قد أوسع عليهم حتی طغوا فقال بعضهم لبعض: لو عمدنا إلى شيء من هذا النقی فجعلناه نستنجی به کان ألین علينا من الحجاره فلما فعلوا ذلك بعث الله علی أرضهم دواباً أصغر من الجراد فلم يدع لهم شيئاً خلقه الله ... إلا أكله من شجر أو غيره فبلغ بهم

الجحد إلى أن أقبلوا على الذی كانوا یستنجون به فأكلوه و هی القریه التي قال الله : > ضرب الله مثلاً قریه كانت آمنه مطمئنّه یأتیها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع و الخوف بما كانوا یصنعون < ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود:.. قبل از شما اهل قریه ای بودند که خداوند در زندگی به آنان کشایش داده بود تا اینکه طغیان کردند و بعضی به بعض دیگر گفتند: اگر به چیزی از این نانها روی آوریم و آن را وسیله استنجا قرار دهیم، برای ما از سنگ نرم تر خواهد بود و چون چنین کردند، خداوند جنبنده های کوچک تر از ملخ را بر سرزمینهای آنان فرستاد و آنها همه چیزهایی که خداوند آفریده بود از درخت و غیر آن خوردند. در نتیجه سختی به جایی رسید که آنان به همان نانهایی که با آن استنجا کرده بودند، روی آوردند و آنها را خوردند و آن همان قریه ای است که خداوند فرموده است: ضرب الله مثلاً قریه كانت آمنه مطمئنّه ...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان ، مطلع خواهند شد .

بربهم یشرکون . . فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۱۹ - ۳۴ - ۷

۷ - مردم سبأ ، به دنبال کفران نعمت های خدا و جاری شدن سیل سد مأرب ، به طور کلی متلاشی و پراکنده شدند .

فأعرضوا فأرسلنا علیهم

سیل العرم... و مَزَقْنَهُمْ كُلَّ مَزَقٍ

<مزق> در لغت به معنای پاره کردن و از بین بردن اثر آمده و در آیه پراکندن در اطراف و اکناف بلاد است (مجمع البحرین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۵

۵ - مؤثر نبودن اموال و برخورداری های انسان های ناسپاس در برابر نتایج ناگوار و پیامدهای هلاکت بار ناسپاسی (عذاب)

فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

کارساز نبودن دارایی ها و نعمت ها به قرینه صدر آیه بعد (فأصابهم سيئات ما كسبوا) در ارتباط با عذاب و پیامدهای هلاکت بار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۶

۶ - کفران نعمت ، مایه استحقاق شدیدترین عقوبت ها است .

قتل الإنسان ما أکفره

مراد از <کفر> در <ما أکفره> ممکن است کفران نعمت های خداوند باشد که آیات بعد به بعضی از آنها اشاره دارد. نفرین <قتل الإنسان> در معنای عرفی آن که بیان استحقاق شدیدترین عقوبت ها می باشد استعمال شده است.

کیفیت استفاده از نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۹

۹- ضرورت به کارگیری امکانات و موهبت های خداوند در جهت تعیین شده از جانب او

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذي من الجبال بيوتاً... ثم كلي من كل الثمرات فاسلكي

گریه مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۸،۱۹

۱۸ - خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع

آیات الهی ، نشانه بر خورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ... إِذَا تَلَى عَلَيْهِمْ آيَةَ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَب

<إِذَا تَلَى> خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای <أُولَئِكَ> است؛ یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و مَمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تَلَى عَلَيْهِمْ آيَةَ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبَكِيًّا

گناه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ - طغیان در مورد نعمت های خداوند و خروج از مرز تعادل ، گناهی است بس بزرگ .

و لَا تَطْغَوْا ... وَ مَنْ يَحِلَلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى

غضب خداوند بر طغیان گران در مورد نعمت ها، نشانه بزرگی گناه آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۹

۹ - کفران نعمت های الهی ، گناهی بس بزرگ و غیر قابل بخشش در پیشگاه خداوند

و هَلْ نَجْزِي إِلَّا الْكُفُورَ

تأکید خداوند بر این که تنها کفران کنندگان نعمت ها، مورد مجازات قرار می گیرند، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۶

۶ - سپاس نعمت های الهی و اعتراف به آن ، تکلیفی بس مهم و انکار و ناسپاسی آن ، گناهی بس عظیم

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

از ده ها بار تکرار <فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا...> در این

سوره، می توان برداشت بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۳

۳ - هدایت ، نعمتی است بزرگ و کفران آن ، گناهی عظیم و نابخشودنی است .

إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ . . . إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ ... سَعِيرًا

از مهیا شدن عذاب سخت برای ناسپاسان نعمت هدایت، برداشت بالا به دست می آید.

مالک خزاین نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۷

۷ نعمت های هستی و گنجینه های آن ، به تمامی از آن خدا و در اختیار اوست .

خزائن الله

محدوده استفاده از نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۲۲

۲۲ - اباحه بهره گیری از نعمت های الهی تا آن جاست که به فساد در زمین نینجامد .

كلوا و اشربوا من رزق الله و لاتعثوا فی الارض مفسدین

نهی از فسادگری پس از توصیه به بهره گیری از خوراکیها و نوشیدنیها، به منزله قیدی است برای آن توصیه.

محدودیت استفاده از نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۱۲

۱۲- زندگی انسان در دنیا ، محدود و بهره‌وری او از نعمت های دنیوی ، اندک و تا زمان معین است .

أثنا و متعاً إلى حين

محرومان از نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۰ - ۳

۳- ربوبیت پروردگار ، مقتضی سلب نعمت از فخر فروشان و مشرکان دل بسته به دنیا و اعطای نعمتی افزون

تر به موحدان است ،

فَعَسَى رَبِّي أَن يُؤْتِنَ خَيْرًا مِّنْ جُنَّتِكَ وَيُرْسِلْ عَلَيْهَا حِسَابًا مِّنَ السَّمَاءِ

محرومان از نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۴

۴ - نقض کنندگان پیمان های الهی ، از سرای آخرت و نعمت های آن نصیبی نخواهند داشت .

إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ .. . أَوْلَيْتُكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ

<أَوْلَيْتُكَ> اشاره به همه گروههایی است که در آیه قبل، اعمال و رفتار ناپسندشان بیان شد؛ از جمله: نقض کنندگان پیمان الهی، قاتلان همکیشان و .. .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۰، ۴۱، ۴۹

۴۰ - کسانی که علم سحر را برای سوء استفاده و ضرر رسانی فراگیرند ، از مواهب آخرت محروم خواهند شد .

و لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَالَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ

ضمیر مفعولی در <اشتراه> به <ما يضرهم ولا ينفعهم> - که مراد آن سحرهای زیان آور است - بر می گردد.

۴۱ - یهود در عین آگاهی به اینکه فراگیری سحر موجب محروم شدن آنان از همه مواهب اخروی خواهد شد ، به آموزش آن پرداختند .

و لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَالَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ

<خلاق> به معنای بهره وافر و نصیب نیکوست. نکره بودن کلمه <خلاق> به همراه <من> زائیده، دلالت بر قلت دارد و ظاهر آن است که ضمیر در <علموا> به یهودیان بر می گردد.

۴۹ - یهودیان ساحر ، علی رغم اطمینانشان به محروم بودن از سرای آخرت ، محرومیت خویش را انکار می کردند .

لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَالَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ

جمله بالام قسم (لقد) و نیز لام تأکید (لمن) گویای این است که: یهودیان ساحر، حقیقتی را که بدان علم داشتند، مورد انکار قرار می دادند؛ زیرا تأکید جمله غالباً در مواردی است که مضمون آن مورد انکار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - دنیامداران ، محروم از هرگونه بهره اخروی

و ما له فی الآخره من نصیب

محرومیت از نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۵

۵ - ابراهیم (ع) از خداوند خواست تا کافران مکه را از روزی های خویش بهره مند نسازد .

و ارزق . . . من ءامن منهم بالله و الیوم الآخر

<من ءامن> به عنوان بدل برای <أهله> بیانگر مقصود ابراهیم(ع) از کلمه <أهله> است. آن حضرت با آوردن <من ءامن> اشاره به این معنا دارد که: خواهان اعطای ثمرات به کافران مکه نیست.

محرومیت از نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۵،۴۶،۴۹

۴۵ - تباه شدن آدمی به محرومیت از مواهب آخرت است .

ماله فی الآخره من خلق و لبئس ماشروا به أنفسهم

۴۶ - یهودیان ، ناآگاه به سودای زیانبار خویش (از دست دادن آخرت و دستیابی به منافع سحر)

لبئس ماشروا به أنفسهم لو كانوا یعلمون

مفعول <یعلمون> - به دلیل قبل - زیانباری فروختن مواهب آخرت در مقابل منافع دنیوی است؛ یعنی، ای کاش! می دانستند

که این داد و ستد برای آنان زیانبار است.

۴۹ - یهودیان ساحر ، علی رغم

اطمینانشان به محروم بودن از سرای آخرت ، محرومیت خویش را انکار می کردند .

لقد علموا لمن اشتريه ماله في الآخرة من خلق

تأکید جمله با لام قسم (لقد) و نیز لام تأکید (لمن) گویای این است که: یهودیان ساحر، حقیقتی را که بدان علم داشتند، مورد انکار قرار می دادند؛ زیرا تأکید جمله غالباً در مواردی است که مضمون آن مورد انکار باشد.

محرومیت کافران از نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۴

۴ - ابراهیم (ع) ، کفرپیشگان مکه را شایسته بهره مند شدن از روزی های الهی نمی دانست .

و ارزق .. من ءامن منهم بالله و اليوم الآخر

مراتب کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۸

۸ - کفر ، ناسپاسی شدید است و کافران ، مردمی بس ناسپاس اند .

و الذين كفروا لهم نار جهنم .. كذلك نجزي كل كفور

مراتب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۴

۴ - دستیابی انسان ها به هدایت و کامل شدن نعمت الهی بر ایشان ، از اهداف بعثت پیامبر (ص) است .

فولوا وجوهكم شطره .. و لعلکم تهتدون. كما أرسلنا فيکم رسولا

چنانچه <كما أرسلنا ..> بیانگر تشبیه مسأله تغییر قبله به رسالت پیامبر (ص) باشد؛ <لأتم نعمتی علیکم و لعلکم تهتدون> گویای وجه شبه است؛ یعنی، همان گونه که بعثت پیامبر برای اتمام نعمت بر بندگان و دستیابی آنان به هدایت می باشد، تغییر

قبله نیز دارای چنین هدفها و نتایجی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۹

۹ اسلام و ایمان، نعمت و رحمتی بزرگ از جانب خداوند.

أَهْوَلَاءَ مَنِ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا

<مَنْ> در لغت به معنای <أنعم> آمده است. <مَنْ عَلَيْهِ مَنَّا... أنعم>. (قاموس اللغة). اگر چه این جمله نقل گفتار مشرکان است، ولی مطلبی است که قرآن آن را نقل کرده و آن را رد نکرده است. بنابراین اسلام و ایمان نعمتی ویژه و برجسته است که خداوند به مؤمنان عطا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۴

۴ شب و روز، دو نعمت بزرگ الهی و مؤثر در استمرار حیات انسانی

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۶

۶ خداوند یوسف (ع) و بنیامین را از نعمتی بزرگ بهره مند ساخت.

قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا

<مَنْ> به معنای احسان کردن و نعمت بخشیدن است. در <مفردات راغب> آمده که <مَنَّه> به معنای نعمت گران سنگ است. مراد از ضمیر در <علینا> به قرینه جمله بعد (إنه من يتق...) که تعلیل برای <قد مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا> است یوسف(ع) و بنیامین می باشد نه همه برادران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۲، ۲۰، ۷

۷ بهره مند شدن از قدرت و مکنّت از نعمت های بزرگ الهی است .

رب قءاتیتنی من

از آن جا که یوسف(ع) در مقام سپاسگزاری و بیان الطاف خداوند است ، معلوم می شود: آنچه نام برده از نعمتهای الهی است و از اینکه در میان نعمتهای بی شمار الهی چندین نعمت را یادآور شده است ، عظمت و بزرگی آنها را می توان استفاده کرد.

۲۰ تسلیم خدا بودن تا پایان عمر ، از نعمت های بزرگ الهی است .

توفنی مسلماً

جمله <مرا در حال تسلیم بمیران > (توفنی مسلماً) کنایه از این است که من همواره تسلیم تو باشم به گونه ای که در هر لحظه و شرایطی که جان دادم ، با این وصف قرین بوده باشم.

۲۲ زیستن با صالحان در سرای آخرت از نعمت های گران سنگ الهی است .

و ألحقتنی بالصلحین

جمله <ألحقتنی > پس از <توفنی مسلماً > می رساند که مراد از الحاق ، الحاق در قیامت و سرای آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۷

۷- رهایی بنی اسرائیل از ظلم و ستم فرعونیان ، نعمتی بزرگ برای آنان و شایسته شکرگزاری

إذ أنجکم من آل فرعون .. و إذ تأذن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم

عبارت <إذ تأذن ربکم > ادامه کلام موسی(ع) است که نجات بنی اسرائیل از چنگال فرعونیان را به آنان یادآوری کرد. با این کلام، موسی(ع) به طور تلویحی به بنی اسرائیل متذکر شده که نجات آنان، نعمت خدادادی و مستلزم شکرگزاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۹، ۸، ۷، ۵، ۴

۴- خداوند به هر کس که بخواهد نعمتی بزرگ عطا می کند .

و لکن الله یمن علی من

<مَنْت> در لغت به معنای نعمت سنگین و بزرگ است.

۵- انبیای الهی، برگزیدگی خویش را از سوی خداوند به مقام پیامبری، نعمتی بزرگ از سوی او بر خود می دانستند.

و لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

۷- مقام پیامبری، موهبت و نعمتی بزرگ از سوی خداوند برای بندگانی خاص است.

و لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

۸- انبیا دارای تواضع خاص و ادبی ویژه در اعلام برخوردار می‌باشند از موهبت بزرگ الهی

إِن نَّحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

از اینکه انبیا برای بیان برخوردار می‌باشند از نعمت خداوند به جای اینکه بگویند: ما دارای چنین مقام و نعمتی هستیم، می‌گفتند: خداوند چنین تفضلی کرده است، برداشت فوق به دست می‌آید.

۹- انسان‌ها دارای رتبه و درجات متفاوت در برخوردار می‌باشند از نعمت‌های بزرگ خداوند

إِن نَّحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

پیامبران به همانندی خویش با مردم از جهت بشر بودن معترف بودند و همچنین یادآوری می‌کردند که آنان این تفاوت را با سایر انسانها دارند که از موهبت ویژه خداوند برخوردار شده‌اند و این، از تفاوت رتبه انسانها حکایت می‌کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۴

۴- قرآن، کتابی است با عظمت و نعمتی بزرگ

و لقد آتینک .. و القرءان العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۱۴

۱۴- وارث صالح و شایسته، نعمتی بزرگ و گوهری

ارزشمند است .

یرثنی .. واجعله ربّ رضیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۷ - ۱،۳،۴

۱ - برآورده شدن خواسته های موسی (ع) در وادی طوی ، نعمتی سنگین از جانب خداوند بر آن حضرت بود .

قد أتیت سؤلک یموسی .. و لقد منّا علیک مرّه أُخری

<منّه> به معنای نعمت سنگین است (مفردات راغب).

۳ - برخورداری موسی (ع) از نعمت بزرگ خداوند در گذشته ، مایه اطمینان او به اجابت حتمی خواسته هایش در وادی طوی بود .

و لقد منّا علیک مرّه أُخری

تعبیر <لقد> نشانه سوگند است. خبر از گذشته همراه با تأکید، برای ایجاد اطمینان نسبت به وعده های مربوط به آینده (أوتیت سؤلک) است.

۴ - نعمت عطا شده به موسی (ع) در کوه طور ، هم سان نعمت گران قدری بود که در گذشته موسی (ع) به او عطا شده بود .

و لقد منّا علیک مرّه أُخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۸ - ۳

۳ - وحی و پیام خداوند به مادر موسی (ع) از نعمت های بزرگ او به موسی (ع) بود .

و لقد منّا .. إذ أوحینا إلی أمّک مایوحی

<إذ> ظرف است برای <منّا> یعنی نعمت بزرگی که در آیه قبل یاد شد، در آن زمان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ - حفظ جان موسی (ع) در کودکی ، با طرح افکندن او

به آب و القای محبتش در دل فرعونیان و نظارت بر تربیت و رشد او ، نعمت هایی گران سنگ از جانب خداوند به آن حضرت

مِنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى .. . أَنْ أَقْذِفِيهِ ... وَ لَتَصْنَعُ عَلِيَّ عَيْنِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۲۳

۲۳ - رهایی موسی (ع) از عواقب و خیم قتل نفس ، نعمتی بزرگ از جانب خداوند بر آن حضرت بود .

و قتلت نفسًا فنجینک من الغم

<قتلت> عطف بر <لقد منّا> در آیات قبل است و بازگوکننده منت و نعمت جدیدی پس از یاد نعمت رهایی موسی(ع) از مشکلات دوران ولادت خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ - نجات از چنگال دشمن ستمگر و نابودی او ، اعطای مکتب و برنامه زندگی و تأمین ارزاق ، از بزرگ ترین نعمت های الهی است .

أَنْجِينَكُمْ .. . وَعَدْنَكُمْ ... نَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى

امتنان به بنی اسرائیل در قالب سه نوع نعمت در آیه بیان شده است: نجات، اعطای برنامه زندگی در طور (تورات) و تأمین رزق آنان. از این رو معلوم می شود که این سه امر، از نعمت های بزرگ الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۱۲

۱۲- نجات از جامعه فاسد و ناپاک ، نعمتی بزرگ و درخور شکر و سپاس است .

و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سُوءِ فَسْقِينَ

آیه شریفه در مقام امتنان بر حضرت لوط(ع) است. بنابراین نجات

از دست قوم فاسد، نعمتی است که خداوند با آن کار بر حضرت لوط(ع) منت نهاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۸

۸ - علم و قدرت ، دو نعمت بزرگ الهی و درخور شکر و سپاس

و لقد آتینا داود و سلیمان علمًا. .. و آتینا من کلّ شیء... و قال ربّ أوزعنی أن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۷

۷ - برقرار شدن نظام شب و روز در جهت تأمین نیازها و منافع انسان ها ، نعمتی بزرگ و سزاوار شکر و سپاس الهی

و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۶

۶ - شتر ، گاو و گوسفند ، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود زندگی وی

أولم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن <أنعام> از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۴،۶

۴ - نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان از شر حکومت فرعونیان ، از احسان ها و نعمت های بزرگ الهی به

آنان

و لقد منّنا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

۶ - آزادی از ستم نظام ستمگر و نجات از مشکلات اندوه بار آن ، از

نعمت های بزرگ الهی

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۳

۳ - نصرت خداوند به موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان و نیز پیروزی آنان بر فرعونیان در سایه این یاری، از نعمت های بزرگ الهی بر ایشان بود.

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجّینهما... و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۷ - ۴

۴ - اعطای کتاب (تورات) به موسی و هارون (علیهماالسلام)، از نعمت های بزرگ الهی به ایشان

و لقد منّا علی موسی و هرون . . . و آتینهما الکتاب المستبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۸ - ۲

۲ - هدایت به صراط مستقیم، از نعمت های بزرگ خداوند به موسی و هارون (علیهماالسلام)

و لقد منّا علی موسی و هرون . . . و هدینهما الصراط المستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۹

۹ - قرآن، نعمتی بزرگ و فرو فرستنده آن شایسته ستایش و قدردانی است.

تنزیل من حکیم حمید

به کارگیری وصف <حمید> برای خداوند پس از بیان نزول قرآن می تواند از یکسو عظمت قرآن و نعمت بودن آن را بفهماند و از سوی دیگر کرنش و فروتنی انسان در برابر خدا را افاده کند.

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۷

۱۷- غفران و خوشنودی پروردگار از بهشتیان ، نعمتی عظیم برای ایشان

فیها .. و مغفره من ربهم

در این آیه مغفرت پروردگار، همانند سایر نعمت ها، تذکر داده شده است و تنوین <مغفره> دال بر تفخیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۹

۹ - صلح با مشرکان ، در شرایط سخت و دشوار مکه ، نعمتی بزرگ و راه گشای حرکت های سرنوشت ساز بعدی پیامبر (ص) *

فتحنا لك فتحًا .. و يتم نعمته عليك و يهديك صراطًا مستقيمًا

با توجه به این که صلح حدیبیه، در شرایط دشوار صورت گرفته است؛ احتمال می رود که نعمت شمرده شدن آن، از این جهت بوده که فرصتی برای تجدید قوا پدید آورده و راه را به سوی حرکت های مهم بعدی گشوده است (و یهدیک صراطاً مستقیماً).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۶

۶ - رهایی از عذاب دوزخ در پرتو ربوبیت خداوند ، خود نعمتی بزرگ برای تقوایپیشگان

و وقیهم ربهم عذاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۳

۳ - تعلیم قرآن ، نعمت و ارزشی فراتر از اصل خلقت انسان و نعمت های دیگر

علم القرآن . خلق الإنسن

سوره <الرحمان>، حاوی بیان انواع نعمت هایی است که خداوند به انسان عطا کرده است. از این که مسأله تعلیم قرآن، سرآغاز همه نعمت ها و حتی آفرینش انسان قرار گرفته، مطلب

بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۵

۵ - باران فروان و پی در پی ، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر

یرسل السماء علیکم مدرارًا

یادآوری نزول باران، به عنوان نخستین ثمره استغفار و ایمان، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۸

۸ - هدایت ، نعمتی بزرگ و شایسته سپاس گذاری است .

إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا

از این که در آیه شریفه، به مؤمن هدایت یافته، <شاکر> گفته شده است، استفاده می شود که هدایت نعمتی در خور سپاس گذاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۳

۳ - هدایت ، نعمتی است بزرگ و کفران آن ، گناهی عظیم و نابخشودنی است .

إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ .. إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ ... سَعِيرًا

از مهیا شدن عذاب سخت برای ناسپاسان نعمت هدایت، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۸ - ۱

۱ - دو چشم انسان ، عطای خداوند و نعمتی بزرگ است .

ألم نجعل له عينين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۹

۹ - برطرف شدن تاریکی با طلوع سپیده دم ، نعمتی بزرگ از جانب خداوند

بربّ الفلق

مراد از شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۱۳

۱۳ - > عن أبي عبدالله (ع

(قال : شكر النعمة إجتناج المحارم و تمام الشكر قول الرجل الحمد لله رب العالمين ;

از امام صادق(ع) روايت شده است كه فرمود: شكر نعمت پرهيز از محرمات است و شكر كامل، سخن كسى است كه مى گويد: الحمد لله رب العالمين < .

مسؤوليت مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۹

۱۹ برخورداران از نعمت و عزت و مكنت ، بايد به خدادادى بودن آنها توجه داشته و بدان اقرار كنند .

قد منّ الله علينا إنه من يتق و يصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۹ - ۲

۲- برخورداران نعمت ، بايد به مبدأ يگانه نعمت آفرين ، توجه داشته باشند و از دل بستگى به نعمت ها و غفلت از ياد خدا ، پرهيز كنند .

و لولا إذ دخلت جنتك قلت ما شاء الله لا قوه إلا بالله

مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۱۳

۱۳ - از امام صادق (ع) روايت شده كه فرمود : < ... > < الصراط المستقيم > صراط الأنبياء و هم الذين أنعم الله عليهم ;

.. < صراط المستقيم > راه انبياست و آنانند كه خداوند به آنها نعمت بخشيده است < .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - حمد - ۱ - ۷ - ۹،۱۰

۹- نعمت داده شدگان (هدایت یافتگان) ، کسانی هستند که مورد غضب خدا واقع نشده و به گمراهی

گرایش نداشته باشند .

صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالّین

برداشت فوق بر این مبناست که <غیر المغضوب> صفت توضیحی یا بدل و عطف بیان برای <الذین> باشد.

۱۰ - < عن جعفر بن محمد (ع) قال : قول الله عز و جل في الحمد > صراط الذین أنعمت علیهم < یعنی ، محمداً و ذریته صلوات الله علیهم >

از امام صادق (ع) درباره <صراط الذین أنعمت علیهم> در سوره حمد روایت شده که مراد از <الذین أنعمت علیهم> حضرت محمد (ص) و ذریه او می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۲

۲ شمول نعمت و فضل بزرگ الهی بر مؤمنان شرکت کننده در غزوه حمراء الاسد یا بدر صغرا ، عامل آسیب ندیدن آنان

فانقلبوا بنعمه من الله و فضل لم یمسسهم سوء

در برداشت فوق <باء> در <بنعمه> ، سببیه و متعلق به <انقلبوا> ، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۴

۴ پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان برخوردار از نعمت عظیم الهی

و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم .. و الصالحین

تصریح به اسم جلاله <الله> در جمله <انعم الله علیهم> ، دلالت بر عظمت آن نعمت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱ - ۴

۴ دفع توطئه های دشمنان اسلام ، از نعمت های خداوند بر مؤمنان

اذکروا نعمت الله علیکم اذ هم .. فکف ایدیهم عنکم

جمله <اذ... فكف>

بیان <نعمت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۶،۲۱

۶ یوشع و کالب ، مردانی بهره مند از نعمت های خداوند

قال رجالان .. انعم الله عليهما

۲۱ بهره مندان از نعمت الهی ، تنها بر خداوند متکی هستند و مہیای پیکار در راه او و فراخوان مردم به جهاد و توکل .

قال رجالان من الذين يخافون انعم الله عليهما ادخلوا .. و على الله فتوكلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۱۸، ۱۵، ۱۴، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ عیسی (ع) و مادرش مریم بهره مند از نعمت های خاص الهی

اذ قال الله يعيسى ابن مریم اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک

۲ حضرت مسیح (ع) ، وظیفه دار یاد کرد نعمت های ارزانی شده بر وی و مادرش مریم

اذ قال الله يعيسى ابن مریم اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک

۴ خداوند ، در روز قیامت و در مجمع پیامبران ، نعمت های ارزانی شده به عیسی و مادرش مریم رابه وی یادآوری خواهد کرد .

یوم یجمع الله الرسل فیقول .. اذ قال الله يعيسى ابن مریم اذکر نعمتی علیک و علی

کلمه <اذ> در <اذ قال الله> بدل اشتمال برای کلمه <یوم ..> می باشد.

۵ نعمت های ویژه ارزانی شده به عیسی (ع) ، به منزله نعمتهایی الهی برای مادرش مریم

اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک

نعمتهای شمرده شده در این بخش از آیات نعمتهایی است که خداوند به عیسی(ع) عطا کرده است و از نعمتهای ویژه خداوند

مریم سخنی به میان نیامده است، بنابراین می توان گفت عطای آن نعمتها به عیسی(ع) به منزله عطای آنها به مادرش مریم است.

۱۴ گفتگوی عیسی (ع) با مردم در گهواره ، از نعمت های خاص الهی به مادرش مریم .

اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک . . . تکلم الناس فی المهد و کھلا

۱۵ عیسی (ع) و مشخصات بارز و برجسته او ، نعمتی الهی برای مریم

اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک اذ ایدتک بروح القدس . . . اذ جتھم بالبینت

به نظر می رسد یاد نکردن از نعمتهای داده شده به مریم، با آنکه عنوان <نعمتی علیک و ولدتک > مقتضی یاد کردن از آنها نیز بود، اشاره به این حقیقت دارد که خود عیسی(ع) و مشخصات یاد شده وی همان نعمتی است که خداوند به مریم (ع) عطا کرده است.

۱۸ آگاهی مسیح به کتاب و حکمت و تورات و انجیل ، از نعمت های خاص خدا به آن حضرت

و اذ علمتک الکتب و الحکمہ و التوریه و الانجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۲

۲ مؤمنان هجرت کننده و مجاهد ، برخوردار از زندگی جاودان در باغ های سرشار از نعمت ، در سرای بهشت

الذین ءامنوا و هاجروا و جھدوا . . . و جنت لهم فیها نعیم مقیم . خلدین فیها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۵۸

۵ برخورداری جامعه های مؤمن و موحد از سلامتی و نعمت های فراوان ، بشارت خداوند به حضرت نوح (ع)

اهبط بسلم منا و برکت علیک و علی أمم ممن معک

<علی أمم> عطف بر <علیک> است؛ یعنی: سلام و برکات منا علی أمم. مراد از <أمم ممن معک> به قرینه مقابله آن با <أمم سنمتعهم> امتهای و جامعه های موحد و مؤمن هستند.

۸ خداوند ، متاع های دنیوی را از کافران دریغ نمی کند .

و أمم سنمتعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰ کامل شدن نعمت الهی بر یوسف و خاندان یعقوب ، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف (ع) .

و یتیم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

۱۱ یعقوب (ع) از رؤیای یوسف دریافت که خداوند نعمت کامل خویش را بر یوسف (ع) و خاندان یعقوب ، ارزانی خواهد داشت .

ینی رأیت أحد عشر کوبجا .. یتیم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

۱۲ خداوند به واسطه یوسف (ع) ، نعمت کامل و تمام خویش را بر خاندان یعقوب ارزانی داشت .

و کذلک .. و یتیم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

یوسف (ع) از خاندان یعقوب (ع) بود و <آل یعقوب> شامل او نیز می شد. بنابراین آوردن <علیک> و عطف کردن <آل یعقوب> بر آن، می تواند حاکی از نکته ای باشد که در برداشت فوق آمده است. قابل ذکر است که تأویل ستارگان، ماه و خورشید بر برادران و پدر و مادر یوسف (ع) مؤید آن نکته است.

۱۳ ابراهیم و اسحاق (ع) از نعمت کامل و تمام الهی برخوردار بودند .

كما أتمها علی أبویک من قبل إبرهیم و إسحق

۱۴ نعمتهایی

که خداوند به یوسف (ع) و آل یعقوب ارزانی داشت ، مسانخ و هم طراز نعمتهایی بود که به ابراهیم و اسحاق (ع) اعطا کرده بود .

یتیم نعمته علیک .. . كما أتمها علی أبویک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۳

۱۳ قدرت و مکنت دانشمندان نیکوکار ، نعمت و رحمت الهی بر آنان است .

إنی حفیظ علیم. و كذلك مکنا لیوسف ... نصیب برحمتنا من نشاء

از مصداقهای رحمت الهی (رحمتنا) به قرینه <مکنا لیوسف فی الأرض> دستیابی انسانهایی چون یوسف (ع) به قدرت و مکنت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۶

۶ خداوند یوسف (ع) و بنیامین را از نعمتی بزرگ بهره مند ساخت .

قد منّ الله علینا

<منّ> به معنای احسان کردن و نعمت بخشیدن است. در <مفردات راغب> آمده که <مته> به معنای نعمت گران سنگ است. مراد از ضمیر در <علینا> به قرینه جمله بعد (إنه من یتق ...) که تعلیل برای <قد منّ الله علینا> است یوسف (ع) و بنیامین می باشد نه همه برادران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۵،۷،۸

۵- انبیای الهی ، برگزیدگی خویش را از سوی خداوند به مقام پیامبری ، نعمتی بزرگ از سوی او بر خود می دانستند .

و لکنّ الله یمنّ علی من یشاء من عباده

۷- مقام پیامبری ، موهبت و نعمتی بزرگ از سوی خداوند برای بندگان خاص است .

و لكن الله يمين علي من يشاء

۸- انبیا دارای تواضع خاص و ادبی ویژه در اعلام برخورداری خویش از موهبت بزرگ الهی

إِن نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

از اینکه انبیا برای بیان برخورداری خود از نعمت خداوند به جای اینکه بگویند: ما دارای چنین مقام و نعمتی هستیم، می گفتند: خداوند چنین تفضلی کرده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۶

۶- انسان برخوردار از نعمت ها و احسان بیشمار الهی است .

و إِن تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۱

۱- ابراهیم (ع) ، برخوردار از مواهب و نیکی های خداوند در زندگی دنیوی

إِن يُرْهِيمَ كَانٌ .. و ءَاتَيْنَهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۰ - ۲،۴،۱

۱- سنت الهی بر بهره‌وری مستمر همه انسان ها (دنیاطلبان و آخرت طلبان) از مزایا و نعمت های دنیوی است .

كُلًّا نَمُدُّهُ هُوَآءَ و هُوَآءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ

<امداد> (مصدر نمود) به معنای مدد و کمک رساندن است و فعل مضارع <نمُدُّ> دلالت بر استمرار دارد.

۲- لطف و عطای خداوند در دنیا ، فراگیر همه انسان ها از مؤمن و کافر و نیک و بد

كُلًّا نَمُدُّهُ هُوَآءَ و هُوَآءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ

۴- نعمت ها و امکانات مادی ، لطف و عطای خداوند و امداد او برای آدمیان است .

كَلَّا نَمَدَّ . . من عطاء رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۰ - ۳

۳- ربوبیت پروردگار ، مقتضی سلب نعمت از فخر فروشان و مشرکان دل بسته به دنیا و اعطای نعمتی افزون تر به موحدان است ،

فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنَّا خَيْرًا مِنْ جَنَّاتِكُمْ وَ يَرْسِلَ عَلَيْهَا حَسَابًا مِنَ السَّمَاءِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۸

۸- حضرت خضر (ع) از علم مخصوص و موهبتی خداوند ، (علم لدنی) ، برخوردار بود .

و عَلَّمَنَّا مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا

<من لدنا> و <من عندنا> در معنا تفاوتی ندارند و هر دو، بر داشتن منشأ الهی، دلالت می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱،۱۲

۱- زکریا ، یحیی ، مریم ، عیسی ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل و ادریس (ع) برخوردار از نعمت ویژه خداوند

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

<وَأُولَئِكَ> اشاره به تمامی موارد ذکر شده در سوره مریم از آغاز تا این آیه است و روشن است که مراد از نعمت در جمله <أَنْعَمَ اللَّهُ ..> نعمت های معمولی و متعارف نیست، چرا که افراد دیگر نیز از این گونه نعمت ها برخوردارند. پس نعمتی که با لسان امتنان بر این گروه بیان گردیده، نعمتی ویژه است.

۱۲- خداوند به افرادی دیگر غیر از پیامبران نیز ، نعمت هایی ویژه داده است .

الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ .. وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا

<من هدینا..> عطف بر <النَّبِيِّينَ> است و می فهماند: کسانی که خداوند به آنها نعمت

داد عبادتند از: پیامبران و کسانی که از افراد هدایت یافته و منتخب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۶

۶- بهشتیان ، همواره از نعمت های بهشتی و ارزاق آن بهره مند خواهند بود .

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیاً

<صبح و عصر> می تواند کنایه از تمام وقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۷ - ۴،۳،۲،۱

۱ - برآورده شدن خواسته های موسی (ع) در وادی طوی ، نعمتی سنگین از جانب خداوند بر آن حضرت بود .

قد أتیت سؤلک یموسی .. و لقد منّا علیک مرّه أُخری

<منّه> به معنای نعمت سنگین است (مفردات راغب).

۲ - موسی (ع) پیش از گام نهادن در وادی طوی نیز مورد لطف و عنایت و مشمول نعمت سنگین خداوند شده بود .

و لقد منّا علیک مرّه أُخری

۳ - برخورداری موسی (ع) از نعمت بزرگ خداوند در گذشته ، مایه اطمینان او به اجابت حتمی خواسته هایش در وادی طوی بود .

و لقد منّا علیک مرّه أُخری

تعبیر <لقد> نشانه سوگند است. خبر از گذشته همراه با تأکید، برای ایجاد اطمینان نسبت به وعده های مربوط به آینده (أوتیت سؤلک) است.

۴ - نعمت عطا شده به موسی (ع) در کوه طور ، هم سان نعمت گران قدری بود که در گذشته موسی (ع) به او عطا شده بود .

و لقد منّا علیک مرّه أُخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۸

۳- وحی و پیام خداوند به مادر موسی (ع) از نعمت های بزرگ او به موسی (ع) بود .

و لقد منّا .. إذ أوحينا إلى أمك ما يوحى

<إذ> ظرف است برای <منّا>؛ یعنی نعمت بزرگی که در آیه قبل یاد شد، در آن زمان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۲۴

۲۴- آگاهی های پیامبر (ص)، عطیه خداوند به آن حضرت

و قل ربّ زدني علماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۲۳

۲۳- نعمت های دنیا، سرانجام در اختیار اهل تقوا قرار خواهد گرفت .

والعقبه للتقوى

ال در <العقبه> ممکن است جانشین مضاف الیه محذوف باشد که با توجه به آیه قبل، مراد <عاقبه الحياه الدنيا> خواهد بود و نیز ممکن است ال <جنسیه> باشد که در این صورت، مراد فرجام نیک خواهد بود. برداشت یاد شده بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۸

۱۸- پیشی گرفتن در کار های نیک، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران (ع)، عامل بهره مندی آنان از موهبت های الهی بود .

و لقد آیتنا موسی و هرون .. إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت ... و كانوا لنا خش

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ ضمیرهای جمع در جمله <إنهم كانوا یسارعون> .. به پیامبران باز گردد، چه

این که آیات پیشین در مورد

آنان بود. ۲ جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ...> و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ - برخی از بندگان ، از روزی فراوان و چشمگیر خدا برخوردارند .

و الله يرزق من يشاء بغير حساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ شمول و فراگیری نعمت و روزی خداوند در دنیا برای همه انسان ها ، حتی مشرکان و کافران

مَتَّعْتَهُمْ وءَابَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - پدر و مادر سلیمان ، برخوردار از نعمت های ویژه الهی

نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ وَ لِدَيَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۳

۳ - همه انسان ها (کافران و مؤمنان) ، از نعمت ها و روزی های خداوند برخوردارند .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

برداشت یاد شده، به خاطر آمدن واژه <ناس> (مردم) و نزول آیه شریفه در مکه و در آغاز بعثت که بیشتر مردم کافر و مشرک بودند به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بندگان مخلص خدا، در بوستان های پر نعمت متنعم اند .

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمَخْلُصِينَ . أُولَئِكَ ... مَكْرُمُونَ . فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - موسی و هارون (علیهما السلام) ، برخوردار از احسان ها و نعمت های خداوند

و لقد منّا علی موسی و هرون

<مَنْ> به معنای <أَحْسَنَ> (احسان کرد) و <أَنعمَ> (نعمت داد) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۴،۶

۴ - نجات موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان از شر حکومت فرعونیان ، از احسان ها و نعمت های بزرگ الهی به آنان

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نَجَّینهما و قومهما من الکرب العظیم

۶ - آزادی از ستم نظام ستمگر و نجات از مشکلات اندوه بار آن ، از نعمت های بزرگ الهی

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نَجَّینهما و قومهما من الکرب العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۹ - ۲

۲ - باقی ماندن نام و آوازه موسی و هارون (علیهما السلام) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیهما فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر موسی و هارون (علیهما السلام) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۹ - ۲

۲ - باقی ماندن نام و آوازه الیاس پیامبر در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام بر شمردن نعمت

های خدا به حضرت الیاس و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۴۸ - ۲،۳

۲ - خداوند ، پس از ایمان آوردن قوم یونس ، آنان را از مواهب دنیوی تا پایان عمرشان بهره مند ساخت .

فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ

طبق گفته مفسران، مقصود از <إلى حین> فرارسیدن اجل و عمر طبیعی آنان است.

۳ - ایمان قوم یونس ، عامل بهره مند شدن آنان از موهبت های دنیوی

فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۹ - ۱،۴

۱ - حکومت بزرگ و بی نظیر سلیمان (ع) ، عطیه بزرگ الهی بود .

و هب لی ملکا .. هذا عطاؤنا

اضافه <عطا> به ضمیر جلاله (نا) بر تعظیم دلالت می کند.

۴ - عطیه الهی به سلیمان (ع) بی شمار و بسیار بود .

هذا عطاؤنا .. بغير حساب

برداشت یاد شده براساس این نکته است که <بغير حساب> قید برای <عطاؤنا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۹ - ۳

۳ - حضرت عیسی (ع) ، بهره مند از نعمت های ویژه الهی

إِنَّ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۳ - ۲

۲ - مؤمنان وفادار به ایمان ، براساس سنت الهی ، برخوردار از موهبت های مادی و معنوی خداوند

لقد رضی الله عن المؤمنین . . . وعدکم الله مغنم کثیره ... سنّه الله الّتی قد خ

از ارتباط آیات به

دست می آید که آنچه خداوند از آن به عنوان <سنة الله> یاد کرده است، می تواند اعطای موهبت های معنوی (لقد رضی الله عن المؤمنین) و نعمت های مادی (وعدکم الله مغانم.. ..) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نَجِّينَهُمْ .. نعمه من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۴

۴ - جن، همانند انسان، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فَبَأَيِّ آءِالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

در صورتی که خطاب در آیه شریفه، متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۵

۵ - جن همانند انسان، برخوردار از نعمت چرخش منظم خورشید *

فَبَأَيِّ آءِالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

بنابراین که مخاطب <ربکما> انسان و جن باشند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۲،۵

۲ - قانون مندی جریان آب های زمین، نعمتی الهی برای جن و بشر

مرج البحرین .. فَبَأَيِّ آءِالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

تشبیه آمدن <کما> و <تکذِّبان> ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس و یا مرد و زن از انسان ها باشد.

۵- جن همانند انسان ، برخوردار از نعمت ها و موهبت های زمین و دارای درک و مسؤلیت

فبأی

ءالاء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۴ - ۱

۱ - تقوایبشگان ، برخوردار از بوستان های سرشار از نعمت های بی عیب و زوال ناپذیر

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ

<نعیم>، به معنای نعمت بسیار است (مفردات راغب). اضافه <جَنّات> به <نعیم> که مفید اختصاص است بیانگر اختصاصی و ویژه بودن بوستان های بهشتی است، یعنی، مانند بوستان های دنیا نیست که دارای انواع آفت ها و اشپای مودی و زوال پذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۱

۱ - یونس (ع) پس از رهایی از شکم ماهی ، از نعمت و لطف ویژه الهی برخوردار گشت .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۵ - ۳

۳ - عطیه های خداوند به پیامبر (ص) در جهان آخرت ، جلوه ربوبیت او و در راستای رشد و کمال آن حضرت است .

يعطیک ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱۱ - ۴

۴ - صاحبان نعمت ، باید هنگام بازگو کردن نعمت ها ، به وابستگی آنها به خداوند ، معترف باشند .

بنعمه ربک فحدّث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - بهره مندان از نعمت های الهی ، باید تنها به درگاه خداوند دعا کرده ، حاجت های خویش را از او طلب کنند .

الم نشرح ...

و وضعنا ... و رفعنا ... و إلى ربك فارغب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۹

۹ - استوار ماندن قریش بر نظام معیشتی دیرپای خویش ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس

لایلف قریش

چنانچه سوره <قریش> سوره ای مستقل باشد و با سوره <فیل> یک سوره تلقی نگردد؛ حرف <لام> در <لایلاف> متعلق به <فلیعبدوا> در آیه سوم خواهد بود. در آن صورت مفاد آیه این می شود که چون خداوند، نعمت ایلاف را به قریش عطا کرده است، باید او را بندگی کنند. گفتنی است که بندگی به پاس نعمت، شکرگزاری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۳

۳ - امنیت راه های کوچ زمستانی و تابستانی قریش ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس

ایلفهم رحله الشتاء و الصيف

در برداشت یاد شده، سوره <قریش> مستقل از سوره <فیل> دانسته شده است. در این صورت، این آیه مانند آیه قبل، مربوط به <فلیعبدوا> در آیه بعد خواهد بود؛ یعنی، حال که این ایلاف تداوم یافته است، قریش باید خدا را بندگی کنند. گفتنی است که التزام به بندگی به پاس نعمت، شکرگزاری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۶

۱۶ - برخورداری از غذا و امنیت ، نعمتی است که سپاس آن ، تنها عبادت خداوند است .

فلیعبدوا ربّ هذا البيت . الذی أطعمهم من جوع و ءامنهم من خوف

مشمولان نعمت های خاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ خداوند ، شعیب (ع) را از روزی و نعمت خاص و نیکوی خویش بهره مند ساخت و او را به مقام نبوت رسانید .

أرءیتم إن .. رزقنی منه رزقاً حسناً

مقصود از <رزقاً حسناً> به مناسبت مورد ، مقام نبوت و پیامبری است .

مشمولان نعمت های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۷ - ۳

۳ - هدایت یافتن پیامبر (ص) به شریعت اسلام ، پس از ناآگاهی از آن ، نعمتی بزرگ از جانب خداوند

و وجدک ضالاً فهدی

آیه شریفه در مقام امتنان بر پیامبر (ص) و برشمردن یکی از نعمت های بزرگ خداوند است و به همین جهت، نمی توان آن را مربوط به گم شدن آن حضرت در نزد حلیمه، یا عبدالمطلب و یا ابوطالب دانست آنگونه که برخی احتمال داده اند زیرا این امور نه ویژه پیامبر (ص) بوده و نه اهمیتی فوق العاده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۸ - ۵

۵ - ابتهال و تضرع پیامبر (ص) به درگاه خداوند ، پاسخی به نعمت های ویژه او به آن حضرت بود .

ألم نشرح .. و وضعنا ... و رفعنا ... و إلی ربک فارغب

مطالعه نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۱۵، ۱۶

۱۵ - نعمت های گسترده آشکار و نهان خدا برای انسان ، شایان تأمل و درس آموزی است .

ألم تروا أن الله .. و أسیغ علیکم نعمه ظهراً

و باطنه

۱۶- لازم است که انسان ، برای رهیابی به معرفت خدا ، به نعمت های آشکار و نهان توجه کند .

ألم تروا أن الله .. و أسبغ عليكم نعمه ظهره و باطنه

ملاك استحقاق نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۷ - ۶

۶ خیرات و نعمت های خداوند بر پایه تفضل اوست نه بر اساس لیاقت و استحقاق انسان .

و إن یردک بخیر فلا راد لفضله

ملاك نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۰ - ۴

۴- خواست خداوند و نه استحقاق شخص ، اساس برخورداری انسان از نعمت های الهی است .

فعسی ربی أن یؤتین خیراً من جنتک

واژه <عسی> نشان دهنده امیدواری است و این اظهار امیدواری، در قبال قاطعیت ثروت مند مغرور به شایستگی و استحقاق خویش است که گفت: <لئن رُددت إلی ربی لأجدنَّ خیراً>.

منشأ از دیاد نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۶

۶- عامل فزونی نعمت ، خداوند است .

لئن شکرتم لأزیدنکم

منشأ جاودانگی نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۱۰۹ - ۸

۸- جاودانگی بهشتیان و برخورداری ابدی آنان از نعمت ها ، متکی به مبدأ لایزال و پایان ناپذیر فیض الهی است .

خلدین فیها .. قل لو کان البحر مدادًا لکلّم ربّی لنفد البحر

منشأ سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹ - ۱

۱ اعطای نعمت به

انسان ها و بازگرفتن آن ، به دست خدا و در اختیار اوست .

و لئن أذقنا الإنسان منا رحمة ثم نزعناها منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ زوال نعمت ها از ناحیه خداوند است و کردار ناپسند انسان ها زمینه ساز آن

إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم و إذا أراد الله بقوم سوءاً

منشأ كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۴

۴ - محبت و دلبستگی به دنیا ، سرچشمه گناه ، کفر و ناسپاسی است .

و لا تطع منهم ءاثماً أو كفوراً .. إن هؤلاء يحبون العاجله

منشأ نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۱۳

۱۳ توجه و باور به خدادادی بودن نعمت ها ، بر انگیزنده انسان ها به پرستش خداوند است .

اعبدوا ربكم الذى .. أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت

از اینکه خداوند برای ایجاد روحیه پرستش در بندگان، آنان را متوجه نعمتهای الهی می کند، برداشت فوق بدست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۶

۶ - خداوند در پی آفرینش مواهب زمین ، به معتدل ساختن آسمان پرداخت .

ثم استوى إلى السماء فسويهن

<إستواء> (مصدر استوى) آن گاه که به <الی> متعدی شود، به معنای: روی آوردن و قصد کردن، است. جمله
<فسواهن> (آسمانها را معتدل ساخت) هدف روی آوردن را بیان می کند؛ یعنی: <استوى الى السماء لتسويتهن؛ خداوند

به آسمانها روی کرد (اراده کرد) تا آنها را به اعتدال رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند بعد از آفرینش آسمان ها و مواهب زمین ، به خلقت انسان پرداخت ، تا او را به منصب خلافت برساند .

خلق لكم ما فى الأرض ... و إذ قال ربك للملكه إني جاعل فى الأرض خليفه

با توجه به آیه ۳۴ از همین سوره و آیات دیگری که درباره خلقت آدم (ع) است، می توان گفت: سخن خداوند با فرشتگان درباره آدم، قبل از خلقت وی بوده است. بنابراین <إني جاعل فى الأرض خليفه > علاوه بر بیان خلافت آدم (ع) دلالت بر آفرینش او نیز دارد؛ یعنی: می خواهم [موجودی] بیافرینم و او را خلیفه قرار دهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۰ - ۱۲، ۱۰

۱۰ - خداوند عطا کننده نعمت به آدمیان است .

نعمتى التى أنعمت عليكم

۱۲ به یاد خدا بودن و نعمت ها را از جانب او دانستن ، هدف از ضرورت یاد کردن و به خاطر داشتن نعمتهاست .

اذكروا نعمتى التى أنعمت عليكم

توصیف <نعمت > به اینکه خداوند آن را عطا فرموده (أنعمت عليكم)، به این حقیقت اشاره دارد که: یاد کردن نعمت باید وسیله ای باشد برای یاد کردن منعم؛ یعنی، یاد کردن نعمت باید ملازم با دیدن خدا در ورای هر نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۷ - ۶، ۲

۲ - خداوند ارزانی کننده نعمت بر بندگان خویش

نعمتى التى أنعمت عليكم

- هدف از لزوم یاد کرد نعمت های الهی ، به یاد خدا بودن و نعمت ها را از جانب او دانستن است .

اذکروا نعمتی التي أنعمت علیکم

توصیف <نعمت> - به اینکه خداوند آن را انعام کرده (أنعمت علیکم) - اشاره به این معنا دارد که: یاد کردن نعمت، باید وسیله ای باشد برای یاد کردن بخشنده نعمت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۲ - ۱۰، ۶

۶ - هدف از لزوم یاد کردن نعمت ها ، یاد خدا بودن و نعمت ها را از جانب او دانستن است .

اذکروا نعمتی التي أنعمت علیکم

توصیف <نعمت> به اینکه خداوند آنها را ارزانی کرده است (أنعمت علیکم) اشاره به این معنا دارد که: یاد کردن نعمت باید وسیله ای باشد برای یاد کردن بخشنده نعمت.

۱۰ - به یادداشتن نعمت ها و از خدا دانستن آنها ، دارای نقشی بسزا در هدایت آدمی

بینی إسرءیل اذکروا نعمتی التي أنعمت علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۶

۶ فضل الهی ، سرچشمه دارایی های انسان

ما اتيهم الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۶

۶ توجه به خدادادی بودن دارایی ها ، تسهیل کننده انفاق و درمان کننده بخل

الذین یبخلون .. و انفقوا مما رزقهم الله

هدف از بیان این حقیقت که اموال آدمی داده های خداوند است (رزقهم الله)، این است که انسان را به انفاق در راه خدا

ترغیب کند و بخل را از وی یزداید.

جلد - نام

۱۶ خداوند ، منشأ تمام نعمت ها (مانند سلامتی ، امنیت و گشایش روزی) و تمام بلا ها (از قبیل بیماری ، ترس و گرسنگی)

و ان تصبهم حسنه يقولوا هذه من عند الله و ان تصبهم سيئه يقولوا هذه من عندك قل

از ائمه معصومین (ع) در معنای حسنات و سیئات در آیه فوق روایت شده است: .. الصحه و السلامه و الامن و السعه فى الرزق و قد سماها الله حسنات ... يعنى بالسيئه هاهنا المرض و الخوف و الجوع

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۴۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۹، ح ۴۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۷

۷ هیچ بخشنده نعمتی در مقابل خداوند وجود ندارد.

من إله غير الله يأتيكم به

کلمه <من> استفهام انکاری است و به منزله آن است که فرموده باشد: <لا إله غير الله يأتيكم به>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۹

۱۹ توجه به خدادادی بودن نعمت ها و به یاد داشتن همواره آن ، زمینه ساز پرهیز آدمی از فسادانگیزی است .

فاذكروا ءالاء الله و لاتعتوا فى الأرض مفسدين

نهی از فسادانگیزی (لا- تعثوا) در پی توجه دادن به نعمتهای الهی، اشاره به این نکته دارد که توجه به نعمتهای الهی می تواند آدمی را از فسادانگیزی بر حذر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ اعطای نعمت به انسان ها و بازگرفتن آن ، به دست خدا و در اختیار اوست .

و لئن أذقنا الإنسن منا رحمه ثم نزعنها منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰ - ۱

۱ خداوند ، بخشنده نعمت ها و موهبت های دنیوی به انسانهاست .

و لئن أذقنه نعماء

<نعماء> به معنای نعمت است. انتخاب این کلمه به خاطر هم وزن بودنش با کلمه <ضراء> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۶،۷

۶ هر نعمت و موهبتی در جهان هستی ، دارای مخزن و گنجینه ای خاص است .

خزائن الله

برداشت فوق ، از جمع آوردن کلمه <خزائن> به دست آمده است.

۷ نعمت های هستی و گنجینه های آن ، به تمامی از آن خدا و در اختیار اوست .

خزائن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۶

۶ تأمین سلامت و امنیت جامعه های بشری و ایجاد نعمت برای آنان ، به دست خدا و در اختیار اوست .

اهبط بسلم منا و برکت علیک و علی أمم ممن معک و أمم سنمتعهم

برداشت فوق ، از <منا> استفاده می شود. قابل ذکر است که کلمه <منا> در مورد <برکات> مقدر است ، چنان چه کلمه

<عليك> در مورد <بسلام> مقدر می باشد، یعنی: بسلام منا عليك و برکات منا عليك.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۹

۱۹ برخورداران از نعمت و عزت و مکنّت ، باید به خدادادی

بودن آنها توجه داشته و بدان اقرار کنند .

قد منّ الله علينا إنه من يتق ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۵

۲۵ خداوند ، منشأ نعمت ها و تحقق نیکی ها و شیطان ، ترغیب کننده به فساد ها و تباهیهاست .

قد أحسن بي إذ أخرجني من السجن و جاء بكم من البدو من بعد أن نزع الشيطان بيني و بي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۳ - ۱،۲،۵

۱- همه نعمتهایی که در اختیار انسانهاست ، از خداوند است .

و ما بكم من نعمه فمن الله

۲- سرمنشأ بودن خداوند برای تمامی نعمت ها ، مقتضی اختصاص دادن ترس ، به ترس از او

أفغير الله تتقون . و ما بكم من نعمه فمن الله

از اینکه آیات دارای یک سیاق بوده و در صدد بیان نکاتی است که انسانها را تحریص به ترس از خداوند می کند، بیان > ما بكم من نعمه.. < پس از توبیخ ترس از غیر خدا، می تواند به منظور یاد شده باشد.

۵- منشأ بودن خداوند برای تمامی نعمت ها و پناهگاه انحصاری بودن او برای گرفتاران و آسیب دیدگان ، دلیل وحدانیت او و بطلان ثنویت

و قال الله لاتتخذوا إلهين اثنين إنما هو إله وحد .. و ما بكم من نعمه فمن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۰ - ۷

۷- اعطای نعمت از سوی خداوند و برخوردار ساختن همه انسان های خوب و بد و

مؤمن و کافر از امکانات دنیایی، برخاسته از فیض بی دریغ ازلی خداست.

كَلَّا نَمَدَّ هُوَلاءِ و هُوَلاءِ مَن عطاء رَبِّكَ و ما كان عطاء رَبِّكَ محظوراً

جمله <و ما كان عطاء ربك محظوراً> (در ذیل آیه) به منزله تعلیل برای مضمون فراز قبل است؛ یعنی، چون خداوند عطایش را از هیچ کس دریغ نمی دارد، لذا خوبان و بدان و مؤمن و کافر از آن بهره مند می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- امکانات مادی و نعمت های خداوند، نشأت یافته از ربوبیت خدا و در جهت رشد و تکامل انسان است.

ابتغاء رحمة من ربك ترجوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۶ - ۱۰، ۶

۶- نعمت های خداوند برای بشر، نشأت یافته از فضل و بخشش خداوند است.

ربکم الذی یزجی .. لتبتغوا من فضله

۱۰- آماده شدن موهبت های طبیعی به منظور تأمین نیاز های انسان ها، برخاسته از رحمت گسترده خداوند به آنان است.

ربکم الذی یزجی لکم .. إنه کان بکم رحیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۹

۹- خداوند، تنها خیر و نعمت به انسان ها عطا می کند.

إذا أنعمنا علی الإنسن .. و إذا مسه الشرُّ

از اینکه در آیه خداوند منشأ نعمتها معرفی شده اما شرور به او نسبت داده نشده است نکته فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- زوال ناپذیر شمردن نعمت های دنیا و نادیده گرفتن نقش خدا در پیدایش و زوال آنها ، مستلزم شرک در ربوبیت است .

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۱ - ۴

۴- مرد مؤمن ، با بیان ناتوانی ثروت مند مغرور از دسترسی به آب فرو رفته ، او را به وابستگی نعمت ها به مشیت الهی ، آگاه ساخت .

لولا .. قلت ما شاء الله ... أو يصبح ماؤها غورًا فلن تستطيع له طلبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱۲

۱۲- صاحبان نعمت و دانش حتی افراد برجسته و سرآمد نیز باید خداوند را سرچشمه کمالات خود بدانند .

ءاتينه رحمه من عندنا و علمنه من لدنا علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۴۴ - ۸

۸- بهره‌وری انسان از نعمت ها و مقدار عمر وی ، در اختیار خداوند و در قلمرو اراده او است .

بل متعنا هؤلاء .. أنا نأتى الأرض ننقصها من أطرافها أفهم الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۵

۵ - نعمت ها و امکانات مادی انسان ، از طرف خداوند است .

و أترفهم فى الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۰ - ۴

۴ - نسبت ندادن شرور ، به خداوند و انتساب رحمت ها و نعمت ها ، به

او ادب حضرت ابراهیم نسبت به خداوند

و إذا مرضت فهو يشفين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ابراهیم(ع) مریضی را به خود و شفا را به خدا نسبت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - لزوم توجه انسان به خدایی بودن نعمت ها و امکانات ، در اوج توانمندی و اقتدار

و أوتينا من كل شيء إن هذا لهو الفضل المبين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که سلیمان در اوج شکوه و اقتدارش، تصریح می کند که همه امکانات و برخورداریهایش تفضلی است که از جانب خدا به او رسیده است و از جهت استحقاق ذاتی او نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۶

۶ - توجه سلیمان به خدایی بودن نعمت های عطا شده به او و پدر و مادرش

أن أشكر نعمتك التي أنعمت عليّ و علی و لددی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۳

۲۳ - تفضلات و نعمت های خدا به خلق ، ناشی از کرم او است ، نه برای دریافت شکر از آنان .

و من كفر فإنّ ربّي غنیّ کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۷ - ۳

۳ - نعمت های الهی ، نمود ربوبیت و تدبیر او نسبت به مردمان

قال ربّ بما أنعمت عليّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۹

مردمان ، بندگان خدا و جیره خوار خوان نعمت اویند .

اللّٰهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۳

۳ - نعمت ها و امکانات در اختیار انسان ها ، خدادادی است .

بما ءاتينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۹

۹ - خداوند ، منشأ نعمت ها است و شکر وی ، لازم است .

أَن اشكر لله

<شکر> در لغت ، <تصور نعمت و اظهار آن> است (مفردات راغب). این که در آیه، فرمان می دهد <که تنها برای خداوند شکر کنید!>، نشان می دهد که او منشأ نعمت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۶

۶ - توجّه به در اختیار خداوند بودن همه موجودات عالم و نیز نعمت های اعطا شده به انسان ، تبعیت از تعالیم آسمانی را اقتضا می کند .

ألم تروا أنّ الله سخر... و أسبغ عليكم نعمة... أتبعوا ما أنزل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۱،۱۹

۱۱ - انسان ها ، آسودگی و برخورداری از نعمت ها را ، نتیجه دانش و تلاش خود می دانند .

ثمّ إذا خولنه نعمه منّا قال إنّما أوتيته على علم

۱۹ - بیشتر انسان ها از منشأ اصلی نعمت ها و آسودگی ها (خدایی بودن آنها) و مقدار تأثیر دانش بشری در پدید آمدن آنها ، بی خبر و ناآگاه اند .

قال إنّما

أوتيته على علم بل هي فتنه و لكن أكثرهم لا يعلمون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که متعلق علم در <لا يعلمون>، مطلبی باشد که از جمله <قال إنما أوتيته..> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۱

۱ - دادن نقش اصلی به دانش و تلاش بشری در برخورداری از آسودگی ها و نعمت ها و نادیده گرفتن نقش خداوند در عرصه زندگی، تفکر همه مرفهان و برخورداران در طول تاریخ

قال إنما أوتيته على علم .. قد قالها الذين من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۲

۲ - ناآگاهی از مشیت و تقدیر خداوند در رزق و روزی انسان ها، سبب انتساب نعمت ها و برخورداری ها به دانش بشری است.

قال إنما أوتيته على علم .. أولم يعلموا أن الله ييسط الرزق لمن يشاء و يقدر

آیه شریفه در مقام بیان نقش خداوند در برخورداری ها و نعمت های انسان ها است. این مسأله می تواند از چرایی منتسب کردن نعمت ها به دانش بشری از سوی انسان ها حکایت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۲،۴

۲ - خداوند، زمین را بابرکت و سرشار از نعمت ها قرار داد.

خلق الأرض .. و برک فيها

۴ - آفرینش کوه های استوار، ایجاد نعمت ها و تقدیر معیشت موجودات زمین در چهار روز (مرحله)

و جعل فيها روسی من فوقها .. فی أربعه

برداشت یاد شده براین اساس است که <فی أربعه آیام> ظرف برای مجموع عبارت های آیه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۹

۹ - خداوند ، منشأ نعمت ها و پیراسته از شرور و بدی ها

و إن مسّه الشرّ .. و لئن أذقنه رحمه ... و إذا أنعمنا علی الإنسن ... و إذا مس

از این که خداوند رحمت و نعمت را به خود نسبت داده / ولی شرور را به خویشتن منتسب نکرده است، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۹،۱۴

۹ - غفلت از سرچشمه اصلی نعمت ها (خداوند) امری ناشایست و زمینه ساز غرور و سرمستی است .

و إنّنا إذا أذقنا الإنسن منّا رحمه فرح بها

با توجه به تکرار ضمیر <نا>، می توان استفاده کرد که خداوند غفلت و فراموشی از مبدأ اصلی نعمت ها را، مورد سرزنش قرار داده است.

۱۴ - < نعمت ها > برخاسته از لطف و رحمت الهی و < مصائب و سختی ها > نتیجه عملکرد خود آدمی است .

و إنّنا إذا أذقنا الإنسن منّا رحمه .. و إن تصبهم سیئه بما قدّمت أیدیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۷ - ۱،۳

۱ - گنجینه های نعمت و رحمت ، در انحصار خداوند جهان

أم عندهم خزائن ربّک

۳ - مظاهر وجود و نعمت های هستی ، دارای منابع و خزاینی نزد پروردگار

أم عندهم خزائن ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۶

۶ - تمامی نعمت ها در نظام هستی ، بدون هیچ تردیدی از ناحیه خدا است .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <تتماری>، شک در این جهت باشد که آیا نعمتی هست که غیر خدا در پیدایش آن به استقلال دخالت داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۷

۷ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان خلق ، به خدایی بودن نعمت های زمین

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

سرزنش تکذیب گران یا غافلانی که با غفلت خویش، از جلوه های ربوبیت خداوند چشم پوشیده اند، در واقع بیانگر این معنا است که آنان به نعمت های او توجه کنند و خدایی بودن آن را دریابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۸ - ۵

۵ - همه نعمت های مادی و معنوی ، وابسته به خداوند است .

فاوی .. فهدی ... فأغنی

منشأ نعمت ادراک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۶

۶ تنها خداوند یکتا، قادر بر بازگرداندن و اعطای شنوایی، بینایی و ادراک به انسان است.

إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ .. مِنْ إِلَهٍ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِكُمْ بِهِ

منشأ نعمت بینایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۶

۶ تنها خداوند یکتا، قادر بر بازگرداندن و اعطای شنوایی، بینایی و ادراک به انسان است.

إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ... مِنْ

إله غير الله يأتيكم به

منشأ نعمت شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۶

۶ تنها خداوند یکتا، قادر بر بازگرداندن و اعطای شنوایی، بینایی و ادراک به انسان است.

إن أخذ الله سمعكم .. من إله غير الله يأتيكم به

منشأ نعمت علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۳

۳ - توانایی انسان بر خواندن نوشته ها و آموختن معارف مکتوب ، هدیه خداوند و نعمت او است .

الذي علم بالقلم

منشأ نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۶ - ۴

۴ - خداوند ، سرچشمه تمامی مواهب و نعمت های دنیا و آخرت

فما أوتيتم من شيء .. و ما عند الله

مجهول آمدن فعل <أوتيتم> بیانگر این مطلب است که خداوند، سرچشمه موهبت ها و نعمت ها است نه خود انسان چنان که تعبیر <ما عند الله> نسبت به نعمت های اخروی ظهور در این معنا دارد.

منشأ نعمت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - تسلط انسان بر زمین و بهره‌گیری گسترده وی از نعمت‌های آن، تدبیری الهی و نشان دهنده الطاف خداوند در حق وی

و يجعلکم خلفاء الأرض

اسناد <جعل> به خداوند، برای یادآوری این واقعیت است که اگر شما بر گرده زمین سوارید و از آن سود می‌جوئید، امری اتفاقی نیست؛ بلکه در آن رموز و مناسبات زیادی به کار رفته

که همه وابسته به تدبیر خداوند است و بر این اساس است که قادر به تصرف در زمین و تسلط بر آن هستید. تعبیر <خلفاء الأرض> اشاره به همین تصرف و تسلط دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۶ - ۴

۴ - خداوند ، سرچشمه تمامی مواهب و نعمت های دنیا و آخرت

فما أوتیتم من شیء .. و ما عند الله

مجهول آمدن فعل <أوتیتم> بیانگر این مطلب است که خداوند، سرچشمه موهبت ها و نعمت ها است نه خود انسان چنان که تعبیر <ما عند الله> نسبت به نعمت های اخروی ظهور در این معنا دارد.

منفعت شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۷

۷ - نفع و ضرر <ایمان و کفر> و <شکر و ناسپاسی> ، دامنگیر خود انسان ها است ؛ نه خداوند .

إن تكفروا فإن الله غنی عنكم .. و إن تشكروا یرضه لكم

موارد شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۱۳

۱۳ ایمان و نیایش خالصانه به درگاه خداوند، سپاسگزاری است.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم بالغدوه و العشی یریدون وجهه .. ألیس الله بأعلم با

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۱۳

۱۳ فراگیری پیام های خدا و به کارگیری آنها در اعمال و رفتار ، سپاسگزاری از او در برابر نعمت دین است .

فخذ ما ءاتيتك و كن

مطرح کردن سپاسگزاری پس از اعطای پیامهای آسمانی، برای رساندن این حقیقت است که آن پیامها از نعمتهاست و باید خداوند را به خاطر اعطای آنها شاکر بود. فرمان به فراگیری آنها می رساند که شکر این نعمت به فراگرفتن و به کار بستن آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - عمل صالح ، شکر استفاده از نعمت های الهی

كلوا من الطَّيِّبِ و اعملوا صلحًا

موارد کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۸

۸ تبعیت از ولایتهای غیر الهی و تکذیب آیات خداوند، ناسپاسی نعمتهای اوست.

و لا تتبعوا من دونه أولياء .. قليلا ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۸

۸ بهره جویی های ظالمانه از دنیا ، ناسپاسی در برابر خداست .

لئن أنجيتنا من هذه لنكوننَّ من الشكرين. فلما أنجيتهم إذا هم يبغون في الأرض بغير ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ تحریم حلال خدا ، ناسپاسی در برابر فضل اوست .

فجعلتم منه حراماً و حلالاً .. إن الله لذو فضل على الناس و لكن أكثرهم لا يشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ ایجاد اختلاف و بر هم زدن وحدت جامعه ، در عین برخورداری از رفاه و آسایش ، کفران و ناسپاسی نعمت های خداوند است .

و لقد بَوَّأْنَا

بنی اسرائیل مَبوّاً صدق .. فما اختلفوا حتى جاءهم العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۴

۲۴ ارتکاب گناه ، ناسپاسی و کفران نعمت های الهی است .

قال معاذ الله إنه ربي أحسن مثوای إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲۵

۲۵ شرک ورزی ، ناسپاسی در برابر خداست .

و لکنّ أكثر الناس لا یشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۱۴

۱۴- < عن الصادق (ع) : ... إن الكبائر ... کفران النعمه > و لئن کفرتم إن عذابی لشدید < ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که در بیان گناهان کبیره فرمود: .. همانا از گناهان کبیره ... کفران نعمت است [خداوند می فرماید]: و لئن کفرتم إن عذابی لشدید...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۱

۱- شرک به خدا ، کفران و ناسپاسی نعمت های اوست .

ألم تر إلى الذین بدّلوا نعمت الله کفراً .. و جعلوا لله أنداداً

جمله < و جعلوا لله أنداداً > عطف بر جمله < بدّلوا نعمت الله .. > است و می تواند بیان و تفسیر برای چگونگی تبدیل نعمت الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- به کار نگرستن عقل در جهت شناخت حق و صراط مستقیم ، مصداق بارز ناسپاسی

و اِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ اِلَى

صراط مستقیم .. أنشأ لكم السمع ... قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۶ - ۶

۶ - شرک و عبادت غیر خدا ، ناسپاسی پروردگار است .

بل الله فاعبد و کن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۹

۹ - پیمودن راه دین ، شکر نعمت خداوند و انحراف از آن ، ناسپاسی او است .

إنا هدینه السبیل إنا شاکراً و إنا کفوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۵

۵ - افتخار بر دیگران در امتیازات مادی ، کفران نعمت و زمینه ساز گرفتاری به دوزخ پس از حسابرسی است .

ألهیکم التکاثر .. ثم لتستلنّ یومئذ عن النعیم

موارد نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۱۳

۱۳- تربیت فرزندان در دامان پر مهر پدر و مادر ، نعمتی بس بزرگ و شایسته قدردانی و موجب استحقاق هرگونه احسان و احترام از سوی فرزند به آنان

و بالولدين إحسنًا و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه و قل ربّ ارحمهما کما ر

برداشت فوق با توجه به این نکته است که خداوند در تعلیم شیوه دعا کردن فرزندان برای پدر و مادرشان، مسأله تربیت والدین آنان را یادآور شد (کما ربّیانی صغیراً).

موانع تکذیب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۵

۵ - توجه به کیفر بی چون و چرای گناه کاران در

قیامت ، بازدارنده خلق از کفر و تکذیب نعمت های خداوند

فیومئذ لایسل عن ذنبه .. فبأیّ ءالاء ربکمما تکذبان

برداشت یاد شده بر این اساس است که خداوند پس از بیان راه نداشتن چون و چرا در برنامه های قیامت برای گناهکاران، خلق را به پرهیز از تکذیب نعمت ها توجه داده است.

موانع علاقه به نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۳

۳ - توجه به حسابرسی و مسؤلیت در برابر نعمت ها ، بازدارنده انسان از دل خوشی به فراوانی آن و زمینه ساز ترک افتخار بر دیگران است .

ألهیکم التکاثر .. ثم لتستلنّ یومئذ عن النعیم

موانع کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۵

۵ - توجه انسان به مراحل آفرینش خویش به دست خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت های الهی

ما أکفره . من أیّ شیء خلقه

در برداشت یاد شده، مراد از کفر در آیه قبل کفران نعمت دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۴ - ۴

۴ - توجه به تأمین مواد غذایی انسان از سوی خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت و وادارسازنده او به شکرگزاری است .

ما أکفره .. فلینظر الإنسن إلی طعامه

چنانچه <کفر> در <ما أکفره> به معنای کفران نعمت باشد، ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۳

۳ - توجّه

به جنگل های انبوه و درختان تناور ، مایه شناخت خداوند و قدرت او و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما أکفره .. فلینظر الإنسن ... حدائق غلبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۱ - ۳

۳ - توجه به باغ های میوه و مرغزار ها ، مایه شناخت خدای قادر و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما أکفره .. و فکله و أبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۵

۵ - توجه به ربوبیت و مدبر بودن خداوند ، بازدارنده انسان از کفران نعمت ها است .

لربّ لکنود

تقدیم <لربّ>، بیانگر اهتمام به آن است، یعنی، شگفتا که انسان با آن که خداوند <ربّ> و <مدبر> او است، به کفران نعمت او رو آورده است!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۳

۳ - لحظه خروج مردگان از قبر ها در قیامت ، وحشت انگیز و توجه به آن ، بازدارنده انسان از کفران نعمت ، بخلورزی و دل بستگی شدید به ثروت است .

لکنود .. أفلا یعلم إذا بعثر ما فی القبور

موانع نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۵

۵ - ارتکاب گناهان بزرگ و انجام اعمال زشت ، مانع بهره مندی انسان از نعمت های جاویدان اخروی

و ما عند الله خير .. الذين يجتنبون

موجبات اتمام نعمت

جلد - نام سوره - سوره -

۵۳ اعلام جانشینی و ولایت علی (ع) توسط رسول خدا (ص)، موجب کمال دین و تمام نعمت و رضای پروردگار

اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي

از رسول خدا(ص) روایت شده که هنگام نزول آیه فوق فرمود: ان کمال الدین و تمام النعمه و رضی الرب بارسالی الیکم بالولایه بعدی لعلی ابن ابی طالب(ع).

امالی صدوق، ص ۲۹۱، ح ۱۰، مجلس ۵۶؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۱۱، ح ۳.

۵۵ کامل شدن دین و اتمام نعمت الهی بر مردم، به سبب تعیین جانشینان پیامبر (ص) از سوی خداوند

اليوم اكملت لكم دينكم

از امام حسن عسکری(ع) روایت شده: .. فلما منّ الله عليكم باقامه الاولياء بعد نبيكم(ص) قال الله عزوجل: اليوم اكملت لكم دينكم

علل الشرايع، ص ۲۴۹، ح ۶، ب ۱۸۲؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۵۹۰، ح ۳۵.

موجبات جلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۸

۸ نقش اصلی عمل خود انسان در جلب نعمت یا نعمت

ذلك بأن الله لم يك مغيرا نعمه أنعمها على قوم حتى يغيروا ما بأنفسهم

موجبات سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ کفرورزی جوامع و ستیزه جویی با پیامبران ، از عوامل از میان رفتن شایستگی آنان برای دستیابی به نعمت های الهی

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مَغِيرًا نِعْمَهُ أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

۶ فرعونیان و کفرپیشگان قبل از آنان در ابتدای

تشکلشان امتهایی شایسته برای بهره مند شدن از نعمت های الهی بودند .

فأخذهم الله بذنوبهم .. ذلك بأن الله لم يك مغيرا ... حتى يغيروا ما بأنفسهم

از نکاتی که می توان از ارتباط این آیه و آیه قبل به دست آورد این است که فرعونیان و امتهای پیش از آنها در ابتدای تشکلشان امتهای کافر و منکر آیات الهی نبودند و این حالت پس از گذشت زمان بر آنان عارض شد.

۹ خداوند به سبب کفرورزی فرعونیان و اقوام پیش از آنها ، نعمت های خویش را از آنان سلب و به نعمت و عذاب تبدیل کرد .

كدأب ءال فرعون .. ذلك بأن الله لم يك مغيرا ... حتى يغيروا ما بأنفسهم

موجبات نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۳

۳ نیل به مقام قرب الهی ، بهره مندی کامل از بهشت و نعمت های آن و برخورداری از فضل الهی ، پاداش مؤمنان متمسک به خداوند

فاما الذين ءامنوا .. فسيدخلهم في رحمة منه و فضل و يهديهم إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲

۲ بهره مندی اهل کتاب از نعمت های آسمانی و زمینی ، در صورت باور به معارف تورات و انجیل و عمل به احکام آنها به همراه دیگر تعالیم نازل شده بر آنان

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل اليهم من ربهم لاكلوا من فوقهم

<اقامه > به معنای برپایی چیزی و یا کاری است با تمام شرایط آن و اقامه کتب آسمانی، باور

به معارف آن و انجام تمامی تکالیف آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۳

۳- نقش عمده روحیه تسلیم در برابر خدا، حق گرایی، دوری از شرک و شکرگزاری حضرت ابراهیم (ع)، در برخورداری او از نیکی ها و نعمت های الهی در دنیا و منزلت والا در آخرت

إن إبراهيم كان أمه قانتاً لله .. وءاتينه في الدنيا حسنه وإنه في الآخرة لمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳،۴،۵

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی، و شب زنده داری، حلم، ترس از قیامت، توبه، عفو کریمانه، پذیرش حق و دعا و نیایش، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين يقولون ربنا... أولئك يجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است؛ زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

۴ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا در ترک محرمات الهی چون اسراف و یا تنگ گیری، شرک، زنا

، آدم کشی و سخن باطل ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

و الذين إذا أنفقوا لم يسرفوا .. و لا يزنون ... و الذين لا يشهدون الزور ... أول

۵ صبر و شکیبایی در انجام تکالیف و ترک محرمات الهی ، عامل بهره مندی از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذين یمشون علی الأرض هوناً.. و الذين إذا أنفقوا لم يسرفوا ... و الذين لا يشهدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۳

۳ - تقوا ، عامل بهره مندی از نعمت ها و موهبت های الهی در بهشت

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَثَابٍ . جَنَّتْ عَدْنٌ ... هذا ما توعدون لیوم الحساب

موجبات نعمت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۷،۸

۷ ایمان بدون تقوا و تقوا بدون ایمان ، در برخوردار شدن از موهبت های اخروی کارساز نیست .

للذین ءامنوا و کانوا یتقون

۸ ضرورت ایمان به قیامت و سرای آخرت و لزوم پرهیز از گناهان برای دستیابی به موهبت های اخروی

و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

در آیه شریفه بیان نشده که متعلق ایمان (آمنوا) و تقوا (یتقون) چیست؟ به نظر می رسد به قرینه <لأجرالأخره> مراد از ایمان ، ایمان به آخرت و مراد از تقوا پرهیز از اموری باشد که مایه محرومیت از پادشاهای اخروی است.

موجبات نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۵ - ۳

نتیجه و پاداش کردار انسان ها در دنیا است .

و لا تجزون إلا ما كنتم تعملون . إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكَّهُون

از ارتباط میان این آیه که سخن از بهشت و نعمت های آن است و آیه پیش که درباره پاداش مطابق رفتار و کردار بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۶ - ۳

۳ - چشم پوشی از گناه و لذت های آلوده دنیا ، در پی دارنده نعمت های سرشار اخروی

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ . ءِآخِذِينَ مَا ءَاتَاهُمْ رَبُّهُمْ

<تقوا>؛ یعنی، خودداری از مشتهیاتی که مورد منع دین قرار گرفته است. تقوای پیشگان در برابر داشتن این خصلت، از هدایای پروردگارشان بهره مند خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۷ - ۲

۲ - تأثیر مهم عبادت شبانه ، در دستیابی به بهشت و نعمت های اخروی

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ .. كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۹ - ۶

۶ - انفاق به سائلان و محرومان ، از عوامل دستیابی به بهشت و نعمت های آن

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ .. وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالمَحْرُومِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۳ - ۱

۱ - انسان های درست کار ، راست گفتار و مطیع خداوند ، به پاداش کردار خویش ، در میان انبوه نعمت

های آخرت جای خواهند گرفت .

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

از جمله معانی ذکر شده برای <بَرٌّ>، صلاح و درست کاری، اطاعت و صداقت است (لسان العرب). <نعیم> یعنی، نعمت فراوان (مفردات راغب) نکره بودن <نعیم>، گویای عظمت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۹ - ۲،۵

۲ - نعمت های آخرت ، پاداش کار و تلاش در دنیا است .

ناعمه . لسعیها راضیه

۵ - احساس رضایت و خشنود بودن از عاقبت کار و تلاش خویش ، از زمره نعمت های الهی در آخرت است .

ناعمه . لسعیها راضیه

جمله <لسعیها راضیه> و جمله های پس از آن، توضیح وصف <ناعمه> است.

مؤاخذه بر کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۵

۵ - انسان ها در قیامت ، بر کفران نعمت ، بخلورزی و علاقه شدید به ثروت ، مؤاخذه خواهند شد .

لكنود ... لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٍ . أَفَلَا يَعْلَمُ ... إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ

هشدار به آگاهی خداوند از افکار، اسرار و نیت ها، اشاره به مؤاخذه و حسابرسی است.

مؤاخذه مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۳ - ۱۱

۱۱- مرفهان ستمگر ، در قبال تنعم و بهره مندی از نعمت های الهی ، مورد مؤاخذه و سؤال قرار خواهند گرفت .

ارجعوا إلی ما أترفتم فیہ و مسکنکم لعلکم تسلون

مهمترین نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۵

۵- شنوایی ، بینایی و قلب (قدرت ادراک)

، از مهم ترین نعمت های خداوند به انسان

و الله أخرجكم ... و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

برداشت فوق، از آن جاست که آیه شریفه علاوه بر بیان آیات قدرت الهی، در صدد برشمردن نعمتهای الهی و در مقام امتنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۶

۶ - اهمیت ویژه باران و رویش گیاهان در مجموعه نعمت های بی کران الهی برای انسان

و أنزل لكم من السماء ماء فأنبتنا به حدائق

اختصاص به ذکر یافتن نزول باران و رویش گیاهان از میان سایر نعمت ها، دلالت بر اهمیت ویژه آنها برای آدمیان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۲ - ۴

۴ - حرکت کشتی ها در دریا ، نعمتی مهم و اساسی برای انسان ها

سخر لكم البحر لتجرى الفلك فيه بأمره

از این که در میان منافع دریا، جریان کشتی ها (کشتی رانی) اختصاص به ذکر یافته است، اهمیت استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴ - ۱

۱ - تکلم و قدرت بیان مفاهیم ، از نعمت های مهم الهی برای انسان

الرحمن .. علمه البيان

مهمترین نعمت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - نجات موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان ، مهم ترین و برجسته ترین نعمت و احسان خداوند به ایشان بود .

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما

من الكرب العظيم

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که نجات موسی و هارون (علیهما السلام) از اندوه بزرگ بخشی از نعمت های الهی به ایشان بود؛ ولی در عین حال به طور جداگانه ذکر شده است.

مهمترین نعمت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۲

۲ - نجات موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان ، مهم ترین و برجسته ترین نعمت و احسان خداوند به ایشان بود .

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الكرب العظيم

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که نجات موسی و هارون (علیهما السلام) از اندوه بزرگ بخشی از نعمت های الهی به ایشان بود؛ ولی در عین حال به طور جداگانه ذکر شده است.

مهمترین نعمت هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۲

۲ - نجات موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان ، مهم ترین و برجسته ترین نعمت و احسان خداوند به ایشان بود .

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الكرب العظيم

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که نجات موسی و هارون (علیهما السلام) از اندوه بزرگ بخشی از نعمت های الهی به ایشان بود؛ ولی در عین حال به طور جداگانه ذکر شده است.

مهمترین نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۲ - ۲

۲- امنیت و آسایش ، مهم ترین نعمت در کنار زیبایی ها و طراوت های

فی مقام أمين . فی جنت و عیون

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که قرآن، در مقام ذکر نعمت های اخروی متقین، از امنیت به عنوان نعمتی مهم و حتی مقدم بر دیگر نعمت ها نام برده است.

ناپایداری نعمت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۱۳

۱۳- لزوم توجه انسان به ناپایداری نعمت های دنیوی

أثنا و متعا إلى حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۰ - ۵

۵- امکانات مادی دنیا، ناپایدار و در معرض زوال و نابودی است .

فعی ربی أن .. یرسل علیها حساباً من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۶ - ۱

۱ - هشدار صالح (ع) به ثمودیان، درباره پایدار نبودن زندگی دنیوی و نعمت ها و آسایش آن

أترکون فی ما ههنا ءامنین

استفهام در آیه بالا، انکاری و مفاد آن نفی است؛ یعنی، >أترکون فی ما ههنا آمنین؛ شما در نعمتهای این جا آسوده رها نخواهید شد.< مقصود این است که این برخورداری ها شما را نفریبند و از مرگ غافل نکنند؛ زیرا روزی پنجه های مرگ گریبان تان را خواهد گرفت و شما را از آنها جدا خواهد کرد. همچنین بر فرض که مرگ در نرسد، خود رفاه و امنیت این جا، پایدار نیست و ممکن است ناگهان اوضاع دگرگون شود و همه آنچه که از آن برخوردار هستید، از دستتان برود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر -

۳ - لذت ها و نعمت های بهشتی ، پایدار و جاودان است ؛ نه چون نعمت های دنیا زوال پذیر .

فی جَنَّتْ و نهر . فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر

در صورتی که عبارت <فی مقعد صدق>، در بیان اوصاف همان استقرار در باغ ها و نهرها باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

ناپسندی تحریم نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۷

۷ - تحریم نعمت ها و موهبت های الهی بر خویش ، عملی ناروا و پرهیزی نابه جا است .

کلوا من طیبیت ما رزقنکم

توصیه به استفاده کردن از طیبات، برتری این کار را در برابر ریاضت های افراطی نشان می دهد.

ناپسندی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۶

۱۶ - ناسپاسی در برابر نعمت و احسان ، امری بس نکوهیده و ناپسند است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۱۲

۱۲ - ایمان به باطل و کفران نعمت های الهی ، اموری نکوهیده اند .

أفبالبطل یؤمنون و بنعمه الله یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۶

۶ - کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

نبوت و کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹ - ۵

۵ - قتل نفس

و ناسپاسی نعمت ، دو رفتار نامناسب با شأن و ادعای پیامبری در نظر فرعون

و فعلت فعلتک التی فعلت و أنت من الکفرین

به رخ کشیدن قتل نفس و ناسپاسی موسی(ع) از جانب فرعون، می تواند به منظور خدشه دار کردن پیامبری آن حضرت و منافی دانستن مقام نبوت با قتل نفس و ناسپاسی ادا شده باشد. گفتنی است آیه بعد که در آن حضرت موسی(ع) قتل نفس را عملی غیر عمدی و ناخواسته می شمرد مؤید برداشت یاد شده است.

نزول نعمت سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۹

۹ - نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

یبنی اسرئیل قد أنجینکم . . . و نزلنا علیکم المنّ والسلوی

نزول نعمت من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۹

۹ - نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

یبنی اسرئیل قد أنجینکم . . . و نزلنا علیکم المنّ والسلوی

نشانه های شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱۷

۱۷ - عمل صالح و جلب رضای الهی ، نمود بارز شکر نعمت های او

أن أشكر نعمتك .. و أن

أعمل صلحًا ترضه

عبارت <و أن أعمل..> می تواند عطف تفسیری برای <أن أشکر نعمتك> باشد، یعنی، پروردگارا به من شکر نعمت (انجام عمل صالح) را الهام فرما.

نشانه های کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۶

۶- روی برتافتن از یاد خدا در پی نجات از مشکلات، نمودی از کفر به حق و کفران نعمت است.

أعرضتم .. فیغرقکم بما کفرتم

از اینکه خدا از اعراض یاد خود به کفر (کفرتم) یاد کرده است، استفاده می شود که اعراض از خدا، کفر به اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۹،۱۰

۹- بی توجهی به نعمت های الهی، و تدبیر او در همسازی طبیعت با نیاز های آدمی، نمودی آشکار از کفر و ناسپاسی انسان

جعل لکم من الفلک و الأنعام .. إنَّ الإنسان لکفور مبین

۱۰- شرک، نمودی از کفر و ناسپاسی انسان، در برابر خالق یگانه هستی است.

و جعلوا له من عباده جزءًا إنَّ الإنسان لکفور مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۲

۲- رویارویی با سپاه اسلام، نشانه ناسپاسی انسان در برابر نعمت های خداوند است.

إنَّ الإنسان لربّه لکنود

بیان خصلت های ناروایی که در نوع انسان ها وجود دارد پس از تمجید از سپاهیان اسلام در آغاز سوره تعریض به دشمنان دین است و رسوخ آن خصلت ها را در آنان بیان می کند.

نشانه های مشمولان نعمت

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۸، ۱۹

۱۸- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی ، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ .. إِذَا تَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَب

<إِذَا تَلَىٰ> خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای <أُولَئِكَ> است ؛ یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و مَمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبَكِيًّا

نعمت آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۱ - ۳

۳- جریان آب های سطحی زمین و در دسترس بودن آن ، از نعمت های خداوند و از عوامل مهم آبادانی است .

أَوْ يَصْبِحُ مَأْوَاهَا غُورًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلْبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳۰ - ۵

۵ - آب های روان و جاری ، از نعمت های خداوند و جلوه رحمانیت و قدرت مطلق او است .

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ .. قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَأْوَكُمْ غُورًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۵ - ۴

۴ - باران و آب از نعمت های خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان به درگاه او است .

ما أكفره... إنا صبينا الماء صبًّا

كفر در

<ما أكفـره> به قرینه آیات پیشین ممکن است به معنای کفران نعمت باشد. بنابراین آیه، در صدد برشمردن نعمت های خداوند به انسان است.

نعمت آب آشامیدنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۹

۹ جریان باد ها ، نزول باران ، احیای سرزمین های مرده و سیراب کردن دام ها و انسان ها از نعمت های الهی و از نشانه های ربوبیت خداوند

ألم تر إلی ربِّک . . . و هو الذی أرسل ... أنزلنا من السماء ماء طهورًا . لنحیی به ب

برداشت فوق، به خاطر این نکته است که این آیه، مانند آیات گذشته، در صدد برشمردن نعمت های الهی و اثبات ربوبیت مطلق خداوند است.

نعمت آب شیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۰ - ۳

۳ - آب شیرین و نقش حیاتی آن در زندگی بشر ، نعمتی الهی و در خور شکر و سپاس

أفرء یتـم الماء . . . فـلولا تشکرون

نعمت آب گوارا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۶

۶ - تأمین آب گوارا در زمین ، از نعمت های الهی برای بشر

و أسقینکم ماء فراتًا

نعمت آتش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۰ - ۴

۴ - آتش ، نعمت بزرگ الهی و دارای نقش حیاتی در زندگی بشر

الذی جعل لکم من الشجر الأخضر نارًا فإذا أنتم منه توقدون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه ضمن آن که

بیانگر جلوه های قدرت خدا است درصدد بیان نعمت های الهی و امتنان بر انسان نیز می باشد. گفتنی است که آمدن لام انتفاع (لکم) مؤید این مطلب است.

نعمت آرامش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ آرامش روحی در سختی ها ، نعمتی الهی و رمز موفقیت و پیروزی است .

فقد نصره الله .. فأنزل الله سكينته عليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۲

۲- برخورداری انسان از آرامش در خانه خود ، از نعمت های خداوندی

و الله جعل لكم من بيوتكم سكنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۲

۲ - بودن در کنار همسران خود و برخورداری از آرامش و موهبت های طبیعت ، از نعمت های الهی و دلپذیر برای همگان

فی شغل فكهون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائك متكئون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه درصدد بیان نعمت های الهی برای اهل بهشت و تشویق مردم به ایمان برای برخوردار شدن از این نعمت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۱ - ۳

۳- امنیت و آرامش ، از نعمت های جهان آخرت

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۳ - ۸

۸- آرامش روحی و نگرانی نداشتن از حال و آینده ، نعمتی مهم و موهبتی الهی

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا

رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَاحُوفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

خداوند در قبال دو عنصر مهم <ایمان> و <استقامت>، نبود خوف و حزن را به عنوان بازتاب و نتیجه یاد کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۸

۸ - آرامش روحی و شکیبایی در بحران ها ، نعمتی الهی است .

فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ

تعبیر <سکینه> و انتساب آن به خداوند، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۲ - ۳

۳ - آرامش موجودات در شب ، نعمتی بزرگ و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى

<آرامش یافتن> (یکی از معانی ذکر شده برای <سَيَجُو>) در آیه شریفه به شب اسناد یافته است. این اسناد یا حقیقی است؛ یعنی، با سیطره کامل تاریکی، گویا شب از پیشروی باز ایستاده است و یا اسناد مجازی است و شب آرام به معنای بی تحرک بودن موجودات در شب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۳

۳ امنیت و آرامش خاطر، نعمتهایی ارزنده

فَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ .. لَكُمْ دَارُالْسَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ

یاد کردن از <دارالسلام> (خانه امن)، به عنوان پاداشی ویژه برای متذکران، بیانگر ویژگی این نعمت و ارزش فوق العاده آن است.

نعمت آرامش اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۲

۲- امنیت و آرامش اجتماعی ، از نعمت های مهم الهی است .

قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. بأنعم الله

نعمت

آزادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۱ - ۸

۸- آزادی و استقلال در تمامی شؤون زندگی ، رزق و روزی خدادادی و از نعمت های روشن و برجسته الهی است .

فما الذین فضلوا برادّی رزقهم علی ما ملکتم أیمنهم فهم فیه سواء أفینعمه الله یجحد

نعمت آسایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۴

۱۴ - آسایش و آسودگی از گرفتاری ها و رنج ها ، نعمتی است الهی .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه

برداشت یاد شده از تعبیر نعمت درباره آسودگی و رفع گرفتاری، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - آسایش و دور ماندن از گرفتاری ها و رنج ها ، نعمتی است الهی .

فإذا مسّ الإنسن ضرّ .. ثمّ إذا خوّله نعمه منّا

نعمت آسایش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۲ - ۲

۲- امنیت و آسایش ، مهم ترین نعمت در کنار زیبایی ها و طراوت های بهشت

فی مقام أمين . فی جنت و عیون

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که قرآن، در مقام ذکر نعمت های اخروی متقین، از امنیت به عنوان نعمتی مهم و حتی مقدم بر دیگر نعمت ها نام برده است.

نعمت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۲ - ۳

۳ - ساختار پر مقاومت آسمان ها

بر فراز ساکنان زمین ، نعمتی الهی است .

و بنینا فوقکم سبعا شداذا

نعمت آمرزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۴،۱۰

۴ - آمرزش گناه ارتداد و گوساله پرستی بنی اسرائیل ، از نعمت های بزرگ خداوند بر آنان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

چون آیه های این بخش از سوره، در صدد بیان نعمتهای الهی به بنی اسرائیل است، مفاد جمله <عفونا عنکم> نیز به منظور بیان نعمت ایراد شده است و از آن جا که این معنا با حرف <ثم> به دیگر نعمتها عطف گردیده، اشاره به رتبه برتر نعمت آمرزش نسبت به نعمتهای دیگر دارد.

۱۰ - بخشوده شدن گناه ، نعمتی بایسته سپاسگزاری

ثم عفونا عنکم .. لعلکم تشکرون

نعمت آمرزشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۷

۱۷- غفران و خوشنودی پروردگار از بهشتیان ، نعمتی عظیم برای ایشان

فیها .. و مغفره من ربهم

در این آیه مغفرت پروردگار، همانند سایر نعمت ها، تذکر داده شده است و تنوین <مغفره> دال بر تفخیم است.

نعمت اتحاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۱۷،۲۵

۱۷ وحدت، اُلفت و برادری میان افراد جامعه، نعمتی الهی برای انسانها

و لا تفرّقوا و اذکروا نعمت اللّٰه علیکم اذ کنتم اعداءً فالّٰف بین قلوبکم فاصبحتم ب

۲۵ رهایی از آتش تفرقه و دشمنی میان افراد یک جامعه، نعمتی الهی

و اذکروا نعمت اللّٰه علیکم اذ کنتم اعداءً .. و کنتم علی شفا حفره من

جمله <کنتم علی>، عطف است بر <کنتم اعداء>. در نتیجه هر یک بیانی است از نعمت الهی.

نعمت احتجاج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۹

۹ استدلال ها و براهین ، افاضاتی است از ناحیه خداوند بر قلب و اندیشه انسانها

ما أنزل الله بها من سلطان

برای مردود شمردن پندار اهل شرک کافی بود که گفته شود: مشرکان دلیلی برای عقیده و مرامشان ندارند. رد آن پندار با جمله <ما أنزل الله...> (خداوند برهانی برای عبادت معبودها قرار نداده است) برای رساندن حقیقتی است، که در برداشت فوق آمده است.

نعمت احسان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۱

۱ - احسان های الهی در قبال نیکی های خلق ، نعمتی انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

هل جزاء الإحسن إلا الإحسن . فبأئىء الآء ربكمما تكذبان

نعمت احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۱۳

۱۳ احکام الهی و حکمت های آن ، از نعمت های خداوند بر مردم

و اذکروا نعمت الله علیکم و ما انزل علیکم من الكتاب و الحکمه

بنابراینکه جمله <و ما انزل...> که شامل احکام و حکمتهای آن است، تفسیر نعمت باشد.

نعمت احیای موات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۹

۹ جریان باد ها ، نزول باران ، احیای سرزمین های مرده و سیراب کردن دام ها و انسان ها از نعمت های الهی و از نشانه های ربوبیت

ألم تر إلى ربك .. و هو الذي أرسل ... أنزلنا من السماء ماء طهوراً . لنحيي به ب

برداشت فوق، به خاطر این نکته است که این آیه، مانند آیات گذشته، درصدد برشمردن نعمت های الهی و اثبات ربوبیت مطلق خداوند است.

نعمت اخلاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۱ - ۷

۷- اخلاص کامل موسی (ع) ، یکی از نعمت های خداوند به آن حضرت بود .

واصطنعتك لنفسي

این آیه ممکن است عطف به جملاتی از قبیل <قتلت نفساً> باشد که بیانگر منت ها و نعمت های خداوند بود است.

نعمت اخوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۱۷، ۲۹

۱۷ وحدت ، ألفت و برادری میان افراد جامعه ، نعمتی الهی برای انسانها

و لا تفرّقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالألف بین قلوبکم فاصبحتم ب

۲۹ وحدت و ألفت میان دل ها ، برادری میان افراد یک جامعه و نیز یادآوری این قبیل نعمت ها ، از زمینه های هدایت انسانها

و اعتصموا بحبل الله جميعاً .. لعلمکم تهتدون

بنابراینکه <لعلمکم> ، غایت تمامی مطالب مطرح شده در آیه باشد.

نعمت ادراک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ شنوایی، بینایی و عقل و درک آدمی، از مهمترین نعمتهای الهی در وجود انسان

إن أخذ الله سمعکم و أبصرکم و ختم علی قلوبکم

نعمت ازدواج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ -

۳- ازدواج و برخورداری از همسر ، نعمتی الهی برای انسان

كذلك و زَوْجَنَّهُم

نعمت ازدواج با حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۱

۱- ازدواج با حوریان بهشتی ، نعمتی الهی برای متقین

كذلك و زَوْجَنَّهُم بحور عین

نعمت استدراجی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۹

۹ تحقق اراده الهی به عذاب دنیوی منافقان ، از طریق اعطای مال و فرزند فراوان و نعمت های ظاهری به آنان

إنما یرید الله أن یعذبهم بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۴

۱۴- ثروت ، مکنت ، خوش نمایی و آراستگی زندگی کافران ، استدراج است .

هم أحسن أثراً و رءیاً .. فلیمدد له الرحمن مدّاً حتّی إذا رأوا ما یوعدون

<استدراج>؛ یعنی، کسی را آهسته آهسته و به آرامی نزدیک چیزی بردن (لسان العرب) در این آیه <مدّاً> که مفعول مطلق است بیان نوعی خاصی از امهال است که مقصود از آن به قرینه <حتّی إذا..>، نزدیک ساختن کافران به عذاب موعود الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - > قال أبو عبد الله (ع) ... إذا أراد الله تعالى بعد شراً فأذنب ذنباً تبعه بنعمه ، لينسيه الإستغفار و يتمادى به و هو قول الله تعالى : > سنستدرجهم من حيث لا يعلمون < ... ;

امام صادق(ع) فرمود: ... هرگاه خداوند اراده بدی نسبت به بنده ای داشته

باشد و آن بنده گناهی انجام دهد، در پی آن گناه نعمتی به او می دهد تا استغفار را فراموش کند و عمل خود را ادامه دهد. دلیل آن، این سخن خدای تعالی است که می فرماید: (سنستدرجهم من حیث لایعلمون)...>.

نعمت استقلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۱ - ۸

۸- آزادی و استقلال در تمامی شؤون زندگی، رزق و روزی خدادادی و از نعمت های روشن و برجسته الهی است .

فما الذین فضلوا برادى رزقهم على ما ملكت أيمانهم فهم فيه سواء أفبنعمه الله يجحد

نعمت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۲

۲- اسحاق و یعقوب (ع) موهبت خداوند به ابراهیم (ع) بود .

و وهبنا له إسحق و یعقوب

نعمت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۴

۴ - اسلام ، نعمتی خدادادی و منتی الهی بر مؤمنان

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. هو اجتبيكم

تقدير <هو اجتباكم> به قرینه جمله <و ما جعل عليكم فى الدين من حرج> می تواند <هو اجتباكم للدين> باشد، یعنی، خدا است که شما را برای دین خود برگزید و توفیق ایمان را به شما عطا کرد و گرنه شما نیز مانند دیگران کافر و مشرک بودید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - دشمنان اسلام ، ناسپاس در برابر نعمت اسلام و مظاهر ربوبیت خداوند

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۲۵

۲۵ دین اسلام ، نعمت والای الهی برای مردم

الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی

نسبت دادن نعمت به خداوند، حاکی از بزرگی آن نعمت می باشد. مراد از نعمت، دین اسلام است و خداوند با نسبت دادن آن به خویش و گفتن <نعمتی> عظمت والای آن را به مردمان گوشزد کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷ - ۲

۲ اسلام ، نعمت الهی بر مؤمنان

و اذکروا نعمه الله علیکم

بنابر اینکه مراد از <نعمه الله>، به قرینه آیه سوم (الیوم .. اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً)، دین اسلام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۹

۹ اسلام و ایمان، نعمت و رحمتی بزرگ از جانب خداوند.

أهلؤاء منّ الله علیهم من بیننا

<منّ> در لغت به معنای <أنعم> آمده است. <منّ علیه مناً ... أنعم>. (قاموس اللغه). اگر چه این جمله نقل گفتار مشرکان است، ولی مطلبی است که قرآن آن را نقل کرده و آن را رد نکرده است. بنابراین اسلام و ایمان نعمتی ویژه و برجسته است که خداوند به مؤمنان عطا کرده است.

نعمت اسلام شناسی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - هدایت یافتن پیامبر (ص) به شریعت اسلام ، پس از ناآگاهی از آن ، نعمتی بزرگ از جانب خداوند

و وجدك ضالاً فهدی

آیه شریفه در مقام امتنان بر پیامبر(ص) و بر شمردن

یکی از نعمت های بزرگ خداوند است و به همین جهت، نمی توان آن را مربوط به گم شدن آن حضرت در نزد حلیمه، یا عبدالمطلب و یا ابوطالب دانست آنگونه که برخی احتمال داده اند؛ زیرا این امور نه ویژه پیامبر(ص) بوده و نه اهمیتی فوق العاده دارد.

نعمت اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۴

۴- قدرت روحی و نیروی قلبی برای مبارزه در راه خدا، موهبتی از جانب او برای قیام کنندگان یکتاپرست

ءامنوا برّبهم... و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا

نعمت امامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۲۲، ۲۱

۲۱ روز غدیر (روز نصب علی (ع) به امامت)، روز اکمال دین و اتمام نعمت خداوند بر مسلمانان

اليوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی

مراد از <اليوم اکملت...>، با توجه به شأن نزول آیه و روایات متعدد، روز غدیر خم بوده که پیامبر(ص) حضرت علی(ع) را به امامت منصوب کرد.

۲۲ تعیین امامت و رهبری علی (ع) در روز غدیر، موجب اکمال دین و اتمام نعمت

اليوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی

نعمت امتداد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۴

۴ حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها، از نعمت های الهی برای انسان ها

ألم تر إلى ربك كيف مّد الظلّ . . . ثمّ قبضه إلينا قبضاً يسيراً

آیه شریفه، هر چند در

صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است؛ ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

نعمت امکانات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۲

۲ توانایی انسانها بر بهره گیری از امکانات زمین نعمتی بایسته شکرگزاری است.

و لقد مکنکم فی الأرض .. قلیلا ما تشکرون

نعمت امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - امکانات فراوان و امنیت راه ها ، نعمت هایی خدایی است .

و جعلنا بینهم و بین القرى .. قرى ظهرة ... سیروا فیها ... ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۴ - ۲

۲ - امکانات زندگی و وسایل معیشت ، از نعمت های الهی است .

و مهّدت له تمهیداً

نعمت امنیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۵

۱۵ - امنیت کشور و حفظ منافع ملت ، نعمتی شایسته سپاسگزاری

عَلَمَنه صِنعه لِبوس لِكَم . . . فِهْل اُنْتَم شِكْرُون

خداوند به خاطر آموزش صنعت اسلحه سازی به داوود(ع)، مردم را به شکرگزاری فراخواند؛ ولی از آن جا که این صنعت باید در جهت منافع مردم (لکم) و حفظ آنان از تعرض دشمن باشد، به دست می آید که منافع مردم و امنیت آنان در برابر دشمن، هدف اصلی و مطلوب نهایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴

۲۶ - کفران و ناسپاسی نعمت حاکمیت دین داران و امنیت در پناه دین ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از راه حق و صواب است .

وعد الله الذین ءامنوا منکم .. لیستخلفنهم ... و لیمکنن لهم دینهم ... یعبدون

<فسق> به معنای عصیان و ترک فرمان های الهی و خروج از راه حق است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۹،۱۱

۹ - امنیت مکه ، نعمت الهی و شایسته سپاسگزاری است .

أولم یروا أننا جعلنا حرمًا ءامنًا.. أفعال بطل یؤمنون و بنعمه الله یکفرون

۱۱ - امنیت ، نعمتی الهی است و ناامنی و جو آدم ربایی ، امری نامطلوب و نکوهیده است .

أولم یروا أننا جعلنا حرمًا ءامنًا و یتخطف الناس من حولهم أفعال بطل .. و بنع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۱ - ۳

۳- امنیت و آرامش ، از نعمت های جهان آخرت

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱۱ - ۳

۳ - برخورداری از جای امن ، هدایت و ثروت ، نعمت های الهی و سزاوار بازگو کردن برای دیگران است .

فاوی .. فهدی ... فأغنی ... و أما بنعمه ربك فحدث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠ - تكاثر - ١٠٢ - ٧ - ٨

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

٢٠ - تكاثر - ١٠٢ - ٨ - ٨

٨ - > في المجمع ، في

تفسیر قوله تعالی < ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم > [هو الأمن و الصّحّه . . . روی ذلك عن أبي جعفر (ع) و أبي عبد الله (ع)] ;

در < مجمع البيان > درباره تفسیر سخن خداوند < .. عن النعيم > آمده: < نعيم > امنیت و سلامتی است ... این مطلب از امام باقر و امام صادق (ع) روایت شده است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۳

۳ - امنیت راه های کوچ زمستانی و تابستانی قریش ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس

إيلفهم رحله الشتاء و الصيف

در برداشت یاد شده، سوره < قریش > مستقل از سوره < فیل > دانسته شده است. در این صورت، این آیه مانند آیه قبل، مربوط به < فلیعبدوا > در آیه بعد خواهد بود؛ یعنی، حال که این ایلاف تداوم یافته است، قریش باید خدا را بندگی کنند. گفتنی است که التزام به بندگی به پاس نعمت، شکرگزاری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۶

۶ - سپاس قریش از خداوند در برابر نعمت امنیت ، به پذیرش بندگی او بود .

ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل . . فليعبدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۶

۱۶ - برخورداری از غذا و امنیت ، نعمتی است که سپاس آن ، تنها عبادت خداوند است .

فليعبدوا ربّ هذا البيت . الذي أطعمهم من جوع و ءامنهم من خوف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵

۶- تعیین خانه خدا برای حضور مردم و تأکید بر حفظ امنیت حاضران در آن محیط، از نعمت های الهی و شایسته و بایسته به یادداشتن

و إذ جعلنا البيت مثابه للناس و أمناً

<إذ> مفعول برای <اذکروا> (به یاد داشته باشید) است و لام در <للناس> حکایت از آن دارد که قرار دادن کعبه برای حضور پیاپی مردم در جهت منافع آنان است، که از آن در برداشت، به نعمت تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۳

۳ امنیت و آرامش خاطر، نعمتهایی ارزنده

فمن یرد الله .. لهم دارالسلام عند ربهم

یاد کردن از <دارالسلام> (خانه امن)، به عنوان پاداشی ویژه برای متذکران، بیانگر ویژگی این نعمت و ارزش فوق العاده آن است.

نعمت امنیت اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۲

۲- امنیت و آرامش اجتماعی، از نعمت های مهم الهی است .

قریه کانت ءامنه مطمئنه .. بأنعم الله

نعمت امنیت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۲ - ۲

۲- امنیت و آسایش، مهم ترین نعمت در کنار زیبایی ها و طراوت های بهشت

فی مقام آمین . فی جنت و عیون

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که قرآن، در مقام ذکر نعمت های اخروی متقین، از امنیت به عنوان نعمتی مهم و حتی مقدم بر دیگر نعمت ها نام برده است.

نعمت امنیت راهها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ

۹ - وجود امنیت در راه ها ، نعمتی شایسته شکرگزاری

لقد كان لسيا في مسكنهم آية .. و اشكروا له ... و جعلنا بينهم ... سيروا فيها ..

۱۰ - امکانات فراوان و امنیت راه ها ، نعمت هایی خدایی است .

و جعلنا بينهم و بين القرى .. قرى ظهرة ... سيروا فيها ... ءامنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۳

۳ - سبایان ، نعمت امنیت راه ها و نزدیکی منزل گاه های سفر را کفران نموده و به خویش ستم روا داشتند .

فقالوا ربنا بعد بين أسفارنا و ظلموا أنفسهم

نعمت امنیت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۹

۹ - امنیت مکه ، نعمت الهی و شایسته سپاسگزاری است .

أولم يروا أننا جعلنا حرماً ءامناً .. أفتالبطل يؤمنون و بنعمه الله يكفرون

نعمت امیدواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - دل بستن به لطف خداوند ، خود از نعمت های الهی و سزاوار پاسخ گویی و سپاس گذاری است .

و ما لأحد عنده من نعمه تجزى . إلا ابتغاء وجه ربّه الأعلى

چنانچه استثنا در این آیه، متصل باشد، <ابتغاء> از مصادیق <نعمه تجزی> خواهد بود. در نتیجه مفاد دو آیه، این می شود

که: کسی نزد انفاق گر نعمتی ندارد، جز یک نعمت [که خداوند عطا کرده است] و آن حالت <ابتغاء> است. بنابراین وجود
علاقه و دل بستگی به <وجه الله> که

مايه <ابتغاء> است نعمتی است که باید بهوسيله سپاس گزاری جزا داده شود (نعمه تجزی).

نعمت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۸

۸ انسان ، موجودی ناسپاس در برابر نعمت بعثت پیامبران و تعلیمات الهی آنان

و إذا أذقنا الناس رحمه .. إذا لهم مكر في آياتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲۲

۲۲ مردم در برابر نعمت وجود پیامبران و معلمان توحید ، ناسپاسند .

ذلك من فضل الله علينا و علی الناس و لكنّ أكثر الناس لا يشكرون

شکر، در برابر نعمت است و نعمتهایی که آیه مورد بحث گویای آن است عبارت است از: ا توحید (ما كان لنا أن نشرك . ..)، ۲ وجود پیامبران به عنوان معلمان توحید و بیانگران شریعت و آیین الهی (ملّه آبائی ابراهیم ...). برداشت فوق، ناظر به دومین نعمت یاد شده در آیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۱ - ۱

۱- بشر ، بهره مند از وجود پیامبران صاحب رسالت ، قبل از رسول خاتم (ص)

و لقد استهزئَ برسُل من قبلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۴

۴ - ارسال رسولان به سوی مردم ، نعمتی معنوی در کنار سایر نعمت های الهی برای بشر و نمودی دیگر از ربوبیت ، تدبیر و نظارت دقیق او بر احوال خلق است .

و ما كُنَّا عن الخلق غفلين . . . و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه

در

آیات پیشین، آوردن تعبیرهایی چون: <آنزلنا>، <أسکننا>، <أنشأنا> و <نسقیکم>، برای بیان نمونه هایی از نعمت های مادی خداوند برای بشر و نمودهایی از تدبیر او بود. اکنون تعبیر <و لقد أرسلنا...> در کنار آن نعمت ها، بیانگر نعمت معنوی خدا و یادآور نمودی دیگر از ربوبیت و تدبیر و نظارت او بر کاربندگان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۶

۶ - بعثت پیامبران و انتخاب ایشان از میان خود مردم و از جنس آنان ، از نعمت های الهی است .

ربنا وبعث فیهم رسولا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۶

۶ - انتخاب پیامبران از میان مردم و از جنس خودشان ، از نعمت های الهی است .

كما أرسلنا فیکم رسولا منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۴،۶

۴ بنی اسرائیل ، برخوردار از نعمت پیامبرانی متعدد پیش از موسی (ع)

اذ جعل فیکم انبیاء

۶ بعثت پیامبران در میان امت ها ، نعمتی بزرگ برای آنان

اذکروا نعمه الله علیکم اذ جعل فیکم انبیاء

نعمت انجیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۱ - ۹۵ - ۲

۲ - انجیر و زیتون ، دو نعمت شایسته برای انسان و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

والتين و الزيتون

نعمت اندوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۳

۳ - غم ، شادی ، مرگ ، حیات و نیازمندی و غنا ،

هر يك ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فَبَأَىءِ الْآلَاءِ رَبُّكَ تَمَارِي

در صورتی که تعبیر <آلاء> در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

نعمت انگور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۴ - ۳

۳ - خرما و انگور ، از نعمت های الهی برای بشر

و جعلنا فيها جنت من نخيل و أعنب

نعمت ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۹

۹ اسلام و ایمان، نعمت و رحمتی بزرگ از جانب خداوند.

أَهْوَاءَ مَنْ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنَا

<مَنْ> در لغت به معنای <أنعم> آمده است. <مَنْ عَلَيْهِ مَنْأ... أنعم>. (قاموس اللغه). اگر چه این جمله نقل گفتار مشرکان است، ولی مطلبی است که قرآن آن را نقل کرده و آن را رد نکرده است. بنابراین اسلام و ایمان نعمتی ویژه و برجسته است که خداوند به مؤمنان عطا کرده است.

نعمت ائمه(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۱۰

۱۰- <قال أمير المؤمنين (ع): ما بال أقوام غيروا سته رسول الله (ص) و عدلوا عن وصيه؟ لا يتخوفون أن ينزل بهم العذاب، ثم تلا هذه الآية: > ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً و أحلوا قومهم دار البوار... > ثم قال: نحن النعمة التي أنعم الله

بها علی عبادہ ... ;

امیر المؤمنین (ع) فرمود: تغییر دهندگان سنت رسول خدا (ص) و روی گردانان از

جانشین آن حضرت را چه شده که از نزول عذاب بر خودشان نمی ترسند؟ سپس این آیه را تلاوت فرمود: <ألم تر إلی الذین بدّلوا .. > سپس فرمود: ما آن نعمتی هستیم که خدا به بندگانش عطا فرمود...<.

نعمت باد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۱۸، ۱۷

۱۷ - باد ها و رهاورد های آن ، نعمت خداوند و شایسته شکر و سپاس است .

یرسل الریاح .. و لعلکم تشکرون

<لعلّ > در آیه، به معنای تعلیل است.

۱۸ - انسان ها ، به رغم بهره مند بودن از نعمت و فواید باد ، ممکن است از شکر آن نعمت ، سرباز زنند .

و لعلکم تشکرون

<لعلّ > از حروف شبیه به فعل و برای انشا و رجا است استعمال آن در آیه، می تواند به منظور اشاره به نکته یاد شده باشد.

نعمت بادها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۹

۹ جریان باد ها ، نزول باران ، احیای سرزمین های مرده و سیراب کردن دام ها و انسان ها از نعمت های الهی و از نشانه های ربوبیت خداوند

ألم تر إلی ربّک .. و هو الذی أرسل ... أنزلنا من السماء ماء طهورًا . لنحیی به ب

برداشت فوق، به خاطر این نکته است که این آیه، مانند آیات گذشته، درصدد برشمردن نعمت های الهی و اثبات ربوبیت مطلق خداوند است.

نعمت باران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۹

۹ جریان بادها ، نزول

باران ، احیای سرزمین های مرده و سیراب کردن دام ها و انسان ها از نعمت های الهی و از نشانه های ربوبیت خداوند

ألم تر إلی ربّک . . و هو الذی أرسل ... أنزلنا من السماء ماء طهورًا . لنحیی به ب

برداشت فوق، به خاطر این نکته است که این آیه، مانند آیات گذشته، درصدد برشمردن نعمت های الهی و اثبات ربوبیت مطلق خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۷

۷ باران ، نعمتی بزرگ و مقتضی شکر و سپاس گذاری است .

لقد صرّفنه بینهم لیذکروا فابی أكثر الناس إلا کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۱ - ۱

۱ - نزول باران ، نعمتی الهی و براساس تقدیر منظم و اندازه معین

و الذی نزل من السماء ماء بقدر

واژه <قدر> (قید <نزل>) می تواند به معنای اندازه باشد، یعنی، باران را به اندازه معین نازل می کند. هم چنین می تواند به معنای تقدیر و برنامه باشد، یعنی، باران براساس تقدیر و برنامه منظم نازل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۵ - ۱

۱ - نزول باران بر زمین ، مایه تولید حبوبات و رویش گیاهان است .

و أنزلنا .. لنخرج به حبًا و نباتًا

<باء> در <به>، برای استعانت است و بیانگر نقش باران در رویش دانه ها و گیاهان و نیز میوه هایی است که در بوستان های پوشیده از درخت، حاصل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۵ - ۴

۴ - باران و آب از نعمت های خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان به درگاه او است .

ما أكفروه .. إنا صببنا الماء صبًا

کفر در <ما أكفروه> به قرینه آیات پیشین ممکن است به معنای کفران نعمت باشد. بنابراین آیه، در صدد برشمردن نعمت های خداوند به انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۸ - ۵

۵ - رویاندن تاک و سبزیجات ، با فرستادن باران و قابل کشت ساختن زمین ، از نعمت های خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان از او است .

ما أكفروه .. فأنبثنا فيها ... عبًا و قضبًا

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که <کفر> در <ما أكفروه> به معنای کفران نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۶

۶ خداوند در آستانه جنگ بدر مسلمانان را از نعمت باران بهره مند ساخت .

و ينزل عليكم من السماء ماء

نعمت باغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۴ - ۴

۴ - باغستان های پوشیده از درخت و چشمه سار های روان در میان آنها ، نمودی از نعمت بخشی و امداد الهی به بشر

أمدکم .. و جنّت و عیون

نعمت باغها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۵،۹

۵ - اموال ، فرزندان ، باغ ها و نهر ها ، از نعمت های الهی برای بشر

و یمددکم بأمول

... و يجعل لكم أنهرًا

۹- اموال ، اولاد و باغ های آباد ، از نعمت های الهی برای بشر

و یمددکم بأمول و بنین و يجعل لكم جنّ و يجعل لكم أنهرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۲

۲- ایجاد باغ های پردرخت با نزول باران بر زمین مساعد ، نعمت خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان از او است .

صبینا .. شققنا ... فأنبتنا ... و حدائق غلبًا

چنانچه <غلبًا> توصیف ذات <حدائق> باشد نه درختان آن ضخامت بستان کنایه از انبوه و متراکم بودن درختان آن خواهد بود. برداشت یاد شده، براساس ارتباط این آیه با <ما أكفروه> در آیات پیشین است. با توجه به این احتمال که <کفر> در آن آیه، به معنای کفران نعمت باشد.

نعمت برنج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۷

۷- دانه هایی چون گندم ، جو ، برنج و ... ، از مهم ترین خوردنی ها و نعمت های الهی برای بشر است .

و أخرجنا منها حبًّا فمّنه یا کلون

تقدیم جار و مجرور (فمّنه) بر متعلق خود (یا کلون)، می تواند برای اهتمام و نیز توجه دادن انسان ها به این نعمت ارزشمند الهی باشد.

نعمت بزرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۵،۷،۴

۴- خداوند به هر کس که بخواهد نعمتی بزرگ عطا می کند .

و لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِّنْ عِبَادِهِ

<مَنْت> در لغت به معنای نعمت سنگین و بزرگ است.

انبیای الهی، برگزیدگی خویش را از سوی خداوند به مقام پیامبری، نعمتی بزرگ از سوی او بر خود می دانستند.

و لکنّ الله یمنّ علی من یشاء من عباده

۷- مقام پیامبری، موهبت و نعمتی بزرگ از سوی خداوند برای بندگانی خاص است.

و لکنّ الله یمنّ علی من یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۹

۹ - صلح با مشرکان، در شرایط سخت و دشوار مکه، نعمتی بزرگ و راه گشای حرکت های سرنوشت ساز بعدی پیامبر (ص) *

فتحنا لک فتحاً .. و یتّم نعمته علیک و یهدیک صراطاً مستقیماً

با توجه به این که صلح حدیبیه، در شرایط دشوار صورت گرفته است؛ احتمال می رود که نعمت شمرده شدن آن، از این جهت بوده که فرصتی برای تجدید قوا پدید آورده و راه را به سوی حرکت های مهم بعدی گشوده است (و یهدیک صراطاً مستقیماً).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۵

۵ - باران فروان و پی در پی، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر

یرسل السماء علیکم مدراراً

یادآوری نزول باران، به عنوان نخستین ثمره استغفار و ایمان، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۳

۳ - هدایت، نعمتی است بزرگ و کفران آن، گناهی عظیم و نابخشودنی است.

إنّا هدینہ السبیل .. إنّنا أعتدنا للکفرین ... سعیراً

از مهیا شدن عذاب سخت برای ناسپاسان نعمت هدایت، برداشت بالا

به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۹

۹ - برطرف شدن تاریکی با طلوع سپیده دم ، نعمتی بزرگ از جانب خداوند

برَبِّ الْفَلَقِ

نعمت بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۶

۶ - < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی > ، از ارزش ها و نعمت های الهی برای انسان

إبرهیم و إسحق و یعقوبُ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَرِ

نعمت بعثت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۶

۶ - رسالت پیامبر (ص) و تغییر قبله ، دو نعمتی شایسته و بایسته شکرگزاری به درگاه خدا

فولوا وجوهکم شطره .. . كما أرسلنا فيکم رسولاً ... واشکروا لی

شکر، در برابر نعمت است و مصداق مورد نظر برای نعمت - به قرینه آیات قبل - نعمت رسالت و تغییر قبله می باشد.

نعمت بقای نسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۵

۵- تضمین بقای نسل انسان از طریق زوجیت و همسررداری ، از نعمت های خداوند است .

و الله جعل لكم من أنفسكم أزواجًا و جعل لكم من أزواجكم بنين و حفده

نعمت بقای نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۷ - ۳

۳ - بقای نسل نوح (ع) برای همیشه تاریخ ، از نعمت ها و الطاف ویژه الهی به ایشان

و جعلنا ذرّیّته هم الباقین

برداشت یاد

شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

نعمت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۹

۹ بهشت و موهبت های آن ، عطایی الهی است .

عطاءً غیر مجذوذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۱

۱ - پاداش بهشت به بیمنانگان مقام پروردگار ، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

و لمن ... جَنَّان . فَبِأَيِّ آءِالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۰ - ۳

۳ - بهشت ، نعمت چشم گیر و سلطنت بزرگ و گسترده است .

نعميًا و ملکا کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۰ - ۴

۴ - بهشت برین ، از نعمت های الهی برای انسان های کوشا و آخرت طلب

ناعمه .. فی جنّه عالیه

نعمت بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - غم، شادی، مرگ، حیات و نیازمندی و غنا، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فبأیء الاء ربك تماری

در صورتی که تعبیر <آلاء> در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

نعمت بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴ - ۱

۱ - تکلم و قدرت بیان

مفاهیم ، از نعمت های مهم الهی برای انسان

الرحمن .. علمه البیان

نعمت بینایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۵

۵- شنوایی ، بینایی و قلب (قدرت ادراک) ، از مهم ترین نعمت های خداوند به انسان

و الله أخرجكم ... و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة

برداشت فوق، از آن جاست که آیه شریفه علاوه بر بیان آیات قدرت الهی، در صدد برشمردن نعمتهای الهی و در مقام امتنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۷

۷- بهره نگرفتن صحیح از نعمت شنوایی ، بینایی و قلب برای شناخت حق ، باعث مسؤولیت انسان نزد خداوند است .

و لاتقف ... إن السمع ... کان عنه مسئولاً

خداوند، به منظور دور کردن انسانها از حرکت های غیر علمی، به آنان نعمت شنوایی، بینایی و قلب را یادآور شده است تا آنان، با بهره گیری صحیح از آن، به یقین دست یافته و بر اساس آن، حکم کرده و عمل نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۴

۴ - نیروی شنوایی ، بینایی و ادراکی انسان ، نعمت هایی الهی و در خور شکر و سپاس گزاری

و هو الذی أنشأ لكم ... قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۷،۸،۹ - ۳،۵

۳- پیدایش بشر و نعمت های نهفته در وجود او (قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل) ، نشانه

و جلوه قدرت خدای رحمان

الرحمن ... هو الذى أنشاكم و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

۵- قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل ، از نعمت های الهی و در خور شکر و سپاس

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

۷- استفاده بهینه نکردن کافران تکذیب گر از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شکر نکردن انسان ها در برابر نعمت ها، به معنای استفاده صحیح نکردن از آنها است.

۸- ناسپاسی بسیار انسان ها ، در برابر نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

۹- کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۴

۴- ایمان به آیات الهی ، سفارش یکدیگر به استقامت در تکالیف دشوار و اظهار محبت به بردگان ، یتیمان و تنگدستان ، قدردانی از نعمت های بینایی ، گویایی و هدایت است .

ألم نجعل له عينين . و لساناً و شفقتين . و هدينه النجدين ... ثم كان من الذين ءام

<الذين آمنوا> گرچه مطلق است؛ ولی مصداق بارز آنها به قرینه <و الذين كفروا بآياتنا> در آیات بعد مؤمنان به آیات الهی است و آیات پیشین که بعضی از تکالیف را <عقبه> نامیده بود

قرینه بر مراد از <صبر> است و سیاق آیات نشان می دهد که مراد از <مرحمه>، ترحم بر <رقبه>، <یتیم> و <مسکین> است. ارتباط این آیات با آیه های پیشین که نعمت های الهی را برشمرده گویای برداشت یاد شده است زیرا <بینایی و بصیرت>، زمینه ساز <ایمان> و <داشتن زبان و لب>، زمینه ساز توصیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۴

۴ شنوایی، بینایی و عقل و درک آدمی، از مهمترین نعمتهای الهی در وجود انسان

إن أخذ الله سمعکم و أبصرکم و ختم علی قلوبکم

نعمت پسر عالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - داشتن فرزند دانا و دانشمند، از نعمت های الهی و شایسته بشارت و شادمانی

و بشروه بغلم علیم

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که واژه <بشارت> در جایی به کار می رود که خیر و نعمت باشد.

نعمت پشم حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۸

۸- به کار آمدن پشم، کرک و موی حیوانات در ساختن اثاثیه و لوازم زندگی، از نعمت های الهی است.

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثنا و متعا

نعمت پوست شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۶

۶- بهره‌وری انسان، از پوست دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال، از نعمت

های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بیوتًا

نعمت پوست گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۶

۶- بهره‌وری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بیوتًا

نعمت پوست گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۶

۶- بهره‌وری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بیوتًا

نعمت پوشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۲

۲ لباسهایی که زشتیهای آدمی را مستور می دارد و لباسهای زینتی، از نعمتهای خداوند است.

قد أنزلنا علیکم لباسا یوری سوءتکم و ریشا

<ریش> به معنای پسر پرندگان است، و از آنجا که پره‌های پرندگان پوشش و زینت آنهاست، به این مناسبت در مورد لباس زینتی به کار برده می شود.

نعمت تألیف قلوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱

۱ مؤمنان عصر بعثت برخوردار از نعمت الفت و دوستی نسبت به یکدیگر

و ألف بین قلوبهم

نعمت تأمین روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۸

۸- میوه ها و نباتات تأمین رزق و روزی انسان ، نمودی از

نعمت و لطف الهی بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذی خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت رزقاً لکم

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن، تشویق کننده بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله <إن الاءنسان لظلوم کفّار> در دو آیه بعد (آیه ۳۴) مؤید برداشت فوق است.

نعمت تاریکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۵

۵ - توالی شب و روز و پدیدار شدن نور و تاریکی در زندگی ، از نعمت های الهی برای بشر است .

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر .. و کلّ فی فلک ینسبحون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای بشر است.

نعمت تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۴ - ۴

۴ - تاریک شدن زمین در شب ، از نعمت های خداوند برای انسان ها

و الیل إذا یغشیها

تأثیر سوگند، زمانی است که مخاطب، مورد سوگند را محبوب خود بیابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۲ - ۲

۲ - شب و سیطره افکندن تاریکی آن بر موجودات ، از نعمت های بزرگ الهی و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الیل إذا سجی

نعمت تبری از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۸ - ۱

۱ - محبت به ایمان

و بیزاری از کفر و گناه ، جلوه ای از فضل و نعمت الهی

و لکنّ الله حبیب إلیکم الایمن . . . و کرّه إلیکم الکفر ... فضلاً من الله و نع

نعمت تسخیر نهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۷

۱۷- مسخر و رام بودن نهرها و رودها ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

و سخر لکم الأنهر

نعمت تسطیح زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۶

۶- وجود راهها و امکان سیر و انتقال ، بر اثر همواربودن زمین ، از موهبت های الهی برای انسان و پرتویی از ربوبیت خداوند

الذی .. سلک لکم فیها سبلاً

نعمت تسلیم به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۰

۲۰ تسلیم خدا بودن تا پایان عمر ، از نعمت های بزرگ الهی است .

توفنی مسلماً

جمله <مرا در حال تسلیم بمیران> (توفنی مسلماً) کنایه از این است که من همواره تسلیم تو باشم به گونه ای که در هر لحظه و شرایطی که جان دادم ، با این وصف قرین بوده باشم.

نعمت تعقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۳،۵،۷،۸،۹

۳ - پیدایش بشر و نعمت های نهفته در وجود او (قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل) ، نشانه و جلوه قدرت خدای رحمان

الرحمن .. هو الذى أنشأكم و جعل لكم السمع و

۵- قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل ، از نعمت های الهی و در خور شکر و سپاس

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفتده قليلاً ما تشكرون

۷- استفاده بهینه نکردن کافران تکذیب گر از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفتده قليلاً ما تشكرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شکر نکردن انسان ها در برابر نعمت ها، به معنای استفاده صحیح نکردن از آنها است.

۸- ناسپاسی بسیار انسان ها ، در برابر نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفتده

۹- کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفتده قليلاً ما تشكرون

نعمت تعلیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۳

۳- تعلیم قرآن ، نعمت و ارزشی فراتر از اصل خلقت انسان و نعمت های دیگر

علم القراءان . خلق الإنسن

سوره <الرحمان>، حاوی بیان انواع نعمت هایی است که خداوند به انسان عطا کرده است. از این که مسأله تعلیم قرآن، سرآغاز همه نعمت ها و حتی آفرینش انسان قرار گرفته، مطلب بالا استفاده می شود.

نعمت تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۳

۳ - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، نعمتی بزرگ در ردیف نعمت رسالت

فولوا وجوهکم شطره .. لعلکم تهتدون. كما أرسلنا فیکم رسولا

برداشت فوق

مبتنی بر این است که کاف در <کما> برای تشبیه باشد. بر این مبنای تغییر قبله - که از آیه قبل به دست می آید - <مشبه> و ارسال پیامبر <مشبه به> می باشد و تشبیه مسأله قبله به نعمت رسالت، نشانگر عظمت آن مسأله و بزرگی آن نعمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۴،۶

۴ - رسالت پیامبر (ص) و تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام، از نعمتهایی که مسلمانان باید به پاس آنها، همواره به یاد خدا باشند.

فولوا وجوهکم شطره .. کما أرسلنا فیکم رسولا ... فاذکرونی

برداشت فوق از حرف <فاء> که <اذکرونی> را بر نعمتهای یاد شده (تغییر قبله و رسالت پیامبر(ص)) تفریع کرده است، به دست می آید.

۶ - رسالت پیامبر (ص) و تغییر قبله، دو نعمتی شایسته و بایسته شکرگزاری به درگاه خدا

فولوا وجوهکم شطره .. کما أرسلنا فیکم رسولا ... واشکروالی

شکر، در برابر نعمت است و مصداق مورد نظر برای نعمت - به قرینه آیات قبل - نعمت رسالت و تغییر قبله می باشد.

نعمت تکامل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۸ - ۳

۳ - ره یابی انسان و جامعه به رشد و تعالی دینی، فضل و نعمت خداوندی است.

أولئک هم المرشدون . فضلاً من اللّٰه و نعمه

نعمت تکلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴ - ۱

۱ - تکلم و قدرت بیان مفاهیم، از

نعمت های مهم الهی برای انسان

الرحمن .. علمه البیان

نعمت تنوع رنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۲

۲ - تنوع رنگ ها در انسان ها ، جنبندگان و دام ها ، از نعمت های الهی

و من الناس و الدوابّ و الأنعم مختلف ألونه

نعمت تنوع میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۶

۶ - وجود انواع میوه ها با رنگ ها ، طعم ها و خواص گوناگون ، از نعمت های خداوند برای بشر

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء فأخرجنا به ثمرات مختلفاً ألونها

برخی از مفسران بر این باورند که اختلاف رنگ میوه ها اشاره به طعم ها و خواص گوناگون آنها دارد؛ زیرا نوعاً میوه های رنگارنگ، طعم ها و خواص گوناگونی دارند. گفتنی است این آیه و آیه بعد، ضمن تبیین قدرت و یکتایی خداوند، در صدد برشمردن نعمت های الهی نیز می باشد.

نعمت تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۷ - ۴

۴ - اعطای کتاب (تورات) به موسی و هارون (علیهماالسلام) ، از نعمت های بزرگ الهی به ایشان

و لقد منّا علی موسی و هرون .. و آتینهما الکتب المستبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - تورات عطا شده به موسی (ع) از نعمت های خداوند به بنی اسرائیل

و إذ آتینا موسی الکتب و الفرقان

با توجه به آیه

۴۷ معلوم می شود: این بخش از آیات در صدد بیان نعمتهای گرانقدری است که خداوند به بنی اسرائیل عطا فرموده است. بنابراین عطای تورات و فرقان نیز در آیه مورد بحث، به عنوان یک نعمت بزرگ مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۵

۵ تورات، نعمتی کامل برای نیکوکاران قوم موسی

تماماً علی الذی أحسن

نعمت ثروت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۹ - ۷

۷ - قدرت ، مکنث و ثروت در صورت بودن در مسیر الهی ، عطیه خداوندی است .

و هب لی ملکاً .. هذا عطاؤنا فامنن أو أمسک بغير حساب

از تعبیر <عطاؤنا> درباره قدرت سیاسی و مکنث و ثروت سلیمان(ع) که در مسیر رسالت الهی قرار داشت برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۲ - ۲

۲ - اموال و دارایی های بشر ، به قدرت و مشیت خداوند و از نعمت های او است .

و جعلت له مالاً ممدوداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱۱ - ۳

۳ - برخوردارى از جای امن ، هدایت و ثروت ، نعمت های الهی و سزاوار بازگو کردن برای دیگران است .

فاوی .. فهدی ... فأغنی ... و أما بنعمه ربك فحدّث

نعمت جاودانگی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲

۲ - اقتدار و کرامت

زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و یبقی وجه ربّک ذو الجلل و الإکرام . فبأی ءالآء ربّکما تکذّبان

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمند و وابسته به فیض خداوند می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

نعمت جریان آبها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۲

۲ - قانون مندی جریان آب های زمین ، نعمتی الهی برای جن و بشر

مرج البحرین .. فبأی ءالآء ربّکما تکذّبان

تشبیه آمدن <کما> و <تکذّبان> ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس و یا مرد و زن از انسان ها باشد.

نعمت جو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۷

۷ - دانه هایی چون گندم ، جو ، برنج و ... ، از مهم ترین خوردنی ها و نعمت های الهی برای بشر است .

و أخرجنا منها حبّاً فمّنه یا کلون

تقدیم جار و مجرور (فمّنه) بر متعلق خود (یا کلون)، می تواند برای اهتمام و نیز توجه دادن انسان ها به این نعمت ارزشمند الهی باشد.

نعمت چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۶

۱۶ - قوای ادراکی انسان (چشم و گوش و قلب) مواهب الهی اند و شایسته است که به خاطر آنها ، به درگاه وی

شکرگزاری شود .

ثمَّ سَوِّيه و نَفخ فيه من روجه و جعل لكم السمع و الأبصر

و الأفضده قليلاً ما تشكرو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۸ - ۱

۱ - دو چشم انسان ، عطای خداوند و نعمتی بزرگ است .

ألم نجعل له عينين

نعمت چشمه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۴ - ۴

۴ - باغستان های پوشیده از درخت و چشمه سار های روان در میان آنها ، نمودی از نعمت بخشی و امداد الهی به بشر

أمدکم . . . و جنّت و عیون

نعمت چشمه ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۴ - ۶

۶ - چشمه ها ، از نعمت های الهی برای بشر

و فجّرنا فیها من العیون

نعمت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۵

۵- قابلیت بهره برداری از فرآورده های دامی (گوشت ، لبنیات و . . .) برای تغذیه آدمی ، از مواهب و نعمت های الهی است

و الأنعم خلقها لكم... و منها تأكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۳

۳ - آفرینش مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و ...) از سوی خداوند ، به سود بشر و از نعمت های او است .

و ءایه لهم... و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

گفتنی است که لام در < لهم > برای انتفاع است ، یعنی ، مرکب های مانند کشتی را به نفع انسان ها آفریدیم .

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۶

۶ - شتر ، گاو و گوسفند ، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود زندگی وی

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن <أنعام> از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۲

۲ - دام ها ، از نعمت های الهی برای بشر است .

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های الهی بر بشر و امتنان بر آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۴

۴ - مرکب قرار گرفتن کشتی ها و دام ها ، از نعمت های الهی برای انسان است .

و جعل لكم من الفلك و الأنعم ما تركبون

نعمت حاکمیت دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۶

۲۶ - کفران و ناسپاسی نعمت حاکمیت دین داران و امنیت در پناه دین ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از راه حق و صواب است .

وعد الله الذين ءامنوا منكم .. ليستخلفنهم ... و ليمكنن لهم دينهم ... يعبدون

<فسق> به معنای عصیان و ترک فرمان های الهی و خروج از راه حق است (لسان العرب).

نعمت جبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - حبوبات و گیاهان ، از نعمت های الهی

لنخرج به حَبًّا و نباتًا

سیاق آیات مورد بحث، نشان می دهد که خداوند در مقام برشمردن آن دسته از آفریده های خویش است که در زندگانی انسان ها مؤثر می باشد. تقدیم <حَبِّ> بر <نبات>، به دلیل اهمیت بیشتر دانه جات (از قبیل گندم، جو و...) در زندگی آنها است، به گونه ای که در اکثر موارد، گیاه را برای دانه اش می خواهند.

نعمت حرکت در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۳

۳ - حرکت انسان ها ، بر روی زمین و اطراف و اکناف آن ، از نعمت های خداوند و جلوه لطف او است .

جعل لكم الأرض ذلولاً فامشوا فی مناكبها

مقصود از <مناكب> (شانه ها) در این آیه، روی زمین و اطراف و اکناف آن است. گفتنی است برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های الهی به بشر است.

نعمت حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۴

۴ حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها ، از نعمت های الهی برای انسان ها

ألم تر إلی ربِّک کیف مدَّ الظِّلَّ . . . ثمَّ قبضنه إلینا قبضًا یسیرًا

آیه شریفه، هر چند در صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است، ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

نعمت حرکت

کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۲ - ۴

۴ - حرکت کشتی ها در دریا ، نعمتی مهم و اساسی برای انسان ها

سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرَى الْفَلَکَ فِیْهِ بِأَمْرِهِ

از این که در میان منافع دریا، جریان کشتی ها (کشتی رانی) اختصاص به ذکر یافته است، اهمیت استفاده می شود.

نعمت حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۲

۲ - اصل حسابرسی اعمال خلق در نظام جهان ، نعمتی الهی ، انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

سَنفَعُ لَكُمْ... فَبِأَيِّ آءِ الْآءِ رَبُّكُمَا تُكذَّبَانِ

تعبیر <سنفرغ لکم...>، می تواند نویدی باشد به از بین نرفتن اعمال خلق و به حساب آمدن نهایی آن و <ءالآء> نیز بر این نعمت الهی اطلاق شده باشد.

نعمت حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۱۵

۱۵ قرآن و حکمت های نازل شده ، از نعمت های الهی

و اذکروا نعمت الله علیکم و ما انزل علیکم من الکتاب الحکمه

بنابراینکه جمله دوم (و ما انزل...)، عطف تفسیری برای <نعمت الله> باشد، و یا اینکه از موارد عطف خاص بر عام باشد.

نعمت حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۷

۷ بهره مند شدن از قدرت و مکننت از نعمت های بزرگ الهی است .

رب قءاتیتنی من الملک

از آن جا که یوسف(ع) در مقام سپاسگزاری و بیان الطاف خداوند است ، معلوم می شود: آنچه نام برده

از نعمتهای الهی است و از اینکه در میان نعمتهای بی شمار الهی چندین نعمت را یادآور شده است ، عظمت و بزرگی آنها را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ فرمانروایی ، سروری و استقلال امت ها ، از نعمت های بزرگ خداوند

اذکروا نعمه الله علیکم اذ .. جعلکم ملوکاً

نعمت حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۶

۶ - برخورداری از حکومت الهی ، موهبتی والا همچون برخورداری از کتاب آسمانی و نبوت

و لقد آتینا بنی اسرائیل الکتب و الحکم و النبوه

در صورتی که <الحکم> نظر به حکومت داشته باشد؛ از این که در زمره کتاب و نبوت به عنوان موهبتی الهی برای بنی اسرائیل معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

نعمت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۱

۱ - حوریان مستور در خیمه های بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر پروردگار و غیرقابل تکذیب

حور مقصورت .. فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۱

۱ - حوریان عقیف و پاکدامن بهشتی ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب الهی

لم يطمثهنَّ إنس قبلهم .. فبأىء آلاء ربكما تكذبان

نعمت حیات

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۳

۳ - غم ، شادی ، مرگ ، حیات و نیازمندی

و غنا، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فَبَأَيِّ آلاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى

در صورتی که تعبیر <آلاء> در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۲

۲ پیکار در راه خداوند، شکر نعمت حیات

ثُمَّ أَحْيَاهُمْ... و لَكِن أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ. و قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

فرمان جهاد، پس از بیان ناسپاسی مردمان در برابر نعمت حیات، در واقع نشان دادن روشی است برای سپاس و شکر خداوند در برابر نعمت حیات.

نعمت خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ داشتن همسر، خادم و مسکن، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل

و جعلکم ملوکاً

از رسوا خدا(ص) در توضیح <جعلکم ملوکاً> در آیه فوق روایت شده: زوجه و مسکن و خادم. حدیث فوق در صدد بیان معنای تنزیلی برای <ملک> می باشد، چنانکه در عرف عامه نیز مرسوم است که می گویند هر کس همسر، خادم و مسکن داشته باشد، پادشاه است.

الدر المشور، ج ۳، ص ۴۷، سطر ۵.

نعمت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- بودن در کنار همسران خود و برخورداری از آرامش و موهبت های طبیعت ، از نعمت های الهی و دلپذیر برای همگان

فی شغل فکھون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متکئون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است

که آیه شریفه درصدد بیان نعمت های الهی برای اهل بهشت و تشویق مردم به ایمان برای برخوردار شدن از این نعمت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۵

۵ - خانواده (زن و فرزند) ، نعمت و موهبت الهی

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

نعمت خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۱

۱۱ آمادگی زمین برای سکونت انسان ها و آگاهی آنان به خانه سازی ، از مواهب و نعمت های بزرگ الهی

و بوأکم فی الأرض تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بیوتاً

نعمت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۴ - ۳

۳ - خرما و انگور ، از نعمت های الهی برای بشر

و جعلنا فیها جنّ من نخیل و أعنب

نعمت خلافت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۳

۳ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا نعمت خلافت و سکونت گزیدن در سرزمین حجر را نعمتی از جانب خدا بدانند و آن را همواره به خاطر داشته باشند .

و اذكروا إذ جعلكم خلفاء من بعد عاد و بوأكم في الأرض

نعمت خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۳

۳ - تعليم قرآن ، نعمت و ارزشی فراتر از اصل خلقت انسان و نعمت های دیگر

عَلَّمَ الْقُرْآنَ . خَلَقَ الْإِنْسَانَ

سوره <الرحمان>، حاوی بیان انواع

نعمت هایی است که خداوند به انسان عطا کرده است. از این که مسأله تعلیم قرآن، سرآغاز همه نعمت ها و حتی آفرینش انسان قرار گرفته، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳ - ۵

۵ - وجود انسان از سوی خداوند ، خود نعمتی است الهی .

خلق الإنسن

از آیات بعدی استفاده می شود که خداوند در این آیات درصدد بیان نعمت های الهی برای بشر است. بر این اساس می توان گفت: این آیه، اصل وجود انسان را به عنوان نخستین نعمت الهی معرفی کرده است.

نعمت خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۷

۷ آفرینش شب همچون لباس برای انسان ، خواب آرامش بخش و روز پرتلاش ، از نعمت های الهی

و هو الذی جعل لکم الیل لباساً و النوم سباتاً و جعل النهار نشوراً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۹ - ۲

۲ - خواب ، از نعمت های خداوند برای انسان ها است .

و جعلنا نومکم سباتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۵

۵ استراحت و آرامش روحی مجاهدان و فراگیری خواب بر آنان در آستانه جنگ بدر ، نعمتی الهی بر ایشان و شایسته به یاد

داستن

إذ يغشاكم النعاس أمنه منه

نعمت خوردنيها

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۴

۴ - خوردنی ها ، رزق و عطیه الهی است .

كلوا من طيبات ما رزقنكم

نعمت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۱۱

۱۱ ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نعمت های الهی برای انسان ها است .

تبارك الذی جعل فی السماء بروجًا . . . قمرًا منيرًا

برداشت فوق، به خاطر این است که آیه شریفه، ضمن آن که بیانگر قدرت خدا است، می تواند در صدد امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان ها نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۳ - ۲

۲ - خورشید پر فروغ ، نعمتی الهی است .

و جعلنا سراجًا وهاجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۴

۴ - خورشید و نور آن ، نعمتی الهی است .

و الشمس و ضحیها

<سوگند>، زمانی می تواند مخاطب را به قبول سخن وادار سازد که آنچه به آن سوگند یاد شده است، مورد علاقه او بوده و به حال او سودمند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۲ - ۵

۵ - ماه و پیدایش آن پس از خورشید ، از نعمت های خداوند برای انسان ها است .

و القمر إذا تليها

سوگند، نشانه علاقه مخاطب به چیزی است که به آن سوگند یاد شده است.

نعمت خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات -

۲- باقی ماندن نام و آوازه نوح (ع) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۸ - ۲

۲- برجا ماندن نام و آوازه ابراهیم (ع) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت ابراهیم(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱۹ - ۲

۲- باقی ماندن نام و آوازه موسی و هارون (علیهماالسلام) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیهما فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر موسی و هارون (علیهماالسلام) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۲۹ - ۲

۲- باقی ماندن نام و آوازه الیاس پیامبر در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام بر شمردن نعمت های خدا

به حضرت الیاس و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - نام و آوازه نیک ، نعمتی است خدادادی و دارای مسئولیت . *

و اِنَّهٗ لَذِکْرٌ .. و سوف تستلون

برداشت بالا بدان احتمال است که منظور از <ذکر> یاد و نام خوش باشد و نه تذکر، یادآوری و هشدار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۵

۵ - خوش نامی ، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است .

و اَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّکَ فَحَدِّثْ .. و رفعا لک ذکرک

نعمت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۷

۷- برخورداری انسان در زندگی خانوادگی از یاری بی دریغ افرادی چون نوادگان و خویشاوندان ، از نعمت های خداوند و از نشانه های اوست .

و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده

ماده <حفده> در مورد یارانی به کار می رود که از خدمت گزارانی تعدی نمیورزند که مفسّران مصداق این معنا را نوادگان یا همه خویشاوندان دانسته اند.

نعمت دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ علم تعبیر خواب و دانش تحلیل حوادث ، از نعمت های خداوند است .

كذلك .. و لنعلّمه من تأويل الأحاديث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، دانشی گران قدر و از نعمت

های خداوند است .

و علمتی من تأویل الأحادیث

نعمت دانش تعبیر رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ علم تعبیر خواب و دانش تحلیل حوادث ، از نعمت های خداوند است .

كذلك .. و لتعلمه من تأویل الأحادیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، دانشی گران قدر و از نعمت های خداوند است .

و علمتی من تأویل الأحادیث

نعمت در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۳ - ۶

۶- زندگی دنیوی انسان ها ، آمیزه ای از برخورداری از نعمت و محرومیت

و ما بکم من نعمه فمن الله ثم إذا مسکم الضرّ

نعمت درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۲

۲ - بهره مندی انسان از زیتون و از منافع گوناگون درخت خرما ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس گذاری است .

ما أكفروه .. و زيتوناً و نخلاً

<زیتون>، میوه ای معروف (مصباح) و درختی معروف است و می تواند جمع <زیتونه> باشد که گاه بر درخت و گاه بر میوه آن اطلاق می گردد (لسان العرب). تعبیر <نخل> به جای نام میوه آن ممکن است ناظر به این باشد که انسان علاوه بر خرما، از اجزای دیگر نخل (از قبیل شاخ، برگ، تنه و لیف آن) نیز بهره می برد.

نعمت دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۳

۳ - امکان بهره برداری انسان ها از دریا به وسیله کشتی در سیر و سفر و حمل و نقل ، از نعمت های الهی است .

و آیه لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۲ - ۸

۸ - نعمت ها و منافع دریا ، نمود لطف و فضل الهی برای آدمیان

سخر لكم البحر . . . و لتبتغوا من فضله

از این که بر منافع نهفته در دریا <فضل الهی> اطلاق شده است، مطلب بالا به دست می آید.

نعمت دریانوردی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۱

۱ - امکان ساخت کشتی های عظیم و دریانوردی ، از نعمت های انکارناپذیر الهی برای زمینیان و غیرقابل تکذیب

و له الجوار المنشات . . . فبأی ءالاء ربکما تکذبان

نعمت دریا های تلخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۳

۳ وجود دو دریا با آب گوارا و شیرین و شور و تلخ در کنار هم بدون مخلوط شدن و درهم آمیختن آن دو آب ، از نعمت

های الهی برای بشر

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات . . . و حجراً محجوراً

آیه شریفه، ضمن آن که در مقام بیان نشانه های ربوبیت پروردگار است، در صدد برشمردن نعمت های الهی برای بشر نیز می باشد.

نعمت دریا های شور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۳

۳ وجود

دو دریا با آب گوارا و شیرین و شور و تلخ در کنار هم بدون مخلوط شدن و درهم آمیختن آن دو آب ، از نعمت های الهی برای بشر

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات .. و حجرًا محجورًا

آیه شریفه، ضمن آن که در مقام بیان نشانه های ربوبیت پروردگار است، درصدد برشمردن نعمت های الهی برای بشر نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۳

۳- وجود دو نوع دریا با آب های متفاوت < شیرین و گوارا > و < شور و تلخ > ، از نعمت های الهی برای بشر

و ما یستوی البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح أجاج

این آیه ضمن آن که در مقام بیان نشانه های قدرت و یکتایی پروردگار است، در صدد برشمردن نعمت های الهی برای بشر نیز می باشد.

نعمت دریاهاى شیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۳

۳ وجود دو دریا با آب گوارا و شیرین و شور و تلخ در کنار هم بدون مخلوط شدن و درهم آمیختن آن دو آب ، از نعمت های الهی برای بشر

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات .. و حجرًا محجورًا

آیه شریفه، ضمن آن که در مقام بیان نشانه های ربوبیت پروردگار است، درصدد برشمردن نعمت های الهی برای بشر نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۳

۳- وجود دو نوع دریا با

آب های متفاوت < شیرین و گوارا > و < شور و تلخ > ، از نعمت های الهی برای بشر

و ما یستوی البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح أجاج

این آیه ضمن آن که در مقام بیان نشانه های قدرت و یکتایی پروردگار است، در صدد بر شمردن نعمت های الهی برای بشر نیز می باشد.

نعمت دفن میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۱ - ۷

۷ - مرگ برای انسان و دفن اموات ، دو نعمت از جانب خداوند و سزوار شکرگزاری است .

قتل الإنسن ما أكفره .. ثم أماته فأقبره

برداشت یادشده، بر این اساس است که کفر در < ما أكفره > به معنای کفران نعمت باشد.

نعمت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۱۴

۱۴ کم ارزشی و اصالت نداشتن بهره های دنیوی

تبتغون عرض الحیوه الدنیا

< عرض > در لغت به معنی < ناپایدار > است و تعبیر از حیات دنیوی به < عرض > ، اشاره به کم ارزشی و ناپایداری آن است.

نعمت دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱

۱ مؤمنان عصر بعثت برخوردار از نعمت الفت و دوستی نسبت به یکدیگر

و ألف بین قلوبهم

نعمت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ - نجات از چنگال دشمن ستمگر و نابودی او ، اعطای مکتب و برنامه زندگی و تأمین ارزاق ، از بزرگ ترین نعمت های الهی است .

أنجینکم . . . وعدنکم ...

نَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰ وَ السَّلْوٰی

امتنان به بنی اسرائیل در قالب سه نوع نعمت در آیه بیان شده است: نجات، اعطای برنامه زندگی در طور (تورات) و تأمین رزق آنان. از این رو معلوم می شود که این سه امر، از نعمت های بزرگ الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۳ - ۲

۲ - هدایت (دین) ، عطیه ای است الهی برای بشر .

و لقد ءاتینا موسی الهدی

<إیتاء> (مصدر <آتینا>) مرادف <إعطاء> به معنای بخشش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۳۳

۳۳ دین ، نعمت الهی و احکام ، متمم آن است . *

ولیتم نعمته

بنابر اینکه مراد از <نعمت>، دین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۱۴، ۱۳

۱۳ فراگیری پیام های خدا و به کارگیری آنها در اعمال و رفتار ، سپاسگزاری از او در برابر نعمت دین است .

فخذ ما ءاتیتک و کن من الشکرین

مطرح کردن سپاسگزاری پس از اعطای پیامهای آسمانی، برای رساندن این حقیقت است که آن پیامها از نعمتهاست و باید خداوند را به خاطر اعطای آنها شاکر بود. فرمان به فراگیری آنها می رساند که شکر این نعمت به فراگرفتن و به کار بستن آنها است.

۱۴ دین و تعالیم آسمانی ، از نعمت های خداوند برای بشریت است .

برسلیتی . . و کن من الشکرین

نعمت رام بودن شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۶، ۱۴

- رام بودن شتر برای انسان ، از نعمت های خدا

كذلك سخرنها لكم

۱۶ - نعمت های خداوند شایسته شکر و سپاس گزاری

و البدن .. سخرنها لكم لعلکم تشكرون

نعمت راهها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۸

۸- کوه ها ، نهر ها و راه ها ، از نعمت های الهی است .

و ألقى في الأرض روسى أن تميدبكم و أنهرا و سبلا لعلکم تهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۰ - ۳

۳ - تدارك راه های طبیعی در زمین برای هدایت انسان ، نعمتی خدادادی است .

و جعل لكم فيها سبلا لعلکم تهتدون

نعمت ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۳،۴

۳ - دشمنان اسلام ، ناسپاس در برابر نعمت اسلام و مظاهر ربوبیت خداوند

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

۴ - ناسپاسی دشمنان اسلام در برابر ربوبیت خداوند ، دلیل هجوم مجاهدان به صفوف آنان است .

و العديت .. إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

نعمت رسالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۹

۹ خداوند از موسی (ع) خواست تا در برابر نعمت رسالت و شایستگی شنیدن سخن خدا، وی را سپاس گوید و از شاکران شود.

اصطفیتک علی الناس برسلتی و بکلمی .. و کن من الشکرین

نعمت رسالت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۳

۳ - تغییر قبله از

بیت المقدس به مسجدالحرام ، نعمتی بزرگ در ردیف نعمت رسالت

فولوا وجوهکم شطره .. لعلکم تهتدون. کما أرسلنا فیکم رسولا

برداشت فوق مبتنی بر این است که کاف در <کما> برای تشبیه باشد. بر این مبنا تغییر قبله - که از آیه قبل به دست می آید - <مشبه> و ارسال پیامبر <مشبه به> می باشد و تشبیه مسأله قبله به نعمت رسالت، نشانگر عظمت آن مسأله و بزرگی آن نعمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۴

۴ - رسالت پیامبر (ص) و تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، از نعمتهایی که مسلمانان باید به پاس آنها ، همواره به یاد خدا باشند .

فولوا وجوهکم شطره .. کما أرسلنا فیکم رسولا ... فاذکرونی

برداشت فوق از حرف <فاء> که <اذکرونی> را بر نعمتهای یاد شده (تغییر قبله و رسالت پیامبر(ص)) تفریع کرده است، به دست می آید.

نعمت رشد اقتصادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۳

۳- شکوفایی اقتصادی جامعه و داشتن مبادلات گسترده تجاری ، نعمتی خداوندی

قریه .. یأتیها رزقها رغداً من کلّ مکان فکفرت بأنعم الله

نعمت رضایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۷

۱۷- غفران و خوشنودی پروردگار از بهشتیان ، نعمتی عظیم برای ایشان

فِيهَا .. و مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ

در این آیه مغفرت پروردگار، همانند سایر نعمت‌ها، تذکر داده شده است و تنوین <مغفیره> دال بر تفخیم است.

نعمت رفاه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ رفاه در زندگانی دنیا و برخوردار بودن از نفوذ و اقتدار ، از نعمت های الهی است .

كذلك مكننا ليوسف في الأرض

نعمت رفع اندوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۶

۶ - آزادی از ستم نظام ستمگر و نجات از مشکلات اندوه بار آن ، از نعمت های بزرگ الهی

و لقد منّا على موسى و هرون . و نجّينهما و قومهما من الكرب العظيم

نعمت رفع دشمنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۸

۸ - زدایش عداوت های مشرکان نسبت به پیامبر (ص) ، نعمتی والا از سوی خداوند برای آن حضرت

ليغفر لك . . . و يتمّ نعمته عليك

<و يتمّ...> ممکن است تفسیر <ليغفر...> باشد؛ یعنی، نفس غفران، نعمت خداوندی است.

نعمت رفع سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۳

۳- برطرف ساختن گرفتاری ها و ناگواری ها ، از نعمت ها و عطیه های خداوند است .

ثمّ إذا كشف الضّرّ عنكم . . . بما آتینهم

نعمت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۴

۴ شب و روز ، دو نعمت بزرگ الهی و مؤثر در استمرار حیات انسانی

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیہ و النهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۷

آفرینش شب همچون لباس برای انسان ، خواب آرامش بخش و روز پرتلاش ، از نعمت های الهی

و هو الذی جعل لکم الیل لباسًا و النوم سباتًا و جعل النهار نشورًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۸

۸ شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، از نعمت های الهی و شایسته سپاس و تشکر

و هو الذی جعل الیل .. لمن أراد أن یدکر أو أراد شکورًا

یادآوری سپاس گذاری انسان پس از بیان آفرینش شب و روز برای آدمی، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ - روشنایی روز و آسایش یافتن در تاریکی شب ، از نعمت های بزرگ و درخور شکر و سپاس الهی

قل أرءیتم إن جعل اللّٰه علیکم الیل سرمدًا.. إن جعل اللّٰه علیکم النهار سرمدًا .

توحید ربوبی و برشمرنده نعمت های الهی و شکرگزاری از آنها است. ذیل آیه بعد (لعلکم تشکرون) مؤید این مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۷۸

۷ - برقرار شدن نظام شب و روز در جهت تأمین نیازها و منافع انسان ها ، نعمتی بزرگ و سزاوار شکر و سپاس الهی

و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون

۸ - لزوم ادای شکر به درگاه خداوند ، به پاس برقرار کردن نظام شب و

روز برای منافع انسان ها

جعل لكم الیل و النهار .. و لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - شب آرامش دهنده و روزِ روشنایی بخش ، دو نعمت بزرگ و درخور شکر و سپاس الهی

اللّٰه الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیہ و النهار مبصرًا .. و لکنّ اکثر الناس لای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۱ - ۴

۴ - قابلیت روز برای رفع نیازمندی های زندگانی در آن ، از نعمت های خداوند به انسان

و جعلنا النهار معاشًا

نعمت روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ - نجات از چنگال دشمن ستمگر و نابودی او ، اعطای مکتب و برنامه زندگی و تأمین ارزاق ، از بزرگ ترین نعمت های الهی است .

أنجینکم .. وعدنکم ... نزلنا علیکم المنّ والسلوی

امتنان به بنی اسرائیل در قالب سه نوع نعمت در آیه بیان شده است: نجات، اعطای برنامه زندگی در طور (تورات) و تأمین رزق آنان. از این رو معلوم می شود که این سه امر، از نعمت های بزرگ الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۶

۶ - روزی های الهی ، مواهبی پاکیزه و خوشگوار برای انسان

طیبت ما رزقناکم

اضافه <طیبات> به <ما رزقناکم> ممکن است بیانیه بوده و گویای این نکته باشد که هر آنچه به شما روزی کرده ایم،
طیب و پاکیزه است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۵

۵- وجود روزی و نیازمندی های بشر در زمین ، از نعمت های خداوند و جلوه لطف او است .

هو الذی جعل لکم الأرض ذلولاً .. و کلوا من رزقه

نعمت روزی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۴ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن ، روزی و عطای الهی است .

جَنَّتْ عدن .. إنَّ هذا لرزقنا

نعمت روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۱

۱۱- روزی های حلال و دلپذیر ، از نعمت های شایان شکرگزاری است .

فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیباً و اشکروا نعمت الله

نعمت روشنایی روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۳ - ۳

۳ - تابناک شدن زمین در روز ، از نعمت های خداوند است .

و النهار إذا جلیها

سوگند، نشانه آن است که آنچه به آن سوگند یاد شده است، برای مخاطب سودمند و مورد علاقه او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲ - ۳

۳ - روشنی روز، از نعمت های خداوند است .

و النهار إذا تجلّی

سوگند، نشانه آن است که آنچه به آن سوگند یاد شده است. برای مخاطب سودمند و مورد علاقه است.

نعمت رویش انگور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۸ - ۵

۵ - رویاندن تاک و سبزیجات ، با

فرستادن باران و قابل کشت ساختن زمین ، از نعمت های خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان از او است .

ما أكفّره .. فأنبئنا فيها ... عبّاً و قضباً

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که <کفر> در <ما أكفّره> به معنای کفران نعمت باشد.

نعمت رویش سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۸ - ۵

۵ - رویاندن تاک و سبزیجات ، با فرستادن باران و قابل کشت ساختن زمین ، از نعمت های خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان از او است .

ما أكفّره .. فأنبئنا فيها ... عبّاً و قضباً

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که <کفر> در <ما أكفّره> به معنای کفران نعمت باشد.

نعمت رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۸ - ۶

۶ - وجود رهبری دینی و شریعت آسمانی ، تبلور فضل و نعمت الهی بر خلق *

واعلموا أنّ فيكم رسول الله .. فضلاً من الله و نعمه

برداشت بالا بدان احتمال است که جمله <فضلاً من الله و نعمه> در رابطه با صدر آیه قبل (فیکم رسول الله) باشد.

نعمت رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵ - ۶

۶ - در دست داشتن امامت و پیشوایی جامعه ، از نعمت های بزرگ الهی است .

و نريد أن نمَنّ .. و نجعلهم أئمه

نعمت زبان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - بلد - ٩٠ - ٩ - ١

١ - زبان و

دو لب انسان ، عطای الهی و نعمت هایی بزرگ است .

و لساناً و شفقتین

نعمت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۶ - ۵

۵ - آفرینش زمین ، نعمتی الهی برای انسان ها و در جهت منافع حیاتی آنان است .

ألم نجعل الأرض مهدياً

<مَهْدٍ> و <مِهَادٍ>، به معنای مکانی است که مَهْد و مِهْيَا باشد (مفردات راغب). بنابراین جمله <ألم نجعل...>، حاکی از این است که خداوند زمین را به گونه ای قرار داده است که برای ادامه حیات بشر آماده باشد.

نعمت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۵

۵ - خانواده (زن و فرزند) ، نعمت و موهبت الهی

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

نعمت زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۱

۱۱ آمادگی زمین برای سکونت انسان ها و آگاهی آنان به خانه سازی ، از مواهب و نعمت های بزرگ الهی

و بوأکم فی الأرض تتخذون من سهولها قصوراً و تنحتون الجبال بیوتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ برخورداری مؤمنان از مسکن مناسب و کیفیت خوب زندگی ، در دیدگاه ادیان الهی ، امری پسندیده و نعمت خدادادی است .

و لقد بؤأنا بنی اسرائیل مبرؤاً صدق و رزقنهم من الطیبت

نعمت زندگی با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۰

۲۰ زندگی خویشاوندان و بستگان

در کنار یکدیگر بدون کدورت و تباهی ، از نعمت های خداوند است .

قد أحسن بی إذ . . . جاء بکم من البدو

چنان چه منظور یوسف (ع) در <جاء بکم من البدو> تنها رها شدن خاندانش از صحرائشینی بود و به حضور آنان در کنار خویش نظر نداشت، فعل <جاء بکم> را به کار نمی برد ؛ بلکه مثلاً می گفت: <إذ أنجاکم من البدو> قید <من بعد أن نزع . . .> گویای این است که حسن زندگانی جمعی بستگان منوط به نبود فساد و تباهی در میان آنان است.

نعمت زندگی با فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۳ - ۴

۴ - حضور فرزندان نزد پدر و مادر و زندگی در جوار آنان ، از نعمت های الهی است .

و بنین شهوداً

<شهود> به معنای حضور است. این قید می رساند که حضور فرزندان در نزد پدر و مادر، نعمتی افزون بر وجود آنان برای والدین است.

نعمت زوجیت انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۲

۲- زوجیت در نظام زندگی انسان ها ، نعمتی است در جهت منافع و مصالح آنان .

والله جعل لکم من أنفسکم أزواجاً

برداشت فوق با استفاده از <لام> در <لکم> است که برای انتفاع می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۲

۱۲ - بقای نسل انسان از طریق زوجیت و همسررداری ، نشانه قدرت خدا و از نعمت های الهی

خلقكم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها .. يخلقكم في

بطون أمهتكم خلقًا من بعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۸ - ۳

۳ - وجود دو جنس مرد و زن در نوع انسان ، از نعمت های خداوند به او است .

و خلقنکم أزواجًا

نعمت زوجیت بز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۷

۷ - آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لکم من الأنعم ثمنیه أزواج

<انعام> در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود چنان که در این آیه چنین است.
<ازواج> به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

نعمت زوجیت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۷

۷ - آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لکم من الأنعم ثمنیه أزواج

<انعام> در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود چنان که در این آیه چنین است.
<ازواج> به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

نعمت زوجیت شتر

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۷

۷- آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

<انعام> در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این آیه چنین است. <آزواج> به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

نعمت زوجیت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۷

۷- آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

<انعام> در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این آیه چنین است. <آزواج> به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

نعمت زوجیت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۷

۷- آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه

أزوج

<أنعام> در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود چنان که در این آیه چنین است. <أزواج> به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

نعمت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۲

۲ - بهره مندی انسان از زیتون و از منافع گوناگون درخت خرما ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس گذاری است .

ما أكفركه .. و زیتوناً و نخلاً

<زیتون>، میوه ای معروف (مصباح) و درختی معروف است و می تواند جمع <زیتونه> باشد که گاه بر درخت و گاه بر میوه آن اطلاق می گردد (لسان العرب). تعبیر <نخل> به جای نام میوه آن ممکن است ناظر به این باشد که انسان علاوه بر خرما، از اجزای دیگر نخل (از قبیل شاخ، برگ، تنه و لیف آن) نیز بهره می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۱ - ۲

۲ - انجیر و زیتون ، دو نعمت شایسته برای انسان و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و التین و الزیتون

نعمت سایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۲

۲- بهره‌وری انسان از سایبان و سرپناه به وسیله اشیای مختلف ، از نعمت های الهی است .

و الله جعل لكم مِمَّا خَلَقَ ظِلًّا

نعمت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان

۱۱ ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نعمت های الهی برای انسان ها است .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا .. قمراً منیرًا

برداشت فوق، به خاطر این است که آیه شریفه، ضمن آن که بیانگر قدرت خدا است، می تواند در صدد امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان ها نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۶ - ۹

۹ - ستارگان پرفروغ و زیبا ، از نعمت های الهی برای بشر

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۸

۸ - ستارگان پرفروغ و زیبا ، از نعمت های الهی برای بشر

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ

نعمت سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۴

۴ - ایمان به آیات الهی ، سفارش یکدیگر به استقامت در تکالیف دشوار و اظهار محبت به بردگان ، یتیمان و تنگدستان ،
قدردانی از نعمت های بینایی ، گویایی و هدایت است .

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنِينَ . و لِسَانًا و شَفْتَيْنِ . و هَدَيْنَاهُ النُّجْدَيْنِ ... ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَ

<الذین آمنوا> گرچه مطلق است؛ ولی مصداق بارز آنها به قرینه <و الذین کفروا بآیاتنا> در آیات بعد مؤمنان به آیات الهی است و آیات پیشین که بعضی از تکالیف را <عقبه> نامیده بود قرینه بر مراد از <صبر> است و سیاق آیات نشان می

دهد که مراد از <مرحمه>، ترّحم بر

<رقبه>، <یتیم> و <مسکین> است. ارتباط این آیات با آیه های پیشین که نعمت های الهی را برشمرده گویای برداشت یاد شده است زیرا <بینایی و بصیرت>، زمینه ساز <ایمان> و <داشتن زبان و لب>، زمینه ساز توصیه است.

نعمت سرزمین آباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - داشتن سرزمینی آباد و دل پذیر ، امری مطلوب و پسندیده است .

بلده طیبه

نعمت سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۳

۳ - غم ، شادی ، مرگ ، حیات و نیازمندی و غنا ، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فبأیء آلاء ربک تتماری

در صورتی که تعبیر <آلاء> در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

نعمت سلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، مردم عصر داوود (ع) را به شکرگزاری در برابر اعطای نعمت اسلحه سازی به ایشان ، فرا خواند .

و علّمه صنعہ لبوس لکم .. فهل أتم شکرون

استفهام در جمله <فهل أتم شاکرون>، متضمن معنای امر است.

نعمت سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - تكاثر - ١٠٢ - ٧ - ٨

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - تكاثر - ١٠٢ - ٨ - ٨

٨ - > في المجمع ، في تفسير قوله تعالى > ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم <

[هو الأمن و الصّحه ... روی ذلك عن أبي جعفر (ع) و أبي عبدالله (ع)]

در <مجمع البيان> درباره تفسیر سخن خداوند <.. عن النعیم> آمده: <نعیم> امنیت و سلامتی است ... این مطلب از امام باقر و امام صادق(ع) روایت شده است.<

نعمت سلوک سیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۰ - ۶

۶ - فراهم بودن زمینه آشنایی با راه خدا و آسان بودن سلوک آن ، نعمتی سزاوار شکرگزاری است .

قتل الإنسن ما أكفره .. ثم السبیل یسره

چنانچه کفر در <ما أكفره> به معنای کفران نعمت باشد؛ آیات پس از آن از جمله این آیه درصدد بیان نعمت هایی خواهد بود که ناسپاسی آنها، موجب نفرین خداوند است.

نعمت سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱

۱ - < منّ و سلوی > ، عطیه الهی به بنی اسرائیل و از روزی های پاکیزه و گوارا

و نزلنا علیکم المنّ والسلوی . کلوا من طیبیت ما رزقناکم

طیب، چیزی است که قوای حسی و نفس آدمی از آن لذت ببرد (مفردات راغب). <طاب> یعنی، لذیذ و پاکیزه شد (قاموس). البته یکی از معانی <طیب>، <حلال> است، ولی چون همه رزق های الهی حلال می باشد، معنایی که مفهوم آن تقسیم رزق به حلال و حرام است، معنای مناسبی نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۹، ۱۸، ۲۶

۱۸ خداوند برای تغذیه قوم موسی به

هنگام عبورشان از صحرای سوزان ، بر آنان منّ و سلوا فرو فرستاد .

و أنزلنا عليهم المنّ و السلوی

کلمه <منّ> در لغت به ترنجبین و نیز شربتی شیرین همانند عسل معنا شده است و در معنای <سلوی> گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی گفته اند <سلوی> همان بلدرچین است.

۱۹ > منّ < و > سلوی < خوراکی پاکیزه و از روزی های عطا شده به بنی اسرائیل

و أنزلنا عليهم المنّ و السلوی کلوا من طیب ما رزقنکم

۲۶ ظهور معجزاتی متعدد (پدید آمدن آب ، سایه ، نزول منّ و سلوی) برای قوم موسی در پی عبورشان از دریا

فانجست .. ظللنا عليهم الغمّ و أنزلنا عليهم المنّ و السلوی

نعمت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۴

۴ شب و روز ، دو نعمت بزرگ الهی و مؤثر در استمرار حیات انسانی

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۷

۷ آفرینش شب همچون لباس برای انسان ، خواب آرامش بخش و روز پرتلاش ، از نعمت های الهی

و هو الذی جعل لکم الیل لباساً و النوم سباتاً و جعل النهار نشوراً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۸

پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، از نعمت های الهی و شایسته سپاس و تشکر

و هو الذی جعل الیل .. لمن أراد أن یدکر أو أراد شکورًا

یادآوری سپاس گزاری انسان پس از بیان آفرینش شب و روز برای آدمی، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ - روشنایی روز و آسایش یافتن در تاریکی شب ، از نعمت های بزرگ و درخور شکر و سپاس الهی

قل أرءیتم إن جعل الله علیکم الیل سرمداً .. إن جعل الله علیکم النهار سرمداً .

توحید ربوبی و برشمرنده نعمت های الهی و شکرگزاری از آنها است. ذیل آیه بعد (لعلکم تشکرون) مؤید این مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۷۸

۷ - برقرار شدن نظام شب و روز در جهت تأمین نیازها و منافع انسان ها ، نعمتی بزرگ و سزاوار شکر و سپاس الهی

و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون

۸ - لزوم ادای شکر به درگاه خداوند ، به پاس برقرار کردن نظام شب و روز برای منافع انسان ها

جعل لکم الیل و النهار .. و لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - شب آرامش دهنده و روز روشنایی بخش ، دو نعمت بزرگ و درخور شکر و سپاس الهی

الله الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصرًا .. و لکن اکثر الناس لای

نعمت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ - شتر ، گاو و گوسفند ، روزی انسان ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۸

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، روزی انسان ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۳ - ۴

۴ - دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و فرزندان ، از نعمت ها و امداد های الهی به بشر

أمدکم بأنعم و بنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۶

۶ - شتر ، گاو و گوسفند ، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود زندگی وی

أولم یروا أننا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن <أنعام> از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۴

۴ - شیر و منافع بسیار شتر ، گاو و گوسفند ، نعمتی الهی و شایسته سپاس و شکرگزاری است .

و لهم فیها منفع و مشارب أفلایشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ - ۶

۶ - شتر ، حیوانی سودمند برای انسان و نعمتی الهی است .

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

یاد کردن

از مخلوقی خاص، برای ترغیب انسان به تفکر نشان تأثیر مثبت این مخلوق، در زندگانی انسان ها است.

نعمت شرح صدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۳

۳ - شرح صدر و تحمّل سختی ها ، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است .

و أمّا بنعمه ربّك فحدّث . بسم الله الرحمن الرحيم . ألم نشرح لك صدرك

به گفته بسیاری از فقهای امامیه، این سوره، دنباله سوره قبل و متحد با آن است. بر این اساس مفاد آیه شریفه، اعتراف به یکی از نعمت هایی است که آخرین آیه سوره قبل، به بازگو کردن آنها توصیه داشت. در این دیدگاه، جمله >بسم الله الرحمن الرحيم< ارتباط را قطع نمی کند؛ بلکه برخی از فقها، ترک آن را در نماز مجاز می دانند.

نعمت شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۱۲

۱۲- >عن أبي عبد الله (ع) قال : فيما أوحى الله عزّوجلّ إلى موسى (ع) يا موسى اشكرني حق شكري فقال : يا ربّ و كيف أشكرك حق شكرك و ليس من شكر أشكرك به إلّا و أنت أنعمت به عليّ ؟ قال : يا موسى الآن شكرتني حين علمت أن ذلك منّي ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای عزّوجلّ به موسی (ع) وحی کرد که ای موسی! شکر مرا به جای آر، آن گونه که حق شکر مرا ادا کنی. موسی(ع) گفت: چگونه شکر تو را بگویم که آن حق شکر تو

باشد و هیچ شکری نیست که با آن تو را شکر کنم، مگر آنکه آن شکر، خود باز نعمتی است که به من داده ای. خداوند فرمود: اکنون که دانستی که این (نعمت شکرگزاری) از من است شکر مرا به جا آوردی <.

نعمت شناخت بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۶

۶ - شناخت راه های نیک و بد ، نعمتی الهی و غفلت از آن ، شگفت آور و ملامت بار است .

ألم نجعل .. و هدینه النجدین

نعمت شناخت نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۶

۶ - شناخت راه های نیک و بد ، نعمتی الهی و غفلت از آن ، شگفت آور و ملامت بار است .

ألم نجعل .. و هدینه النجدین

نعمت شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۵

۵- شنوایی ، بینایی و قلب (قدرت ادراک) ، از مهم ترین نعمت های خداوند به انسان

و الله أخرجكم .. و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

برداشت فوق، از آن جاست که آیه شریفه علاوه بر بیان آیات قدرت الهی، در صدد برشمردن نعمتهای الهی و در مقام امتنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۷

۷- بهره نگرفتن صحیح از نعمت شنوایی ، بینایی و قلب برای شناخت حق ، باعث مسؤولیت انسان نزد خداوند است .

و لاتقف . . . إن السمع ... کان عنه

خداوند، به منظور دور کردن انسانها از حرکت‌های غیر علمی، به آنان نعمت شنوایی، بینایی و قلب را یادآور شده است تا آنان، با بهره‌گیری صحیح از آن، به یقین دست یافته و بر اساس آن، حکم کرده و عمل نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۰ - ۵

۵- شنوایی ، نعمتی مهم برای انسان ، حتی برای دوزخیان در جهنم

و هم فیها لایسمعون

از این که در اوصاف دوزخیان این جهت ذکر شده، به دست می‌آید که شنوایی نعمتی است که خداوند از دوزخیان سلب کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۴

۴ - نیروی شنوایی ، بینایی و ادراکی انسان ، نعمت‌هایی الهی و در خور شکر و سپاس‌گزاری

و هو الذی أنشأ لکم . . . قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۸، ۷، ۵، ۳

۳ - پیدایش بشر و نعمت‌های نهفته در وجود او (قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل) ، نشانه و جلوه قدرت خدای رحمان

الرحمن . . . هو الذی أنشأکم و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئدة

۵ - قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل ، از نعمت‌های الهی و در خور شکر و سپاس

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئدة قليلاً ما تشكرون

۷ - استفاده بهینه نکردن کافران تکذیب‌گر از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئدة قليلاً ما تشكرون

برداشت یاد شده با توجه به

این نکته است که شکر نکردن انسان‌ها در برابر نعمت‌ها، به معنای استفاده صحیح نکردن از آنها است.

۸- ناسپاسی بسیار انسان‌ها، در برابر نعمت شنوایی، بینایی و تعقل

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

۹- کافران لجوج و دین‌گریز، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده‌اند.

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

نعمت شیر چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۴

۴- شیر و منافع بسیار شتر، گاو و گوسفند، نعمتی الهی و شایسته سپاس و شکرگزاری است.

و لهم فيها منفع و مشارب أفلايشكرون

نعمت صبر در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۸

۸- آرامش روحی و شکیبایی در بحران‌ها، نعمتی الهی است.

فأنزل الله سكينته على رسوله و على المؤمنين

تعبیر <سکینه> و انتساب آن به خداوند، بیانگر مطلب بالا است.

نعمت صلح با اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۴

۴- درگیر نشدن مؤمنان و مکیان با یکدیگر در <عمره القضا>، نعمتی مهم برای اهل ایمان *

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم بیطن مکّه

برداشت بالا- بدان احتمال است که تعبیر <بیطن مکّه> اشاره به <عمره القضا> داشته باشد که مسلمانان پس از پیروزی حدیبیه براساس قرارداد، سال بعد به شهر مکه وارد شدند و با آرامش

کامل، مناسک عمره را به جا آوردند.

نعمت صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۵،۶،۹

۵ - صلح حدیبیه ، اتمام نعمت خداوند بر پیامبر (ص)

ليغفر لك الله .. و يتم نعمته عليك

<یتم نعمته> بیانگر پیامد و نتیجه مستقیم صلح حدیبیه است.

۶ - صلح حدیبیه ، پایانی بر خصومت‌ورزی بی‌امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (ص) و مسلمانان

إنا فتحنا لك فتحًا مبينًا .. و يتم نعمته عليك

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

۹ - صلح با مشرکان ، در شرایط سخت و دشوار مکه ، نعمتی بزرگ و راه‌گشای حرکت‌های سرنوشت‌ساز بعدی پیامبر (ص) *

فتحنا لك فتحًا .. و يتم نعمته عليك و يهديك صراطًا مستقيمًا

با توجه به این که صلح حدیبیه، در شرایط دشوار صورت گرفته است؛ احتمال می‌رود که نعمت شمرده شدن آن، از این جهت بوده که فرصتی برای تجدید قوا پدید آورده و راه را به سوی حرکت‌های مهم بعدی گشوده است (و یهدیک صراطاً مستقیماً).

نعمت صنایع دفاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۴

۱۴ - دستیابی انسان به علوم و صنایع دفاعی ، نعمتی شایسته سپاس‌گزاری

و علمنه صنعه لبوس لكم .. فهل أنتم شكرون

نعمت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۲

۲ - بودن در کنار همسران خود و برخورداری از آرامش و موهبت های طبیعت ، از نعمت های الهی و دلپذیر برای همگان

فی شغل فكهون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائك متكئون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه درصدد بیان نعمت های الهی برای اهل بهشت و تشویق مردم به ایمان برای برخورداری شدن از این نعمت ها است.

نعمت طلوع خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در طلوع و غروب خورشید

فبأیء الآء ربكما تكذبان

تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان> ، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۳

۳ - نور خورشید و برآمدن آن در صبحگاه ، نعمتی الهی است .

و الضحی

نعمت طلوع فجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۹

۹- برطرف شدن تاریکی با طلوع سپیده دم ، نعمتی بزرگ از جانب خداوند

بَرَبِّ الْفَلَقِ

نعمت طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۱

۱۱- روزی های حلال و دلپذیر ، از نعمت های شایان شکرگزاری است .

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۶

۶ - روزی های الهی ، مواهبی پاکیزه و خوشگوار برای انسان

طیبت ما رزقنکم

اضافه <طیبات> به <ما رزقناکم> ممکن است بیانیه بوده و گویای این نکته باشد که هر آنچه به شما روزی کرده ایم، طیب و پاکیزه است.

نعمت عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲ - ۳

۳ - برخورداری پیامبر (ص) ، از نعمت نبوت و عقل

ما أنت بنعمه ربك بمجنون

واژه <جنون>، قرینه است بر این که نعمت اعطایی به پیامبر(ص) <عقل> است و برخی از مفسران آن را نعمت <نبوت> دانسته اند. چنان که در آیه ۱۶۴ سوره <آل عمران> بدان اشاره شده است: <لقد منّ الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولا من أنفسهم..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۴

۴ شنوایی، بینایی و عقل و درک آدمی، از مهمترین نعمتهای الهی در وجود انسان

إن أخذ الله سمعكم و أبصرکم و ختم علی قلوبکم

نعمت علاقه به ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۸ - ۱

۱ - محبت به ایمان و بیزاری از کفر و گناه ، جلوه ای از فضل و نعمت الهی

و لکنّ الله حبیب إلیکم الایمن . . . و کرّه إلیکم الکفر ... فضلاً من الله و نع

نعمت علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۱۹

۱۹ - علم ، موهبتی از

ناحیه خداوند و نشأت گرفته از ربوبیت او است .

و قل رب زدنی علماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۲

۲ - نور دانش و معرفت ، نعمت الهی و ارزش خدا دادی است .

و ليعلم الذين أوتوا العلم

عبارت <الذين أوتوا العلم> اشاره دارد به این که علم و معرفت نعمتی است که از سوی خدا به عالمان داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۳

۳ - لزوم حمد و ستایش به درگاه خدا ، در مقابل برخورداری از نعمت علم و دانش

و لقد آتينا داود و سليمان علماً و قالوا الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۸

۸ - علم و قدرت ، دو نعمت بزرگ الهی و درخور شکر و سپاس

و لقد آتينا داود و سليمان علماً. .. و أوتينا من كل شيء... و قال رب أوزعني أن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۹ - ۵

۵ - علم و آگاهی ، موهبتی الهی است .

الذين أوتوا العلم

فاعل محذوف فعل <أوتوا> به قرینه مقام، <الله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۵ - ۱

۱ - آموخته های انسان ، هدیه خداوند و نعمت او است .

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم

آیه شریفه، در مقام امتنان و برشمردن نعمت هایی است که جلوه های کرم خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - علق - ۹۶ - ۷ - ۶

۶ - گرفتاری به طغیان ، برای کسانی که در سایه کرم خداوند و به کمک علوم خدادادی ، به ثروت رسیده و خود را بی نیاز می بینند ، خلاف انتظار و واکنشی ناشایست در برابر نعمت های الهی است .

الأكرم . الذی علم ... کلاً إنَّ الإنسان لیطغی . أن رءاه استغنی

نعمت علوم تجربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۴

۱۴ - دستیابی انسان به علوم و صنایع دفاعی ، نعمتی شایسته سپاس گذاری

و علمنه صنعه لبوس لکم .. فهل أنتم شکرون

نعمت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۹ - ۴

۴ - عیسی (ع) ، موهبتی ویژه از جانب خداوند به مریم (س) بود .

إنما أنا رسول ربك لأهب لك غلماً زكياً

با وجود آن که القای روح عیسی (ع) به مریم (س) با وسائط دیگر هم امکان پذیر بوده است، ولی فرستادن جبرئیل و بشارت به مریم و برشمردن ویژگی های آن موهبت، جملگی بر ویژه بودن آن موهبت دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۱۵

۱۵ عیسی (ع) و مشخصات بارز و برجسته او ، نعمتی الهی برای مریم

اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک اذ ایدتک بروح القدس .. اذ جثهم بالبیت

به نظر می‌رسد یاد نکردن از نعمتهای داده شده به مریم، با آنکه عنوان <نعمتی علیک و ولدتک> مقتضی یاد کردن از آنها نیز بود،

اشاره به این حقیقت دارد که خود عیسی(ع) و مشخصات یاد شده وی همان نعمتی است که خداوند به مریم(ع) عطا کرده است.

نعمت غذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۶

۱۶ - برخورداری از غذا و امنیت ، نعمتی است که سپاس آن ، تنها عبادت خداوند است .

فلیعبدوا ربّ هذا البیت . الذی أطعمهم من جوع و ءامنهم من خوف

نعمت غذای پاکیزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۹

۹ - بهره‌وری انسان از غذا های پاکیزه و دلپذیر ، از نعمت های خداوند و نشانه های اوست .

و الله جعل لکم .. و رزقکم من الطّیّب

نعمت غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در طلوع و غروب خورشید

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تشبیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

نعمت فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۷

۷- وجود فرزند ، نعمت الهی و شایسته حمد و سپاس است .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر اسمعیل و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۴

۴- برخورداری انسان ها از وجود فرزندان در پرتو نظام همسررداری ، از نعمت های خداوند و نشانه

های اوست .

و الله جعل لكم من أنفسكم أزواجًا و جعل لكم من أزواجكم بنين و حفده

آیه فوق در شمار چندین آیه قبل است که در مقام امتنان بر انسانها و بیان توحید و اثبات بطلان شرک است. گفتنی است ذیل همین آیه (أفبالباطل یؤمنون ...) مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۳

۳- زکریا (ع) ، موهبت فرزند را از جلوه های ربوبیت خداوند برای خویش می دانست .

قال ربّ ائنی یکون لی غلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۳

۳- فرزندان و نوادگان ، موهبت و عطیه ای از جانب پروردگار است .

و وهبنا له إسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۳ - ۴

۴ - دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و فرزندان ، از نعمت ها و امداد های الهی به بشر

أمّکم بأنعم و بنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۰ - ۶،۷

۶ - فرزند ، نعمت الهی است .

ربّ هب لی من الصلحین

برداشت یاد شده را از تعبیر <هبه> و <بشارت> در آیه بعد، می توان استفاده کرد؛ زیرا این دو تعبیر در امور خیر و نعمت به کار می رود.

۷- اعطای فرزند از جانب خداوند به انسان ها ، تنها يك بخشش الهی است ؛ نه حق برای آنان .

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ

با توجه به تعبیر <هبه> برداشت یاد شده

قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۵

۵ - خانواده (زن و فرزند) ، نعمت و موهبت الهی

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۲۲

۲۲- وجود فرزند ، نعمتی برای خود وی و والدین او است . *

قال ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتک الّتی أنعمت علیّ و علی ولدی

با توجه به مفرد بودن واژه <نعمه> و این که نعمت یاد شده، هم نعمت برای فرزند به شمار می آید و هم برای والدین؛ احتمال می رود که آن نعمت یگانه، اصل <وجود> باشد که به فرزند عطا شده است و از این رهگذر پدر و مادر نیز به داشتن نسل نائل آمده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۵،۹

۵ - اموال ، فرزندان ، باغ ها و نهر ها ، از نعمت های الهی برای بشر

و یمدّدکم بأمول . . . و یجعل لکم أنهرًا

۹ - اموال ، اولاد و باغ های آباد ، از نعمت های الهی برای بشر

و یمدّدکم بأمول و بنین و یجعل لکم جنّت و یجعل لکم أنهرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۳ - ۲

۲ - فرزندان ، از نعمت های الهی برای بشر

و بنین شهودًا

نعمت فرزند حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۳

۳ - فرزند صالح و بردبار

، از نعمت های الهی و شایسته بشارت و مژده دادن

رَبِّ هَب لِي مِنَ الصَّالِحِينَ . فَبَشِّرْهُ بِغُلْمٍ حَلِيمٍ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که بشارت در جایی به کار می رود که خیر و نعمت باشد و بشارت خداوند بیانگر این حقیقت است که فرزند، نعمت شایسته بشارت و مژده است.

نعمت فرزند سالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۳،۱۵

۱۳ آدم (ع) و حوا در پیشگاه خداوند ملتمز شدند که در صورت دارا شدن فرزندی سالم و شایسته همواره از سپاسگزاران وی باشند .

دعوا اللّٰه ربّهما لئن ءاتیتنا صلحاً لنكونن من الشکرین

۱۵ داشتن فرزند سالم و شایسته از نعمت های خدا و سزاوار شکرگزاری به درگاه اوست .

لئن ءاتیتنا صلحاً لنكونن من الشکرین

نعمت فرزند صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۴

۴- برخورداری از فرزندی صالح و مهربان ، نعمتی الهی است .

یبدلھما ربّھما خیراً منہ زکوة و اقرب رحمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۱۱

۱۱- فرزند صالح و وارث نیک ، موهبتی الهی است .

فھب لی من لدنک ولیّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۹ - ۶

۶- فرزند صالح و پاک نهاد ، از موهبت های الهی است .

لأهب لك غلماً زكياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۸

۸- فرزند صالح ، موهبتی الهی است

و هبنا له إسحق و يعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۳

۳ - فرزند صالح و بردبار ، از نعمت های الهی و شایسته بشارت و مژده دادن

رَبِّ هب لي من الصالحين . فبشرنه بغلم حلیم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که بشارت در جایی به کار می رود که خیر و نعمت باشد و بشارت خداوند بیانگر این حقیقت است که فرزند، نعمت شایسته بشارت و مژده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۲ - ۶

۶ - فرزند صالح ، نعمت الهی است .

و بَشْرَنه بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ

برداشت یاد شده را می توان از تعبیر <بشارت> به دست آورد زیرا این تعبیر در امور خیر و نعمت به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۰ - ۴

۴ - فرزند صالح ، عطیه الهی برای والدین

و هبنا لداود سليمان نعم العبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۳،۱۵

۱۳ آدم (ع) و حوا در پیشگاه خداوند ملتزم شدند که در صورت دارا شدن فرزندی سالم و شایسته همواره از سپاسگزاران وی باشند .

دعوا اللّٰه ربهما لئن ءاتيتنا صلحاً لنكونن من الشكرين

۱۵ داشتن فرزند سالم و شايسته از نعمت های خدا و سزاوار شکرگزاری به درگاه اوست .

لئن ءاتيتنا صلحاً لنكونن من الشكرين

نعمت فرزند عالم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ -

۵- داشتن فرزندی دانا و دانشمند ، از نعمت ها و شایسته بشارت و مژده دادن

نَبَشْرَكَ بَعْلَمَ عَلِيمٍ

واژه <بشارت> در جایی به کار می رود که خیر و نعمت باشد. گفتنی است: از اینکه فرشتگان به فرزند دانا بشارت داده اند، برداشت می شود که فرزنددار شدن امری است شایسته برای بشارت و تبریک گفتن.

نعمت فرزند مهربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۴

۴- برخورداری از فرزندی صالح و مهربان ، نعمتی الهی است .

يبدلهما ربّهما خيراً منه زكوه و أقرب رحمًا

نعمت قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۷

۷ بهره مند شدن از قدرت و مکنّت از نعمت های بزرگ الهی است .

رب قد ءاتیننی من الملک

از آن جا که یوسف(ع) در مقام سپاسگزاری و بیان الطاف خداوند است ، معلوم می شود: آنچه نام برده از نعمتهای الهی است و از اینکه در میان نعمتهای بی شمار الهی چندین نعمت را یادآور شده است ، عظمت و بزرگی آنها را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۸

۸ - علم و قدرت ، دو نعمت بزرگ الهی و درخور شکر و سپاس

و لقد ءاتینا داود و سلیمان علماً. .. و اوتینا من کلّ شیء... و قال ربّ اوزعنی أن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۷ - ۷

۷ - توانایی و قدرت ، نعمتی الهی است .

فوکزه موسی

فقضی علیه .. قال ربّ بما أنعمت علیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۹ - ۷

۷- قدرت ، مکنت و ثروت در صورت بودن در مسیر الهی ، عطیه خداوندی است .

و هب لی ملکا .. هذا عطاؤنا فامنن أو أمسک بغير حساب

از تعبیر <عطاؤنا> درباره قدرت سیاسی و مکنت و ثروت سلیمان(ع) که در مسیر رسالت الهی قرار داشت برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۶

۶- < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی > ، از ارزش ها و نعمت های الهی برای انسان

إبرهیم و إسحق و یعقوب أولی الأیدی و الأبصر

نعمت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲

۲- اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و یبقی وجه ربّک ذو الجلل و الإکرام . فبأی ءالآء ربّکما تکذّبان

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمند و وابسته به فیض خداوند می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

نعمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۵۸ - ۲

۲ تنها نعمتی که برخورداری از آن ، باید مایه خوشحالی و شادمانی مؤمنان باشد ، قرآن است .

قد جاء تکم موعظه من ربکم . . . قل

بفضل الله و برحمته فبذلك فليفرحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۴

۴- قرآن ، از نعمت های بارز خداوند برای انسان است .

و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ .. و إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ

از مصداقهای مورد نظر نعمت به قرینه آیه قبل (و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ)، قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۶ - ۷

۷- نزول وحی و معارف الهی (قرآن) برای انسان ها ، نعمت خداوند و شایسته شکر و سپاس است .

لنذهبن بالذی أوحینا إلیک

آیه، در مقام تحذیر درباره وحی و معارف آسمانی است و از تحذیر به دست می آید که موارد یاد شده عطایایی الهی است و باید آنها را پاس داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۴

۴- قرآن ، عطیه بزرگ الهی به پیامبر (ص) و مایه تذکر و بیدارباش است .

و قد ءاتینک من لدننا ذکرًا

نکره بودن <ذکرًا> دلالت بر عظمت آن دارد و مراد از <ذکر> به قرینه <من أعرض عنه> (درآیه بعد) قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۸،۹

۸ قرآن ، نعمتی بزرگ و مقتضی شکر و سپاس گذاری

و لقد صرفنه بينهم ليذكروا فآبى أكثر الناس إلا كفورًا

۹ اکثر مردم در نیمه نخست بعثت ، نعمت قرآن را قدر نشناخته و بدان بی اعتنایی کردند .

و لقد صرفنه بينهم ليذكروا فآبى أكثر الناس إلا كفورًا

برداشت فوق،

با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است که نیمه نخست دوران بعثت در همین شهر سپری شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۲

۲ - قرآن ، ارث و موهبت الهی برای جامعه اسلامی

ثم أورثنا الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا

برداشت یاد شده، از تعبیر ارث درباره اعطای قرآن به دست می آید؛ زیرا ارث چیزی است که برای آن تلاشی صورت نگرفته و در نتیجه حقی هم برای دریافت آن به وجود نیامده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۷

۷ - نزول کتاب آسمانی (قرآن) ، نعمتی است درخور شکر و شایسته عبادت خالصانه خدا و اطاعت محض از او .

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

برداشت یاد شده از تفریع جمله <فاعبد الله مخلصاً له الدين>، بر جمله <إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۹

۹ - قرآن ، نعمتی بزرگ و فرو فرستنده آن شایسته ستایش و قدردانی است .

تنزیل من حکیم حمید

به کارگیری وصف <حمید> برای خداوند پس از بیان نزول قرآن می تواند از یکسو عظمت قرآن و نعمت بودن آن را بفهماند و از سوی دیگر کرنش و فروتنی انسان در برابر خدا را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۵

۵ - قرآن ، نعمتی از جانب خداوند و کفر به

آن نتیجه کبر و ناسپاسی است .

و إذا أنعمنا على الإنسان .. ثم كفرتم به

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۲ - ۲

۲ - شرک پیشگان صدراسلام ، به جای سپاس گزاری خداوند به خاطر فرستادن قرآن ، بر تکذیب آن پافشاری کردند .

و تجعلون رزقكم أنكم تكذبون

برخی از مفسران بر آنند که <رزق>، به معنای عطا است و آیه شریفه نیز به تقدیر <و تجعلون شکر رزقکم..> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۱۵

۱۵ قرآن و حکمت های نازل شده ، از نعمت های الهی

و اذکروا نعمت الله علیکم و ما انزل علیکم من الكتاب الحکمه

بنابراینکه جمله دوّم (و ما انزل ..)، عطف تفسیری برای <نعمت الله> باشد، و یا اینکه از موارد عطف خاص بر عام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۴

۴- قرآن ، کتابی است با عظمت و نعمتی بزرگ

و لقد آتینک .. و القرءان العظیم

نعمت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۵

۵- شنوایی ، بینایی و قلب (قدرت ادراک) ، از مهم ترین نعمت های خداوند به انسان

و الله أخرجكم ... و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

برداشت فوق، از آن جاست که آیه شریفه علاوه بر بیان آیات قدرت الهی،

در صدد برشمردن نعمتهای الهی و در مقام امتنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۷

۷- بهره نگرستن صحیح از نعمت شنوایی ، بینایی و قلب برای شناخت حق ، باعث مسؤولیت انسان نزد خداوند است .

و لاتقف . . . إن السمع ... کان عنه مسئولاً

خداوند، به منظور دور کردن انسانها از حرکت‌های غیر علمی، به آنان نعمت شنوایی، بینایی و قلب را یادآور شده است تا آنان، با بهره‌گیری صحیح از آن، به یقین دست یافته و بر اساس آن، حکم کرده و عمل نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۶

۱۶ - قوای ادراکی انسان (چشم و گوش و قلب) مواهب الهی اند و شایسته است که به خاطر آنها ، به درگاه وی شکرگزاری شود .

ثم سوّیه و نفخ فیه من روحه و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشکرو

نعمت قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۵

۵- شنوایی ، بینایی و قلب (قدرت ادراک) ، از مهم ترین نعمت های خداوند به انسان

و الله أخرجکم . . . و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

برداشت فوق، از آن جاست که آیه شریفه علاوه بر بیان آیات قدرت الهی، در صدد برشمردن نعمتهای الهی و در مقام امتنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۴

و ادراکی انسان ، نعمت هایی الهی و در خور شکر و سپاس گزاری

و هو الذی أنشأ لكم .. قليلاً ما تشكرون

نعمت کاهش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۴

۴ حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها ، از نعمت های الهی برای انسان ها

ألم تر إلى ربك كيف مد الظل .. ثم قبضه إلينا قبضاً يسيراً

آیه شریفه، هر چند در صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است و ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

نعمت کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۹

۹ توان نویسنده گی ، موهبتی است الهی

ان یکتب كما علمه الله

نعمت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۶

۶ - برخورداری از حکومت الهی ، موهبتی والا همچون برخورداری از کتاب آسمانی و نبوت

و لقد آتینا بنی اسرائیل الکتب و الحکم و النبوه

در صورتی که <الحکم> نظر به حکومت داشته باشد از این که در زمره کتاب و نبوت به عنوان موهبتی الهی برای بنی اسرائیل معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۶

۶ - کتاب های آسمانی و اسباب هدایت انسان ها ، از نعمت های بزرگ خداوند برای بنی اسرائیل

و إذ آتینا موسی الکتب و الفرقان لعلمکم

نعمت کثرت جمعیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۷۸

۷ شعیب برای گرایش دادن مردم مدین به راه خدا، عنایت خداوند در زیاد کردن جمعیت اندک آنان را یادآور شد .

و اذکروا إذ کنتم قلیلا فکثرکم

۸ انبوهی جمعیت هر ملت از نعمت های الهی بر آنان است .

و اذکروا إذ کنتم قلیلا فکثرکم

نعمت کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲

۲ - اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و یبقی وجه ربک ذو الجلل و الإکرام . فبأی ءالء ربکما تکذبان

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمند و وابسته به فیض خداوند می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

نعمت کرک حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۸

۸- به کار آمدن پشم ، کرک و موی حیوانات در ساختن ائاثیه و لوازم زندگی ، از نعمت های الهی است .

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثئا و متعا

نعمت کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۳

۳ - امکان بهره برداری انسان ها از دریا به وسیله کشتی در سیر و سفر و حمل و نقل ، از نعمت های الهی است .

و آیه لهم أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْحُونِ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۳

۳ - آفرینش مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و ...) از سوی خداوند ، به سود بشر و از نعمت های او است .

و آیه لهم .. و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

گفتنی است که لام در <لهم> برای انتفاع است یعنی، مرکب های مانند کشتی را به نفع انسان ها آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۱

۱ - امکان ساخت کشتی های عظیم و دریانوردی ، از نعمت های انکارناپذیر الهی برای زمینیان و غیرقابل تکذیب

و له الجوار المنشآت .. فبأیء آلاء ربکما تکذبان

نعمت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۴

۴ - مرکب قرار گرفتن کشتی ها و دام ها ، از نعمت های الهی برای انسان است .

و جعل لکم من الفلک و الأنعم ما ترکبون

نعمت کشتیرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۸

۸ - گوشت های تازه دریایی و اشیای تزئینی آن و سهولت کشتیرانی ، از نعمت های خداوند است .

و هو الذی سخّر البحر لتأکلوا منه لحمًا طریًّا و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها و تر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - گوشت های تازه دریایی و اشیای تزئینی آن و سهولت کشتیرانی ، از نعمت های الهی برای بشر

من کُلُّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا و

تستخرجون حليه تلبسونها و ترى الفلك في مواخر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۴

۴ - تكذيب نعمت های تجلی یافته الهی در حرکت کشتی ها بر دریا ، مورد نکوهش خداوند

و له الجوار المنشات .. فبأى آلاء ربكما تكذبان

نعمت كعبه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۶

۶ - تعیین خانه خدا برای حضور مردم و تأکید بر حفظ امنیت حاضران در آن محیط ، از نعمت های الهی و شایسته و بایسته به یادداشتن

و إذ جعلنا البيت مثابة للناس و أمناً

<إذ> مفعول برای <اذكروا> (به یاد داشته باشید) است و لام در <للناس> حکایت از آن دارد که قرار دادن کعبه برای حضور پیاپی مردم در جهت منافع آنان است، که از آن در برداشت، به نعمت تعبیر شده است.

نعمت كوهها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۸

۸- کوه ها ، نهر ها و راه ها ، از نعمت های الهی است .

و ألقى في الأرض روسى أن تميدبكم و أنهرًا و سبلاً لعلكم تهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۵

۵- امکان مأوی گرفتن انسان در دل صخره ها و سنگر گرفتن در شکاف کوه ها ، از نعمت های الهی

و جعل لكم من الجبال أكنفاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - مرسلات - ٧٧ - ٢٧ - ٢

٢ - وجود كوه های استوار و بلند

، از نعمت های الهی برای بشر و تأثیرگذار در زندگی انسان ها

و جعلنا فیها روسی شمخت

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این دسته از آیات، ضمن آن که در بیان نشانه های قدرت عظیم خداوند است؛ می تواند درصدد بیان نعمت های الهی برای بشر نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۵

۵ - وجود کوه های استوار در زمین ، از نعمت های خداوند به انسان ها است .

ألم نجعل ... و الجبال أوتاداً

بیان وصف کوه ها، بین مجموعه آیاتی که بیانگر بعضی از نعمت های خداوند به انسان ها است؛ نشان می دهد که استواری کوه ها نیز از جمله آن نعمت ها است.

نعمت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ - شتر ، گاو و گوسفند ، روزی انسان ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۸

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، روزی انسان ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۳ - ۴

۴ - دام‌ها (شتر ، گاو و گوسفند) و فرزندان ، از نعمت‌ها و امداد‌های الهی به بشر

أمدکم بأنعم و بنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ -

۶ - شتر ، گاو و گوسفند ، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود زندگی وی

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن <أنعام> از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۴

۴ - شیر و منافع بسیار شتر ، گاو و گوسفند ، نعمتی الهی و شایسته سپاس و شکرگزاری است .

و لهم فيها منفع و مشارب أفلايشكرون

نعمت گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۲،۵

۲ - نظام گردش خورشید ، در جهت تأمین نیاز های بشر و نعمتی غیرقابل انکار و تکذیب ناپذیر

ربّ المشرقین و ربّ المغربین . فبأیّ ءالاء ربّکما تکذّبان

از ارتباط بین دو آیه و نعمت خواندن گردش خورشید، مطلب بالا برداشت می شود.

۵ - جن همانند انسان ، برخوردار از نعمت چرخش منظم خورشید *

فبأیّ ءالاء ربّکما تکذّبان

بنابراین که مخاطب <ربّکما> انسان و جن باشند، برداشت یاد شده به دست می آید.

نعمت گسترش تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱ - ۳

۳- گستردگی تاریکی شب ، از نعمت های خداوند برای انسان ها است .

و الیل إذا یغشی

تأثیر سوگند، زمانی است که مخاطب، مورد سوگند را محبوب خود بیابد.

نعمت گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱

۴ - گستردگی و پهناوری زمین برای بهره‌وری، از نعمت‌های الهی برای بشر

و الله جعل لكم الأرض بساطاً

نعمت گندم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۷

۷ - دانه‌هایی چون گندم، جو، برنج و...، از مهم‌ترین خوردنی‌ها و نعمت‌های الهی برای بشر است.

و أخرجنا منها حبًّا فمناه يأكلون

تقدیم جار و مجرور (فمنه) بر متعلق خود (یأكلون)، می‌تواند برای اهتمام و نیز توجه دادن انسان‌ها به این نعمت ارزشمند الهی باشد.

نعمت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ - شتر، گاو و گوسفند، روزی انسان‌ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۸

۸ - شتر، گاو و گوسفند، روزی انسان‌ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۳ - ۴

۴ - دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و فرزندان ، از نعمت ها و امداد های الهی به بشر

أمدکم بأنعم و بنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۶

۶ - شتر ، گاو و گوسفند ، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن <أنعام> از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۴

۴ - شیر و منافع بسیار شتر، گاو و گوسفند، نعمتی الهی و شایسته سپاس و شکرگزاری است.

و لهم فيها منفع و مشارب أفلايشكرون

نعمت گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۶

۱۶ - قوای ادراکی انسان (چشم و گوش و قلب) مواهب الهی اند و شایسته است که به خاطر آنها، به درگاه وی شکرگزاری شود.

ثم سوييه و نفخ فيه من روحه و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة قليلاً ما تشكرو

نعمت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۳۲ - ۸

۸- میوه ها و نباتات تأمین رزق و روزی انسان، نمودی از نعمت و لطف الهی بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذي خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت رزقاً لكم

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن، تشویق کننده بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله <إن الاءنسان لظلوم كفار> در دو آیه بعد (آیه ۳۴) مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٣-١٥-٧٨-نبأ-٢٠

-٣

حبوبات و گیاهان ، از نعمت های الهی

لنخرج به حَبًّا و نباتًا

سیاق آیات مورد بحث، نشان می دهد که خداوند در مقام برشمردن آن دسته از آفریده های خویش است که در زندگانی انسان ها مؤثر می باشد. تقدیم <حَبِّ> بر <نبات>، به دلیل اهمیت بیشتر دانه جات (از قبیل گندم، جو و...) در زندگی آنها است، به گونه ای که در اکثر موارد، گیاه را برای دانه اش می خواهند.

نعمت لب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۹ - ۱

۱ - زبان و دو لب انسان ، عطای الهی و نعمت هایی بزرگ است .

و لسانًا و شفقتین

نعمت لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۷

۷- دستیابی انسان ، به لباسی مناسب برای محافظت خویش از حرارت و شداید جنگ ، نعمتی الهی است .

و جعل لكم سربیل تقیکم الحرّ و سربیل تقیکم بأسکم

نعمت مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۵،۹

۵ - اموال ، فرزندان ، باغ ها و نهر ها ، از نعمت های الهی برای بشر

و یمدکم بأمول . . . و يجعل لكم أنهرًا

۹ - اموال ، اولاد و باغ های آباد ، از نعمت های الهی برای بشر

و یمددکم بأمول و بنین و یجعل لکم جنّت و یجعل لکم أنهرًا

نعمت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۱۱

۱۱ ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نعمت

های الهی برای انسان ها است .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا .. قمرًا منیرًا

برداشت فوق، به خاطر این است که آیه شریفه، ضمن آن که بیانگر قدرت خدا است، می تواند در صدد امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان ها نیز باشد.

نعمت ماه(قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۲ - ۵

۵ - ماه و پیدایش آن پس از خورشید ، از نعمت های خداوند برای انسان ها است .

و القمر إذا تلیها

سوگند، نشانه علاقه مخاطب به چیزی است که به آن سوگند یاد شده است.

نعمت محبت اهل بیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - > قال الرضا (ع) ولقد حدثنی أبی عن أبیه أبی عبد الله الصادق (ع) . . . قال : إنَّ الله عزَّوجلَّ لایسئل عباده عمَّا تفضَّل علیهم ولا یمنَّ بذلك علیهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقین فکیف یضاف إلى الخالق عزَّوجلَّ ما لا یرضی المخلوق به و لكنَّ النعم حینا أهل البیت و مولاتنا یسئل الله عباده عنه بعد التوحید و التبوہ لأنَّ العبد إذا وفی بذلك اذاه إلى نعيم الجنه الذی لایزول ؛

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزوجل دربارہ آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منت نمی گذارد. منت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است ؛ پس چگونه به خالق

عَزَّوَجَلَّ چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه >ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ<] محبت ما اهل بیت و [پذیرش] ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و تَبُّوت، از آن بازخواست خواهد کرد؛ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند >.

نعمت مراتع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۱ - ۲

۲ - دستیابی انسان به میوه ها و مراتع ، نعمت خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان از او است .

ما أكفروه .. و فكهه و أبًا

نعمت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۳

۳ - غم ، شادی ، مرگ ، حیات و نیازمندی و غنا ، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فبأىء آلاء ربك تتماری

در صورتی که تعبیر <آلاء> در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۱

۱ - مرگ در زندگی دنیا ، نعمتی برای زمینیان است .

كل من علیها فان .. فبأىء آلاء ربكما تكذبان

اطلاق <آلاء> بر فنای موجودات ذی شعور زمین، از آن جا که آن فنای مطلق نیست و مرحله ای است در سیر تکاملی خلق، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- مرگ برای انسان و دفن اموات ، دو نعمت از جانب خداوند و سزوار شکرگزاری است .

قتل الإنسان ما أكفره .. ثم أماته فأقبره

برداشت یادشده، بر این اساس است که کفر در <ماأکفره> به معنای کفران نعمت باشد.

نعمت مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۴

۴ برخورداری مؤمنان از مسکن مناسب و کیفیت خوب زندگی ، در دیدگاه ادیان الهی ، امری پسندیده و نعمت خدادادی است .

و لقد بؤنا بني إسرائيل مبعوثاً صدق و رزقهم من الطيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ داشتن همسر ، خادم و مسکن ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل

و جعلکم ملوکاً

از رسوا خدا(ص) در توضیح < جعلکم ملوکاً > در آیه فوق روایت شده: زوجه و مسکن و خادم. حدیث فوق در صدد بیان معنای تنزیلی برای <ملک> می باشد، چنانکه در عرف عامه نیز مرسوم است که می گویند هر کس همسر، خادم و مسکن داشته باشد، پادشاه است.

الدر المثور، ج ۳، ص ۴۷، سطر ۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۳

۳ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا نعمت خلافت و سکونت گزیدن در سرزمین حجر را نعمتی از جانب خدا بدانند و آن را همواره به خاطر داشته باشند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

نعمت مشکلات

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۳۰

۳۰ - برخی از سختی های زندگانی ، نعمت خداوند بر انسان و نشانه لطف او است .

و لقد منّا .. و فتتک فتوناً

نعمت معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۷

۷ دستورات خداوند و معجزه های او ، از نعمت های الهی هستند .

اتیناهم من ایه بینه و من یبدل نعمه الله

نعمت مقام تقرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۱ - ۳

۳ - بهره مندی از مقام قرب الهی در آخرت ، برترین نعمت

أولئک المقربون

ذکر مسأله تقرب به درگاه الهی قبل از <فی جنّات النعیم> ، بیانگر برداشت یاد شده است.

نعمت من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱

۱ - < منّ و سلوی > ، عطیه الهی به بنی اسرائیل و از روزی های پاکیزه و گوارا

و نزلنا علیکم المنّ والسلوی . کلوا من طیبت ما رزقناکم

طیب، چیزی است که قوای حسی و نفس آدمی از آن لذت ببرد (مفردات راغب). <طاب> یعنی، لذیذ و پاکیزه شد (قاموس). البته یکی از معانی <طیب>، <حلال> است، ولی چون همه رزق های الهی حلال می باشد، معنایی که مفهوم آن تقسیم رزق به حلال و حرام است، معنای مناسبی نخواهد بود.

نعمت موی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۸

۸- به کار آمدن پشم، کرک و موی حیوانات در ساختن

اثاثیه و لوازم زندگی ، از نعمت های الهی است .

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثنا و متعا

نعمت میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۸

۸- میوه ها و نباتات تأمین رزق و روزی انسان ، نمودی از نعمت و لطف الهی بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذی خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت رزقا لکم

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن، تشویق کننده بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله <إن الاءنسان لظلوم کفار> در دو آیه بعد (آیه ۳۴) مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۱ - ۱

۱ - امتنان الهی بر خلق ، به خاطر قرار دادن انواع میوه ها در زمین ، برای آنان

و الأرض وضعها للأنام . فیها فککه

واژه <فککه> بر مطلق میوه از هر نوع باشد اطلاق می شود (قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۱ - ۲

۲ - دستیابی انسان به میوه ها و مراتع ، نعمت خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان از او است .

ما أكفره . . . و فککه و أبأ

نعمت نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انبیای الهی ، برگزیدگی خویش را از سوی خداوند به مقام پیامبری ، نعمتی بزرگ از سوی او

بر خود می دانستند .

و لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

۷- مقام پیامبری ، موهبت و نعمتی بزرگ از سوی خداوند برای بندگانی خاص است .

و لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۶

۶- پیامبری ، موهبتی است الهی که خداوند ، به پیامبران اعطا کرده است .

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحي إليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۹ - ۲

۲ - مقام نبوت ، موهبت خداوند و جلوه ای از رحمت او است .

أم عندهم خزائن رحمة ربك

مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، درصدد پاسخ گفتن به کافران معترض به انتخاب پیامبر اسلام برای رسالت است. از این رو مقصود از <رحمت> می تواند مقام نبوت و رسالت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۹ - ۵،۷

۵ - نبوت ، مرتبتی والا و از نعمت های ارجمند خدادادی است .

إن هو إلا عبد أنعمنا عليه

مراد از نعمت در <أنعمنا> ممکن است خصوص نبوت باشد.

۷ - تنها امتیاز عیسی (ع) بر سایر بنی اسرائیل ، برخورداری آن حضرت از نعمت خدادادی نبوت بود .

إن هو إلا عبد أنعمنا عليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۶ - ۶

۶- برخوردارى از حكومت الهى ، موهبتى والا همچون برخوردارى از كتاب آسمانى و نبوت

و لقد آتينا بنى اسرائيل الكتب و الحكم و النبوه

در صورتى كه <الحكم>

نظر به حکومت داشته باشد؛ از این که در زمره کتاب و نبوت به عنوان موهبتی الهی برای بنی اسرائیل معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲ - ۳

۳ - برخورداری پیامبر (ص) ، از نعمت نبوت و عقل

ما أنت بنعمه ربك بمجنون

واژه <جنون>، قرینه است بر این که نعمت اعطایی به پیامبر(ص) <عقل> است و برخی از مفسران آن را نعمت <نبوت> دانسته اند؛ چنان که در آیه ۱۶۴ سوره <آل عمران> بدان اشاره شده است: <لقد منّ الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولا من أنفسهم..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۹، ۱۷، ۱۶

۱۶ پایداری در دین و حرکت در مسیر انبیای الهی ، شکر نعمتِ هدایت و رسالت انبیاست .

افين مات او قتل انقلبتم .. و سيجزى الله الشاكرين

مراد از <الشاكرين> در این آیه، یا خصوص کسانی است که هرگز مرتد نمی شوند و همچنان پایبند دین الهی هستند، و یا مؤمنان پایدار، مصداق مورد نظر برای <الشاكرين> هستند.

۱۷ واپسگرایی و ارتداد ، کفران نعمتِ رسالت انبیا و هدایت الهی است .

و من ينقلب على عقبيه .. و سيجزى الله الشاكرين

مفهوم جمله <و سيجزى الله الشاكرين> این است که مرتدان، ناسپاس هستند، و به مناسبت حکم و موضوع، این ناسپاسی در ارتباط با رسالت انبیا و هدایت الهی است.

۱۹ استقامت پیشگان و پایمردان پیکار احد ، شاكران نعمت رسالت پیامبر (ص)

انقلبتم على اعقابكم .. و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۵، ۲، ۱

۱ بعثت پیامبر (ص) ، نعمتی بزرگ برای مؤمنان

لقد منّ الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا

فعل <منّ> از مصدر <منّه> به معنای نعمت بزرگ است.

۲ بهره جستن از نعمت بزرگ بعثت انبیا ، در گرو ایمان به آنهاست .

لقد منّ الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا

بعثت رسول اکرم (ص) نعمتی بزرگ برای همه انسانهاست ؛ بنابراین ذکر خصوص مؤمنان بدان جهت است که بهره گیری از آن نعمت بزرگ، مشروط به ایمان به اوست.

۵ برخاستن انبیا از میان مردم و از جنس آنان بودن ، نعمتی برای انسانها

لقد منّ الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم

جمله <منّ الله> علاوه بر بیان نعمت بودن اصل بعثت، بر نعمت بودن هر یک از قیده‌های مذکور در آیه نیز دلالت دارد که از جمله آنها، از میان مردم و از جنس آنان بودن است.

۱۵ یادآوری وضعیّت نابهنجار (گمراهی آشکار) مردم پیش از بعثت ، برانگیزنده توجّه و قدردانی از نعمت بزرگ رسالت پیامبر (ص)

لقد منّ الله . . . و ان كانوا من قبل لفی ضلال مبین

جمله <ان كانوا . . .> به منزله دلیل است برای بزرگی نعمت رسالت. یعنی روشن است که پیش از بعثت پیامبر (ص) در چه منجلابی از گمراهی و ضلالت فرو رفته بودید و این پیامبر (ص) و تعالیم قرآنی بود که شما را هدایت کرد.

نعمت نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - بعثت نوح (ع) ، نعمت الهی برای قومش

لمن کان کفر

از اینکه تکذیب نوح(ع) از سوی قومش کفران خوانده شده برداشت بالا استفاده می شود.

نعمت نجات از جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۱۲

۱۲- نجات از جامعه فاسد و ناپاک ، نعمتی بزرگ و درخور شکر و سپاس است .

و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبْثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سُوءٍ فَسْقِينِ

آیه شریفه در مقام امتنان بر حضرت لوط(ع) است. بنابراین نجات از دست قوم فاسد، نعمتی است که خداوند با آن کار بر حضرت لوط(ع) منت نهاد.

نعمت نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۶،۷

۶ - رهایی از عذاب دوزخ در پرتو ربوبیت خداوند ، خود نعمتی بزرگ برای تقوایندگان

و وقیهم ربهم عذاب الجحیم

۷ - بهشتیان ، مسرور و شادمان از لطف پروردگار خویش ، به خاطر رهایی از دوزخ

فكهنين بما آتاهم ربهم و وقیهم ربهم عذاب الجحیم

نعمت نجات از حکومت ظالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- شکر نعمت رهایی از نظام ظالمانه ، موجب فزونی و بقای آن نعمت شده و کفران آن ، مایه از دست رفتنش می شود .

إذ أنجکم من آل فرعون . . . و إذ تأذّن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن

نعمت نجات از حکومت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نجات موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان از شر حکومت فرعونیان ، از احسان ها و نعمت های بزرگ الهی به آنان

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

نعمت نجات از ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۸

۸- روز نجات بنی اسرائیل از نظام ظالمانه فرعونیان ، از < ایام الله > است .

و ذکرهم بأیم الله . . . و إذ قال موسی لقومه اذکروا نعمه الله علیکم إذ أنجکم م

کلمه < اذکروا > در این آیه می تواند از مصداقهای تذکر به < ایام الله > باشد که موسی (ع) مأمور به ابلاغ آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ - نجات از چنگال دشمن ستمگر و نابودی او ، اعطای مکتب و برنامه زندگی و تأمین ارزاق ، از بزرگ ترین نعمت های الهی است .

أنجینکم . . . وعدنکم ... نزلنا علیکم المنّ والسلوی

امتنان به بنی اسرائیل در قالب سه نوع نعمت در آیه بیان شده است: نجات، اعطای برنامه زندگی در طور (تورات) و تأمین رزق آنان. از این رو معلوم می شود که این سه امر، از نعمت های بزرگ الهی است.

نعمت نجات از ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۲۰

۲۰- آزمایش های خداوند از بندگان دارای مراتب است .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

نعمت نجات از عذاب

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب ، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نَجِّينَهُمْ ... نِعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا

نعمت نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۹

۹ - نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا ... وَ نَجَّيْنَاهُ وَ اَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيْمِ

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

نعمت نجات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۹

۹ - نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا ... وَ نَجَّيْنَاهُ وَ اَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيْمِ

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

نعمت نسل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۹

۹ خداوند به نیکوکاران با کثرت ذریه صالح و هدایت یافته پاداش می دهد.

و وهبنا له إسحق و یعقوب . . . و من ذریته داود و سلیمان ... و كذلك نجزی المحسنین

نعمت نفرت از کفر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۸ - ۱

۱ - محبت به ایمان و بیزاری از کفر و گناه ، جلوه ای از فضل و نعمت الهی

و لَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَنُ . . . و كَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ ... فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَ نِعْمَ

نعمت نفرت از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۸ - ۱

۱ - محبت به ایمان و بیزاری از کفر و گناه ، جلوه ای از فضل و نعمت الهی

و لَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَنُ . . . و كَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ ... فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَ نِعْمَ

نعمت نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۵

۵ - توالی شب و روز و پدیدار شدن نور و تاریکی در زندگی ، از نعمت های الهی برای بشر است .

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ . . . وَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای بشر است.

نعمت نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۴

۴ - خورشید و نور آن ، نعمتی الهی است .

و الشمس و ضحیها

>سوگند<، زمانی می تواند مخاطب را به قبول سخن وادار سازد که آنچه به آن سوگند یاد شده است، مورد علاقه او بوده و به حال او سودمند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۳

نور خورشید و برآمدن آن در صبحگاه ، نعمتی الهی است .

و الضحی

نعمت نوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۷

۷- برخورداری انسان در زندگی خانوادگی از یاری بی دریغ افرادی چون نوادگان و خویشاوندان ، از نعمت های خداوند و از نشانه های اوست .

و جعل لكم من أزواجكم بنین و حفده

ماده <حفده> در مورد یارانی به کار می رود که از خدمت گزاری تعدی نمیورزند که مفسران مصداق این معنا را نوادگان یا همه خویشاوندان دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۳

۳- فرزندان و نوادگان ، موهبت و عطیه ای از جانب پروردگار است .

و وهبنا له إسحق و یعقوب

نعمت نهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۸

۸- کوه ها ، نهر ها و راه ها ، از نعمت های الهی است .

و ألقى فی الأرض روسی أن تمیدبکم و أنهرًا و سبلاً لعلکم تهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۵

۵- اموال ، فرزندان ، باغ ها و نهر ها ، از نعمت های الهی برای بشر

و یمدکم بأمول . . . و يجعل لکم أنهرًا

نعمت نیازمندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۳

۳- غم ، شادی ، مرگ ، حیات و نیازمندی و غنا ، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فبأی

ءالاء ربك تمارى

در صورتى كه تعبير <آلاء> در مورد مطالب آيات پيشين به كار رفته باشد، مطلب ياد شده را مى توان به دست آورد.

نعمت وارثان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۶ - ۱۴

۱۴- وارث صالح و شايسته ، نعمتى بزرگ و گوهرى ارزشمند است .

يرثنى .. واجعله ربّ رضىّا

نعمت وفور باران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۵

۵- باران فروان و پى درپى ، از نعمت هاى بزرگ الهى براى بشر

يرسل السماء عليكم مدرارًا

يادآورى نزول باران، به عنوان نخستين ثمره استغفار و ايمان، بيانگر برداشت ياد شده است.

نعمت ولايت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۳۸

۳۸ - > بعض اصحابنا رفعه فى قول الله عز و جل < و لتكبروا الله على ما هداكم > قال : < التكبير > التعظيم لله ، و >

الهدايه < الولايه ;

از امام معصوم (ع) درباره سخن خداوند عز و جل كه فرموده < و لتكبروا الله على ما هداكم > روايت شده كه مراد از < تكبير >، تعظيم و بزرگداشت خداست و مراد از < هدايت > ولايت است (يعنى خدا را به عظمت ياد كنيد به خاطر نعمت ولايت).<

نعمت ولایت اهل بیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - قال الرضا (ع) ولقد حدثني أبي عن أبيه أبي عبدالله الصادق (ع) ... قال : إنّ

اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ لَا يَسْتَلُّ عِبَادَهُ عَمَّا تَفَضَّلَ عَلَيْهِمْ وَ لَا يَمُنُّ بِذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَ الْإِمْتِنَانُ بِالْإِنْعَامِ مُسْتَقْبِحٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ فَكَيْفَ يُضَافُ إِلَى الْخَالِقِ عَزَّوَجَلَّ مَا لَا يَرْضَى الْمَخْلُوقُ بِهِ وَ لَكِنَّ النِّعِيمَ حَبْنًا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَوَالِئِنَا يَسْتَلُّ اللّٰهُ عِبَادَهُ عَنْهُ بَعْدَ التَّوْحِيدِ وَ التَّبَوُّهِ لِأَنَّ الْعَبْدَ إِذَا وَفَى بِذَلِكَ آذَاهُ إِلَى نَعِيمِ الْجَنَّةِ الَّذِي لَا يَزُولُ ؛

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان ممت نمی گذارد. ممت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است؛ پس چگونه به خالق عزوجلّ چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش] ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و تبوت، از آن بازخواست خواهد کرد؛ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند.

نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۱

۱ - سرای آخرت و نعمت های آن ، سرمایه انسان ها در قبال ایمان و عمل به کتاب های آسمانی است .

أَوْلَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱۸،۲۱

۱۸ جهان آخرت ، جهانی برتر و نعمت های آن ، بهتر از

نعمت های دنیاست .

و الدار الآخره خیر

در برداشت فوق کلمه <خیر> افعال تفضیل گرفته شده است.

۲۱ پرهیزکنندگان از مال و منال نامشروع دنیا در سرای آخرت از نعمتهایی پایدار و سراسر خیر بهره مند خواهند شد .

و الدار الآخره خیر للذین یتقون

متعلق <یتقون> رفتارها و باورهایی است که در آیه شریفه مورد مذمت قرار گرفته است، مانند کسب مال از طریق نامشروع، انتساب اموری نابحق به خداوند و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۵

۱۵ جاری شدن نهرها در زیر درختان انبوه بهشتی ، جلوه ای از نعمت های جذاب و لذت آفرین اخروی

لهم جنت تجری تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۲۱

۲۱ - نعمت های آخرت ، رزق الهی بوده و برخورداری از آن به توفیق خداوند است .

و رزق ربك

مقابله عبارت <رزق ربك> با <زهرة الحياه الدنيا> گویای اخروی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۴

۴ - نعمت های عظیم اخروی ، پاداش عمل مستمر خود مؤمنان است که در دنیا انجام می دهند .

فلا تعلم نفس ما أخفی لهم من قره أعین جزاء بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۱ - ۳

۳- امنیت و آرامش ، از نعمت های جهان آخرت

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ

نعمت های باطنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱

۱۴ - انسان ، در احاطه نعمت های ظاهری و باطنی خداوند است .

و أسبغ علیکم نعمه ظهره و باطنه

<أسبغ> از ریشه <سبغ> است که به معنای <تمام و وسیع اعطا کردن> است (مفردات راغب).

۱۵ - نعمت های گسترده آشکار و نهان خدا برای انسان ، شایان تأمل و درس آموزی است .

ألم تروا أنّ الله... و أسبغ علیکم نعمه ظهره و باطنه

۱۶ - لازم است که انسان ، برای رهایی به معرفت خدا ، به نعمت های آشکار و نهان توجه کند .

ألم تروا أنّ الله... و أسبغ علیکم نعمه ظهره و باطنه

نعمت های بزرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۷

۷- رهایی بنی اسرائیل از ظلم و ستم فرعونیان ، نعمتی بزرگ برای آنان و شایسته شکرگزاری

إذ أنجکم من آل فرعون... و إذ تأذن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم

عبارت <إذ تأذن ربکم> ادامه کلام موسی(ع) است که نجات بنی اسرائیل از چنگال فرعونیان را به آنان یادآوری کرد. با این کلام، موسی(ع) به طور تلویحی به بنی اسرائیل متذکر شده که نجات آنان، نعمت خدادادی و مستلزم شکرگزاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۴

۴- قرآن ، کتابی است با عظمت و نعمتی بزرگ

و لقد آتینک... و القرآن العظیم

نعمت های دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۶ - ۴

۴- موهبت های طبیعی نهفته در درون دریا ها ، فضل الهی برای

آدمیان است .

رَبِّكُمْ الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله

نعمت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱۸

۱۸ جهان آخرت ، جهانی برتر و نعمت های آن ، بهتر از نعمت های دنیاست .

و الدار الآخره خیر

در برداشت فوق کلمه <خیر> افعال تفضیل گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۶ - ۴

۴- موهبت های طبیعی نهفته در درون دریا ها ، فضل الهی برای آدمیان است .

رَبِّكُمْ الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - آخرت طلبی ، موجب محرومیت از نعمت های دنیوی نخواهد بود .

من کان یرید حرث الآخره .. حرث الدنیا نؤته منها و ما له فی الآخره من نصیب

از این که آیه شریفه، برای دنیاطلبان بهره اخروی را نفی کرده است، ولی نسبت به آخرت جویان این نفی وجود ندارد، می توان مطلب بالا را برداشت کرد.

نعمت های ظاهری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - انسان ، در احاطه نعمت های ظاهری و باطنی خداوند است .

و أسبغ علیکم نعمه ظهره و باطنه

<أسبغ> از ریشه <سبغ> است که به معنای <تمام و وسیع اعطا کردن> است (مفردات راغب).

۱۵ - نعمت های گسترده آشکار و نهان خدا برای انسان ، شایان تأمل و درس آموزی است .

ألم تروا أن الله .. و

أَسْبِغْ عَلَيْكُمْ نِعْمَةَ ظَهْرِهِ وَبَاطِنِهِ

۱۶ - لازم است که انسان ، برای رهایی به معرفت خدا ، به نعمت های آشکار و نهان توجه کند .

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ... وَ أَسْبِغْ عَلَيْكُمْ نِعْمَةَ ظَهْرِهِ وَبَاطِنِهِ

نعمت هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۹،۱۱

۹ - نعمت هدایت برترین نعمت الهی و جلوه عظمت و کبریایی خداوند

لَتَكْتَبِرُوا اللَّهَ عَلَيَّ مَا هَدَيْكُمْ

۱۱ - کسانی که به پاس نعمت هدایت ، به درگاه خدا سپاس می گزارند و او را به بزرگی یاد می کنند ، در زمره محسنان و نیکو کاران اند .

و بَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۵

۵ - دشمنی با دین خدا ، خیانت در امانت او و ناسپاسی در برابر نعمت هدایت او است .

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ... إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۶ - ۳

۳ - هدایت ، نعمتی خدادادی و خارج از حوزه قدرت غیر او

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - هدایت به صراط مستقیم ، از نعمت های بزرگ خداوند به موسی و هارون (علیهماالسلام)

و لقد منّا علی موسی و هرون . . . و هدینهما الصراط المستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۸

۸ - هدایت

، نعمتی بزرگ و شایسته سپاس گزاری است .

إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا

از این که در آیه شریفه، به مؤمن هدایت یافته، <شاکر> گفته شده است، استفاده می شود که هدایت نعمتی در خور سپاس گزاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۴

۴ - ایمان به آیات الهی ، سفارش یکدیگر به استقامت در تکالیف دشوار و اظهار محبت به بردگان ، یتیمان و تنگدستان ،
قدردانی از نعمت های بینایی ، گویایی و هدایت است .

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ . و لِسَانًا و شَفْتَيْنِ . و هَدَيْنَا النُّجْدَيْنِ ... ثُمَّ كَانُ مِنَ الَّذِينَ ءَامَ

<الذین آمنوا> گرچه مطلق است؛ ولی مصداق بارز آنها به قرینه <و الذین کفروا بآیاتنا> در آیات بعد مؤمنان به آیات الهی است و آیات پیشین که بعضی از تکالیف را <عقبه> نامیده بود قرینه بر مراد از <صبر> است و سیاق آیات نشان می دهد که مراد از <مرحمه>، ترحم بر <رقبه>، <یتیم> و <مسکین> است. ارتباط این آیات با آیه های پیشین که نعمت های الهی را برشمرده گویای برداشت یاد شده است؛ زیرا <بینایی و بصیرت>، زمینه ساز <ایمان> و <داشتن زبان و لب>، زمینه ساز توصیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱۱ - ۳

۳ - برخوردار از جای امن ، هدایت و ثروت ، نعمت های الهی و سزاوار بازگو کردن برای دیگران است .

فاوی .. فهدی ... فأغنی ... و أمّا بنعمه ربّک فحدّث

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۷ - ۳

۳ - هدایت به صراط مستقیم ، از نعمت های بزرگ خداوند است .

صرط الذین انعمت علیهم

اطلاق نعمت و اراده کردن نعمت هدایت، بیانگر این است که گوینده، نعمتهای دیگر را در مقابل نعمت هدایت، نعمت به حساب نمی آورد، و این، حکایت از والایی نعمت هدایت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱۳

۱۳ ذکر خداوند ، باید مناسب نعمت هدایت الهی باشد .

و اذکروه کما هدیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۶،۱۷

۱۶ پایداری در دین و حرکت در مسیر انبیای الهی ، شکر نعمت هدایت و رسالت انبیاست .

افین مات او قتل انقلبتم .. و سیجزی الله الشاکرین

مراد از <الشاکرین> در این آیه، یا خصوص کسانی است که هرگز مرتد نمی شوند و همچنان پایبند دین الهی هستند، و یا مؤمنان پایدار، مصداق مورد نظر برای <الشاکرین> هستند.

۱۷ واپسگرایی و ارتداد ، کفران نعمت رسالت انبیا و هدایت الهی است .

و من ینقلب علی عقبیه .. و سیجزی الله الشاکرین

مفهوم جمله <و سیجزی الله الشاکرین> این است که مرتدان، ناسپاس هستند، و به مناسبت حکم و موضوع، این ناسپاسی در ارتباط با رسالت انبیا و هدایت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ مؤمنان با ایمان خویش به پیامبر(ص) و آیین الهی سپاسگزار نعمت هدایت هستند.

أَهْوَاءَ مَنْ لَّهِ عَلَيْهِمْ ..

أليس الله بأعلم بالشكرين

نعمت هلاکت دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ - نجات از چنگال دشمن ستمگر و نابودی او ، اعطای مکتب و برنامه زندگی و تأمین ارزاق ، از بزرگ ترین نعمت های الهی است .

أنجينکم . . . وعدنکم ... نزلنا علیکم المنّ والسلوی

امتنان به بنی اسرائیل در قالب سه نوع نعمت در آیه بیان شده است: نجات، اعطای برنامه زندگی در طور (تورات) و تأمین رزق آنان. از این رو معلوم می شود که این سه امر، از نعمت های بزرگ الهی است.

نعمت هلاکت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۴

۴ - نابودی ملت های کافر و ستم پیشه ، خود نعمتی الهی بر سایر انسان ها *

و أنه أهلك .. فبأيّ آلاء ربّک تتماری

در صورتی که <آلاء> نظر به هلاکت قوم عاد، ثمود و .. داشته و بر این امور عنوان <آلاء> منطبق شده باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

نعمت هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۴

۴ - نابودی ملت های کافر و ستم پیشه ، خود نعمتی الهی بر سایر انسان ها *

و أنه أهلك .. فبأيّ آلاء ربّک تتماری

در صورتی که <آلاء> نظر به هلاکت قوم عاد، ثمود و .. داشته و بر این امور عنوان <آلاء> منطبق شده باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

نعمت همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل -

۱- قرار دادن همسرانی از جنس خود انسان ها برای آنان ، از نعمت های خداوند است .

و الله جعل لکم من أنفسکم أزواجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۶

۶- قرار دادن همسرانی از جنس خود انسان ها ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۵

۵- آفرینش همسر برای آدمی ، نعمتی خداوندی است .

جعل لکم من أنفسکم أزواجًا

با توجه به این که آیه در مقام امتنان و بیان نعمت های الهی است، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۳

۳- ازدواج و برخورداری از همسر ، نعمتی الهی برای انسان

کذلک و زوجنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ داشتن همسر ، خادم و مسکن ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل

و جعلکم ملوکاً

از رسوا خدا(ص) در توضیح < جعلکم ملوکاً > در آیه فوق روایت شده: زوجه و مسکن و خادم. حدیث فوق در صدد بیان معنای تنزیلی برای < ملک > می باشد، چنانکه در عرف عامه نیز مرسوم است که می گویند هر کس همسر، خادم و مسکن داشته باشد، پادشاه است.

الدر المثور، ج ۳، ص ۴۷، سطر ۵.

نعمت همنشینی با پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر -

۹ - هم جواری و هم زیستی با پدران ، همسران و فرزندان ، از نعمت های الهی و از خواسته های بشر

و أدخلهم جنت عدن التي وعدتهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریتهم

یادآوری ورود پدران، همسران و فرزندان به بهشت در جوار مؤمنان تائب، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

نعمت همنشینی با صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۲

۲۲ زیستن با صالحان در سرای آخرت از نعمت های گران سنگ الهی است .

و ألحقنی بالصلحین

جمله <ألحقنی> پس از <توفنی مسلماً> می رساند که مراد از الحاق ، الحاق در قیامت و سرای آخرت است.

نعمت همنشینی با فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۹

۹ - هم جواری و هم زیستی با پدران ، همسران و فرزندان ، از نعمت های الهی و از خواسته های بشر

و أدخلهم جنت عدن التي وعدتهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریتهم

یادآوری ورود پدران، همسران و فرزندان به بهشت در جوار مؤمنان تائب، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

نعمت همنشینی با همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۹

۹ - هم جواری و هم زیستی با پدران ، همسران و فرزندان ، از نعمت های الهی و از خواسته های بشر

و أدخلهم جنّٰت عدن الّٰتى وعدّتهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّيتهم

یادآوری ورود پدران، همسران و فرزندان به بهشت در

جوار مؤمنان تائب، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

نعمت همواری زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۲

۲ - گستراندن و هموار ساختن زمین ، از نعمت های خداوند به انسان ها و در راستای تربیت و رشد آنان است .

الذی جعل لکم الأرض مهذاً

در برداشت بالا- سه نکته ملحوظ است: ۱ لام در <لکم> نعمت بودن را می فهماند. ۲ <الذی> چه خبر باشد برای ضمیر محذوفی که به <رب> در آیه قبل برمی گردد و چه صفت برای آن، بیانگر وصفی از اوصاف ربوبی خداوند است که در راستای تدبیر امور انسان ها است. ۳ <مهذاً> مصدر و به معنای ممهوده است، یعنی، مهیا و مسطح.

نعمت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۲

۲- اسحاق و یعقوب (ع) موهبت خداوند به ابراهیم (ع) بود .

و وهبنا له إسحق و یعقوب

نعمتقدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ رفاه در زندگانی دنیا و برخوردار بودن از نفوذ و اقتدار ، از نعمت های الهی است .

کذلک مکنا لیوسف فی الأرض

نماز مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - برخورداران از نعمت های جاودان آخرت ، شیفتگان اطاعت پروردگار و برپا دارندگان نماز

و ما عند الله .. للذین ءامنوا ... و أقاموا الصلوه

نهی از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۴

۴- موسی (ع) ، بنی اسرائیل را از کفران نعمت های الهی برحذر داشت .

و إذ قال موسی لقومه اذکروا نعمه الله علیکم . . . و قال موسی إن تکفروا أنتم و من ف

و جوب شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۸

۸ - شکر و سپاس در برابر نعمت های الهی ، امری لازم و واجب

أفلایشکرون

وضوح شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۷

۷ - لزوم شکر و سپاس گزاری در برابر نعمت های فراوان خداوند ، امری روشن و بدیهی است .

أفلایشکرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شگفتی از ناسپاسی انسان ها در برابر نعمت های الهی، نشانگر بدیهی بودن زشتی ناسپاسی و لزوم شکر گزاری است.

وضوح کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۶

۶ - کفران و ناسپاسی انسان در برابر خداوند ، امری علنی و پوشش ناپذیر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَفُورٍ مِّبِينٍ

وَعْدَهُ نِعْمَةٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۶ - ۴

۴- عکس العمل نوع انسان ها در برابر وعده بهشت و نعمت های آن از جانب خداوند ، انکار و استبعاد معاد است .

جَنَّتْ عَدْنُ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ .. . وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَعِذَا مَا مِتَّ

چنانچه دو آیه قبل (> و ما ننتزل .. سمیًا <) جمالاتی معترضه و بریده از آیات قبل و

بعد باشد، آیه مورد بحث در ادامه آیات قبل از این دو آیه خواهد بود که در مورد بهشت و نعمت های آن است.

وفور نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۱،۴،۸

۱ گشوده شدن تمامی درهای نعمت به روی مردم، در پی بی تفاوتی و فراموشکاری آنان نسبت به هشدارها و تذکارات الهی

فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم أبواب كل شيء

جمله <فتحنا عليهم ابواب>، به قرینه <فرحوا بما>، به معنای باز شدن درهای نعمت است. زیرا شادمانی آدمی غالباً از نعمت و آسایش حاصل می شود.

۴ گشوده شدن درهای نعمت به روی کسانی که حتی در سختیها تضرع نمی کنند، جریان یافتن سنت استدراج الهی است.

فأخذنهم بالبأساء والضراء .. فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم أبواب كل شيء

سنت استدراج اصطلاحی است برگرفته از آیه <سنستدرجهم من حيث لا يعلمون> (اعراف / ۱۸۲). از مصادیق جریان استدراج همین آیه مورد بحث است که درهای نعمت الهی به سوی تکذیب کنندگان آیات گشوده می شود (فتحنا عليهم) تا آن زمان که عذاب الهی آنان را در بر گیرد.

۸ فراوانی و رفاه و آسایش همواره نشانه لطف و عنایت الهی نیست.

فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم أبواب كل شيء حتى إذا فرحوا

وفور نعمت اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۴

۴ - زنان و مردان مؤمن نیک کردار، برخوردار از روزی ها و نعمت های بی اندازه و بسیار در بهشت

و من عمل صالحاً ..

فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ

و فور نعمت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۴

۴ - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، برخوردار از روزی ها و نعمت های بی اندازه و بسیار در بهشت

و من عمل صلحًا .. فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ

و فور نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - نعمت های گسترده آشکار و نهان خدا برای انسان ، شایان تأمل و درس آموزی است .

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ... وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَهُ وَبَاطِنَهُ

و فور نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۲

۴۲ - سرای آخرت ، سرایی پر خیر و نعمت

مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ

ویژگی نعمت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۶

۶ آخرت برای تقوای پیشگان خیر محض و خالی از شرور و ناگواریهاست.

و للدار الآخره خير للذين يتقون

در صورتی که <خیر> صفت مشبّهه باشد، نه فعل تفضیل. در این صورت <الأخره خیر> یعنی آخرت همه اش خیر است.

ویژگیهای نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۶ - ۳

۳ - نعمت ها و بهره‌وری های جهان آخرت ، جاویدان و زوال ناپذیر است .

و ما عند الله خير و أبقى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین

۲ - بهره مندی ابرار از نعمت های آخرت ، همیشگی است .

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

حرف <فی> در این آیه، برای ظرفیت مجازی است و بر استقرار ابرار در نعمت دلالت دارد. جمله اسمیه <إِنَّ الْأَبْرَارَ...>، تأکیدی بر مداومت و ثبوت است.

ویژگیهای نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۳ - ۳

۳ - نعمت های آخرت ، زیبا و تماشایی است .

لَفِي نَعِيمٍ ... يَنْظُرُونَ

هماهنگی نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۵

۵ - هماهنگی نعمت های الهی و ذخایر و امکانات زمین با نیاز های انسان ، نشانی از ربوبیت خداوند است .

وَالَّذِي خَلَقَ... ثُمَّ تَذَكَّرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ

یوسف(ع) و کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۲

۲۲ یوسف (ع) ، پذیرفتن تمنای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) را ، کفران احسان های خداوند به خویش دانست .

إِنَّ رَبِّي أَحْسَنُ مَثْوَايَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۴،۲۱

۴ - خداوند ، فراخوان مشرکان به مطالعه درباره مسخر بودن موجودات و نعمت های فراوان خدادادی جهت راه یافتن به توحید

هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه. .. ألم تروا أن الله سخر لكم ما

۲۱ - دقت در مسخر بودن موجودات عالم و نیز نعمت های فراوان الهی ، مایه برچیده شدن

جدال های جاهلانه درباره خدا است .

ألم تروا أنّ الله سخر لكم .. و أسبغ عليكم نعمه... و من الناس من يجدل في الل

استفاده از نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۷

۷ روح دین الهی در صدد برداشتن موانع خرافی در راه استفاده از مواهب و نعمتهای الهی است.

و قالوا هذه أنعم و حرث .. قل الذکرین حرم ... و علی الذین هادوا حرما

محور بحث از آیه ۱۳۸ تا ۱۴۵ درباره تحریمهای خرافی و بی جای مشرکان است. آیه ۱۴۶ بیان حکمی استثنایی است که همان تحریم برخی مواهب بر یهود است. از این حکم استثنایی، که به سبب تجاوز کاری یهود بر آنان وضع گردیده، این مطلب که روح ادیان الهی در نقطه مقابل تحریمهای بی جا قرار دارد، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱۱، ۱۲، ۱۰، ۹

۹ جواز استفاده مؤمن و کافر از زیباییها و روزیهای پاکیزه خدا در دنیا

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا خالصه یوم القیمه

کلمه <خالصه> حال است برای <هی> و <یوم القیامه> متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد <الحیاه الدنیا> حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هی للذین آمنوا و لغيرهم فی الحیاه الدنیا و لهم خالصه یوم القیامه.

۱۰ استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا

ذکر نکردن <لغيرهم> پس از <للذین ءامنوا>، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن

این معناست که زینتها و طیبات بالإصالة برای مؤمنان آفریده شده است.

۱۱ ایمان، عامل شایستگی انسان برای استفاده از نعمتهای خدا

قل من حرم .. أخرج لعبادة و الطیبت من الرزق قل هی للذین ءامنوا

۱۲ استفاده از زینتها و روزیها در دنیا، همواره آمیخته با رنجها و کدورتهاست.

قل هی للذین .. خالصه یوم القیمه

برخی برآنند که <خالصه> در آیه مورد بحث به معنای خلوص از ناملایمات و کدورتها است. بر این مبنا چون این قید برای قیامت ذکر نشده، مفهومی این است که در دنیا مواهب خدادادی آمیخته با رنجها و ناملایمات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۰ - ۵

۵ - بهره‌وری انسان از موهبت‌های طبیعی ، هدف اصلی از خلقت هستی

الذی جعل لکم الأرض مهذاً و جعل لکم فیها سبلاً

به کار رفتن کلمه <لکم> و تکرار آن، می‌تواند اشاره به این نکته داشته باشد که هدف از آفرینش نعمت‌ها به وسیله خداوند، بهره‌وری انسان از آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۷

۷ - لزوم تنزیه خداوند ، از هرگونه عیب ، نقص و شریک به هنگام بهره‌مندی از نعمت‌ها

و تقولوا سبحن الذی سخر لنا هذا

حسابرسی اخروی نعمت‌ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکوثر - ۱۰۲ - ۳ - ۲

۲ - همه انسان‌ها ، در آینده هنگام حسابرسی نعمت‌ها ، به پوچی افتخارات مادی پی خواهند برد .

سوف تعلمون

زمان مورد نظر در <سوف تعلمون> به قرینه

>ثم لتستلنَّ يومئذ عن النعيم< هنگام حسابرسی نعمت ها است.

خلقت نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ - آفرینش آسمان های هفتگانه و مواهب زمین ، آفرینشی عالمانه است .

هو الذی خلق .. و هو بکل شیء علیم

فلسفه خلقت نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا

ذکر نکردن <لغیرهم> پس از <للذین ءامنوا>، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالإصاله برای مؤمنان آفریده شده است.

فلسفه نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۰ - ۶

۶ - آفرینش نعمت ها ، از سوی خداوند ، زمینه ساز هدایت انسان به یگانگی خداوند

الذی جعل لکم .. لعلکم تهتدون

مطالعه نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - نعمت های گسترده آشکار و نهان خدا برای انسان ، شایان تأمل و درس آموزی است .

ألم تروا أنّ الله... و أسبغ عليكم نعمه ظهره و باطنه

۱۶ - لازم است که انسان ، برای رهیابی به معرفت خدا ، به نعمت های آشکار و نهان توجه کند .

ألم تروا أنّ الله... و أسبغ عليكم نعمه ظهره و باطنه

منشأ جاودانگی نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- جاودانگی بهشتیان و برخورداری ابدی آنان از نعمت ها ، متکی به مبدأ لایزال و پایان ناپذیر فیض الهی است .

خلدین فیها .. قل لو كان البحر مدادًا لكلمت ربّي لفنّد البحر

وفور نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - نعمت های گسترده آشکار و نهان خدا برای انسان ، شایان تأمل و درس آموزی است .

ألم تروا أنّ الله .. و أسبغ علیکم نعمه ظهره و باطنه

هماهنگی نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۵

۵ - هماهنگی نعمت های الهی و ذخایر و امکانات زمین با نیاز های انسان ، نشانی از ربوبیت خداوند است .

و الذی خلق .. ثمّ تذکروا نعمه ربّکم

نعمت های خدا

مشمولان نعمت های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۷ - ۳

۳ - هدایت یافتن پیامبر (ص) به شریعت اسلام ، پس از ناآگاهی از آن ، نعمتی بزرگ از جانب خداوند

و وجدک ضالاً فهدی

آیه شریفه در مقام امتنان بر پیامبر(ص) و برشمردن یکی از نعمت های بزرگ خداوند است و به همین جهت، نمی توان آن را

مربوط به گم شدن آن حضرت در نزد حلیمه، یا عبدالمطلب و یا ابوطالب دانست آنگونه که برخی احتمال داده اند؛ زیرا این امور نه ویژه پیامبر(ص) بوده و نه اهمیتی فوق العاده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- ابتهال و تضرع پیامبر (ص) به درگاه خداوند، پاسخی به نعمت های ویژه او به آن حضرت بود.

الم نشرح... و وضعنا... و رفعنا... و إلى ربك فارغب

نفاق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{نفاق}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۱۵

۱۵ بدخواهی، توطئه گری و عداوت قلبی اهل کتاب نسبت به مؤمنان، و خطر ایجاد روابط صمیمانه جامعه ایمانی با آنان

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطنانه من دونکم .. صدورهم اکبر

بنابر اینکه مراد از <من دونکم>، اهل کتاب باشند؛ به قرینه آیات قبل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۱۲، ۱۷، ۲۳

۱۲ شرکت نکردن منافقان در پیکار احد، افشاگر چهره و موضع نفاق آلود ایشان

و ليعلم الذین نفاقوا و قیل لهم تعالوا .. لو نعلم قتالاً لا تبغناکم

جمله <و قیل لهم تعالوا ..> توضیحی است برای جمله <و ليعلم الذین نفاقوا>. یعنی طریقه مشخص کردن منافقان همان شرکت نکردن آنان در نبرد است.

۱۷ دوگانگی گفتار منافقان با آنچه در دل و نهان خویش دارند.

يقولون بافواههم ما ليس فی قلوبهم

۲۳ منافقان احد دارای جنبه های گوناگون نفاق، و آگاهی مسلمانان تنها به بخشی از آنها

و الله اعلم بما یکنمون

عالمتر بودن خدا به راز دل منافقان (و الله اعلم ..)، دلالت بر این معنا دارد که آنچه از نفاق منافقان برای مسلمانان بیان شد، تنها بخشی از نفاق آنان است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۶

۱۶ برخورد منافقانه یهود، با پیامبر (ص)

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ إِلَيْنَا لَأَن نُّؤْمِنَ لِرَسُولٍ .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقي

جمله <فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين>، بیانگر این است که یهود، علی رغم ادعای ایمان در صورت مشاهده معجزه قصد ایمان آوردن، نداشتند.

آثار اخروی نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۷ - ۷

۷ - نفاق، عامل خلود در آتش دوزخ

هم فیها خلدون

آثار نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۰

۱۰ نفاق، فساد در زمین و نصیحت ناپذیری در برابر دعوت به تقوا، گناه و موجب عذاب جهنم

و من الناس من یعجبک .. فحسبه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۵،۶

۵ اظهار ایمان دروغین و داخل شدن در صفوف مسلمانان برای متزلزل ساختن آنان، از حيله های دشمنان دین

و قالت طائفه .. لعلهم یرجعون

۶ از شیوه های مؤثر در سست کردن پیروان یک مکتب ، اظهار عقیده به آن مکتب و سپس تبری از آن است . *

و قالت طائفه .. لعلهم يرجعون

از اینکه خداوند توطئه یهود را در این جهت افشا می کند، معلوم می شود عمل یهود اثر ویژه ای در تزلزل مؤمنان داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳

۱۳ سرباز زدن از حضور در پیکار با دشمنان دین و دفاع از کیان اسلامی ، از نشانه های نفاق

و ليعلم الذين نافقوا .. لو نعلم قتالاً لا تبغناكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۴

۴ ایمان ، موجب طهارت و پاکی و نفاق ، موجب پلیدی است .

ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۱ - ۷

۷ نفاق ، ریشه نپذیرفتن حاکمیت قضایی پیامبر (ص)

تعالوا .. رابت المنافقين يصدون عنك صدوداً

کلمه <المنافقين> در آیه، اشاره به ریشه اعمال اعراض کنندگان دارد. یعنی نفاق منافقان، عامل گریز آنان از حاکمیت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۹

۹ توجیه خلافتکاری ها بر مبنای دروغ ، نمودی از انفاق

يريدون ان يتحاكموا .. ان اردنا الا احساناً و توفيقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۱۱

۱۱ مشروعیت ترور منافقان ، در صورت اصرار بر نفاق و سر باز زدن از هجرت *

و اقتلوهم حیث وجدتموهم

جمله <حیث وجدتموهم>، دلالت می کند که امر به کشتن، تنها در مبارزه رو در رو نیست، بلکه شامل ترور نیز می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۳

۱۳ نفاق ، مایه وابستگی سیاسی به

بیگانگان و عدم استقلال در عرصه های بین المللی است .

أیبتغون عندهم العزّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۳

۳ نفاق ، موجب تحیر آدمی در موضعگیری ها و مایه فقدان قدرت وی در انتخاب صحیح مسیر زندگی است .

مذبذبین بین ذلک لا إلی هؤلاء ولا إلی هؤلاء و من یضلل الله فلن تجد له سیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۶

۶ کفر و نفاق ، عامل دوزخی شدن انسان

جهد الکفار و المنفقین . . . و مأویهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۳

۳ خوشحال بودن از مخالفت با رسول خدا (ص) و دستورات دین ، خصلت منافقان و برخاسته از نفاق

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۸

۸ نفاق ، بازدارنده انسان از جهاد در راه خدا و همگامی با رهبر الهی

فقل لن تخرجوا معی أبداً و لن تقتلوا معی عدواً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۳، ۱۲

۱۲ نفاق و تخلف از فرمان پیامبر (ص)، کفر به خدا و رسول خداست .

فرح المخلفون . . . إنهم كفروا بالله ورسوله

۱۳ نفاق و کفر و مرگ در حال فسق ، مایه محرومیت از فیض نماز و دعای اهل ایمان

ولا تصل . . . إنهم كفروا بالله و

رسوله و ماتوا و هم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۶

۶ کفرورزی و نفاق در برابر آیات عالمانه و حکیمانه خدا، دلیل بی فرهنگی و جهل انسان، هر چند در ظاهر متمدن باشد.

الأعراب أشد كفرةً و نفاقاً و أجدر أَلَّا يعلموا حدود ما أنزل الله على رسوله و الل

گرچه آیه ظاهراً باده نشینان را دارای خصلت کفر و نفاق شدید معرفی کرده، ولی با این بیان، نوعی تلازم میان کفر و نفاق و بی فرهنگی را اثبات کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۳

۳ کفر و نفاق، نشان بیماری دل و پلیدی باطن است.

الذین فی قلوبهم مرض... رجسهم... و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۶

۶- نفاق و امتناع از تکالیف دشوار دین، به مثابه ارتداد است.

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا عَلَىٰ أَدْبُرِهِمْ

با توجه به این که آیات پیشین در رابطه با بیماردلان گریزان از جهاد بود، <الذین ارتدوا> ممکن است نظر به آنان داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۱۲

۱۲- ضربات شکنجه بر صورت و پشت منافقان، به هنگام مرگ، نتیجه دورویی آنان با دین و مؤمنان *

إذا توفّتهم الملائكة يضربون وجوههم و أدبرهم

برداشت بالا بدان احتمال است که تصریح به <وجوههم> و <أدبارهم>، اشاره به این باشد که، چون منافق دو چهره دارد

و در هر دو چهره نیز خائن است؛ لذا از دو سو عذاب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۸ - ۹

۹- ثمربخشی اعمال نیک ، منوط به حفظ آن تا پایان عمر و نابود نکردن آن باگناه و نفاق

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَ كَرِهُوا رِضْوَنَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ

<فأحبط أعمالهم>، در حقیقت پاسخ به این سؤال مقدر است که: مرتدان و اهل نفاق، گرچه سرانجام به انحراف گراییدند؛ اما در آغاز، اعمال نیک نیز داشته اند و با وجود آن اعمال، چرا عذاب شوند؟ آیه شریفه پاسخ می دهد که نفس انجام نیکی ها، کافی نیست؛ بلکه باید آن را از حبط و سقوط مصون داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۳،۴

۳ - نفاق و شرک و بدگمانی به خداوند ، مایه ابتلا به عذاب الهی

و يعذب المنافقين . . . و المشركين ... الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظُنَّ السُّوءِ

وصف نفاق، شرک و ظن سوء به خداوند، مشعر به علیت است.

۴ - تساوی مردان و زنان ، در ابتلا به نتایج نفاق و شرک خویش

و يعذب المنافقين و المنفقت و المشركين و المشركت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۱۹، ۱۱، ۴

۴ - جدا شدن منافقان از جمع مؤمنان ، در قیامت و محکوم شدن آنان به عذاب الهی ، نتیجه و محصول انگیزه های منافقانه آنان است .

ينادونهم ألم نكن معكم قالوا بلى و لكنكم فتتم أنفسكم

مؤمنان در پاسخ منافقان می گویند: درست است که شما با

ما در اعمال و تکالیف دینی شرکت می کردید؛ لکن انگیزه های شما با ما یکی نبود. انگیزه های شما همواره خدعه و فریب، ریشخند و استهزا و ... بوده است و اینها شما را به این روز هوناک انداخته است. گفتنی است که معنای <فتون> (مصدر <فتنتم>)، در بلا و عذاب انداختن است. <فتنتم أنفسکم>؛ یعنی، خود را در گرفتاری عذاب انداختید.

۱۱ - باقی ماندن منافقان ، بر مواضع منافقانه خود تا لحظه مرگ ، مایه بدبختی و شقاوت آنان در آخرت

بلی و لکنکم فتنتم أنفسکم . . . حتی جاء أمر الله

مقصود از <أمر الله> مرگ است.

۱۹ - آرزوی ناکامی برای جامعه ایمانی ، تردید در باور های دینی ، فریفتگی به آرزو های باطل و مظاهر دنیا و غفلت از خداوند ، از اوصاف منافقان و از نشانه های نفاق

و غرکم بالله الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۳۰

۳۰ - ایمان و کفر و راستی و نفاق در نگاه وحی ، از معیار های دوستی و دشمنی و از مرز های خودی و غیر خودی

لا تجد قومًا .. ألا إن حزب الله هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۹

۹ - چهره جدی و مصمم منافقان ، در مقام سخن و فاقد واقعیت در مرحله عمل

الذین نافقوا يقولون .. لنخرجنّ ... و الله یشهد إنهم لکذبون

تأکیدهای مکرر در <لنخرجنّ> و <لننصرنکم>، چهره قاطع منافقان را در مرحله سخن می نمایاند و گواهی خداوند به سخن کذب آنان، عمل نکردن آنان را

بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۷

۷ - نفاق و همسویی با کافران ، نمودی از ظلم

فكان عقبتهما أنّهما في النار... و ذلك جزؤا الظلمين

چنانکه گفته شد آیه بر منافقان و کافران نیز تطبیق شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۶ - ۴

۴ - نفاق ، موجب محروم شدن از هدایت الهی

سواء عليهم... إنّ الله لا يهدى القوم الفسقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - بیماردلی و نفاق ، از موانع شناخت و حق پذیری

و ليقول الذين في قلوبهم مرض... ماذا أراد الله بهذا مثلاً

اجتناب از نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۱۲، ۸

۸ دوری از نفاق ، جبران گذشته ، اعتصام به خدا و پرهیز از ریا ، شرط تحقق ایمان واقعی است .

الا الذين تابوا و أصلحوا و اعتصموا بالله... فأولئك مع المؤمنين

۱۲ وعده پاداش بزرگ ، و تهدید به دوزخ ، از روش های قرآن برای ترغیب مردم به ایمان و دوری از کفر و نفاق

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ . . . وَ سَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۱۳

۱۳ توجه به علم کامل خداوند بر اندیشه ها ، زمینه ساز اجابت دعوت خدا و رسول و پرهیز از نفاق و دورویی

لاتکونوا

كالذین قالوا سمعنا و هم لایسمعون .. و اعلموا أن اللّٰه یحول

اعراض از نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۷

۷ هجرت در راه خدا، نشانه دست برداشتن از نفاق و کفر است.

وَدَّوَالُو تَكْفُرُونَ... فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ اَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا فِی سَبِيلِ اللّٰهِ

انگیزه نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۷

۷ نفاق، پُل به قدرت رسیدن سیاست بازانِ ناصالح

و اِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِی الْاَرْضِ

در برداشت فوق، <تولی>، رسیدن به حکومت معنا شده است.

پلیدی نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۶

۳۶ خداوند هرگز جان و دل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت.

اَوْلٰئِكَ الَّذِیْنَ لَمْ یَرِدِ اللّٰهُ اَنْ یُّطَهِّرْ قُلُوْبَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۶ - ۲

۲ - زشتی دوگانگی و تضاد گفتار انسان با رفتار وی

و أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ

تاریخ نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱

۱ خط نفاق و کفر ، دارای پیشینه در میان امت های گذشته

وعد الله المنافقين و المنافقت .. كالذین من قبلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ - خط نفاق ، در میان مسلمانان ، پیش از هجرت پیامبر (ص

(آغاز شد . *

و من الناس من يقول ءامنا بالله فإذا أودى في الله جعل فتنة الناس كعذاب الله و

آیه بعد، می تواند قرینه باشد بر این که این افراد، دارای نوعی نفاق در ایمان بودند و این جریان، قبل از هجرت، آغاز شده است. گفتنی است، چون سوره عنکبوت مکی است، آیه هم وضعیت برخی مسلمانان مکه را بازگو می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۱ - ۴

۴ - خط نفاق ، قبل از هجرت و در مکه شروع شد . *

و من الناس من يقول ءامنا بالله فإذا أودى في الله جعل فتنة الناس كعذاب الله .

این که خداوند، در سوره عنکبوت که سوره ای مکی است بیان می کند که به دنبال بازشناسی مؤمنان از منافقان، است نشانه پدید آمدن، خط نفاق در مکه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۶

۶ - پدید آمدن جریان نفاق و گروه منافقان در میان مسلمانان ، هنگام تشکیل نظام اسلامی در مدینه الرسول

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

تداوم نفاق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۶

۶ - ثابت ماندن روحیه نفاق برای منافقان در قیامت

یوم یبعثهم الله جمیعاً فیحلفون له کما یحلفون لکم

تداوم نفاق منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ از امام صادق (ع) روایت شده : المنافق اذا حدّث عن

اللّٰه و عن رسوله كذب و اذا وعد اللّٰه و رسوله اخلف ... و ذلك قول اللّٰه عزوجل > فأعقبهم نفاقاً في قلوبهم ... بما أخلفوا اللّٰه ما وعدوه و بما كانوا يكذبون < ... ;

منافق، هرگاه از خدا و رسولش سخن گوید، دروغ می گوید و اگر به خدا و رسول او وعده دهد، خلف وعده می کند ... و این است سخن خداوند که می فرماید: پس خداوند، نفاق را تا روزی که او را ملاقات کنند در دلهای آنان قرار داد، بدین علت که با خدا خلف وعده کردند و همواره دروغ می گفتند ... <.

تشویق به نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ نفوذ شیطان در انسان ها و ترغیب آنان به نفاق ، دروغ پردازی ، فریب کاری و طرح توطئه های شوم ، نمودی از دشمنی آشکار او با ایشان است .

إن الشیطن للإنسن عدو مبین .. اقتلوا یوسف ... أرسله معنا غداً یرتع و یلعب و إ

جرم نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۸

۸ امکان عفو عناصر غیر اصلی و خط گیرنده نفاق و غیر قابل بخشش بودن جرم عناصر اصلی و خط دهنده *

إن نفع عن طائفه .. نعذب طائفه ... بعضهم من بعض

>بعضهم من بعض< تحت تأثیر بودن برخی از منافقان از برخی دیگر را افاده می کند و نیز این آیه تفسیر آیه قبل می باشد و علت عفو گروهی و

کیفر گروهی دیگر را بیان می نماید.

حرمت تأیید نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۲

۲ حرمت انجام هر گونه عملی که مایه تأیید کفر و نفاق و تقویت کافران و منافقان محارب و زمینه زیان و تفرقه مؤمنان باشد .

و الذین اتخذوا مسجداً .. لا تقم فيه أبداً

حقیقت نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۱۶

۱۶ نفاق ، موضعگیری و گرایشی بین ایمان و کفر

هم للكفر يومئذ اقرب منهم للإيمان

مراد از نفاق در این آیه، به قرینه <یومئذ اقرب>، اظهار ایمان و مخفی کردن کفر نیست، بلکه مرحله ای بین ایمان و کفر است؛ به گونه ای که با عملکردهای متفاوت، گاهی به ایمان نزدیک می شوند و گاهی به کفر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۷

۷ - بد گمانی به خداوند ، روح اصلی نفاق و شرک

المنفقين .. والمشرکین ... الظانین باللّٰه ظنّ السوء

با توجه به این که <الظانین..> صفت برای هر دو گروه (منافقان و مشرکان) است و در این جا از میان همه اوصاف آنان، این صفت اختصاص به ذکر یافته است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

خطر نفاق در شهر نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ شهرنشینی با وجود در پی داشتن فرهنگ بالاتر، خطر نفاق و پیچیده تر شدن در طریق انحراف را نیز در

پی دارد .

الأعراب أشد كفراً و نفاقاً .. و من أهل المدینه مردوا علی النفاق

در آیه <۹۷> با مذمت بادیه نشینان به خاطر فرهنگ پابینشان تلویحاً پیوستن به مجامع بزرگ را تمجید می کند و در این آیه، منافقان اهل مدینه را به مهارت داشتن در نفاق و زبر دست بودن بر بادیه نشینان متهم می کند؛ یعنی، در کنار آن ارزش، چنین ضد ارزشی بروز می کند.

زمینه نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۴

۴ وجود خطر مبتلا شدن انسان به نفاق ، در نتیجه شکستن پیمان های خویش با خدا

فأعقبهم نفاقاً

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <فأعقبهم نفاقاً> به پیدایش اصل نفاق اشاره داشته باشد؛ یعنی، قبلاً منافق نبوده اند ولی در نتیجه عملکردشان منافق شده اند.

زمینه نفاق خانواده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - امکان نفوذ جریان انحراف ، کفر و نفاق ، در میان اعضای بهترین خانواده (همچون پیامبران)

امرات نوح و امرات لوط .. فخانتاهما ... و قيل ادخلا النار مع الداخلين

شدت نفاق منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۴

۴ حرکت های نفاق آمیز منافقان مدینه ، پیچیده تر و شدیدتر از منافقان بادیه نشین بود .

و ممن حولكم .. و من أهل المدينه مردوا على النفاق

شكست نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩

۹ حرکت های منافقانه ، کفر آمیز و ضد خدا و دین ، حرکت‌هایی سست ، مذبح‌خانه و محکوم به شکست است .

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً .. و إرصاداً لمن حارب الله ... أسس بنینه علی شف

سست بودن بنیان اعمال منافقان و کافران، می تواند کنایه از مطلب فوق باشد.

عذاب مضاعف نفاق در مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۱۰

۱۰ حاضران در مرکز معرفت و پایگاه اسلامی ، دارای مسئولیتی بیشتر و حرکت منافقانه در آن جا ، دارای عذابی مضاعف *

و ممن حولکم من الأعراب .. سنعدبهم مرتین

دو مرتبه عذاب شدن منافقان مذکور احتمال دارد از آن جهت باشد که با وجود نزدیک بودن به مؤمنان (ممن حولکم) و با وجود حضور در مرکز تبلیغ دین (المدینه) راه نفاق پیموده اند.

عفو نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - بازگشت از مواضع منافقانه به ایمان و عمل خالصانه ، پیش از فرا رسیدن مرگ ، مورد قبول خداوند و جبران کننده گناه دورویی و نفاق

و لکنکم فتنتم أنفسکم .. حتی جاء أمر الله

علایم نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۱ - ۳

۳ نپذیرفتن پیامبر (ص) به عنوان حاکم و داور ، نشانه نفاق است .

و اذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل اللّٰه و الى الرّسول رايت المنافقين يصدّون عنك ص

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۶ بریدن از جامعه ایمانی و سر باز زدن از هجرت ، نشانه نفاق و بی ایمانی است .

فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

عوامل تداوم نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱،۲،۷

۱ پیامد بخل ورزی منافقان از پرداخت صدقات ، گرفتار شدن آنان به نفاقی مزمن تا دم مرگ

فَأَعْقِبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ

<فَأَعْقِبَهُمْ> تفریع بر فراز پیشین است؛ یعنی، منافقان در پی امتناع از پرداخت صدقات علی رغم پیمانی که با خدا بسته بودند مبتلا به نفاقی شدند که تا دم مرگ آنان را رها نخواهد کرد.

۲ ابتلای قلب منافقان عهدشکن و بخیل به نفاقی مزمن ، کیفر خداوند برای آنان

فَأَعْقِبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <أَعْقِبَ> به <اللَّهِ> در فراز پیشین باز گردد؛ یعنی، خداوند منافقان را در پی شکستن عهدشان با او و امتناع ورزیدن از پرداخت زکات، به نفاق مزمنی گرفتار کرد که تا روز قیامت از آن رهایی نخواهند یافت.

۷ زیر پا نهادن عهد خویش با خدا و عادت کردن به دروغ گویی ، مایه گرفتار شدن آدمی به نفاق مزمن و همیشگی

بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

<كَانُوا يَكْذِبُونَ> بر استمرار دلالت دارد؛ زیرا فعل مضارع آن گاه که همراه با فعل <كَانَ> و نظایر آن باشد، بر استمرار دلالت می کند.

عوامل رفع نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۶

۶

تدبّر در قرآن ، زمینه برطرف شدن نفاق و ضعف ایمان

و يقولون طاعة .. افلا يتدبّرون القرآن

ترغیب منافقان و مسلمانان ضعیف الایمان به تدبیر در قرآن می تواند به منظور ارائه رهنمودی برای برطرف شدن نفاق و ضعف ایمان آنان باشد.

عوامل نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۳

۳ - نفاق ، خدعه گری و دروغ پردازی ، رذایلی هستند برخاسته از بیماری دل

و من الناس من يقول ءامنا .. یخدعون الله ... فی قلوبهم مرض

<فی قلوبهم مرض> بیانگر ریشه رذایلی است که در آیات قبل و فراهای بعد، برای منافقان بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۴

۴ دنیامداری ، عاملی برای تخلف از جهاد و دوگانگی در برخورد ، به هنگام شکست و پیروزی

قد انعم الله علیّ اذ لم اکن معهم شهیدا .. یا لیتی کنت معهم معهم فافوز

جمله <یا لیتی ..> و <قد انعم الله ...> ، بیانگر این معناست که به چنگ آوردن متاع دنیا و یا از دست دادن آن، تعیین کننده خط مشی سست عنصران متخلف از جهاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۵ - ۲

۲ مؤمنان ، در صورت پذیرش ولایت کافران ، محکوم به نفاق خواهند بود .

لاتتخذوا الکفرین اولیاء .. إنّ المنفقین فی الدرک الاسفل من النار

ظاهراً جمله <إنّ المنفقین ..> ، بیان علت برای جمله <لاتتخذوا ...> است. بنابراین مراد از <المنفقین> ، همان

کسانی خواهند بود که ولایت کافران را پذیرا شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ ایمان نداشتن به عزت و حکمت خدا و توکل نکردن بر وی از ریشه های نفاق است .

إذ يقول المنافقون و الذين .. فإن الله عزيز حكيم

از اینکه خداوند منافقان و بیماردلان را قسیم متوکلان قرار داد و با جمله <إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ> منشأ توکل متوکلان را ایمان به عزت و حکمت مطلق خداوند دانست، معلوم می شود از ریشه های نفاق و ضعف ایمان، باور نداشتن به اقتدار خدا و حکیم بودن اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۲

۱۲ جهل و ناآگاهی ، عامل اصلی کفر و نفاق

الأعراب أشد كفرةً و نفاقاً و أجدر ألا يعلموا

برداشت فوق با استفاده از ارتباط بین <أَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا> و <أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا> به دست آمده است.

کفر و نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۶

۱۶ پیوند تنگاتنگ میان کفر ، نفاق و فسق

إنهم كفروا .. فسقون

کیفر رهبران نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۸

۸ سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم و تبهکاری در جامعه ، غیر قابل بخشش و مستحق مجازات

إِنَّ نَعْفَ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نَعَذِبُ طَائِفَةَ الْآخَرِينَ كَانُوا مُجْرِمِينَ

تعلیل عذاب دسته ای از منافقان، به اینکه اینان گروه مجرم و تبهکارند در برابر عفو گروهی دیگر

می تواند گویای این حقیقت باشد که: سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم، شایسته بخشش نبوده و باید مجازات شوند.

گروندگان به نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷ - ۶

۶ گروهی از مردم علی رغم ایمان راستین شان ، به نفاق گرایش دارند و از زمره منافقان می شوند .

ذهب الله بنورهم

از اینکه جمله <ذهب الله بنورهم> توصیف شدگان را دارای نور شمرده می توان این معنا را محتمل دانست که: آیه شریفه بیانگر آن گروه از منافقان است که در بدو امر حقیقتاً ایمان می آورند ولی بر اثر عواملی به سوی نفاق می گرایند. جمله <فهم لا یرجعون> در آیه بعد مؤید این احتمال است.

گناه نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۸

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد الله المنافقین . . . و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۶ - ۲

۲ - نفاق ، گناهی نابخشودنی است .

سواء علیهم . . . أم لم تستغفر لهم لن یغفر الله لهم

مراتب نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ پیامد بخل ورزی منافقان از پرداخت صدقات ، گرفتار شدن آنان به نفاقی مزمن تا دم مرگ

فَأَعْقِبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ

<فَأَعْقِبَهُمْ> تفریح بر فراز پیشین است، یعنی، منافقان در

پی امتناع از پرداخت صدقات علی رغم پیمانی که با خدا بسته بودند مبتلا به نفاقی شدند که تا دم مرگ آنان را رها نخواهد کرد.

۲ ابتلای قلب منافقان عهدشکن و بخیل به نفاقی مزمن ، کیفر خداوند برای آنان

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <أَعْقَبَ> به <اللَّهُ> در فراز پیشین باز گردد؛ یعنی، خداوند منافقان را در پی شکستن عهدشان با او و امتناع ورزیدن از پرداخت زکات، به نفاق مزمنی گرفتار کرد که تا روز قیامت از آن رهایی نخواهند یافت.

۳ نفاق ، دارای مراتب است .

و منهم من عهد الله .. فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا

با توجه به اینکه ضمیر <و منهم من عهد الله> به منافقان باز می گردد، مفاد جمله <فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا> می تواند این معنا باشد که: آنان قبل از پیمان بستن با خدا نیز دارای نفاق بوده اند که با پیمان شکنی به نفاق دائمی گرفتار شدند.

۷ زیر پا نهادن عهد خویش با خدا و عادت کردن به دروغ گویی ، مایه گرفتار شدن آدمی به نفاق مزمن و همیشگی

بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

<كانوا يكذبون> بر استمرار دلالت دارد؛ زیرا فعل مضارع آن گاه که همراه با فعل <كان> و نظایر آن باشد، بر استمرار دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۳،۴

۳ افراد بدوی و به دور از تمدن و فرهنگ ، دارای کفر و نفاقی سخت تر در مقایسه با مردم متمدن و دارای فرهنگ

الأعراب أشد كفرةً و نفاقاً

۴ کفر

و نفاق ، دارای مراتب و شدت و ضعف

الأعراب أشد كفراً ونفاقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱

۱ وجود مؤمنان واقعی به خدا و قیامت در میان بادیه نشینان صدر اسلام ، علی رغم کفر و نفاق شدید عده ای دیگر از آنان

الأعراب أشد كفراً ونفاقاً .. و من الأعراب من يؤمن بالله و اليوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۵

۵ کفر و نفاق ، دارای شدت و ضعف و مراتب گوناگون

و أما الذين فى قلوبهم مرض فزادتهم رجساً الى رجسهم

موارد نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۷

۷ سرپیچی از فرامین پیامبر (ص) ، گناه ، نفاق و ستم بر خویشان است .

و ما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله و لو اثمهم اذ ظلموا انفسهم

مراد از ظلم در < اذ ظلموا > به قرینه < ليطاع > ، مخالفت با رسول خدا (ص) است و با توجه به آیات قبل که اعراض کنندگان از رسول (ص) را منافق شمرده ، می توان گفت هر گونه مخالفتی با رسول خدا (ص) و اعراض از او ، نوعی نفاق است .

موانع نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - پرستش خداوند، آدمی را از گرفتار شدن در ورطه کفر و نفاق و پیامد های آن دو، مصون می دارد.

اعبدوا ربکم .. لعلکم تتقون

از اهداف

دعوت به پرستش خداوند - پس از بیان کفر و نفاق و عواقب شوم آنها - ارائه رهنمونی است به انسانها برای پاسداری خویش از گرایش به کفر و نفاق. بر این اساس <تتقون> به معنای لغوی آن و متعلقش کفر و نفاق خواهد بود، یعنی: اعبدوا ربکم لعلکم تتقون الکفر و النفاق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۲۱

۲۱ توجه به دانایی خداوند بر راز دل ها و عملکرد های آدمی ، زمینه ساز پرهیز از نفاق و ارتکاب اعمال ناپسند

و الله اعلم بما یکنمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۱ - ۵

۵ - نفاق ، ایده ای جدا از ایمان و ناسازگار با آن است .

و لیعلمنّ الله الذین ءامنوا و لیعلمنّ المنفقین

موضعگیری علیه نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۳

۳ پیامبر (ص) و رهبر جامعه اسلامی ، باید در موضع گیری علیه جریان های باطل (نفاق) پیشگام باشد .

لا تقم فیہ أبداً

مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر(ص) در این آیه ظاهراً به خاطر موقعیتی است که آن حضرت داشتند (موقعیت رهبری).

نشانه های نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۲ - ۱۱،۱۸،۱۹

۱۱ ریاکاری در نماز و عبادت ، از صفات منافقان و نشانه نفاق

و إذا قاموا إلى الصلوة قاموا كسالى يراءون الناس

۱۸ یاد خدا در حضور دیگران و ترک آن در نهان ، یادى

اندک و بی ارزش و نشانه نفاق

و لا یذکرون الله إلا قليلا

امیرالمؤمنین (ع): ... ان المنافقین كانوا یذکرون الله علانیه و لا یذکرونه فی السر، فقال الله عزوجل، >یراءون الناس و لا یذکرون الله الا قليلا<.

کافی، ج ۲، ص ۵۰۱، ح ۲؛ نورالتقلین، ج ۱، ص ۵۶۶، ح ۶۳۷.

۱۹ عمل به دستورات خداوند از روی ریا، خدعه با او و نشانه نفاق است.

إنّ المنفقین یخدعون الله و هو خدعهم

رسول خدا (ص) در پاسخ سؤال از چگونگی خدعه نمودن با خداوند فرمود: یعمل بما امر الله ثم یرید به غیره

عقاب الاعمال، ص ۳۰۳، ح ۱، عقاب الریاء؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۳، ح ۲۹۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۵ - ۵

۵ تردید در انجام تکالیف دینی، چون جهاد با مال و جان، نمودار بی ایمانی و نفاق

إنما یستذنک الذین لا یؤمنون بالله ... و ارتابت قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۵،۷

۵ کسالت و کاهلی در نماز، از نشانه های نفاق و عدم ایمان واقعی به خدا و رسول اوست.

کفروا بالله و برسوله و لا یأتون الصلوه إلا و هم کسالی

۷ انفاق از روی کراهت و بی میلی، نشانه نفاق و نداشتن ایمان واقعی به خدا و رسول اوست.

كفروا بالله و برسوله . . . و لا ينفقون إلا و هم كرهون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۲ - ۱۴

۱۴ تلاش در جلب رضایت مردم ،

به جای جلب رضایت خدا و رسول او ، نشانه نفاق و بی ایمانی

يحلِفون بالله لكم ليرضوكم و الله و رسوله أحق أن يرضوه إن كانوا مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۵ - ۷

۷ به بازی گرفتن ارزش های دینی ، نشانه نفاق و از شیوه منافقان است .

يحذر المنفقون .. ليقولن إنما كنا نخوض و نلعب ... كنتم تستهزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۶ - ۵

۵ عهدشکنی ، از نشانه های نفاق است .

و منهم من عهد الله . . . فلما آتاهم من فضله بخلوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۸

۸ کراهت و ناخرسندی از ایثار مال و جان در راه خدا ، نشانه نفاق

و کرهوا أن یجهدوا بأموالهم و أنفسهم فی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ گریز از جهاد با وجود داشتن قدرت و تمکن ، نشانه نفاق است .

استئذنک أولوا الطول منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۱

۱۱ تخلف از جهاد و سوگند دروغ ، علامت نفاق و نشانه پلیدی است .

يعتذرون إليكم .. سيحلفون بالله ...إنهم رجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۲

۲ موضع گیری منفی و تمسخرآمیز در برابر آیات الهی قرآن و ارزش

های دینی ، نشانه نفاق است .

و إذا ما أنزلت سورة فمنهم من يقول أئیکم زادته هذه إیماناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۴

۴ ناخشنودی از شنیدن آیات الهی ، نشانه نفاق است .

و إذا ما أنزلت سورة .. هل یریکم من أحد ثم انصرفوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۷ - ۶

۶ - نافرمانی و روی گردانی از خدا و رسول او و برخلاف قول و قرار خود عمل کردن ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان است .

و يقولون ءامنا بالله .. ثم يتولّی فریق منهم من بعد ذلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۸ - ۳

۳ - پذیرفتن داوری پیامبر (ص) ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان است .

و إذا دعوا إلى الله و رسوله لیحکم بینهم إذا فریق منهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۴

۴ - اندیشه سودجویانه ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

و إذا دعوا إلى الله و رسوله لیحکم بینهم إذا فریق منهم معرضون . و إن یکن لهم الح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بیمار دلی ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أفی قلوبهم مرض

۴ - شك و تردید نسبت به حقانیت اسلام و پیامبر (ص) در عین آگاهی از آن

، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم ارتابوا

۷- گمان ناعادلانه بودن حکم خدا و رسول او ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم يخافون أن يحيف الله عليهم ورسوله

۱۰- نسبت دادن جرم و گناه خویش به دیگران و چهره مظلومانه به خود گرفتن ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم يخافون أن يحيف الله عليهم ورسوله بل أولئك هم الظالمون

منافقان خدا و رسول او را به ستم و اجحاف کردن در داوری هایشان متهم می کردند. در مقابل خداوند نیز با تأکید فراوان، آنان را ظالم معرفی کرده است این مطلب می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۲ - ۷

۷- ترک حضور در محضر رهبری جامعه اسلامی برای حل و فصل امور مهم اجتماعی و مشاوره در مسائل عمومی بدون اذن خواستن ، نشانه نفاق و ضعف ایمان است .

و إذا كانوا معه على أمر جامع لم يذهبوا حتى يستذنوه إن الذين يستذنونك أولئك

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزول آیه شریفه است که درباره منافقان می باشد و این آیه، در حقیقت تعریضی است به آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۷

۷- بر زبان راندن شعار طاعت و سخنان زیبا و تن ندادن به جهاد ، بی صداقتی با خداوند است .

طاعة و قول معروف .. فلو صدقوا الله لكان خيرا لهم

از تعبیر <فلو صدقوا الله> استفاده می شود که لازمه صداقت با خداوند، آن است که انسان در

همه زمینه ها، حتی تکلیف دشوار جهاد، تابع خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۰ - ۷

۷- گفتار مرموز و نیشدار درباره دین ، نشانه نفاق و بیمار دلی

و لتعرفنهم فی لحن القول

<لحن القول>، به معنای آهنگ گفتار و نیز استعارات و کنایه هایی است که در بد جلوه دادن و مخدوش کردن موضوع، تأثیر دارد. خداوند، این گونه سخن گفتن را وسیله ای برای رسوایی منافقان، معرفی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۳،۱۱

۳- روابط دوستانه منافقان با یهود ، از نشانه های روشن و قابل توجه نفاق آنان

ألم تر إلی الذین تولّوا قومًا غضب الله علیهم

۱۱- توسل به سوگند دورغ ، از نشانه های نفاق و از ترفند های منافقان برای پوشش دادن نفاق و دورویی خویش .

و یحلفون علی الکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۶ - ۱

۱- منافقان ، زیر سپر سوگند ، نفاقشان را پنهان می کردند .

اتّخذوا أیمنهم جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۳

۳- دوستی با دشمنان خدا و پیامبر (ص) ، نشانه نفاق است .

لا تجد قومًا يؤمنون .. يوادون من حادّ الله ورسوله

با توجه به آیات پیشین که درباره منافقان است آیه بالا که در بیان ویژگی های مؤمنان راستین می باشد اشاره به نشانه های منافقین نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۳ - ۳

۳ - ترس از مردم و بیم نداشتن از خدا، نشانه بارز نفاق است.

لأنتم أشد رهبة في صدورهم من الله

نفاق اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۱۶

۱۶ دورویی برخی از اهل کتاب با مسلمانان، در صدر اسلام

قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفى صدورهم اكبر

به قرینه آیات قبل، <دونکم>، اهل کتاب هستند، و از اینکه کینه قلبی خود را پنهان می داشتند، دورویی آنان استفاده می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۸

۸ تناقض آشکار میان ادعای اهل کتاب (عالمان یهود) و عمل آنان

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

خداوند از یکسو یهودیان را به دارا بودن کتاب آسمانی که طبعاً کتاب توحید است توصیف کرده و از سوی دیگر شرک آنان را گوشزد کرده تا تناقض در ادعا و عمل یهودیان را به خود آنان و به مسلمانان تفهیم کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۱ - ۲،۹

۲ نکوهش خداوند از اهل کتاب به خاطر برخورد منافقانه آنان با اهل ایمان

و إذا جاءوكم قالوا ءامنا و قد دخلوا بالكفر و هم قد خرجوا به

۹ اهل کتاب مورد تهدید و هشدار خداوند به خاطر برخورد منافقانه آنان با مسلمانان

و الله اعلم بما كانوا یکتُمون

هدف از بیان آگاهی کامل خدا به اسرار پلید

گروهی از اهل کتاب، می تواند تهدید آنان به رسوایی در دنیا و عذاب الهی در آخرت باشد.

نفاق بادیه نشینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۳

۳ افراد بدوی و به دور از تمدن و فرهنگ، دارای کفر و نفاق سخت تر در مقایسه با مردم متمدن و دارای فرهنگ

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۴

۴ حرکت های نفاق آمیز منافقان مدینه، پیچیده تر و شدیدتر از منافقان بادیه نشین بود.

و ممن حولکم... و من أهل المدینه مردوا علی النفاق

نفاق بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت، در کفر و نفاق پابرجاتر و در امتناع از پذیرش سخن حق، سخت تر بودند.

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

نفاق در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۴ - ۱۰

۱۰ نفاق و دورویی در دین، استهزای دین است.

یحذر المنفقون... قل استهزءوا

قبل از <استهزاء> سخن خاصی از منافقان ذکر نشده که حاکی از استهزا باشد ، بدین جهت احتمال می رود که نفس حالت نفاق، استهزا باشد.

نفاق در صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۶

۴۶- وجود برخی از افراد ناخالص ، در میان همراهان

پیامبر (ص) *

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم

در صورتی که <من> در <منهم> برای تبعیض باشد؛ احتمال می رود که قید <منهم> تعریض به کسانی باشد که منافقانه، همراه پیامبر(ص) بودند و یا در آینده منحرف خواهند شد.

نفاق در عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۲

۱۲ نفاق سیاسی ، نشأت یافته از نفاق عقیدتی و نشانه آن است .

أیتغون عندهم العزّه فإن العزّه لله جميعاً

نفاق در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۱

۲۱ برخورد منافقانه خودمحوران و دنیاطلبان مسلمان با رسول خدا (ص)

و طائفه قد اهتمتهم انفسهم . . . یخفون فی انفسهم ما لا یبدون لك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۱ - ۹

۹ اعراض و بی اعتنایی به مسلمانان توطئه گر و دو رو ، توصیه و فرمان خداوند به پیامبر خویش

و یقولون طاعه . . . فاعرض عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۲

۲ - امکان پیدایش و نفوذ جریان نفاق ، در میان صفوف مردان و زنان مسلمان در جامعه اسلامی

يقول المنفقون و المنفقت . . ألم نكن معكم

نفاق در مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۱ - ۱

۱ اظهار اطاعت کامل در پیشگاه رسول خدا و چاره اندیشی برای مخالفت با وی در جلسات سری ، شیوه گروهی

و يقولون طاعه فاذا برزوا من عندك بيت طائفه منهم غير الذي تقول

<طاعه> خبر برای مبتدای محذوف می باشد؛ یعنی <امرنا طاعه> (کار ما اطاعت از توست). فعل مضارع <يقولون> و <بييتون> دلالت بر استمرار دارد و حاکی از شیوه آنهاست. <بييتون>، از مصدر <تبييت>، به معنای تدبیر امور است <غير الذي تقول> به معنای مخالفت امر پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۱۸

۱۸ از امام باقر (ع) درباره سخن خدا: <لا تعتذروا قد كفرتم بعد إيمانكم> روایت شده که فرمود: هؤلاء قوم كانوا مؤمنين صادقين ارتابوا و شكوا و نافقوا بعد إيمانهم ...؛

اینان گروهی از مؤمنان راستینی بودند که دچار شک و تردید گردیده و پس از ایمان گرفتار نفاق شدند ... >.

نفاق سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۲

۱۲ نفاق سیاسی، نشأت یافته از نفاق عقیدتی و نشانه آن است.

أبتغون عندهم العزّه فإن العزّه لله جميعاً

نفاق علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۸

۸ تناقض آشکار میان ادعای اهل کتاب (عالمان یهود) و عمل آنان

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

خداوند از یکسو یهودیان را به دارا بودن کتاب آسمانی که طبعاً کتاب توحید است توصیف کرده و از سوی دیگر شرک

آنان را گوشزد کرده تا

تناقض در ادعا و عمل یهودیان را به خود آنان و به مسلمانان تفهیم کند.

نفاق قبل از هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ - خط نفاق ، در میان مسلمانان ، پیش از هجرت پیامبر (ص) آغاز شد . *

و من الناس من يقول ءامنا بالله فإذا أودى في الله جعل فتنه الناس كعذاب الله و

آیه بعد، می تواند قرینه باشد بر این که این افراد، دارای نوعی نفاق در ایمان بودند و این جریان، قبل از هجرت، آغاز شده است. گفتنی است، چون سوره عنکبوت مکی است، آیه هم وضعیّت برخی مسلمانان مکه را بازگو می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۱ - ۴

۴ - خط نفاق ، قبل از هجرت و در مکه شروع شد . *

و من الناس من يقول ءامنا بالله فإذا أودى في الله جعل فتنه الناس كعذاب الله .

این که خداوند، در سوره عنکبوت که سوره ای مکی است بیان می کند که به دنبال بازشناسی مؤمنان از منافقان، است نشانه پدید آمدن، خط نفاق در مکه است.

نفاق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۲،۵

۲ - کافران ، تکذیب قرآن را ابزار رسیدن به اهدافی ساخته بودند که آن را اظهار نمی کردند .

بل الذین کفروا یکذبون . و الله أعلم بما یوعون

از مصادیق <مایوعون>، نیت ها و مقاصدی است که کافران، تکذیب قرآن را وسیله رسیدن به آن مقاصد

کرده بودند.

۵ - تکذیب قرآن از سوی کافران ، ظاهری بوده و به دروغ بودن آن باور نداشتند .

و الله أعلم بما یوعون

تقابل این آیه با آیه قبل، بیانگر آن است که گرچه کافران به زبان قرآن را تکذیب می کردند ولی خداوند بهتر می داند که در درون آنان از تکذیب قرآن خبری نبود.

نفاق متخلفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۲،۶

۲ متخلفان از جهاد ، دارای برخوردی دوگانه در برابر شکست و پیروزی مجاهدان

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم الله علیّ . . و لئن اصابتکم فضل من الله ليقولنّ

۶ متخلفان از جهاد ، پس از پیروزی به گونه ای سخن می گویند که گویا هیچ ارتباطی با مجاهدان نداشته و اطلاعی از درگیری ها و جهاد نداشته اند .

و انّ منکم لمن لیبطنّ . . و لئن اصابتکم فضل من الله ليقولنّ کان لم تکن بینکم

نفاق متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۲،۶

۲ متخلفان از جهاد ، دارای برخوردی دوگانه در برابر شکست و پیروزی مجاهدان

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم الله علیّ . . و لئن اصابتکم فضل من الله ليقولنّ

۶ متخلفان از جهاد ، پس از پیروزی به گونه ای سخن می گویند که گویا هیچ ارتباطی با مجاهدان نداشته و اطلاعی از درگیری ها و جهاد نداشته اند .

و انّ منکم لمن لیبطنّ . . و لئن اصابتکم فضل من الله ليقولنّ کان لم تکن بینکم

تبوك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۳

۳ متخلفان از جنگ تبوك ، به ظاهر مسلمان ولی در باطن كافر به خدا و رسول او بودند .

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم كفروا بالله و برسوله

روی سخن در این بخش از آیات با کسانی است که از شرکت در جنگ تبوك سرباز زده بودند.

نفاق متمدنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱،۳

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در كفر و نفاق پابرجاتر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشد كفرةً و نفاقاً

۳ افراد بدوی و به دور از تمدن و فرهنگ ، دارای كفر و نفاقی سخت تر در مقایسه با مردم متمدن و دارای فرهنگ

الأعراب أشد كفرةً و نفاقاً

نفاق مكذبان كیفرهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۲

۲ - برخی از تكذیب کنندگان كیفرهای الهی ، منافقانه خود را در نظر مسلمانان ، افرادی دیندار جلوه می دهند .

أرءیت الذی .. الذین هم یراءون

نفاق منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴ - ۱

۱ - منافقان ، به هنگام حضورشان در میان مؤمنان ، تظاهر به ایمان کرده و خود را مسلمان جلوه می دهند .

و إذا لقوا الذين ءامنوا قالوا ءامنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران -

۱۲ شرکت نکردن منافقان در پیکار احد، افشاگر چهره و موضع نفاق آلود ایشان

و ليعلم الذين نافقوا و قيل لهم تعالوا .. لو نعلم قتالاً لا تبغناكم

جمله <و قيل لهم تعالوا ..> توضیحی است برای جمله <و ليعلم الذين نافقوا>. یعنی طریقه مشخص کردن منافقان همان شرکت نکردن آنان در نبرد است.

۱۷ دوگانگی گفتار منافقان با آنچه در دل و نهان خویش دارند .

يقولون بافواههم ما ليس في قلوبهم

۲۳ منافقان احد دارای جنبه های گوناگون نفاق، و آگاهی مسلمانان تنها به بخشی از آنها

و الله اعلم بما يكتُمون

عالمتر بودن خدا به راز دل منافقان (و الله اعلم ..)، دلالت بر این معنا دارد که آنچه از نفاق منافقان برای مسلمانان بیان شد، تنها بخشی از نفاق آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۴، ۱۲

۴ دوگانگی برخورد منافقان با پیامبر (ص) و رهبران الهی، به هنگام سختی ها و آسایشها

فكيف اذا .. ثم جاؤك يحلفون بالله ان اردنا الا احساناً

منافقان تا قبل از گرفتاری، از پیامبر (ص) اعراض کرده و به طاغوتها می گرایند، و آنگاه که به مشکلات برخوردند، از پیامبر (ص) عذرخواهی می کنند.

۱۲ تظاهر منافقان به اینکه مراجعه آنان به طاغوت برای قضاوت، از سر بی ایمانی به پیامبر (ص) نبوده است .

يريدون ان يتحاكموا الى الطاغوت .. ان اردنا الا احساناً و توفيقاً

مفهوم جمله <ان اردنا> این است که قصد ما اعراض از حکم پیامبر (ص) نبوده است،

بلکه می خواستیم بین طرفین دعوا صلح دهیم و به آنان نیکی کرده باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۳ - ۵

۵ دوگانگی نیت و گفتار منافقان

ان اردنا الا احساناً و توفيقاً. اولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۵ - ۸

۸ بی شرمی منافقان و اصرار آنان بر دروغ پردازی و تزویر، حتی پس از افشای اسرار درونی و توطئه های آنان

و لئن سألتهم ليقولن إنما كنا نخوض و نلعب قل أبالله و آياته و رسوله كنتم تستهزءو

جمله <قل أبالله .. > می تواند رد ادعای منافقان در مورد <نخوض و نلعب> باشد / یعنی، آنان هنوز هم با این سخنان در مقام تزویرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ شیوه دوگانه منافقان در عیب جویی از مؤمنان توانمند و مؤمنان تهیدست

الذين يلمزون المطوعين .. فيسخرن منهم

برداشت فوق بر این اساس است که <يلمز> درباره توانمندان و <يسخرن> درباره تهیدستان باشد و ضمیر <منهم> به <الذين يجدون .. > برگردد / یعنی، منافقان، مؤمنان توانمند و اهل انفاق را مورد طعن و مؤمنان تهیدست انفاقگر را مورد استهزا و ریشخند قرار می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۷

۷ - منافقان، چهره نفاقشان را در میان مسلمانان با سوگند های دروغشان پنهان می کردند .

كما يحلفون لكم

نفاق منافقان صدر اسلام

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۷ - ۲

۲ عدم امکان گریز از جامعه اسلامی برای منافقان صدر اسلام ، عامل رو آوردن آنان به سوگند دروغ برای مؤمن جلوه دادن خود

و يحلفون بالله إنهم لمنكم . . . لو يجدون ملجئاً ... لو لؤوا إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۴

۴ - منافقان عصر بعثت ، با ظاهر سازی و نفوذ در میان صفوف مسلمانان ، پنهان و ناشناخته بودند .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ

برداشت یاد شده، از تعبیر <منکم> (از میان شما) ولحن افشاگرانه آیه شریفه، استفاده شده است.

نفاق منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۳

۳ وجود منافقانی مرموز و عادت کرده بر نفاق ، در میان اهل مدینه

و من أهل المدينة مردوا على النفاق

یکی از معانی <مَرَدٌ> <استمر> و <قَرْنٌ> (استمرار و عادت) است.

نفاق و فسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۶

۱۶ پیوند تنگاتنگ میان کفر ، نفاق و فسق

إنهم كفروا... فسقون

نفاق همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۲،۸

۲ - همسران نوح و لوط پیامبر ، نمونه بارز و مثال زدنی ، برای جریان کفر و نفاق اند .

جهد الکفار و المنفقین . . . ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ،

خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و ...

نفاق همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۲،۸

۲ - همسران نوح و لوط پیامبر، نمونه بارز و مثال زدنی، برای جریان کفر و نفاق اند .

جهد الکفار و المنفقین . .. ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و ...

نفاق یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۷

۷ یهود، آنچه را در اوّل روز بر پیامبر (ص) نازل شده بود (قبله بودن بیت المقدّس)، پذیرفتند و به آنچه در انت های روز نازل شده بود (قبله بودن کعبه)، کفر ورزیدند تا مؤمنان را گمراه سازند .

و قالت طائفه . .. لعلهم يرجعون

برخی از مفسران بر آنند که <وجه النهار> و <آخره> متعلق به <انزل> است؛ و سیاق

آیه می رساند که مراد از <الذی>، حکمی خاص است؛ برخی روایات دلالت دارد که آن حکم خاص، تغییر قبله بوده است که پیامبر (ص) در عصرگاهی مأمور شد نماز را به سوی کعبه بخواند و قبله مسلمانان را که تا صبحگاه آن روز، بیت المقدس بوده است تغییر دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۶

۱۶ برخورد منافقانه یهود، با پیامبر (ص)

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ الْإِنسَانِ لِرَسُولٍ .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقي

جمله <فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين>، بیانگر این است که یهود، علی رغم ادعای ایمان در صورت مشاهده معجزه قصد ایمان آوردن، نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ نفاق و دورویی قوم یهود

يقولون سمعنا و عصينا و اسمع غير مسمع و راعنا

نفخ صور از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار نفخ صور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۲

۱۲ دمیده شدن در صور، نقطه عطف و برهه تحولی مهم و اساسی در صحنه آفرینش است.

و له الملك يوم ينفخ في الصور

بیان انحصار مالکیت برای خداوند در روز نفخ صور، با وجود آنکه مالکیت خداوند همواره بوده و خواهد بود، بیانگر دگرگونی و تحول مهمی است که در هنگام نفخ صور رخ خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - وحشت و هراس شدید موجودات آسمان ها و زمین در روز نفخ صور

و یوم

ينفخ في الصور ففزع من في السموت و من في الأرض

۲ - دمیده شدن در صور ، دارای پی آمدهای سنگین و وحشت بار برای همه موجودات هستی

و يوم ينفخ في الصور ففزع من في السموت و من في الأرض

تعبیر <السموات و الأرض> دربرگیرنده همه هستی است.

۵ - هراس و وحشت شدید موجودات آسمان ها و زمین ، در لحظه فروپاشی جهان و نیز روز رستاخیز

و يوم ينفخ في الصور ففزع من في السموت و من في الأرض

مراد از <ينفخ في الصور> می تواند مطلق نفخ صور و دربرگیرنده نفخه اولی که فروپاشی جهان و مرگ موجودات را در پی دارد و نفخه ثانیه که منجر به برپایی رستاخیز می شود باشد. گفتنی است که تعبیر <فزع من في السموات و من في الأرض> بیانگر مطلب یاد شده است.

۸ - دمیده شدن در صور ، مقدمه حضور همه موجودات هستی در پیشگاه خداوند

و يوم ينفخ في الصور .. و كل أتوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۶، ۱۲

۱۲ - متلاشی شدن و به حرکت درآمدن کوه ها در فضا ، بر اثر نفخ صور

و يوم ينفخ في الصور .. و ترى الجبال تحسبها جامده و هي تمرّ مرّ السحاب

ذکر <ترى الجبال..> در ادامه <يوم ينفخ في الصور...> می تواند به منظور بیان رخدادهایی باشد که در پی دمیده شدن در صور، در نظام طبیعت ظاهر می گردد. بنابراین معنای آیه بالا چنین می شود: تو این کوه ها را می بینی و می پنداری که ایستا و

غیرقابل حرکت اند؛ در حالی که آنها روزی که در صور دمیده شود، چون ابر در آسمان به حرکت در خواهند آمد.

۱۶ - رخداد های جهان بر اثر نفخ صور ، زمینه ساز برپایی قیامت و حسابرسی آدمیان ، براساس علم دقیق خداوند به اعمال آنان

و یوم ینفخ فی الصور.. و تری الجبال... إنّه خبیر بما تفعلون

برداشت یاد شده بنابراین فرض است که <تری الجبال..> ادامه <یوم ینفخ فی الصور...> و بیانگر حوادث جهان در پی دمیده شدن در صور باشد. بنابراین جمله پایانی آیه (إنّه خبیر بما تفعلون) می رساند که قیامت، برای حسابرسی است و این کار متکی به علم دقیق الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۱ - ۲، ۱

۱ - با دمیده شدن در صور ، انسان های موجود در گور ها ، زنده خواهند شد .

و نفخ فی الصور فإذا هم من الأجداث

<جدث> (مفرد <أجداث>) به معنای قبر و گور است.

۲ - جهان آخرت و رستاخیز انسان ها ، با نفخ صور آغاز خواهد شد .

و نفخ فی الصور فإذا هم من الأجداث إلی ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۷، ۶، ۵، ۱

۱ - تمامی موجودات زنده آسمان ها و زمین با دمیده شدن در صور (شیپور) می میرند .

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض

<صعق> هم به معنای بی هوشی است و هم به معنای مرگ. در این آیه برابر نظر بیشتر مفسران معنای دوم مراد است که همان نفخ

صور نخستین می باشد که موجب مرگ همه موجودات جهان می شود. <نفخ> نیز به معنای دمیدن است و <صور> به چیزی مانند شیپور گویند.

۵- برخی از موجودات آسمان ها و زمین ، از مرگ ناشی از نفخ صور ایمن خواهند بود .

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض إلا من شاء الله

۶- تعلق مشیت الهی بر زنده ماندن برخی از موجودات شعورمند در جهان پس از نفخ صور

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض إلا من شاء الله

۷- موجودات آسمان ها و زمین ، پس از مرگ با دمیده شدن دوباره در صور ، زنده خواهند شد .

ثم نفخ فيه أُخري فإذا هم قيام

۹- به پاخاستن ناگهانی موجودات آسمان ها و زمین ، پس از دومین نفخ صور در قیامت

ثم نفخ فيه أُخري فإذا هم قيام

<إذا> برای مفاجات و مفید معنای ناگهانی است و <قیام>، جمع <قائم> (به پاخاسته) است.

۱۰- تمامی موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور ، در انتظار سرنوشت خود به سر خواهند برد

ثم نفخ فيه أُخري فإذا هم قيام ينظرون

<نظر> (مصدر <ينظرون>) هم به معنای انتظار است و هم به معنای نظر متحیرانه و بهت آمیز. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

۱۱- نگاه متحیرانه و بهت آمیز موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور در قیامت

ثم نفخ فيه أُخري فإذا هم قيام ينظرون

۱۲- < قال رسول الله (ص) : > و نفخ فی الصور

فصعق من في السماوات و من في الأرض إلا من شاء الله < قالوا: يا رسول الله من هؤلاء الذين استثنى الله، قال: جبرئيل و ميكائيل و ملك الموت و اسرائيل و حملة العرش ... >

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: < و نفخ في الصور.. إلا من شاء الله >. [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا! این کسانی که استثنا شده اند چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرئیل، میکائیل، ملک الموت، اسرائیل و حاملان عرش هستند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۱،۳

۱ دمیده شدن در < صور > سرآغاز شکل گیری رستاخیز

و نفخ في الصور ذلك يوم الوعيد

۳ پایان نیافتن زندگی انسان با < مرگ > و تداوم آن در قیامت با < نفخ صور >

و جاءت سكره الموت بالحق .. و نفخ في الصور

تذکر به < نفخ در صور > و برپایی روز جزا در پی تذکر به مرگ پیامدار معنای یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۱

۱ - به هنگام دمیده شدن در صور و متلاشی شدن نظم کنونی زمین و کوه ها، واقعه قیامت رخ می دهد.

فإذا نفخ في الصور .. و حملت الأرض ... فيومئذ وقعت الواقعة

به گفته مفسران، واژه <واقعه> همانند واژه های <حاقه>، <قارعه>، <غاشیه> و .. در قرآن که بدون موصوف و یا به تقدیر آن آمده است علم برای قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر -

۱ - آغاز شدن رستاخیز انسان ها ، با دمیده شدن در صور

فَإِذَا نَقَرَ فِي النَّاقُورِ

<ناقور> به معنای <صور> است (قاموس المحيط و مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۸ - ۱،۴

۱ - دمیده شدن در صور ، پیش در آمدی برای حضور مردم در صحنه قیامت است .

يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا

<صور> به معنای، شاخی است که در آن دمیده می شود (قاموس). صحنه قیامت و گرد آوری مردم در آن به هر وسیله ای باشد به صحنه ای تشبیه شده است که در آن جا در بوق دمیده می شود تا همگان حاضر گردند.

۴ - حضور انسان در قیامت ، پس از نفخ صور ، فوری و بی درنگ است .

يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا

حرف <فاء> علاوه بر تفریع، دلالت بر تعقیب دارد یعنی، بیانگر این است که بین نفخ صور و آمدن مردم، فاصله ای نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۴ - ۲

۲ - حضور در قیامت ، ناگهانی است و با نفخه صور ، فاصله ای ندارد .

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ

حرف <إذا>، برای بیان مفاجاه و ناگهانی است.

ترس از نفخ صور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - دمیده شدن در صور ، دارای پی آمد های سنگین و وحشت بار برای همه موجودات هستی

و یوم ینفخ فی الصور ففرع من فی السموت و من فی الأرض

تعبیر <السموات و الأرض > دربرگیرنده همه هستی

است.

ترسناکی نفخ صور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۳ - ۱

۱ - نفخ صور در قیامت ، تنها یک صیحه عظیم و صدای سهمگین است .

و نفخ فی الصور .. إن کانت إلا صیحه وحده

اسم <کانت> به قرینه مقام که در دو آیه پیش سخن از نفخ صور بود <نفخه> می باشد.

تعدد نفخ صور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۷۸،۹

۷ - موجودات آسمان ها و زمین ، پس از مرگ با دمیده شدن دوباره در صور ، زنده خواهند شد .

ثم نفخ فيه أُخْرَى فإِذَا هم قیام

۸ - وجود فاصله میان دو نفخ صور (زمان مرگ همه موجودات جهان و زنده شدن دوباره آنها در قیامت)

و نفخ فی الصور فصعق .. ثم نفخ فيه أُخْرَى

برداشت یاد شده از کلمه <ثم> که می تواند بر تراخی زمانی دلالت کند به دست می آید.

۹ - به پاخاستن ناگهانی موجودات آسمان ها و زمین ، پس از دومین نفخ صور در قیامت

ثم نفخ فيه أُخْرَى فإِذَا هم قیام

<إِذَا> برای مفاجات و مفید معنای ناگهانی است و <قیام>، جمع <قائم> (به پاخاسته) است.

حقیقت نفخ صور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - نفخ صور در قیامت ، تنها یک صیحه عظیم و صدای سهمگین است .

و نفخ فی الصور .. . إن كانت إلا صیحه وحده

اسم <کانت> به قرینه مقام که در دو آیه پیش سخن

از نفخ صور بود <نفخه> می باشد.

فاصله در نفخ صور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۸

۸ - وجود فاصله میان دو نفخ صور (زمان مرگ همه موجودات جهان و زنده شدن دوباره آنها در قیامت)

و نفخ فی الصور فصعق .. ثم نفخ فیهِ أُخری

برداشت یاد شده از کلمه <ثم> که می تواند بر تراخی زمانی دلالت کند به دست می آید.

مصونیت از ترس نفخ صور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۷ - ۶،۷

۶ - برخی از انسان ها و نیز برخی از موجودات آسمان ها ، ایمن از هراس و وحشت ناشی از نفخ صور

ففزع من فی السموت و من فی الأرض إلاّ من شاء الله

من شاء الله

۷ - تعلق مشیت الهی بر ایمنی برخی موجودات از وحشت نفخ صور

ففزع .. إلاّ من شاء الله

نفخ صور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۱، ۱۰

۱۰ روز دمیده شدن در صور، مالکیت مطلق و حاکمیت انحصاری خداوند، ظهور خواهد یافت.

و له الملك يوم ینفخ فی الصور

<له الملك> بیانگر انحصار ملک در روز نفخ صور برای خداوند است. و چون این مالکیت اکنون نیز وجود دارد، بنابراین مفاد حصر، ظهور این مالکیت در آن روز به گونه ای که جای هیچ انکار برای کسی نماند، است.

۱۱ تمامی مالکیتها و حاکمیتهاى اعتبارى در روز نفخ صور از میان خواهد رفت.

وله الملك يوم ينفخ فى الصور

جلد -

۴- > یحیی بن أبی العلاء... ان رجلاً دخل علی أبی عبدالله (ع) فقال: أخبرنی عن قول الله عزّوجلّ لأبلیس > فإنک من المنظرین إلى یوم الوقت المعلوم < قال: ... و یوم الوقت المعلوم یوم ینفخ فی الصور نفخه واحده فیموت ابلیس ما بین النفخه الأولى و الثانيه ;

یحیی بن أبی العلاء روایت کرده است: شخصی وارد بر امام صادق(ع) شد و گفت: مرا از سخن خدای عزّوجلّ که به ابلیس فرمود: >فإنک من المنظرین إلى یوم الوقت المعلوم< خبر ده، حضرت فرمود: مراد از روز وقت معلوم، روزی است که [هنوز فقط] یک بار در صور دمیده شده پس ابلیس بین دمیدن اول و دوم می میرد...<.

۵- خداوند ، همه انسان ها را در صحنه قیامت ، با دمیده شدن در صور ، گرد خواهد آورد .

و نفخ فی الصور فجمعنهم جمعاً

>صور< محتمل است به یکی از دو معنا باشد: ۱ به معنای <شاخ> که در این صورت، مقصود، دمیده شدن در بوق است؛ چرا که در قدیم، از شاخ حیوانات، بوق می ساختند. ۲ ممکن است <صور> جمع <صوره> باشد؛ در این صورت، مقصود، دمیده شدن در تمثال ها و پیکرهای مردگان برای زنده ساختن آن ها است. بسیاری از اهل لغت، بر احتمال دوم، خرده گرفته اند و آن را با برخی از موارد

استعمال کلمه <صور> در قرآن ناسازگار دیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۱،۲

۱ - دمیده شدن در صور (بوق و یا صورت و تمثال ها) ، از رخداد های روز قیامت

یوم ینفخ فی الصور

<صور> محتمل است به یکی از دو معنا باشد: ۱ به معنای شاخ، که در این صورت مقصود دمیده شدن در بوق خواهد بود؛ چرا که در قدیم، با سوراخ کردن شاخ حیوانات از آن بوق می ساختند. ۲ ممکن است <صور> جمع صوره باشد. بر این اساس، مقصود دمیده شدن در تمثال ها و پیکرهای مردگان برای زنده شدن خواهد بود. بعضی از آیاتی که در آن کلمه <صور> آمده است، با معنای دوم سازگار نیست.

۲ - دمیده شدن در صور ، و حشر در قیامت ، دو رخداد مرتبط با یکدیگر

یوم ینفخ فی الصور و نحشر المجرمین

عطف <حشر> بر <نفخ صور> نشان از ارتباط آن دو با یکدیگر در حادثه برپایی قیامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۷

۷- < عن النبی (ص) فی معنی <الفرع الأكبر> : ان الناس یصاح بهم صیحه واحده فلا یبقی میت إلا نشر و لا حی إلا مات إلا ما شاء الله ثم یصاح بهم صیحه أخرى فینشر من مات و یصفون جمیعاً و تنشق السماء و تهد الأرض و تخز الجبال و تزفر النیران و ترمی بمثل الجبال شرراً فلا یبقی ذو روح إلا ینخلع قلبه و ذکر ذنبه و شغل بنفسه إلا ما شاء الله ؛

از

رسول خدا(ص) روایت شده که در معنای <فزع أكبر> فرمود: به درستی که یک صیحه بر مردم زده می شود که مرده ای نمی ماند، مگر این که زنده می شود و زنده ای نمی ماند، مگر این که می میرد، جز آنچه را که خدا بخواهد. سپس صیحه دیگری بر آنان زده می شود و آنان که مرده اند زنده گشته و همگی به صف کشیده خواهند شد. و آسمان شکافته و زمین در هم کوبیده و کوه ها فرو ریخته و آتش شعله هایی چون کوه برکشد، پس هیچ صاحب روحی نماند، مگر این که [از هراس] دل او کنده شود و گناهان خود را یاد آورد و هر کس به فکر خویش باشد، مگر آنچه را خدا بخواهد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۳ - ۱

۱ - نفخ صور در قیامت ، تنها یک صیحه عظیم و صدای سهمگین است .

و نفخ فی الصور .. . إن کانت إلا صیحه وحده

اسم <کانت> به قرینه مقام که در دو آیه پیش سخن از نفخ صور بود <نفخه> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲

۸ - وجود فاصله میان دو نفخ صور (زمان مرگ همه موجودات جهان و زنده شدن دوباره آنها در قیامت)

و نفخ فی الصور فصعق .. . ثم نفخ فیهِ أُخری

برداشت یاد شده از کلمه <ثم> که می تواند بر تراخی زمانی دلالت کند به دست می آید.

۹ - به پاخاستن ناگهانی موجودات آسمان ها و

زمین ، پس از دومین نفخ صور در قیامت

ثُمَّ نَفْخُ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ

<إِذَا> برای مفاعلات و مفید معنای ناگهانی است و <قیام>، جمع <قائم> (به پاخاسته) است.

۱۰ - تمامی موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور ، در انتظار سرنوشت خود به سر خواهند برد

ثُمَّ نَفْخُ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ

<نظر> (مصدر <ينظرون>) هم به معنای انتظار است و هم به معنای نظر متحیرانه و بهت آمیز. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

۱۱ - نگاه متحیرانه و بهت آمیز موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور در قیامت

ثُمَّ نَفْخُ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ

۱۲ - < قال رسول الله (ص) : > و نَفْخُ فِي الصُّورِ فَصُعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ > قالوا : يا رسول الله من هؤلاء الذين استثنى الله ، قال : جبرئيل و ميكائيل و ملك الموت و اسرائيل و حملة العرش ...

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: <و نفخ فی الصور.. إلا من شاء الله>. [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا! این کسانی که استثنا شده اند چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرئیل، میکائیل، ملک الموت، اسرائیل و حاملان عرش هستند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۳ - ۱

۱ - دمیده شدن یک بار در صور ، در آستانه برپایی قیامت

فَإِذَا نَفْخُ فِي الصُّورِ نَفْخَهُ وَحْدَهُ

مقصود از نفخ صور در این آیه به گفته مفسران نفخ

صور نخست است که نظم موجود جهان را به هم می ریزد. سپس قیامت با نفخ صور دوم برپا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۱

۱ - به هنگام دمیده شدن در صور و متلاشی شدن نظم کنونی زمین و کوه ها ، واقعه قیامت رخ می دهد .

فإذا نفخ في الصور ... و حملت الأرض ... فيومئذ وقعت الواقعة

به گفته مفسران، واژه <واقعه> همانند واژه های <حاقه>، <قارعه>، <غاشیه> و .. در قرآن که بدون موصوف و یا به تقدیر آن آمده است عَلم برای قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۸ - ۱

۱ - آغاز شدن رستاخیز انسان ها ، با دمیده شدن در صور

فإذا نقر في الناقور

<ناقور> به معنای <صور> است (قاموس المحيط و مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۹ - ۲

۲ - لحظه دمیده شدن صور در روز رستاخیز ، آغاز سختی ها و ناگواری ها برای اهل محشر

فإذا نقر في الناقور . فذلك يومئذ يوم عسير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۲

۲ - برپایی قیامت ، همراه با نفخ صور است . *

فإذا جاءت الصاخة

تطبیق <صاخّه> بر قیامت، ممکن است به اعتبار غرشی باشد که از آن در بعضی از آیات دیگر، به نفخ صور یاد شده است.

نقش نفخ صور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون -

۱ - آغاز رستاخیز و زنده شدن دوباره انسان ها با نفخ صور

فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ

ویژگیهای نفخ صور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۸،۹

۸ - وجود فاصله میان دو نفخ صور (زمان مرگ همه موجودات جهان و زنده شدن دوباره آنها در قیامت)

و نَفَخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ .. ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ أُخْرَى

برداشت یاد شده از کلمه <ثُمَّ> که می تواند بر تراخی زمانی دلالت کند به دست می آید.

۹ - به پاخاستن ناگهانی موجودات آسمان ها و زمین ، پس از دومین نفخ صور در قیامت

ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ

<إِذَا> برای مفاجات و مفید معنای ناگهانی است و <قیامت>، جمع <قائم> (به پاخاسته) است.

نفرین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{نفرین}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۱۶

۱۶ نفرین پیامبر (ص) برای نابودی دشمنان خشمگین دین و جامعه ایمانی

قُلْ مَوْتُوا بِغِيظِكُمْ

آثار نفرین موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- ابتلای سامری به مردم گریزی و گریز مردم از وی، پی آمد نفرین موسی (ع) در حق او بود.

إِنَّ لَكَ فِي الْحَيَوه أَنْ تَقُولَ لَمْسَاس

محتمل است <فإنَّ لك في الحياه..> نفرین موسی (ع) در حق سامری باشد، یعنی، آن که سامری به بیماری روحی و یا جسمی خاصی مبتلا گردد، که از مردم بگریزد و مردم نیز از او گریز داشته باشند.

اجابت نفرین

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۶

۶ تضمین استجابت نفرین طرفِ حقّ ، در مباحله

فمن حاجك . . . فقل تعالوا ... نبتهل فنجعل لعنت الله على الكاذبين

اجابت نفرین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۱ - ۱

۱ - اجابت دعای نوح (ع) به درگاه خداوند ، برای انتقام از قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه . . . ففتحنا

استغفار و نفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۶

۱۶ - توأم کردن آموزش خواهی با نفرین به وقت نیایش و دعا به درگاه الهی ، کاری پسندیده و شایسته است .

ربّ اغفر لی و لولدئی . . . و للمؤمنین و المؤمنت و لاتزد الظلمین إلاّ تباراً

حتمیت تحقق نفرین خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۲ - ۶

۶ - ثروت و مقام ، نمی تواند مانع تحقق نفرین خداوند باشد و عذاب او را دفع کند .

ما أغنی عنه ماله و ما کسب

به قرینه آیه بعد، جمله <ما أغنی...> به دفع آتش جهنم نیز نظر دارد.

زمینه نفرین بر گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۸

۸ - نفرین بر ظالمان و گمراه کنندگان جامعه پس از ناامیدی از هدایت آنان کاری پسندیده و روا

و لاتزد الظلمین إلاّ ضللاً

زمینه نفرین خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۱

۱- ناخشنودی کافران از پیام وحی ، باعث حبط اعمال آنان و گرفتار آمدنشان به نفرین الهی

فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم . ذلک بأنّهم کرهوا ما أنزل اللّٰه

بنابراین که <ذالک> اشاره به <فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۲

۲- فسادگری در زمین و گسستن از خویشاوندان ، موجب خشم و نفرین الهی

تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم . أولئک الذین لعنهم اللّٰه

زمینه نفرین ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۸

۸- نفرین بر ظالمان و گمراه کنندگان جامعه پس از ناامیدی از هدایت آنان کاری پسندیده و روا

و لا تزدد الظلمین إلاّ ضللاً

زمینه نفرین موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۲ - ۳

۳- نفرین موسی (ع) به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از هدایت فرعونیان

و إن لم تؤمنوا .. فدعا ربّه أنّ هؤلاء قوم مجرمون

<دعا> در مقام شکایت، دربردارنده درخواست مجازات است.

عجله در نفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۳

۳ - هشدار خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر شتاب نکردن در غضب و نفرین بر مردم و جدا شدن از آنان، مانند شتاب کردن یونس (ع) در این باره

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم

مفسران بر آنند که

این آیه، به داستانی از یونس(ع) اشاره دارد که در سوره <انبیاء> (آیه ۸۷) بیان شده است: <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظن أن لن نقدر عليه فنادى فى الظلمات..>.

عوامل نفرین بر اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۱۱

۱۱ - حضور بی رحمانه اصحاب اخدود برای سوزاندن و تماشای سوختن مؤمنان ، موجب گرفتاری آنان به نفرین خداوند بود .

قتل أصحاب الأخدود .. إذ ... و هم على ما يفعلون بالمؤمنين شهود

فلسفه نفرین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۲،۵

۲ - حفظ دیانت بندگان خدا و صیانت آنان از گمراهی ، فلسفه نفرین و درخواست نوح (ع) از خداوند ، برای نابودی کامل قوم گمراه گر خود

لا تذر على الأرض من الكافرين ديارًا . إنك إن تذرهم يضلوا عبادك

۵ - به وجود آمدن فرزندان کافر و تبه کار در جامعه ، فلسفه نفرین نوح (ع) علیه قوم کافر و گمراه گر خویش

و لا يلدوا إلا فاجراً كفاراً

مشمولان نفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۱۳

۱۳ - دشمنان اسلام و مسلمین ، شایسته لعن و نفرین اند .

هم العدو .. قتلهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۷

۷ - ظالمان و گمراه کنندگان جامعه ، مستحق نفرین اند .

ولا تزد الظلمين إلاّ ضللاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح

۳ - کافران و بت پرستان حق ناپذیر ، مستحق نفرین و نابودی اند .

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

مشمولان نفرین خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۸ - ۱

۱- کافران ، مورد نفرین خداوند و گرفتار ذلّت و خواری

و الذین کفروا فتعسّأ لهم

واژه <تعسّأ> (به معنای لغزیدن و به رو در افتادن) نشانگر ذلّت و خواری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۴

۱۴- منافقان و افراد سست ایمان بیزار از جهاد ، مورد نفرین الهی و سزاوار مرگ

فأولی لهم

<أولی لهم> ممکن است در مقام انشا و نفرین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و یاوه سرا ، مورد نفرین خداوند

قتل الخرزّصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۱۲

قتلهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۴ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان دین ، مورد نفرین و تهدید خداوند به عذاب و نابودی

و لكن کذب و تولی . . . أولى لك فأولی

عبارت <أولی لك فأولی> مانند <ویل لك> برای تهدید و نفرین علیه دیگری به کار می رود و نوعاً کسانی مورد خطاب این جمله قرار می گیرند که در معرض هلاکت اند و بدین وسیله ترغیب می شوند که

خود را از این مهلکه نجات دهند (برگرفته از مفردات راغب و تفاسیر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۵ - ۱،۳

۱ - تکذیب گران دین ، مورد نفرین و تهدید خداوند به عذاب و نابودی

و لکن کذب و تولی ... ثم أولى لك فأولى

گفتنی است که این آیه، تأکید برای آیه پیشین است.

۳ - ابوجهل ، مورد نفرین و تهدید خداوند به عذاب

أولى لك فأولى ثم أولى لك فأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۱

۱ - کافران ، مورد غضب و نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او هستند .

قتل الإنسان ما أكفره

فعل ماضی (قتل الإنسان) برای نفرین بکار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است؛ زیرا معنای حقیقی نفرین، درباره او قابل تصور نیست. <ال> در <الإنسان> به قرینه <فلینظر الإنسان...> در آیات بعد برای ماهیت است و جمله <ما أكفره> نشان می دهد که در نفرین <قتل الإنسان>، تنها کافران مد نظر می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۴ - ۲

۲ - ایجادکنندگان کوره آدم سوزی (اصحاب اخدود) ، مورد نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او

قتل أصحاب الأخدود

فعل <قتل>، برای نفرین به کار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است؛ زیرا معنای حقیقی نفرین درباره خداوند تصور ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۶ - ۳

۳ - اصحاب اخذود ،

به دلیل حضور بی رحمانه خود در مراسم سوزاندن مؤمنان و نشستن و نظاره کردن آن ، گرفتار نفرین خداوند و سزاوار قتل و نابودی شدند .

قتل أصحاب الأُخدود .. إذ هم علیها قعود

کلمه <إذ>، ظرف برای <قتل> و بیانگر نقش آن لحظه در استحقاق نفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۱۱

۱۱ - حضور بی رحمانه اصحاب اخدود برای سوزاندن و تماشای سوختن مؤمنان ، موجب گرفتاری آنان به نفرین خداوند بود .

قتل أصحاب الأُخدود .. إذ ... و هم علی ما يفعلون بالمؤمنین شهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۱ - ۴

۴ - طعن زندگان به مردم با سخن یا اشاره ، مورد نفرین خداوند و تهدید به عذاب جهنم

ویل لكل همزه لمزه

برخی از مفسران، کلمه <ویل> را نفرین دانسته و گفته اند: نفرین در این موارد، همان تهدید به عقاب است. برداشت یاد شده، علاوه بر بیان این نظر، گویای تفاوتی است که برخی از اهل لغت، درباره <همزه> و <لمزه> بیان داشته و گفته اند: <همزه> یعنی، کسی که همنشین خود را با الفاظ بد، بیازارد و <لمزه> یعنی، کسی که با چشم یا سر، به همنشین خود اشاره کند. (مجمع البیان)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۴ - ۱،۴

۱ - برخی از نماز گزاران ، گرفتار نفرین خداوند و سزاوار عذاب و هلاکت اند .

فویل للمصلین

<ویل> که در اصل به معنای عذاب و هلاکت است کلمه ای است

که برای تهدید به عذاب به کار می رود. (لسان العرب) این کلمه نام درّه، یا چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن است (قاموس). مبتدا قرار گرفتن آن با آن که نکره است نشان می دهد که در معنای نفرین به کار رفته است.

۴ - نمازگزاران بی اعتقاد به معاد ، مورد نفرین خداوند

أرءیت الذی یکذّب بالدین .. فویل للمصلّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۱

۱ - ریاکاران ، مورد نفرین خدا بوده و به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

فویل للمصلّین .. الذین هم یراءون

<رائیته> (ماضی <یراءون>)؛ یعنی، خود را بر خلاف آنچه بودم، به او نشان دادم (قاموس). <ریا>؛ یعنی، آشکار ساختن کار خویش برای مردم تا او را ببینند و به او نظر نیکو داشته باشند (مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۱

۱ - کسانی که از عاریه دادن لوازم منزل ، دریغ ورزیده ، احتیاجات مردم را نادیده می گیرند ، گرفتار نفرین خدایند و عذاب جهنم ، فرجام آنان است .

فویل .. و یمنعون الماعون

<ماعون>، عنوان عامی برای اثاثیه منزل، از قبیل دیگ، تبر، و کاسه است (مصباح). این کلمه به معنای کار خیر و باران و آب و هر چیز نافع نیز می آید (قاموس). ریشه آن <معن> (چیزی که کم و آسان باشد) است و برخی اصل آن را <معونه> (ابزار کمک دهنده) دانسته اند. (صحاح اللغه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، با نفرین بر ابولهب ، او را به ضایع ساختن دستاورد ها و تلاش هایش تهدید کرد .

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ

<تَبَّتْ> (مصدر <تَبَّتْ> و <تَبَّ>، یعنی، هلاکت (نهایه ابن اثیر). <تَبَّتْ> و <تَبَّ> به معنای قرار گرفتن دائم در خسارت است (مفردات). <تَبَّتْ يَدَا> یعنی، دست های او ضایع شدند و زیان دیدند (قاموس). زیان دیدن دست، کنایه از هدر رفتن تلاش ها و دستاوردها است.

۲ - ابولهب ، مورد نفرین و تهدید خداوند ، به گرفتاری در هلاکت و فرجامی زیان بار

و تَبَّ

فاعل <تَبَّ>، ابولهب است و نفرین خداوند به شخص او تعلق گرفته است. از آن جا که معنای حقیقی نفرین، درباره خداوند تصور ندارد، مراد تهدید و توبیخ خواهد بود.

موجبات نفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ تمرد و گناه بنی اسرائیل ، موجب نفرین موسی (ع) بر آنان

فأفرق بيننا وبين القوم الفاسقين

موجبات نفرین خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۴ - ۲

۲ - تکذیب دین و روی گردانی عمدی از تعالیم آن ، موجب هلاکت و نفرین الهی است .

و لكن كَذَّبَ وَ تَوَلَّى .. أولی لك فأولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - تکذیب دین و روی گردانی عمدی از تعالیم آن ، موجب هلاکت و نفرین الهی

و لکن کذب و تولی .. ثم اولى لك فأولى

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - سرپیچی از فرمان خداوند ، موجب استحقاق نفرین او

قتل الإنسن .. لَمَا يَقْضِ مَا أَمْرَه

نفرین انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۲

۲- انبیا از هدایت شدن اقوام کافر ناامید شدند و آنان را نفرین کردند .

قالت لهم رسلهم .. و استفتحوا

انبیا پس از ارائه بیّنات و چند گفت و گو با کافران و تهدید شدن از سوی آنان و اعلام تهدید خداوند، از خداوند طلب پیروزی برای خویش کردند و این نشانگر این است که آنان امیدی به هدایت اقوام خویش نداشتند.

نفرین بر ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۵ - ۳

۳- ابوجهل ، مورد نفرین و تهدید خداوند به عذاب

أولى لك فأولى ثم أولى لك فأولى

نفرین بر ابو لهب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۱ - ۲، ۱

۱ - خداوند ، با نفرین بر ابولهب ، او را به ضایع ساختن دستاورد ها و تلاش هایش تهدید کرد .

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ

<تَبَّ> (مصدر <تَبَّتْ> و <تَبَّ>)؛ یعنی، هلاکت (نهایه ابن اثیر). <تَبَّ> و <تَبَّأُ> به معنای قرار گرفتن دائم در خسارت است (مفردات). <تَبَّتْ يَدَاهُ>؛ یعنی، دست های او ضایع شدند و زیان دیدند (قاموس). زیان دیدن دست، کنایه از هدر رفتن تلاش ها و دستاوردها است.

۲- ابولهب، مورد نفرین و تهدید خداوند، به گرفتاری در هلاکت و

فاعل <تَبَّ>، ابولهب است و نفرین خداوند به شخص او تعلق گرفته است. از آن جا که معنای حقیقی نفرین، درباره خداوند تصور ندارد؛ مراد تهدید و توبیخ خواهد بود.

نفرین بر استهزاگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۱ - ۴

۴ - طعن زندگان به مردم با سخن یا اشاره، مورد نفرین خداوند و تهدید به عذاب جهنم

ویل لکل همزه لمزه

برخی از مفسران، کلمه <ویل> را نفرین دانسته و گفته اند: نفرین در این موارد، همان تهدید به عقاب است. برداشت یاد شده، علاوه بر بیان این نظر، گویای تفاوتی است که برخی از اهل لغت، درباره <همزه> و <لمزه> بیان داشته و گفته اند: <همزه> یعنی، کسی که همنشین خود را با الفاظ بد، بیازارد و <لمزه> یعنی، کسی که با چشم یا سر، به همنشین خود اشاره کند. (مجمع البیان)

نفرین بر اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۱

۱ خداوند، دعای موسی و هارون (ع)، علیه فرعون و اطرافیانش را مستجاب کرد.

قال قد أجیبت دعوتکما

نفرین بر اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۴ - ۲

۲- ایجادکنندگان کوره آدم سوزی (اصحاب اخدود)، مورد نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او

قتل أصحاب الأخدود

فعل <قتل>، برای نفرین به کار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است؛ زیرا معنای حقیقی نفرین درباره خداوند تصور ندارد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۶ - ۳

۳ - اصحاب اخدود ، به دلیل حضور بی رحمانه خود در مراسم سوزاندن مؤمنان و نشستن و نظاره کردن آن ، گرفتار نفرین خداوند و سزاوار قتل و نابودی شدند .

قتل أصحاب الأخدود .. إذ هم عليها قعود

کلمه <إذ>، ظرف برای <قتل> و بیانگر نقش آن لحظه در استحقاق نفرین است.

نفرین بر اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۲

۲- انبیا از هدایت شدن اقوام کافر ناامید شدند و آنان را نفرین کردند .

قالت لهم رسلهم .. و استفتحوا

انبیا پس از ارائه بینات و چند گفت و گو با کافران و تهدید شدن از سوی آنان و اعلام تهدید خداوند، از خداوند طلب پیروزی برای خویش کردند و این نشانگر این است که آنان امیدی به هدایت اقوام خویش نداشتند.

نفرین بر بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۴،۳

۳ - کافران و بت پرستان حق ناپذیر ، مستحق نفرین و نابودی اند .

وقال نوح رب لاتذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

وقال نوح رب لاتذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

نفرین بر بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۱

۱ - کسانی که از عاریه دادن لوازم منزل ، دریغ ورزیده ، احتیاجات

مردم را نادیده می گیرند، گرفتار نفرین خدایند و عذاب جهنم، فرجام آنان است .

فویل .. و یمنعون الماعون

<ماعون>، عنوان عامی برای اثاثیه منزل، از قبیل دیگ، تیر، و کاسه است (مصباح). این کلمه به معنای کار خیر و باران و آب و هر چیز نافع نیز می آید (قاموس). ریشه آن <معن> (چیزی که کم و آسان باشد) است و برخی اصل آن را <معونه> (ابزار کمک دهنده) دانسته اند. (صحاح اللغه)

نفرین بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۹،۱۲

۹ نفرین موسی (ع) بر قوم خویش با درخواست محروم شدن آنان از فیض وجود او و برادرش هارون

فأفرق بیننا و بین القوم الفسقین

۱۲ - تمرد و گناه بنی اسرائیل، موجب نفرین موسی (ع) بر آنان

فأفرق بیننا و بین القوم الفسقین

نفرین بر تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - منافقان و افراد سست ایمان بیزار از جهاد، مورد نفرین الهی و سزاوار مرگ

فأولی لهم

<أولی لهم> ممکن است در مقام انشا و نفرین باشد.

نفرین بر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و یاوه سرا ، مورد نفرین خداوند

قتل الخَرَصون

نفرین بر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئك الذين

لعنهم الله

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۳،۴

۳ - کافران و بت پرستان حق ناپذیر، مستحق نفرین و نابودی اند.

و قال نوح رب لا تذر علی الأرض من الکفرین دیارًا

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح رب لا تذر علی الأرض من الکفرین دیارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ - مؤمنان نمی توانند در برابر جامعه خویش بی تفاوت باشند؛ بلکه باید برای دوستان و همکیشان خود، خیرخواه و نسبت به کافران و دشمنان اصلاح ناپذیر، آرزوی نابودی کنند.

رب اغفر لی... و للمؤمنین و المؤمنات و لاترد الظلمین إلا تبارًا

برداشت یاد شده، از دعای خیر نوح(ع) برای مؤمنان و نفرین علیه کافران و دشمنان دعوتش، استفاده می شود.

نفرین بر دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۱۶

۱۶ نفرین پیامبر (ص) برای نابودی دشمنان خشمگین دین و جامعه ایمانی

قل موتوا بغيظکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - مؤمنان نمی توانند در برابر جامعه خویش بی تفاوت باشند ؛ بلکه باید برای دوستان و همکیشان خود ، خیرخواه و نسبت به کافران

و دشمنانِ اصلاح ناپذیر، آرزوی نابودی کنند .

رَبِّ اغْفِرْ لِي .. و للمؤمنين و المؤمنات و لا تزد الظالمين إلا تبارًا

برداشت یاد شده، از دعای خیر نوح(ع) برای مؤمنان و نفرین علیه کافران و دشمنان دعوتش، استفاده می شود.

نفرین بر دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۱۳

۱۳ - دشمنان اسلام و مسلمین ، شایسته لعن و نفرین اند .

هم العدو .. قتلهم الله

نفرین بر ریاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۱

۱ - ریاکاران ، مورد نفرین خدا بوده و به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

فویل للمصلين .. الذين هم يراءون

<رائيته> (ماضی <یراءون>)؛ یعنی، خود را بر خلاف آنچه بودم، به او نشان دادم (قاموس). <ریا>؛ یعنی، آشکار ساختن کار خویش برای مردم تا او را ببینند و به او نظر نیکو داشته باشند (مصباح).

نفرین بر سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۳

۳ - ابتلای سامری به مردم گریزی و گریز مردم از وی ، پی آمد نفرین موسی (ع) در حق او بود .

إن لك في الحيوة أن تقول لامساس

محمّل است <فإنّ لك في الحياه..> نفرين موسى(ع) در حق سامري باشد، يعنى، آن كه سامري به بيمارى روحى و يا جسمى خاصى مبتلا گردد، كه از مردم بگريزد و مردم نيز از او گريز داشته باشند.

نفرين بر سست ايمانان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد -

۱۴- منافقان و افراد سست ایمان بیزار از جهاد ، مورد نفرین الهی و سزاوار مرگ

فأولی لهم

<أولی لهم> ممکن است در مقام انشا و نفرین باشد.

نفرین بر طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۱ - ۳

۳ - طغیان گران ، مورد نفرین پیروانشان در دوزخ

قالوا ربنا من قدم لنا هذا فزده عذاباً ضعفاً فی النار

نفرین بر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۶

۶ ریشه کن شدن نسل ظالمان، نفرینی الهی بر آنان است.

فقطع دابر القوم الذین ظلموا

اگر جمله <فقطع دابر> انشایی باشد، نفرینی است در حق ظالمان در تمامی تاریخ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۷

۷ - ظالمان و گمراه کنندگان جامعه ، مستحق نفرین اند .

ولا تزد الظلمین إلاّ ضللاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - درخواست نوح (ع) از درگاه الهی، مبنی بر افزودن هلاکت و بدبختی ستمگران حق ناپذیر

و لا تزدد الظلمین إلا تباراً

<تبار>، به معنای هلاکت و نابودی است.

۱۵ - ظالمان حق ناپذیر، مستحق نفرین و نابودی اند.

و لا تزدد الظلمین إلا تباراً

نفرین بر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۱

۱ خداوند، دعای موسی و هارون (ع)، علیه فرعون و اطرافیانش را مستجاب کرد.

قال قد أجیبت دعوتکما

نفرین بر قاطع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئك الذين لعنهم الله

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

نفرین بر قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۵

۵- نوح (ع)، خواستار نزول عذاب بر کافران و نجات خود و مؤمنان از آن عذاب

فافتح بيني... و نجني و من معي من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۶،۷

۶- نوح (ع)، خواهان انتقام الهی از قوم حق ستیز خویش

أني مغلوب فانتصر

مفسران <فانتصر> را به معنای <فانتقم> دانسته اند.

۷- <عن أبي جعفر (ع)... قال... فلبث فيهم نوح ألف سنة إلا خمسين عاماً يدعوهم سرّاً و علانیه فلما أبوا و عتوا قال

> ربّ أئی مغلوب فانتصر < ;

از امام باقر(ع) روایت شده که... فرمود: ...نوح(ع) در میان قوم خود هزار سال پنجاه سال کم توقف نمود و قومش را در نهمان و آشکار [به توحید] دعوت کرد. پس چون آنان ابا کرده و سرکشی نمودند، گفت: پروردگارا! من مغلوب هستم، انتقام مرا [از این قوم طغیان گر] بگیر.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۲

- حفظ دیانت بندگان خدا و صیانت آنان از گمراهی ، فلسفه نفرین و درخواست نوح (ع) از خداوند ، برای نابودی کامل قوم گمراه گر خود

لا تذر علی الأرض من الکفرین ديارًا . إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ

نفرین بر قوم یونس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۵

۵ - یونس (ع) ، در غضب و نفرین کردن بر قوم خویش شتاب کرد .

و لا تکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم

نفرین بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۸ - ۱

۱- کافران ، مورد نفرین خداوند و گرفتار ذلت و خواری

و الذین کفروا فتعسًا لهم

واژه <تعسًا> (به معنای لغزیدن و به رو در افتادن) نشانگر ذلت و خواری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۱

۱- ناخشنودی کافران از پیام وحی ، باعث حبط اعمال آنان و گرفتار آمدنشان به نفرین الهی

فتعسًا لهم و أضلّ أعمالهم . ذلک بأنهم کرهوا ما أنزل الله

بنابراین که <ذلک> اشاره به <فتعسًا لهم و أضلّ أعمالهم> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و یاوه سرا ، مورد نفرین خداوند

قتل الخزّصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۱،۳،۴

۱ - درخواست نوح (ع) از درگاه پروردگار مبنی بر نابودی تمامی کافران و

مشرکان حق ناپذیر عصر خود و قطع نسل آنان

و قال نوح رب لاتذر علی الأرض من الکفرین دیارًا

واژه <دیار>، همواره پس از نفی قرار می گیرد و شامل همه انسان ها می شود.

۳ - کافران و بت پرستان حق ناپذیر ، مستحق نفرین و نابودی اند .

و قال نوح رب لاتذر علی الأرض من الکفرین دیارًا

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح رب لاتذر علی الأرض من الکفرین دیارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ - مؤمنان نمی توانند در برابر جامعه خویش بی تفاوت باشند ؛ بلکه باید برای دوستان و همکیشان خود ، خیرخواه و نسبت به کافران و دشمنان اصلاح ناپذیر ، آرزوی نابودی کنند .

رب اغفر لی .. و للمؤمنین و المؤمنات و لاتزد الظلمین إلا تبارًا

برداشت یاد شده، از دعای خیر نوح(ع) برای مؤمنان و نفرین علیه کافران و دشمنان دعوتش، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۱

۱ - کافران ، مورد غضب و نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او هستند .

قتل الإنسن ما أكفرة

فعل ماضی (قتل الإنسان) برای نفرین بکار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است ؛ زیرا معنای حقیقی نفرین، درباره او قابل تصور نیست. <ال> در <الإنسان> به قرینه <فلینظر الإنسان...> در آیات بعد برای ماهیت است و جمله <ما أكفرة> نشان می دهد که در نفرین <قتل

الإنسان >، تنها کافران مد نظر می باشند.

نفرین بر گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۷

۷ - ظالمان و گمراه کنندگان جامعه ، مستحق نفرین اند .

و لا تزدد الظلمين إلاّ ضللاً

نفرین بر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۷ - ۱

۱ - دروغ پردازان گناه پیشه ، مورد نفرین و تهدید خداوند

ویل لكلّ أفاك أثيم

نفرین بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۸

۸ توهین و نفرین برخی از یهودیان به پیامبر (ص) در ضمن سخن با آن حضرت

من الذين هادوا .. واسمع غير مسمع

>غیر مسمع< در برداشت فوق به معنای انشایی آن گرفته شده است. و مفهوم آن چنین است: خدا تو را کر و ناشنوا قرار دهد. و یا: خدا تو را نفهم گرداند.

نفرین بر مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۳۰ - ۹

۹ نفرین خداوند به یهود و نصارا ، به خاطر سخنان کفرآمیزشان

قتلهم الله أنى يؤفكون

نفرین بر مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئك الذين لعنهم الله

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

نفرین بر مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۴ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان دین ، مورد نفرین و تهدید خداوند به عذاب و نابودی

و لکن کذب و تولی ... اولی لک فأولی

عبارت <أولی لک فأولی> مانند <ویل لک> برای تهدید و نفرین علیه دیگری به کار می رود و نوعاً کسانی مورد خطاب این جمله قرار می گیرند که در معرض هلاکت اند و بدین وسیله ترغیب می شوند که خود را از این مهلکه نجات دهند (بر گرفته از مفردات راغب و تفاسیر).

نفرین بر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۸

۸ منافقان روی گردان از آیات الهی قرآن ، مورد نفرین خداوند

ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <صرف الله قلوبهم> خبر در مقام انشا بوده و برای نفرین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۴

۱۴- منافقان و افراد سست ایمان بیزار از جهاد ، مورد نفرین الهی و سزاوار مرگ

فأولی لهم

<أولی لهم> ممکن است در مقام انشا و نفرین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۱۲

۱۲ - منافقان ، مورد لعن و نفرین سخت خداوند

قتلهم الله

نفرین بر نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۴ - ۱

۱ - برخی از نماز گزاران ، گرفتار نفرین خداوند و سزاوار عذاب و هلاکت اند .

فویل للمصلین

<ویل> که در اصل به معنای عذاب و هلاکت است

کلمه ای است که برای تهدید به عذاب به کار می رود. (لسان العرب) این کلمه نام درّه، یا چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن است (قاموس). مبتدا قرار گرفتن آن با آن که نکره است نشان می دهد که در معنای نفرین به کار رفته است.

نفرین بر نماز گزاران بی ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۴ - ۴

۴ - نماز گزاران بی اعتقاد به معاد ، مورد نفرین خداوند

أرءیت الذی یکذب بالذین .. فویل للمصلین

نفرین بر یاوه گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و یاوه سرا ، مورد نفرین خداوند

قتل الخزّصون

نفرین بر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳۳، ۵، ۴

۴ درماندگی و ناتوانی همیشگی یهود ، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیهم

۵ گرفتاری یهودیان به بخل و خودداری آنان از انفاق و یاری دیگران ، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیهم

جمله <ینفق کیف یشاء> دلالت می کند که از مصادیق مورد نظر در نفرین الهی بر یهود (غلت ایدیهم) بسته بودن دست آنها از انفاق و بخیل گشتن آنهاست.

۳۳ ناکامی یهود در جنگ افروزی های خود علیه مسلمانان ، نمود ناتوانی آنان بر اثر نفرین خداوند

غلت ایدیهم .. کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <کلما اوقدوا ..> بیان نتیجه ای برای <غلت ایدیهم> باشد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۹

۹ نفرین خداوند به یهود و نصارا ، به خاطر سخنان کفرآمیزشان

قتلهم الله أنى يؤفكون

نفرین به دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۷ - ۱

۱ - دروغ پردازان گناه پیشه ، مورد نفرین و تهدید خداوند

ویل لكل أفاك أثيم

نفرین پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۱ - ۳

۳ - طغیان گران ، مورد نفرین پیروانشان در دوزخ

قالوا ربنا من قدم لنا هذا فزده عذاباً ضعفاً فى النار

نفرین خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۴،۵،۳۳

۴ درماندگی و ناتوانی همیشگی یهود ، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیهم

۵ گرفتاری یهودیان به بخل و خودداری آنان از انفاق و یاری دیگران ، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیهم

جمله <ینفق کیف یشاء> دلالت می کند که از مصادیق مورد نظر در نفرین الهی بر یهود (غلت ایدیهم) بسته بودن دست آنها از انفاق و بخیل گشتن آنهاست.

۳۳ ناکامی یهود در جنگ افروزی های خود علیه مسلمانان ، نمود ناتوانی آنان بر اثر نفرین خداوند

غلت ایدیهم .. . کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <کلما اوقدوا .. .> بیان نتیجه ای برای <غلت ایدیهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۶

۶ ریشه کن شدن نسل ظالمان، نفرینی الهی بر آنان است.

فقط دابر القوم الذین

اگر جمله <فقط دابر> انشایی باشد، نفرینی است در حق ظالمان در تمامی تاریخ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۷ - ۱

۱ - دروغ پردازان گناه پیشه ، مورد نفرین و تهدید خداوند

ویل لكل أفاك أثيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۴ - ۳

۳ - > عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی قال : سألت محمّداً بن علیّ الرضا (ع) عن قوله عزّوجلّ : > أولى لك فأولى . ثمّ أولى لك فأولى < قال : يقول الله عزّوجلّ : بعداً لك من خير الدنيا بعداً ، و بعداً لك من خير الآخرة ;

عبدالعظیم حسنی گویند: از امام جواد(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ: >أولى لك فأولى . ثمّ أولى لك فأولى < سؤال کردم: فرمود: خدای عزّوجلّ می فرماید: دوری باد تو را از خیر دنیا و دوری باد تو را از خیر آخرت.<

نفرین قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۱

۱ - درخواست نوح (ع) از درگاه پروردگار مبنی بر نابودی تمامی کافران و مشرکان حق ناپذیر عصر خود و قطع نسل آنان

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الكفرین دياراً

واژه <ديار>، همواره پس از نفی قرار می گیرد و شامل همه انسان ها می شود.

نفرین محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۱۶

۱۶ نفرین پیامبر (ص) برای نابودی دشمنان خشمگین دین و جامعه ایمانی

قل موتوا

بغیظکم

نفرین مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۵ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ، مورد نفرین و تهدید خداوند به عذاب و نابودی

و لکن کذب و تولی . . . ثم اولى لك فأولى

گفتنی است که این آیه، تأکید برای آیه پیشین است.

نفرین موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۹،۱۲

۹ نفرین موسی (ع) بر قوم خویش با درخواست محروم شدن آنان از فیض وجود او و برادرش هارون

فأفرق بیننا و بین القوم الفسقین

۱۲ - تمرد و گناه بنی اسرائیل ، موجب نفرین موسی (ع) بر آنان

فأفرق بیننا و بین القوم الفسقین

نفرین نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۵

۵ - نوح (ع) ، خواستار نزول عذاب بر کافران و نجات خود و مؤمنان از آن عذاب

فافتح بینی . . . و نجّنی و من معی من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- نوح (ع) ، علیه قوم خود به درگاه الهی نفرین کرده ، یاری طلبید .

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون

آیه بعد در پاسخ به ندای نوح(ع)، مسأله نجات آن حضرت و خاندانش را از عذاب الهی مطرح می کند. از این مطلب به دست می آید که آنچه آن حضرت از خدا خواسته است، نفرینی بود علیه قوم خود. آیه ۲۶ سوره <مؤمنون> (قال رب انصرنی بما کذبون)

مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۶،۷

۶- نوح (ع) ، خواهان انتقام الهی از قوم حق ستیز خویش

اُنّی مغلوب فانتصر

مفسران <فانتصر> را به معنای <فانتقم> دانسته اند.

۷- > عن أبي جعفر (ع) ... قال : ... فلبث فيهم نوح ألف سنة إلا خمسين عاماً يدعوهم سرّاً و علانیه فلما أبوا و عتوا قال > ربّ اُنّی مغلوب فانتصر < ;

از امام باقر(ع) روایت شده که .. فرمود: ...نوح(ع) در میان قوم خود هزار سال پنجاه سال کم توقف نمود و قومش را در نهران و آشکار [به توحید] دعوت کرد. پس چون آنان ابا کرده و سرکشی نمودند، گفت: پروردگارا! من مغلوب هستم، انتقام مرا [از این قوم طغیان گر] بگیر.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۱

۱- درخواست نوح (ع) از درگاه پروردگار مبنی بر نابودی تمامی کافران و مشرکان حق ناپذیر عصر خود و قطع نسل آنان

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّاراً

واژه <دیّار>، همواره پس از نفی قرار می گیرد و شامل همه انسان ها می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۱۳

۱۳- > عن صالح بن میثم قال : قلت لأبي جعفر (ع) : ما كان علم نوح (ع) حين دعا قومه إنهم لا يلدوا إلا فاجراً كفاراً فقال : أما سمعتَ قولَ

اللّٰهُ نُوحٍ : < إِنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ > ;

صالح بن میثم گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: نوح(ع) هنگامی که قوم خود را دعوت می کرد از کجا آگاه بود که اولاد آن قوم، غیر از بدکار و کافر به دنیا نمی آیند؟ امام فرمود: آیا سخن خداوند را به نوح نشنیده ای که فرمود: (إِنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ).<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ - درخواست نوح (ع) از درگاه الهی ، مبنی بر افزودن هلاکت و بدبختی ستمگران حق ناپذیر

و لا تزد الظلمین إلا تبارًا

<تبار>، به معنای هلاکت و نابودی است.

نفرین یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۳،۴،۵

۳ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر شتاب نکردن در غضب و نفرین بر مردم و جدا شدن از آنان ، مانند شتاب کردن یونس (ع) در این باره

و لا تکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم

مفسران بر آنند که این آیه، به داستانی از یونس(ع) اشاره دارد که در سوره <انبیاء> (آیه ۸۷) بیان شده است: <و ذاالتون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أنّ لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات...>.

۴ - شتاب کردن یونس (ع) در نفرین علیه قومش ، غیر قابل تحسین و الگوگیری برای پیامبر (ص)

و لا تکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم

۵ - یونس (ع) ، در غضب و نفرین کردن بر قوم

خویش شتاب کرد .

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم

هارون(ع) و نفرین بر اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۲

۲ هارون (ع) با موسی (ع) ، در دعا علیه فرعون و اطرافیانش ، همراه و شریک بود .

دعوتکما

هارون(ع) و نفرین بر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۲

۲ هارون (ع) با موسی (ع) ، در دعا علیه فرعون و اطرافیانش ، همراه و شریک بود .

دعوتکما

نفرین خدا

حتمیت تحقق نفرین خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۲ - ۶

۶ - ثروت و مقام ، نمی تواند مانع تحقق نفرین خداوند باشد و عذاب او را دفع کند .

ما أغنی عنه ماله و ما کسب

به قرینه آیه بعد، جمله <ما أغنی...> به دفع آتش جهنم نیز نظر دارد.

زمینه نفرین خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۱

۱- ناخشنودی کافران از پیام وحی ، باعث حبط اعمال آنان و گرفتار آمدنشان به نفرین الهی

فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم . ذلک بأنّهم کرهوا ما أنزل اللّٰه

بنابراین که <ذلک> اشاره به <فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۲

۲- فسادگری در زمین و گسستن از خویشاوندان ، موجب خشم

و نفرین الهی

تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم . أولئک الذین لعنهم الله

مشمولان نفرین خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۸ - ۱

۱- کافران ، مورد نفرین خداوند و گرفتار ذلت و خواری

و الذین کفروا فتعسًا لهم

واژه <تعسًا> (به معنای لغزیدن و به رو در افتادن) نشانگر ذلت و خواری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۴

۱۴- منافقان و افراد سست ایمان بیزار از جهاد ، مورد نفرین الهی و سزاوار مرگ

فأولی لهم

<أولی لهم> ممکن است در مقام انشا و نفرین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و یاوه سرا ، مورد نفرین خداوند

قتل الخرزّصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۱۲

۱۲ - منافقان ، مورد لعن و نفرین سخت خداوند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۴ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان دین ، مورد نفرین و تهدید خداوند به عذاب و نابودی

و لکن کذب و تولی . . . أولى لك فأولى

عبارت <أولى لك فأولى> مانند <ویل لك> برای تهدید و نفرین علیه دیگری به کار می رود و نوعاً کسانی مورد خطاب این جمله قرار می گیرند که در معرض هلاکت اند و بدین وسیله ترغیب می شوند که خود را از این مهلکه نجات دهند (برگرفته از مفردات راغب و تفاسیر).

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۵ - ۱،۳

۱ - تکذیب گران دین ، مورد نفرین و تهدید خداوند به عذاب و نابودی

و لکن کذب و تولی .. ثم أولى لک فأولی

گفتنی است که این آیه، تأکید برای آیه پیشین است.

۳ - ابوجهل ، مورد نفرین و تهدید خداوند به عذاب

أولی لک فأولی ثم أولى لک فأولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۱

۱ - کافران ، مورد غضب و نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او هستند .

قتل الإنسان ما أکفره

فعل ماضی (قتل الإنسان) برای نفرین بکار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است زیرا معنای حقیقی نفرین، درباره او قابل تصور نیست. <ال> در <الإنسان> به قرینه <فلینظر الإنسان...> در آیات بعد برای ماهیت است و جمله <ما أکفره> نشان می دهد که در نفرین <قتل الإنسان>، تنها کافران مد نظر می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۴ - ۲

۲ - ایجادکنندگان کوره آدم سوزی (اصحاب اخدود) ، مورد نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او

قتل أصحاب الأخدود

فعل <قتل>، برای نفرین به کار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است زیرا معنای حقیقی نفرین درباره خداوند تصور ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - اصحاب اخدود ، به دلیل حضور بی رحمانه خود در مراسم سوزاندن مؤمنان و نشستن و نظاره کردن آن

، گرفتار نفرین خداوند و سزاوار قتل و نابودی شدند .

قتل أصحاب الأُخدود .. إذ هم علیها قعود

کلمه <إذ>، ظرف برای <قتل> و بیانگر نقش آن لحظه در استحقاق نفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۱۱

۱۱ - حضور بی رحمانه اصحاب اخدود برای سوزاندن و تماشای سوختن مؤمنان ، موجب گرفتاری آنان به نفرین خداوند بود

قتل أصحاب الأُخدود .. إذ ... و هم علی ما يفعلون بالمؤمنین شهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۱ - ۴

۴ - طعن زندگان به مردم با سخن یا اشاره ، مورد نفرین خداوند و تهدید به عذاب جهنم

ویل لكل همزه لمزه

برخی از مفسران، کلمه <ویل> را نفرین دانسته و گفته اند: نفرین در این موارد، همان تهدید به عقاب است. برداشت یاد شده، علاوه بر بیان این نظر، گویای تفاوتی است که برخی از اهل لغت، درباره <همزه> و <لمزه> بیان داشته و گفته اند: <همزه> یعنی، کسی که همنشین خود را با الفاظ بد، بیازارد و <لمزه> یعنی، کسی که با چشم یا سر، به همنشین خود اشاره کند. (مجمع البیان)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۴ - ۱،۴

۱ - برخی از نماز گزاران ، گرفتار نفرین خداوند و سزاوار عذاب و هلاکت اند .

فویل للمصلین

<ویل> که در اصل به معنای عذاب و هلاکت است کلمه ای است که برای تهدید به عذاب به کار می رود. (لسان العرب)
این کلمه نام درّه، یا

چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن است (قاموس). مبتدا قرار گرفتن آن با آن که نکره است نشان می دهد که در معنای نفرین به کار رفته است.

۴ - نمازگزاران بی اعتقاد به معاد ، مورد نفرین خداوند

أرءیت الذی یکذب بالذین .. فویل للمصلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۱

۱ - ریاکاران ، مورد نفرین خدا بوده و به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

فویل للمصلین .. الذین هم یراءون

<رائیته> (ماضی <یراءون>)؛ یعنی، خود را بر خلاف آنچه بودم، به او نشان دادم (قاموس). <ریا>؛ یعنی، آشکار ساختن کار خویش برای مردم تا او را ببینند و به او نظر نیکو داشته باشند (مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۱

۱ - کسانی که از عاریه دادن لوازم منزل ، دریغ ورزیده ، احتیاجات مردم را نادیده می گیرند ، گرفتار نفرین خداوند و عذاب جهنم ، فرجام آنان است .

فویل .. و یمنعون الماعون

<ماعون>، عنوان عامی برای اثاثیه منزل، از قبیل دیگ، تبر، و کاسه است (مصباح). این کلمه به معنای کار خیر و باران و آب و هر چیز نافع نیز می آید (قاموس). ریشه آن <معن> (چیزی که کم و آسان باشد) است و برخی اصل آن را <معونه> (ابزار کمک دهنده) دانسته اند. (صحاح اللغه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۱ - ۲، ۱

۱ - خداوند ، با نفرین بر ابولهب ، او

را به ضایع ساختن دستاورد ها و تلاش هایش تهدید کرد .

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ

<تَبَّ> (مصدر <تَبَّتْ> و <تَبَّ>) یعنی، هلاکت (نهایه ابن اثیر). <تَبَّ> و <تَبَّأْتُ> به معنای قرار گرفتن دائم در خسارت است (مفردات). <تَبَّتْ يَدَاهُ> یعنی، دست های او ضایع شدند و زیان دیدند (قاموس). زیان دیدن دست، کنایه از هدر رفتن تلاش ها و دستاوردها است.

۲- ابولهب ، مورد نفرین و تهدید خداوند ، به گرفتاری در هلاکت و فرجامی زیان بار

و تَبَّ

فاعل <تَبَّ>، ابولهب است و نفرین خداوند به شخص او تعلق گرفته است. از آن جا که معنای حقیقی نفرین، درباره خداوند تصور ندارد، مراد تهدید و توبیخ خواهد بود.

موجبات نفرین خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۴ - ۲

۲ - تکذیب دین و روی گردانی عمدی از تعالیم آن ، موجب هلاکت و نفرین الهی است .

و لکن کَذَّبَ و تَوَلَّى .. . أُولَى لَكَ فَأُولَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۵ - ۲

۲ - تکذیب دین و روی گردانی عمدی از تعالیم آن ، موجب هلاکت و نفرین الهی

و لکن کَذَّبَ و تَوَلَّى .. . ثُمَّ أُولَى لَكَ فَأُولَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - سرپیچی از فرمان خداوند ، موجب استحقاق نفرین او

قتل الإنسان .. لَمَّا يَقْضِ مَا أَمْرَهُ

نفرین خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۴،۵،۳۳

۴ درماندگی و

ناتوانی همیشگی یهود ، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیه‌م

۵ گرفتاری یهودیان به بخل و خودداری آنان از انفاق و یاری دیگران ، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیه‌م

جمله <ینفق کیف یشاء> دلالت می کند که از مصادیق مورد نظر در نفرین الهی بر یهود (غلت ایدیه‌م) بسته بودن دست آنها از انفاق و بخیل گشتن آنهاست.

۳۳ ناکامی یهود در جنگ افروزی های خود علیه مسلمانان ، نمود ناتوانی آنان بر اثر نفرین خداوند

غلت ایدیه‌م .. . کَلِمَا اَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ اِطْفَاؤها اللّٰه

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <کَلِمَا اَوْقَدُوا .. .> بیان نتیجه ای برای <غلت ایدیه‌م> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۶

۶ ریشه کن شدن نسل ظالمان، نفرینی الهی بر آنان است.

فَقَطَعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ ظَلَمُوا

اگر جمله <فَقَطَعَ دَابِرَ> انشایی باشد، نفرینی است در حق ظالمان در تمامی تاریخ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۷ - ۱

۱ - دروغ پردازان گناه پیشه ، مورد نفرین و تهدید خداوند

وَيَلْ لِكُلِّ اَفَّاكٍ اٰثِيْمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۴ - ۳

۳ - > عن عبدالعظیم بن عبداللہ الحسنی قال : سألت محمّداً بن علیّ الرضا (ع) عن قوله عزّوجلّ : > أولى لك فأولى . ثمّ أولى لك فأولى < قال : يقول الله عزّوجلّ : بُعداً لك من خير الدنيا بُعداً ، و بُعداً لك من خير الآخرة ;

عبدالعظیم حسنی گوید: از امام جواد(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ: >أولى

لک فأولی . ثم أولى لک فأولی < سؤال کردم / فرمود: خدای عزوجل می فرماید: دوری باد تو را از خیر دنیا و دوری باد تو را از خیر آخرت >.

نفرین شدگان

{نفرین شدگان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ پندار فرزند داشتن خدا، انحراف از مسیر حق بوده و معتقدان به آن، گرفتار لعن و نفرین خدا خواهند بود.

ولا یدینون دین الحق... و قالت الیهود عزیز ابن الله... قتلهم الله انی یوفکو

نفس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نفس

آثار وسوسه نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۲،۳

۲ وسوسه های نفسانی قابیل، کشتن برادر را بر او هموار ساخت.

فطوعت له نفسه

<طوعت> از مصدر <تطویع> به معنای <تسهیل> و نیز <متابعت> است. برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

۳ وسوسه های نفسانی قابیل، وادار کننده وی به کشتن هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

آثار هوای نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ حسد و هوای نفس آدمی ، جلوگیری از پندپذیری و عاقبت اندیشی

انی اخاف الله رب العلمین انی ارید .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱

۱ - هوای نفس ، معبود و خدای گروهی از مردمان

أفرءیت من اتخذ إلهه هویه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ -

۳ نفس آدمی ، دارای انگیزش های منفی و مرموز

و نعلم ما توسوس به نفسه

<وسوسه> (مصدر <توسوس>) در اصل به معنای صدای آهسته است و در این جا کنایه از خواطر مذموم و ناپسند می باشد.

۴ انکار معاد ، ناشی از وسوسه های مرموز نفس و نه نارسایی برهان آن *

بل هم فی لبس من خلق جدید .. و نعلم ما توسوس به نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳ - ۵

۵ - هوای نفس ، منشأ اصلی سخنان باطل و القای مفاهیم گمراه کننده

و ما ینطق عن الهوی

از این که <الهوی> به خصوص نفی گشته و عوامل دیگر یاد نشده است، مطلب بالا استفاده می شود.

آرامش اخروی صاحبان نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۲،۱

۱ - برخی از انسان ها در قیامت ، نفسی آرام و فارغ از دغدغه خاطر ، خواهند داشت .

يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ

اطمینان نفس، سکونت و آرامش و زوال وحشت آن است. (العین)

۲ - خداوند ، با انسان هایی که در قیامت روحی آرام و تسکین یافته دارند ، سخن خواهد گفت آنان را بر این آرامش خواهد ستود .

يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ

خطابی که در این آیه وجود دارد، به قرینه آیات پیشین که ترسیم کننده صحنه قیامت بود خطابی است که در قیامت صادر خواهد شد. توصیف مخاطب به <مطمئن>، نشان می دهد که اطمینان در همان صحنه مورد نظر است.

ارزش نفس لوامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- قیامه - ۷۵ - ۲ - ۴

۴ - انسان های دارای نفس لَوَّامه ، بسی ارجمند در پیشگاه خداوند

و لا اُقْسَمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ

اطاعت از هوای نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۵

۱۵ پیروان هوای نفس ، در معرض خسارت و زیان

فطوعت له نفسه قتل اخيه فقتله فاصبح من الخسرین

انبیا و نفس اماره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۹

۹ پیامبران با توفیق خدا و شمول رحمتش بر آنان ، از ارتکاب گناهان مصون مانده و از خطر نفس اماره رهایی می یابند .

إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي

اهمیت حفظ نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۹

۹ لزوم دوری جستن از مهلکه ها و حوادث مرگ آور

لا تاكلوا .. و لا تقتلوا انفسكم

خداوند بدان جهت تصرّف ناروا در اموال دیگران را تحریم کرد که موجب نابودی انسان و جوامع انسانی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۷ لزوم احتیاط برای حفظ نفوس و سعی در پیشگیری از وقوع قتل خطائی

و من قتل مؤمناً خطاً .. توبه من الله

اگر چنین احتیاطی لازم و ضروری نبود، نباید خداوند به خاطر کاری که از اختیار انسان خارج است، وی را از رحمت خویش دور سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ لزوم احتیاط

برای حفظ نفوس ، حتی در شرایط جنگی

يا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِذَا ضَرَبْتُمْ فِى سَبِيْلِ اللّٰهِ فَتَيَّنُوْا وَّ لَا تَقُوْلُوْا

اهمیت نفس لوامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۲

۲ - اهمیت و عظمت نفس لوامه و سرزنش گر در وجود انسان

و لا اُقْسَمُ بِالنَّفْسِ اللّٰوَامَةِ

برداشت یاد شده، با توجه به این حقیقت است که سوگند خداوند به هر چیزی، نشان دهنده اهمیت و عظمت آن چیز است.

بهشت صاحبان نفس راضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جَنَّتِی

اضافه <جَنَّتِی> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

بهشت صاحبان نفس مرضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جَنَّتِی

اضافه <جَنَّهُ> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

بهشت صاحبان نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ -

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جنتی

اضافه <جَنَّة> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

خطر هوای نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۸

۸ علم الهی به اعماق وجود آدمی ، هشدارى به وی در تأثیرپذیری از وسوسه های نفس

و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن أقرب إليه من حبل الوريد

تعبیر و <نحن أقرب..> در پی <نعلم ما توسوس...> می تواند از آن جهت باشد که آدمی با ناظر دیدن خدا، خود را از بند وسوسه های نفس رها می سازد.

دعوت از صاحبان نفس راضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، با دعوت از صاحبان دل آرام و خشنود ، آنان را به جمع بندگان خاص خود بار می دهد .

فادخلی فی عبدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جنتی

اضافه <جنّه> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی

باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

دعوت از صاحبان نفس مرضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، با دعوت از صاحبان دل آرام و خشنود ، آنان را به جمع بندگان خاص خود بار می دهد .

فادخلی فی عبدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جنتی

اضافه <جَنَّة> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

دعوت از صاحبان نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۱،۲

۱ - خداوند در قیامت ، صاحبان قلب مطمئن را شایسته حضور در نزد خود خوانده و آنان را به قرب خویش دعوت خواهد کرد .

ارجعی إلی ربِّک

۲ - خداوند با فراخواندن صاحبان قلب آرام در قیامت به سوی خویش ، جلوه های ربوبیت خود را بر آنان می گستراند .

ارجعی إلی ربِّک

ذکر هر یک از اسمای خداوند در این موارد، بیانگر نوع مواجه شدن افراد با او است و تعبیر <ربِّک>، بیانگر این نکته است

که صاحبان نفس مطمئن، مشمول ربوبیت خداوند و کمال افزون تر خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر

۱ - خداوند ، با دعوت از صاحبان دل آرام و خشنود ، آنان را به جمع بندگان خاص خود بار می دهد .

فادخلی فی عبدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جنتی

اضافه <جَنَّة> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

سوگند به نفس اسب مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به اسبانی که در راه جهاد تاخته و نفس نفس زده اند .

و العدیت ضبیحا

<عادیات>، از ریشه <عَدُو> (دویدن) است و به قرینه آیات بعد که از جرقه های سُم و برپا کردن غبار سخن گفته است مراد، اسبان دهنده است. <ضبیح> یعنی، صدای نفس های اسب که به <ضُبْحاح> (صدای روباه) تشبیه شده است (مفردات). جمله <فأثرن...> در آیات بعد که خبر از گذشته می دهد بیانگر آن است که مراد، اسبانی است که در نبردی خاص حضور داشتند. در شأن نزول آیه شریفه آمده است که آن نبرد، غزوه <ذات السلاسل> بوده است.

سوگند به نفس لوامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۱

أکید خداوند ، به نفس ملامت گر

و لا أقسم بالنفس اللوامة

ظلم به نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۵،۱۴

۵ ماندن در سیطره مشرکان و کافران و ترک هجرت ، ظلم به نفس است .

انّ الذين توفّاهم الملائكة ظالمى انفسهم قالوا فيم كنتم قالوا كنا مستضعفين فى ال

بنابر اینکه توییح ملائکه بر اصل هجرت نکردن باشد، نه اینکه ترک هجرت باعث عمل نکردن به تکالیف الهی می شده است.

۱۴ عمل نکردن به تکالیف الهی ، ستم به خویشان است .

انّ الذين توفّاهم الملائكة ظالمى انفسهم .. قالوا الم تكن ارض الله واسعه فتهاج

بنابر اینکه توییح ملائکه از ترک کنندگان هجرت، برای این باشد که چرا با ماندن در محیط کفر تکالیف الهی را ترک کرده اید، نه اینکه سرزنش آنان به جهت خصوص ترک هجرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۸ - ۱۰

۱۰ ناآگاهی از معارف دینی با وجود امکان یادگیری آن ، گناه و ستم بر خویشان است .

ظالمى انفسهم .. قالوا الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها .. الا المستضعفين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۶،۷،۸

۶ رجوع مرد به زن مُطلّقه با قصد آزار ، ظلم به خویشان است .

و لا تمسكوهنّ ضراراً لتعتدوا و من يفعل ذلك فقد ظلم نفسه

۷ تعدی از حدود الهی ، ظلم به خویشان است .

لتعتدوا و من یفعل ذلک فقد ظلم نفسه

۸ ظلم به دیگران ، ظلم

به خویشتن است .

و لا تمسكوهنّ ضراراً لّتعبدوا و من يفعل ذلك فقد ظلم نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۱۷

۱۷ محرومیت از بهره های اخروی ، تاوان ستمی است که ترک کنندگان انفاق ، خود بر خویشتن روا داشته اند .

انفقوا ممّا رزقناکم من قبل .. و الکافرون هم الظّالمون

خداوند با بیان اینکه در قیامت تجارتی نیست، در واقع به ترک کنندگان انفاق هشدار می دهد که از مواهب آخرت بی نصیبند که در نتیجه بر خود ستم کرده و به مقتضای حصر در جمله <و الکافرون .. >، این ستمکاری را از ناحیه خود آنان شمرده است، نه از ناحیه خداوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۷ - ۶،۸،۹

۶ کفر آدمی ، ظلم به خویشتن

انّ الذین کفروا حرث قوم ظلّموا انفسهم .. و ما ظلّمهم اللّٰه و لکن انفسهم یظلمون

۸ انگیزه قرار دادن دنیا در انفاق ، ستمی است بر خویشتن . *

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا کمثل ریح فیها صرّ اصابت حرث قوم ظلّموا انفسهم

۹ خداوند به اهل کفر ستمی روا ندارد ، بلکه آنها ، خود بر خویشتن ستم روا می دارند .

و ما ظلّمهم اللّٰه و لکن انفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۶،۷

۶ مراجعه به طاغوت و دادگاه های ناصالح برای داوری ، ستم به خویشتن است .

یریدون ان یتحاکموا .. و لو انهم اذ

ظلموا انفسهم

۷ سرپیچی از فرامین پیامبر (ص)، گناه، نفاق و ستم بر خویشان است.

و ما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله و لو انهم اذ ظلموا انفسهم

مراد از ظلم در <اذ ظلموا> به قرینه <لیطاع>، مخالفت با رسول خدا (ص) است و با توجه به آیات قبل که اعراض کنندگان از رسول (ص) را منافق شمرده، می توان گفت هر گونه مخالفتی با رسول خدا (ص) و اعراض از او، نوعی نفاق است.

عصیانگری نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۹

۹ گستاخی نفس آدمی، تا حد وادار سازی وی به قتل و جنایت

فطوعت له نفسه قتل اخیه

عظمت نفس لوامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۲

۲ - اهمیت و عظمت نفس لوامه و سرزنش گر در وجود انسان

و لا أقسم بالنفس اللوامه

برداشت یاد شده، با توجه به این حقیقت است که سوگند خداوند به هر چیزی، نشان دهنده اهمیت و عظمت آن چیز است.

فضایل اخروی صاحبان نفس راضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت، انسان های دل آرام، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد.

اضافه <جَنَّة> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

فضایل اخروی صاحبان نفس مرضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جَنَّتِی

اضافه <جَنَّتِی> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

فضایل اخروی صاحبان نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، صاحبان قلب مطمئن را شایسته حضور در نزد خود خوانده و آنان را به قرب خویش دعوت خواهد کرد .

ارجعی إلی رَبِّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جَنَّتِی

اضافه <جَنَّتِی> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

قدرت نفس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ نفس آدمی بر آراستن کارهای زشت و ناروا و واداشتن او به ارتکاب آنها تواناست .

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

قدرت هوای نفس

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۸

۸ توانایی هوای نفس در سرکوبی عواطف برادری و انسانی

فطوعت له نفسه قتل اخیه

تصریح به کلمه <اخیه> برای رساندن این است که حتی عواطف برادری نیز نتوانست نفس قابیل را از خواسته خویش (کشتن هابیل) باز دارد.

کیفر قتل نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۱

۲۱ قاتلان پیامبران و قاتلان امر کنندگان به معروف ، گرفتار سخت ترین عذاب های الهی

و یقتلون النّبین بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط.

از رسول الله (ص) سؤال شد: ایّ الناس اشدّ عذاباً یوم القیامه؟ آن حضرت فرمود: رجل قتل نبیاً او رجلاً امر بمعروف او نهی عن منکر، سپس آن حضرت، این آیه را تلاوت کرد: <انّ الذین یکفرون ... >.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰؛ تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

گفتگوی اخروی خدا با صاحبان نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۲

۲ - خداوند ، با انسان هایی که در قیامت روحی آرام و تسکین یافته دارند ، سخن خواهد گفت آنان را بر این آرامش خواهد ستود .

یأیتها النّفس المطمئنّه

خطابی که در این آیه وجود دارد، به قرینه آیات پیشین که ترسیم کننده صحنه قیامت بود خطابی است که در قیامت صادر خواهد شد. توصیف مخاطب به <مطمئن>، نشان می دهد که اطمینان در همان صحنه مورد نظر است.

محمد(ص) و هوای نفس

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴ - ۲

۲ - راه نداشتن کمترین سخن متکی بر هوا و هوس ، در قلمرو پیام ها و رهنمود های پیامبر (ص)

و ما ينطق عن الهوى . إن هو إلا وحى يوحى

مدح اخروی صاحبان نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۲

۲ - خداوند ، با انسان هایی که در قیامت روحی آرام و تسکین یافته دارند ، سخن خواهد گفت آنان را بر این آرامش خواهد ستود .

يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ

خطابی که در این آیه وجود دارد، به قرینه آیات پیشین که ترسیم کننده صحنه قیامت بود خطابی است که در قیامت صادر خواهد شد. توصیف مخاطب به <مطمئن>، نشان می دهد که اطمینان در همان صحنه مورد نظر است.

مقامات صاحبان نفس راضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۹ - ۲

۲ - بندگی خالص خداوند ، مایه رسیدن به مقامی والاتر از رتبه انسان های مطمئن ، راضی و مورد پسند خداوند

فادخلی فی عبدی

انتساب بندگان به خداوند در <عبادی>، انتساب تشریفی است و این که به صاحبان دل آرام، اذن ملحق شدن به آنان داده می شود، بیانگر برتری رتبه آنان است.

مقامات صاحبان نفس مرضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بندگی خالص خداوند ، مایه رسیدن به مقامی والاتر از رتبه انسان های مطمئن ، راضی و مورد پسند خداوند

فادخلی فی عبدی

انتساب بندگان

به خداوند در <عبادی>، انتساب تشریفی است و این که به صاحبان دل آرام، اذن ملحق شدن به آنان داده می شود، بیانگر برتری رتبه آنان است.

مقامات صاحبان نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۹ - ۲

۲ - بندگی خالص خداوند، مایه رسیدن به مقامی والاتر از رتبه انسان های مطمئن، راضی و مورد پسند خداوند

فادخلی فی عبدی

انتساب بندگان به خداوند در <عبادی>، انتساب تشریفی است و این که به صاحبان دل آرام، اذن ملحق شدن به آنان داده می شود، بیانگر برتری رتبه آنان است.

موجبات اخروی نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۵

۵ - برخورداری از نفس مطمئن و تقرب به درگاه خداوند در قیامت، ویژه کسانی است که رضایت خداوند را به دست آورده اند.

مرضیه

نجات از نفس اماره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۱۴

۱۴ ترحم خدا بر برخی انسان ها و نجات آنان از سیطره نفس اماره، برخاسته از رحمت و غفران اوست.

إن النفس .. إلا ما رحم ربی إن ربی غفور رحیم

نفس اماره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۷

۷ انسان ، دارای دو نیروی متضاد (دعوت کننده به گناه و بازدارنده از آن) در نهاد خویش

فطرت له نفسه قتل اخیه

چنانچه < تطویع > به معنای تسهیل باشد، بیانگر آن است که نیرویی در درون قایل وی

را از ارتکاب قتل باز می داشته، ولی در نهایت هوای نفس بر آن نیروی بازدارنده غلبه کرده است.

نفس اماره و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۶

۶ نفس آدمی در صورت شمول رحمت خدا بر او، به انجام بدی ها فرمان نمی دهد و به ارتکاب گناهان ترغیب نمی کند.

إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي

نفس لوّامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۷

۷ انسان، دارای دو نیروی متضاد (دعوت کننده به گناه و بازدارنده از آن) در نهاد خویش

فطوعت له نفسه قتل اخیه

چنانچه <تطويع> به معنای تسهیل باشد، بیانگر آن است که نیرویی در درون قابیل وی را از ارتکاب قتل باز می داشته، ولی در نهایت هوای نفس بر آن نیروی بازدارنده غلبه کرده است.

نقش نفس اماره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۳

۳ نفس آدمیان بجز در پرتو امداد های الهی، همواره آنان را به ارتکاب گناهان و بدی ها فرا می خواند.

إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي

کلمه <اماره> صیغه مبالغه و به معنای بسیار امر کننده و ترغیب کننده است. <ما> در <إلا ما رحم> ممکن است موصول اسمی و به معنای <التي> باشد. بر این مبنا <إِنَّ النَّفْسَ...> یعنی، نفس آدمیان ایشان را به بدیها فرمان می دهد مگر آن نفسی که خداوند صاحبش را رحم کند. و محتمل است <ما> ظرفیه

باشد. در این صورت مستثنی منه <فی کل زمان> است و معنای جمله چنین می شود: <نفس آدمیان همواره آنان را به بدی فرامی خواند، مگر زمانی که خداوند بر صاحب آن نفس رحم کند>.

نقش نفس لوامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۵،۶

۵ - انسان های برخوردار از نفس لوامه ، دارای فرجامی نیکو در قیامت *

لَأُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ . و لَأُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللّٰوَامَةِ

بیان سوگند به نفس لوامه، پس از سوگند به روز قیامت، ممکن است بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

۶ - < قال رسول الله (ص) . . . یابن مسعود أَكْثَرُ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَ الْبِرِّ فَإِنَّ الْمُحْسِنَ وَ الْمُسِيءَ يَنْدِمَانِ ، يَقُولُ الْمُحْسِنُ : يَا لَيْتَنِي أَرْدَدْتُ مِنَ الْمُحْسِنَاتِ وَ يَقُولُ الْمُسِيءُ : قَصْرْتُ ، وَ تَصْدِيقُ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى : > و لَأُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللّٰوَامَةِ < ;

رسول خدا(ص) فرمود: ..ای پسر مسعود! اعمال صالح و کارهای نیک را افزون انجام بده که در [قیامت] نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان می شوند. انسان نیکوکار می گوید: ای کاش کارهای نیک را زیادتر کرده بودم و انسان بدکار می گوید: کوتاهی و تقصیر کردم. و گواه این مطلب سخن خداوند است که فرمود: <و لا أقسم بالنفس اللوامة>.

نقش هوای نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۶

۶ هوای نفس آدمی ، گرایش دهنده او به اعمال ناپسند

فطوعت له نفسه قتل اخيه

وسوسه نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵

۴ قابیل ، فریفته و سوسه های نفس خویش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

هوای نفس قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۶، ۴، ۳، ۱

۱ درگیری و کشمکش درونی قابیل با هوای نفس خویش در مورد قتل هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

۳ و سوسه های نفسانی قابیل ، وادار کننده وی به کشتن هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۴ قابیل ، فریفته و سوسه های نفس خویش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۶ نفس قابیل ، دام خواسته وی و پذیرای تصمیم او بر قتل برادرش هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

<طوعت> می تواند به معنای <تابعیت> باشد، یعنی نفس قابیل در قتل برادرش هابیل پیرو او گردید. بر اساس این احتمال، قابیل نفس خو را فریب داده و آن را رام خود ساخته بود، نه اینکه فریفته و سوسه های خویش شده باشد.

نفس اماره

انبیا و نفس اماره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۹

۹ پیامبران با توفیق خدا و شمول رحمتش بر آنان ، از ارتکاب گناهان مصون مانده و از خطر نفس اماره رهایی می یابند .

إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي

نجات از نفس اماره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۱۴

۱۴ ترحم خدا بر برخی انسان ها و نجات آنان از سیطره نفس اماره ، برخاسته از رحمت و غفران اوست .

إِنَّ النَّفْسَ .. إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

نفس اماره

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۷

۷ انسان ، دارای دو نیروی متضاد (دعوت کننده به گناه و بازدارنده از آن) در نهاد خویش

فطوعت له نفسه قتل اخیه

چنانچه < تطویع > به معنای تسهیل باشد، بیانگر آن است که نیرویی در درون قابیل وی را از ارتکاب قتل باز می داشته، ولی در نهایت هوای نفس بر آن نیروی بازدارنده غلبه کرده است.

نفس اماره و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۶

۶ نفس آدمی در صورت شمول رحمت خدا بر او ، به انجام بدی ها فرمان نمی دهد و به ارتکاب گناهان ترغیب نمی کند .

إن النفس لأماره بالسوء إلا ما رحم ربی

نقش نفس اماره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۳

۳ نفس آدمیان بجز در پرتو امداد های الهی ، همواره آنان را به ارتکاب گناهان و بدی ها فرا می خواند .

إن النفس لأماره بالسوء إلا ما رحم ربی

کلمه < اماره > صیغه مبالغه و به معنای بسیار امر کننده و ترغیب کننده است. < ما > در < إلا ما رحم > ممکن است موصول اسمی و به معنای < التی > باشد. بر این مبنا < إن النفس ... > ; یعنی، نفس آدمیان ایشان را به بدیها فرمان می دهد مگر آن نفسی که خداوند صاحبش را رحم کند. و محتمل است < ما > ظرفیه باشد. در این صورت مستثنی منه < فی کل زمان > است و معنای جمله چنین می شود: < نفس آدمیان همواره آنان را به بدی

فرامی خواند، مگر زمانی که خداوند بر صاحب آن نفس رحم کند.

نفس راضیه

{نفس راضیه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۷

۷ - خشنود بودن از خداوند، زمینه ساز کسب رضایت او است.

راضیه مرضیه

ترتیب ذکر، ممکن است ناظر به ترتیب واقعی باشد؛ بنابراین، حالت <مرضیه> بودن، فرع حالت رضایت است.

بهشت صاحبان نفس راضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت، انسان های دل آرام، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد.

و ادخلی جنتی

اضافه <جنته> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

دعوت از صاحبان نفس راضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند، با دعوت از صاحبان دل آرام و خشنود، آنان را به جمع بندگان خاص خود بار می دهد.

فادخلی فی عبدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جنتی

اضافه <جَنَّة> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی

باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

فضایل اخروی صاحبان نفس راضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت، انسان های دل آرام، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد.

و ادخلی جنتی

اضافه <جَنَّة> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

مقامات صاحبان نفس راضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۹ - ۲

۲ - بندگی خالص خداوند، مایه رسیدن به مقامی والاتر از رتبه انسان های مطمئن، راضی و مورد پسند خداوند

فادخلی فی عبدی

انتساب بندگان به خداوند در <عبادی>، انتساب تشریفی است و این که به صاحبان دل آرام، اذن ملحق شدن به آنان داده می شود، بیانگر برتری رتبه آنان است.

نفس لوامه

ارزش نفس لوامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۴

۴ - انسان های دارای نفس لوامه، بسی ارجمند در پیشگاه خداوند

و لا أقسم باللوامة

اهمیت نفس لوامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۲

۲ - اهمیت و عظمت نفس لوامه و سرزنش گر در وجود انسان

و لا أقسم باللوامة

برداشت یاد شده، با توجه به این حقیقت است که سوگند خداوند به هر چیزی، نشان دهنده اهمیت و عظمت آن

چیز است.

سوگند به نفس لوامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۱

۱ - سوگند اُکید خداوند ، به نفس ملامت گر

و لا أقسم بالنفس اللوامة

عظمت نفس لوامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۲

۲ - اهمیت و عظمت نفس لوامه و سرزنش گر در وجود انسان

و لا أقسم بالنفس اللوامة

برداشت یاد شده، با توجه به این حقیقت است که سوگند خداوند به هر چیزی، نشان دهنده اهمیت و عظمت آن چیز است.

نقش نفس لوامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۵،۶

۵ - انسان های برخوردار از نفس لوامة ، دارای فرجامی نیکو در قیامت *

لا أقسم بيوم القيمة . و لا أقسم بالنفس اللوامة

بیان سوگند به نفس لوامة، پس از سوگند به روز قیامت، ممکن است بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

۶ - > قال رسول الله (ص) . . . يابن مسعود أكثر من الصالحات و البرِّ فإنَّ المُحسَنَ و المُسِيءَ يندمان ، يقول المحسن : يا

ليتني ازددت من المحسنات و يقول المسيء : قصرْتُ ، و تصديق ذلك قوله تعالى : > و لا أقسم بالنفس اللوامة < ;

رسول خدا(ص) فرمود: ..ای پسر مسعود! اعمال صالح و کارهای نیک را افزون انجام بده که در [قیامت] نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان می شوند. انسان نیکوکار می گوید: ای کاش کارهای نیک را زیادتر کرده بودم و انسان بدکار می گوید: کوتاهی و تقصیر کردم. و گواه این مطلب سخن خداوند است

که فرمود: <ولا أقسم بالنفس اللوامة>.

نفس مرضیه

{نفس مرضیه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۷

بهشت صاحبان نفس مرضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت، انسان های دل آرام، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد.

و ادخلی جنتی

اضافه <جنتیه> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

دعوت از صاحبان نفس مرضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند، با دعوت از صاحبان دل آرام و خوشنود، آنان را به جمع بندگان خاص خود بار می دهد.

فادخلی فی عبدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت، انسان های دل آرام، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد.

اضافه <جَنَّة> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

فضایل اخروی صاحبان نفس مرضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند

در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جَنَّتِی

اضافه <جَنَّتِی> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

مقامات صاحبان نفس مرضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۹ - ۲

۲ - بندگی خالص خداوند ، مایه رسیدن به مقامی والاتر از رتبه انسان های مطمئن ، راضی و مورد پسند خداوند

فادخلی فی عبدی

انتساب بندگان به خداوند در <عبادی>، انتساب تشریفی است و این که به صاحبان دل آرام، اذن ملحق شدن به آنان داده می شود، بیانگر برتری رتبه آنان است.

نفس مطمئنه

آرامش اخروی صاحبان نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - برخی از انسان ها در قیامت ، نفسی آرام و فارغ از دغدغه خاطر ، خواهند داشت .

يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ

اطمینان نفس، سکونت و آرامش و زوال وحشت آن است. (العین)

۲ - خداوند ، با انسان هایی که در قیامت روحی آرام و تسکین یافته دارند ، سخن خواهد گفت آنان را بر این آرامش خواهد ستود .

يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ

خطابی که در این آیه وجود دارد، به قرینه آیات پیشین که ترسیم کننده صحنه قیامت بود خطابی است که در قیامت صادر خواهد شد. توصیف مخاطب به <مطمئن>، نشان می دهد که اطمینان در همان صحنه مورد نظر است.

بهشت صاحبان

نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جَنَّتِي

اضافه <جَنَّتِي> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

دعوت از صاحبان نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۱،۲

۱ - خداوند در قیامت ، صاحبان قلب مطمئن را شایسته حضور در نزد خود خوانده و آنان را به قرب خویش دعوت خواهد کرد .

ارجعی إلی رَبِّكَ

۲ - خداوند با فراخواندن صاحبان قلب آرام در قیامت به سوی خویش ، جلوه های ربوبیت خود را بر آنان می گستراند .

ارجعی إلی رَبِّكَ

ذکر هر یک از اسمای خداوند در این موارد، بیانگر نوع مواجه شدن افراد با او است و تعبیر <رَبِّكَ>، بیانگر این نکته است که صاحبان نفس مطمئن، مشمول ربوبیت خداوند و کمال افزون تر خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، با دعوت از صاحبان دل آرام و خشنود ، آنان را به جمع بندگان خاص خود بار می دهد .

فادخلی فی عبدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل

آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جَنَّتِی

اضافه <جَنَّتِی> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

فضایل اخروی صاحبان نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، صاحبان قلب مطمئن را شایسته حضور در نزد خود خوانده و آنان را به قرب خویش دعوت خواهد کرد .

ارجعی إلی رَبِّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جَنَّتِی

اضافه <جَنَّتِی> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

گفتگوی اخروی خدا با صاحبان نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۲

۲ - خداوند ، با انسان هایی که در قیامت روحی آرام و تسکین یافته دارند ، سخن خواهد گفت آنان را بر این آرامش خواهد ستود .

يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ

خطابی که در این آیه وجود دارد، به قرینه آیات پیشین که ترسیم کننده صحنه قیامت بود خطابی است که در قیامت صادر خواهد شد.

توصیف مخاطب به <مطمئن>، نشان می دهد که اطمینان در همان صحنه مورد نظر است.

مدح اخروی صاحبان نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۲

۲ - خداوند ، با انسان هایی که در قیامت روحی آرام و تسکین یافته دارند ، سخن خواهد گفت آنان را بر این آرامش خواهد ستود .

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ

خطابی که در این آیه وجود دارد، به قرینه آیات پیشین که ترسیم کننده صحنه قیامت بود خطابی است که در قیامت صادر خواهد شد. توصیف مخاطب به <مطمئن>، نشان می دهد که اطمینان در همان صحنه مورد نظر است.

مقامات صاحبان نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۹ - ۲

۲ - بندگی خالص خداوند ، مایه رسیدن به مقامی والاتر از رتبه انسان های مطمئن ، راضی و مورد پسند خداوند

فادخلی فی عبدی

انتساب بندگان به خداوند در <عبادی>، انتساب تشریفی است و این که به صاحبان دل آرام، اذن ملحق شدن به آنان داده می شود، بیانگر برتری رتبه آنان است.

موجبات اخروی نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۵

۵ - برخورداری از نفس مطمئن و تقرب به درگاه خداوند در قیامت ، ویژه کسانی است که رضایت خداوند را به دست آورده اند .

نقّه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نقّه

احکام نقّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۲۲، ۱۳، ۱۲

۱۲ میزان متعارف نقّه و مخارج واجب بر شوهران ،

باید به اندازه توانایی مالی آنان باشد .

و علی المولود له زرقهّن و کسوتهنّ بالمعروف لا تُکلف نفس الا وسعها

به نظر می رسد جمله <لا تُکلف .. > تبیین کلمه <معروف> باشد؛ یعنی نباید حدّ متعارف، بدون در نظر گرفتن توانایی مالی شوهر تعیین شود.

۱۳ وظیفه شوهر در تأمین مخارج زن ، بیش از توان او نیست .

و علی المولود له .. لا تُکلف نفس الا وسعها

۲۲ پدر نباید با محروم کردن همسر خود از تأمین مخارج حتی پس از طلاق او ، موجب ضرر فرزند شود .

لا تضارّ .. و لا مولود له بولده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۳،۴،۶

۳ لزوم وصیّت مردان برای پرداخت هزینه یکسال به همسران خویش

و الذین يتوفون منکم و یذرون ازواجاً وصیّه لازواجهم متاعاً الی الحول

۴ حق سکونت در خانه شوهر و نیز بهره گیری از اموال او به مدّت یکسال ، از جمله حقوق زنان شوهر مُرده است .

وصیّه لازواجهم متاعاً الی الحول غیر اخراج

ظهور کلمه <غیر اخراج> در این است که نباید زن شوهر مرده را از خانه شوهر بیرون کرد و لازمه این معنا حق سکونت برای اوست.

۶ باقی ماندن زن در خانه شوهر ، شرط پرداخت هزینه زندگی وی تا یکسال

متاعاً الی الحول غیر اخراج

بنابراینکه <غیر اخراج> علاوه بر بیان حق سکونت برای زن، قیدی باشد بر حکم سابق (لزوم پرداخت متاع). (یعنی آنگاه زن شوهر مرده می تواند از مال شوهر بهره گیرد که از خانه وی خارج نشده باشد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۵

۵ - میزان پرداخت هزینه زندگی همسران و انفاق به دیگران ، بسته به توانایی و دارایی شوهران و انفاق گران است .

لینفق ذو سعه من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

برداشت یاد شده، براساس دیدگاه برخی از مفسران است که گفته اند: آیه شریفه، علاوه بر مورد زنان مطلقه، شامل همه زنان و همه انفاق های واجب و مستحب می شود.

ترک نفقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۲۰

۲۰ خودداری پدر از تأمین مخارج مادر ، موجب زیان کودک خویش

و علی المولود له زرقهنّ .. لا تضارّ ... و لا مولود له بولده

نهی از زیان رسانی پدر به کودک خویش، پس از الزام او به تأمین مخارج مادر، اشاره به این معناست که امتناع از تأمین مخارج مادر نهایتاً منجر به زیان کودک خواهد شد.

جبران نفقه همسر کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۲

۲ - مخارج و مهریه ای که مرد مؤمن برای همسر کافر خویش ، صرف کرده و اکنون به حکم اسلام از او جدا شده است ، باید از بیت المال و غنایم جنگی ، به مرد مؤمن پرداخت شود .

و إن فاتکم شیء من أزوجکم إلی الکفار فعاقبتهم

واژه <عاقبتهم>، به معنای <اصبتم منهم غنیمه> دانسته شده است.

عدالت در نفقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۱۳

۱۳ جواز

تعدد همسران ، مشروط به رعایت عدالت در نفقه آنها

فان خفتم الا تعدلوا فواحدہ

امام صادق (ع) درباره <فان خفتم الا تعدلوا> در آیه فوق فرمود: یعنی فی النفقه.

کافی، ج ۵، ص ۳۶۳، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۳۹، ح ۳۶.

قدرت در نفقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۵

۵ - میزان پرداخت هزینه زندگی همسران و انفاق به دیگران ، بسته به توانایی و دارایی شوهران و انفاق گران است .

لینفق ذو سعه من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

برداشت یاد شده، براساس دیدگاه برخی از مفسران است که گفته اند: آیه شریفه، علاوه بر مورد زنان مطلقه، شامل همه زنان و همه انفاق های واجب و مستحب می شود.

محدوده نفقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۵

۵ - میزان پرداخت هزینه زندگی همسران و انفاق به دیگران ، بسته به توانایی و دارایی شوهران و انفاق گران است .

لینفق ذو سعه من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

برداشت یاد شده، براساس دیدگاه برخی از مفسران است که گفته اند: آیه شریفه، علاوه بر مورد زنان مطلقه، شامل همه زنان و همه انفاق های واجب و مستحب می شود.

مدت نفقه مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - نفقه (هزینه زندگی) زنان مطلقه تا وقت تولد فرزند، برعهده همسرانشان است.

و إن كنَّ أولت حمل فأنفقوا عليهنَّ حتى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ مخارج زنان بر عهده همسرانشان است .

و بما انفقوا من اموالهم

نفقه مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۴

۲۴ - > عن سعد بن أبي خلف قال : سألت أبا الحسن موسى بن جعفر (ع) : . . . أليس الله عز وجل يقول : > لا تخرجوهن من بيوتهن ولا يخرجن < قال : فقال إنما عنى بذلك التي تطلق تطيقه بعد تطيقه فتلك التي لا تخرج و لا تخرج حتى تطلق الثالثه فإذا طلقت الثالثه فقد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المرأه التي يطلقها الرجل تطيقه ثم يدعها حتى يخلوا أجلها فهذا أيضاً يقعد في منزل زوجها و لها النفقه و السكنى حتى تنقضي عدت ها ;

سعد بن ابی خلف گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم .. [و] [گفتم: آیا خداوند عزوجل فرموده: > لا تخرجوهن و لا یخرجن < حضرت فرمود: خداوند [در این دستور] زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود]

و حق نفقه و سکنی دارد تا عده اش تمام شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۱

۱ - احکام طلاق و عده زنان مطلقه و ادای حقوق آنان (همچون مسکن ، هزینه زندگی و برخورد شایسته) فرمان های نازل شده از سوی خداوند

إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ .. ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۱،۲،۳،۴

۱ - مردان متمکن و توانگر ، باید به میزان توانایی و فراخ دستی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلقه را در دوران شیردادن به نوزادان افزون بر پرداخت اجرت شیردادن پردازند .

لینفق ذو سعه من سعته

در این که حکم انفاق در این آیه، اختصاص به دوران شیردادن زنان مطلقه به نوزادشان دارد و یا شامل دوران عده نیز می شود، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۲ - مردان متمکن و توانا ، باید به میزان توانایی و فراخ دستی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلقه خود را در دوران عده پردازند .

لینفق ذو سعه من سعته

۳ - مردان تنگ دست ، باید به مقدار توانایی خویش هزینه زندگی زنان مطلقه را در دوران شیردادن به نوزادان افزون بر پرداخت اجرت شیردادن پردازند .

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

۴ - مردان تنگ دست ، باید به میزان توانایی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلقه را در ایام عده پردازند .

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۵

۵ - میزان پرداخت هزینه زندگی همسران و انفاق به دیگران، بسته به توانایی و دارایی شوهران و انفاق گران است .

لینفق ذو سعه من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا ءاتیه الله

برداشت یاد شده، براساس دیدگاه برخی از مفسران است که گفته اند: آیه شریفه، علاوه بر مورد زنان مطلقه، شامل همه زنان و همه انفاق های واجب و مستحب می شود.

وصیت به نفقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۳

۳ لزوم وصیت مردان برای پرداخت هزینه یکسال به همسران خویش

و الذین یتوفون منکم و یدرون ازواجاً وصیهً لازواجهم متاعاً الی الحول

نقره از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نقره

تشبیه به نقره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۶ - ۲

۲ - قدح ها و کوزه های بهشتیان (ابرار و ...)، در صفا و شفافیت، مانند شیشه و بلور و در سفیدی و زیبایی، همچون نقره است .

کانت قواریراً . قواریراً من فضّه

برخی از مفسران، این آیه را از باب تشبیه بلیغ دانسته اند؛ نه این که ظرف های مورد استفاده بهشتیان، حقیقتاً از جنس شیشه و

در عین حال نقره است.

جامهای نقره ای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - گردش پیوسته جام های نقره ای و کوزه ها و قدح های بلورین ، جهت پذیرایی از ابرار در

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرا

<اناء> (مفرد <ءانیه>) به معنای ظرف است و <کوب> (مفرد <أکواب>) در معنای کوزه بی دسته و قدح بی دسته استعمال می شود. <قاروره> (مفرد <قواریر>) نیز به معنای ظرف شیشه ای و بلورین است.

۲ - جام های سیمین و کوزه ها و قدح های بلورین ، از ظرف های بهشتی برای پذیرایی بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۶ - ۱

۱ - ابرار در بهشت ، از کوزه ها و قدح های بلورینی استفاده می کنند که از جنس نقره است .

قواریرا من فضّه

دستبندهای نقره ای ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۴

۴ - دستواره های سیمین ، زینت ابرار در بهشت

و حلّوا\$ أساور من فضّه

<سوار> (مفرد <أساور>) به معنای دستواره است.

دستبندهای نقره ای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۵

۵ - دستواره های سیمین ، از زینت های بهشتیان

و حلّوا أساور من فضّه

سقف نقره ای خانه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۳

۳ - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن زندگی کافران ، تا جایی که سقف خانه های خود را از نقره بسازند و دارای پلکان هایی باشند که بر آن بالا بروند .

لجعلنا .. لبيوتهم سقفاً من فضّه و معارج عليها يظهرون

ظروف نقره ای بهشت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۵ - ۳

۳ - لذت بخش بودن استفاده از ظرف های سیمین و بلورین ، برای بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و اکواب کانت قواریرا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان نعمت ها و لذت های بهشتی است.

عذاب با نقره داغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۷

۱۷ از رسول خدا (ص) روایت شده است : > . . . من رفع دیناراً أو درهماً أو تبراً أو فضه لا یعده لغریمه و لا ینفقه فی سبیل اللّٰه فهو کنز یکوی به یوم القیامه ;

کسی که درهم و دینار (پول رایج) یا طلا و نقره ای را ذخیره کند، بدون اینکه برای طلبکار کنار بگذارد و آن را در راه خدا انفاق نکند این مال کنز است و در قیامت، به وسیله آن داغ زده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۲،۳،۵،۷

۲ گنجینه های ثروت اندوزان را ، جهت نقره داغ کردن آنان ، با آتش دوزخ خواهند گذاخت .

یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباهم

<احماء> مصدر <یحیی> یعنی چیزی را به شدت حرارت دادن و ضمیر مؤنث <علیها> به <الذهب> و <الفضه> برمی گردد البته به اعتبار دنانیر و درهم و <یکوی> از ماده <کئی> و کئی به معنای چسباندن چیزی داغ به عضو بدن است.

۳ پیشانی ، پهلو و پشت

کنزاندوزان را در دوزخ با طلاها و نقره‌های گداخته، داغ خواهند کرد.

فی نار جهنم فتکوی بها جباهم و جنوبهم و ظهورهم

۵ طلاها و نقره‌های گداخته شده در آتش دوزخ، تجسمی از گنجینه شدن آنها در دنیا توسط کنزاندوزان

الذین یکنزون الذهب و الفضة .. یوم یحیی علیها ... هذا ما کنزتم لأنفسکم

۷ شکنجه دوزخیان با طلا و نقره گداخته، از عذاب‌های دردناک جهنم است.

و الذین یکنزون الذهب .. فبشرهم بعذاب أليم. یوم یحیی علیها فی نار جهنم

کیفر نقره اندوزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ آنان که طلا و نقره می‌اندوزند و از انفاق آن در راه خدا، امتناع می‌ورزند، مستحق عذابی دردناکند.

و الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل اللّٰه فبشرهم بعذاب أليم

نقش نقره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۵ - ۱

۱ - طلا و نقره، نماد تجمل و اشرافی‌گری در دوره‌های تاریخ

سَقًّا مِنْ فِضَّةٍ .. وَ زَخْرَفًا

عده‌ای از لغویان <زخرف> را طلا دانسته‌اند. از ذکر طلا و نقره به عنوان نمادهای زیور و تجمل، مطلب بالا استفاده می‌شود.

نقره اندوزی

کیفر نقره اندوزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ آنان که طلا و نقره می اندوزند و از انفاق آن در راه خدا ، امتناع میورزند ، مستحق عذابی دردناکند .

و الذین

يكتزون الذهب و الفضه و لا ينفقونها في سبيل الله فبشرهم بعذاب أليم

نقص از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نقص

آثار نقص عضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲ - ۶

۶ - نقص عضو ، از شخصیت و ارزش انسان نمی کاهد .

عبس و تولی . أن جاءه الأعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳ - ۴

۴ - اندام ناقص ، مانع تزکیه نفس و پیدایش صلاح و درست کاری در افراد نیست .

أن جاءه الأعمی . و ما یدریک لعله یرکى

انبیا و نقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳ - ۵

۵ - تنافی نداشتن رسالت الهی با وجود بعضی کمبود های قابل جبران به وسیله داشتن یاور

قال ربّ .. و یضیق صدری و لا ینطق لسانی فأرسل إلی هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۴ - ۶

۶ - تنافی نداشتن مقام رسالت الهی ، با وجود برخی کمبود های قابل جبران به وسیله معین و یاور

فأرسله معي ردءًا يصدّقني

<ردا> به معنای معین و دستیار است.

انسان و نقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۲

۲ - خداوند، انسان را آفریده ای کامل و به دور از هرگونه کاستی و اضافات قرار داده است .

فسویک

عبارت <سَوَاك>؛ یعنی، تو را <سَيَوِيَّ> قرار داد. <سَيَوِيَّ> به چیزی گفته می شود که اندازه و کیفیت آن، از افراط و تفریط به دور باشد. (مفردات راغب)

جبران نقص عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۲۱

۲۱ - تکمیل نقایص عملکرد نیک از سوی خدا ، نشانی از مغفرت بی پایان او است .

و من یقترف .. . إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

جبران نقص عمل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ - جبران کاستی اعمال نیک مؤمنان ، از سوی خداوند

و من یقترف حسنه نزد له فیها حسناً

برداشت یاد شده بنا بر نظر عده ای از مفسران است که <نزد له فیها حسناً> را بدین معنا گرفته اند: اگر در انجام عمل نیک نقص و کاستی باشد، خداوند آن را جبران نموده و بر حسن آن می افزاید.

جبرئیل و نقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۲

۲ - جبرئیل ، به دور از هرگونه نقص و ناتوانی در ابلاغ پیام خداوند به پیامبر (ص)

ذی قوه

مراد از <قوه> ممکن است نیروی لازم برای انجام رسالت باشد. در این صورت به معنای فراموش کار نبودن و توانمندی جبرئیل بر دریافت کامل قرآن و حفاظت از آن، تا مرحله رساندن به پیامبر(ص) است.

خدا و نقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۴

۴ خدا، کمال مطلق و منزّه از هر عیب و نقص

دعویهم فیها سبحنک اللّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ خدا، کمال مطلق و به دور

از هر عیب و نقص

سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۸ - ۳

۳ برگزیدن فرزند ، بیانگر وجود نقص است و خداوند از هر نقصی ، مبرا و منزه می باشد .

قالوا اتخذ الله ولداً سبحنه هو الغنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۶

۶ خداوند منزّه از هر عیب و نقص و شایسته حمد و ستایش است .

و یسبح الرعد بحمده و الملائکه من خیفته

<تسیح> (مصدر یسیح) به معنای منزّه دانستن از هر عیب و نقص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۱،۲

۱- پروردگار ، منزّه از هر کاستی و نقص در بینش آگاهان به معارف آسمانی

إن الذین أُوتوا العلم من قبله .. یقولون سبحن ربنا

۲- عقیده به وجود نقص و کاستی در خداوند و شرک ، برخاسته از جهل و نادانی است .

إن الذین أُوتوا العلم .. یقولون سبحن ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۱۷

۱۷- برخورداری زکریا (ع) از فرزند در کهن سالی ، نشانگر منزّه بودن خداوند از هر گونه کاستی و ناتوانی است .

أَنْ سَبِّحُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۵،۶

۵- خداوند ، منزّه از هرگونه نقص و نیاز است .

ما كان لله أن يتخذ من ولد سبحانه

۶- لزوم تنزیه ذات اقدس خداوند از هرگونه نقص و نیاز

سبحنه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۲ - ۴

۴- فرزند گزینی، نشانه نقص بوده و خدای رحمان از آن مبرا است.

و ما ینبغی للرحمن أن یتخذ ولداً

گزینش فرزند با فراگیری رحمت سازگار نیست؛ زیرا فرزند خداوند، باید هم جنس او بوده و در الوهیت مانند او باشد؛ در نتیجه باید به رحمت او نیازی نداشته باشد؛ زیرا لازمه آن، فراگیر نبودن رحمت الهی و نقصان آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۱۰

۱۰ فرمان روایی و حاکمیت مطلق خداوند بر جهان، جلوه ای از عظمت و منزّه بودن او هر گونه عیب و نقص است.

تبارک الذی نزل الفرقان .. الذی له ملک السموت ... و لم یکن له شریک فی الملک

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <الذی له ملک السماوات...> بدل برای <الذی نزل الفرقان...> و <تبارک> به معنای <تنزه> و <تعاضم> باشد؛ که یکی از معانی لغوی <تبارک> است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۱۲، ۱۰

۱۰ - خدا، منزّه از هر پیرایه و کاستی

و سبحن الله ربّ العلمین

۱۲ - ربوبیت خدا بر نظام عظیم و پهناور هستی، گواه نامحدود و منزّه بودن او از هر گونه نقص و کاستی

و سبحن الله ربّ العلمین

وصف <ربّ العالمین> مشعر به علیت است؛ یعنی، چون او پروردگار همه عوالم هستی است، از هر نقص و کاستی منزّه و از قرار گرفتن در مکان و محدود شدن در آن مبرا است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۹

۹ - خدا ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۷ - ۶

۶ - خداوند ، تنزیه کننده خویش از هر عیب و نقصی است .

فسبحن الله حين تمسون و حين تصبحون

احتمال دارد <فسبحان الله> تفریع بر آیاتی باشد که در آنها، مشرکان، به دلیل عدم تفکر درباره مخلوقات خدا، توییخ شده بودند و نیز آیاتی که در آنها دیدگاه مشرکان درباره انکار عالم آخرت (آیه ۸) و قرار دادن شریک برای خدا آمده بود (آیه ۱۳). در این آیه، خداوند خود را از چنین نسبت هایی منزّه اعلام می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۱

۱ - ساحت خداوند ، از هر گونه نقص و کاستی منزّه و مبرا است .

سبحن الذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۳ - ۱،۴

۱ - ساحت مقدس خداوند ، از هر گونه نقص و کاستی منزّه و مبرا است .

فسبحن الذی

۴ - در دست داشتن حاکمیت و مالکیت همه چیز در جهان هستی ، دلیل و نشان کمال خدا و مبرا بودن او از هر نقص و کاستی

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء

برداشت یاد شده از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی و توصیف او به <در دست داشتن ملکوت هر چیزی در جهان>، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - ساحت پروردگار ، از هر گونه نقص و کاستی ، منزّه و مبرّا است .

سَبْحَن رَّبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴ - ۷۸

۷ - اعتقاد به فرزند گزینی خدا ، اعتقاد به وجود نقص و ضعف در ذات اقدس الهی است .

لو أراد الله أن يتخذ ولدًا .. سبحنه

تنزیه خداوند از فرزند گزینی ، بیانگر این است که این کار نشانه وجود نقص و ضعف در ذات الهی است .

۸ - فرزند گزینی خدا ، برابر با ضعف و نقص ذات او و ناسازگار با کمال مطلق او

لو أراد الله أن يتخذ ولدًا .. سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص است .

سَبْحَنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۳

۳ - خداوند ، از هر عیب و نقصی منزّه و مبرّا است .

يَسْبِحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۳

۳ - خداوند از هر عیب و نقصی ، منزّه و مبرا است .

یسَّبِحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۷

۷ - لزوم تنزیه خداوند ، از هر گونه عیب ، نقص و شریک به هنگام بهره مندی از نعمت ها

و تقولوا سبحن الذی سخر لنا هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۹ - ۱۲

۱۲ - ذات الهی ، آراسته به همه کمالات و پیراسته از تمامی کاستی ها

و توقروه و تسبّحوه

<توقیر> به معنای تعظیم و بزرگ داشت و می تواند اشاره به صفات جمال داشته باشد. <تسبیح> به معنای منزّه شمردن ذات حق از عیب و کاستی است که می تواند بیانگر صفات سلبی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۴ - ۱

۱ - ساحت خداوند ، منزّه و مبرّأ از هر عیب و نقص

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

<تسبیح> به معنای تنزیه کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۶ - ۱،۲

۱ - ساحت خداوند ، منزّه و مبرّأ از هر عیب و نقص است .

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

<تسبیح>، به معنای تنزیه کردن از هر نقص و کاستی است.

۲ - برپا ساختن قیامت برای کیفر و پاداش ، نمودی از کمال خداوند و مبرّأ بودن ساحت او از هر نقص و کاستی

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

تفریع <فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ> بر مطالب پیشین (فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ..) حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱ - ۱

۱ - ساحت خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۴

۴ - فرمانروایی خداوند بر هستی ، آکنده از پاکی و تقدس و به دور

از کمترین ظلم و کاستی است .

الملك القدوس

وصف <القدوس>، در پی <الملك>، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که فرمانروایی خداوند، از هر گونه آلودگی، ناپاکی، ظلم و کاستی مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۱،۳

۱ - ساحت خداوند، منزّه و مبرا از هر عیب و نقص است .

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

<تسبیح> (مصدر <سَبِّحْ>) به معنای تنزیه و مبرا کردن از نقص و کاستی است.

۳ - موجودات هستی، نمودی روشن بر منزّه بودن خداوند از هر نقص و کاستی

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که مراد از تسبیح در آیه شریفه، تسبیح تکوینی باشد. بر این مبنا معنای آیه، بیانگر این حقیقت خواهد بود که وجود هر موجودی، نشانی گویا بر منزّه بودن خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱ - ۵

۵ - ساحت خداوند، مبرا از هر نقص و عیب

يَسْبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

<تسبیح> (مصدر <يَسْبِّحُ>) به معنای تنزیه و مبرا کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۲

۲ - تمامی موجودات هستی، شاهدی گویا بر منزّه بودن خداوند از هر عیب و نقص

يَسْبِحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که تسبیح در آیه شریفه، تسبیح تکوینی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - ساحت خداوند ، منزّه و مبّرّا از هر عیب و نقص

فسّیح باسم ربّك

<تسبیح>، به معنای تنزیه کردن از هر نقص و عیب است.

۴ - پیامبر (ص) ، موظّف به تسبیح خدا و اعلام مبّرّا بودن او از هر عیب و نقص

فسّیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱ - ۲،۳

۲ - خداوند ، از هر عیب و نقصی مبّرّا است .

سبّیح اسم ربّك

لزوم منزّه قرار دادن نام، بیانگر منزّه بودن صاحب نام است.

۳ - اعتراف به پاک بودن خداوند از هر عیب و نقصی ، وظیفه ای الهی بر عهده همه انسان ها است .

سبّیح اسم ربّك

خطاب <سبّیح>، ممکن است ویژه پیامبر(ص) نباشد؛ گرچه روی سخن با آن حضرت است؛ زیرا مفاد آیات قرآن بدون توجه به آیه های قبل و بعد نیز مراد بوده و در محتوای عام خود قابل تمسک هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۲ - ۴

۴ - نبودن افراط و تفریط در ساختار مخلوقات ، دلیل لزوم تسبیح خداوند و اعتراف به دور بودن او از هر عیب و نقص

سبّیح اسم ربّك .. الذی خلق فسوّی

وصف <الذی ..>، بیانگر علت تسبیح است و حرف <فاء> در <فسوّی> دلالت دارد که غرض اصلی از توصیف خداوند با جمله <خلق فسوّی>، بیان تسویه است و ذکر خلقت، به عنوان مقدمه برای بیان تسویه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۳ - ۴

- خداوند ، به دلیل ایجاد زمینه برای ظهور شایستگی های نهفته در هر یک از موجودات ، سزاوار تسییح و مبرا دانستن او از هر عیب و نقص

سَبَّحَ .. الذی قَدَّرَ فهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۴ - ۲

۲ - توجه به قدرت خداوند بر رویاندن گیاهان و به وجود آوردن چراگاه ها ، مایه منزّه دانستن او از هر عیب و نقص و پیراستن نام او ، از هر وصف ناروا است .

سَبَّحَ اسم .. و الذی أخرج المرعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۵ - ۴

۴ - دور بودن خداوند از هر عیب و نقص ، در تغییرات و تحولات آفریده های او جلوه گر است .

سَبَّحَ .. الذی أخرج المرعی . فجعله غناء أحوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۶

۶ - خداوند ، منزّه از کاستی های درونی و بی نیاز از غذا و آب است .

اللّه الصمد

<صمد> یعنی ، <مُصَمَّت> و آن موجودی است که جوف (درون خالی) ندارد (تاج العروس). درون خالی نداشتن موجود زنده، بر بی نیازی او از غذا و آب دلالت دارد.

قرآن و نقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۸

۸- آیات قرآن، در طول زندگانی پیامبر (ص) از خطا و کاستی مصون ماند.

سنقرئک فلاتنسی

درباره مفاد <إلا ما شاء الله> در آیه بعد، دو دیدگاه وجود دارد: ۱.

بیان حاکمیت مشیت خداوند که در نتیجه مراد، استثنای حقیقی نخواهد بود؛ بلکه تنها نشانگر آن است که <لاتنسی> هر چند مطلق است و هیچ استثنایی ندارد؛ ولی مشیت خداوند بر همه چیز حاکم است و نسیان و عدم نسیان پیامبر(ص)، بیرون از مشیت او نیست. ۲. حرف <إلا> در استثنای حقیقی به کار رفته است و بیانگر آن است که خداوند، بخشی از آیات را براساس مشیت خویش از یاد پیامبر(ص) خواهد برد. برداشت یاد شده براساس نظر اول است.

معبود راستین و نقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۳

۳- معبود هستی، واجد همه ارزش ها و کمالات و فاقد هر نقص و نیاز

و قل الحمد لله

اختصاص داشتن همه ستایشها به خدا، مستلزم این است که همه ارزشهای ستایش برانگیز در او جمع بوده و در نهایت نقص و نیاز در او راه نداشته باشد.

منشأ رفع نقص در موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۷ - ۵

۵ - خداوند، قادر به دفع امراض و رفع هرگونه نقص و عیب از موجودات است.

واحلل عقده من لسانی

منشأ نقص موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۷ - ۴

۴ - کاستی ها و زشتی های پدیده های زشت و ناقص، ربطی به آفرینش خداوند ندارد.

أحسن کلّ شیء خلقه

نشانه های نقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۴

۴- فرزند گزینی ، نشانه نقص

و نیاز است .

ما کان لله أن يتخذ من ولد سبحانه

<سبحانه> مفعول مطلق برای فعل محذوف، مانند <سبحوه> می باشد؛ یعنی <منزه بدانید او را منزه دانستن>. کاربرد تنزیه در این مورد نشان از آن دارد که <اتخاذ ولد> نشانه نقص و کاستی است و خداوند از آن منزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۲ - ۴

۴- فرزندگزینی ، نشانه نقص بوده و خدای رحمان از آن میرا است .

و ما ینبغی للرحمن أن يتخذ ولداً

گزینش فرزند با فراگیری رحمت سازگار نیست؛ زیرا فرزند خداوند، باید هم جنس او بوده و در الوهیت مانند او باشد؛ در نتیجه باید به رحمت او نیازی نداشته باشد؛ زیرا لازمه آن، فراگیر نبودن رحمت الهی و نقصان آن است.

نقص در غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸ - ۵

۵ - جز خداوند ، همه چیز دارای نقص و کاستی و فاقد کمال مطلق است .

له الأسماء الحسنى

تقدیم <له> دلالت بر حصر می کند؛ یعنی کسی که همه اسماء حسنی را دارد، فقط خداوند است.

نقص موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۳

۳ همگان ، بجز خداوند ، دارای نقص و کاستی و فاقد کمال مطلق هستند .

و لله الأسماء الحسنى

برداشت فوق با توجه به حصری که از تقدیم <لله> به دست آمده، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۶

۱۶ - غیر از خداوند ، هیچ

موجودی در کمال و جمال ، کامل و مستقل نیست .

الحمد لله

بی شک همه موجودات جهان از نوعی کمال و جمال برخوردارند. بنابراین انحصار تمامی ستایشها به خداوند، می تواند گویای این حقیقت باشد که کمال و جمال آنها کامل و مستقل نیست؛ بلکه ناقص و وابسته به خداست.

نگاه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نگاه

آثار نگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۹،۱۰

۹ - نگاه ، تحریک کننده تمایلات انسان و مایه شیفتگی او به منظره های دلربا است .

و لا تَمَدَّنْ عَیْنِکَ اِلٰی مَا مَتَّعْنَا بِهٖ اَزْوَاجًا مِنْهُمْ

۱۰ - نگاه ، زمینه ساز وقوع در گناه است .

و لا تَمَدَّنْ عَیْنِکَ اِلٰی مَا مَتَّعْنَا بِهٖ اَزْوَاجًا مِنْهُمْ

آثار نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۷

۷ - خیره شدن به نامحرمان و چشم چرانی ، زمینه ساز آلودگی به فحشا و فساد جنسی است .

قُلْ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ یَغْضُوْا مِنْ اَبْصَرِهِمْ وَ یَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ

در آیه شریفه حکم حرمت چشم چرانی و نگاه به نامحرمان، بر حکم عفت گزینی و اجتناب از فحشا، مقدم داشته شده است و این تقدم ذکر، می تواند حکایت از تقدم رتبی و ارتباط میان این دو حکم داشته باشد؛ به این معنا که پرهیز از چشم چرانی، زمینه عفت گزینی و اجتناب از آلودگی جنسی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۷

۷ - خیره شدن به نامحرمان و چشم چرانی ، زمینه ساز آلودگی به فحشا و فساد جنسی است .

قل للمؤمنت .

.. يحفظن فروجهن

اجتناب از نگاه به عورت ديگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۳

۳ - مردان مؤمن ، وظيفه دار پرهيز از چشم دوختن و خيره شدن به شرمگاه ديگرانند .

قل للمؤمنين يغضوا من ابصرهم

مقصود از چشم فرو بستن (يغضوا من ابصارهم) به قرينه < و يحفظوا فروجهم > مي تواند چشم فرو بستن از عورت و شرمگاه ديگران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۳۷، ۳

۳ - زنان مؤمن ، وظيفه دار پرهيز از چشم دوختن به عورت و شرمگاه ديگران

و قل للمؤمنات يغضضن من ابصرهن

۳۷ - < عن أبي عبد الله (ع) : قال الله تبارك و تعالى > و قل للمؤمنات يغضضن من ابصارهن و يحفظن فروجهن < من أن تنظر أحدهن إلى فرج أختها و تحفظ فرجها من أن ينظر إليها ... >

از امام صادق (ع) روايت شده است كه خداوند فرمود: < و قل للمؤمنات يغضضن من ابصارهن و يحفظن فروجهن > [يعني، زنان خودداري كنند] از اينكه به عورت زن ديگري نگاه كنند و نيز عورت خود را از نگاه ديگران حفظ نمايند.

اجتناب از نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱، ۱۷

۱ - مردان مؤمن ، وظيفه دار پرهيز از نظر دوختن و خيره شدن به نامحرمان اند .

و قل للمؤمنين يغضوا من ابصرهم

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱. <عَضَّ> (مصدر <يغضِّوا>) به معنای کاستن از نگاه و صدا

است (مفردات راغب). مقصود از آن در آیه شریقه، اجتناب از نظر دوختن و خیره شدن به نامحرمان است، نه نگاه اولیه و ناخودآگاه. ۲. <من> در <من أبصارهم> برای تبعیض است و مقصود، فرو بستن چشم از چیزهایی است که نگاه به آنها ناشایست و حرام است (مثل نگاه به نامحرمان).

۱۷ > عن أبي عبدالله (ع) :... (فی قوله تعالى) <قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم و يحفظوا فروجهم> ... > و قل للمؤمنات يغضضن من أبصارهنّ و يحفظن فروجهنّ > ... قال : كلّ شيء في القرآن من حفظ الفرج فهو من الزنا إلا هذه الآية فإنّ ها من النظر ... ;

از امام صادق(ع) [درباره سخن خدای تبارک و تعالی] <قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم و يحفظوا فروجهم> .. روایت شده است: هر چیزی که در قرآن درباره حفظ فرج آمده، مراد حفظ آن، از زنا است؛ مگر در این آیه مراد حفظ آن، از نگاه دیگران است...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱

۱ - زنان مؤمن ، وظیفه دار پرهیز از نظر دوختن و خیره شدن به مردان نامحرم

و قل للمؤمنت يغضضن من أبصرهنّ

احکام نگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۲،۴

۲ - نظر دوختن به نامحرمان و چشم چرانی ، حرام است .

قل للمؤمنين يغضوا من أبصرهم

۴ - حرمت خیره شدن و چشم دوختن به عورت و شرمگاه دیگران

قل للمؤمنين يغضوا من أبصرهم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲،۴،۳۷

۲ - نظر دوختن به نامحرمان و چشم چرانی ، حرام است .

و قل للمؤمنت یغضضن من أبصرهنّ

۴ - حرمت خیره شدن و چشم دوختن به عورت و شرمگاه دیگران

و قل للمؤمنت یغضضن من أبصرهنّ

۳۷ - > عن أبي عبد الله (ع) : قال الله تبارك و تعالی < و قل للمؤمنات یغضضن من أبصارهنّ و یحفظن فروجهنّ > من أن تنظر أحداهنّ إلى فرج أختها و تحفظ فرجها من أن ينظر إليها ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که خداوند فرمود: < و قل للمؤمنات یغضضن من أبصارهنّ و یحفظن فروجهنّ > [؛ یعنی، زنان خودداری کنند] از اینکه به عورت زن دیگری نگاه کنند و نیز عورت خود را از نگاه دیگران حفظ نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۲ - ۶

۶ - نگاه به زن ، به قصد ازدواج با او ، جایز است .

و لو أعجبك حسنهنّ

از این که خداوند، به پیامبر(ص) فرموده است: <اگرچه زیبایی آنان، برای تو خوشایند باشد>، استفاده می شود که چنین امری، قبل از ازدواج بوده و احتمالاً آن حضرت زنی را می دیده که موجب خوشایندی اش می شده است. این عمل پیامبر(ص) حجت است و می تواند نکته بالا را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۹ - ۲

۲ - حرمت هر نوع نگاه خائنه و به دور از امانت و رضایت مندی

یعلم خائنه الأعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۸

۸- نگاه بیمار دلان به پیامبر (ص) ، پس از نزول آیات جهاد ، نگاهی وحشت زده و محتضر گونه

ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت

تشبیه نگاه بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۸

۸- نگاه بیمار دلان به پیامبر (ص) ، پس از نزول آیات جهاد ، نگاهی وحشت زده و محتضر گونه

ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت

حرمت نگاه به عورت دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۴

۴ - حرمت خیره شدن و چشم دوختن به عورت و شرمگاه دیگران

قل للمؤمنين يغضوا من أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۴

۴ - حرمت خیره شدن و چشم دوختن به عورت و شرمگاه دیگران

و قل للمؤمنت يغضضن من أبصرهنّ

حرمت نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲

۲ - نظر دوختن به نامحرمان و چشم چرانی ، حرام است .

و قل للمؤمنت یغضضن من أبصرهنّ

حرمت نگاه خائانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۹ - ۲

۲ - حرمت هر نوع نگاه خائانه و به دور از امانت و رضایت مندی

یعلم خائنه الأعیین

کیفر نگاه به عورت دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ -

۱۵ - کسانی که از نگاه کردن به نامحرمان و شرمگاه دیگران ابایی ندارند ، به مجازات الهی تهدید شده اند .

قل للمؤمنین یغضوا .. إِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا یَصْنَعُونَ

جمله <إِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا یَصْنَعُونَ> که آگاهی همه جانبه الهی به بشر را یادآوری می کند هشدار است به کسانی که احکام یادشده را رعایت نکنند.

کیفر نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۵

۱۵ - کسانی که از نگاه کردن به نامحرمان و شرمگاه دیگران ابایی ندارند ، به مجازات الهی تهدید شده اند .

قل للمؤمنین یغضوا .. إِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا یَصْنَعُونَ

جمله <إِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا یَصْنَعُونَ> که آگاهی همه جانبه الهی به بشر را یادآوری می کند هشدار است به کسانی که احکام یادشده را رعایت نکنند.

نگاه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۸ - ۲

۲ - حضرت ابراهیم (ع) ، به هنگام فراخوانده شدن برای خروج از شهر ، به منظور تصمیم گیری در این باره به ستارگان نگریست .

فنظر نظره فی النجوم

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که نگاه حضرت ابراهیم(ع) به ستارگان به معنای حقیقی آن باشد نه کنایه از به تفکر فرورفتن.

نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۲

۲ - نظر دوختن به نامحرمان و چشم چرانی ، حرام است .

قل للمؤمنین یغضوا من أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۲ - ۶

۶ - نگاه به زن ، به قصد ازدواج با او ، جایز است .

و لو أعجبك حسنهنّ

از این که خداوند، به پیامبر(ص) فرموده است: <اگرچه زیبایی آنان، برای تو خوشایند باشد>، استفاده می شود که چنین امری، قبل از ازدواج بوده و احتمالاً آن حضرت زنی را می دیده که موجب خوشایندی اش می شده است. این عمل پیامبر(ص) حجت است و می تواند نکته بالا را برساند.

نگاه خائنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۹ - ۱،۸

۱ - آگاهی خداوند ، به نگاه های خیانت بار و دزدانه بشر

یعلم خائنه الأعین

۸ - < قال سألت أبا عبد الله (ع) ، عن قوله عزّوجلّ > يعلم خائنه الأعین < فقال : ألم ترّ إلى الرجل ينظر إلى الشيء و كأنّه لا ينظر إليه فذلك خائنه الأعین ;

[راوی] می گوید: از امام صادق(ع) از آیه <یعلم خائنه الأعین> سؤال نمودم، حضرت فرمود: آیا ندیده ای که شخصی به چیزی به گونه ای [زیر چشمی] نگاه می کند که گویا به آن نگاه نمی کند و این همان خیانت چشم ها است .

نگاه در ازدواج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۲ - ۶

۶ - نگاه به زن ، به قصد ازدواج با او ، جایز است .

و لو أعجبك حسنهنّ

از این که خداوند، به پیامبر(ص) فرموده است: <اگرچه زیبایی آنان، برای تو خوشایند باشد>، استفاده می شود که چنین امری، قبل از ازدواج بوده و احتمالاً آن حضرت زنی را می

دیده که موجب خوشایندی اش می شده است. این عمل پیامبر(ص) حجت است و می تواند نکته بالا را برساند.

نگاه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۱

۱ - نگاه کافران به پیامبر (ص) ، نگاهی خشم آلود و کینه توزانه بود .

و إن یکاد الذین کفروا لیزلقونک بأبصرهم

<زَلَقَ> (مرادف <ذلل>) به معنای لغزیدن و سقوط کردن است و عبارت <لیزلقونک بأبصارهم> کنایه از این است که کافران، با نگاه خشم گینانه و کینه توزانه، به پیامبر(ص) می نگریستند؛ مانند آن که گفته می شود: فلان کس آن چنان به من نگاه می کند، که گویا می خواهد مرا با نگاهش بخورد و یا بکشد؛ یعنی، اگر برای او ممکن باشد که با نگاهش مرا بخورد و یا بکشد، چنین خواهد کرد.

نگرانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نگرانی

آثار سطحی نگرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۳

۳ - سرسپردگی و اطاعت کورکورانه ، دارای ریشه در کوه فکری و سطحی نگری انسان ها

و نادى فرعون .. فاستخفّ قومه فأطاعوه

آثار نگرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - ترس و نگرانی شدید ، زمینه ساز افشای راز های درون

إن كادت لتبدى به لولا أن ربطنا على قلبها

آثار نگرانی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤنون - ۲۳ - ۱۰۱ - ۴

۴ - شدت نگرانی و گرفتاری انسان ها در قیامت ، مشغول دارنده آنان به خویشتن

و بازدارنده آنها از پرسش و پاسخ و گفتوگو با یکدیگر

فإذا نفخ في الصور فلا أنساب بينهم يومئذ ولا يتساءلون

آثار نگرانی از فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۶

۶ - ترس از خداوند و نگرانی از فرجام خویش ، پرهیز دهنده انسان از انکار معاد و باز دارنده او از طغیان گری و رویارویی با پیامبران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَن يَخْشَى

عبرت گرفتن از داستان فرعون، به معنای دوری از رفتار و عقاید او است که در آیات قبل نمونه های آن بیان شد.

آثار نگرانی از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۹ - ۷

۷- خدا ترسی و نگرانی از قیامت ، زمینه ساز بهره مندی انسان از وحی و هدایت الهی

و ذكراً للمتقين . الذين يخشون ربهم بالغيب و هم من الساعه مشفقون

خداوند، در آیه قبل، تقوای پیشگان را شایسته بهره مند شدن از نور و هدایت خود دانسته و در این آیه اوصاف آنان را بیان کرده است. از ارتباط میان دو آیه می توان برداشت یاد شده را استفاده کرد.

اهمیت نگرانی از فرجام اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۴

۴ - لزوم دلواپسی انسان ، در هر مرتبه و مقام معنوی ، برای فرجام اخروی خویش .

و لاتخزنی يوم یبعثون

ایجاد نگرانی در فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۵ - ۱

۱ اقدام فرعون برای ایجاد نگرانی در اطرافیان خویش ، نسبت

به اهداف نهایی موسی (ع)

یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

پنهانی نگرانی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۷ - ۲

۲ - نگرانی موسی (ع) از تبعات سحر ساحران ، تنها در دل او و بدون بروزی در ظاهر بود .

فأوجس فی نفسه خیفه موسی

رفع نگرانی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۵

۵ - اقدام میهمانان ابراهیم (ع) ، به رفع نگرانی از آن حضرت با معرفی خویش

قالوا لاتخف

از مطالب بعد، استفاده می شود که میهمانان بعد از گفتن <لاتخف>، خود را به ابراهیم(ع) معرفی کردند و نگرانی آن حضرت را برطرف نمودند؛ و گرنه صرف گفتن <لاتخف> نگرانی را نمی زداید.

رفع نگرانی از مؤمنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۷ - ۳

۳ - رفع نگرانی از مؤمنان مدینه از سوی خداوند ، نسبت به آینده بازماندگان ایشان در مکه

عسی الله .. موّده

با توجه به این که شأن نزول آیات پیشین، حرکتی بود که از حاطب بن اُبی بلتعه به انگیزه مصونیت دادن خانواده اش در مکه صورت گرفته بود؛ خداوند پس از نفی شیوه وی، با این نوید به او و امثالش، نوعی اطمینان بخشیده است.

رفع نگرانی از همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۱ - ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۸

۸ - واگذارشدن طلاق هر یک از همسران و یا عدم آن ، به پیامبر (

ص) به منظور رفع نگرانی از همسران آن حضرت است .

ترجی من تشاء منهٗن .. ذلک أدنی أن تقرّ أعینهٗن و لایحزَنَ

<تقرّ> از ریشه <قرّ> به معنای <سردی>، و <قرّه العین> کنایه از سرور و خوشحالی است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که برداشت بالا، بنابراین است که مشارالیه <ذلک> عبارت <ترجی من تشاء... و تؤوی إلیک من تشاء> باشد.

۱۱ - برداشتن زمینه های نگرانی و اندوه همسران پیامبر در زندگی مشترک خود با آن حضرت ، مورد توجه خداوند بود .

ذلک أدنی أن تقرّ أعینهٗن و لایحزَنَ و یرضین بما ءاتیتهٗن کلّهٗن

۱۳ - خدایی بودن حق تصمیم گیری پیامبر (ص) درباره همخوابگی با همسران ، مایه شادمانی آنان و موجب رفع نگرانی شان است .

ترجی من تشاء منهٗن .. ذلک أدنی أن تقرّ أعینهٗن و لایحزَنَ و یرضین بما ءاتیتهٗن

احتمال دارد که مشارالیه <ذلک> اصل حکمی باشد که آن حضرت، با آن، حق پیدا کرد تا مجاز به چنان رفتاری با همسران خود باشد. در این صورت، رضایت و رفع نگرانی از آنان، باز می گردد به این که آنان، چون به حکم خداوند تن در می دهند، و آنچه از پیامبر(ص) می رسد تابع حکم خدا است از آنان راضی اند.

۱۴ - مجاز بودن پیامبر (ص) به بازگرداندن زنی که او را مطلقه کرده ، حکمی است که مایه شادمانی همسران آن حضرت و موجب رفع اندوه از آنان می شود .

و من ابتغیت ممّن عزلت فلاجناح علیک ذلک أدنی أن تقرّ أعینهٗن

بنابراین این که مشارالیه <ذلک> مفاد فراز <مّن ابتغیت ممّن عزلت..>

باشد، نکته بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۲ - ۸

۸ - دستور به عدم حلیت ازدواج پیامبر (ص) با زنانی غیر از همسران موجود و یا تعیین شده، به منظور رفع نگرانی از آنان بوده است.

ذلك أدنى أن تقرّ أعينهنّ... لا يحلّ لك النساء من بعد

رفع نگرانی مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۸ - ۶

۶ - حفاظت از جان موسی (ع) و بر طرف کردن نگرانی مادر او، به تدبیر خداوند بود.

إذ أوحينا إلى أمّك

رفع نگرانی محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۵

۵ دلداری خداوند به پیامبر (ص) و رفع نگرانی او نسبت به لجاجت مخالفان

و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا

از اهداف این یادآوری تاریخی به پیامبر (ص) می تواند رفع ناراحتی و دلگیری آن حضرت از خصومت و مخالفت های کافران باشد.

رفع نگرانی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۷ - ۲

۲- مریم (س) به هنگام بازگشت میان مردم، فارغ از هرگونه هراس و نگرانی بود.

فکلی و اشربی . . . فإمّاترین من البشر ... فأنت به قومها تحمله

بااین که جمله <أنت به قومها> برای بیان آوردن عیسی(ع) توسط مادرش، جمله ای کامل است، ولی جمله حالیه <تحمله> نیز بر آن اضافه گردیده است تا بر مباشرت مریم(س) در حمل کردن فرزندش دلالت کند؛ یعنی دیگر مریم(س)

انگیزه ای برای پنهان داشتن فرزند خود نداشته است، بلکه آشکارا او را در بغل گرفته و به میان مردم آمد.

رفع نگرانی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۹

۹ - اقدام شعیب به دلداری موسی (ع) رفع نگرانی و ترس از وی و اعلام نجات یافتنش از شر فرعونیان

قال لا تخف نجوت من القوم الظلمین

زمان نگرانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۷ - ۴

۴ - گرفتاری ها و دل نگرانی های انسان در قیامت ، از نخستین لحظات آن آغاز می شود .

فإذا جاءت الصّاعه .. لكلّ امریء منهم یومئذ شأن یغنیه

جمله <لکلّ امریء..> به دلیل <یومئذ> دلالت دارد که زمان پیدایش <صاعه> (غزش کرکننده)، هنگام بروز گرفتاری ها است.

زمینه رفع نگرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۳ - ۴

۴ - نیکوکاری ، مایه رفع نگرانی و آسودگی خاطر در آخرت است .

علی الأرائک ینظرون

زمینه نگرانی از فرجام خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - اعتقاد راستین به ربوبیت یگانه خداوند ، مستلزم بیم داشتن از عذاب او و نگران بودن از فرجام کار خویش

إِنَّ الدِّينَ هَمٌّ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مَشْفِقُونَ

<خشیه> به معنای ترس، بیم و هراس است. عبارت <من خشیه ربهم>، به تقدیر <من خشیه عذاب ربهم> می باشد. <إشفاق> (مصدر <مشفقون>) نیز به معنای نگرانی، پریشانی، تشویش خاطر، اضطراب و در

بیم و امید بودن است.

زمینه نگرانی از لغزش ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۱۶

۱۶- احاطه علم الهی بر احوال آدمی ، مقتضی نگرانی انسان از لغزش های خود و روی آوری به استغفار

و استغفر .. و الله يعلم متقلبکم و متویکم

از ارتباط دو بخش آیه (<استغفر> و <و الله يعلم..>) مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه نگرانی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۷ - ۲

۲- موضع گیری پیامبر (ص) در قبال کفرورزی و عصیان خویشاوندان ، دارای پی آمد های دشوار و نگران کننده

و أنذر عشیرتک .. فإن عصوک فقل إنی بریءٌ ... و توکل علی العزیز الرحیم

دستور <توکل علی الله> پس از <فقل إنی بریءٌ مما تعملون> بیانگر مطلب یاد شده است.

زمینه نگرانی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۶ - ۵

۵ بهانه جویی و اتهام کافران نباید سبب نگرانی و تزلزل مؤمنان گردد.

و ليقولوا درست .. اتبع ما أوحی الیک

فرمان به اتباع از وحی، پس از اشاره به شبهات کافران، تأکیدی بر لزوم استقامت مؤمنان در برابر شبهات کافران است.

عمومیت نگرانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۷ - ۲

۲ - تمام انسان ها در قیامت ، نگران وضعیت خود و در تلاش برای رفع گرفتاری های خویش اند .

لکلّ امریء منهم یومئذ شأن یغنیه

عوامل رفع نگرانی

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ نزول باران در آستانه جنگ بدر برای تطهیر مجاهدان، زمینه ساز برطرف شدن نگرانی ها و وسوسه های ایجاد شده از سوی شیطان

و ينزل عليكم ... و يذهب عنكم رجز الشيطان

عوامل رفع نگرانی مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۳

۳- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده، زمینه های مسرت و چشم روشنی مریم (س) و رفع نگرانی او از آینده بود.

فنادیها .. فکلی و اشربی و قزی عیناً

<عیناً> تمییز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و <قزی> از ماده <قرار> (آرام گرفتن) و یا <قُز> (سرد شدن) است. در صورت اول جمله <قزی عیناً>، یعنی <چشم آرمیده باش> و در صورت دوم، یعنی <خنک چشم باش> (چشم از اشک سوزان به دور باشد) و در هر صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله <قزی عیناً> با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

عوامل رفع نگرانی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲ - ۴

۴ - التجای موسی (ع) به ربوبیت الهی برای کسب توان و زدودن نگرانی های خود

قال ربّ إني أخاف

عوامل نگرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ برخی از مجاهدان بدر گرفتار پلیدی و نگرانیهایی از سوی شیطان بودند .

و یذهب عنکم رجز الشیطن

۹ فقدان آب برای تحصیل طهارت و برطرف کردن نجاست ها ، مایه وسوسه شیطان و ایجاد نگرانی در پیکارگران بدر

لیطهرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطن

نبودن لام در <یذهب> بیانگر این است که <یذهب...> مترتب بر <لیطهرکم...> است. و تناسب تطهیر با برطرف شدن رجز شیطان اقتضا می کند که مراد از رجز شیطان وسوسه هایی باشد که شیطان بر اثر نبودن آب برای طهارت در مجاهدان ایجاد می کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲ - ۵

۵ - رسالت و هدایت خلق ، باری سنگین و همراه با نگرانی ها و نیازمند التجا به درگاه الهی

قال ربّ إني أخاف أن يكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۰ - ۲

۲ - توجه به انذار های الهی و واقعیت قیامت ، مایه نگرانی انسان و پرهیز از سرخوشی ها

أفمن هذا الحديث تعجبون . و تضحكون و لاتبكون

لحن تویبخی آیه شریفه، می رساند که توجه به حقانیت معاد و مفاهیم وحی، مقتضی این است که آدمی، بر فرجام خویش گریان و اندوهناک باشد نه سرمست و خندان.

عوامل نگرانی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۳ - ۴

۴ - کفر در دنیا، فزع و نگرانی را در قیامت به دنبال دارد .

و لو تری إذ فزعوا .. و قد كفروا

به من قبل

عوامل نگرانی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲۱

۲۱ - وجود قیامت ، دغدغه جدی انسان ، حتی برای آنان که ظاهراً منکر آن هستند .

و ما أظنّ الساعة قائمه و لن رجعت إلى ربّي

عوامل نگرانی اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۲۰

۲۰ - مردان الهی ، از اعماق وجود ، نگران بدفرجامی توده ها و انسان های گمراه

و اذکر أخوا عاد .. إني أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

با توجه به تعبیر <أخا عاد>، از <إني أخاف ..> استفاده می شود که نگرانی هود(ع) ریشه در عواطف وی داشته است.

عوامل نگرانی زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۷

۷- نگرانی زکریا (ع) نسبت به آینده رسالت خویش با نبود فرزند و وارثی در زندگی اش

ربّ لا تذرني فردًا و أنت خيرالورثين

ممکن است درخواست زکریا(ع) از خداوند برای فرزنددار شدنش به خاطر مسائل اجتماعی باشد؛ یعنی، آن حضرت خواسته است رسالتش و دستاوردهای آن نگه داری شده و تداوم یابد.

عوامل نگرانی عبدالله بن ام مکتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۱

۱ - ابن ام مکتوم مسلمانی خداترس بود و خطر محرومیت از تزکیه او را نگران ساخته بود .

و هو یخشی

حذف بعضی از قیدهای کلام، گاهی به منظور تعمیم است تا مخاطب احتمالات گوناگونی را مد نظر داشته باشد. متعلق
<خشیت> در این

آیه گویا به همین منظور ذکر نشده است تا احتمالاً-تی از قبیل ترس از خدا، نگرانی از سلب توفیق ترکیه، ترس از فرجام خویش و نظایر آن را در ذهن شنونده ترسیم کند.

عوامل نگرانی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۴

۴ - بیم و نگرانی فرعون از گسترش و تأثیر پیام موسی (ع) در میان مردم مصر

و نادى فرعون .. أفلا تبصرون

تبلیغات فرعون، در جهت جلوگیری از نفوذ پیام موسی(ع)، نشانگر نگرانی فرعون از گسترش آن است.

عوامل نگرانی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۱، ۱۰، ۷، ۵، ۲

۲ - با آمدن فرشتگان نزد لوط (ع) وی، ناراحت شد و عرصه را بر خود تنگ دید .

و لما أن جاءت رسلنا لوطاً سىء بهم و ضاق بهم ذرعاً

<سىء> متعدی به بای سببی است. <سىء بهم> یعنی، به سبب حضور آنان، ناراحت شد. <ضايق بهم ذرعاً> به معنای تنگ شدن ذراع دست و کنایه از ناتوانی است.

۵ - حضرت لوط (ع)، نگران تعرض قوم اش به میهمانان اش بود .

و لما أن جاءت رسلنا لوطاً سىء بهم و ضاق بهم ذرعاً

۷ - نگرانی لوط (ع) با ورود فرشتگان به نزد وی، در چهره اش نمایان شد .

و لما أن جاءت رسلنا لوطاً سىء بهم .. قالوا لاتخف

۱۰ - لوط (ع)، با ورود ملائکه به محضرش، نگران شد و ترسید .

و قالوا لاتخف و لاتحزن

نگران گرفتار شدن در عذاب فراگیری بود که برای قوم اش مقدر شده بود .

و لَمَّا أَن جَاءت رسلنا لوطاً سىء بهم . . . و قالوا لاتخف و لاتحزن إِنَّا منجوك

دلدارى ملائكه به لوط(ع) و اطمینان بخشى به وى براى نجات حتمى از عذاب، مى تواند قرينه باشد بر این كه نگرانى لوط(ع) به خاطر نکته بالا بوده است.

عوامل نگرانى مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۸

۸ - حضور كودك در کنار مادر ، مایه سرور و روشنى دیدگان و فراق او ، موجب اندوه و نگرانى مادر

فرددنه إلی أُمّه كى تقرّ عینها و لاتحزن

عوامل نگرانى محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۹

۹ - تأخیر وحى در برهه اى از دوران نزول قرآن ، پیامبر (ص) را نگران ساخته ، در معرض زخم زبان دشمن قرار داد .

ما ودّعك ربك و ما قلى

لحن آیه شریفه و همراه بودن آن با سوگندهای خداوند، بیانگر اضطراب و رنجیدگی پیامبر(ص) و در صدد آرامش بخشیدن و تسلاى خاطر دادن به آن حضرت است.

عوامل نگرانى مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۲ - ۳

۳- باردارشدن حضرت مریم (س) ، نگرانى هاى را براى او همراه داشت .

فحملته فانتبذت به مكاناً قصبياً

ترک محل سکونت و رفتن به مکانی دوردست، نشان آن است که مریم(س) از روبه روشن شدن با مردم و پاسخ گویی به آنها نگران بوده است. لغت <انتباز> (انزواطلبی کسی که

برای حضور خود ارزش چندانی نمی بیند) نیز مؤید آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۳ - ۱۳

۱۳- اشتهار مریم (س) به عفت و پاکدامنی در بین مردم، فزاینده نگرانی او از بازتاب منفی تولد عیسی (ع) در افکار عمومی جامعه

یلیتنی متّ قبل هذا و کنت نسیّاً منسیّاً

<نَسِيّاً>، چیزی است که اهمیت چندانی ندارد، گرچه هنوز از خاطرها محو نشده باشد (مفردات راغب). توصیف آن به <منسیّاً> (فراموش شده) گویای آن است که صرف شایستگی برای فراموشی، مطلوب مریم نبوده بلکه تحقق فراموشی را آرزو می کرده است. این آرزو نشان می دهد که آن حضرت، پیش از این به عنوان شخصیتی آبرومند در جامعه مطرح بوده و از این که این حادثه بازتاب های منفی در مردم داشته باشد، نگران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۶

۶- نبود آب به هنگام زایمان، موجب نگرانی شدید مریم (س) شده بود.

أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا

<قد جعل> تعلیل برای <أَلَا تَحْزَنِي> است، یعنی محزون نباش، زیرا خداوند در پایین دست تو آبی روان قرار داده است. از این تعلیل می توان دریافت که تا چه اندازه مریم (س) برای آب نگران بوده و این بشارت چه نقشی در شادمانی وی ایفا کرده است.

عوامل نگرانی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲۱

۲۱ - وجود قیامت، دغدغه جدی انسان، حتی برای آنان که ظاهراً

منکر آن هستند .

و ما أظنّ الساعة قائمه و لن رجعت إلى ربّي

عوامل نگرانی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۶

۶- نگرانی و ناخشنودی منافقان ، از نزول آیات جهاد

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض

عوامل نگرانی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۱۹

۱۹- ارتکاب قتل ، مایه نگرانی موسی (ع) و موجب فرو رفتن او در غم و ناراحتی شده بود .

و قتلت نفسًا فنجینک من الغم

نجات موسی (ع) از غم و غصه، فرع اضطراب خاطر داشتن آن حضرت، در باره ماجرای قتل و احساس خطر او از سوی فرعونیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۷ - ۱

۱- موسی (ع) ، پس از مشاهده سحر ساحران فرعون ، در دل خویش از پی آمده های احتمالی آن احساس نگرانی کرد .

من سحرهم .. فأوجس فی نفسه خیفه موسی

<أوجس> به معنای <أحسَّ> و نیز به معنای <أضمر(اخفاکرد)> آمده است (لسان العرب). در این آیه، معنای <أحسَّ> به نظر مناسب تر می رسد؛ چرا که معنای <اخفا> در <فی نفسه> آمده است. بنابراین <أوجس فی نفسه...>؛ یعنی، موسی (ع) در دل خود نگرانی و ترسی را احساس کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۸ - ۳

۳ - موسی (ع) از القای شبهه و احتمال گمراهی مردم به واسطه سحر ساحران نگران بود .

قلنا لاتخف

جمله <إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى> تعلیل برای <لاتخف> است و دلالت می کند که موسی(ع) از این نگران بود که معجزه او با سحر ساحران مشتبّه گردد و مردم به حقانیت او پی نبرند. خداوند با بیان برتری قطعی او، زمینه هراسش را از بین برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴ - ۵

۵ - نگرانی موسی (ع) از عدم ایفای کامل رسالت بود، نه صرف کشته شدن .

أَخَافُ أَنْ يَكْذِبُونُ .. فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونُ

سخنان پیشین موسی، در باره بررسی موانع رسالت و رفع آنها بود. اظهار نگرانی او از کشته شدن نیز می تواند در آن جهت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۳ - ۴،۵

۴ - موسی (ع) ، از نافرجام ماندن رسالت الهی خویش در صورت کشته شدن به دست فرعونیان نگران بود .

إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ .. قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا

طرح موضوع قتل مرد قبطی، نه از آن باب است که موسی(ع) بر جان خویش می ترسید؛ بلکه بدان جهت بود که مبادا با دستگیری و کشته شدن او، رسالت الهی که بر دوش او نهاده شده است نافرجام بماند.

۵ - موسی (ع) در وادی طور، نگرانی خویش نسبت به موانع راه رسالت را با خدا در میان گذاشت .

قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا

عوامل نگرانی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۷ - ۲

۲ - نوح (ع)

(، نگران تکذیب ارزش ها و تعالیم الهی از سوی مردم بود ؛ نه نگران تهدید خود او از سوی آنان .

قال ربّ إنّ قومی کذبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شکوه نوح(ع) به درگاه خدا در پی تهدیدهای سخت مخالفان، از تکذیب گری آنان بود نه از تهدیدهای آنها.

عوامل نگرانی والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۷

۷- پدر و مادر با ایمان ، با تمام وجود ، نگران و دلواپس تربیت ایمانی فرزند خویش

و هما یستغیثان الله ویلک ءامن

تعبیر <یستغیثان> نگرانی عمیق و شدید والدین مؤمن را می رساند؛ زیرا استغاثه در مواردی صدق می کند که فریاد از جان برآید.

عوامل نگرانی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۴

۴ احتمال گرفتاری بنیامین به سرنوشت یوسف (ع) ، مایه نگرانی یعقوب (ع) از همراه سازی او با فرزندان خویش

إلا کما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) با نام نبردن از یوسف(ع) و یاد کردن از او با عنوان برادر بنیامین ، اشاره ای لطیف به این معنا دارد که اخوت آن دو با یکدیگر مرا نگران همسانی سرنوشتشان (فراق و جدایی از پدر) کرده است.

فلسفه نگرانی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۹

۹ یعقوب (ع) نگران از چشم زخم و حسادت بر فرزندان خویش در صورت ورود جملگی آنان به مصر از یک دروازه آن

لاتدخلوا من باب واحد .

.. و ما أغنى عنكم من الله من شيء

آیه شریفه در این باره که یعقوب(ع) چه خطری را برای فرزندان خویش و یا برای بنیامین احساس می کرده، بیانی ندارد. بسیاری از مفسران گفته اند از اینکه یعقوب(ع) از آنان خواسته متفرق شوند و از دربهای متعدد وارد گردند، می توان حدس زد که وی از خطر چشم زخم و مانند آن هراسان بوده است.

منشأ رفع نگرانی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۴

۴ - اقدام خداوند به اطمینان بخشیدن به موسی (ع) و برطرف ساختن نگرانی وی (ترس او از کشته شدن به تقاص قتل مرد قبطی)

قال ربّ إني قتلت منهم نفسًا .. و نجعل لكما سلطانًا فلا يصلون إليكما

موانع نگرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۹

۹- با داشتن دلایل روشن ، مجالی برای نگرانی در مسیر حق نیست ؛ هر چند دشواری ها و موانع آن فراوان باشد .

أفمن كان على بينة

آیه قبل، در مقام دلجویی از پیامبر(ص) در قبال ستم مشرکان بود. این آیه نیز در ادامه آن دلجویی می تواند بیانگر این پیام باشد که: ای پیامبر! چون دلیل روشن حق به همراه داری، از کردار زشت و ناروای کفر پیشگان نگران مباش ؛ زیرا حق و پیروزی و منطق با تو است.

موانع نگرانی رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷ - ۶

۶ - شناخت تاریخ و آگاهی از موضع گیری های همگون کافران

در برابر پیامبران ، مانع نگرانی و دلسردی رهبران دینی است .

و کم أرسلنا .. إلا كانوا به يستهزءون

موجبات رفع نگرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۲

۲- ایمان ، عامل آرامش و استواری روح و ثبات قدمی انسان در زندگی و موجب رفع هرگونه تزلزل ، اضطراب و نگرانی است .

الذین ءامنوا بالقول الثابت فی الحیوه الدنیا و فی الآخره

مهمترین نگرانی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲ - ۳

۳- مهم ترین نگرانی موسی (ع) ، بیم او از تکذیب رسالتش بود .

قال ربّ إني أخاف

تقدیم بیم تکذیب از سایر نگرانی ها که در آیات بعد آمده می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

ناپسندی نگرانی بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳ - ۴

۴- نگرانی برای کافران ، پس از ابلاغ آیات روشن الهی به آنان موردی ندارد .

تلك ءايت الكتب المبين . لعلك بزع نفسك ألا يكونوا مؤمنين

نگرانی آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۳

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

نگرانی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۱۷

۱۷ ابراهیم (ع) دارای رحمت فراوان نسبت به مردم و متأسف از هدایت ناپذیری مشرکان

إن ابرهیم لأوّه حلیم

یکی دیگر از معانی که اهل لغت برای <أواه> نوشته اند، رقت و رحمت است. یعنی ابراهیم (ع) بسیار رقیق القلب و نسبت به مردم، بسیار مهربان بود. برداشت فوق بر این اساس است که جمله <إن ابراهیم لأوّه> بیانگر علت وعده ابراهیم (ع) به آزر باشد، یعنی، شدت رحمت ابراهیم (ع) سبب گردید، برای جذب آزر به ایمان، وعده استغفار به وی بدهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۴

۴- نگرانی حضرت ابراهیم (ع) از انحراف فرزندان خود و از گسترش کامل و نفوذ بی رقیب آیین شرک و بت پرستی در میان مردم عصر خویش

و اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام . ربّ إنهنّ أضللن كثيرا من الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۶ - ۲

۲ - نگرانی ابراهیم (ع) از گمراهی دیرینه پدر خود

و اغفر لأبی إنّه کان من الضالّین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که دعای ابراهیم(ع) در زمان حیات پدرش بوده باشد. بر این اساس به کارگیری <کان> در جمله <إنّه کان من الضالّین> بیانگر گمراهی دیرینه پدرش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۳

۳- نگرانی ابراهیم (ع) برای فرجام اخروی خویش

و لاتخزنی یوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۱،۲

۱ - حضرت ابراهیم (ع) از عذاب قوم لوط ، با وجود لوط (ع) در میان آنان ، نگران بود .

و لما جاءت رسلنا .. قالوا انا مهلكوا اهل هذه القرية... قال ان فيها لوطاً

۲ - حضرت ابراهیم (ع) با ملائکه درباره عذاب قوم لوط ، با وجود حضرت لوط (ع) در میان آنان به گفت و گو پرداخت .

قالوا انا مهلكوا اهل هذه القرية .. قال ان فيها لوطاً قالوا نحن اعلم بمن فيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۳

۳ - نگرانی ابراهیم (ع) و همراهانش ، از آسیب پذیری ایمانشان در کوران مشکلات *

ربنا لاتجعلنا فتنه للذین كفروا

در صورتی که <فتنه> به معنای <مفتوناً و معدباً> باشد، از سیاق آیات استفاده می شود که نگرانی ابراهیم(ع) و همراهانش، در نهایت متوجه ثبات بر توحید و براءت از مشرکان بوده است.

نگرانی ابو بکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۹

۹ نگرانی فردِ همراه پیامبر (ص) (ابوبکر) به هنگام هجرت از مکه به مدینه و دلداری رسول خدا (ص) به وی

اذ يقول لصحبه لاتحزن ان الله معنا

نگرانی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - نگرانی و سردرگمی آدمیان ، در لحظه های آغازین رستاخیز

و خروج از قبرها

يخرجون من الأجداث كأنهم جراد منتشر

تشبیه به <جراد منتشر>، بیانگر سردرگمی و حرکت های نامنظم و حیرت زده آدمیان، پس از خروج از قبرها در روز رستاخیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۲

۲ - آدمیان در روز رستاخیز، دلواپس و گردن کشیده برای درک موقعیت خویش

مهطعین إلى الداع

در لفظ <مهطعین> حرکت سریع و کشیدن سر به طرف بالا از روی نگرانی نهفته است (قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۴ - ۴

۴ - حاضران صحنه قیامت، ناآرام و نگران اند.

فإذا هم بالساهرة

<ساهره>؛ یعنی، زمین صاف و پهناوری که پیمایندگان آن، در شب بیدار می مانند (تاج العروس). بیداری در صحنه قیامت، کنایه از خوف و اضطرابی است که آرامش را از حاضران سلب می کند.

نگرانی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- کافران پس از مرگ، به حقایقی دست می یابند و از اعمال گذشته خود نگران می شوند.

الكفرین . الذین تتوفهم الملائكة ظالمی أنفسهم ... ما كنا نعمل من سوء

از اینکه کافران پس از مرگ، بی آنکه حرفی زده شود، به دفاع از خود می پردازند و منکر کارهای زشت خود می شوند، به

دست می آید که آنان به چیزهایی از جمله به وضعیت بد خود و اینکه کردارشان باعث گرفتار شدن آنان به عذاب می شود، دست می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۱

۱ - آثار ذلت و نگرانی ، نمایان در چشم کافران ، به هنگام خروج از قبر ها در رستاخیز

خَشَعًا أَبْصَرَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۱ - ۱

۱ - در عرصه قیامت ، هیچ راه فرار از نگرانی ها و سختی ها ، برای کافران وجود ندارد .

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرَبُ . كَلَّا

نگرانی اخروی گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - مستکبران گمراهگر در قیامت ، نگران فضاحت و بی حیثیتی خود هستند .

و قَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا .. و أَسْرَوْا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ

احتمال دارد پنهان کردن پشیمانی، به خاطر احساس فضاحتی باشد که در قیامت برای مستکبران رخ می دهد؛ یعنی، کار خطایی را که اکنون از آن پشیمان شده اند، رو نمی کنند تا کسی از آنان عیب جویی نکند.

نگرانی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - مجرمان ، از جامعیت و دقت کتاب اعمال آدمیان ، شگفت زده و به شدت نگران خواهند شد .

یویلتنا مال هذا الکتب لایغادر صغیره و لاکبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۴

۴ - مجرمان در لحظه حضور در قیامت ، با نگرانی به فرجام خویش چشم دوخته و مات و حیرت زده خواهند بود .

و نحشر المجرمین یومئذ زرقاً

<زرقاً> حال برای <المجرمین> است و مفرد آن

<أزرق> یا <زرقاء> به کسی گفته می شود که سفیدی چشم او سیاهی آن را بپوشاند (لسان العرب). این حالت نشان چشم دوختن و خیره شدن مجرمان است و از اضطراب شدید درونی آنان حکایت دارد. برخی گفته اند: سفید شدن چشم، ملازم با کوری آن است (لسان العرب).

نگرانی اخروی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - مستکبران گمراهگر در قیامت، نگران فضاحت و بی حیثیتی خود هستند .

و قال الذین استضعفوا .. و أسروا الندامه لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ

احتمال دارد پنهان کردن پشیمانی، به خاطر احساس فضاحتی باشد که در قیامت برای مستکبران رخ می دهد، یعنی، کار خطایی را که اکنون از آن پشیمان شده اند، رو نمی کنند تا کسی از آنان عیب جوئی نکند.

نگرانی اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - مشرکان، با مشاهده عذاب الهی، از بی آبرویی و فضاحت خود در قیامت نگران خواهند بود

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربهم .. إذ تأمروننا أن نكفر بالله و نجعل له

نگرانی اخروی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ - نگاه متحیرانه و بهت آمیز موجودات آسمان ها و زمین، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور در قیامت

ثم نفخ فيه أُخْرَى فإِذَا هم قِيَامٌ يَنْظُرُونَ

نگرانی از آینده اقتصادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ -

۱۱- نگرانی و اضطرابی ، برای آینده اقتصادی و زندگی مادی بشریت ، در بینش توحیدی وجود ندارد .

و لا تقتلوا .. نحن نرزقهم و ایاکم

اینکه خداوند، پس از نهی از قتل فرزند به خاطر فقر، روزی همه انسانها را از سوی خود تضمین شده معرفی می کند، حکایت از آن دارد که: جایی برای نگرانی از آینده اقتصادی نیست.

نگرانی از اتحاد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۳

۳ - وجود زمینه های نگرانی برای مسلمانان از همدستی جامعه یهود علیه آنان (پس از غزوه بنی نضیر)

لا یقتلونکم جمیعاً إلا فی قرّی محصّنه

از این که خداوند، همدستی کافران در نبرد و رویارویی با مؤمنان را نفی کرده است؛ چنین احتمال می رود که نگرانی هایی در میان مسلمانان وجود داشته است.

نگرانی از استقامت پیروان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۶

۶ - توطئه گران علیه صالح ، نگران عکس العمل و مقاومت یاران وی در قبال هجوم علنی آنان

لنبیتّنه و أهله ثم لنقولنّ لولیه ما شهدنا مهلك أهله

طرح هجوم شبانه و اندیشه کردن در چگونگی پاسخ به ولی دم، نشانگر نگرانی آنان است.

نگرانی از استقلال مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۹

۳۹- کافران ، آرزومند ضعف و وابستگی امت اسلامی و نگران از قدرت و استقلال آنان

كزَّرع أخرج... ليغيظ بهم الكفَّار

نگرانی از اغوای مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نگرانی از فریفته شدن مردم با تبلیغات سوء و مشتبه شدن حق و باطل بر آنان ، امری بایسته و هراسی نیکو است .

فأوجس فی نفسه خیفه موسی

نهی از خوف که در آیه بعد آمده است، موسی(ع) را به خاطر نگرانی اش، تخطئه نکرده است؛ بلکه جمله >إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى< از فرجام کار و این که پیروزی با موسی(ع) خواهد بود، خبر می دهد و نگرانی موسی(ع) را زایل می کند.

نگرانی از انحراف جنسی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۵ - ۲

۲ - اظهار شگفتی و نگرانی لوط (ع) ، از انحراف فضاحت بار قوم خویش

أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ

نگرانی از پیروزی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۵ - ۵

۵ - بیم فرعون از ناگزیر شدن قبطیان به ترک سرزمین خویش با پیروزی موسی (ع)

يُرِيدُ أَنْ يَخْرُجَكَ مِنْ أَرْضِكَ بِسِحْرِهِ

نگرانی از پیشگامی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۳

۳ - موسی و هارون (ع) از پیشدستی فرعون و اقدام او به کیفر فوری آنان ، پیش از هر گونه فرصت اظهار معجزه و بیان حقیقت ، نگران بودند .

قَالَ رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا

<فَرَطًا> یعنی، پیشی گرفت بدون آن که افراط یا تفریط کرده باشد (مفردات راغب). مراد موسی و هارون(ع)، احتمال دست زدن فرعون به کاری است که فرصت ابلاغ پیام الهی را

از آنان بگیرد.

نگرانی از تأمین معاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۰ - ۷

۷ - نگرانی از تأمین معاش و زندگی ، امری طبیعی و رایج در میان انسان ها است .

إِنَّ أَرْضِي وَسَعَةٌ .. وَ كَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَاتَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا

بنابراین احتمال که این آیه، در صدد دفع توهمی باشد که در میان مسلمانان مکه، پس از توصیه به هجرت پدید آمده است، نکته یاد شده به دست می آید.

نگرانی از تعالیم موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۴

۴ - بیم و نگرانی فرعون از گسترش و تأثیر پیام موسی (ع) در میان مردم مصر

و نادى فرعون .. أفلا تبصرون

تبلیغات فرعون، در جهت جلوگیری از نفوذ پیام موسی(ع)، نشانگر نگرانی فرعون از گسترش آن است.

نگرانی از حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۱۴

۱۴ - تسلی خداوند به پیامبر (ص) برای نگران نبودن از روی گردانی مردم از حق و دین الهی

فإن تولّوا .. و ما على الرسول إلاّ البلاغ المبين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تسلی دادن به پیامبر(ص) در برابر حق گریزی کافران است.

نگرانی از حق ناپذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۵

۵ - نگرانی موسی و هارون (ع) از ناکامی در ابلاغ پیام خداوند به فرعون

إِنَّا نَخَافُ

أن يفطر علينا أو أن يطغى

نگرانی از سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۵ - ۱

۱ - قیامت ، روزی با عظمت و سزاوار نگران بودن از دشواری های آن

لیوم عظیم

عظمت روز قیامت، به سهمگین بودن حوادث و مراحل آن است.

نگرانی از سرنوشت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۲

۲- همه انسان ها نسبت به سرنوشت خویش در قیامت ، نگرانند .

یوم تأتي كل نفس تجدل عن نفسها

مجادله و دفاع کردن هر کسی از خویشتن، دلیل نگرانی افراد در روز قیامت است.

نگرانی از سرنوشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۴

۴ احتمال گرفتاری بنیامین به سرنوشت یوسف (ع) ، مایه نگرانی یعقوب (ع) از همراه سازی او با فرزندان خویش

إلا كما أمنتكم على أخيه من قبل

یعقوب(ع) با نام نبردن از یوسف(ع) و یاد کردن از او با عنوان برادر بنیامین ، اشاره ای لطیف به این معنا دارد که اخوت آن دو با یکدیگر مرا نگران همسانی سرنوشتشان (فراق و جدایی از پدر) کرده است.

نگرانی از شیوع قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۶

۶ - احساس خطر و نگرانی شدید مسلمانان در پی انتشار شایعه < افک > در میان جامعه

إِنَّ الدِّينَ جَاءُ بِالْإِفْكِ .. لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

نگرانی از طغیان فرعون

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۴

۴ - موسی و هارون (ع)، از احتمال افزایش طغیان فرعون، در پی ابلاغ دعوت الهی به او، نگران بودند.

أو أن یطغی

خداوند در سخن با موسی(ع)، به طغیان گری فرعون تصریح کرده بود. بنابراین مراد موسی و هارون(ع) از این سخن، احتمال افزایش طغیان او است؛ به گونه ای که زمینه پذیرش دعوت را در او به کلی از میان ببرد.

نگرانی از طغیانگری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۶ - ۲

۲ - خداوند به موسی و هارون (ع) اطمینان داد که فرعون فرصت ابلاغ پیام رسالت را از آنان نگرفته و بر طغیان خود نخواهند افزود.

نخاف أن یفرط .. قال لاتخافا

نگرانی از عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۸

۸ بندگان خالص خدا، بسیار نگران و هراسناک از لغزش خویش و نافرمانی خدا

ربنا اصرف عنا عذاب جهنم إن عذابهاکان غراما

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عذاب دوزخ برای کیفر دادن مجرمان است. بنابراین ترس عبادالرحمان از عذاب دوزخ، حاکی از آن است که آنان از جرم و خطایی که مرتکب شده اند هر چند ارتکاب جرم از ایشان بسیار کم اتفاق می افتد بسیار نگران و مضطرب اند.

نگرانی از عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۴

۴ - لزوم نگرانی همواره انسان از

کردار و فرجام کار خویش و مطمئن نبودن به آمرزش الهی

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئی یوم الدین

وقتی حضرت ابراهیم(ع) خود را صرفاً امیدوار به مغفرت الهی معرفی کند، جای اطمینانی برای دیگران نخواهد بود.

نگرانی از عمل گذشته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۷

۷- مؤمنان به آیات الهی، همواره، باید نگران اعمال گذشته خود و درصد جبران و اصلاح آن باشند.

و من أظلم ممّن ذکّر بأیت ربّه فأعرض عنها و نسی ما قدّمت یداه

نگرانی از فرجام اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۳

۳- نگرانی ابراهیم (ع) برای فرجام اخروی خویش

و لاتخزنی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۱

۱- متقین، در دنیا همواره در اندیشه آخرت و نگران از فرجام اخروی خویش

قالوا إنا کنا قبل فی أهلنا مشفقین

<اشفاق> در معنای <ترس و نگرانی> و <خیر خواهی شدید> به کار می رود (القاموس المحيط). در آیه شریفه اگر <فی أهلنا> متعلق به <کنا> باشد، واژه <مشفقین> ظهور در معنای اول و اگر متعلق به <مشفقین> باشد، ظهور در معنای دوم دارد. برداشت بالا بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - فرجام فرعون ، درس عبرتی بزرگ برای کسانی که نگران عاقبت دنیا و آخرت خویش اند .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَن يَخْشَى

متعلق <یخشی> ، به قرینه <الأخره و

الأولى > در آیه قبل، می تواند فرجام انسان در دنیا و آخرت باشد.

نگرانی از فرجام خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۴

۴ - لزوم نگرانی همواره انسان از کردار و فرجام کار خویش و مطمئن نبودن به آمرزش الهی

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

وقتی حضرت ابراهیم (ع) خود را صرفاً امیدوار به مغفرت الهی معرفی کند، جای اطمینانی برای دیگران نخواهد بود.

نگرانی از فرجام دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۱

۱ - فرجام فرعون، درس عبرتی بزرگ برای کسانی که نگران عاقبت دنیا و آخرت خویش اند.

إِنَّ فِی ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن یَّخْشِی

متعلق <یخشی>، به قرینه <الأخره و الأولى> در آیه قبل، می تواند فرجام انسان در دنیا و آخرت باشد.

نگرانی از فرجام شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ نوح (ع)، پیامبری دلسوز برای مردم و نگران آینده ای ناگوار برای مشرکان و کافران قوم خویش بود.

إِنِّیْ أَخَافُ عَلَیْكُمْ

نگرانی از فرجام شوم مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ نوح (ع) ، پیامبری دلسوز برای مردم و نگران آینده ای ناگوار برای مشرکان و کافران قوم خویش بود .

إني أخاف عليكم

نگرانی از فرجام قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۵ - ۱

۱ - تأکید هود)

ع) بر بیمناک بودن درباره سرنوشت قومش، به خاطر بی تقوایی و ناسپاسی آنان

فَاتَّقُوا اللَّهَ .. الذی أمَدَّکم .. إني أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

نگرانی از فرجام گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۲۰

۲۰- مردان الهی، از اعماق وجود، نگران بدفرجامی توده ها و انسان های گمراه

و اذکر أخوا عاد .. إني أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

با توجه به تعبیر <أخوا عاد>، از <إني أخاف ..> استفاده می شود که نگرانی هود(ع) ریشه در عواطف وی داشته است.

نگرانی از فقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۰ - ۴

۴- انسان ها، حتی با مالک بودن تمامی خزاین رحمت پروردگار، باز هم گرفتار بخل و نگران تهی دستی خویشند.

قل لو أنتم تملکون خزائن رحمة ربی إذا لأمسکتهم خشية الإنفاق

با توجه به اینکه خداوند، خصلت بخل را برای تمامی انسانها دانسته است (و کان الإنسان قتوراً) احتمال دارد که مخاطب (لو أنتم تملکون) تمامی انسانها باشند.

نگرانی از قدرت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۹

۳۹- کافران، آرزومند ضعف و وابستگی امت اسلامی و نگران از قدرت و استقلال آنان

کرر ع أخرج .. لیغیظ بهم الکفار

نگرانی از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲۱

۲۱ - وجود قیامت ، دغدغه جدی انسان ، حتی برای آنان که ظاهراً منکر آن هستند .

و ما أظنّ

الساعة قائمه و لئن رجعت إلى ربّي

نگرانی از کیفیت عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۸ - ۳

۳ - لزوم نگرانی همیشگی انسان ، از چگونگی عملکرد خود در برابر خدا

و قل رب اغفر و ارحم

از این که خداوند به صورت رهنمودی کلی، پیامبر(ص) و بالتبع همه انسان ها را به استغفار فرا خوانده است، مطلب فوق استفاده می شود.

نگرانی از گسترش بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۴

۴- نگرانی حضرت ابراهیم (ع) از انحراف فرزندان خود و از گسترش کامل و نفوذ بی رقیب آیین شرک و بت پرستی در میان مردم عصر خویش

و اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام . ربّ إنهنّ أضللن كثيرا من الناس

نگرانی از گسترش شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۴

۴- نگرانی حضرت ابراهیم (ع) از انحراف فرزندان خود و از گسترش کامل و نفوذ بی رقیب آیین شرک و بت پرستی در میان مردم عصر خویش

و اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام . ربّ إنهنّ أضللن كثيرا من الناس

نگرانی از گمراهی آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۶ - ۲

۲ - نگرانی ابراهیم (ع) از گمراهی دیرینه پدر خود

و اغفر لأبی إنّه کان من الضالّین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که دعای ابراهیم(ع) در زمان حیات پدرش بوده باشد. بر این اساس به کارگیری <کان> در جمله

>إِنَّهٗ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ < بیانگر گمراهی دیرینه پدرش است.

نگرانی از گمراهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۸ - ۳

۳ - موسی (ع) از القای شبهه و احتمال گمراهی مردم به واسطه سحر ساحران نگران بود .

قلنا لاتخف إِنَّكَ أَنْتَ الْاَعْلَى

جمله >إِنَّكَ أَنْتَ الْاَعْلَى< تعلیل برای <لاتخف> است و دلالت می کند که موسی(ع) از این نگران بود که معجزه او با سحر ساحران مشتبّه گردد و مردم به حقانیت او پی نبرند. خداوند با بیان برتری قطعی او، زمینه هراسش را از بین برد.

نگرانی از مکر دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۰ - ۶

۶ - بیم پیامبر (ص) از کارساز بودن توطئه های دشمنان و عقیم ماندن برنامه های تبلیغی خود

و لاتكن في ضيق مما يمكرون

ظاهراً پیامبر(ص) نگران از این بود که طرح ها و نقشه های دشمنان علیه او و رسالت الهی اش مؤثر واقع شود و این نگرانی، اسباب دلتنگی و آزردهی خاطر آن حضرت را فراهم کرده بود.

نگرانی از نفوذ موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۳

۳ - نگرانی فرعون ، از نفوذ سخنان موسی (ع) در دل ارکان حکومت خویش

فتوئی برکنه

نگرانی از وارثان بد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۲

۲- زکریا (ع)، نگران قرار گرفتن میراث وی و همسرش در اختیار ناهلان بود.

فهب لی

من لدنك وليًا . يرثني و يرث من ءال يعقوب

نگرانی از هجرت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۵ - ۵

۵ - بیم فرعون از ناگزیر شدن قبطیان به ترک سرزمین خویش با پیروزی موسی (ع)

یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

نگرانی اشراف قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۶ - ۴

۴ - اشراف جامعه پس از نوح ، نگران گرایش توده مردم به پیامبرشان

هیئات هیئات لما توعدون

تأکیدهای مکرر اشراف و اصرار شدید آنان بر دروغ بودن ادعاهای پیامبر جامعه پس از نوح، حکایت از آن دارد که وحشت آنان از این بود که مبادا توده های مردم، تحت تأثیر سخنان آن پیامبر قرار گرفته و به او گرایش پیدا کنند.

نگرانی اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۶ - ۴

۴ - اشراف جامعه پس از نوح ، نگران گرایش توده مردم به پیامبرشان

هیئات هیئات لما توعدون

تأکیدهای مکرر اشراف و اصرار شدید آنان بر دروغ بودن ادعاهای پیامبر جامعه پس از نوح، حکایت از آن دارد که وحشت آنان از این بود که مبادا توده های مردم، تحت تأثیر سخنان آن پیامبر قرار گرفته و به او گرایش پیدا کنند.

نگرانی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۶

۶- نگرانی و ترس اقوام کفرپیشه از گسترش و تأثیر تعالیم انبیا در صورت حضور آنان در جامعه

لنخرجنکم من أرضنا أو لتعودنّ فی

نگرانی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۲

۲- همه انسان ها نسبت به سرنوشت خویش در قیامت ، نگرانند .

یوم تأتي كل نفس تجدل عن نفسها

مجادله و دفاع کردن هر کسی از خویشتن، دلیل نگرانی افراد در روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۰ - ۷

۷- نگرانی از تأمین معاش و زندگی ، امری طبیعی و رایج در میان انسان ها است .

إِنَّ أَرْضِي وَسَعَةٌ .. وَ كَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَاتَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا

بنابراین احتمال که این آیه، در صدد دفع توهمی باشد که در میان مسلمانان مکه، پس از توصیه به هجرت پدید آمده است، نکته یاد شده به دست می آید.

نگرانی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۳

۳ فرزندان یعقوب ، نگران وضعیت رو به وخامت پدر خویش و ناراحت از قرار گرفتنش در معرض بیماری و هلاکت

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرصاً أو تکون من الهلکین

نگرانی برای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حضرت ابراهیم (ع) از عذاب قوم لوط ، با وجود لوط (ع) در میان آنان ، نگران بود .

و لما جاءت رسلنا .. قالوا انا مهلكوا اهل هذه القرية .. قال ان فيها لوطا

۲ - حضرت ابراهیم (ع) با ملائکه درباره عذاب قوم لوط ، با وجود حضرت لوط

(ع) در میان آنان به گفت و گو پرداخت .

قالوا إنا مهلكوا أهل هذه القرية .. قال إن فيها لو طًا قالوا نحن أعلم بمن فيه

نگرانی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۸

۸ بندگان خالص خدا ، بسیار نگران و هراسناک از لغزش خویش و نافرمانی خدا

ربنا اصرف عنا عذاب جهنم إن عذابها كان غرامًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عذاب دوزخ برای کیفر دادن مجرمان است. بنابراین ترس عبادالرحمان از عذاب دوزخ، حاکی از آن است که آنان از جرم و خطایی که مرتکب شده اند هر چند ارتکاب جرم از ایشان بسیار کم اتفاق می افتد بسیار نگران و مضطرب اند.

نگرانی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۶ - ۹

۹ بهشتیان در آستانه ورود به بهشت در عین امید به حضور در آن جایگاه رفیع ، نگران از تغییر سرنوشت خویشند .

لم یدخلوها و هم یطمعون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر فاعلی در <لم یدخلوها> و <یطمعون> به أصحاب الجنه، برگردانده شود. بر این مبنا جمله <لم یدخلوها> حال برای <أصحاب الجنه> است. گفتنی است <یطمعون> (امید دارند) اشاره به نگرانی آنان دارد که مبادا از ورود به بهشت منع گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۷

۷ راهیان بهشت در عین امیدواری برای ورود به بهشت ، نگران ملحق شدن به دوزخیان هستند .

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمين

نگرانی بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۳

۳ - افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

توییح شدید متخلفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه؛ بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول توییح خداوند باشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

نگرانی پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۷ - ۴

۴ - نگرانی از فریفته شدن مردم با تبلیغات سوء و مشتبه شدن حق و باطل بر آنان ، امری بایسته و هراسی نیکو است .

فأوجس فی نفسه خیفه موسی

نهی از خوف که در آیه بعد آمده است، موسی(ع) را به خاطر نگرانی اش، تخطئه نکرده است؛ بلکه جمله <إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى> از فرجام کار و این که پیروزی با موسی(ع) خواهد بود، خبر می دهد و نگرانی موسی(ع) را زایل می کند.

نگرانی پیروان ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۳

۳ - نگرانی ابراهیم(ع) و همراهانش ، از آسیب پذیری ایمانشان در کوران مشکلات *

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا

در صورتی که <فتنه> به معنای <مفتوناً و معدّباً> باشد؛ از سیاق آیات استفاده می شود که نگرانی ابراهیم(ع) و همراهانش، در نهایت متوجه ثبات بر توحید و برائت

از مشرکان بوده است.

نگرانی پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۵

۵ پیروان نوح ، به هنگام سوارشدن بر کشتی نجات ، نگران گناهان و تخلفات خویش بودند .

قال اركبوا فيها .. إن ربی لغفور رحیم

نگرانی حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۳

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

نگرانی خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۲،۳

۲ - خواهر موسی ، از افکنده شدن برادر کوچکش به نیل مطلع و نگران بود و گام به گام به تعقیب جعبه حامل وی پرداخت .

إذ تمشی أختك فتقول

حرکت کردن خواهر موسی در پی او، نشانگر آن است که وی از جریان موسی(ع) و به آب افکنده شدن او و نیز اجمال حوادثی که در پیش است، مطلع بوده است.

۳ - خواهر موسی ، تا زمان نجات او از آب و مشاهده تلاش درباریان فرعون برای یافتن دایه ، به تعقیب وی ادامه داد .

إذ تمشى أختك فتقول هل أدلكم

ظاهر <هل أدلكم> آن است که خواهر موسی، تصاحب او را از سوی فرعونیان دیده و با رساندن خود به

درباریان، پیشنهاد خود را بدون واسطه با مقامات دربار و کسانی که در طلب دایه بودند، مطرح کرده بود.

نگرانی در مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۸،۹

۸ برخی از مجاهدان بدر گرفتار پلیدی و نگرانیهایی از سوی شیطان بودند .

و یذهب عنکم رجز الشیطن

۹ فقدان آب برای تحصیل طهارت و برطرف کردن نجاست ها ، مایه وسوسه شیطان و ایجاد نگرانی در پیکارگران بدر

لیطهرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطن

نبودن لام در <یذهب> بیانگر این است که <یذهب .. > مترتب بر <لیطهرکم ... > است. و تناسب تطهیر با برطرف شدن رجز شیطان اقتضا می کند که مراد از رجز شیطان وسوسه هایی باشد که شیطان بر اثر نبودن آب برای طهارت در مجاهدان ایجاد می کرده است.

نگرانی در محضر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۷

۷ - جایگاه حضور نزد خداوند ، مقامی رعب آور و شایسته دغدغه خاطر

و أمّا من خاف مقام ربّه

<مقام ربّه>، ممکن است به معنای <محضر پروردگار> باشد، یعنی، مقامی که خداوند برای حسابرسی بندگان، آنان را در آن مقام قرار می دهد. این مقام، گرچه مستند به بندگان است، ولی چون آنان به فرمان خداوند در آن مقام قرار گرفته اند، عنوان <مقام ربّه> بر آن منطبق است.

نگرانی در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- وجود نگرانی در مسلمانان ، نسبت به سرنوشت و خطرات >

لتدخلن المسجد الحرام إن شاء الله ءامين. .. لاتخافون

تعبیر <لاتخافون>، در واقع جنبه بشارتی دارد و در مقام اطمینان بخشی به مسلمانان و رفع نگرانی از آنان است.

نگرانی رهبران منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴ - ۷

۷ - صحنه گردانان نفاق در عصر بعثت ، نگران تمایل پیروانشان به اسلام بودند .

قالوا إنا معكم إنما نحن مستهزءون

حصر در جمله <إنما .. > حصر اضافی و از نوع <حصر قلب> است. کاربرد این گونه حصر در موردی است که گوینده در صدد بر طرف کردن توهمی باشد که مخاطب به آن می اندیشد. این توهم در جمله <إنما نحن .. > گرایش منافقان پیرو، به اسلام است.

نگرانی زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۱

۱- زکریا (ع) ، نگران تصرفات ناروای آنان که پس از مرگ او زمام مسؤولیت های وی را به دست می گیرند .

و إني خفت المولى من وراءی

<مولى> و <ولئى> به یک معنا است؛ یعنی، کسی که پس از شخص، امور مربوط به او را سرپرستی کند (تاج العروس)؛ گرچه با او خویشاوند نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۲

۲- زکریا (ع) ، نگران قرار گرفتن میراث وی و همسرش در اختیار ناهلان بود .

فہب لی من لدنک ولّیّا . یرثنی و یرث من ءال یعقوب

نگرانى شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ -

۲۲ شعيب (ع) نگران آینده ای ناگوار برای مشرکان و گنه کاران مردم خویش

إني أخاف عليكم عذاب يوم محيط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ - شعيب (ع) ، نگران رد شدن پیشنهاد وی از سوی موسی (ع)

و ما أريد أن أشق عليك

این که حضرت شعيب (ع) بلافاصله اعلام می کند من قصد ندارم بر تو سخت بگیرم، در بردارنده نوعی درخواست از سوی شعيب (ع) است که موسی (ع) پیشنهاد او را رد نکند.

نگرانی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۶

۱۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، هراسان از فرجام خویش و نگران از کوتاهی در برابر عظمت خداوند

الذين ءامنوا و عملوا الصلحت .. ذلك لمن خشي ربه

ترس از خداوند، به معنای نگرانی و هراس از فرجام خویش هنگام روبه رو شدن با او است.

نگرانی غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۸ - ۴

۴ انسان های غافل از یاد خدا و ذکر او ، انسانهایی مضطرب و نگرانند .

ألا بذكر الله تطمئن القلوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۵ - ۲،۵

۲ - نگرانی فرعون از تأثیر معجزات موسی در اطرافیان

یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

۵ - بیم فرعون از ناگزیر شدن قبطیان به ترک سرزمین خویش با پیروزی موسی (ع)

یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- نگرانی فرعون ، از نفوذ سخنان موسی (ع) در دل ارکان حکومت خویش

فتوئی برکنه

نگرانی قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ مسلمانان سست ایمان و بیمار دل عصر بعثت ، نگران از سرنوشت خویش به خاطر پندار بی ثباتی و شکست اسلام

يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة

مراد از <دائرة> می تواند چرخش وضع موجود و برگشت به حالت سابق باشد. یعنی شکست اسلام و برگشت کفر و شرک.

نگرانی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۴ - ۲

۲- شدت خشم و نگرانی قوم ابراهیم ، از شکسته شدن بت های شان

فأقبلوا إليه يزفون

حرکت شتابان قوم ابراهیم به جانب آن حضرت پس از شکسته شدن بت ها، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

نگرانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۹

۳۹- کافران ، آرزومند ضعف و وابستگی امت اسلامی و نگران از قدرت و استقلال آنان

كز ع أخرج... ليغيظ بهم الكفار

نگرانی گروههای نه گانه قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۶

۶ - توطئه گران علیه صالح ، نگران عکس العمل و مقاومت یاران وی در قبال هجوم علنی آنان

لنبيته و اهله ثم لنقولن لوليه ما شهدنا مهلك اهله

طرح هجوم شبانه و اندیشه کردن در چگونگی پاسخ به ولی دم، نشانگر نگرانی آنان است.

نگرانی لوط(ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۴

۴ لوط (ع) با ورود فرشتگان، عرصه را بر خویشتن تنگ دید و ناراحتی و اندوه وی را فرا گرفت.

و لما جاءت رسلنا لوطاً سىء بهم و ضاق بهم ذرعاً

<ذرعاً> - که به معنای کشیدن ذراع دست است - تمییزی مبدل از فاعل می باشد. بنابراین این <ضايق بهم ذرعاً>؛ یعنی، ضایق ذرعاً (تنگ شد ذراع دستش به سوی آنان) و تنگ شدن ذراع به طرف کسی یا چیزی مثل است برای کسی که از انجام کاری ناتوان است و بدان دست رسی ندارد. <سىء> فعل مجهول <ساء> (ناراحتش کرد) است و <باء> در <بهم> سببه است. بنابراین <سىء بهم> یعنی به سبب (آمدن) آنها برای لوط ناراحتی ایجاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۷

۷- حضرت لوط (ع) از نیت سوء و تجاوز کارانه قومش نسبت به مهمانان خویش باخبر و از آن به شدت نگران و بیمناک بود.

قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

درخواست لوط(ع) از قومش برای اجتناب از عملی شرم آور، به دنبال روانه شدن آنان به در خانه آن حضرت بی آنکه توضیح دیگری داده شده باشد حکایت از این نکته می کند که لوط(ع) از قصد آنان باخبر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۵ - ۲

۲ - اظهار شگفتی و نگرانی لوط (ع) ، از انحراف فصاحت بار قوم خویش

أئنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۹

۹ - فرشتگان ، به لوط (ع) برای بر طرف کردن دلهره و هراس او ، دلداری دادند .

و قالوا لا تخف و لا تحزن

نگرانی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۳

۳ - افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

ليس على الأعمى حرج و لا على الأعرج حرج و لا على المريض حرج

تویبش شدید متخلفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول تویبش خداوند باشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

نگرانی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۱

۱ - متقین ، در دنیا همواره در اندیشه آخرت و نگران از فرجام اخروی خویش

قالوا إنا كنا قبل في أهلنا مشفقين

<اشفاق> در معنای <ترس و نگرانی> و <خیر خواهی شدید> به کار می رود (القاموس المحيط). در آیه شریفه اگر <فی أهلنا> متعلق به <کنا> باشد، واژه <مشفقین> ظهور در معنای اول و اگر متعلق به <مشفقین> باشد، ظهور در معنای دوم دارد. برداشت بالا بر پایه احتمال اول است.

نگرانی محمد (ص) در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۲۶ - ۲

۲ نگرانی پیامبر)

ص) در جنگ حنین از فرار مسلمانان و شکست جبهه اسلام

ثم وليتم مدبرين. ثم أنزل الله سكينته على رسوله

نگرانی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۹ - ۶

۶ - پیامبر (ص) خود را مسؤول ایمان و عملکرد انسان ها دانسته و نگران انجام وظیفه خویش بود .

إنا أرسلناك بالحق بشيراً و نذيراً و لاتستل عن أصحاب الجحيم

تعیین وظیفه پیامبر(ص) به بشارت و انداز و نفی مؤاخذه او به خاطر کفرورزی مردم، گویای نگرانی پیامبر(ص) از ایمان نیاوردن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱

۱ گرایش سریع و تلاش مستمر برخی از مردم به سوی کفر ، دغدغه آفرین برای پیامبر (ص)

يأيتها الرسول لا يحزنك الذين يسرعون في الكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۳

۱۳ پیامبر (ص) ، نگران آسیب رسانی یهود به اسلام و مسلمانان در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً

به نظر می رسد مراد از <يضروك> آسیب رسانی به اسلام و جامعه ایمانی باشد، زیرا رسول خدا(ص) نگران آسیب دیدن شخص خود نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۶ - ۲

۲ پیامبر اکرم (ص) با اضطراب و نگرانی چشم به راه نزول عذاب از جانب خداوند بر مشرکان بود .

و إنا نرینک بعض الذی نعدهم أو نتوفینک فإلینا مرجعهم

آیه شریفه در مقام

دلداری دادن به پیامبر اکرم (ص) است و این، از وجود نوعی نگرانی و ناراحتی در آن حضرت حکایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۷

۱۷ محمد (ص) ، پیامبری دلسوز برای مردم و نگران از آینده ای ناگوار برای مشرکان و گنه کاران

فإني أخاف عليكم عذاب يوم كبير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۵ - ۶

۶- پیامبر (ص) نسبت به دشمنی ، آزار روحی و تمسخر مشرکان و کافران در صورت علنی و آشکارا نمودن دعوت خویش ، نگران بود .

فاصدع بما تؤمر .. إنا كفيнок المستهزين

جمله <إنا كفيناك المستهزين> احتمال دارد پاسخی باشد در برابر نگرانیهای پیامبر(ص) که ممکن بود پس از فرمان آشکار کردن دعوت خود و اعراض از مشرکان (فاصدع بما تؤمر .. و أعرض عن المشركين) بروز کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۱۴

۱۴ - تسلی خداوند به پیامبر (ص) برای نگران نبودن از روی گردانی مردم از حق و دین الهی

فإن تولّوا .. و ما على الرسول إلاّ البليغ المبين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تسلی دادن به پیامبر(ص) در برابر حق گریزی کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳ - ۱

۱ - نگرانی و اندوه شدید پیامبر (ص) به خاطر عدم گرایش کافران به ایمان

لعلك يخع نفسك

واژه <لعلّ> در مواردی که انتظار وقوع امر ناخوشایندی می رود به معنای اشفاق و بیم داشتن است و <بئخ> (مصدر <باخع>) نیز به معنای تباه ساختن و از بین بردن می باشد. بنابراین <لعلک باخع نفسک> یعنی، بیم آن می رود که تو جان خویش را تباه سازی. از این رو معلوم می شود که پیامبر(ص) از این که کافران ایمان نمی آوردند، چنان اندوهگین می شد که ترس آن می رفت که جان خویش را از دست بدهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۰ - ۶

۶ - بیم پیامبر (ص) از کارساز بودن توطئه های دشمنان و عقیم ماندن برنامه های تبلیغی خود

و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون

ظاهراً پیامبر(ص) نگران از این بود که طرح ها و نقشه های دشمنان علیه او و رسالت الهی اش مؤثر واقع شود و این نگرانی، اسباب دلتنگی و آزردهی خاطر آن حضرت را فراهم کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۶

۶ - پیامبر (ص) ، نگران کوتاهی خویش در تبلیغ و رساندن پیام وحی به همگان

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ .. إِذَا وَلَّوْا مَدْبِرِينَ

احتمال می رود که این آیه از آن جهت آمده باشد که پیامبر(ص) نگران ایفای رسالت خویش بوده است. خداوند برای رفع این نگرانی، می فرماید: صدای تو رسا و تلاش تو کافی است و ولی آنان مرده و ناشنوا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۵

۵ - پیامبر

(ص) با اضطراب و نگرانی چشم به راه نزول عذاب از جانب خداوند بر مشرکان و کافران بود .

فَإِذَا نَرَيْتَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعْدَهُمْ أَوْ نَتُوفِّيَنَّكَ فَاَلَيْنَا يَرْجِعُونَ

آیه شریفه، در مقام دل‌داری به پیامبر اسلام (ص) است و این، از وجود نوعی نگرانی و ناراحتی در آن حضرت حکایت می‌کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۶ - ۶

۶ - پیامبر (ص) ، نگران فراموش کردن آیات قرآن و در تلاش برای حفظ آن

سَنَقْرَأُكَ فَلَاتَسِي

اطمینان بخشیدن به پیامبر (ص) که قرآن را فراموش نخواهد کرد نشانگر نگرانی آن حضرت از خطر فراموشی است.

نگرانی مرتدان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۶

۶ مرتدان بنی اسرائیل به خاطر دوران گوساله پرستی ، نگران آینده ای زیانبار برای خویش بودند .

لئن لم يرحمنا ربنا و يغفر لنا لنكونن من الخسرین

نگرانی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۹ - ۱

۱- مأمور ویژه الهی در پاسخ به نگرانی مریم (س) خود را به او شناساند و فرستاده خدا بودن خود را به او ابلاغ کرد .

قالت إنني أعوذ .. قال إنما أنا رسول ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مریم - ۱۹ - ۲۰ - ۲

۲- مریم (س) از متهم شدن به زنا، در پی دریافت بشارت به عیسی (ع) نگران بود.

أَنْتِي يَكُونُ... وَلَمْ أَكْ بَعْثًا

با این که <لم یمسسنی بشر>

برای نفی اسباب عادی حامله شدن کافی بود، ولی جمله <و لم أک بغیاً> نیز از مریم(س) صادر گردید. برخی آن را قرینه براین قرار داده اند که <لم یمسنی...> تنها به نکاح مشروع نظر دارد و <لم أک بغیاً> نوع نامشروع آن را نفی می کند؛ و محتمل است مراد از <لم یمسنی...> مطلق هم بستری باشد و اضافه شدن <لم أک بغیاً> به این خاطر است که مریم(س) دریافت که در صورت حامله شدن، به زنا متهم خواهد شد. و با این سخن، اظهار کرد که تحمل آن اتهام، بر من سنگین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۲

۲- جبرئیل در پاسخ به سؤال و نگرانی مریم بر حتمی بودن وعده الهی و حامله شدن او به عیسی (ع) تأکید کرد .

قال كذلك

چنان چه مشارالیه <ذلك> مضمون رسالت جبرئیل باشد، در این صورت تأکیدی بر تحقق حتمی بشارت است؛ یعنی <موضوع همان گونه است که گفتم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۳ - ۶،۷

۶- ناراحتی ها و فشار های روحی مریم (س) به هنگام تولد عیسی (ع) ، خارج از حدّ توصیف بود .

فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة قالت يلىتنى متّ قبل هذا و كنت نسیاً منسیاً

آرزوی مرگ از جانب شخصیتی چون مریم(س) که مورد عنایت خاص خداوند بود، باید در شرایطی صورت گرفته باشد که وضعیتی فوق تحمل و طاقت برایش پیش آمده باشد، این حالت به قرینه آیات بعد فشارهای روحی ناشی

از احتمال اتهام و آوارگی حاصل از آن است.

۷- مرگ در حال بارداری و یا پس از وضع حمل، نمی‌توانست پایان بخش نگرانی‌های مریم (س) باشد.

یلتنی متّ قبل هذا

<هذا> در کلام مریم(س)، اشاره به اصل بارداری است نه آوارگی و تنهایی و سختی زایمان، زیرا پیدایش این امور به خواست خود مریم و برای رهایی از زخم زبان مردم بود، بنابراین او که از اتهام زنا، حتی پس از مرگ خود بیم داشت، رهایی از اتهام را در گرو مرگ پیش از بارداری می‌دید.

نگرانی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۱

۱ مشاهده سپاه برتر مشرکان جنگ بدر مایه نگرانی مسلمانان و احساس خطر از سوی آنان برای کیان اسلام

إذ تستغيثون ربكم

واژه <استغاثه> معمولاً در موردی به کار می‌رود که استغاثه‌کننده در طلب نجات از تنگنایی شدید باشد.

نگرانی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ مسلمانان سست ایمان و بیمار دل عصر بعثت، نگران از سرنوشت خویش به خاطر پندار بی‌ثباتی و شکست اسلام

يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة

مراد از <دائره> می‌تواند چرخش وضع موجود و برگشت به حالت سابق باشد. یعنی شکست اسلام و برگشت کفر و شرک.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۸

۸ مسلمانان صدر اسلام نگران توطئه‌های پنهانی کافرانی که مخاصمات را ترک گفته و حاضر به صلح می‌شدند.

فإن الله بما يعملون بصير

جواب شرط <انتهاوا> به قرینه <قتلوهم> جمله ای همانند <فلاتقتلوههم> است / یعنی اگر کافران دست از فتنه انگیزی برداشتند و راه مسالمت پیش گرفتند با آنان نبرد نکنید. با توجه به این معنا معلوم می شود هدف از بیان آگاهی خداوند به اعمال این گروه از کافران، این است که مسلمانان را از این نگرانی برهاند که شاید صلح جویی آنان دستاویزی برای توطئه و فتنه ای دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۷

۷ نگرانی برخی از مسلمانان صدر اسلام، از قطع روابط خویشاوندی، کساد تجارت و از دست دادن خانه های دلپسندشان بر اثر ممنوع شدن از برقراری روابط با کافران

يأيتها الذين آمنوا لا تتخذوا .. قل إن كان ءاباؤكم و أبناؤكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۸

۸ نگرانی برخی از مسلمانان، از مختل شدن نظام اقتصادی خود در نتیجه قطع رفت و آمد مشرکان به مکه

فلا يقربوا المسجد الحرام .. و إن خفتم عيله فسوف يغنيكم الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۶

۶ - احساس خطر و نگرانی شدید مسلمانان در پی انتشار شایعه < افك > در میان جامعه

إن الذين جاءو بالإفك .. لا تحسبوه شرًا لكم بل هو خير لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۳

۳ - وجود زمینه های نگرانی برای مسلمانان از

همدستی جامعه یهود علیه آنان (پس از غزوه بنی نضیر)

لا یقتلونکم جمیعاً إلا فی قرّی محصّنه

از این که خداوند، همدستی کافران در نبرد و رویارویی با مؤمنان را نفی کرده است؛ چنین احتمال می رود که نگرانی هایی در میان مسلمانان وجود داشته است.

نگرانی مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۰ - ۵

۵ - مسلمانان مکه ، در صورت هجرت از مکه ، نگران معاش خود بودند .

إِنَّ أَرْضِي وَسِعَهُ .. و كَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَاتَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِنَّا كَافِرُونَ

این که خداوند پس از توصیه به هجرت برای حفظ ارزش دینی، رازقیت خود را مطرح می کند و یادآوری می کند که خیلی از جنبندگان، قادر به تأمین روزی خود نیستند، احتمال دارد درصدد دفع توهم و پرسشی باشد که مسلمانان، آن را در ذهن خود داشته اند. برداشت بالا براساس احتمال یاد شده است.

نگرانی معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۳

۳ - افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ

توبیخ شدید متخلفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه؛ بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول توبیخ خداوند باشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

نگرانی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۹ - ۲

۲ - قیامت ، حادثه ای سنگین و با عظمت و صحنه سایه افکندن نگرانی و ترس بر منکران معاد

أبصرها خشعه

فروتی و ذلت منکران معاد در صحنه قیامت، حاکی از عظمت و هول آور بودن آن است.

نگرانی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- فرشتگان ، بر اثر ترس از خداوند ، هراسان و نگران اند .

و هم من خشیته مشفقون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <من> برای تعلیل و سببیت باشد.

نگرانی ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۶

۶ - نگرانی بلقیس از قدرت و غلبه سلیمان (ع) ، علی رغم اظهار آمادگی فرماندهان وی برای هر نبرد

قالوا نحن أولوا قوه .. قالت إن الملوك إذا دخلوا قرية أفسدوها

طرح مسأله تباهی جامعه در صورت بروز جنگ، بیانگر مطلب یاد شده است.

نگرانی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۲ - ۵

۵ منافقان از برملا شدن افکار و اهدافشان برای مؤمنان ، نگران بودند . *

يُحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ

از قسم خوردن منافقان، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۵

۵ نگرانی شدید منافقان از افشای ماهیت پلید و برملا شدن ناخشنودی آنان از آیات الهی ، نزد دیگران

هل يريكم من أحد ثم انصرفوا

نگرانی منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۴ - ۱

۱ بیم و نگرانی منافقان صدر اسلام ، از افشای اسرارشان توسط وحی

يحذر المنفقون أن تنزل عليهم سورة تنبئهم بما في قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۹ - ۵

۵- نگرانی شدید منافقان صدر اسلام ، از افشای چهره واقعی آنان

أم حسب .. أن لن يخرج الله أضغثهم

از این که خداوند، منافقان را به افشای اسرارشان تهدید کرده؛ معلوم می شود که شرایط آنان به گونه ای بوده که رسوایی، برایشان بسیار سخت تمام می شده است.

نگرانی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۵

۵ موسی (ع) در عین امیدواری به هلاکت فرعون و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل ، نگران عدم ایجاد شرایط آن از سوی قوم خویش بوده است .

عسى ربكم أن يهلك عدوكم ويستخلفكم فى الأرض

کلمه <عسى> حکایت از آن دارد که موسی(ع) یقین به هلاکت فرعون و حاکمیت یافتن قومش نداشته است و شاید دغدغه خاطر او بدان جهت بود که وی اطمینان نداشت مردمش شرایطی را که برای پیروزی مطرح ساخته بود (استعینوا بالله ..) رعایت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱۹

۱۹ موسی (ع) نگران توطئه مفسدان بنی اسرائیل در غیاب خویش

و لا تتبع سبیل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۸،۹

۸ موسی)

ع) ، نگران شمول عذاب الهی بر همه قوم خویش *

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره .. قال عذابی أصیب به من أشاء

به نظر می رسد تقاضای موسی(ع) با جمله <و اکتب لنا .. > و تعلیل آن با جمله <إنا هدنا إلیک>، ناشی از واقعه ای است که در آیه قبل بیان شد و آن عبارت بود از هلاکت همه همراهان به سبب سفاهت گروهی از ایشان. گویا موسی(ع) از آن واقعه چنین برداشت کرد که با گناه گروهی از بنی اسرائیل همه آنان در خطر نابودی خواهند بود و لذا نگران شد و از خدا چنین تقاضایی کرد.

۹ خداوند با بیان عدم تقدیر عذاب بر همگان و جریان آن بر اساس مشیت خویش ، موسی (ع) را از نگرانی شمول عذاب بر همه بنی اسرائیل رها ساخت .

قال عذابی أصیب به من أشاء و رحمتی وسعت کل شیء

جمله <عذابی أصیب به من أشاء> در مقابل <و رحمتی وسعت کل شیء>، بیانگر این است که خداوند خواهان عذاب همگان نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۲۲

۲۲ - خداوند موسی (ع) را از اندوه و نگرانی بر ارتکاب قتل نفس ، نجات بخشید .

و قتلت نفسًا فنجینک من الغم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۵

۵ - نگرانی موسی و هارون (ع) از ناکامی در ابلاغ پیام خداوند به فرعون

إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۳،۴

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ - موسی (ع) ، از برخورد با نیروهای فرعون و بروز مشکلات دیگر در مسیر هجرت از مصر نگران بود .

أسر بعبادی . . . لاتخف درگا و لاتخشی

<درک> به معنای ملحق شدن و رسیدن و نیز به معنای پی آمد است (قاموس). نفی هرگونه پی گیری و پی آمد و نیز اطمینان بخشیدن به موسی(ع) در مورد امنیت مسیر هجرت، نشان از وجود زمینه تعقیب شدن و نیز نگرانی های دیگر در این مسیر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - موسی (ع) نگران مواجه شدن با تکذیب فرعونیان

قال ربّ إنّی أخاف أن یکذبون

۲ - اقدام موسی (ع) مبنی بر بیان ترس و نگرانی خویش به خداوند .

قال ربّ إنّی أخاف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۱ - ۲

۲ - موسی (ع) نگران پیش آمدن حادثه ای ناگوار برای خویش ، به هنگام خروج از شهر مصر بود .

فخرج منها خائفاً یترقّب

<تَرَقَّب> (مصدر <یتَرَقَّب>) به معنای انتظار است. در این جا مفعول <یتَرَقَّب> حذف شده است؛ یعنی، <ینتظر وقوع المکروه به>.

نگرانی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۳

۳ مؤمنان راستین ، همواره نگران اعمال خویش و در حال استغفار

التَّابُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۳

۳ - مؤمنان راستین ، در عین انجام تکالیف الهی ، از فرجام کار خویش نگران اند .

و قلوبهم و جلّه أنّهم إلى ربّهم رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۸،۱۰

۸ - اقدام مؤمنان ، به بیعت رضوان ، علی رغم همه نگرانی ها و احساس خطر ها *

يباعونك تحت الشجره فعلم ما في قلوبهم

می توان گفت: مراد از <ما فی قلوبهم> به قرینه <فأنزل السکینه> نوعی اضطراب و نگرانی و احساس خطر نسبت به رخدادهای آینده آن سفر باشد.

۱۰ - منافات نداشتن کمال و ارزش عمل مؤمنان ، با داشتن نگرانی از مشکلات آن

رضی الله عن المؤمنین .. فأنزل السکینه علیهم

رضایت الهی، نشانگر ارزش بیعت مؤمنان است. <أنزل السکینه> نیز بیانگر وجود نوعی اضطراب و نگرانی در دل آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۷ - ۱

۱ - ترس و نگرانی از عذاب پروردگار ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین هم من عذاب ربّهم مشفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۶

۱۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، هراسان از فرجام خویش و نگران از کوتاهی در برابر عظمت خداوند

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. ذلک لمن خشی ربّه

ترس از خداوند، به معنای نگرانی و هراس از فرجام خویش هنگام روبه رو شدن با او است.

نگرانی مؤمنان

راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱۲

۱۲ مؤمنان راستین نگران حسن عاقبت خویش و باقی ماندن بر طریق ایمان تا آخرین لحظات

و توفنا مسلمین

نگرانی مؤمنان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۷

۷ نگرانی برخی از مؤمنان ، در رابطه با استغفار خویش برای بعضی از مشرکان در گذشته ، پس از بیان حرمت آن از سوی خداوند

ما كان للنبي و الذين ءامنوا أن يستغفروا للمشركين .. و ما كان الله ليضل قوماً

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل و نیز شأن نزول آن، استفاده می شود که آیه شریفه در مورد رفع نگرانی کسانی است که قبل از علم به حرمت، برای مشرکان استغفار کرده بودند.

نگرانی ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۶ - ۴

۴ - با وجود تضمین همراهی و یاری خداوند ، نگرانی و ترس از عواقب کارها ، فاقد توجیه است .

لاتخافا إني معكما

<إني معكما> تعلیل برای <لاتخافا> می باشد؛ یعنی، نترسید چون من با شما هستم پس آن جا که تضمین یاری الهی در کار باشد، ترس و نگرانی بی مورد خواهد بود.

نگرانی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۸

۱۸ نوح ، نگران مبتلا شدن قومش به کیفر دنیوی (طوفان) بر اثر شرک‌ورزی و ترک پرستش خداوند

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

بر اساس این احتمال که مراد

از <یوم عظیم> زمان طوفان نوح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ نوح (ع) ، پیامبری دلسوز برای مردم و نگران آینده ای ناگوار برای مشرکان و کافران قوم خویش بود .

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۸

۸ - نگرانی و احساس خطر نوح (ع) ، درباره به خطر افتادن ایمان مؤمنان و نسل های آینده جامعه ، از سوی کافران حق ناپذیر و گمراه گر قوم خود

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

نگرانی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۵

۵ - نگرانی موسی و هارون (ع) از ناکامی در ابلاغ پیام خداوند به فرعون

إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۳،۴

نگرانی هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۵ - ۱

۱- تأکید هود (ع) بر بیمناک بودن درباره سرنوشت قومش ، به خاطر بی تقوایی و ناسپاسی آنان

فَاتَّقُوا اللَّهَ .. الذی أمّدکم ... إني أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۱۷

۱۷- اظهار نگرانی و هشدار هود (ع) ، نسبت به فرجام شوم قوم خویش و نزول عذاب الهی بر آنان

و اذکر

أخا عاد .. إني أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

نگرانی یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۴

۴ - یعقوب (ع) ، نگران باور های دینی فرزندانش پس از مرگ خویش و نبودنش در میان آنان

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۵

۵ یعقوب (ع) ، نگران آسیب دیدن یوسف (ع) از ناحیه برادرانش

فیکیدوا لک کیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۲

۲ یعقوب (ع) همواره از کید فرزندانش علیه یوسف (ع) نگران بود .

یا بانا ما لک لاتأمننا علی یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۴ - ۳

۳ فرزندان یعقوب با یاد آور شدن کثرت نیرو و توان خویش ، نگرانی او (احساس خطر حمله گرگ ها به یوسف) را نابه جا شمردند .

أخاف .. قالوا لئن أکله الذئب و نحن عصبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ یعقوب (ع) در سفر دوم فرزندانش به مصر، حادثه ای را در کمین آنان احساس می کرد و نگران پیشامدی ناگوار برای آنان بود.

لاتدخلوا من باب وحد . . ما أغنی عنکم من الله من شیء

۵ یعقوب (ع) منشأ خطر برای فرزندانش را در آستانه ورودشان به مصر می پنداشت.

لاتدخلوا من

باب وحد . . . ما أغنى عنكم من الله من شيء

۶ یعقوب (ع) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود .

لا تدخلوا من باب وحد . . . ما أغنى عنكم من الله من شيء

از اینکه یعقوب (ع) نه در سفر اول و نه در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من يوسف و أخیه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

۸ یعقوب (ع) ، ورود فرزندانش را به مصر از دروازه های متعدد ، راهی محتمل برای جلوگیری از خطر احساس شده می دید . *

وادخلوا من أبواب متفرقه و ما أغنى عنكم من الله من شيء

نگرانی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۷

۷ یوسف (ع) نگران تأثیر مکر و حيله زلیخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصیت

و إلا تصرف عني كيدهن أصب إليهن

نماز از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نماز

آثار اجتماعی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۴

۴ - برخورداری جامعه اسلامی از حمایت و نصرت خدا ، در گرو اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر است .

الذین ان مکّتهم فی الأرض . . . و نهوا عن المنکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۴

یاد خدا ، برپایی نماز ، الفت و مهربانی بین افراد جامعه ، از نشانه های جامعه رستگار

لعلکم تفلحون. انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و ... و عن الصلوه

آثار اهتمام به نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۹،۱۰

۹- اهتمام به نماز و ضایع نساختن آن ، زمینه ساز مبارزه با هوا های نفسانی و شهوت پرستی

أضاعوا الصلوه واتبعوا الشهوت

تقدیم عبارت <أضاعوا الصلاه> بر <اتبعوا الشهوات> گویای نقش تضییع نماز، در بازشدن راه شهوات است.

۱۰- اهتمام به نماز و پشت پازدن به هوا های نفسانی ، موجب هدایت و نجات از عذاب است .

أضاعوا الصلوه واتبعوا الشهوت فسوف یلقون غیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹ - ۱

۱ - اهمیت دادن به نماز ، مواظبت بر انجام به موقع آن و پرهیز از سهل انگاری در ادای آن ، از عوامل فلاح و رستگاری اخروی است .

قد أفلح المؤمنون .. و الذین هم علی صلوتهم یحافظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰ - ۳

۳ خشوع در نماز ، اجتناب از لغو (گفتار بیهوده و کردار عبث) ، پرداخت زکات ، عفت و پاک دامنی ، امانت داری ، پابندی به عهد و پیمان و اهمیت دادن به نماز و انجام به موقع آن ، تضمین کننده رستگاری اخروی و دستیابی مؤمنان به بهشت

قد أفلح المؤمنون . الذین هم ... أولئک هم الورثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲ - پایبندی به نماز و زکات و باور به آخرت ، شرط بهره‌وری از هدایت و بشارت قرآن

هدی و بشری للمؤمنین . الذین یقیمون الصلوه... و هم بالأخره هم یوقنون

فعل های < یقیمون > و < یؤتون > مضارع و مفید استمرار است؛ یعنی، < هدی و بشری للذین یستمرون علی اقامه الصلاه و ایطاء الزکاه >.

آثار برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۹، ۴، ۳

۳ - پیشه ساختن صبر و اقامه نماز ، طریق های موفقیت و پیروزی بر مشکلات و ناملازمات

و استعینوا بالصبر و الصلوه

۴ - صبر و نماز وسایلی کارساز برای موفقیت در انجام دستور های خدا (ایمان به قرآن ، وفا به عهد های الهی و ...)

أوفوا بعهدی . . . و استعینوا بالصبر و الصلوه

با توجه به آیه های قبل می توان گفت: متعلق < استعینوا > فرامینی است که در آن آیه ها بیان شد؛ یعنی: و استعینوا علی ما امرتکم به و نهیتکم عنه بالصبر و الصلاه.

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرّمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و ...)

و لا تکنوا أول کافر به . . . و استعینوا بالصبر و الصلوه

۹ - باور به آسان شدن مشکلات در پرتو نماز ، حقیقتی که تنها خاشعان بدان ایمان دارند .

و استعینوا بالصبر و الصلوه و إنها لکبیره إلا علی الخشعین

دشواری استعانت از نماز - که مقتضای برگشت ضمیر < إنها > به < استعانت > است - به معنای ناباوری به کارساز بودن

نماز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۴

۴ - برپایی نماز، پرداخت زکات و شرکت در نماز جماعت از جمله سبب های کارساز برای دور ماندن از عذاب ها و مخاطرات روز قیامت

و أقيموا الصلوه .. واتقوا يوماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۲،۳،۴

۲ - برپاداشتن نماز و پرداخت زکات، دارای نقشی بسزا در آماده سازی مسلمانان برای برخورد با دشمنان

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی اللّهُ بأمّره .. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

چون وجوب نماز و زکات، پیش از نزول این آیه برای مسلمانان بیان شده بود، معلوم می شود: تأکید بر آن در این آیه، ارائه رهنمودی است برای تحقق امر یاد شده در آیه (فاعفوا و اصفحوا) و نیز فراهم آمدن زمینه جهاد و مبارزه که فراز <حتی یأتی اللّهُ بأمّره> بدان اشاره دارد. در برداشت فوق <أقيموا الصلاه...> در ارتباط با <حتی یأتی...> معنا شده است.

۳ - اقامه نماز و ادای زکات، عامل شکیبایی بر آزار های دشمنان و زمینه ساز مدارا کردن با ایشان است .

فاعفوا و اصفحوا .. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

در برداشت فوق، جمله <أقيموا الصلاه...> در ارتباط با <فاعفوا و اصفحوا> ملاحظه شده است. در این لحاظ هدف از تأکید بر اقامه نماز و پرداخت زکات، ایجاد توان برای اطاعت امر خداوند (لزوم عفو و گذشت و مدارا کردن با دشمنان) است.

۴ - مسلمانان صدر اسلام، موظف به تقویت بنیه اعتقادی و اقتصادی

خویش با برپا کردن نماز و پرداخت زکات (برای مهیّا شدن زمینه های جهاد و مبارزه)

حتى يأتي الله بأمره .. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۶

۶ - پیشه ساختن صبر و برپایی نماز ، دو وسیله کارساز برای تحمل ترس ها ، گرسنگی ها ، زیان های مالی و جانی و کمبود های به وجود آمده برای سالکان راه ایمان

يأيتها الذين ءامنوا استعينوا بالصبر والصلوه .. و لنبلونكم بشيء من الخوف ... و ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۲ - ۴

۴ تسلیم شدن در برابر پروردگار و اقامه نماز و پروا از او، نشانه برخورداری از هدایت الهی است.

إن هدی الله هو الهدی و أمرنا لنسلم .. و أن أقيموا الصلوه و اتقوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۱،۵،۸

۱ یهودیانی که به تورات چنگ زند و به محتوای آن پایبند باشند و نماز را برپا دارند ، مردمی صلاح پیشه اند .

و الذین یمسکون بالکتب .. إنا لانضع أجر المصلحین

تمسک (مصدر < یمسکون >) به معنای حفظ کردن و رها ساختن است. محافظت کتاب آسمانی به این است که انسان معارف آن را باور داشته و به احکام آن پایبند باشد.

۵ اقامه نماز ، زمینه ساز توانایی انسان بر تمسک به کتاب های آسمانی و پایبندی به محتوای آنهاست .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه

در بیان تمسک به کتاب

از فعل مضارع استفاده شده و در بیان اقامه نماز فعل ماضی به کار رفته است که این تفاوت تعبیر می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

۸ محور قرار گرفتن کتاب های آسمانی در جامعه و گرایش به نماز، زمینه ساز صلاح پیشگی ملتهاست .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه إنا لانضیع أجر المصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۹

۹ اقامه نماز و پرداخت زکات ، شرط پذیرش اسلام مشرکان و کافران

فإن تابوا و أقاموا الصلوه و ءاتوا الزکوه فخلوا سبیلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۹

۹ ایمان به خدا و روز رستاخیز ، اقامه نماز و پرداخت زکات و نترسیدن از غیر خدا ، زمینه ساز ره یابی به صراط مستقیم و قرار گرفتن در زمره ره یافتگان

من ءامن بالله و الیوم الآخر .. فعسی أولئک أن یکونوا من المهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۱

۲۱ امر به معروف ، نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسولش ، عامل جلب رحمت ویژه الهی

یأمرون بالمعروف .. أولئک سیرحمهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۹،۱۲

۹ ایمان و اقامه نماز ، زمینه ساز نجات بنی اسرائیل از سلطه فرعون بود .

ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمین. و نجنا برحمتک ... و أقیموا الصلوه و

۱۲ ایمان و اقامه نماز، در رهایی از فتنه گری ستمگران، نقشی بسزا دارد.

و نَجْنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ .. و أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۴

۴ اقامه نماز، تکیه گاهی برای استقامت در راه دین و ابلاغ آن

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ .. و أَقِمِ الصَّلَاةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۲۰

۲۰ - اقامه نماز، موجب فراهم آمدن زمینه های تقوا است.

وَالْعَقِبَةُ لِلتَّقْوَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ - اقامه نماز، طاعت و بندگی خدا و انجام کار نیک، مایه فلاح و رستگاری انسان ها است.

ارْكَعُوا .. لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۹

۲۹ - اقامه نماز، پرداخت زکات و اعتصام به خداوند، زمینه ساز برخورداری از ولایت و جلب یاری و نصرت او

فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ .. فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ

برداشت فوق، بدان احتمال است که <فنعمة المولى..> مترتب بر تکالیف پیشین باشد که انجام آن، موجب بهره مندی از

ولایت ویژه و نصرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲ - ۱

۱ - دستیابی به رستگاری اخروی ، در گرو اقامه نماز است .

قد أفلح المؤمنون . الذين هم في صلاتهم خشعون

<الذين> در محل رفع و نعت

است برای <المؤمنون>. <خشوع> نیز به معنای تذلل و فروتنی است، یعنی: <آنان که در نمازشان فروتن اند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۹

۹ - برپایی کامل نماز و پرداخت مدام زکات و یقین به عالم آخرت، زمینه دستیابی به هدایت ویژه قرآن است.

هدی... للمحسنین. الذین یقیمون الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۱۰، ۳

۳ - یقین به آخرت و برپایی نماز و پرداخت زکات، زمینه ساز بهره مندی از هدایت های افزون الهی است.

الذین یقیمون... و هم بالأخره هم یوقنون. أولئک علی هدی من ربهم

۱۰ - رستگاری، تنها در پرتو اقامه نماز و پرداخت زکات و یقین به آخرت است.

الذین یقیمون الصلوه و... و أولئک هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ - خداترسی، تلاوت قرآن کریم، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار، از عوامل امیدواری به لطف و پاداش الهی

إنما یخشی الله من عباده العلموا... إن الذین یتلون کتب الله و أقاموا الصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - خداترسی، تلاوت قرآن، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار، از اسباب آمرزش گناهان و دریافت افتخار سپاس

گزاری خداوند

إنما یخشی الله من عباده العلموا... إن الذین یتلون کتب الله... و یزیدهم

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۵ - ۵،۸

۵ - به جا آوردن نماز پس از ذکر نام خداوند ، مایه رستگاری است .

قد أفلح من .. ذکر اسم ربّه فصلی

۸ - ذکر نام خدا و روی آوردن به نماز ، نشانه پندپذیری از قرآن ، ترس از خداوند و مایه دوری از آتش دوزخ است .

سیدّکر من یخشی . و يتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار ... قد أفلح من ... فصلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۸ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی امت های گذشته ، رستگاری را در گرو تزکیه ، یاد نام خدا و ادای نماز دانسته ، از ترجیح زندگانی دنیا بر آخرت نکوهش کرده اند .

قد أفلح إنّ هذا لفی الصحف الأولى

مشارالیه <هذا> می تواند آیه قبل (و الآخره خیر و أبقی) باشد و ممکن است آن را اشاره به مفاد آیات <قد أفلح.. > به بعد بدانیم. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۹ - ۳

۳ - برتری آخرت بر زندگانی دنیا و توقف رستگاری بر تزکیه ، یاد نام خدا و ادای نماز ، از معارف یاد شده در کتاب های آسمانی ابراهیم و موسی (ع)

قد أفلح بل تؤثرون ... صحف إبرهیم و موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۱۰

۱۰ - عبادت خداوند ، عقاید

توحیدی ، ادای نماز و پرداخت زکات ، سامان دهنده امور انسان ها است .

ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوه و يؤتوا الزكوه و ذلك دين الق

آثار تداوم نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱۰

۱۰ نماز اگر برنامه زندگی نباشد و بدان اهتمام نشود ، آدمی را به مرحله تقوا نخواهد رساند .

هدى للمتقين. الذين ... يقيمون الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۳ - ۲،۳

۲ - پابندی به نماز و انجام دائمی آن ، شرط تأثیر گذاری این فریضه بر روح و خلق و خوی نماز گزاران

الذين هم على صلاتهم دائمون

۳ - تأثیر گذاری یاد خدا در روح و اخلاق بشر ، در گرو استمرار آن است .

الذين هم على صلاتهم دائمون

<دائمون> (به معنای <ثابتون>) ممکن است نشانگر دوام یاد خدا که فلسفه و روح نماز است باشد، نه صورت ظاهری نماز؛ زیرا یاد دائمی خدا، می تواند در روح و خلق و خوی انسان ها تأثیر سازنده داشته باشد؛ نه یاد موقتی خدا در اوقات مخصوص نماز. شاید به همین سبب در آیه ۱۰ از سوره <جمعه> بر یاد همواره خدا پس از ادای نماز جمعه تأکید شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۵ - ۴

۴ - انجام دادن دائم نماز ، ادای حق سائلان و محرومان جامعه ، تصدیق روز جزا و هراس از عذاب الهی ، از موجبات ورود به

بهشت

إِلَّا الْمُصَلِّينَ . . . وَ

الذين في أموالهم حقّ ... و الذين يصدّقون بيوم الدين ... أول

آثار ترك نماز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱۲

۱۲ كفر، اعمال ناشايست، ترك نماز و نداشتن ارتباط با خدا، امتناع از پرداخت زكات و حقوق مالي، موجب اضطراب و سلب آرامش درونی

انّ الذين امنوا .. و لا هم يحزنون

از مفهوم آيه برداشت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۳۰

۳۰ كفر (شكستن پيمان خدا، ترك نماز و ...) پس از دريافت وعده بهشت و آمرزش گناهان، ضلالت و انحراف است.

لا كفرن عنكم سياتكم .. فمن كفر بعد ذلك منكم فقد ضل سواء السبيل

بنابر اينكه مشاراليه <ذلك>، جمله <لا كفرن .. و لا دخلنكم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۳ - ۴، ۳، ۱

۱ - ترك نماز، از عوامل دوزخي شدن است.

ما سلكنكم في سقر. قالوا لم نك من المصلين

۳ - ترك نماز، جرمي بزرگ و نابخشودني

عن المجرمين .. قالوا لم نك من المصلين

۴ - > عن عقيل الخزاعي، أنّ أمير المؤمنين (ع) ... يقول: تعاهدوا الصلوة و حافظوا عليها و استكثروا منها و تقرّبوا بها فإنّها

كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً و قد علم ذلك الكفار حين سئلوا ما سلكنكم في سقر؟ قالوا: لم نك من المصلين ;

از عقيل خزاعى روايت شده كه اميرالمؤمنين (ع) فرمود: .. مواظب نماز

باشید و بر آن محافظت نمایید و انجام آن را افزون کنید و با نماز به [خدا] تقرّب جوید. چون نماز، وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است، این را کافران نیز می دانند؛ آن زمان که از آنان سؤال شود: <چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟> گویند: ما از نماز گزاران نبودیم...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۸ - ۱

۱ - ترک فریضه نماز، اطعام مساکین، گذراندن عمر به بطالت و تکذیب روز جزا، از عوامل محرومیت انسان از شفاعت در قیامت

قالوا لم نك من المصلين... و كنا نكذب بيوم الدين... فما تنفعهم شفاعه الشفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۱

۱ - تصدیق نکردن حقایق دین و ترک نماز، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است.

فلا صدق ولا صلّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۲ - ۲

۲ - ترک نماز، به منزله روی گردانی از پذیرش دین و پشت کردن به تعالیم آن است.

ولا صلّی. و لکن کذب و تولّی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <تولّی> در برابر <لا صلّی> قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۸ - ۳

۳ - ترک نماز (رکوع و فروتنی در برابر خداوند)، نشانه کفر و تکذیب روز جزا

و إذا قيل لهم ارکعوا لایرکعون

برداشت یاد شده، با توجه به این

نکته است که این آیه، درصدد بیان ویژگی های تکذیب گران است و در این راستا، نماز نگزاردن آنان را مطرح کرده است.

آثار تضييع نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۳،۶

۳- ضایع کردن نماز و پیروی از شهوات ، موجب گمراهی و گرفتاری به عذاب است .

أضاعوا الصلوه واتبعوا الشهوت فسوف يلقون غيًّا

<غِيًّا> به معنای گمراهی است. گفتنی است که در جمله <يلقون غيًّا> به قرینه آیه بعد (... يدخلون الجنة) مضافی در تقدیر است؛ یعنی، <يلقون جزاء غيِّهم>؛ آنان سزای گمراهی خود را که جهنم و عذاب آن است خواهند چشید.<

۶- ضایع کردن نماز و پیروی از شهوات ، ریشه اصلی انحرافات پس از رحلت پیامبران

فخلف من بعدهم خلف أضاعوا الصلوه واتبعوا الشهوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۶

۶- ضایع کردن نماز و پیروی از شهوات ، کفر عملی است .

أضاعوا الصلوه واتبعوا الشهوت . . . إلا من تاب وءامن

آثار تکذیب پادشاهای نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۵ - ۳

۳ - باور نداشتن کیفر و پاداش الهی ، مایه سبک شمردن نماز

أرءیت الذی یکذب بالدين . . . الذین هم عن صلاتهم ساهون

آثار تلاش برای نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ - سعی و تلاش آدمی در عبادت و نماز ، در پی دارنده پاداش حتمی در قیامت است .

فاعبدنی و أقم الصلوه .

.. لتجزی کل نفس بما تسعی

آثار خشوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰ - ۳

۳ خشوع در نماز، اجتناب از لغو (گفتار بیهوده و کردار عبث)، پرداخت زکات، عفت و پاک دامنی، امانت داری، پایبندی به عهد و پیمان و اهمیت دادن به نماز و انجام به موقع آن، تضمین کننده رستگاری اخروی و دستیابی مؤمنان به بهشت

قد أفلح المؤمنون . الذین هم ... أولئک هم الورثون

آثار سجده در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - سجده های نماز، محرک اصلی مخالفان به جلوگیری از اقامه آن

ینهی . عبداً إذا صلّى ... لا تطعه و اسجد

آثار سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹ - ۵

۵ - اهمیت ندادن به نماز و عدم مراقبت بر انجام به موقع آن، نشانه ضعف ایمان

قد أفلح المؤمنون . .. و الذین هم علی صلواتهم یحافظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۴ - ۴

۴ - سهل انگاری در نماز، نشانه ضعف ایمان

الذین هم علی صلاتهم دائمون .. و الذین هم علی صلاتهم یحافظون

آثار غفلت از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۵ - ۱

۱ - بی اعتنایی به نماز و بی توجهی هنگام ادای آن ، زمینه ساز گرفتاری به نفرین و عذاب

فویل للمصلین . الذین هم عن صلاتهم ساهون

<سهوه> (مصدر <سahون>)، به معنای غفلت است (مصباح). غفلت از نماز، به ترک کلی یا مقطعی آن و یا تأخیر در ادای آن است. شخص غافل گرچه معذور است؛ اما در مواردی که اهتمام نورزیدن او سبب غفلت شده باشد، سزاوار نکوهش است. اضافه <صلاه> به ضمیر <هم>، نشان می دهد که سخن درباره کسانی است که نماز می خوانند؛ ولی آن را همراه با بی توجهی و غفلت ادا می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۳

۳ - بی اعتنایی به نماز، زمینه ریاکاری در آن است .

الذین هم عن صلاتهم ساهون . الذین هم یراءون

تفاوت کلمه <سahون> که وصف است به <یراءون> که فعل مضارع است نشانگر آن است که وجود <سهوه>، زمینه ساز به وجود آمدن <ریا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۵

۵ - بی اعتنایی به نماز، زمینه ساز بازماندن انسان از کمک به مردم

عن صلاتهم ساهون . . . و یمنعون الماعون

آثار مراقبت از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۵ - ۵

۵ - پاکدامنی، رعایت امانت، وفای به عهد، ادای شهادت و مراقبت از نماز، از موجبات ورود به بهشت

و الذین هم لفروجهم حفظون . . . و الذین هم لأمتهم رعون . و الذین هم بش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون -

۶ - مراقبت از نماز ، زمینه ساز یتیم نوازی و رسیدگی به درماندگان

يدع اليتيم . و لا يحض ... فويل للمصلين . الذين هم عن صلاتهم ساهون

حرف <فاء> در <فويل>، نکوهش غافلان از نماز را بر نکوهش دو دسته قبل (آزار دهندگان یتیمان و بی تفاوتان در برابر فقر دیگران)، تفریع کرده است؛ یعنی، چون آن دو حالت نکوهیده است، پس وای به حال این نمازگزاران! کنایه از این که اگر آنان نمازگزار حقیقی بودند، چنین رفتاری نمی داشتند.

آثار ممانعت از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱ - ۴

۴ - فراخواندن مردم به ترک نماز ، بازداشتن آنان از طریق هدایت است .

ينهى . عبداً اذا صلى . أريت إن كان على الهدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۲ - ۴

۴ - بازداشتن مردم از نماز ، مایه رکود امر به تقوا است .

ينهى . عبداً اذا صلى ... أو أمر بالتقوى

تلاش برای تبلیغ تقوا در این آیه، از آثار محتمل نماز شمرده شده است. بنابراین نماز، محرک انسان به تبلیغ تقوا است.

آثار نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۳ - ۳،۴،۶،۷

۳ - پیشه ساختن صبر و اقامه نماز ، دو طریق کارساز برای موفقیت و پیروزی بر مشکلات و ناملازمات راه ایمان

يأيتها الذين آمنوا استعينوا بالصبر و الصلوة

۴ - صبر و نماز ، عامل جلب حمايت هاى الهى است .

يأيتها الذين ءامنوا استعينوا بالصبر و الصلوه

۶ - صبر و نماز

، مددکار مؤمنان برای به یاد خدا بودن و زدودن غفلت ایشان از یاد خداوند است . *

فاذکرونی أذکرکم .. یا ایها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر و الصلوه

برداشت فوق و نیز برداشت بعدی، بیانگر وجه ارتباط میان آیه مورد بحث و آیه پیشین است؛ یعنی، آیه مورد بحث در حقیقت رهنمودی است برای اینکه، چگونه می توان غفلت از یاد خدا را، از دلها زدود و روحیه سپاسگزاری در برابر خداوند را، در قلبها گنجانید.

۷- صبر و نماز دو عامل کارساز برای ایجاد روحیه سپاسگزاری به درگاه خدا و دوری از کفرورزی به او *

و اشکروا لی و لاتکفرون. یا ایها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۸ - ۱

۱ تأثیر اقامه نماز ، در عمل به احکام الهی

حافظوا علی الصلوات

توصیه به نماز پس از بیان احکام، می تواند اشاره به راهی برای تسهیل عمل به احکام الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۹، ۱۱، ۱۳

۹ آرامش درونی ، دستاورد ایمان و عمل صالح به ویژه نماز و زکات

انّ الذّین امنوا و عملوا الصّالحات .. و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

بنابراینکه نداشتن <خوف> و <حزن> (آرامش درونی) علاوه بر آخرت، مربوط به دنیا نیز باشد.

۱۱ ایمان ، عمل صالح ، نماز و زکات ، موجب آرامش خاطر

انّ الذّین امنوا .. و لا هم یحزنون

۱۳ ایمان و عمل صالح به ویژه نماز و زکات زمینه نفی ربا در جامعه

یمحقّ الله الرّبا .. امنوا

ذکر این آیه پس از آیات قبل (در مورد ربا) رهنمودی است برای از بین بردن ربا در جامعه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۷

۷ نماز و حالات معنوی انسان ، زمینه دریافت الطاف خداوند

فنادته .. و هو قائم یصلی فی المحراب

مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که فرمود: انّ طاعه الله عزّ و جلّ خدمته فی الارض و لیس شیء من خدمته یعدل الصّلوه فمن ثمّ نادت الملائکه زکریّا و قو قائم یصلی فی المحراب.

من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۳، ح ۲، ب ۳۰، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۴۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۸

۸ نقش اقامه نماز و پرداخت زکات ، در خودسازی و آمادگی برای جهاد و فداکاری

الم تر الی الذین قیل لهم کفّوا یدیکم و اقیموا الصّلوه و اتوا الزکوه فلما کتب ع

فرمان خداوند به برپایی نماز و ادای زکات، پس از نهی از مبارزه مسلحانه، دلالت بر این دارد که تا اقامه نماز و ادای زکات جایگاه خویش را در جامعه نیابد، شرایط برای مبارزه و جهاد آماده نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۲ - ۱۶

۱۶ نماز ، بهترین وسیله برای یاد خدا و توجه به اوست .

إذا قاموا إلی الصّلوه .. و لایذکرون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران و یاری آنان و انفاق در راه خدا ، موجب تکفیر (نادیده گرفتن) قطعی گناهان و دخول حتمی در بهشت

لئن اقمتم .. لا کفرن عنکم سیاتکم و لادخلنکم جنت

۲۱ تکفیر (نادیده گرفتن) گناهان بنی اسرائیل و دخول آنان به بهشت در گرو اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران و یاری آنان و انفاق در راه خدا

لئن اقمتم الصلوه .. و لادخلنکم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۲

۱۲ نماز دارای نقشی بسزا در پاکسازی روحيات آدمی برای پرهیز از سوگند های دروغ و خیانت در شهادت

تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۲ - ۳

۳ اقامه نماز و تقوا، نشانه تسلیم شدن در برابر پروردگار است.

و أمرنا لنسلم لرب العلمین. و أن أقیموا الصلوه و اتقوه

چون <تسلیم> مذکور در آیه قبل حالتی درونی و تمکینی نفسانی است، امر به تقوا و اقامه نماز در پی آن می تواند اشاره به جلوه های عملی آن حالت درونی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۶

۶ اهمیت نماز در میان سایر عبادت ها و نقش آن در پذیرش سایر اعمال

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا .. لا یأتون الصلوه إلا و هم کسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸

۱۳ نماز و ذکر خدا، عامل خودسازی و پاکی روح و اندیشه

لمسجد .. فيه رجال يحبون أن يتطهروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۸،۱۶

۸ نماز های یومیه، مایه ترک کار های ناروا و نیز موجب آمرزش گناهان است.

و أقم الصلوه .. إن الحسنت يذهب السيئات

۱۶ > عن علی (ع) انه قال: الصلوات الخمس كفّاره لما بينهنّ ما اجتنبت الكبائر و هی التي قال الله عزوجل: > إن الحسنات يذهبن السيئات < ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: نمازهای پنجگانه کفاره گناهانی است که در فاصله بین آنها انجام گرفته مادامی که از گناهان کبیره اجتناب شود و این است معنای سخن خداوند عز و جل: > إن الحسنات يذهبن السيئات <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۸ - ۷

۷- ذکر خدا و عبادت پروردگار چون نماز، زداینده نگرانی ها و اندوه ها و تقویت کننده روحیه پایداری و موجب آرامش خاطر است.

و لقد نعلم أنك يضيق صدرك .. فسبح بحمد ربك و كن من السجدين

نوع مفسران بر آنند که مقصود از سجده در این آیه، نماز است و مؤید آن روایتی است که می گوید: > پیامبر (ص) هر گاه محزون و دلتنگ می شد، نماز می خواند < (مجمع البیان، ذیل آیه فوق).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۱۰

۱۰ - اقامه نماز و مداومت بر آن، سدّی در برابر تمایلات دنیاطلبانه و

مانع چشم دوختن به دنیای دیگران است .

و لا تمدنّ عینیک .. وأمر أهلك بالصلوة واصطبر علیها

فرمان به اقامه پی گیر نماز، پس از نهی از چشم دوختن به دارایی های دنیاداران، این نکته را گوشزد می کند که با اقامه نماز و گسترش دامنه آن، می توان زمینه را برای دل بردن از ثروت های کافران فراهم آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲ - ۴

۴ - خدا، از نماز نمازگزاران بی نیاز است و فواید آن تنها به خود نمازگزاران بازمی گردد .

الذین هم فی صلاتهم خشعون

اضافه <صلاه> به ضمیر <هم>، اضافه لامیه و به تقدیر <صلاه لهم> می باشد؛ یعنی، نمازی که از آن مؤمنان است و نفع آن به خود آنان بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹ - ۴

۴ - خدا از نمازگزاران، بی نیاز است و فایده های آن، تنها به خود آنان بازمی گردد .

و الذین هم علی صلواتهم یحافظون

اضافه <صلوات> به ضمیر <هم>، اضافه لامیه و به تقدیر <صلوات لهم> می باشد؛ یعنی، نمازهایی که از آن مؤمنان است و سود آن، به خود آنان بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند، نماز به پا می دارند، زکات می پردازند و از قیامت می ترسند، از روزی فراوان و بی شمار برخوردارند .

رجال لاتلهیهم تجره و لایبع عن ذکر الله ..

ليجزيهم الله أحسن ما عملوا ويزيد

<حساب> به معنای شمارش است و <بغير حساب> (بی شمارش) می تواند کنایه از کثرت و فراوانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۶ - ۶،۷،۸

۶ - مؤمنان نیکوکار در سایه برپایی نماز، پرداخت زکات و اطاعت از پیامبر (ص) مشمول رحمت خدا هستند.

وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصلحت. .. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

۷ - برپایی نماز، پرداخت زکات و اطاعت از پیامبر (ص) و رهبران الهی، مایه جلب رحمت خدا است.

و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه و أطيعوا الرسول لعلکم ترحمون

۸ - امید به برخورداری از رحمت خدا در پرتو اقامه نماز، پرداخت زکات و اطاعت از پیامبر (ص) امیدی به جا و شایسته

و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه و أطيعوا الرسول لعلکم ترحمون

از این که خداوند پس از توصیه مؤمنان به اقامه نماز، پرداخت زکات و فرمان بری از پیامبر(ص)، آنان را به رحمت خویش امیدوار ساخته است به دست می آید که امید داشتن به رحمت خدا، پس از عمل به توصیه های الهی، امیدی به جا و شایسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۹ - ۱،۵

۱ - قرب بیشتر انسان به خدا، در حال نماز و راز و نیاز شبانه

الذی یریک حین تقوم . و تقلبک فی السجدین

با این که خدا در همه حالات انسان را می بیند، یاد کرد قیام در شب و سجده در جمع نماز گزاران و

بیان اختصاص این دو، نشانگر توجه فزون تر خدا به انسان و تقرب بیشتر انسان به او در این دو حالت است.

۵ - نقش نماز و راز و نیاز شبانه با خدا، در فائق آمدن بر دشواریها

و توکل علی العزیز .. حین تقوم ... فی السجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۴

۴ - اقامه نماز و پرداخت زکات، دارای پیوندی عمیق با یقین به آخرت

الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم بالأخره هم یوقنون

جمله <و هم بالأخره.. > حال معلله است؛ یعنی، یقین داشتن آنان به آخرت و کیفر و پاداش الهی، آنها را پایبند به اقامه نماز و پرداخت زکات می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۵ - ۱۲، ۶

۶ - نماز، قطعاً، انسان را از افتادن در ورطه گناهان آشکار و منکرات، باز می دارد.

إِنَّ الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر

۱۲ - نماز، یادآور ذکر خدا است.

و أقم الصلوه .. و لذكر الله أكبر

<ذكر الله> احتمال دارد اثر نماز باشد و احتمال دارد خود آن باشد. برداشت، بنابر احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۱۲، ۸

۸ - خداترسی و نماز، از زمینه های لازم برای تأثیرپذیری از انذارها و اخطارهای پیامبران

إنما تنذر الذین یخشون ربهم بالغیب و أقاموا الصلوه

۱۲ - نماز ، مظهر ایمان راستین و خداترسی است .

الذین یخشون ربّهم بالغیب و أقاموا الصلوه

یاد کردن از

برپایی نماز پس از خداترسی، می تواند به عنوان یکی از مصادیق و مظاهر این خداترسی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۱۹، ۱۶

۱۶- رکوع و سجود (نماز) ، عالی ترین جلوه نیایش و عبودیت خلق در برابر خدا

تریهم رکعاً سجداً

از این که رکوع و سجود به عنوان ارکان نماز، از میان همه عبادات، اختصاص به ذکر یافته است، ویژگی و اهمیت آن استفاده می شود.

۱۹- نقش اساسی رکوع و سجود (نماز) ، در جلب فضل و خشنودی خداوند

تریهم رکعاً سجداً یبتغون فضلاً من الله و رضواناً

<یبتغون.. > مترتب بر <رکعاً سجداً> است، یعنی، مؤمنان با رکوع و سجود خویش، جویای فضل و خشنودی خدایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۲ - ۴، ۶

۴ - نماز و یاد خدا، تعدیل کننده غرایز و مانع خُلق و خوی ناپسند است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا .. إِلَّا الْمُصَلِّينَ

۶ - تأثیر نماز در جلوگیری از خصلت حرص و آزمندی، بیش از هر فریضه دیگر است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا .. إِلَّا الْمُصَلِّينَ

مطلب یاد شده، از ذکر نماز در آغاز و تقدیم آن بر فریضه انفاق، پاک دامن، امانت داری و .. به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۵ - ۷

۷ - نماز و ارتباط با خدا، موجب تقویت روح صبر و شکیبایی انسان در برابر مشکلات و سختی ها

فاصبر . . . و اذكر اسم ربك بكرة و أصيلاً

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۸ - ۴

۴ - نماز ، نشانه ایمان و از اوصاف مؤمنان است .

و إذا قيل لهم اركعوا لايركعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۵ - ۹

۹ - نماز ، یاد خداوند و ذکر نام او است .

و ذکر اسم ربّه فصلی

حرف <فاء> ممکن است بر ترتیب بین یاد خدا و نماز دلالت کند و نیز می تواند تفصیل پس از اجمال باشد. در صورت دوم، نماز مصداق بارز یاد خدا خواهد بود. برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱ - ۳

۳ - بندگی خداوند و برگزاری نماز ، زمینه ساز دست یابی به هدایت است .

عبداً إذا صلّی . أراءیت إن كان علی الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۱۵

۱۵ - نماز ، مایه تقرب انسان به درگاه خداوند

ینهی . عبداً إذا صلّی ... و اقترب

آثار نماز جماعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۴

۴ - برپایی نماز ، پرداخت زکات و شرکت در نماز جماعت از جمله سبب های کارساز برای دور ماندن از عذاب ها و مخاطرات روز قیامت

و أقيموا الصلوه .. واتقوا يوماً

آثار نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۵ - ۱۵

۱۵ اطعام مردم و نماز شب ،

موجب برگزیده شدن ابراهیم (ع) به عنوان خلیل، از سوی خداوند

و اتخذ الله إبرهیم خلیلاً

رسول خدا(ص): ما اتخذ الله ابراهیم خلیلاً الا لاطعامه الطعام و صلوته باللیل و الناس نیام.

علل الشرایع، ص ۳۵، ح ۴، ب ۳۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۵، ح ۵۸۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۱۵

۱۵ > عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله عزوجل: < إن الحسنات یذهبن السيئات > قال: صلاه المؤمن باللیل تذهب بما عمل من ذنب بالنهار؛

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا که فرموده: <إن الحسنات یذهبن السيئات> روایت شده است که فرمود: نماز مؤمن در شب هر گناهی را که در روز انجام داده از بین می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۱۳

۱۳- مقام ارجمند حاصل آمده از نماز شب، جایگاهی مورد ستایش و تمجید همگان

عسی أن یبعثک ربک مقاماً محموداً

به صورت مطلق آورده شدن <مقاماً محموداً> می تواند مشعر به این باشد که: مقام محمود، جایگاهی است مورد تمجید همه خلائق.

آحکام نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۳ - ۵،۶،۸

۵ وجوب برپایی نماز با تمام شرایط و آداب آن، پس از رفع ترس از ناحیه دشمن

فاذا اطمأنتم فاقموا الصلوه

اقامه نماز به معنای انجام نماز است با تمام شرایط و آداب آن. و از اینکه در نماز خوف تعبیر به اقامه نماز نشده و فرموده: <فليصلوا>، این معنا تأیید می شود.

و جوب برپایی نماز با تمام شرایط ، پس از سفر و بازگشت به وطن *

فاذا اطمانتم فاقیموا الصلوه

برخی بر آنند که مراد از <اطمانتم> بازگشت به وطن است.

۸ نماز را باید در اوقاتی خاص و معین برپا کرد .

ان الصلوه كانت على المؤمنین كتباً موقوتاً

<موقوتاً> از ماده <وقت>، به معنای زمان مشخص و محدود است.

آحکام نماز جماعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۸

۸ هر دو دسته از مجاهدان برگزار کننده نماز خوف ، باید به یک امام اقتدا کنند .

فلتقم طائفه منهم معك ... و لتأت طائفه اخرى لم یصلوا فلیصلوا معك

آداب نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۸ - ۲

۲ لزوم محافظت و مراقبت بر نمازها (مراعات آداب ظاهری و باطنی آن)

حافظوا على الصلوات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۹،۳۵

۹ برپایی نماز با حالت حضور قلب امری بایسته و سزاوار

حتى تعلموا ما تقولون

ملاک حرمت نماز در حال مستی توجه نداشتن و آگاه نبودن به اذکار نماز است. و این معنا به هنگام غفلت و فقدان حضور قلب نیز وجود دارد.

۳۵ لزوم پرهیز از ورود به نماز، در حال خواب آلودگی

لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: سکر النوم.

کافی، ج ۳، ص ۳۷۱، ح ۱۵ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۳، ح ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴ / تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۲، ح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۲ - ۱۰

۱۰ ضرورت برپایی نماز، با میل و نشاط و پرهیز از کسالت و خمودی در انجام آن

و إذا قاموا إلى الصلوة قاموا كسالى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۳

۳- فرمان خداوند به پیامبر (ص) برای دعا و نیایش همراه با نماز و نوافل

أقم الصلوة .. فتَهَجِدْ به نافله لك ... و قل ربّ أدخلى مدخل صدق

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که عبارت <وقل رب عطف به >فتَهَجِدْ..< بوده و ذکر خاص بعد از عام بیانگر یکی از اعمال باشد که شایسته است در تهجد و نماز شب انجام گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲ - ۶

۶ - > عن جعفر بن محمد (ص) إنّه قال فى قول الله عزّوجلّ : >الذین هم فى صلاتهم خاشعون < قال : الخشوع غضّ البصر فى الصلاه ... ;

از امام صادق(ع) رایت شده است که در باره سخن خدای عزوجلّ >الذین هم فى صلاتهم خاشعون< فرمود: مراد از خشوع، فرو نهادن چشم در نماز است <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۲۱

۲۱ - > عن أبى عبدالله (ع) فى قول الله تعالى > فأقم وجهك للدين حنيفاً < قال : قم فى الصلاه و لا تلتفت يمينا و لا شمالاً ;

درباره این سخن خداوند متعال <فأقم وجهك للدين حنيفاً> روایت شده است که فرمود: در حال نماز، ایستاده باش و به راست و چپ توجه نکن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۶

۶ - نماز، باید همراه با خشوع و تذلل باشد.

ألم يأن... أن تخشع قلوبهم لذكر الله

برخی از مفسران، <ذكر الله> را در آیه شریفه، کنایه از نماز دانسته اند. برداشت یاد شده براساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۸ - ۱۰

۱۰ - <عن أبي جعفر و أبي عبد الله (عليهما السلام) أن التبتل هنا رفع اليدين في الصلاة ;

از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت شده که <تبتل> در این جا (در آیه <و تبتل إليه تبتلاً>) بالا بردن دست ها در نماز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۷ - ۸

۸ - [<في فقه الرضا (ع) >] قال : لا صلاه إلا باسباغ الوضوء و احضار التيه و خلوص اليقين و إفراغ القلب و ترك الأشغال و هو قوله < فإذا فرغت فانصب . و إلى ربك فارغب > ;

[در کتاب <فقه الرضا(ع)> آمده که] آن حضرت فرمود: نماز نیست؛ مگر با شاداب ساختن وضو و حاضر داشتن نیت و یقین خالص و خالی کردن قلب [از یاد غیر خدا] و ترک سرگرمی ها و این است [معنای] سخن خدا [که فرمود:] <فإذا فرغت فانصب . و إلى ربك فارغب>.

جلد - نام سوره

۳ - توجه به ربوبیت خداوند ، از آداب نماز

فصل لربك

۲۱ - > عن أمير المؤمنين (ع) قال : لما نزلت هذه السورة قال النبي (ص) لجبرئيل : ما هذه النحيرة التي أمرني بها ربي قال : ليست بنحيرة و لكنه يأمرك إذا تحرمت للصلاة أن ترفع يديك إذا كبرت و إذا ركعت و إذا رفعت رأسك من الركوع و إذا سجدت . . . و إن زينه الصلاة رفع الأيدي عند كل تكبيره ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده که فرمود: چون این سوره (کوثر) نازل شد، پیامبر(ص) به جبرئیل فرمود: این <نحیره> (شتر قربانی شده یا شب اول هر ماه) که پروردگارم مرا بدان امر فرموده، چیست؟ جبرئیل گفت: این، <نحیره> نیست، بلکه خداوند تو را امر می کند هر گاه نماز را با <تکبیره الاحرام> شروع کردی، هنگام تکبیر و رکوع و زمانی که از رکوع سر برداشتی و هنگام سجده [که تکبیر گفتی]، دست های خود را بالا-ببری . . . زینت نماز بالا- بردن دست ها هنگام هر تکبیر است.<

۲۲ - > عن حريز عن رجل عن أبي جعفر (ع) قال : قلت له > فصل لربك و انحر < قال : النحر الاعتدال في القيام أن يقيم صلبه و نحره ;

حریز از مردی نقل کرده که گفت: به امام باقر(ع) گفتم: [معنای] <فصل لربك و انحر> چیست؟ فرمود: <نحر> اعتدال در حال قیام است، [به این که] ستون فقرات و سینه خود را راست نگه دارد.<

آداب نماز جماعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - تقارن و همراهی نمازگزاران در افعال نماز ، از احکام و آداب نماز جماعت است .

و ارکعوا مع الرکعین

از اینکه در بیان فرمان به برپایی نماز جماعت گفته نشده <ارکعوا جماعه> بلکه با کلمه <مع> همراهی را عنوان کرده، برداشت فوق به دست می آید.

آداب نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۱۷، ۱۵

۱۵ - < عن علیّ أنّه سئل عن قول الله [تعالی] > يا أيّها الذین آمنوا إذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا إلی ذکر الله < قال : لیس السعی الإشتداد ;

از امام علی(ع) درباره سخن خداوند تعالی <یا ایها الذین آمنوا إذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا إلی ذکر الله> سؤال شد، آن حضرت فرمود: مراد از <سعی> شدت در راه رفتن (دویدن) نیست <.

۱۷ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله > يا أيّها الذین آمنوا . . . فاسعوا إلی ذکر الله . . . < قال : اسعوا أی امضوا و یقال : اسعوا اعملوا لها و هو قصّ الشارب و نتف الإبط و تقلیم الأظفار و الغسل و لبس أفضل ثیابک و تطیب للجمعه فهو السعی ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند، <فاسعوا إلی ذکرالله..> روایت شده که <اسعوا> به معنای <امضوا> است؛ یعنی، بروید و گفته می شود <اسعوا اعملوا لها>؛ یعنی، بکوشید تا برای آنها اعمالی انجام دهید و آن اعمال کوتاه کردن موی شارب و ازاله مو از زیر بغل، گرفتن ناخن، غسل، پوشیدن بهترین پیراهن ها و

خوشبو کردن برای نماز جمعه است. پس این اعمال سعی است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - < روی عن أنس عن النبي (ص) قال: في قوله: < فإذا قضيت الصلاة فانتشروا... > ليس لطلب دنیا و لكن عیاده مریض و حضور جنازه و زیاره أخ فی الله... >

آنس از رسول خدا(ص) روایت نموده که آن حضرت درباره سخن خداوند <فإذا قضيت الصلاة فانتشروا..> فرموده: [این انتشار و پراکنده شدن در زمین] برای به دست آوردن دنیا نیست؛ بلکه برای عیادت بیماری یا حضور بر جنازه ای و یا زیارت برادری برای خداوند است...<.

آداب نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۹

۹- لزوم درخواست توفیق و خلوص و صداقت کامل از خداوند در نوافل شب

و من الیل فتهجد به... و قل رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق

از اینکه خداوند، در پی توصیه پیامبر(ص) به تهجد، از او خواسته است که برای اخلاص در هر کاری به درگاه او دعا کند، می تواند مشعر به معنای فوق باشد.

آمزش برپاکندگان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۸

۸ - عالمان خداترس، تلاوت گران قرآن، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان، برخوردار از آمزش و دارنده نشان سپاس گزاری خداوند

إنما یخشی الله من عباده العلماء... إن الذین یتلون کتب الله... إنه غفور

آهسته

گویی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۱۰

۱۰- خواندن نماز با آواز بلند یا با صدای بسیار آهسته ، جایز نیست .

و لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <صلاه> هر نمازی باشد که نمازگزار آن را ادا می کند.

اجزاء نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۸

۸ - تسبیح و تنزیه خداوند ، از ارکان و اجزای مهم نماز

و سَبِّحْهُ لِيلاً طَوِيلاً

احکام نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۳ - ۳

۳ - نماز و زکات ، از واجبات دینی اسلام و از ارکان عملی آن است .

و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

دعوت به اقامه نماز و پرداخت زکات، پس از فراخواندن اهل کتاب به ایمان، بیانگر اهمیت خاص نماز و زکات در میان سایر تکالیف عملی اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۴

۲۴ - > ان الفرایض لاتصلیها إلا إلى القبلة و هو المروی عن أئمتنا (ع) ;

از ائمه اهل بیت (ع) روایت شده که نمازهای واجب را نمی شود به جا آورد، مگر اینکه به سوی قبله باشد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۹ - ۱،۲،۳،۴،۶،۹

۱ جواز بجا آوردن نماز در حال حرکت ، پیاده یا سواره در هنگام ترس

فان خفتم فرجالا او ركبانا

جمله <فان خفتم .. > حکایت از

شرطی محذوف دارد که حکم آیه قبل را مشروط می کند؛ یعنی مراقبت کامل شرایط در نماز در صورت امتیّت است؛ ولی آنگاه که خوفی عارض شود، به مقدار ممکن حفظ شرایط و آداب لازم است نه همه آنها. همچنین <رجالا> جمع راجلا به معنی پیاده و <رکباناً> جمع راکباً به معنای سواره است و در هر دو، حرکت لحاظ می شود.

۲ عدم جواز ترک نماز، حتی در سخت ترین شرایط

فان خفتم فرجالا او رکباناً

۳ سقوط برخی از شرایط نماز در هنگام ترس

فان خفتم فرجالا او رکباناً

۴ لزوم انجام نماز به حالت عادی با تمام شرایط، پس از بازگشت امتیّت و آرامش

فاذا امنتم فاذا کروا الله کما علمکم ما لم تکنوا تعلمون

۶ نماز، تکلیفی است که از سوی خداوند آموخته شده و باید بر طبق این آموخته انجام شود.

فاذا کروا الله کما علمکم

۹ حرکت نداشتن به هنگام اقامه نماز، از شرایط آن

فان خفتم فرجالا او رکباناً

جواز نماز در حال حرکت به هنگام ترس، حکایت از مشروط بودن آن به حرکت نداشتن در مواقع عادی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۲۰

۲۰ جواز حضور زن در نماز جماعت همراه مردان

و ارکعی مع الزاکعین

در آیه فوق، به حضرت مریم امر نشده است که رکوع کن با زنان رکوع کننده؛ بلکه فرموده: رکوع کن با رکوع کنندگان. (اعم از زن و مرد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۳۷

۳۷ انسان سالم نماز

را ایستاده و مریض آن را نشسته و ناتوانتر از او آن را به پهلو می خواند .

يذكرون الله قياماً و قعوداً و على جنوبهم

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: .. <قياماً> الاصحاء و <قعوداً> یعنی المرضى <و على جنوبهم> قال: اعلّ ممّن یصلّی جالساً و اوجع.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۱۷۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۲۲، ۱۴، ۱۰، ۸، ۷، ۶، ۲، ۱

۱ بطلان نماز در حال مستی

لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری

ظاهراً نهی در <لا تقربوا>، ارشاد به بطلان است، نه تنها بیانگر حرمت تکلیفی.

۲ اقامه نماز در حال مستی جایز نیست . *

لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری

بنابر اینکه نهی در <لا تقربوا>، نهی مولوی باشد؛ یعنی دلالت بر حرمت تکلیفی کند.

۶ جواز و صحت اقامه نماز برای انسان مست پس از پایان زمان مستی (آگاهی کامل به اذکار نماز)

لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون

به مناسبت حکم و موضوع مراد از <ما تقولون> می تواند خصوص اذکار نماز باشد.

۷ لزوم خواندن نماز با قرائت صحیح و توجه به معانی و مفاهیم اذکار آن

لا تقربوا الصلوه .. حتی تعلموا ما تقولون

جمله <حتی تعلموا .. >، بیانگر فلسفه حرمت نماز در حال مستی است. بنابراین ادای صحیح کلمات و نیز توجه به معانی آن، ضرورت دارد و به همین خاطر نماز در حال مستی حرام شده است.

۸ بی توجهی به اذکار نماز و مفاهیم آن ، فلسفه بطلان آن در حال مستی

لا

تقربوا الصلوه .. حتى تعلموا ما تقولون

جمله <حتى تعلموا .. > بیانگر علت تحریم بطلان نماز در حال مستی است.

۱۰ بطلان نماز در حال جنابت

لا تقربوا الصلوه .. و لا جنباً

۱۴ جنب ، برای برپایی نماز باید غسل کند .

لا تقربوا الصلوه .. حتى تغتسلوا

۲۲ وظیفه محدث و جنب در صورت نیافتن آب برای برپایی نماز ، تیمم است .

او جاء احد منكم من الغائط او لمستم النساء فلم تجدوا ماءً فتيمموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۱۳

۱۳ وجوب شکسته خواندن نماز در سفر به هنگام ترس از فتنه دشمن

و إذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح .. ان یفتنکم الذین کفروا

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از چگونگی نماز مسافر فرمودند: ان الله عز و جل یقول: و اذا ضربتم فی الارض .. فصار التقصیر فی السفر واجباً کوجوب التمام فی الحضر ...

من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۸، ح ۱، باب ۵۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۲، ح ۵۲۷

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱۰

۱۰ با غسل جنابت ، بدون گرفتن وضو ، می توان نماز خواند .

إذا قمتم إلى الصلوه .. و إن كنتم جنباً فاطهروا

با توجه به تقدیر آیه (فاغسلوا .. ان لم تكونوا جنباً و ان كنتم جنباً فاطهروا)، معلوم می شود كه ضرورت وضو و تشریح آن در صورتی است كه شخص جنب نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ لزوم برپا داشتن نماز های یومیه در اوقات مقرر شده آنها

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلْفًا من الیل

۲ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب ، از اوقات مقرر شده برای نماز است .

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلْفًا من الیل

<طرف> به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. <زُلف> (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰

۲- نماز ، از تکالیفی است که دارای وقت و ساعات تعیین شده و مخصوص می باشد .

أقم الصلوه لدلوك الشمس إلى غسق الیل و قرءان الفجر

۳- نماز ظهر ، اولین نماز از نماز های واجب است .

أقم الصلوه لدلوك الشمس

از اینکه در بیان اوقات نمازهای پنجگانه، ابتدا زوال خورشید مطرح شد، می تواند گویای این حقیقت باشد که اولین نماز واجب، نماز ظهر است.

۴- آخرین وقت نماز عشا ، نیمه شب است .

إلى غسق الیل

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <غسق اللیل> چنان که مفسران نیز گفته اند نصف شب باشد.

۷- وقت نماز های پنجگانه ، موسّع (وسعت داده شده) است .

أقم الصلوه لدلوك الشمس إلى غسق الیل و قرءان الفجر

۸- مطلوبیت و فضیلت اقامه نماز صبح در اول وقت (طلوع فجر)

و قرءان الفجر

با اینکه وقت نماز صبح نیز موسع است و از طلوع

فجر تا طلوع آفتاب مجال دارد، اضافه شدن نماز به <فجر> اهمیت و فضیلت اول وقت را می رساند.

۱۱- < عن زراره قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن هذه الآية > أقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق الليل > قال : دلوك الشمس زوالها عند كبد السماء > إلى غسق الليل > إلى انتصاف الليل فرض الله فيما بينهما أربع صلوات الظهر و العصر و المغرب و العشاء . . . و < قرآن الفجر > قال : ركعتا الفجر . . . ;

زراره گوید از امام صادق(ع) از این آیه <أقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق الليل> سؤال کردم، حضرت فرمود: <دلوك الشمس> [یعنی] میل پیدا کردن خورشید از میان آسمان و <إلى غسق الليل> [یعنی] تا نصف شب که خدا میان این دو (ظهر و نصف شب) چهار نماز را واجب کرده است: ظهر، عصر، مغرب و عشا و درباره <قرآن الفجر> [حضرت] فرمود: [آن] دو رکعت نماز صبح است. . .<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۸،۱۰

۸- به آواز بلند خواندن همه نمازها و یا با صدای آهسته خواندن تمامی آنها، مورد نهی خداوند

و لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها

این برداشت مبتنی بر این است که مراد از <صلاه> همه نمازها باشد و نه یک نماز.

۱۰- خواندن نماز با آواز بلند یا با صدای بسیار آهسته، جایز نیست.

و لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <صلاه> هر نمازی باشد که نمازگزار آن را ادا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲- نماز و زکات ، در هیچ شرایطی نباید ترک شود .

و أوصنی بالصلوه والزكوه مادمت حيًّا

گرچه <مادمت حیًّا> مربوط به عیسی (ع) است، ولی به دلیل اشتراک تکالیف، دیگر مسیحیان نیز به تکالیف او موظف اند و هر گاه قرآن از ادیان پیشین حکمی را نقل کرده و نسخ آن را گوشزد نکند، مسلمانان نیز باید آن را تکلیف خود بشمارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۴

۴- ضایع کردن نماز و سهل انگاری در آن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

أضاعوا الصلوه .. فسوف يلقون غيًّا

چنان که گفته شد معنای <يلقون غيًّا> به قرینه <يدخلون الجنة> (در آیه بعد) <يلقون جزاء غيِّهم> است؛ که وعده عذاب به شمار می آید. وعده عذاب نیز نوعاً در برابر گناهان بزرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ - < عن أبي جعفر (ع) قال : إذا فاتتک صلاه فذکرتها فی وقت أخرى فإن کنت تعلم أنك إذا صليت التي فاتتک کنت من الأخرى فی وقت فابدأ بالتي فاتتک فإنّ الله عزّوجلّ يقول : < أقم الصلاة لذكری > ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هر وقت نمازی از تو فوت شد و در وقت نماز دیگر آن را به یاد آوردی، اگر می دانی با انجام نماز قضا برای به جا آوردن نماز واجب در وقت خود فرصت باقی می ماند، پس ابتدا نماز قضا را به جا آور، چون

خدای عزوجل می فرماید: <أقم الصلاة لذكرك>. (این استفاده فقهی ناظر به این نکته است که لام در <لذكرك> برای توقیت است، در نتیجه معنای آیه این می شود: که <أقم الصلاة وقت تذكیری إياك>».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۳

۳ سجده و قیام ، دو رکن اساسی نماز است .

و الذین یبیتون لربهم سجداً و قیماً

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن سجده و قیام از میان دیگر ارکان و اجزای نماز، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۵ - ۵

۵ - ادای نماز ، واجب است .

و أقم الصلوه إن الصلوه تنهی عن الفحشاء

ذکر حکمت فرمان به نماز، نشان می دهد که امر <أقم> اگرچه مفرد و خطاب به پیامبر است؛ اما به قرینه این که پیامبر(ص) معصوم بوده است عام است و شامل همه مکلفان می شود. گفتنی است، فراز <و الله يعلم بما تصنعون> مؤید نکته برداشت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۳۸

۳ - سجده ، رکن مهم نماز

و من الیل فاسجد له

اطلاق <سجده> بر <نماز> ، از باب اطلاق جز بر کل است و این می رساند که این جزء، از اجزای مهم نماز است.

۸ - تسبیح و تنزیه خداوند ، از ارکان و اجزای مهم نماز

و سبّحه لیلاً طویلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۷

۷ - حرمت اطاعت ، از

فرمان ترک نماز

ینهی . عبداً إذا صلی ... کلاً لاتطعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱۸

۱۸ - لزوم تأخیر قربانی از نماز عید ، در عید قربان *

فصل لربک وانحر

تطبیق نماز و قربانی در آیه، بر نماز عید قربان و قربانی در آن، یکی از احتمالات موجود در این آیه است. عطف به <واو> گر چه بر ترتیب تصریح ندارد ولی ترتیب ذکر می تواند بیانگر ترتیب واقعی باشد.

احکام نماز جماعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۳ - ۵،۶

۵ - تقارن و همراهی نماز گزاران در افعال نماز ، از احکام و آداب نماز جماعت است .

و ارکعوا مع الرکعین

از اینکه در بیان فرمان به برپایی نماز جماعت گفته نشده <ارکعوا جماعه> بلکه با کلمه <مع> همراهی را عنوان کرده، برداشت فوق به دست می آید.

۶ - رکوع ، از ارکان اساسی نماز در نماز جماعت

و ارکعوا مع الرکعین

از اینکه خواندن نماز جماعت به رکوع کردن تعبیر شده و برگزار کنندگان جماعت، <راکعین> نامیده شده اند، اهمیت بسزای رکوع در نماز جماعت معلوم می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۲۱

۲۱- > عبدالله بن سنان قال : قلت لأبي عبدالله (ع) : على الإمام أن يسمع من خلفه و إن كثروا ؟ فقال : ليقرأ قراءه وسطاً يقول
الله تبارك و تعالى : > و لاتجهر بصلوتك و لاتخافت بها < ;

عبدالله بن سنان گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: آیا بر

امام جماعت لازم است که صدایش را به گوش همه مأمومین گرچه زیاد باشند برسانند؟ حضرت فرمود: باید قرائت را با صدای متوسط بخواند. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: و لا تجهر بصلاتک و لا تخافت بها.

احکام نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۴،۵،۶

۴ - ایراد خطبه در نماز جمعه بهوسیله امام جمعه ، از شرایط آن است .

و ترکوک قائماً

۵ - ایستادن در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، از آداب آن است .

و ترکوک قائماً

۶ - لزوم استماع خطبه های نماز جمعه و پرهیز از پرداختن به کار های دیگر

و إذا رأوا .. و ترکوک قائماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۲،۷،۱۳

۲ - اذان ، از آداب برپایی نماز جمعه

إذا نودی للصلوة من یوم الجمعة

ندا برای نماز، همان اذان است.

۷ - تعطیل کردن خرید و فروش و هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه می شود ، فرمان الهی به مؤمنان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. و ذروا البيع

مراد از <ذروا البيع> با توجه به دعوت مردم به شرکت در نماز جمعه تنها رها کردن خرید و فروش نیست؛ بلکه ذکر خرید و فروش، از باب ذکر بارزترین مصداقی است که مانع شرکت در نماز جمعه می شود. بر این اساس هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه شود، باید ترک گردد.

۱۳ - خرید و فروش و کسب و کار ، پیش از اعلام نماز جمعه جایز است .

إذا نودی للصلوه

من يوم الجمعة فاسعوا إلى ذكر الله و ذروا البيع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۱

۱ - جواز خرید و فروش ، پس از تمام شدن نماز جمعه

فإذا قضيت الصلوه فانتشروا في الأرض و ابتغوا من فضل الله

احکام نماز خوف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۱،۲،۴

۱ کاستن از نماز در سفر ، به هنگام ترس از دشمن ، هیچ گناهی ندارد .

و إذا ضربتم .. فليس عليكم جناح ان تقصروا من الصلوه ان خفتم ان يفتنكم

جمله <فليس ..> ، در حقیقت جواب برای <اذا ضربتم> و <ان خفتم> است. یعنی مسافرت و ترس از فتنه گری دشمن دو شرط لازم برای کاستن از نماز است.

۲ کفایت نماز قصر در سفر ، به هنگام ترس از فتنه های کافران

و إذا ضربتم في الارض .. من الصلوه ان خفتم ان يفتنكم الذين كفروا

<ضرب في الارض> به معنای مسافرت کردن است.

۴ احتمال کمین و فتنه گری دشمن ، مجوز نماز قصر (شکسته)

ان تقصروا من الصلوه ان خفتم ان يفتنكم الذين كفروا

جمله <ان خفتم> به این معناست که در جواز نماز شکسته ، حمله یقینی دشمن لازم نیست بلکه ترس از حمله و یا احتمال آن نیز کافی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۵،۶،۷،۸،۹،۲۱،۲۲،۲۴

۵ حراست مجاهدان نماز گزار توسط رزمندگان دیگر ، شرط برگزاری نماز خوف به جماعت

فلتقم طائفه . . سجدوا فلیکونوا من ورائکم

جمله <فلیکونوا من ورائکم>،

علاوه بر بیان وجوب حراست از گروه نماز گزار، دلالت بر شرطیت حراست برای نماز خوف دارد.

۶ گروه اول از نماز گزاران نماز خوف، تا پایان دو سجده رکعت اول، باید نماز را به جماعت و بقیه را فرادا به جای آورند.

فلتقم طائفه .. و لتأت طائفه اخری لم یصلوا فلیصلوا معک

تفریع جمله <فاذا سجدوا> بر <فلتقم>، دلالت می کند که گروه اول باید تا پایان دو سجده، نماز را به جماعت بخوانند و چون نماز خوف با دو سجده پایان نمی پذیرد، باید بقیه به صورت فرادا به جا آورده شود.

۷ گروه نخست از نماز گزاران پس از اتمام نماز خوف، باید به پاسدارای پردازند تا گروه دیگر برای اقامه نماز جماعت حاضر شوند.

فاذا سجدوا فلیکونوا من ورائکم و لتأت طائفه اخری لم یصلوا فلیصلوا

۸ هر دو دسته از مجاهدان برگزار کننده نماز خوف، باید به یک امام اقتدا کنند.

فلتقم طائفه منهم معک .. و لتأت طائفه اخری لم یصلوا فلیصلوا معک

۹ وجوب همراه داشتن سلاح و حفظ هوشیاری و احتیاط، به هنگام ادای نماز خوف

و لیأخذوا اسلحتهم .. و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم

ظاهراً مراد از ضمیر در <لیأخذوا> همان کسانی هستند که به نماز ایستاده اند، نه آن گروهی که مشغول پاسداری هستند.

۲۱ معافیت مسلمانان از حمل سلاح، به هنگام نماز خوف در صورت بیماری و یا در آزار بودن به واسطه بارش باران

و لاجناح علیکم ان کان بکم اذی من مطر او کنتم مرضی ان تضعوا اسلحتکم

۲۲ حمل سلاح به هنگام نماز خوف، در صورت

مشقت ، واجب نیست .

و لاجنّاح علیکم ان کان بکم اذیّ من مطر او کنتم مرضی ان تضعوا اسلحتکم

به نظر می رسد باران به عنوان مصداقی برای <اذی> ذکر شده باشد، نه اینکه حکم، مخصوص اذیت ناشی از باران باشد.

۲۴ کسانی که در نماز خوف مجاز به زمین گذاشتن سلاح خویش هستند ، باید همچنان هوشیار و مراقب باشند .

و لاجنّاح علیکم .. ان تضعوا اسلحتکم و خذوا حذرکم

احکام نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۲

۲- نماز شب ، تکلیفی واجب بر پیامبر (ص) علاوه بر سایر واجبات

و من الّیل فتهجّد به نافله لک

با توجه به معنای لغوی <نافله> که به معنای زیادت بر واجب است؛ (مفردات راغب) و نیز لام اختصاص <لک> نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۶

۶ - برگزاری نماز شب ، اختصاص به ساعتی مشخص ندارد .

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ

<ناشئه اللیل>، به معنای هر ساعتی از شب نیز آمده است (قاموس المحيط).

احکام نماز مسافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۲

۲ کفایت نماز قصر در سفر ، به هنگام ترس از فتنه های کافران

و إذا ضربتم فی الارض .. من الصلوه ان خفتم ان یفتنکم الذین کفروا

<ضرب فی الارض> به معنای مسافرت کردن است.

۱۳ وجوب شکسته خواندن نماز در سفر به هنگام ترس از فتنه دشمن

و إذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ..

ان يفتنكم الذين كفروا

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از چگونگی نماز مسافر فرمودند: ان الله عز و جل يقول: و اذا ضربتم فى الارض .. فصار التقصير فى السفر واجباً كوجوب التمام فى الحضر ...

من لايحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۷۸، ح ۱، باب ۵۹ نورالثقلين، ج ۱، ص ۵۴۲، ح ۵۲۷

۱۴ شکسته خواندن نماز در سفر، دو رکعت خواندن نماز چهار رکعتی است .

و إذا ضربتم فى الارض فليس عليكم جناح ان تقصروا من الصلوه

امام باقر(ع) در مورد عدد رکعات نماز در سفر فرمود: ... والصلوه كلها فى السفر الفريضة ركعتان كل صلوه الا المغرب فانها ثلاث ليس فيها تقصير ...

من لايحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۷۹، ح ۱، باب ۵۹ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۲۵۴.

۱۵ حداقل مسافتی که موجب شکسته شدن نماز در سفر می شود، هشت فرسخ است .

و إذا ضربتم فى الارض .. ان تقصروا من الصلوه

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از مسافتی که موجب شکسته شدن نماز می شود فرمود: فى مسيره يوم و ذلك بریدان و هما ثمانیه فراسخ ...

تهذیب، ج ۳، ص ۲۰۷، ح ۱، باب ۲۳ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۱۰، ح ۷.

احکام نماز میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۹

۹ نماز گزاردن بر جنازه منافقان و حضور یافتن بر قبر آنان، حرام است .

و لاتصل علی أحد منهم

اخفات در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ -

۸- به آواز بلند خواندن همه نمازها و یا با صدای آهسته خواندن تمامی آنها، مورد نهی خداوند

و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها

این برداشت مبتنی بر این است که مراد از <صلاه> همه نمازها باشد و نه یک نماز.

۱۳- پیامبر (ص)، موظف به رعایت جهر در برخی نمازها و اخفات در بعضی دیگر

و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها و ابتغ بین ذلک سبیلاً

بنابر اینکه مراد آیه این باشد که همه نمازهای را به جهر و یا همه را به اخفات بخوان و مراد از <و ابتغ..> این باشد که برخی را به جهر و بعضی را به اخفات بخوان، برداشت فوق به دست می آید.

۱۷- > عن سماعه قال : سألته عن قول الله عزوجل : < و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها > قال : المخافته مادون سمعک و الجهر أن ترفع صوتک شدیداً ;

سماعه گوید: از امام(ع) درباره سخن خدای عزوجل <و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها> سؤال کردم، حضرت فرمود: آهسته خواندن، آن است که خودت نشنوی و بلند خواندن، آن است که صدایت به شدت بلند باشد.

۱۸- > عن أبي جعفر الباقر (ع) في قوله : < و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها > قال : الاجهار أن ترفع صوتک تسمعه من بعد عنک و الإخفات أن لاتسمع من معک إلاً يسيراً ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که در باره سخن خداوند <و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها> فرمود: <اجهار> آن است که صدایت را به اندازه ای بالا بری که فردی که از تو دور است، آن را بشنود و <اخفات>

آن است که صدایت به حدی آهسته باشد که شخصی که همراه تو است چیزی به جز صدایی خفیف نشنود.

اخلاص در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۱۶

۱۶ - نماز و عبادات دیگر، باید خالصانه و فقط برای یاد خدا باشد.

فاعبدنی و اقم الصلوه لذكری

اختصاص یافتن <ذکر> در <لذکری> به یاء متکلم، گویای نکته یاد شده است؛ یعنی <لذکری لالذکر غیری>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۴،۵

۲ - اخلاص در نماز و انجام دادن آن تنها به جهت فرمان خدا، وظیفه ای برعهده پیامبر (ص)

فصل لربك

۴ - خداوند، به دلیل مدبّر و مالک بودن بر امور انسان ها، سزاوار پرستش و نماز خالصانه بندگان به درگاه او است.

فصل لربك

۵ - سپاسگزاری از خداوند در برابر نعمت کوثر، وادارسازنده پیامبر (ص) به نماز و اخلاص در آن

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ . فصل لربك

حرف <فاء> در <فصل>، لزوم نماز را بر آیه قبل تفریح کرده است.

اخلاص در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۲

۲ - ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر، دو امتیاز برجسته

نماز و عبادت شبانه

هی اشدَّ وطًا و أقوم قیلاً

ضمیر <هی> به <ناشئه> بازمی گردد. <اشدَّ> معادل <أثبت> (با ثبات تر، استوارتر) و <وطی> مرادف <قیام> (ایستادن) است (لسان العرب). <أقوم> نیز به

معنای <أسد> (محکم تر) و <قیلاً> همتای <مقال> (سخن گفتن) است؛ یعنی، آن (پدید شده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

ادعای ناهیان از نماز محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۷ - ۱

۱ - نهی کننده پیامبر (ص) از نماز، مدعی نفوذ کلام در بین هم نشینان خویش

فلیدع نادیه

کلمه <نداء> تعبیری دیگر از مجالست است و مجلس را <نادی> و <مُنتدی> می گویند (مفردات راغب). و همانگونه که گاه مراد از <قریه>، اهل قریه است، در آیه شریفه نیز مراد، اهل مجلس است.

اذان نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۲

۲ - اذان، از آداب برپایی نماز جمعه

إذا نودی للصلوة من یوم الجمعة

ندا برای نماز، همان اذان است.

اذکار نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۸

۱۸ - نماز های یومیه، مشتمل بر تسبیح و تحمید پروردگار و تشریح شده در مکه، پیش از هجرت

و سَبِّحْ... قبل طلوع... ءانآی الیل فسبِّحْ و اطراف النهار

این آیه، با اوقات چهار نماز تناسب دارد: صبح (قبل طلوع الشمس)، عصر (قبل غروب ها)، صبح و مغرب (اطراف النهار) و

عشا (من آناء اللیل). برخی با توجیه (أطراف النهار) به این که وسط روز نیز طرف آن است، نماز ظهر را نیز مشمول آیه دانسته اند؛ ولی چون سوره <طه> در مکه و پیش از

سوره <اسرا> که حکم نماز ظهر در آن آمده نازل شده است، می توان گفت که نماز ظهر را مطرح نکرده است.

ارزش برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۰ - ۶

۶- احیای فریضه نماز در جامعه ، کاری بس مهم و ارزشمند است .

رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي

از آن جا که حضرت ابراهیم(ع)، که از انبیای بزرگ الهی است، خواستار توفیق احیای نماز در جامعه شد، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۳

۳ - اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، ارزش های محوری در جامعه اسلامی

من ينصره .. الذين إن مكَّنتهم في الأرض ... و نهوا عن المنكر

ارزش نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۳۰

۳۰ اهمیت و ارزش والای نماز و طهارت

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا ... و لكن يريده ليطهركم

ساقط نشدن نماز در صورت نیافتن آب، دلیل اهمیت نماز و تکرار و تأکید بر طهارت، نشانه اهمیت طهارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۷،۸

۷ نماز ، بهترین عبادت در سحرگاهان و ارزشمندترین عمل در شب زنده داری

و الذین یبیتون لربهم سجّداً و قیماً

برداشت فوق، از اختصاص به ذکر یافتن نماز از میان دیگر اعمال عبادی به دست می آید.

۸ نماز ، بهترین و ارزشمندترین

عبادت ها و عمل های صالح

و الذین یبیتون لربهم سجداً و قیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر، از زیربنایی ترین ارزش ها است.

إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

بنابراین که <ذَٰلِكَ> اشاره به کلّ محتوای سخن لقمان در این آیه باشد، مشارالیه <ذَٰلِكَ>، جملات <أَقِم... وَأْمُر... وَاثْمَهُ...> است و <عَزْمِ الْأُمُورِ> مصدر و به معنای مفعولی، و <عَزْمِ الْأُمُورِ> اضافه صفت به موصوف است یعنی، <الْأُمُورِ الْمَعْرُومِ>. امر معزوم به هدف شایسته ای گویند که لازم است بر آن دست یافت.

ارزش نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۸

۸ - شرکت در نماز جمعه و پرداختن به ذکر خدا، بسی ارزشمندتر از کسب مال و سایر منافع دنیوی

فاسعوا إلى ذکر الله و ذروا البیع ذلکم خیر لکم

ارزش نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۷

۷ نماز، بهترین عبادت در سحرگاهان و ارزشمندترین عمل در شب زنده داری

و الذین یبیتون لربهم سجداً و قیماً

برداشت فوق، از اختصاص به ذکر یافتن نماز از میان دیگر اعمال عبادی به دست می آید.

ارزش نماز مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۹

۹ - وجود نماز در خانواده مسلمان ، بهترین جایگزین برای مال و رفاه در خانواده کافران

مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ .. . وَأَمْر

أهلک بالصلوه

کلمات <أزواج> و <أهل> در این آیات، خانواده‌ها را مدّ نظر قرار داده است و بدین صورت لزوم تمایز خانواده مسلمان از خانواده کافر را بیان می‌کند.

ارکان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۳ - ۶

۶ - رکوع، از ارکان اساسی نماز در نماز جماعت

و ارکعوا مع الرکعین

از اینکه خواندن نماز جماعت به رکوع کردن تعبیر شده و برگزار کنندگان جماعت، <راکعین> نامیده شده‌اند، اهمیت بسزای رکوع در نماز جماعت معلوم می‌شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ رکوع و سجود، از اجزای مهم نماز *

و اسجدی و ارکعی

بنابراینکه مراد از رکوع و سجود، نماز باشد؛ و تعبیر از نماز به رکوع و سجود، دلالت بر اهمیت این دو جزء دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۹

۹ رکوع و سجود، از ارکان مهم نماز

الرکعون السجدون

نوع مفسران برآنند که مقصود از رکوع کنندگان و سجده کنندگان، نمازگزاران هستند؛ بنابراین ذکر رکوع و سجده از میان دیگر واجبات نماز می‌تواند به خاطر اهمیت ویژه این دو فریضه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۸ - ۸

۸- سجده و خضوع ، رکن اصلی و روح نماز و دارای جایگاه ویژه در میان سایر عبادات

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِنَ السَّاجِدِينَ

مقصود از <سجده> می تواند نماز باشد و علت اینکه به جای نماز به سجده

امر شده، می تواند گویای این حقیقت باشد که سجده رکن مهم و روح نماز است. گفتنی است دستور خداوند به سجده، پس از توصیه به تسبیح و حمد که هر دو نوعی عبادت به شمار می آیند نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۶

۱۶ - قیام ، رکوع و سجود ، از ارکان نماز

و القائمین و الرکع السجود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۳،۴

۳ سجده و قیام ، دو رکن اساسی نماز است .

و الذین یبیتون لربهم سجداً و قیماً

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن سجده و قیام از میان دیگر ارکان و اجزای نماز، استفاده می شود.

۴ سجده ، رکن اصلی و روح نماز است .

و الذین یبیتون لربهم سجداً و قیماً

تقدیم سجده بر قیام در حالی که در نماز قیام بر سجده مقدم است می تواند برای بیان اهمیت سجده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۹ - ۴

۴ - سجده و خضوع در برابر خداوند ، مهم ترین رکن نماز و روح عبادت

و تقلبک فی السجدين

از اختصاص به ذکر یافتن موضوع سجده، در میان مجموعه ارکان نماز و مصادیق عبادت، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - سجده و خضوع ، رکن اصلی و روح نماز است

یدعون إلى السجود

از این که به جای نماز، سجود و خضوع مطرح شده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۴

۴ - قیام و قرائت ، اساسی ترین ارکان عبادت و نماز

هی أشد وطأ و أقوم قیلاً

اختصاص به ذکر یافتن دو رکن قیام (أشدّ وطئاً) و قرائت (أقوم قیلاً) از میان ارکان پنجگانه نماز، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۳

۳ - سجده ، رکن مهم نماز

و من الیل فاسجد له

اطلاق <سجده> بر <نماز> ، از باب اطلاق جز بر کل است و این می رساند که این جزء، از اجزای مهم نماز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۸ - ۲

۲ - رکوع ، از ارکان مهم نماز است .

و إذا قیل لهم ارکعوا لایرکعون

<رکوع> در این آیه، کنایه از نماز است. بر این اساس ذکر رکوع به جای نماز، بیانگر اهمیت و جایگاه ویژه آن، در فریضه نماز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۱۶

۱۶ - قصد قربت ، نشانه عبودیت و از اجزای نماز

ینهی . عبداً إذا صلّى ... لا تطعه ... و اقترب

استغفار در نماز وتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۸ - ۶

۶ - > قال أبو عبد الله (ع) كانوا يستغفرون الله في الوتر سبعين مرّة

امام صادق(ع) درباره <و بالأسحار هم یستغفرون> فرمودند: آنان در نماز وتر به هنگام سحر، هفتاد بار استغفار می کنند.

استماع خطبه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۶

۶ - لزوم استماع خطبه های نماز جمعه و پرهیز از پرداختن به کار های دیگر

و إذا رأوا .. و ترکوک قائماً

استمداد از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۸

۸ - استعانت از صبر و نماز برای موفقیت و پیروزی ، امری دشوار جز برای خاشعان

و استعینوا بالصبر و الصلوه و إنها لکبیره إلا علی الخشعین

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <إنها> به <استعانت> بر گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۸

۸ - پیکار در راه خدا و مصیبت های آن ، از مشکلات راه ایمان ، که باید با استعانت از صبر و نماز آن را تحمل کرده و بر ایمان خود ، راسخ قدم ماند .

استعینوا بالصبر و الصلوه .. و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۸ - ۲

۲- توصیه خداوند به پیامبر (ص) به استمداد از یاد پروردگار و عبادت و نماز در مشکلات و ناراحتی های برخاسته از رسالت خویش و مخالفت های دشمنان

و لقد نعلم أنك يضيق صدرك بما يقولون . فسبح بحمد ربك و كن من السجدين

برداشت فوق از <فاء> در <فسبح>

که برای تفریح این جمله به آیه قبل است استفاده گردیده است؛ بدین معنا که توصیه خداوند به تسبیح و تحمید.. پس از اعلام آگاهی او از دلتنگی و اندوه پیامبر(ص) بیانگر تأثیر این عبادات در رفع اندوه و نگرانی است.

استهزای نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۴، ۵، ۱، ۳

۱ استهزای نماز و بازیچه دانستن آن، از سوی برخی اهل کتاب و کافران صدر اسلام

و إذا ناديتم إلى الصلوة اتخذوها هزواً و لعباً

در برداشت فوق ضمیر فاعلی <اتخذوها> به <الذین اوتوا الکتب> و <الکفار> در آیه قبل برگردانده شده است.

۳ مبارزه تبلیغاتی کافران و اهل کتاب علیه اسلام، با استهزای نماز و اذان و بازیچه خواندن آن

و إذا ناديتم إلى الصلوة اتخذوها هزواً و لعباً

۴ حرمت ایجاد روابط دوستی با کسانی که نماز و اذان را بازیچه می پندارند و آن را به تمسخر می گیرند .

لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً و لعباً .. و إذا ناديتم إلى الصلوة

۵ تمسخر برخی اهل کتاب نسبت به نماز و اذان، دلیل تحریم روابط دوستی با آنان

لا تتخذوا الذین .. و إذا ناديتم إلى الصلوة اتخذوها هزواً و لعباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۳

۳ ایمان مسلمانان به خدا، قرآن و تمامی کتب آسمانی، برانگیزنده اهل کتاب بر تمسخر نماز و دیگر شعایر اسلام

قل یا اهل الکتب هل تنقمون منا الا ان ءامنا بالله .. و ما أنزل من قبل

برداشت فوق بر

این میناست که <ان ءامننا> به تقدیر <لام>، بیانگر کراهت و ناخرسندی اهل کتاب نسبت به مسلمانان باشد، یعنی <ما تقمون منا دیننا و صلاتنا لشیء الا ایماننا باللّٰه .. >.

استهزای نماز شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۳

۳ مردم مدین ، نماز ها و عبادت های شعیب (ع) را مورد تمسخر و استهزای خویش قرار می دادند .

أصلوتک تأمرک أن نترک ما یعبدا ءاباؤنا

استفهام در جمله <أصلوتک .. > به داعی استهزا و تمسخر ایراد شده است.

استیدان بعد از نماز عشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۲

۲ - بردگان ، باید برای ورود به اتاق و محل استراحت صاحبان خود ، در سه وقت اذن بطلبند : ۱ پیش از نماز بامداد ، ۲ به وقت استراحت نیمروزی (ظهر) ، ۳ پس از نماز عشا (هنگام خواب شب) .

لیستندنکم الذین ملکت أیمنکم .. ثلاث مرّت من قبل صلوه الفجر و حین تضعون ثیابکم

استیدان قبل از نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۲

۲ - بردگان ، باید برای ورود به اتاق و محل استراحت صاحبان خود ، در سه وقت اذن بطلبند : ۱ پیش از نماز بامداد ، ۲ به وقت استراحت نیمروزی (ظهر) ، ۳ پس از نماز عشا (هنگام خواب شب) .

لیستندنکم الذین ملکت أیمنکم .. ثلاث مرّت من قبل صلوه الفجر

و حين تضعون ثيابكم

اعتدال در قیام نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۲۲

۲۲ - > عن حریز عن رجل عن أبي جعفر (ع) قال: قلت له > فصلٌ لربك و انحر < قال: النحر الإعتدال فی القیام أن یقیم صلبه و نحره ;

حریز از مردی نقل کرده که گفت: به امام باقر(ع) گفتم: [معنای] > فصلٌ لربك و انحر < [چیست؟] فرمود: > نحر < اعتدال در حال قیام است [به این که] ستون فقرات و سینه خود را راست نگه دارد <.

اعتدال صدا در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۱۲، ۱۰

۱۰ - خواندن نماز با آواز بلند یا با صدای بسیار آهسته ، جایز نیست .

و لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از > صلاه < هر نمازی باشد که نماز گزار آن را ادا می کند.

۱۲ - پیامبر (ص) ، موظف به رعایت اعتدال در قراءت نماز و پرهیز از آواز بلند یا با صدای بسیار آهسته

و لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها

اعراض از مخالفت با نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۴ - ۴

۴ - مخالفان نماز ، باید خدا را ناظر بر کردار خویش دیده و از مخالفت دست بردارند .

أرءیت الذی ینهی .. ألم یعلم بأنّ الله یری

اعراض از ممانعت با نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۱،۴

۱ - لزوم پرهیز از مخالفت با نماز و اجتناب

حرف <کَلَّا> برای ردع و بازداشتن از گفتار یا کرداری است که پیش از آن آمده و در آیه شریفه ناظر به اموری است که کلمات <کَذَّبَ>، <تَوَلَّى>، <أَلَمْ يَعْلَمْ> و <يَنْهَى> در آیات پیشین بر آن دلالت داشت.

۴ - خاتمه دادن به موضع گیری در برابر نماز ، فرمان خداوند به نهی کننده پیامبر (ص) از ادای آن

أرءیت الذی ینهی . عبدًا إذا صلَّى ... لئن لم ینته

اقامه نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۸ - ۶،۷

۶ لزوم بجا آوردن نماز برای خدا ، همراه خضوع و توجه کامل به پروردگار

حافظوا علی الصَّلوات . . . و قوموا لله قانتین

<قنوت> به معنای خضوع در اطاعت و خضوع مستلزم توجه کامل می باشد و مراد از قیام در <قوموا لله>، یا خصوص نماز است و یا نماز مصداقی بارز برای آن.

۷ لزوم بجا آوردن نماز برای خداوند ، از روی اطاعت و بندگی او

حافظوا علی الصَّلوات . . . و قوموا لله قانتین

<قنوت>، علاوه بر خضوع، بر اطاعت و بندگی نیز دلالت دارد؛ زیرا <قنوت> به معنای خضوع در اطاعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱،۳،۸

۱ مؤمنان دارای عمل صالح ، برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، بهره مندان از پاداش ویژه الهی

ان الذین امنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه لهم اجرهم عند ربّه

کلمه <عند ربّهم> اشاره به پاداشی ویژه دارد.

۳ پاداش الهی برای مؤمنان دارای عمل صالح ، برپادارندگان نماز و پرداخت

کنندگان زکات ، نتیجه عمل خیر آنها

لهم اجرهم عند ربهم

<اجر> به معنای مزد، در برابر عملکرد شخص به کار برده می شود؛ بنابراین پاداش آنان مزد و اجر عملشان خواهد بود.

۸. برپاداری نماز و پرداخت زکات از بهترین نمونه های عمل صالح

و عملوا الصّالحات و اقاموا الصّلوه و اتوا الزکوه

ذکر نماز و زکات پس از عمل صالح، در حالیکه خود عمل صالحند، بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۹

۹. برپایی نماز با حالت حضور قلب امری بایسته و سزاوار

حتی تعلموا ما تقولون

ملا-ك حرمت نماز در حال مستی توجه نداشتن و آگاه نبودن به اذکار نماز است. و این معنا به هنگام غفلت و فقدان حضور قلب نیز وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۴

۴. ضرورت برپا داشتن نماز و پرداخت زکات

الم تر الى الذین قیل لهم کفوا ایدیکم و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۸،۲۳

۸. پیمان الهی از بنی اسرائیل بر اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران و انفاق در راه خدا

و لقد اخذ الله ميثق بني اسرئيل . . . و اقرضتم الله قرضاً حسناً

به نظر می‌رسد از جمله موارد میثاق و پیمان الهی با بنی اسرائیل، مسائلی است که جمله <لئن اقمتم ..> آن را بیان می‌کند.

۲۳ تکفیر (نادیده گرفتن) گناهان و دخول در بهشت، پرتویی از

نصرت الهی به بندگان خویش

و قال الله انی معکم لئن اقمتم الصلوه .. لا کفرن عنکم سیاتکم و لادخلنکم جنت

بنابر اینکه <لا کفرن> تفسیر <انی معکم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱۲، ۲، ۱

۱ تنها خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا الذین .. و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۲ خداوند ، معرف فردی از مؤمنان برپا دارنده نماز و ادا کننده زکات برای سرپرستی دیگران ، با ذکر نشانی معین و مشخص

انما ولیکم الله .. الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

با توجه به اینکه جمله <و هم را کعون> جمله ای است حالیه و عامل آن فعل <یؤتون> است و نیز با توجه به ظهور <رکوع> در معنای مصطلح آن یعنی رکوع نماز، معلوم می شود صفات شمرده شده، مخصوصاً آخرین صفت، عنوان مشیر دارد؛ یعنی برای معرفی شخصی معین است.

۱۲ برپا داشتن نماز و پرداخت زکات ، نشانه ایمان

الذین ءامنوا الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

<الذین یقیمون الصلوه> توصیف <الذین ءامنوا> است.

امامت نماز جمعه در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۳

۳ - اقامه نماز جمعه ، در صدر اسلام و به امامت حضرت رسول اکرم (ص)

و إذا رأوا تجره .. و ترکوک قائماً

برپاکنندگان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ - امید داشتن به رحمت و پاداش الهی نه خود را مستحق آن شمردن از ویژگی های عالمان خداترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ... إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

اوقات نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۱۴، ۲

۱ لزوم برپا داشتن نماز های یومیه در اوقات مقرر شده آنها

و أقم الصلوة طرفى النهار و زلفاً من الليل

۲ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب ، از اوقات مقرر شده برای نماز است .

و أقم الصلوة طرفى النهار و زلفاً من الليل

<طرف> به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. <زُلف> (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

۱۴ > عن أبى جعفر (ع) [فى حديث] : ... و قال تبارك و تعالى : ... > أقم الصلاه طرفى النهار < و طرفاه صلاه المغرب و الغداه . > و زلفاً من الليل < فهى صلاه العشاء الآخره ... ;

از امام باقر(ع) ضمن حدیثی روایت شده است: ... خداوند تبارک و تعالی فرمود: <أقم الصلاه طرفى النهار> دو طرف آن، نماز مغرب و صبح است. [و فرمود] <زلفاً من

اللیل < آن نماز عشاء است... >.

اولین نماز واجب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۳،۱۴

۳- نماز ظهر، اولین نماز از نماز های واجب است .

أقم الصلوه لدلوك الشمس

از اینکه در بیان اوقات نمازهای پنجگانه، ابتدا زوال خورشید مطرح شد، می تواند گویای این حقیقت باشد که اولین نماز واجب، نماز ظهر است.

۱۴- > عن یزید بن خلیفه قال : قلت لأبی عبد الله (ع) . . . إنک قلت : إن أوّل صلاه افترضها الله علی نبیه (ص) الظهر و هو قول الله عزوجلّ : > أقم الصلاه لدلوك الشمس < . . . قال : صدق ;

.. شما فرموده اید اولین نمازی که خداوند بر پیامبرش واجب کرد، نماز ظهر بود و این همان سخن خداوند است که فرمود: >أقم الصلاه لدلوك الشمس< ؟ ... حضرت فرمود: راوی راست گفته است <.

اهتمام ابراهیم(ع) به نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۰ - ۵،۷،۴،۲،۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار توفیق یافتن خود بر اقامه نماز شد .

ربّ اجعلنی مقيم الصلوه

۲- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار توفیق یافتن فرزندانش بر اقامه نماز شد .

ربّ اجعلنی مقيم الصلوه و من ذرّیتی

۴- دعای حضرت ابراهیم (ع) به درگاه پروردگار برای توفیق یافتن خود و فرزندانش برای احیای فریضه نماز در جامعه

ربّ اجعلنی مقيم الصلوه و من ذرّیتی

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) درخواست خواندن نماز نکرد؛ بلکه خواستار اقامه آن شد، برداشت فوق به دست می آید.

۵- علاقه شدید حضرت

ابراهیم (ع) به فریضه نماز و احیای آن در جامعه

رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي

تعبیر <اقامه نماز> به جای <خواندن نماز> گویای برداشت فوق است.

۷- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند ملتمسانه خواستار استجابت دعایش برای اقامه نماز شد .

رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دَعَاءِ

اهتمام انبیا به نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۷

۷- به پاداشتن نماز و اهتمام به آن ، و دوری جستن از خواسته های نفسانی و شهوات ، دو ویژگی مهم و برجسته پیامبران و هدایت یافتگان است .

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ

اهتمام به نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۱۵

۱۵ مراقبت بر نماز از ویژگیهای مؤمنان به قرآن است.

وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹ - ۲

۲ - اهمیت دادن به فریضه نماز و مراقبت بر انجام به موقع آن ، توصیه خداوند به اهل ایمان

قد أفلح المؤمنون .. و الذين هم على صلواتهم يحافظون

اهتمام مؤمنان به نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹ - ۳

۳ - مؤمنان راستین ، همواره در اندیشه نماز و مراقب انجام به موقع آن هستند .

قد أفلح المؤمنون .. و الذين هم على صلواتهم يحافظون

اهتمام مهتدين به نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ -

۷- به پاداشتن نماز و اهتمام به آن ، و دوری جستن از خواسته های نفسانی و شهوات ، دو ویژگی مهم و برجسته پیامبران و هدایت یافتگان است .

فخلف من بعدهم خلف أضاعوا الصلوه واتبعوا الشهوت

اهمیت اخلاص در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۶

۶ - لزوم اخلاص و قصد قربت در نماز

فویل للمصلین .. الذین هم یراءون

اهمیت استماع خطبه های نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۶

۶ - تلاش و جدیت برای درک خطبه های نماز جمعه و اهمیت دادن به آن ، توصیه خداوند به مؤمنان

فاسعوا إلى ذکر الله

در صورتی که مراد از <ذکر الله> در آیه شریفه خطبه های نماز جمعه باشد، براشت بالا استفاده می شود.

اهمیت اقامه نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۶

۶ اهمیت بیشتر اقامه نماز و پرداخت زکات ، نسبت به دیگر عبادات فردی و اجتماعی

قیل لهم کفوا ایدیکم و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه

چون در میان واجبات، تنها به نماز و زکات اشاره شده، با اینکه قطعاً در آن زمان مسائلی دیگر نیز واجب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۹،۱۰

۹ اهمیت ویژه اقامه نماز، پرداخت زکات و انفاق، از میان تکالیف الهی

لئن اقمتم الصلوه و ایتیم الزکوه ... و اقرضتم

بی تردید تکالیف بنی اسرائیل منحصر به آنچه ذکر

شده نیست. بنابراین تصریح به آنها و نیز کافر خواندن ترک کنندگان آن تکالیف، دلیل اهمیت ویژه آنهاست.

۱۰ نصرت و یاری خدا به بنی اسرائیل، مشروط به اقامه نماز، پرداخت زکات، ایمان به پیامبران و انفاق در راه خدا

انی معکم لئن اقمتم الصلوه . . . و اقرضتم الله قرضاً حسناً

در برداشت فوق جمله <انی معکم> به منزله جواب شرط و قسم در <لئن اقمتم> گرفته شده است. یعنی در واقع، جمله <لئن اقمتم>، دارای دو جزء است: یکی <انی معکم> و دیگری <لا کفرن...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۷

۷ پاداشتن همواره نماز با تمامی شرایط آن و کوتاهی نوزیدن در پرداخت زکات، شرط شایستگی برای ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم الله . . . الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

اقامه نماز به معنای برپا داشتن آن با تمامی شرایط است و فعل مضارع <یقیمون> و <یؤتون>، حاکی از استمرار و تداوم اقامه نماز و پرداخت زکات است.

اهمیت برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۳ - ۱

۱ - خداوند، بنی اسرائیل را به اقامه نماز و پرداخت زکات دعوت کرد.

یبنی اسرائیل اذکروا . . . و اقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۱

۱ - پیشه ساختن صبر و برپایی نماز، سفارش و توصیه خداوند

و استعینوا بالصبر و الصلوه

- بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۱،۷

۱ - ضرورت اقامه نماز و پرداخت زکات

و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

۷ - اقامه نماز و پرداخت زکات ، بهترین کار نیک و ارجمندترین توشه برای سرای آخرت

أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عندالله

<خیر> (کار نیک و پسندیده) شامل نماز نیز می شود. بنابراین نام بردن از آنها برای رساندن این معناست که: این دو فریضه، از بهترین کارهای نیک و سودمندترین توشه ها برای آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۶

۶ - برپایی نماز ، پرداخت زکات ، وفای به عهد ، صبر در مشکلات و استقامت در نبرد از وظایف اهل ایمان و از مسائل اساسی دین

ليس البر أن تولوا وجوهكم ... و لكن البر من ... و أقام الصلوه ... والصبيرين في ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۲ - ۱

۱ اقامه نماز فرمانی است که آدمیان باید بر آن گردن نهند.

و أمرنا لنسلم لرب العلمين. و أن أقيموا الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳ - ۱،۲

۱ اقامه نماز و انفاق از امکانات خدادادی ، نمود بارز ایمان واقعی

إنما المؤمنون .. الذين يقيمون الصلوه و مما رزقنهم ينفقون

۲ ضرورت اقامه نماز و انفاق بخشی از امکانات و داراییها

أطيعوا الله ورسوله .. الذين يقيمون الصلوة و مما رزقنهم ينفقون

<من> در <مما رزقنهم> می تواند برای تبعیض باشد. بنابراین انفاق همه داراییها

مورد توصیه خداوند نخواهد بود، بلکه انفاق بخشی از آن خواست خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۵

۱۵ اقامه نماز و پرداخت زکات ، از نشانه های اصلی و ضروری مسلمان بودن است .

فاقتلوا المشركين .. فإن تابوا و أقاموا الصلوه و ءاتوا الزكوه فخلوا سبيلهم

از اینکه خداوند در پذیرش توبه مشرکان و اسلام آوردن آنان تنها دو عمل (نماز و زکات) را از آنان خواسته است، مطلب فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۲،۶

۲ اقامه نماز و پرداخت زکات ، از نشانه های ضروری مسلمانی است .

فإن تابوا و أقاموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

۶ پذیرش اسلام کفار ، مشروط به اقامه نماز و پرداخت زکات است .

فإن تابوا و أقاموا الصلوه و ءاتوا الزكوه فإخونكم في الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۶،۷،۸

۶ ایمان (اعتقاد به خدا و روز بازپسین) و عمل (اقامه نماز و پرداخت زکات) دو رکن اساسی و جدایی ناپذیر دین الهی

إنما يعمر مسجد الله من ءامن بالله و اليوم الآخر و أقام الصلوه و ءاتی الزكوه

۷ اقامه نماز و پرداخت زکات از مهمترین تکالیف شریعت الهی

و أقام الصلوه و ءاتی الزكوه

از اینکه خداوند، پس از ذکر شرط ایمان، تنها نماز و زکات را از میان دیگر تکالیف شریعت بیان کرده است، برداشت فوق به دست می آید.

و بیم داشتن از خدا و نه‌راسیدن از غیر او ، نشانه های ایمان راستین

من ءامن بالله و الیوم الآخر و أقام الصلوه و ءاتی الزکوه و لم یخس إلا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۱، ۱۰

۱۰ اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول ، از نشانه های بارز مؤمنان

و المؤمنون و المؤمنت .. و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

۱۱ ویژگی و اهمیت اقامه نماز و پرداخت زکات ، در میان سایر تکالیف دینی

و المؤمنون و المؤمنت .. و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

با توجه به اینکه جمله < یطیعون الله و رسوله > فراگیرنده تمامی تکالیف عبادی و غیر عبادی است؛ ذکر جداگانه اقامه نماز و پرداخت زکات، نشان از ویژگی و اهمیت والای آن دو، در میان سایر عبادات و وظایف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۱

۱ لزوم برپا داشتن نماز های یومیه در اوقات مقرر شده آنها

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلُفاً من الیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۴

۴ لزوم برپایی نماز و محافظت بر آن

والذین .. أقاموا الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۴، ۵، ۱

۱- پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ فرمان اقامه نماز و انفاق به مؤمنان

قل لعبادی الذین ءامنوا یتقوا الصلوٰه و ینفقوا

۴- اقامه نماز و انفاق از اهمیت ویژه ای در میان سایر فریضه ها

و تکالیف الهی برخوردار است .

قل لعبادی الذین ءامنوا یقیموا الصلوه و ینفقوا

ذکر اقامه نماز و انفاق، پس از بیان صفت ایمان بندگان حقیقی و انتخاب این دو تکلیف از میان سایر تکالیف می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

۵- اقامه نماز و انفاق در پنهان و آشکار، از ویژگی ها و نشانه های بندگان راستین خداوند است .

قل لعبادی الذین ءامنوا یقیموا الصلوه و ینفقوا سرًّا و علانیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۳

۳- هدف حضرت ابراهیم (ع) از اسکان دادن برخی از فرزندانش در جوار خانه خدا، توفیق یافتن آنان برای عبادت و اقامه نماز بود .

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي .. عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۰ - ۳،۶

۳- اهمیت و جایگاه بلند فریضه نماز در مقایسه با دیگر فریضه های الهی

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي

۶- احیای فریضه نماز در جامعه، کاری بس مهم و ارزشمند است .

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي

از آن جا که حضرت ابراهیم(ع)، که از انبیای بزرگ الهی است، خواستار توفیق احیای نماز در جامعه شد، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۴

۴- تحقق فریضه های نماز و زکات ، نیازمند پی گیری و تبلیغ و ترویج مداوم

و کان یا امر أهله بالصلوه والزكوه

<کان یا امر . . . >، یعنی اسماعیل (ع) به طور پیوسته بر انجام نماز و ادای زکات فرمان

می داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - فرمان مداومت بر نماز و برپاداشتن آن ، از نخستین برنامه های عملی ابلاغ شده به موسی (ع) در وادی طوی بود .

أقم الصلوه

<اقامه نماز> (برپاداشتن آن) به مداومت بر آن است.

۱۱ - اقامه نماز ، بارزترین جلوه عبودیت در برابر خداوند است .

فاعبدنی و أقم الصلوه

تردیدى نیست که اقامه نماز، خود عبادت است. ذکر نماز پس از امر به عبادت، حکایت از نقش نماز در تحقق بخشیدن به بندگی خداوند دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۴

۴ - لزوم مراقبت پی گیر بر نماز و مداومت بر اقامه آن

وأمر أهلک بالصلوه واصطر علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۰

۲۰ - لزوم بر پاداشتن نماز و پرداخت زکات

فأقيموا الصلوه وءاتوا الزكوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۳،۴

۳ - مراعات نماز و حفظ پاسداری از آن ، امری شایسته و پسندیده است .

یقیمون الصلوه

<أقام> از ریشه <قوم> و <قیام> است که به معنای <حفظ و پاسداری چیزی و مراعات آن> است (مفردات راغب).

لازم به ذکر است که وصف محسنان، با <الذین یقیمون الصلاه> نشان می دهد که عمل یاد شده، محبوب و مورد نظر خداوند است.

۴- ادای کامل و دائمی نماز و پرداخت دائم زکات، از اعمال پسندیده و تکلیف های شایسته است.

للمحسنین . الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

اقامه چیزی، در لغت به معنای <ادای کامل حقوق آن> معنا شده است (مفردات راغب). مراد از ادای کامل حق نماز، اتیان آن، با رعایت شرایط اش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۱۰، ۵

۵- اقامه نماز، از دید لقمان اهمیت ویژه ای دارد.

یَبْنِیْ اَقْمِ الصَّلٰوَه

از این که لقمان پس از توصیه پسرش به پرهیز از شرک (توحید) و یادآوری روز حساب به نماز می پردازد، حکایت از اهمیت آن می کند.

۱۰- اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر، از فرمان های بس مهم خداوند است.

اَقْمِ الصَّلٰوَه .. اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْر

<عَزْم> ممکن است به معنای <تصمیم قطعی و جزمی> باشد که در این صورت، <عزم> به خداوند اسناد داده می شود. صاحب کشف، چنین معنایی را اختیار کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۵

۵- اقامه نماز و گسترش فرهنگ نمازخوانی، از مهم ترین تکالیف الهی برای اهل ایمان

و الذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوه

با توجه به این که <استجابوا لربهم> اجرای تمامی تکالیف الهی را در بر دارد، ذکر اقامه نماز پس از آن، دلیلی بر

اهمیت ویژه برپایی نماز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۱۵

۱۵- خداوند ، خواهان بروز و ظهور نماز و نیایش مؤمنان ، در گستره جامعه *

تریهم رکعاً سجداً

واژه <تراهم> می رساند که رکوع، سجود و نیایش مؤمنان، به گونه مخفی صورت نمی گیرد؛ بلکه آن چنان است که اگر شخصی به جامعه اسلامی نگاه کند، به آسانی روحیه نیایش و نمازگزاری را در آنان مشاهده می کند. از سوی دیگر لحن آیه شریفه، تمجید از چنین روش و منش است.

اهمیت برپایی نماز یومیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۹

۹ دستور اقامه نماز های یومیه ، از مواعظ و پند های مهم خداوند است .

و أقم الصلوه .. ذلک ذکرى

مشارالیه <ذلک> می تواند همه دستورات و حقایقی باشد که در این آیه و دو آیه قبل بیان شده است. در برداشت فوق <ذلک ذکرى> در ارتباط با <أقم الصلاه> معنا شده است. به کارگیری <ذلک> که برای اشاره به دور است در مشارالیه نزدیک، حاکی از عظمت و اهمیت آن مشارالیه می باشد.

اهمیت تداوم نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱۰، ۹

۹ نماز و انفاق باید برنامه همیشگی انسان باشد ، نه مقطعی و موقت

یقیمون الصلوه و مما رزقنهم ینفقون

برداشت فوق با توجه به فعلهای مضارع (یقیمون و ینفقون) که حکایت از تجدد و استمرار دارد استفاده شده است.

۱۰ نماز اگر برنامه زندگی نباشد و

بدان اهتمام نشود ، آدمی را به مرحله تقوا نخواهد رساند .

هَدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ . الَّذِينَ ... يَتَّقُونَ الصَّلَاةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۳ - ۱

۱ - پابندی به نماز و انجام دادن دائمی آن ، از نشانه های نمازگزاران حقیقی است .

إِلَّا الْمُصَلِّينَ . الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ

اهمیت تعقیبات نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۵

۵ - اهمیت تعقیبات نماز و نوافل آن *

و من الیل فسبحه و أدبر السجود

در صورتی که سجده، اشاره به نماز داشته باشد، تعبیر <أدبر السجود> می تواند ناظر به تعقیبات نماز و نوافل باشد.

اهمیت تلاش برای نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۶

۶ - تلاش و جدیت برای درک خطبه های نماز جمعه و اهمیت دادن به آن ، توصیه خداوند به مؤمنان

فاسعوا إلى ذکر الله

در صورتی که مراد از <ذکر الله> در آیه شریفه خطبه های نماز جمعه باشد، براشت بالا استفاده می شود.

اهمیت خشوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲ - ۳

۳ - رعایت خضوع و تذلل در نماز ، توصیه خدا به اهل ایمان

قد أفلح المؤمنون . الذين هم في صلاتهم خشعون

اهمیت خضوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۸ - ۸

۸ - سجده و خضوع ، رکن اصلی و روح نماز و دارای جایگاه ویژه در میان سایر

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ

مقصود از <سجده> می تواند نماز باشد و علت اینکه به جای نماز به سجده امر شده، می تواند گویای این حقیقت باشد که سجده رکن مهم و روح نماز است. گفتنی است دستور خداوند به سجده، پس از توصیه به تسبیح و حمد که هر دو نوعی عبادت به شمار می آیند نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۹ - ۴

۴ - سجده و خضوع در برابر خداوند ، مهم ترین رکن نماز و روح عبادت

و تَقْلِبْكَ فِي السَّاجِدِينَ

از اختصاص به ذکر یافتن موضوع سجده، در میان مجموعه ارکان نماز و مصادیق عبادت، برداشت یاد شده به دست می آید.

اهمیت سجده در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۸ - ۸

۸- سجده و خضوع ، رکن اصلی و روح نماز و دارای جایگاه ویژه در میان سایر عبادات

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ

مقصود از <سجده> می تواند نماز باشد و علت اینکه به جای نماز به سجده امر شده، می تواند گویای این حقیقت باشد که سجده رکن مهم و روح نماز است. گفتنی است دستور خداوند به سجده، پس از توصیه به تسبیح و حمد که هر دو نوعی عبادت به شمار می آیند نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۴

۴ سجده ، رکن اصلی و روح

نماز است .

و الذین یبیتون لربهم سجّداً و قیماً

تقدیم سجده بر قیام در حالی که در نماز قیام بر سجده مقدم است می تواند برای بیان اهمیت سجده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۹ - ۴

۴ - سجده و خضوع در برابر خداوند ، مهم ترین رکن نماز و روح عبادت

و تقلّبک فی السجّدين

از اختصاص به ذکر یافتن موضوع سجده، در میان مجموعه ارکان نماز و مصادیق عبادت، برداشت یاد شده به دست می آید.

اهمیت محافظت از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۳،۴

۳ - مراعات نماز و حفظ پاسداری از آن ، امری شایسته و پسندیده است .

یقیمون الصلوه

<أقام> از ریشه <قوم> و <قیام> است که به معنای <حفظ و پاسداری چیزی و مراعات آن> است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که وصف محسنان، با <الذین یقیمون الصلاه> نشان می دهد که عمل یاد شده، محبوب و مورد نظر خداوند است.

۴ - ادای کامل و دائمی نماز و پرداخت دائم زکات ، از اعمال پسندیده و تکلیف های شایسته است .

للمحسنین . الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

اقامه چیزی، در لغت به معنای <ادای کامل حقوق آن> معنا شده است (مفردات راغب). مراد از ادای کامل حقّ نماز، اتیان آن، با رعایت شرایط اش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - مراقبت بر نماز و پاسداری از آن ، لازم و ضروری است .

أقم الصلوه

<إقامه> از ریشه

<قوم> و <قیام> به معنای مراعات و حفظ چیزی است (مفردات راغب).

اهمیت نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۴

۴ - نماز و انفاق از ارکان عملی دین و دارای اهمیتی خاص در میان سایر تکالیف

و یقیمون الصلوه و مما رزقناهم ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۹، ۶، ۴، ۳

۳ - پیشه ساختن صبر و اقامه نماز، طریق های موفقیت و پیروزی بر مشکلات و ناملایمات

و استعینوا بالصبر و الصلوه

۴ - صبر و نماز وسایلی کارساز برای موفقیت در انجام دستور های خدا (ایمان به قرآن، وفا به عهد های الهی و ...)

أوفوا بعهدی .. و استعینوا بالصبر و الصلوه

با توجه به آیه های قبل می توان گفت: متعلق <استعینوا> فرامینی است که در آن آیه ها بیان شد، یعنی: و استعینوا علی ما امرتکم به و نهیتکم عنه بالصبر و الصلاه.

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرّمات الهی (کفر به قرآن، دین فروشی، کتمان حق و ...)

و لاتکونوا أول کافر به .. و استعینوا بالصبر و الصلوه

۶ - برپایی نماز کاری سنگین و دشوار مگر برای خاشعان و فروتنان

و إنها لکبیره إلا علی الخشعین

ضمیر در <إنها> می تواند به <الصلاه> برگردد و نیز می تواند به <استعانت> - که از <استعینوا> فهمیده می شود - ارجاع شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. گفتنی است که دشوار بودن نماز به معنای دشوار بودن

برپایی آن است.

۹- باور به آسان شدن مشکلات در پرتو نماز، حقیقتی که تنها خاشعان بدان ایمان دارند.

و استعینوا بالصبر و الصلوه و إنها لكبيره إلا على الخشعين

دشواری استعانت از نماز - که مقتضای برگشت ضمیر <إنها> به <استعانت> است - به معنای ناباوری به کارساز بودن نماز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۲۴

۲۴ - نماز، مظهر ایمان است.

و ما كان الله ليضيع إيمانكم

مراد از <ایمان> چنانچه بسیاری از مفسران گفته اند، نماز است. اطلاق ایمان بر نماز دلالت بر اهمیت والای نماز دارد؛ به گونه ای که می توان نماز را ایمان خواند و آن را مظهر ایمان دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۳ - ۱

۱ - صبرپیشگی و برپایی نماز، توصیه و فرمان خدا به مؤمنان

يأيتها الذين آمنوا استعينوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۸

۸ - پیکار در راه خدا و مصیبت های آن، از مشکلات راه ایمان، که باید با استعانت از صبر و نماز آن را تحمل کرده و بر ایمان خود، راسخ قدم ماند.

استعينوا بالصبر و الصلوه .. و لاتقولوا لمن يقتل في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ لزوم محافظت و مراقبت بر نمازها (مراعات آداب ظاهری و باطنی آن)

حافظوا علی الصلوات

۳ مشکلات مسائل خانوادگی

، نباید غافل کننده آدمی از نماز و ارتباط با خداوند باشد .

حافظوا علی الصَّلوات

چون انسان طبعاً با درگیر شدن به مسائل خانوادگی (نظیر طلاق و پرداخت مهر و ..) از یاد خدا غافل می شود و احیاناً نماز را به تأخیر انداخته و یا ترک می کند، خداوند پس از بیان احکام خانواده، تأکید بر محافظت و مراقبت به نماز کرده است.

۴ لزوم نظارت اجتماعی بر رعایت نماز و آداب دینی در جامعه اسلامی

حافظوا علی الصَّلوات

چون <حافظوا> به صورت جمع آورده شده، می توان چنین فهمید که خطاب به جامعه ایمانی است. بدیهی است که این معنا منافاتی با فرمان محافظت بر نماز بر آحاد مردم ندارد.

۵ اهمیت ویژه برخی از نماز های یومیّه (صلوه وسطی)

و الصَّلوه الوسطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۹ - ۵، ۲، ۱

۱ جواز بجا آوردن نماز در حال حرکت ، پیاده یا سواره در هنگام ترس

فان خفتم فرجالا او رکبانا

جمله <فان خفتم ..> حکایت از شرطی محذوف دارد که حکم آیه قبل را مشروط می کند ؛ یعنی مراقبت کامل شرایط در نماز در صورت امتیث است ؛ ولی آنگاه که خوفی عارض شود، به مقدار ممکن حفظ شرایط و آداب لازم است نه همه آنها. همچنین <رجالا> جمع راجلا- به معنی پیاده و <رکبانا> جمع راکباً به معنای سواره است و در هر دو، حرکت لحاظ می شود.

۲ عدم جواز ترک نماز ، حتی در سخت ترین شرایط

فان خفتم فرجالا او رکبانا

۵ نماز ، ذکر خداست .

فاذا انتمم فاذکروا الله

از <ذکر> در جمله <فاذکروا الله> نماز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۵،۹

۵ لزوم اهتمام به نماز و برپایی آن ، حتی در صورت ترس از کمین دشمن

فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلوه ان خفتم ان یفتنکم الذین کفروا

۹ رها شدن از فتنه های دشمن ، دارای مصلحتی بیشتر و مهمتر از انجام کامل نماز

فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلوه ان خفتم ان یفتنکم الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۳

۳ وجوب برپا کردن نماز ، حتی در میدان رزم و شرایط دشوار

و إذا كنت فیهم فاقمت لهم الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۳ - ۷

۷ نماز ، وظیفه ای ثابت و واجب برای اهل ایمان

ان الصلوه كانت علی المؤمنین کتباً موقوتاً

<کتاب> به معنای واجب و ثابت است. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر(ع) است که درباره <کتاباً موقوتاً> در آیه فوق فرمود: یعنی مفروضاً ...

کافی، ج ۳، ص ۲۹۴، ح ۱۰؛ نورالتقلین، ج ۱، ص ۵۴۵، ح ۵۴۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ اهمیت والای نماز و زکات و عنایت ویژه الهی نسبت به اقامه کنندگان نماز

و المقیمین الصلوه و المؤتون الزکوه

منسوب آوردن <المقیمین> به تقدیر <امدح> و <اخص> برای تأکید بیشتر به اهمیت نماز و عنایت خاص خداوند به اقامه کنندگان آن است و ذکر زکات در بین

دیگر عبادتها و واجبات، حکایت از اهمیت ویژه آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱۴،۱۵

۱۴ اهمیت ویژه نماز، زکات و انفاق، در میان عبادات و فرایض دینی

الذین ءامنوا الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

۱۵ اهمیت ویژه نماز، نسبت به زکات و انفاق

یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

تقدم ذکر اقامه نماز بر پرداخت زکات، حکایت از اهمیت والاتر نماز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۸

۸ نماز و اذان، از ارکان اساسی دین و شعائر مقدس آن

الذین اتخذوا دینکم هزواً .. و إذا نادیتم إلی الصلوه اتخذوها هزواً و لعباً

آیه مورد بحث، استهزای نماز و اذان را نمونه ای از استهزای دین شمرده است و اطلاق دین بر نماز و اذان نشان می دهد که این دو از ارکان اساسی دین می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۰،۱۳

۱۰ باز نماندن از نماز و یاد خدا از حکمت های تحریم میگساری و قماربازی

انما یرید الشیطن .. فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکر اللّٰه و عن الصلوه

۱۳ نماز، دارای جایگاهی شاخص در میان اذکار الهی

و یصدکم عن ذکر اللّٰه و عن الصلوه

چون نماز از جمله اذکار الهی است، عطف <عن الصلوه> بر <عن ذکر الله> عطف خاص بر عام خواهد بود و حاکی از اهمیت برتر نماز نسبت به دیگر اذکار الهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- انعام - ۶ - ۷۲ - ۲

۲ نماز دارای جایگاه و اهمیتی ویژه در بین عبادات

و أمرنا لنسلم .. و أن أقيموا الصلوه و اتقوه

یادآور شدن نماز در این سلسله آیات از بین عبادات دیگر، گویای نقش و جایگاه ویژه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۱۷

۱۷ نماز نشانه عملی بارز مسلمان بودن در صدر اسلام بوده است.

و الذین يؤمنون بالأخره يؤمنون به و هم علی صلاتهم یحافظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۲ - ۳،۱۱

۳ نماز بارزترین جلوه پرستش خدا

إن صلاتی و نسکی .. لله رب العلمین

<نسک> به معنای عبادت است و شامل نماز نیز می شود. بنابراین تنها نام بردن از نماز در میان سایر عبادتها بیانگر اهمیت ویژه آن است.

۱۱ نماز و عبادت خالصانه از بارزترین ویژگیهای آیین پیامبر(ص)

دینا قیما .. إن صلاتی و نسکی ... لله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۶

۱۶ اهمیت و جایگاه بلند نماز و زکات در میان سایر فرایض و تکالیف الهی

فإن تابوا و أقاموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۶

۶ اهمیت نماز در میان سایر عبادت ها و نقش آن در پذیرش سایر اعمال

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا .. لا يأتون الصلوه إلا وهم كسالى

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸- هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۱۰

۱۰ نماز ، وسیله یاد خدا و فراموش نکردن اوست .

و أقم الصلوه . . . ذلك ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۲

۱۲- اعمال نیک انسان (نماز ، انفاق و . . .) داد و ستد و دوستی با خداوند است .

یقیموا الصلوه و ینفقوا . . من قبل أن یأتی یوم لایبع فیه و لاخلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۴

۴- نماز ، برخوردار از جایگاه و اهمیت خاص در مقایسه با دیگر عبادات و فریضه های الهی

ربنا إنی أسکنت من ذرّیتی بواد غیر ذی زرع . . لیقیموا الصلوه

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) هدف از هجرت فرزنداناش به سرزمینی بدون کشت و زرع (مکه) را نماز معرفی می کند و از میان سایر عبادتها آن را برمی گزیند، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۴۰ - ۱،۲،۴

۱- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار توفیق یافتن خود بر اقامه نماز شد .

ربّ اجعلنی مقیم الصلوه

۲- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار توفیق یافتن فرزنداناش بر اقامه نماز شد .

ربّ اجعلنی مقیم الصلوه و من ذرّیتی

۴- دعای حضرت ابراهیم (ع) به درگاه پروردگار برای توفیق یافتن خود و فرزندان‌ش برای احیای فریضه نماز در جامعه

رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) درخواست خواندن نماز نکرد؛ بلکه خواستار اقامه آن شد، برداشت

فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۸ - ۲،۳

۲- توصیه خداوند به پیامبر (ص) به استمداد از یاد پروردگار و عبادت و نماز در مشکلات و ناراحتی های برخاسته از رسالت خویش و مخالفت های دشمنان

و لقد نعلم أنك يضيق صدرك بما يقولون . فسبح بحمد ربك و كن من السجدين

برداشت فوق از <فاء> در <فسبح> که برای تفریح این جمله به آیه قبل است استفاده گردیده است، بدین معنا که توصیه خداوند به تسبیح و تحمید.. پس از اعلام آگاهی او از دلتنگی و اندوه پیامبر(ص) بیانگر تأثیر این عبادات در رفع اندوه و نگرانی است.

۳- رهبران الهی و زمامداران جامعه اسلامی ، نیازمند به استمداد از پروردگار با ذکر و نماز و عبادت ، در برابر مشکلات رسالت خویش

و لقد نعلم أنك يضيق صدرك .. فسبح بحمد ربك و كن من السجدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۶ - ۱۲

۱۲- <عن إدريس القمي قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن الباقيات الصالحات ؟ فقال : < هي الصلاة > ;

ادريس قمي گفت از امام صادق(ع) از معنای <الباقيات الصالحات> پرسیدم. فرمود: <آن، نماز است.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۹،۱۲

۹- نماز و زکات ، (اظهار بندگی و انفاق) در بین تکالیف الهی ، از اهمیت ویژه ای برخوردار است .

و أوصني بالصلوة والزكوة

سفارش مستقیم خداوند در مورد نماز و زکات،

گویای اهمیت و نقش مهم آن دو در نیل به کمال است.

۱۲- نماز و زکات ، در هیچ شرایطی نباید ترک شود .

و أوصنی بالصلوه والزكوه مادمت حيًّا

گرچه <مادمت حیًّا> مربوط به عیسی (ع) است، ولی به دلیل اشتراک تکالیف، دیگر مسیحیان نیز به تکالیف او موظف اند و هر گاه قرآن از ادیان پیشین حکمی را نقل کرده و نسخ آن را گوشزد نکند، مسلمانان نیز باید آن را تکلیف خود بشمارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۲

۲- نماز ، زکات و انفاق ، دارای اهمیت ویژه در آیین اسماعیل صادق الوعد

و کان یأمر أهله بالصلوه و الزكوه

اصرار حضرت اسماعیل (ع) بر نماز و زکات (انفاق)، نشان اهمیت آن دو، در آیین آن حضرت بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۸

۸- نماز ، دارای جایگاهی مهم و اساسی در تمامی ادیان الهی

فخلف ..أضاعوا الصلوه

آیه مورد بحث، از میان همه چیزهایی که می توان در پشت کردن و اهمیت ندادن به دین مطرح ساخت، نماز را مطرح کرده است. این گویای نقش محوری نماز در مجموعه احکام دینی و ادیان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - نماز از همه عبادت های دیگر مهم تر است .

فاعبدنی و أقم الصلوه

اختصاص به ذکر نماز از بین مجموعه عبادات، گویای رتبه ویژه و برتر این عمل در مقایسه با دیگر عبادات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج -

۵- نماز ، زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، مهم ترین تکالیف دینی

أقاموا الصلوه . . . و نهوا عن المنکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۲

۲- نماز ، با اهمیت ترین عبادت و والاترین جلوه پرستش خداوند

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ

با توجه به این که نماز از مصداق های عبادت است و جمله <اعبدوا ربكم> شامل آن نیز می شود، ذکر جداگانه آن پیش از <اعبدوا ربكم>، بیانگر اهمیت خاص این عبادت و ارزش والاتر آن در نزد خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۲

۲۲- برپاداشتن نماز ، پرداخت زکات و اعتصام به محور الهی ، اساسی ترین وظایف امت اسلامی

هُوَ سَمِيكُمُ الْمَسْلَمِينَ . . . فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ ءَاتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۶ - ۱۵

۱۵ - < عن الإمام موسى بن جعفر عن أبيه عليهما السلام في قول الله عز وجل > . . . يسبح له فيها بالغدو والأصال > . . . قال الصلاة في أوقاتها

امام موسی بن جعفر (ع) از پدر بزرگوارش نقل می کند که درباره قول خدای عزوجل <.. يسبح له فيها بالغدو والأصال> فرمود: مقصود خواندن نماز در اوقات معین آن است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۶ - ۱،۲،۳

برپایی نماز و پرداخت زکات

وعد الله الذين آمنوا.. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

۲ - نماز و زکات ، از مهم ترین و با ارزش ترین فریضه ها و احکام الهی

وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصلحت .. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

برداشت فوق با توجه به اختصاص به ذکر یافتن نماز و زکات، پس از بیان اعمال صالح که نماز و زکات نیز جزء آنها می باشد قابل استفاده است.

۳ - فریضه نماز ، در مقایسه با دیگر فریضه ها و احکام الهی ، از ارزش و اهمیت ویژه ای برخوردار است .

وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصلحت .. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

برداشت یاد شده، از تقدم فریضه نماز بر زکات استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۵

۵ - اهمیت اقامه نماز و پرداخت زکات در مجموعه تکالیف دینی

الذين يقيمون الصلوه و يؤتون الزكوه

از آن جا که تکالیف دینی، منحصر در نماز و زکات نیست، بسنده کردن به آن دو بیانگر اهمیت بسیار آنها در میان تکالیف دینی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۱ - ۶

۶ - نماز ، دارای جایگاهی والا در میان تکالیف های دینی است .

و اتقوه و أقيموا الصلوه

اختصاص به ذکر نماز از میان سایر عبادت ها و تکالیف ها، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۲

۲ - نماز و

زکات ، در میان اعمال عبادی و مالی ، جایگاه والا و ویژه ای دارند .

الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

ذکر نماز و زکات (صدقه) از میان سایر مسایل عبادی ، برای توصیف محسنان، نشان دهنده جایگاه ویژه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ - نماز و زکات ، به عنوان دو وظیفه عبادی و مالی ، دارای اهمیتی خاص در میان تکلیف های دینی است .

و أقمن الصلوه و ءاتین الزکوه

ذکر نماز و زکات از میان سایر تکلیف ها، نشان از اهمیت والای آن دو دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۶

۶ - نماز ، دارای ویژگی و اهمیت در میان سایر عبادات

و أقاموا الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۱۲، ۱۰، ۷

۷ - اقامه نماز ، تکلیفی الهی برعهده مسلمانان

فأقیموا الصلوه

۱۰ - اقامه نماز ، پرداخت زکات و فرمانبرداری از خدا و پیامبر اکرم (ص) ، ارکان عملی اسلام

فأقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه و أطیعوا الله و رسوله

۱۲ - مسلمانان ، باید بر اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول او ، پایبند بوده و از سهل انگاری درباره آنها کیداً پرهیز نمایند .

فأقيموا الصلوه .. و أطيعوا الله و رسوله

ارتباط صدر و ذیل آیه شریفه، بیانگر این حقیقت است که خداوند، هر چند درباره مسأله صدقه نجوا از کسانی که نسبت به آن کوتاهی نمودند، سخت گیری نکرد؛ لکن نسبت به اقامه نماز،

پرداخت زکات و ... هرگز تسامح نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۴

۴ - نماز ، از ارکان عملی دین و نشانه اصلی دین داری است .

و قد كانوا يدعون إلى السجود وهم سلمون

به گفته مفسران، مقصود از سجود و فراخوانده شدن کافران به آن، نماز است که در آیات گوناگون، همگان به این عبادت فراخوانده شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۲ - ۵

۵ - نماز ، مهم ترین صفت مسلمانی و اساسی ترین رکن دین داری است .

إِلَّا الْمَصْلِينَ

از ذکر نماز در آغاز و تقدیم آن بر سایر مسائل و احکام دینی، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۴ - ۳

۳ - نماز ، دارای جایگاهی بس بلند در سلسله تعالیم اسلام

إِلَّا الْمَصْلِينَ . الذین هم علی صلاتهم دائمون ... و الذین هم علی صلاتهم یحافظون

از این که مسأله <نماز> از میان دیگر اوصاف مؤمنان، در دو نوبت آن هم در آغاز و پایان یاد شده است، می توان به مطلب یاد شده پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۳ - ۲،۴

۲ - اهمیت و جایگاه ویژه فریضه نماز ، در سلسله احکام و رهنمود های الهی

قالوا لم نك من المصلين

از این که ترک نماز، از عوامل دوزخی شدن محسوب گشته و اولین عامل آن معرفی شده است، می توان به اهمیت

و جایگاه والای آن پی برد.

۴ - > عن عقيل الخزاعي ، أنّ أمير المؤمنين (ع) . . . يقول : تعاهدوا الصَّلاة و حافظوا عليها و استكثروا منها و تقربوا بها فإنها كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً و قد علم ذلك الكفار حين سُئِلوا ما سلَّكم في سقر؟ قالوا : لم نك من المصلين ؛

از عقیل خزاعی روایت شده که امیرالمؤمنین(ع) فرمود: .. مواظب نماز باشید و بر آن محافظت نمایید و انجام آن را افزون کنید و با نماز به [خدا] تقرب جوئید. چون نماز، وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است؛ این را کافران نیز می دانند؛ آن زمان که از آنان سؤال شود: <چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟> گویند: ما از نمازگزاران نبودیم...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۴، ۳

۳ - نماز ، مظهر دین داری و تصدیق عملی دین

فلا صدق و لا صلّی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، پس از بیان تصدیق نشدن اصل دین از سوی کافران، تنها به ترک فریضه نماز از سوی آنان بسنده کرده است.

۴ - اهمیت و جایگاه ویژه نماز و صدقه ، در سلسله تعالیم دین

فلا صدق و لا صلّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۰ - ۳

۳ - نماز ، جلوه عبودیت انسان است .

عبدًا إذا صلّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۱۶، ۳

۳ - پیامبر (ص) ، هرگز به ترک نماز بر اثر نهی و

تهدید مخالفان مجاز نبود .

ینهی . عبداً إذا صَلَّى ... فليدع ناديه ... كلاً لاتطعه و اسجد

۱۶ - قصد قربت ، نشانه عبودیت و از اجزای نماز

ینهی . عبداً إذا صَلَّى ... لاتطعه ... و اقترب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۵ - ۲

۲ - لزوم اهتمام به نماز و توجه به محتوای آن

فویل للمصلین . الذین هم عن صلاتهم ساهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱۴

۱۴ - خداوند ، با یادآوری عطای ویژه خویش به پیامبر (ص) ، آن حضرت را آماده دریافت فرمان نماز و قربانی ساخت .

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ . فَصَلِّ لِرَبِّكَ و انحر

اهمیت نماز اول وقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۲۰

۲۰ - لزوم خواندن نماز ، در ابتدای وقت آن *

وانحر

در <تاج العروس> آمده است: <نَحَرَ الصَّلَاةَ>؛ یعنی، نماز را در آغاز وقت آن خواند.

اهمیت نماز جماعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - اقامه نماز به جماعت و به همراه مسلمانان توصیه خداوند به بنی اسرائیل

و ارکعوا مع الرکعین

مراد از رکوع کردن، اقامه نماز است و مقصود از <راکعین> نمازگزاران مسلمان می باشد زیرا پس از دعوت اهل کتاب به ایمان و اسلام، این احتمال وجهی ندارد که گفته شود مراد از نماز، نماز شریعت خود آنان است.

۴ - ضرورت برپایی نمازها به جماعت

و ارکعوا مع الرکعین

نماز خواندن همراه نمازگزاران کنایه از اقامه

نماز به جماعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۴

۴ اهمیت ویژه نماز و برگزاری آن به جماعت

و إذا كنت فيهم فاقمت لهم الصلوه... و لياخذوا حذرهم و اسلحتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۹ - ۲

۲ - اهمیت عبادت خدا و اقامه نماز در میان جمع و با جماعت

و تقلبك في السجدين

تعبیر <في الساجدين> مشعر به مطلب یاد شده است.

اهمیت نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۷

۷ - مأموریت پیامبر (ص) از سوی خداوند ، برای بیان جایگاه بلند نماز در پیشگاه الهی

قل ما عند الله خير من اللهو و من التجره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۱،۳،۹

۱ - شرکت در نماز جمعه ، توصیه خداوند به مؤمنان

يأيها الذين ءامنوا.. فاسعوا إلى ذكر الله

۳ - نماز جمعه ، < ذكر الله > است .

فاسعوا إلى ذكر الله

مفسران <ذكر الله> را به دو معنا تفسیر کرده اند: الف) مراد از <ذكر الله> نماز جمعه است ب) مراد از آن خطبه های نماز جمعه است. برداشت یاد شده بر پایه تفسیر اول است.

۹- فریضه نماز جمعه و رها کردن داد و ستد به هنگام اقامه آن، در جهت تأمین مصالح و منافع خود مؤمنان است.

إذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا إلى ذکر الله.. ذلکم خیر لکم

اهمیت نماز در

شریعت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۱

۱ نماز ، بارزترین نمود آیین شعیب (ع)

قالوا يشعيب أصلوتك تأمرك

از اینکه مردم مدین از میان کارهای دینی شعیب(ع) نماز او را نام می برند ، معلوم می شود که: نماز در میان دیگر امور دینی وی ، نمود و بروزی خاص داشته است.

اهمیت نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲۲

۲۲ - > عن زراره عن أبي جعفر (ع) قال : قلت له : < آناء الليل ساجداً و قائماً ... > قال : یعنی صلاه الليل ... ;

زراره می گوید: از امام باقر(ع) پرسیدم: مراد از <آناء الليل ساجداً و قائماً> چیست؟ فرمود: مراد نماز شب است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۷ - ۲۲

۲۲ - > عن أبي الحسن (ع) في قوله عزوجل : < و رهبانيه ابتدعوها ما كتبناها عليهم إلا ابتغاء رضوان الله > قال : صلاه الليل ;

از امام رضا(ع) درباره سخن خداوند عزوجل که فرموده: <..إلا ابتغاء رضوان الله> روایت شده که مراد نماز شب است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۱۰

۱۰ - > عن أبي جعفر و أبي عبدالله (عليهما السلام) إنهما قالا : هي القيام في آخر الليل إلى صلاه الليل ;

از امام باقر و امام صادق(عليهما السلام) روایت شده که فرموده اند: [مراد از]

آن [ناشته اللیل] برخاستن در آخر شب برای نماز شب است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - نماز و خواندن قرآن ، از بهترین اعمال مراسم در شب زنده داری و عبادت شبانه

تقوم أدنی من ثلثی الیل .. فاقراءوا ما تیسر من القرآن

۱۳ - شب هنگام ، زمان مناسب برای نماز و قرائت قرآن

تقوم أدنی من ثلثی الیل .. فاقراءوا ما تیسر من القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۵ - ۶

۶ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر اقامه نماز در سپیده دم و پسین گاه

و اذکر اسم ربک بکره و أصیلاً

مقصود از ذکر در این آیه بنابر نظر مفسران ممکن است نماز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۱۳، ۱۲، ۷، ۲

۲ - اقامه نماز در پاره ای از شب ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و من الیل فاسجد له

مقصود از <سجده> چنان که مفسران گفته اند ممکن است نماز باشد.

۷ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر گزاردن نماز شب

و سبّحه لیلاً طویلاً

یکی از معانی <تسییح>، نماز است (قاموس المحيط و لسان العرب). بر این اساس مقصود از آن در این آیه، ممکن است

نماز شب باشد.

۱۲ - > روی عن الرضا (ع) أنه سأله احمد بن محمد عن هذه الآية و قال : ما ذلك التسييح ، قال : صلاة الليل ؛

از ایشان روایت شده

است که احمد بن محمد [بزنطی] درباره آیه <و من اللیل فاسجد له و سبّحه لیلاً طویلاً> سؤال کرد و گفت: این تسبیح چیست؟ آن حضرت فرمود: نماز شب است <.

۱۳ - < و عنه (ع) أنّه قال فی قوله عزّوجلّ < و من اللیل فاسجد له و سبّحه لیلاً طویلاً > قال : أمره أن یصلی فی ساعات من اللیل ففعل (ص) ... ;

از امام صادق (ع) روایت شده که آن حضرت درباره سخن خدای عزّوجلّ <و من اللیل فاسجد له و سبّحه لیلاً طویلاً> فرمود: خداوند به [رسولش] دستور داده که در ساعاتی از شب، نماز گزارد. سپس آن حضرت این مأموریت را انجام داد... <.

اهمیت نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۶،۱۰

۶- اهمیت و جایگاه ویژه نماز صبح نسبت به سایر نمازها

أقم الصلوه ... و قرءان الفجر إن قرءان الفجر کان مشهوداً

۱۰- لزوم اهتمام به اقامه نماز صبح، در منظر همگان و همراه با جماعت *

إن قرءان الفجر کان مشهوداً

احتمال دارد که ذکر صفت <مشهود> برای نماز صبح، نوعی تشویق به این باشد که شایسته است انجام آن در معرض شهود و دید همگان باشد. لازم به ذکر است که فعل <کان> در آیه برای تثبیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۳۹

۳۹- < عن أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام في قوله : < واصر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغداه والعشي > قال : إنّما عنى بها الصلاه ;

از امام

باقر و امام صادق (علیهما السلام) در باره این سخن خدا: <.. یدعون ربّهم بالغداه و العشی> روایت شده که فرمود: همانا از تعبیر <خواندن خدا در صبح و عصر> نماز، قصد شده است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۵ - ۶

۶ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر اقامه نماز در سپیده دم و پسین گاه

و اذکر اسم ربّک بکره و أصیلاً

مقصود از ذکر در این آیه بنا بر نظر مفسران ممکن است نماز باشد.

اهمیت نماز ظهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۸ - ۱۱

۱۱ اهمیت خاص نماز ظهر ، در میان نمازها

حافظوا علی الصلوات و الصلوه الوسطی

امام باقر (ع): <... و الصلوه الوسطی> ، و هی صلوه الظهر و هی اول صلوه صلاها رسول الله (ص)

کافی، ج ۳، ص ۲۷۱، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۹۳۴.

اهمیت نماز عشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۳۹

۳۹- < عن أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام في قوله: < و اصبر نفسك مع الذين يدعون ربّهم بالغداه و العشی > قال: إنّما عنی بها الصلاه ;

از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) در باره این سخن خدا: <.. یدعون ربّهم بالغداه و العشی> روایت شده که فرمود:

همانا از تعبیر <خواندن خدا در صبح و عصر > نماز، قصد شده است <.

اهمیت نماز مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۹ - وجود نماز در خانواده مسلمان ، بهترین جایگزین برای مال و رفاه در خانواده کافران

متّعنا به أزوجًا منهم .. وأمر أهلك بالصلوه

کلمات <أزواج> و <أهل> در این آیات، خانواده ها را مدّ نظر قرار داده است و بدین صورت لزوم تمایز خانواده مسلمان از خانواده کافر را بیان می کند.

اهمیت نماز نافله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۵

۵ - اهمیت تعقیبات نماز و نوافل آن *

و من الیل فسبّحه و أدبر السجود

در صورتی که سجده، اشاره به نماز داشته باشد، تعبیر <أدبار السجود> می تواند ناظر به تعقیبات نماز و نوافل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۳ - ۵،۶

۵ - > محمد بن فضیل عن أبي الحسن (ع) أنه قال : أولئك أصحاب الخمسين صلاه من شيعتنا ...

محمد بن فضیل از امام کاظم (ع) [درباره آیه <الذین هم علی صلاتهم دائمون>] روایت نموده که فرمود: آنان اصحاب پنجاه رکعت نماز، از شیعیان ما هستند. گفتنی است که: الف مقصود از <پنجاه رکعت نماز> نمازهای یومیه به علاوه نافله های آن است. ب تعداد رکعات نمازهای یومیه و نوافل آن ۵۱ رکعت است لکن در برخی روایات درباره نافله عشاء آمده که این یک رکعت از نوافل بشمار نمی آید بلکه مستحبی است که صرفاً به منظور دو برابر شدن تعداد رکعات نافله نسبت به نمازهای یومیه اضافه شده است. (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۵۵، ح ۱۳۱۸).

براساس این روایات، مجموع عدد نمازهای یومیه و نوافل پنجاه رکعت است.

۶ - > عن فضیل ، قال : سألت أبا جعفر (ع) عن قول الله عزوجلّ : > ..الذین هم علی صلاتهم دائمون < قال : هی النافله ;

فضیل می گوید: از امام باقر(ع) از سخن خدای عزوجلّ > ..الذین هم علی صلاتهم دائمون < سؤال کردم فرمود: مراد نماز نافله است <.

اهمیت نماز های واجب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹ - ۶

۶ - > عن فضیل قال : سألت أبا جعفر (ع) عن قول الله عزوجلّ : > الذین هم علی صلواتهم یحافظون < قال هی الفریضه ..

; .

فضیل می گوید از امام باقر(ع) از قول خدای عزوجلّ > الذین هم علی صلواتهم یحافظون < پرسیدم؟ فرمود: مراد نمازهای واجب است .. <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۴ - ۵

۵ - > عن الفُضیل ، قال : سألت أبا جعفر (ع) عن قول الله عزوجلّ : > و الذین هم علی صلاتهم یحافظون < قال : هی

الفریضه ;

فضیل گوید: از امام باقر(ع) درباره سخن خدای عزوجلّ: > و الذین هم علی صلاتهم یحافظون < سؤال کردم، فرمود: مراد نمازهای واجب است <.

اهمیت وقت نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۶ - ۱۵

۱۵ - > عن الإمام موسى بن جعفر عن أبيه عليهما السلام في قول الله عزوجلّ > ... يسبح له فيها بالغدو والأصال < ..

. قال الصلاة في أوقاتها ;

امام موسی بن جعفر (ع) از پدر بزرگوارش نقل می کند که درباره قول خدای عزوجل <..یسبح له فيها بالغدو و الأصال> فرمود: مقصود خواندن نماز در اوقات معین آن است <.

برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۲، ۱

۱ - ایمان به غیب (خدا و ...) ، اقامه نماز و انفاق از صفات اهل تقواست .

هدى للمتقين. الذين يؤمنون ... ينفقون

<غیب> به معنای پنهان و ناپیداست و چون ایمان به آن ارزشهای دینی شمرده شده، مقصود از <غیب> هر پنهان و نهانی نیست، بلکه مراد از آن، به مناسبت فرازهای بعد، خدا و فرشتگان و مانند آنهاست.

۲ - ایمان به غیب (خدا و ...) ، اقامه نماز و انفاق ، وظایفی ضروری بر عهده بندگان

الذين يؤمنون بالغيب .. ينفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۶ - ۴

۴ - اقامه نماز برای باورداران به لقای خدا و بازگشت به او ، امری سهل و آسان است .

و إنها لكبيره إلا على الخشعين. الذين يظنون أنهم ملقوا ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۱۸، ۷

۷ - بر پا داشتن نماز و پرداختن زکات ، از عهد ها و پیمان های خدا با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا ميثق بني إسرائيل .. و أقيموا الصلوة و ءاتوا الزكوة

۱۸ - معاشرت نیکو با مردم اقامه نماز و ادای زکات ، از مصداق های

اعمال شایسته است .

و عملوا الصلحت .. و قولوا للناس حسناً و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، بی نیاز از اعمال خیر بندگان (اقامه نماز ، پرداخت زکات و ...)

و ما تقدموا لأنفسكم من خیر تجدوه عندالله

هدف از آوردن قید <لأنفسكم> (برای خودتان) توجه دادن انسانها به این حقیقت است که: آنچه انجام می دهید خود از آن بهره می گیرید. مبادا خیال کنید که خداوند به آنها نیازمند است و سودی عاید او می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲۶

۲۶ - برپایی نماز ، پرداخت زکات ، پابندی به عهد ها و صبر و پایداری در تنگنا ها و شداید از ویژگی های نیکان

و لكن البر من .. أقام الصلوه ... والصبيرين في البأساء والضراء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ اقامه نماز و تلاش برای رفع نیاز نیازمندان از نشانه های خردمندان است .

إنما يتذكر أولوا الألب .. والذين صبروا ... وأقاموا الصلوه و أنفقوا مما رز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۸

۸ - اقامه نماز ، عبودیت و بندگی خدا و انجام کار های نیک ، مشخصه های جامعه اسلامی

يأيتها الذين ءامنوا .. و افعلوا الخير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴

۱ - مؤمنان ، وظیفه دار برپایی نماز و پرداخت زکات
وعد الله الذین ءامنوا. .. و اقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۱ - ۲،۴

۲ - لزوم ترس از خدا و برپایی نماز و پرهیز از هرگونه شرک

و اتَّقوه و اقیموا الصلوه و لاتکونوا من المشرکین

۴ - اقامه نماز و پرهیز از شرک ، تجلی روح تقوا در آدمی است .

و اتَّقوه و اقیموا الصلوه و لاتکونوا من المشرکین

<تقوا> در لغت، حفظ خود از خطر، و در شریعت، حفظ خود از افتادن در گناه است. طبیعی است که مصداق حفظ خود از گناه، ترک محرمات و انجام دادن واجبات است. ذکر اقامه نماز و پرهیز از شرک، می تواند به منزله ذکر خاص بعد از عام و مفید نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۱

۱ - اقامه همواره نماز ، و پرداخت مداوم زکات و یقین به آخرت ، از صفات محسنان است .

هدی و رحمه للمحسنین . الذین یقیمون ... و هم بالأخره هم یوقنون

فعل های مضارع < یقیمون > و < یؤتون > دلالت بر استمرار دارند. لازم به ذکر است که < زکات > در این آیه، به قرینه مکی بودن سوره، زکات اصطلاحی نیست، بلکه اعانه های مالی است. گفتنی است در صورتی که جمله < الذین یقیمون ... > جمله وصفی و یا بدلی باشد، مفید معنای یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۲

با قرآن و تلاوت پیوسته آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از نشانه های خداترسی است .

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۴

۴ - احیای فرهنگ نماز و انجام آن با تمامی شرایط و ارکان ، از ویژگی های بارز اهل ایمان

و ما عند الله .. للذين ءامنوا ... و أقاموا الصلوة

با توجه به واژه <إقامه> که صرفاً به معنای انجام نماز نیست بلکه به معنای برپاداشتن نماز است، احیای فرهنگ نماز به دست می آید.

برپایی نماز در مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۵

۵ مسجدی که از نخستین لحظه بر اساس تقوا بنا شده ، دارای ارزش بوده و سزاوار است که در آن نماز اقامه شود .

لمسجد أسس على التقوى من أول يوم أحق أن تقوم فيه

برپایی نماز صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۳

۲۳ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به برپایی نماز مأمور شدند .

و أقيموا الصلوة

برپایی نماز علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - انس با قرآن و تلاوت مستمر آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از اوصاف عالمان راستین و اهل معرفت

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ

یتلون کتب الله و أقاموا الصل

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه <إِنَّ الَّذِينَ..> در مقام بیان جمله <إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ> است؛ یعنی، در توصیف عالمان خداترس می باشد.

برپایی نماز مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۲

۲ - اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر، از بارزترین ویژگی های یاران خدا و پیکارکنندگان راه دین او

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ... وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ

برپایی نماز مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۱

۱ - اقامه نماز، پرداخت زکات و یقین به آخرت از نشانه های مؤمنان راستین

هَدَىٰ وَ بَشَّرَ لِلْمُؤْمِنِينَ . الَّذِينَ يقيمون الصلوه... و هم بالأخره هم يوقنون

<الَّذِينَ> در برداشت یاد شده، وصف احترازی است؛ یعنی، آیات قرآن برای آن دسته از مؤمنان، هدایتگر و بشارت بخش است که پایبند به اقامه نماز و پرداخت زکات باشند و به جهان آخرت نیز باور قطعی داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۳

۲۳ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص)، به برپایی نماز مأمور شدند.

و أقيموا الصلوه

برپایی نماز یاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۲

۲ - اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، از بارزترین ویژگی های یاران خدا و پیکارکنندگان

راه دین او

الذین إن مکنتهم ... و نهوا عن المنکر

بشارت به برپاکنندگان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ - بشارت به عالمان خداترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار ، مبنی بر تجارتی از بین نرفتنی (بهشت برین) از ناحیه خداوند

إنما یخشی الله من عباده العلموا ... إن الذین یتلون کتب الله و أقاموا الصل

<بوار> (ریشه <لن تبور>) به معنای شدت کسادی است و از آن جا که کسادی شدید موجب فساد و نابودی می شود، این واژه در معنای <هلاک> به کار می رود (برگرفته از مفردات راغب).

بطلان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۱۰، ۱۸

۱ بطلان نماز در حال مستی

لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری

ظاهراً نهی در <لا تقربوا>، ارشاد به بطلان است، نه تنها بیانگر حرمت تکلیفی.

۸ بی توجهی به اذکار نماز و مفاهیم آن ، فلسفه بطلان آن در حال مستی

لا تقربوا الصلوه ... حتی تعلموا ما تقولون

جمله <حتی تعلموا ...> بیانگر علت تحریم بطلان نماز در حال مستی است.

۱۰ بطلان نماز در حال جنابت

لا تقربوا الصلوه ... و لا جنباً

بنی اسرائیل و برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۸

۸ خداوند ، بنی اسرائیل را به برپا داشتن نماز مکلف فرمود .

و أقيموا الصلوة

بنی اسرائیل و نماز

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۳

۲۳ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان ، با مردمان معاشرت نیکو نداشتند ، نماز را اقامه نکردند و از پرداخت زکات طفره رفتند .

و قولوا للناس حسناً و أقيموا الصلوة و ءاتوا الزكوه ثم توليتم إلا قليلا منكم

بهترین وقت نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۹

۹ سحرگاهان ، بهترین و مناسب ترین وقت برای نماز و عبادت

و الذين يبيتون لربهم سجداً و قياماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۱

۱ - شب ، بهترین زمان برای برگزاری نماز و انجام دادن عبادت

قم الیل . . . إن ناشئه الیل ... و أقوم قیلاً

<ناشئه> مشتق از <نَشَأُ> (حادث شدن، پدید آمدن) و به معنای حادثه و پدیده است (مصباح المنیر). اضافه <ناشئه> به <اللیل>، می تواند اضافه بیانیه و یا اضافه ظرفیه باشد. گفتنی است که آیه یاد شده تعلیل برای <قم اللیل...> می باشد، یعنی، شب را به پاخیز چون شب... .

بی اعتنایی به مخالفان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۲

۲ - بی اعتنایی به خواسته های مخالفان نماز و سرپیچی از دستورات آنان ، فرمان خداوند به پیامبر (ص)

بی اعتنایی به نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۱۲

۱۲ - اهل کتاب ، به نماز و زکات در آیین خویش ، بی اعتنا

بودند .

و ما تفرّق الذين أوتوا الكتب .. و ما أمرُوا إِلَّا... و يقيموا الصلوه و يؤتوا

بی ایمانی تضييع کنندگان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۵

۵- ضایع کنندگان نماز و پیروان هوا های نفسانی ، ایمان واقعی ندارند .

أضاعوا الصلوه و اتبعوا الشهوت .. إِلَّا من ... ءامن

برحسب ظاهر اشخاص یاد شده در آیه قبل، در زمره پیروان انبیا و مؤمنان به آنان قرار داشته اند. بنابراین ایمان مجدد آنان بدان معنا است که ایمان آنان در حال ضایع کردن نماز و پیروی از شهوات، ایمان واقعی نبوده است؛ بلکه ایمان صوری و سطحی بوده است.

بی لیاقتی تارکان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۵

۵ کافران ، مشرکان و مسلمانان بی مبالات و ناپایبند به نماز و زکات ، فاقد صلاحیت تعمیر و رسیدگی به امور مساجدند .

إنما يعمر مسجد الله من ءامن بالله و اليوم الآخر و أقام الصلوه و ءاتى الزكوه

بیع بعد از نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۱

۱ - جواز خرید و فروش ، پس از تمام شدن نماز جمعه

فإذا قضيت الصلوه فاتتثروا فى الأرض و ابتغوا من فضل الله

بیع هنگام نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۱۶، ۱۳

۱۳ - خرید و فروش و کسب و کار ، پیش از اعلام نماز جمعه جایز است .

إذا نودی للصلوه من یوم

الجمعه فاسعوا إلى ذكر الله و ذروا البيع

۱۶ - > قال رسول الله (ص) حرمت التجاره يوم الجمعه ما بين الأذان الأول إلى الإقامه إلى انصراف الإمام لأن الله يقول : >
يا أيها الذين آمنوا إذا نودى للصلاه من يوم الجمعه فاسعوا إلى ذكر الله و ذروا البيع ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: ما بین اذان اول تا اقامه و انصراف امام از آن، تجارت حرام است؛ زیرا خدای تعالی می فرماید: یا ایها الذین آمنوا إذا نودی للصلاه من يوم الجمعه فاسعوا إلى ذکر الله و ذروا البيع <.

پاداش برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۲

۲ خداوند پاداش یهودیان تمسک کننده به تورات و برپا دارنده نماز را تباه نخواهد کرد .

و الذین یمسکون بالکتاب .. إننا لانضیع أجر المصلحین

چون آیه مورد بحث در سیاق آیات مربوط به یهود واقع شده، می توان گفت مراد از <الذین ... > یهودیان متعهد هستند، و یا اینکه آنان از مصادیق مورد نظر برای <الذین ... > می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنات .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون الله و رسوله ... وعد الل

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۳

۳ بهشت عدن ، پاداش صبر و استقامت بر فرمان های الهی ، برپا داشتن نماز و انفاق کردن

والذین صبروا .. أولئک لهم عقبی الدار. جنت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۲

۲ - تلاوت قرآن و انس با آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، دارای اجر و پاداش الهی

یتلون کتب الله .. لیوفیهم أجورهم

پاداش نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۳

۳ چنگ زدن به کتاب های آسمانی و برپا داشتن نماز ، دارای پاداشی تضمین شده از جانب خداوند

والذین یمسکون بالکتب .. إننا لانضیع أجر المصلحین

پاداش نماز به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۲۵

۲۵ - نمازهایی که پیش از تغییر قبله به سمت بیت المقدس خوانده شده بود ، مورد پذیرش خدا بوده و اجرش ضایع نخواهد شد .

و ما کان الله لیضیع إیمانکم

تغییر قبله یا نوید به تغییر آن، این پرسش را برای مسلمانان در پی داشت که: نمازها و عبادتهای انجام شده به سوی بیت المقدس آیا محکوم به بطلان است. جمله <و ما کان ...> پاسخ به این پرسش می باشد.

پاداش نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۸

۸ - ثواب نماز جمعه ، بسی برتر

و بالاتر از درآمد های مادی و لذت های دنیوی است .

قل ما عند الله خیر من اللھو و من التجره

پاداش نمازگزاران جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۹

۹ - ثواب نماز جمعه ، برای برپادارندگان آن ، در نزد خداوند محفوظ است .

قل ما عند الله خیر

تارکان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۳

۲۳ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان ، با مردمان معاشرت نیکو نداشتند ، نماز را اقامه نکردند و از پرداخت زکات طفره رفتند .

و قولوا للناس حسناً و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه ثم توليتم إلا قليلا منكم

تارکان نماز در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - در قیامت برای متخلفان از دستورات الهی (بر پایی نماز و پرداخت زکات) و ارتکاب کنندگان محرمات (دین فروشی ، حق پوشی و ...) راه نجاتی نیست .

لا تشتروا بآیتی ... و أقيموا الصلوه ... و اتقوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس

تاریخ تشریح نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- تشریح نماز و انفاق در مکه و پیش از هجرت پیامبر (ص) بود .

قل لعبادی الذین ءامنوا یقیموا الصلوه و ینفقوا

برداشت فوق با توجه به مکی بودن سوره ابراهیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - تشریح نماز ، در نخستین سال های بعثت صورت گرفته بود .

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْبِرْ عَلَيْهَا

سوره <طه> از نخستین سوره های مکی است. چنین برمی آید که فرمان نماز پیش از آن صادر شده بود و در این سوره بر اقامه آن توصیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۰ - ۵

۵ - تشریح نماز ، در نخستین سال های بعثت

إِذَا صَلَّى

گرچه ممکن است کیفیت نمازی که رسول خدا(ص) در آغاز بعثت می خواند، با نمازهای پنج گانه ای که برای همیشه تشریح شده است، تفاوت هایی داشته و چه بسا به سجود و قصد قربت که در ذیل سوره آمده اکتفا می شد ولی آیه شریفه بر اصل تشریح عبادتی به نام <نماز> دلالت دارد.

تاریخ تشریح نماز های یومیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۸

۱۸ - نماز های یومیه ، مشتمل بر تسبیح و تحمید پروردگار و تشریح شده در مکه ، پیش از هجرت

وَسَبِّحْ... قَبْلَ طُلُوعِ... ءَأَنآءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ

این آیه، با اوقات چهار نماز تناسب دارد: صبح (قبل طلوع الشمس)، عصر (قبل غروب ها)، صبح و مغرب (اطراف النهار) و عشا (من آناء الليل). برخی با توجیه (اطراف النهار) به این که وسط روز نیز طرف آن است، نماز ظهر را نیز مشمول آیه دانسته اند ولی چون سوره <طه> در مکه و پیش از سوره <اسرا> که حکم نماز ظهر در آن آمده نازل شده

است، می توان گفت که نماز ظهر را مطرح نکرده است.

تاریخ نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۵

۵- نماز از فریضه های عبادی در عصر بعثت حضرت ابراهیم (ع)

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي .. لِيَقِيمُوا الصَّلَاةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۳

۳- نماز ، زکات و انفاق ، دارای سابقه ای دیرینه در ادیان الهی

و کان يأمر أهله بالصلاة و الزكوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۹ - ۴

۴ - نماز در عصر بعثت ، مورد تهاجم مخالفان اسلام

أرءیت الذی ینهی

جمله <لئن لم ینته> در آیات بعد قرینه بر وقوع این مزاحمت، به هنگام نزول آیات این سوره است که با اوایل بعثت هم زمان بوده است.

تداوم برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۲

۲ استمرار در برپایی نماز و دستگیری دائمی از مستمندان ، نشان ایمان حقیقی در مرحله عمل

أولئك هم المؤمنون حقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ مداومت بر اقامه نماز، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول از ویژگی های مؤمنان راستین

و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و یطیعون الله و رسوله

به کارگیری فعل مضارع (یقیمون، یؤتون و یطیعون) بیانگر تداوم و استمرار است.

تداوم نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج

۴ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : حدّثني أبي عن جدّي عن آبائه أنّ أمير المؤمنين (ع) ... قال : ... قال الله تبارك و تعالی : > الذين هم على صلاتهم دائمون < یعنی الذين يقضون ما فاتهم من اللیل بالنهار و ما فاتهم من النهار باللیل ... >

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: پدرم از جدم از پدرانش روایت کرده که امیرالمؤمنین(ع) فرمود: .. خدای تبارک و تعالی فرمود: (الذین هم علی صلاتهم دائمون) یعنی کسانی که نمازهایی را که در شب از دستشان رفته، در روز قضا می کنند و نمازهایی را که در روز از دست داده اند در شب قضا می کنند...<.

تداوم نماز اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۲

۲ - هیچ داد و ستد و تجارتي ، مردمان والا مقام و الهی را از یاد خدا ، برپایی نماز و پرداخت زکات ، غافل نمی سازد .

رجال لاتلهیهم تجره و لایبع عن ذکر الله و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

والا مقامی و بزرگی در برداشت یاد شده، از تنوین <رجال> که برای تفخیم می باشد استفاده شده است و این که هیچ داد و ستدی از یاد خدا بازدارنده نیست، از نکره در سیاق نفی که مفید عموم می باشد به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۳

دستیاری به بهترین پاداش های خداوند ، هدف مردمانی که هیچ اشتغالی آنان را از تسییح و ذکر دایم خدا ، بر پایی نماز و پرداخت زکات بازنمی دارد .

یسَّبِح .. رجال لاتلهیهم تجره و لایبع عن ذکر اللّٰه و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

برداشت فوق، بر این اساس است که لام <لیجزی> برای غایت باشد، یعنی، مردان الهی برای دستیاری به بهترین پاداش خداوند، همواره به یاد او هستند. و از نافرمانی او در هراس می باشند.

تداوم نماز مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۴ - ۱

۱ - اهمیت دادن به نماز ، مواظبت بر انجام دادن به موقع آن و پرهیز از سهل انگاری در ادای آن ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین هم علی صلاتهم یحافظون

ترک اقامه نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۳۱

۳۱ انکار هر یک از رسولان الهی و ترک یاری آنان ، بر پانداختن نماز ، پرداختن زکات و خودداری از انفاق ، کفر و ضلالت است .

لئن اقمتم الصلوه .. فمن کفر

ترک بیع هنگام نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۷،۹

۷ - تعطیل کردن خرید و فروش و هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه می شود ، فرمان الهی به مؤمنان

يأيتها الذين آمنوا .. و ذروا البيع

مراد از <ذروا البيع> با توجه به دعوت مردم به شرکت در نماز جمعه تنها

رها کردن خرید و فروش نیست؛ بلکه ذکر خرید و فروش، از باب ذکر بارزترین مصداقی است که مانع شرکت در نماز جمعه می شود. بر این اساس هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه شود، باید ترک گردد.

۹- فریضه نماز جمعه و رها کردن داد و ستد به هنگام اقامه آن، در جهت تأمین مصالح و منافع خود مؤمنان است.

إذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا إلی ذکر اللّٰه. .. ذلکم خیر لکم

ترک ممانعت از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱ - ۹

۹- دست کشیدن از منع نماز گزاران و روی آوردن به هدایت، توصیه خداوند به طغیان گران ثروت اندوز

لیطغی . أن رءاه استغنی ... الذی ینهی . عبداً إذا صلّی . أرییت إن کان علی الهدی

جمله <کان علی الهدی> ممکن است مربوط به <الذی ینهی> باشد؛ در این صورت مفاد آیه شریفه این است که: به من خبر ده کسی که نماز گزار را نهی می کند، اگر خود بر طریق هدایت قرار گرفته بود [آیا بهتر نبود؟]

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- نهی نکردن مردم از نماز و ترغیب کردن آنان به تقوا، توصیه خداوند به طغیان گران ثروت اندوز

لیطغی . أن رءاه استغنی ... الذی ینهی . عبداً إذا صلّی ... أو أمر بالتقوی

جمله <أمر بالتقوی> ممکن است مربوط به <الذی ینهی> باشد. در این صورت مفاد آیه شریفه این خواهد بود که: به من خبر ده کسی که نماز گزار

را نهی می کند، اگر [به جای آن] مردم را به تقوا امر کند [آیا برایش بهتر نیست؟]

ترک نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۵ - ۷

۷ - > عن أبي أسامة زيد الشحام قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله > الذين هم عن صلاتهم ساهون < قال : هو الترك لها و التواني عنها ;

زيد شحام گوید: از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند >الذين هم عن صلاتهم ساهون< سؤال کردم، فرمود: [مراد از] آن ترک نماز و کوتاهی و سستی در انجام دادن آن است.<

ترک نماز ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۶

۶ - ابو جهل ، نه دین اسلام را تصدیق کرد و نه نماز گزارد .

فلا صدق و لا صلّى

بر اساس شأن نزول، این آیه تا آیه ۳۵ درباره ابو جهل است.

ترک نماز اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۵

۵ - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت خودداری از پذیرش اسلام ، از عبادت خالصانه خداوند محروم مانده و خود را از برکات نماز و زکات دور ساخته اند .

و ما أمروا إلاّ ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوه و يؤتوا الز

ترک نماز جمعه محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱،۲

۱ - مسلمانان صدراسلام ، با مشاهده بساط داد و ستد و یا لهو و سرگرمی ، جذب آن می

شدند و مصلّا را ترک و پیامبر (ص) را در حال ایراد خطبه های نماز جمعه، رها می کردند.

و إذا رأوا تجره أو لهواً انفضوا إليها و تركوك قائماً

۲ - نکوهش مسلمانان صدراسلام از سوی خداوند، به خاطر ترک مصلّا برای داد و ستد و یا تماشای لهُو و رها کردن پیامبر (ص) در حال ایراد خطبه های نماز جمعه

و إذا رأوا تجره أو لهواً انفضوا إليها و تركوك قائماً

ترک نماز جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۷ - ۱

۱ - دوزخیان، در سراسر عمرشان، هرگز به تکلیف نماز و اطعام مساکین نپرداخته اند و عمر خود را به بطالت و تکذیب روز جزا گذرانده اند.

قالوا لم نك من المصلين... و كنا نكذب بيوم الدين. حتى أتينا اليقين

مقصود از <یقین> مرگ است که حقیقتی یقینی و تردیدناپذیر برای تمامی انسان ها است. آمدن فعل های <لم نك>، <نخوض> و <نكذب> به صورت فعل مضارع اشعار دارد که این اعمال از سوی دوزخیان، امری مستمر و مکرر بوده است.

تسییح خدا در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۸

۱۸ - نماز های یومیه، مشتمل بر تسییح و تحمید پروردگار و تشریح شده در مکه، پیش از هجرت

و سَبِّحْ... قبل طلوع... ءانآي اليل فسبِّحْ و أطراف النهار

این آیه، با اوقات چهار نماز تناسب دارد: صبح (قبل طلوع الشمس)، عصر (قبل غروب ها)، صبح و مغرب

(اطراف النهار) و عشا (من آناء الليل). برخی با توجیه (أطراف النهار) به این که وسط روز نیز طرف آن است، نماز ظهر را نیز مشمول آیه دانسته اند؛ ولی چون سوره <طه> در مکه و پیش از سوره <اسرا> که حکم نماز ظهر در آن آمده نازل شده است، می توان گفت که نماز ظهر را مطرح نکرده است.

تسبیح در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۸

۸ - تسبیح و تنزیه خداوند، از ارکان و اجزای مهم نماز

و سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا

تشریح نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۷

۷ تقدّم تشریح نماز و زکات بر تشریح جهاد

الم تر الى الذين .. اقيموا الصلوه و اتوا الزكوه فلما كتب عليهم القتال

بنابر اینکه مراد از <فلما كتب> بیان اصل وجوب جهاد باشد، نه فراهم آمدن زمینه آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۲

۲ تشریح نماز در ادیان گذشته

قالوا يشعيب اُصلوتك تأمرک

تشریح نماز در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۳

۳- تشریح نماز و انفاق در مکه و پیش از هجرت پیامبر (ص) بود.

قل لعبادی الذین ءامنوا یقیموا الصلوٰه و ینفقوا

برداشت فوق با توجه به مکی بودن سوره ابراهیم است.

تشریح نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۹ - ۴،۵

۴- دستور نماز مغرب

، عشا و صبح ، به پیامبر (ص) *

و من الیل فسبّحه و إدبر النجوم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <من الیل>، نظر به نماز مغرب و عشا و <إدبار النجوم> نظر به نماز صبح داشته باشد، چه این که <حين تقوم> در آیه شریفه قبل می تواند نظر به نماز نیمروز داشته باشد. بر این اساس نمازهای پنجگانه در این دو آیه، مورد اشاره قرار گرفته است.

۵ - < عن زراره ، عن أبي جعفر (ع) قال : قلت له ... > و إدبار النجوم < قال : ركعتان قبل الصبح ... >

از زراره روایت شده که گفت: به امام باقر(ع) عرض کردم: ... [مراد از تسبیح در] <إدبار النجوم> چیست؟ فرمود: مراد دو رکعت نماز قبل از صبح است.

تشریح نماز ظهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ - دستور اقامه نماز ظهر به پیامبر (ص) *

و سبّح بحمد ربّك حين تقوم

برداشت بالا بدان احتمال است که <سبّح بحمد..>، نماد نماز و <حين تقوم> نظر به برخاستن از خواب نیمروز باشد که بر زوال شمس و هنگام نماز ظهر، منطبق می گردد.

تشریح نماز عشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۹ - ۴

۴- دستور نماز مغرب ، عشا و صبح ، به پیامبر (ص) *

و من الیل فسبّحه و إدبر النجوم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <من الیل>، نظر به نماز مغرب و عشا و <إدبار النجوم> نظر

به نماز صبح داشته باشد، چه این که <حین تقوم> در آیه شریفه قبل می تواند نظر به نماز نیمروز داشته باشد. بر این اساس نمازهای پنجگانه در این دو آیه، مورد اشاره قرار گرفته است.

تشریح نماز مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۹ - ۴

۴- دستور نماز مغرب، عشا و صبح، به پیامبر (ص) *

و من الّیل فسبّحه و إدبر النجوم

برداشت یاد شده بنا بر این نکته است که <من الّیل>، نظر به نماز مغرب و عشا و <إدبار النجوم> نظر به نماز صبح داشته باشد، چه این که <حین تقوم> در آیه شریفه قبل می تواند نظر به نماز نیمروز داشته باشد. بر این اساس نمازهای پنجگانه در این دو آیه، مورد اشاره قرار گرفته است.

تشریح نماز وتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۹ - ۶

۶- <عن أبي جعفر (ع) فی قوله تعالی > و من الّلیل فسبّحه و إدبار النجوم < هو الوتر آخر اللیل ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند تعالی که فرموده <و من الّلیل فسبّحه و إدبار النجوم> روایت شده که [مراد نماز] وتر در آخر شب است.

تشریح نمازهای یومیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۱،۱۱

۱- فرمان الهی به پیامبر (ص) برای اقامه نمازهایی، از هنگام زوال خورشید تا نیمه شب و نیز در سپیده صبح

أقم الصلوه لدلوك الشمس إلى غسق الیل و قرءان الفجر

<دلوک > به معنای

رفتن خورشید به سوی غروب، <غسق> به معنای شدت ظلمت است (مفردات راغب). با توجه به معنای لغوی، برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <لدلوك الشمس> زوال خورشید و <غسق الليل> نیمه شب باشد.

۱۱- < عن زراره قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن هذه الآية > أقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق الليل > قال : دلوك الشمس زوالها عند كبد السماء > إلى غسق الليل > إلى انتصاف الليل فرض الله فيما بينهما أربع صلوات الظهر و العصر و المغرب و العشاء ... و < قرآن الفجر > قال : ركعتا الفجر ... ;

زراره گوید از امام صادق(ع) از این آیه <أقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق الليل> سؤال کردم، حضرت فرمود: <دلوك الشمس> [یعنی] میل پیدا کردن خورشید از میان آسمان و <إلى غسق الليل> [یعنی] تا نصف شب که خدا میان این دو (ظهر و نصف شب) چهار نماز را واجب کرده است: ظهر، عصر، مغرب و عشا و درباره <قرآن الفجر> [حضرت] فرمود: [آن] دو رکعت نماز صبح است. ..<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۲

۲ - تشریح نماز های پنجگانه در وقت های مخصوص آن ، از سوی خداوند

و سَبَّح .. قبل طلوع الشمس و قبل الغروب . و من الیل فسَبَّحه

بنابراین که <قبل طلوع الشمس> اشاره به نماز صبح و <قبل الغروب> نماز ظهر و عصر و <من الیل> نماز مغرب و عشاء باشد، برداشت بالا به دست می آید.

تشکر از برپاکنندگان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۸ - عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان ، برخوردار از آمرزش و دارنده نشان سپاس گزاری خداوند

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ ... إِنَّهُ غَفُورٌ

۱۲ - سپاس گزاری از عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان مخلص و گذشت از لغزش های آنان ، رفتاری ارزشمند و خدایی است .

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ ... إِنَّهُ غَفُورٌ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که چگونگی رفتار خداوند با این دسته از انسان ها، می تواند برای همگان آموزنده باشد.

تضییع نماز جانشینان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۱

۱- با رفتن هر پیامبری از بین قوم خویش ، ناهلانی که نماز را تباه و شهوات (هوا های نفسانی) را پیروی می کردند ، جایگزین آنان شدند .

<خَلْفَ > (به فتح لام) در مورد جانشین خوب و <خَلْفَ > (به سکون لام) در مورد جانشین بد به کار می رود (مقایس اللغه). براین اساس <خلف من بعدهم خلف > یعنی، جانشینان بدی جایگزین آنان شدند.

تظاهر به نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- لزوم اهتمام به اقامه نماز صبح ، در منظر همگان و همراه با جماعت *

إِنْ قَرَأَانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا

احتمال دارد که ذکر صفت <مشهود> برای نماز صبح، نوعی تشویق به این باشد

که شایسته است انجام آن در معرض شهود و دید همگان باشد. لازم به ذکر است که فعل <کان> در آیه برای تثبیت است.

تعقیبات نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۴

۴ - پیامبر (ص)، موظف به ادامه تسبیح پروردگار در پی هر سجده (نماز)

فسبحة و أدبر السجود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۷ - ۷

۷ - > عن مسدده بن صدقه قال : سمعت جعفرأ يقول : كان أبي (رضى الله عنه) يقول : في قول الله تبارك و تعالى > فإذا فرغت فانصب . و إلى ربك فارغب < إذا قضيت الصلاة بعد أن تسلم و أنت جالس فانصب في الدعاء من أمر الدنيا و الآخرة فإذا فرغت من الدعاء فارغب إلى الله تبارك و تعالى أن يتقبلها منك ;

از مسعده بن صدقه روایت شده که گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: پدرم که خداوند از او راضی باد درباره سخن خداوند تبارک و تعالی <فإذا فرغت فانصب . و إلى ربك فارغب> می فرمود: زمانی که نماز را بعد از سلام به پایان رساندی و هنوز نشسته ای، برای امر دنیا و آخرت در دعا بکوش پس هنگامی که از دعا فارغ شدی، به درگاه خدای تبارک و تعالی تضرع و زاری کن که آن را از تو قبول کند.

تفضل به برپاکنندگان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ -

۴ - عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق گران ، از فضل خداوند و مزد بیش از استحقاق خود برخوردارند .

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ ... و يزیدهم

۹ - اعطای اجر کامل و بیش از استحقاق به عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان ، برخاسته از صفت آمرزندگی و سپاس گزاری خداوند است .

لِيُوفِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ

جمله <إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ> در مقام تعلیل برای <لِيُوفِيَهُمْ..> است ؛ یعنی، چون خداوند نسبت به بندگانش غفور و شکور است، به آنان پاداش کامل و بیش از استحقاق می هد.

تکبیر در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۲۱

۲۱ - > عن أمير المؤمنين (ع) قال : لما نزلت هذه السورة قال النبي (ص) لجبرئيل : ما هذه النَّحِيرَةُ التي أمرني بها ربِّي قال : ليست بنَحيره و لكنّه يأمرك إذا تحرّمت للصلاه أن ترفع يديك إذا كبّرت و إذا ركعت و إذا رفعت رأسك من الركوع و إذا سجدت ... و إنّ زينه الصلاه رفع الأيدي عند كلّ تكبيره ؛

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که فرمود: چون این سوره (کوثر) نازل شد، پیامبر (ص) به جبرئیل فرمود: این <نحیره> (شتر قربانی شده یا شب اول هر ماه) که پروردگارم مرا بدان امر فرموده، چیست؟ جبرئیل گفت: این، <نحیره> نیست، بلکه خداوند تو را امر می کند هر گاه نماز را با <تکبیره الاحرام> شروع کردی، هنگام تکبیر و رکوع و

زمانی که از رکوع سر برداشتی و هنگام سجده [که تکبیر گفتی]، دست های خود را بالا ببری . . . زینت نماز بالا بردن دست ها هنگام هر تکبیر است .>

تلاش برای نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۱۷، ۵

۵ - مؤمنان ، وظیفه دار جدیت و تلاش برای شرکت در نماز جمعه

فاسعوا إلى ذكر الله

۱۷ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله > يا أيها الذين آمنوا . . . فاسعوا إلى ذكر الله . . . < قال : اسعوا أي امضوا و يقال :

اسعوا اعملوا لها و هو قَصَّ الشارب و نتف الإبط و تقليم الأظفار و الغسل و لبس أفضل ثيابك و تطيب للجمعه فهو السعي ؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند، <فاسعوا إلى ذكر الله..> روایت شده که <اسعوا> به معنای <امضوا> است؛ یعنی، بروید و گفته می شود <اسعوا اعملوا لها>؛ یعنی، بکوشید تا برای آنها اعمالی انجام دهید و آن اعمال کوتاه کردن موی شارب و ازاله مو از زیر بغل، گرفتن ناخن، غسل، پوشیدن بهترین پیراهن ها و خوشبو کردن برای نماز جمعه است. پس این اعمال سعی است.>

تلاوت قرآن در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۵

۵- قراءت قرآن و بازخوانی پیام وحی ، عمده ترین رکن و مهمترین بُعد نماز

أقم الصلوه . . . و قرءان الفجر

مراد از <قرآن الفجر> نماز صبح است و آوردن <قرآن> (تلاوت آیات الهی) به جای <صلاه> می تواند مشعر به مطلب فوق باشد.

تلاوت قرآن در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۴ - ۵

۵- فرمان خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر قرائت قرآن با تأنی و شمرده شمرده در نماز های نیمه شب

قم الیل . . . و رتل القرءان ترتیلاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که چون آیه به دنبال توصیه به نماز شب آمده است، اشاره دارد به قرائت قرآن در حین نماز؛ زیرا قرائت قرآن از ارکان نماز است.

توصیه به نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۵،۶

۵- اقامه نماز و پرداخت زکات در تمامی عمر، از توصیه های خداوند به عیسی (ع) در نخستین روز های زندگی او

و أوصنی بالصلوه والزکوه مادمت حیاً

۶- عیسی (ع) در معرفی خویش به مردم، دریافت فرمان خداوند به نماز و زکات را از ویژگی های خویش برشمرد.

و أوصنی بالصلوه والزکوه مادمت حیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۶

۶- وادار ساختن همسر و فرزندان به نماز و انفاق، از مسؤولیت های مردان مؤمن

و کان یأمر أهله بالصلوه والزکوه

از معانی <أهل> زوجه و اهل خانه است (مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - وجود ذکر خدا در نماز ، دلیل ترغیب و توصیه خداوند به اقامه آن است .

أقم الصلوه لذكری

<لذكری> ممکن است بیانگر نتیجه نماز باشد که یاد خدا را در

دل ها زنده می کند و ممکن است مراد اشتغال نماز به اذکار الهی باشد، یعنی اقامه نماز به این دلیل واجب شمرده شده است که ذکر خدا در آن وجود دارد.

توصیه به نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۵

۵ تهجد (شب زنده داری همراه با اقامه نماز) ، مورد تشویق و توصیه خدا است .

و الذین یبیتون لربهم سجداً و قیماً

توقیفیت نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۹ - ۶

۶ نماز ، تکلیفی است که از سوی خداوند آموخته شده و باید بر طبق این آموخته انجام شود .

فاذکروا الله کما علمکم

تهدید مانعان از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۴ - ۵

۵ - خداوند ، تکذیب گران دین و روی گردانان از آن و نهی کنندگان مردم از نماز را ، به عذاب خویش تهدید کرده است .

ألم یعلم بأنّ الله یری

جمله < ألم یعلم .. > در مقام تهدید و حاکی از کیفرهایی است که نظارت خداوند، آن را به دلالت التزامی می رساند.

تهدید مانعان از نماز محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - خداوند ، مخالفان پیامبر (ص) را در صورت تداوم بر مخالفت با نماز ، هدایت و تقوا ، به مؤاخذه ای سخت تهدید کرد .

لئن لم ينته لنسفعا بالناصيه

جن و نماز محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۶

۶ - ازدحام جن در اطراف پیامبر (ص) ، برای مشاهده عبادت و نماز آن حضرت

کادوا یکنونون علیه لبداً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که ضمائر <کادوا یکنونون> به جن باز گردد.

جهر در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۳، ۸

۸- به آواز بلند خواندن همه نمازها و یا با صدای آهسته خواندن تمامی آنها ، مورد نهی خداوند

و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها

این برداشت مبتنی بر این است که مراد از <صلاه> همه نمازها باشد و نه یک نماز.

۱۳- پیامبر (ص) ، موظف به رعایت جهر در برخی نمازها و اخفات در بعضی دیگر

و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها و ابتغ بین ذلک سبیلاً

بنابر اینکه مراد آیه این باشد که همه نمازهای را به جهر و یا همه را به اخفات بخوان و مراد از <و ابتغ..> این باشد که برخی را به جهر و بعضی را به اخفات بخوان، برداشت فوق به دست می آید.

۱۷- > عن سماعه قال : سألته عن قول الله عزوجلّ : < و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها > قال : المخافته مادون سمعک و الجهر أن ترفع صوتک شدیداً ;

سماعه گوید: از امام(ع) درباره سخن خدای عزوجلّ <و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها> سؤال کردم، حضرت فرمود: آهسته خواندن، آن است که خودت نشنوی و بلند خواندن، آن است که صدایت به شدت بلند باشد.

۱۸- > عن أبي جعفر الباقر (ع) في قوله : < و

لا-تجهر بصلاتك و لاتخافت بها < قال : الاجهار أن ترفع صوتك تسمعه من بعد عنك و الإخفات أن لاتسمع من معك إلا يسيراً ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که در باره سخن خداوند <ولاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها> فرمود: <اجهار> آن است که صدایت را به اندازه ای بالا ببری که فردی که از تو دور است، آن را بشنود و <اخفات> آن است که صدایت به حدی آهسته باشد که شخصی که همراه تو است چیزی به جز صدایی خفیف نشنود.

۱۹- < عن أبي عبدالله (ع) في قول الله تعالى : < و لا-تجهر بصلاتك و لاتخافت بها > فقال : ... و ما بين ذلك قدر ما يسمع أذنيك ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره سخن خدای تعالی <ولاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها> فرمود: مراد از <بين ذلك> مقداری است که گوشه‌ایت بشنود.

حتمیت کیفر مخالفان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۶

۶ - سوگند خداوند در تأکید بر مؤاخذة حتمی تکذیب گران دین و مخالفان نماز ، هدایت و تقوا

لئن لم ينته لنسفعا بالناصيه

<لام> در <لئن...> لام قسم است.

حرمت تضييع نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۴

۴- ضایع کردن نماز و سهل انگاری در آن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

أضاعوا الصلوه ... فسوف يلقون غيًّا

چنان که گفته شد معنای <يلقون غيًّا> به قرینه <يدخلون الجنة> (در آیه بعد) <يلقون جزاء غيهم> است ;

که وعده عذاب به شمار می آید. وعده عذاب نیز نوعاً در برابر گناهان بزرگ است.

حرمت سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۴

۴- ضایع کردن نماز و سهل انگاری در آن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

أضاعوا الصلوه .. فسوف یلقون عذاباً

چنان که گفته شد معنای < یلقون عذاباً > به قرینه < یدخلون الجنة > (در آیه بعد) < یلقون جزاء غیثم > است؛ که وعده عذاب به شمار می آید. وعده عذاب نیز نوعاً در برابر گناهان بزرگ است.

حضور قلب در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۸،۹

۸ بی توجهی به اذکار نماز و مفاهیم آن ، فلسفه بطلان آن در حال مستی

لا تقربوا الصلوه .. حتی تعلموا ما تقولون

جمله < حتی تعلموا .. > بیانگر علت تحریم بطلان نماز در حال مستی است.

۹ برپایی نماز با حالت حضور قلب امری بایسته و سزاوار

حتى تعلموا ما تقولون

ملاک حرمت نماز در حال مستی توجه نداشتن و آگاه نبودن به اذکار نماز است. و این معنا به هنگام غفلت و فقدان حضور قلب نیز وجود دارد.

حق پذیری نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۹

۹ - خدا ترسان و نماز گزاران ، بیشتر از دیگران ، حق پذیراند .

إِنَّمَا تَنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

حقیقت نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۳

۳ - اظهار

تذلل و خضوع در پیشگاه خداوند ، روح و حقیقت نماز

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۳

۳ - تنزیه و ستایش پروردگار ، روح نماز و عبادت است . *

و سَبِّحْ .. قبل طلوع الشمس و قبل الغروب . و من الیل فسَبِّحْه

در صورتی که این آیه با آیه قبل، نظر به نمازهای پنجگانه داشته باشد از به کار رفتن تعبیر تسبیح و تحمید به جای <صلاه>، می توان مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۷

۷ - نماز ، شکر نعمت های خداوند است .

إِنَّا ءَعْطَيْنَكَ الْكُوْثَرَ . فصلّ

حمد خدا در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۸

۱۸ - نماز های یومیه ، مشتمل بر تسبیح و تحمید پروردگار و تشریح شده در مکه ، پیش از هجرت

و سَبِّحْ .. قبل طلوع ... ءَءَانَايِ الْيَلِیْلِ فَسَبِّحْ و اطراف النهار

این آیه، با اوقات چهار نماز تناسب دارد: صبح (قبل طلوع الشمس)، عصر (قبل غروب ها)، صبح و مغرب (اطراف النهار) و عشا (من آناء اللیل). برخی با توجیه (اطراف النهار) به این که وسط روز نیز طرف آن است، نماز ظهر را نیز مشمول آیه دانسته اند؛ ولی چون سوره <طه> در مکه و پیش از سوره <اسرا> که حکم نماز ظهر در آن آمده نازل شده است، می توان گفت که نماز ظهر را مطرح نکرده است.

در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲ - ۲،۵

۲ - نماز مطلوب و مقبول خداوند، نماز همراه با خشوع و فروتنی است.

الذین هم فی صلاتهم خشعون

۵ - داشتن خشوع و تذلل در نماز، از ستوده ترین و ارجمندترین خصلت ها در پیشگاه خداوند

قد أفلح المؤمنون . الذین هم فی صلاتهم خشعون

در این آیات خداوند هفت صفت را برای مؤمنان برشمرده است که خشوع و فروتنی آنان در نماز یکی از آنها است و در این جا پیش از همه ذکر شده است. بنابراین، تقدیم آن بر سایر صفات، می تواند بیانگر پسندیده تر و ارجمندتر بودن آن در نزد خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۶،۷

۶ - نماز، باید همراه با خشوع و تذلل باشد.

ألم یأن . .. أن تخشع قلوبهم لذكر الله

برخی از مفسران، <ذكر الله> را در آیه شریفه، کنایه از نماز دانسته اند. برداشت یاد شده براساس این احتمال است.

۷ - بی ارزش بودن نماز بی خشوع، در پیشگاه خداوند.

ألم یأن . .. أن تخشع قلوبهم لذكر الله

در صورتی که مراد از <ذكر الله> نماز باشد، نکوهش کسانی که نماز را بدون خشوع می خوانند، مفید برداشت یاد شده است.

خشوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ لزوم بجا آوردن نماز برای خدا، همراه خضوع و توجه کامل به پروردگار

حافظوا علی الصلوات . . . و قوموا لله قانتین

<قنوت> به

معنای خضوع در اطاعت و خضوع مستلزم توجه کامل می باشد و مراد از قیام در <قوموالله>، یا خصوص نماز است و یا نماز مصداقی بارز برای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۵

۵ - سجده و خضوع، رکن اصلی و روح نماز است.

یدعون إلى السجود

از این که به جای نماز، سجود و خضوع مطرح شده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

خطبه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۴

۴ - ایراد خطبه در نماز جمعه بهوسیله امام جمعه، از شرایط آن است.

و ترکوک قائماً

خطبه های نماز جمعه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱

۱ - مسلمانان صدراسلام، با مشاهده بساط داد و ستد و یا لهو و سرگرمی، جذب آن می شدند و مصلاً را ترک و پیامبر (ص) را در حال ایراد خطبه های نماز جمعه، رها می کردند.

و إذا رأوا تجره أو لهواً انفضوا إليها و ترکوک قائماً

درخواست توفیق برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۰ - ۴، ۲، ۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار توفیق یافتن خود بر اقامه نماز شد .

رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ

۲- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار توفیق یافتن فرزندانش بر اقامه نماز شد .

رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي

۴- دعای حضرت

ابراهیم (ع) به درگاه پروردگار برای توفیق یافتن خود و فرزندانش برای احیای فریضه نماز در جامعه

ربّ اجعلنی مقیم الصلوه و من ذرّیتی

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) درخواست خواندن نماز نکرد؛ بلکه خواستار اقامه آن شد، برداشت فوق به دست می آید.

دروغگویی ناهیان از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۱

۱ - نهی کنندگان از نماز و تکذیب گران دین ، مردمی خطاکار و دروغ گویند .

ینهی ... کذب ... ناصیه کذبه خاطئه

دروغگویی ناهیان از نماز محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۲،۳

۲ - شخص بازدارنده پیامبر (ص) از نماز و تکذیب کننده او ، فردی دروغگو و خطاپیشه و گنه کار بود .

ناصیه کذبه خاطئه

دروغ گویی و خطاکاری، در حقیقت وصف صاحب <ناصیه> است و اتصاف <ناصیه> به آن، مجاز و بیانگر این نکته است که صاحب آن، به قدری به دروغ و گناه آلوده بوده، که گویا اجزای بدن او، دروغگو و خطاکاراند و آثار این پلیدی ها، در چهره او نمایان است.

۳ - دروغ گویی و خطاکاری ، نمایان در چهره مخالف کنندگان با نماز پیامبر (ص)

ناصیه کذبه خاطئه

توصیف <موی بالای پیشانی> به <کاذب> و <خاطی> به جای توصیف صاحب <ناصیه> به آنها بیانگر ظهور آثار آن در چهره شخص است.

دعا در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۸ - ۱۲

۱۲ ارجمندی دعا در حال قیام به هنگام نماز

و

امام باقر (ع): <و القنوت> هو الدعاء في الصلوه في حال القيام

مجمع البيان، ج ۲، ص ۶۰۰؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۹۴۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۳

۳- فرمان خداوند به پیامبر (ص) برای دعا و نیایش همراه با نماز و نوافل

أقم الصلوه .. فتهجد به نافله لك ... و قل رب أدخلني مدخل صدق

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که عبارت <و قل رب> عطف به <فتهجد..> بوده و ذکر خاص بعد از عام بیانگر یکی از اعمال باشد که شایسته است در تهجد و نماز شب انجام گردد.

دعا در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۷،۹

۷- درخواست توفیق از خداوند در نوافل و نماز شب، برای ورود در کارها به صدق و راستی و خروج از آن به راستی و درستی، امری مطلوب و پسندیده است.

و من الیل فتهجد به نافله لك .. و قل رب أدخلني مدخل صدق و أخرجني مخرج صدق

۹- لزوم درخواست توفیق و خلوص و صداقت کامل از خداوند در نوافل شب

و من الیل فتهجد به .. و قل رب أدخلني مدخل صدق و أخرجني مخرج صدق

از اینکه خداوند، در پی توصیه پیامبر (ص) به تهجد، از او خواسته است که برای اخلاص در هر کاری به درگاه او دعا کند، می تواند مشعر به معنای فوق باشد.

دعا در نماز نافله

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۳

۳- فرمان خداوند به پیامبر (ص) برای دعا و نیایش همراه با نماز و نوافل

أقم الصلوه .. فتهجد به نافلة لك ... و قل رب أدخلى مدخل صدق

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که عبارت <وقل رب> عطف به <فتهجد..> بوده و ذکر خاص بعد از عام بیانگر یکی از اعمال باشد که شایسته است در تهجد و نماز شب انجام گردد.

دعوت به برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۲۴

۲۴ - <روی عن الباقر (ع) فی قوله تعالی : > و أمر أهلك بالصلاه و اصطر علیها < قال : أمر الله نبیه أن یخص أهل بینه و أهله دون الناس لیعلم الناس أن لأهله منزله عندالله لیست لغيرهم فأمرهم مع الناس عامه ثم أمرهم خاصة ;

از امام صادق(ع) روایت شده که در باره سخن خدا <و أمر أهلك بالصلاه..> فرمود: خدا به پیامبر خود امر کرده که خانواده و خاندان خود را جدای از مردم [در امر به نماز] اختصاص دهد تا مردم بدانند که برای اهل پیامبر(ص) منزلتی در نزد خداوند است که برای غیر آنان نیست، پس خدا [یک بار] اهل پیامبر(ص) را با جمع مردم فرمان داده است. سپس آنان را به طور خاص مورد امر قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - اهتمام به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و شکیبایی در

بلاها ، از مواظظ لقمان به پسر خویش بود .

يَبْنِيْ اَقِمِ الصَّلٰوةَ . . . و اصبر على ما اصابك

۲ - توصیه به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر ، نمودی از حکمت لقمان

و لقد ءاتينا لقمن الحكمة . . . إذ قال ... يَبْنِيْ اَقِمِ الصَّلٰوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینہ - ۹۸ - ۵ - ۱۳، ۸، ۲

۲ - ادیان آسمانی ، از تعالیم انحرافی مبّرّا بوده و مردم را تنها به عبادت خداوند ، اخلاص ، اعتدال در دین ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، فرمان داده اند .

و ما تفرّق الذين أوتوا الكتب . . . و ما أمرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مخلصين له الد

حصر در <إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ> ، حصر اضافی و در مقایسه با تفرقه ای است که آیه قبل آن را گریبان گیر پیروان ادیان آسمانی دانسته بود. بنابراین مفاد آیه این است که خداوند، به تفرقه فرمان نداده است؛ بلکه خواسته او توحید، اعتدال، نماز و زکات است.

۸ - استواری و سامان بخشی ، ویژه دینی است که بدون پیرایه باشد و مردم را به عبادت خالصانه و معتدل ، اقامه نماز و پرداخت زکات فرمان دهد .

و ما أمرُوا إِلَّا . . . و ذلك دين القيمه

۱۳ - اسلام ، دینی توحیدی و معتدل و فراخوان مردم به اقامه نماز و پرداخت زکات

و ما أمرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوه و يؤتوا الز

مراد از <الذين أوتوا الكتاب> که مرجع ضمیر <أمرُوا> است ممکن است آن دسته از اهل کتاب باشد که به اسلام

کفر ورزیدند. در این مینا، <الذین کفروا> در آیه اول نیز، به همان گروه نظر دارد.

دعوت به نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۱

۱- اسماعیل صادق الوعد، همواره خویشاوندان و خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد.

و کان يأمر أهله بالصلوه والزكوه

اهل هر مردی، قبیله و خویشاوندان او است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۱

۱ - فرمان دادن و فراخوانی خانواده و خویشاوندان به نماز، از جمله وظایف الهی پیامبر (ص)

وأمر أهلك بالصلوه

اهل هر شخصی، عشیره و خویشاوندان او هستند و نیز به کسانی که وابستگی بیشتری به شخص داشته باشند <أهل> گفته می شود (لسان العرب) و چون سوره <طه> در مکه نازل شده است، بستگان آن حضرت در مکه (علی(ع)، خدیجه(س) و..) مورد نظر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۱

۱ - فراخوانی اهل ایمان به اقامه نماز از سوی خداوند

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا

<ركوع> (مصدر <اركعوا>) و نیز <سجود> (مصدر <اسجدوا>) به معنای خضوع و اظهار تذلل می باشد؛ لکن ركوع اظهار تذلل به صورت خم شدن و سجود اظهار خضوع به صورت بر زمین گذاشتن پیشانی است. متعلق <اركعوا> و <اسجدوا> حذف شده و تقدیر آن به قرینه <واعبدوا ربكم>، <اركعوا و اسجدوا لربكم> می باشد. گفتنی است اظهار خضوع برای خداوند به صورت ركوع و سجود، در موارد دیگر <صلاه> نامیده شده است.

بنابراین <ارکعوا و اسجدوا> کنایه از <صلّوا> می باشد.

ذکر بودن نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - نماز ، ذکر خدا است .

و أقم الصلوه إنَّ الصلوه تنهى عن الفحشاء . . . و لذكر الله أكبر

<ذکر الله> احتمال دارد که خود نماز باشد و احتمال دارد که اثر دوم نماز باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است.

ذکر خدا در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - وجود ذکر خدا در نماز ، دلیل ترغیب و توصیه خداوند به اقامه آن است .

أقم الصلوه لذكری

<لذكری> ممکن است بیانگر نتیجه نماز باشد که یاد خدا را در دل ها زنده می کند و ممکن است مراد اشتغال نماز به اذکار الهی باشد، یعنی اقامه نماز به این دلیل واجب شمرده شده است که ذکر خدا در آن وجود دارد.

ذکر خدا قبل از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۵ - ۴

۴ - لزوم ذکر نام خدا پیش از نماز

ذکر اسم ربّه فصلی

رستگاری برپاکنندگان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۷

۷ - تنها برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات و اهل یقین به آخرت ، رستگارند .

الذین یقیمون الصلوه .. و أولئک هم المفلحون

رکوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۳ - ۶

۶ - رکوع ، از ارکان

اساسی نماز در نماز جماعت

و ارکعوا مع الرکعین

از اینکه خواندن نماز جماعت به رکوع کردن تعبیر شده و برگزار کنندگان جماعت، <راکعین> نامیده شده اند، اهمیت بسزای رکوع در نماز جماعت معلوم می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۱۱، ۱۸

۱۱ رکوع و سجود، از اجزای مهم نماز *

و اسجدی و ارکعی

بنابراینکه مراد از رکوع و سجود، نماز باشد؛ و تعبیر از نماز به رکوع و سجود، دلالت بر اهمیت این دو جزء دارد.

۱۸ نقش مهم رکوع، در نماز جماعت

و ارکعی مع الراکعین

چون از نماز جماعت به رکوع تعبیر شده است، اهمیت خاص آن معلوم می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۹

۹ رکوع و سجود، از ارکان مهم نماز

الرکعون السجدون

نوع مفسران بر آنند که مقصود از رکوع کنندگان و سجده کنندگان، نماز گزاران هستند؛ بنابراین ذکر رکوع و سجده از میان دیگر واجبات نماز می تواند به خاطر اهمیت ویژه این دو فریضه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۶

۱۶ - قیام، رکوع و سجود، از ارکان نماز

و القائمين و الركع السجود

روزی نماز گزاران جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، روزی برپاداران نماز جمعه را تضمین کرده است .

قل ما عند الله خير . . و الله خير الرزقين

ریا در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۲ - ۱۳، ۱۱

۱۱ ریاکاری در نماز و عبادت ، از صفات منافقان و نشانه نفاق

و إذا قاموا إلى الصلوة قاموا كسالى يراءون الناس

۱۳ ریا در نماز و عبادت ، خدعه با خداست .

إنّ المنفقين يخدعون الله .. قاموا كسالى يراءون الناس ولا يذكرون الله

بنابر اینکه <اذا قاموا الى الصلوه .. > بیانی برای (یخدعون الله) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۷

۷ - نماز ریاکارانه ، نماز غافلان است .

الذين هم عن صلاتهم ساهون . الذين هم يراءون

زمینه اقامه نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۲

۱۲ اتحاد و روابط عاطفی در جامعه ایمانی ، زمینه ساز ذکر خدا و برپایی نماز

انما يريد الشيطان ان يوقع بينكم العدوه .. و يصدكم عن ذكر الله و عن الصلوه

زمینه اهتمام به نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۱۶

۱۶ ایمان به آخرت زمینه ساز اهتمام به نماز و مراقبت بر آن است.

و الذين يؤمنون بالأخره يؤمنون به و هم على صلاتهم يحافظون

زمينه برپايى نماز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۱۵

۱۵ - توجه به رازقیت خداوند و مکلف نبودن با تأمین خواروبار ، زمينه سازانجام وظیفه عبادت و نماز و پایداری بر آن

وأمر أهلك بالصلوه .. لانسلک رزقاً نحن نرزقک

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

- ۲۰

۶- یاد نام و اوصاف خداوند ، سوق دهنده انسان به عبادت و نماز است .

و ذکر اسم ربّه فصلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۷ - ۴

۴- آخرت گرایی ، زمینه ساز تزکیه ، یاد خدا و ادای نماز است .

من تزکی . و ذکر اسم ربّه فصلی ... و الآخره خیر و اُبقی

زمینه تحریک مخالفان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۱۰

۱۰- سجده های نماز ، محرک اصلی مخالفان به جلوگیری از اقامه آن

ینهی . عبدًا إذا صلّی ... لا تطعه و اسجد

زمینه ترک نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ نافرمانی خدا و رسول دارای پیامدهایی شوم و شیطانی (دشمنی و کینه توزی و بازماندن از نماز و یاد خدا)

انما یرید الشیطن .. فان تولیتم فاعلموا انما علی رسولنا البلغ المبین

مراد از رویگردانی در جمله <فان تولیتم> به قرینه آیه پیشین نادیده گرفتن حرمت خمر و قمار است یعنی اگر نهی خداوند از میگساری و قمار را نادیده گرفتید و شیطان شما را به کینه و عداوت با یکدیگر کشانید جز خود کسی را ملامت نکنید زیرا آن عواقب شوم بازتاب نافرمانیهای شماست و پیامبر(ص) در وظیفه خود کوتاهی نکرده است.

زمینه ریا در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۴

۴ - تکذیب روز

جزا ، زمینه ساز ریاکاری در نماز

أرءیت الذی یکذب بالذین ... فویل للمصلین ... الذین هم یرءون

زمینه مخالفت با نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۹ - ۵

۵ - خوی ثروت اندوزی و احساس بی نیازی ، زمینه ساز مخالفت با برگزاری نماز

أن رءاه استغنی .. أرءیت الذی ینهی

زمینه نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۶

۶ اعتقاد به ربوبیت خداوند ، مقتضی شب زنده داری و عبادت و نماز برای او است .

و الذین یبیتون لربهم سجداً و قیماً

آمدن قید <لربهم> و یاد ربوبیت خدا، به جای دیگر اوصاف او همچون رحمان، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

زینت در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۱ - ۲

۲ جمال و آراستگی ظاهر به هنگام نماز و عبادت، محبوب خداوند است.

خذوا زینتکم عند کل مسجد

برداشت فوق بر این اساس است که کلمه <مسجد> اسم زمان و یا اسم مکان، و نه خصوص مساجد رسمی، باشد. در این صورت مراد از سجده، پرستش خدا و خضوع در برابر اوست که نماز و پیشانی بر خاک ساییدن مصداق تام و جلوه کامل آن است.

سجده در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ رکوع و سجود، از اجزای مهم نماز*

و اسجدی و ارکعی

بنابراینکه مراد از رکوع و سجود، نماز باشد و تعبیر از نماز به رکوع

و سجود، دلالت بر اهمیت این دو جزء دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۹

۹ رکوع و سجود، از ارکان مهم نماز

الرکعون السجدون

نوع مفسران بر آنند که مقصود از رکوع کنندگان و سجده کنندگان، نماز گزاران هستند؛ بنابراین ذکر رکوع و سجده از میان دیگر واجبات نماز می تواند به خاطر اهمیت ویژه این دو فریضه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۶

۱۶ - قیام، رکوع و سجود، از ارکان نماز

و القائمین و الرکع السجود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۳

۳ سجده و قیام، دو رکن اساسی نماز است.

و الذین یبیتون لربهم سجداً و قیماً

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن سجده و قیام از میان دیگر ارکان و اجزای نماز، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۹

۹ - سجده، تجلی گاه عبودیت انسان و نمای برجسته نماز

عبداً إذا صلی . . . و اسجد

سجده نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۵

۵ - سجده و خضوع ، رکن اصلی و روح نماز است .

یدعون إلی السجود

از این که به جای نماز، سجود و خضوع مطرح شده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

سرزنش تأخیر نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم

۱۱- > فی المجمع قیل : أضعوها بتأخیرها عن مواقیتها من غیر أن ترکوها أصلاً... و هو المروى عن أبی عبداللّٰه (ع) ;

در مجمع البیان آمده است که: گفته شده [معنای آیه این است]: نماز را ضایع می کردند به این که آن را از اوقات مقررش به تأخیر می انداختند؛ نه این که به طور کلی آن را ترک کردند و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است.

سرزنش ترک نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۲

۲ - نکوهش مسلمانان صدراسلام از سوی خداوند ، به خاطر ترک مصلاً برای داد و ستد و یا تماشای لهُو و رها کردن پیامبر (ص) در حال ایراد خطبه های نماز جمعه

و إذا رأوا تجره أو لهواً انفضوا إليها و ترکوک قائماً

سرزنش ریا در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۵۸

۵ - خواندن نماز ، برای خودنمایی نزد مردم ، نکوهیده و مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

فویل للمصلّین .. الذین هم یراءون

۸ - ریاکاری شخص نماز گزار ، نکوهیده تر از یتیم آزاری و رسیدگی نکردن به مستمندان است .

الذی یدع الیتیم . و لایحضّ ... فویل للمصلّین ... الذین هم یراءون

آوردن حرف <فاء> در خصلت سومی که برای مکذبان جزا شمرده شده است، بیانگر آن است که آن خصلت، با تمام ویژگی هایش، نکوهیده تر از دو خصلت نخست است.

سرزنش سستی در نماز

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۹

۹ مذمت خداوند از کسالت در نماز و انفاق بدون میل و رغبت

لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كَسَالَىٰ وَالْيَافِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَرْهُونَ

سرزنش ناهیان از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۹ - ۲

۲ - نمازستیزان ، مورد تهدید و نکوهش خداوند

أرءیت الذی ینهی

سیاق آیه شریفه بر توبیخ و تهدید دلالت می کند.

سرزنش نهی از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱ - ۸

۸ - احتمال دست یابی نمازگزاران به هدایت ، نهی او را از نماز ، شگفت آورتر و نکوهیده تر می سازد .

أرءیت الذی ینهی . عبدًا إذا صلَّى . أرءیت إن کان علی الهدی

سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۲ - ۱۰ - ۹

۹ سستی و نشاط نداشتن در نماز و مقدمات آن ، از صفات منافقان

و إذا قاموا إلى الصَّلَاةِ قاموا کسالی

<کسالی> جمع <کسلان> است؛ و کسلان به کسی گفته می‌شود که با کندی و اکراه و بدون نشاط و میل، کاری را انجام دهد. قیام به سوی نماز که مفاد جمله <قاموا إلى الصلوه> است، شامل مقدمات نماز نیز می‌شود.

۱۰ ضرورت برپایی نماز، با میل و نشاط و پرهیز از کسالت و خمودی در انجام آن

و إذا قاموا إلى الصلوه قاموا کسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۵ کسالت و کاهلی در نماز ، از نشانه های نفاق و عدم ایمان واقعی به خدا و رسول اوست .

كفروا بالله و برسوله و لا يأتون الصلوه إلا و هم كسالى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۵ - ۷

۷ - > عن أبي أسامه زيد الشحام قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله > الذين هم عن صلاتهم ساهون < قال : هو الترك لها و التواني عنها ;

زيد شحام گوید: از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند >الذين هم عن صلاتهم ساهون< سؤال کردم، فرمود: [مراد از آن ترک نماز و کوتاهی و سستی در انجام دادن آن است].

سنگینی برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۶،۷

۶ - برپایی نماز کاری سنگین و دشوار مگر برای خاشعان و فروتنان

و إنها لكبيره إلا على الخشعين

ضمیر در >إنها< می تواند به >الصلاه< برگردد و نیز می تواند به >استعانت< - که از >استعینوا< فهمیده می شود - ارجاع شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. گفتنی است که دشوار بودن نماز به معنای دشوار بودن برپایی آن است.

۷ - اقامه نماز با دشواری و سختی ، نشانه خود بزرگ بینی و نداشتن خشوع است .

و إنها لكبيره إلا على الخشعين

سوگند به نماز عصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۱ - ۴

۴ - سوگند خداوند ، به عصر هر روز و نماز فریضه آن *

و العصر

چنانچه <عصر> به معنای <عشی>

(بعد از ظهر تا غروب) باشد، سوگند به آن یا ناظر به همان زمان خواهد بود و یا به قرینه ظرف و مظروف، مراد نماز عصر است.

شانه کردن در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ سئل أبو الحسن الرضا (ع) عن قول الله عز و جل: < خذوا زینتکم عند کل مسجد > قال: من ذلك التمشط عند کل صلوه.

از امام رضا (ع) در پاسخ سؤال از آیه < خذوا زینتکم .. > فرمود: از مصادیق آیه، شانه کردن مو هنگام هر نماز است.

شخصیت مخالفان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۵

۵ - مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، حقّ دستور دادن به نماز گزاران هدایت پیشه و ترویج کننده تقوا را ندارند .

ینهی . عبداً إذا صلّى ... کذب و تولّى ... کلاً لا تطعه

شرایط تأثیر نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۳ - ۲

۲ - پابندی به نماز و انجام دائمی آن ، شرط تأثیر گذاری این فریضه بر روح و خُلق و خوی نماز گزاران

الذین هم علی صلاتهم دائمون

شرایط نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۹ - ۹

۹ حرکت نداشتن به هنگام اقامه نماز ، از شرایط آن

فان خفتم فرجالا او رکباناً

جواز نماز در حال حرکت به هنگام ترس، حکایت از مشروط بودن آن به حرکت نداشتن در مواقع عادی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء -

۵ وجوب برپایی نماز با تمام شرایط و آداب آن ، پس از رفع ترس از ناحیه دشمن

فاذا اطمانتم فاقیموا الصلوه

اقامه نماز به معنای انجام نماز است با تمام شرایط و آداب آن. و از اینکه در نماز خوف تعبیر به اقامه نماز نشده و فرموده: <فلیصلوا>، این معنا تأیید می شود.

۶ وجوب برپایی نماز با تمام شرایط ، پس از سفر و بازگشت به وطن *

فاذا اطمانتم فاقیموا الصلوه

برخی بر آنند که مراد از <اطمانتم> بازگشت به وطن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۸

۸ وجوب تحصیل طهارت (غسل) بر شخص جنب ، برای خواندن نماز

و إن كنتم جنباً فاطهروا

جمله <ان كنتم ..> عطف بر جمله ای مقدر است و کلام با تقدیر آن چنین می شود: <اذا قمتم الی الصلوه فتوضوا ان لم تکنوا جنباً و ان كنتم جنباً فاطهروا>. بنابراین غسل مشروط می شود به هنگامی که جنب می خواهد نماز بخواند.

شرایط نماز جماعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۵

۵ حراست مجاهدان نماز گزار توسط رزمندگان دیگر ، شرط برگزاری نماز خوف به جماعت

فلتقم طائفه .. سجدوا فلیکونوا من ورائکم

جمله <فلیکونوا من ورائکم>، علامه بر بیان وجوب حراست از گروه نماز گزار، دلالت بر شرطیت حراست برای نماز خوف دارد.

شرایط نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۴

۴ - ایراد خطبه در نماز جمعه به وسیله امام جمعه

، از شرایط آن است .

و ترکوک قائماً

شرکت در نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - شرکت در نماز جمعه ، باعث از دست رفتن روزی مردمان نمی شود .

و إذا رأوا تجره . . . و الله خير الرزقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۵

۵ - مؤمنان ، وظیفه دار جدیت و تلاش برای شرکت در نماز جمعه

فاسعوا إلى ذکر الله

شگفتی از نماز صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۵،۷

۵ - عبادت و نماز پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، امری شگفت آور و جذاب برای کافران و مشرکان

کادوا یکنونون علیه لبدا

۷ - عبادت و نماز پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، امری شگفت آور و جذاب برای جن

کادوا یکنونون علیه لبدا

شگفتی از نماز محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - عبادت و نماز پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، امری شگفت آور و جذاب برای کافران و مشرکان

کادوا یکنونون علیه لبدا

۷ - عبادت و نماز پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، امری شگفت آور و جذاب برای جن

کادوا یکنونون علیه لبدا

شگفتی محرومیت از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۱۴

۱۴ - سرپیچی کافران اهل کتاب و مشرکان ، از پذیرش

اسلام و محروم ساختن خویش از توحید، اعتدال، نماز و زکات، شگفت آور است.

لم یکن الذین کفروا... منفکین... و ما أمرُوا إِلَّا ليعبدوا الله... حنفاء وی

چنانچه جمله <و ما أمرُوا...>، ناظر به اوامر اسلامی باشد، مفاد آیه با توجه به ارتباط آن با آغاز سوره این می شود که مگر اسلام، چه اوامری دارد که کافران، همچنان از مرام خود منفک نشده و به این دین روی نمی آورند؟! این دین که سراسر توحید و نماز و زکات است، چه فرمان نادرستی در آن است که آنان از پذیرش این دین، امتناع میورزند؟!.

شگفتی نهی از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱ - ۸

۸ - احتمال دست یابی نماز گزاران به هدایت، نهی او را از نماز، شگفت آورتر و نکوهیده تر می سازد.

أرءیت الذی ینهی . عبداً إذا صلّى . أرءیت إن کان علی الهدی

صبر در برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۴

۴ برپا کردن نماز در اوقات مقرر آن، نیازمند صبرپیشگی است.

و أقم الصلوه طرفی النهار... و اصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۵

۵ - مراقبت و مداومت بر اقامه نماز، نیازمند صبر و مقتید ساختن نفس بر آن است.

واصطبر علیها

صداقت در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر ، دو امتیاز برجسته نماز و عبادت شبانه

هی اشدّ وطاً و أقوم قیلاً

ضمیر <هی> به <ناشئه> بازمی گردد. <أشدّ> معادل <أثبت> (با ثبات تر، استوارتر) و <وطیء> مرادف <قیام> (ایستادن) است (لسان العرب). <أقوم> نیز به معنای <أسدّ> (محکم تر) و <قیلاً> همتای <مقال> (سخن گفتن) است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

عجز مخالفان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۲

۲ - مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، هر چند فراوان و سازمان یافته باشند ، از مقاومت در برابر مأموران الهی عاجزانند .

ینهی . عبداً إذا صلّى ... کذب و تولّى ... فلیدع نادیه . سندع الزبانیه

عجله برای نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۱۵، ۱۴

۱۴ - > عن جابر بن یزید عن أبی جعفر (ع) قال : قلت له قول الله عزّوجلّ : <فاسعوا إلى ذکر الله> قال : اعملوا و عجلوا فإنّه یوم مضیق علی المسلمین فیه ؛

جابر بن یزید گوید: به امام باقر(ع) گفتم: مراد از (سخن) خداوند عزّوجلّ <فاسعوا إلى ذکر الله> چیست؟ فرمود: اعمال جمعه را با عجله انجام دهید [تا به نماز جمعه برسید] زیرا روز جمعه، [وقت] برای مسلمانان تنگ است [و اعمال مستحبّه زیاد است].<

۱۵ - > عن علیّ أنّه

سئل عن قول الله [تعالی] > یا أيها الذين آمنوا إذا نودى للصلاة من يوم الجمعة فاسعوا إلى ذكر الله < قال : ليس السعي الإشتداد ;

از امام علی(ع) درباره سخن خداوند تعالی > یا أيها الذين آمنوا إذا نودى للصلاة من يوم الجمعة فاسعوا إلى ذكر الله < سؤال شد، آن حضرت فرمود: مراد از <سعی> شدت در راه رفتن (دویدن) نیست <.

عفو برپاکنندگان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - سپاس گزاری از عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان مخلص و گذشت از لغزش های آنان ، رفتاری ارزشمند و خدایی است .

إنما يخشى الله من عباده العلماء .. إن الذين يتلون كتب الله ... إنه غفور

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که چگونگی رفتار خداوند با این دسته از انسان ها، می تواند برای همگان آموزنده باشد.

عوامل برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳ - ۶

۶ اقامه نماز و انفاق در راه خدا ، تجلی خشیت قلب و فزونی ایمان و توکل بر خدا

وجلت قلوبهم .. زادتهم إيماناً .. الذين يقيمون الصلوة و مما رزقنهم ينفقون

تکرار <الذین> ، بدون حرف عطف، برای رساندن این معناست که اقامه نماز انفاق نمود خارجی و تجلی صفات برشمرده شده در آیه قبل است.

عوامل ترک نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۸

غفلت از یاد خدا و ترک نماز

انما الخمر و الميسر و الانصاب . . . و يصدكم عن ذكر الله و عن الصلوه

نیاوردن قید <فی الخمر و الميسر> در جمله <و يصدكم . . .> به خلاف جمله <ان يوقع . . .> ، می تواند اشاره به این باشد که منشأ ترک یاد خدا و برپایی نماز مخصوص شراب و قمار نیست بلکه برخاسته از گرایش به انصاب و ازلام (مظاهر شرک) نیز هست.

عوامل سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۵ - ۳

۳ - باور نداشتن کیفر و پاداش الهی ، مایه سبک شمردن نماز

أرءیت الذی یکذب بالدين . . . الذین هم عن صلاتهم ساهون

عوامل محرومیت از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۳

۱۳ نفاق و کفر و مرگ در حال فسق ، مایه محرومیت از فیض نماز و دعای اهل ایمان

و لاتصل . . . إنهم کفروا بالله و رسوله و ماتوا و هم فسقون

عوامل ممانعت از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۴

۴ - آلودگی به دروغ و گناه ، ساقط کننده انسان تا مرحله تکذیب دین و باز داشتن مردم از نماز

ینهی. عبدا إذا صلّى ... کذب و تولّى ... ناصیه کذبہ خاطئه

وصف های <کاذبه> و <خاطئه> بیانگر استمرار کذب و خطا در شخص است. این دو وصف در مقایسه با <ینهی> و

<کذب> فعل و دلالت کننده بر حدوث نهی و تکذیب اند به منزله علت

و معلول می باشند.

عوامل نجات تضييع کنندگان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۱

۱- توبه ، ایمان واقعی و عمل صالح ، تنها راه رهایی ضایع کنندگان نماز و پیروان شهو ها از عذاب الهی است .

فسوف یلقون عِقَابًا . إِلَّا مَنْ تَابَ وَ ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا

استثنا در <إِلَّا- مَنْ تَابَ..> متصل است و مراد از توبه، پشیمانی از ضایع کردن نماز و پیروی از تمایلات نفسانی است. در مورد ایمان بدان جهت قید <واقعی> ذکر شده است که بر حسب ظاهر افراد یاد شده در آیه قبل، در زمره مؤمنان بودند ولی نماز را ضایع می کردند؛ یعنی، ایمان ظاهری و اسمی را دارا بودند، ولی ایمان واقعی را نداشتند.

غفلت از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۴

۴- خواندن نماز ، بدون تصمیم بر امداد رسانی به نیازمندان ، غفلت از < حقیقت نماز > است .

الذین هم عن صلاتهم ساهون . . . و یمنعون الماعون

فریاد در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۱۰

۱۰- خواندن نماز با آواز بلند یا با صدای بسیار آهسته ، جایز نیست .

و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <صلاه> هر نمازی باشد که نماز گزار آن را آدا می کند.

فضایل برپاکنندگان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۶

۶ - محسنان ، برپادارنده

نماز و پرداخت کننده زکات و اهل یقین به عالم آخرت و برخوردار از عنایت خاص خداوندند .

للمحسنين .. أولئك على هدى من ربهم

اضافه <رب> به ضمیر <هم> که مرجع آن، محسنان است اشاره به نکته یاد شده می کند.

فضایل نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۴

۴ - عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق گران ، از فضل خداوند و مزد بیش از استحقاق خود برخوردارند .

إنما يخشى الله من عباده العلماء .. إن الذين يتلون كتب الله ... ويزيدهم

فضیلت برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳ - ۷

۷ اقامه نماز و انفاق در راه خدا دارای ویژگی و امتیاز در میان سایر عبادات و تکالیف الهی

یقیمون الصلوه و مما رزقنهم ینفقون

بدیهی است ایمان علاوه بر اقامه نماز و انفاق دارای نمودهای عملی دیگر نیز هست ؛ بنابراین ذکر این دو برای رساندن اهمیت ویژه آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۳

۱۳- برپاداشتن نماز و پرداخت زکات ، در مقایسه با دیگر کارهای نیک ، از جایگاهی ویژه و والا برخوردار است .

و أوحینا إليهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

با آن که نماز و زکات خود از مصادیق کارهای نیک است ؛ اما خداوند آن دو فریضه را به طور جداگانه ذکر فرمود . بیان

اختصاصی آن دو، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۶

۶ - تسبیح و ذکر دایم خدا، بر پایی نماز و پرداخت زکات، دارای جایگاهی ویژه و ارزشمند در بین سایر اعمال و موجب بلند پایگی مقام و تکامل معنوی انسان

يَسْبِحُ لَهُ فِيهَا... رجال لا تلهيهم تجره ولا بيع عن ذكر الله وإقام الصلوه وإيتا

خداوند، در توصیف مردمان الهی و والا مقام تنها سه صفت را مطرح ساخته است: ۱ ذکر خدا، ۲ برپاداشتن نماز، ۳ پرداخت زکات. ذکر سه عمل یاد شده از میان صدها عمل نیک دیگر، حاکی از ارزش ویژه آنها و نیز تأثیر آنها در تکامل معنوی انسان است.

فضیلت مراقبت از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۴ - ۲

۲ - اهمیت دادن به نماز و مراقبت بر به جای آوردن به موقع آن، امری شایسته و بایسته

و الذین هم علی صلاتهم یحافظون

فضیلت نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۸

۸ برپاداری نماز و پرداخت زکات از بهترین نمونه های عمل صالح

و عملوا الصّالحات و اقاموا الصّلوه و اتوا الزکوه

ذکر نماز و زکات پس از عمل صالح، در حالیکه خود عمل صالحند، بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۳۶

۳۶ نماز ، مصداق ذکر و یاد خداوند است .

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ .. و علی جنوبهم

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: الصحيح یصلی قائماً ..

کافی، ج ۳، ص ۴۱۱، ح ۱۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۱۷۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۲۴

۲۴ مطلوبیت انتظار نماز بعدی، پس از هر نماز

یا ایها الذین امنوا .. و رابطوا

علی (ع) درباره <رابطوا>، در آیه فوق فرمود: رابطوا الصلوات ای انتظارها واحده بعد واحده.

تفسیر تبيان، ج ۳، ص ۹۵؛ مجمع البيان، ج ۲، ص ۹۱۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ اهميت و ارزش برتر نماز، نسبت به زکات *

واقیموا الصلوه و اتوا الزکوه

تقديم ذکرى نماز بر زکات، می تواند اشاره به اهميت بیشتر نماز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۲ - ۲

۲ نماز دارای جایگاه و اهمیتی ویژه در بین عبادات

و أمرنا لنسلم .. و أن أقیموا الصلوه و اتقوه

یادآور شدن نماز در این سلسله آیات از بین عبادات دیگر، گویای نقش و جایگاه ویژه آن است.

۱۵- > معاویہ بن وہب قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن أفضل ما يتقرب به العباد إلى ربهم و أحب ذلك إلى الله عزوجل ما هو ؟ فقال : ما أعلم شيئاً بعد المعرفة أفضل من هذه الصلاة ، ألا ترى أن العبد الصالح عيسى بن مریم (ع) قال : > و أوصاني بالصلاه و الزكاه مادمت حياً <

معاویه بن وهب گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: بهترین چیزی که موجب تقرب بندگان به پروردگارشان می شود و محبوب ترین آن نزد خدای عزوجل چیست؟ فرمود: من پس از معرفت چیزی را بهتر از این نماز نمی دانم، آیا نمی بینی که بنده صالح (خدا) عیسی بن مریم گفت: و أوصانی بالصلاه.. <..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۶ - ۳، ۲

۲ - نماز و زکات ، از مهم ترین و با ارزش ترین فریضه ها و احکام الهی

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

برداشت فوق با توجه به اختصاص به ذکر یافتن نماز و زکات، پس از بیان اعمال صالح که نماز و زکات نیز جزء آنها می باشد قابل استفاده است.

۳ - فریضه نماز ، در مقایسه با دیگر فریضه ها و احکام الهی ، از ارزش و اهمیت ویژه ای برخوردار است .

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

برداشت یاد شده، از تقدم فریضه نماز بر زکات استفاده شده است.

فضیلت نماز اول وقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۹

۹- نماز صبح در اول فجر ، مورد شهود و نظاره ای ویژه

إن قرءان الفجر کان مشهودًا

چنان که از روایات استفاده می شود <شهود ویژه> عبارت است از شهود ملائکه شب و ملائکه روز که هر دوی آنان، شاهد نماز صبح نماز گزارند.

فضیلت نماز شب

۲ - ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر ، دو امتیاز برجسته نماز و عبادت شبانه

هی اشد و طاً و أقوم قیلاً

ضمیر <هی> به <ناشئه> بازمی گردد. <أشد> معادل <أثبت> (با ثبات تر، استوارتر) و <وطیء> مرادف <قیام> (ایستادن) است (لسان العرب). <أقوم> نیز به معنای <أسد> (محکم تر) و <قیلاً> همتای <مقال> (سخن گفتن) است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

۳ - نماز شب ، پدیده ای بس ارزشمند و والا در پیشگاه خداوند

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ

در صورتی که اضافه <ناشئه اللیل> ظرفیه باشد؛ مقصود از پدیده، عبادت شبانه بوده و معنای <إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ> چنین خواهد بود: <به راستی پدیده ای (عبادتی) که در شب واقع می شود..>. گفتنی است که آیه شریفه در مقام تمجید و ستایش از عبادت شبانه است.

فضیلت نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۲۷

۲۷ - <عَنْ النَّبِيِّ (ص) فِي قَوْلِهِ : <وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا > قَالَ : <قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ > صَلَاةَ الصُّبْحِ > وَقَبْلَ غُرُوبِهَا > صَلَاةَ الْعَصْرِ ;

از نبی اکرم (ص) روایت شده که در باره قول خدا: <وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا> فرمود: قبل طلوع الشمس < [وقت] نماز صبح است و <قبل غروبها> [وقت] نماز

عصر است <.

فضیلت نماز عصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۲۷

۲۷ - > عن النبی (ص) فی قوله : > و سَبَّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلِ غُرُوبِهَا > قال : > قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ <
صلاه الصبح > و قبل غروبها < صلاه العصر ;

از نبی اکرم (ص) روایت شده که در باره قول خدا: > و سَبَّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلِ غُرُوبِهَا < فرمود: قبل طلوع
الشمس < [وقت] نماز صبح است و > قبل غروبها < [وقت] نماز عصر است <.

فضیلت نماز کنار کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۹

۹- عبادت و نماز در کنار خانه خدا ، برخوردار از فضیلت و ارزش بیشتری در مقایسه با سایر سرزمینها

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي .. عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که اقامه نماز در غیر مکه برای فرزندان حضرت ابراهیم (ع) ممکن بود؛ ولی حضرت
ابراهیم (ع) برای فضیلت عبادت در جوار خانه خدا آن مکان را برای فرزندان برگزید.

فضیلت نماز یومیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۷

۷ نماز های شبانه روزی ، از بارزترین کار های نیک است .

و أقم الصلوة .. إن الحسنة يذهب السيئات

فلسفه برپایی نماز علما

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۱

۱ - عالمان خداترس ، به منظور دریافت اجر الہی ، به تلاوت قرآن

، اقامه نماز و انفاق می پردازند .

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ ... لِيُؤْفِقَهُمْ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که لام در <لِيُؤْفِقَهُمْ> برای تعلیل بوده و این جمله متعلق به <يتلون> باشد؛ یعنی، قرآن را تلاوت می کنند و .. به خاطر آن که خداوند به آنان پاداش کامل عنایت کند.

فلسفه نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۱۵، ۱۴

۱۴ - توجه به خدا و به یاد او بودن ، از اهداف و ثمرات نماز است .

و أقم الصلوة لذكري

۱۵ - وجود ذکر خدا در نماز ، دلیل ترغیب و توصیه خداوند به اقامه آن است .

أقم الصلوة لذكري

<لذكري> ممکن است بیانگر نتیجه نماز باشد که یاد خدا را در دل ها زنده می کند و ممکن است مراد اشتغال نماز به اذکار الهی باشد، یعنی اقامه نماز به این دلیل واجب شمرده شده است که ذکر خدا در آن وجود دارد.

فلسفه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۴

۴ - یاد خداوند ، فلسفه و روح نماز جمعه است .

إذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا إلی ذکر الله

آمدن تعبیر <ذکر الله> درباره نماز جمعه، می تواند اشاره به حقیقت یاد شده باشد.

قبله در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٤ - > ان الفرائض لاتصليها إلا إلى القبلة و هو المروى عن أئمتنا (ع) ;

ازائمه

اهل بیت (ع) روایت شده که نمازهای واجب را نمی شود به جا آورد، مگر اینکه به سوی قبله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱۷

۱۷ عن أبي عبدالله (ع) في قوله تعالى: < و أقيموا وجوهكم عند كل مسجد > قال: مساجد محدثه فامروا أن يقيموا وجوهكم شطر المسجد الحرام.

از امام صادق (ع) روایت شده است: مراد از آیه < و أقيموا وجوهكم ... >، مساجد نو بنیاد است که مردم مأمورند (هنگام عبادت) در آنها رو به مسجد الحرام بایستند.

قبله در نمازهای مستحبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۵ - ۱۰

۱۰ - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: < انزل الله هذه الآيه في التطوع خاصة > فاینما تولوا فثم وجه الله ... > و صلی رسول الله ايماءا على راحلته اينماتو جهت به حيث خرج الى خيبر و حين رجع من مكة و جعل الكعبه خلف ظهره ;

خداوند این آیه (فاینما تولوا فثم وجه الله) را در خصوص نماز مستحبی نازل کرده است و رسول خدا (ص) در حالی که سوار مرکب خود بود و به این سو آن سو می رفت، نمازهای [مستحبی] را با اشاره به جا می آورد آن زمانی که به سوی خیبر رفت و آن زمانی که از مکه مراجعت نمود و کعبه را پشت سرش قرار داد.

قبول توبه تضييع کنندگان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۳

۳- توبه ضایع کنندگان نماز و

پیروان هوای نفس پذیرفته می شود .

أضاعوا الصلوه واتبعوا الشهوت .. إلا من تاب

قرآن در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۴

۴- اهمیت قراءت قرآن ، در نماز شب

و قرآن الفجر .. و من الیل فتهجد به نافله لك

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <قرآن>، نماز مشتمل بر قراءت قرآن باشد.

قرائت در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۷

۷ لزوم خواندن نماز با قرائت صحیح و توجه به معانی و مفاهیم اذکار آن

لا تقربوا الصلوه .. حتی تعلموا ما تقولون

جمله <حتی تعلموا .. >، بیانگر فلسفه حرمت نماز در حال مستی است. بنابراین ادای صحیح کلمات و نیز توجه به معانی آن، ضرورت دارد و به همین خاطر نماز در حال مستی حرام شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۵

۵- قراءت قرآن و بازخوانی پیام وحی ، عمده ترین رکن و مهمترین بُعد نماز

أقم الصلوه .. و قرآن الفجر

مراد از <قرآن الفجر> نماز صبح است و آوردن <قرآن> (تلاوت آیات الهی) به جای <صلاه> می تواند مشعر به مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۴

۴ - قیام و قرائت ، اساسی ترین ارکان عبادت و نماز

هی اشدّ وطاً و أقوم قیلاً

اختصاص به ذکر یافتن دو رکن قیام (أشدّ وطاً) و قرائت (أقوم قیلاً) از میان

ارکان پنجگانه نماز، بیانگر مطلب یاد شده است.

قضای نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۳ - ۴

۴ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : حدّثني أبي عن جدّي عن آبائه أنّ أمير المؤمنين (ع) قال : ... قال الله تبارك و تعالی : > الذين هم على صلاتهم دائمون < یعنی الذين يقضون ما فاتهم من اللیل بالنهار و ما فاتهم من النهار باللیل ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: پدرم از جدم از پدرانش روایت کرده که امیرالمؤمنین(ع) فرمود: .. خدای تبارک و تعالی فرمود: (الذین هم علی صلاتهم دائمون) یعنی کسانی که نمازهایی را که در شب از دستشان رفته، در روز قضا می کنند و نمازهایی را که در روز از دست داده اند در شب قضا می کنند...<.

قضای نماز نافله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۱۰

۱۰ > عن عنبسه العابد ، قال : سألت أبا عبد الله (ع) : عن قول الله عزّوجلّ : > و هو الذی جعل اللیل و النهار خلفه لمن أراد أن یذکر أو أراد شکوراً < قال : قضاء صلاه اللیل بالنهار و قضاء صلاه النهار باللیل ;

امام صادق در باره آیه یاد شده فرمود: مراد قضای نمازهای شب در روز و قضای نمازهای روز در شب است.< توضیح: با توجه به روایات قبل از حدیث یاد شده، در تهذیب و روایت صفحه ۱۱۶ از تفسیر قمی

به نظر می رسد، قضای نماز نافله مقصود است.

قیام در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۶

۱۶ - قیام ، رکوع و سجود ، از ارکان نماز

و القائمین و الرکع السجود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۳

۳ سجده و قیام ، دو رکن اساسی نماز است .

و الذین یبیتون لربهم سجداً و قیماً

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن سجده و قیام از میان دیگر ارکان و اجزای نماز، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۴

۴ - قیام و قرائت ، اساسی ترین ارکان عبادت و نماز

هی اشد و طاً و أقوم قیلاً

اختصاص به ذکر یافتن دو رکن قیام (أشد و طاً) و قرائت (أقوم قیلاً) از میان ارکان پنجگانه نماز، بیانگر مطلب یاد شده است.

قیام در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۲

۲ - ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر ، دو امتیاز برجسته

هی اشد و طاً و أقوم قیلاً

ضمیر <هی> به <ناشئه> بازمی گردد. <أشد> معادل <أثبت> (با ثبات تر، استوارتر) و <وطیء> مرادف <قیام> (ایستادن) است (لسان العرب). <أقوم> نیز به معنای <أسد> (محکم تر) و <قیلاً> همتای <مقال> (سخن گفتن) است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث

سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

قیام هنگام خطبه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۵

۵ - ایستادن در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، از آداب آن است .

و ترکوک قائماً

کافران و نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۶

۶ - مکلف بودن کافران به فروع دین و انجام فرائض (همچون نماز)

یدعون إلی السجود و هم سلمون

کافران و نماز محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۴

۴ - ازدحام کافران و مشرکان در اطراف پیامبر (ص) ، برای مشاهده عبادت و نماز آن حضرت

کادوا یکنونون علیه لبدا

مفسران و اهل لغت، <لَبَّيْدَ> را به ازدحام معنا کرده و درباره مرجع ضمیر فاعلی <کادوا> و <یکنونون> دو نظر ارائه داده اند. برخی آن را مشرکان و کافران مکه و برخی دیگر آن را مؤمنان جن دانسته اند که برای استماع قرآن کریم در اطراف پیامبر(ص) ازدحام می کردند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظر نخست است.

کیفر سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٥ - > قال رسول الله (ص) الصلاة عماد الدين . . . من ترك أوقاتها يدخل الويل و الويل واد في جهنم كما قال الله تعالى . .
> فويل للمصلين . الذين هم عن صلاتهم ساهون . . . < ;

رسول خدا(ص) فرمود:

نماز ستون دین است .. هر کس وقت های نماز را [اعتنا نکرده و نماز را در آنها] ترک کند، داخل ویل می گردد و <ویل> درّه ای است در جهنم. همان طوری که خداوند تعالی فرموده: فویل للمصلّین . الذین هم عن صلاتهم ساهون.<

کیفر مخالفان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۷

۷ - گرفتن موهای بالای پیشانی تکذیب گران دین و کشاندن ذلیلانه آنان به سوی آتش ، کیفر مخالفت آنها با نماز ، هدایت و تقوا

ینهی . عبداً إذا صلّى ... لئن لم ینته لفسفاً بالناصیه

<ناصیه> به معنای انتهای رستنگاه مو از قسمت جلو سر است، ریشه این کلمه بر <علوّ> دلالت دارد و چون رستنگاه ناصیه در قسمت بالای سر است، این نام را بر آن نهاده اند (مقایس اللغه). قسمت جلو سر را نیز <ناصیه> گویند (تاج العروس). <نسفن> که <نون تأکید> آن به صورت تنوین نوشته می شود یعنی، چنگ می زنیم و می کشانیم و ممکن است به معنای <سیاه می کنیم>، <نشانه می گذاریم> یا <به خواری می کشانیم> باشد. (برگرفته از قاموس)

کیفر مخالفت با نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۹

۹ - سیه رویی و ثبت نشانه دروغ گویی و گناه کاری بر پیشانی تکذیب گران دین ، کیفر مخالفت آنان با نماز ، هدایت و تقوا

لنسفعا بالناصیه

برداشت یاد شده، ناظر به معانی گوناگونی است که برای <سفع> در توضیح برداشت هفتم ذکر شد. وصف های <کاذبه> و <خاطئه>

(در آیه بعد)، مشخصات نشانه را بیان کرده است.

کیفیت نماز محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۱

۱ - برپا ایستادن پیامبر (ص) در آغاز بعثت، برای عبادت و اقامه نماز به صورت علنی و آشکارا

و أَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ

مقصود از <عبدالله>، پیامبر اسلام(ص) است و مراد از دعا در جمله <یدعوه> نماز و عبادت ویژه مسلمانان می باشد.

گناه استهزای نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۶

۶ تمسخر اذان، نماز و دیگر شعایر دینی، از گناهان بزرگ

و إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا

چون تمسخر کنندگان نماز و اذان و یا دیگر شعایر دینی، باید طرد شوند و نباید با آنان روابط دوستی برقرار کرد، معلوم می شود تمسخر نماز و اذان و دیگر شعایر، از گناهان بزرگ است.

گناه تزیین نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۴

۴- ضایع کردن نماز و سهل انگاری در آن، حرام و از گناهان بزرگ است.

أَضَاعُوا الصَّلَاةَ... فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا

چنان که گفته شد معنای <يلقون غيًّا> به قرینه <يدخلون الجنة> (در آیه بعد) <يلقون جزاء غيهم> است؛ که وعده عذاب به شمار می آید. وعده عذاب نیز نوعاً در برابر گناهان بزرگ است.

گناه سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۴

۴- ضایع کردن نماز و سهل انگاری در

آن، حرام و از گناهان بزرگ است.

أضاعوا الصلوه... فسوف يلقون غيًّا

چنان که گفته شد معنای <يلقون غيًّا> به قرینه <يدخلون الجنة> (در آیه بعد) <يلقون جزاء غيِّهم> است؛ که وعده عذاب به شمار می آید. وعده عذاب نیز نوعاً در برابر گناهان بزرگ است.

گناه ناهیان از نماز محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۲

۲ - شخص بازدارنده پیامبر (ص) از نماز و تکذیب کننده او، فردی دروغگو و خطا پیشه و گنه کار بود.

ناصیه کذبہ خاطئه

دروغ گویی و خطاکاری، در حقیقت وصف صاحب <ناصیه> است و اتصاف <ناصیه> به آن، مجاز و بیانگر این نکته است که صاحب آن، به قدری به دروغ و گناه آلوده بوده، که گویا اجزای بدن او، دروغگو و خطاکاراند و آثار این پلیدی ها، در چهره او نمایان است.

گواهان نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۱۵

۱۵- > عن إسحاق بن عمار قال: قلت لأبي عبد الله (ع): أخبرني بأفضل المواقيت في صلاة الفجر؟ فقال: مع طلوع الفجر ان الله عز وجل يقول: > وقرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً > یعنی صلاة الفجر تشهده ملائكة الليل و ملائكة النهار فإذا صَلَّى العبد الصبح مع طلوع الفجر ثبتت له مرتين اثبتها ملائكة الليل و ملائكة النهار؛

اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: مرا از با فضیلت ترین اوقات نماز صبح خبر ده، حضرت فرمود: نمازی

است که همگام با طلوع فجر باشد. همانا خداوند عزوجل می فرماید: < قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً > مقصود نماز طلوع فجر است که فرشتگان مأمور شب و فرشتگان مأمور روز همگی با هم در آن هنگام حضور دارند و بر آن شهادت می دهند. پس زمانی که بنده نماز صبح را همگام با طلوع فجر به جا می آورد، نماز صبح او دو بار ثبت می شود: یک بار [توسط] فرشتگان مأمور شب و بار دیگر [به وسیله] فرشتگان مأمور روز.<

مانعان از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۳ - ۳

۳ - تکذیب گران دین و اعراض کنندگان از آن ، بازدارنده مردم از نماز و هدایت و امر به تقوا

أرءیت الذی ینهی . عبداً إذا صلی . أرءیت إن کان علی الهدی . أو أمر بالتقوی . أر

مانعان از نماز محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۳ - ۲

۲ - شخص بازدارنده پیامبر (ص) از نماز ، رهنمود های آن حضرت را دروغ پنداشته و از پذیرش آن روی گردان بود .

أرءیت الذی ینهی .. أرءیت إن کذب و تولی

جمله < کذب و تولی >، مربوط به < الذی ینهی > و توصیف کسی است که پیامبر(ص) را از نماز نهی می کرد. بسیاری از مفسران، وی را ابوجهل دانسته اند. متعلق < کذب > به قرینه < کان علی الهدی . أو أمر بالتقوی > هدایت های ارائه شده از جانب پیامبر(ص) و فرمان های تقواساز او است.

محرومیت از برکات نماز

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۵

۵ - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت خودداری از پذیرش اسلام ، از عبادت خالصانه خداوند محروم مانده و خود را از برکات نماز و زکات دور ساخته اند .

و ما أمرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوه و يؤتوا الز

محرومیت از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۶ - ۲

۲ - مردم با گزینش دنیا به جای آخرت ، خود را از ترکیه ، یاد خدا و ادای نماز دور نگه داشته ، از رستگاری محروم می سازند .

قد أفلح . . . بل تؤثرن الحيوه الدنيا

محمد(ص) و نماز بر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۸، ۲

۱ نهی شدن پیامبر (ص) برای همیشه ، از نماز گزاردن بر جنازه منافقان و دعا کردن برای آنها بعد از جنگ تبوک

و لاتصل علی أحد منهم مات أبداً

۲ ممنوع نبودن پیامبر (ص) از نماز گزاردن بر جنازه منافقان و حضور یافتن بر قبر آنها ، تا قبل از جنگ تبوک

و لاتصل علی أحد منهم مات

با توجه به سیاق آیات، که پس از جنگ تبوک نازل شده است، برداشت فوق به دست می آید.

۱۸ از امام صادق (ع) روایت شده : > کان رسول الله (ص) اذا صلی علی میت . . . کبر الزابعه و دعا للمیت . . . فلما نهاه

الله عزّو جل

عن الصلاة على المنافقين . . . كبر الزابعه و انصرف و لم يدع للميت ;

رسول خدا هرگاه بر مرده ای نماز می خواند . . . تکبیر چهارم را می گفت و برای میت دعا می کرد . . . پس از اینکه خدای عزوجل او را از نماز بر منافقین نهی فرمود . . . تکبیر چهارم را گفت و نماز را تمام کرد و بر میت دعا نکرد.

مخالفان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۴ - ۴

۴ - مخالفان نماز ، باید خدا را ناظر بر کردار خویش دیده و از مخالفت دست بردارند .

أرءیت الذی ینهی . . . ألم یعلم بأنّ الله یری

مداومت بر نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۵ - ۵

۵ - مداومت در اقامه نماز و مواظبت بر انجام درست و کامل آن ، یکی دیگر از اوصاف و نشانه های مؤمنان راستین

و المقیمى الصلوه

<إقامه> (مصدر <مقیمین>) به معنای انجام دادن درست و کامل است. به کارگیری وصف (مقیمین) بیانگر این نکته است که خواندن نماز، خصلتی است که از مؤمنان جدا نمی شود. بنابراین معنای <المقیمى الصلوه> چنین می شود: آنان که همواره نماز را درست و کامل به جا می آورند؛ نه آن را ترک می کنند و نه در انجام درست و کامل آن، کوتاهی میورزند.

مراد از تضييع نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۱۱

۱۱ - < فی المجمع قیل : أضعوها بتأخیرها عن مواقیتها من غیر أن ترکوها

أصلاً... و هو المروى عن أبي عبدالله (ع)؛

در مجمع البیان آمده است که: گفته شده [معنای آیه این است]: نماز را ضایع می کردند به این که آن را از اوقات مقررش به تأخیر می انداختند؛ نه این که به طور کلی آن را ترک کردند و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است.

مراد از خشوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲ - ۶

۶ - > عن جعفر بن محمد (ص) (إنه قال في قول الله عزوجل: > الذين هم في صلاتهم خاشعون < قال: الخشوع غصّ البصر في الصلاة... >

از امام صادق(ع) روایت شده است که در باره سخن خدای عزوجل >الذين هم في صلاتهم خاشعون< فرمود: مراد از خشوع، فرو نهادن چشم در نماز است <

مراقبت بر نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۳،۴،۵

۳ - مداومت و مراقبت پی گیر بر اقامه نماز، از جمله مسؤولیت های پیامبر (ص)

وأمر أهلك بالصلوة واصطبر عليها

>إصطبار<؛ یعنی، با تمام توان صبر را بر خود تحمیل کردن (مفردات راغب).

۴ - لزوم مراقبت پی گیر بر نماز و مداومت بر اقامه آن

وأمر أهلك بالصلوة واصطبر عليها

۵ - مراقبت و مداومت بر اقامه نماز، نیازمند صبر و مقتید ساختن نفس بر آن است.

واصطبر عليها

مشركان و نماز محمد(ص)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۴

- ۴

ازدحام کافران و مشرکان در اطراف پیامبر (ص)، برای مشاهده عبادت و نماز آن حضرت

کادوا یکنونون علیه لبدا

مفسران و اهل لغت، <لَبَدًا> را به ازدحام معنا کرده و درباره مرجع ضمیر فاعلی <کادوا> و <یکنونون> دو نظر ارائه داده اند. برخی آن را مشرکان و کافران مکه و برخی دیگر آن را مؤمنان جن دانسته اند که برای استماع قرآن کریم در اطراف پیامبر(ص) ازدحام می کردند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظر نخست است.

معروضان از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۳ - ۳

۳ - تکذیب گران دین و اعراض کنندگان از آن، بازدارنده مردم از نماز و هدایت و امر به تقوا

أرءیت الذی ینهی . عبداً إذا صلی . أرءیت إن کان علی الهدی . أو أمر بالتقوی . أر

مکان تشریح نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۱ - ۵

۵ - وجوب اقامه نماز، در مکه تشریح شده است .

و أقیموا الصلوه

مکان تشریح نماز های یومیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۸

۱۸ - نماز های یومیه، مشتمل بر تسبیح و تحمید پروردگار و تشریح شده در مکه، پیش از هجرت

و سَبِّحْ .. قبل طلوع ... ءانآی الیل فسَبِّحْ و اطراف النهار

این آیه، با اوقات چهار نماز تناسب دارد: صبح (قبل طلوع الشمس)، عصر (قبل غروب ها)، صبح و مغرب (اطراف النهار) و

عشا (من آناء الليل). برخی با توجیه (أطراف النهار) به این

که وسط روز نیز طرف آن است، نماز ظهر را نیز مشمول آیه دانسته اند؛ ولی چون سوره <طه> در مکه و پیش از سوره <اسرا> که حکم نماز ظهر در آن آمده نازل شده است، می توان گفت که نماز ظهر را مطرح نکرده است.

مکان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱۸

۱۸ - خانه خدا جایگاه طواف ، اعتکاف ، عبادت ، رکوع و سجود (نماز) است .

أن طهرا بيتی للطائفین و العکفین و الركع السجود

عکوف مصدر (عاکفین) به معنای ماندن و اقامت کردن در مکانی است و مراد از آن در آیه شریفه - به قرینه طواف، رکوع و سجود - یا مطلق عبادت و پرستش خداست و یا مقصود از آن، اعتکاف - که عبادتی خاص با شرایطی ویژه از قبیل روزه گرفتن و .. است - می باشد.

مکذبان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۳ - ۳

۳ - تکذیب گران دین و اعراض کنندگان از آن ، بازدارنده مردم از نماز و هدایت و امر به تقوا

أرءیت الذی ینهی . عبداً إذا صلی . أرءیت إن کان علی الهدی . أو أمر بالتقوی . أر

ممانعت از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۹ - ۴،۳

۳ - جلوگیری از برپایی نماز ، شگفت آورترین نمونه طغیان

لیطغی .. أرءیت الذی ینهی

<أرءیت> استفهام تعجبی است. ادیبان عرب، آن را با <أخبرنی> (خبر ده مرا) به یک

معنا دانسته اند. درخواست بازگو کردن خبر با آن که متکلم آن را می داند نشانه شگفتی آن است. مخاطب در <أرءیت> می تواند عموم مخاطبان باشد؛ گرچه فرد بارز آن پیامبر(ص) است و بنده نمازگزاری که مورد نهی قرار گرفته، بر هر نمازگزاری قابل انطباق است.

۴ - نماز در عصر بعثت ، مورد تهاجم مخالفان اسلام

أرءیت الذی ینهی

جمله <لئن لم ینته> در آیات بعد قرینه بر وقوع این مزاحمت، به هنگام نزول آیات این سوره است که با اوایل بعثت هم زمان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۰ - ۴

۴ - وادار ساختن مردم به ترک نماز ، نادیده انگاشتن عبودیت آنان برای خداوند است .

أرءیت الذی ینهی . عبداً إذا صلّى

انتخاب کلمه <عبد>، بیانگر دلیل تعجیبی است که استفهام <أرءیت> بر آن دلالت داشت؛ یعنی، کسی که بندگان را به ترک نماز فرا می خواند، چرا به بنده بودن آنان توجه نمی کند؟

ممانعت از نماز محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۹ - ۱

۱ - برخی از مخالفان پیامبر (ص) ، مانع نماز خواندن آن حضرت بودند .

أرءیت الذی ینهی

مراد از <الذی ینهی> به قرینه آیه بعد و جمله <لاتطعه> در آخر سوره - کسی است که پیامبر(ص) را از نماز خواندن نهی می کرد. جمله <فلیدع نادیه> در آیات بعد، وی را فردی دارای نفوذ کلام معرفی کرده و به گفته بسیاری از مفسران، مراد ابوجهل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۴

۴ - خاتمه دادن به موضع گیری در برابر نماز ، فرمان خداوند به نهی کننده پیامبر (ص) از ادای آن

أرءیت الذی ینهی . عبداً إذا صلّى ... لئن لم ینته

ممنوعیت نماز در مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۱،۴

۱ پیامبر (ص) مورد نهی مؤکد الهی از حضور یافتن و اقامه نماز در مسجد ضرار

لا تقم فیہ أبداً

۴ حضور و اقامه نماز در مسجدی که به انگیزه های باطل بنا شود ، ممنوع است .

مسجداً ضراراً .. لا تقم فیہ أبداً

موانع ترک نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - اعتقاد به رازق بودن خداوند ، ناسازگار با ترک کردن نماز جمعه به منظور کسب روزی

و إذا رأوا تجره .. و الله خیر الرزقین

موانع نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۹،۱۱،۷

۷ شیطان همواره در صدد بازداري مؤمنان از یاد خدا و برپایی نماز

انما يريد الشيطان .. في الخمر و الميسر و يصدكم عن ذكر الله و عن الصلوه

۹ قماربازی و میگساری ابزار شیطان برای بازداشتن مردم از یاد خدا و برپایی نماز

انما يريد الشيطان .. في الخمر و الميسر و يصدكم عن ذكر الله و عن الصلوه

۱۱ باز ماندن جامعه ایمانی از نماز و یاد خدا پیامد برانگیخته شدن دشمنی و کینه در بین آنها

ان یوقع بینکم

العدوه و البغضاء .. و یصدکم عن ذکر اللہ و عن الصلوہ

نیارودن کلمه <ان> در <یصدکم عن ...> می تواند اشاره به این باشد که مضمون این جمله پیامد تحقق مضمون معطوف علیه (یوقع بینکم ...) است.

ناپسندی غفلت از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۵ - ۴

۴ - بی توجهی نماز گزاران به نماز خویش ، نکوهیده تر از آزار یتیمان و فراموش کردن بینوایان است .

فویل للمصلین . الذین هم عن صلاتهم ساهون

این آیه، مانند آیات دیگر این سوره، بیانگر خصلت های تکذیب گران کیفر الهی است. آوردن حرف <فاء> در خصلت سوم به بعد و تغییر سیاق کلام، بیانگر ترتیب رتبی و نکوهیده تر بودن آنها است.

نام خدا قبل از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۵ - ۵

۵ - به جا آوردن نماز پس از ذکر نام خداوند ، مایه رستگاری است .

قد أفلح من .. ذکر اسم ربّه فصلی

ناهیان از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۴

۴ - خاتمه دادن به موضع گیری در برابر نماز ، فرمان خداوند به نهی کننده پیامبر (ص) از ادای آن

أرءیت الذی ینهی . عبداً إذا صلی ... لئن لم ینته

نزدیکی کیفر مخالفان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۵

۵ - زمان کیفر دیدن مخالفان نماز، تکذیب گران دین و دروغ گویان خطاکار، نزدیک است

سندع الزبانيه

حرف <سين>، برای آینده نزدیک به کار می رود.

نشاط در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۲ - ۹،۱۰

۹ سستی و نشاط نداشتن در نماز و مقدمات آن، از صفات منافقان

و إذا قاموا إلى الصلوة قاموا كسالي

<کسالی> جمع <کسلان> است؛ و کسلان به کسی گفته می شود که با کندی و اکراه و بدون نشاط و میل، کاری را انجام دهد. قیام به سوی نماز که مفاد جمله <قاموا إلى الصلوة> است، شامل مقدمات نماز نیز می شود.

۱۰ ضرورت برپایی نماز، با میل و نشاط و پرهیز از کسالت و خمودی در انجام آن

و إذا قاموا إلى الصلوة قاموا كسالي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۷ - ۸

۸- [> في فقه الرضا (ع)] قال : لا صلاة إلا باسباغ الوضوء و احضار التيه و خلوص اليقين و إفراغ القلب و ترك الأشغال و هو قوله > فإذا فرغت فانصب . و إلى ربك فارغب > ;

[در کتاب <فقه الرضا(ع)> آمده که] آن حضرت فرمود: نماز نیست؛ مگر با شاداب ساختن وضو و حاضر داشتن نیت و یقین خالص و خالی کردن قلب [از یاد غیر خدا] و ترک سرگرمی ها و این است [معنای] سخن خدا [که فرمود:]: >فإذا فرغت فانصب . و إلى ربك فارغب< .

نظارت بر نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۹

۹- نماز صبح در اول فجر ، مورد شهود

و نظاره ای ویژه

إن قرءان الفجر كان مشهودًا

چنان که از روایات استفاده می شود <شهود ویژه> عبارت است از شهود ملائکه شب و ملائکه روز که هر دوی آنان، شاهد نماز صبح نماز گزارند.

نقش نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱۴

۱۴ - > و فی الحدیث : إنَّ علیاً (ع) إذا حضر وقت الصلاة يتململ و يتزلزل و يتلون فقیل له : ما لك يا أميرالمؤمنین ؟ فيقول جاء وقت الصلاة وقت أمانه عرضها الله على السماوات و الأرض فأبين أن يحملنها و أشفقن منها ;

روایت شده که علی(ع) هنگامی که وقت نماز می رسید، ناآرام و لرزان و رنگ به رنگ می شد. پس به آن حضرت گفته شد: چه شده شما را ای امیرالمؤمنین؟ فرمود: وقت نماز رسیده است! وقت امانتی که بر آسمان ها و زمین عرضه شد و آنها از حمل آن سربرتافتند و از آن هراسیدند.

نماز ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إليهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

نماز اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحينا إليهم فعل الخيرت و إقام الصلوه و إيتاء الزكوه

نماز امام على (ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۴

۴ علی بن ابیطالب (ع) ، انسانی مؤمن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات در حال رکوع

الذین ءامنوا الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

بر اساس شأن نزولهای متعدد، شخصیت مورد نظر در آیه شریفه، حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب(ع) است.

نماز اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱

۱ - مردمان الهی و والا-مقامی که تجارت و داد و ستد ، آنان را از ذکر خدا ، اقامه نماز و پرداخت زکات باز نمی دارد ، همواره ترسان از روز قیامت اند .

رجال لاتلهیهم تجره و لایبع عن ذکر الله و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه یخافون یوم

برداشت یاد شده بر این اساس است که <رجال> مبتدا و <یخافون> خبر آن باشد.

نماز بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۲

۲ نماز ، برنامه بندگان خالص خدا در وقت شب زنده داری

و الذین یتتوبن لربهم سجداً و قیماً

از دیدگاه مفسران، مقصود از <سجده> و <قیام> در آیه شریفه، نماز است.

نماز به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٣٠ - از امام صادق (ع) روایت شده است : > ... و لما ان اصرف نبيه إلى الكعبة عن بيت المقدس قال المسلمون للنبي (ص) (رأيت صلاتنا التي كنا نصلی

إلى بيت المقدس ما حالنا في ها و ما حال من مضى من أمواتنا و هم يصلون إلى بيت المقدس؟ فأَنْزَلَ اللهُ > و ما كان اللهُ ليضيع إيمانكم ان الله بالناس لرؤف رحيم < فسَمَى الصلوه إيماناً... ;

چون خداوند، رسول الله را از بیت المقدس به کعبه برگرداند، مسلمانان به پیامبر عرضه داشتند: صحت نمازهایی که به طرف بیت المقدس خوانده ایم و نمازهای کسانی که به طرف بیت المقدس نماز خوانده و از دنیا رفته اند، چطور می شود؟ خداوند آیه شریفه <و ما كان الله ليضيع إيمانكم ان الله بالناس لرؤف رحيم> را نازل فرمود و در آن نماز را ایمان نامید...>.

نماز بی ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۷

۷ - بی ارزش بودن نماز بی خشوع، در پیشگاه خداوند.

ألم يأن... أن تخشع قلوبهم لذكر الله

در صورتی که مراد از <ذکر الله> نماز باشد؛ نکوهش کسانی که نماز را بدون خشوع می خوانند، مفید برداشت یاد شده است.

نماز بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۳۷

۳۷ انسان سالم نماز را ایستاده و مریض آن را نشسته و ناتوانتر از او آن را به پهلو می خواند.

يذكرون الله قياماً و قعوداً و على جنوبهم

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: .. <قياماً> الاصحاء و <قعوداً> یعنی المرضى <و على جنوبهم> قال: اعلّ ممن يصلي جالساً و اوجع.

برهان، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۷.

نماز جماعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۱۸، ۱۴، ۱۲

۱۲ مریم ، مأمور نماز گزاردن همراه با نماز گزاران (نماز جماعت) *

و ارکعی مع الزاکعین

بنابراینکه مراد از رکوع، نماز باشد از باب نامگذاری کل به نام جزء.

۱۴ عبادت دستجمعی و نماز جماعت در ادیان گذشته

و ارکعی مع الزاکعین

۱۸ نقش مهم رکوع ، در نماز جماعت

و ارکعی مع الزاکعین

چون از نماز جماعت به رکوع تعبیر شده است، اهمیت خاص آن معلوم می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۶، ۷

۶ گروه اول از نماز گزاران نماز خوف ، تا پایان دو سجده رکعت اول ، باید نماز را به جماعت و بقیه را فرادا به جای آورند .

فلتقم طائفه . . و لتأت طائفه اخرى لم یصلوا فلیصلوا معک

تفریع جمله <فاذا سجدوا> بر <فلتقم>، دلالت می کند که گروه اول باید تا پایان دو سجده، نماز را به جماعت بخوانند و چون نماز خوف با دو سجده پایان نمی پذیرد، باید بقیه به صورت فرادا به جا آورده شود.

۷ گروه نخست از نماز گزاران پس از اتمام نماز خوف ، باید به پاسدارای پردازند تا گروه دیگر برای اقامه نماز جماعت حاضر شوند .

فاذا سجدوا فلیکونوا من ورائکم و لتأت طائفه اخرى لم یصلوا فلیصلوا

نماز جماعت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۲

۲ صلاحدید برگزاری نماز جماعت در میدان نبرد ، بر

عهده فرمانده نیروهاست .

و إذا كنت فيهم فاقت لهم الصلوة

اسناد اقامه نماز به پیامبر(ص) (فاقت ..)، اشاره به این است که اختیار تشکیل نماز جماعت بر عهده و صلاحدید پیامبر(ص) و یا فرماندهی نیروهاست.

نماز جماعت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۲۱، ۲۰، ۱۳

۱۳ مطلوبیت شرکت زنان در عبادت دستجمعی (نماز جماعت)

و ارکعی مع الزاکعین

۲۰ جواز حضور زن در نماز جماعت همراه مردان

و ارکعی مع الزاکعین

در آیه فوق، به حضرت مریم امر نشده است که رکوع کن با زنان رکوع کننده؛ بلکه فرموده: رکوع کن با رکوع کنندگان. (اعم از زن و مرد).

۲۱ تشریح اجتماع مردان و زنان برای عبادت، در ادیان گذشته

و ارکعی مع الزاکعین

نماز جمعه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۳

۳ - اقامه نماز جمعه، در صدر اسلام و به امامت حضرت رسول اکرم (ص)

و إذا رأوا تجره... و ترکوک قائماً

نماز خوف

۱ جواز بجا آوردن نماز در حال حرکت ، پیاده یا سواره در هنگام ترس

فان خفتم فرجالا او رکباناً

جمله <فان خفتم... > حکایت از شرطی محذوف دارد که حکم آیه قبل را مشروط می کند ؛ یعنی مراقبت کامل شرایط در نماز در صورت امتیّت است ؛ ولی آنگاه که خوفی عارض شود، به مقدار ممکن حفظ شرایط و آداب لازم است نه همه آنها. همچنین

<رجالاً> جمع راجلاً به معنی پیاده و <رکباناً> جمع راکباً به معنای سواره است و در هر دو، حرکت لحاظ می شود.

۳ سقوط برخی از شرایط نماز در هنگام ترس

فان خفتم فرجالا او رکباناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۷

۷ مسلمانان صدر اسلام، کاستن از نماز را، هر چند به هنگام سفر و ترس از دشمن، گناه می پنداشتند.

و إذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلوه ان خفتم ان یفتکم الذین

<لا جناح> و <فلیس علیکم جناح>، غالباً در مواردی به کار می رود که پندار جرم و گناه بر انجام و یا ترک کاری وجود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱۰، ۱۴

۱۰ لزوم احتیاط و هوشیاری بیشتر مجاهدان، به هنگام تعویض و جابجایی در نماز خوف *

و لیاخذوا حذرهم و اسلحتهم

تصریح به لزوم هوشیاری در مورد دسته دوم (و لیاخذوا حذرهم)، بیانگر ضرورت احتیاط بیشتر در تعویض و جابجایی دارد.

۱۴ خطر شیخون کافران، دلیل به همراه داشتن اسلحه به هنگام نماز در میدان جنگ

و لیاخذوا حذرهم و اسلحتهم و الذین کفروا لو تغفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۳ - ۴

۴ یاد خداوند پس از ادای نماز خوف، جبران کننده کاستی های آن

فلیس علیکم جناح ان تقصروا... فاذکروا الله قیماً و قعوداً و علی جنوبکم

لزوم ذکر خدا پس از پایان نماز خوف، می تواند اشاره

به این معنا باشد که قصر و کوتاهی نماز خوف را با ذکر خداوند جبران کنید.

نماز خوف با جماعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱

۱ به نماز ایستادن گروهی از مسلمانان و پاسداری گروهی دیگر، شیوه برپایی نماز خوف به صورت جماعت

و إذا كنت فيهم فاقمت لهم الصلوه .. و لتأت طائفه اخرى لم يصلوا

نماز خویشاوندان اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۸

۸- وفادار بودن اسماعیل (ع) به وعده ها و اصرار او بر پای بندی بستگانش به نماز، زکات و انفاق، مایه جلب رضایت خداوند

إنه كان صادق الوعد .. و كان يأمر أهله بالصلوه والزكوه و كان عند ربّه مرضياً

نماز در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۶

۶ تشریح نماز در ادیان گذشته

یصلی فی المحراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۲۱، ۱۰

۱۰ وجود سجده و رکوع (نماز) در ادیان گذشته

و اسجدی و ارکعی

۲۱ تشریح اجتماع مردان و زنان برای عبادت ، در ادیان گذشته

و ارکعی مع الزاکعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۲

۲ تشریح نماز در ادیان گذشته

قالوا یشعیب أصلوتک تأمرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ - نماز در آیین موسی

(ع) تشریح شده بود .

و أقم الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۸

۸ پیمان الهی از بنی اسرائیل بر اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران و انفاق در راه خدا

و لقد اخذ الله ميثق بني اسرائيل .. و اقرضتم الله قرضاً حسناً

به نظر می رسد از جمله موارد میثاق و پیمان الهی با بنی اسرائیل، مسائلی است که جمله <لئن اقمتمم ..> آن را بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۳

۳ چنگ زدن به کتاب های آسمانی و برپا داشتن نماز ، دارای پاداشی تضمین شده از جانب خداوند

و الذين يمسكون بالكتب .. إننا لانضیع أجر المصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۳

۳- نماز ، زکات و انفاق ، دارای سابقه ای دیرینه در ادیان الهی

و کان یأمر أهله بالصلوه و الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۸

۸- نماز ، دارای جایگاهی مهم و اساسی در تمامی ادیان الهی

فخلف .. أضعوا الصلوه

آیه مورد بحث، از میان همه چیزهایی که می توان در پشت کردن و اهمیت ندادن به دین مطرح ساخت، نماز را مطرح کرده

است. این گویای نقش محوری نماز در مجموعه احکام دینی و ادیان الهی است.

نماز در ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۷

- اقامه نماز و پرداخت زکات ، فرمانی الهی برای پیروان تمام ادیان آسمانی

و ما أُمروا إِلَّا .. و یقیموا الصلوه و یؤتوا الزکوه

نماز در اول شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۷

۷ - بخش نخست شب ، زمان مناسب برای عبادت و نماز

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً

یکی از معانی <ناشئه اللیل>، ساعات اول شب است (قاموس المحيط).

نماز در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۷

۷ نماز ، زکات ، ایمان به همه انبیا و حمایت از آنان و انفاق ، از تکالیف بنی اسرائیل

لئن اقمتم الصلوه و ءاتیتم الزکوه .. و عززتموهم و اقرضتم الله

نماز در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۳

۳ وجوب برپا کردن نماز ، حتی در میدان رزم و شرایط دشوار

و إذا كنت فيهم فاقمت لهم الصلوه

نماز در دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- نماز از فریضه های عبادی در عصر بعثت حضرت ابراهیم (ع)

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي .. لِيَقِيمُوا الصَّلَاةَ

نماز در دوران لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۳

۳- نماز و امر به معروف و نهی از منکر ، از زمره تعالیم شریعت عصر لقمان بود .

يَبْنِيْ اَقِمِ الصَّلَاةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوْفِ وَاَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ

نماز در دوران مریم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۸

۸- مردم زمان مریم (س) ، با مفاهیم نماز و زکات آشنایی داشتند .

و أوصنی بالصلوة والزکوة

حضرت عیسی(ع) در گهواره برای مردم، از نماز و زکات سخن گفت، بنابراین، آنان با این مفاهیم از پیش آشنا بودند.

نماز در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۲

۲۲- رکوع و سجده کردن به درگاه خدا (نماز) ، از برنامه های عبادی در آیین ابراهیم

و الرکع السجود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۷

۱۷- طواف و نماز ، از تکالیف مقرر در شریعت حضرت ابراهیم (ع)

و طهر بیّتی للطائفین و القائمین و الرکع السجود

نماز در سفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۱

۱ کاستن از نماز در سفر ، به هنگام ترس از دشمن ، هیچ گناهی ندارد .

و إذا ضربتم .. فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلوة ان خفتم ان یفتنکم

جمله <فلیس .. >، در حقیقت جواب برای <اذا ضربتم > و <ان خفتم > است. یعنی مسافرت و ترس از فتنه گری دشمن دو شرط لازم برای کاستن از نماز است.

نماز در شریعت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۴

۱۴- انجام کار های نیک ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، از

تکالیف شریعت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع)

و أوحينا إليهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

نماز در شریعت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۴

۱۴- انجام کار های نیک ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، از تکالیف شریعت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع)

و أوحينا إليهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

نماز در شریعت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۴

۱۴- انجام کار های نیک ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، از تکالیف شریعت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع)

و أوحينا إليهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

نماز در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۹ - ۴

۴ - نماز در عصر بعثت ، مورد تهاجم مخالفان اسلام

أرءیت الذی ینهی

جمله <لئن لم ینته> در آیات بعد قرینه بر وقوع این مزاحمت، به هنگام نزول آیات این سوره است که با اوایل بعثت هم زمان بوده است.

نماز در کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۰

۲۰ - طواف کنندگان ، عبادت کنندگان و نماز گزاران در خانه خدا ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

أن طهرا بيتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

از اینکه پیامبرانی بزرگ، همچون ابراهیم و اسماعیل (ع) مأمور به تطهیر خانه خدا برای طواف کنندگان و .. بودند، ارجمندی طواف کنندگان

و ... در پیشگاه خدا به دست می آید.

نماز در مستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۱،۲،۸

۱ بطلان نماز در حال مستی

لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری

ظاهراً نهی در <لا تقربوا>، ارشاد به بطلان است، نه تنها بیانگر حرمت تکلیفی.

۲ اقامه نماز در حال مستی جایز نیست . *

لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری

بنابر اینکه نهی در <لا تقربوا>، نهی مولوی باشد؛ یعنی دلالت بر حرمت تکلیفی کند.

۸ بی توجهی به اذکار نماز و مفاهیم آن، فلسفه بطلان آن در حال مستی

لا تقربوا الصلوه ... حتی تعلموا ما تقولون

جمله <حتی تعلموا ... > بیانگر علت تحریم بطلان نماز در حال مستی است.

نماز در مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۵

۵ اهمیت عبادت و نماز در مسجد*

و أقيموا وجوهكم عند كل مسجد

نماز در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - طواف ، قیام ، رکوع و سجود (نماز) از آداب زیارت مسجدالحرام

و طهر بی‌تی للطائفین و القائمین و الرکع السجود

ظاهر این است که مراد از <القائمین و الرکع السجود> نماز گزاران است یعنی، <خانه مرا برای طواف کنندگان و نماز گزاران آماده کن.>

۱۵ - لزوم تقدیم طواف بر نماز در زیارت مسجدالحرام

للطائفین و القائمین و الرکع السجود

نماز در مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۷

۷- نماز و زکات

، از جمله تکالیف دینی در شریعت حضرت عیسی (ع) بود .

و أوصنی بالصلوه و الزکوه

نماز در مقام ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۷۸،۲۶،۲۸،۳۰

۷ - زیارت کنندگان خانه خدا ، باید در مقام ابراهیم ، نماز بخوانند .

و اتخذوا من مقام إبرهیم مصلی

گویا مقصود از نمازی که باید در مقام ابراهیم خوانده شود، نماز طواف است، نه سایر نمازها.

۸ - مقام ابراهیم ، باید به جایگاهی برای نماز اختصاص یابد .

و اتخذوا من مقام إبرهیم مصلی

<مصلی> اسم مکان از <صلاه> و به معنای جایگاه نماز است.

۲۶ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: ... > ان الله فضل مكة و جعل بعضها أفضل من بعض . فقال تعالی >

واتخذوا من مقام إبرهیم مصلی > ... ;

خداوند، مکه را فضیلت و برتری داده و بعضی از قسمت‌های آن را بر قسمت‌های دیگر برتری داده و فرموده است: از مقام ابراهیم جایگاهی برای نماز خود قرار دهید ... > .

۲۸ - از امام باقر (ع) روایت شده است: > ... لقد وضع عبد من عباد الله قدمه علی حجر فأمرنا الله تبارک و تعالی أن نتخذ

ها مصلی ... ;

... بنده ای از بندگان خدا (ابراهیم (ع)) پایش را بر سنگی نهاد، پس خداوند (برای تجدید خاطره) به ما دستور داد که آن سنگ را جایگاه نماز خویش کنیم ... > .

۳۰ - > عن ابی الصباح الكنانی ، قال سألت ابا عبد الله (ع)

(عن رجل نسي ان يصلي ركعتين عند مقام ابراهيم (ع) في طواف الحج و العمرة ، فقال : ان كان في البلد صلي ركعتين عند مقام ابراهيم (ع) فان الله عز و جل يقول : < و اتخذوا من مقام ابراهيم مصلى > و ان كان قد ارتحل فلا آمره ان يرجع ؛

ابی الصباح کنانی از امام صادق(ع) سؤال کرد درباره کسی که دو رکعت نماز طواف حج و عمره را در مقام ابراهیم(ع) فراموش کرده است، حضرت فرمود: اگر هنوز در شهر مکه است، باید نماز را در مقام ابراهیم(ع) به جا آورد؛ زیرا خداوند عز و جل فرموده: مقام ابراهیم را برای نماز خود قرار دهید و اگر از شهر مکه کوچ کرده است من به او نمی گویم برگردد.

نماز در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۴، ۲، ۱

۱ یهودیانی که به تورات چنگ زنند و به محتوای آن پایبند باشند و نماز را برپا دارند ، مردمی صلاح پیشه اند .

و الذین یمسکون بالکتب .. إنا لانضیع أجر المصلحین

تمسیک (مصدر <یمسکون>) به معنای حفظ کردن و رها ساختن است. محافظت کتاب آسمانی به این است که انسان معارف آن را باور داشته و به احکام آن پایبند باشد.

۲ خداوند پاداش یهودیان تمسک کننده به تورات و برپا دارنده نماز را تباه نخواهد کرد .

و الذین یمسکون بالکتب .. إنا لانضیع أجر المصلحین

چون آیه مورد بحث در سیاق آیات مربوط به یهود واقع شده، می توان گفت مراد از <الذین ..

< یهودیان متعهد هستند، و یا اینکه آنان از مصادیق مورد نظر برای <الذین ... > می باشند.

۴ گروهی از یهودیان نسل های پیشین ، بر خلاف دنیاگرایان ایشان ، به محتوای تورات و میثاق های آن پایبند بودند و نماز را به پا داشتند .

و الذین یمسکون بالکتاب و أقاموا الصلوه

نماز در یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ - نماز در آیین موسی (ع) تشریح شده بود .

و أقم الصلوه

نماز زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۵

۵ زکریا به هنگام نماز در محراب ، بشارت اعطای یحیی را دریافت .

و هو قائم یصلی فی المحراب انّ الله یشرک بیحیی

نماز شب در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۷

۷ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، در آغاز بعثت مدتی چند به شب زنده داری به میزان دوسوم یا نصف و یا یک سوم از شب موظف شده بودند .

و طائفه من الذین معک .. علم أن لن تحصوه

نماز شب صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص)، موظف به نماز در پاسی از شب به میزان میسور و ممکن

تقوم أدنی من ثلثی الّیل . . . فاقراءوا ما تیسر من القرآن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود

از قرائت قرآن، نماز باشد؛ زیرا خواندن قرآن از اجزای مهم نماز است. گفتنی است چون جمله های پیش درباره نماز شب بود، می تواند قرینه بر مطلب یاد شده باشد.

نماز شب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۱۸، ۲، ۱۰

۱- فرمان الهی به پیامبر (ص) در مورد بیدار شدن در بخشی از شب، برای اقامه نافله شب

و من الیل فتهجد به نافله لك

۲- نماز شب، تکلیفی واجب بر پیامبر (ص) علاوه بر سایر واجبات

و من الیل فتهجد به نافله لك

با توجه به معنای لغوی <نافله> که به معنای زیادت بر واجب است؛ (مفردات راغب) و نیز لام اختصاص <لك> نکته یاد شده قابل استفاده است.

۱۸- > عن عمار الساباطی قال : کنا جلوساً عند أبي عبدالله (ع) بمنی فقال له رجل : ما تقول فی النوافل ؟ فقال : فريضة قال : ففرعنا و فرع الرجل ، فقال : أبو عبدالله (ع) : إنما أعنی صلاة اللیل علی رسول الله (ص) ان الله یقول : > و من الیل فتهجد نافله لك < ;

عمار ساباطی گوید: در منی نزد امام صادق(ع) نشسته بودیم، شخصی به حضرت گفت: در باره نافله ها چه می گوئید؟ حضرت فرمود: واجب هستند. راوی گوید: ما و آن مرد سؤال کننده برآشفتم، پس حضرت فرمود: منظور من نماز شب است که بر رسول خدا واجب بود. همانا خداوند می فرماید: و من الیل فتهجد به نافله لك <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل -

۶ - > عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر (ع) قال : سألتُه عن قول الله : < قم الليل إلا قليلاً > قال : أمره الله أن يصلي كلَّ ليله إلا أن يأتي عليه ليله في الليالي لا يصلي فيها شيئاً ;

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <قم الليل إلا قليلاً> سؤال کردم، فرمود: خداوند به او (رسول الله) دستور داده که هر شب نماز [شب] بخواند؛ مگر این که شبی از شب ها بیاید که در آن نتواند نمازی بخواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۷

۷ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر گزاردن نماز شب

و سَبَّحَهُ لَيْلاً طَوِيلاً

یکی از معانی <تسیح>، نماز است (قاموس المحيط و لسان العرب). بر این اساس مقصود از آن در این آیه، ممکن است نماز شب باشد.

نماز شب مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظف به نماز در پاسی از شب به میزان میسور و ممکن

تقوم أدنى من ثلثي الليل .. فاقراءوا ما تيسر من القرآن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از قرائت قرآن، نماز باشد؛ زیرا خواندن قرآن از اجزای مهم نماز است. گفتنی است چون جمله های پیش درباره نماز شب بود، می تواند قرینه بر مطلب یاد شده باشد.

نماز شب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح

۵۰- > سألہ [الصادق (ع)] عبد اللہ بن سنان ، عن قول اللہ عزوجل > سيماهم في وجوههم من أثر السجود < قال : هو الشَّهر في الصلاه ;

عبد اللہ بن سنان از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجل > سيماهم في وجوههم من أثر السجود < پرسید، آن حضرت فرمود: منظور [اثر] شب زنده داری با نماز است <.

نماز شفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳ - ۳

۳ - > عن الصادق (ع) أنه قال : في قول الله عزوجل > والشفع والوتر < قال : الشفع الركعتان والوتر الواحد التي يقنت فيها ;

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزوجل > والشفع والوتر <، فرمود: شفع همان دو رکعت (نماز شب) و وتر همان یک رکعتی است که در آن قنوت خوانده می شود <.

نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - > عن النبي (ص) في قوله > وسبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس وقبل الغروب < قال : قبل طلوع الشمس صلاه الصبح ، وقبل الغروب صلاه العصر ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند > وسبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس .. < روایت شده است که فرمود: [مراد از تسبیح] قبل از طلوع خورشید > نماز صبح < و [مراد از تسبیح] قبل از غروب > نماز عصر < است <.

نماز صبح با جماعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷

۱۰- لزوم اهتمام به اقامه نماز صبح ، در منظر همگان و همراه با جماعت *

إن قرءان الفجر كان مشهودًا

احتمال دارد که ذکر صفت <مشهود> برای نماز صبح، نوعی تشویق به این باشد که شایسته است انجام آن در معرض شهود و دید همگان باشد. لازم به ذکر است که فعل <کان> در آیه برای تثبیت است.

نماز صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۸

۲۸- اصحاب پیامبر (ص) ، اهل نماز و سجده های بسیار

و الذین معه .. سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

نماز طواف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۳۱، ۳۰، ۷

۷- زیارت کنندگان خانه خدا ، باید در مقام ابراهیم ، نماز بخوانند .

و اتخذوا من مقام إبرهیم مصلًی

گویا مقصود از نمازی که باید در مقام ابراهیم خوانده شود، نماز طواف است، نه سایر نمازها.

۳۰ - > عن ابی الصباح الکنانی ، قال سألت ابا عبد الله (ع) عن رجل نسی ان یصلی رکعتین عند مقام ابراهیم (ع) فی طواف الحج و العمره ، فقال : ان کان فی البلد صلی رکعتین عند مقام ابراهیم (ع) فان الله عز و جل یقول : > و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلًی < و ان کان قد ارتحل فلا آمره ان یرجع ;

ابی الصباح کنانی از امام صادق(ع) سؤال کرد درباره کسی که دو رکعت نماز طواف حج و عمره را در مقام ابراهیم(ع) فراموش کرده است، حضرت فرمود: اگر هنوز در شهر

مکه است، باید نماز را در مقام ابراهیم (ع) به جا آورد؛ زیرا خداوند عز و جل فرموده: مقام ابراهیم را برای نماز خود قرار دهید و اگر از شهر مکه کوچ کرده است من به او نمی گویم برگرد.

۳۱- ابن مسکان گوید: > حدثني من سأله عن رجل نسي ركعتي طواف الفريضة حتى يخرج فقال: ... ان كان جاوز ميقات أهل أرضه فليرجع و ليصلهما فإن الله يقول: > و اتخذوا من مقام إبراهيم مصلى ... >

به من خبر داد کسی که از او [امام (ع)] سؤال کرد درباره شخصی که دو رکعت نماز فريضة طواف را از روی فراموشی نخوانده و از محل [مکه] خارج شده بود، امام (ع) فرمودند: .. اگر از ميقات حجاج شهرش گذشته باید برگردد و دو رکعت نماز را بخواند؛ زیرا خداوند می فرماید: > و اتخذوا من مقام إبراهيم مصلى ... <.

نماز عصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - > عن النبي (ص) في قوله > و سبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس و قبل الغروب < قال: قبل طلوع الشمس صلاة الصبح، و قبل الغروب صلاة العصر؛

از رسول خدا (ص) درباره سخن خداوند > و سبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس .. < روایت شده است که فرمود: [مراد از تسبیح] قبل از طلوع خورشید > نماز صبح < و [مراد از تسبیح] قبل از غروب > نماز عصر < است.

نماز عید فطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷

۱۰ - > قيل له (الصادق (ع)) > و ذکر اسم ربّه فصلی < قال خرج إلى الجبانه فصلی >

به امام صادق(ع) گفته شد: [معنای] > و ذکر اسم ربّه فصلی < [چیست] فرمود: [یعنی] به سوی صحرا بیرون رود و نماز [عید] بخواند <.

نماز عید قربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱۸

۱۸ - لزوم تأخیر قربانی از نماز عید ، در عید قربان *

فصل لربك وانحر

تطبیق نماز و قربانی در آیه، بر نماز عید قربان و قربانی در آن، یکی از احتمالات موجود در این آیه است. عطف به <واو> گر چه بر ترتیب تصریح ندارد ولی ترتیب ذکر می تواند بیانگر ترتیب واقعی باشد.

نماز غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۷

۷ - نماز ریاکارانه ، نماز غافلان است .

الذین هم عن صلاتهم ساهون . الذین هم یراءون

نماز قصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۷، ۴

۴ احتمال کمین و فتنه گری دشمن ، مجوز نماز قصر (شکسته)

ان تقصروا من الصلوه ان خفتم ان یفتنکم الذین کفروا

جمله <ان خفتم> به این معناست که در جواز نماز شکسته، حمله یقینی دشمن لازم نیست، بلکه ترس از حمله و یا احتمال آن نیز کافی است.

۷ مسلمانان صدر اسلام، کاستن از نماز را، هر چند به هنگام سفر و ترس از دشمن، گناه می پنداشتند.

و إذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم

جناح ان تقصروا من الصلوه ان خفتم ان يفتنكم الذين

<لا جناح> و <فليس عليكم جناح>، غالباً در مواردی به کار می رود که پندار جرم و گناه بر انجام و یا ترک کاری وجود داشته باشد.

۱۳ و جوب شکسته خواندن نماز در سفر به هنگام ترس از فتنه دشمن

و إذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح .. ان یفتنکم الذین کفروا

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از چگونگی نماز مسافر فرمودند: ان الله عز و جل یقول: و اذا ضربتم فی الارض .. فصار التقصیر فی السفر واجباً کوجب التمام فی الحضر

من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۸، ح ۱، باب ۵۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۲، ح ۵۲۷

۱۴ شکسته خواندن نماز در سفر، دو رکعت خواندن نماز چهار رکعتی است .

و إذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلوه

امام باقر(ع) در مورد عدد رکعات نماز در سفر فرمود: ... والصلوه کلها فی السفر الفریضه رکعتان کل صلوه الا المغرب فانها ثلاث لیس فیها تقصیر

من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۹، ح ۱، باب ۵۹؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۲۵۴.

۱۵ حداقل مسافتی که موجب شکسته شدن نماز در سفر می شود، هشت فرسخ است .

و إذا ضربتم فی الارض .. ان تقصروا من الصلوه

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از مسافتی که موجب شکسته شدن نماز می شود فرمود: فی مسیره یوم و ذلک بریدان و هما ثمانیه فراسخ

تهذیب، ج ۳، ص ۲۰۷، ح ۱، باب ۲۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۱۰، ح ۷.

نماز محمد (ص)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۲ - ۱

۱ نماز خواندن پیامبر(ص)، عبادت کردنش و انجام امور زندگانی و مرگش تنها برای خدا بود.

إن صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله

<محیا> و <مما> مصدر میمی و به معنای زنده ماندن و مردن است. چون زنده ماندن و مردن در اختیار انسان نیست تا آن را برای خدا قرار دهد، می توان گفت مقصود از آن چگونه زندگی کردن و چگونه مردن است و یا مراد انجام امور مربوط به زندگی و مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۳

۳ پیامبر (ص) باید الگوی مردمان در اقامه نماز باشد .

و أقم الصلوه

مفسران برآنند که مراد از نماز در آیه مورد بحث، نمازهای یومیه است و این نمازها بر همگان واجب است. بنابراین مخاطب قرارداد پیامبر(ص) در بیان لزوم اقامه نماز، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۱۲، ۱۳، ۲۲

۱۲- پیامبر (ص) ، موظف به رعایت اعتدال در قراءت نماز و پرهیز از آواز بلند یا با صدای بسیار آهسته

و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها

۱۳- پیامبر (ص) ، موظف به رعایت جهر در برخی نمازها و اخفات در بعضی دیگر

و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها و ابتغ بین ذلک سبیلاً

بنابر اینکه مراد آیه این باشد که همه نمازهای را به جهر و یا همه را به اخفات نخوان و مراد از <و ابتغ..>

این باشد که برخی را به جهر و بعضی را به اخفات بخوان، برداشت فوق به دست می آید.

۲۲- > عن أبي جعفر و أبي عبدالله (ع) في قوله تعالى : < و لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها ... > قال : كان رسول الله (ص) إذا كان بمكة جهر بصوته فيعلم بمكانه المشركون فكانوا يؤذونه ، فأنزلت هذه الآية عند ذلك ;

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام در باره سخن خدا < و لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها .. > روایت شده است که فرمود: آن گاه که رسول خدا(ص) در مکه بود، نمازش را با صدای بلند می خواند. پس مشرکان از مکان آن حضرت باخبر می گشتند و او را اذیت می کردند. پس این آیه برای این جهت نازل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۵ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، موظف به ادای نماز ، با رعایت حدود و شرایط آن بود .

و أقم الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۰ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، به طور مکرر و در حضور مخالفان خویش ، نماز می خواند .

إذا صلی

از نهی مکرر که مفاد فعل مضارع <ینهی> در آیه قبل است اقامه مکرر نماز استفاده می شود و برخورد مخالفان پیامبر(ص) با نماز آن حضرت، نشان می دهد که نماز پیامبر(ص) از دید آنان مخفی نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۷ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مورد تهدید مخالفان به اقدامی سازمان یافته علیه او ، در صورت ادامه دادن به ادای نماز

ینهی . عبداً إذا صلّى ... فليدع نادیه

امر در <فلیدع>، تعجیزی و بیانگر آن است که دعوت از هم نشینان، برای شخص مخالف نماز سودی ندارد. این سخن، نشانگر وجود چنین تهدیدی از سوی مخالفان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱،۲،۵

۱ - نماز ، از تکالیف الهی برای پیامبر (ص)

فصل

۲ - اخلاص در نماز و انجام دادن آن تنها به جهت فرمان خدا ، وظیفه ای برعهده پیامبر (ص)

فصل لربك

۵ - سپاسگزاری از خداوند در برابر نعمت کوثر ، وادارسازنده پیامبر (ص) به نماز و اخلاص در آن

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ . فصل لربك

حرف <فاء> در <فصل>، لزوم نماز را بر آیه قبل تفریح کرده است.

نماز محمد(ص) به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۱۷

۱۷ - امام صادق (ع) فرمود : > و صلّى رسول الله (ص) إلى بيت المقدس بعد النبوه ثلاث عشرة سنه بمكه و تسعه عشر شهراً بالمدينه ثمّ عیرته اليهود ... ;

رسول خدا(ص) بعد از رسالت خویش، سیزده سال در مکه و نوزده ماه در مدینه به سوی بیت المقدس نماز می خواند، تا

آنکه یهود او را سرزنش کردند .. <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۳۱ - > عن ابی بصیر عن أحدهما . . . فقلت له : الله أمره أن یصلی إلى بیت المقدس ، قال : نعم ، ألا ترى ان الله تعالی یقول ، > و ما جعلنا القبلة التي كنت علیها إلا لنعلم من یتبع الرسول ممن ینقلب علی عقبیه < . . . ;

ابی بصیر از امام باقر یا امام صادق (ع) سؤال کرد: .. آیا خداوند رسول خود را مأمور کرد که به سوی بیت المقدس نماز گزارد؟ آن حضرت فرمود: بله آیا ندیدی که خداوند تعالی می فرماید: > ما آن قبله ای که قبلا بر آن بودی تنها برای این قرار دادیم تا افرادی که از پیامبر پیروی می کنند را از کسانی که به جاهلیت باز می گردند، مشخص کنیم < ... <.

نماز محمد(ص) در بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱ - ۲۴

۲۴ - > عن ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق (ع) قال : لما أسرى برسول الله (ص) إلى بیت المقدس حمله جبرائیل علی البراق فاتیا بیت المقدس و عرض إليه محاریب الأنبیاء و صلی بها و رده . . . ;

جبرئیل، آن حضرت را بر بُراق سوار کرد و هر دو به بیت المقدس آمدند و جبرئیل محرابهای انبیا را به او نشان داد و پیامبر(ص) در آن جا نماز خواند و سپس آن حضرت را باز گرداند. <.. <.

نماز محمد(ص) در شب معراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱ - ۲۴

> - ۲۴

عن ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق (ع) قال : لما أسرى برسول الله (ص) إلى بيت المقدس حمله جبرائيل على البراق فاتيا بيت المقدس و عرض إليه محاريب الأنبياء و صلى بها و رده ... ٦

جبرئیل، آن حضرت را بر بُراق سوار کرد و هر دو به بیت المقدس آمدند و جبرئیل محرابهای انبیا را به او نشان داد و پیامبر(ص) در آن جا نماز خواند و سپس آن حضرت را باز گرداند. <..>

نماز مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۱،۱۲

۱ مریم ، مأمور به اطاعت خاضعانه ، سجده و رکوع (نماز) ، در برابر پروردگارش

یا مریم اقتنی لرَبِّک و اسجدی و ارکعی

۱۲ مریم ، مأمور نماز گزاردن همراه با نماز گزاران (نماز جماعت) *

و ارکعی مع الزَّاکِئین

بنابراینکه مراد از رکوع، نماز باشد؛ از باب نامگذاری کل به نام جزء.

نماز مسافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۳ - ۶

۶ وجوب برپایی نماز با تمام شرایط ، پس از سفر و بازگشت به وطن *

فاذا اطمانتم فاقیموا الصلوه

برخی بر آنند که مراد از <اطمانتم> بازگشت به وطن است.

نماز مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۳

۳- برخورداران از نعمت های جاودان آخرت ، شیفتگان اطاعت پروردگار و برپا دارندگان نماز

و ما عند الله .. للذین ءامنوا ... و أقاموا الصلوه

نماز مقبول

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲ - ۲

۲ - نماز مطلوب و مقبول خداوند ، نماز همراه با خشوع و فروتنی است .

الذین هم فی صلاتهم خشعون

نماز مکذبان کیفرهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۴ - ۳

۳ - نماز خواندن تکذیب کنندگان کیفرهای الهی ، بی ثمر بوده و مایه استحقاق عذاب جهنم است .

أرءیت الذی یکذب بالذین .. فویل للمصلین

نماز موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۱۳

۱۳ از امام کاظم (ع) روایت شده است : > لما خافت بنو اسرائیل جابرت ها أوحی الله إلی موسی و هارون (ع) : > أن تبوءا لقومكما بمصر بیوتاً و اجعلوا بیوتکم قبله < قال : امروا أن یصلوا فی بیوتهم ;

هنگامی که بنی اسرائیل از حکام ستمگر زمان خود بیمناک شدند، خداوند به موسی و هارون (ع) وحی فرستاد که برای قوم خود در مصر خانه‌هایی مهیا سازید و خانه‌هایتان را قبله قرار دهید. امام فرمود: آنان مأمور شدند که در خانه‌هایشان نماز بخوانند.<

نماز مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۵ - ۵

۵ - مداومت در اقامه نماز و مواظبت بر انجام درست و کامل آن ، یکی دیگر از اوصاف و نشانه‌های مؤمنان راستین

<إقامه> (مصدر <مقیمین>) به معنای انجام دادن درست و کامل است. به کارگیری وصف (مقیمین) بیانگر این نکته است که خواندن نماز، خصلتی است که

از مؤمنان جدا نمی شود. بنابراین معنای <المقیمۃ الصلوه> چنین می شود: آنان که همواره نماز را درست و کامل به جا می آورند؛ نه آن را ترک می کنند و نه در انجام درست و کامل آن، کوتاهی میورزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۶ - ۶

۶ - مؤمنان نیکوکار در سایه برپایی نماز، پرداخت زکات و اطاعت از پیامبر (ص) مشمول رحمت خدا هستند.

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت. .. و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۸ - ۴

۴ - نماز، نشانه ایمان و از اوصاف مؤمنان است.

و إذا قیل لهم اركعوا لا یركعون

نماز میت بر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۹

۹ نماز گزاردن بر جنازه منافقان و حضور یافتن بر قبر آنان، حرام است.

و لاتصل علی أحد منهم

نماز میت در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۵

۵ وجود سنت نماز و دعا برای میت مسلمان و رفتن بر سر قبر وی در زمان پیامبر اکرم (ص)

و لاتصل ... و لاتقم علی قبره

نماز وتر

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۹

۹ - > [فی مجمع البیان ، فی قوله تعالى] > و أدبار السجود > فيه أقوال

... و رابعها أنه الوتر من آخر الليل . روى ذلك عن أبي عبد الله (ع) ؛

در مجمع البيان ذیل آیه <و أدبار السجود> آمده است که در تفسیر این آیه چند قول هست. قول چهارم این است که مراد، نماز <وتر> در آخر شب است و این قول از امام صادق(ع) روایت شده است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳ - ۳

۳ - < عن الصادق (ع) أنه قال : في قول الله عزوجل > و الشفع و الوتر < قال : الشفع الركعتان و الوتر الواحده التي يقنت فيها ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزوجل <و الشفع و الوتر>، فرمود: شفع همان دو رکعت (نماز شب) و وتر همان یک رکعتی است که در آن قنوت خوانده می شود.<

نماز وسطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۸ - ۵

۵ اهمیت ویژه برخی از نماز های یومیّه (صلوه وسطی)

و الصلوه الوسطی

نماز هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۱۳

۱۳ از امام کاظم (ع) روایت شده است : < لما خافت بنو اسرائيل جابرت ها أوحى الله إلى موسى و هارون (ع) : > أن تبوءا لقومكما بمصر بيوتاً و اجعلوا بيوتكم قبله < قال : امروا أن يصلوا في بيوتهم ؛

هنگامی که بنی اسرائیل از حکام ستمگر زمان خود بیمناک شدند، خداوند به موسی و هارون (ع) وحی

فرستاد که برای قوم خود در مصر خانه‌هایی مهیا سازید و خانه‌هایتان را قبله قرار دهید. امام فرمود: آنان مأمور شدند که در خانه‌هایشان نماز بخوانند.

نمازهای یومیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۲۵

۲۵ صبر بر انجام نمازهای پنجگانه و صبر در جنگ مسلحانه با دشمنان و پاسداری در راه خداوند، وظیفه مؤمنان

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا

پیامبر اسلام (ص) درباره > .. اصبروا و صابروا و رابطوا ... < فرمود: اصبروا علی الصلوات الخمس، و صابروا علی قتال عدوکم بالسیف، و ربطوا فی سبیل الله لعلکم تفلحون.

الذکر المثنوی، ج ۲، ص ۴۱۸.

نماز همسران محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۸

۸ - خداوند، همسران پیامبر را با فرمانی ویژه، به ادای کامل نماز موظف کرد.

و أقمن الصلوه

نماز یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع)، مأمور به انجام کار نیک، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

نمازگزاران و انذارهای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۷

۷- انذارها و اخطارهای پیامبر (ص)، تنها در خداترسان و برپادارندگان نماز مؤثر بوده است.

إِنَّمَا تَنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

نهی از

نماز بر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱

۱ نهی شدن پیامبر (ص) برای همیشه، از نماز گزاردن بر جنازه منافقان و دعا کردن برای آنها بعد از جنگ تبوک

و لاتصل علی أحد منهم مات أبداً

نیاز به نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۰

۱۰- انسان به هر مرحله از قرب و منزلت الهی برسد، نیازمند به عبادت (نماز و...) و خدمت به خلق (انفاق) است.

قل لعبادی الذین ءامنوا یقیموا الصلوه و ینفقوا ممّا رزقنهم

اضافه <عباد> به <یاء> متکلم، تشریفیه و بیانگر قرب و منزلت بندگان به پیشگاه خداوند است. بنابراین فرمان خداوند به آنان برای اقامه نماز و انفاق، نشانگر آن است که بنده، هر چند به مقام قرب الهی رسیده باشد، نیازمند به انجام دو فریضه نماز و انفاق است.

نیت در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۱۶

۱۶ - قصد قربت، نشانه عبودیت و از اجزای نماز

ینهی . عبداً إذا صلّى ... لاتطعه ... و اقترب

وجوب نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۳ - ۳

۳- نماز و زکات ، از واجبات دینی اسلام و از ارکان عملی آن است .

و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

دعوت به اقامه نماز و پرداخت زکات، پس از فراخواندن اهل کتاب به ایمان، بیانگر اهمیت خاص نماز و زکات در

میان سایر تکالیف عملی اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۳ - ۷

۷ نماز، وظیفه ای ثابت و واجب برای اهل ایمان

ان الصلوه كانت على المؤمنين كتباً موقوتاً

<کتاب> به معنای واجب و ثابت است. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر(ع) است که درباره <کتاباً موقوتاً> در آیه فوق فرمود: یعنی مفروضاً ...

کافی، ج ۳، ص ۲۹۴، ح ۱۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۵، ح ۵۴۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۲ - ۱

۱ اقامه نماز فرمانی است که آدمیان باید بر آن گردن نهند.

و أمرنا لنسلم لرب العلمین. و أن أقیموا الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۵ - ۵

۵ - ادای نماز، واجب است.

و أقم الصلوه إن الصلوه تنهی عن الفحشاء

ذکر حکمت فرمان به نماز، نشان می دهد که امر <أقم> اگرچه مفرد و خطاب به پیامبر است، اما به قرینه این که پیامبر(ص) معصوم بوده است عام است و شامل همه مکلفان می شود. گفتنی است، فراز <و الله يعلم بما تصنعون> مؤید نکته برداشت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۱ - ۵

۵ - وجوب اقامه نماز ، در مکه تشریح شده است .

و أقيموا الصلوه

وجوب نماز ظهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۱۴، ۳

۳ - نماز ظهر ، اولین نماز از نماز های واجب است .

أقم

از اینکه در بیان اوقات نمازهای پنجگانه، ابتدا زوال خورشید مطرح شد، می تواند گویای این حقیقت باشد که اولین نماز واجب، نماز ظهر است.

۱۴- > عن یزید بن خلیفه قال : قلت لأبی عبد الله (ع) . . . إنک قلت : إن أوّل صلاه افترضها الله علی نبیه (ص) الظهر و هو قول الله عزّوجلّ : < أقم الصلاه لدلوک الشمس > . . . قال : صدق ;

.. شما فرموده اید اولین نمازی که خداوند بر پیامبرش واجب کرد، نماز ظهر بود و این همان سخن خداوند است که فرمود: <أقم الصلاه لدلوک الشمس؟> ... حضرت فرمود: راوی راست گفته است.<

وقت فضیلت نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۸،۱۵

۸- مطلوبیت و فضیلت اقامه نماز صبح در اول وقت (طلوع فجر)

و قرءان الفجر

با اینکه وقت نماز صبح نیز موسع است و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب مجال دارد، اضافه شدن نماز به <فجر> اهمیت و فضیلت اول وقت را می رساند.

۱۵- > عن إسحاق بن عمار قال : قلت لأبی عبد الله (ع) : أخبرنی بأفضل المواقیت فی صلاه الفجر ؟ فقال : مع طلوع الفجر ان الله عزّوجلّ یقول : < و قرآن الفجر إن قرآن الفجر کان مشهوداً > یعنی صلاه الفجر تشهده ملائکه اللیل و ملائکه النهار فإذا صلّى العبد الصبح مع طلوع الفجر ثبتت له مرّتين اثبت ها ملائکه اللیل و ملائکه النهار ;

اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: مرا از با فضیلت ترین

اوقات نماز صبح خبر ده، حضرت فرمود: نمازی است که همگام با طلوع فجر باشد. همانا خداوند عزوجل می فرماید: > و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً < مقصود نماز طلوع فجر است که فرشتگان مأمور شب و فرشتگان مأمور روز همگی با هم در آن هنگام حضور دارند و بر آن شهادت می دهند. پس زمانی که بنده نماز صبح را همگام با طلوع فجر به جا می آورد، نماز صبح او دو بار ثبت می شود: یک بار [توسط] فرشتگان مأمور شب و بار دیگر [به وسیله] فرشتگان مأمور روز <.

وقت نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۳ - ۸

۸ نماز را باید در اوقاتی خاص و معین برپا کرد .

ان الصلوه كانت على المؤمنين كتباً موقوتاً

>موقوتاً< از ماده >وقت<، به معنای زمان مشخص و محدود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۷

۷ - بخش نخست شب، زمان مناسب برای عبادت و نماز

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً

یکی از معانی >ناشئه اللیل<، ساعات اول شب است (قاموس المحيط).

وقت نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۶

۶ - برگزاری نماز شب، اختصاص به ساعتی مشخص ندارد .

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ

>ناشئه اللیل<، به معنای هر ساعتی از شب نیز آمده است (قاموس المحيط).

وقت نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۷

۳۷ - > عن علی بن مهزیار

قال : كتب ابوالحسن بن الحصين إلى أبي جعفر الثاني (ع) معى جعلت فداك ، قد اختلفت موالوك فى صلاة الفجر فمنهم من يصلى إذا طلع الفجر الأول المستطيل فى السماء و منهم من يصلى إذا اعترض فى أسفل الأفق و استبان . . . فكتب (ع) بخطه و قرأته : الفجر - يرحمك الله - هو الخيط الأبيض المتعرض ليس هو الأبيض صعداً . . . فقال : كلوا واشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر . . .

على بن مهزيار مى گوید: ابوالحسن بن حصين در نامه اى كه توسط من به امام جواد(ع) فرستاد، نوشت: فدايت شوم، دوستان و شيعیان شما در وقت نماز صبح اختلاف دارند؛ گروهى از آنان، وقتى سپیده اول (فجر كاذب) كه در آسمان كشیده مى شود طلوع نمود، نماز صبح مى خوانند و بعضى نیز وقتى سپیده در پایین افق پخش و آشكار شد نماز مى خوانند. امام (ع) با خط خود نوشت و من آن را خواندم كه فجر همان نوار سفیدی است كه در عرض افق ظاهر مى شود و آن سفیدی كه به طرف بالا مى رود نیست؛ خداوند فرموده: كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۲،۱۴

۲ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب ، از اوقات مقرر شده برای نماز است .

و أقم الصلوه طرفى النهار و زلفاً من الیل

<طرف> به معنای جانب

و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. <زُلف> (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

۱۴ > عن أبي جعفر (ع) [فی حدیث] : . . . و قال تبارك و تعالی : . . . < أقم الصلاة طرفی النهار > و طرفاه صلاة المغرب و الغداه . < و زلفاً من اللیل > فهی صلاة العشاء الآخره . . . ;

از امام باقر(ع) ضمن حدیثی روایت شده است: . . . خداوند تبارک و تعالی فرمود: <أقم الصلاة طرفی النهار> دو طرف آن، نماز مغرب و صبح است. [و فرمود] <زلفاً من اللیل> آن نماز عشاء است...<.

وقت نماز عشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۲،۱۴

۲ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب ، از اوقات مقرر شده برای نماز است .

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلفاً من الیل

<طرف> به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. <زُلف> (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

۱۴ > عن أبي جعفر (ع) [فی حدیث] : . . . و قال تبارك و تعالی : . . . < أقم الصلاة طرفی النهار > و طرفاه صلاة المغرب و الغداه . < و زلفاً من اللیل > فهی صلاة العشاء

الأخره ... ;

از امام باقر(ع) ضمن حدیثی روایت شده است: .. خداوند تبارک و تعالی فرمود: <أقم الصلاه طرفی النهار> دو طرف آن، نماز مغرب و صبح است. [و فرمود] <زلفاً من اللیل> آن نماز عشاء است...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۴

۴- آخرین وقت نماز عشا، نیمه شب است .

إلی غسق اللیل

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <غسق اللیل> چنان که مفسران نیز گفته اند نصف شب باشد.

وقت نماز عصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۲

۲ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب ، از اوقات مقرر شده برای نماز است .

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلفاً من اللیل

<طرف> به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. <زُلف> (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

وقت نماز قضا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ - > عن أبي جعفر (ع) قال : إذا فاتتک صلاه فذکرتها فی وقت أخرى فإن کنت تعلم أنك إذا صلیت التی فاتتک کنت من الأخری فی وقت فابدأ بالتی فاتتک فإنّ الله عزّوجلّ یقول : < أقم الصلاه لذکری > ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هر وقت نمازی از تو فوت

شد و در وقت نماز دیگر آن را به یاد آوردی، اگر می دانی با انجام نماز قضا برای به جا آوردن نماز واجب در وقت خود فرصت باقی می ماند، پس ابتدا نماز قضا را به جا آور، چون خدای عزوجل می فرماید: <أقم الصلاة لذكرك>. (این استفاده فقهی ناظر به این نکته است که لام در <لذكرك> برای توقیت است، در نتیجه معنای آیه این می شود: که <أقم الصلاة وقت تذكیری إياك>».

وقت نماز مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۲،۱۴

۲ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب، از اوقات مقرر شده برای نماز است.

و أقم الصلوة طرفی النهار و زلفاً من الیل

<طرف> به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. <زُلف> (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

۱۴ > عن أبي جعفر (ع) [فی حدیث] : . . . و قال تبارك و تعالی : . . . < أقم الصلاة طرفی النهار > و طرفاه صلاة المغرب و الغداه . < و زلفاً من اللیل > فهی صلاة العشاء الأخره . . . ;

از امام باقر(ع) ضمن حدیثی روایت شده است: . . . خداوند تبارك و تعالی فرمود: <أقم الصلاة طرفی النهار> دو طرف آن، نماز مغرب و صبح است. [و فرمود] <زلفاً من اللیل> آن نماز عشاء است...<.

وقت نماز های مستحبی

جلد -

۲۶ - > عن زراره عن أبي جعفر (ع) ... قال : قلت له : > و أطراف النهار لعلك ترضى < قال : یعنی تطوع بالنهار ;

از زراره نقل شده که گفت به امام باقر(ع) عرض کردم: [این که خدا فرموده: < و سَبِّح >] > و أطراف النهار لعلك ترضى < [مراد چیست؟] فرمود: یعنی در روز، نماز مستحبی بخوان <.

وقت نماز های یومیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۸

۱- فرمان الهی به پیامبر (ص) برای اقامه نمازهایی، از هنگام زوال خورشید تا نیمه شب و نیز در سپیده صبح

أقم الصلوه لدلوك الشمس إلى غسق الیل و قرءان الفجر

>دلوك < به معنای رفتن خورشید به سوی غروب، <غسق > به معنای شدت ظلمت است (مفردات راغب). با توجه به معنای لغوی، برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <لدلوك الشمس > زوال خورشید و <غسق الیل > نیمه شب باشد.

۷- وقت نماز های پنجگانه، موسع (وسعت داده شده) است.

أقم الصلوه لدلوك الشمس إلى غسق الیل و قرءان الفجر

۱۱- > عن زراره قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن هذه الآية > أقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق الليل < قال : دلوك الشمس زوالها عند كبد السماء > إلى غسق الليل < إلى انتصاف الليل فرض الله فيما بينهما أربع صلوات الظهر و العصر و المغرب و العشاء ... و > قرآن الفجر < قال : ركعتا

زراره گوید از امام صادق(ع) از این آیه <أقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق الليل> سؤال کردم، حضرت فرمود: <دلوك الشمس> [یعنی] میل پیدا کردن خورشید از میان آسمان و <إلى غسق الليل> [یعنی] تا نصف شب که خدا میان این دو (ظهر و نصف شب) چهار نماز را واجب کرده است: ظهر، عصر، مغرب و عشا و درباره <قرآن الفجر> [حضرت] فرمود: [آن] دو رکعت نماز صبح است. <..>.

۱۲- <عن أمير المؤمنين (ع) قال: ... دلالة الصلاة ... الشمس يقول الله جلّ وعزّ > أقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق الليل و قرآن الفجر ... < فلا تعرف مواقيت الصلاة إلا بالشمس ... ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که فرمود: راهنمای [وقت] نماز .. خورشید است. خدای عزّوجلّ می فرماید: <أقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق الليل و قرآن الفجر...> پس اوقات نماز شناخته نمی شود مگر به وسیله خورشید...<.

هدایت برپاکنندگان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵ - ۴

۴ - برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان ، هدایت یافتگانند .

يقيمون الصلوه .. أولئك على هدى من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۱

۱ - تنها برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات و اهل یقین به آخرت ، مشمول هدایت ویژه پروردگارِ خویش اند .

الذين يقيمون الصلوه و يؤتون الزكوه و هم بالأخره هم يوقنون . أولئك على هدى من

هماهنگی در نماز جماعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۵ - تقارن و همراهی نماز گزاران در افعال نماز ، از احکام و آداب نماز جماعت است .

و ارکعوا مع الرکعین

از اینکه در بیان فرمان به برپایی نماز جماعت گفته نشده <ارکعوا جماعه> بلکه با کلمه <مع> همراهی را عنوان کرده، برداشت فوق به دست می آید.

نماز جمعه

آداب نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۱۷، ۱۵

۱۵ - < عن علیّ أنّه سئل عن قول الله [تعالی] > یا أيّها الذین آمنوا إذا نودی للصلاه من یوم الجمعة فاسعوا إلی ذکر الله < قال : لیس السعی الإشتداد ;

از امام علی(ع) درباره سخن خداوند تعالی <یا أيّها الذین آمنوا إذا نودی للصلاه من یوم الجمعة فاسعوا إلی ذکر الله> سؤال شد، آن حضرت فرمود: مراد از <سعی> شدت در راه رفتن (دویدن) نیست.

۱۷ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله > یا أيّها الذین آمنوا . . . فاسعوا إلی ذکر الله . . . < قال : اسعوا أي امضوا و یقال : اسعوا اعملوا لها و هو قصّ الشارب و نتف الإبط و تقليم الأظفار و الغسل و لبس أفضل ثیابک و تطیب للجمعه فهو السعی ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند، <فاسعوا إلی ذکر الله..> روایت شده که <اسعوا> به معنای <امضوا> است؛ یعنی، بروید و گفته می شود <اسعوا اعملوا لها>؛ یعنی، بکوشید تا برای آنها اعمالی انجام دهید و آن اعمال کوتاه کردن موی شارب و ازاله مو از زیر بغل، گرفتن ناخن، غسل، پوشیدن

بهترین پیراهن ها و خوشبو کردن برای نماز جمعه است. پس این اعمال سعی است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - < روی عن أنس عن النبي (ص) قال: في قوله: < فإذا قضيت الصلاة فانتشروا... > ليس لطلب دنیا و لكن عیاده مریض و حضور جنازه و زیاره أخ فی الله... >

آنس از رسول خدا(ص) روایت نموده که آن حضرت درباره سخن خداوند <فإذا قضيت الصلاة فانتشروا..> فرموده: [این انتشار و پراکنده شدن در زمین] برای به دست آوردن دنیا نیست؛ بلکه برای عیادت بیماری یا حضور بر جنازه ای و یا زیارت برادری برای خداوند است...<.

احکام نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۲،۷،۱۳

۲ - اذان ، از آداب برپایی نماز جمعه

إذا نودی للصلوة من یوم الجمعة

ندا برای نماز، همان اذان است.

۷ - تعطیل کردن خرید و فروش و هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه می شود ، فرمان الهی به مؤمنان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا . . و ذرُوا البیع

مراد از <ذرُوا البیع> با توجه به دعوت مردم به شرکت در نماز جمعه تنها رها کردن خرید و فروش نیست؛ بلکه ذکر خرید و فروش، از باب ذکر بارزترین مصداقی است که مانع شرکت در نماز جمعه می شود. بر این اساس هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه شود، باید ترک گردد.

۱۳ - خرید و فروش و کسب و کار ، پیش از

اعلام نماز جمعه جایز است .

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعة فاسعوا إلى ذکر الله و ذروا البیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۱

۱ - جواز خرید و فروش ، پس از تمام شدن نماز جمعه

فإذا قضیت الصلوه فانتشروا فی الأرض و ابتغوا من فضل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۴،۵،۶

۴ - ایراد خطبه در نماز جمعه بهوسیله امام جمعه ، از شرایط آن است .

و ترکوک قائماً

۵ - ایستادن در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، از آداب آن است .

و ترکوک قائماً

۶ - لزوم استماع خطبه های نماز جمعه و پرهیز از پرداختن به کار های دیگر

و إذا رأوا .. و ترکوک قائماً

اذان نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۲

۲ - اذان ، از آداب برپایی نماز جمعه

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعة

ندا برای نماز، همان اذان است.

ارزش نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۸

۸ - شرکت در نماز جمعه و پرداختن به ذکر خدا، بسی ارزشمندتر از کسب مال و سایر منافع دنیوی

فاسعوا إلى ذکر الله و ذروا البیع ذلکم خیر لکم

استماع خطبه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۶

۶ - لزوم استماع خطبه های نماز جمعه و پرهیز از پرداختن به کار های دیگر

و إذا رأوا

... و ترکوک قائماً

امامت نماز جمعه در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۳

۳ - اقامه نماز جمعه ، در صدر اسلام و به امامت حضرت رسول اکرم (ص)

و إذا رأوا تجره . . . و ترکوک قائماً

اهمیت استماع خطبه های نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۶

۶ - تلاش و جدیت برای درک خطبه های نماز جمعه و اهمیت دادن به آن ، توصیه خداوند به مؤمنان

فاسعوا إلى ذکر الله

در صورتی که مراد از < ذکر الله > در آیه شریفه خطبه های نماز جمعه باشد؛ براشت بالا استفاده می شود.

اهمیت تلاش برای نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۶

۶ - تلاش و جدیت برای درک خطبه های نماز جمعه و اهمیت دادن به آن ، توصیه خداوند به مؤمنان

فاسعوا إلى ذکر الله

در صورتی که مراد از < ذکر الله > در آیه شریفه خطبه های نماز جمعه باشد؛ براشت بالا استفاده می شود.

اهمیت نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - شرکت در نماز جمعه ، توصیه خداوند به مؤمنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ

۳ - نماز جمعه ، < ذِکْرُ اللَّهِ > است .

فاسعوا إلى ذکر الله

مفسران < ذِکْرُ اللَّهِ > را به دو معنا تفسیر کرده اند: الف) مراد از < ذِکْرُ اللَّهِ > نماز جمعه است ب) مراد از آن خطبه های

نماز جمعه است. برداشت یاد شده بر پایه تفسیر اول است.

۹- فریضه نماز جمعه و رها کردن داد و ستد به هنگام اقامه آن، در جهت تأمین مصالح و منافع خود مؤمنان است.

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعة فاسعوا إلى ذکر الله.. ذلكم خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۷

۷- مأموریت پیامبر (ص) از سوی خداوند، برای بیان جایگاه بلند نماز در پیشگاه الهی

قل ما عند الله خیر من اللهو و من التجره

بیع بعد از نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۱

۱- جواز خرید و فروش، پس از تمام شدن نماز جمعه

فإذا قضیت الصلوه فانتشروا فی الأرض و ابتغوا من فضل الله

بیع هنگام نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۱۶، ۱۳

۱۳- خرید و فروش و کسب و کار، پیش از اعلام نماز جمعه جایز است.

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعة فاسعوا إلى ذکر الله و ذروا البیع

۱۶- > قال رسول الله (ص) حرمت التجاره یوم الجمعة ما بین الأذان الأول إلى الإقامه إلى انصراف الإمام لأن الله یقول: >

یا أيها الذین آمنوا إذا نودی للصلاه من یوم الجمعة فاسعوا إلى ذکر الله و ذروا البیع ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: ما بین اذان اول تا اقامه و انصراف امام از آن، تجارت حرام است؛ زیرا خدای تعالی

می فرماید: یا أيها الذین آمنوا إذا نودی للصلاه من یوم الجمعه فاسعوا إلى ذکر الله و ذروا البیع <.

پاداش نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۸

۸ - ثواب نماز جمعه ، بسی برتر و بالاتر از درآمد های مادی و لذت های دنیوی است .

قل ما عند الله خیر من اللهو و من التجره

ترک بیع هنگام نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۷،۹

۷ - تعطیل کردن خرید و فروش و هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه می شود ، فرمان الهی به مؤمنان

یا أيها الذین ءامنوا .. و ذروا البیع

مراد از <ذروا البیع> با توجه به دعوت مردم به شرکت در نماز جمعه تنها رها کردن خرید و فروش نیست ؛ بلکه ذکر خرید و فروش ، از باب ذکر بارزترین مصداقی است که مانع شرکت در نماز جمعه می شود. بر این اساس هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه شود ، باید ترک گردد.

۹ - فریضه نماز جمعه و رها کردن داد و ستد به هنگام اقامه آن ، در جهت تأمین مصالح و منافع خود مؤمنان است .

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعه فاسعوا إلى ذکر الله .. ذلکم خیر لکم

ترک نماز جمعه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱،۲

۱ - مسلمانان صدر اسلام ، با مشاهده بساط داد و ستد و یا لهو و سرگرمی ، جذب آن می شدند و

مصلّا را ترك و پیامبر (ص) را در حال ایراد خطبه های نماز جمعه، رها می کردند.

و إذا رأوا تجره أو لهواً انفضوا إليها و تركوك قائماً

۲ - نكوهش مسلمانان صدراسلام از سوی خداوند، به خاطر ترك مصلّا برای داد و ستد و یا تماشای لهو و رها کردن پیامبر (ص) در حال ایراد خطبه های نماز جمعه

و إذا رأوا تجره أو لهواً انفضوا إليها و تركوك قائماً

تلاش برای نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۱۷، ۵

۵ - مؤمنان، وظیفه دار جدیت و تلاش برای شرکت در نماز جمعه

فاسعوا إلى ذكر الله

۱۷ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله < يا أيها الذين آمنوا... فاسعوا إلى ذكر الله... > قال: اسعوا أي امضوا و يقال: اسعوا اعملوا لها و هو قصّ الشارب و نتف الإبط و تقليم الأظفار و الغسل و لبس أفضل ثيابك و تطيب للجمعه فهو السعي؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند، <فاسعوا إلى ذكر الله..> روایت شده که <اسعوا> به معنای <امضوا> است؛ یعنی، بروید و گفته می شود <اسعوا اعملوا لها>؛ یعنی، بکوشید تا برای آنها اعمالی انجام دهید و آن اعمال کوتاه کردن موی شارب و ازاله مو از زیر بغل، گرفتن ناخن، غسل، پوشیدن بهترین پیراهن ها و خوشبو کردن برای نماز جمعه است. پس این اعمال سعی است.<

خطبه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲

۴ - ایراد خطبه در نماز جمعه بهوسیله امام جمعه ، از شرایط آن است .

و ترکوک قائماً

خطبه های نماز جمعه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱

۱ - مسلمانان صدراسلام ، با مشاهده بساط داد و ستد و یا لهو و سرگرمی ، جذب آن می شدند و مصلاً را ترک و پیامبر (ص) را در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، رها می کردند .

و إذا رأوا تجره أو لهوا انفضوا إليها و ترکوک قائماً

سرزنش ترک نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۲

۲ - نكوهش مسلمانان صدراسلام از سوی خداوند ، به خاطر ترک مصلاً برای داد و ستد و یا تماشای لهو و رها کردن پیامبر (ص) در حال ایراد خطبه های نماز جمعه

و إذا رأوا تجره أو لهوا انفضوا إليها و ترکوک قائماً

شرایط نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۴

۴ - ایراد خطبه در نماز جمعه بهوسیله امام جمعه ، از شرایط آن است .

و ترکوک قائماً

شرکت در نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۵

۵ - مؤمنان ، وظیفه دار جدیت و تلاش برای شرکت در نماز جمعه

فاسعوا إلى ذکر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - شرکت

در نماز جمعه ، باعث از دست رفتن روزی مردمان نمی شود .

و إذا رأوا تجره .. و الله خير الرزقين

عجله برای نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۱۵، ۱۴

۱۴ - > عن جابر بن يزيد عن أبي جعفر (ع) قال : قلت له قول الله عزوجلّ : > فاسعوا إلى ذكر الله < قال : اعملوا و عجلوا فإنه يوم مضيق على المسلمين فيه ;

جابر بن یزید گوید: به امام باقر(ع) گفتم: مراد از (سخن) خداوند عزوجلّ > فاسعوا إلى ذكر الله < چیست؟ فرمود: اعمال جمعه را با عجله انجام دهید [تا به نماز جمعه برسید] زیرا روز جمعه، [وقت] برای مسلمانان تنگ است [و اعمال مستحبّه زیاد است].<

۱۵ - > عن عليّ أنّه سئل عن قول الله [تعالی] > يا أيّها الذين آمنوا إذا نودى للصلاه من يوم الجمعة فاسعوا إلى ذكر الله < قال : ليس السعي الإشتداد ;

از امام علی(ع) درباره سخن خداوند تعالی > يا أيّها الذين آمنوا إذا نودى للصلاه من يوم الجمعة فاسعوا إلى ذكر الله < سؤال شد، آن حضرت فرمود: مراد از <سعی> شدت در راه رفتن (دویدن) نیست.<

فلسفه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۴

۴ - یاد خداوند ، فلسفه و روح نماز جمعه است .

إذا نودى للصلوه من يوم الجمعة فاسعوا إلى ذكر الله

آمدن تعبیر <ذكر الله> درباره نماز جمعه، می تواند اشاره به حقیقت یاد شده باشد.

قیام هنگام خطبه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۵

۵ - ایستادن در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، از آداب آن است .

و ترکوک قائماً

موانع ترک نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - اعتقاد به رازق بودن خداوند ، ناسازگار با ترک کردن نماز جمعه به منظور کسب روزی

و إذا رأوا تجره .. و الله خير الرزقين

نماز جمعه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۳

۳ - اقامه نماز جمعه ، در صدر اسلام و به امامت حضرت رسول اکرم (ص)

و إذا رأوا تجره .. و ترکوک قائماً

نماز شب

{نماز شب}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۱۱، ۱۰، ۹

۹ نماز خواندن در سحرگاهان ، از اوصاف متقین

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. و المستغفرين بالاسحار

امام صادق (ع) درباره <و المستغفرين بالاسحار> فرمود: المصلين وقت السحر.

مجمع البيان، ج ۲، ص ۷۱۴؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۳۲۱، ح ۶۰.

۱۰ کسی که یک سال در نماز وتر، هفتاد بار <استغفر الله ربّي و اتوب اليه> بگوید، از مستغفرين در سحرگاهان است.

و المستغفرين بالاسحار

امام صادق (ع): ... من قال في وتره اذا اوتر <استغفر الله ربّي و اتوب اليه> سبعين مره و واظب على ذلك حتى تمضى له سنه، كتبه الله عنده من المستغفرين بالاسحار.

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۰۹، ح ۴؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۳۲۱،

ح ۶۲؛ خصال صدوق، ج ۲، ص ۵۸۱، ح ۳، باب السبعین.

۱۱ کسی که چهل شب در آخر قنوت نماز وتر صد بار < استغفر الله و اتوب اليه > بگوید، از مستغفرین در سحر است.

و المستغفرین بالاسحار

امام صادق (ع): من قال اخر قنوته فی الوتر < استغفر الله و اتوب اليه > مأه مَرّه اربعین ليله كتبه الله من المستغفرین بالاسحار.

بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۲۲۴، ح ۳۵؛ از جنّه الامان.

آثار نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۵ - ۱۵

۱۵ اطعام مردم و نماز شب، موجب برگزیده شدن ابراهیم (ع) به عنوان خلیل، از سوی خداوند

و اتخذ الله إبرهیم خلیلا

رسول خدا(ص): ما اتخذ الله ابراهیم خلیلا الا لاطعامه الطعام و صلوته باللیل و الناس نیام.

علل الشرایع، ص ۳۵، ح ۴، ب ۳۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۵، ح ۵۸۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۱۵

۱۵ > عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله عزوجل : < إن الحسنات یذهبن السيئات > قال : صلاه المؤمن باللیل تذهب بما عمل

من ذنب بالنهار؛

از امام صادق (ع) در باره سخن خدا که فرموده: < إن الحسنات یذهبن السيئات > روایت شده است که فرمود: نماز مؤمن در

شب هر گناهی را که در روز انجام داده از بین می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳- مقام ارجمند حاصل آمده از نماز شب ، جایگاهی

مورد ستایش و تمجید همگان

عسی أن یبعثک ربک مقامًا محمودًا

به صورت مطلق آورده شدن <مقامًا محمودًا> می تواند مشعر به این باشد که: مقام محمود، جایگاهی است مورد تمجید همه خلایق.

آداب نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۹

۹- لزوم درخواست توفیق و خلوص و صداقت کامل از خداوند در نوافل شب

و من الیل فتهجد به .. و قل رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق

از اینکه خداوند، در پی توصیه پیامبر(ص) به تهجد، از او خواسته است که برای اخلاص در هر کاری به درگاه او دعا کند، می تواند مشعر به معنای فوق باشد.

احکام نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۲

۲- نماز شب ، تکلیفی واجب بر پیامبر (ص) علاوه بر سایر واجبات

و من الیل فتهجد به نافله لک

با توجه به معنای لغوی <نافله> که به معنای زیادت بر واجب است؛ (مفردات راغب) و نیز لام اختصاص <لک> نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۶

۶- برگزاری نماز شب ، اختصاص به ساعتی مشخص ندارد .

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ

<ناشئه الليل>، به معنای هر ساعتی از شب نیز آمده است (قاموس المحيط).

اخلاص در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۲

۲ - ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر

و ریشه دارتر، دو امتیاز برجسته نماز و عبادت شبانه

هی اشدّ وطاً و أقوم قیلاً

ضمیر <هی> به <ناشئه> بازمی گردد. <اشدّ> معادل <أثبت> (با ثبات تر، استوارتر) و <وطیء> مرادف <قیام> (ایستادن) است (لسان العرب). <أقوم> نیز به معنای <أسد> (محکم تر) و <قیلاً> همتای <مقال> (سخن گفتن) است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

ارزش نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۷

۷ نماز، بهترین عبادت در سحرگاهان و ارزشمندترین عمل در شب زنده داری

و الذین یبیتون لربهم سجّداً و قیماً

برداشت فوق، از اختصاص به ذکر یافتن نماز از میان دیگر اعمال عبادی به دست می آید.

اهمیت نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲۲

۲۲ - > عن زراره عن أبي جعفر (ع) قال: قلت له: < آناء اللیل ساجداً و قائماً . . . > قال: یعنی صلاه اللیل . . . ;

زراره می گوید: از امام باقر(ع) پرسیدم: مراد از <آناء اللیل ساجداً و قائماً> چیست؟ فرمود: مراد نماز شب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۷ - ۲۲

۲۲ - > عن أبي الحسن (ع) في قوله عز وجل: < و رهبانیه ابتدعوها ما كتبناها عليهم إلا ابتغاء رضوان الله > قال: صلاه

اللیل ;

از امام رضا(ع) درباره سخن خداوند عزوجل

که فرموده: <..إلا ابتغاء رضوان الله> روایت شده که مراد نماز شب است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۱۰

۱۰ - < عن أبي جعفر و أبي عبدالله (عليهما السلام) إنهما قالَا : هي القيامُ في آخر الليل إلى صلاة الليل ;

از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت شده که فرموده اند: [مراد از] آن [<ناشئه الليل>] برخاستن در آخر شب برای نماز شب است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۲، ۱۳

۱۲ - نماز و خواندن قرآن ، از بهترین اعمال مراسم در شب زنده داری و عبادت شبانه

تقوم أدنی من ثلثی الیل .. فاقراءوا ما تیسر من القرآن

۱۳ - شب هنگام ، زمان مناسب برای نماز و قرائت قرآن

تقوم أدنی من ثلثی الیل .. فاقراءوا ما تیسر من القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۵ - ۶

۶ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مینی بر اقامه نماز در سپیده دم و پسین گاه

و اذکر اسم ربک بکره و أصیلاً

مقصود از ذکر در این آیه بنا بر نظر مفسران ممکن است نماز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۱۲، ۱۳، ۲۷

۲ - اقامه نماز در پاره ای از شب ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و من الّیل فاسجد له

مقصود از <سجده> چنان که مفسران گفته اند ممکن است نماز باشد.

۷ - فرمان خداوند به پیامبر

(ص) مبنی بر گزاردن نماز شب

و سَبَّحَهُ لَيْلاً طَوِيلًا

یکی از معانی <تسبیح>، نماز است (قاموس المحيط و لسان العرب). بر این اساس مقصود از آن در این آیه، ممکن است نماز شب باشد.

۱۲ - > روی عن الرضا (ع) أنه سأله احمد بن محمد عن هذه الآية و قال : ما ذلك التسبيح ، قال : صلاة الليل ؛

از ایشان روایت شده است که احمد بن محمد [بزنطی] درباره آیه <و من اللیل فاسجد له و سبَّحَهُ لَيْلاً طَوِيلًا> سؤال کرد و گفت: این تسبیح چیست؟ آن حضرت فرمود: نماز شب است.<

۱۳ - > و عنه (ع) أنه قال في قوله عزَّوجلَّ > و من اللیل فاسجد له و سَبَّحَهُ لَيْلاً طَوِيلًا < قال : أمره أن يصلي في ساعات من اللیل ففعل (ص) ... ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که آن حضرت درباره سخن خدای عزَّوجلَّ <و من اللیل فاسجد له و سَبَّحَهُ لَيْلاً طَوِيلًا> فرمود: خداوند به [رسولش] دستور داده که در ساعاتی از شب، نماز گزارد. سپس آن حضرت این مأموریت را انجام داد...<

تلاوت قرآن در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۴ - ۵

۵ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر قرائت قرآن با تأنی و شمرده شمرده در نماز های نیمه شب

قم الیل . . و رتل القرآن ترتیلاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که چون آیه به دنبال توصیه به نماز شب آمده است، اشاره دارد به قرائت قرآن در حین نماز؛

زیرا قرائت قرآن از ارکان نماز است.

توصیه به نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۵

۵ تهجد (شب زنده داری همراه با اقامه نماز) ، مورد تشویق و توصیه خدا است .

و الذین یبیتون لربهم سجّداً و قیّماً

دعا در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۷،۹

۷- درخواست توفیق از خداوند در نوافل و نماز شب ، برای ورود در کارها به صدق و راستی و خروج از آن به راستی و درستی ، امری مطلوب و پسندیده است .

و من الّیل فتهجّد به نافله لک .. و قل ربّ ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق

۹- لزوم درخواست توفیق و خلوص و صداقت کامل از خداوند در نوافل شب

و من الّیل فتهجّد به .. و قل ربّ ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق

از اینکه خداوند، در پی توصیه پیامبر(ص) به تهجد، از او خواسته است که برای اخلاص در هر کاری به درگاه او دعا کند، می تواند مشعر به معنای فوق باشد.

زمینه نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۶

۶ اعتقاد به ربوبیت خداوند ، مقتضی شب زنده داری و عبادت و نماز برای او است .

و الذین یبیتون لربهم سجّداً و قیّماً

آمدن قید <لربهم> و یاد ربوبیت خدا، به جای دیگر اوصاف او همچون رحمان، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

صداقت در نماز شب

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۲

۲ - ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر ، دو امتیاز برجسته نماز و عبادت شبانه

هی اشد و طًا و أقوم قیلاً

ضمیر <هی> به <ناشئه> بازمی گردد. <أشد> معادل <أثبت> (با ثبات تر، استوارتر) و <وطیء> مرادف <قیام> (ایستادن) است (لسان العرب). <أقوم> نیز به معنای <أسد> (محکم تر) و <قیلاً> همتای <مقال> (سخن گفتن) است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

فضیلت نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۳،۲

۲ - ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر ، دو امتیاز برجسته نماز و عبادت شبانه

هی اشد و طًا و أقوم قیلاً

ضمیر <هی> به <ناشئه> بازمی گردد. <أشد> معادل <أثبت> (با ثبات تر، استوارتر) و <وطیء> مرادف <قیام> (ایستادن) است (لسان العرب). <أقوم> نیز به معنای <أسد> (محکم تر) و <قیلاً> همتای <مقال> (سخن گفتن) است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

۳ - نماز شب ، پدیده ای بس ارزشمند و والا در پیشگاه خداوند

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ

در صورتی که اضافه <ناشئه اللیل> ظرفیه باشد؛ مقصود از پدیده، عبادت شبانه بوده و معنای <إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ> چنین خواهد بود: <به>

راستی پدیده ای (عبادتی) که در شب واقع می شود. >.. گفتنی است که آیه شریفه در مقام تمجید و ستایش از عبادت شبانه است.

قرآن در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۴

۴- اهمیت قرائت قرآن ، در نماز شب

و قرءان الفجر . . و من الیل فتهجد به نافله لک

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <قرآن>، نماز مشتمل بر قرائت قرآن باشد.

قیام در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۲

۲ - ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر ، دو امتیاز برجسته نماز و عبادت شبانه

هی أشد وطأ و أقوم قیلاً

ضمیر <هی> به <ناشئه> بازمی گردد. <أشد> معادل <أثبت> (با ثبات تر، استوارتر) و <وطیء> مرادف <قیام> (ایستادن) است (لسان العرب). <أقوم> نیز به معنای <أسد> (محکم تر) و <قیلاً> همتای <مقال> (سخن گفتن) است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

نماز شب در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۷

۷ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، در آغاز بعثت مدتی چند به شب زنده داری به میزان دوسوم یا نصف و یا یک سوم از شب

موظف شده بودند .

و طائفه من الذين معك .. علم أن لن

۱۱ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظف به نماز در پاسی از شب به میزان میسور و ممکن

تقوم أدنی من ثلثی الیل .. فاقراءوا ما تیسر من القرآن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از قرائت قرآن، نماز باشد؛ زیرا خواندن قرآن از اجزای مهم نماز است. گفتنی است چون جمله های پیش درباره نماز شب بود، می تواند قرینه بر مطلب یاد شده باشد.

نماز شب محمد(ص)

۱- فرمان الهی به پیامبر (ص) در مورد بیدار شدن در بخشی از شب ، برای اقامه نافله شب

و من الیل فتهجد به نافله لك

۲- نماز شب ، تکلیفی واجب بر پیامبر (ص) علاوه بر سایر واجبات

و من الیل فتهجد به نافله لك

با توجه به معنای لغوی <نافله> که به معنای زیادت بر واجب است؛ (مفردات راغب) و نیز لام اختصاص <لك> نکته یاد شده قابل استفاده است.

۱۸- > عن عمار الساباطی قال : کنا جلوساً عند أبي عبدالله (ع) بمنی فقال له رجل : ما تقول فی النوافل ؟ فقال : فریضه قال : ففرعنا و فرع الرجل ، فقال : أبو عبدالله (ع) : إنما أعنی صلاه اللیل علی رسول الله (ص) ان الله یقول : > و من اللیل فتهجد نافله لك < ;

عمار ساباطی گوید: در منی نزد امام صادق(ع) نشسته

بودیم، شخصی به حضرت گفت: در باره نافله ها چه می گوئید؟ حضرت فرمود: واجب هستند. راوی گوید: ما و آن مرد سؤال کننده برآشفتم، پس حضرت فرمود: منظور من نماز شب است که بر رسول خدا واجب بود. همانا خداوند می فرماید: و من اللیل فتهجد به نافله لک >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲ - ۶

۶ - > عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر (ع) قال: سألته عن قول الله: < قم الليل إلا قليلاً > قال: أمره الله أن يصلي كلَّ ليله إلا أن يأتي عليه ليلة في الليالي لا يصلي فيها شيئاً ;

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <قم الليل إلا قليلاً> سؤال کردم، فرمود: خداوند به او (رسول الله) دستور داده که هر شب نماز [شب] بخواند؛ مگر این که شبی از شب ها بیاید که در آن نتواند نمازی بخواند >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۷

۷ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر گزاردن نماز شب

و سَبَّحَهُ لَيْلاً طَوِيلاً

یکی از معانی <تسبیح>، نماز است (قاموس المحيط و لسان العرب). بر این اساس مقصود از آن در این آیه، ممکن است نماز شب باشد.

نماز شب مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظف به نماز در پاسی از شب به میزان میسور و ممکن

تقوم أدنی من ثلثی

الَّيْل . . فاقْرءوا ما تيسر من القرآن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از قرائت قرآن، نماز باشد؛ زیرا خواندن قرآن از اجزای مهم نماز است. گفتنی است چون جمله های پیش درباره نماز شب بود، می تواند قرینه بر مطلب یاد شده باشد.

نماز شب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۵۰

۵۰- > سأله [الصادق (ع)] عبدالله بن سنان ، عن قول الله عزوجل > سيماهم في وجوههم من أثر السجود < قال : هو السَّهْر في الصلاة ;

عبدالله بن سنان از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجل > سيماهم في وجوههم من أثر السجود < پرسید، آن حضرت فرمود: منظور [اثر] شب زنده داری با نماز است <.

وقت نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۶

۶- برگزاری نماز شب ، اختصاص به ساعتی مشخص ندارد .

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ

>ناشئه الليل<، به معنای هر ساعتی از شب نیز آمده است (قاموس المحيط).

نماز گزاران

{نماز گزاران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۱۹

۱۹ وجود عبادت کنندگان خدا و نماز گزارانی غیر از حضرت مریم ، در عصر آن حضرت

و اركعى مع الزاكعين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٧ - فتح - ٤٨ - ٢٩ - ٢٨

٢٨- اصحاب پیامبر (ص) ، اهل نماز و سجده های بسیار

و الذين معه .. سيماهم فى وجوههم من أثر السجود

پاداش نمازگزاران جمعه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۹

۹ - ثواب نماز جمعه ، برای برپادارندگان آن ، در نزد خداوند محفوظ است .

قل ما عند الله خیر

تربیت نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱۵

۱۵ تربیت انسان های مؤمن به غیب ، پایبند به نماز و انفاق گر ، از اهداف قرآن

ذلك الكتب .. هدى للمتقين. الذين يؤمنون ... و مما رزقنهم ینفقون

تکذیبگری نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۴ - ۲

۲ - برخی از نماز گزاران ، کیفر های الهی را باور نداشته و هشدار به آن را دروغ می دانند .

أرءیت الذی یکذب بالذین .. فویل للمصلین

<فء> در <فویل> برای تفریع است و دلالت دارد که مراد از <مصلین> (در این آیه)، همان کسانی اند که در آغاز سوره، به <تکذیب کنندگان جزا> توصیف شده اند.

حسن فرجام نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ فرجام نیک از آن صبرپیشگان ، برپادارندگان نماز ، انفاق گران و جبران کنندگان اعمال بد با اعمال شایسته است .

والذين صبروا .. ويدرءون بالحسنه السيئه أولئك لهم عقبى الدار

حق پذيرى نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۹

۹ - خداترسان و نماز گزاران ، بيشتراز ديگران ، حق پذيراند .

إنما تنذر الذين يخشون ربهم بالغيب و أقاموا الصلوه

رستگارى نماز گزاران

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۵ - ۷

۷ - نماز گزاران ، در صورتی رستگارانند که از تزکیه و یاد خدا برخوردار باشند .

قد أفلح من تزكى . و ذکر اسم ربّه فصلی

رفعت خانه نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۴

۴ - به اذن خدا خانه مردمان تسبیح گو ، ذاکر ، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای مجد و عظمت است .

فی بیوت أذن الله أن ترفع و يذكر فيها اسمه يسبح له فيها .. رجال لاتلهيهم تجر

روزی نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، نماز به پا می دارند ، زکات می پردازند و از قیامت می ترسند ، از روزی فراوان و بی شمار برخوردارند .

رجال لاتلهيهم تجره و لا يعب عن ذكر الله .. ليجزيهن الله أحسن ما عملوا و يزيد

<حساب> به معنای شمارش است و <بغير حساب> (بی شمارش) می تواند کنایه از کثرت و فراوانی باشد.

روزی نماز گزاران جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، روزی برپاداران نماز جمعه را تضمین کرده است .

قل ما عند الله خير .. و الله خير الرزقين

زمینه تبلیغ در نمازگزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۲ - ۳

۳ - نمازگزاران ، دارای زمینه ای مساعد برای

ترغیب دیگران به تقوا

إذا صَلَّى . أَرءَيْتَ إِنْ ... أَمْرٌ بِالتَّقْوَى

زمینه هدایت نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱ - ۸

۸ - احتمال دست یابی نماز گزاران به هدایت ، نهی او را از نماز ، شگفت آورتر و نکوهیده تر می سازد .

أَرءَيْتَ الَّذِي يَنْهَى . عَبْدًا إِذَا صَلَّى . أَرءَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهَدَى

سرزنش نماز گزاران بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۶

۶ - مضایقه کردن نماز گزاران غافل و ریاکار ، از عاریه دادن لوازم زندگی خود به نیازمندان ، نکوهیده تر از یتیم آزاری و بی توجهی به فقیران است .

الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ . . . وَ لَا يَحْضُرُ . . . فَوَيْلٌ لِلْمَصْلِينَ . الَّذِينَ . . . وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

با آن که تعبیر <فویل للمصلین>، ادامه بیان اوصاف کسانی است که جزای الهی را تکذیب کردند؛ ولی حرف <فاء> و تغییر سیاق، نشانگر تفاوت درجه آن با دو وصف قبل است. بنابراین وصفی که در این آیه، از ویژگی های همان <مصلین> شمرده شده است، نارواتر از اوصافی است که در آیه دوم و سوم آمده بود.

شخصیت نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۵

۵ - مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، حق دستور دادن به نماز گزاران هدایت پیشه و ترویج کننده تقوا را ندارند .

يَنْهَى . عَبْدًا إِذَا صَلَّى . . . كَذَّبَ وَ تَوَلَّى . . . كَلَّا لَا تَطْعَهُ

شگفتی نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱

۸ - احتمال دست یابی نماز گزاران به هدایت ، نهی او را از نماز ، شگفت آورتر و نکوهیده تر می سازد .

أرءیت الذی ینهی . عبداً إذا صلّى . أرءیت إن کان علی الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۲ - ۷

۷ - احتمال تلاش نماز گزار برای تبلیغ تقوا ، نهی او را از نماز ، شگفت آورتر و نکوهیده تر می سازد .

أرءیت الذی ینهی . عبداً إذا صلّى . أرءیت إن ... أمر بالتقوی

طغیانگران و نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱ - ۶

۶ - طغیان گران ، بی اعتنا به هدایت یافته بودن نماز گزاران و گرفتار احساس بی نیازی از رهنمود های آنان

لیطغی . أن رءاه استغنی ... أرءیت إن کان علی الهدی

عذاب نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۴ - ۱

۱ - برخی از نماز گزاران ، گرفتار نفرین خداوند و سزاوار عذاب و هلاکت اند .

فویل للمصلین

<ویل> که در اصل به معنای عذاب و هلاکت است کلمه ای است که برای تهدید به عذاب به کار می رود. (لسان العرب) این کلمه نام درّه، یا چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن است (قاموس). مبتدا قرار گرفتن آن با آن که نکره است نشان می دهد که در معنای نفرین به کار رفته است.

فضایل نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲

۱۳ اهمیت والای نماز و زکات و عنایت ویژه الهی نسبت به اقامه کنندگان نماز

و المقیمین الصلوه و المؤتون الزکوه

منسوب آوردن <المقیمین> به تقدیر <امدح> و <اخص> برای تأکید بیشتر به اهمیت نماز و عنایت خاص خداوند به اقامه کنندگان آن است و ذکر زکات در بین دیگر عبادتها و واجبات، حکایت از اهمیت ویژه آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۲ - ۱،۲،۳

۱ - نماز گزاران ، مصون از خصلت حرص و آزمندی

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلَقَ هَلُوعًا .. إِلَّا الْمَصْلِينَ

۲ - نماز گزاران ، مبرا از ناشکیبایی در برابر شرور و بدی ها

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا .. إِلَّا الْمَصْلِينَ

۳ - نماز گزاران ، منزّه از بخلورزی و امساک از رساندن خیر و خوبی به دیگران

و إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا . إِلَّا الْمَصْلِينَ

قدرت نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ، گرچه گروهی منسجم باشند ، از مانع شدن نماز گزاران ناتوان اند .

کَلَّا

حرف <کَلَّا> برای ردع و منع است و در آیه شریفه تکذیب گران دین را، از پندار موفقیت در باز داشتن مردم از نماز منع می کند.

مصونیت نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۲ - ۱،۲،۳

۱ - نماز گزاران ، مصون از خصلت حرص و آزمندی

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلَقَ هَلُوعًا .. إِلَّا الْمُصَلِّينَ

۲ - نماز گزاران ، مبرا از ناشکیبایی در برابر شرور و بدی ها

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا .. إِلَّا الْمُصَلِّينَ

۳ - نماز گزاران ، منزه از بخلورزی

و امساک از رساندن خیر و خوبی به دیگران

و إذا مسه الخیر منوعاً . إلا المصلین

مقامات نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۰

۲۰ - طواف کنندگان ، عبادت کنندگان و نماز گزاران در خانه خدا ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الركع السجود

از اینکه پیامبرانی بزرگ، همچون ابراهیم و اسماعیل (ع) مأمور به تطهیر خانه خدا برای طواف کنندگان و ... بودند، ارجمندی طواف کنندگان و ... در پیشگاه خدا به دست می آید.

نشانه های نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۳ - ۱

۱ - پابندی به نماز و انجام دادن دائمی آن ، از نشانه های نماز گزاران حقیقی است .

إلا المصلین . الذین هم علی صلاتهم دائمون

نفرین بر نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۴ - ۱

۱ - برخی از نماز گزاران ، گرفتار نفرین خداوند و سزاوار عذاب و هلاکت اند .

فویل للمصلین

<فویل> که در اصل به معنای عذاب و هلاکت است کلمه ای است که برای تهدید به عذاب به کار می رود. (لسان العرب) این کلمه نام درّه، یا چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن است (قاموس). مبتدا قرار گرفتن آن با آن که نکره است

نشان می دهد که در معنای نفرین به کار رفته است.

نفرین بر نمازگزاران بی ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷

۴ - نماز گزاران بی اعتقاد به معاد ، مورد نفرین خداوند

أرءیت الذی یکذب بالذین .. فویل للمصلین

نماز گزاران در یاد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۵ - ۱۶

۱۶ - > عن أبي جعفر (ع) فی قوله < و لذكر الله أكبر > يقول : ذکر الله لأهل الصلاة أكبر من ذکرهم إياه ... /

از امام باقر(ع) درباره این سخن خداوند <و لذكر الله أكبر> روایت شده که فرمود: <یاد کردن خداوند نماز گزاران را، بزرگ تر است از یاد کردن نماز گزاران خداوند را..>.

نماز گزاران و انذارهای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۷

۷ - انذار ها و اخطار های پیامبر (ص) ، تنها در خدا ترسان و بر پادارندگان نماز مؤثر بوده است .

إنما تنذر الذین یخشون ربهم بالغیب و أقاموا الصلوه

نماز گزاران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۰

۱۰ یهودیان پادارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لكن الرسخون .. و المقیمین الصلوه و المؤتون الزکوه

گفتنی است که <المقیمین> به وسیله فعلی همانند <امدح> و یا <اخص> منصوب شده و در اصل چنین بوده <و المقیمون الصلوه اخصهم و امدحهم> که بنابر قواعد ادبی المقیمون و فعل اخص و امدح حذف شده است و ضمیر در

<امدحهم> به صورت اسم ظاهر در آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۴

۴ گروهی از یهودیان نسل های پیشین ، بر خلاف دنیاگرایان ایشان ، به محتوای تورات و میثاق های آن پایبند بودند و نماز را به پا داشتند .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه

هدایت نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۵

۵ - مردمان تسبیح گو ، ذاکر ، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، از هدایت خاص خداوند به نور خویش برخوردارند .

یهدی الله لنوره من یشاء . . . فی بیوت اذن الله ... یسبح له فیها ... رجال لاتله

هشدار به نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۵ - ۱۵

۱۵ - هشدار خداوند ، به نماز گزاران درباره ادای کامل آن

و أقم الصلوه . . . و الله یعلم ما تصنعون

فراز <و الله یعلم..> پس از فرمان به نماز با ماده <اقامه> که به معنای ادای کامل است به نکته یاد شده، اشعار دارد.

نمرود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نمرود

احتجاج نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ محاجّه و ستیز نمود (شاه بابل) با ابراهیم (ع) ، درباره ربوبیت الهی

الم تر الى الذی حاجّ ابرهیم فی ربّه ان اتیه الله الملك

کلمه < حاجّ > از مصدر محاجّه به معنای ارائه برهان و دلیل است در مقابل حجّت و دلیل خصم و خالی از معنای مخاصمه و مجادله نیست. بنابراینچه مورّخین نوشته اند و نیز روایات دلالت دارد، پادشاه

معاصر حضرت ابراهیم (ع)، نمرود (از سلاطین بابل) بوده است.

۴ دعوت خداوند به دقت در محاجّه نمرود با ابراهیم (ع)

الم تر الى الذی حاجّ ابرهیم

سلطنت نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۱،۲،۲۵

۱ محاجّه و ستیز نمرود (شاه بابل) با ابراهیم (ع)، درباره ربوبیت الهی

الم تر الى الذی حاجّ ابرهیم فی ربّه ان اتیه الله الملك

کلمه <حاجّ> از مصدر محاجّه به معنای ارائه برهان و دلیل است در مقابل حجّت و دلیل خصم و خالی از معنای مخاصمه و مجادله نیست. بنابراین آنچه مورّخین نوشته اند و نیز روایات دلالت دارد، پادشاه معاصر حضرت ابراهیم (ع)، نمرود (از سلاطین بابل) بوده است.

۲ پادشاهی، سلطنت و قدرت نمرود، داده ای از جانب خداوند

ان اتیه الله الملك

۲۵ پادشاه عصر ابراهیم (ع) (نمرود)، حاکمی کافر و ستمگر

فبهت الذی کفر و الله لا یهدی القوم الظالمین

طغیان نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۶

۶ قدرتمداری نمرود، زمینه ساز غرور، کفر و طغیانگری وی

الم تر الى .. ان اتیه الله الملك

بنابراینکه جمله <ان اتیه ..>، بیان علت محاجّه باشد، یعنی چون ملک و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

ظلم نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۲۵

۲۵ پادشاه عصر ابراهیم (ع) (نمرود)، حاکمی کافر و ستمگر

فبہت الذی کفر

و الله لا يهدي القوم الظالمين

غرور نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۶،۷

۶ قدرتمداری نمرود، زمینه ساز غرور، کفر و طغیانگری وی

الم تر الى .. ان اتيه الله الملك

بنابراینکه جمله <ان اتیه .. >، بیان علتّ محاجّه باشد؛ یعنی چون ملک و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

۷ قدرتمداری، زمینه ساز غرور و کفر در برابر ربوبیت الهی

الم تر الى الذى .. ان اتيه الله الملك

چنانچه جمله <ان اتیه .. >، بیان علتّ کفر و غرور نمرود باشد، می توان از آن یک نتیجه کلی به دست آورد که قدرت و سلطنت، زمینه ساز غرور، کفر و ... است.

قدرت نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۶،۷

۶ قدرتمداری نمرود، زمینه ساز غرور، کفر و طغیانگری وی

الم تر الى .. ان اتيه الله الملك

بنابراینکه جمله <ان اتیه .. >، بیان علتّ محاجّه باشد؛ یعنی چون ملک و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

۷ قدرتمداری، زمینه ساز غرور و کفر در برابر ربوبیت الهی

الم تر الى الذى .. ان اتيه الله الملك

چنانچه جمله <ان اتیه .. >، بیان علتّ کفر و غرور نمرود باشد، می توان از آن یک نتیجه کلی به دست آورد که قدرت و سلطنت، زمینه ساز غرور، کفر و ... است.

قصه نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۵

۵ داستان

ابراهیم (ع) و نمرود و قصه غزیر و یا ارمیای پیامبر و زنده شدن مرغان کوبیده شده و نیز تمامی احکام و مقررات انفاق ، از آیات الهی است .

الم تر .. او کالذی مرّ ... فخذ اربعه من الطیر ... مثل الذین ... کذلک یتین ال

کفر نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۶،۷،۲۵

۶ قدرتمداری نمرود ، زمینه ساز غرور ، کفر و طغیانگری وی

الم تر الی .. ان اتیه الله الملك

بنابراینکه جمله <ان اتیه .. >، بیان علت محاجه باشد؛ یعنی چون ملک و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

۷ قدرتمداری ، زمینه ساز غرور و کفر در برابر ربوبیت الهی

الم تر الی الذی .. ان اتیه الله الملك

چنانچه جمله <ان اتیه .. >، بیان علت کفر و غرور نمرود باشد، می توان از آن یک نتیجه کلی به دست آورد که قدرت و سلطنت، زمینه ساز غرور، کفر و ... است.

۲۵ پادشاه عصر ابراهیم (ع) (نمرود) ، حاکمی کافر و ستمگر

فبهِت الذی کفر و الله لا یهدی القوم الظالمین

گمراهی نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۸

۸ نمرود ، نمونه ای از منحرفان راه رشد ، محرومان از ولایت الهی ، روندگان از نور به ظلمت و جاودان در آتش

قد تبین الرشد .. الله ولی الذین ... الم تر الی الذی حاج ابرهیم

خداوند پس از بیان ایمان و کفر (ولایت <الله> و <طاغوت> در

آیات پیشین) برای نشان دادن نمونه خارجی، داستان ابراهیم (ع) و نمرود را بیان کرده که ابراهیم (ع) نمونه ای از ایمان و نمرود، نمونه ای از کفر است.

مغالطه نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۱۳،۲۲

۱۳ ادعای مغالطه آمیز نمرود، بر اینکه مرگ و زندگی به دست اوست .

قال انا احيى و اميت

از اینکه ابراهیم (ع) در برابر پاسخ نمرود (انا احيى ..)، استدلالی دیگر مطرح کرد (فان الله ...)، معلوم می شود احیاء و اماتة ای را که نمرود مدعی بود، با مغالطه به اطرافیان خویش که در کی از واقعیت حیات و مرگ نداشتند، باوراند. (چنانچه در روایات آمده است که دستور به کشتن فردی و آزادی محکوم به مرگی را داد).

۲۲ کفر و عناد نمرود و مغالطه وی با ابراهیم (ع)

ربى الذى يحيى و يميت قال انا احيى و اميت

حضرت ابراهیم (ع) از <احیاء> و <اماتة> معنی حقیقتش را اراده کرده بود، در حالی که مراد نمرود، معنای مجازی آن بود.

نوجوانان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نوجوانان

احترام به نوجوانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۸

۸ - لزوم مشورت و نظرخواهی با نوجوانان، درباره مسائل مربوط به ایشان و نیز شخصیت دادن به آنان و احترام به نظرات آنها

أنى أذبحك فانظر ماذا ترى

اهمیت مشاوره با نوجوانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۸

۸ - لزوم مشورت و نظرخواهی با نوجوانان ، درباره مسائل مربوط

به ایشان و نیز شخصیت دادن به آنان و احترام به نظرات آنها

أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى

بی گناهی نوجوانان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۵

۵- موسی (ع) نوجوان مقتول را، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی، به شدت مورد اعتراض قرار داد.

قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نَكِرًا

<زکاه> به معنای <طهارت> و <صلاح> و <نمو> و <برکت> و <مدح> آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از <زکیه>، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

حفظ شخصیت نوجوانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۸

۸- لزوم مشورت و نظرخواهی با نوجوانان، درباره مسائل مربوط به ایشان و نیز شخصیت دادن به آنان و احترام به نظرات آنها

أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى

روش برخورد با نوجوانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۸

۸- لزوم مشورت و نظرخواهی با نوجوانان، درباره مسائل مربوط به ایشان و نیز شخصیت دادن به آنان و احترام به نظرات آنها

أَنْتِي أَذْبَحُكَ فَانظُرِ مَاذَا تَرِي

نوجوانی

حلم در نوجوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۷

۷ - حلم و بردباری ، از اوصاف برجسته و ارزشمند برای نوجوانان

فَبَشِّرْهُ بِغُلْمٍ حَلِيمٍ

صبر در نوجوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ -

۲۵ - صبر و شکیبایی در دوران نوجوانی ، امری بس ارزشمند و سرنوشت ساز برای نوجوانان

فَبَشِّرْهُ بِغَلْمٍ حَلِيمٍ .. سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

گرایشها در نوجوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۴

۴ - انسان ، در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی (کودکی ، نوجوانی ، جوانی ، میان سالی و پیری) ، دارای روحیه و گرایشی متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب .. و تکاثر فی الأموال و الأولاد

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که هر یک از خصلت های پنجگانه یاد شده در آیه شریفه، به ترتیب بیانگر یکی از مراحل زندگی انسان باشد.

لهو در نوجوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۶

۶ - لهو و اشتغال به کار های سرگرم کننده ، اقتضای دوران نوجوانی است .

انّما الحیوه الدنیا .. و لهو

نوجوانی اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۵

۵ - بشارت خداوند به ابراهیم (ع) ، به مشاهده دوران نوجوانی فرزندش (اسماعیل)

فَبَشِّرْهُ بِغَلْمٍ

بشارت خداوند به فرزندی در سنین نوجوانی، گویای این حقیقت است که حضرت ابراهیم(ع) این فرزند را در چنین سنی مشاهده خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱

۱ - اسماعیل (ع) به هنگام نوجوانی ، در معیت

پدرش ابراهیم (ع) به سعی و تلاش می پرداخت .

فَبَشِّرْهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ . فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ

نوجوانی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۴ - ۴،۱

۱ - خدمت کاران جوان و زیبارو ، در طواف متقین بهشتی برای پذیرایی از آنان

و يطوف عليهم غلمان لهم

<غلام> (مفرد <غلمان>) به نوجوانی گفته می شود که تازه پشت لبش سبز شده باشد.

۴ - خدمت نوجوانان زیباروی بهشتی ، برای تقوایبشگان از سرشوق و پروانهوار

و يطوف عليهم غلمان لهم

تعبیر <یطوف>، حرکت پروانهوار و مشتقانه را افاده می کند.

نوجوانی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۱

۱ - سپری شدن دوران کودکی و نوجوانی موسی (ع) و رسیدن او به مرحله جوانی ، بی هیچ حادثه درخور بیان

فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ .. وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ

تعبیر <بلغ أشده> کنایه از رسیدن شخص به دوره جوانی است زیرا نوعاً بلوغ فکری انسان هم زمان با رسیدن وی به مرحله جوانی است. بنابراین پرداختن قرآن به حوادث روزگار جوانی موسی(ع) و بعد از آن و مسکوت گذاشتن دوران پیش از جوانی (کودکی و نوجوانی)، نشانگر آن است که کودکی و نوجوانی او در کمال آرامش سپری شده بود و در این مدت حادثه ای درخور بیان برای وی روی نداده بود.

نوجوانی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۳

۱۳ رؤیای شگفت یوسف (ع) (سجده ستارگان ، ماه و خورشید)

در سنین کودکی یا نوجوانی او بوده است .

قال یبنی

کلمه <بنی> تصغیر کلمه <ابن> می باشد و به ضمیر متکلم اضافه شده است. <یبنی> ؛ یعنی، ای پسر کوچک من.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۶

۶ یوسف (ع) به هنگام اجرای توطئه برادرانش علیه او ، در سنین کودکی یا نوجوانی بوده است .

أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

برداشت فوق ، از فعل <یلعب> (بازی کند) به دست می آید ؛ زیرا معمولاً بازی کردن را در مورد کودکان و نوجوانان به کار می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱

۱ یوسف (ع) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد ، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید .

أکرمی مثویه .. و لما بلغ أشده

کلمه <أشد> چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شده (توان و قدرت) است. بنابراین <أشد> ؛ یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

ویژگیهای نوجوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۶

۶ - لهو و اشتغال به کار های سرگرم کننده ، اقتضای دوران نوجوانی است .

أنما الحیوه الدنیا .. و لهو

نوح(ع) از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نوح(ع)

آثار ایمان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۱ - ۳

۳ - عبودیت و ایمان نوح (ع) ،

موجب دستیابی او به پاداش هایی همانند پاداش های محسنان از سوی خداوند

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ . إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا..> تعلیل برای جمله <إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ> است؛ یعنی، چون نوح(ع) از مؤمنان و بندگان خالص خدا بود، به او همانند پاداش محسنان، پاداش دادیم. گفتنی است که مقصود از آن، اجابت دعا، نجات از مشکلات اندوه بار و باقی ماندن نسل و نام نیک آن حضرت در تاریخ می باشد.

آثار تعالیم نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۳

۳ - پیام نوح (ع) ، دارای جاذبه بیشتر برای طبقات محروم جامعه

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأردلون

آثار تکذیب نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۲

۲ خداوند ، عذاب استیصال را بر قوم نوح آن گاه نازل کرد که آنان با وجود براهین و شواهد قطعی بر رسالت آن حضرت آن را انکار کرده و او را متهم به دروغ گویی کردند .

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَقَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي . . . فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمَعُوا ... فَإِن ت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۶

۶ نوح (ع) ، همواره رنجیده خاطر از رفتار ناپسند قوم خویش و اندوهناک از اصرار آنان بر کفر و انکار رسالت

فلاتبتئس بما كانوا يفعلون

إبتئاس (مصدر تبتئس) به معنای محزون و ناراحت شدن است و مراد

از <ما كانوا يفعلون> شرك ورزی و اصرار آنان بر انكار رسالت و ديگر كارهاي نارواست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۰ - ۴

۴ - تكذيب نوح (ع) از سوي قوم وي ، موجب هلاكت آنان شد .

قال ربِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُون .. ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۶

۶ - قوم نوح ، به دنبال قبول نكردن رسالت نوح (ع) دچار سيلی عظيم و بنيان كن شدند و به هلاكت رسيدند .

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه .. فأخذهم الطوفان

<طوفان> هر حادثه ای را می گویند که انسان را احاطه کند. این واژه در <آب فراوان (سيل)> متعارف شده است (مفردات راغب).

آثار تهمت به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۷۳ - ۲

۲ خداوند ، عذاب استیصال را بر قوم نوح آن گاه نازل کرد که آنان با وجود براهین و شواهد قطعی بر رسالت آن حضرت آن را انكار کرده و او را متهم به دروغ گویی کردند .

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَقَوْمِ إِنَّ كِبْرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي .. فَعَلِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمَعُوا ... فَإِن ت

آثار دعوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۱

۱ - تلاش مستمر نوح (ع) ، برای ایمان آوردن قومش ، حاصلی جز فرار و دوری آنان نداشت .

فلم يزدهم دعاءى إلا فرارًا

آثار

رسالت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۶ - ۴

۴ - احساس خطر اشراف و زمامداران قوم نوح از گسترش دعوت وی

قالوا لئن لم تنته ینوح لتکونن من المرجومین

تهدید سران قوم نوح به سخت ترین مجازات همچون رجم، نشانگر نگرانی شدید آنان است.

آثار عبودیت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۱ - ۳

۳ - عبودیت و ایمان نوح (ع) ، موجب دستیابی او به پاداش هایی همانند پاداش های محسنان از سوی خداوند

إنا كذلك نجزي المحسنین . إنه من عبادنا المؤمنین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنه من عبادنا..> تعلیل برای جمله <إنا كذلك نجزی المحسنین > است / یعنی، چون نوح(ع) از مؤمنان و بندگان خالص خدا بود، به او همانند پاداش محسنان، پاداش دادیم. گفتنی است که مقصود از آن، اجابت دعا، نجات از مشکلات اندوه بار و باقی ماندن نسل و نام نیک آن حضرت در تاریخ می باشد.

آثار نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۵

۵ - تلاش نوح (ع) برای نمایاندن خیرخواهی خود و تضمین منافع قومش در پرتو رسالت خویش

إنی لکم رسول أمين

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم > به دست می آید.

آغاز طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۶

۶ - فوران آب از تنور ، نشان صدور فرمان خدا و شروع طوفان نوح (ع)

بود .

فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ

عبارت <فَارَ التَّنُّورُ>، عطف تفسیری است برای <جاء أمرنا>.

آمزش پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۷

۷ نوح (ع) ، واسطه شمول مغفرت و رحمت خداوند بر مؤمنان و پیروان او

إِن رَّبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

به دلیل <ارکبوا> که خطاب به پیروان نوح است، متعلق <غفور> و <رحیم> نیز پیروان آن حضرت می باشد یعنی: این ربی لغفور لکم رحیم بکم. (خداوند آمرزنده شما و نازل کننده رحمت بر شماست). لازمه این سخن آن بود که نوح می فرمود: <ربکم> (پرورگار شما) نه <ربی>. این جابه جایی بیانگر این نکته است که: خداوند به واسطه نوع(ع)، مغفرت و رحمت خویش را به پیروان او می گستراند.

ابزار مبارزه با نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۴

۴ - دفاع از عقاید مذهبی و شرک آمیز مردم ، از حيله ها و نیرنگ های صاحبان زر و زور ، برای مبارزه با دعوت توحیدی نوح (ع)

و قالوا لا تذرنا الهتكُم ولا تذرنا ودا .. و نسرًا

ابزار نجات پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۸

۸ نجات نوح (ع) و مؤمنان به او ، در گرو ساخت کشتی بود .

واصنع الفلک .. إنهم مغرقون

ابزار نجات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۸

۸ نجات نوح (ع) و مؤمنان به او

، در گرو ساخت کشتی بود .

واصنع الفلک .. . إنهم مغرقون

ابلاغ رسالت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۵ - ۳

۳ نوح (ع) پس از انتخابش به رسالت ، پیامبری خویش را به مردم اعلام کرد .

إنی لکم نذیر مبین

اتمام حجت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۱

۱ حضرت نوح (ع) حجت را بر قومش تمام کرده و آنان بی هیچ دلیلی از او رو گردانیده و از پذیرش دعوتش سر باز می زدند .

فإن تولیتم فما سألتکم من أجر

این آیه ادامه آیه قبل است که برای بیان تحدی حضرت نوح (ع) و تمام کردن حجت خود بر قومش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۵ - ۶

۶ - هشدار روشن و بی ابهام نوح (ع) به قومش ، نسبت به خطر < عذاب استیصال > در صورت پافشاری آنان بر شرک و مبارزه با توحید

إن أنا إلا نذیر مبین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که نوح(ع) در راستای اتمام حجت با قومش، از پیش آنان را به نزول عذاب استیصال هشدار داده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۴

۴ - شکوه نوح (ع) به درگاه خدا از ستم قوم خویش ، پس از اتمام حجت و به بن بست رسیدن همه راه های تبلیغی بود .

إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مِّبِينٌ .

.. إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُون ... فافتح بيني و بينهم فتْحًا و نَجْنِي

اجابت استغاثه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۵ - ۲

۲ - خداوند ، به استغاثه و ندای نوح (ع) به بهترین صورت پاسخ داد .

و لقد نادینا نوح فلنعم المَجِیون

<فا> در جمله <فلنعم المَجِیون> برای تفریح این جمله بر <نادینا> است زیرا ولی آنچه مورد تفریح قرار گرفته، عبارت <فأجناه> است که حذف گردیده است زیرا <فلنعم المَجِیون> متضمن معنای <فأجناه> می باشد.

اجابت دعای نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۵

۵- دعای حضرت نوح (ع) برای نجات از دست قومش ، مستجاب شد .

و نوحًا إذ نادى من قبل فاستجبنا له

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱

۱ - استجابت دعای نوح (ع) (نصرت خواهی او) از جانب خداوند

قال رب انصرنى .. فأوحینا إلیه أن اصنع الفلک بأعیننا و وحینا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۱،۲

۱ - استجابت دعای نوح (ع) از سوی خداوند ، درباره عذاب قوم کافر او و نجات همراهان مؤمنش

و نَجِّنِي و من معي .. فَأُنَجِّينَهُ و من معه

۲- نجات نوح (ع) و همراهانش ، به اراده خدا و در پی استمداد وی برای رهایی از شرّ کافران

و نَجِّنِي و من معي .. فَأُنَجِّينَهُ و من معه في الفلك

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۵ - ۲

۲ - خداوند ، به استغاثه و ندای نوح (ع) به بهترین صورت پاسخ داد .

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون

<فا> در جمله <فلنعم المجیبون> برای تفریع این جمله بر <نادینا> است؛ ولی آنچه مورد تفریع قرار گرفته، عبارت <فأجابه> است که حذف گردیده است؛ زیرا <فلنعم المجیبون> متضمن معنای <فأجابه> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۳

۳ - اجابت دعا ، نجات از مشکلاتِ اندوه بار ، باقی ماندن نسل و نام نیک و تحیت الهی ، از پاداش های خداوند به حضرت نوح (ع)

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون . . . سلم علی نوح فی العلمین . إنا کذلک نجزی ا

اجابت نفرین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۱ - ۱

۱ - اجابت دعای نوح (ع) به درگاه خداوند ، برای انتقام از قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه . . . ففتحننا

اجرت رسالت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۳، ۲

۲ حضرت نوح (ع) ، برای انجام رسالت خویش ، از مردم کمترین مزدی مطالبه نمی کرد .

فإن تولیتم فما سألتکم من أجر

۳ حضرت نوح (ع) خود را فرستاده خداوند دانسته و اجر و مزد خود را نیز تنها بر عهده او اعلام کرد .

إن كان كبر عليكم مقامى و تذكيرى بأيت الله ..

فإن توليتم فما سألتكم من أجر إن

احتجاج نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۲،۶

۲ بحث و گفت و گو و ارائه دلیل و برهان ، از روش های نوح (ع) برای بازسازی مردم از شرک و گرایش دادن آنان به توحید

قالوا ینوح قد جدلتنا فأکثرت جدلنا

<جدال> به معنای مناظره کردن و آوردن برهان برای ابطال دلیلها ، اندیشه ها و باورهای طرف مقابل است.

۶ تلاش های نوح (ع) ، برهان ها و دلیل های او ، بی تأثیر در اشراف کافر

قد جدلتنا فأکثرت جدلنا فأتنا بما تعدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۷

۷ نوح (ع) ، پس از طرح استدلال خویش برای لزوم نجات فرزندش ، حکم و قضاوت آن را به خداوند واگذار کرد .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق و أنت أحکم الحکمین

احترام نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۹ - ۴

۴ - نوح پیامبر ، برخوردار از مقام و احترام ویژه در میان همه نسل ها و برای همیشه تاریخ

سلم علی نوح فی العلمین

احساس خطر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۸

۸ - نگرانی و احساس خطر نوح (ع) ، درباره به خطر افتادن ایمان مؤمنان و نسل های آینده جامعه ، از سوی کافران حق ناپذیر و گمراه گر قوم خود

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ وَ

لا يلدوا إلا فاجراً كَفَّارًا

اختلاف طبقاتی در دوران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۷

۷- وجود تبعیض های اجتماعی ، در نخستین جوامع بشری (عصر نوح)

و اتبعك الأردلون

اخفای قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۲

۲ سرگذشت نوح (ع) و حادثه طوفان ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریت و مخفی مانده بر مردمان

تلك من أنباء الغيب

<تلك> اشاره به داستان نوح و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت دارد؛ یعنی: تلك الأنباء من أنباء الغيب.

اخلاص خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۶

۶- نوح (ع) و خاندانش ، از بندگان مخلص و برگزیده خدا بودند .

إلا عباد الله المخلصين . و لقد نادينا نوح... و نجينه و أهله من الكرب العظيم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

اخلاص نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۹ - ۱

۱ - تصریح نوح (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۶

۶ - نوح (ع) و خاندانش ، از بندگان مخلص و برگزیده

خدا بودند .

إلا عباد الله المخلصين . و لقد نادينا نوح... و نجّينه و أهله من الكرب العظيم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

ازدیاد نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۱۱

۱۱ کثرت انبیا(ع) از نسل نوح، پاداش نیل او به مقام نیکوکاران است.

و نوحا هدینا من قبل و من ذریته .. و كذلك نجزی المحسنین

استحکام کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۴

۴ کشتی نوح ، سفینه ای بسیار مقاوم و برخوردار از بهترین اصول فنی و تکنیکی

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۶

۶ - کشتی نوح ، برخوردار از استحکام بالا و کیفیتی پیشرفته

فأنجینه و من معه فی الفلک المشحون

انباشته بودن و نیز نجات یافتن نوح(ع) و پیروانش از طوفان بزرگ، نمایان گر استحکام و کیفیت بسیار بالای ساختمان کشتی است.

استغاثه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۵ - ۱

۱ - کمک خواهی و استغاثه نوح به درگاه خداوند

و لقد نادینا نوح

مقصود از <ندا> (نادینا) به قرینه آیه بعد (و نجیناه..) کمک خواهی و استغاثه است که مربوط به ماجرای عذاب طوفان می باشد.

استغفار برای خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۴

۴ - آمرزش خواهی نوح (ع) ، از درگاه الهی برای اعضای مؤمن خاندان خویش

ربّ اغفر لی ... و لمن دخل بیتی مؤمناً

استغفار برای والدین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۳

۳ - آمرزش خواهی نوح (ع) ، از درگاه الهی برای پدر و مادر خود

ربّ اغفر ... و لولدّی

استغفار نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۷

۷ نوح (ع) ، با پی بردن به نادرستی تقاضای خود (نجات فرزندش) خواهان آمرزش و رحمت الهی شد .

إلاّ تغفر لی و ترحمنی أکن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۴، ۶، ۳، ۱

۱ - آمرزش خواهی نوح (ع) ، از درگاه پروردگار برای خویش

ربّ اغفر لی

۳ - آمرزش خواهی نوح (ع) ، از درگاه الهی برای پدر و مادر خود

ربّ اغفر ... و لولدّی

۴- آمرزش خواهی نوح (ع) ، از درگاه الهی برای اعضای مؤمن خاندان خویش

ربّ اغفر لی ... و لمن دخل بیتی مؤمناً

۶- آمرزش خواهی نوح (ع) ، از درگاه الهی برای همه مردان و زنان مؤمن در طول تاریخ

ربّ اغفر لی ... و للمؤمنین و المؤمنات

استقامت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱۳، ۳

۳ نوح)

ع) استواری خویش را در تبلیغ رسالت های الهی به مردم گوشزد کرد .

أبلغکم رسلت ربی

جمله <لکنی رسول .. > و نیز آیات قبل دلالت بر این معنا دارد که نوح(ع) مبلغ رسالت های الهی است. بنابراین توصیف رسول به جمله <أبلغکم ... > هدف دیگری را تعقیب می کند و بیانگر نکته ای جدید است و آن اینکه وی بر ابلاغ رسالت های الهی اصرار خواهد ورزید و بر آن پافشاری خواهد کرد.

۱۳ آگاهی نوح (ع) به حقایق از جانب خدا ، از عوامل پایداری وی در تبلیغ رسالت های الهی و خیرخواهی خالصانه برای مردم

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم و أعلم من الله ما لاتعلمون

به نظر می رسد جمله <أعلم من الله .. > به منزله تعلیلی باشد برای <أبلغکم > و <أنصح لکم >. یعنی آگاه بودن من بر حقایق پوشیده بر شما مرا در ابلاغ رسالت های الهی پایدار می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ حضرت نوح (ع) در راه دعوت به حق ، آمادگی خود را برای تحمل انواع مشکلات تا مرز کشته شدن را ، به مردم اعلام داشت .

فأجمعوا أمرکم و شرکاءکم ثم لا یکن أمرکم علیکم غمه .. و لا تنظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۷

۷ حضرت نوح (ع) در برابر نارضایتی قومش نسبت به دعوت او ، عزم راسخ خویش را اعلام کرد و بر ادامه سرسختانه راه خود اصرار و تأکید

ورزید .

فأجمعوا أمرکم و شركاءکم .. و أمرت أن أكون من المسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۱ - ۷

۷- نوح پیامبر ، اسوه و الگوی مقاومت و شکیبایی در برابر دشمنان و مخالفان دعوت الهی

و لقد نادینا نوح .. إنه من عبادنا المؤمنین

ذکر داستان نوح(ع) برای پیامبر(ص) و ایمان آورندگان به آن حضرت در مکه، می تواند برای ارائه الگو در مسیر دعوت الهی باشد.

استمداد نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۲

۲- نوح (ع) ، تقاضامند یاری خدا در برابر تکذیب گری های قومش

قال رب انصرنی بما کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱

۱- استجابت دعای نوح (ع) (نصرت خواهی او) از جانب خداوند

قال رب انصرنی .. فأوحینا إلیه أن اصنع الفلک بأعیننا و وحینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۵ - ۱،۳

۱- کمک خواهی و استغاثه نوح به درگاه خداوند

و لقد نادینا نوح

مقصود از <ندا> (نادینا) به قرینه آیه بعد (و نجیناه..) کمک خواهی و استغاثه است که مربوط به ماجرای عذاب طوفان می باشد.

۳- نوح (ع) ، علیه قوم خود به درگاه الهی نفرین کرده ، یاری طلبید .

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون

آیه بعد در پاسخ به ندای نوح(ع)، مسأله نجات آن حضرت و خاندانش را از عذاب الهی مطرح می کند.

از این مطلب به دست می آید که آنچه آن حضرت از خدا خواسته است، نفرینی بود علیه قوم خود. آیه ۲۶ سوره <مؤمنون> (قال رب انصرنی بما کذبون) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷۶ - ۵

۵- نوح (ع) ، نجات خود و خاندانش را از دست ستم و اذیت و آزار قوم خود ، از خداوند خواستار شده بود .

و لقد نادینا نوح... و نجینه و أهله من الكرب العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۱

۱ - التجای نوح (ع) به درگاه پروردگار برای استمداد از او در برابر قوم حق ناپذیر خویش

فدعا ربّه أنّی مغلوب فانتصر

استهزای نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۳،۴،۱۵

۳ کفرپیشگان ، به هنگام مواجه شدن با نوح (ع) او را به خاطر کشتی سازی به استهزا و مسخره می گرفتند .

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملأ من قومه سخروا منه

۴ کفرپیشگان ، آن گاه که دسته جمعی و گروه گروه با نوح (ع) مواجه می شدند ، او را به خاطر کشتی سازی به تمسخر می گرفتند .

کلما مرّ علیه ملأ من قومه

برداشت فوق ، از کلمه <ملأ> که در این جا به معنای گروه و جماعت است استفاده شده است.

۱۵ > عن أبي عبدالله (ع) [فی حدیث قال بعد ما قرأ قوله تعالى]

: < كلما مرّ عليه ملاً من قومه سخروا منه ... > : ... كانوا يسخرون منه و يقولون : ينحت سفينه في البرّ ۛ

از امام صادق(ع) روایت شده است که [ضمن حدیثی بعد از قراءت آیه مزبور] فرمود: .. قوم نوح او را مسخره می کردند و می گفتند: او در خشکی کشتی می سازد!<.

اشراف قوم نوح و پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۵، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۷

۷ انحصار پیروان نوح به قشر مستضعف و تهی دست ، بهانه و دستاویز اشراف برای ایمان نیاوردن به او و انکار رسالت های وی

فقال الملاً .. ما نریک اتباعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی

۱۱ اشراف قوم نوح ، ایمان توده های مستضعف را ایمانی سطحی و برخاسته از خوش باوری و عدم تفکر می شمردند .

ما نریک اتباعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی

<بادی> از <بدو> و به معنای ظاهر است . <ظاهر الرأی> ۛ یعنی، دید سطحی و اندیشه خالی از تفکر و تأمل . <بادی الرأی> می تواند ظرف برای <اتبعک> باشد . براین اساس معنای جمله <مانریک ...> چنین است: می بینیم که اراذل از تو پیروی کرده اند و پیروی آنان سطحی و بدون تأمل در درستی و نادرستی ادعای تو بوده است .

۱۲ حقارت و پستی مؤمنان به نوح (ع) ، امری آشکار و روشن در نظر اشراف و سران قوم نوح

ما نریک اتباعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی

برداشت فوق، براساس این احتمال است که <بادی الرأی> ظرف برای مضمون جمله <هم أراذلنا> باشد ۛ یعنی ، در

یک نگاه ظاهری می توان دریافت که پیروان تو، مردمی پست و حقیرند.

۱۳ اشراف و سران قوم نوح ، با این پندار که او و پیروانش هیچ مزیت و فضیلتی بر آنان ندارند ، ادعاهایشان را شایسته پذیرش نمی شمردند .

و ما نری لکم علینا من فضل

۱۵ اشراف و سران قوم نوح ، پیروان آن حضرت را در ادعای ایمان ، به دروغ گویی متهم می کردند .

بل نطنکم کذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۸

۱۸ اشراف و سران کفرپیشه قوم نوح ، ناآگاه به مقام بلند مؤمنان و پیروان آن حضرت

و لکنی أریکم قومًا تجهلون

به قرینه <إنهم ملاقوا ربهم> می توان گفت که: مفعول <تجهلون> مقام والا- و ارجمند مؤمنان به نوح(ع) است. براین اساس <أراکم...> یعنی ، می دانم که شما به مقام والای مؤمنان (لقای آنان با خدا) آگاهی ندارید.

اشراف قوم نوح و نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۰ - ۱،۲

۱ جبهه گیری گروه سرشناس و اشراف قوم نوح در برابر دعوت وی

قال الملائ من قومه إنا لنریک فی ضلل مبین

۲ اشراف و سرشناسان قوم نوح وی را در احاطه گمراهی های آشکار می پنداشتند .

قال الملائ من قومه إنا لنریک فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۳،۱۴

۱۳ اشراف و سران قوم نوح ، با این پندار که او و پیروانش هیچ مزیت و فضیلتی بر آنان ندارند ، ادعاهایشان را شایسته پذیرش

نمی

شمردند .

و ما نری لکم علینا من فضل

۱۴ اشراف قوم نوح ، آن حضرت را در ادعای پیامبری به دروغ گویی متهم می کردند .

بل نظنکم کذبین

متهم کردن نوح و پیروانش به دروغ گویی بر حسب مدعای آنان است ؛ یعنی ، اتهام نوح به دروغ گویی در ارتباط با ادعای نبوت است و نسبت به پیروانش در ادعای ایمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۲

۲ اشراف و سران قوم نوح ، او را به دلیل ملک نبودن و دسترسی نداشتن به گنجینه های هستی و نداشتن علم غیب ، لایق مقام پیامبری نمی دانستند .

و لا أقول لکم عندی خزائن الله . . . و لا أقول إنی ملک

به نظر می رسد جمله های <لا أقول لکم . . . > ناظر به <ما نری لکم علینا من فضل > باشد و لذا اشاره به انتظارات نابه جای قوم نوح ، از مدعیان نبوت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۷

۷ اشراف و سران قوم نوح ، درصدد مایوس کردن او از پذیرش دعوت های توحیدی

قد جدلتنا فأکثرت جدلنا فأتنا بما تعدنا

اشراف و نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۴

۴ اشراف قوم نوح به دلیل نامعقول شمردن پیامبری برای فردی از بشر ، رسالت وی را انکار کردند .

إنا لنريك في ضلل ميين . . . أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

اطاعت از نوح(ع)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۵

۵ - نوح (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به خاطر صداقت و امانت داری وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۰ - ۱

۱ - نوح (ع) ، خواهان گرایش قومش به اطاعت از وی و رعایت تقوای الهی

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

اظهار خیرخواهی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۵

۵ - تلاش نوح (ع) برای نمایاندن خیرخواهی خود و تضمین منافع قومش در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> به دست می آید.

اعتماد به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۲

۲ - دعوت نوح (ع) از قومش ، برای پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

<أمین> می تواند از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. در این صورت آوردن قید <أمین>

دعوتی است از جانب نوح(ع) به قومش که به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

اعراض از انذارهای نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۶

۶ - مردم ، هشدار عذاب را جدی نگرفتند و نوح (ع) را به دروغ گویی متهم ساختند .

قال

رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبْتَنِي

اعراض از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۵ - ۳

۳- وا نهادن و بی اعتنایی به نوح (ع) ، آخرین چاره اندیشی اشراف کافر در مبارزه با آن حضرت

فَقَالَ الْمَلَأُ .. . إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّهٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ

افترا به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۶۰ - ۲

۲ اشراف و سرشناسان قوم نوح وی را در احاطه گمراهی های آشکار می پنداشتند .

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرِيكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

افساد پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۴۶ - ۴،۵،۶،۳،۱

۱ فرزند ناخلف حضرت نوح ، انسانی ناصالح و فسادپیشه بود .

إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرٌ صَالِحٌ

۳ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب محسوب نشدن وی از خانواده نوح (ع) در پیشگاه خداوند

إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرٌ صَالِحٌ

جمله <إِنَّهُ عَمَلٌ .. . > علت برای <إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ > می باشد یعنی ، چون فرزندان دارای عمل ناشایست است ، ما او را از خانواده تو به حساب نمی آوریم .

۴ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب هلاکت وی در حادثه طوفان

فکان من المغرقين .. إنه ليس من أهلک إنه عمل غیر صلح

۵ نوح (ع) ، ناآگاه به تباهی و فساد بی حد فرزند ناخلف خویش

إنه عمل غیر صلح

۶ نوح (ع) ناآگاه به گسستن پیوند فرزندی کنعان با او بر اثر اعمال ناشایستش

إن ابني من أهلی .. إنه ليس

من أهلك

اقوام پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۲ - ۶

۶ - عاد و ثمود ، پس از قوم نوح و پیش از قوم ابراهیم می زیستند .

قوم نوح و عاد و ثمود ... و قوم ابرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۵

۵ - اقوام دارای پیامبر ، پس از نوح (ع) از نسل حضرت نوح و پس از ابراهیم (ع) از نسل حضرت ابراهیم بودند .

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم و جعلنا فی ذرّیتهما النبوة

التجای نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۱،۴

۱ - التجای نوح (ع) به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال ربّ انصرنی بما کذبون

در این آیه ظرف <قال> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <قال بعد ما آیس من ایمانهم> . <باء> در <بما کذبون> سببه و <ما> مصدریه است. بنابراین <بما کذبون>، به تأویل <بسبب تکذیبهم ایّای> می باشد.

۴ - التجای نوح (ع) به درگاه پروردگار ، برای نزول عذاب بر تکذیب گران آن حضرت

قال ربّ انصرنی بما کذبون

<باء> در <بما کذبون> می تواند برای آلیت باشد. در این صورت <ما> به معنای <الذی> و عاید آن محذوف خواهد بود؛ یعنی، <ربّ انصرنی بالذی کذبونی به> پروردگارا! مرا با همان چیزی که [دروغش پنداشتند و] تکذیب کردند، یاری

ده < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء

۴ - التجای نوح (ع) به ربوبیت خدا در شرایط یأس و هجوم مشکلات بر سر راه رسالتش

قال رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۱

۱ - التجای نوح (ع) به درگاه پروردگار برای استمداد از او در برابر قوم حق ناپذیر خویش

فدعا ربّه أنّی مغلوب فانتصر

الگوگیری از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۸

۸ - نوح (ع) ، الگو و مقتدای رسالت مداران الهی و مبلغان دینی

و لقد نادینا نوح . . . و نَجِّينه و أهله من الكرب العظيم

نقل داستان نوح(ع) و پنج پیامبر دیگر و آغاز شدن این نقل با نام آن حضرت، می تواند به منظور ارائه الگو برای پیامبر(ص) و مؤمنان به ایشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۲

۲ - نوح پیامبر ، نمونه و الگوی نیکوکاران و احسان کنندگان

سلم علی نوح فی العلمین . إنا كذلك نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۱ - ۷

۷- نوح پیامبر، اسوه و الگوی مقاومت و شکیبایی در برابر دشمنان و مخالفان دعوت الهی

و لقد نادینا نوح.. .. إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

ذکر داستان نوح(ع) برای پیامبر(ص) و ایمان آورندگان به آن حضرت در مکه، می تواند برای ارائه الگو در مسیر دعوت الهی باشد.

امانتداری نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۳،۶

۳ - تأکید نوح (ع) بر امانت داری خویش در تبلیغ پیام الهی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده بر این اساس است که واژه <أمین> از ریشه <أمانه> مشتق شده باشد.

۶ - نوح (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانتدار در میان قومش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید نوح(ع) بر <أمین> بودن خود در ابلاغ پیام الهی، در صورتی ثمر بخش خواهد بود که وی در میان قومش، از سابقه امانت داری و خوش نامی برخوردار بوده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۵

۵ - نوح (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به خاطر صداقت و امانت داری وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

امت پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۱ - ۲

۲ - وجود فاصله زمانی میان طوفان نوح و شکل گیری جامعه جدید

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا ۚ

برداشت یاد شده، با توجه به آمدن <ثم> که برای فاصله زمانی است استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - جامعه نخستین پس از نوح (ع) ، متشکل از مردم عادی و گروه اشراف

و قال الملائمة من قومه . . . و أترفنهم في الحيوه الدنيا

<ملا> به سران و اشراف گفته می شود . <اتراف> (مصدر <اترفنا>) به معنای متنعم کردن و برخوردار ساختن است.

امت های پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره -

۱- جوامع و ملت های بسیاری پس از دوران نوح (ع) در نتیجه فسق و گناه و به اراده خداوند نابود شدند .

فسقوا .. و کم أهلكنا من القرون

<قرن> (مفرد قرون) به معنای قومی است که نزدیک به یک زمان و در یک عصر زندگی می کنند (مفردات راغب).

امت های قبل از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- کیفر هلاکت بار عمومی و فراگیر ، برای انسان های قبل از نوح (ع) به وقوع نبیوسته بود .

و کم أهلكنا من القرون من بعد نوح

خداوند در آیه پیش از سنت خویش مبنی بر هلاکت اقوام کافر و فاسد، خبر داد و آن گاه برای اثبات این حقیقت، هلاکت قوم نوح و پس از او را یاد آور شد. از ذکر داستان نوح و اقوام پس از او، می توان استفاده کرد که اقوامی که به صورت جمعی قبل از نوح(ع) دچار عذاب شده باشند، وجود نداشته است.

امت های قبل از نوح(ع) و فساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- فسق و فساد عمومی و فراگیر در میان مردم و اقوام پیش از حضرت نوح (ع) وجود نداشت .

و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولاً. و إذا أردنا أن نهلك قرية أمرنا مترفيها ففسقوا

امت های قبل از نوح(ع) و فسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- فسق و فساد عمومی و فراگیر در میان مردم و اقوام پیش از حضرت نوح (ع) وجود نداشت .

و ما کُنَّا مَعْدِبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا. وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مَتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا

امکانات کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۵

۵ - کشتی نوح ، انباشته از امکانات ضروری و مورد نیاز سرنشینان آن

فِي الْفَلَکِ الْمَشْحُونِ

<شَحْن> (مصدر مجهول <مشحون>) به معنای پُر گردانیده شدن است. بنابراین <فلک مشحون>؛ یعنی، کشتی پر شده. گفتنی است که متعلق <مشحون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <فِي الْفَلَکِ الْمَشْحُونِ بَمَا يَفْتَقِرُ إِلَيْهِ>.

امیدواری نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۹

۹ نوح (ع) به ایمان آوردن فرزندش امیدوار بود و آن را محتمل می شمرد .

يَبْنِي أَرْكَبَ مَعْنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكٰفِرِينَ

انبیای پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۳

۳- نسل همراهان نوح در کشتی نجات ، پیامبری بزرگ ، چون ابراهیم (ع) را در خود پروراند .

مِنَ النَّبِيِّنَ . . . مَمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ

مراد از <من حملنا مع نوح> به قرینه قبل و بعد آن <ذریه من حملنا ..> است. بین انبیای ذکر شده در آیات قبل، تنها ابراهیم(ع) است که غیر از <ذریه آدم> با عنوان <نسل همراهان نوح> شناسایی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۰ - ۸

- استمرار آزمایش الهی با بعثت پیامبران ، پس از نوح

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ

عبارت <و إن کنا لمبتلین>، بیان اجمالی سرگذشت اقوام پس از حضرت نوح(ع) است و فرازهای بعد، بیان تفصیلی آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۱،۴

۱ - اقدام خداوند به فرستادن رسول ، پس از شکل گیری جامعه جدید بشری ، بعد از طوفان نوح

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ

عبارت <فأرسلنا فیهم رسولاً..> عطف است، بر <أنشأنا>. ضمیر <فیهم> و <منهم> نیز به <قرن> بازمی گردد.

۴ - دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه ، اولین و مهم ترین پیام نخستین پیامبر پس از نوح (هود یا صالح)

أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِهِ

<أن> برای تفسیر پیامی است که پیامبر (پیامبری که برای جامعه پس از طوفان نوح برانگیخته شده بود)، مأمور ابلاغ آن به مردم بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۶ - ۲

۲ - انذار پیوسته مردم به معاد ، از سوی پیامبر جامعه پس از نوح

هِيَآتْ هِيَآتْ لِمَا تُوْعَدُونَ

به کارگیری فعل مضارع، بیانگر این نکته است که پیامبران جامعه پس از نوح، مردم را مستمراً نسبت به مسأله قیامت و معاد، بیم می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۰ - ۱،۳

۱ - استجابت دعای (نصرت خواهی) پیامبرِ پس از نوح از سوی خداوند

قال ربّ انصرنی .. قال عمّا قليل لیصبحنّ ندمین

<عن> در <عمّا قليل> به معنای <بَعْد> و

<ما> نکره موصوفه و کنایه از <زمان> می باشد. <قلیل> نیز صفت <ما> است، یعنی، <بعد زمان قلیل>. <عَمَّا< قلیل> متعلق به <یصْبِحَنَّ> و <إِصْبَاح> (مصدر یصْبِحَنَّ) به معنای صیوررت و شدن است.

۳- پشیمانی سخت تکذیب گران پیامبر جامعه پس از نوح، به هنگام مشاهده عذاب استیصال

قال عَمَّا قَلِيلٍ لِيُصْبِحَنَّ نَدْمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۲،۴،۶

۲- حضرت نوح (ع)، پیش از حضرت ابراهیم (ع) می زیسته است.

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم

تقدیم ذکر نوح(ع) در آیه شریفه، می تواند برای بیان تقدم زمانی آن حضرت بر حضرت ابراهیم(ع) باشد.

۴- پیامبران مبعوث شده پس از نوح (ع) از ذریه حضرت نوح و پیامبران مبعوث شده پس از ابراهیم (ع) از ذریه حضرت ابراهیم (ع) بودند.

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم و جعلنا فی ذرّیتهما النبوة

۶- تمامی پیامبرانی که پس از نوح و ابراهیم (ع) مبعوث شدند، با مردم خود دارای خویشاوندی نسبی بودند.

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم و جعلنا فی ذرّیتهما النبوة

اندوه خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۶

۶- حضرت نوح (ع) و خاندانش، گرفتار غمی شدید و اندوهی بزرگ در مسیر انجام رسالت خویش.

و نوحًا إذ نادى .. فتجینه و أهله من الكرب العظيم

<کرب> به معنای غم و اندوه شدید است (مفردات راغب).

اندوه نوح(ع)

- فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۶

۶- حضرت نوح (ع) و خاندانش، گرفتار غمی شدید و اندوهی بزرگ در مسیر انجام رسالت خویش.

و نوحًا إذ نادى .. فنَجَّيناهُ و أهله من الكرب العظيم

<کرب> به معنای غم و اندوه شدید است (مفردات راغب).

انذارهای نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۸

۸ نوح (ع)، وظیفه دار ترساندن مردم از عذاب های الهی و فراهم آوردن زمینه های تقوایبشگی برای آنان با تبلیغ معارف دین

أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم لينذركم ولتتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۵ - ۴

۴ نوح (ع) خویشتن را برای مردمش، پیامبری هشدار دهنده و انذارکننده خواند.

إني لكم نذير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۹، ۱۰

۹ نوح (ع)، کافران قومش را به کیفر های دردناک اخروی هشدار داد.

أن لاتعبدوا إلا الله إني أخاف عليكم عذاب يوم أليم

۱۰ نوح (ع)، کافران قومش را به عذابی دردناک در دنیا هشدار داد.

إني أخاف عليكم عذاب يوم أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۳

۳ نوح (ع)، همواره کفرپیشگان را به نزول عذاب الهی هشدار می داد.

فأنتنا بما تعدنا

آوردن فعل مضارع (تعد) به جای فعل ماضی (وعدت) اشاره به تکرار وعیدها و هشدارهای حضرت نوح(ع) دارد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - نوح (ع) ، قومش را به عواقب شوم شرک‌ورزی هشدار داد .

ما لکم من إله غیره أفلا تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۵

۵ - هشدار قبلی مردم به عذاب استیصال ، از سوی نوح (ع)

قال رب انصرنی بما کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۵ - ۱،۲،۶

۱ - نوح (ع) ، تنها هشدار دهنده و اندازگر مردم بود .

إن أنا إلا نذیر

۲ - انداز توده ها و نه جلب رضایت اشراف به قیمت طرد محرومان ، وظیفه اعلام شده از سوی نوح (ع) به اشراف قومش

و ما أنا بطارد المؤمنین . إن أنا إلا نذیر

۶ - هشدار روشن و بی ابهام نوح (ع) به قومش ، نسبت به خطر < عذاب استیصال > در صورت پافشاری آنان بر شرک و

مبارزه با توحید

إن أنا إلا نذیر مبین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که نوح(ع) در راستای اتمام حجت با قومش، از پیش آنان را به نزول عذاب استیصال

هشدار داده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱ - ۲

۲- نوح (ع) ، مأمور به انذار و اخطار به قوم خود

أن أنذر قومك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲ - ۴

۴ - اخطار و روشنگری ، قلمرو رسالت

نوح (ع)

إني لكم نذير مبين

انقیاد نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۵

۵ حضرت نوح (ع) در امر دعوت ، تسلیم خدا بوده و تنها به فرمان او عمل می کرد .

و أمرت أن أكون من المسلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۷،۸

۷ نوح (ع) ، پس از طرح استدلال خویش برای لزوم نجات فرزندش ، حکم و قضاوت آن را به خداوند واگذار کرد .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق و أنت أحکم الحکمین

۸ نوح (ع) ، انسانی تسلیم شده در برابر خدا و قضاوت های او

إن ابني من أهلي .. و أنت أحکم الحکمین

هر چند استدلال حضرت نوح(ع) مستلزم این نتیجه بود که: نجات فرزندش براساس وعده خدا امری لازم است، ولی در کلامش به این نتیجه تصریح نکرد؛ بلکه به جای آن، حکم و قضاوت الهی را نسبت به آنچه خود و یا دیگران می اندیشند و قضاوت می کنند، متقن تر و عادلانه تر خواند تا به تسلیم بودن خویش در برابر خدا و قضاوتهای او، اعتراف کرده باشد.

انکار رسالت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۴

۴ اشراف قوم نوح به دلیل نامعقول شمردن پیامبری برای فردی از بشر ، رسالت وی را انکار کردند .

إنا لنرىك في ضلل مبين .. أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

اوامر نوح (ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۱

۱ پیروان نوح ، پس از شروع طوفان و در پی فرمان او ، به کشتی سوار شدند .

و قال اركبوا فيها ... و هي تجري بهم

جمله <هي تجري...> عطف بر جمله ای مقدر است که به خاطر وضوح و اختصار در کلام ذکر نشده است؛ یعنی: فرکبوا فیها و هی تجری بهم.

اولین دعوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۳ - ۲

۲ - توحید و خداپرستی ، اولین و مهم ترین دعوت حضرت نوح (ع)

أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا

برداشت یاد شده، از تقدم ذکرى <اعبدوا الله> به دست می آید.

اولین مؤمنان به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۲

۲ - نخستین مؤمنان به نوح (ع) ، محرومان جامعه بودند .

و اتبعك الأردلون

اهداف دعوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۳

۳- جلب غفران و آمرزش خداوند برای مردم ، از اهداف دعوت حضرت نوح (ع)

و اِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتَهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ

اهمیت طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۴۹ - ۲

۲ سرگذشت نوح (ع) و حادثه طوفان ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریت و مخفی مانده بر مردمان

تلك من أنباء الغیب

<تلك> اشاره به داستان نوح و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت

دارد؛ یعنی: تلك الأنباء من أنباء الغيب.

اهمیت قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۲

۲ سرگذشت نوح (ع) و حادثه طوفان ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریت و مخفی مانده بر مردمان

تلك من أنباء الغيب

<تلك> اشاره به داستان نوح و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت دارد؛ یعنی: تلك الأنباء من أنباء الغيب.

اهمیت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۸

۸ نجات نوح (ع) و مؤمنان به او ، در گرو ساخت کشتی بود .

واصنع الفلک .. إنهم مغرقون

ایمان به رسالت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۲

۲ گروهی از قوم نوح (ع) رسالت وی را تصدیق کرده و پیامهایش را پذیرفتند .

فكذبوه فانجينه و الذين معه

جمله <أغرقتنا الذين كذبوا .. > دلالت می کند بر اینکه مراد از <الذين معه> مؤمنان و تصدیق کنندگان آیات الهی است.

ایمان به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ اشراف و سران قوم نوح ، با این پندار که او و پیروانش هیچ مزیت و فضیلتی بر آنان ندارند ، ادعاهایشان را شایسته پذیرش نمی شمردند .

و ما نری لکم علینا من فضل

ایمان خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۹

۹- خاندان نوح از مؤمنان به رسالت نوح

(ع) و بهره مند از لطف ویژه خداوند

فنجینه و أهله من الكرب العظيم

نجات خاندان نوح(ع)، بیانگر عنایت ویژه خداوند به ایشان و نیز حاکی از ایمان آنان به رسالت نوح(ع) است؛ زیرا اگر آنان مانند قوم نوح کافر بودند، نجات نمی یافتند. گفتنی است آیه بعد (و نصرناه من القوم الذین کذبوا...) مؤید همین نکته است.

ایمان نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۷ - ۴

۴ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < و جعلنا ذرّيته هم الباقين > يقول : بالحقّ و النبوه و الكتاب و الإيمان في عقبه ، و ليس كلّ من في الأرض من بنى آدم من ولد نوح (ع) ... >

از امام باقر(ع) [درباره سخن خداوند که می فرماید: <و جعلنا ذرّيته هم الباقين> روایت شده است: خدا می فرماید: ذریه او را با حق و نبوت و کتاب و ایمان باقی قرار دادیم و آن طور نیست که تمام فرزندان آدم که در روی زمین زندگی می کنند از فرزندان نوح(ع) باشند. >..

ایمان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۴

۴ اعتقاد راسخ نوح (ع) به ربوبیت خدا بر وی ، موجب استواریش در تبلیغ رسالت های الهی بود .

و لکنی رسول من رب العلمین. أبلغکم رسلت ربی

حضرت نوح(ع) برای اینکه اشاره به علت پایداریش بر ابلاغ رسالت کند، به جای آوردن ضمیر و گفتن <رسالاته>، <رسلت ربی> گفت.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ حضرت نوح (ع) به حقانیت رسالت خویش ، ایمان و اطمینان کامل داشت .

فعلى الله توكلت فأجمعوا أمركم و شركاءكم ثم لا يكن أمركم عليكم غمه .. و لا تنظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۱ - ۱

۱ - حضرت نوح ، از بندگان مؤمن خدا

إنه من عبادنا المؤمنين

ایمان والدین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - پدر و مادر حضرت نوح (ع) مؤمن بودند .

و لولدئ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که نوح(ع) در دعای خود درباره غیر پدر و مادر، قید مؤمن بودن را آورده و ولی پدر و مادر خویش را بدون این قید یاد کرده است.

بت پرستی پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۵

۵ - تجدید انحراف و پیدایش شرک و بت پرستی ، پس از نوح (ع)

ثم أنشأنا من بعدهم .. فأرسلنا ... رسولا منهم أن اعبدوا الله

برخورد نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۱ - ۱

۱ نوح با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشان را از هر گونه گمراهی مبرا دانست .

قال یقوم لیس بی ضلله

مخاطب قرار دادن مردم با <یا قوم> (ای مردم من) دلالت بر اظهار مهربانی نوح نسبت به قوم خود دارد.

نکره بودن کلمه <ضلله> پس از نفی دلالت بر عموم دارد. بنابراین <لیس بی ضلله> یعنی حتی اندکی گمراهی در من نیست.

برگزیدگی خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۶

۶- نوح (ع) و خاندانش، از بندگان مخلص و برگزیده خدا بودند.

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمَخْلُصِينَ . و لقد نادينا نوح... و نَجَّيناهُ و أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

برگزیدگی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۳ - ۱

۱ آدم، نوح، خاندان ابراهیم و خاندان عمران، برگزیدگان خدا بر همه جهانیان

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَالْإِسْمَاعِيلَ عَلَی الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۲

۲ خداوند نوح (ع) را به پیامبری برانگیخت و به وی وحی کرد.

كما أوحينا إلى نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۵ - ۳

۳ نوح (ع) پس از انتخابش به رسالت، پیامبری خویش را به مردم اعلام کرد.

ینی لکم نذیر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۶

۶- نوح (ع) و خاندانش ، از بندگان مخلص و برگزیده

خدا بودند .

إلا عباد الله المخلصين . و لقد نادينا نوح... و نجّينه و أهله من الكرب العظيم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۹ - ۲

۲- نوح (ع) ، پیامبری برجسته در سلسله پیامبران الهی و دارای مقام رفیع در پیشگاه خداوند

سلم علی نوح فی العلمین

برداشت یاد شده از قید <فی العالمین> برای سلام به دست می آید؛ زیرا در این سوره خداوند سلام و تحیت خود را نسبت به چند پیامبر بزرگ (همچون ابراهیم، موسی و هارون علیهم السلام) نقل فرموده، ولی بدون این قید آورده است؛ مانند: آیه ۱۰۹ (سلام علی ابراهیم) و آیه ۱۲۰ (سلام علی موسی و هارون).

بشارت به پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۴۸ - ۴،۳،۲

۲ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را ، به تأمین سلامتی و نزول نعمت های پرخیر و برکت نوید داد .

قیل ینوح اهبط بسلم منا و برکت علیک

هر چند نوح(ع) مورد خطاب است و فرمان و اجازه فرود متوجه اوست، ولی به قرینه مقام می توان گفت: خطاب <اهبط . >متوجه همراهان آن حضرت نیز می باشد و <باء> در <بسلام> برای مصاحبت است. بنابراین آیه شریفه چنین معنا می شود: <یا نوح اهبط أنت و من معک ...> تو و پیروانت فرود آید در حالی که همراه

و قرین سلامت، امنیت و برکت خواهید بود.

۳ خداوند، نوح (ع) و همراهانش را، به مصونیت از عذاب های دنیوی و اخروی و بهره مند شدن از نعمتهایی سعادت آفرین نوید داد.

اهبط بسلم منا .. و أمم سنمتعهم ثم یمسهم منا عذاب أليم

مقابله <سلام> با <عذاب أليم> حکایت از آن دارد که مراد از <سلام> مصونیت از عذابهایی دنیوی و اخروی است. تعبیر کردن از نعمت و موهبت های دنیوی به <برکت> در جانب اهل ایمان و تبدیل آن به <متاع> در جانب کفر پیشگان، اشاره به این نکته دارد که: نعمتهای ارزانی شده به مؤمنان، برای آنان سعادت آفرین است و موهبت های عطا شده به کفر پیشگان، فاقد این خصیصه است.

۴ به وجود آمدن امتهایی مؤمن و موحد از نسل نوح و یارانش، نوید خداوند به آن حضرت

علی أمم ممن معك

<من> در <ممن> ابتدائیه است. بنابراین <أمم ممن معك> یعنی، امتهایی که از همراهان تونشأت خواهند گرفت و از آن جا که برخی از همراهان نوح، فرزندان او بودند، در برداشت <نسل نوح> نیز آورده شد.

بشارت به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۳

۳ خداوند، نوح (ع) را به نجات افراد خانواده اش نوید داده بود.

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق

مصدق مورد نظر برای <وعدك> نجات خانواده نوح از حادثه طوفان است که جمله <قلنا احمل .. و أهلك> بیانگر نوید به آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ -

۲ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را ، به تأمین سلامتی و نزول نعمت های پرخیر و برکت نوید داد .

قیل ینوح اهبط بسلم منا و برکت علیک

هر چند نوح(ع) مورد خطاب است و فرمان و اجازه فرود متوجه اوست، ولی به قرینه مقام می توان گفت: خطاب <اهبط . >.. متوجه همراهان آن حضرت نیز می باشد و <باء> در <بسلام> برای مصاحبت است. بنابراین آیه شریفه چنین معنا می شود: <یا نوح اهبط أنت و من معک ...> تو و پیروانت فرود آید در حالی که همراه و قرین سلامت، امنیت و برکت خواهید بود.>

۳ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را ، به مصونیت از عذاب های دنیوی و اخروی و بهره مند شدن از نعمتهایی سعادت آفرین نوید داد .

اهبط بسلم منا .. و أمم سنمتعهم ثم یمسهم منا عذاب أليم

مقابله <سلام> با <عذاب أليم> حکایت از آن دارد که مراد از <سلام> مصونیت از عذابهایی دنیوی و اخروی است. تعبیر کردن از نعمت و موهبتهای دنیوی به <برکت> در جانب اهل ایمان و تبدیل آن به <متاع> در جانب کفر پیشگان، اشاره به این نکته دارد که: نعمتهای ارزانی شده به مؤمنان، برای آنان سعادت آفرین است و موهبتهای عطاشده به کفرپیشگان، فاقد این خصیصه است.

۴ به وجود آمدن امتهایی مؤمن و موحد از نسل نوح و یارانش ، نوید خداوند به آن حضرت

علی أمم ممن معک

<من> در <ممن> ابتدائیه است. بنابراین <أمم ممن معک> یعنی ، امتهایی که از همراهان تو نشأت خواهند گرفت و از آن جا که برخی از همراهان

نوح ، فرزندان او بودند ، در برداشت <نسل نوح> نیز آورده شد.

۵ برخورداری جامعه های مؤمن و موحد از سلامتی و نعمت های فراوان ، بشارت خداوند به حضرت نوح (ع)

اهبط بسلم منا و برکت علیک و علی أمم ممن معک

<علی أمم> عطف بر <علیک> است یعنی: سلام و برکات منا علی أمم. مراد از <أمم ممن معک> به قرینه مقابله آن با <أمم سنمتعهم> امتهای و جامعه های موحد و مؤمن هستند.

بشارت نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۳

۳ خداوند ، نوح (ع) را به نجات افراد خانواده اش نوید داده بود .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق

مصدق مورد نظر برای <وعدك> نجات خانواده نوح از حادثه طوفان است که جمله <قلنا احمل . . و أهلك> بیانگر نوید به آن بود.

بشر بودن نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۱

۱ نوح (ع) ، نه گنجینه های هستی را در اختیار داشت ، نه غیب می دانست و نه از فرشتگان بود .

لأقول لكم عندی خزائن الله . . و لأقول إنی ملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۶

۶ - <از جنس بشر بودن نوح (ع)> دستاویز اشراف کافر در انکار رسالت آن حضرت

فقال الملوأ . . ما هذا إلا بشر مثکم

بشربودن نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود

۳ بشر بودن نوح (ع) ، بهانه و دستاویز کفرپیشگان برای انکار پیامبری و رسالت آن حضرت

فقال الملاء .. ما نریک إلا بشراً مثلنا

بقای کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۷،۸

۷ - کشتی نوح (ع) ، اثری باقیمانده از طوفان نوح ، و آیه بزرگ الهی برای همه جهانیان است .

فأنجینہ و أصحاب السفینہ و جعلنہا آیه للعلمین

۸ - نجات نوح (ع) و اصحاب کشتی وی و باقی ماندن کشتی ، به عنوان آیه الهی برای مردم ، به دست خداوند بود .

فأنجینہ و أصحاب السفینہ و جعلنہا آیه للعلمین

بقای نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۷ - ۱،۲،۴

۱ - خداوند ، از میان قوم نوح ، تنها نسل آن حضرت را برای همیشه تاریخ ، تداوم بخشیده و باقی گذاشته است .

و جعلنا ذرّیّته هم الباقین

ضمیرِ فصلِ <هم>، مفید حصر است.

۲ - نسل نوح (ع) ، تنها نسل باقی مانده از میان نجات یافتگان از عذاب طوفان برای همیشه تاریخ

و جعلنا ذرّیّته هم الباقین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که حصر مستفاد از ضمیر فصل <هم>، حصر اضافی باشد و در مقایسه با افراد موجود در کشتی سنجیده شود که برخی از خاندان نوح(ع) و برخی از دیگر مردمان بودند که به آن حضرت ایمان آورده بودند، یعنی، نسل مردم کافر طوفان زده و نیز نسل مردم مؤمن نجات یافته بر عرشه کشتی، همگی

قطع شده و تنها نسل نوح(ع) باقی ماند.

۴ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < و جعلنا ذرّيته هم الباقين > يقول : بالحقّ و النبوه و الكتاب و الإيمان في عقبه ، و ليس كلّ من في الأرض من بنى آدم من ولد نوح (ع) ... ;

از امام باقر(ع) [در باره سخن خداوند که می فرماید: <و جعلنا ذریته هم الباقین> روایت شده است: خدا می فرماید: ذریه او را با حق و نبوت و کتاب و ایمان باقی قرار دادیم و آن طور نیست که تمام فرزندان آدم که در روی زمین زندگی می کنند از فرزندان نوح(ع) باشند..<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۰ - ۳

۳ - اجابت دعا ، نجات از مشکلاتِ اندوه بار ، باقی ماندن نسل و نام نیک و تحیت الهی ، از پاداش های خداوند به حضرت نوح (ع)

و لقد نادينا نوح فلنعم المجيبون .. سلم على نوح في العلمين . إنا كذلك نجزي ا

بقایای کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - برجای ماندن کشتی نوح برای چندی در زمین ، به عنوان نشانه الهی و به منظور عبرت آموزی خلق

و لقد تركناها ايه فهل من مدّكر

واژه <آیه> در معانی <علامت> ، <معجزه> و <عبرت> به کار می رود. گفتنی است برداشت یاد شده بر این احتمال است که ضمیر <ترکناها> به <ذات ألواح> باز گردد.

۲ - برجای ماندن بقایای

کشتی نوح ، تا عصر نزول قرآن *

و لقد ترکنها آیه

در صورتی که <ترکنا> به معنای برجای نهادن آثار و بقایا باشد و نه صرفاً به معنای باقی گذاشتن خاطره و یاد کشتی نوح از قید <هل من مدکر> مطلب بالا استفاده می شود.

بهبانه جویی مخالفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۳ - ۳

۳ - مخالفان نوح ، بهبانه جویانی فاقد خرد و توان کافی ، برای فهم رسالت تبلیغی او

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأردلون .. إن حسابهم إلا على ربی لو تشعرون

بی تأثیری تلاش نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۹

۹ - بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع) ، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم یغنيا عنهما من الله شیئاً

بی منطقی مخالفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۳ - ۳

۳ - مخالفان نوح ، بهبانه جویانی فاقد خرد و توان کافی ، برای فهم رسالت تبلیغی او

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأردلون .. إن حسابهم إلا على ربی لو تشعرون

بینات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۱

۱ نوح (ع) برخوردار از معجزه و دلیلی روشن ، بر پیامبری خویش

قال يقوم أرى إني كنت علي بينه

قابل ذکر است که <أرى إني> به معنای <أخبرونی> است و مفعول آن جمله <أنلزمكموها> است و این هر دو

به منزله جواب شرط <إن كنت ..> می باشد و تقدیر جمله چنین است <إن كنت علی بیته ... فاخبرونی أنلزمكموها>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۱

۱۱- رسولان الهی با دلایل و براهین روشن در میان اقوام مختلف و از جمله قوم نوح ، عاد و ثمود ، مبعوث شدند .

جاءتهم رسلهم بالبینت

بینش پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۲

۲ فرزند نوح ، مأوا گرفتن در کوه را مایه نجات از حادثه طوفان می پنداشت .

قال سأوی إلى جبل يعصمني من الماء

<أوی> (مصدر آوی) به معنای رجوع کردن و منضم شدن و جای گرفتن است و <عصمه> (مصدر يعصم) به معنای منع کردن و بازداشتن است. بنابراین <سأوی ...> یعنی ، به زودی به کوهی می روم که مرا از [خطر] این آب باز دارد.

پاداش شکرگزاری نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۹

۹- نجات نوح (ع) و همراهان او ، پاداش عبودیت و شکرگزاری مداوم وی بود .

ذریه من حملنا مع نوح إنه كان عبداً شكوراً

<ذریه ..> اشاره به نجات همراهان نوح(ع) از غرق شدن دارد و جمله <إنه كان عبداً شكوراً> می تواند تعلیل برای آن نجات باشد ، یعنی ، چون حضرت نوح(ع) عبودی شاکر بود، او و همراهانش را نجات بخشیدیم.

پاداش عبودیت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٠ - اسراء - ١٧ - ٣ - ٩

٩- نجات نوح)

ع) و همراهان او، پاداش عبودیت و شکرگزاری مداوم وی بود.

ذَرِيهٍ مِنْ حَمَلِنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا

<ذَرِيهٍ . . . > اشاره به نجات همراهان نوح(ع) از غرق شدن دارد و جمله <إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا> می تواند تعلیل برای آن نجات باشد؛ یعنی، چون حضرت نوح(ع) عبدی شاکر بود، او و همراهانش را نجات بخشیدیم.

پاداش نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۱۱

۱۱ کثرت انبیا(ع) از نسل نوح، پاداش نیل او به مقام نیکوکاران است.

و نوحا هدینا من قبل و من ذریته . . . و كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۳

۳ - اجابت دعا، نجات از مشکلاتِ اندوه بار، باقی ماندن نسل و نام نیک و تحیت الهی، از پاداش های خداوند به حضرت نوح(ع)

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون . . . سلم علی نوح فی العلمین . إنا كذلك نجزي ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۳

۳ - نجات نوح(ع) و حمایت خداوند از ایشان، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعيننا جزاء لمن كان كفر

مراد از <لمن كان كفر> نوح است که مورد کفران مستمر قومش قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

پایان طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ -

۲ پس از حادثه طوفان نوح و غرق شدن کفرپیشگان ، آسمان از ناحیه خداوند فرمان یافت تا از بارش باز ایستد .

فكان من المغرقين. و قيل ... يسماء أقلعي

اقلاع (مصدر أقلعي) به معنای خودداری کردن است. مراد از خودداری کردن آسمان به قرینه مقام قطع باران می باشد.

۴ با فرمان الهی به آسمان و زمین ، آب ها کاسته شد ، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات ، به سلامت بر کوه جودی مستقر گردید .

و غيض الماء و قضی الأمر واستوت علی الجودی

۹ > عن أبي عبدالله (ع) ... أمر الله الأرض أن تبلع مائها و هو قوله < و قيل يا أرض ابلعي مائك ... > . . . فبلعت الأرض ماءها فأراد ماء السماء أن يدخل في الأرض فامتنعت الأرض من قبولها و قالت : إنما أمرني الله عز و جل أن أبلع مائي فبقى ماء السماء على وجه الأرض و استوت السفينه على جبل الجودی و هو بالموصل جبل عظيم ، فبعث الله جبرئيل فساق الماء إلى البحار حول الدنيا . . . ;

[در مورد طوفان نوح] از امام صادق(ع) روایت شده است که: خداوند به زمین فرمان داد تا آب خود را فرو برد و این سخن خداست که فرمود: <... یا أرض ابلعی مائك...>... پس زمین آب خود را فرو برد. آبی که از آسمان آمده بود خواست در زمین فرو رود، زمین از قبول آن امتناع کرد و گفت: خدای عزوجل مرا فرمان داده فقط آب خود را فرو ببرم، پس آب آسمان

روی زمین باقی ماند و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و آن کوه بزرگی است در موصل. پس خداوند جبرئیل را برانگیخت و او آنها را به دریاهاى اطراف دنیا سوق داد...>

۱۱ > عن أبى عبدالله (ع) . . . قال الله تعالى للأرض : > ابلعى ماءك < فبلعت ماءها من مسجد الكوفة كما بدأ الماء منه و تفرّق الجمع الذى كان مع نوح فى السفينه . . . >

از امام صادق(ع) روایت شده که خداوند [در طوفان نوح] به زمین گفت: > آب خود را فرو ببر<. زمین آب خود را از مسجد کوفه فرو برد، همان گونه که از آن جا هم آغاز به بیرون آمدن کرده بود و گروهی که با نوح در کشتی بودند متفرق شدند...>

۱۲ > عن الصادق (ع) انه قال : يوم النيروز هو اليوم الذى استوت فيه سفينه نوح (ع) على الجودی >

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: روز نوروز روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی استقرار یافت.>

پسر نوح(ع) قبل از طوفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ فرزند نوح ، تا زمان حادثه طوفان نه در صف مؤمنان بود و نه در زمره کافران . *

نادی نوح ابنه و کان فى معزل بینى اربک معنا و لاتکن مع الکفرین

برخی برآنند که مراد از کنار بودن فرزند نوح (و کان فى معزل)، کنارگیری وی از صف مؤمنانو جبهه کافران است؛ یعنی، نه ایمان آورده بود ، و نه اظهار تکذیب می کرد.

پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۹

۹ نوح (ع) به ایمان آوردن فرزندش امیدوار بود و آن را محتمل می شمرد .

بینی اركب معنا و لاتكن مع الكفرین

پسر نوح(ع) و کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۵،۶

۵ فرزند نوح ، به هنگام حرکت کشتی ، با فاصله ای نسبتاً دور از کشتی بسر می برد .

و نادى نوح ابنه و كان فى معزل

متعلق <معزل> آیه و یا الفلک می باشد. بنابراین <و كان ...> یعنی ، فرزند نوح در کناری و به دور از پدرش یا کشتی بسر می برد.

۶ فرزند نوح ، علی رغم مشاهده دریایی از آب خروشان ، از همراهی با نوح (ع) و سوار شدن بر کشتی نجات ، کناره گرفت .

و هی تجرى بهم فى موج كالجبال و نادى نوح ابنه و كان فى معزل

وقوع جمله <و نادى نوح> پس از <هی تجرى بهم ...> گویای این است که گفتوگوی حضرت نوح(ع) با فرزندش، پس از بالا آمدن آب و حرکت کشتی بوده است جمله و <حال بینهما الموج> در آیه بعد مؤید این معنا می باشد. قابل ذکر است که برخی از مفسران، جمله <نادى نوح ...> را عطف بر <قال اركبوا ...> دانسته و گفته اند: گفتوگوی یاد شده، پیش از حادثه طوفان و بالا آمدن آب بوده است.

پسر نوح(ع) هنگام طوفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ -

۶ فرزند نوح ، علی رغم مشاهده دریایی از آب خروشان ، از همراهی با نوح (ع) و سوار شدن بر کشتی نجات ، کناره گرفت

و هی تجری بهم فی موج کالجبال و نادى نوح ابنه و کان فی معزل

وقوع جمله <و نادى نوح> پس از <هی تجری بهم...> گویای این است که گفتوگوی حضرت نوح(ع) با فرزندش، پس از بالا آمدن آب و حرکت کشتی بوده است جمله و <حال بینهما الموج> در آیه بعد مؤید این معنا می باشد. قابل ذکر است که برخی از مفسران، جمله <نادى نوح...> را عطف بر <قال اركبوا...> دانسته و گفته اند: گفتوگوی یاد شده، پیش از حادثه طوفان و بالا آمدن آب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ امواج سهمگین طوفان ، فرزند نوح را پیش از آنکه به کوهی پناه برد ، در خود فرو برد و هلاک کرد .

و حال بینهما الموج فکان من المغرقین

پشیمانی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۷

۷ نوح (ع) ، با پی بردن به نادرستی تقاضای خود (نجات فرزندش) خواهان آمرزش و رحمت الهی شد .

إلا تغفر لی و ترحمنی أکن من الخسرین

پناهگاه پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ > صفوان بن مهران الجمال عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : سار

و أنا معه فى القادسيه حتى أشرف على النجف فقال : هو الجبل الذى اعتصم به ابن جدى نوح عليه السلام فقال : < سأوى إلى جبل يعصمنى من الماء > ... فغار فى الأرض ... ;

صفوان بن مهران جمال از امام صادق(ع) نقل می کند و می گوید: من با امام صادق(ع) در سرزمین قادسیه همراه بودم تا به نجف نزدیک شد؛ پس فرمود: نجف جای کوهی است که فرزند جدم نوح به آن پناهنده شد و گفت: <سأوى إلى جبل يعصمنى من الماء > .. پس آن کوه در زمین فرو رفت...<.

پناهندگی پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۲،۴

۲ فرزند نوح ، مأوا گرفتن در کوه را مایه نجات از حادثه طوفان می پنداشت .

قال سأوى إلى جبل يعصمنى من الماء

<أوى> (مصدر آوى) به معنای رجوع کردن و منضم شدن و جای گرفتن است و <عصمه> (مصدر يعصم) به معنای منع کردن و بازداشتن است. بنابراین <سأوى ...>؛ یعنی ، به زودی به کوهی می روم که مرا از [خطر] این آب باز دارد.

۴ نوح (ع) ، فرزندش را از بی ثمر بودن صعود بر کوه و منحصر بودن راه نجات در بهره جستن از امداد الهی ، آگاه ساخت .

لاعاصم اليوم من أمر الله إلا من رحم

پیاده شدن پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱

۱ خداوند ، پس از استقرار کشتی نوح بر کوه جودی ، به او و همراهانش فرمان

داد تا از کشتی پیاده شوند و از کوه فرود آیند .

واستوت علی الجودی ... قیل ینوح اهبط

<هبوط> به معنای فرود آمدن است. متعلق <اهبط> به قرینه <استوت علی الجودی> کشتی و نیز کوه جودی است؛ یعنی: أنزل من الفلک و من الجودی ... نیاوردن متعلق، دلیل این شمول است. فاعل محذوف <قیل> به قرینه <منا> خداوند است.

پیاده شدن نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱

۱ خداوند ، پس از استقرار کشتی نوح بر کوه جودی ، به او و همراهانش فرمان داد تا از کشتی پیاده شوند و از کوه فرود آیند .

واستوت علی الجودی ... قیل ینوح اهبط

<هبوط> به معنای فرود آمدن است. متعلق <اهبط> به قرینه <استوت علی الجودی> کشتی و نیز کوه جودی است؛ یعنی: أنزل من الفلک و من الجودی ... نیاوردن متعلق، دلیل این شمول است. فاعل محذوف <قیل> به قرینه <منا> خداوند است.

پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۴

۴ گروهی از قوم نوح ، به آن حضرت ایمان آورده و از او پیروی کردند .

و ما نریک اتباعک إلا الذین هم أراذلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۳ - ۱،۳

۱ - ابراهیم (ع) ، از شیعیان و پیروان نوح پیامبر

و لقد نادینا نوح ... و إن من شیعتہ لإبرهیم

<شيعه>، به معنای گروهی است که تابع رئیس خود باشند.

۳ - تداوم خط فکری و مکتبی نوح (ع)

(، از سوی ابراهیم (ع) و اشتراک دین آنان در اصول و مبانی

و إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ

پیروان نوح(ع) از متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۵

۱۵ نوح (ع) و پیروان او ، از تقوایندگان و بهره مند از فرجامی نیک

تلك من أنباء الغيب .. فاصبر إن العقبه للمتقين

پیروان نوح(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۱

۱ پیروان نوح ، پس از شروع طوفان و در پی فرمان او ، به کشتی سوار شدند .

و قال اركبوا فيها .. و هي تجري بهم

جمله <...> عطف بر جمله ای مقدر است که به خاطر وضوح و اختصار در کلام ذکر نشده است؛ یعنی: فرکبوا
فیها و هی تجری بهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۲

۲ - نوح (ع) و جمعی از مردم مؤمن به وی ، در واقعه طوفان ، بر کشتی سوار شدند .

فأخذهم الطوفان .. فأنجينه و أصحاب السفينه

پیروان نوح(ع) و استهزاهای قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ تمسخر و استهزای کفرپیشگان ، هرگز نوح (ع) و پیروانش را از اجرای فرمان خدا باز نداشت .

و يصنع الفلك و كلما مرّ عليه مألأمن قومه سخروا منه

پیروان نوح(ع) و حقارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ حقارت و پستی مؤمنان به نوح (ع) ، امری آشکار و روشن در نظر اشراف و سران قوم نوح

ما نریک اتباعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی

برداشت فوق، براساس این احتمال است که <بادی الرأی> ظرف برای مضمون جمله <هم أراذلنا> باشد؛ یعنی ، در یک نگاه ظاهری می توان دریافت که پیروان تو، مردمی پست و حقیرند.

پیروزی پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ پیروزی نوح (ع) و یارانش بر مخالفان ، نشان و دلیلی بر غلبه نهایی تقوایندگان مقاوم و صبور ، بر کفرپیشگان است .

تلك من أنباء الغیب . . فاصبر إن العقبه للمتقین

پیروزی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ پیروزی نوح (ع) و یارانش بر مخالفان ، نشان و دلیلی بر غلبه نهایی تقوایندگان مقاوم و صبور ، بر کفرپیشگان است .

تلك من أنباء الغیب . . فاصبر إن العقبه للمتقین

پیشگامی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذالكفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد آتینا موسی و هرون . . یحیی ... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا مبتنی بر این است که

ضمیرهای جمع در جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۳ - ۴

۴ - نوح (ع) ، پیشتاز و مقتدای حرکت توحیدی در میان پیامبران الهی

و إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ

پیرو بودن ابراهیم(ع) با آن که خود از انبیای بزرگ بود و نیز وجود پیامبرانی چون هود و صالح(ع) پیش از آن حضرت، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد. گفتنی است معنای لغوی <شیعه> (گروه پیرو رئیس خود) مؤید برداشت بالا است.

پیشگویی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۹

۹ نوح (ع) در پاسخ استهزاگران ، آنان را از آینده ای درخور استهزا و در پی دارنده تمسخر خبر داد .

إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۹ - ۱

۱ نوح (ع) ، به کفرپیشگان قومش اعلام کرد که به عذاب دنیوی و اخروی ، گرفتار خواهند شد .

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مِنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ

با توجه به تکرار کلمه <عذاب> و توصیف عذاب دوم به همیشگی بودن، می توان گفت: مراد از <عذاب یخزیه>، عذاب دنیوی و مقصود از <عذاب مقیم>، آتش دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۱۵

حضرت نوحاً (ع) الوفاه دعا الشيعه فقال لهم : إعلموا أنه ستكون من بعدى غيبه تظهر فيه الطواغيت و أن الله عزوجل يفرج عنكم بالقائم من ولدى اسمه هود . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: هنگامی که وفات نوح فرارسید، پیروانش را فرا خواند و فرمود: بدانید همانا به زودی بعد از من غیبتی خواهد بود که در آن طاغوتها پدید می آیند و خدای عزوجل بهوسیله فردی قیام کننده از نسل من، که نام او هود است، برای شما گشایش پدید می آورد. <..>

تأیید نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۳

۳ نوح (ع) ، در ساخت کشتی مؤید به مراقبت و محافظت همه جانبه خداوند بود .

واصنع الفلک بأعیننا

<عین> به معنای چشم و در آیه شریفه کنایه از مراقبت و محافظت می باشد. جمع آوردن آن (أعین) برای مبالغه و رساندن کمال مراقبت است و <بأعیننا> حال برای فاعل <اصنع> می باشد. بنابراین <واصنع الفلک بأعیننا>؛ یعنی، آن کشتی را بساز در حالی که قرین محافظت و مراقبت کامل ما (خداوند) هستی.

تاریخ دوران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۱ - ۵

۵ مردمان عصر نوح (ع) پیرو اشراف و بزرگان قوم خویش و تحت تأثیر موضعگیری های آنان بودند .

قال الملأ . . قال یقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۴

۴ اشراف قوم نوح به دلیل نامعقول شمردن پیامبری برای فردی

از بشر، رسالت وی را انکار کردند .

إنا لنريك في ضلل مبين .. أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۲

۲ - مردم در عصر بعثت نوح (ع)، مردمی مشرک و بت پرست و دارای چند معبود بودند .

وقالوا لا تذرنا الهتكم ولا تذرنا ودا .. و نسرًا

تاریخ نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۹ - ۹

۹ فاصله زمانی میان عصر شعیب با عصر نوح، هود و صالح (ع) زیاد بوده است .

مثل ما أصاب قوم نوح أو قوم هود أو قوم صلح و ما قوم لوط منكم ببعید

از اینکه شعیب(ع) از میان اقوام یاد شده تنها قوم لوط را به نزدیک بودن با مردم مدین (عصر خویش) توصیف کرد، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۱

۱- حضرت نوح (ع)، پیامبری که پیش از حضرت ابراهیم و لوط (ع) می زیست .

و نوحًا إذ نادى من قبل

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مراد از <من قبل> به قرینه آیات پیشین که در باره حضرت ابراهیم و لوط(ع) بود زمان قبل از حضرت ابراهیم و لوط(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۳ - ۴

مقتدای حرکت توحیدی در میان پیامبران الهی

و إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ

پیرو بودن ابراهیم(ع) با آن که خود از انبیای بزرگ بود و نیز وجود پیامبرانی چون هود و صالح(ع) پیش از آن حضرت، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد. گفتنی است معنای لغوی <شیعه> (گروه پیرو رئیس خود) مؤید برداشت بالا است.

تبلیغ پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ پیروان حضرت نوح ، یاوران او در ابلاغ رسالت و دعوت مردم به ایمان

أَنْزَلْنَا مَكْمُوهَا

برداشت فوق از صیغه جمع <نلزم> که شامل نوح و پیروانش می شود استفاده شده است.

تبلیغ علیه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۵ - ۲

۲ - تبلیغ اشراف ، مبنی بر دست برداشتن نوح (ع) از دعوت خود با گذشت زمان و بهبود یافتنش

بِهَ جَنَّةٍ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ

تبلیغ نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱۳، ۴، ۳، ۲

۲ نوح (ع) ، مبلغ پیام های الهی ، نه بازگوکننده نظریات شخصی خویش

أَبْلَغَكُمْ رِسْلَتِ رَبِّي

۳ نوح (ع) استواری خویش را در تبلیغ رسالت های الهی به مردم گوشزد کرد .

أبلغکم رسالت ربی

جمله <لکنی رسول .. > و نیز آیات قبل دلالت بر این معنا دارد که نوح(ع) مبلغ رسالت های الهی است. بنابراین توصیف رسول به جمله <أبلغکم ... > هدف دیگری را تعقیب می کند و بیانگر نکته ای جدید است و آن اینکه وی بر ابلاغ

رسالت‌های الهی اصرار خواهد ورزید و بر آن پافشاری خواهد کرد.

۴ اعتقاد راسخ نوح (ع) به ربوبیت خدا بر وی، موجب استواریش در تبلیغ رسالت‌های الهی بود.

و لکنی رسول من رب العلمین. أبلغکم رسلت ربی

حضرت نوح(ع) برای اینکه اشاره به علت پایداریش بر ابلاغ رسالت کند، به جای آوردن ضمیر و گفتن <رسالاته>، <رسلت ربی> گفت.

۱۳ آگاهی نوح (ع) به حقایق از جانب خدا، از عوامل پایداری وی در تبلیغ رسالت‌های الهی و خیرخواهی خالصانه برای مردم

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم و أعلم من الله ما لا تعلمون

به نظر می‌رسد جمله <أعلم من الله ..> به منزله تعلیلی باشد برای <أبلغکم> و <أنصح لکم>. یعنی آگاه بودن من بر حقایق پوشیده بر شما مرا در ابلاغ رسالت‌های الهی پایداری می‌سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۵ - ۳

۳ نوح (ع) پس از انتخابش به رسالت، پیامبری خویش را به مردم اعلام کرد.

إنی لکم نذیر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۲،۷

۲ دعوت به یکتاپرستی، در رأس برنامه تبلیغی حضرت نوح (ع) بود.

إنی لکم نذیر مبین. أن لا تعبدوا إلا الله

۷ اعلام برپایی روز قیامت و وجود عذابهایی دردناک در آن روز، از رسالت‌های حضرت نوح (ع)

إنی أخاف علیکم عذاب یوم ألیم

مراد از <یوم> می‌تواند روز قیامت باشد و می‌تواند مقصود از آن زمان حادثه طوفان باشد. برداشت

فوق ناظر به احتمال اول است. گفتنی است که توصیف <یوم> به <ألیم> به اعتبار عذاب آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱،۴

۱ نوح (ع) به مردم اعلام کرد که: در برابر ابلاغ رسالت، کمترین مالی از آنان درخواست نخواهد کرد.

يقوم لأستلکم علیه مالاً

مراد از ضمیر در <علیه> پیامبری و ابلاغ رسالت است. کلمه <مالاً> نکره است و چون پس از نفی (لأستلکم) قرار گرفته است، دلالت بر عموم دارد؛ یعنی، هیچ مالی و کمترین پاداشی.

۴ نوح (ع) به قوم خویش اعلام کرد که پاداش رسالتش تنها بر عهده خداوند است.

إن أجری إلا علی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۳

۳ - تأکید نوح (ع) بر امانت داری خویش در تبلیغ پیام الهی

إنی لکم رسول أمين

برداشت یاد شده بر این اساس است که واژه <أمین> از ریشه <أمانه> مشتق شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۶ - ۱

۱ - تهدید جدی نوح (ع) از سوی اشراف و رفاه طلبان قومش، مبنی بر سنگسار شدن در صورت دست برداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته ینوح لتکونن من المرجمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲ - ۴

۴ - اخطار و روشنگری ، قلمرو رسالت نوح (ع)

إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

تحدی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۹

۹ حضرت نوح (ع) ، قومش را بر قتل خود تحدی کرد و عدم توانایی آنان را بر انجام این کار ، شاهد درستی ادعای نبوت خود ، اعلام نمود .

إن كان كبر عليكم مقامى .. فأجمعوا أمركم ... و لا تنظرون

جمله <فعلى الله توكلت> بیانگر شکست ناپذیری حضرت نوح (ع) به علت متکی بودنش به قدرت لایزال الهی و جمله <أجمعوا أمرکم و شرکاءکم> بیان ناچیزی قدرت قومش می باشد.

تحقیق پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۸

۸ - تحقیر شدید پیروان نوح از سوی اشراف کافر

قالوا .. و اتبعك الأردلون

تحولات انسان ها پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۱۵

۱۵ پیدایش تکامل در اندام و نیروی جسمی انسان ها ، پس از طوفان نوح *

من بعد قوم نوح و زادکم فى الخلق بصطه

تخته های کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۳،۴

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و

میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

۴ - کشتی نوح ، دارای شکلی ابتدایی و تشکیل شده از مشتی تخته و میخ *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

از تعبیر <ذات ألواح و دسر> نوعی کوچک نمایی و ناچیزشماری کشتی حضرت نوح استفاده می شود. این گفتار درصدد تبیین این جهت است که اگر نوح(ع) نجات یافت، با حمایت و لطف خداوند بود نه در پرتو استحکام کشتی او؛ زیرا این کشتی تاب مقاومت در برابر آن طوفان سهمگین را نداشت.

تداوم دعوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۰ - ۲

۲ - نوح پیامبر ، مردم را به رغم مخالفت طولانی آنان ، به سوی توبه و بازگشت از راه باطل و روی آوری به خدای غفار تشویق و ترغیب می کرد .

فقلت استغفروا ربکم إنه کان غفّارًا

فراخواندن به استغفار، در حقیقت دعوت به توبه و بازگشت از راه باطل گذشته است.

تداوم دین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۳ - ۳

۳ - تداوم خط فکری و مکتبی نوح (ع) ، از سوی ابراهیم (ع) و اشتراک دین آنان در اصول و مبانی

و إنّ من شیعتہ لإبرهیم

تداوم شکرگزاری نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- عبودیت و شکرگزاری زیاد و مداوم به درگاه خدا ، از ویژگی های

مهم حضرت نوح (ع) بود .

إنه كان عبداً شكوراً

از میان اوصاف گوناگون حضرت نوح(ع) تنها عبودیت و سپاسگزاری او را یادآور شد و این بیانگر برجستگی آن دو صفت در آن حضرت است. گفتنی است تداوم عبودیت و شکرگزاری از جمله اسمیه <إنه كان...> که دلالت بر ثبوت و استمرار دارد استفاده می شود.

تداوم عبودیت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۸

۸- عبودیت و شکرگزاری زیاد و مداوم به درگاه خدا ، از ویژگی های مهم حضرت نوح (ع) بود .

إنه كان عبداً شكوراً

از میان اوصاف گوناگون حضرت نوح(ع) تنها عبودیت و سپاسگزاری او را یادآور شد و این بیانگر برجستگی آن دو صفت در آن حضرت است. گفتنی است تداوم عبودیت و شکرگزاری از جمله اسمیه <إنه كان...> که دلالت بر ثبوت و استمرار دارد استفاده می شود.

تشویقهای نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۴ - ۱۳

۱۳ - تشویق و ترغیب شدن مردم از سوی حضرت نوح (ع) ، به کسب دانش و شناخت حقایق و معارف الهی

لو کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۰ - ۲

۲ - نوح پیامبر ، مردم را به رغم مخالفت طولانی آنان ، به سوی توبه و بازگشت از راه باطل و روی آوری به خدای غفار تشویق و ترغیب می کرد .

فقلت استغفروا ربكم إنه كان غفارًا

فراخواندن به استغفار، در حقیقت دعوت به توبه و

بازگشت از راه باطل گذشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۵ - ۷

۷- نوح (ع)، قوم خود را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی و مبدأ آفرینش جهان، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و تحریض می کرد.

ألم تروا كيف خلق الله سبع سموت طباقاً

تعبیر <ألم تروا كيف..>، می تواند برای تشویق و تحریض ادا شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۶

۶- نوح (ع)، قومش را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی آفرینش ماه و خورشید، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و تحریض می کرد.

ألم تروا كيف .. و جعل القمر فيهنّ نوراً و جعل الشمس سراجاً

تعالیم نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۷

۷ پیامبری نوح (ع) و معارف ارائه شده از سوی وی، از آیات خداوند

فكذبوه .. و أغرقنا الذين كذبوا بآيتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۹

۹ پاسخ نوح (ع) به عذاب طلبی کفرپیشگان، پاسخی آمیخته با درس توحید و خداشناسی بود.

فأتنا بما تعدنا .. قال إنما يأتیکم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۴

۴ - احساس خطر اشراف ، از

پیام توحیدی نوح (ع)

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره فقال الملؤا الذين كفروا من قومه ما هذا إ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۳ - ۳

۳ - نوح (ع) ، دارای تعالیم و رهنمودهایی الزامی ، جدا از وحی الهی به ایشان

و أطيعون

برداشت یاد شده، از جدا آمدن فرمان <أطيعون> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۰ - ۳،۷

۳ - بیان اوصاف خداوند ، همچون غفار بودن او ، بخشی از رهنمود های نوح (ع)

إنه كان غفَّارًا

۷ - استغفار و آمرزش خواهی از درگاه خداوند ، از رهنمود های مؤکد و مکرر نوح (ع)

يغفر لكم من ذنوبكم .. دعوتهم لتغفر لهم ... فقلت استغفروا ربكم إنه كان غفَّارًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۷

۷ - تبیین فواید ایمان و دین داری ، از سوی نوح (ع) برای مردم

استغفروا ربكم .. يرسل السماء عليكم مدرارًا . و يمددكم بأمول و بنين ... و يجعل

تعدد رسالت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱

۱ نوح (ع) ، پیامبری از جانب خداوند و حامل رسالت های متعدد

أبلغكم رسلت ربي

تعلیم دعا به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۶

۶ - تعلیم روش دعا به نوح (ع)

(از سوی خدا

فقل الحمد لله . . . و قل رب أنزلى منزلاً مباركاً و أنت خير المنزلين

تقرب نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۱ - ۲

۲ - نوح پیامبر، از بندگان برجسته و مقرب خداوند

إنه من عبادنا

برجسته و مقرب بودن نوح(ع)، از اضافه <عباد> به ضمیر جلاله <نا> به دست می آید.

تکذیب نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۶

۶ - < از جنس بشر بودن نوح (ع) > دستاویز اشراف کافر در انکار رسالت آن حضرت

فقال الملأؤا . . . ما هذا إلا بشر مثلكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۵

۵ - رسالت حضرت نوح (ع) ، مورد تکذیب و انکار مردم قرار گرفت .

جزاء لمن كان كافر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <کفر> در این آیه چنان که مفسران نیز گفته اند به معنای انکار باشد.

تکذیب نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ اکثریت عمده قوم نوح (ع) وی را تکذیب کردند و یگانگی خداوند، معاد و رسالت را باورهای دروغین پنداشتند.

فکذبوه

از اینکه خداوند تکذیب نوح(ع) را به همگان نسبت داده (فکذبوه)، در حالی که عده ای از آنان، یعنی همراهانش در کشتی، رسالت وی را تصدیق کردند، معلوم می شود نسبت مؤمنان به کافران بسیار اندک بوده است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۲

۲ - نوح (ع) ، تقاضامند یاری خدا در برابر تکذیب گری های قومش

قال رب انصرنی بما کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۷

۷ - قوم نوح ، پیام الهی نوح (ع) را نپذیرفتند و بر شرک خود پایبند ماندند .

و لقد أرسلنا نوحًا إلی قومه .. فأخذهم الطوفان

<فاء> در <فأخذهم> برای فصاحت است و دلالت بر حذف جمله ای می کند و آن، به قرینه ارسال نوح(ع) می تواند <عدم قبول> و یا <تکذیب> و مانند آن باشد.

تکذیبگری اقوام پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۲

۲ - اقوام و ملت های پس از قوم نوح ، پیامبران الهی را تکذیب کردند .

کذبت .. و الأحزاب من بعدهم

تکفل همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۳

۳ - همسران نوح و لوط پیامبر ، تحت سرپرستی و حمایت آن دو پیامبر قرار داشتند .

کانتا تحت عبدین من عبادنا

برداشت یاد شده، از تعبیر <تحت عبدین> استفاده شده است.

تکلیف پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱

۱ خداوند ، پس از استقرار کشتی نوح بر کوه جودی ، به او و همراهانش فرمان داد تا از کشتی پیاده شوند و از کوه فرود آیند .

واستوت علی الجودی .. قیل ینوح اهبط

<هبوط>

به معنای فرود آمدن است. متعلق <اهبط> به قرینه <استوت علی الجودی> کشتی و نیز کوه جودی است؛ یعنی: آنزل من الفلک و من الجودی ... نیاوردن متعلق، دلیل این شمول است. فاعل محذوف <قیل> به قرینه <منا> خداوند است.

تکلیف نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱

۱ خداوند ، پس از استقرار کشتی نوح بر کوه جودی ، به او و همراهانش فرمان داد تا از کشتی پیاده شوند و از کوه فرود آیند .

واستوت علی الجودی ... قیل ینوح اهبط

<هبوط> به معنای فرود آمدن است. متعلق <اهبط> به قرینه <استوت علی الجودی> کشتی و نیز کوه جودی است؛ یعنی: آنزل من الفلک و من الجودی ... نیاوردن متعلق، دلیل این شمول است. فاعل محذوف <قیل> به قرینه <منا> خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۳

۳ - نوح (ع) ، مأمور ساختن کشتی تحت نظارت و هدایت خداوند

أن اصنع الفلک بأعیننا و وحینا

تنزیه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۱ - ۴، ۳، ۱

۱ نوح با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشان را از هر گونه گمراهی مبرا دانست .

قال یقوم لیس بی ضلله

مخاطب قرار دادن مردم با <یا قوم> (ای مردم من) دلالت بر اظهار مهربانی نوح نسبت به قوم خود دارد. نکره بودن کلمه <ضلله> پس از نفی دلالت بر عموم دارد. بنابراین <لیس بی ضلله> یعنی حتی اندکی گمراهی در من نیست.

نوح (ع) با اعلان دریافت سخنان خویش از خداوند، خود را پیراسته از هر گونه گمراهی خواند.

لیس بی ضلله و لکنی رسول من رب العلمین

۴ نوح (ع) و دیگر رسولان الهی، دارای عصمت و مبرا از هر گونه گمراهی

لیس بی ضلله و لکنی رسول من رب العلمین

جمله <لکنی رسول...> به منزله تعلیلی است برای تبرئه نوح از هر گونه گمراهی. بنابراین جمله <لیس بی ضلله> به همراه <و لکنی...> علاوه بر عصمت نوح، دلالت بر عصمت تمامی رسولان الهی دارد.

تنور قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۲۱، ۲۰، ۴۵

۴ جوشش شدید آب از تنوری خاص، پس از فرمان الهی به نزول عذاب بر قوم نوح

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ

<تَنُّور> که در فارسی بدون تشدید تلفظ می شود جایی است که در آن نان پخته می شود. فوران (مصدر فار) به معنای بیرون آمدن و جوشش کردن است. اسناد جوشش به تنور همانند <جری المیزاب> حاکی از فوران شدید آب است. <ال> در <التَّنُّور> عهد ذهنی است و از آن تنوری خاص اراده شده است.

۵ جوشش آب از تنور، علامت و سرآغازی برای حادثه طوفان نوح بود.

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ

۲۰ > عن أبي جعفر (ع) قال [في وصف مسجد الكوفة]: ... و منه فار التَّنُّور ...

از امام باقر(ع) روایت شده است که [در وصف مسجد کوفه] فرمود: ...

از مسجد کوفه تنور فوران کرد...>

۲۱ > عن أبي عبدالله (ع) قال : جاءت إمراه نوح إليه و هو يعمل السفينه فقالت له : إن التّنور قد خرج منه ماء فقام إليه مسرعاً حتى جعل الطبق عليه فختمه بخاتمه فقام الماء ، فلما فرغ نوح من السفينه جاء إلى خاتمه ففضّه و كشف الطبق ففار الماء ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همسر نوح درحالی که شوهرش مشغول ساختن کشتی بود، به نزد او آمد و گفت: تنور آب درآورده. نوح با سرعت بر سر تنور رفت و سرپوشی بر روی آن گذاشت و با مهر خود آن را ممهور کرد. پس آب ایستاد. هنگامی که از ساختن کشتی فارغ شد مهر خود را شکست و سرپوش را کنار زد؛ پس آب فوران کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۶،۷

۶ - فوران آب از تنور ، نشان صدور فرمان خدا و شروع طوفان نوح (ع) بود .

فإذا جاء أمرنا و فار التّنور

عبارت <فارتّنور>، عطف تفسیری است برای <جاء أمرنا>.

۷ - تنوری که فوران آب از آن نشانه در رسیدن عذاب بر قوم نوح بود از پیش تعیین شده بود .

فإذا جاء أمرنا و فار التّنور

<ال> در <التّنور> برای عهد ذهنی است. بنابراین <التّنور> یعنی، آن تنور.

توحید عبادی در شریعت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۹

۱۹ - > عن أبي جعفر (ع) قال : كانت شریعه نوح أن یعبد الله بالتوحید . . .

فلبث فيهم ألف سنة إلا خمسين عاماً يدعوهم سرّاً وعلانية . . . فأوحى الله عزّوجلّ إليه : أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا تتأس بما كانوا يفعلون < فلذلك قال نوح : > ولا يلدوا إلا فاجراً كفاراً < و أوحى الله إليه > أن اصنع الفلك < ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:.. شریعت نوح آن بود که خدا به یکتایی پرستش می شد... پس نوح(ع) در بین قوم خویش ۹۵۰ سال توقف کرد و آنها را آشکار و پنهان به خدا دعوت نمود... سپس خداوند عزّوجلّ به او وحی فرستاد: <أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا تتأس بما كانوا يفعلون> و به همین خاطر نوح گفت: <ولا يلدوا إلا فاجراً كفاراً> و خداوند به نوح وحی کرد: <أن اصنع الفلك>.

توحید نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ حضرت نوح (ع) همراه با اعلان تحدی ، خدا را تنها کانون قدرت و معبود های قومش را شرکایی ساختگی و فاقد هر گونه توانایی اعلام کرد .

يقوم إن كان كبر . . فعلى الله توكلت فأجمعوا أمرکم و شرکاء کم ... و لا تنظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۹

۹ پاسخ نوح (ع) به عذاب طلبی کفرپیشگان ، پاسخی آمیخته با درس توحید و خداشناسی بود .

فأتنا بما تعدنا . . قال إنما يأتیکم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزین

توصیه به نوح(ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۱

۱ - روی آوردن به حمد و ستایش الهی ، پس از استقرار در کشتی ، رهنمود خداوند به نوح (ع)

فإذا استويت .. فقل الحمد لله

<إستواء> (مصدر <استویت>) به معنای قرار گرفتن و استقرار یافتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۱

۱ - روی آوردن به دعا پس از استقرار یافتن در کشتی و درخواست فرود آمدن در جایی پر برکت ، رهنمود دیگر خداوند به نوح (ع)

فإذا استويت .. فقل الحمد لله ... و قل رب أنزلني ... و أنت خير المنزلين

واژه <رب> مشترک لفظی میان مصدر (تربیت کردن) و وصف (مربی و تربیت کننده) است که در این جا معنای وصفی دارد. <منزل> می تواند مصدر میمی به معنای انزال باشد و نیز می تواند اسم مکان به معنای منزلگاه و مهمان سرا باشد.

توصیه های نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۴

۴ اتکا به مغفرت و رحمت خدا برای نجات از حادثه طوفان ، توصیه نوح (ع) به پیروان خویش

قال اركبوا فيها .. إن ربی لغفور رحیم

نوح(ع) با یادآوری مغفرت و رحمت الهی ، پس از فرمانش مبنی بر سوار شدن به کشتی ، درصدد بیان این حقیقت بود که کشتی تنها یک وسیله است و آنچه تأمین کننده نجات می باشد شمول مغفرت و رحمت الهی است.

توقف کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره -

۹ > عن أبي عبدالله (ع) ... أمر الله الأرض أن تبتلع مائها و هو قوله < و قيل يا أرض ابلعي مائك ... > . . . فبلعت الأرض ماءها فأراد ماء السماء أن يدخل في الأرض فامتنعت الأرض من قبولها و قالت : إنما أمرني الله عز و جل أن أبلع مائي فبقى ماء السماء على وجه الأرض و استوت السفينه على جبل الجودي و هو بالموصل جبل عظيم ، فبعث الله جبرئيل فساق الماء إلى البحار حول الدنيا . . . ;

[در مورد طوفان نوح] از امام صادق(ع) روایت شده است که: خداوند به زمین فرمان داد تا آب خود را فرو برد و این سخن خداست که فرمود: < .. یا أرض ابلعی مائك ... >... پس زمین آب خود را فرو برد. آبی که از آسمان آمده بود خواست در زمین فرو رود، زمین از قبول آن امتناع کرد و گفت: خدای عزوجل مرا فرمان داده فقط آب خود را فرو ببرم، پس آب آسمان روی زمین باقی ماند و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و آن کوه بزرگی است در موصل. پس خداوند جبرئیل را برانگیخت و او آبها را به دریاهاى اطراف دنیا سوق داد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند ، پس از استقرار کشتی نوح بر کوه جودی ، به او و همراهانش فرمان داد تا از کشتی پیاده شوند و از کوه فرود آیند

واستوت علی الجودی ... قیل ینوح اهبط

<هبوط> به معنای فرود آمدن است. متعلق <اهبط> به قرینه <استوت علی الجودی> کشتی و نیز کوه جودی است؛ یعنی: أنزل من الفلک و من الجودی ... نیاوردن متعلق، دلیل این شمول است. فاعل محذوف <قیل> به قرینه <منا> خداوند است.

توکل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۸،۱۱

۸ حضرت نوح (ع) در برابر عناد و ستیزه جویی ها قومش ، تنها بر خداوند توکل داشت .

إن کان کبر علیکم مقامی .. فعلی الله توکلت

۱۱ حضرت نوح (ع) با توکل بر خداوند ، قومش را به مقابله همه جانبه با خود فراخواند .

فعلی الله توکلت فأجمعوا أمرکم و شرکاءکم ثم لا یکن أمرکم علیکم غمه ثم اقضوا إلی

تهدید نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۶ - ۱

۱ - تهدید جدی نوح (ع) از سوی اشراف و رفاه طلبان قومش ، مبنی بر سنگسار شدن در صورت دست برداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته ینوح لتکونن من المرجومین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۷ - ۲

۲ - نوح (ع) ، نگران تکذیب ارزش ها و تعالیم الهی از سوی مردم بود ؛ نه نگران تهدید خود او از سوی آنان .

قال رب إن قومی کذّبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شکوه نوح(ع) به درگاه خدا در پی تهدیدهای سخت مخالفان، از تکذیب گری

آنان بود نه از تهدیدهای آنها.

تهمت برتری طلبی به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۸

۸ - اشراف کافر ، نوح (ع) را به سلطه جویی و برتری طلبی متهم کردند .

یرید أن یتفضّل علیکم

<إرادة> (مصدر <یرید>) به معنای خواستن و <تفضّل> (مصدر <یتفضّل>) به معنای برتری جستن است / یعنی: <می خواهد بر شما برتری جوید>.

تهمت به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۱۱

۱۱ - طرد شدن نوح پیامبر (ع) ، از سوی قومش ، با دشنام و اتهام

و قالوا مجنون و ازدجر

برداشت یاد شده بر این احتمال است که <و ازدجر> به معنای <و ازدجره قومه> باشد.

تهمت جن زدگی به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۹

۹ - قوم نوح ، آن حضرت را به جنون و آسیب دیدگی از سوی جن متهم می کردند .

و قالوا مجنون و ازدجر

مفسران، عبارت <و ازدجر> را به معنای <ازدجره الجنّ> (جن ایشان را آزار رسانده است) گرفته اند.

تهمت جنون به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۵ - ۱

۱ - متهم شدن نوح (ع) ، از سوی اشراف قومش ، به نوعی دیوانگی و جنون

فقال الملوأ الذين كفروا .. إن هو إلا رجل به جنّه

<إن معادل مای نافیہ است / یعنی: <ما هو إلا رجل ..>. نکره آوردن <جنّه> نیز برای تنويع است. بنابراین

عبارت <به جنّه> یعنی، او گرفتار نوعی دیوانگی است. <تربّص> (مصدر <تربّصوا>) به معنای حلول چیزی را برای کسی، انتظار کشیدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۹

۹ - قوم نوح، آن حضرت را به جنون و آسیب دیدگی از سوی جن متهم می کردند.

و قالوا مجنون و ازدجر

مفسران، عبارت <و ازدجر> را به معنای <ازدجره الجنّ> (جن ایشان را آزار رسانده است) گرفته اند.

تهمت دروغگویی به پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ اشراف و سران قوم نوح، پیروان آن حضرت را در ادعای ایمان، به دروغ گویی متهم می کردند.

بل نزنکم کذبین

تهمت دروغگویی به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۱

۱ قوم نوح، نبوت او را با وجود شواهد و براهین صدق، نپذیرفته و آن حضرت را به دروغ گویی متهم کردند.

يقوم إن كان كبر عليكم مقامى . . . فإن توليتم فما سألتكم من أجر . . . فكذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۴

۱۴ اشراف قوم نوح، آن حضرت را در ادعای پیامبری به دروغ گویی متهم می کردند.

بل نزنکم کذبین

متهم کردن نوح و پیروانش به دروغ گویی بر حسب مدعی آنان است؛ یعنی، اتهام نوح به دروغ گویی در ارتباط با ادعای نبوت است و نسبت به پیروانش در ادعای ایمان می باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۸

۸ نوح (ع) ، در پندار ناروای کفرپیشگان قومش ، فردی دروغگو و ارائه کننده مطالب نادرست

إن كنت من الصادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۶

۶ - مردم ، هشدار عذاب را جدی نگرفتند و نوح (ع) را به دروغ گویی متهم ساختند .

قال رب انصرني بما كذبون

تهمت دنیاطلبی به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۳

۳ دستیابی به مال و دارایی مردم به بهانه پیامبری ، تحلیل نابخردانه سران و اشراف قوم نوح از ادعای نبوت و رسالت آن

حضرت

و يقوم لأستلکم علیه مالاً

از اینکه نوح(ع) در پاسخ به قوم خویش ، مطرح می سازد که کمترین مالی از آنان مطالبه نمی کند ، معلوم می شود که کفرپیشگان چنین اتهامی را متوجه او کرده بودند.

تهمت سلطه جویی به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۸

۸ - اشراف کافر ، نوح (ع) را به سلطه جویی و برتری طلبی متهم کردند .

یرید أن یتفصل علیکم

<إرادة> (مصدر <یرید>) به معنای خواستن و <تفضّل> (مصدر <یتفضّل>) به معنای برتری جستن است؛ یعنی: <می خواهد بر شما برتری جوید>.

تهمت ظاهری به پیروان نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ اشراف قوم نوح، ایمان توده های مستضعف را ایمانی سطحی و

برخاسته از خوش باوری و عدم تفکر می شمردند .

ما نریک اتبعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی

<بادی> از <بدو> و به معنای ظاهر است. <ظاهر الرأی> یعنی، دید سطحی و اندیشه خالی از تفکر و تأمل. <بادی الرأی> می تواند ظرف برای <اتبعک> باشد. براین اساس معنای جمله <مانریک...> چنین است: می بینیم که اراذل از تو پیروی کرده اند و پیروی آنان سطحی و بدون تأمل در درستی و نادرستی ادعای تو بوده است.

جادو پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۵۲

۵۲- از امام جعفر صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: <... و ما أنزل علی الملکین ببابل هاروت و ماروت > روایت شده که فرمود: < و کان بعد نوح (ع) قد کثر السحره ... >

بعد از حضرت نوح(ع) ساحران نیرنگباز زیاد گشتند و خداوند دو فرشته رابه سوی پیامبر آن زمان فرستاد تا آنان به آن پیامبر، شیوه های سحر ساحران و کارهایی را که با آن، سحر باطل و مردود می شود بیاموزند. سپس آن پیامبر شیوه های سحر را فرا گرفت و به فرمان خداوند آن را به بندگان خدا نیز آموخت و به آنان گفت: جلو سحر ساحران را بگیرید و آن را باطل نمایید و آنان را نهی کرد از اینکه مردم را سحر کنند... و (کلام خدا که فرمود): <آن دو فرشته هیچ کس را تعلیم سحر نمی دادند مگر اینکه از قبل می گفتند ما

وسيله آزمایش هستيم > یعنی، آن پیامبر به دو فرشته دستور داد که به صورت بشر ظاهر شوند و آنچه از خدا درباره سحر و ابطال آن آموخته اند به مردم یاد بدهند ... پس خدای عز و جل به آنان فرمود: با سحر و ضربه زدن به دیگران و دعوت مردم به این که ما بر قدرت احیا و اماتة داریم و کارهایی می کنیم که فقط خداوند به آن قدرت دارد، کافر نشوید و خداوند فرموده: > و ما هم بضارین به من أحد إلا یاذن الله > یعنی، آنان که سحر را فرا گرفته بودند نمی توانستند بدون اجازه و علم خدا به کسی زیانی برسانند زیرا اگر خدا می خواست، با زور جلوی آنها را می گرفت. و نیز فرموده: > آنان از علوم سحر چیزهایی را یاد می گرفتند که در جهت زیان آنها بود نه نفعشان < (یعنی) آنان چیزهایی فرا می گرفتند که موجب ضرر در دینشان بود و نفعی در آن نبود ... و (نیز خداوند) فرمود: > و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق > زیرا آنان معتقد بودند که آخرتی در کار نیست پس آنان معتقد بودند وقتی که آخرتی نباشد بهره و نصیبی هم بعد از دنیا نیست و به فرض بعد از دنیا آخرتی باشد، آنان به سبب کفرشان از آن محروم خواهند بود ... <

جامعه پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ قوم عاد نخستین جامعه سامان یافته در پی هلاکت قوم نوح

اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد قوم نوح

جلد - نام سوره -

۱ - شکل گیری جامعه ای جدید پس از طوفان نوح

ثم أنشأنا من بعدهم قرناً اخرين

<إنشاء> (مصدر <أنشأنا>) به معنای پدید آوردن است. ضمیر <هم> در <من بعدهم> به قوم نوح بازمی گردد. <قرن> به مجموعه ای از انسان ها که کنار هم زندگی کنند گفته می شود.

جایگاه حیوانات در کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - < عن أمير المؤمنين (ع) قال (في) الفلك المشحون > : اتخذ نوح (ع) فيه تسعين بيتاً للبهائم ;

امیرالمؤمنین(ع) درباره <الفلك المشحون> فرمود: نوح در آن کشتی نود جایگاه برای چهارپایان قرار داده بود.<

حامی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- خداوند ، حضرت نوح (ع) را از گزند تکذیب کنندگان آیات الهی نجات داد و از او کاملاً حمایت کرد .

و نصرته من القوم الذين كذبوا بآيتنا

واژه <نصر> هر گاه با <من> متعدی شود، متضمن معنای نجات و خلاصی است (برگرفته از <قاموس المحيط>).

حامیان شرک در دوران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع)، در خدمت کفر و شرک و علیه دعوت توحیدی آن حضرت بود.

قال نوح ربّ إنهم عصونی و اتبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

حامیان کفر در

دوران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، در خدمت کفر و شرک و علیه دعوت توحیدی آن حضرت بود .

قال نوح ربّ إنهم عصونی و اتّبعا من لم یزده ماله وولده إلاّ خسارًا

حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۳

۳ کشتی نوح ، او و همراهانش را در میان موج های عظیمی بسان کوهها ، به پیش می برد .

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

<موج> اسم جنس است و بر یک موج و نیز موجهای متعدد و کثیر اطلاق می شود از آن جا که در آیه شریفه ، کلمه <موج> به <جبال> (کوهها) تشبیه شده ، معلوم می شود مراد از آن ، امواج متعدد و کثیر است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۱

۱ - حرکت کشتی حضرت نوح بر امواج طوفان ، در پرتو حمایت و نظارت الهی

تجری بأعیننا

حسد به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - > عن أمير المؤمنين (ع) . . . و نوح (ع) حسده قومه فقالوا : > ما هذا إلاّ بشر مثلكم يأكل ممّا تاكلون و یشرب ممّا

تشربون ، و لئن أطعتم بشراً مثلكم إنكم إذا لخاسرون < . . . ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است

که فرمود: ... و قوم نوح نسبت به آن حضرت حسادت ورزیدند، پس گفتند: ما هذا إلا بشر مثلكم...>.

حسن فرجام پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۵

۱۵ نوح (ع) و پیروان او ، از تقوای پیشگان و بهره مند از فرجامی نیک

تلك من أنباء الغيب .. فاصبر إن العقبه للمتقين

حسن فرجام نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۵

۱۵ نوح (ع) و پیروان او ، از تقوای پیشگان و بهره مند از فرجامی نیک

تلك من أنباء الغيب .. فاصبر إن العقبه للمتقين

حیوانات در کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۶،۷،۲۲

۶ بردن انواع حیوانات به کشتی و نجات دادن آنها از غرق شدن ، از وظایف نوح (ع) پس از پیدایش نشانه طوفان (فوران آب از تنور)

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنين

۷ نوح (ع) ، موظف بود از هر نوع حیوان تنها یک جفت (نر و ماده) را به کشتی سوار کند .

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنين

مضاف الیه <کل> کلمه ای همانند <حیوان> است ؛ یعنی: من کل حیوان کلمه <اثنین> تأکید برای زوجین است و اشاره به این معنا دارد که از هر حیوان ، بیشتر از یک جفت نباید به کشتی برده شود.

٢٢ > عن أبي عبدالله (ع) قال : حمل نوح (ع) في السفينه الأزواج

الثمانیه التي قال الله عزوجل : < ثمانیه أزواج من الضأن اثین و من المعز اثین و من الإبل اثین و من البقر اثین > فكان من الضأن اثین زوج داجنه یرببها الناس و الزوج الآخر الضأن التي تكون فی الجبال الوحشیه . . . و من المعز اثین زوج داجنه . . . و الزوج الآخر الطبی التي تكون فی المفاوز و من الإبل اثین البخاتی والعراب و من البقر اثین زوج داجنه للناس و الزوج الآخر البقر الوحشیه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نوح هشت زوجی را که خدا فرموده <ثمانیه أزواج من الضأن اثین . . .> در کشتی قرار داد: از میش دو جفت یک جفت اهلی که مردم تربیت می کنند و جفت دیگر وحشی که در کوههاست ... و از بز دو جفت: یکی اهلی ... و دیگری آهو که در بیابانهاست و از شتر دو جفت: یکی بخاتی (شتر خراسانی که از شتر عربی و شتر فالج به وجود آید) و دیگری عربی و از گاو دو جفت: یکی اهلی و دیگری وحشی <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۸

۸- نوح (ع) ، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی ، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا .. فاسلك فيها من كل زوجين اثنين و أهلك إلا من سبق عليه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۲

۲- استقرار نوح (ع) و مؤمنان همراه او در

کشتی ، پس از جای دادن حیوانات و خاندانش در آن

فاسلک فیها من کل زوجین ائین و أهلک .. فإذا استویت أنت و من معک علی الفلک

از تفریع عبارت <فإذا استویت> بر آیه قبل، استفاده می شود که حضرت نوح(ع) نخست حیوانات و خاندانش را در کشتی جای داد و آن گاه خود و یارانش بر آن سوار شدند.

خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۲،۳،۶

۲ فرزند ناصالح نوح ، در پیشگاه خداوند از خانواده و اهل بیت او محسوب نمی شد .

إنه لیس من أهلک

۳ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب محسوب نشدن وی از خانواده نوح (ع) در پیشگاه خداوند

إنه لیس من أهلک إنه عمل غیر صلح

جمله <إنه عمل ..> علت برای <إنه لیس من أهلک> می باشد یعنی ، چون فرزندان دارای عمل ناشایست است ، ما او را از خانواده تو به حساب نمی آوریم.

۶ نوح (ع) ناآگاه به گسستن پیوند فرزندی کنعان با او بر اثر اعمال ناشایستش

إن ابنی من أهلی .. إنه لیس من أهلک

خانواده نوح(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ نوح (ع) از ناحیه خداوند به نجات خانواده خویش و سوار کردن آنان به کشتی موظف شد .

قلنا احمل فیها .. أهلک

کلمه <أهل> در <أهلک> عطف بر <زوجین> و در حقیقت مفعول برای <احمل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۸

- نوح (ع) ، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی ، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا .. فاسلك فيها من كل زوجين اثنين و أهلك إلا من سبق عليه القول

خانه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ - > عن أبي شعيب الخراساني قال : قلت لأبي الحسن الرضا (ع) ... قال : إنَّ مسجد الكوفة بيت نوح ... فيه دعوه نوح حيث قال : > رَبِّ اغفر لي و لوالدي و لمن دخل بيتي مؤمناً < قال : قلت : من عني بوالديه ؟ قال : آدم و حوّا ;

ابوشعيب خراسانی از امام رضا(ع) روایت کرده ... که فرمود: مسجد کوفه خانه نوح(ع) است ... دعای نوح در آن جا این بوده است که گفت: > رَبِّ اغفر لي و لوالدي و لمن دخل بيتي مؤمناً<. ابوشعيب گفت: به امام(ع) عرض کردم: نوح(ع) از والدینش چه کسی را قصد کرده؟ فرمود: آدم و حوّا را<.

خداشناسی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱۲

۱۲ نوح (ع) ، آگاه به حقایقی پوشیده از مردم درباره خداوند

و أعلم من الله ما لا تعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که <من الله> به معنای <درباره خدا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۹

۹ پاسخ نوح (ع) به عذاب طلبی کفرپیشگان ، پاسخی آمیخته با درس

توحید و خداشناسی بود .

فَأَتْنَا بِمَا تَعَدْنَا .. قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

خواستہ های نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۵

۵- نوح (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به خاطر صداقت و امانت داری وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

خوشنامی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۶

۶- نوح (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانتدار در میان قومش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید نوح(ع) بر <آمین> بودن خود در ابلاغ پیام الهی، در صورتی ثمر بخش خواهد بود که وی در میان قومش، از سابقه امانت داری و خوش نامی برخوردار بوده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۸ - ۱

۱- خداوند، از نوح (ع) نام و آوازه نیک در میان آیندگان برجای گذاشت .

و تركنا عليه في الآخريں

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که مفعول <ترکنا> محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: <و تركنا ثناءً عليه> .
گفتنی است فعل <ترکنا> در آیه شریفه، به معنای <أبقینا> (باقی گذاشتیم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- اجابت دعا ، نجات از مشکلاتِ اندوه بار ، باقی ماندن نسل و نام نیک و تحیت الهی ، از پاداش های خداوند به حضرت نوح (ع)

و لقد نادینا نوح فلنعم

المجیبون .. سلم علی نوح فی العلمین . إنا كذلك نجزي ا

خویشاوندی نوح(ع) با قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۶ - ۱

۱ - نوح (ع) ، پیامبری از نژاد قوم خویش و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم نوح

قید <أخوهم> هم می تواند بیانگر پیوند خویشاوندی نوح(ع) با قومش باشد و هم تعبیر کنایی از اشفاق و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان.

خیانت به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۷،۸

۷ - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخانتاهما

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و ...

خیانت همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۷،۹

۷ - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

۹- بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع) ، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم یغنیا عنهما من الله شیئاً

خیرخواهی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱۳، ۶، ۵

۵ نوح (ع) ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و

أنصح لكم

۶ خیرخواهی نوح (ع) تنها در جهت منافع مردمان، نه آمیخته به منفعت های شخص خود بود.

و أنصح لكم

آوردن <لام> پس از مشتقات <نصیحت>، همانند <أنصح لكم>، حکایت از خلوص کامل نصیحت کننده نسبت به نصیحت شونده دارد. یعنی در نصیحتش (خیرخواهیش) هیچ شائبه منفعت شخصی ندارد و تنها خیر او را در نظر گرفته است.

۷ ابلاغ پیام های خداوند به مردم، جلوه ای از خیرخواهی نوح برای مردم خویش بود.

أبلغکم رسل ربی و أنصح لكم

۱۳ آگاهی نوح (ع) به حقایق از جانب خدا، از عوامل پایداری وی در تبلیغ رسالت های الهی و خیرخواهی خالصانه برای مردم

أبلغکم رسل ربی و أنصح لكم و أعلم من الله ما لا تعلمون

به نظر می رسد جمله <أعلم من الله .. > به منزله تعلیلی باشد برای <أبلغکم> و <أنصح لكم>. یعنی آگاه بودن من بر حقایق پوشیده بر شما مرا در ابلاغ رسالت های الهی پایدار می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۸

۸ نوح (ع) پیامبری خیرخواه و دلسوز مردم

لا ینفعکم نصحی إن أردت أن أنصح لكم

دختر نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۲۴

۲۴ > عن أبي عبد الله (ع) : ... و كانت لنوح إبنه ركبت معه في السفينه ...

از امام صادق (ع) روایت شده است: نوح دختری داشت که با آن حضرت سوار کشتی شد.

درخواست فرود کشتی نوح (ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۱

۱ - روی آوردن به دعا پس از استقرار یافتن در کشتی و درخواست فرود آمدن در جایی پر برکت ، رهنمود دیگر خداوند به نوح (ع)

فإذا استويت .. فقل الحمد لله ... و قل رب أنزلني ... و أنت خير المنزلين

واژه <رب> مشترک لفظی میان مصدر (تربیت کردن) و وصف (مربی و تربیت کننده) است که در این جا معنای وصفی دارد. <منزل> می تواند مصدر میمی به معنای انزال باشد و نیز می تواند اسم مکان به معنای منزلگاه و مهمان سرا باشد.

دشمنان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۲،۵

۲ - پیشگامی اشراف ، در موضع گیری خصمانه علیه نوح (ع)

فقال الملوأ .. ما هذا إلا بشر مثلكم

۵ - تلاش اشراف ، برای مخدوش ساختن رسالت نوح (ع) در نظر توده مردم

فقال الملوأ .. ما هذا إلا بشر مثلكم

دشنام به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۱۱

۱۱ - طرد شدن نوح پیامبر (ع) ، از سوی قومش ، با دشنام و اتهام

و قالوا مجنون و ازدجر

برداشت یاد شده بر این احتمال است که <و ازدجر> به معنای <و ازدجره قومه> باشد.

دعای نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۱،۵

۱ نوح (ع) در پی حایل شدن امواج آب میان

او و فرزندش ، با شفاعت به درگاه خدا ، خواستار نجات وی شد .

و حال بینهما الموج .. و نادى نوح ربه فقال رب إن ابنى من أهلى

جمله <فلاتستلن> (در آیه چهل و ششم) حاکی است که: نوح(ع) خواستار نجات فرزندش از غرق شدن بود. براین اساس دعا و التجای آن حضرت پیش از غرق شدن فرزندش بود و لذا برخی از مفسران جمله <نادى نوح ربه ...> را بر <حال بینهما الموج> عطف گرفته اند.

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابنى من أهلى و إن وعدك الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۷

۷ نوح (ع) ، با پی بردن به نادرستی تقاضای خود (نجات فرزندش) خواهان آمرزش و رحمت الهی شد .

إلا تغفر لى و ترحمنى أكن من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۴

۴- حضرت نوح (ع) ، با صدای بلند و روشن از خداوند ، خواستار نجات از دست قومش گردید .

و نوحاً إذ نادى من قبل

<ندا> به معنای صدای بلند و روشن است (مفردات راغب) و مقصود از آن در این آیه به قرینه آیه ۲۶ سوره <نوح> (و قال نوح رب لاتذر على الأرض من الكافرين دياراً) و نیز ذیل آیه شریفه (فنجیناه و أهله ..) نجات نوح از دست قومش می باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۱،۲

۱ - نوح (ع) خواستار داوری و فیصله دادن به نزاع میان خود و قوم تکذیب گرش از درگاه خداوند

قال ربّ إنّ قومی کذبون .. فافتح بینی و بینهم فتْحًا

<فتح> (مصدر <افتح>) معادل <فُتِحَ> و به معنای حکم کردن و فیصله دادن است.

۲ - دعای نوح به درگاه خدا، برای نجات خود و مؤمنان همراهش از شرّ قوم کفرپیشه خویش

ربّ إنّ قومی کذبون .. نَجِّنِي و من معی من المؤمنین

متعلق <نَجِّنِي> حذف شده است و تقدیر آن <نَجِّنِي و .. من شرّهم> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۵ - ۱

۱ - کمک خواهی و استغاثه نوح به درگاه خداوند

و لقد نادینا نوح

مقصود از <نادا> (نادینا) به قرینه آیه بعد (و نجیناه..)) کمک خواهی و استغاثه است که مربوط به ماجرای عذاب طوفان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۵

۵ - نوح (ع)، نجات خود و خاندانش را از دست ستم و اذیت و آزار قوم خود، از خداوند خواستار شده بود.

و لقد نادینا نوح .. و نجینه و أهله من الکرب العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۳

۳- درخواست نوح (ع) از درگاه الهی ، مبنی بر افزودن گمراهی ظالمان و گمراه کنندگان جامعه

و لا تزد الظلمين إلاّ ضللاً

دعوت آشکار نوح(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۹ - ۱

۱ - نوح (ع) ، با استفاده از دو روش علنی و سخت پنهانی (خصوصی و عمومی) ، مردم را به ایمان فراخواند .

ثم إني أعلنت لهم وأسررت لهم إسرارًا

دعوت از پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۷۸

۷ نوح (ع) با فریادی رسا و بلند ، فرزندش را برای سوار شدن به کشتی فراخواند .

نادی نوح ابنه و كان في معزل بيني اركب معنا

<نداء> بلند کردن صدا و ابراز کردن آن است (مفردات راغب).

۸ نوح (ع) در آستان غرق شدن فرزندش ، وی را به ایمان و یکتاپرستی دعوت کرد .

بینی اركب معنا و لاتكن مع الكفرین

مراد از <مَعْنَا> همراهِو معیت عقیدتی است نه جسمانی؛ زیرا جمله <اركب> در دلالت بر همراهی و معیت جسمانی کافی بود. بنابراین اگر مراد از <مَعْنَا> مجرد همراهی با نوح و پیروان او باشد، آوردن کلمه <مَعْنَا> ضرورتی نداشت. جمله <و لاتكن...> مؤید این معناست.

دعوت از پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۱

۱ نوح (ع) ، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت ، از پیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند .

و قال اركبوا فيها

به نظر می رسد جمله <قال اركبوا...> عطف بر جملاتی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل ماجرا

یعنی: قلنا احمل فیها ... ففعل کذا و کذا و قال ارکبوا فیها و لذا در برداشت <انجام مقدمات حرکت > آورده شد.

دعوت از خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۱

۱ نوح (ع) ، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت ، از پیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند .

و قال ارکبوا فیها

به نظر می رسد جمله <قال ارکبوا .. > عطف بر جملائی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل ماجرا بیان نشده است ؛ یعنی: قلنا احمل فیها ... ففعل کذا و کذا و قال ارکبوا فیها و لذا در برداشت <انجام مقدمات حرکت > آورده شد.

دعوت به اطاعت از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۳ - ۱

۱ - حضرت نوح (ع) ، مردم را به عبادت خدا ، تقوای الهی و اطاعت از خود ، فرا می خواند .

أَنْ اَعْبُدُوا اللّٰهَ وَ اتَّقُوهُ وَ اطِيعُوْنَ

دعوت پنهانی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۸ - ۲

۲ - دعوت نوح (ع) در میان قومش ، در آغاز به صورت سرّی و بی سروصدا بود .

وَ اِئْتِیْ کَلِمًا دَعَوْتَهُمْ .. وَ اسْتَكْبَرُوا اسْتِکْبَارًا . ثُمَّ اِئْتِیْ دَعَوْتَهُمْ جَهَارًا

دعوت نوح(ع) با صدای بلند و رسا، پس از دعوت ایشان و واکنش انکارآمیز و مستکبرانه قومش یاد شده است. از این نکته می توان استفاده کرد که دعوت قبلی،

سزّی و بی سروصدا بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۹ - ۱،۲

۱ - نوح (ع) ، با استفاده از دو روش علنی و سخت پنهانی (خصوصی و عمومی) ، مردم را به ایمان فراخواند .

ثمّ إني أعلنت لهم وأسررت لهم إسرارًا

۲ - نوح (ع) ، برخی از مردم را به صورت مخفی و خصوصی و برخی را به شکل عمومی و علنی به ایمان فراخواند .

ثمّ إني أعلنت لهم وأسررت لهم إسرارًا

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که دعوت علنی و مخفی حضرت نوح(ع)، ممکن است در یک زمان و در شرایط اجتماعی خاصی انجام گرفته شده باشد.

دعوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۱۱،۵،۳

۳ قیام حضرت نوح (ع) ، علیه شرک و بت پرستی و دعوت به توحید و یکتاپرستی ، برای قومش سنگین و غیر قابل تحمل بود .

إن كان كبر عليكم مقامی و تذکیری بأیت الله

کلمه <مقام> مشترک بین سه صیغه است: مصدر میمی، اسم زمان و اسم مکان. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، اگر قیام من برای دعوت به توحید و یادآوری آیات و نشان های خداوند، بر شما سنگین و دشوار است و

۵ حضرت نوح (ع) ، در دعوت به توحید و یکتاپرستی و زدودن اندیشه شرک ، آیات و نشانه های خدا را به قومش یادآوری می کرد .

مقامی و تذکیری بأیت الله

حضرت نوح (ع) با توکل بر خداوند ، قومش را به مقابله همه جانبه با خود فراخواند .

فعلى الله توكلت فأجمعوا أمركم و شركاءكم ثم لا يكن أمركم عليكم غمه ثم اقصوا إلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۵

۵ حضرت نوح (ع) در امر دعوت ، تسلیم خدا بوده و تنها به فرمان او عمل می کرد .

و أمرت أن أكون من المسلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۹

۱۹ - > عن أبي جعفر (ع) قال : كانت شريعته نوح أن يعبد الله بالتوحيد . . . فلبث فيهم ألف سنة إلا خمسين عاماً يدعوهم سرّاً و علانيه . . . فأوحى الله عزّوجلّ إليه : أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا تبتأس بما كانوا يفعلون < فلذلك قال نوح : > ولا يلدوا إلا فاجراً كفاراً < و أوحى الله إليه > أن اصنع الفلك < ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:.. شریعت نوح آن بود که خدا به یکتایی پرستش می شد... پس نوح(ع) در بین قوم خویش ۹۵۰ سال توقف کرد و آنها را آشکار و پنهان به خدا دعوت نمود... سپس خداوند عزّوجلّ به او وحی فرستاد: > أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا تبتأس بما كانوا يفعلون < و به همین خاطر نوح گفت: > ولا يلدوا إلا فاجراً كفاراً < و خداوند به نوح وحی کرد: > أن اصنع الفلك <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۳ - ۱

۱ - حضرت نوح (ع) ، مردم را به عبادت خدا ، تقوای الهی و اطاعت از خود ، فرا می خواند .

أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۵ - ۳

۳ - دعوت شبانه روزی حضرت نوح (ع) ، از قوم خود برای ایمان به خدا

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۲،۷،۱

۱ - دعوت حضرت نوح (ع) ، در تمامی دفعات با مخالفت شدید قومش روبه رو می شد .

وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتَهُمْ لَتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصْبَعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشُوا نِيَابَهُمْ

۲ - انگشت ها را در گوش ها نهادن و جامه ها را بر سر کشیدن ، واکنش معمول قوم نوح در برابر دعوت آن حضرت

وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتَهُمْ .. جَعَلُوا أَصْبَعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشُوا نِيَابَهُمْ

۷ - دعوت نوح (ع) ، با استکبار و گردن فرازی شدید قومش روبه رو شد .

وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۰ - ۱

۱ - نوح (ع) ، قومش را به استغفار و آمرزش خواهی به پیشگاه خداوند فرامی خواند .

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبِّيَ

دعوت‌های پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ پیروان حضرت نوح ، یاوران او در ابلاغ رسالت و

دعوت مردم به ایمان

أنزل مكموها

برداشت فوق از صیغه جمع <نلزم> که شامل نوح و پیروانش می شود استفاده شده است.

دعوت‌های نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۲

۲ دعوت به یکتاپرستی ، در رأس برنامه تبلیغی حضرت نوح (ع) بود .

إني لكم نذير مبين. أن لا تعبدوا إلا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۱

۱ نوح (ع) ، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت ، از پیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند .

و قال اركبوا فيها

به نظر می رسد جمله <قال اركبوا ..> عطف بر جملاتی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل ماجرا بیان نشده است ؛ یعنی: قلنا احمل فيها ... ففعل كذا و كذا و قال اركبوا فيها و لذا در برداشت <انجام مقدمات حرکت> آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۷،۸

۷ نوح (ع) با فریادی رسا و بلند ، فرزندش را برای سوار شدن به کشتی فرا خواند .

نادی نوح ابنه و كان في معزل بيني اركب معنا

<نداء> بلند کردن صدا و ابراز کردن آن است (مفردات راغب).

۸ نوح (ع) در آستان غرق شدن فرزندش ، وی را به ایمان و یکتاپرستی دعوت کرد .

بینی اربک معنا و لاتکن مع الکفرین

مراد از <مَعَنَا> همراهِو معیت عقیدتی است نه جسمانی؛ زیرا جمله <ارکب> در دلالت بر همراهِی و معیت جسمانی کافی

بود. بنابراین اگر مراد از <مَعْنَا> مجرد همراهی با نوح و پیروان او باشد، آوردن کلمه <مَعْنَا> ضرورتی نداشت. جمله <و لا تکن ...> مؤید این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱

۱ - پسر نوح ، دعوت او را (گرایش به توحید و ...) نپذیرفت و از سوار شدن بر کشتی امتناع کرد .

بینی اربک معنا و لا تکن مع الکفرین. قال سأوی إلى جبل يعصمني من الماء

شدن بر کشتی امتناع کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۲

۲ - دعوت نوح (ع) از قومش ، برای پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

إني لكم رسول أمين

<آمین> می تواند از ریشه <آمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. در این صورت آوردن قید <آمین> دعوتی است از جانب نوح(ع) به قومش که به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۱

۱ - دعوت نوح (ع) از قومش ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم نوح ألا تتقون .. فاتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۰ - ۱

۱ - نوح (ع) ، خواهان گرایش قومش به اطاعت از وی و رعایت تقوای الهی

فاتقوا الله و أطيعون

دلایل حقانیت نبوت نوح (ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۹

۹ حضرت نوح (ع) ، قومش را بر قتل خود تحدی کرد و عدم توانایی آنان را بر انجام این کار ، شاهد درستی ادعای نبوت خود ، اعلام نمود .

إن كان كبر عليكم مقامى .. فأجمعوا أمركم ... و لا تنظرون

جمله <فعلى الله توكلت> بیانگر شکست ناپذیری حضرت نوح (ع) به علت متکی بودنش به قدرت لایزال الهی و جمله <أجمعوا أمرکم و شرکاءکم> بیان ناچیزی قدرت قومش می باشد.

دلایل نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۱

۱ نوح (ع) برخوردار از معجزه و دلیلی روشن ، بر پیامبری خویش

قال يقوم أرى إنيم إن كنت على بينه

قابل ذکر است که <أرى إنيم> به معنای <آخبرونی> است و مفعول آن جمله <أنلزمكموها> است و این هر دو به منزله جواب شرط <إن كنت ...> می باشد و تقدیر جمله چنین است <إن كنت على بينه ... فأخبرونی أنلزمكموها>

دلداری به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۹

۱۹ - <عن أبي جعفر (ع) قال : كانت شريعته نوح أن يعبد الله بالتوحيد ... فلبث فيهم ألف سنة إلا خمسين عاماً يدعوهم سرّاً و علانیه ... فأوحى الله عزّوجلّ إليه : أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا تتأس بما كانوا يفعلون > فلذلك قال نوح : < و لا يلدوا إلا فاجراً كفاراً > و أوحى الله إليه >

أن اصنع الفلك < ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:.. شریعت نوح آن بود که خدا به یکتایی پرستش می شد... پس نوح(ع) در بین قوم خویش ۹۵۰ سال توقف کرد و آنها را آشکار و پنهان به خدا دعوت نمود... سپس خداوند عزوجلّ به او وحی فرستاد: <أنته لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا تبئس بما كانوا يفعلون> و به همین خاطر نوح گفت: <و لا یلدوا إلا فاجراً کفاراً> و خداوند به نوح وحی کرد: <أن اصنع الفلك>.

دلسوزی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ نوح ، پیامبری دلسوز برای مردم خویش

إني أخاف عليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۵

۵ نوح (ع) ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و أنصح لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۶ - ۲

۲ - سخن گفتن دلسوزانه نوح (ع) با قوم خویش ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم نوح ألا تتقون

وجود لحن مشفقانه در <ألا تتقون> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید) بیانگر برداشت یاد شده است.

دوران پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- دوران پس از نوح (ع)، سرآغاز فصل جدید زندگی اجتماعی و گروهی بشر

من القرون من بعد نوح

خداوند در آیه قبل فرمود: > بسیاری از جوامع بشری را به خاطر فسق

و فساد مترفان هلاک کردیم > و در این آیه سخن از هلاکت اقوام پس از نوح به میان آورده است. از مجموع این دو آیه استفاده می شود که وضعیت اجتماعی پیش از نوح(ع) به گونه ای نبود که طبقه مترف وجود و یا نفوذ داشته باشد و گرنه دچار عذاب می شدند. پس عذاب شدن اقوام پس از نوح(ع) نشان می دهد که زندگی اجتماعی آنان به گونه ای دیگر که دچار عذاب شدند بود و فصل جدیدی را آغاز کرد.

دوران نوح(ع) تا موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۲

۲ فاصله زمانی بین بعثت موسی (ع) و پیامبران پیش از او (نوح و ...) فاصله ای طولانی

ثم بعثنا من بعدهم موسی

کلمه <ثم> دلالت می کند که بعثت موسی(ع) با فاصله ای طولانی نسبت به بعثت پیامبران پیشین، تحقق یافته است.

دوران دیشی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۷

۷ - دوران دیشی و آینده نگری نوح (ع) و آگاهی کامل آن حضرت از وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه خویش

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

دین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۱۱

۱۱ نوح ، نخستین پیامبر دارای کتاب و شریعت *

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نوح و النبیین من بعده

چون مسلم است که قبل از نوح(ع) نیز پیامبری وجود داشته، بنابراین ذکر حضرت نوح(ع) بدون

اشاره به پیامبر پیش از او می تواند به این جهت باشد که او اولین پیامبر دارای شریعت بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱۳،۳۲

۱۳ - شرایع آسمانی ، منحصر در شریعت نوح ، ابراهیم ، موسی ، عیسی (ع) و پیامبر اکرم (ص) است .

شرع لكم من الدين ما وصى به نوحا . . . و عيسى

از این که خداوند به یادآوری شریعت های یاد شده بسنده نموده، برداشت بالا به دست می آید.

۳۲ - > عن أبي جعفر (ع) قال : . . . انّ الله عزّوجلّ بعث نوحاً إلى قومه < أن اعبدوا الله واتّقوه و أطيعون > ثمّ دعاهم إلى الله وحده و أن يعبدوه و لا يشركوا به شيئاً ثمّ بعث الأنبياء على ذلك إلى أن بلغوا محمداً فدعاهم إلى أن يعبدوا الله و لا يشركوا به شيئاً و قال : < شرع لكم من الدين ما وصى به نوحاً و الذي أوحينا . . . > ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. خداوند عزّوجلّ نوح را به سوی قومش مبعوث نمود که خدا را عبادت نمایند و از او پروا داشته باشید و مرا اطاعت کنید. سپس آنها را دعوت نمود به خدای یگانه که او را عبادت نمایند و هیچ گونه شریکی برای او نگیرید و بعد پیامبران را بر همین منوال فرستاد تا به رسول خدا(ص) رسید، و آنان را به عبادت خدا و این که نسبت به او هیچ گونه شرکی نورزند، فرا خوانده و فرمود: شرع لكم من الدين ما

وَصِي بِهِ نُوحًا...>.

ذکر قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۲

۲- داستان حضرت نوح ، داستانی درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و نُوحًا إِذْ نَادَى

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <نوحاً> مفعول برای فعل مقدر (هم چون <اذکر> یا <اذکروا>) باشد.

رحمت بر پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۷

۷ نوح (ع) ، واسطه شمول مغفرت و رحمت خداوند بر مؤمنان و پیروان او

إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

به دلیل <ارکبوا> که خطاب به پیروان نوح است، متعلق <غفور> و <رحیم> نیز پیروان آن حضرت می باشد؛ یعنی: إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ لَكُمْ رَحِيمٌ بَكْمَ. (خداوند آمرزنده شما و نازل کننده رحمت بر شماست). لازمه این سخن آن بود که نوح می فرمود: <ربکم> (پرورگار شما) نه <ربی>. این جابه جایی بیانگر این نکته است که: خداوند به واسطه نوع(ع)، مغفرت و رحمت خویش را به پیروان او می گستراند.

رحمت بر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۵

۵ خداوند ، نوح (ع) را از رحمت ویژه خویش بهره مند ساخت و به مقام نبوت رسانید .

ءَاتَنِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ

مقصود از <رحمه>، به مناسبت مورد، مقام نبوت و پیامبری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۹

۹ نوح (ع) و همراهان او در کشتی، بهره مندان از رحمت خدا

لا عاصم الیوم من

أمر الله إلا من رحم

رحمت بر همسفران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۹

۹ نوح (ع) و همراهان او در کشتی ، بهره مندان از رحمت خدا

لا عاصم اليوم من أمر الله إلا من رحم

رذایل اخلاقی همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۲،۷،۸،۹

۲ - همسران نوح و لوط پیامبر ، نمونه بارز و مثال زدنی ، برای جریان کفر و نفاق اند .

جهد الکفار و المنفقين . .. ضرب الله مثلاً للذين كفروا امرأت نوح و امرأت لوط

۷ - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخانتاهما

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و ...

۹ - بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع) ، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم يغنيا عنهما من الله شيئاً

رسالت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۳

۱۳ هشدار به روز قیامت و عذاب هول انگیز آن ، از رسالت های اساسی نوح (ع)

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود

۵ نوح (ع) وظیفه دار رساندن پیام های الهی به مردم ، با بیانی روشن و صریح

إني لكم نذير مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۷

۷ اعلام برپایی روز قیامت و وجود عذابهایی دردناک در آن روز ، از رسالت های حضرت نوح (ع)

إني أخاف عليكم عذاب يوم أليم

مراد از <یوم> می تواند روز قیامت باشد و می تواند مقصود از آن زمان حادثه طوفان باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. گفتنی است که توصیف <یوم> به <أليم> به اعتبار عذاب آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۶،۷

۶- حضرت نوح (ع) و خاندانش ، گرفتار غمی شدید و اندوهی بزرگ در مسیر انجام رسالت خویش .

و نوحًا إذ نادى .. فنَجِّينه و أهله من الكرب العظيم

<کرب> به معنای غم و اندوه شدید است (مفردات راغب).

۷- خداوند ، نوح (ع) و خاندانش را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فنَجِّينه و أهله من الكرب العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۱

۱ - تأکید نوح (ع) بر رسالت الهی خویش برای قوم خود

إذ قال لهم أخوهم نوح .. إني لكم رسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۱

۱ - نوح (ع) ، فرستاده خداوند

برای هدایت قوم خود بود .

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱ - ۲

۲ - نوح (ع) ، مأمور به انداز و اخطار به قوم خود

أن أندر قومك

رفع اندوه خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۷

۷- خداوند ، نوح (ع) و خاندانش را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فنجينه و أهله من الكرب العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۱،۹

۱ - نوح (ع) و خاندانش ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نجينه و أهله من الكرب العظيم

۹ - نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لقد نادينا نوح . . . و نجينه و أهله من الكرب العظيم

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

رفع اندوه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۷

۷- خداوند ، نوح (ع) و خاندانش را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فنجینه و أهله من الكرب العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۱،۹

نوح (ع) و خاندانش ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نَجِّينَهُ و أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

۹- نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لقد نادینا نوح . . . و نَجِّينَهُ و أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۳

۳- اجابت دعا ، نجات از مشکلاتِ اندوه بار ، باقی ماندن نسل و نام نیک و تحیت الهی ، از پاداش های خداوند به حضرت نوح (ع)

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون . . . سلم علی نوح فی العلمین . إنا کذلک نجزی ا

رفع مشکلات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۳

۳- اجابت دعا ، نجات از مشکلاتِ اندوه بار ، باقی ماندن نسل و نام نیک و تحیت الهی ، از پاداش های خداوند به حضرت نوح (ع)

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون . . . سلم علی نوح فی العلمین . إنا کذلک نجزی ا

روش برخورد نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۲

۲ برخورد حضرت نوح (ع) با قومش برخوردی عاطفی ، ترحم آمیز و مشفقانه بود .

إذ قال لقومه يقوم

از اینکه حضرت نوح به

جای الفاظی مانند <ای مشرکان>، <ای مردم> و <ای .. > فرمود: <ای قوم من> برداشت فوق استفاده می شود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۷

۷ برخوردار حضرت نوح (ع) با سران و اشراف کافر، برخورداری ترحم آمیز و مشفقانه بود.

يقوم أريتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من!) حکایت از شفقت و ترحم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲ - ۱

۱ - برخوردار حضرت نوح (ع) با قومش، برخورداری مشفقانه و ترحم آمیز بود.

قال يقوم

حضرت نوح (ع) به جای الفاظی مانند <ای مشرکان>، <ای مردم> و <ای .. > فرمود: <ای قوم من>. از این نکته می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

روش تبلیغ نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۵، ۴

۴ حضرت نوح (ع)، با آیات خدا به تذکر و یادآوری قومش می پرداخت.

و تذكيري بأيت الله

برداشت فوق مبتنی بر این است که <باء در > آیات الله > برای استعانت باشد نه زاید.

۵ حضرت نوح (ع)، در دعوت به توحید و یکتاپرستی و زدودن اندیشه شرک، آیات و نشانه های خدا را به قومش یادآوری می کرد.

مقامی و تذكيري بأيت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۵ - ۵

۵ نوح (ع) وظیفه دار رساندن پیام های الهی به مردم ، با بیانی روشن و

صریح

إنی لکم نذیر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۲،۳

۲ بحث و گفت و گو و ارائه دلیل و برهان ، از روش های نوح (ع) برای بازسازی مردم از شرک و گرایش دادن آنان به توحید

قالوا ینوح قد جدلتنا فأکثرت جدلنا

<جدال> به معنای مناظره کردن و آوردن برهان برای ابطال دلیلها ، اندیشه ها و باورهای طرف مقابل است.

۳ نوح (ع) ، همواره کفرپیشگان را به نزول عذاب الهی هشدار می داد .

فأتنا بما تعدنا

آوردن فعل مضارع (تعد) به جای فعل ماضی (وعدت) اشاره به تکرار وعیدها و هشدارهای حضرت نوح(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۶ - ۲

۲ - سخن گفتن دلسوزانه نوح (ع) با قوم خویش ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم نوح ألا تتقون

وجود لحن مشفقانه در <ألا تتقون> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید) بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۰ - ۴

۴ - دعوت به تقوا و پیروی از حق ، محور تبلیغ و هدایت گری نوح (ع)

ألا تتقون ... فاتقوا الله و أطيعون ... فاتقوا الله و أطيعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۵ - ۴

۴ - تبلیغ تعالیم دینی از سوی حضرت نوح (ع)، به گونه ای روشن و قابل فهم برای همگان بود.

إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۹ - ۱

۱ - نوح (ع) ، با استفاده از دو روش علنی و سخت پنهانی (خصوصی و عمومی) ، مردم را به ایمان فراخواند .

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَمْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۰ - ۳

۳ - بیان اوصاف خداوند ، همچون غفار بودن او ، بخشی از رهنمود های نوح (ع)

إِنَّهٗ كَانَ غَفَّارًا

روش هدایتگری نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۳

۳ استفاده نوح (ع) از عواطف قومی برای هدایت مردم خویش

فَقَالَ يٰ قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ

نوح با نسبت دادن مردمان به خویشان با اضافه کلمه <قوم> به <یا> متکلم (یا قوم، یعنی ای مردم من)، در صدد برانگیختن عواطف آنان به سوی خود

رهبری نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۷

۷ - نقش بارز و محوری نوح (ع) ، در مدیریت نظام مادی و معنوی مؤمنان قوم خویش

اصنع الفلك .. فاسلك فيها... فإذا استويت ... فقل الحمد لله

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که: در جریان ساختن کشتی و سوار شدن و استقرار در آن، تنها حضرت نوح(ع) مورد خطاب الهی است و قوم او طفیلی اویند.

زمان بارگیری کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۳

۳ خداوند ،

زمان بارگیری کشتی نوح و سوار شدن بر آن را تعیین کرد .

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قَلْنَا احْمِلْ فِيهَا

زمان حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۹

۹ > عن أبي عبد الله (ع) : إن نوحاً (ع) ركب السفينه أول يوم من رجب ...

از امام صادق(ع) روایت شده است: حضرت نوح اول ماه رجب بر کشتی سوار شد. <..

زمینه پاداش نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۱ - ۳

۳ - عبودیت و ایمان نوح (ع) ، موجب دستیابی او به پاداش هایی همانند پاداش های محسنان از سوی خداوند

إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ . إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا..> تعلیل برای جمله <إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ>

است؛ یعنی، چون نوح(ع) از مؤمنان و بندگان خالص خدا بود، به او همانند پاداش محسنان، پاداش دادیم. گفتنی است که

مقصود از آن، اجابت دعا، نجات از مشکلات اندوه بار و باقی ماندن نسل و نام نیک آن حضرت در تاریخ می باشد.

زمینه دشمنی با نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۷

۷ - ناباوری قوم نوح ، نسبت به معاد و قیامت ، زمینه موضع گیری خصمانه آنان در قبال نوح (ع)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمَ نُوحٍ فكَذَّبُوا عَبْدَنَا

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از <كَذَّبَتْ> به قرینه

آیات پیشین تکذیب قیامت باشد. که در این صورت <فای تفریع> در <فکذبوا عبدنا> می رساند که تکذیب پیامبران، ریشه در تکذیب معاد دارد.

زمینه رفع اندوه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۷

۷ نو میدی نوح (ع) از هدایت یابی قومش و آگاهی او از ناشایستگی آنان برای ایمان، زمینه ساز رفع اندوه از او

لن يؤمن من قومك... فلاتبتئس بما كانوا يفعلون

برداشت فوق، از تفریع <لا-تبتئس> بر اخبار از ایمان نیاوردن کافران استفاده شده است، یعنی، حال که از هدایت نیافتن کافران آگاه شدیو احساس مسؤولیت نمی کنی، زمینه ای برای اندوه وجود ندارد پس غمگین مباش.

زمینه یأس نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۷

۷ اشراف و سران قوم نوح، درصدد مأیوس کردن او از پذیرش دعوت های توحیدی

قد جدلنا فأكثر جدلنا فأتنا بما تعدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۱

۱ نوح (ع)، در پی درخواست قومش (تحقق بخشیدن به عذاب های موعود) از ایمان آوردن آنان سخت به تردید افتاد.

فأتنا بما تعدنا... قال... لاينفعكم نصحي إن أردت أن أنصح لكم

زوجیت حیوانات کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۱، ۹

۹- نوح (ع)، طبق دستور الهی می بایست از هر حیوان، تنها یک نر و یک ماده

را وارد کشتی کند .

فاسلک فیها من کل زوجین اثنین

۱۱ - کشتی نوح ، ظرفیت بیش از یک جفت (یک نر و یک ماده) از هر حیوان مورد نیاز را نداشت .

فاسلک فیها من کل زوجین اثنین

تأکید خداوند بر این که از هر حیوان تنها یک نر و یک ماده و نه بیشتر را در کشتی جای دهند (من کل زوجین اثنین)، بیانگر مطلب فوق است.

سرزنشهای نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۵

۵ نوح (ع) ، اشراف و سران قومش را ، به خاطر توجه نکردن به پیامد های طرد مؤمنان توبیخ کرد .

أفلاتذکرون

استفهام در <أفلاتذکرون> استفهام توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۶ - ۶

۶ - قوم نوح ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم نوح ألا تتقون

استفهام در جمله <ألا تتقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۵ - ۵

۵ - سرزنش شدن قوم نوح از سوی پیامبرشان ، به خاطر نیندیشیدن درباره آفرینش جهان و جلوه های عظمت پروردگار

ألم تروا كيف خلق الله سبع سموات طباقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۴

۴ - سرزنش شدن قوم نوح از سوی پیامبرشان ، به سبب نیندیشیدن درباره چگونگی آفرینش ماه تابان و خورشید فروزان

ألم تروا كيف خلق الله... و جعل القمر فيهنّ نوراً

و جعل الشمس سراجا

سلام بر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۹ - ۱،۳

۱ - سلام و تحیت بزرگ خداوند به نوح پیامبر برای همیشه تاریخ

سلم علی نوح فی العلمین

تنوین <سلام> برای تعظیم است و مقصود از <العالمین> که جمع محلی به <الف> و <لام> و مفید عموم است تمامی امت ها، در همه اعصار و قرن ها است.

۳ - باقی ماندن سنت سلام و تحیت بر نوح (ع)، در میان نسل های پس از آن حضرت برای همیشه تاریخ

و ترکنا علیه فی الآخرین . سلم علی نوح فی العلمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که جمله <سلام علی نوح..> تفسیر برای جمله <و ترکنا علیه...> باشد، یعنی، آنچه برای نوح(ع) برجای گذاشتیم، عبارت است از سنت سلام و تحیت بر او در میان جهانیان.

سلامتی پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۲

۲ خداوند، نوح (ع) و همراهانش را، به تأمین سلامتی و نزول نعمت های پرخیر و برکت نوید داد.

قیل ینوح اهبط بسلم منا و برکت علیک

هر چند نوح(ع) مورد خطاب است و فرمان و اجازه فرود متوجه اوست، ولی به قرینه مقام می توان گفت: خطاب <اهبط . > <متوجه همراهان آن حضرت نیز می باشد و >باء< در <بسلام> برای مصاحبت است. بنابراین آیه شریفه چنین معنا می شود: <یا نوح اهبط أنت و من معک...> تو و پیروانت فرود آید در حالی که همراه و

قرین سلامت، امنیت و برکت خواهید بود.

سلامتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۲

۲ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را ، به تأمین سلامتی و نزول نعمت های پرخیر و برکت نوید داد .

قیل ینوح اهبط بسلم منا و برکت علیک

هر چند نوح(ع) مورد خطاب است و فرمان و اجازه فرود متوجه اوست، ولی به قرینه مقام می توان گفت: خطاب <اهبط . > متوجه همراهان آن حضرت نیز می باشد و <باء > در <بسلام > برای مصاحبت است. بنابراین آیه شریفه چنین معنا می شود: <یا نوح اهبط أنت و من معک ... > تو و پیروانت فرود آیید در حالی که همراه و قرین سلامت، امنیت و برکت خواهید بود.>

سنگسار در دوران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۶ - ۳

۳ - سنگسار کردن مخالفان ، شیوه ای رایج در جامعه عصر نوح

لتکوننّ من المرجومین

تعبیر <من المرجومین > به جای <لترجئک > می رساند که قبل از نوح(ع) اشخاص دیگری نیز سنگسار شده اند.

سنگسار نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۶ - ۱

۱ - تهدید جدی نوح (ع) از سوی اشراف و رفاه طلبان قومش ، مبنی بر سنگسار شدن در صورت دست برداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته ینوح لتکوننّ من المرجومین

شخصیت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۳ - ۵

۵ - نوح (ع) ، دارای شخصیتی

برجسته و ممتاز در میان پیامبران الهی

و إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرٰهِيْمَ

شرك پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۵

۵ - تجديد انحراف و پيدائش شرك و بت پرستی ، پس از نوح (ع)

ثُمَّ اَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ .. فَأَرْسَلْنَا ... رَسُوْلًا مِنْهُمْ اَنْ اَعْبُدُوا اللّٰهَ

شرك ستیزی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۳،۵

۳ قیام حضرت نوح (ع) ، علیه شرك و بت پرستی و دعوت به توحید و یکتا پرستی ، برای قومش سنگین و غیر قابل تحمل بود .

إِنْ كَانَ كَبْرَ عَلِيكُمْ مَقَامِي وَ تَذْكِرِي بِأَيْتِ اللّٰهِ

کلمه <مقام> مشترک بین سه صیغه است: مصدر میمی، اسم زمان و اسم مکان. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، اگر قیام من برای دعوت به توحید و یادآوری آیات و نشان های خداوند، بر شما سنگین و دشوار است و ...

۵ حضرت نوح (ع) ، در دعوت به توحید و یکتا پرستی و زدودن اندیشه شرك ، آیات و نشانه های خدا را به قومش یادآوری می کرد .

مقامی و تذکیری بآیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۲

۲ بحث و گفت و گو و ارائه دلیل و برهان ، از روش های نوح (ع) برای بازسازی مردم از شرك و گرایش دادن آنان به

توحید

قالوا ینوح قد جدلتنا فأكثر جدلنا

<جدال> به معنای مناظره کردن و آوردن برهان برای ابطال

دلیلها ، اندیشه ها و باورهای طرف مقابل است.

شروع طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ > عن أبي عبدالله (ع) . . . قال الله تعالى للأرض : > ابلعي ماءك < فبلعت ماءها من مسجد الكوفة كما بدأ الماء منه و تفرّق الجمع الذي كان مع نوح في السفينه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که خداوند [در طوفان نوح] به زمین گفت: > آب خود را فرو ببر<. زمین آب خود را از مسجد کوفه فرو برد، همان گونه که از آن جا هم آغاز به بیرون آمدن کرده بود و گروهی که با نوح در کشتی بودند متفرق شدند...<.

شریعت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۹

۱۹ - > عن أبي جعفر (ع) قال : كانت شريعته نوح أن يعبد الله بالتوحيد . . . فلبث فيهم ألف سنة إلا خمسين عاماً يدعوهم سرّاً و علانیه . . . فأوحى الله عزّوجلّ إليه : أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا تبتأس بما كانوا يفعلون < فلذلك قال نوح : > ولا يلدوا إلا فاجراً كفاراً < و أوحى الله إليه > أن اصنع الفلك < ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:.. شریعت نوح آن بود که خدا به یکتایی پرستش می شد... پس نوح(ع) در بین قوم خویش ۹۵۰ سال توقف کرد و آنها را آشکار و پنهان به خدا دعوت نمود... سپس خداوند عزّوجلّ به

او وحی فرستاد: <أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ> و به همین خاطر نوح گفت: <و لا يلدوا إلا فاجراً كفاراً> و خداوند به نوح وحی کرد: <أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ>.

شفاعت از پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۱

۱ نوح (ع) در پی حایل شدن امواج آب میان او و فرزندش ، با شفاعت به درگاه خدا ، خواستار نجات وی شد .

و حال بینهما الموج . . . و نادى نوح ربه فقال رب إن ابني من أهلي

جمله <فلاتسئلن> (در آیه چهل و ششم) حاکی است که: نوح(ع) خواستار نجات فرزندش از غرق شدن بود. براین اساس دعا و التجای آن حضرت پیش از غرق شدن فرزندش بود و لذا برخی از مفسران جمله <نادی نوح ربه ...> را بر <حال بینهما الموج> عطف گرفته اند.

شفاعت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۱

۱ نوح (ع) در پی حایل شدن امواج آب میان او و فرزندش ، با شفاعت به درگاه خدا ، خواستار نجات وی شد .

و حال بینهما الموج . . . و نادى نوح ربه فقال رب إن ابني من أهلي

جمله <فلاتسئلن> (در آیه چهل و ششم) حاکی است که: نوح(ع) خواستار نجات فرزندش از غرق شدن بود. براین اساس دعا و التجای آن حضرت پیش از غرق شدن فرزندش بود و لذا برخی از مفسران جمله <نادی نوح ربه ...> را بر <حال بینهما الموج> عطف گرفته اند.

شکرگزاری نوح(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۱۲، ۱۳

۱۲- > عن أبي حمزة عن أبي جعفر (ع) قال: ... قلت: فما عني بقوله في نوح > انه كان عبداً شكوراً > قال: كلمات بالغ فيهنّ قلت: و ما هنّ؟ قال: كان إذا أصبح قال: أصبحت أشهدك ما أصبحت بي من نعمه أو عافيه في دين أو دنيا فانها منك وحدك لا شريك لك فلك الحمد على ذلك و لك الشكر كثيراً كان يقولها إذا أصبح ثلاثاً و إذا أمسى ثلاثاً... ;

ابو حمزه گوید: از امام باقر(ع) پرسیدم: مراد خدا از این سخن > إنه كان عبداً شكوراً > در باره نوح چیست؟ فرمود: مقصود کلماتی بود که نوح(ع) زیاد می گفت. عرض کردم: آن کلمات چیست؟ فرمود: صبح که می شد، می گفت: > أصبحت أشهدك ما أصبحت بي من نعمه أو عافيه... <. نوح(ع) در هر صبح و هر شام این کلمات را سه بار می گفت...<.

۱۳- > عن أبي فاطمه ان النبي (ص) قال: كان نوح (ع) لا يحمل شيئاً صغيراً و لا كبيراً إلا قال بسم الله و الحمد لله فسماه الله عبداً شكوراً ;

از ابی فاطمه روایت شده که پیامبر(ص) فرمود: نوح(ع) هیچ چیز کوچک و بزرگی را بر نمی داشت مگر آنکه می گفت: بسم الله و الحمد لله، پس خداوند او را عبد شکور نامید.<

شکست مخالفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ پیروزی نوح (ع)

و یارانش بر مخالفان ، نشان و دلیلی بر غلبه نهایی تقوایبندگان مقاوم و صبور ، بر کفریبتگان است .

تلک من أنباء الغیب . . فاصبر إن العقبه للمتقین

صبر پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۴

۱۴ نوح (ع) و پیروان او ، صبریبتگانی مقاوم در برابر ناملایمات راه ایمان

تلک من أنباء الغیب . . فاصبر

دعوت به صبر و مقاومت ، پس از بیان سرگذشت نوح(ع) و پیروانش ، اشاره به این حقیقت دارد که: آن حضرت و پیروانش ، در برابر ناملایمات صبور و شکیبیا بودند.

صبر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۴

۱۴ نوح (ع) و پیروان او ، صبریبتگانی مقاوم در برابر ناملایمات راه ایمان

تلک من أنباء الغیب . . فاصبر

دعوت به صبر و مقاومت ، پس از بیان سرگذشت نوح(ع) و پیروانش ، اشاره به این حقیقت دارد که: آن حضرت و پیروانش ، در برابر ناملایمات صبور و شکیبیا بودند.

صداقت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۵

۵ - نوح (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به خاطر صداقت و امانت داری وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

صدای بلند نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۸ - ۱

۱ - دعوت نوح (ع) از مردم ، برای ایمان آوردن با صدایی بلند و رسا

ثم إنی

دعوتهم چهارًا

<جهار> اسم مصدر <جهر> است و چنانچه در مورد کلام و سخن به کار رود، به معنای صدا و آواز بلند و در غیر آن به معنای علنی و آشکار خواهد بود.

صفات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۳ - ۲

۲ - ابراهیم (ع) ، دارای اوصاف و ویژگی های نوح (ع)

و إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرٰهِيْمَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لازمه پیرو بودن ابراهیم(ع) در سیر و سلوک زندگی، دارا بودن همان سیر و سلوک نوح پیامبر(ع) است.

ضعف مخالفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۳ - ۳

۳ - مخالفان نوح ، بهانه جویانی فاقد خرد و توان کافی ، برای فهم رسالت تبلیغی او

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأردلون ... إن حسابهم إلا على ربّی لو تشعرون

طرد نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۱۱

۱۱ - طرد شدن نوح پیامبر (ع) ، از سوی قومش ، با دشنام و اتهام

و قالوا مجنون و ازدجر

برداشت یاد شده بر این احتمال است که <و ازدجر> به معنای <و ازدجره قومه> باشد.

طغیان آب در طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۱ - ۱،۶

۱ - نابودی قوم نوح ، با طغیان آب و غرق شدن

إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ

این آیه در صدد بیان سرگذشت اولین قوم عقوبت شده است که در آیه قبل، بدان اشاره

شده و آن قوم نوح است.

۶ - > عن علي بن أبي طالب (ع) قال : لم تنزل قطرة من ماء إلا بمكيا على يدى ملك إلا يوم نوح ، فإنه أذن للماء دون الخزان ، فطغى الماء على الخزان فخرج ، فذلك قوله : > إنا لما طغى الماء < ... ;

از امام علی(ع) روایت شده که فرمود: خداوند هیچ قطره آبی را از آسمان نازل نکرده؛ مگر این که به دست فرشته ای پیمانہ شده است (یعنی زیر نظر فرشته باران به اندازه معین باریده است)؛ مگر روز طوفان نوح که در آن روز خداوند به خود آب مستقیماً و بدون دخالت خزانه داران اذن داد [تا جاری گردد]. پس آب بر خزینه داران طغیان نمود و خارج گردید و این است سخن خداوند: > إنا لما طغى الماء <...<.

طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۹، ۱۸

۱۸ نوح ، نگران مبتلا شدن قومش به کیفر دنیوی (طوفان) بر اثر شرکورزی و ترک پرستش خداوند

إني أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

بر اساس این احتمال که مراد از >یوم عظیم< زمان طوفان نوح باشد.

۱۹ طوفان نوح ، حادثه ای عظیم در تاریخ بشر

إني أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۹

۱۹ > عن أبي عبد الله (ع) قال : لما أراد الله عزوجل هلاك قوم نوح عقم أرحام النساء أربعين سنة فلم يولد فيهم مولود فلما فرغ نوح من اتخاذ السفينه أمره الله

أن ينادى بالسريانيه لايبقى بهيمه و لا حيوان إلا حضر [إلى أن قال] فصاحت إمرأته لما فار التّور فجاء نوح إلى التّور فوضع على ها طيناً و ختمه حتى أدخل جميع الحيوان السفينه ثم جاء إلى التّور ففضّ الخاتم و رفع الطين . . .

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که خداوند عزوجل اراده کرد قوم نوح را هلاک کند، به مدت چهل سال زنان را عقیم کرد؛ در نتیجه فرزندى در میان آنان به دنیا نیامد. پس هنگامى که نوح از ساختن کشتى فارغ شد خداوند به وی امر کرد که با زبان سريانى ندا کند که: هیچ چهارپا و حیوانى باقى نماند مگر آنکه حاضر شوند... هنگامى که نوح فوران کرد، زن نوح فریادى کشید. پس نوح به طرف تنور آمد و بر تنور گِل زد و او را مهر کرد تا حیوانات را به داخل کشتى برد سپس به طرف تنور آمد و مهر را شکست و گِل را برداشت...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۴

۴ فسادپيشگی فرزند نوح ، موجب هلاکت وی در حادثه طوفان

فكان من المغرقين .. إنه ليس من أهلک إنه عمل غير صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۸،۱۶

۸ - نوح (ع) ، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتى ، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا .. فاسلك فيها من كل زوجين اثنين و أهلک إلا من سبق عليه القول

- خداوند ، نوح (ع) را از وساطت برای نجات ظالمان از عذاب طوفان ، نهی کرد .

و لاتخطبني في الدين ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۱ - ۲، ۱

۱ - شکل گیری جامعه ای جدید پس از طوفان نوح

ثم أنشأنا من بعدهم قرناً اخرين

<إنشاء> (مصدر <أنشأنا>) به معنای پدید آوردن است. ضمیر <هم> در <من بعدهم> به قوم نوح بازمی گردد. <قرن> به مجموعه ای از انسان ها که کنار هم زندگی کنند گفته می شود.

۲ - وجود فاصله زمانی میان طوفان نوح و شکل گیری جامعه جدید

ثم أنشأنا من بعدهم قرناً اخرين

برداشت یاد شده، با توجه به آمدن <ثم> که برای فاصله زمانی است استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۱

۱ - اقدام خداوند به فرستادن رسول ، پس از شکل گیری جامعه جدید بشری ، بعد از طوفان نوح

فأرسلنا فيهم رسولا منهم

عبارت <فأرسلنا فيهم رسولا..> عطف است، بر <أنشأنا>. ضمیر <فيهم> و <منهم> نیز به <قرن> بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۶

۶ - قوم نوح ، به دنبال قبول نکردن رسالت نوح (ع) دچار سیلی عظیم و بنیان کن شدند و به هلاکت رسیدند .

و لقد أرسلنا نوحاً إلى قومه .. فأخذهم الطوفان

<طوفان> هر حادثه ای را می گویند که انسان را احاطه کند. این واژه در <آب فراوان (سیل)> متعارف شده است
(مفردات راغب).

جلد - نام سوره -

۱ - خداوند ، نوح (ع) و اصحاب کشتی او را ، از غرق شدن در طوفان ، نجات داد .

فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ .. فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ

۲ - نوح (ع) و جمعی از مردم مؤمن به وی ، در واقعه طوفان ، بر کشتی سوار شدند .

فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ .. فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ

۵ - مدت رسالت نهصد و پنجاه ساله نوح (ع) در میان قوم اش ، تنها ، مربوط به زمان قبل از طوفان است .

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه فلبث فيهم .. فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ ... فَأَنْجَيْنَاهُ

۶ - واقعه طوفان و هلاکت قوم نوح و نجات آن حضرت و مؤمنان به وی ، از آن حادثه ، درس عبرتی بزرگ برای انسان ها است .

فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ .. فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ

مرجع ضمیر <ها> می تواند <سفینه> و یا <واقعه طوفان> باشد. برداشت بالا، بنا بر احتمال دوم است. گفتنی است، <آیه> به معنای <عبرت> است و نکره آمدن اش، دلالت بر تفخیم می کند.

طوفان نوح(ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - دعوت خداوند از خلق ، برای پندگیری از آیات او و رخداد طوفان نوح

و لقد تركنهن آية فهل من مدكر

تعبیر <فهل من مدكر> برای انگیزش است.

ظرفیت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - کشتی نوح ، ظرفیت بیش از یک جفت

(یک نر و یک ماده) از هر حیوان مورد نیاز را نداشت .

فاسلک فیها من کل زوجین اثنین

تأکید خداوند بر این که از هر حیوان تنها یک نر و یک ماده و نه بیشتر را در کشتی جای دهند (من کل زوجین اثنین)، بیانگر مطلب فوق است.

ظلم به پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - نوح (ع) و یارانش ، گرفتار ظلم و بیدادگری قوم خویش

فقل الحمد لله الذي نجنا من القوم الظلمين

ظلم به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - نوح (ع) و یارانش ، گرفتار ظلم و بیدادگری قوم خویش

فقل الحمد لله الذي نجنا من القوم الظلمين

عبرت از طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۳،۴

۳ - طوفان نوح و ثبت آن در تاریخ ، تدبیری الهی برای معرفت و عبرت آدمیان

و لقد ترکناها آیه فهل من مدکر

در صورتی ضمیر <ترکناها>، مربوط به قصه نوح و طوفان باشد چنان که برخی برآنند به دست می آید که مقصود از آن، ثبت آن قصه در تاریخ می باشد که به وسیله وحی صورت گرفته است.

۴ - دعوت خداوند از خلق ، برای پندگیری از آیات او و رخداد طوفان نوح

و لقد ترکنها ءایه فهل من مدکر

تعبیر <فهل من مدکر> برای انگیزش است.

عبرت از قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- داستان حضرت نوح ، داستانی درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و نوحًا اِذ نادى

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <نوحًا> مفعول برای فعل مقدر (هم چون <اذکر> یا <اذکروا>) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۱

۱ - نجات نوح (ع) و پیروانش و هلاکت کفرپیشگان قوم وی ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

<ذلک> به جریان نجات نوح(ع) و پیروان وی و نیز هلاکت قوم کفرپیشه وی اشاره دارد. <آیه> در این جا مرادف <عبره> می باشد و نکره آمدن آن بیانگر عظمت آن است.

عبرت از کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۱

۱ - برجای ماندن کشتی نوح برای چندی در زمین ، به عنوان نشانه الهی و به منظور عبرت آموزی خلق

و لقد تركنہا ءایہ فہل من مدكر

واژه <آیه> در معانی <علامت>، <معجزه> و <عبرت> به کار می رود. گفتنی است برداشت یاد شده براین احتمال است که ضمیر <ترکناها> به <ذات ألواح> باز گردد.

عبودیت خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۶

۶ - نوح (ع) و خاندانش ، از بندگان مخلص و برگزیده خدا بودند .

إلّا عباد الله المخلصين . و لقد نادينا نوح... و نجّينه و أهله من الكرب العظيم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان

خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

عبودیت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۶

۶ - نوح (ع) و خاندانش، از بندگان مخلص و برگزیده خدا بودند.

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمَخْلُصِينَ . و لقد نادينا نوح... و نجينه و أهله من الكرب العظيم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۱ - ۱،۲

۱ - حضرت نوح، از بندگان مؤمن خدا

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

۲ - نوح پیامبر، از بندگان برجسته و مقرب خداوند

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا

برجسته و مقرب بودن نوح(ع)، از اضافه <عباد> به ضمیر جلاله <نا> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۵

۵ - مقام عبودیت و بندگی خداوند، از اوصاف عالی حضرت نوح (ع)

فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا

وصف <عبدنا> در مقام یادکرد از تلاش های نوح(ع)، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۴

۴ - حضرت نوح و لوط (ع) ، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا صلحین

عذاب دنیوی مکذبان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۵

- کافران تکذیب گر و ستیزه جوی قوم نوح و بعد از آنها ، به دلیل دوزخی بودن ، به عذاب دنیوی نیز گرفتار شدند .

فأخذتهم فكيف كان عقاب . و كذلك حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که جمله <أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ> به تقدیر لام تعلیل در مقام تعلیل باشد؛ یعنی، چون آنان از دوزخیان هستند، به عذاب الهی گرفتار آمدند.

عذاب همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۹

۹ - بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع) ، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم يغنيا عنهما من الله شيئاً

عصمت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۱ - ۴

۴ نوح (ع) و دیگر رسولان الهی ، دارای عصمت و مبرا از هر گونه گمراهی

لیس بی ضلله و لکنی رسول من رب العلمین

جمله <لکنی رسول ... > به منزله تعلیلی است برای تبرئه نوح از هر گونه گمراهی. بنابراین جمله <لیس بی ضلله > به همراه <و لکنی ... > علاوه بر عصمت نوح، دلالت بر عصمت تمامی رسولان الهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۸

۸ محدودیت علم و آگاهی نوح (ع) و معصوم نبودن او از خطا و اشتباه

إن ابني من أهلي .. إنه ليس من أهلك ... فلاتستلن ما ليس لك به علم

عصیان از

نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۱

۱ حضرت نوح (ع) حجت را بر قومش تمام کرده و آنان بی هیچ دلیلی از او رو گردانیده و از پذیرش دعوتش سر باز می زدند .

فإن تولیتم فما سألتکم من أجر

این آیه ادامه آیه قبل است که برای بیان تحدی حضرت نوح (ع) و تمام کردن حجت خود بر قومش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱

۱ پسر نوح ، دعوت او را (گرایش به توحید و ...) نپذیرفت و از سوار شدن بر کشتی امتناع کرد .

بینی اركب معنا ولا تكن مع الكفرین. قال سأوی إلى جبل يعصمني من الماء

شدن بر کشتی امتناع کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱

۱ - قوم نوح ، از فرمان های آن حضرت سرپیچی می کردند .

قال نوح ربّ إنهم عصونی

عصیان پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱

۱ پسر نوح ، دعوت او را (گرایش به توحید و ...) نپذیرفت و از سوار شدن بر کشتی امتناع کرد .

بینی اربک معنا و لاتکن مع الکفرین. قال سأوی إلى جبل یعصمنی من الماء

شدن بر کشتی امتناع کرد.

عظمت طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۲

۲ حادثه طوفان نوح ، حادثه ای

بس بزرگ و برخاسته از فرمان خداوند بود .

حَتَّى إِذَا جَاء أَمْرُنَا

مراد از <أمر> عذاب است و اضافه آن به <نا> برای بیان عظمت عذاب (طوفان) می باشد و آوردن <أمر> به جای <عذاب> می رساند که آن عذاب به فرمان خدا بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۲

۲ جوشش آب های زیرزمینی و ریزش باران در حادثه طوفان نوح ، تشکیل دهنده دریایی عظیم و پرتلاطم

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

وجود موجهایی همانند کوهها ، حکایت از به وجود آمدن دریایی بزرگ از آب دارد.

عظمت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۹

۹ کشتی نوح ، سفینه ای فوق العاده بزرگ و عظیم

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

ظرفیت کشتی برای حمل یک جفت از هر حیوان ، حکایت از بزرگی و عظمت فوق العاده آن دارد.

عقیده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۴

۴ نوح (ع) به قوم خویش اعلام کرد که پاداش رسالتش تنها بر عهده خداوند است .

إن أجری إلاّ علی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۲

۲ نوح (ع) ، پس از تلاش های ناموفق خویش ، این احتمال را موجه دانست که خداوند خواسته تا اشراف و سران قومش ، به ورطه ضلالت و گمراهی سقوط کنند .

و لا ینفعکم نصحی . . . إن کان الله یرید أن ینصیکم

<إن> در

<إِنَّ كَانِ اللَّهُ...> شرطیه است و جمله <لَا يَنْفَعُكُمْ...> به منزله جواب برای آن می باشد. گرچه این احتمال نیز که مخففه از مثقله باشد بعید به نظر نمی رسد. بر این اساس جمله <إِنَّ كَانِ اللَّهُ> بیانگر آن است که نوح(ع) به ایمان نیاوردن قومش اطمینان پیدا کرده بود. قابل ذکر است که نیامدن <لام> در خبر <إِنَّ> مخففه، به خاطر مشتبه نشدن آن با <إِنَّ> نافیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۸

۸ نوح (ع)، رهایی خویش از زیان کاری را در گرو مغفرت و رحمت الهی می دانست .

إِلَّا تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي أَكُنَ مِنَ الْخَسِرِينَ

علم غیب نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱۳، ۱۲، ۱۱

۱۱ خداوند نوح (ع) را به حقایقی پوشیده بر مردم آگاه ساخت .

و أعلم من الله ما لا تعلمون

من در <من الله> می تواند برای ابتدای غایت باشد. در این صورت <أعلم من الله...> یعنی علم من از جانب خداست و خدا مرا به حقایقی آشنا کرده است. و نیز می تواند <من الله> به معنای <درباره خدا> باشد. یعنی من حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانم که شما نمی دانید. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۲ نوح (ع)، آگاه به حقایقی پوشیده از مردم درباره خداوند

و أعلم من الله ما لا تعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که <من الله> به معنای <درباره خدا> باشد.

۱۳ آگاهی نوح (ع)

(به حقایقی از جانب خدا ، از عوامل پایداری وی در تبلیغ رسالت های الهی و خیرخواهی خالصانه برای مردم

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم و أعلم من الله ما لاتعلمون

به نظر می رسد جمله < أعلم من الله .. > به منزله تعلیلی باشد برای < أبلغکم > و < أنصح لکم >. یعنی آگاه بودن من بر حقایقی پوشیده بر شما مرا در ابلاغ رسالت های الهی پایدار می سازد.

علم لدنی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۳

۳- حضرت نوح (ع) ، از جانب خداوند ، از علم ، حکمت و منصب قضاوت برخوردار بود .

و لوطاً ءاتینه حکماً و علماً .. و نوحاً إذ نادى

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که عبارت < نوحاً > عطف بر < لوطاً آتیناه > باشد ، یعنی ، همان گونه که به لوط(ع) علم، حکمت و .. دادیم، به نوح(ع) نیز عطا کردیم. گفتنی است واژه < حکم > هم به معنای حکمت استعمال می شود و هم به معنای قضاوت (لسان العرب).

علم نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۲

۲ نوح (ع) پیش از مأموریتش برای ساختن کشتی ، به چگونگی (اندازه ، شکل و ...) آن آگاه بود .

واصنع الفلک

ظاهر این است که < ال > در < الفلک > عهد ذهنی است و اشاره به سفینه ای خاص دارد که نوح(ع) به آن آشنایی داشت. براین اساس خداوند، پیش از فرمان به ساختن کشتی، طرح و دورنمایی از آن را به او نشان داده

بود. گفته شده که آن حضرت کشتی مورد نظر را در رؤیا دیده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۷

۷- دوران‌دیشی و آینده‌نگری نوح (ع) و آگاهی کامل آن حضرت از وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه خویش

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

عمر مردم دوران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۵

۵- مردم دوران نوح (ع) ، عمری طولانی داشته اند . *

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه فلبث فيهم ألف سنة إلا خمسين عامًا

بنابراین که <لبث فيهم> حقیقتاً، اشاره داشته باشد به درنگ نوح(ع) در میان قومی که از آغاز، رسالت اش را در میان آنان شروع کرده، نکته یادشده، به دست می آید.

عمل به تکلیف نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۵،۷

۵ نوح (ع) پس از دریافت فرمان الهی مبنی بر ساختن کشتی ، همه وقت و همّت خویش را مصروف اجرای آن فرمان کرد .

و يصنع الفلك و كلما مرّ عليه ملامن قومه سخروا منه

بدیهی است که تمسخر کفرپیشگان، مخصوص زمانی نبوده که نوح(ع) را در کارگاه کشتی سازی مشاهده کنند. بنابراین مقید کردن زمان استهزا به وقتی که در جایگاه کشتی سازی با او مواجه می شدند، به این نکته اشاره دارد که: کافران آن حضرت را در غیر آن مکان نمی یافتند و این حاکی است که او، تمام وقت را در کارگاه مشغول

به کار بوده است.

۷ تمسخر و استهزای کفرپیشگان ، هرگز نوح (ع) و پیروانش را از اجرای فرمان خدا باز نداشت .

و يصنع الفلك و كلما مرّ عليه ملأ من قومه سخروا منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۹

۹- نوح (ع) ، طبق دستور الهی می بایست از هر حیوان ، تنها یک نر و یک ماده را وارد کشتی کند .

فاسلك فيها من كل زوجين اثنين

عمل خیر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

عمل صالح خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۳

۱۳ اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و ...) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع) .

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

تصریح خداوند به این که <هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است > ، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت

نبوده؛ بلکه منزّه بودنشان از اعمال ناشایست، مایه نجاتشان بوده است.

عمومیت طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ طوفان عصر نوح، طوفانی گسترده و عالمگیر بود.

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

چنانچه طوفان عصر نوح، منطقه خاصی را فرا می گرفت ضرورتی نداشت که هر نوع حیوانی در کشتی حمل شود تا از نابودی و انقراض نجات یابد؛ زیرا بسیاری از حیوانات در اکثر مناطق زمین یافت می شوند. بنابراین طوفان نوح حداقل بخش بسیار عظیمی از قاره آسیا را فرا گرفته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ > قال أبو عبد الله (ع): ... غرق جميع الدنيا إلا موضع البيت ... ;

امام صادق(ع) فرمود: ... [در طوفان نوح] همه دنیا غرق شد مگر جایگاه خانه خدا ... <.

عمومیت هدایتگری نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۲ - ۱

۱ - اهتمام نوح (ع) به هدایت همه طبقات جامعه، بدون در نظر گرفتن پیشینه آنان

قال و ما علمی بما کانوا یعملون

<ما> در <ما علمی> استفهامیه و به معنای <آئی شیء> است و <بما کانوا..> متعلق به <علمی> می باشد. جمله <کانوا یعملون> نیز ماضی استمراری است؛ یعنی، <آئی شیء فائده علمی بأعمالهم الماضیه>؛ مرا با اعمال گذشته آنان چکار؟<

عوامل اندوه خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ -

۸- قوم بی ایمان نوح ، مایه غم شدید و اندوه بزرگ برای حضرت نوح و خاندانش بودند .

فَنَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۳

۳- نوح (ع) و خاندانش به وسیله قوم خود ، گرفتار غم بزرگ و مشکلات اندوه بار شدند .

و نَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

عوامل اندوه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۶

۶ نوح (ع) ، همواره رنجیده خاطر از رفتار ناپسند قوم خویش و اندوهناک از اصرار آنان بر کفر و انکار رسالت

فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

إِبْتِئَاسٌ (مصدر تبتئس) به معنای محزون و ناراحت شدن است و مراد از <ما كانوا يفعلون> شرک و ورزی و اصرار آنان بر انکار رسالت و دیگر کارهای نارواست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۸

۸- قوم بی ایمان نوح ، مایه غم شدید و اندوه بزرگ برای حضرت نوح و خاندانش بودند .

فَنَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۳

۳- نوح (ع) و خاندانش به وسیله قوم خود، گرفتار غم بزرگ و مشکلات اندوه بار شدند .

و نَجِّينَهُ و أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

عوامل تکذیب نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۳،۷

۳ بشر بودن نوح (ع) ، بهانه و دستاویز

کفرپیشگان برای انکار پیامبری و رسالت آن حضرت

فقال المألاً .. ما نريك إلا بشراً مثلنا

۷ انحصار پیروان نوح به قشر مستضعف و تهی دست ، بهانه و دستاویز اشراف برای ایمان نیاوردن به او و انکار رسالت های وی

فقال المألاً .. ما نريك اتبعك إلا الذين هم أراذلنا بادی الرأی

عوامل توقف کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۲

۲ کشتی نوح ، با نام خدا حرکت می کرد و با نام خدا از حرکت باز می ایستاد .

بسم الله مجریها و مرسیها

<مجری> و <مرسی> مصدرهای میمی هستند و در کلام مبتدا واقع شده اند و به ترتیب به معنای <جری> (حرکت کردن) و <إرساء> (از حرکت بازداشتن) می باشد. حرف <باء> برای استعانت و <بسم الله> خبر برای <مجریها...> است. بنابراین جمله <بسم الله مجریها...> چنین معنا می شود: [نوح گفت: حرکت این کشتی و نیز بازداشتن آن از حرکت، با نام خدا تحقق می یابد.

عوامل حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۲

۲ کشتی نوح ، با نام خدا حرکت می کرد و با نام خدا از حرکت باز می ایستاد .

بسم الله مجریها و مرسیها

<مجری> و <مرسی> مصدرهای میمی هستند و در کلام مبتدا واقع شده اند و به ترتیب به معنای <جری> (حرکت کردن) و <إرساء> (از حرکت بازداشتن) می باشد. حرف <باء> برای استعانت و <بسم الله> خبر برای <مجریها...> است. بنابراین جمله <بسم الله مجریها...> چنین معنا می شود:

[نوح گفت: حرکت این کشتی و نیز بازداشتن آن از حرکت، با نام خدا تحقق می یابد.

عوامل طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۸

۸ - گرفتار شدن قوم نوح به سیلی عظیم و در نتیجه به هلاکت رسیدن ، پیامد مداومت آنان به شرک و قبول نکردن دعوت نوح بود .

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه .. فأخذهم الطوفان و هم ظلمون

به قرینه مقام، مراد از ظلمی که به قوم نوح نسبت داده شده است، ممکن است ظلم اصطلاحی نباشد و بلکه شرک و مداومت بر آن باشد.

عوامل محرومیت پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۳

۳ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب محسوب نشدن وی از خانواده نوح (ع) در پیشگاه خداوند

إنه ليس من أهلک إنه عمل غير صلح

جمله <إنه عمل... > علت برای <إنه ليس من أهلک > می باشد؛ یعنی ، چون فرزندان دارای عمل ناشایست است ، ما او را از خانواده تو به حساب نمی آوریم.

عوامل نجات از طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۳

۱۳ اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و ...) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع) .

إنه ليس من أهلک إنه عمل غير صلح

تصریح خداوند به این که <هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است > ، اشاره به این معنا دارد که:

نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده بلکه منزه بودنشان از اعمال ناشایست ، مایه نجاتشان بوده است.

عوامل نجات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۹

۹- نجات نوح (ع) و همراهان او ، پاداش عبودیت و شکرگزاری مداوم وی بود .

ذَرِيهٍ مِنْ حَمَلِنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا

<ذَرِيهٍ .. > اشاره به نجات همراهان نوح(ع) از غرق شدن دارد و جمله <إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا> می تواند تعلیل برای آن نجات باشد یعنی، چون حضرت نوح(ع) عبودی شاکر بود، او و همراهانش را نجات بخشیدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۳

۳- نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَنْ كَانَ كُفْرًا

مراد از <لِمَنْ كَانَ كُفْرًا> نوح است که مورد کفران مستمر قومش قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

عوامل نجات همسفران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۹

۹- نجات نوح (ع) و همراهان او ، پاداش عبودیت و شکرگزاری مداوم وی بود .

ذَرِيهٍ مِنْ حَمَلِنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا

<ذَرِيهٍ .. > اشاره به نجات همراهان نوح(ع) از غرق شدن دارد و جمله <إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا> می تواند تعلیل برای آن

نجات باشد، یعنی، چون حضرت نوح (ع) عبدی شاکر بود، او و

همراهانش را نجات بخشیدیم.

عوامل نگرانی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۷ - ۲

۲ - نوح (ع) ، نگران تکذیب ارزش ها و تعالیم الهی از سوی مردم بود ؛ نه نگران تهدید خود او از سوی آنان .

قال ربّ إنّ قومی کذّبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شکوه نوح(ع) به درگاه خدا در پی تهدیدهای سخت مخالفان، از تکذیب گری آنان بود نه از تهدیدهای آنها.

عوامل هلاکت پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۴

۴ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب هلاکت وی در حادثه طوفان

فکان من المغربین .. . إنه لیس من أهلک إنه عمل غیر صلح

عهد خدا با نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷ - ۳

۳ - خداوند ، از پیامبر اسلام (ص) و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی (ع) پیمان و تعهدی شدید ، گرفته است .

و إذا أخذنا .. و منک و من نوح و إبرهیم و موسی و عیسی ابن مریم و أخذنا منهم میث

غرق پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۴

۱۴ تقدیر الهی بر غرق شدن و هلاک گشتن برخی از افراد خانواده نوح

و أهلك إلا من سبق عليه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ امواج سهمگین طوفان ،

فرزند نوح را پیش از آنکه به کوهی پناه برد، در خود فرو برد و هلاک کرد.

و حال بینهما الموج فکان من المغرقین

غرق همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۴

۱۴ تقدیر الهی بر غرق شدن و هلاک گشتن برخی از افراد خانواده نوح

و أهلکک إلا من سبق علیه القول

فرجام مکذبان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۸

۸ خداوند، با بیان عاقبت نیک یاران حضرت نوح (ع) و فرجام شوم تکذیب کنندگانش، پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان را دلداری داده و مشرکان را به عذاب استیصال تهدید نمود.

و اتل علیهم نبأ نوح .. فانظر کیف کان عقبه المنذرین

فرجام مؤمنان به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۸

۸ خداوند، با بیان عاقبت نیک یاران حضرت نوح (ع) و فرجام شوم تکذیب کنندگانش، پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان را دلداری داده و مشرکان را به عذاب استیصال تهدید نمود.

و اتل علیهم نبأ نوح .. فانظر کیف کان عقبه المنذرین

فرجام همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - هشدار خداوند ، به دو همسر خطاکار پیامبر (حفصه و عایشه) ، درباره سرنوشت شوم خیانت به پیامبر (ص) همچون سرنوشت همسران نوح و لوط

ضرب الله مثلاً

لذین کفروا امرأت نوح .. قیل ادخلا النار مع الدخلین

یادآوری خیانت همسران دو پیامبر پس از نقل ماجرای توطئه دو همسر پیامبر اسلام می تواند هشدار به آنان باشد.

فساد امت های پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۴

۴- پیدایش فسق و فساد عمومی و انحرافات عمده تاریخ انسانی ، پس از عصر نوح بود .

و کم أهلکنا .. من بعد نوح

فسق امت های پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۴

۴- پیدایش فسق و فساد عمومی و انحرافات عمده تاریخ انسانی ، پس از عصر نوح بود .

و کم أهلکنا .. من بعد نوح

فصاحت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۵ - ۵

۵- روشن و بی ابهام بودن بیان و انداز پیامبران ، ویژگی بارز آنان در تبلیغ

إن أنا إلا نذیر مبین

فضایل خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۹

۹- خاندان نوح از مؤمنان به رسالت نوح (ع) و بهره مند از لطف ویژه خداوند

فنجینه و أهله من الكرب العظيم

نجات خاندان نوح(ع)، بیانگر عنایت ویژه خداوند به ایشان و نیز حاکی از ایمان آنان به رسالت نوح(ع) است؛ زیرا اگر آنان مانند قوم نوح کافر بودند، نجات نمی یافتند. گفتنی است آیه بعد (و نصرناه من القوم الذین کذبوا...) مؤید همین نکته است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۶

۶ - نوح (ع) و خاندانش، از بندگان مخلص و برگزیده خدا بودند.

إلا عباد الله المخلصين . و لقد نادينا نوح... و نجّينه و أهله من الكرب العظيم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

فضایل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون(ع) پیامبرانی بودند که بر همه مردم عصر خویش برتری یافته بودند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب . . و کلا فضلنا علی العلمین

برتری یافتن هر یک از پیامبران بر همه مردم که در اولین نظر از کلمه <العالمین> به ذهن می آید مستلزم برتری یافتن هر یک از پیامبران بر دیگری است. لذا نمی توان عموم <العالمین> را حقیقی دانست، بلکه دارای عموم عرفی بوده و ناظر به همه جوامع عصر خود آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ نوح، پیامبری دلسوز برای مردم خویش

إني أخاف عليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱۳، ۱۱، ۷، ۶، ۵

۵ نوح (ع) ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و أنصح لكم

۶ خیرخواهی نوح (ع) تنها در جهت منافع مردمان ، نه آمیخته به منفعت های شخص خود بود .

و

أنصح لكم

آوردن <لام> پس از مشتقات <نصيحت>، همانند <أنصح لكم>، حکایت از خلوص کامل نصیحت کننده نسبت به نصیحت شونده دارد. یعنی در نصیحتش (خیرخواهیش) هیچ شائبه منفعت شخصی ندارد و تنها خیر او را در نظر گرفته است.

۷ ابلاغ پیام های خداوند به مردم، جلوه ای از خیرخواهی نوح برای مردم خویش بود.

أبلغكم رسلت ربي و أنصح لكم

۱۱ خداوند نوح (ع) را به حقایق پوشیده بر مردم آگاه ساخت.

و أعلم من الله ما لاتعلمون

من در <من الله> می تواند برای ابتدای غایت باشد. در این صورت <أعلم من الله...> یعنی علم من از جانب خداست و خدا مرا به حقایق آشنا کرده است. و نیز می تواند <من الله> به معنای <درباره خدا> باشد. یعنی من حقایق را درباره خدا و صفات او می دانم که شما نمی دانید. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۳ آگاهی نوح (ع) به حقایق از جانب خدا، از عوامل پایداری وی در تبلیغ رسالت های الهی و خیرخواهی خالصانه برای مردم

أبلغكم رسلت ربي و أنصح لكم و أعلم من الله ما لاتعلمون

به نظر می رسد جمله <أعلم من الله...> به منزله تعلیلی باشد برای <أبلغكم> و <أنصح لكم>. یعنی آگاه بودن من بر حقایق پوشیده بر شما مرا در ابلاغ رسالت های الهی پایداری می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۸

۸ نوح (ع) پیامبری خیرخواه و دلسوز مردم

لاينفعكم نصحي إن أردت أن أنصح لكم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۷

۷ نوح (ع)، واسطه شمول مغفرت و رحمت خداوند بر مؤمنان و پیروان او

إن ربی لغفور رحیم

به دلیل <ارکبوا> که خطاب به پیروان نوح است، متعلق <غفور> و <رحیم> نیز پیروان آن حضرت می باشد؛ یعنی: إن ربی لغفور لکم رحیم بکم. (خداوند آمرزنده شما و نازل کننده رحمت بر شماست). لازمه این سخن آن بود که نوح می فرمود: <ربکم> (پرورگار شما) نه <ربی>. این جابه جایی بیانگر این نکته است که: خداوند به واسطه نوع (ع)، مغفرت و رحمت خویش را به پیروان او می گستراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۸

۸- عبودیت و شکرگزاری زیاد و مداوم به درگاه خدا، از ویژگی های مهم حضرت نوح (ع) بود.

إنه کان عبداً شکوراً

از میان اوصاف گوناگون حضرت نوح (ع) تنها عبودیت و سپاسگزاری او را یادآور شد و این بیانگر برجستگی آن دو صفت در آن حضرت است. گفتنی است تداوم عبودیت و شکرگزاری از جمله اسمیه <إنه کان...> که دلالت بر ثبوت و استمرار دارد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۳،۹

۳- حضرت نوح (ع)، از جانب خداوند، از علم، حکمت و منصب قضاوت برخوردار بود.

و لو طأ آتینه حکماً و علماً... و نوحاً إذ نادى

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که عبارت <نوحاً> عطف بر <و لو طأ آتینه> باشد؛ یعنی، همان گونه

که به لوط(ع) علم، حکمت و .. دادیم، به نوح(ع) نیز عطا کردیم. گفتنی است واژه <حکم> هم به معنای حکمت استعمال می شود و هم به معنای قضاوت (لسان العرب).

۹- خاندان نوح از مؤمنان به رسالت نوح (ع) و بهره مند از لطف ویژه خداوند

فَنَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

نجات خاندان نوح(ع)، بیانگر عنایت ویژه خداوند به ایشان و نیز حاکی از ایمان آنان به رسالت نوح(ع) است؛ زیرا اگر آنان مانند قوم نوح کافر بودند، نجات نمی یافتند. گفتنی است آیه بعد (و نصرناه من القوم الذين كذبوا...) مؤید همین نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۷

۷- نوح (ع) ، پیامبری مهربان و دلسوز مردم

فَقَالَ يَاقَوْمِ

<یا قوم> (ای قوم من)، خطابي مهرآمیز و از سر دلسوزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۶

۶- نوح (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانتدار در میان قومش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید نوح(ع) بر <آمین> بودن خود در ابلاغ پیام الهی، در صورتی ثمر بخش خواهد بود که وی در میان قومش، از سابقه امانت داری و خوش نامی برخوردار بوده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۶۸

۶- نوح (ع) و خاندانش، از بندگان مخلص و برگزیده خدا بودند.

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمَخْلُصِينَ . و لقد نادينا نوح... و نجّينه و أهله من الكرب العظيم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن

از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

۸- نوح (ع) ، الگو و مقتدای رسالت مداران الهی و مبلغان دینی

و لقد نادینا نوح .. و نَجِّینه و أهله من الكرب العظیم

نقل داستان نوح(ع) و پنج پیامبر دیگر و آغاز شدن این نقل با نام آن حضرت، می تواند به منظور ارائه الگو برای پیامبر(ص) و مؤمنان به ایشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۸ - ۱،۲

۱ - خداوند ، از نوح (ع) نام و آوازه نیک در میان آیندگان برجای گذاشت .

و تركنا علیه فی الآخرین

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که مفعول <ترکنا> محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: <و ترکنا ثناءً علیه>. گفتنی است فعل <ترکنا> در آیه شریفه، به معنای <أبقینا> (باقی گذاشتیم) است.

۲ - باقی ماندن نام و آوازه نوح (ع) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و تركنا علیه فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۹ - ۱،۳

۱ - سلام و تحیت بزرگ خداوند به نوح پیامبر برای همیشه تاریخ

سلم علی نوح فی العلمین

تنوین <سلام> برای تعظیم است و مقصود از <العالمین> که جمع محلی به <الف> و <لام> و مفید عموم است تمامی

امت ها، در همه اعصار و قرن ها است.

۳- باقی ماندن سنت سلام و تحیت بر نوح (ع)، در میان نسل های پس از آن حضرت برای همیشه تاریخ

و ترکنا علیه فی الأخرین . سلم علی نوح فی العلمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که جمله <سلام علی نوح..> تفسیر برای جمله <و ترکنا علیه...> باشد، یعنی، آنچه برای نوح(ع) برجای گذاشتیم، عبارت است از سنت سلام و تحیت بر او در میان جهانیان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۲

۲- نوح پیامبر، نمونه و الگوی نیکوکاران و احسان کنندگان

سلم علی نوح فی العلمین . إنا كذلك نجزي المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۱ - ۷

۷- نوح پیامبر، اسوه و الگوی مقاومت و شکیبایی در برابر دشمنان و مخالفان دعوت الهی

و لقد نادینا نوح.. .. إنه من عبادنا المؤمنین

ذکر داستان نوح(ع) برای پیامبر(ص) و ایمان آورندگان به آن حضرت در مکه، می تواند برای ارائه الگو در مسیر دعوت الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۳ - ۴،۵

۴- نوح (ع)، پیشتاز و مقتدای حرکت توحیدی در میان پیامبران الهی

و إن من شیعتہ لإبرهیم

پیرو بودن ابراهیم(ع) با آن که خود از انبیای بزرگ بود و نیز وجود پیامبرانی چون هود و صالح(ع) پیش از آن حضرت، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد. گفتنی است معنای لغوی <شیعه> (گروه

پیرو رئیس خود) مؤید برداشت بالا است.

۵- نوح (ع) ، دارای شخصیتی برجسته و ممتاز در میان پیامبران الهی

و إنّ من شیعتہ لإبرہیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۴

۴- حضرت نوح و لوط (ع) ، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا صلحین

فضایل همسفران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۹

۹- همراهان نوح (ع) در کشتی ، افرادی با فضیلت و شایسته تمجید بودند .

و ممّن حملنا مع نوح

تعبیر <ذریّه آدم> برای تمام انبیا کافی بود، تصریح به برخی از آباء و اجداد دیگر، از جمله هم سفران نوح(ع)، گویای شخصیت والای آنها است.

فضیلت دین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۶

۶- دین نوح ، اولین شریعت آسمانی است . *

شرع لکم من الدین ما وصّی به نوحًا

آیه شریفه در مقام بیان ادیان پیشین است. تعبیر <شرع لکم... أوحینا إلیک> می تواند ناظر به اولین و آخرین شرایع آسمانی باشد.

فلسفه انذارهای نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱ - ۳

۳ - انذار و اخطار نوح (ع) به مردمش ، به منظور پیش گیری از نزول عذاب دردناک بر آنان

أن أنذر قومك من قبل أن يأتهم عذاب أليم

فلسفه بعثت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۱۳

دستیابی قوم نوح (ع) به رحمت های ویژه خداوند، از اهداف بعثت آن حضرت بود.

جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم .. لعلكم ترحمون

فلسفه طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۳

۳ - طوفان نوح و ثبت آن در تاریخ، تدبیری الهی برای معرفت و عبرت آدمیان

و لقد تركنهن ايه فهل من مدكر

در صورتی ضمیر <ترکناها>، مربوط به قصه نوح و طوفان باشد چنان که برخی برآنند به دست می آید که مقصود از آن، ثبت آن قصه در تاریخ می باشد که به وسیله وحی صورت گرفته است.

فلسفه قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۹

۹ از هدف های بیان سرگذشت نوح (ع) در قرآن، ترغیب پیامبر (ص) و اهل ایمان به صبر و مقاومت است.

تلك من انباء الغيب نوحيها إليك .. فاصبر إن العقبه للمتقين

خداوند، با تفریع جمله <إصبر..> به وسیله حرف <فاء> بر نقل داستان نوح(ع)، به این نکته اشاره می کند که: مقصود از شرح ماجرای حضرت نوح (ع)، قصه سرایی نیست؛ بلکه هدف از آن، هدایت و تربیت مخاطبان قرآن می باشد.

فلسفه نامگذاری نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۵ - ۷

۷ > عن أبي عبدالله (ع) إنه قال : كان اسم نوح عبدالغفار و إنما سمي نوحاً لأنه كان ينوح على نفسه ;

از امام

صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نام حضرت نوح ، عبدالغفار بود و اینکه نوح نامیده شد ، برای این بود که بر خویشان می گریست < .

فلسفه نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۵

۵ - بنده صالح و شایسته بودن ، مایه اصلی رسیدن پیامبران (نوح ، لوط و . . .) به مقام نبوت

عبدین من عبادنا صلحین

توصیف حضرت نوح و لوط(ع)، به صفت <عبدصالح> در میان دیگر اوصاف والای انسانی و الهی آنان گویای مطلب یاد شده است.

فلسفه نفرین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۲،۵

۲ - حفظ دیانت بندگان خدا و صیانت آنان از گمراهی ، فلسفه نفرین و درخواست نوح (ع) از خداوند ، برای نابودی کامل قوم گمراه گر خود

لا تذر علی الأرض من الکفرین ديارًا . إنک إن تذرهم یضلوا عبادک

۵ - به وجود آمدن فرزندان کافر و تبه کار در جامعه ، فلسفه نفرین نوح (ع) علیه قوم کافر و گمراه گر خویش

و لایلدوا إلا فاجرًا کفارًا

قبول هشدارهای نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۲

۲ - دعوت نوح (ع) از قومش ، برای پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

<أَمِينٌ> می تواند از ریشه <أَمِنَ> و به معنای <مَأْمُونٌ> (فرد مورد اعتماد) باشد. در این صورت آوردن قید <أَمِينٌ> دعوتی است از جانب نوح(ع) به قومش

که به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

قدرت مخالفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۶ - ۲

۲ - مخالفان نوح ، دارای قدرت برتر در جامعه

قالوا لئن لم تنته ینوح لتکونن من المرجومین

لحن تهدیدآمیز مخالفان از یکسو و مطرح ساختن رجم که معمولاً کاری علنی و گروهی است نشانگر موضع قوی اجتماعی مخالفان نوح است.

قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۴

۴ حضرت نوح پیش از ابراهیم(ع) می زیست.

و نوحا هدینا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۱، ۱۸

۱۱ نوح ، مشرکان قوم خویش را به کیفرهای سخت اخروی تهدید کرد .

إنی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

۱۸ نوح ، نگران مبتلا شدن قومش به کیفر دنیوی (طوفان) بر اثر شرکورزی و ترک پرستش خداوند

إنی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

بر اساس این احتمال که مراد از <یوم عظیم> زمان طوفان نوح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۰ - ۱،۲

۱ جنبه گیری گروه سرشناس و اشراف قوم نوح در برابر دعوت وی

قال الملائمة من قومه إنا لنرىك في ضلل مبين

۲ اشراف و سرشناسان قوم نوح وی را در احاطه گمراهی های آشکار می پنداشتند .

قال الملائمة من قومه إنا لنرىك في ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷

۱ نوح با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشان را از هر گونه گمراهی مبرا دانست .

قال يقوم لیس بی ضلله

مخاطب قرار دادن مردم با <یا قوم> (ای مردم من) دلالت بر اظهار مهربانی نوح نسبت به قوم خود دارد. نکره بودن کلمه <ضلله> پس از نفی دلالت بر عموم دارد. بنابراین <لیس بی ضلله> یعنی حتی اندکی گمراهی در من نیست.

۳ نوح (ع) با اعلان دریافت سخنان خویش از خداوند ، خود را پیراسته از هر گونه گمراهی خواند .

لیس بی ضلله و لکنی رسول من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۴،۷،۱،۳

۱ نوح (ع) ، پیامبری از جانب خداوند و حامل رسالت های متعدد

أبلغکم رسلت ربی

۳ نوح (ع) استواری خویش را در تبلیغ رسالت های الهی به مردم گوشزد کرد .

أبلغکم رسلت ربی

جمله <لکنی رسول ...> و نیز آیات قبل دلالت بر این معنا دارد که نوح(ع) مبلغ رسالت های الهی است. بنابراین توصیف رسول به جمله <أبلغکم ...> هدف دیگری را تعقیب می کند و بیانگر نکته ای جدید است و آن اینکه وی بر ابلاغ رسالت های الهی اصرار خواهد ورزید و بر آن پافشاری خواهد کرد.

۴ اعتقاد راسخ نوح (ع) به ربوبیت خدا بر وی ، موجب استواریش در تبلیغ رسالت های الهی بود .

و لکنی رسول من رب العلمین. أبلغکم رسلت ربی

حضرت نوح(ع) برای اینکه اشاره به علت پایداریش بر ابلاغ رسالت کند، به جای آوردن ضمیر و

گفتن <رسالاته>، <رسلت ربی> گفت.

۷ ابلاغ پیام های خداوند به مردم ، جلوه ای از خیرخواهی نوح برای مردم خویش بود .

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶

۱ اکثریت عمده قوم نوح (ع) وی را تکذیب کردند و یگانگی خداوند ، معاد و رسالت را باورهای دروغین پنداشتند .

فکذبوه

از اینکه خداوند تکذیب نوح(ع) را به همگان نسبت داده (فکذبوه)، در حالی که عده ای از آنان، یعنی همراهانش در کشتی، رسالت وی را تصدیق کردند، معلوم می شود نسبت مؤمنان به کافران بسیار اندک بوده است.

۲ گروهی از قوم نوح (ع) رسالت وی را تصدیق کرده و پیامهایش را پذیرفتند .

فکذبوه فانجینه و الذین معه

جمله <أغرقتنا الذین کذبوا .. > دلالت می کند بر اینکه مراد از <الذین معه> مؤمنان و تصدیق کنندگان آیات الهی است.

۳ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را به وسیله کشتی از غرق شدن رهایی بخشید .

فکذبوه فانجینه و الذین معه فی الفلک و أغرقتنا الذین کذبوا

۴ مؤمنان به رسالت نوح (ع) ، همراه و همسفر او در کشتی

فانجینه و الذین معه فی الفلک

۵ خداوند ، قوم نوح (ع) را به خاطر تکذیب آیاتش ، با غرق کردن در آب به هلاکت رساند .

و أغرقتنا الذین کذبوا بایتنا

۱۰ گروهی از همسفران نوح (ع) در کشتی نجات ، نه از مؤمنان بودند و نه از تکذیب کنندگان آیات الهی

فانجینه و الذین معه فی الفلک و

از اینکه خداوند نجات یافتگان را توصیف نکرد که اهل ایمان بودند، مثلاً نفرمود <والذين آمنوا>، می توان گفت گروهی از همراهان نوح(ع) در کشتی به وی ایمان نداشتند. و از جمله <و أغرقنا ... > می توان فهمی آن گروه وی را تکذیب نیز نکردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۱۲، ۱۰، ۹

۹ حضرت نوح (ع)، قومش را بر قتل خود تحدی کرد و عدم توانایی آنان را بر انجام این کار، شاهد درستی ادعای نبوت خود، اعلام نمود.

إن كان كبير عليكم مقامى .. فأجمعوا أمركم ... و لا تنظرون

جمله <فعلى الله توكلت> بیانگر شکست ناپذیری حضرت نوح (ع) به علت متکی بودنش به قدرت لایزال الهی و جمله <أجمعوا أمرکم و شرکاءکم> بیان ناچیزی قدرت قومش می باشد.

۱۰ حضرت نوح (ع) همراه با اعلان تحدی، خدا را تنها کانون قدرت و معبود های قومش را شرکایی ساختگی و فاقد هر گونه توانایی اعلام کرد.

يقوم إن كان كبير .. فعلى الله توكلت فأجمعوا أمرکم و شرکاءکم ... و لا تنظرون

۱۲ حضرت نوح (ع) در راه دعوت به حق، آمادگی خود را برای تحمل انواع مشکلات تا مرز کشته شدن را، به مردم اعلام داشت.

فأجمعوا أمرکم و شرکاءکم ثم لا یکن أمرکم علیکم غمه .. و لا تنظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۷

۷ حضرت نوح (ع)

در برابر نارضایتی قومش نسبت به دعوت او ، عزم راسخ خویش را اعلام کرد و بر ادامه سرسختانه راه خود اصرار و تأکید ورزید .

فأجمعوا أمرکم و شرکاءکم .. و أمرت أن أکون من المسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۳،۴

۳ خداوند ، حضرت نوح (ع) و تمام کسانی را که با او در کشتی بودند ، از غرق شدن نجات داد .

فنجینه و من معه فی الفلک

۴ خداوند ، حضرت نوح (ع) و تمام کسانی را که با او در کشتی بودند ، جانشین غرق شدگان و وارث سرزمین آنان قرار داد .

فنجینه و من معه فی الفلک و جعلنهم خلف و أغرقنا الذین کذبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۲

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال ، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود .

و اتل علیهم نبأ نوح .. فإن کنت فی شک مما أنزلنا إلیک فسل الذین یقرءون الکتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۴

۱۴ اشراف قوم نوح ، آن حضرت را در ادعای پیامبری به

دروغ گویی متهم می کردند .

بل نطنکم کذبین

متهم کردن نوح و پیروانش به دروغ گویی برحسب مدعای آنان است؛ یعنی ، اتهام نوح به دروغ گویی در ارتباط با ادعای نبوت است و نسبت به پیروانش در ادعای ایمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۹

۹ مخالفت شدید و قاطعانه نوح (ع) با درخواست نابه جای سران و اشراف (طرد مؤمنان تهی دست)

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا

آوردن جمله اسمیه و <با>ی زایده ، حکایت از تأکید فراوان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۱،۲،۳،۴،۷

۱ نوح (ع) برای هدایت قومش ، تلاشی مستمر و پی گیر داشت .

قالوا ینوح قد جدلنا فأكثر جدلنا

إكثار (مصدر أكثر) به معنای کاری را فراوان انجام دادن است. بنابراین <أكثر جدلنا>؛ یعنی ، بسیار مناظره کردی و فراوان دلیل و برهان آوردی و ... این معنا ، حکایت از تلاش مستمر و پی گیر حضرت نوح(ع) در تبلیغ رسالت دارد.

۲ بحث و گفت و گو و ارائه دلیل و برهان ، از روش های نوح (ع) برای بازاری مردم از شرک و گرایش دادن آنان به توحید

قالوا ینوح قد جدلنا فأكثر جدلنا

<جدال> به معنای مناظره کردن و آوردن برهان برای ابطال دلایلها ، اندیشه ها و باورهای طرف مقابل است.

۳ نوح (ع) ، همواره کفرپیشگان را به نزول عذاب الهی هشدار می داد .

فأتنا بما تعدنا

آوردن فعل مضارع (تعد) به جای فعل ماضی (وعدت) اشاره به

تکرار وعیدها و هشدارهای حضرت نوح(ع) دارد.

۴ کفرپیشگان قوم نوح ، از او خواستند که به بحث و مناظره با آنان پایان دهد و تهدید های خویش را تحقق بخشد .

قالوا ینوح قد جدلتنا فأکثرت جدلتنا فأتنا بما تعدنا

جمله <فأکثرت جدالتنا> (با ما بسیار مناظره کردی) به قرینه تفریع جمله <فأتنا بما تعدنا> بر آن کنایه از این است که دلیل و برهان آوردن کافی است ، به این امر پایان ده.

۷ اشراف و سران قوم نوح ، درصدد مایوس کردن او از پذیرش دعوت های توحیدی

قد جدلتنا فأکثرت جدلتنا فأتنا بما تعدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۹

۹ پاسخ نوح (ع) به عذاب طلبی کفرپیشگان ، پاسخی آمیخته با درس توحید و خداشناسی بود .

فأتنا بما تعدنا .. قال إنما یأتیکم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۱

۱ نوح (ع) ، در پی درخواست قومش (تحقق بخشیدن به عذاب های موعود) از ایمان آوردن آنان سخت به تردید افتاد .

فأتنا بما تعدنا .. قال ... لا ینفعکم نصحی إن أردت أن أنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۷

۷ نومیدی نوح (ع) از هدایت یابی قومش و آگاهی او از ناشایستگی آنان برای ایمان ، زمینه ساز رفع اندوه از او

لن یؤمن من قومک .. فلا تبتئس بما کانوا یفعلون

برداشت فوق ، از

تفریع <لاتبتس> بر اخبار از ایمان نیاوردن کافران استفاده شده است؛ یعنی ، حال که از هدایت نیافتن کافران آگاه شدیو احساس مسؤولیت نمی کنی، زمینه ای برای اندوه وجود ندارد پس غمگین مباش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۳،۹،۲،۱

۱ خداوند ، در پی باخبر ساختن نوح از ایمان نیاوردن قومش ، او را به ساختن کشتی فرمان داد .

أوحى إلى نوح أنه لن يؤمن من قومك .. واصنع الفلك

۲ نوح (ع) پیش از مأموریتش برای ساختن کشتی ، به چگونگی (اندازه ، شکل و ...) آن آگاه بود .

واصنع الفلك

ظاهر این است که <ال> در <الفلك> عهد ذهنی است و اشاره به سفینه ای خاص دارد که نوح(ع) به آن آشنایی داشت. براین اساس خداوند، پیش از فرمان به ساختن کشتی، طرح و دورنمایی از آن را به او نشان داده بود. گفته شده که آن حضرت کشتی مورد نظر را در رؤیا دیده بود.

۳ نوح (ع) ، در ساخت کشتی مؤید به مراقبت و محافظت همه جانبه خداوند بود .

واصنع الفلك بأعیننا

<عین> به معنای چشم و در آیه شریفه کنایه از مراقبت و محافظت می باشد. جمع آوردن آن (أعین) برای مبالغه و رساندن کمال مراقبت است و <بأعیننا> حال برای فاعل <اصنع> می باشد. بنابراین <اصنع الفلك بأعیننا> یعنی، آن کشتی را بساز در حالی که قرین محافظت و مراقبت کامل ما (خداوند) هستی.

۹ غرق شدن و هلاکت کفرپیشگان قوم نوح ، سرنوشتی حتمی برای آنان

إنهم مغرقون

تأکید جمله <إنهم مغرقون> با حرف

این، حکایت از قطعی بودن نزول عذاب و هلاکت کفرپیشگان قوم نوح دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ نوح (ع) در پی فرمان خداوند، به ساختن کشتی پرداخت.

واصنع الفلک... و یصنع الفلک

در کلام عرب، گاهی فعل مضارع به جای فعل ماضی به کار می‌رود و منظور از آن ترسیم حادثه‌های گذشته است به گونه‌ای که گویا پیش روی مخاطبان قرار دارد. در آیه شریفه نیز، فعل <یصنع> به همین منظور به جای <صنع> استعمال شده است.

۲ کارگاه کشتی‌سازی نوح، مجاور گذرگاه عمومی و در دید و منظر همگان بود.

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملاً من قومه

۳ کفرپیشگان، به هنگام مواجه شدن با نوح (ع) او را به خاطر کشتی‌سازی به استهزا و مسخره می‌گرفتند.

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملاً من قومه سخروا منه

۴ کفرپیشگان، آن‌گاه که دسته‌جمعی و گروه‌گروه با نوح (ع) مواجه می‌شدند، او را به خاطر کشتی‌سازی به تمسخر می‌گرفتند.

کلما مرّ علیه ملاً من قومه

برداشت فوق، از کلمه <ملاً> که در این جا به معنای گروه و جماعت است استفاده شده است.

۵ نوح (ع) پس از دریافت فرمان الهی مبنی بر ساختن کشتی، همه وقت و همه خویشتن را مصروف اجرای آن فرمان کرد.

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملاً من قومه سخروا منه

بدیهی است که تمسخر کفرپیشگان، مخصوص

زمانی نبوده که نوح(ع) را در کارگاه کشتی سازی مشاهده کنند. بنابراین مقید کردن زمان استهزا به وقتی که در جایگاه کشتی سازی با او مواجه می شدند، به این نکته اشاره دارد که: کافران آن حضرت را در غیر آن مکان نمی یافتند و این حاکی است که او، تمام وقت را در کارگاه مشغول به کار بوده است.

۷ تمسخر و استهزای کفرپیشگان ، هرگز نوح (ع) و پیروانش را از اجرای فرمان خدا باز نداشت .

و يصنع الفلك و كلما مرّ عليه ملأمن قومه سخروا منه

۱۲ پیروان نوح ، همراه و همگام با او برای ساختن کشتی

إن تسخروا منا فإننا نسخر منكم

برداشت فوق ، مقتضای آوردن ضمیر جمع در <منا> و <إنا> و <نسخر> است.

۱۴ > عن أبي عبدالله (ع) . . . فلما أتى عليهم تسعمأه سنه هم أن يدعو عليهم . . . فأمره الله عزوجل أن يغرس النخل . . . فلما أتى لذلك خمسون سنه و بلغ النخل و استحکم أمر بقطعه . . . فأمره الله أن ينحت السفينه و أمر جبرئيل (ع) أن ينزل عليه و يعلمه كيف يتخذها فقدّر طولها في الأرض ألفاً و مأتى ذراع و عرضها ثمانمأه ذراع و طولها في السماء ثمانون ذراعاً . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: هنگامی که نهصد سال بر قوم نوح گذشت [و دعوت او را اجابت نکردند]خواست که بر آنان نفرین کند؛ پس خداوند عزوجل به او امر فرمود که درخت خرما بکارد . . . پس چون پنجاه سال گذشت و درخت کامل

و محکمی شد، آن حضرت را به بریدن آن فرمان داد ... آن گاه امر فرمود کشتی را بسازد و جبرئیل را مأمور کرد که بر نوح نازل شود و به او یاد دهد که کشتی را چگونه بسازد. پس جبرئیل طول کشتی را هزار و دویست ذراع و عرض آن را هشتصد ذراع و ارتفاع آن را هشتاد ذراع تعیین کرد ...>

۱۵ > عن أبي عبد الله (ع) [في حديث قال بعد ما قرأ قوله تعالى]: > كلما مَرَّ عليه مَلَأ من قومه سخروا منه ... : ...
كانوا يسخرون منه و يقولون : ينحت سفينه في البرّ ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که [ضمن حدیثی بعد از قرائت آیه مزبور] فرمود: .. قوم نوح او را مسخره می کردند و می گفتند: او در خشکی کشتی می سازد!>

۱۶ > عن أبي عبد الله (ع) قال : بقي نوح في قومه ثلاثمأه سنه يدعوهم إلى الله فلم يجيبوه ... فأمره الله أن ينحت السفينه ... فقال : يا رب من يعينني على اتخاذها ؟ فأوحى الله إليه ناد في قومك من أعانني عليها و نجر منها شيئاً صار ما ينجره ذهباً و فضه فنادی نوح (ع) فيهم بذلك فأعانوه عليها ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نوح سیصد سال در بین قوم خود باقی ماند و آنها را به خدا دعوت کرد، ولی او را اجابت نکردند ... پس خداوند وی را امر کرد تا کشتی بسازد ... نوح گفت:

پروردگارا! چه کسی مرا در ساختن کشتی کمک می کند؟ به او وحی شد در بین قوم خود ندا کن: هر کس مرا در ساختن کشتی کمک کند، تراشه های چوبی که می تراشد برای او طلا- و نقره می شود. نوح این ندا را داد، پس قوم او در ساختن کشتی به او کمک کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۲۴، ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۱۷، ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۷، ۳، ۱

۱ ساخت کشتی نوح و درگیری های لفظی او و کفرپیشگان تا فرا رسیدن طوفان ، همچنان ادامه داشت .

يَصْنَعُ الْفُلْكَ وَ كَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ .. حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا

<حتی> بیانگر غایت گزارشها و حقایق مطرح شده در آیه قبل (ساختن کشتی و تمسخر کافران و پاسخ گویی حضرت نوح) می باشد؛ یعنی ، اینها ادامه داشت تا زمانی که . . .

۳ خداوند ، زمان بارگیری کشتی نوح و سوار شدن بر آن را تعیین کرد .

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَ فَارَ التَّنْوِيرَ قَلْنَا اِحْمَلْ فِيهَا

۷ نوح (ع) ، موظف بود از هر نوع حیوان تنها یک جفت (نر و ماده) را به کشتی سوار کند .

قَلْنَا اِحْمَلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ

مضاف الیه <کل> کلمه ای همانند <حیوان> است؛ یعنی: من کل حیوان . . . کلمه <اثنین> تأکید برای زوجین است و اشاره به این معنا دارد که از هر حیوان ، بیشتر از یک جفت نباید به کشتی برده شود.

۱۱ نوح (ع) از ناحیه خداوند به نجات خانواده خویش و سوار کردن آنان به کشتی موظف شد .

قَلْنَا اِحْمَلْ فِيهَا .. أَهْلَكَ

کلمه

<اهل> در <اهلك> عطف بر <زوجين> و در حقیقت مفعول برای <احمل> است.

۱۳ خداوند ، نوح (ع) را از سوار کردن کفرپیشگان خانواده اش بر کشتی نجات ، منع کرد .

احمل فیها .. اهلك إلا من سبق علیه القول

۱۴ تقدیر الهی بر غرق شدن و هلاک گشتن برخی از افراد خانواده نوح

و اهلك إلا من سبق علیه القول

۱۷ نوح (ع) موظف به سوار کردن مؤمنان بر کشتی و نجات دادن آنان از طوفان

قلنا احمل فیها .. من امن

۱۹ > عن ابی عبدالله (ع) قال : لما أراد الله عزوجل هلاك قوم نوح عقم أرحام النساء أربعین سنه فلم یولد فیهم مولود فلما فرغ نوح من اتخاذ السفینه أمره الله أن ینادی بالسرینیه لایبقی بهیمه و لا حیوان إلا حضر [إلى أن قال] فصاحت إمرأته لما فار التّنور فجاء نوح إلى التّنور فوضع علیها طیناً و ختمه حتی أدخل جمیع الحیوان السفینه ثم جاء إلى التّنور ففصّ الخاتم و رفع الطین ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که خداوند عزوجل اراده کرد قوم نوح را هلاک کند، به مدت چهل سال زنان را عقیم کرد؛ در نتیجه فرزندی در میان آنان به دنیا نیامد. پس هنگامی که نوح از ساختن کشتی فارغ شد خداوند به وی امر کرد که با زبان سریرانی ندا کند که: هیچ چهارپا و حیوانی باقی نماند مگر آنکه حاضر شوند... هنگامی که تنور فوران کرد، زن نوح فریادی کشید. پس نوح به طرف تنور آمد و بر تنور گِل زد و او را مهر

کرد تا حیوانات را به داخل کشتی برد سپس به طرف تنور آمد و مهر را شکست و گِل را برداشت...>

۲۱ > عن أبي عبدالله (ع) قال : جاءت إمراه نوح إليه و هو يعمل السفينه فقالت له : إن التَّنور قد خرج منه ماء فقام إليه مسرعاً حتى جعل الطبق عليه فختمه بخاتمه فقام الماء ، فلما فرغ نوح من السفينه جاء إلى خاتمه ففضّه و كشف الطبق ففار الماء ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همسر نوح درحالی که شوهرش مشغول ساختن کشتی بود، به نزد او آمد و گفت: تنور آب درآورده. نوح با سرعت بر سر تنور رفت و سرپوشی بر روی آن گذاشت و با مهر خود آن را ممهور کرد. پس آب ایستاد. هنگامی که از ساختن کشتی فارغ شد مهر خود را شکست و سرپوش را کنار زد؛ پس آب فوران کرد.

۲۲ > عن أبي عبدالله (ع) قال : حمل نوح (ع) في السفينه الأزواج الثمانيه التي قال الله عزوجل : > ثمانيه أزواج من الضأن اثنين و من المعز اثنين و من الإبل اثنين و من البقر اثنين < فكان من الضأن اثنين زوج داجنه يرئبها الناس و الزوج الآخر الضأن التي تكون في الجبال الوحشيه . . . و من المعز اثنين زوج داجنه . . . و الزوج الآخر الطبى التي تكون في المفاوز و من الإبل اثنين البخاتي والعراب و من البقر اثنين زوج داجنه للناس و الزوج الآخر البقر الوحشيه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نوح هشت زوجی را که خدا فرموده > ثمانیه أزواج

من الضأن اثنين .. > در کشتی قرار داد: از میش دو جفت یک جفت اهلی که مردم تربیت می کنند و جفت دیگر وحشی که در کوههاست ... و از بز دو جفت: یکی اهلی ... و دیگری آهو که در بیابانهاست و از شتر دو جفت: یکی بخاتی (شتر خراسانی که از شتر عربی و شتر فالج به وجود آید) و دیگری عربی و از گاو دو جفت: یکی اهلی و دیگری وحشی >.

۲۴ > عن أبي عبد الله (ع) : ... و كانت لنوح إبنه ركبت معه في السفينه ... ;

از امام صادق (ع) روایت شده است: نوح دختری داشت که با آن حضرت سوار کشتی شد >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۵، ۲، ۱

۱ نوح (ع) ، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت ، از پیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند .

و قال اركبوا فيها

به نظر می رسد جمله >قال اركبوا .. < عطف بر جملاتی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل ماجرا بیان نشده است ؛ یعنی: قلنا احمل فيها ... ففعل كذا و كذا و قال اركبوا فيها و لذا در برداشت >انجام مقدمات حرکت < آورده شد.

۲ کشتی نوح ، با نام خدا حرکت می کرد و با نام خدا از حرکت باز می ایستاد .

بسم الله مجريها و مرسياها

>مجری < و >مرسی < مصدرهای میمی هستند و در کلام مبتدا واقع شده اند و به ترتیب به معنای >جری < (حرکت کردن) و >إرساء < (از

حرکت بازداشتن) می باشد. حرف <باء> برای استعانت و <بسم الله> خبر برای <مجریها...> است. بنابراین جمله <بسم الله مجریها...> چنین معنا می شود: [نوح گفت: حرکت این کشتی و نیز بازداشتن آن از حرکت، با نام خدا تحقق می یابد.

۵ پیروان نوح ، به هنگام سوارشدن بر کشتی نجات ، نگران گناهان و تخلفات خویش بودند .

قال اركبوا فيها . . . إن ربی لغفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ پیروان نوح ، پس از شروع طوفان و درپی فرمان او ، به کشتی سوار شدند .

و قال اركبوا فيها . . . و هی تجری بهم

جمله <هی تجری...> عطف بر جمله ای مقدر است که به خاطر وضوح و اختصار در کلام ذکر نشده است؛ یعنی: فرکبوا فیها و هی تجری بهم.

۲ جوشش آب های زیرزمینی و ریزش باران در حادثه طوفان نوح ، تشکیل دهنده دریایی عظیم و پرتلاطم

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

وجود موجهایی همانند کوهها ، حکایت از به وجود آمدن دریایی بزرگ از آب دارد.

۳ کشتی نوح ، او و همراهانش را در میان موج های عظیمی بسان کوهها ، به پیش می برد .

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

<موج> اسم جنس است و بر یک موج و نیز موجهای متعدد و کثیر اطلاق می شود از آن جا که در آیه شریفه ، کلمه <موج> به <جبال> (کوهها) تشبیه شده ، معلوم می شود مراد از آن ، امواج متعدد و کثیر است.

۵ فرزند نوح ، به هنگام حرکت کشتی

، با فاصله ای نسبتاً دور از کشتی بسر می برد .

و نادی نوح ابنه و کان فی معزل

متعلق <معزل> آیه و یا الفلک می باشد. بنابراین <و کان...>؛ یعنی ، فرزند نوح در کناری و به دور از پدرش یا کشتی بسر می برد.

۶ فرزند نوح ، علی رغم مشاهده دریایی از آب خروشان ، از همراهی با نوح (ع) و سوار شدن بر کشتی نجات ، کناره گرفت

و هی تجری بهم فی موج کالجبال و نادی نوح ابنه و کان فی معزل

وقوع جمله <و نادی نوح> پس از <هی تجری بهم...> گویای این است که گفتوگوی حضرت نوح(ع) با فرزندش، پس از بالا آمدن آب و حرکت کشتی بوده است جمله و <حال بینهما الموج> در آیه بعد مؤید این معنا می باشد. قابل ذکر است که برخی از مفسران، جمله <نادی نوح...> را عطف بر <قال ارکبوا...> دانسته و گفته اند: گفتوگوی یاد شده، پیش از حادثه طوفان و بالا آمدن آب بوده است.

۷ نوح (ع) با فریادی رسا و بلند ، فرزندش را برای سوار شدن به کشتی فرا خواند .

نادی نوح ابنه و کان فی معزل یبئی ارکب معنا

<نداء> بلند کردن صدا و ابراز کردن آن است (مفردات راغب).

۸ نوح (ع) در آستان غرق شدن فرزندش ، وی را به ایمان و یکتاپرستی دعوت کرد .

یبئی ارکب معنا و لاتکن مع الکفرین

مراد از <مَعَنَا> همراهِو معیت عقیدتی است نه جسمانی؛ زیرا جمله <ارکب> در دلالت بر همراهی و معیت جسمانی کافی بود. بنابراین اگر مراد از <مَعَنَا>

مجرد همراهی با نوح و پیروان او باشد، آوردن کلمه <مَعْنَا> ضرورتی نداشت. جمله <ولا تکن...> مؤید این معناست.

۹ نوح (ع) به ایمان آوردن فرزندش امیدوار بود و آن را محتمل می شمرد.

بینی اربک معنا و لاتکن مع الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۴، ۲، ۱

۱ پسر نوح، دعوت او را (گرایش به توحید و...) نپذیرفت و از سوار شدن بر کشتی امتناع کرد.

بینی اربک معنا و لاتکن مع الکفرین. قال سأوی إلى جبل يعصمني من الماء

شدن بر کشتی امتناع کرد.

۲ فرزند نوح، مأوا گرفتن در کوه را مایه نجات از حادثه طوفان می پنداشت.

قال سأوی إلى جبل يعصمني من الماء

<أوی> (مصدر آوی) به معنای رجوع کردن و منضم شدن و جای گرفتن است و <عصمه> (مصدر يعصم) به معنای منع کردن و بازداشتن است. بنابراین <سأوی...> یعنی، به زودی به کوهی می روم که مرا از [خطر] این آب باز دارد.

۴ نوح (ع)، فرزندش را از بی ثمر بودن صعود بر کوه و منحصر بودن راه نجات در بهره جستن از امداد الهی، آگاه ساخت.

لاعاصم اليوم من أمر الله إلا من رحم

۱۰ موجهایی کوه پیکر، میان نوح (ع) و فرزندش حایل شد و مانع ادامه گفتوگوی آنان با یکدیگر گردید.

قال لا عاصم اليوم من أمر الله... و حال بينهما الموج

<ال> در <الموج> عهد ذکری و اشاره به همان امواج کوه پیکر (موج کالجبال) است.

۱۱ امواج سهمگین طوفان، فرزند

نوح را پیش از آنکه به کوهی پناه برد ، در خود فرو برد و هلاک کرد .

و حال بینهما الموج فکان من المغرقین

۱۲ کفرپیشگان قوم نوح ، در طوفان آب غرق شدند و به هلاکت رسیدند .

فکان من المغرقین

۱۴ > قال أبو عبدالله (ع) : ... غرق جميع الدنيا إلا موضع البيت ... ;

امام صادق(ع) فرمود: ... [در طوفان نوح] همه دنیا غرق شد مگر جایگاه خانه خدا ...< .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۴، ۲، ۱

۱ خداوند ، در پی غرق شدن کافران قوم نوح ، به زمین فرمان داد تا آب های خود (آب های زیرزمینی) را فرو برد .

فکان من المغرقین. و قيل یأرض ابلعی ماء ک

مراد از <ماء ک> آبهایی است که تا پیش از طوفان در منابع زیرزمینی وجود داشت و به امر خداوند بر سطح زمین ظاهر شده بود. اضافه کلمه <ماء> به ضمیر <ک> گویای این معناست.

۲ پس از حادثه طوفان نوح و غرق شدن کفرپیشگان ، آسمان از ناحیه خداوند فرمان یافت تا از بارش باز ایستد .

فکان من المغرقین. و قيل ... یسما أقلعی

اقلاع (مصدر أقلعی) به معنای خودداری کردن است. مراد از خودداری کردن آسمان به قرینه مقام قطع باران می باشد.

۴ با فرمان الهی به آسمان و زمین ، آب ها کاسته شد ، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات ، به سلامت بر کوه جودی مستقر گردید .

و غیض الماء و قضی الأمر واستوت علی الجودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ نوح (ع) در پی حایل شدن امواج آب میان او و فرزندش ، با شفاعت به درگاه خدا ، خواستار نجات وی شد .

و حال بینهما الموج . . . و نادى نوح ربه فقال رب إن ابنى من أهلى

جمله <فلاتستلن> (در آیه چهل و ششم) حاکی است که: نوح(ع) خواستار نجات فرزندش از غرق شدن بود. براین اساس دعا و التجای آن حضرت پیش از غرق شدن فرزندش بود و لذا برخی از مفسران جمله <نادى نوح ربه ...> را بر <حال بینهما الموج> عطف گرفته اند.

۷ نوح (ع) ، پس از طرح استدلال خویش برای لزوم نجات فرزندش ، حکم و قضاوت آن را به خداوند واگذار کرد .

إن ابنى من أهلى و إن وعدك الحق و أنت أحکم الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب هلاکت وی در حادثه طوفان

فکان من المغرقین . . . إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

۵ نوح (ع) ، ناآگاه به تباهی و فساد بی حد فرزند ناخلف خویش

إنه عمل غیر صلح

۶ نوح (ع) ناآگاه به گسستن پیوند فرزندى کنعان با او بر اثر اعمال ناشایستش

إن ابنى من أهلى . . . إنه لیس من أهلك

۷ نوح (ع) به حکیمانه نبودن نجات فرزند فسادپیشه اش ، از حادثه طوفان آگاه نبود .

فلاتستلن ما لیس لك به علم

۱۳ اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و . . .) مایه نجات آنان از

حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع).

إنه ليس من أهلک إنه عمل غیر صلح

تصریح خداوند به این که <هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است> ، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده؛ بلکه منزه بودنشان از اعمال ناشایست ، مایه نجاتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۱،۷

۱ نوح (ع) ، از تقاضای نجات فرزند ناصالحش منصرف شد و آن را امری نابه جا دانست .

فقال رب إن ابني من أهلی .. قال رب إني أعوذبک أن أسئلک ما لیس لی به علم

۷ نوح (ع) ، با پی بردن به نادرستی تقاضای خود (نجات فرزندش) خواهان آمرزش و رحمت الهی شد .

إلا تغفر لی و ترحمنی أکن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱،۱۱

۱ خداوند ، پس از استقرار کشتی نوح بر کوه جودی ، به او و همراهانش فرمان داد تا از کشتی پیاده شوند و از کوه فرود آیند .

واستوت علی الجودی .. قیل ینوح اهبط

<هبوط> به معنای فرود آمدن است. متعلق <اهبط> به قرینه <استوت علی الجودی> کشتی و نیز کوه جودی است؛ یعنی:
 أنزل من الفلک و من الجودی ... نیابردن متعلق، دلیل این شمول است. فاعل محذوف <قیل> به قرینه <منا> خداوند است.

۱۱ > عن أبي عبدالله (ع) قال : ... فنزل نوح

بالموصل من السفينه مع الثمانين ...

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: .. نوح با هشتاد نفر همراه در موصل از کشتی پیاده شد ...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۷۸، ۷۶، ۷۵، ۴

۴- حضرت نوح (ع) ، با صدای بلند و روشن از خداوند ، خواستار نجات از دست قومش گردید .

و نوحًا إذ نادى من قبل

>ندا< به معنای صدای بلند و روشن است (مفردات راغب) و مقصود از آن در این آیه به قرینه آیه ۲۶ سوره <نوح> (و قال نوح رب لاتذر على الأرض من الكافرين دياراً) و نیز ذیل آیه شریفه (فنجیناه و أهله ..) نجات نوح از دست قومش می باشد.

۵- دعای حضرت نوح (ع) برای نجات از دست قومش ، مستجاب شد .

و نوحًا إذ نادى من قبل فاستجبنا له

۶- حضرت نوح (ع) و خاندانش ، گرفتار غمی شدید و اندوهی بزرگ در مسیر انجام رسالت خویش .

و نوحًا إذ نادى .. فنجینه و أهله من الكرب العظيم

>کرب< به معنای غم و اندوه شدید است (مفردات راغب).

۷- خداوند ، نوح (ع) و خاندانش را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فنجینه و أهله من الكرب العظيم

۸- قوم بی ایمان نوح ، مایه غم شدید و اندوه بزرگ برای حضرت نوح و خاندانش بودند .

فنجینه و أهله من الكرب العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۱

۱- خداوند

، حضرت نوح (ع) را از گزند تکذیب کنندگان آیات الهی نجات داد و از او کاملاً حمایت کرد .

و نصرته من القوم الذین کذبوا بآیتنا

واژه <نصر> هر گاه با <من> متعدی شود، متضمن معنای نجات و خلاصی است (برگرفته از <قاموس المحيط>).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۵ - ۲،۳،۴،۵،۶

۱ - متهم شدن نوح (ع) ، از سوی اشراف قومش ، به نوعی دیوانگی و جنون

فقال الملوأ الذین کفروا .. إن هو إلا رجل به جنه

<إن> معادل مای نافیه است؛ یعنی: <ما هو إلا رجل..>. نکره آوردن <جنه> نیز برای تنويع است. بنابراین عبارت <به جنه>؛ یعنی، او گرفتار نوعی دیوانگی است. <تربص> (مصدر <تربصوا>) به معنای حلول چیزی را برای کسی، انتظار کشیدن است.

۲ - تبلیغ اشراف ، مبنی بر دست برداشتن نوح (ع) از دعوت خود با گذشت زمان و بهبود یافتنش

به جنه فتربصوا به حتی حین

۳ - وا نهادن و بی اعتنایی به نوح (ع) ، آخرین چاره اندیشی اشراف کافر در مبارزه با آن حضرت

فقال الملوأ .. إن هو إلا رجل به جنه فتربصوا به حتی حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۲،۳،۴،۵،۶

۱ - التجای نوح (ع) به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال رب انصرنی بما کذبون

در این آیه ظرف <قال> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <قال بعد ما آیس من ایمانهم>. <باء> در <بما کذبون> سببیه و <ما> مصدریه است.

بنابراین <بما کذبون>، به تأویل <بسبب تکذیبهم ایّای> می باشد.

۲- نوح (ع)، تقاضامند یاری خدا در برابر تکذیب گری های قومش

قال ربّ انصرنی بما کذبون

۴- التجای نوح (ع) به درگاه پروردگار، برای نزول عذاب بر تکذیب گران آن حضرت

قال ربّ انصرنی بما کذبون

<باء> در <بما کذبون> می تواند برای آلیت باشد. در این صورت <ما> به معنای <الذی> و عاید آن محذوف خواهد بود؛ یعنی، <ربّ انصرنی بالذی کذبونی به>؛ پروردگارا! مرا با همان چیزی که [دروغش پنداشتند و] تکذیب کردند، یاری ده.

۵- هشدار قبلی مردم به عذاب استیصال، از سوی نوح (ع)

قال ربّ انصرنی بما کذبون

۶- مردم، هشدار عذاب را جدی نگرفتند و نوح (ع) را به دروغ گویی متهم ساختند.

قال ربّ انصرنی بما کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۶، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱- استجابت دعای نوح (ع) (نصرت خواهی او) از جانب خداوند

قال ربّ انصرنی .. فأوحینا إلیه أن اصنع الفلک بأعیننا ووحینا

۲- وحی الهی به نوح (ع) در ساختن کشتی

فأوحینا إلیه أن اصنع الفلک

۳- نوح (ع)، مأمور ساختن کشتی تحت نظارت و هدایت خداوند

أن اصنع الفلک بأعیننا ووحینا

۵- طوفان نوح، به امر و اراده الهی بود، نه یک رخداد طبیعی

فإذا جاء أمرنا .. من كل زوجين اثنين

قصود از <أمرنا> فرا رسیدن عذاب طوفان است. <فار> مشتق از <فوران> و <تنور> همان تنور می باشد. <سلوک> (مصدر <اسلک>) به

معنای ادخال و وارد کردن است. <زوجین> (مفعول <اسلک>) یعنی، دو رأس که هر یک جفت دیگری باشد (یک نر و یک ماده). <اثین> نیز تأکید <زوجین> است. با توجه به این که مضاف الیه <کل> محذوف است (<من کل حیوان>) معنا چنین می شود: پس هرگاه فرمان ما در رسید و آب از تنور فوران کرد، از هر حیوانی دو تا (یکی نر و یکی ماده) با خانواده ات به جز آن کسی که حکم عذاب، پیش از این بر او صادر شده است در کشتی وارد کن.

۶- فوران آب از تنور، نشان صدور فرمان خدا و شروع طوفان نوح (ع) بود.

فإذا جاء أمرنا و فار التّنور

عبارت <فارتّنور>، عطف تفسیری است برای <جاء أمرنا>.

۷- تنوری که فوران آب از آن نشانه در رسیدن عذاب بر قوم نوح بود از پیش تعیین شده بود.

فإذا جاء أمرنا و فار التّنور

<ال> در <التّنور> برای عهد ذهنی است. بنابراین <التّنور> یعنی، آن تنور.

۸- نوح (ع)، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا .. فاسلك فيها من كل زوجين اثنين و أهلك إلا من سبق عليه القول

۹- نوح (ع)، طبق دستور الهی می بایست از هر حیوان، تنها یک نر و یک ماده را وارد کشتی کند.

فاسلك فيها من كل زوجين اثنين

۱۰- طوفان نوح، منطقه بسیار گسترده ای از آن سرزمین را فراگرفته بود.

فاسلك فيها من كل زوجين اثنين

جای دادن یک جفت (یک نر و یک

ماده) از هر حیوان در کشتی، برای این بود که آنان پس از آرامش طوفان، بتوانند با پرورش و زاد و ولد آنها، نیازمندی های خود را برطرف سازند. و این نشان می دهد که گستردگی طوفان در آن سرزمین، به قدری بود که به دست آوردن حیوانات مورد نیاز، پس از فرونشستن آب، برای حضرت نوح(ع) و بازماندگان، میسر نبود.

۱۱ - کشتی نوح ، ظرفیت بیش از یک جفت (یک نر و یک ماده) از هر حیوان مورد نیاز را نداشت .

فاسلک فیها من کل زوجین اثنین

تأکید خداوند بر این که از هر حیوان تنها یک نر و یک ماده و نه بیشتر را در کشتی جای دهند (من کل زوجین اثنین)، بیانگر مطلب فوق است.

۱۶ - خداوند ، نوح (ع) را از وساطت برای نجات ظالمان از عذاب طوفان ، نهی کرد .

و لا تخطنی فی الذین ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۱۱، ۲

۲ - استقرار نوح (ع) و مؤمنان همراه او در کشتی ، پس از جای دادن حیوانات و خاندانش در آن

فاسلک فیها من کل زوجین اثنین و أهلک .. فإذا استویت أنت و من معک علی الفلک

از تفریع عبارت <فإذا استویت> بر آیه قبل، استفاده می شود که حضرت نوح(ع) نخست حیوانات و خاندانش را در کشتی جای داد و آن گاه خود و یارانش بر آن سوار شدند.

۱۱ - نوح (ع) و یارانش ، گرفتار ظلم و بیدادگری قوم خویش

فقل الحمد لله الذی نجنا من القوم الظلمین

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۱،۵

۱ - روی آوردن به دعا پس از استقرار یافتن در کشتی و درخواست فرود آمدن در جایی پر برکت ، رهنمود دیگر خداوند به نوح (ع)

فإذا استويت .. فقل الحمد لله ... و قل ربّ أنزلني ... و أنت خير المنزلين

واژه <ربّ> مشترک لفظی میان مصدر (تربیت کردن) و وصف (مربی و تربیت کننده) است که در این جا معنای وصفی دارد. <منزل> می تواند مصدر میمی به معنای انزال باشد و نیز می تواند اسم مکان به معنای منزلگاه و مهمان سرا باشد.

۵ - فرود آمدن کشتی نوح ، در محلی غیر از محل زندگی نخستین او

و قل ربّ انزلني منزلاً مبارکاً

همان طور که در برداشت پیشین گفته شد، <منزل> می تواند اسم مکان باشد. بنابراین درخواست فرود آمدن در یک جای پربرکت، بیانگر تغییر مکان و مفید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۰ - ۱،۲

۱ - سرگذشت نوح (ع) و قوم او ، آینه عبرتی است برای دیگران .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ

<الآیات> جمع <آیه> است و مراد از آن، نشانه های عبرت آموز است.

۲ - وجود درس های بسیار ، برای عبرت آموزی در سرگذشت نوح (ع) و قومش

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ

برداشت یاد شده از جمع آمدن <آیات>، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۱۳

... و نوح (ع) حسده قومه فقالوا: > ما هذا إلا بشر مثلكم يأكل مما تأكلون و يشرب مما تشربون ، و لئن أطعتم بشراً مثلكم إنكم إذا لخاسرون < ... ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: ... و قوم نوح نسبت به آن حضرت حسادت ورزیدند، پس گفتند: ما هذا إلا بشر مثلكم...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۵ - ۱،۵

۱ - تکذیب رسالت نوح (ع) از سوی قومش

کذبت قوم نوح المرسلین

۵ - > عن أبي جعفر (ع) : فمكث نوح (ع) في قومه ألف سنة إلا خمسين عاماً لم يشاركه في نبوته أحد و لکنه قدم علی قوم مکذبین للأنبياء (ع) الذین کانوا بینہ و بین آدم (ع) و ذلک قول اللہ عزوجل : > کذبت قوم المرسلین < ... ;

از امام باقر (ع) روایت شده: ... نوح (ع) ۹۵۰ سال در میان قومش درنگ کرد و احدی در نبوتش با او شریک نبود؛ لکن نوح (ع) بر قومی فرستاده شده بود که آن قوم پیامبرانی را که بین نوح (ع) تا آدم (ع) بودند، تکذیب می کردند. این سخن خداوند عزوجل است که: > کذبت قوم نوح المرسلین < ...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۶ - ۶

۶ - قوم نوح ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم نوح ألا تتقون

استفهام در جمله > ألا تتقون < می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۲،۵

۲ - دعوت نوح (ع) از قومش ، برای پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

<أَمِينٌ> می تواند از ریشه <أَمِنَ> و به معنای <مأمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. در این صورت آوردن قید <أَمِينٌ> دعوتی است از جانب نوح(ع) به قومش که به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

۵ - تلاش نوح (ع) برای نمایاندن خیرخواهی خود و تضمین منافع قومش در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید <لَكُمْ> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۱

۱ - دعوت نوح (ع) از قومش ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۹ - ۱

۱ - تصریح نوح (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم ، در قبال رسالت خویش

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۱،۲،۴،۸

۱ - امتناع قوم نوح از ایمان آوردن به وی ، به بهانه وجود گروهی محروم ، بی اعتبار و فاقد پایگاه اجتماعی اقتصادی در کنار

او

قالوا أنؤمن لك واتبعك الأردلون

<أردلون> جمع <أردل> است وآن تفضيل <رذل> (حقير، پست و

فرومایه) می باشد. بنابراین <أردلون> یعنی، پست ترین فرومایگان و فرومایه ترین مردمان. گفتنی است که اشراف قوم نوح، این نسبت ناروا را از آن جهت به پیروان آن حضرت می دادند که آنان از طبقات محروم جامعه بودند و از اعتبارات اجتماعی و اقتصادی بهره ای نداشتند.

۲- نخستین مؤمنان به نوح (ع) ، محرومان جامعه بودند .

و اتبعك الأردلون

۴- اشراف قوم نوح ، در جبهه مخالف او

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأردلون

۸- تحقیر شدید پیروان نوح از سوی اشراف کافر

قالوا .. و اتبعك الأردلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۴ - ۱،۲

۱ - پاسخ منفی نوح (ع) به درخواست اشراف مبنی بر طرد محرومان از پیرامون خویش

أنؤمن لك و اتبعك الأردلون .. و ما أنا بطارد المؤمنين

۲- اعلام قطعی نوح (ع) به طرد نکردن مؤمنان از اطراف خویش در هیچ شرایطی

و ما أنا بطارد المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۵ - ۴

۴- تبلیغ تعالیم دینی از سوی حضرت نوح (ع) ، به گونه ای روشن و قابل فهم برای همگان بود .

إن أنا إلا نذیر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۶ - ۱،۴

۱ - تهدید جدی نوح (ع) از سوی اشراف و رفاه طلبان قومش ، مبنی بر سنگسار شدن در صورت دست برداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته ینوح لتکوننّ من المرجمین

۴ - احساس خطر اشراف و

زامداران قوم نوح از گسترش دعوت وی

قالوا لئن لم تنته ينوح لتكونن من المرجومين

تهدید سران قوم نوح به سخت ترین مجازات همچون رجم، نشانگر نگرانی شدید آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۷ - ۱،۲

۱ - شکوه نوح (ع) به درگاه خدا، از لجابت و تکذیب گری قومش نسبت به او

قال ربّ إنّ قومی کذبون

۲ - نوح (ع)، نگران تکذیب ارزش ها و تعالیم الهی از سوی مردم بود؛ نه نگران تهدید خود او از سوی آنان.

قال ربّ إنّ قومی کذبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شکوه نوح(ع) به درگاه خدا در پی تهدیدهای سخت مخالفان، از تکذیب گری آنان بود نه از تهدیدهای آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۲،۳،۴،۵

۲ - دعای نوح به درگاه خدا، برای نجات خود و مؤمنان همراهش از شرّ قوم کفرپیشه خویش

ربّ إنّ قومی کذبون ... نَجْنی و من معی من المؤمنین

متعلق <نَجْنی> حذف شده است و تقدیر آن <نَجْنی و .. من شرّهم> می باشد.

۳ - ناامیدی شدید نوح (ع) از گرایش کافران قومش به ایمان و رنج عمیق وی از کفرورزی آنان

و نَجْنی و من معی من المؤمنین

از این که نوح(ع) از پیشگاه خدا خواستار فیصله یافتن نزاع میان او و قومش شده است، نشان می دهد که او دیگر هیچ گونه امیدی به گرویدن قومش به خود نداشته است.

۴ - شکوه نوح (ع) به درگاه خدا از

ستم قوم خویش ، پس از اتمام حجت و به بن بست رسیدن همه راه های تبلیغی بود .

إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مِّبَيْنٍ .. . إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ ... فافتح بيني و بينهم فتْحًا و نَجْنِي

۵- نوح (ع) ، خواستار نزول عذاب بر کافران و نجات خود و مؤمنان از آن عذاب

فافتح بيني .. . و نَجْنِي و من معي من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۱،۵

۱- استجابت دعای نوح (ع) از سوی خداوند ، درباره عذاب قوم کافر او و نجات همراهان مؤمنش

و نَجْنِي و من معي .. . فَأُنَجِّينَهُ و من معه

۵- کشتی نوح ، انباشته از امکانات ضروری و مورد نیاز سرنشینان آن

فی الفلک المشحون

<شَحْن> (مصدر مجهول <مشحون>) به معنای پُر گردانیده شدن است. بنابراین <فلک مشحون>؛ یعنی، کشتی پر شده. گفتنی است که متعلق <مشحون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <فی الفلک المشحون بما یفتقر إلیه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۰ - ۱،۳،۴

۱- غرق شدن و هلاکت قوم نوح ، پس از نجات وی و همراهانش

ثُمَّ أُغْرِقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ

<إغراق> (مصدر <أغرقنا>) به معنای غرق کردن است. مضاف الیه <بعد> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <بعد نجات نوح و من معه>. <الْبَاقِينَ> جمع همراه با <ال> جنس و مفید استغراق می باشد.

۳- غرق شدن قوم نوح ، با سیلی عظیم و بنیان برافکن

ثُمَّ أُغْرِقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ

با توجه به این که در آیات، سخن از وجود دریا نیست، روشن

می شود که غرق شدن کافران به وسیله سیل بوده است.

۴ - تکذیب نوح (ع) از سوی قوم وی ، موجب هلاکت آنان شد .

قال ربِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُون .. ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۲

۲ - ماجرای میان نوح (ع) و قومش ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوبی باطل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

آیه و عبرت آموز بودن، مستلزم امکان تحقق دوباره و استمرار یافتن چیزی است که باید از آن درس عبرت گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۶۸،۱۳

۶ - قوم نوح ، به دنبال قبول نکردن رسالت نوح (ع) دچار سیلی عظیم و بنیان کن شدند و به هلاکت رسیدند .

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه .. فأخذهم الطوفان

<طوفان> هر حادثه ای را می گویند که انسان را احاطه کند. این واژه در <آب فراوان (سیل)> متعارف شده است (مفردات راغب).

۸ - گرفتار شدن قوم نوح به سیلی عظیم و در نتیجه به هلاکت رسیدن ، پیامد مداومت آنان به شرک و قبول نکردن دعوت نوح بود .

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه .. فأخذهم الطوفان و هم ظلمون

به قرینه مقام، مراد از ظلمی که به قوم نوح نسبت داده شده است، ممکن است ظلم اصطلاحی نباشد و بلکه شرک و مداومت بر آن باشد.

۱۳ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : > عاش نوح ألفي سنة و ثلاث مائه سنة .

منها ثمانمائه و خمسين سنه ، قبل أن يبعث و ألف سنه إلا خمسين عاماً و هو في قومه يدعوهم و خمس مائه عام بعد ما نزل من السفينه ... ;

از امام صادق(ع) روايت شده كه نوح(ع)، دو هزار و سيصد سال عمر كرد. كه هشتصد و پنجاه سال آن، پيش از بعثت او بود و نهصد و پنجاه سال، دوراني بود كه در ميان قوم خود مشغول دعوت آنها بود و پانصد سال نيز، بعد از آنكه از كشتي پياده شد، (زندگاني كرد)... <

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۱،۲،۵

۱ - خداوند ، نوح (ع) و اصحاب كشتي او را ، از غرق شدن در طوفان ، نجات داد .

فأخذهم الطوفان .. فأنجينه و أصحاب السفينه

۲ - نوح (ع) و جمعي از مردم مؤمن به وي ، در واقعه طوفان ، بر كشتي سوار شدند .

فأخذهم الطوفان .. فأنجينه و أصحاب السفينه

۵ - مدت رسالت نهصد و پنجاه ساله نوح (ع) در ميان قوم اش ، تنها ، مربوط به زمان قبل از طوفان است .

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه فلبث فيهم .. فأخذهم الطوفان ... فأنجينه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۵ - ۳

۳ - نوح (ع) ، عليه قوم خود به درگاه الهي نفرين کرده ، ياري طلبيد .

و لقد نادينا نوح فلنعم المجيبون

آيه بعد در پاسخ به ندای نوح(ع)، مسأله نجات آن حضرت و خاندانش را از عذاب الهي مطرح می

کند. از این مطلب به دست می آید که آنچه آن حضرت از خدا خواسته است، نفرینی بود علیه قوم خود. آیه ۲۶ سوره <مؤمنون> (قال رب انصرنی بما کذبون) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۱،۲،۳،۵،۹

۱ - نوح (ع) و خاندانش، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند.

و نَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

۲ - نوح (ع) و خاندانش، به لطف الهی از عذاب طوفان نجات یافتند.

و نَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

مقصود از <اندوه بزرگ> یا طوفان است و یا اذیت و آزار مردم کافر. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۳ - نوح (ع) و خاندانش به وسیله قوم خود، گرفتار غم بزرگ و مشکلات اندوه بار شدند.

و نَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

۵ - نوح (ع)، نجات خود و خاندانش را از دست ستم و اذیت و آزار قوم خود، از خداوند خواستار شده بود.

و لَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا... وَ نَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

۹ - نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا... وَ نَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ -

۱۱ - طرد شدن نوح پیامبر (ع) ، از سوی قومش ، با دشنام و اتهام

و قالوا مجنون و ازدجر

برداشت یاد شده بر این احتمال است که <و ازدجر> به معنای <و ازدجره قومه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۶، ۵، ۲

۲ - یأس و ناامیدی نوح (ع) از هدایت پذیری قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه انّی مغلوب فانتصر

از تعبیر <مغلوب>، استفاده می شود که نوح(ع) خود را در موضعی یافت که دیگر تنها چاره را در انتقام الهی از قوم حق ستیزش می دید.

۵ - غلبه همه جانبه قوم نوح بر آن حضرت و بستن تمامی راه های امید بر روی ایشان

انّی مغلوب

۶ - نوح (ع) ، خواهان انتقام الهی از قوم حق ستیز خویش

انّی مغلوب فانتصر

مفسران <فانتصر> را به معنای <فانتقم> دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۱ - ۱

۱ - اجابت دعای نوح (ع) به درگاه خداوند ، برای انتقام از قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه .. ففتحنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد

کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۵

۵ - رسالت حضرت نوح (ع) ، مورد تکذیب و انکار مردم قرار گرفت .

جزاء لمن کان کفر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <کفر> در این آیه چنان که مفسران نیز گفته اند به معنای انکار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۱

۱ - تلاش مستمر نوح (ع) ، برای ایمان آوردن قومش ، حاصلی جز فرار و دوری آنان نداشت .

فلم یزدهم دعاءى إلا فرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۲، ۱

۱ - دعوت حضرت نوح (ع) ، در تمامی دفعات با مخالفت شدید قومش روبه رو می شد .

و إني كلما دعوتهم لتغفر لهم جعلوا أصبعهم في أذانهم و استغشوا ثيابهم

۲ - انگشت ها را در گوش ها نهادن و جامه ها را بر سر کشیدن ، واکنش معمول قوم نوح در برابر دعوت آن حضرت

و إني كلما دعوتهم ... جعلوا أصبعهم في أذانهم و استغشوا ثيابهم

۷ - دعوت نوح (ع) ، با استکبار و گردن فرازی شدید قومش روبه رو شد .

و استكبروا استكبارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۸ - ۱،۲

۱ - دعوت نوح (ع) از مردم ، برای ایمان آوردن با صدایی بلند و رسا

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتَهُمْ جَهَارًا

<جهار> اسم مصدر <جهر> است و چنانچه در مورد کلام و سخن به کار رود، به معنای صدا و آواز بلند و در غیر آن به معنای علنی و آشکار خواهد بود.

۲ - دعوت نوح (ع) در میان قومش ، در آغاز به صورت سَرّی و بی سروصدا بود .

وَ إِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتَهُمْ ... وَ اسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا . ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتَهُمْ جَهَارًا

دعوت نوح(ع) با صدای بلند و رسا، پس از دعوت ایشان و واکنش انکارآمیز و مستکبرانه قومش یاد شده است. از این نکته می توان استفاده کرد که دعوت قبلی، سَرّی و بی سروصدا بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۹ - ۱،۲

۱ - نوح (ع) ، با استفاده از دو روش علنی و سخت پنهانی (خصوصی و عمومی) ، مردم را به ایمان فراخواند .

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا

۲ - نوح (ع) ، برخی از مردم را به صورت مخفی و خصوصی و برخی را به شکل عمومی و علنی به ایمان فراخواند .

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که دعوت علنی و مخفی حضرت نوح(ع)، ممکن است در یک زمان و در شرایط اجتماعی خاصی انجام گرفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱

۲ - نوح پیامبر ، مردم را به رغم مخالفت طولانی آنان ، به سوی توبه و بازگشت از راه باطل و روی آوردن به خدای غفار تشویق و ترغیب می کرد .

فقلت استغفروا ربکم إنه کان غفّارًا

فراخواندن به استغفار، در حقیقت دعوت به توبه و بازگشت از راه باطل گذشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر ریزش باران فراوان و پی درپی بر آنان ، در صورت استغفار و ایمان آوردن آنان

فقلت استغفروا ربکم .. یرسل السماء علیکم مدرارًا

یکی از معانی <سما>، باران است (صحاح) و در این آیه شریفه در همین معنا به کار رفته است. <مدرارًا> به معنای ریزش فراوان و پی درپی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر یاری شدنشان با اموال و فرزندان از سوی خداوند ، در صورت ایمان آوردن و استغفار آنان

استغفروا ربکم .. و یمدکم بأموال و بنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۲

۲ - شکوه حضرت نوح (ع) ، به درگاه الهی از نافرمانی قومش

قال نوح ربّ إنهم عصونی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - ثروتمندان و زورمداران حيله گر ، مخالفان اصلى دعوت نوح (ع)

و

مکروا مکراً کتباراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۴

۴ - ناامیدی کامل نوح (ع) ، از نجات یافتن قومش از گمراهی و ستم پیشگی

و لاتزد الظلمین إلاّ ضللاً

نفرین نوح(ع) علیه قومش، نشانه آن است که آن حضرت از هدایت یافتن آنان کاملاً مأیوس بود زیرا اصولاً پیامبران الهی برای هدایت مردمان مبعوث شدند و نوح(ع) نیز سالیانی درازتر قومش را به هدایت دعوت کرد و چون آنان نپذیرفتند، علیه آنان نفرین فرمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۱،۲

۱ - درخواست نوح (ع) از درگاه پروردگار مبنی بر نابودی تمامی کافران و مشرکان حق ناپذیر عصر خود و قطع نسل آنان

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیاراً

واژه <دیار>، همواره پس از نفی قرار می گیرد و شامل همه انسان ها می شود.

۲ - ناامیدی کامل نوح (ع) از ایمان آوردن قومش و نجات آنان از گمراهی شرک و بت پرستی

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیاراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۲،۸

۲ - حفظ دیانت بندگان خدا و صیانت آنان از گمراهی ، فلسفه نفرین و درخواست نوح (ع) از خداوند ، برای نابودی کامل قوم گمراه گر خود

لاتذر علی الأرض من الکفرین دیاراً . إنک إن تذرهم یضلّوا عبادک

۸ - نگرانی و احساس خطر نوح (ع) ، درباره به خطر افتادن ایمان مؤمنان و نسل های

آینده جامعه ، از سوی کافران حق ناپذیر و گمراه گر قوم خود

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ - درخواست نوح (ع) از درگاه الهی ، مبنی بر افزودن هلاکت و بدبختی ستمگران حق ناپذیر

و لا تزد الظلمین إِلَّا تَبَارًا

<تبار>، به معنای هلاکت و نابودی است.

قصه نوح(ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۲

۲ - سوار شدن فرزندان نوح (ع) و همراهان مؤمن او بر کشتی و نجات آنان از غرق شدن ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و ءایه لهم أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْحُونِ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که ضمیر <لهم> و <ذُرِّيَّتَهُمْ> به <عباد> بازگردد (البته به اعتبار این که عباد از بشر می باشند). و نیز مقصود از <فلك مشحون> کشتی حضرت نوح(ع) باشد که در آیه ۱۱۹ سوره <شعراء> به همین تعبیر آمده است (فأنجیناه و من معه فی الفلك المشحون). بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <آیه لهم أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّاتِ الْبَشَرِ فِي سَفِينَةِ نُوحٍ>.

قصه همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۳

۳ - همسران نوح و لوط پیامبر ، تحت سرپرستی و حمایت آن دو پیامبر قرار داشتند .

كانتا تحت عبدين من عبادنا

برداشت یاد شده، از تعبیر <تحت عبدين> استفاده شده است.

قضاوت نوح(ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون (ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

قوم نوح و کشتی نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۹ - ۴

۴ کفرپیشگان، ساختن کشتی را آزار و عذابی بی جا و تحمیل شده بر نوح (ع) و پیروانش قلمداد کرده و آن را مایه شرمساری ایشان می شمردند.

یصنع الفلک .. فسوف تعلمون من یأتیة عذاب یخزیه

قوم نوح و نبوت نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۶

۶ نبوت حضرت نوح (ع) و نزول آیات الهی بر او برای قومش امری دشوار و باور نکردنی بود.

یقوم إن کان کبر علیکم مقامی و تذکیری بأیت اللّٰه

جمله <فکذبوه> در دو آیه بعد (۷۳) دلالت می کند بر اینکه موضوع مورد بحث، نبوت و رسالت حضرت نوح (ع) است و حضرت در مقام تحدی و اثبات این ادعاست.

قوم نوح و نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ کفرپیشگان قوم نوح ، از او خواستند که به بحث و مناظره با آنان پایان دهد و تهدید های خویش را تحقق بخشد .

قالوا ینوح قد جدلنا فأکثرت جدلنا فأتنا بما تعدنا

جمله <فأکثرت جدالنا> (با ما

بسیار مناظره کردی) به قرینه تفریع جمله <فأنتا بما تعدنا> بر آن کنایه از این است که دلیل و برهان آوردن کافی است ، به این امر پایان ده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۹

۹ کفرپیشگان قوم نوح ، او را خیرخواه نمی دانستند و تعالیمش را سودمند نمی پنداشتند .

ینوح قد جدلتنا .. إن أردت أن أنصح لكم

اشراف قوم نوح ، تلاشهای مستمر نوح(ع) را جدل (جَزّ و بحث) نامیدند ولی او در مقابل ، تعبیر نصیحت را به کار برد تا پندار آنان را تخطئه کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱

۱ - قوم نوح ، دین الهی و پیامبر خویش را تکذیب کردند .

كذّبت قبلهم قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۲

۲ - قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان ، پیوسته با دعوت پیامبران خود به مخالفت برمی خاستند .

مثل دأب قوم نوح .. و الذین من بعدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۵

۵ - غلبه همه جانبه قوم نوح بر آن حضرت و بستن تمامی راه های امید بر روی ایشان

أنی مغلوب

قوم نوح و وحی به نوح(ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۶

۶ نبوت حضرت نوح (ع) و نزول آیات الہی بر

او برای قومش امری دشوار و باور نکردنی بود .

يقوم إن كان كبر عليكم مقامى و تذكيرى بأيت الله

جمله <فكذبوه> در دو آیه بعد (۷۳) دلالت می کند بر اینکه موضوع مورد بحث، نبوت و رسالت حضرت نوح (ع) است و حضرت در مقام تحدی و اثبات این ادعاست.

قوم نوح و وعیدهای نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۵

۵ کفرپیشگان قوم نوح ، ناباور به آمدن عذاب و تحقق یافتن وعید ها و تهدید های حضرت نوح (ع)

فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصادقين

کافران خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ - وجود فرد یا افراد کافر ، در میان خاندان نوح (ع)

فاسلك فيها .. إلا من سبق عليه القول منهم

کافران نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۷

۷ خداوند ، نوح (ع) را به پدید آمدن جامعه ها و امتیاهی کفرپیشه از نسل او و همراهانش آگاه ساخت .

و أمم ستمتعهم ثم یمسهم منا عذاب أليم

کلمه <أمم> مبتدا و خبر آن محذوف می باشد؛ یعنی: ممن معك أمم ستمتعهم. جمله <یمسهم...> حکایت از آن دارد که مقصود از <أمم> در این بخش از آیه ، امتیهای کافر هستند.

کتاب نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۱۱

۱۱ نوح ، نخستین پیامبر دارای کتاب و شریعت *

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا

أوحينا إلى نوح و النبيين من بعده

چون مسلم است که قبل از نوح(ع) نیز پیامبری وجود داشته، بنابراین ذکر حضرت نوح(ع) بدون اشاره به پیامبر پیش از او می تواند به این جهت باشد که او اولین پیامبر دارای شریعت بوده است.

کتاب آسمانی نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۷

۷- نسل های پس از نوح و ابراهیم (ع) ، هیچ گاه از کتاب آسمانی محروم نبوده اند .

و جعلنا فی ذریتهما النبوه و الکتب

کشتی سازی پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ پیروان نوح ، همراه و همگام با او برای ساختن کشتی

إن تسخروا منا فإننا نسخر منکم

برداشت فوق ، مقتضای آوردن ضمیر جمع در <منا> و <إنا> و <نسخر> است.

کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۳،۴،۱

۱ خداوند ، در پی باخبر ساختن نوح از ایمان نیابردن قومش ، او را به ساختن کشتی فرمان داد .

أوحى إلى نوح أنه لن يؤمن من قومك . . . واصنع الفلک

۳ نوح (ع) ، در ساخت کشتی مؤید به مراقبت و محافظت همه جانبه خداوند بود .

واصنع الفلك بأعيننا

<عین> به معنای چشم و در آیه شریفه کنایه از مراقبت و محافظت می باشد. جمع آوردن آن (أعین) برای مبالغه و رساندن کمال مراقبت است و <بأعيننا> حال برای فاعل <اصنع> می باشد. بنابراین <اصنع الفلك بأعيننا> یعنی، آن کشتی را بساز در حالی

که قرین محافظت و مراقبت کامل ما (خداوند) هستی.

۴ نوح (ع) ، در ساخت کشتی با دریافت وحی ، از تعالیم و راهنمایی های خداوند بهره می برد .

واصنع الفلک بأعیننا ووحینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۵، ۴، ۳، ۱

۱ نوح (ع) در پی فرمان خداوند ، به ساختن کشتی پرداخت .

واصنع الفلک .. و یصنع الفلک

در کلام عرب ، گاهی فعل مضارع به جای فعل ماضی به کار می رود و منظور از آن ترسیم حادثه های گذشته است به گونه ای که گویا پیش روی مخاطبان قرار دارد. در آیه شریفه نیز ، فعل <یصنع> به همین منظور به جای <صنع> استعمال شده است.

۳ کفرپیشگان ، به هنگام مواجه شدن با نوح (ع) او را به خاطر کشتی سازی به استهزا و مسخره می گرفتند .

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملاً من قومه سخروا منه

۴ کفرپیشگان ، آن گاه که دسته جمعی و گروه گروه با نوح (ع) مواجه می شدند ، او را به خاطر کشتی سازی به تمسخر می گرفتند .

کلما مرّ علیه ملاً من قومه

برداشت فوق ، از کلمه <ملاً> که در این جا به معنای گروه و جماعت است استفاده شده است.

۵ نوح (ع) پس از دریافت فرمان الهی مبنی بر ساختن کشتی ، همه وقت و همّت خویش را مصروف اجرای آن فرمان کرد .

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملاً من قومه سخروا منه

بدیهی است که تمسخر کفرپیشگان، مخصوص زمانی نبوده که

نوح(ع) را در کارگاه کشتی سازی مشاهده کنند. بنابراین مقید کردن زمان استهزا به وقتی که در جایگاه کشتی سازی با او مواجه می شدند، به این نکته اشاره دارد که: کافران آن حضرت را در غیر آن مکان نمی یافتند و این حاکی است که او، تمام وقت را در کارگاه مشغول به کار بوده است.

۱۲ پیروان نوح ، همراه و همگام با او برای ساختن کشتی

إِن تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ

برداشت فوق ، مقتضای آوردن ضمیر جمع در <منا> و <إنا> و <نسخر> است.

۱۴ > عن أبي عبد الله (ع) ... فلما أتى عليهم تسعمأه سنه هم أن يدعو عليهم ... فأمره الله عزوجل أن يغرس النخل ... فلما أتى لذلك خمسون سنه و بلغ النخل و استحکم أمر بقطعه ... فأمره الله أن ينحت السفينه و أمر جبرئيل (ع) أن ينزل عليه و يعلمه كيف يتخذها فقدر طولها في الأرض ألفاً و مأتى ذراع و عرضها ثمانمأه ذراع و طولها في السماء ثمانون ذراعاً ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: هنگامی که نهصد سال بر قوم نوح گذشت [و دعوت او را اجابت نکردند] خواست که بر آنان نفرین کند؛ پس خداوند عزوجل به او امر فرمود که درخت خرما بکارد ... پس چون پنجاه سال گذشت و درخت کامل و محکمی شد، آن حضرت را به بریدن آن فرمان داد ... آن گاه امر فرمود کشتی را بسازد و جبرئیل را مأمور کرد که بر نوح نازل شود و به او یاد

دهد که کشتی را چگونه بسازد. پس جبرئیل طول کشتی را هزار و دویست ذراع و عرض آن را هشتصد ذراع و ارتفاع آن را هشتاد ذراع تعیین کرد ...<

۱۵ > عن أبي عبدالله (ع) [في حديث قال بعد ما قرأ قوله تعالى]: > كلما مرّ عليه ملاً من قومه سخروا منه ... : > ...
كانوا يسخرون منه و يقولون: ينحت سفينه في البرّ ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که [ضمن حدیثی بعد از قرائت آیه مزبور] فرمود: .. قوم نوح او را مسخره می کردند و می گفتند: او در خشکی کشتی می سازد!<

۱۶ > عن أبي عبدالله (ع) قال: بقي نوح في قومه ثلاثمأه سنه يدعوهم إلى الله فلم يجيبوه ... فأمره الله أن ينحت السفينه ... فقال: يا رب من يعينني على اتخاذها؟ فأوحى الله إليه ناد في قومك من أعانني عليها و نجر منها شيئاً صار ما ينجره ذهباً و فضه فنادی نوح (ع) فيهم بذلك فأعانوه عليها ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نوح سیصد سال در بین قوم خود باقی ماند و آنها را به خدا دعوت کرد، ولی او را اجابت نکردند .. پس خداوند وی را امر کرد تا کشتی بسازد ... نوح گفت: پروردگارا! چه کسی مرا در ساختن کشتی کمک می کند؟ به او وحی شد در بین قوم خود ندا کن: هر کس مرا در ساختن کشتی کمک کند، تراشه های چوبی که می

تراشد برای او طلا و نقره می شود. نوح این ندا را داد، پس قوم او در ساختن کشتی به او کمک کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۲

۲ - وحی الهی به نوح (ع) در ساختن کشتی

فأوحينا إليه أن اصنع الفلك

کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۳،۴،۱۰

۳ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را به وسیله کشتی از غرق شدن رهایی بخشید .

فكذبوه فانجينه و الذين معه في الفلك و أغرقنا الذين كذبوا

۴ مؤمنان به رسالت نوح (ع) ، همراه و همسفر او در کشتی

فانجينه و الذين معه في الفلك

۱۰ گروهی از همسفران نوح (ع) در کشتی نجات ، نه از مؤمنان بودند و نه از تکذیب کنندگان آیات الهی

فانجينه و الذين معه في الفلك و أغرقنا الذين كذبوا بايتنا

از اینکه خداوند نجات یافتگان را توصیف نکرد که اهل ایمان بودند، مثلاً نفرمود <و الذين آمنوا>، می توان گفت گروهی از همراهان نوح(ع) در کشتی به وی ایمان نداشتند. و از جمله <و أغرقنا ... > می توان فهمی آن گروه وی را تکذیب نیز نکردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۲

۲ نوح (ع) پیش از مأموریتش برای ساختن کشتی ، به چگونگی (اندازه ، شکل و ...) آن آگاه بود .

واصنع الفلك

ظاهر این است که <ال> در <الفلك> عهد ذهنی است

و اشاره به سفینه ای خاص دارد که نوح(ع) به آن آشنایی داشت. براین اساس خداوند، پیش از فرمان به ساختن کشتی، طرح و دورنمایی از آن را به او نشان داده بود. گفته شده که آن حضرت کشتی مورد نظر را در رؤیا دیده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۹

۱۹ - > عن أبي جعفر (ع) قال : كانت شريعته نوح أن يعبد الله بالتوحيد . . . فلبث فيهم ألف سنة إلا خمسين عاماً يدعوهم سرّاً و علانیه . . . فأوحى الله عزّوجلّ إليه : أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا تبتأس بما كانوا يفعلون < فلذلك قال نوح : > ولا يلدوا إلا فاجراً كفاراً < و أوحى الله إليه > أن اصنع الفلك < ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: .. شریعت نوح آن بود که خدا به یکتایی پرستش می شد... پس نوح(ع) در بین قوم خویش ۹۵۰ سال توقف کرد و آنها را آشکار و پنهان به خدا دعوت نمود... سپس خداوند عزّوجلّ به او وحی فرستاد: > أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا تبتأس بما كانوا يفعلون < و به همین خاطر نوح گفت: > ولا يلدوا إلا فاجراً كفاراً < و خداوند به نوح وحی کرد: > أن اصنع الفلك <.

کشتی نوح(ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۱

۱ - برجای ماندن کشتی نوح برای چندی در زمین ، به عنوان نشانه الهی و به

منظور عبرت آموزی خلق

و لقد ترکنها آیه فهل من مدکر

واژه <آیه> در معانی <علامت>، <معجزه> و <عبرت> به کار می رود. گفتنی است برداشت یاد شده بر این احتمال است که ضمیر <ترکناها> به <ذات ألواح> بازگردد.

کشتی نوح(ع) در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۳

۳ کشتی نوح ، او و همراهانش را در میان موج های عظیمی بسان کوهها ، به پیش می برد .

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

<موج> اسم جنس است و بر یک موج و نیز موجهای متعدد و کثیر اطلاق می شود از آن جا که در آیه شریفه ، کلمه <موج> به <جبال> (کوهها) تشبیه شده ، معلوم می شود مراد از آن ، امواج متعدد و کثیر است.

کشتی نوح(ع) در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۲

۲ - برجای ماندن بقایای کشتی نوح ، تا عصر نزول قرآن *

و لقد ترکنها آیه

در صورتی که <ترکنا> به معنای برجای نهادن آثار و بقایا باشد و نه صرفاً به معنای باقی گذاشتن خاطره و یاد کشتی نوح از قید <هل من مدکر> مطلب بالا استفاده می شود.

کشتی نوح(ع) در کوه جودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۴

۴ با فرمان الهی به آسمان و زمین ، آب ها کاسته شد ، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات ، به سلامت بر کوه جودی مستقر گردید .

و غیض الماء

و قضی الأمر واستوت علی الجودی

کعبه در طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ > قال أبو عبد الله (ع) : ... غرق جميع الدنيا إلا موضع البيت ... ;

امام صادق(ع) فرمود: ... [در طوفان نوح] همه دنیا غرق شد مگر جایگاه خانه خدا ... <.

کعبه هنگام طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : إنَّ الله عزَّوجلَّ أغرق الأرض كلها يوم نوح إلا البيت فيومئذ سمى العتيق لأنه أعتق يومئذ من الغرق ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای عزوجل در روز طوفان نوح، همه زمین را غرق کرد، مگر <بیت[الله]>. پس در آن روز عتیق نامیده شد؛ زیرا در آن روز از غرق شدن آزاد شد.<

کفر پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ برخی از افراد خانواده نوح (همسر و فرزندش) در زمره کافران و تکذیب کنندگان رسالت او بودند . *

و أهلك إلا من سبق عليه القول

<ال> در <القول> عهد ذکری و یا ذهنی است و اشاره به جمله <لاتخاطبني في الذين ظلموا إنهم مغرقون/۳۷> دارد. بنابراین <إلا من ...>؛ یعنی، مگر آن کس که از پیش به خاطر کفر و ظلمش، حکم غرق شدن را برای او مقدر ساخته ایم. مفسران بر آنند که مراد از <من سبق> همسر نوح به نام <واعله>

و فرزندش به نام <یام> و یا <کنعان> است.

کفر خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۵

۵ - ایمان نیاوردن برخی از اعضای خاندان نوح (ع)

و لمن دخل بیتی مؤمناً

مطلب یاد شده، از قید <مؤمناً> استفاده می شود.

کفر همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ برخی از افراد خانواده نوح (همسر و فرزندش) در زمره کافران و تکذیب کنندگان رسالت او بودند . *

و أهلك إلاً من سبق عليه القول

<ال> در <القول> عهد ذکری و یا ذهنی است و اشاره به جمله <لاتخاطبني في الذين ظلموا إنهم مغرقون/۳۷> دارد.

بنابراین <إلاً من...>؛ یعنی، مگر آن کس که از پیش به خاطر کفر و ظلمش، حکم غرق شدن را برای او مقدر ساخته ایم.

مفسران برآنند که مراد از <من سبق> همسر نوح به نام <واعله> و فرزندش به نام <یام> و یا <کنعان> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۲،۸

۲ - همسران نوح و لوط پیامبر ، نمونه بارز و مثال زدنی ، برای جریان کفر و نفاق اند .

جهد الکفار و المنفقين .. ضرب الله مثلاً للذين كفروا امرأت نوح و امرأت لوط

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران

علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و... .

کمی پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۸

۱۸ تنها تعداد بسیار اندکی از قوم نوح ، به یکتایی خداوند ایمان آوردند و رسالت نوح را پذیرفتند .

و ما آمن معه إلا قليل

کلمه <قلیل> دلالت بر اندک بودن تعداد مؤمنان دارد و قرآن آن را با قیدی همانند <منهم> نیاورد تا به این نکته اشاره کند که: تعداد مؤمنان فی نفسه اندک بودند نه در قیاس با کفرپیشگان و لذا در برداشت با کلمه بسیار، بر قلت مؤمنان تأکید شد(اقتباس از المیزان).

کمی مؤمنان به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۸،۲۳

۱۸ تنها تعداد بسیار اندکی از قوم نوح ، به یکتایی خداوند ایمان آوردند و رسالت نوح را پذیرفتند .

و ما آمن معه إلا قليل

کلمه <قلیل> دلالت بر اندک بودن تعداد مؤمنان دارد و قرآن آن را با قیدی همانند <منهم> نیاورد تا به این نکته اشاره کند که: تعداد مؤمنان فی نفسه اندک بودند نه در قیاس با کفرپیشگان و لذا در برداشت با کلمه بسیار، بر قلت مؤمنان تأکید شد(اقتباس از المیزان).

۲۳ > عن أبي عبد الله (ع) : لما أراد الله عزوجل هلاك قوم نوح ... كان الذين آمنوا به من جميع الدنيا ثمانين رجلاً فقال الله عزوجل : < ... و ما آمن معه إلا قليل > ... ;

از امام صادق(ع) روایت

شده است: هنگامی که خدای عزوجل اراده کرد قوم نوح را هلاک کند .. کسانی که به او ایمان آورده بودند در همه دنیا هشتاد مرد بودند. پس خداوند عزوجل فرمود: ... و ما آمن معه إلا قليل ...>.

کنعان بن نوح و نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۶

۶ نوح (ع) ناآگاه به گسستن پیوند فرزندی کنعان با او بر اثر اعمال ناشایستش

إن ابني من أهلي . . . إنه ليس من أهلك

کوه پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ > صفوان بن مهران الجَمَّال عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال : سار و أنا معه في القادسية حتى أشرف على النجف فقال : هو الجبل الذي اعتصم به ابن جدی نوح عليه السلام فقال : > سأوی إلى جبل يعصمني من الماء < . . . فغار في الأرض . . . ;

صفوان بن مهران جَمَّال از امام صادق(ع) نقل می کند و می گوید: من با امام صادق(ع) در سرزمین قادسیه همراه بودم تا به نجف نزدیک شد؛ پس فرمود: نجف جای کوهی است که فرزند جدّم نوح به آن پناهنده شد و گفت: >سأوی إلى جبل يعصمني من الماء< . . . پس آن کوه در زمین فرو رفت...>.

گلایه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۷ - ۱

۱ - شکوه نوح (ع) به درگاه خدا ، از لجاجت و تکذیب گری

قومش نسبت به او

قال ربّ إنّ قومی کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۴

۴ - شکوه نوح (ع) به درگاه خدا از ستم قوم خویش ، پس از اتمام حجت و به بن بست رسیدن همه راه های تبلیغی بود .

إن أنا إلا نذیر مبین .. إنّ قومی کذبون ... فافتح بینی و بینهم فتحا و نجنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۵ - ۱

۱ - شکوه حضرت نوح (ع) ، از قوم خود به پیشگاه پروردگار

قال ربّ ائنی دعوت قومی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۲

۲ - شکوه حضرت نوح (ع) ، به درگاه الهی از نافرمانی قومش

قال نوح ربّ انهم عصونی

گناهان پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۵

۵ پیروان نوح ، به هنگام سوارشدن بر کشتی نجات ، نگران گناهان و تخلفات خویش بودند .

قال اركبوا فیها .. إن ربی لغفور رحیم

مبارزه با نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۰ - ۱

۱ جنبه گیری گروه سرشناس و اشراف قوم نوح در برابر دعوت وی

قال الملائمة من قومه إنا لنرىك في ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۵ - ۳

۳ - وا نهادن و بی اعتنایی به نوح (ع)

، آخرین چاره اندیشی اشراف کافر در مبارزه با آن حضرت

فقال الملوأ . . . إن هو إلا رجل به جنه فتربصوا به حتى حين

مبارزه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۸

۸ مبارزه با شرک و دعوت به توحید ، مهمترین رسالت نوح

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۳

۳ قیام حضرت نوح (ع) ، علیه شرک و بت پرستی و دعوت به توحید و یکتاپرستی ، برای قومش سنگین و غیر قابل تحمل بود .

إن كان كبر عليكم مقامی و تذکیری بأیت الله

کلمه <مقام> مشترک بین سه صیغه است: مصدر میمی، اسم زمان و اسم مکان. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، اگر قیام من برای دعوت به توحید و یادآوری آیات و نشان های خداوند، بر شما سنگین و دشوار است و ...

مبدأ حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ > عن أبي عبدالله (ع) قال : جاء رجل إلى أمير المؤمنين (ع) و هو فی مسجد الكوفه فقال (ع) : . . . صلّ فی هذا المسجد . . . منه سارت سفینه نوح . . .

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: امیرالمؤمنین(ع) در مسجد کوفه بود. مردی نزد وی آمد، آن حضرت فرمود:...در این مسجد نماز بخوان... از همین مسجد کشتی نوح سیر خود را

آغاز کرد ...<

مجادله نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱

۱ ساخت کشتی نوح و درگیری های لفظی او و کفرپیشگان تا فرا رسیدن طوفان ، همچنان ادامه داشت .

يصنع الفلك و كلما مرّ عليه .. حتى إذا جاء أمرنا

<حتی> بیانگر غایت گزارشها و حقایق مطرح شده در آیه قبل (ساختن کشتی و تمسخر کافران و پاسخ گویی حضرت نوح) می باشد، یعنی ، اینها ادامه داشت تا زمانی که ...

محدوده اختیارات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۱

۱ نوح (ع) ، نه گنجینه های هستی را در اختیار داشت ، نه غیب می دانست و نه از فرشتگان بود .

لأقول لكم عندي خزائن الله .. و لأقول إني ملك

محدوده رسالت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۲

۲ رسالت نوح در محدوده قوم خویش بود .

لقد أرسلنا نوحاً إلى قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۲

۲ نوح (ع) ، مبلغ پیام های الهی ، نه بازگوکننده نظریات شخصی خویش

أبلغكم رسلت ربي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۵ - ۲

۲ رسالت نوح (ع) محدود به قوم خودش بود .

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳

۳- قلمرو رسالت نوح (ع) ، محدود به قوم خودش بود .

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۲

۲- رسالت نوح (ع) ، محدود به قوم خود بود .

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲ - ۴

۴- اخطار و روشنگری ، قلمرو رسالت نوح (ع)

إني لكم نذير مبين

محدوده علم نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۱

۱ نوح (ع) ، نه گنجینه های هستی را در اختیار داشت ، نه غیب می دانست و نه از فرشتگان بود .

لأقول لكم عندی خزائن الله . . . و لأقول إني ملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۵،۶،۷،۸

۵ نوح (ع) ، ناآگاه به تباهی و فساد بی حد فرزند ناخلف خویش

إنه عمل غیر صلح

۶ نوح (ع) ناآگاه به گسستن پیوند فرزندى کنعان با او بر اثر اعمال ناشایستش

إن ابني من أهلی . . . إنه لیس من أهلك

۷ نوح (ع) به حکیمانه نبودن نجات فرزند فسادپیشه اش ، از حادثه طوفان آگاه نبود .

فلاتسئلن ما لیس لك به علم

۸ محدودیت علم و آگاهی نوح (ع) و معصوم نبودن او از خطا و اشتباه

إن ابني من أهلی . . . إنه لیس من أهلك ... فلاتسئلن ما لیس لك به علم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۲ - ۳

۳ - نوح (ع) ، نفی کننده علم غیب از خویش *

ما علمی بما کانوا یعملون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <ما> در <ما علمی> نافی و <علمی> مبتدا و خبر آن محذوف باشد، یعنی، <ما علمی ثبت او حاصل بما کانوا یعملون>.

محدوده مسؤولیت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۵ - ۱

۱ - نوح (ع) ، تنها هشدار دهنده و انذارگر مردم بود .

إن أنا إلا نذیر

محرومیت پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۲

۲ فرزند ناصالح نوح ، در پیشگاه خداوند از خانواده و اهل بیت او محسوب نمی شد .

إنه لیس من أهلک

محمد(ص) و قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۳،۵،۶

۳ خداوند ، داستان نوح را از طریق وحی برای پیامبر (ص) تشریح کرد .

تلك من أنباء الغيب نوحيها إليك

ظاهر این است که مراد از ضمیر <ها> در <نوحیها> همان مشارالیه <تلك> باشد.

۵ پیامبر (ص) و مردم عصر بعثت، پیش از نزول قرآن، به سرگذشت نوح (ع) آگاهی نداشتند.

ما كنت تعلمها أنت و لاقومك من قبل هذا

مشارالیه <هذا> قرآن است که از جمله <نوحیها إليك> معلوم می شود.

۶ پیامبر (ص) و مردم عصر بعثت، جز از طریق وحی، راهی برای شناخت صحیح

حادثه طوفان و سرگذشت نوح (ع) در اختیار نداشتند .

ما كنت تعلمها أنت و لا قومك من قبل هذا

مخالفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۲ - ۳

۳ - مخالفت همگانی قوم نوح ، عاد و ثمود با پیامبرانشان (نوح ، هود و صالح)

و ان يكذبوك فقد كذبت قبلهم قوم نوح و عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۴

۴ - اشراف قوم نوح ، در جبهه مخالف او

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأذلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۲ - ۳

۳ - ثروتمندان و زورمداران حيله گر ، مخالفان اصلی دعوت نوح (ع)

و مکروا مکراً کباراً

مخالفت با نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۱

۱ - دعوت حضرت نوح (ع) ، در تمامی دفعات با مخالفت شدید قومش روبه رو می شد .

و إني كلما دعوتهم لتغفر لهم جعلوا أصبعهم في آذانهم و استغشوا ثيابهم

مخالفت پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۲۰

۲۰ > عن أبي عبدالله (ع) : ان الله عزوجل قال لنوح : يا نوح إنه ليس من أهلك . . . هو إبنه و لكن الله عزوجل نفاه عنه حين خالفه في دينه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که: خدای عزوجل به حضرت نوح فرمود: > ای نوح

آن [پسر] از اهل تو نیست > .. او پسرش بود ولی خدای عزوجل او را از اهل نوح بودن نفی کرد زیرا در دین پدرش با او مخالفت کرد >.

مدت حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ > عن المفضل قال : قلت لأبي عبدالله (ع) ... كم لبث نوح و من معه في السفينه حتى نضب الماء و خرجوا منها ؟ فقال : لبثوا فيها سبعة أيام و لياليها و طافت بالبيت ثم استوت على الجودي ... ;

مفضل گوید: به امام صادق(ع) گفتم: .. چه مدتی نوح و همراهان در کشتی ماندند تا آب فرو نشست و از کشتی خارج شدند؟ فرمود: هفت شبانه روز در کشتی ماندند و کشتی بر خانه خدا طواف کرد، سپس بر کوه جودی استقرار یافت ... >.

مدت عمر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ - > عن أبي عبدالله (ع) قال : > عاش نوح ألفي سنة و ثلاث مائه سنة . منها ثمانمائه و خمسين سنة ، قبل أن يبعث و ألف سنة إلا خمسين عاماً و هو في قومه يدعوهم و خمس مائه عام بعد ما نزل من السفينه ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده که نوح(ع)، دو هزار و سیصد سال عمر کرد. که هشتصد و پنجاه سال آن، پیش از بعثت او بود و نهصد و پنجاه سال، دورانی بود که در میان قوم خود مشغول دعوت آنها بود

و پانصد سال نیز، بعد از آنکه از کشتی پیاده شد، (زندگانی کرد)... <

مدت کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱۵

۱۵ > عن المفضل بن عمر قال : قلت (لأبي عبدالله (ع)) : جعلت فداك في كم عمل نوح سفينة حتى فرغ منها ؟ قال : في دورين ؟ قلت : و كم الدورين ؟ قال : ثمانين سنة . . . ;

مفضل بن عمر گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: فدایت شوم! نوح در چه مدتی کشتی خود را ساخت تا از آن فارغ شد؟ فرمود: در دو دور، گفتم: دو دور چقدر است؟ فرمود: هشتادسال . . <

مدت نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۳،۱۳

۳ - نوح (ع) به مدت نهصدوپنجاه سال ، در میان قوم خود ، عهده دار پیامبری بود .

و لقد أرسلنا نوحًا .. فلبث فيهم ألف سنة إلا خمسين عامًا

۱۳ - > عن أبي عبدالله (ع) قال : > عاش نوح ألفي سنة و ثلاث مائة سنة . منها ثمانمائة و خمسين سنة ، قبل أن يبعث و ألف سنة إلا خمسين عامًا و هو في قومه يدعوهم و خمس مائة عام بعد ما نزل من السفينة . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که نوح(ع)، دو هزار و سیصد سال عمر کرد. که هشتصد و پنجاه سال آن، پیش از بعثت او بود و نهصدوپنجاه سال، دورانی بود که در میان قوم

خود مشغول دعوت آنها بود و پانصد سال نیز، بعد از آنکه از کشتی پیاده شد، (زندگانی کرد)... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۵

۵ - مدت رسالت نهصد و پنجاه ساله نوح (ع) در میان قوم اش، تنها، مربوط به زمان قبل از طوفان است.

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه فلبث فيهم .. فأخذهم الطوفان ... فأنجينه

مدح همسفران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۹

۹- همراهان نوح (ع) در کشتی، افرادی با فضیلت و شایسته تمجید بودند.

و مّمّن حملنا مع نوح

تعبیر <ذَرِيَّةَ آدَمَ> برای تمام انبیا کافی بود، تصریح به برخی از آباء و اجداد دیگر، از جمله هم سفران نوح(ع)، گویای شخصیت والای آنها است.

مراد از والدین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ - > عن أبي شعيب الخراساني قال : قلت لأبي الحسن الرضا (ع) ... قال : إنّ مسجد الكوفة بيت نوح ... فيه دعوه نوح

حيث قال : > رَبِّ اغْفِرْ لِي و لوالدي و لمن دخل بيتي مؤمناً < قال : قلت : من عني بوالديه ؟ قال : آدم و حوّا ;

ابوشعيب خراسانی از امام رضا(ع) روایت کرده .. که فرمود: مسجد کوفه خانه نوح(ع) است ... دعای نوح در آن جا این بوده است که گفت: <رَبِّ اغْفِرْ لِي و لوالدي و لمن دخل بيتي مؤمناً>.

ابوشعیب گفت: به امام(ع) عرض کردم: نوح(ع) از والدینش چه کسی را قصد کرده؟ فرمود: آدم و حوّا را.

مردمداری نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۶

۶ خیرخواهی نوح (ع) تنها در جهت منافع مردمان ، نه آمیخته به منفعت های شخص خود بود .

و أنصح لكم

آوردن <لام> پس از مشتقات <نصیحت> ، همانند <أنصح لكم> ، حکایت از خلوص کامل نصیحت کننده نسبت به نصیحت شونده دارد. یعنی در نصیحتش (خیرخواهیش) هیچ شائبه منفعت شخصی ندارد و تنها خیر او را در نظر گرفته است.

مزد رسالت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱،۴

۱ نوح (ع) به مردم اعلام کرد که : در برابر ابلاغ رسالت ، کمترین مالی از آنان درخواست نخواهد کرد .

يقوم لأستلکم علیه مالاً

مراد از ضمیر در <علیه> پیامبری و ابلاغ رسالت است. کلمه <مالاً> نکره است و چون پس از نفی (لأستلکم) قرار گرفته است ، دلالت بر عموم دارد؛ یعنی ، هیچ مالی و کمترین پاداشی.

۴ نوح (ع) به قوم خویش اعلام کرد که پاداش رسالتش تنها بر عهده خداوند است .

إن أجرى إلا علی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۹ - ۱

۱ - تصریح نوح (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم ، در قبال رسالت خویش

و ما أستلکم علیه من أجر

مستضعفان قوم نوح و نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ انحصار پیروان نوح به قشر مستضعف و تهی دست ، بهانه و دستاویز اشراف برای ایمان نیاوردن به او و انکار رسالت های وی

فقال الملاء .. ما نریک اتبعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی

مسلمانان صدر اسلام و قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۵،۶

۵ پیامبر (ص) و مردم عصر بعثت ، پیش از نزول قرآن ، به سرگذشت نوح (ع) آگاهی نداشتند .

ما کنت تعلمها أنت و لا قومک من قبل هذا

مشارالیه <هذا> قرآن است که از جمله <نوحیها إلیک> معلوم می شود.

۶ پیامبر (ص) و مردم عصر بعثت ، جز از طریق وحی ، راهی برای شناخت صحیح حادثه طوفان و سرگذشت نوح (ع) در اختیار نداشتند .

ما کنت تعلمها أنت و لا قومک من قبل هذا

مسؤولیت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۵

۵ نوح (ع) ، بدون هیچ تأخیر ، به انجام مسؤولیت و رسالت خویش پرداخت .

لقد أرسلنا نوحاً .. فقال یقوم

عطف جمله <قال ..> بر <لقد أرسلنا ...> به وسیله حرف فاء ناظر به برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۸

۸ نوح (ع) ، وظیفه دار ترساندن مردم از عذاب های الهی و فراهم آوردن زمینه های تقواییشگی برای آنان با تبلیغ معارف دین

أن جاءكم ذكر من ربكم

علی رجل منکم لینذرکم و لتتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ > عن أبي عبد الله (ع) ... فلما أتى عليهم تسعماء سنة هم أن يدعو عليهم ... فأمره الله عز وجل أن يغرس النخل ... فلما أتى لذلك خمسون سنة و بلغ النخل و استحکم أمر بقطعه ... فأمره الله أن ينحت السفينه و أمر جبرئيل (ع) أن ينزل عليه و يعلمه كيف يتخذها فقدر طولها في الأرض ألفاً و مأتى ذراع و عرضها ثمانمأه ذراع و طولها في السماء ثمانون ذراعاً ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: هنگامی که نهصد سال بر قوم نوح گذشت [و دعوت او را اجابت نکردند] خواست که بر آنان نفرین کند؛ پس خداوند عزوجل به او امر فرمود که درخت خرما بکارد ... پس چون پنجاه سال گذشت و درخت کامل و محکمی شد، آن حضرت را به بریدن آن فرمان داد ... آن گاه امر فرمود کشتی را بسازد و جبرئیل را مأمور کرد که بر نوح نازل شود و به او یاد دهد که کشتی را چگونه بسازد. پس جبرئیل طول کشتی را هزار و دویست ذراع و عرض آن را هشتصد ذراع و ارتفاع آن را هشتاد ذراع تعیین کرد ...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۷، ۱۱، ۷، ۶

۶ بردن انواع حیوانات به کشتی و نجات دادن آنها از غرق شدن، از وظایف نوح

(ع) پس از پیدایش نشانه طوفان (فوران آب از تنور)

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

۷ نوح (ع) ، موظف بود از هر نوع حیوان تنها یک جفت (نر و ماده) را به کشتی سوار کند .

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

مضاف الیه <کل> کلمه ای همانند <حیوان> است؛ یعنی: من کل حیوان کلمه <اثنین> تأکید برای زوجین است و اشاره به این معنا دارد که از هر حیوان ، بیشتر از یک جفت نباید به کشتی برده شود.

۱۱ نوح (ع) از ناحیه خداوند به نجات خانواده خویش و سوار کردن آنان به کشتی موظف شد .

قلنا احمل فیها .. أهلك

کلمه <أهل> در <أهلك> عطف بر <زوجین> و در حقیقت مفعول برای <احمل> است.

۱۷ نوح (ع) موظف به سوار کردن مؤمنان بر کشتی و نجات دادن آنان از طوفان

قلنا احمل فیها .. من ءامن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۸

۸ - نوح (ع) ، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی ، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا .. فاسلك فیها من كل زوجین اثنین و أهلك إلا من سبق علیه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۵ - ۲

۲ - انذار توده ها و نه جلب رضایت اشراف به قیمت طرد محرومان ، وظیفه اعلام شده از سوی نوح (ع) به اشراف قومش

و ما أنا بطارد المؤمنین . إن

أنا إلا نذير

مشركان مكه و قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۲

۲ مشركان مكه ، سرگذشت نوح و قوم او را ، داستانی ساختگی و بافته پیامبر (ص) می پنداشتند .

و لقد أرسلنا نوحًا .. أم يقولون افتريه

برداشت فوق ، براین اساس است که ضمیر مفعولی در <إفتره> به داستان نوح(ع) و قوم او که در آیات پیشین آمده ، باز گردد.

مشكلات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۳

۳ قیام حضرت نوح (ع) ، علیه شرک و بت پرستی و دعوت به توحید و یکتا پرستی ، برای قومش سنگین و غیر قابل تحمل بود .

إن كان کبر علیکم مقامی و تذکیری بأیت الله

کلمه <مقام> مشترک بین سه صیغه است: مصدر میمی، اسم زمان و اسم مکان. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، اگر قیام من برای دعوت به توحید و یادآوری آیات و نشان های خداوند، بر شما سنگین و دشوار است و ...

معجزه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۱

۱ نوح (ع) برخوردار از معجزه و دلیلی روشن ، بر پیامبری خویش

قال یقوم أریتم إن کنت علی بیّنه

قابل ذکر است که <أرءیتم> به معنای <أخبرونی> است و مفعول آن جمله <أنلزمكموها> است و این هر دو به منزله جواب شرط <إن كنت ..> می باشد و تقدیر جمله چنین است <إن كنت علی بیّنه ...>

فاخبرونی أنلزمكموها <

معرضان از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۱

۱ - تلاش مستمر نوح (ع) ، برای ایمان آوردن قومش ، حاصلی جز فرار و دوری آنان نداشت .

فلم یزدهم دعاءى إلا فرارًا

معلم نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۴

۴ نوح (ع) ، در ساخت کشتی با دریافت وحی ، از تعالیم و راهنمایی های خداوند بهره می برد .

واصنع الفلك بأعيننا ووحينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۶

۶ - تعلیم روش دعا به نوح (ع) از سوی خدا

فقل الحمد لله . . . و قل رب أنزلنى منزلاً مبارکاً و أنت خیر المنزلین

مقام نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۳ - ۲

۲ آدم ، نوح ، خاندان ابراهیم و خاندان عمران ، دارای شایستگی های ویژه

انَّ الله اصطفى ادم و نوحاً و ال ابراهیم و ال عمران علی العالمین

قطعاً گزینش خداوند، بر اساس شایستگی بوده است؛ زیرا ترجیح بلا مرجح در مورد خداوند حکیم، محال است.

مقامات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۱۱، ۳

۳ نوح(ع) هدایت یافته به توحید و برهانهای آن و دارای مرتبه ای بلند بود.

و نوحا هدینا من قبل

۱۱ کثرت انبیا(ع) از نسل نوح، پاداش نیل او به مقام نیکوکاران است.

و نوحا هدینا من قبل

و من ذریته . . . و كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۱ - ۴

۴ نوح (ع) و دیگر رسولان الهی، دارای عصمت و میرا از هر گونه گمراهی

لیس بی ضلله و لکنی رسول من رب العلمین

جمله <لکنی رسول...> به منزله تعلیلی است برای تبرئه نوح از هر گونه گمراهی. بنابراین جمله <لیس بی ضلله> به همراه <و لکنی...> علاوه بر عصمت نوح، دلالت بر عصمت تمامی رسولان الهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۵ - ۱

۱ نوح (ع)، از پیامبران و رسولان الهی است.

و لقد أرسلنا نوحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۵

۵ خداوند، نوح (ع) را از رحمت ویژه خویش بهره مند ساخت و به مقام نبوت رسانید.

ءاتنی رحمه من عنده

مقصود از <رحمه>، به مناسبت مورد، مقام نبوت و پیامبری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۳

۳- حضرت نوح (ع)، از جانب خداوند،

از علم ، حکمت و منصب قضاوت برخوردار بود .

و لوطاً ءاتينه حکماً و علماً .. و نوحاً اذ نادى

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که عبارت <نوحاً> عطف بر <و لوطاً آتیناه> باشد؛ یعنی، همان گونه که به لوط(ع) علم، حکمت و .. دادیم، به نوح(ع) نیز عطا کردیم. گفتنی است واژه <حکم> هم به معنای حکمت استعمال می شود و هم به معنای قضاوت (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۱

۱ - نوح (ع) ، از رسولان الهی بود .

و لقد أرسلنا نوحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷ - ۵

۵ - پیامبر اسلام (ص) و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی (ع) چهره های شاخص انبیای الهی اند .

و إذا أخذنا من النبیین میثقهم و منک و من نوح و إبرهیم و موسی و عیسی ابن مریم

ذکر نام این انبیا پس از آوردن واژه <النبیین> ذکر خاص پس از عام بوده و می تواند نشانه برتری آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۹ - ۲،۴

۲ - نوح (ع) ، پیامبری برجسته در سلسله پیامبران الهی و دارای مقام رفیع در پیشگاه خداوند

سلم علی نوح فی العلمین

برداشت یاد شده از قید <فی العالمین> برای سلام به دست می آید؛ زیرا در این سوره خداوند سلام و تحیت خود را نسبت

به چند پیامبر بزرگ (همچون ابراهیم، موسی و هارون علیهم السلام)

نقل فرموده، ولی بدون این قید آورده است؛ مانند: آیه ۱۰۹ (سلام علی ابراهیم) و آیه ۱۲۰ (سلام علی موسی و هارون).

۴- نوح پیامبر، برخوردار از مقام و احترام ویژه در میان همه نسل‌ها و برای همیشه تاریخ

سلم علی نوح فی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۱ - ۱،۲،۳

۱ - حضرت نوح، از بندگان مؤمن خدا

إِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

۲ - نوح پیامبر، از بندگان برجسته و مقرب خداوند

إِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا

برجسته و مقرب بودن نوح(ع)، از اضافه <عباد> به ضمیر جلاله <نا> به دست می آید.

۳ - عبودیت و ایمان نوح (ع)، موجب دستیابی او به پاداش‌هایی همانند پاداش‌های محسنان از سوی خداوند

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ . إِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا..> تعلیل برای جمله <إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ> است؛ یعنی، چون نوح(ع) از مؤمنان و بندگان خالص خدا بود، به او همانند پاداش محسنان، پاداش دادیم. گفتنی است که مقصود از آن، اجابت دعا، نجات از مشکلات اندوه بار و باقی ماندن نسل و نام نیک آن حضرت در تاریخ می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۴

۴ - نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (ع) و پیامبر اسلام (ص)، پیامبران اولوالعزم و دارای شریعت

شرع لکم من الدین ما وصّی به نوحاً... و موسی و عیسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - مقام عبودیت و بندگی خداوند ، از اوصاف عالی حضرت نوح (ع)

فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا

وصف <عبدنا> در مقام یادکرد از تلاش های نوح(ع)، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۱

۱ - نوح و ابراهیم (ع) ، از رسولان الهی

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱ - ۱

۱ - حضرت نوح (ع) ، از رسولان الهی

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا

مکان توقف کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۴

۴ با فرمان الهی به آسمان و زمین ، آب ها کاسته شد ، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات ، به سلامت بر کوه جودی مستقر گردید .

و غیض الماء و قضی الأمر و استوت علی الجودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱۱

۱۱ > عن أبي عبدالله (ع) قال: ... فنزل نوح بالموصل من السفينه مع الثمانين ...

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: .. نوح با هشتاد نفر همراه در موصل از کشتی پیاده شد ...<

مکان حیوانات در کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۳

۳ - داخل کشتی نوح ، محل استقرار حیوانات و خاندان وی و عرشه آن

محل استقرار او و پیروانش بود .

فاسلك فيها .. و اهلك فاذا استويت أنت ... على الفلك

برداشت یاد شده، با توجه به عبارت های <اسلك فيها> (در کشتی وارد کن) و <إذا استويت.. .. على الفلك> (هرگاه تو... بر کشتی استقرار یافتی)، به دست آمده است.

مکان فرود کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۵

۵- فرود آمدن کشتی نوح ، در محلی غیر از محل زندگی نخستین او

و قل ربّ انزلني منزلاً مبارکاً

همان طور که در برداشت پیشین گفته شد، <منزل> می تواند اسم مکان باشد. بنابراین درخواست فرود آمدن در یک جای پربرکت، بیانگر تغییر مکان و مفید برداشت فوق است.

مکان کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱۷، ۲

۲ کارگاه کشتی سازی نوح ، مجاور گذرگاه عمومی و در دید و منظر همگان بود .

و يصنع الفلك و كلما مرّ عليه ملاً من قومه

۱۷ > عن أبي عبدالله (ع) [فی حدیث]: ... فعمل نوح سفینه فی مسجد الکوفه بیده ...

از امام صادق(ع) روایت شده است که [ضمن حدیثی] فرمود: .. نوح به دست خود در مسجد کوفه کشتی ساخت...<

مکان نوح(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۳

۳ - داخل کشتی نوح ، محل استقرار حیوانات و خاندان وی و عرشه آن محل استقرار او و پیروانش بود .

فاسلک فیها .. و أهلک فإذا

استویت أنت ... علی الفلک

برداشت یاد شده، با توجه به عبارت های <اسلک فیها> (در کشتی وارد کن) و <إذا استویت.. علی الفلک> (هرگاه تو... بر کشتی استقرار یافتی)، به دست آمده است.

مکان همسفران نوح(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۳

۳ - داخل کشتی نوح ، محل استقرار حیوانات و خاندان وی و عرشه آن محل استقرار او و پیروانش بود .

فاسلک فیها .. و أهلک فإذا استویت أنت ... علی الفلک

برداشت یاد شده، با توجه به عبارت های <اسلک فیها> (در کشتی وارد کن) و <إذا استویت.. علی الفلک> (هرگاه تو... بر کشتی استقرار یافتی)، به دست آمده است.

مکذبان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۱

۱ قوم نوح ، نبوت او را با وجود شواهد و براهین صدق ، نپذیرفته و آن حضرت را به دروغ گویی متهم کردند .

يقوم إن كان کبر علیکم مقامی .. فإن تولیتم فما سألتکم من أجر ... فکذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱

۱ اشراف و سران قوم نوح ، پیامبری آن حضرت را انکار کرده و به توحید و برپایی قیامت کافر شدند .

فقال الملاً الذین کفروا من قومه

متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل توحید ، نبوت نوح و برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸-هود-۱۱-۳۶-۱

۱ گروهی از قوم نوح ، به

او ایمان آوردند و گروهی همچنان بر کفر و انکار رسالتش اصرار میورزیدند .

أَنه لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ ءَامَنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ برخی از افراد خانواده نوح (همسر و فرزندش) در زمره کافران و تکذیب کنندگان رسالت او بودند . *

و أَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ

<ال> در <القول> عهد ذکری و یا ذهنی است و اشاره به جمله <لَا تَخَاطَبُنِي فِي الدِّينِ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ/۳۷> دارد. بنابراین <إِلَّا مَنْ...> یعنی، مگر آن کس که از پیش به خاطر کفر و ظلمش، حکم غرق شدن را برای او مقدر ساخته ایم. مفسران بر آنند که مراد از <مَنْ سَبَقَ> همسر نوح به نام <واعله> و فرزندش به نام <یام> و یا <کنعان> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۲ - ۵

۵ - قوم نوح ، نخستین جامعه تکذیب کننده پیامبر خود

فَقَدْ كَذَّبْتَ قَبْلَهُمْ قَوْمَ نُوحٍ

ذکر قوم نوح پیش از سایر اقوام تکذیب کننده، بیانگر مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ - > عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ : دَعَا نُوحٌ (ع) قَوْمَهُ عَلَانِيَةً . . . فَأَمَّا وَلَدُ قَابِيلَ فَإِنَّهُمْ كَذَّبُوهُ وَقَالُوا : (مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ) . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نوح(ع) دعوت خود را در میان قوم خویش آشکارا بیان کرد؛ اما فرزندان قایل، نوح(ع) را تکذیب کردند

و گفتند < ما سمعنا بهذا في آباءنا الأولين > .. <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۹

۱۹ - < عن أبي جعفر (ع) قال : كانت شريعته نوح أن يعبد الله بالتوحيد . . . فلبث فيهم ألف سنة إلا خمسين عاماً يدعوهم سرّاً وعلانيه . . . فأوحى الله عزّوجلّ إليه : أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا تبتأس بما كانوا يفعلون > فلذلك قال نوح : < ولا يلدوا إلا فاجراً كفاراً > و أوحى الله إليه < أن اصنع الفلك > ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:.. شریعت نوح آن بود که خدا به یکتایی پرستش می شد... پس نوح(ع) در بین قوم خویش ۹۵۰ سال توقف کرد و آنها را آشکار و پنهان به خدا دعوت نمود... سپس خداوند عزّوجلّ به او وحی فرستاد: <أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا تبتأس بما كانوا يفعلون> و به همین خاطر نوح گفت: <ولا يلدوا إلا فاجراً كفاراً> و خداوند به نوح وحی کرد: <أن اصنع الفلك>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۷ - ۲

۲ قوم نوح ، رسالت و پیامبری نوح (ع) و دیگر پیامبران الهی پیش از او را تکذیب کردند .

كذبوا الرسل

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمع آمدن <رسل> به لحاظ مجموعه پیامبران الهی پیش از نوح(ع) باشد؛ که در این صورت الف و لام <الرسل> برای عهد خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۵ - ۱

۱ - تکذیب رسالت نوح (ع) از سوی قومش

کذبت قوم نوح المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱،۵

۱ - قوم نوح ، دین الهی و پیامبر خویش را تکذیب کردند .

کذبت قبلهم قوم نوح

۵ - قوم نوح ، نخستین جامعه تکذیب گر پیامبر خود

کذبت قبلهم قوم نوح

ذکر قوم نوح پیش از سایر اقوام تکذیب گر، بیانگر مطلب یاد شده است.

مکر علیه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۲ - ۱

۱ - استفاده صاحبان زر و زور از مکر و نیرنگی بس بزرگ ، علیه دعوت نوح (ع) و در جهت گمراه کردن مردم

من لم یزده ماله و ولده إلا خسارًا . و مکروا مکرا کبارًا

منشأ آگاهی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۷

۷ خداوند ، نوح (ع) را به پدید آمدن جامعه ها و امتیاهی کفرپیشه از نسل او و همراهانش آگاه ساخت .

و أمم ستمتعهم ثم يمسههم منا عذاب ألیم

کلمه <أمم> مبتدا و خبر آن محذوف می باشد؛ یعنی: ممن معك أمم ستمتعهم. جمله <یمسههم...> حکایت از آن دارد که مقصود از <أمم> در این بخش از آیه ، امتهای کافر هستند.

منشأ حکمت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۳

۳- حضرت نوح (ع) ، از جانب خداوند ، از علم ،

حکمت و منصب قضاوت برخوردار بود .

و لوطاً ءاتینه حکماً و علماً .. و نوحاً اذ نادى

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که عبارت <نوحاً> عطف بر <و لوطاً آتینه> باشد؛ یعنی، همان گونه که به لوط(ع) علم، حکمت و .. دادیم، به نوح(ع) نیز عطا کردیم. گفتنی است واژه <حکم> هم به معنای حکمت استعمال می شود و هم به معنای قضاوت (لسان العرب).

منشأ طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۶

۶ حادثه طوفان نوح ، عذابی برخاسته از فرمان خدا

لا عاصم الیوم من امر الله

مراد از <امر الله> همان حادثه طوفان و عذاب نازل شده بر قوم نوح است. تعبیر کردن از عذاب به <امر الله> بیانگر آن است که آن عذاب به امر و فرمان الهی ، تحقق یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۳

۳ حادثه طوفان نوح از جوشش آب های زیرزمینی و ریزش باران از آسمان ، ایجاد شد .

یأرض ابلعی ماء ک و یسماء أقلعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۵

۵ - طوفان نوح ، به امر و اراده الهی بود ، نه یک رخداد طبیعی

فإذا جاء أمرنا .. من کل زوجین اثنین

قصود از <أمرنا> فرا رسیدن عذاب طوفان است. <فار> مشتق از <فوران> و <تور> همان تور می باشد^۸. <سلوک>

(مصدر <اسلك>) به معنای ادخال و وارد کردن است. <زوجین> (مفعول <اسلك>) یعنی، دو رأس که هر یک جفت دیگری باشد (یک نر

و یک ماده). <اثنین> نیز تأکید <زوجین> است. با توجه به این که مضاف الیه <کلّ> محذوف است (<من کلّ حیوان>) معنا چنین می شود: پس هرگاه فرمان ما در رسید و آب از تنور فوران کرد، از هر حیوانی دو تا (یکی نر و یکی ماده) با خانواده ات به جز آن کسی که حکم عذاب، پیش از این بر او صادر شده است در کشتی وارد کن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۳

۳ - طوفان نوح و ثبت آن در تاریخ، تدبیری الهی برای معرفت و عبرت آدمیان

و لقد ترکنها آیه فهل من مدکر

در صورتی ضمیر <ترکناها>، مربوط به قصه نوح و طوفان باشد چنان که برخی برآنند به دست می آید که مقصود از آن، ثبت آن قصه در تاریخ می باشد که به وسیله وحی صورت گرفته است.

منشأ علم نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - > عن صالح بن میثم قال : قلت لأبی جعفر (ع) : ما کان علم نوح (ع) حین دعا قومه إنهم لایلدوا إلا فاجراً کفاراً فقال : أما سمعت قول الله لنوح : > إنه لن يؤمن من قومک إلا من قد آمن < ;

صالح بن میثم گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: نوح(ع) هنگامی که قوم خود را دعوت می کرد از کجا آگاه بود که اولاد آن قوم، غیر از بدکار و کافر به دنیا نمی آیند؟ امام فرمود: آیا

سخن خداوند را به نوح نشنیده ای که فرمود: (إِنَّه لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ) <.

منشأ قضاوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۳

۳- حضرت نوح (ع) ، از جانب خداوند ، از علم ، حکمت و منصب قضاوت برخوردار بود .

و لوطاً ءاتینہ حکماً و علماً .. و نوحاً إذ نادى

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که عبارت <نوحاً> عطف بر <و لوطاً آتیناه> باشد؛ یعنی، همان گونه که به لوط(ع) علم، حکمت و .. دادیم، به نوح(ع) نیز عطا کردیم. گفتنی است واژه <حکم> هم به معنای حکمت استعمال می شود و هم به معنای قضاوت (لسان العرب).

منشأ کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۱ - ۳

۳ - ساختن کشتی و نجات یافتن عده ای از قوم نوح به وسیله آن ، با هدایت و تدبیر الهی بود .

حملنکم فی الجاریه

نسبت داده شدن فعل <حملناکم> به خداوند، گویای مطلب یاد شده است. تصریح به این مطلب در آیات دیگر مؤید آن است (فأوحینا إلیه أن اصنع الفلک بأعیننا و وحینا...). (مؤمنون (۲۳) آیه ۲۷).

منشأ نجات پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۲

۲ - حمایت و لطف الهی ، عامل اصلی نجات نوح (ع) و مؤمنان به آن حضرت از مهلکه طوفان ؛ و نه صرفاً ابزار مادی (

کشتی) *

تجری بأعیننا

در صورتی که <بأعیننا> کنایه از نظارت،

حمایت و لطف الهی باشد، ذکر <تجری بأعیننا> پس از <حملناه علی ذات..> بیانگر این معناست که هر چند کشتی نوح از ابزار بایسته ای ساخته شده بود؛ اما این حمایت و نظارت لحظه به لحظه ما بود که در نهایت کارساز و نجات آفرین بود.

منشأ نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۴

۴ - نجات نوح (ع) و خاندان و همراهان او از شر ستمگران ، به اراده خداوند

فقل الحمد لله الذي نجنا من القوم الظلمين

منشأ نجات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۴

۴ - نجات نوح (ع) و خاندان و همراهان او از شر ستمگران ، به اراده خداوند

فقل الحمد لله الذي نجنا من القوم الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۲

۲ - نجات نوح (ع) و همراهانش ، به اراده خدا و در پی استمداد وی برای رهایی از شر کافران

و نَجِّنِي و من معي .. فَأُنَجِّينَهُ و من معه في الفلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - نجات یافتن نوح (ع) از طوفان ، به اراده الهی بود .

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

۲ - نقش عوامل و اسباب طبیعی ، در تحقق اراده الهی برای نجات نوح (ع)

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

تعبیر > و حملناه

علی ذات ألواح .. > بیانگر این معنا است که: > خداوند برای تحقق اراده خویش، عوامل طبیعی (کشتی) را به کار می گیرد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۲

۲ - حمایت و لطف الهی، عامل اصلی نجات نوح (ع) و مؤمنان به آن حضرت از مهلکه طوفان؛ و نه صرفاً ابزار مادی (کشتی) *

تجری بأعیننا

در صورتی که <بأعیننا> کنایه از نظارت، حمایت و لطف الهی باشد، ذکر <تجری بأعیننا> پس از <حملناه علی ذات..> بیانگر این معنا است که هر چند کشتی نوح از ابزار بایسته ای ساخته شده بود؛ اما این حمایت و نظارت لحظه به لحظه ما بود که در نهایت کارساز و نجات آفرین بود.

منشأ نجات همسفران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۴

۴ - نجات نوح (ع) و خاندان و همراهان او از شر ستمگران، به اراده خداوند

فقل الحمد لله الذي نجنا من القوم الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۲

۲ - نجات نوح (ع) و همراهانش، به اراده خدا و در پی استمداد وی برای رهایی از شر کافران

و نجني و من معي .. فأنجينه و من معه في الفلك

موضعگیری مردم دوران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۶۱ - ۵

۵ مردمان عصر نوح (ع) پیرو اشراف

و بزرگان قوم خویش و تحت تأثیر موضعگیری های آنان بودند .

قال المأ . . . قال يقوم

موعظه به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ پرهیز از عمل جاهلانه ، پند و موعظه خداوند به حضرت نوح (ع)

إني أعظك أن تكون من الجاهلین

<موعظه> به معنای پنددادن و نصیحت کردن است. چنان چه متعلق آن رفتار و اخلاق پسندیده باشد ، مفاد آن ترغیب به انجام دادن است و اگر متعلق آن رفتار و اخلاق ناپسند باشد ، مفاد آن توصیه به انجام ندادن است.

مؤمنان به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۹

۹- خاندان نوح از مؤمنان به رسالت نوح (ع) و بهره مند از لطف ویژه خداوند

فنجینه و أهله من الكرب العظيم

نجات خاندان نوح(ع)، بیانگر عنایت ویژه خداوند به ایشان و نیز حاکی از ایمان آنان به رسالت نوح(ع) است زیرا اگر آنان مانند قوم نوح کافر بودند، نجات نمی یافتند. گفتنی است آیه بعد (و نصرناه من القوم الذین کذبوا...) مؤید همین نکته است.

مؤمنان به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۴

۴ مؤمنان به رسالت نوح (ع) ، همراه و همسفر او در کشتی

فانجینه و الذین معه فی الفلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۸

۸ - نوح (ع) ، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی

، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا .. فاسلك فيها من كل زوجين اثنين و أهلك إلا من سبق عليه القول

مهربانی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۱ - ۱

۱ نوح با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشان را از هر گونه گمراهی میرا دانست .

قال يقوم ليس بي ضلله

مخاطب قرار دادن مردم با <یا قوم> (ای مردم من) دلالت بر اظهار مهربانی نوح نسبت به قوم خود دارد. نکره بودن کلمه <ضلله> پس از نفی دلالت بر عموم دارد. بنابراین <لیس بی ضلله> یعنی حتی اندکی گمراهی در من نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۲

۲ برخورد حضرت نوح (ع) با قومش برخورداری عاطفی ، ترحم آمیز و مشفقانه بود .

إذ قال لقومه يقوم

از اینکه حضرت نوح به جای الفاظی مانند <ای مشرکان> ، <ای مردم> و <ای ..> فرمود: <ای قوم من> برداشت فوق استفاده می شود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ نوح (ع) ، پیامبری دلسوز برای مردم و نگران آینده ای ناگوار برای مشرکان و کافران قوم خویش بود .

إني أخاف عليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۷

۷. برخورد حضرت نوح (ع) با سران و اشراف کافر، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود.

يقوم أريتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من!) حکایت از

شفقت و ترحم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۸

۸ نوح (ع) پیامبری خیرخواه و دلسوز مردم

لا ینفعکم نصحی إن أردت أن أنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۷

۷ - نوح (ع) ، پیامبری مهربان و دلسوز مردم

فقال یقوم

<یا قوم> (ای قوم من)، خطابى مهرآمیز و از سر دلسوزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲ - ۱

۱ - برخوردار حضرت نوح (ع) با قومش ، برخوردارى مشفقانه و ترحم آمیز بود .

قال یقوم

حضرت نوح(ع) به جای الفاضلى مانند <ای مشرکان> ، <ای مردم> و <ای..> فرمود: <ای قوم من>. از این نکته می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

مهمترین دعوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۴۸،۱۳

۴ دعوت به پرستش خدای یگانه ، در رأس برنامه تبلیغی نوح (ع)

فقال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

۸ مبارزه با شرک و دعوت به توحید ، مهمترین رسالت نوح

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

۱۳ هشدار به روز قیامت و عذاب هول انگیز آن ، از رسالت های اساسی نوح (ع)

إني أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۵

۵ - دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه ، نخستین و مهم ترین سخن

نوح (ع) با قوم خویش

فقال يقوم اعبدوا الله .. أفلا تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۳ - ۲

۲ - توحید و خداپرستی ، اولین و مهم ترین دعوت حضرت نوح (ع)

أن اعبدوا الله و اتقوه و اطيعون

برداشت یاد شده، از تقدم ذکری <اعبدوا الله> به دست می آید.

مهمترین رسالت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۶ - ۵

۵ - دعوت به تقوا ، محور تبلیغات و هدایت گری نوح (ع)

إذ قال لهم أخوهم نوح ألا تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۰ - ۴

۴ - دعوت به تقوا و پیروی از حق ، محور تبلیغ و هدایت گری نوح (ع)

ألا تتقون .. فاتقوا الله و اطيعون ... فاتقوا الله و اطيعون

میخهای کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۳،۴

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان

او از بحرانی ترین شرایط می شود.

۴ - کشتی نوح ، دارای شکلی ابتدایی و تشکیل شده از مشتی تخته و میخ *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

از تعبیر <ذات ألواح و دسر> نوعی کوچک نمایی و ناچیزشماری کشتی حضرت نوح استفاده می شود. این گفتار درصدد تبیین این جهت است که اگر نوح(ع) نجات یافت، با حمایت و لطف خداوند بود نه در پرتو استحکام کشتی او؛ زیرا این کشتی تاب مقاومت در برابر آن طوفان سهمگین را نداشت.

ناخدای کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- خداوند ، ناخدای کشتی نوح و هدایت کننده آن به مقصد بود .

و مَمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۷

۷- خدا ، ناخدای حقیقی کشتی نوح

و قُلْ رَبِّ أَنْزَلْنِي مَنزَلًا مَبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزَلِينَ

این که نوح(ع) می خواند: <خدایا! مرا در جایی پر خیر و برکت فرود آور>، می رساند که در واقع سکاندار آن کشتی خدا بوده است.

ناظر کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۳

۳- نوح (ع) ، مأمور ساختن کشتی تحت نظارت و هدایت خداوند

أن اصنع الفلك بأعيننا ووحينا

نبوت در نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۷ - ۴

۴ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > و جعلنا ذرّيته هم الباقيين

< يقول : بالحقّ و النبؤه و الكتاب و الإيمان فى عقبه ، و ليس كلّ من فى الأرض من بنى آدم من ولد نوح (ع) . . . >

از امام باقر(ع) [در باره سخن خداوند که می فرماید:] <و جعلنا ذریته هم الباقین > روایت شده است: خدا می فرماید: ذریه او را با حق و نبوت و کتاب و ایمان باقی قرار دادیم و آن طور نیست که تمام فرزندان آدم که در روی زمین زندگی می کنند از فرزندان نوح(ع) باشند. . . >.

نبوت نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۳،۴

۳ - تداوم یافتن بعثت پیامبران ، در نسل های پس از نوح و ابراهیم (ع)

و جعلنا فى ذریتهما النبؤه

۴ - پیامبران مبعوث شده پس از نوح (ع) از ذریه حضرت نوح و پیامبران مبعوث شده پس از ابراهیم (ع) از ذریه حضرت ابراهیم (ع) بودند .

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم و جعلنا فى ذریتهما النبؤه

نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۲،۴

۲ خداوند نوح (ع) را به پیامبری برانگیخت و به وی وحی کرد .

كما أوحینا إلی نوح

۴ ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحینا إلی إبرهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون (ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱

۱ نوح (ع)، از رسولان الهی است .

لقد أرسلنا نوحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۱ - ۲

۲ نوح (ع)، رسولی از جانب خداوند بود .

و لکنی رسول من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱،۵

۱ نوح (ع)، پیامبری از جانب خداوند و حامل رسالت های متعدد

أبلغکم رسلت ربی

۵ نوح (ع)، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و أنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۷

۷ پیامبری نوح (ع) و معارف ارائه شده از سوی وی ، از آیات خداوند

فکذبوه .. و أغرقنا الذین کذبوا بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۱

۱ خداوند ، موسی (ع) را پس از نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد .

ثم بعثنا من بعدهم موسی

مراد از ضمیر در <من بعدهم> پیامبرانی است که داستان‌شان در

آیات پیشین مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۳

۳ حضرت نوح (ع) خود را فرستاده خداوند دانسته و اجر و مزد خود را نیز تنها بر عهده او اعلام کرد .

إِنَّ كَانِ كَبْرَ عَلَيكُمْ مَقَامِي وَ تَذَكِيرِي بِأَيْتِ اللَّهِ .. فَإِنَّ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۵ - ۱

۱ نوح (ع) ، از پیامبران و رسولان الهی است .

و لقد أرسلنا نوحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۵

۵ خداوند ، نوح (ع) را از رحمت ویژه خویش بهره مند ساخت و به مقام نبوت رسانید .

ءاتنی رحمه من عنده

مقصود از <رحمه> ، به مناسبت مورد، مقام نبوت و پیامبری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۲ - ۴

۴ - نوح ، هود و صالح (ع) ، از پیامبران الهی

فقد كَذَّبَتْ قَوْمَ نُوحٍ وَ عَادَ وَ ثَمُودَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۱

۱- نوح (ع)، از رسولان الهی بود.

و لقد أرسلنا نوحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۶ - ۱

۱- نوح (ع)، پیامبری از نژاد قوم خویش و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم نوح

قید <أخوهم> هم می

تواند بیانگر پیوند خویشاوندی نوح(ع) با قومش باشد و هم تعبیر کنایی از اشفاق و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۹ - ۲

۲- نوح (ع) ، پیامبری برجسته در سلسله پیامبران الهی و دارای مقام رفیع در پیشگاه خداوند

سلم علی نوح فی العلمین

برداشت یاد شده از قید <فی العالمین> برای سلام به دست می آید؛ زیرا در این سوره خداوند سلام و تحیت خود را نسبت به چند پیامبر بزرگ (همچون ابراهیم، موسی و هارون علیهم السلام) نقل فرموده، ولی بدون این قید آورده است؛ مانند: آیه ۱۰۹ (سلام علی ابراهیم) و آیه ۱۲۰ (سلام علی موسی و هارون).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۲۰

۲۰- <سماعه بن مهران قال : قلت لأبی عبدالله (ع) قول الله عزوجل > فاصبر كما صبر أولوالعزم من الرسل < فقال : نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد (ص) ... >

سماعه بن مهران می گوید: از امام صادق(ع) درباره آیه <فاصبر كما صبر أولوالعزم من الرسل> سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (ع) و محمد(ص) هستند. <..>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۱

۱ - نوح و ابراهیم (ع) ، از رسولان الهی

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱ - ۱

حضرت نوح (ع) ، از رسولان الهی

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا

نجات از طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۴۶

۴ اتکا به مغفرت و رحمت خدا برای نجات از حادثه طوفان ، توصیه نوح (ع) به پیروان خویش

قال اركبوا فيها .. إن ربی لغفور رحیم

نوح(ع) با یادآوری مغفرت و رحمت الهی ، پس از فرمانش مبنی بر سوار شدن به کشتی ، درصدد بیان این حقیقت بود که کشتی تنها یک وسیله است و آنچه تأمین کننده نجات می باشد شمول مغفرت و رحمت الهی است.

۶ نجات پیروان نوح از حادثه طوفان ، پرتوی از مغفرت و رحمت الهی بود .

قال اركبوا فيها .. إن ربی لغفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۵۸

۲ فرزند نوح ، مأوا گرفتن در کوه را مایه نجات از حادثه طوفان می پنداشت .

قال سأوی إلی جبل یعصمنی من الماء

<أوی> (مصدر آوی) به معنای رجوع کردن و منضم شدن و جای گرفتن است و <عصمه> (مصدر یعصم) به معنای منع کردن و بازداشتن است. بنابراین <سأوی...> یعنی ، به زودی به کوهی می روم که مرا از [خطر] این آب باز دارد.

۵ هیچ چیز و هیچ کس ، جز خداوند رحمان ، توانا بر نجات افراد از حادثه طوفان نوح نبود .

قال لاعاصم الیوم من أمر الله إلا من رحم

ظاهر جمله <لاعاصم...> این است که <من رحم> استثنا از <لاعاصم> باشد. در این صورت باید گفت: مراد از <من

رحم < رحم کننده ، یعنی خداوند است نه کسی که مورد رحمت قرار می گیرد > یعنی: لا عاصم ... الا الراحم و هو الله.

۸ نجات یافتن از حوادثی چون طوفان نوح (عذاب های الهی) ، جز در سایه رحمت الهی ، امکان پذیر نیست .

لا عاصم الیوم من امر الله إلا من رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ نجات فرزند فسادپیشه نوح از حادثه طوفان ، امری خلاف حکمت و مصلحت در نزد خداوند

فلاتسئلن ما لیس لک به علم

<به > متعلق به <علم > است و مراد از آن <بمصلحته و حکمته و صوابه > می باشد. بنابراین <فلاتسئلن ما لیس ... > ; یعنی ، درخواستی را که نمی دانی درست است و یا مطابق مصلحت و حکمت است ، از من نخواه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۲

۲ - نوح (ع) و خاندانش ، به لطف الهی از عذاب طوفان نجات یافتند .

و نجینه و أهله من الكرب العظيم

مقصود از <اندوه بزرگ > یا طوفان است و یا اذیت و آزار مردم کافر. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۷ - ۲

۲ - نسل نوح (ع) ، تنها نسل باقی مانده از میان نجات یافتگان از عذاب طوفان برای همیشه تاریخ

و جعلنا ذرّیته هم الباقین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که حصر استفاد از ضمیر فصل <هم > ، حصر اضافی باشد و در مقایسه

با افراد موجود در کشتی سنجیده شود که برخی از خاندان نوح(ع) و برخی از دیگر مردمان بودند که به آن حضرت ایمان آورده بودند، یعنی، نسل مردم کافر طوفان زده و نیز نسل مردم مؤمن نجات یافته بر عرشه کشتی، همگی قطع شده و تنها نسل نوح(ع) باقی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۱،۳

۱ - نجات یافتن نوح (ع) از طوفان ، به اراده الهی بود .

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

نجات پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۷،۹،۱۰

۷ نوح (ع) به حکیمانه نبودن نجات فرزند فسادپیشه اش ، از حادثه طوفان آگاه نبود .

فلاتسئلن ما لیس لك به علم

۹ خداوند ، نوح (ع) را از درخواست نجات فرزندش ، برحذر داشت .

فلاتسئلن ما لیس لك به علم

چون مفعول دوم <فلاتسئلن> یعنی، <ما لیس ..>

بدون حرف <عن> آمده است، مقصود از سؤال، درخواست و مطالبه است نه پرسش و جستوجو. بنابراین <فلاتسئلن>؛ یعنی، از من مخواه و درخواست نکن مصداق مورد نظر برای <مالیس...> نجات فرزند نوح می باشد.

۱۰ نجات فرزند فسادپیشه نوح از حادثه طوفان ، امری خلاف حکمت و مصلحت در نزد خداوند

فلاتسئلن ما لیس لك به علم

<به> متعلق به <علم> است و مراد از آن <بمصلحته و حکمته و صوابه> می باشد. بنابراین <فلاتسئلن ما لیس...>؛ یعنی ، درخواستی را که نمی دانی درست است و یا مطابق مصلحت و حکمت است ، از من مخواه.

نجات پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۶

۶ نجات پیروان نوح از حادثه طوفان ، پرتوی از مغفرت و رحمت الهی بود .

قال اركبوا فيها .. إن ربی لغفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۶۸

۶ - واقعه طوفان و هلاکت قوم نوح و نجات آن حضرت و مؤمنان به وی ، از آن حادثه ، درس عبرتی بزرگ برای انسان هااست .

فأخذهم الطوفان .. فأنجینه و أصحاب السفینه و جعلنها آیه للعلمین

مرجع ضمیر <ها> می تواند <سفینه> و یا <واقعه طوفان> باشد. برداشت بالا، بنا بر احتمال دوم است. گفتنی است، <آیه> به معنای <عبرت> است و نکره آمدن اش، دلالت بر تفخیم می کند.

۸ - نجات نوح (ع) و اصحاب کشتی وی و باقی ماندن کشتی ، به عنوان آیه الهی برای مردم ، به دست خداوند بود

فأنجينه و أصحاب السفينه و جعلنها آيه للعلمين

نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۳، ۱۱

۱۱ نوح (ع) از ناحیه خداوند به نجات خانواده خویش و سوار کردن آنان به کشتی موظف شد .

قلنا احمل فيها .. أهلك

کلمه <أهل> در <أهلك> عطف بر <زوجین> و در حقیقت مفعول برای <احمل> است.

۱۳ خداوند ، نوح (ع) را از سوار کردن کفرپیشگان خانواده اش بر کشتی نجات ، منع کرد .

احمل فيها .. أهلك إلا من سبق عليه القول

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۳

۱۳ اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و ...) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع) .

إنه ليس من أهلك إنه عمل غير صالح

تصریح خداوند به این که <هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است> ، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده ؛ بلکه منزه بودنشان از اعمال ناشایست ، مایه نجاتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۷

۷- خداوند ، نوح (ع) و خاندانش را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فنجينه و أهله من الكرب العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷۶ - ۱۰۲

۱ - نوح

(ع) و خاندانش ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نَجِينَهُ و أهله من الكرب العظيم

۲- نوح (ع) و خاندانش ، به لطف الهی از عذاب طوفان نجات یافتند .

و نَجِينَهُ و أهله من الكرب العظيم

مقصود از <اندوه بزرگ> یا طوفان است و یا اذیت و آزار مردم کافر. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

نجات فرزندان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۲

۲- سوار شدن فرزندان نوح (ع) و همراهان مؤمن او بر کشتی و نجات آنان از غرق شدن ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و آیه لهم أَنَا حملنا ذرِّيَّتَهُمْ فِي الفلک المشحون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که ضمیر <لهم> و <ذَرِّيَّتَهُمْ> به <عباد> بازگردد (البته به اعتبار این که عباد از بشر می باشند). و نیز مقصود از <فلک مشحون> کشتی حضرت نوح(ع) باشد که در آیه ۱۱۹ سوره <شعراء> به همین تعبیر آمده است (فأنجیناه و من معه فی الفلک المشحون). بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <آیه لهم أَنَا حملنا ذرِّيَّات البشر فی سفینه نوح>.

نجات مؤمنان به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۱

۱- استجاب دعای نوح (ع) از سوی خداوند ، درباره عذاب قوم کافر او و نجات همراهان مؤمنش

و نَجْنِي و من معي .. فأنجیناه و من معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- نجات نوح (ع) و پیروانش و هلاکت کفرپیشگان قوم وی ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

<ذلک> به جریان نجات نوح(ع) و پیروان وی و نیز هلاکت قوم کفرپیشه وی اشاره دارد. <آیه> در این جا مرادف <عبره> می باشد و نکره آمدن آن بیانگر عظمت آن است.

نجات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۶۴ - ۳

۳ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را به وسیله کشتی از غرق شدن رهایی بخشید .

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۳

۳ خداوند ، حضرت نوح (ع) و تمام کسانی را که با او در کشتی بودند ، از غرق شدن نجات داد .

فَنَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۵،۷

۵- دعای حضرت نوح (ع) برای نجات از دست قومش ، مستجاب شد .

و نوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلِ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ

۷- خداوند ، نوح (ع) و خاندانش را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۱

۱- خداوند ، حضرت نوح (ع) را

از گزند تکذیب کنندگان آیات الهی نجات داد و از او کاملاً حمایت کرد .

و نصرته من القوم الذین کذبوا بآیتنا

واژه <نصر> هر گاه با <من> متعدی شود، متضمن معنای نجات و خلاصی است (برگرفته از <قاموس المحيط>).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۰ - ۱

۱ - غرق شدن و هلاکت قوم نوح ، پس از نجات وی و همراهانش

ثم أغرقنا بعد الباقین

<إغراق> (مصدر <أغرقنا>) به معنای غرق کردن است. مضاف الیه <بعد> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <بعد نجات نوح و من معه>. <الباقیین> جمع همراه با <ال> جنس و مفید استغراق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۱

۱ - نجات نوح (ع) و پیروانش و هلاکت کفرپیشگان قوم وی ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إن فی ذلک لآیه و ما کان اکثرهم مؤمنین

<ذلک> به جریان نجات نوح(ع) و پیروان وی و نیز هلاکت قوم کفرپیشه وی اشاره دارد. <آیه> در این جا مرادف <عبره> می باشد و نکره آمدن آن بیانگر عظمت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۱،۶،۸

۱ - خداوند ، نوح (ع) و اصحاب کشتی او را ، از غرق شدن در طوفان ، نجات داد .

فأخذهم الطوفان .. فأنجینه و أصحاب السفینة

۶ - واقعه طوفان و هلاکت قوم نوح و نجات آن حضرت و مؤمنان به وی ، از آن حادثه ، درس عبرتی بزرگ برای انسان هاست .

.. فأنجینه و أصحاب السفینه و جعلنها آیه للعلمین

مرجع ضمیر <ها> می تواند <سفینه> و یا <واقعه طوفان> باشد. برداشت بالا، بنا بر احتمال دوم است. گفتنی است، <آیه> به معنای <عبرت> است و نکره آمدن اش، دلالت بر تفخیم می کند.

۸- نجات نوح (ع) و اصحاب کشتی وی و باقی ماندن کشتی، به عنوان آیه الهی برای مردم، به دست خداوند بود.

فأنجینه و أصحاب السفینه و جعلنها آیه للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۲

۲- سوار شدن فرزندان نوح (ع) و همراهان مؤمن او بر کشتی و نجات آنان از غرق شدن، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است.

و آیه لهم أنا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که ضمیر <لهم> و <ذریتهم> به <عباد> بازگردد (البته به اعتبار این که عباد از بشر می باشند). و نیز مقصود از <فلک مشحون> کشتی حضرت نوح(ع) باشد که در آیه ۱۱۹ سوره <شعراء> به همین تعبیر آمده است (فأنجیناه و من معه فی الفلک المشحون). بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <آیه لهم أنا حملنا ذریات البشر فی سفینه نوح>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۱،۲

۱- نوح (ع) و خاندانش، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند.

و نَجینه و أهله من الكرب العظیم

۲- نوح (ع) و خاندانش، به لطف الهی از

عذاب طوفان نجات یافتند .

و نَجِّينَهُ و أهله من الكرب العظيم

مقصود از <اندوه بزرگ> یا طوفان است و یا اذیت و آزار مردم کافر. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

نجات همسفران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۳

۳ خداوند ، حضرت نوح (ع) و تمام کسانی را که با او در کشتی بودند ، از غرق شدن نجات داد .

فَنَجِّينَهُ و من معه فی الفلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۰ - ۱

۱ - غرق شدن و هلاکت قوم نوح ، پس از نجات وی و همراهانش

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ

<إغراق> (مصدر <أغرقنا>) به معنای غرق کردن است. مضاف الیه <بعد> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <بعد نجات نوح و من معه> . <الْبَاقِينَ> جمع همراه با <ال>

جنس و مفید استغراق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۱

۱ - خداوند ، نوح (ع) و اصحاب کشتی او را ، از غرق شدن در طوفان ، نجات داد .

فأخذهم الطوفان .. فأنجيناه وأصحاب السفينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۲

۲ - سوار شدن فرزندان نوح (ع) و همراهان مؤمن او بر کشتی و نجات آنان از غرق شدن ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و آیه لهم أنا حملنا ذرّيتهم في الفلك المشحون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که ضمیر <لهم> و <ذرّيتهم> به <عباد> باز گردد (البته به اعتبار این که عباد از بشر می باشند). و نیز مقصود از <فلك مشحون> کشتی حضرت نوح(ع) باشد که در آیه ۱۱۹ سوره <شعراء> به همین تعبیر آمده است (فأنجيناها و من معه في الفلك المشحون). بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <آیه لهم أنا حملنا ذرّيات البشر في سفينه نوح>.

نزاع نوح(ع) با قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۱

۱ - نوح (ع) خواستار داوری و فیصله دادن به نزاع میان خود و قوم تکذیب گرش از درگاه خداوند

قال ربّ إنّ قومی کذّبون .. فافتح بینی و بینهم فتْحًا

<فتح> (مصدر <افتح>) معادل <فُتِحَ> و به معنای حکم کردن و فیصله دادن است.

نژاد نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱ - نوح (ع) ، پیامبری از نژاد قوم خویش و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم نوح

قید <أخوهم> هم می تواند بیانگر پیوند خویشاوندی نوح(ع) با قومش باشد و هم تعبیر کنایی از اشفاق و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان.

نسب پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - > عن أبي عبد الله (ع) قال دعا نوح (ع) قومه علانيه فلما سمع عقب هبه الله من نوح تصديق ما في أيديهم من العلم صدقوه ، فأما ولد قاييل فإنهم كذبوه . . . > قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأردلون < يعنون عقب هبه الله ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: نوح(ع) قوم خود را آشکارا دعوت کرد و هنگامی که فرزندان هبه الله (پسر آدم(ع)) تصدیق علومی را که در دست آنها بود از نوح شنیدند، وی را تصدیق نمودند؛ اما فرزندان قایل، نوح را تکذیب کردند و گفتند: <أنؤمن لك و اتبعك الأردلون> مقصود آنان فرزندان هبه الله بود.

نسب مکذبان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - > عن أبي عبد الله (ع) قال دعا نوح (ع) قومه علانيه فلما سمع عقب هبه الله من نوح تصديق ما في أيديهم من العلم صدقوه ، فأما ولد قاييل فإنهم كذبوه . . . > قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأردلون < يعنون عقب هبه الله ؛

از امام

صادق(ع) روایت شده که فرمود: نوح(ع) قوم خود را آشکارا دعوت کرد و هنگامی که فرزندان هبه الله (پسر آدم(ع)) تصدیق علمی را که در دست آنها بود از نوح شنیدند، وی را تصدیق نمودند؛ اما فرزندان قابیل، نوح را تکذیب کردند و گفتند: <أنومن لك و اتبعك الأردلون> مقصود آنان فرزندان هبه الله بود.

نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۴ - ۱

۱ آدم، نوح، خاندان ابراهیم و خاندان عمران از نسل و نژادی واحد

ان الله اصطفى... ذریه بعضها من بعض

برداشت فوق را روایت امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: الذین اصطفاهم الله، بعضهم من نسل بعض.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۳۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۷

۷ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندان از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا... و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت <نوحا> مرجع ضمیر در <ذریته> است: <نوحا> نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۲

۲ زکریا، یحیی و الیاس از نوادگان نوح(ع) بودند.

و من ذريته . . . و زكريا و يحيى و عيسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۱

۱ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط، از ذریه نوح(ع) بودند.

و نوحا هدینا من قبل و من ذریته . . . و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۱۱

۱۱- > عن أبی جعفر (ع) : . . . و لیس کلّ من فی الأرض من بنی آدم من ولد نوح قال الله فی کتابه : > . . . ذریه من حملنا مع نوح < ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . چنان نیست که تمام آدمیان روی زمین از فرزندان نوح باشند. خداوند در کتابش فرمود: ... ذریه من حملنا مع نوح <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۵

۵ - اقوام دارای پیامبر ، پس از نوح (ع) از نسل حضرت نوح و پس از ابراهیم (ع) از نسل حضرت ابراهیم بودند .

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم و جعلنا فی ذرّیتهما النبوه

نسل همسفران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۱،۴

۱- بنی اسرائیل ، از ذریه و نسل همراهان نوح (ع) در کشتی بودند .

هدی لبنی إسرائیل . . . ذریه من حملنا مع نوح

۴- انتساب بنی اسرائیل به همراهان نوح (ع) ، موجب شایستگی آنان به عنایت خدا برای هدایتشان گردید .

وَأَتَيْنَا مُوسَى . . ذُرِّيَّةَ

من حملنا مع نوح

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که نصب <ذریه> به تقدیر فعل <اخص> و مجموع جمله <ذریه من حملنا..> در مقام تعلیل برای آیه قبل (و آتینا موسی...) باشد یعنی، ما با نزول تورات، خواستار هدایت بنی اسرائیل بودیم چون آنان از فرزندان همراهان حضرت نوح(ع) بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۳

۳- نسل همراهان نوح در کشتی نجات، پیامبری بزرگ، چون ابراهیم (ع) را در خود پروراند.

من النبیین .. من حملنا مع نوح

مراد از <من حملنا مع نوح> به قرینه قبل و بعد آن <ذریه من حملنا..> است. بین انبیای ذکر شده در آیات قبل، تنها ابراهیم(ع) است که غیر از <ذریه آدم> با عنوان <نسل همراهان نوح> شناسایی شده است.

نشانه های طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۵،۶

۵ جوشش آب از تنور، علامت و سرآغازی برای حادثه طوفان نوح بود.

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قَلْنَا احْمِلْ

۶ بردن انواع حیوانات به کشتی و نجات دادن آنها از غرق شدن، از وظایف نوح (ع) پس از پیدایش نشانه طوفان (فوران آب از تنور)

قَلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ

نعمت بقای نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۷ - ۳

۳- بقای نسل نوح (ع) برای همیشه تاریخ ، از نعمت ها و الطاف ویژه الهی به ایشان

و

جعلنا ذرّيته هم الباقيين

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

نعمت نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۴

۴ - بعثت نوح (ع) ، نعمت الهی برای قومش

لمن كان كفر

از اینکه تکذیب نوح(ع) از سوی قومش کفران خوانده شده برداشت بالا استفاده می شود.

نعمت نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۹

۹ - نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لقد نادينا نوح . . . و نَجِّيناهُ و أهله من الكرب العظيم

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

نعمت نجات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۹

۹ - نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لقد نادينا نوح . . . و نَجِّيناهُ و أهله من الكرب العظيم

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

نعمتهای پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۲

۲ خداوند ، نوح (ع)

و همراهانش را ، به تأمین سلامتی و نزول نعمت های پرخیر و برکت نوید داد .

قیل ینوح اهبط بسلم منا و برکت علیک

هر چند نوح(ع) مورد خطاب است و فرمان و اجازه فرود متوجه اوست، ولی به قرینه مقام می توان گفت: خطاب <اهبط .
>.. متوجه همراهان آن حضرت نیز می باشد و <باء> در <بسلام> برای مصاحبت است. بنابراین آیه شریفه چنین معنا می
شود: <یا نوح اهبط أنت و من معک ... تو و پیروانت فرود آید در حالی که همراه و قرین سلامت، امنیت و برکت خواهید
بود.>

نعمتهای نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۲

۲ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را ، به تأمین سلامتی و نزول نعمت های پرخیر و برکت نوید داد .

قیل ینوح اهبط بسلم منا و برکت علیک

هر چند نوح(ع) مورد خطاب است و فرمان و اجازه فرود متوجه اوست، ولی به قرینه مقام می توان گفت: خطاب <اهبط .
>.. متوجه همراهان آن حضرت نیز می باشد و <باء> در <بسلام> برای مصاحبت است. بنابراین آیه شریفه چنین معنا می
شود: <یا نوح اهبط أنت و من معک ... تو و پیروانت فرود آید در حالی که همراه و قرین سلامت، امنیت و برکت خواهید
بود.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۷ - ۳

۳ - بقای نسل نوح (ع) برای همیشه تاریخ ، از نعمت ها و الطاف ویژه الهی به ایشان

و جعلنا ذرّیّته هم الباقین

برداشت یاد شده از

آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷۸ - ۲

۲ - باقی ماندن نام و آوازه نوح (ع) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

نفاق همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۲،۸

۲ - همسران نوح و لوط پیامبر ، نمونه بارز و مثال زدنی ، برای جریان کفر و نفاق اند .

جهد الکفار و المنفقین . .. ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و ...

نفرین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۵

۵ - نوح (ع) ، خواستار نزول عذاب بر کافران و نجات خود و مؤمنان از آن عذاب

فافتح بینی . . . و نجنی و من معی من المؤمنین

سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۵ - ۳

۳ - نوح (ع) ، علیه قوم خود به درگاه الهی نفرین کرده ، یاری طلبید .

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون

آیه بعد در پاسخ به ندای نوح(ع)، مسأله نجات آن حضرت و خاندانش را از عذاب الهی مطرح می کند. از این مطلب به دست می آید که آنچه آن حضرت از خدا خواسته است، نفرینی بود علیه قوم خود. آیه ۲۶ سوره <مؤمنون> (قال رب انصرنی بما کذبون) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۶،۷

۶ - نوح (ع) ، خواهان انتقام الهی از قوم حق ستیز خویش

أنی مغلوب فانتصر

مفسران <فانتصر> را به معنای <فانتقم> دانسته اند.

۷ - > عن أبي جعفر (ع) . . . قال : . . . فلبث فيهم نوح ألف سنة إلا خمسين عاماً يدعوهم سرّاً و علانیه فلما أبوا و عتوا قال > ربّ أئی مغلوب فانتصر < ;

از امام باقر(ع) روایت شده که . . . فرمود: ... نوح(ع) در میان قوم خود هزار سال پنجاه سال کم توقف نمود و قومش را در نهمان و آشکار [به توحید] دعوت کرد. پس چون آنان ابا کرده و سرکشی نمودند، گفت: پروردگارا! من مغلوب هستم، انتقام مرا [از این قوم طغیان گر] بگیر.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۱

۱ - درخواست نوح (ع) از درگاه پروردگار مبنی بر نابودی تمامی کافران و مشرکان

حق ناپذیر عصر خود و قطع نسل آنان

و قال نوح رب لا تذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

واژه <ديار>، همواره پس از نفی قرار می گیرد و شامل همه انسان ها می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - > عن صالح بن میثم قال : قلت لأبي جعفر (ع) : ما كان علم نوح (ع) حين دعا قومه إنهم لا يلدوا إلا فاجراً كفاراً فقال : أما سمعت قول الله لنوح : > إنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن < ;

صالح بن میثم گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: نوح(ع) هنگامی که قوم خود را دعوت می کرد از کجا آگاه بود که اولاد آن قوم، غیر از بدکار و کافر به دنیا نمی آیند؟ امام فرمود: آیا سخن خداوند را به نوح نشنیده ای که فرمود: (إنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن).<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ - درخواست نوح (ع) از درگاه الهی ، مبنی بر افزودن هلاکت و بدبختی ستمگران حق ناپذیر

و لاتزد الظلمین إلا تبارًا

>تبار<، به معنای هلاکت و نابودی است.

نقش اجتماعی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۷

۷ - نقش بارز و محوری نوح (ع) ، در مدیریت نظام مادی و معنوی مؤمنان قوم خویش

اصنع الفلك .. فاسلك فيها... فإذا استويت ... فقل الحمد لله

برداشت فوق، با توجه به این

نکته است که: در جریان ساختن کشتی و سوار شدن و استقرار در آن، تنها حضرت نوح(ع) مورد خطاب الهی است و قوم او طفیلی اویند.

نقش کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۲

۲ - حمایت و لطف الهی ، عامل اصلی نجات نوح (ع) و مؤمنان به آن حضرت از مهلکه طوفان ؛ و نه صرفاً ابزار مادی (کشتی) *

تجری بأعیننا

در صورتی که <بأعیننا> کنایه از نظارت، حمایت و لطف الهی باشد، ذکر <تجری بأعیننا> پس از <حملناه علی ذات..> بیانگر این معنا است که هر چند کشتی نوح از ابزار بایسته ای ساخته شده بود؛ اما این حمایت و نظارت لحظه به لحظه ما بود که در نهایت کارساز و نجات آفرین بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - نجات یافتن عده ای از قوم نوح به وسیله کشتی از هلاکت و غرق شدن

حملنکم فی الجاریه

نقش نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۷

۷ نوح (ع) ، واسطه شمول مغفرت و رحمت خداوند بر مؤمنان و پیروان او

إن ربی لغفور رحیم

به دلیل <ارکبوا> که خطاب به پیروان نوح است، متعلق <غفور> و <رحیم> نیز پیروان آن حضرت می باشد یعنی: إن ربی لغفور لکم رحیم بکم. (خداوند آمرزنده شما و نازل کننده رحمت بر شماست). لازمه این سخن آن بود که نوح می فرمود: <ربکم> (پرورگار شما) نه <ربی>. این جابه جایی بیانگر این نکته است که: خداوند به واسطه نوع(ع)، مغفرت و رحمت خویش را به پیروان او می گستراند.

نگرانی پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۵

۵ پیروان نوح ، به هنگام سوارشدن بر کشتی نجات ، نگران گناهان و تخلفات خویش بودند .

قال ارکبوا فیها .. إن ربی لغفور رحیم

نگرانی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۸

۱۸ نوح ، نگران مبتلا شدن قومش به کیفر دنیوی (طوفان) بر اثر شرکورزی و ترک پرستش خداوند

إني أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

بر اساس این احتمال که مراد از <یوم عظیم> زمان طوفان نوح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ نوح (ع)

، پیامبری دلسوز برای مردم و نگران آینده ای ناگوار برای مشرکان و کافران قوم خویش بود .

إني أخاف عليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۸

۸ - نگرانی و احساس خطر نوح (ع) ، درباره به خطر افتادن ایمان مؤمنان و نسل های آینده جامعه ، از سوی کافران حق ناپذیر و گمراه گر قوم خود

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

نوح(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له .. كل من الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۴

۴ - حضرت نوح و لوط (ع) ، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا صلحین

نوح(ع) از متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۵

۱۵ نوح (ع) و پیروان او ، از تقوای پیشگان و بهره مند از فرجامی نیک

تلك من أنباء الغيب .. فاصبر إن العقبه للمتقين

نوح(ع) از محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۸،۱۱

۸ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون(ع) از نیکوکاران هستند.

و من ذریته .. و كذلك نجزي المحسنين

مشارالیه < كذلك > هم می تواند هدایت باشد، که از

<هدینا> استفاده می شود، و هم می تواند کثرت ذریه صالح باشد، که از <وهینا> و <من ذریته> به دست می آید. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۱ کثرت انبیا(ع) از نسل نوح، پاداش نیل او به مقام نیکوکاران است.

و نوحا هدینا من قبل و من ذریته .. و كذلك نجزی المحسنین

نوح(ع) در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۲

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود.

و اتل علیهم نبأ نوح .. فإن كنت فی شك مما أنزلنا إلیک فسل الذین یقرءون الکتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

نوح(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۱

۱ - روی آوردن به حمد و ستایش الهی، پس از استقرار در کشتی، رهنمود خداوند به نوح (ع)

فإذا استویت .. فقل الحمد لله

<إستواء> (مصدر <استویت>) به معنای قرار گرفتن و استقرار یافتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۲

۲ - نوح (ع) و جمعی از مردم مؤمن به وی، در واقعه طوفان، بر کشتی

سوار شدند .

فأخذهم الطوفان .. فأنجينه و أصحاب السفينه

نوح(ع) و استهزاگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۹

۹ نوح (ع) در پاسخ استهزاگران ، آنان را از آینده ای درخور استهزا و در پی دارنده تمسخر خیر داد .

إن تسخروا منا فإننا نسخر منكم كما تسخرون

نوح(ع) و استهزاهای قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۷

۷ تمسخر و استهزای کفرپیشگان ، هرگز نوح (ع) و پیروانش را از اجرای فرمان خدا باز نداشت .

و يصنع الفلك و كلما مرّ عليه مألأمن قومه سخروا منه

نوح(ع) و اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۷

۷ برخورد حضرت نوح (ع) با سران و اشراف کافر ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

يقوم أريتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من!) حکایت از شفقت و ترحم دارد.

نوح(ع) و بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ قیام حضرت نوح (ع)، علیه شرک و بت پرستی و دعوت به توحید و یکتاپرستی، برای قومش سنگین و غیر قابل تحمل بود.

إن كان كبر عليكم مقامی و تذکیری بأیت الله

کلمه <مقام> مشترک بین سه صیغه است: مصدر میمی، اسم زمان و اسم مکان. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، اگر قیام من برای دعوت به توحید و یادآوری آیات و نشان های

خداوند، بر شما سنگین و دشوار است و ...

نوح(ع) و پسر نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۴،۱۰

۴ نوح (ع) ، فرزندش را از بی ثمر بودن صعود بر کوه و منحصر بودن راه نجات در بهره جستن از امداد الهی ، آگاه ساخت .

لاعاصم الیوم من أمر الله إلا من رحم

۱۰ موجهایی کوه پیکر ، میان نوح (ع) و فرزندش حایل شد و مانع ادامه گفتوگوی آنان با یکدیگر گردید .

قال لا عاصم الیوم من أمر الله .. و حال بینهما الموج

<ال> در <الموج> عهد ذکری و اشاره به همان امواج کوه پیکر (موج کالجبال) است.

نوح(ع) و حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۶

۶ بردن انواع حیوانات به کشتی و نجات دادن آنها از غرق شدن ، از وظایف نوح (ع) پس از پیدایش نشانه طوفان (فوران آب از تنور)

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

نوح(ع) و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۸

۸ محدودیت علم و آگاهی نوح (ع) و معصوم نبودن او از خطا و اشتباه

إن ابنی من أهلی .. إنه لیس من أهلك ... فلاتسئلن ما لیس لك به علم

نوح(ع) و خواسته های اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۹

۹ مخالفت شدید و قاطعانه نوح (ع) با درخواست نابه

جای سران و اشراف (طرد مؤمنان تهی دست)

و ما أنا بطارد الذين ءامنوا

آوردن جمله اسمیه و <با> ی زایده ، حکایت از تأکید فراوان دارد.

نوح(ع) و خواسته های قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۹

۹ پاسخ نوح (ع) به عذاب طلبی کفرپیشگان ، پاسخی آمیخته با درس توحید و خداشناسی بود .

فأتنا بما تعدنا .. قال إنما يأتیکم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزین

نوح(ع) و درخواست رحمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۷

۷ نوح (ع) ، با پی بردن به نادرستی تقاضای خود (نجات فرزندش) خواهان آمرزش و رحمت الهی شد .

إلا تغفر لی و ترحمنی أکن من الخسرین

نوح(ع) و علم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۲ - ۳

۳ - نوح (ع) ، نفی کننده علم غیب از خویش *

ما علمی بما کانوا یعملون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <ما> در <ما علمی> نافی و <علمی> مبتدا و خبر آن محذوف باشد، یعنی، <ما علمی ثبت او حصل بما کانوا یعملون>.

نوح(ع) و قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۵، ۴، ۳، ۲

۲ برخورد حضرت نوح (ع) با قومش برخوردی عاطفی، ترحم آمیز و مشفقانه بود.

إذ قال لقومه يقوم

از اینکه حضرت نوح به جای الفاظی مانند <ای مشرکان>، <ای مردم>

و <ای... > فرمود: <ای قوم من > برداشت فوق استفاده می شود

۳ قیام حضرت نوح (ع)، علیه شرک و بت پرستی و دعوت به توحید و یکتاپرستی، برای قومش سنگین و غیر قابل تحمل بود.

إن کان کبر علیکم مقامی و تذکیری بأیت اللّٰه

کلمه <مقام > مشترک بین سه صیغه است: مصدر میمی، اسم زمان و اسم مکان. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، اگر قیام من برای دعوت به توحید و یادآوری آیات و نشان های خداوند، بر شما سنگین و دشوار است و ...

۴ حضرت نوح (ع)، با آیات خدا به تذکر و یادآوری قومش می پرداخت.

و تذکیری بأیت اللّٰه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <باء در > آیات اللّٰه < برای استعانت باشد نه زاید.

۵ حضرت نوح (ع)، در دعوت به توحید و یکتاپرستی و زدودن اندیشه شرک، آیات و نشانه های خدا را به قومش یادآوری می کرد.

مقامی و تذکیری بأیت اللّٰه

۸ حضرت نوح (ع) در برابر عناد و ستیزه جویی ها قومش، تنها بر خداوند توکل داشت.

إن کان کبر علیکم مقامی .. فعلی اللّٰه توکلت

۹ حضرت نوح (ع)، قومش را بر قتل خود تحدی کرد و عدم توانایی آنان را بر انجام این کار، شاهد درستی ادعای نبوت خود، اعلام نمود.

إن کان کبر علیکم مقامی .. فأجمعوا أمرکم ... و لا تنظرون

جمله <فعلی اللّٰه توکلت > بیانگر شکست ناپذیری حضرت نوح (ع) به علت متکی بودنش به قدرت

لا يزال الهی و جمله <أجمعوا أمرکم و شرکاءکم> بیان ناچیزی قدرت قومش می باشد.

۱۰ حضرت نوح (ع) همراه با اعلان تحدی ، خدا را تنها کانون قدرت و معبود های قومش را شرکایی ساختگی و فاقد هر گونه توانایی اعلام کرد .

يقوم إن كان كبر .. فعلى الله توكلت فأجمعوا أمرکم و شرکاءکم ... و لا تنظرون

۱۱ حضرت نوح (ع) با توکل بر خداوند ، قومش را به مقابله همه جانبه با خود فراخواند .

فعلى الله توكلت فأجمعوا أمرکم و شرکاءکم ثم لا یکن أمرکم علیکم غمه ثم اقضوا إلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۵ - ۴

۴ نوح (ع) خویشتن را برای مردمش ، پیامبری هشدار دهنده و انذارکننده خواند .

إنی لکم نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ نوح (ع) ، پیامبری دلسوز برای مردم و نگران آینده ای ناگوار برای مشرکان و کافران قوم خویش بود .

إنی أخاف علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۷

۷ برخورد حضرت نوح (ع) با سران و اشراف کافر ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

يقوم أریتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من!) حکایت از شفقت و ترحم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ نوح (ع) به قوم خویش اعلام کرد که پاداش رسالتش تنها بر عهده خداوند است

إِن أُجْرَى إِلَّا عَلَى اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱

۱ ساخت کشتی نوح و درگیری های لفظی او و کفرپیشگان تا فرا رسیدن طوفان ، همچنان ادامه داشت .

يَصْنَعُ الْفُلْكَ وَ كَلِمًا مَّرَّ عَلَيْهِ .. حَتَّى إِذَا جَاء أَمْرُنَا

<حتی> بیانگر غایت گزارشها و حقایق مطرح شده در آیه قبل (ساختن کشتی و تمسخر کافران و پاسخ گویی حضرت نوح) می باشد؛ یعنی ، اینها ادامه داشت تا زمانی که ...

نوح(ع) و کفر قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۶

۶ نوح (ع) ، همواره رنجیده خاطر از رفتار ناپسند قوم خویش و اندوهناک از اصرار آنان بر کفر و انکار رسالت

فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

إِبْتِئَاسٌ (مصدر تبئس) به معنای محزون و ناراحت شدن است و مراد از <ما كانوا يفعلون> شرک و ورزی و اصرار آنان بر انکار رسالت و دیگر کارهای نارواست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱

۱ خداوند ، در پی باخبر ساختن نوح از ایمان نیاوردن قومش ، او را به ساختن کشتی فرمان داد .

أَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوْحٍ أَنَّهُ لَن يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ .. وَاصْنَعِ الْفُلْكَ

نوح(ع) و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ حضرت نوح (ع) همراه با اعلان تحدی، خدا را تنها کانون قدرت و معبود های قومش را شرکایی ساختگی و فاقد هر

گونه توانایی اعلام کرد .

يقوم إن كان كبر .. فعلى الله توكلت فأجمعوا أمركم و شركاءكم ... و لا تنظرون

نوح(ع) و مؤمنان فقير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۹

۹ مخالفت شدید و قاطعانه نوح (ع) با درخواست نابه جای سران و اشراف (طرد مؤمنان تهی دست)

و ما أنا بطارد الذين ءامنوا

آوردن جمله اسمیه و <با>ی زایده ، حکایت از تأکید فراوان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۴ - ۱،۲

۱ - پاسخ منفی نوح (ع) به درخواست اشراف مبنی بر طرد محرومان از پیرامون خویش

أنؤمن لك و اتبعك الأذلون .. و ما أنا بطارد المؤمنين

۲ - اعلام قطعی نوح (ع) به طرد نکردن مؤمنان از اطراف خویش در هیچ شرایطی

و ما أنا بطارد المؤمنين

نوح(ع) و ناخشودی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۷

۷ حضرت نوح (ع) در برابر نارضایتی قومش نسبت به دعوت او ، عزم راسخ خویش را اعلام کرد و بر ادامه سرسختانه راه خود اصرار و تأکید ورزید .

فأجمعوا أمرکم و شركاءکم .. و أمرت أن أكون من المسلمین

نوح(ع) و نجات از زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۸

۸ نوح (ع)، رهایی خویش از زیان کاری را در گرو مغفرت و رحمت الهی می دانست .

إِلَّا تَغْفِرَ لِي

و ترحمنی أکن من الخسرین

نوح(ع) و نجات پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۱،۵،۷

۱ نوح (ع) در پی حایل شدن امواج آب میان او و فرزندش ، با شفاعت به درگاه خدا ، خواستار نجات وی شد .

و حال بینهما الموج . . . و نادى نوح ربه فقال رب إن ابني من أهلي

جمله <فلاتسئلن> (در آیه چهل و ششم) حاکی است که: نوح(ع) خواستار نجات فرزندش از غرق شدن بود. براین اساس دعا و التجای آن حضرت پیش از غرق شدن فرزندش بود و لذا برخی از مفسران جمله <نادی نوح ربه ...> را بر <حال بینهما الموج> عطف گرفته اند.

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق

۷ نوح (ع) ، پس از طرح استدلال خویش برای لزوم نجات فرزندش ، حکم و قضاوت آن را به خداوند واگذار کرد .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق و أنت أحکم الحکمین

نوح(ع) و نجات پیروان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۱

۱ نوح (ع) ، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت ، از پیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند .

و قال اركبوا فيها

به نظر می رسد جمله <قال اركبوا ..> عطف بر جملاتی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل

ماجرا بیان نشده است؛ یعنی: قلنا احمل فیها... ففعل کذا و کذا و قال ارکبوا فیها.... و لذا در برداشت <انجام مقدمات حرکت > آورده شد.

نوح(ع) و نجات خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۱

۱ نوح (ع) ، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت ، از پیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند .

و قال ارکبوا فیها

به نظر می رسد جمله <قال ارکبوا... > عطف بر جملاتی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل ماجرا بیان نشده است؛ یعنی: قلنا احمل فیها... ففعل کذا و کذا و قال ارکبوا فیها.... و لذا در برداشت <انجام مقدمات حرکت > آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۵

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابنی من أهلی و إن وعدك الحق

نوح(ع) و نجات فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۱،۷

۱ نوح (ع) ، از تقاضای نجات فرزند ناصالحش منصرف شد و آن را امری نابه جا دانست .

فقال رب إن ابنی من أهلی .. قال رب إني أعوذبك أن أسئلك ما ليس لی به علم

۷ نوح (ع) ، با پی بردن به نادرستی تقاضای خود (نجات فرزندش) خواهان آمرزش و رحمت الهی

شد .

إِلَّا تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ الْخَسِرِينَ

نوح(ع) و نجات قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ خداوند ، نوح (ع) را از شفاعت درباره کفرپیشگان و درخواست رهایی آنان از عذاب ، برحذر داشت .

و لا تخطبني في الذين ظلموا إنهم مغرقون

مراد از <لاتخطبني .. > (درباره ستمگران با من سخن مگو) به دلیل جمله بعد (زیرا غرق شدن برای آنان حتمی است) درخواست برطرف شدن عذاب و نجات از طوفان آب است.

نوح(ع) و نجات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، نوح (ع) را از سوار کردن کفرپیشگان خانواده اش بر کشتی نجات ، منع کرد .

احمل فيها .. أهلكك إلا من سبق عليه القول

نوح(ع) و وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۵

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق

نوح(ع) هنگام مرگ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۸ - ہود - ۱۱ - ۵۰ - ۱۵

۱۵ > عن الصادق (ع) : لما حضرت نوحاً (ع) الوفاء دعا الشيعه فقال لهم : إعلموا أنه ستكون من بعدى غيبه تظهر فيه الطواغيت و أن الله عزوجل يفرج عنكم بالقائم من ولدى اسمه هود ..

از امام صادق(ع) روایت شده: هنگامی که وفات نوح فرارسید، پیروانش را فرا خواند و فرمود: بدانید همانا به زودی بعد از من غیبتی خواهد بود که در آن طاغوتها پدید می آیند و خدای عزوجل بهوسیله فردی قیام کننده از نسل من، که نام او هود است، برای شما گشایش پدید می آورد. <..>

نهی به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ خداوند، نوح (ع) را از شفاعت درباره کفرپیشگان و درخواست رهایی آنان از عذاب، برحذر داشت.

و لاتخطبني في الذين ظلموا إنهم مغرقون

مراد از <لاتخطبني ..> (درباره ستمگران با من سخن مگو) به دلیل جمله بعد (زیرا غرق شدن برای آنان حتمی است) درخواست برطرف شدن عذاب و نجات از طوفان آب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند، نوح (ع) را از سوار کردن کفرپیشگان خانواده اش بر کشتی نجات، منع کرد.

احمل فيها .. أهلك إلا من سبق عليه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۹

۹ خداوند، نوح (ع) را از درخواست نجات فرزندش، برحذر داشت.

فلاتسئلن ما ليس لك به علم

چون مفعول دوم <فلاتسئلن> یعنی، <ما ليس ..> بدون حرف <عن> آمده است، مقصود از سؤال، درخواست و مطالبه است نه پرسش و جستجو. بنابراین <فلاتسئلن> یعنی، از من نخواه و درخواست نکن مصداق مورد

نظر برای <مالیس...> نجات فرزند نوح می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، نوح (ع) را از وساطت برای نجات ظالمان از عذاب طوفان ، نهی کرد .

و لاتخطبني في الدين ظلموا

وحی به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۲،۱۲

۲ خداوند نوح (ع) را به پیامبری برانگیخت و به وی وحی کرد .

كما أوحينا إلى نوح

۱۲ نوح ، نخستین پیامبری که خدا به او وحی کرده است . *

كما أوحينا إلى نوح و النبيين من بعده

چون آیه مورد بحث نه به صورت تفصیل و نه به صورت اجمال سخنی درباره وحی به پیامبری قبل از نوح(ع) بیان نکرده، می توان گفت قبل از حضرت نوح(ع) پیامبری که خدا به وی وحی کرده باشد وجود نداشته ؛ بنابراین نوح(ع) اولین پیامبری است که به وی وحی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۱ - ۳

۳ نوح (ع) با اعلان دریافت سخنان خویش از خداوند ، خود را پیراسته از هر گونه گمراهی خواند .

ليس بي ضلله و لكني رسول من رب العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۲

۲ خداوند، در پی تلاش های حضرت نوح (ع) و مؤثر نبودن آن تلاشها، او را از ایمان آوردن کفرپیشگان قومش مأیوس کرد.

و أُوْحَىٰ إِلَىٰ

نوح أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن

فاعل <لن يؤمن> کلمه ای همانند <أحد> می باشد؛ یعنی: <لن يؤمن أحد من قومك> <إلا> به معنای <غیر> و صفت برای <أحد من قومك> است نه استثنای از جمله <لن يؤمن...>؛ زیرا استثنای مؤمنان از جمله سابق، استثنای وجیه بلکه صحیحی نیست. بنابراین جمله <لن يؤمن...> چنین معنا می شود: احدی از افراد غیر مؤمن قومت (کافران آنان) ایمان نخواهد آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۴،۱۰

۴ نوح (ع)، در ساخت کشتی با دریافت وحی، از تعالیم و راهنمایی های خداوند بهره می برد.

واصنع الفلک بأعیننا ووحینا

۱۰ خداوند، فرجام کفرپیشگان قوم نوح (غرق شدن در طوفان آب) را برای او بیان کرد.

إنهم مغرقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۲

۲ - وحی الهی به نوح (ع) در ساختن کشتی

فأوحینا إليه أن اصنع الفلک

وسعت طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - طوفان نوح، منطقه بسیار گسترده ای از آن سرزمین را فراگرفته بود.

فأسلک فیها من کل زوجین اثین

جای دادن یک جفت (یک نر و یک ماده) از هر حیوان در کشتی، برای این بود که آنان پس از آرامش طوفان، بتوانند با

پرورش و زاد و ولد آنها، نیازمندی های خود را برطرف سازند. و این نشان می دهد که گستردگی طوفان در آن

سرزمین، به قدری بود که به دست آوردن حیوانات مورد نیاز، پس از فرونشستن آب، برای حضرت نوح(ع) و بازماندگان، میسر نبود.

وضوح انذارهای نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲ - ۳

۳ - حضرت نوح (ع) ، خود را اخطارکننده ای روشنگر معرفی کرد .

إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

<مبین> یا از <أبان> متعدی و یا از <بان> لازم گرفته شده است. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

وضوح تبلیغ نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲ - ۵

۵ - محتوای رسالت نوح (ع) و دلایل صدق آن ، روشن و قابل فهم برای همگان

إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

وضوح تعالیم نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۵ - ۴

۴ - تبلیغ تعالیم دینی از سوی حضرت نوح (ع) ، به گونه ای روشن و قابل فهم برای همگان بود .

إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

وعدده نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق

وعده های نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۴ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آمرزش

گناهان ، مصونیت از عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن اجل مسمی (مرگ مقدر) ، در صورت ایمان آوردن آنان

یغفر لکم من ذنوبکم و یوخرکم إلی أجل مسمی

<اجل> به معنای پایان زندگی و نهایت زمان عمر آدمی و <مسمی> به معنای معین و مشخص است. مقصود از تأخیر اجل مسمی، نازل نشدن عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن مرگ مقدر الهی است که هر انسانی، حتماً با آن روبه رو خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر ریزش باران فراوان و پی درپی بر آنان ، در صورت استغفار و ایمان آوردن آنان

فقلت استغفروا ربکم .. یرسل السماء علیکم مدراراً

یکی از معانی <سما>، باران است (صحاح) و در این آیه شریفه در همین معنا به کار رفته است. <مدراراً> به معنای ریزش فراوان و پی درپی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر یاری شدنشان با اموال و فرزندان از سوی خداوند ، در صورت ایمان آوردن و استغفار آنان

استغفروا ربکم .. و یمدکم بأمول و بنین

۲ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آباد شدن باغ ها و نهرفهایشان از سوی خداوند در صورت ایمان آوردن و استغفار آنان

استغفروا ربکم .. و یجعل لکم جنّت و یجعل لکم أنهرًا

ویژگیهای پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۵

۵ مؤمنان قوم نوح و پیروان او ، از توده های مردم و از طبقات غیر مرفه جامعه بودند .

ما نریک اتبعک إلا الذین هم أراذلنا

مراد از <أراذل> از آن رو که مقابل <ملا> قرار گرفته توده های مردم و افراد مستضعف جامعه است.

ویژگیهای دعوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۲

۲ حضرت نوح (ع) ، برای انجام رسالت خویش ، از مردم کمترین مزدی مطالبه نمی کرد .

فإن تولیتهم فما سألتکم من أجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۸ - ۱،۲

۱ - دعوت نوح (ع) از مردم ، برای ایمان آوردن با صدایی بلند و رسا

ثم إنی دعوتهم جهارًا

<جهار> اسم مصدر <جهر> است و چنانچه در مورد کلام و سخن به کار رود، به معنای صدا و آواز بلند و در غیر آن به معنای علنی و آشکار خواهد بود.

۲ - دعوت نوح (ع) در میان قومش ، در آغاز به صورت سرّی و بی سروصدا بود .

و إنی کلما دعوتهم .. و استکبروا استکبارًا . ثم إنی دعوتهم جهارًا

دعوت نوح(ع) با صدای بلند و رسا، پس از دعوت ایشان و واکنش انکارآمیز و مستکبرانه قومش یاد شده است. از این نکته می توان استفاده کرد که دعوت قبلی، سرّی و بی سروصدا بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - نوح (ع) ، برخی از مردم را به صورت مخفی و خصوصی و برخی را به شکل عمومی و علنی به ایمان فراخواند .

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که دعوت علنی و مخفی حضرت نوح(ع)، ممکن است در یک زمان و در شرایط اجتماعی خاصی انجام گرفته شده باشد.

ویژگیهای طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۰، ۲

۲ حادثه طوفان نوح ، حادثه ای بس بزرگ و برخاسته از فرمان خداوند بود .

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا

مراد از <أمر> عذاب است و اضافه آن به <نا> برای بیان عظمت عذاب (طوفان) می باشد و آوردن <أمر> به جای <عذاب> می رساند که آن عذاب به فرمان خدا بوده است.

۱۰ طوفان عصر نوح ، طوفانی گسترده و عالمگیر بود .

قَلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ مِثْلٍ بَرٍّ

چنانچه طوفان عصر نوح، منطقه خاصی را فرا می گرفت ضرورتی نداشت که هر نوع حیوانی در کشتی حمل شود تا از نابودی و انقراض نجات یابد؛ زیرا بسیاری از حیوانات در اکثر مناطق زمین یافت می شوند. بنابراین طوفان نوح حداقل بخش بسیار عظیمی از قاره آسیا را فرا گرفته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ موجهایی کوه پیکر ، میان نوح (ع) و فرزندش حایل شد و مانع ادامه گفتوگوی آنان با یکدیگر گردید .

قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ... وَحَالِ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ

<ال> در <الموج> عهد

ذکری و اشاره به همان امواج کوه پیکر (موج کالجبال) است.

ویژگیهای کشتی نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۶

۶ کشتی نوح ، دارای ویژگیهایی خاص و برخوردار از صنعتی شگرف و بی سابقه

واصنع الفلک بأعیننا و وحینا

تصریح به اینکه برنامه ساخت کشتی نوح از ناحیه خداوند بود و انجام امور آن ، تحت نظارت همه جانبه او انجام گرفت ، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۹

۹ کشتی نوح ، سفینه ای فوق العاده بزرگ و عظیم

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

ظرفیت کشتی برای حمل یک جفت از هر حیوان ، حکایت از بزرگی و عظمت فوق العاده آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۴

۴ کشتی نوح ، سفینه ای بسیار مقاوم و برخوردار از بهترین اصول فنی و تکنیکی

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۶،۷

۶ - کشتی نوح ، برخوردار از استحکام بالا و کیفیتی پیشرفته

فأنجينه و من معه في الفلك المشحون

انباشته بودن و نیز نجات یافتن نوح(ع) و پیروانش از طوفان بزرگ، نمایان گر استحکام و کیفیت بسیار بالای ساختمان کشتی است.

۷ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < الفلك المشحون > المجهر الذي قد فرغ منه و لم يبق إلا رفعه ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا: <الفلك المشحون> روایت شده

است: (مراد) کشتی مجهزی است که از ساخت آن فارغ شده اند و کاری نمانده مگر بلند شدن آن <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۴

۴ - کشتی نوح ، دارای شکلی ابتدایی و تشکیل شده از مшти تخته و میخ *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

از تعبیر <ذات ألواح و دسر> نوعی کوچک نمایی و ناچیزشماری کشتی حضرت نوح استفاده می شود. این گفتار درصدد تبیین این جهت است که اگر نوح(ع) نجات یافت، با حمایت و لطف خداوند بود نه در پرتو استحکام کشتی او؛ زیرا این کشتی تاب مقاومت در برابر آن طوفان سهمگین را نداشت.

ویژگیهای نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۸

۸- عبودیت و شکرگزاری زیاد و مداوم به درگاه خدا ، از ویژگی های مهم حضرت نوح (ع) بود .

إنه كان عبداً شكوراً

از میان اوصاف گوناگون حضرت نوح(ع) تنها عبودیت و سپاسگزاری او را یادآور شد و این بیانگر برجستگی آن دو صفت در آن حضرت است. گفتنی است تداوم عبودیت و شکرگزاری از جمله اسمیه <إنه كان...> که دلالت بر ثبوت و استمرار دارد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۲

۲ - نوح ، نخستین فرستاده خدا به سوی جامعه بشری

و لقد أرسلنا نوحاً إلی قومه

با توجه به این که در آیات پیشین، بحث با چگونگی خلقت انسان شروع شده بود و در ادامه آن، به اسرار نهفته

در موجودات طبیعت اشاره گشته بود، ذکر حضرت نوح(ع) به عنوان فرستاده خدا به سوی خلق، می تواند رساننده مطلب بالا باشد.

ویژگیهای هدایتگری نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۲ - ۱

۱ - اهتمام نوح (ع) به هدایت همه طبقات جامعه، بدون در نظر گرفتن پیشینه آنان

قال و ما علمی بما کانوا یعملون

<ما> در <ما علمی> استفهامیه و به معنای <أی شیء> است و <بما کانوا..> متعلق به <علمی> می باشد. جمله <کانوا یعملون> نیز ماضی استمراری است یعنی، <أی شیء فائده علمی بأعمالهم الماضیه> مرا با اعمال گذشته آنان چکار؟>

هدایت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۳

۳ نوح(ع) هدایت یافته به توحید و برهانهای آن و دارای مرتبه ای بلند بود.

و نوحا هدینا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۳

۳ - نوح (ع)، مأمور ساختن کشتی تحت نظارت و هدایت خداوند

أن اصنع الفلک بأعیننا و وحینا

هدایتگری نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ نوح (ع) برای هدایت قومش ، تلاشی مستمر و پی گیر داشت .

قالوا ینوح قد جدلنا فأكثر جدلنا

إكثار (مصدر أكثر) به معنای کاری را فراوان انجام دادن است. بنابراین <أكثر جدلنا> یعنی ، بسیار مناظره کردی و فراوان دلیل و برهان آوردی و ... این معنا ، حکایت از تلاش مستمر و پی گیر حضرت

نوح(ع) در تبلیغ رسالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۶ - ۵

۵ - دعوت به تقوا ، محور تبلیغات و هدایت گری نوح (ع)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۱

۱ - نوح (ع) ، فرستاده خداوند برای هدایت قوم خود بود .

و لقد أرسلنا نوحًا إلی قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۵ - ۴

۴ - تلاش مستمر و خستگی ناپذیر نوح (ع) ، برای هدایت مردمان

قال ربّ إني دعوت قومی لیلاً و نهارًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که دعوت در شب و روز، ممکن است کنایه از تلاش مستمر و خستگی ناپذیر باشد؛ به ویژه آن که شب وقت استراحت و آسایش است.

هشدارهای نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۱

۱۱ نوح ، مشرکان قوم خویش را به کیفرهای سخت اخروی تهدید کرد .

إني أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

هلاکت پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۴

۱۴ تقدیر الهی بر غرق شدن و هلاک گشتن برخی از افراد خانواده نوح

و أهلك إلا من سبق عليه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ امواج سهمگین طوفان ، فرزند نوح را پیش از آنکه به کوهی

پناه برد ، در خود فرو برد و هلاک کرد .

و حال بینهما الموج فکان من المغرقین

هلاکت همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۴

۱۴ تقدیر الهی بر غرق شدن و هلاک گشتن برخی از افراد خانواده نوح

و أهلك إلا من سبق عليه القول

هماهنگی اسلام و دین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱

۱ - هماهنگی آیین اسلام با دین نوح ، ابراهیم ، موسی و عیسی (ع)

شرع لكم من الدين ما وصّى به نوحًا .. و ما وصّينا به إبرهیم و موسی و عیسی

هماهنگی مخالفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۷ - ۳

۳ - یکپارچگی قوم نوح در مخالفت با وی و تکذیب رسالت الهی او

إنّ قومی کذبون

شمول نهفته در تعبیر <إنّ قومی> ، بیانگر مطلب یاد شده است.

هماهنگی مکذبان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - یکپارچگی قوم نوح در مخالفت با وی و تکذیب رسالت الهی او

إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُون

شمول نهفته در تعبیر <إِنَّ قَوْمِي>، بیانگر مطلب یاد شده است.

همسر نوح و نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۲۱

۲۱ > عن أبي عبد الله (ع) قال: جاءت إمراه نوح إليه و هو يعمل السفينه فقالت له: إن التّنور قد خرج منه ماء فقام إليه مسرعاً حتى جعل الطبق

عليه فخرته بخاتمه فقام الماء ، فلما فرغ نوح من السفينه جاء إلى خاتمه ففضّه و كشف الطبق ففار الماء ۱

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همسر نوح درحالی که شوهرش مشغول ساختن کشتی بود، به نزد او آمد و گفت: تنور آب درآورده. نوح با سرعت بر سر تنور رفت و سرپوشی بر روی آن گذاشت و با مهر خود آن را ممهور کرد. پس آب ایستاد. هنگامی که از ساختن کشتی فارغ شد مهر خود را شکست و سرپوش را کنار زد؛ پس آب فوران کرد.

همسر نوح(ع) در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - همسران نوح و لوط ، همانند کافران از دوزخیان اند .

و قيل ادخلا النار مع الدخلين

همسفران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱۰، ۴

۴ مؤمنان به رسالت نوح (ع) ، همراه و همسفر او در کشتی

فانجینه و الذین معه فی الفلک

۱۰ گروهی از همسفران نوح (ع) در کشتی نجات ، نه از مؤمنان بودند و نه از تکذیب کنندگان آیات الهی

فانجینه و الذین معه فی الفلک و أغرقنا الذین کذبوا بآیتنا

از اینکه خداوند نجات یافتگان را توصیف نکرد که اهل ایمان بودند، مثلاً نفرمود <و الذین آمنوا>، می توان گفت گروهی از همراهان نوح(ع) در کشتی به وی ایمان نداشتند. و از جمله <و أغرقنا ... > می توان فهمی آن گروه وی را تکذیب نیز نکردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- نوح (ع) ، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی ، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا .. فاسلك فيها من كل زوجين اثنين و أهلك إلا من سبق عليه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۲

۲- استقرار نوح (ع) و مؤمنان همراه او در کشتی ، پس از جای دادن حیوانات و خاندانش در آن

فاسلك فيها من كل زوجين اثنين و أهلك .. فإذا استويت أنت و من معك على الفلك

از تفریع عبارت <فإذا استويت> بر آیه قبل، استفاده می شود که حضرت نوح(ع) نخست حیوانات و خاندانش را در کشتی جای داد و آن گاه خود و یارانش بر آن سوار شدند.

یأس نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۳۶ - ۲،۷

۲ خداوند ، در پی تلاش های حضرت نوح (ع) و مؤثر نبودن آن تلاشها ، او را از ایمان آوردن کفرپیشگان قومش مأیوس کرد .

و أوحى إلى نوح أنه لن يؤمن من قومك إلا من قده آمن

فاعل <لن يؤمن> کلمه ای همانند <أحد> می باشد؛ یعنی: <لن يؤمن أحد من قومك.> <إلا> به معنای <غیر> و صفت برای <أحد من قومك> است نه استثنای از جمله <لن يؤمن...>؛ زیرا استثنای مؤمنان از جمله سابق، استثنای وجیه بلکه صحیحی نیست. بنابراین جمله <لن يؤمن...> چنین معنا می شود: احدی از افراد غیر مؤمن قومت (کافران آنان) ایمان نخواهد آورد.

نومیدی نوح (ع) از هدایت یابی قومش و آگاهی او از ناشایستگی آنان برای ایمان، زمینه ساز رفع اندوه از او

لن يؤمن من قومك .. فلا تبئس بما كانوا يفعلون

برداشت فوق، از تفریح <لا-تبئس> بر اخبار از ایمان نیاوردن کافران استفاده شده است؛ یعنی، حال که از هدایت نیافتن کافران آگاه شدیو احساس مسؤولیت نمی کنی، زمینه ای برای اندوه وجود ندارد پس غمگین مباش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۱

۱ - التجای نوح (ع) به درگاه پروردگار، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال رب انصرنی بما کذبون

در این آیه ظرف <قال> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <قال بعد ما آیس من ایمانهم>. <باء> در <بما کذبون> سببه و <ما> مصدریه است. بنابراین <بما کذبون>، به تأویل <بسبب تکذیبهم ایای> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۷ - ۴

۴ - التجای نوح (ع) به ربوبیت خدا در شرایط یأس و هجوم مشکلات بر سر راه رسالتش

قال رب ان قومی کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۳

۳ - ناامیدی شدید نوح (ع) از گرایش کافران قومش به ایمان و رنج عمیق وی از کفرورزی آنان

و نَجْنی و من معی من المؤمنین

از این که نوح(ع) از پیشگاه خدا خواستار فیصله یافتن نزاع میان او و قومش شده است، نشان می دهد که او دیگر هیچ گونه امیدی به گرویدن

قومش به خود نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۲،۵

۲ - یأس و ناامیدی نوح (ع) از هدایت پذیری قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه اُنّی مغلوب فانتصر

از تعبیر <مغلوب>، استفاده می شود که نوح(ع) خود را در موضعی یافت که دیگر تنها چاره را در انتقام الهی از قوم حق ستیزش می دید.

۵ - غلبه همه جانبه قوم نوح بر آن حضرت و بستن تمامی راه های امید بر روی ایشان

اُنّی مغلوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۴

۴ - ناامیدی کامل نوح (ع) ، از نجات یافتن قومش از گمراهی و ستم پیشگی

و لاتزد الظلمین إلاّ ضللاً

نفرین نوح(ع) علیه قومش، نشانه آن است که آن حضرت از هدایت یافتن آنان کاملاً مأیوس بود؛ زیرا اصولاً پیامبران الهی برای هدایت مردمان مبعوث شدند و نوح(ع) نیز سالیانی دراز؛ قومش را به هدایت دعوت کرد و چون آنان نپذیرفتند، علیه آنان نفرین فرمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۲

۲ - ناامیدی کامل نوح (ع) از ایمان آوردن قومش و نجات آنان از گمراهی شرک و بت پرستی

وقال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دياراً

یاوران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ پیروان حضرت نوح ، یاوران او در ابلاغ رسالت و دعوت مردم به ایمان

أنلزمکموها

برداشت فوق از صیغه جمع <نلزم> که شامل

نوح و پیروانش می شود استفاده شده است.

نور از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نور

آثار نور خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ - > روی أنّ النبیّ (ص) قرأ > أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه < فقال إنّ النور إذا وقع في القلب إنفسح له و انشرح ، قالوا : يا رسول الله فهل لذلك علامه يعرف بها ؟ قال : التجافی عن دارالغرور و الإنابه إلى دار الخلود و الإستعداد للموت قبل نزول الموت ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که آن حضرت آیه > أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه < را تلاوت کرد و آن گاه فرمود: هنگامی که نور وارد قلب می شود، قلب برای اسلام باز و گشاده می گردد. گفتند: ای رسول خدا! آیا علامتی برای آن هست که به وسیله آن شناخته شود؟ فرمود: علامت آن پهلو تهی کردن از خانه غرور و بازگشت به خانه جاویدان و آماده شدن برای مرگ قبل از آمدن آن است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱

۱ - سراسر زمین در عرصه قیامت به نور الهی روشن خواهد شد .

و أشرقت الأرض بنور ربّها

>إشراق< (مصدر >أشرقت<) به معنای اضائه (روشن شدن) است.

آثار نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۲ - ۳

۳ - نور ماه ، تابع نور خورشید است . *

و القمر إذا تليها

جانشین بودن ماه برای خورشید و نه عکس آن، بیانگر

فرع بودن نور ماه است.

آثار نور شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - نور شدید ، از عوامل زدایش بینایی چشم *

یکاد سنا برقه یذهب بالأبصر

<سنا> به معنای <ضیاء> (روشنایی) و <برق> به معنای لمعان و نوری است که بر اثر برخورد ابرها به وجود می آید.

اطفای نور خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱

۱ تلاش بی امان یهود و نصارا ، با هدف خاموش کردن نور الهی (قرآن) ، با سخنان و تبلیغات خود

یریدون أن یطفئوا نور الله بأفواههم

ضمیرهای جمع در <یریدون> ، <یطفئوا> و <بأفواههم> به یهود و نصارا (الذین أوتوا الكتاب) بازمی گردد. قید <بأفواههم> (با سخنان خویش) می رساند که: اهل کتاب برای انحراف افکار عمومی علیه قرآن و اسلام، دست به تبلیغات نادرست می زدند.

اهمیت سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۵

۵- سوره نور ، دارای اهمیت و جایگاه ویژه و والا در قرآن

سوره أنزلناها و فرضناها و أنزلنا فیها آیت ینت

برداشت فوق با توجه به سه نکته است: ۱ اختصاص به ذکر یافتن این سوره از میان دیگر سوره های قرآن؛ ۲ تنکیر لفظ

<سوره> که دال بر تفخیم است؛ ۳ تکرار لفظ <أنزلنا> به صورت فعل متکلم مع الغیر و اسناد آن به اسم جلاله <الله>.

اهمیت نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۶

۶ - توالی شب

و روز و نور و تاریکی در زندگی انسان ، جلوه قدرت و تدبیر خداوند است .

و ءایه لهم الیل .. لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا الیل سابق النهار ..

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است؛ چنان که در آیه ۳۷ نیز به آن تصریح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۵ - ۸

۸ - اهمیت نور ، تاریکی ، آب و هوا در حیات زمین

و اختلف الیل و النهار و ما أنزل الله .. و تصریف الریح

پیدایش نور ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۹ - ۴

۴ - پیدایش مراحل گوناگون در طبیعت (شفق ، تاریکی شب و نور ماه) ، نشانی از امکان تغییر و تحول در نظام حیات بشر در دنیا و آخرت

فلا أقسم .. لتركبن طبقاً عن طبق

در قسم های قرآن، تناسب بین محتوای قسم و غرض از آن رعایت شده است و در این مجموعه آیات نیز برای تأکید بر تغییر حالات انسان، به تغییرات تکوینی سوگند یاد شده است.

تبعی بودن نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۸

۸ پدیده ظلمت و نور در جهان، نظامی تابع آفرینش آسمانها و زمین

الحمد لله الذی خلق السموت .. و جعل الظلمت و النور

در این آیه آفرینش آسمان و زمین با فعل

<خلق> بیان شده، ولی درباره ظلمت و نور از فعل <جعل> استفاده شده است. توجه این تفاوت، به گفته برخی از مفسران، تبعی بودن آفرینش نور و ظلمت نسبت به مجموعه هستی است.

تشبیه به نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۲

۲ - ایمان چون نور، مایه هدایت و روشنایی و کفر، همچون ظلمت، مایه گمراهی و تاریک بینی

و لا الظلمت و لا النور

تعالیم سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۴

۴- مجموع آیات سوره نور، شامل دو بخش است: احکام واجب الاجرا و معارف شایان توجه و تذکر.

سوره انزلنها و فرضنها

<فرض> به معنای ایجاب قطعیت و الزام است (لسان العرب). از این رو مفسران برآنند که فرض کردن سوره، یا به اعتبار وجود احکام لازم الاجرا در این سوره است و یا به اعتبار وجود عقاید و معارف خدشه ناپذیر و شایان توجه در آن می باشد.

تنوع نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۳

۳ خورشید، دارای نورهای گوناگون

هو الذی جعل الشمس ضیاء

<ضیاء> می تواند جمع <ضوء> باشد. برداشت فوق بر همین پایه است.

جاودانگی نور خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۲

۲ موضع گیری ها و تبلیغات سوء یهود و نصارا ، علیه اسلام به مثابه پفی ناچیز در مقابل نور فروزنده و جاودان الهی

یریدون أن یطفئوا

نور الله بأفوههم

خالق نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱

۱ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدیدآورنده تاریکیها و نور است.

الحمد لله الذى خلق السموت و الأرض و جعل الظلمت و النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۱

۱ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد لله الذى خلق ... هو الذى خلقكم من طين

معرفه بودن مسندالیه <هو> و مسند <الذى> مفید حصر است.

خاموشی نور خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۲

۲ - هدف کافران از اتهام سحر به پیامبر (ص)، مبارزه با اسلام و خاموش کردن نور خدا بود.

فلما جاءهم .. قالوا هذا سحر ... يريدون ليطفوا نور الله

خلقت نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۲

۲ آفرینش آسمانها و زمین و پدیدآوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

<الذى خلق>، صفت <الله> و بيان وجه اختصاص حمد به اوست و اين تعليق، كه به گفته اهل ادب تعليق حكم <الحمد لله> بر وصف <الذى خلق> است، بيانگر انحصار شايستگى ستايش به آفريننده هستى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۵

۵ - پيدائش مستمر روز و شب و نور و ظلمت ، از

نشانه های قدرت مطلق و ربوبیت یگانه خداوند است .

يَكُوْرُ اللَّيْلَ عَلٰى النَّهَارِ وَ يَكُوْرُ النَّهَارَ عَلٰى اللَّيْلِ

درخواست ازدیاد نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۱۳

۱۳ - مؤمنان در عرصه قیامت ، از خداوند خواستار اتمام و ازدیاد نور خویش اند .

يَقُولُوْنَ رَبَّنَا اٰتِنَا نُوْرًا

زمینه اکمال نور خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۵

۵ آمدن پیامبر (ص) ، همراه با هدایت (قرآن) و دین حق (اسلام) در راستای تکمیل نور الهی و تحقق اراده خداست .

و يٰۤاَبٰى اَللّٰهُ اِلَّا اَنْ يَّتِمَّ نُوْرَهُ .. هُوَ الَّذِى اَرْسَلَ رَسُوْلَهُ بِالْهَدٰى وَ دِيْنَ الْحَقِّ

سوگند به نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به نور گسترده خورشید به هنگام چاشت

و ضحیها

<ضحی> در معانی گسترش نور خورشید و <پهناور شدن روز> (مفردات راغب) و اندکی پس از بالا آمدن روز (قاموس) به کار می رود. اضافه شدن <ضحی> به ضمیری که به خورشید برمی گردد، بیانگر آن است که مراد از آن، گسترش نور خورشید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > ، < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < روح >

و < ذات خویش > ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس .. قد أفلح من زكّيتها

جمله < قد أفلح .. > جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله < کذّبت ثمود... > و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۴

۴ - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است .

و الشمس .. و قد خاب من دسّيتها

تکرار < قد > ، نشانگر آن است که جمله < قد خاب .. > ، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۲، ۱

۱ - سوگند خداوند ، به چاشت گاه و به گسترش نور خورشید در آن زمان

و الضحی

< ضحی > در معانی گسترش نور خورشید و < پهناور شدن روز > (مفردات راغب) و < اندکی پس از بالا آمدن روز > (قاموس) به کار می رود.

۲ - وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الضحی

شدت نور خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - نور خداوند ، در نهایت شدت و روشنایی و عاری از هر گونه ظلمت و تاریکی است .

نور علی نور

حرف <علی> در

<نور علی نور> برای استعلای مجازی و به معنای تعاون است و غرض از آن، بیان شدت نورالهی و خالص بودن آن از هر ظلمت و تاریکی است.

شفافیت نور خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۸

۸ - نور خداوند، ذاتی و به دور از هر گونه تیرگی و کدری

مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه الزجاجه کأنها کوكب درى یوقد من شجر

برداشت یاد شده بر اساس دو نکته ای است که در تشبیه نور خدا وجود دارد: ۱ روغن و مایه نور، بدون دخالت عامل خارجی (عامل آتش زا)، مشتعل و نورافشان است (و لو لم تمسه نار). این حکایت از آن دارد که نور خدا، از خود او است و به سبب عامل خارجی نیست. ۲- نور چراغ هم چون ستاره ای درخشان بسیار پرفروغ و شفاف است و این بیانگر این حقیقت است که نور خدا، از هر گونه تیرگی و کدری منزّه است.

شگفتی نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۳

۳ - خورشید و نور گسترده آن هنگام چاشت، آفریده هایی با عظمت و شگفت

و ضحیها

عظمت نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۳

۳ - خورشید و نور گسترده آن هنگام چاشت، آفریده هایی با عظمت و شگفت

و ضحیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۲

۲ - وقت چاشت و زمان پرتو

افشانی خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الضحی

عوامل ازدیاد نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱۳

۱۳ - شیشه ، موجب انعکاس بیشتر و بهتر نور است .

فی زجاجه الزجاجه کأنها کوكب دری

تشبیه در مقام، این است که نور را پر فروغ نشان دهد و از این روی مصباحی را مثل می زند که در شیشه است و شیشه نیز همانند ستاره درخشان است.

عوامل انعکاس نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱۳

۱۳ - شیشه ، موجب انعکاس بیشتر و بهتر نور است .

فی زجاجه الزجاجه کأنها کوكب دری

تشبیه در مقام، این است که نور را پر فروغ نشان دهد و از این روی مصباحی را مثل می زند که در شیشه است و شیشه نیز همانند ستاره درخشان است.

فاقدان نور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۵،۷،۹

۵ - منافقان ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

یوم یقول المنفقون . . انظرونا نقتیس من نورکم

۷- زنان منافق چونان مردان نفاق پیشه ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

یوم .. و المنفقت ... انظرونا نقتبس من نورکم

۹- کسب کردن نور از دیگران در قیامت ، در صورتی که انسان نور نداشته باشد ، ممکن نیست .

یوم یقول المنفقون .. قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورًا

فلسفه سوگند به نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳

۷ - خداوند ، در تأکید بر قطع نشدن ارتباط او با پیامبر (ص) و ناخرسند نبودن از آن حضرت ، به نور خورشید و تاریکی شب سوگند یاد کرده است .

و الضحی . و الیل إذا سجدی . ما ودّعک ربّک و ما قلی

این آیه، جواب قسم هایی است که در آغاز سوره آمده بود.

فلسفه نزول سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۸

۸- بیدارگری و غفلت زدایی ، فلسفه نزول آیات سوره نور

سوره أنزلنها .. فیها آیت بینت لعلکم تذکرون

<تذکر> (مصدر فعل <تذکرون>) به معنای به یاد آوردن اندوخته های ذهنی و معلوماتی است که از خاطر رفته و به فراموشی سپرده شده است (برگرفته از لسان العرب). لازمه این معنا، بیداری و هوشیاری است.

کافران و نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۴

۱۴ عن أبی ابراهیم قال: .. <ثم الذین کفروا برّبهم یعدلون> قال: یعدلون بین الظلمات و النور و بین الجور و العدل.

امام کاظم (ع) درباره آیه <ثم الذین .. > فرمود: (کافرانی که برای خدا انباز می گیرند)، ظلمت و نور و ظلم و عدل را برابر قرار می دهند.

کسب نور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۹

۹ - کسب کردن نور از دیگران در قیامت ، در صورتی که انسان نور نداشته باشد ، ممکن نیست .

یوم یقول المنفقون .. قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورًا

مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۷

۷- مثل نور خداوند ، همانند چراغدانی است دربرگیرنده چراغی در میان آبگینه بلورین و چونان ستاره درخشان چراغی که از روغن زیتون با برکت و آماده اشتعال فروزان می شود .

مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه الزجاجه کأنها کوكب درى یوقد من شجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۶ - ۱،۴

۱ - مثل نور خدا ، همانند چراغ دانی است دربرگیرنده چراغی پر فروغ و نورافشان که در خانه هایی است که به اذن خداوند ، رتبه رفیع یافته اند و همواره مرکز یاد خدا هستند .

مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه .. فی بیوت أذن الله أن ترفع و یدک

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <فی بیوت> متعلق به <مشکوه> و صفت برای آن باشد.

۴ - مثل نور خداوند ، همانند چراغی است پرفروغ و درخشان در چراغ دانی که در خانه ها و معابدی مرتفع واقع است که همواره نام خداوند در آنها زنده می باشد .

مثل نوره کمشکوه فیها مصباح .. فی بیوت أذن الله أن ترفع و یدکر فیها اسمہ

برداشت فوق بر دو چیز استوار است: ۱ مراد از <ترفع> رفعت مادی باشد؛ چنان که خداوند درباره حضرت ابراهیم (ع) فرمود: <و إذا یرفع ابراهیم القواعد من البیت؛ و آن گاه ابراهیم پایه های خانه (خانه خدا) را بالا برد> بقره، آیه ۱۲۷. ۲- جمله <فی بیوت> ادامه تمثیل خداوند باشد.

از نور خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۶،۷

۶ - محرومان از نور الهی ، بی بهره از هر گونه نور و هدایت اند .

و من لم يجعل الله له نورًا فما له من نور

۷ - کافران ، به دلیل بی بهره بودن از نور الهی ، محروم از هر گونه هدایت اند .

و الذين كفروا أعمالهم .. كظلمت في بحر لَجِيٍّ ... إذا أخرج يده لم يكد يرها و من

مرکز نور خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۶ - ۲،۱۱

۲ - خانه هایی که به اذن خداوند عظمت و رفعت یافته اند و همواره یاد خدا در آنها زنده است ، مرکز نور و هدایت خدا هستند .

مثل نوره کمشکوه .. یهدی الله لنوره من یشاء... فی بیوت اذن الله أن ترفع و یدک

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که <فی بیوت > متعلق به <یهدی الله لنوره.. > باشد.

۱۱ - خانه هایی که در آنها همواره ذکر و تسبیح خدا گفته می شود ، مرکز نور خدا است .

مثل نوره کمشکوه .. فی بیوت اذن الله أن ترفع و یدکر فیها اسمہ یسبح له فیها با

منابع نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۳ - ۱

۱ - خداوند خورشید را چراغ فروزان و منبع نور و حرارت قرار داده است .

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا

<وَهَّجَ> (ریشه <وَهَّجَ>)، به معنای آتش و روشنایی آن است. (مقایس اللغه)

منشأ نور

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۸

۸ - خداوند ، یگانه سرچشمه نور و هدایت است .

و من لم يجعل الله له نورًا فما له من نور

منشأ نور آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۱

۱ - < طارق > ، ستاره ای است دارای پرتوی نافذ و شکافنده تاریکی ها در صحنه آسمان .

النجم الثاقب

< ثَقَبٌ > یعنی، دریدگی کم عمق (مصباح) و چون نور ستاره نفوذ می کند، آن را < ثاقب > گویند. (مقایس اللغه) استفهام از شناخت < طارق > در آیه قبل و توصیف آن به < نجم ثاقب > در این آیه بیانگر آن است ستاره ای خاص مورد نظر است.

منشأ نور آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱

۱ - خداوند ، نور آسمان ها و زمین است .

الله نور السموت و الأرض

منشأ نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ - ایجاد روشنایی هم چون درخشش خورشید ، خارج از توان غیر خداوند است .

من إله غير الله يأتيكم بضياء

تنوین در <ضیاء> اصطلاحاً تنوین تفخیم نامیده می شود؛ یعنی، <ضیاء عظیم> و آن به درخشش بزرگ و خیره کننده خورشید اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۲

۲ - مایه و سرچشمه نور خورشید، از درون خود آن و نور ماه از بیرون آن است .

و جعل

القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

مطلب یاد شده از تعبیر <سراج> (چراغ) درباره خورشید و <نور> در مورد <ماه> استفاده می شود؛ زیرا نور <خورشید> مانند چراغ از درون خودش می چوشد. اما نور <ماه> از درون خودش نیست؛ بلکه مانند بازتابی که از آینه منعکس می شود، از نور خورشید است.

منشأ نور زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱

۱ - خداوند ، نور آسمان ها و زمین است .

الله نور السموت و الأرض

منشأ نور ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۲

۲ - مایه و سرچشمه نور خورشید ، از درون خود آن و نور ماه از بیرون آن است .

و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

مطلب یاد شده از تعبیر <سراج> (چراغ) درباره خورشید و <نور> در مورد <ماه> استفاده می شود؛ زیرا نور <خورشید> مانند چراغ از درون خودش می چوشد. اما نور <ماه> از درون خودش نیست؛ بلکه مانند بازتابی که از آینه منعکس می شود، از نور خورشید است.

منشأ نور ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۲ - ۳

۳ - نور ماه ، تابع نور خورشید است . *

و القمر إذا تليها

جانشین بودن ماه برای خورشید و نه عکس آن، بیانگر فرع بودن نور ماه است.

موارد نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۹

۹ - کفر، ظلمت و

راه خدا ، نور است .

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

به قرینه آیات بعد، که درباره کافران و سدّ کنندگان راه خداست، مراد از <ظلمات>، کفر و مراد از <نور>، راه خداست.

نزول دفعی سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۱

۱- سوره نور ، به صورت دفعی و یکباره نازل گشت .

سوره أنزلنها

<سوره> خبر برای مبتدای محذوف (هذه) است و مشارالیه <هذه> مجموعه آیاتی است که بر پیامبر(ص) نازل شد. بنابراین لازمه این امر، آن است که این مجموعه، یکباره و به هم پیوسته نازل شده باشد. گفتنی است اشاره شدن این مجموعه با واژه <هذه> که برای اشاره به نزدیک است مؤید برداشت یاد شده است.

نشانه های نور خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۴

۴ - وجود جلوه گری جهان آفرینش ، پرتوی از نور خداوند است .

اللّه نور السموت و الأرض

نعمت نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۵

۵ - توالی شب و روز و پدیدار شدن نور و تاریکی در زندگی ، از نعمت های الهی برای بشر است .

لا الشمس ينبغي لها أن تدرک القمر . . . و کلّ فی فلکک یسبحون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای بشر است.

نعمت نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۴

۴ - خورشید

و نور آن ، نعمتی الهی است .

و الشمس و ضحیها

<سوگند>، زمانی می تواند مخاطب را به قبول سخن وادار سازد که آنچه به آن سوگند یاد شده است؛ مورد علاقه او بوده و به حال او سودمند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۳

۳ - نور خورشید و برآمدن آن در صبحگاه ، نعمتی الهی است .

و الضحی

نور ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷ - ۹، ۷

۷ خداوند ، با محروم ساختن منافقان از نور ایمان ، آنان را به ظلمتهایی شدید گرفتار می سازد .

ذهب الله بنورهم و ترکهم فی ظلمت لایبصرون

نکره بودن <ظلمات> حاکی از شدت ظلمت است.

۹ هیچ امیدی به راهیابی و هدایت منافقان پس از سلب شدن نور ایمان از آنان ، وجود ندارد .

و ترکهم فی ظلمت لایبصرون

جمله <ترکهم فی ظلمات> بیان می کند که: ظلمتها منافقان را احاطه کرده و در نتیجه راه به جایی نمی برند و جمله <لایبصرون> (آنها نمی بینند)، حاکی از آن است که ابزار دیدن و هدایت شدن در آنان نابود شده است؛ یعنی علاوه بر اینکه موانع هدایت برای آنان ایجاد شده مقتضی هدایت نیز از آنان سلب گشته است.

نور بودن قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧ - توبه - ٩ - ٣٢ - ٥

٥ قرآن ، نور خداست .

يريدون أن يطفئوا نور الله

نور خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ٣٢ - ٥،١٤

٥

قرآن ، نور خداست .

یریدون أن یطفئوا نور الله

۱۴ از علی (ع) روایت شده است که فرمود: > صعد رسول الله (ص) المنبر فقال: ان الله نظر إلى أهل الأرض ... فاختارني منهم ثم نظر ثانیه فاختار علیاً ... و هو نور الأرض بعدی ... ثم تلا رسول الله (ص): یریدون لیطفئوا نور الله بأفواههم ... ;

رسول خدا (ص) بالای منبر رفته و فرمودند: خدا به اهل زمین توجه کرد پس مرا از بین آنان انتخاب فرمود، سپس توجه دیگری کرد و علی (ع) را انتخاب نمود ... و او بعد از من، نور زمین است ... آن گاه رسول خدا (ص) این آیه را تلاوت فرمود: می خواهند نور خدا را با دهانهای خویش خاموش کنند ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱۷، ۲۴

۱۷ - هدایت یافتن انسان ها به نور خدا ، به مشیت او بستگی دارد .

یهدی الله لنوره من یشاء

۲۴ - مشیت خداوند بر هدایت مردمان به نور خویش ، برخاسته از علم فراگیر او است .

یهدی الله لنوره من یشاء ... و الله بكل شیء علیم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <و الله بكل شیء علیم>، عطف بر جمله <یهدی الله..> باشد. یاد کرد علم همه جانبه خداوند پس از مشیت مطلقه او، می رساند که مشیت خدا، مرتبط با علم او و برخاسته از آن است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۹

۹ - فرو رفتن کفرپیشگان در ظلالت و سردرگمی گریز ناپذیر ، برخاسته از محرومیت آنان از نور هدایت الهی است .

و الذین کفروا أعملهم .. کظلمت فی بحر لَجّی ... من فوقه سحاب ظلمت بعضها فوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۳

۳ - تابش نور عدل و قسط الهی بر اهل زمین در قیامت

و أشرقت الأرض بنور ربّها

بسیاری از مفسران گفته اند: مقصود از نور در این آیه، به قرینه جمله های بعدی که درباره نامه اعمال و داوری به حق خداوند سخن گفته است نور عدل و قسط الهی است؛ چنان که در فرهنگ عرب، به پادشاهی که عادل باشد گفته می شود (أشرقت الأفاق بعدلک و أضئت الدنيا بقسطک).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۱

۱ - اسلام و قرآن ، نور الهی است .

یریدون لیطفؤا نور الله

با توجه به آیه قبل، استفاده می شود که مراد از <نور الله> قرآن و اسلام است.

نور ماه از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۳

۳ - محو شدن نور ماه در شب و روشنگری خورشید ، دو نشانه از نشانه های خداست .

فمحونا ءایه الیل و جعلنا ءایه النهار مبصره

این برداشت بنابراین است که منظور از <آیه اللیل> ماه و <آیه النهار> خورشید باشد.

نور و ظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره

۳ خداوند ، هدایتگر اهل ایمان ، از تاریکی ها به سوی نور

اللّٰهُ وَلِيّٰ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يَخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ

۴ هدایت مؤمنان از تاریکی ها به نور ، پرتویی از ولایت الهی بر آنان

اللّٰهُ وَلِيّٰ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يَخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ

جمله <یخرجهم ... > پس از طرح ولایت الهی نسبت به مؤمنان، به منزله بیان و یا ارائه نمونه ای است از ولایت خداوندی.

۶ ایمان به خداوند ، زمینه ساز راهیابی انسان به نور

اللّٰهُ وَلِيّٰ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يَخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ

۷ انسان ، همواره بر سر دوراهی نور و ظلمت

يَخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ .. يَخْرِجُوْنَهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ

۹ کفر ، زمینه ساز سرپرستی و حاکمیت طاغوت و انحراف از نور به ظلمتها

و الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَوْلِيَآؤُهُمُ الطَّاغُوْتُ يَخْرِجُوْنَهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ

۱۱ حاکمیت طاغوت ، منحرف کننده جامعه ، به سوی ظلمت ها و تباهیها

اَوْلِيَآؤُهُمُ الطَّاغُوْتُ يَخْرِجُوْنَهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۹

۹ قرآن و پیامبر (ص) ، خارج کننده انسان ها از تاریکی و گمراهی به نور و هدایت با اذن خداوند

و يَخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ

در برداشت فوق <بازنه> متعلق به <یخرجهم> گرفته شده است. بر این مبنا ضمیر در <یخرجهم> باید به <نور> و <کتاب> برگردانده شود، نه به <الله>، چون معنا ندارد که خدا با اذن خودش کاری انجام دهد.

نیاز به نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید -

۲ - حرکت در عرصه تاریک قیامت ، نیازمند داشتن نور و روشنایی از خود

یوم یقول المنفقون .. انظرونا نقتبس من نورکم

وحدت نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۶

۶ تعدد تاریکیها و گمراهیها و وحدت نور و هدایت در جهان آفرینش

و جعل الظلمت و النور

جمع آوردن <ظلمات> در برابر <نور> به صورت مفرد می تواند اشاره به تعدد راههای گمراهی و یگانه بودن راه مستقیم هدایت باشد.

ورود مؤمنان به نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۳ - ۶

۶ - دعا و تحیت ملائکه بر مؤمنان ، زمینه ساز بیرون بردن آنان از ظلمت ها به نور است .

هو الذی یصلی علیکم و ملئکتہ لیخرجکم من الظلمت إلی النور

ویژگیهای سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۱،۴

۱ - سوره نور ، به صورت دفعی و یکباره نازل گشت .

سوره أنزلنها

<سوره> خبر برای ابتدای محذوف (هذه) است و مشارالیه <هذه> مجموعه آیاتی است که بر پیامبر(ص) نازل شد. بنابراین لازمه این امر، آن است که این مجموعه، یکباره و به هم پیوسته نازل شده باشد. گفتنی است اشاره شدن این مجموعه با واژه <هذه> که برای اشاره به نزدیک است مؤید برداشت یاد شده است.

۴- مجموع آیات سوره نور، شامل دو بخش است: احکام واجب الاجرا و معارف شایان توجه و تذکر.

سوره أنزلنها و فرضنها

<فرض> به معنای ایجاب قطعیت و الزام است (لسان

العرب). از این رو مفسران برآنند که فرض کردن سوره، یا به اعتبار وجود احکام لازم الاجرا در این سوره است و یا به اعتبار وجود عقاید و معارف خدشه ناپذیر و شایان توجه در آن می باشد.

ویژگیهای نور خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۸،۱۵

۸ - نور خداوند، ذاتی و به دور از هر گونه تیرگی و کدوری

مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه الزجاجه کأنها کوكب درّی یوقد من شجر

برداشت یاد شده بر اساس دو نکته ای است که در تشبیه نور خدا وجود دارد: ۱ روغن و مایه نور، بدون دخالت عامل خارجی (عامل آتش زا)، مشتعل و نورافشان است (و لو لم تمسه نار). این حکایت از آن دارد که نور خدا، از خود او است و به سبب عامل خارجی نیست. ۲- نور چراغ هم چون ستاره ای درخشان بسیار پرفروغ و شفاف است و این بیانگر این حقیقت است که نور خدا، از هر گونه تیرگی و کدوری منزّه است.

۱۵ - نور خداوند، در نهایت شدت و روشنایی و عاری از هر گونه ظلمت و تاریکی است.

نور علی نور

حرف <علی> در <نور علی نور> برای استعلاّی مجازی و به معنای تعاون است و غرض از آن، بیان شدت نورالهی و خالص بودن آن از هر ظلمت و تاریکی است.

هدایت به نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۱۲، ۱۱، ۵، ۴

۴ - هدف از نزول قرآن، بیرون آوردن مردم از ظلمت ها و رهنمونی

آنان به نور و روشنایی ها است .

ليخرج الذين ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

۵ - پیامبر (ص) ، وظیفه دار هدایت مردم به سوی نور و خارج کردن آنان از ظلمت ها (گمراهی ها) در پرتو تعالیم قرآن کریم

ليخرج الذين ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

۱۱ - سنت پیامبر (ص) ، همگام و همتراز قرآن ، در نجات مردم از ظلمت ها و هدایت آنان به سوی نور

ليخرج الذين ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خارج ساختن مردم از ظلمت کفر و هدایت آنان به نور ایمان، هدفی دائمی است. از سوی دیگر پیامبر(ص) همچون سایر انسان ها، از دنیا خواهد رفت. بنابراین تنها سنت آن حضرت، می تواند همواره چنین نقشی را ایفا کند.

۱۲ - ایمان و عمل صالح ، نشانه رهایی از ظلمت ها و هدایت به نور است .

و من يؤمن بالله و يعمل صلحًا يدخله جنت

ذکر پاداش بهشت برای مؤمنان نیکوکار پس از طرح مسأله ظلمت کفر و نور ایمان می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ خداوند ، خارج کننده انسان ها از ظلمت و تاریکی به نور و هدایت

يخرجهم من الظلمت إلى النور

بنابر اینکه ضمیر فاعلی در <يخرجهم> به <الله> برگردانده شود. بر این مبنا <باذنه> به معنای <بعلمه> خواهد بود.

هدایت به نور خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور -

۳ - هدایت و راه یابی به نور ویژه خداوند ، دارای راه ها و مکان های ویژه است .

یهدی الله لنوره من یشاء .. فی بیوت اذن الله أن ترفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۵

۵ - مردمان تسبیح گو ، ذاکر ، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، از هدایت خاص خداوند به نور خویش برخوردارند .

یهدی الله لنوره من یشاء .. فی بیوت اذن الله ... یسبح له فیها ... رجال لاتله

نور و ظلمت

نور و ظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۹، ۱۱، ۷، ۶، ۴، ۳

۳ خداوند ، هدایتگر اهل ایمان ، از تاریکی ها به سوی نور

الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور

۴ هدایت مؤمنان از تاریکی ها به نور ، پرتویی از ولایت الهی بر آنان

الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور

جمله <یخرجهم .. > پس از طرح ولایت الهی نسبت به مؤمنان، به منزله بیان و یا ارائه نمونه ای است از ولایت خداوندی.

۶ ایمان به خداوند ، زمینه ساز راهیابی انسان به نور

الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور

۷ انسان ، همواره بر سر دوراهی نور و ظلمت

يخرجهم من الظلمات الى النور . . . يخرجونهم من النور الى الظلمات

۹ کفر ، زمينه ساز سرپرستی و حاکمیت طاغوت و انحراف از نور به ظلمتها

و الذين كفروا اولياؤهم الطاغوت يخرجونهم من النور الى الظلمات

۱۱ حاکمیت طاغوت ، منحرف کننده

جامعه ، به سوی ظلمت ها و تباہیها

اولیاءوهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۹

۹ قرآن و پیامبر (ص) ، خارج کننده انسان ها از تاریکی و گمراهی به نور و هدایت با اذن خداوند

و یخرجهم من الظلمت إلی النور باذنه

در برداشت فوق <باذنه> متعلق به <یخرجهم> گرفته شده است. بر این مبنا ضمیر در <یخرجهم> باید به <نور> و <کتاب> برگردانده شود، نه به <الله>، چون معنا ندارد که خدا با اذن خودش کاری انجام دهد.

نورانیت

آثار نورانیت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - انسان ، برای گذار از ظلمات قیامت ، باید از خود نوری داشته باشد که راه را برای او روشن کند .

و یجعل لکم نورًا تمشون به

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <تمشون>، پیمودن راه در عرصه قیامت باشد.

آثار نورانیت اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، در قیامت به مؤمنان تقوایبیشه نوری عطا خواهد کرد که در پرتو آن از ظلمات قیامت گذر کنند .

و یجعل لکم نورًا تمشون به

آثار نورانیت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۴

۴ - درخشش نور مؤمنان ، موجب روشن شدن راه ایشان از پیش رو ، سمت راست و سمت چپ آنان در قیامت

یوم ترى المؤمنین و المؤمنت یسعی

نورهم بین ایدیهیم و بأیمنهم

در آیه شریفه از فن <اكتفا> استفاده شده است، یعنی، با ذکر <بأیمانهم> از بیان <و بشمائلهم> اکتفا شده است. بنابراین تقدیر آیه چنین می شود: <یسعی نورهم بین ایدیهیم و بأیمانهم و بشمائلهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - خداوند، در قیامت به مؤمنان تقوایبیشه نوری عطا خواهد کرد که در پرتو آن از ظلمات قیامت گذر کنند.

و يجعل لكم نورًا تمشون به

زیبایی نورانیت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۶

۶ - منظره حرکت شتابان زنان و مردان مؤمن در قیامت، به سوی بهشت با چهره هایی چونان چراغ فروزان، بس زیبا و چشم نواز برای بینندگان

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم بین ایدیهیم و بأیمنهم

در صورتی که مراد <تری> هر فرد بیننده باشد، به نظر می رسد آیه شریفه در مقام تصویر صحنه ای است که نظر هر بیننده ای را در آن روز به خود جلب می کند.

عوامل نورانیت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۲ - ۲

۲ - آخرت طلبی و دل نبستن به دنیا، موجب سرور و تابناکی چهره ها در قیامت

وجوه یومئذ ناضره

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، بیانگر جایگاه اخروی کسانی است که در قطب مخالف دلبستگان

به دنیا قرار دارند.

عوامل نورانیت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷

۱ - یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن)، حیات و روشنی بخش دل ها است .

أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لَذِكْرِ اللَّهِ .. و اعلموا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضِ

جمله <اعلموا أن الله..> تعلیل برای جمله <ألم یأن... لذكر الله> است. در این تعلیل، دل های غافل از یاد خدا و بیگانه با کلام او (قرآن)، به زمین مرده و یاد خدا و کلام او (قرآن)، به باران تشبیه شده است. همان طور که خداوند به وسیله باران، زمین مرده را زنده می کند، یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن) نیز، دل های غافل و مرده را حیات می بخشد و نورانی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۹

۹ - ایمان و تقوا، سبب می شود که خداوند، در درون انسان نوری قرار دهد که با آن بتواند راه درست را تشخیص داده و مسیر زندگی را سالم طی کند .

و يجعل لكم نورًا تمشون به

جمله <يجعل لكم..> (نظیر جمله پیشین) جواب برای شرط مقدر است. تقدیر آن چنین می شود: <إِنْ تَتَّقُوا وَ تَوَّعَبُوا
برسوله يجعل لكم نوراً تمشون به.>

مدت نورانیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۸ - ۲

۲ - تابندگی خورشید، تا آستانه برپایی قیامت

و خسف القمر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که نور ماه، بازتاب نور خورشید است و بی فروغ شدن ماه در آستانه برپایی قیامت، به سبب بی فروغ شدن خورشید است.

منشأ

نورانیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۳ - ۱

۱ - خداوند خورشید را چراغ فروزان و منبع نور و حرارت قرار داده است .

و جعلنا سراجًا وهاجًا

<وَهَجَ> (ریشه <وَهَّجَ>)، به معنای آتش و روشنایی آن است. (مقایس اللغه)

موجبات نورانیت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۱۴

۱۴ - ایمان و تعاون در امر دین ، موجب نورانیت انسان ها در عرصه قیامت

نورهم یسعی بین أیدیهم و بأیمنهم یقولون ربنا أتمم لنا نورنا

نورانیت اخروی پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلَّه یزکی . أو یدکر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

نورانیت اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لَعَلَّ يَزْكَى . أَوْ يَذَّكَّرَ ... جَاءَكَ يَسْعَى . وَ هُوَ يَخْشَى ... وَجْهَ يَوْمئِذٍ مَسْفُورَه

نورانیت اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۲،۶

۲ - حضور مردان و زنان مؤمن ، با چهره هایی تابان در عرصه قیامت

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم

۶ - منظره حرکت شتابان زنان و مردان مؤمن در قیامت ،

به سوی بهشت با چهره هایی چونان چراغ فروزان ، بس زیبا و چشم نواز برای بینندگان

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم بین أیدیهم و بأیمنهم

در صورتی که مراد <تری> هر فرد بیننده باشد، به نظر می رسد آیه شریفه در مقام تصویر صحنه ای است که نظر هر بیننده ای را در آن روز به خود جلب می کند.

نورانیت اخروی صدیقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - صدیقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت دارای نورانیتی ویژه و مخصوص به خود هستند .

لهم ... و نورهم

نورانیت اخروی گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - صدیقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت دارای نورانیتی ویژه و مخصوص به خود هستند .

لهم ... و نورهم

نورانیت اخروی موعظه پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لَعَلَّ یَزْکَی . أَوْ یَذْکُر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

نورانیت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۲،۳

۲ - حضور مردان و زنان مؤمن ، با چهره هایی تابان در عرصه قیامت

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم

۳ - فروغ چهره مؤمنان ، روشنگر راه آنان در قیامت

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم

<سعی> به معنای دویدن است. دویدن نور مؤمنان در پیش روی آنان، بیانگر آن است که آنان دوان دوان به سوی در حرکت اند. برخی از مفسران برآند که در این حال، آنان به سوی بهشت می روند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۳۸

۳ - مؤمنان ، برخوردار از نور و روشنایی در صحنه تاریک قیامت

یوم یقول المنفقون . . انظرونا نقتبس من نورکم

۸ - مهلت خواهی منافقان از مؤمنان در قیامت ، برای برگرفتن مقداری از نور ایشان

یوم یقول المنفقون . . انظرونا نقتبس من نورکم

ماده <نظر> هرگاه بدون واسطه متعدی شود، به معنای انتظار کشیدن و مهلت دادن خواهد بود. بنابراین <انظرونا> یعنی، انتظار ما را بکشید و ما را مهلت دهید. <قتبس> (مبدأ اشتقاق <نقتبس>) به شعله ای از یک آتش گفته می شود. بنابراین <نقتبس من نورکم> یعنی، تا شعله ای از نور شما برگیریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۱۲

۱۲ - حضور مؤمنان در عرصه قیامت ، با درخشش نور از وجود آنان

نورهم یسعی بین أیدیهم و بأیمنهم

نورانیت اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لَعَلَّ يَزْكَى . أَوْ يَذَّكَّرَ ... جَاءَكَ يَسْعَى . وَهُوَ يَخْشَى ... وَجْهَ يَوْمئِذٍ مَسْفُورَه

نورانیت اسلام

جلد - نام سورہ - سورہ

- آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۱،۴

۱ - اسلام و قرآن ، نور الهی است .

یریدون لیطفؤا نور الله

با توجه به آیه قبل، استفاده می شود که مراد از <نور الله> قرآن و اسلام است.

۴ - تلاش برای خاموش کردن نور اسلام ، تلاشی مذبحانه و بی فرجام است .

یریدون لیطفؤا نور الله .. و الله متمّ نوره

نورانیت ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۳،۶

۳ ایمان، حیات است و مولد نور و کفر، مرگ است و تاریکی.

أو من كان میتا فأحییته .. کمن مثله فی الظلمت

۶ نور ایمان، روشنگر خطوط و افکار مختلف جامعه برای مؤمنان است.

و جعلنا له نورا یمشی به فی الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۲

۲ - ایمان چون نور ، مایه هدایت و روشنایی و کفر ، همچون ظلمت ، مایه گمراهی و تاریک بینی

و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۱۲،۱۳

۱۲ - ایمان و عمل صالح ، نور است .

قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورًا

<إلتماس> (مصدر <التمسوا>) به معنای تحصیل و به دست آوردن است. در صورتی که مراد از <ورائکم> دنیا باشد، مقصود این خواهد بود که به دنیا برگردید و با ایمان و عمل صالح، برای آخرت خود نور به دست آورید.

۱۳ - قیامت ، روز جلوه گر شدن حقیقت نورانی ایمان و عمل صالح

قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورًا

نورانیت تورات

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۸

۸ روشنی و روشننگری و هدایتگری برای توده های مردم، از ویژگیهای تورات است.

الكتب الذى جاء به موسى نورا و هدى للناس

از ویژگیهای بارز برای <نور>، روشنی آن و همچنین روشن ساختن چیزهایی است که در پرتو آن قرار گیرند. توصیف تورات به این وصف بیانگر وجود این دو ویژگی در آن کتاب آسمانی است.

نورانیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۷

۱۷ خداوند ، حقیقتی بصیر و پرفروغ است و معبود های اهل شرک کور و تاریکند .

قل هل يستوى الأعمى والبصير أم هل تستوى الظلمت والنور

برداشت فوق بر این مبناست که <أعمى> و <ظلمات> اوصاف معبودهای اهل شرک و <بصیر> و <نور> وصف خداوند باشد.

نورانیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۲

۲ فروزندگی خورشید و تابندگی ماه ، جلوه هایی از ربوبیت و تدبیر خدا نسبت به اهل زمین

إن ربكم الله . . هو الذى جعل الشمس ضياء و القمر نوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - نبأ - ٧٨ - ١٣ - ٢

٢ - خورشيد پر فروغ ، نعمتی الهی است .

و جعلنا سراجًا وهاجًا

نورانيت سييل الله

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۹

۹- کفر ، ظلمت و راه خدا ، نور است .

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

به قرینه آیات بعد، که درباره کافران و سدّ کنندگان راه خداست، مراد از <ظلمات>، کفر و مراد از <نور>، راه خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۵

۵- کفر ، ظلمت و راه خدا ، نور است .

أخرج قومك من الظلمت إلى النور

از آن جایی که هدف پیامبران و از جمله موسی (ع) هدایت مردم بوده است؛ احتمالاً، مراد از خارج کردن مردم از ظلمت، نجات از کفر و بردن آنان به سوی نور، هدایت آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۷

۷ - کفر ، ظلمت و راه خدا ، نور است .

من الظلمت إلى النور

از این قرینه که مقصود از نور قرآن و راه خدا است؛ استفاده می شود که مراد از ظلمات، راه های کفر است.

نورانیت ستاره پروین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۳

۳ - کیوان یا پروین ، اختری تابان که نور آن تاریکی فضا را می شکافد . *

از ستارگانی که <النجم الثاقب> توصیفگر آن است، ستاره زحل (کیوان) می باشد (قاموس). برخی دیگر آن را بر <ثریا> (پروین) تطبیق داده و گفته اند: چون <النجم> هرگاه به صورت مطلق آورده شود، مراد از آن ستاره پروین است. پس در آیه

نیز همان ستاره مورد نظر است.

نورانیت ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۴

۴ - > عن أبان بن تغلب قال : كنت عند أبي عبد الله (ع) إذ دخل عليه رجل من أهل اليمن . . . فقال له أبو عبد الله (ع) : . . .
فما زحل عندكم في النجوم ؟ فقال اليماني : نجم نحس ، فقال له أبو عبد الله (ع) : مه لا تقولن هذا فإنه نجم أمير المؤمنين (ع)
و هو نجم الأوصياء (ع) و هو النجم الثاقب الذي قال الله عز وجل في كتابه فقال له اليماني : فما يعنى بالثاقب قال : إن مطلعته
في السماء السابعة و إنه ثقب بضوئه حتى أضاء في السماء الدنيا فمن ثم سماه الله عز وجل النجم الثاقب ؛

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . . . امام صادق(ع) به
او فرمود: مقام زحل در بین ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق(ع) فرمود:
بس کن و این را مگو؛ زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان <نجم ثاقب> است که خدای عزوجل
در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با
نورش [آسمان ها را] می شکافد تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزوجل آن را <نجم ثاقب>
(ستاره شکافنده) نامیده است.<

نورانیت

ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۱

۱ - < طارق > ، ستاره ای است دارای پرتوی نافذ و شکافنده تاریکی ها در صحنه آسمان .

النجم الثاقب

< ثَقَبٌ > یعنی، دریدگی کم عمق (مصباح) و چون نور ستاره نفوذ می کند، آن را < ثاقب > گویند. (مقایس اللغه) استفهام از شناخت < طارق > در آیه قبل و توصیف آن به < نجم ثاقب > در این آیه بیانگر آن است ستاره ای خاص مورد نظر است.

نورانیت ستاره کیوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۳

۳ - کیوان یا پروین ، اختری تابان که نور آن تاریکی فضا را می شکافد . *

و الطارق .. النجم الثاقب

از ستارگانی که < النجم الثاقب > توصیفگر آن است، ستاره زحل (کیوان) می باشد (قاموس). برخی دیگر آن را بر < ثریا > (پروین) تطبیق داده و گفته اند: چون < النجم > هرگاه به صورت مطلق آورده شود، مراد از آن ستاره پروین است پس در آیه نیز همان ستاره مورد نظر است.

نورانیت صورت ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۴ - ۱، ۲

۱ - وفور ، خرمی و طراوت نعمت های آخرت ، نیکوکاران را شاداب و دارای رخساری درخشان خواهد ساخت .

تعرف فی وجوههم نضره النعیم

< نعیم > به معنای نعمت فراوان، < نضره > به معنای زیبایی و < نضره النعیم > به معنای درخشندگی آن است (مفردات

راغب). مراد از آن به قرینه <تعرف فی وجوههم>، تابناکی چهره بر اثر نعمت وافر است.

نور و زیبایی در رخسار نیکوکاران بر اثر نعمت های آخرت ، بر هر بیننده ای آشکار و مشهود است .

تعرف فی وجوههم نصره النعیم

<تعرف>، خطاب به نوع است و هر مخاطبی را شامل می شود.

نورانیت عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۱۲، ۱۳

۱۲ - ایمان و عمل صالح ، نور است .

قیل ارجعوا وراءكم فالتمسوا نورًا

<إلتماس> (مصدر <التمسوا>) به معنای تحصیل و به دست آوردن است. در صورتی که مراد از <ورائکم> دنیا باشد، مقصود این خواهد بود که به دنیا برگردید و با ایمان و عمل صالح، برای آخرت خود نور به دست آورید.

۱۳ - قیامت ، روز جلوه گر شدن حقیقت نورانی ایمان و عمل صالح

قیل ارجعوا وراءكم فالتمسوا نورًا

نورانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۵

۲۵ قرآن سراسر نور و روشنگر راه رستگاری است .

فالذین .. اتبعوا النور الذی أنزل معه أولئک هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۹

۹ - قرآن ، نور الهی در تاریکی های نادانی و موجب هدایت انسان از گمراهی است .

و لكن جعلنه نورًا نهدي به من نشاء من عبادنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۴

۴ - رهنمود ها و معارف قرآن ، همچون نور خود روشن و روشنایی بخش حیات بشر و روشنگر حقایق است .

والنور

نورانیت قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۵ شرح صدر نور الهی در قلب مؤمنان است. *

و جعلنا له نورا یمشی . . . فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره

<فاء> در <فمن یرد . . . > عطف و تفریع بر آیات قبل است. در آیه ۱۲۲ (أو من كان میتا ...) مردم به دو دسته تقسیم شدند: حیات یافتگان دارای نور و فروماندگان در ظلمت. در این آیه با نتیجه گیری از مجموع آیات، هدایت یافتگان دارای شرح صدر و گمراهان مبتلا به تنگی صدر شمرده شده اند. محتمل است شرح صدر همان نوری باشد که در آیه ۱۲۲ مطرح شده است.

۱۶ لما نزلت هذه الآیه سئل رسول الله (ص) عن شرح الصدر ما هو؟ فقال: نور یقذفه الله فی قلب المؤمن فینشرح له صدره و ینفسح . . .

آنگاه که آیه <فمن یرد الله . . . > نازل شد از رسول خدا (ص) سؤال کردند، شرح صدر چیست؟ فرمود: نوری است که خداوند در قلب مؤمن می افکند و با آن سینه اش را باز می گرداند . . .

۱۸ عن أبی عبدالله (ع) قال: إن الله عز و جل إذا أراد بعبد خیرا نکت فی قلبه نکتة من نور و فتح مسامع قلبه و کل به ملکا یسده و إذا أراد بعبد سوءا نکت فی قلبه نکتة سوداء و سد مسامع قلبه و وکل به شیطانا یضله ثم تلا هذه الآیه: <فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للاسلام و من یرد أن یضله یجعل صدره ضیقا حرجا>.

امام صادق (ع) فرمود: هر گاه خداوند عز و جل برای بنده ای خیری بخواهد، در

دلش نقطه ای از نور ایجاد می کند و گوشه‌های دلش را بازمی گرداند و فرشته ای بر او می گمارد که وی را در کارهایش استوار نماید. و آنگاه که خدا برای بنده ای بدی بخواهد، در دلش نقطه ای سیاه ایجاد کرده و گوشه‌های دلش را می بندد و شیطانی را بر او می گمارد تا گمراهش کند، سپس امام صادق(ع) آیه <فمن یرد الله ... > را تلاوت فرمود.

نورانیت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

نورانیت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۲

۲ فروزندی خورشید و تابندگی ماه ، جلوه هایی از ربوبیت و تدبیر خدا نسبت به اهل زمین

إن ربکم الله . .. هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نورًا

نورانیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۵،۷

۵ مؤمن با نور الهی مسیر صحیح حرکت را در جامعه و بین مردم درمی یابد.

و جعلنا له نورا یمشی به فی الناس

۷ توجه دادن مؤمنان به حیات معنوی خود و برخورداری از نور الهی، بازدارنده آنان از اطاعت مشرکان و گمراهان

و إن أطعتموهم إنکم لمشرکون. أو من کان میتا فأحیینه و جعلنا له نورا یمشی به فی ال

تمثیل مذکور برای بر حذر داشتن مسلمانان از اطاعت مشرکان است.

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۵

۱۵ - > فی المجمع بعد ذکر هذه الآية < لهم أجرهم و نورهم > أي لهم ثواب طاعتهم و نور إيمانهم الذي يهتدون به إلى طريق الجنة . . . رواه البراء بن عازب عن النبي (ص) ;

در مجمع البيان بعد از ذکر آیه < لهم أجرهم و نورهم > آمده است: مقصود این است که برای آنان است پاداش طاعت و نور ایمانشان که به وسیله آن به راه بهشت هدایت می شوند و این معنا را براء بن عازب از نبی اکرم(ص) روایت نموده است.

نورانیت هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۸

۸ - < ضلالت و گمراهی > ، ظلمت و تاریکی و < هدایت و رهایی > ، نور و روشنایی است .

ليخرجكم من الظلمت إلى النور

استعاره آوردن <ظلمت> برای ضلالت و <نور> برای هدایت بیانگر مطلب یاد شده است.

نوزاد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نوزاد

ادراک نوزاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۳

۳- عدم برخورداری فرزند انسان از علم و آگاهی از طریق ابزار شنوایی ، بینایی و قلب به هنگام تولد ، از نشانه های تدبیر و حکمت الهی *

و الله أخرجكم من بطون أمهتكم لا تعلمون شيئاً

این آیه در مقام اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت

این موضوع در زندگی انسانها داشته باشد.

اهمیت مصالح نوزاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۱۳، ۱۴، ۱۵

۱۳ - شیردادن مادران به نوزادان خود، به مصالح و منافع نوزادان نزدیک تر از دایگان است .

فإن أرضعن لكم .. و إن تعاسرتم فسترضع له أُمّی

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد بیان راه کارهای شایسته برای تأمین مصالح و منافع نوزادان است و در این راستا، شیردادن مادران بر دایگان مقدم ذکر شده است.

۱۴ - شیردادن دایگان، به نوزادان زنان مطلقه، تنها در صورت ضرورت و با مشورت و هم فکری پدر و مادر آنان، شایسته و بجا است .

و أتمروا بینکم بمعروف و إن تعاسرتم فسترضع له أُمّی

۱۵ - رعایت مصالح و منافع نوزادان، اساس جهت گیری های تعالیم و رهنمود های الهی در زمینه طلاق است .

فأنفقوا علیهنّ حتّی یضعن حملهنّ .. و أتمروا بینکم بمعروف و إن تعاسرتم فسترضع ل

فرمان خداوند، به تأمین هزینه زندگی زنان مطلقه در ایام بارداری و نیز پرداخت اجرت شیردادن به نوزادشان و یا گرفتن دایه برای آنان، همگی دلیل توجه و عنایت ویژه تعالیم اسلام، به مصالح و منافع نوزادان در هنگام طلاق است.

بینایی نوزاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۳

۳- عدم برخورداری فرزند انسان از علم و آگاهی از طریق ابزار شنوایی، بینایی و قلب به هنگام تولد، از نشانه های تدبیر و

حکمت الهی *

و الله أخرجکم من بطون

این آیه در مقام اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت این موضوع در زندگی انسانها داشته باشد.

تغذیه نوزاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۶

۶ - مردان باید به زنان مطلقه ، بابت شیردادن فرزندان خود اجرت بپردازند .

فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ

۱۰ - در صورت به توافق نرسیدن مردان و زنان مطلقه درباره شیردادن نوزاد خویش به خاطر دشوار بودن آن و یا سخت گیری آنان بر یکدیگر باید نوزاد را به دایه بسپارند .

و إِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فِئْتَرَضِعَ لَهُ أُخْرَى

۱۲ - زنان مطلقه ، دارای حق تقدّم و اولویت در شیردادن به نوزادان خود

فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ .. و إِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فِئْتَرَضِعَ لَهُ أُخْرَى

برداشت یاد شده، با توجه این نکته است که صورت شیردادن مادران مطلقه به نوزادان خود، در آغاز مطرح شده است. سپس صورت اختلاف و دایه گرفتن برای نوزادان، بیان گردیده است.

۱۳ - شیردادن مادران به نوزادان خود ، به مصالح و منافع نوزادان نزدیک تر از دایگان است .

فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ .. و إِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فِئْتَرَضِعَ لَهُ أُخْرَى

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد بیان راه کارهای شایسته برای تأمین مصالح و منافع نوزادان است و در این راستا، شیردادن مادران بر دایگان مقدم ذکر شده است.

شگفتی تکلم نوزاد

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۹ - ۶

۶- زبان گشودن کودکی آرمیده در گهواره و تشریح ماجرای میلاد خویش ، برای قوم مریم قابل تصور نبود .

کیف نکلم من کان فی المهد صبیا

<مهد> گهواره یا هر مکان دیگری است که برای آرمیدن کودک اختصاص یابد.

شنوایی نوزاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۳

۳- عدم برخورداری فرزند انسان از علم و آگاهی از طریق ابزار شنوایی ، بینایی و قلب به هنگام تولد ، از نشانه های تدبیر و

حکمت الهی *

و الله أخرجکم من بطون أمهتکم لاتعلمون شیئا

این آیه در مقام اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت این موضوع در زندگی انسانها داشته باشد.

قلب نوزاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۳

۳- عدم برخورداری فرزند انسان از علم و آگاهی از طریق ابزار شنوایی ، بینایی و قلب به هنگام تولد ، از نشانه های تدبیر و

حکمت الهی *

و الله أخرجکم من بطون أمهتکم لاتعلمون شیئا

این آیه در مقام اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت این موضوع در زندگی

انسانها داشته باشد.

منشأ سلامتی نوزاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۲

۱۲ والدین در دوران جنینی کودک ، تنها خداوند را در اعطای فرزندى سالم مؤثر می دانند .

لئن ءاتیتنا صلحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۳،۷

۳ اعطای فرزند و تأمین سلامت او به دست خدا و در اختیار اوست .

فلما ءاتیهما صلحاً

۷ انسان ها پس از برخوردار شدن از فرزند سالم ، علی رغم اعتقادشان بر یگانگی خدا در آفرینش و تأمین سلامت جنین ، به شرک می گرایند و غیر او را در آفرینش و سلامت کودکشان مؤثر می پندارند .

لئن ءاتیتنا .. فلما ءاتیهما صلحاً جعلاه شركاء

نوزادی

تکلم عیسی (ع) در نوزادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۱۴،۱۳،۱۲،۱۱،۱۰

۱۰ عیسی (ع) برخوردار از توان سخن گویی در دوران نوزادی و خردسالی خویش

تکلم الناس فی المهد

۱۱ سخنان عیسی (ع) در کودکی گفتاری حکیمانه و همسنگ با سخنان او در دوران کهولت و کمال رشد

اذ یدتک بروح القدس تکلم الناس فی المهد و کهلا

بدیهی است که سخن گفتن عیسی (ع) در سن کهولت نعمتی خاص برای وی نیست بنابراین عطف <کهلا-> بر <فی المهد> می تواند اشاره به این باشد که سخن گفتن او به هنگام نوزادی همانند دوران رشد یافتگی وی بوده است.

۱۲ روح القدس ، توانایی بخش عیسی (ع) برای گفتگوی با مردم در گهواره به هنگام بزرگسالی و آغاز دوران

اذ ایدتک بروح القدس تکلم الناس فی المهد و کهلا

<کهلا> به مردی گفته می شود که دوران جوانی را سپری کرده و در آغاز دوران پیری است جمله <تکلم الناس ..> بیان مصداقی است از جمله <ایدتک بروح القدس>.

۱۳ توان مسیح (ع) بر سخن گفتن با مردم در تمامی مراحل حیات خویش دوران شیرخوارگی و بزرگسالی از جمله نعمت های خاص خداوند بر آن حضرت

اذکر نعمتی علیک .. تکلم الناس فی المهد و کهلا

۱۴ گفتگوی عیسی (ع) با مردم در گهواره ، از نعمت های خاص الهی به مادرش مریم .

اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک .. تکلم الناس فی المهد و کهلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۱۴، ۳، ۲

۲- حضرت عیسی (ع) در شرایط سخت روحی و جسمی مادرش مریم (س) پس از زایمان با وی سخن گفت و او را دل داری داد .

فحملته .. فنادیها من تحتها آلاتحزنی

مراد از ضمیر فاعلی در <نادی> به قرینه ضمائر <فحملته فانتبذت به> در آیات قبل حضرت عیسی (ع) است و مراد از ضمیر <من تحتها> همانند ضمیر <فنادیها> حضرت مریم (س) است. برخی فاعل <نادی> را جبرئیل دانسته و ضمیر <من تحتها> را به <نخله> یا <مریم> ارجاع داده اند ولی سیاق آیات با آنچه گفته شد سازگارتر است.

۳- عیسی (ع) در بدو تولد ، مادرش مریم (س) را به اندوهگین نبودن توصیه کرد .

فنادیها من تحتها آلاتحزنی

۱۴- <قال رسول الله (ص)>

... و هذا عيسى ابن مريم (ع) قال الله عزوجل فيه < فناداها من تحتها ألا تحزنى ... > فكلّم أمّه وقت مولده 7

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: .. این عیسی بن مریم(ع) است که خداوند عزوجل در باره او فرمود <فناداها من تحتها ألا تحزنى ...> پس عیسی(ع) با مادرش به هنگام ولادت سخن گفت.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۱

۱- عیسی (ع) ، در بدو تولد ، مادرش مریم (س) را به تکان دادن درخت خرما و استفاده از میوه آن راهنمایی کرد .

و هزّی إليك بجذع النخلة تسقط عليك رطبًا جنيًا

<هزّ> به معنای حرکت دادن به چپ و راست است و به قرینه <إليك> در آن معنای <متمايل ساختن> نیز تضمین شده است. بنابراین <هزّی إليك>، یعنی درخت را به جانب خود بکش و به چپ و راست تکان ده این راهنمایی چنان چه از آیه بعد پیدا است، به منظور تأمین غذای مریم(س) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۱،۳،۷

۱- حضرت عیسی (ع) در آغاز تولد خویش ، مادرش مریم (س) را به خوردن خرماى تازه و نوشیدن از آب نهر فرا خواند .

فناديها من تحتها .. تحتك سرّيًا ... رطبًا جنيًا . فكلّی واشربی

۳- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده ، زمینه های مسرت و چشم

روشنی مریم (س) و رفع نگرانی او از آینده بود.

فنادیها... فکلی و اشربی و قزی عیناً

<عیناً> تمیز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و <قزی> از ماده <قرار> (آرام گرفتن) و یا <قز> (سرد شدن) است. در صورت اول جمله <قزی عیناً>، یعنی <چشم آرمیده باش> و در صورت دوم، یعنی <خنک چشم باش> (چشم از اشک سوزان به دور باشد) و در هر صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله <قزی عیناً> با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

۷- عیسی (ع)، وظیفه دفاع از مادر خویش در مقابل تهمت های مردم را به عهده گرفت.

فإماتین من البشر أحداً فقولی إنی نذرت للرحمن صوماً

توصیه مادر به سکوت از جانب عیسی (ع) بدان معنا بود که او نگران دفاع از خود نباشد، چرا که عیسی (ع) خود آن را انجام خواهد داد. سخن گفتن عیسی (ع) با مادر پس از ولادت، این اطمینان را به مریم داده بود که او بر این کار کاملاً توانا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۷ - ۶

۶- <عن أبي جعفر (ع) قال: لما قالت العواتق... لمریم (ع): > لقد جئت شيئاً فريئاً < أنطق الله تعالى عیسی (ع) عند ذلك ;

از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: چون دختران نوس به مریم گفتند: <لقد جئت شيئاً فريئاً> خداوند در آن هنگام زبان

عیسی(ع) را به سخن گفتن گشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۹ - ۳

۳- حضرت مریم (س) به قدرت نوزادش عیسی (ع) در سخن گفتن و رفع اتهامات یقین داشت .

فأشارت إليه

آمدن مریم به میان قوم خویش، آوردن علنی و آشکار فرزند و اشاره کردن به سوی نوزاد به جای پاسخ گویی به اتهامات، بیانگر یقین او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۱۱، ۵، ۱

۱- نوزاد مریم (س) با اشاره مادرش و در حضور مردم شروع به سخن گفتن کرد .

فأشارت إليه .. قال إني عبدالله

۵- تکلم عیسی (ع) در گهواره و معرفی خود، از معجزات او و برهانی کافی بر پاکدامنی مریم (س) و میبزابودن او از اتهامات مردم بود .

فأشارت إليه .. قال إني عبدالله

۱۱- > عن رسول الله (ص) :... و هذا عیسی بن مریم (ع) ... حين أشارت إليه ... قال : إني عبدالله آتاني الكتاب < .. . أعطى كتاب النبوه و أوصى بالصلاه والزكاه في ثلاثه أيام من مولده و كلمهم في اليوم الثاني من مولده ... ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: .. و این عیسی بن مریم(ع) است که وقتی مریم به او اشاره کرد گفت: >إني عبدالله آتاني الكتاب < ... کتاب نبوت به او داده شد و به نماز و زکات سفارش گردید (و این همه) ظرف سه

روز پس از ولادت او بود و در روز دوم ولادت با مردم سخن گفت...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۱

۱- حضرت عیسی (ع) در گهواره، برخورداری خود را از سلامت و امنیت کامل، در مراحل تولد، مرگ و رستاخیز، اعلام کرد.

والسلم علی یوم ولدت و یوم أموت و یوم أبعث حیًا

<ال> در <السلام> برای استغراق خصوصیات است، یعنی سلام کامل جامع و دارای همه خصوصیات، از همین جهت این سلام با سلام در مورد حضرت یحیی (ع) از نظر خصوصیات متفاوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۱۴، ۲

۲- توهم فرزند بودن عیسی (ع) برای خداوند، برخاسته از تحلیل نادرست ماجرای تولد و سخن گفتن معجزنمای او بود.

ذلک عیسی ابن مریم .. ما کان لله أن یتخذ من ولد

نفی فرزند از خداوند پس از بیان قصه تولد عیسی (ع) می تواند بیانگر این نکته باشد که گروهی این نوع امور معجزه آسا را دلیل فرزند خدا بودن او قرار داده اند.

۱۴- ماجرای تولد و سخن گفتن عیسی (ع)، نمودی از حاکمیت اراده الهی بر هستی است، نه نشان فرزندای عیسی (ع) برای خداوند.

ما کان لله أن یتخذ من ولد .. إذا قضی أمرًا فإِنما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۶ - ۱، ۳

۱- حضرت عیسی (ع) در گهواره، خداوند را پروردگار

خود و دیگر انسان ها معرفی کرد .

وَ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ

جمله <إِنَّ اللَّهَ رَبِّي .. > عطف بر <إِنِّي عبد الله> در آیات قبل است. این آیه نیز نقل بخشی از گفته های عیسی (ع) در گهواره است و آیات <ذلک عیسی ... کن فیکون> در این بین معترضه می باشد. تشابه این جمله با آنچه در سوره آل عمران و زخرف از عیسی (ع) نقل شده، تأیید کننده این نکته است.

۳- دعوت همه مردم به پذیرش توحید ربوبی و پرستش خدای یگانه ، از جمله سخنان عیسی (ع) در گهواره

وَ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ فاعبدوه

شگفتی تکلم عیسی (ع) در نوزادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۹ - ۵

۵- مردم ، از واگذارشدن پاسخ اتهامات از سوی مریم (س) به نوزادش عیسی (ع) ، شگفت زده شده و آن را باور نکردند .

فأشارت إليه قالوا كيف نكلّم من كان في المهد صبياً

استفهام در آیه انکاری است. این انکار را چندین تأکید نیز همراهی می کند: ۱) فعل <كان> که در این موارد بر ماضی دلالت ندارد، بلکه استقرار و ثبوت را می فهماند؛ ۲) قید <في المهد> که نشانه ناتوانی عیسی (ع) از هرگونه حرکتی است؛ ۳) قید <صبياً> که با وجود <في المهد> نیازی به آن نبود، ولی گویندگان آن را به منظور تأکید انکار و تعجبشان افزودند.

ضعف در نوزادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۱۲، ۵

۵ - بیرون آورنده انسان ها از ناتوانی دوران جنینی و نوزادی

و رساننده آنها به کمال جسمانی ، خداوند است .

اللّٰه الذی خلقکم من ضعف ثمّ جعل من بعد ضعف قوّه

۱۲ - رساندن انسان ها از دوران ناتوانی جنینی و نوزادی به توان مندی دوران جوانی و سپس فرتوت ساختن آنان ، نشانه توان مندی خداوند بر باز آفرینی انسان ها در قیامت است . *

اللّٰه الذی خلقکم . . . یخلق ما یشاء

عبارت < یخلق ما یشاء > به قرینه آیه پنجاه که در آن، بر توان مندی خداوند بر معاد انسان ها، برهان اقامه شده بود و نیز آیه پنجاه و پنج که درباره برپایی قیامت است می تواند درباره معاد و باز آفرینی انسان ها، در قیامت باشد.

نبوت در نوزادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۳

۳- حضرت عیسی (ع) در دوران نوزادی ، دارای کتاب الهی و مقام نبوت بوده است .

ءاتینی الکتب و جعلنی نبیاً

نوزادی عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰ عیسی (ع) برخوردار از توان سخن گویی در دوران نوزادی و خردسالی خویش

تکلم الناس فی المهد

۱۱ سخنان عیسی (ع) در کودکی گفتاری حکیمانه و همسنگ با سخنان او در دوران کهولت و کمال رشد

اذ یدتک بروح القدس تکلم الناس فی المهد و کهلا

بدیهی است که سخن گفتن عیسی(ع) در سن کهولت نعمتی خاص برای وی نیست بنابراین عطف <کهلا> بر <فی المهد> می تواند اشاره به این باشد که سخن گفتن او به هنگام نوزادی همانند دوران رشد یافتگی

وی بوده است.

۱۲ روح القدس ، توانایی بخش عیسی (ع) برای گفتگوی با مردم در گهواره به هنگام بزرگسالی و آغاز دوران پیری

اذ ایدتک بروح القدس تکلم الناس فی المهد و کهلا

<کهلا> به مردی گفته می شود که دوران جوانی را سپری کرده و در آغاز دوران پیری است جمله <تکلم الناس ..> بیان مصداقی است از جمله <ایدتک بروح القدس>.

۱۳ توان مسیح (ع) بر سخن گفتن با مردم در تمامی مراحل حیات خویش دوران شیرخوارگی و بزرگسالی از جمله نعمت های خاص خداوند بر آن حضرت

اذکر نعمتی علیک .. تکلم الناس فی المهد و کهلا

۱۴ گفتگوی عیسی (ع) با مردم در گهواره ، از نعمت های خاص الهی به مادرش مریم .

اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک .. تکلم الناس فی المهد و کهلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۳،۴

۳- حضرت عیسی (ع) در دوران نوزادی ، دارای کتاب الهی و مقام نبوت بوده است .

ءاتینی الکتب و جعلنی نبیاً

۴- حضرت عیسی (ع) در خردسالی ، خود را بنده خدا ، صاحب کتاب آسمانی و پیامبری الهی معرفی کرد .

قال انی عبدالله ءاتینی الکتب و جعلنی نبیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۲،۵

۲- عیسی (ع) در کودکی ، فرخندگی و فرزندگی خیر و خوبی را از صفات خدادادی خویش برشمرد .

و جعلنی مبارکاً این ما کنت

۵- اقامه نماز و پرداخت زکات در

تمامی عمر، از توصیه های خداوند به عیسی (ع) در نخستین روز های زندگی او

و أوصنی بالصلوة والزكوة مادمت حيًّا

نوه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نوه

امدادهای نوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۷

۷- برخورداری انسان در زندگی خانوادگی از یاری بی دریغ افرادی چون نوادگان و خویشاوندان، از نعمت های خداوند و از نشانه های اوست .

و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده

ماده <حفده> در مورد یارانی به کار می رود که از خدمت گذاری تعدی نمیورزند که مفسّران مصداق این معنا را نوادگان یا همه خویشاوندان دانسته اند.

فرزندی نوه دختری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۸

۸- نوه های دختری نیز، همانند پسر و نوه های پسری، ذریه و فرزند شخصی، به شمار می آیند .

أولئک . . و من ذرّیة إبرهیم

از نظر تاریخی روشن است که مریم و عیسی (ع) از نوادگان حضرت ابراهیم (ع) بوده اند و در این آیه حضرت عیسی (ع)، یکی از افراد مورد نظر از <أولئک> است که از ذریه انبیا شمرده شده است؛ بنابراین فرزندان دختر نیز از ذریه به شمار می آیند.

نعمت نوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- برخورداری انسان در زندگی خانوادگی از یاری بی دریغ افرادی چون نوادگان و خویشاوندان ، از نعمت های خداوند و از نشانه های اوست .

و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده

ماده <حفده> در مورد یارانی به کار می رود که از خدمت

گزاری تعدی نمیورزند که مفسران مصداق این معنا را نوادگان یا همه خویشاوندان دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۳

۳- فرزندان و نوادگان ، موهبت و عطیه ای از جانب پروردگار است .

و وهبنا له إسحق و یعقوب

نقش نوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۸

۸- > عن أبي عبدالله (ع) في قول الله عزوجل : < و وهبنا له اسحاق و يعقوب نافله > قال : ولد الولد نافله ;

از امام صادق(ع) در باره قول خدای عزوجل : <و وهبنا له اسحاق و يعقوب نافله > روایت شده که فرمود: فرزندِ فرزند، نافله است.<

نوه ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۹

۹ خداوند ، به ساره بشارت داد که اسحاق ، دارای فرزند پسری خواهد شد .

فبشّرناها بإسحق و من وراء إسحق يعقوب

کلمه <يعقوب> عطف بر <اسحاق> است و عبارت <من وراء إسحاق> توصیفی برای <يعقوب> می باشد؛ یعنی: فبشّرناها ببعقوب کائناً من وراء اسحاق.

نهر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نهر

استفاده از نهر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۵

۱۵- خداوند ، مشوق آدمی به فراگیری کشتی رانی و دریانوردی و استفاده بهینه از دریا ها و رودها

و سخر لكم الفلك لتجرى فى البحر بأمره و سخر لكم الأنهر

معنا و مفهوم تسخیر دریا و کشتی برای انسان، فراهم بودن استعدادها و زمینه های لازم برای بهره گیری است که انسان باید از

این استعدادها و زمینه ها با تلاش و کوشش علمی و ... خود استفاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۴

۴- نهر های آب و راه های زمین ، برای استفاده انسان ها آفریده شده است .

و ألقى في الأرض ... و أنهرًا و سبلاً لعلكم تهتدون

اهمیت نهر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- اهمیت و نقش حیاتی نهر ها و رود ها برای انسان

و سخر لكم الأنهر

تسخیر نهر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۴، ۱۸

۱۴- خداوند ، رام سازنده نهر ها و رود ها برای بهره‌وری انسان

و سخر لكم الأنهر

۱۸- مسخر و رام کردن کشتی ها ، نهر ها و رود ها برای انسان ، دلیل و نشانه توحید خداوند

الله الذي خلق ... و سخر لكم الفلك لتجرى في البحر بأمره و سخر لكم الأنهر

زمینه پیدایش نهر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۳، ۱۰

۳- استغفار و ایمان ، از عوامل ازدیاد اموال و فرزندان و آبادانی شهرها و روستاها (پیدایش باغها و نهرها و ...)

استغفروا ربکم ... و یمددکم بأموال و بنین و یجعل لکم جنّٰت و یجعل لکم أنهرًا

۱۰- تأثیر نزول باران فراوان و پی در پی ، در آبادانی (پیدایش باغها و نهرها و ...)

یرسل

السماء علیکم مدرارًا .. و یجعل لکم جنّت و یجعل لکم أنهرًا

زمینه نابودی نهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۴

۴ - کفر و گناه ، از عوامل کم شدن اموال و تعداد فرزندان و خرابی شهرها و روستاها (نابودی باغ ها ، نهرها و ...)

استغفروا ربکم .. و یمدکم بأمول و بنین ... و یجعل لکم أنهرًا

زیبایی نهرهای آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۳ - ۲

۲- جریان نهر آب از میان باغ و کشتزارها ، صحنه ای دل انگیز و تماشایی است .

كلتا الجنّین ءاتت أكلها ولم تظلم منه شیئاً و فجّرنا خللهما نهرًا

فلسفه خلقت نهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۴،۵،۷

۴- نهرهای آب و راه های زمین ، برای استفاده انسانها آفریده شده است .

و ألقى فی الأرض .. و أنهرًا و سبلاً لعلکم تهتدون

۵- آفرینش نهرها و راه های طبیعی ، علامتهایی است برای راهیابی آدمیان

أنهرًا و سبلاً لعلکم تهتدون . و علمت

احتمال دارد مراد از <لعلکم تهتدون> به قرینه بیان منافع کوهها و نیز <علامات> در آیه بعدی، راهیابی باشد.

۷- غرض از خلقت کوهها ، نهرها و راهها هدایت انسانها است .

و ألقى في الأرض روسى . . . و أنهرًا و سبلاً لعلكم تهتدون

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از <تهتدون> هدایت معنوی باشد.

فواید

نهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- اهمیت و نقش حیاتی نهرها و رودها برای انسان

و سَخَّر لَكُمْ الْأَنْهَارَ

منشأ جریان نهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۳ - ۳

۳- جریان رودها و نهرها ، به اراده خداوند است .

و فَجَرْنَا خَلَلَهُمَا نَهْرًا

نقش نهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۱۰

۱۰- دریاها ، رودخانهها ، خورشید ، ماه و شب و روز ، هر کدام آیتی مستقل برای خداشناسی و برطرف کننده نیازی از نیاز

های انسان

و سَخَّر لَكُمْ الْفَلَکَ . . . و سَخَّر لَكُمْ الْأَنْهَارَ . و سَخَّر لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ و

نهر آب قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۵،۱۲، ۴

۴- خداوند ، هم زمان با ولادت عیسی (ع) ، در نقطه ای پایین تر از مکان استقرار مریم (س) ، جویباری پدیدار ساخت .

فنادیها من تحتها ألاتحزنی قد جعل ربك تحتك سرّياً

<سرّی> به معنای نهر کوچک است و به معنای <رفیع> نیز استعمال شده است، ولی جمله <اشربی> در آیات بعد قرینه بر اراده معنای اول است.

۵- عیسی (ع) در بدو تولد، مادرش مریم (س) را به روان شدن جویباری در پایین دست او بشارت داد.

فنادیها .. قد جعل ربك تحتك سرّياً

۱۲- در پی زایمان مریم

(س)، فرشته الهی (جبرئیل) او را از جاری شدن آب در پایین پایش با خیر ساخت.

فنادیها من تحتها ألتحزنی قد جعل ربك تحتك سرّياً

محتمل است که ضمیر فاعلی در فناداها به فرشته الهی برگردد.

نهرها

استفاده از نهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۵

۱۵- خداوند، مشوق آدمی به فراگیری کشتی رانی و دریانوردی و استفاده بهینه از دریاها و رودها

و سخر لكم الفلك لتجرى فى البحر بأمره و سخر لكم الأنهر

معنا و مفهوم تسخیر دریا و کشتی برای انسان، فراهم بودن استعدادها و زمینه های لازم برای بهره گیری است که انسان باید از این استعدادها و زمینه ها با تلاش و کوشش علمی و ... خود استفاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۴

۴- نهر های آب و راه های زمین، برای استفاده انسان ها آفریده شده است.

و ألقى فى الأرض .. و أنهرًا و سبلاً لعلكم تهتدون

اهمیت نهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- اهمیت و نقش حیاتی نهرها و رودها برای انسان

و سخر لكم الأنهر

تسخیر نهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۸، ۱۴

۱۴ - خداوند ، رام سازنده نهرها و رودها برای بهره‌وری انسان

و سَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ

۱۸ - مَسَخَّرَ وَرَامَ كَرْدَن كَشْتِي هَا ، نهرها و رودها

برای انسان ، دلیل و نشانه توحید خداوند

الله الذی خلق ... و سَخَّرَ لَکُمُ الْفَلَکَ لِتَجْرِیَ فِی الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَکُمُ الْأَنْهَارَ

زمینه پیدایش نهر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۳،۱۰

۳ - استغفار و ایمان ، از عوامل ازدیاد اموال و فرزندان و آبادانی شهر ها و روستا ها (پیدایش باغ ها و نهر ها و ...)

استغفروا رَبَّکُمْ ... و یمدکم بأموال و بنین و یجعل لکم جنَّت و یجعل لکم أنهرًا

۱۰ - تأثیر نزول باران فراوان و پی در پی ، در آبادانی (پیدایش باغ ها و نهر ها و ...)

یرسل السماء علیکم مدرارًا ... و یجعل لکم جنَّت و یجعل لکم أنهرًا

زمینه نابودی نهر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۴

۴ - کفر و گناه ، از عوامل کم شدن اموال و تعداد فرزندان و خرابی شهر ها و روستا ها (نابودی باغ ها ، نهر ها و ...)

استغفروا رَبَّکُمْ ... و یمدکم بأموال و بنین ... و یجعل لکم أنهرًا

زیبایی نهر های آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۳ - ۲

۲ - جریان نهر آب از میان باغ و کشتزار ها ، صحنه ای دل انگیز و تماشایی است .

کلتا الجنتین ءاتت أکلها ولم تظلم منه شیئًا و فجّرنا خللهما نهرًا

فلسفه خلقت نهر ها

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۴،۵،۷

۴- نهر های آب و راه های زمین ، برای استفاده انسان ها آفریده شده است .

و ألقى في الأرض . . . و أنهرًا و سبلاً لعلكم تهتدون

۵- آفرینش نهر ها و راه های طبیعی ، علامتهایی است برای راهیابی آدمیان

أنهرًا و سبلاً لعلكم تهتدون . و علمت

احتمال دارد مراد از <لعلكم تهتدون> به قرینه بیان منافع کوهها و نیز <علامات> در آیه بعدی، راهیابی باشد.

۷- غرض از خلقت کوه ها ، نهر ها و راه ها هدایت انسان ها است .

و ألقى في الأرض روسى . . . و أنهرًا و سبلاً لعلكم تهتدون

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از <تهتدون> هدایت معنوی باشد.

فواید نهر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- اهمیت و نقش حیاتی نهر ها و رود ها برای انسان

و سخر لكم الأنهر

منشأ جریان نهر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۳ - ۳

۳- جریان رود ها و نهر ها ، به اراده خداوند است .

و فجّرنا خللهما نهرًا

نقش نهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۱۰

۱۰- دریاها ، رودخانه ها ، خورشید ، ماه و شب و روز ، هر کدام آیتی مستقل برای خداشناسی و برطرف کننده نیازی از نیاز های انسان

و سَخَّرَ لَكُمُ الْفَلَکَ . . . و سَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ . و سَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ و

نهضت اسلامی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{نهضت اسلامی}

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱۴

۱۴- گذشت و برخورد کریمانه با دشمنان و کافران در ابتدای نهضت اسلامی و تبلیغات دینی، امری لازم و بایسته است.

فاصفح الصفح الجمیل

نزول آیه فوق که از گذشت و عفو سخن به میان آورده است (در نیمه اول بعثت) و از جانب دیگر دستور به برخورد شدید با کافران و دشمنان در مدینه (نیمه دوم بعثت) می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

نهضت در راه خدا

آثار نهضت در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۵

۵- قیام برای خدا و در مسیر توحید، در پی دارنده تأییدات الهی و موهبت های معنوی او

و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا

ارزش نهضت در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۲

۲- قیام در راه توحید و اعلان اندیشه توحیدی، دارای ارزشی والا و گران سنگ است.

و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا فقالوا ربنا رب السموت و الأرض

از جمله معانی <قیام>، <عزم و تصمیم> است. لذا <قاموا> یعنی بر اندیشه توحیدی خود مصمم شدند. <فقالوا> نیز گویای اعلان آن اندیشه است.

شرایط نهضت در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- قیام برای خدا و دفاع از ارزش ها ، نیازمند قدرت روحی و قلبی نیرومند است .

و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا

نهضت های دینی

منشأ رشد نهضت های دینی

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۸

۳۸- رشد نهضت های الهی ، همانند دیگر مظاهر جهان ، در قلمرو سنت های حاکم بر هستی *

کزرع أخرج شطه .. يعجب الزراع

تشبیه جریان ظهور و گسترش اسلام، به زراعت و مراحل رشد آن، این حقیقت را می رساند که جریان های اجتماعی نیز مانند پدیده های مادی طبیعت، در قلمرو قوانین صورت می گیرد.

نهی از منکر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{ نهی از منکر }

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۹ - ۵

۵ لزوم شدت عمل و برخورد نظامی ، با رباخوارانی که دست از عمل ناپسند خود بر نمی دارند .

فان لم تفعلوا فأذنوا بحرب من الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۲

۲۲ وعده عذاب دردناک به بنی اسرائیل ، به جهت قتل چهل و سه پیامبر و صد و دوازده آمر به معروف و ناهی از منکر

و يقتلون النّبیّن بغیر حقّ و یقتلون الذّین یأمرون بالقسط من النّاس فبشرهم بعذاب

رسول الله (ص) به عنوان بیان مصداق برای آیه فوق فرمود: قتلت بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیاً اول النّهار فی ساعه واحده فقام مائه رجل و اثنی عشر رجلا من عبّاد بنی اسرائیل فامروا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جمیعاً من آخر النّهار فی ذلک الیوم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل

۴ ضرورت واکنش جامعه اسلامی ، در برابر انحرافات اعتقادی

اولئك جزاؤهم انّ عليهم .. و الناس اجمعين

بنابراینکه مراد از <الناس>، مسلمانان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۳

۳ لزوم اعتراض ، در برابر کجروی های کافران و اهل کتاب

قل يا اهل الكتاب لم تكفرون بايات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۹ - ۴

۴ ضرورت اعتراض و برخورد با کسانی که مانع راه خدا گشته و مؤمنان را از آن بازمی دارند .

قل يا اهل الكتاب لم تصدّون عن سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۴ - ۱۰،۹،۸،۷،۶،۵،۴

۴ دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر ، از شیوه های ایجاد وحدت در میان مؤمنین

و اعتصموا بحبل الله جميعاً .. و لتكن منكم امة يدعون الى الخير

به نظر می رسد <ولتكن> به مقتضای ارتباط با آیه قبل، ارائه راهی برای تحقق اعتصام به ریسمان الهی باشد.

۵ ضرورت ایجاد تشکل در میان گروه های امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر

و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرن بالمعروف و ينهون عن المنكر

<امّه> به جماعتی گفته می شود که دارای هدفی واحد باشند و لازمه این معنی، تشکل آنان است.

۶ امر به معروف و نهی از منکر ، دعوت به خیر است . *

و لتكن منكم ائمه يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون

بنابراینکه <واو> در <و یا مرون>، تفسیریه برای <یدعون الی الخیر> باشد، و یا مصداقی از دعوت به خیر.

۷ نظارت بر اوضاع جامعه، دارای دو مرحله است: تبیین اعمال خیر و سپس امر به معروف و نهی از منکر *

و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

۸ اتحاد و برادری میان مؤمنین، از مصداقی <معروف> است و تفرقه و دشمنی اهل ایمان با یکدیگر، از مصداقی <منکر> .

و اعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً و لا تفرّقوا .. و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر و

<ال> در <المعروف> و <المنکر>، می تواند عهد ذکری و اشاره به معروف ها و منکرها در آیه سابق باشد.

۹ دعوت به نیکی ها و امر به معروف و نهی از منکر (نظارت همگانی)، وظیفه همه افراد جامعه اسلامی

و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

بنابراینکه من در <منکم> بیانیه باشد.

۱۰ تنها دعوتگران به خیر و امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر، اهل رستگاری هستند.

و لتکن منکم .. اولئک هم المفلحون

بنابراینکه مشارالیه <اولئک>، دعوت کنندگان به خیر و امرکنندگان و نهی کنندگان باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۳

۳ فرمان به اعتصام به حبل الهی، پرهیز از تفرقه، دستور به دعوت خیر، امر به معروف و نهی از منکر، از آیات بحق الهی

و اعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً و لا تفرّقوا ..

و لتكن منكم امة ... تلك ايات اللّ

بنابراینکه مشارالیه <تلك>، تمامی مطالب گذشته در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۱۱، ۹، ۶، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ مسلمانان امرکننده به معروف، نهی کننده از منکر و مؤمن به خدا، بهترین امت ها هستند .

کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

۲ مسلمانان، بهترین امت برای خدمت به جوامع انسانی هستند؛ مشروط به اینکه امر به معروف و نهی از منکر کنند و مؤمن به خدا باشند .

کنتم خیر امة اخرجت للناس

جمله <تأمرون بالمعروف .. >، حال است برای <خیر امة>؛ یعنی شما زمانی بهترین امت خواهید بود که دارای چنین حالت و ویژگی باشید؛ و قید <برای خدمت>، از <لام> در <لنّاس> استفاده شده است.

۴ امر به معروف و نهی از منکر، (نظارت همگانی) و ایمان به خدا، معیار و ملاک بهتر بودن یک جامعه در میان جوامع انسانی

کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون .. و تؤمنون بالله

۵ ایمان به خدا و اصلاح جامعه (امر به معروف و نهی از منکر)، دو عامل رُشد جوامع انسانی

کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون .. و تؤمنون بالله

رشد و تکامل جوامع از مصادیق خیر است و آیه فوق، خیر بودن امت را منوط به ایمان و اصلاح اجتماع (امر به معروف و نهی از منکر) کرده است.

۶ امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه عمومی جامعه اسلامی برای رُشد خویش

کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون ..

و تؤمنون بالله

از مصادیق بارز <خیر> برای جامعه، رُشد آن جامعه است.

۹ نظارت همگانی و اصلاح جوامع (امر به معروف و نهی از منکر) ، نگهدار ایمان به خداوند *

کنتم خیر أمه أخرجت للناس تأمرون .. و تؤمنون بالله

تقدم <امر به معروف و نهی از منکر> در آیه شریفه بر <ایمان>، علی رغم تقدم ذاتی ایمان بر آنها، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

۱۱ اهتمام مسلمانان آغاز بعثت به نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر) ، و تداومشان بر ایمان به خداوند

کنتم خیر أمه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف .. و تؤمنون بالله

به قرینه <کنتم>، آیه فوق بیانگر یک مسأله تاریخی است و آن عبارت است از رفتار و روش مسلمین در آغاز بعثت پیامبر(ص).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۱۳، ۷، ۵، ۲، ۱

۱ ایمان به خدا و روز قیامت ، امر به معروف ، نهی از منکر و شتاب در کار های خیر ، از ویژگی های برخی اهل کتاب

من اهل الكتب .. يؤمنون بالله و اليوم الاخر و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنك

۲ تشریح امر به معروف و نهی از منکر ، در آیین اهل کتاب

من اهل الكتب .. يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر

ظاهر این است که اوصاف مذکور برای اهل کتاب، با وصف اهل کتاب بودن آنان است.

۵ ایمان به خدا و روز واپسین ، امر به معروف و نهی از منکر ، از اصول مشترک اعتقادی و عملی ادیان الهی

من اهل الكتب .. يؤمنون

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

۷ گروهی از اهل کتاب که مؤمن به خدا و روز واپسین و امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر و شتاب کنندگان به نیکی ها هستند ، از تبار صالحان هستند .

من اهل الکتاب امه . . . يؤمنون بالله ... و اولئک من الصالحین

۸ قیام به امر دین (اطاعت خدا) تلاوت آیات خدا ، سجده به درگاه او ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امور خیر ، ویژگی امت شایسته و صالح

امه قائمه . . . و اولئک من الصالحین

۱۳ قیام به طاعت خدا ، تلاوت آیات او ، سجده به درگاه او ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در نیکی ها ، جبل الهی است . *

ضربت عليهم الذلّة . . . ألاّ بحبل من الله ... ليسوا سواءً من اهل الکتاب ... يؤمن

به نظر می رسد صفات مذکور، بیانگر <حبل الله> است؛ چون دارندگان این صفات، قطعاً از ذلت به دور هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۴،۷

۴ قیام به طاعت خدا ، تلاوت آیات وی در شب هنگام در حال سجده ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف ، نهی از منکر و شتاب در نیکی ها ، از اعمال خیر

من اهل الکتاب امه قائمه . . . و ما يفعلوا من خیر

۷ قیام به امر خدا ، تلاوت آیات

او ، سجده ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امر خیر ، از ویژگی های تقوایپیشگان

آمه قائمه یتلون آیت الله . . . و الله علیم بالمتقین

آیه، در صدد بیان پاداش کسانی است که خصلتهای مذکور را دارند، از آنها تعبیر به متقین کرده، پس آن خصلتها از آن متقین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۲۲

۲۲ خودداری از گناه ، امر به معروف و نهی از منکر و آمادگی برای دفاع از ائمه (ع) ، وظیفه مؤمنان

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله

امام صادق (ع) درباره <اصبروا> فرمود: عن المعاصی. و درباره <و اتقوا الله>، فرمود: امروا بالمعروف و انهوا عن المنکر. و درباره <رابطوا> فرمود: ... و نحن الرباط الادنی فمن جاهد عنا فقد جاهد عن النبی (ص) ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۲، ج ۱۷۹؛ بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۲۱۶، ح ۸.

آثار اجتماعی نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۴

۴ - برخورداری جامعه اسلامی از حمایت و نصرت خدا ، در گرو اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر است .

الذین ان مکنتهم فی الأرض . . . و نهوا عن المنکر

آثار ترک نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۵،۶

اعتنایی به رواج فساد در جامعه موجب گرفتار شدن به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون. کانوا لایتناہون

۶ ترک نھی از منکر عامل روی آوری جوامع به کفرپیشگی

لعن الذین کفروا .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون. کانوا لایتناہون

در آیه قبل تجاوز و تعدی موجب گرفتار شدن به کفر و لعنت الهی دانسته شد و آیه مورد بحث ترک نھی از منکر را مصداقی بارز برای تعدی و تجاوز شمرده بنابراین ترک نھی از منکر عامل گرایش مردمان به کفر و گرفتار شدن به لعنت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۵، ۱۰

۱۰ عصیان ، تجاوزگری و ترک نھی از منکر ، زمینه ساز پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان *

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون .. کانوا لایتناہون ... یتولون الذین کفروا

بدان احتمال که مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان، نتیجه اعمال ناپسندی باشد که در آیات قبل درباره بنی اسرائیل بیان شد.

۱۵ عصیان ، تجاوزگری و ترک نھی از منکر ، موجب سخط و غضب خداوند

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون .. کانوا لایتناہون عن منکر ... سخط اللہ علیہم

<ماقدمت لهم انفسهم> می تواند اشاره به تمامی رفتارهای ناروایی باشد که در این آیه و آیات قبل بیان شد. قابل ذکر است که در این صورت <ان سخط اللہ> مضافی همانند موجبات در تقدیر دارد یعنی <موجبات سخط اللہ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۱۰

> عن أبي سعيد الخدري قال : سئل رسول الله (ص) عن قول الله > إذا وقع القول عليهم أخرجناهم دابة من الأرض تكلمهم < قال إذا تركوا الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر وجب السخط عليهم ;

از ابی سعید خدری روایت شده که از رسول اکرم (ص) درباره سخن خدا >إذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم < سؤال شد، فرمود: زمانی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، غضب خدا بر آنان محقق می گردد.<

آثار نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۲

۲ دعوت به نیکی ها ، امر به معروف و نهی از منکر ، مانع بروز تفرقه و اختلاف در جامعه

و لتكن منكم امة يدعون الى الخير . . و لا تكونوا كالذين تفرقوا

جمله <لا تكونوا .. >، احتمالا بیان نتیجه آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۳

۳ اعتصام به ریسمان الهی ، دعوت به نیکی ها ، امر به معروف و نهی از منکر ، موجب روسفیدی در قیامت

و اعتصموا بحبل الله . . و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرن بالمعروف و ی

به مقتضای ارتباط با آیات قبل، سفیدرویی می تواند پاداش نیکیهای مذکور در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۷ - ۲،۴

۲ اعتصام به حبل الله ، دعوت به نیکی ها و امر به

معروف و نهی از منکر ، موجب استغراق در رحمت جاودانه الهی

و اعتصموا بحبل الله ... و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف ...

به مقتضای ارتباط این آیه و آیات پیشین، روسفیدی می تواند نتیجه اعمال نیک یاد شده در آیات قبل باشد.

۴ تمسک کنندگان به ریسمان الهی و دعوت گران به خیر ، امر کنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر ، روسفیدان در قیامت و مستغرق در رحمت جاودانه الهی

و اعتصموا بحبل الله ... يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف ... اما الذين ابیضت

مستفاد از ارتباط میان این آیه و آیات قبل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۸

۸ ایمان مصلحان (امر کنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر) به خداوند ، شرط اعتلای جامعه

کنتم خیر امة .. و تؤمنون بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۱ - ۸

۸ تأثیر ایمان به خدا و امر به معروف و نهی از منکر ، در شکست ناپذیری مؤمنان در برابر هجوم دشمنان دین

کنتم خیر امة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف .. و إن یقتلوکم یولّوکم الادبار

وحدت خطاب در <کنتم خیر ... > و <یقاتلوکم>، بیانگر برداشت فوق است. یعنی آن دسته شکست نمی خورند که امرکننده به معروف و ... باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۱۰

۱۰ صالح شدن انسان ها ، در گرو ایمان به خدا ، معاد

، امر به معروف و نهی از منکر (اصلاح دیگران) و شتاب در کارهای نیک است .

يؤمنون بالله .. و اولئك من الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۰ - ۹

۹ ناتوانی جبهه کفر در برابر جامعه ایمانی ، آنگاه که مؤمنان به دستورهای الهی (امر به معروف و نهی از منکر) عمل کنند .

كنتم خير امه .. لن يضروكم الا اذى و ان يقتلوكم يولوكم الاديبار ... ضربت عل

در برداشت فوق، تقوا به معنای عمل به دستورات الهی گرفته شده که خداوند در آیات پیش به برخی از آنها (امر به معروف، ایمان واقعی و ..) اشاره کرده است. یعنی آنگاه کید دشمنان بی اثر است که تقوا داشته باشند و به دستورات الهی عمل کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱۲

۱۲ نهی از منکر مایه رهایی یافتن از عذاب های تعیین شده برای جوامع گنهکار است .

انجينا الذين ينهون عن السوء و اخذنا الذين ظلموا بعذاب بئيس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۱

۲۱ امر به معروف ، نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسولش ، عامل جلب رحمت ویژه الهی

يامرون بالمعروف .. اولئك سيرحمهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ نهی از منکر و بازداري مردمان از

فساد ، مایه نجات و رهایی از عذاب های الهی است .

إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ

احکام نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۱۴

۱۴ خطر کشته شدن در راه عدالتخواهی ، مانع از جواز امر به معروف و مبارزه با منکر نیست .

و يقتلون الذين يأمرون بالقسط

زیرا لحن آیه، ستایش و مدح نسبت به کشته شدگانی است که امرکنندگان به معروف در مسیر عدالتخواهی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۶

۶ امر به معروف و نهی از منکر ، در صورتی که احتمال تأثیر در آن نباشد ، واجب نیست .

و لا ينفَعُكُمْ نَصْحِي إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۷

۷ وجوب نهی از منکر در ادیان پیشین

فلولا كان من القرون من قبلكم أولوا بقية ينهون عن الفساد

ارزش نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۴

۴ ایمان به خدا و روز واپسین ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب ورزیدن به کار های نیک ، ملاک ارزش و شایستگی (

صالح بودن)

يؤمنون .. يسارعون في الخيرات و اولئك من الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۳

۳ - اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی

از منکر، ارزش های محوری در جامعه اسلامی

من ينصره .. الذين إن مكّتهم في الأرض ... و نهوا عن المنكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر، از زیربنایی ترین ارزش ها است .

إنّ ذلك من عزم الأمور

بنابراین که <ذلك> اشاره به کلّ محتوای سخن لقمان در این آیه باشد، مشارالیه <ذلك>، جملات <أقم .. و أمر .. و انه...> است و <عزم> مصدر و به معنای مفعولی، و <عزم الأمور> اضافه صفت به موصوف است یعنی، <الأُمور المعزوم>. امر معزوم به هدف شایسته ای گویند که لازم است بر آن دست یافت.

اهمیت نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۷ - ۱۵

۱۵ کشته شدگان در راه امر به معروف و نهی از منکر، مصداق خریداران رضایت خداوند در برابر ایثار جان

و من الناس من یشری نفسه

امیرالمؤمنین (ع): ان المراد بالآیه الرجل الذی یقتل علی الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۳۵؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۴۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۱۴

۱۴ خطر کشته شدن در راه عدالتخواهی، مانع از جواز امر به معروف و مبارزه با منکر نیست .

و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

زیرا لحن آیه، ستایش و مدح نسبت به کشته شدگانی است که امرکنندگان به معروف در مسیر عدالتخواهی هستند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۴ - ۱۱۱

۱ ضرورت وجود جمعی از اهل ایمان ، برای دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر

و لتكن منكم امة . . . عن المنكر

بنابراینکه <من> در <منکم>، تبعیضیه باشد.

۱۱ نقش بنیادین دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر ، در رستگاری جامعه

و لتكن منكم امة . . . و اولئك هم المفلحون

بنابراینکه مشارالیه <اولئك> جامعه اسلامی باشد؛ یعنی تنها خود امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر رستگار نیستند، بلکه افراد جامعه بخاطر وجود چنین افرادی بهره مند از رستگاری هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۳

۳ اهمیت خاص امر به معروف و نهی از منکر

يأمرن بالمعروف و ينهون عن المنكر

پس از ذکر ایمان به خدا و قیامت، عنوان کردن امر به معروف و نهی از منکر، بیانگر اهمیت ویژه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۹

۶ مسؤولیت ویژه عالمان دین ، در نهی از منکر و پیشگیری از انحرافات جامعه

لولا ينهيهم الربنيون و الاحبار عن قولهم الاثم و اكلهم السحت

بنابر اینکه نهی از منکر و بازداري ديگران از گناه مسؤوليت همگانی باشد، اعتراض خداوند به عالمان که نهی از منکر را ترك کردند، حکایت از مسؤولیت خاص آنان در انجام این وظیفه دارد.

۹ وظیفه نهی از منکر حتی در صورت گستردگی گناه در جامعه ، وظیفه ای ضروری و ثابت

و تری کثیراً منهم یسرعون

فی الاثم . . . لولا ینھیهم الربینون و الاحبار

سرزنش خداوند از عالمان یهود و نصارا به خاطر ترک نهی از منکر با وجود آلودگی افراد زیادی از اهل کتاب به گناه، دلالت می کند که آن تکلیف در چنین صورتی نیز برداشته نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۱،۳

۱ بی اعتنایی گروهی از بنی اسرائیل به وظیفه الهی نهی از منکر و بی تفاوتی آنان در برابر فساد جامعه خویش

کانوا لایتناھون عن منکر فعلوه

<لایتناھون> یعنی همدیگر را باز نمی داشتند و نهی نمی کردند.

۳ نهی از منکر وظیفه ای ضروری بر عهده همگان

کانوا لایتناھون عن منکر فعلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۷،۸

۷ مسلمانان در همنشینی با کافران و مشرکان بی طرف باید با تذکر آنان را از مغلظه و استهزای در اسلام و قرآن بر حذر دارند. *

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یتقون

۸ حفظ قداست قرآن و اسلام و بازداشتن دیگران از یاوه سرایی و تخطئه و استهزای آن، وظیفه مسلمانان است.

و ما علی الذین یتقون . . . و لکن ذکری لعلهم یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۴

۴ بازداشتن مردم از فحشا و لواط ، مهمترین و مقدمترین وظیفه لوط در رسالت های خویش

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ -

۱۴ فرمان به کارهای شایسته و برحذر داشتن از کارهای ناروا (امر به معروف و نهی از منکر) از وظایف اساسی پیامبر (ص) و از اهداف رسالت او

يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ

۱۸ امر به معروف و نهی از منکر ، حلال دانستن پاکیزه ها و حرام شمردن ناپاکی ها ، از علامت های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر اسلام

الذی یجدونه .. یأمرهم بالمعروف ... و یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبیث

جمله های < یأمرهم و ... > حال برای ضمیر مفعولی در < یجدونه > است و لذا می رساند که مفاد این جمله ها به عنوان صفات پیامبر موعود در تورات و انجیل بیان شده است. بر این اساس می توان گفت که از اهداف بیان این ویژگیها در تورات و انجیل، راهنمایی اهل کتاب است به اموری که باید در شناسایی پیامبر موعود در نظر داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۵

۱۵ پرهیزکنندگان از فساد در صورتی که برای بازداري جامعه از گناه تلاش نکنند ، در پیشگاه خداوند مسؤولند .

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱۰

۱۰ نهی از منکر از مصادیق موعظه است .

لم تعظون .. الذین ینهون عن السوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۷، ۲۸، ۲۹

۷ امر به معروف و نهی از منکر ، مهمترین وظیفه

و المؤمنون و المؤمنات ... يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر

از اینکه در رأس همه کارها و ارزشها، از امر به معروف و نهی از منکر یاد شده است، اهمیت برتر آن استفاده می شود.

۸ امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف اجتماعی همگانی و مشترک میان زنان و مردان

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر

۹ امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ای همیشگی و دائمی است نه تکلیفی مقطعی.

یأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر

برداشت فوق از به کارگیری فعل مضارع (یأمرون و ینهون) که مفید استمرار است، به دست می آید.

۲۷ از امام حسین (ع) روایت شده ... و به امیرالمؤمنین (ع) نیز نسبت داده شده که فرمودند: ... خدا می فرماید: ... >
المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر < فبدء الله بالامر بالمعروف و النهی عن المنکر
فرضه منه لعلمه بأن ها إذا ادیت و اقیمت استقامت الفرائض کل ها هیین ها و صعب ها ... >

... > مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند. خداوند [قبل از نماز و زکات] از امر به معروف و نهی از منکر آغاز کرد؛ زیرا می دانست اگر این دو فریضه عملی گردد همه فرایض آسان و مشکل آن پابرجا می شود.

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۱۲

۱۲ ستایش خداوند و حرکت در مسیر او و رکوع و سجود و امر به معروف و نهی از منکر، از جلوه های بارز عبادت پروردگار *

التَّابُونَ الْعَبْدُونَ .. وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ

برداشت فوق بدان احتمال است که <الحامدون السائجون .. > از باب ذکر خاص بعد از عام (العابدون) و بیانگر اهمیت و ویژگی این صفات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۶

۶ لزوم نهی از منکر و بازداري مردمان از فساد ها و گناهان

فلولا كان .. أولوا بقيه ينهاون عن الفساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱۲

۱۲- سكوت در برابر منكرات و بی تفاوتی در رخداد های زیان بار برای مردم ، به دور از خوی و منش موسی (ع) بود .

أخرقها لتغرق أهلها لقد جئت شيئا إمرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۵

۵ - نماز ، زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، مهم ترین تکالیف دینی

أقاموا الصلوه .. و نهوا عن المنكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر ، از فرمان های بس مهم خداوند است .

أقم الصلوه .. . إنَّ ذلک من عزم الأُمور

<عَزَمَ> ممکن است به معنای <تصمیم قطعی و

جزمی < باشد که در این صورت، <عزم> به خداوند اسناد داده می شود. صاحب کشف، چنین معنایی را اختیار کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۹

۹ - لزوم نهی از منکر و حمایت از دین و مبلغان دینی، به وقت ضرورت و نیاز

و جاء من أقصا المدينة رجل یسعی

نقل داستان حبیب نجار، می تواند هشدار می به همه مؤمنان باشد که مانند او به دفاع از دین و دینداران پردازند.

بنی اسرائیل و نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۸

۸ ترک نهی از منکر از اعمال زشت و ناپسند گروهی از بنی اسرائیل

کانوا لایتناهون .. لبئس ما کانوا یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۷

۷ بنی اسرائیل همکیشان خود را از پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان نهی نمی کردند .

لایتناهون عن منکره فعلوه .. تری كثيراً منهم یتولون الذین کفروا

آیه مورد بحث بیان مصداقی است از <منکر> که در آیه قبل مطرح شده بود.

بی توجهی به نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ لعن شدن گروهی از بنی اسرائیل به سبب تأثیرناپذیری آنان در برابر نهی از منکر و نیز گروه ناهی از منکر به سبب

همنشینی با گنهکاران

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل . . . كانوا لا یتناهون عن منکر فعلوه

از حضرت علی (ع) روایت شده: . . . و

لما وقع التقصير في بني اسرائيل جعل الرجل منهم يرى اخاه على الذنب فينهاه فلا ينهاه فلا يمنعه ذلك من ان يكون اكيله و جليسه و شريبه حتى ضرب الله عزوجل قلوب بعضهم ببعض و نزل فيهم القرآن حيث يقول عزوجل >لعن الذين كفروا من بني اسرائيل ... كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه ... <.

ثواب الاعمال مترجم، ص ۵۹۷، ح ۳؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۳۱۲.

پاداش نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنات ... یأمرون بالمعروف ... و یطیعون الله و رسوله ... وعد الل

تارکان نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۵

۵ ترک کنندگان نهی از منکر در میان یهودیان ایله ، بی اعتنا به تذکار موعظه گران (لزوم نهی از منکر)

فلما نسوا ما ذكروا به

ضمیر در >نسوا< و >ذكروا< به تجاوز گران و نیز به ترک کنندگان نهی از منکر برمی گردد. تذکری که به ترک کنندگان نهی از منکر داده شد، همان است که از جمله >معذره إلی ربکم< فهمیده می شود. یعنی مصلحان به آنان تفهیم کردند که شما نیز باید نهی از منکر کنید، و گر نه مسؤول هستید ؛ اما آنان

همچنان بی تفاوت ماندند.

تارکان نهی از منکر ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۱، ۸، ۶، ۴، ۱

۱ یهودیان ساکن در ایله متشکل از سه گروه بودند: تجاوزگران فاسق، صالحان موعظه گر و نهی کننده از منکرات، تارکان نهی از منکر.

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

مقصود از موعظه، به دلیل <الذین ینهون عن السوء> در آیه بعد، نهی از منکر است.

۴ تارکان نهی از منکر در میان یهودیان ایله، به موعظه گران اعتراض کردند و عمل آنان (نهی از منکر) را نابجا شمردند.

لم تعظون قوماً

۶ اطمینان به هلاکت متجاوزان ایله و یا گرفتاری آنان به عذابی سخت، بهانه تارکان نهی از منکر برای سکوت خویش در برابر آنان و مایه نابجا شمردن عمل موعظه گران (نهی از منکر)

لم تعظون قوماً اللّٰه مهلكهم أو معذبهم عذاباً شديداً

۸ داشتن عذر در پیشگاه خداوند و نیز امید به پرهیز تجاوزگران از تجاوز خویش، پاسخ موعظه گران یهود به اعتراض تارکان نهی از منکر

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

<معذره> مصدر و به معنای حجت داشتن است. این کلمه مفعولٌ له برای فعل مقدر <نعظهم> می باشد؛ یعنی آنان را موعظه می کنیم تا در پیشگاه خدا حجت و عذر داشته باشیم.

۱۱ داستان مناظره دو گروه پرهیزکننده از صید ماهی در میان یهودیان (موعظه گران و تارکان نهی از منکر) داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن. *

إذ قالت أمه منهم لم تعظون .. قالوا معذره إلی ربکم

برداشت

فوق مبتنی بر این است که <إذ قالت .. > متعلق به فعل محذوف <اذکر > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۶

۶ ترک کنندگان نهی از منکر از میان مردم ایله ، به بوزینه تبدیل نشدند .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده

عنوان <ما نهوا عنه > شامل ترک نهی از منکر نمی شود. به خلاف عنوان <ما ذکرُوا به > در آیه قبل که شامل ترک نهی از منکر نیز هست.

تاریخ نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۳

۱۳ - رواج اخلاق خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر ، در میان مردم عصر موسی

و ابتغ فیما یتیک الله الدار الآخره و لاتنس نصیبک من الدنیا و أحسن

ترک نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۳

۳ سرانجام ترک دعوت به نیکی ها و ترک امر به معروف و نهی از منکر ، تفرقه و اختلاف در جامعه

و لتکن منکم امه یدعون .. و لا تکنوا کالذین تفرّقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۴

۴ دعوت نکردن به خیر و ترک امر به معروف و نهی از منکر ، موجب روسیاهی در قیامت

يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر . .. و تسودّ وجوه

به مقتضای ارتباط با آیات قبل، روسیاهی می تواند کیفر گناهان مذکور

در آن آیات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ ترک نهی از منکر از سوی عالمان دینی ، مایه شکل گیری جامعه با چهره ای زشت و ناپسند

لبس ما کانوا یصنعون

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <ما>ی موصوله، جامعه اهل کتاب باشد ، یعنی عالمان یهود و نصارا با ترک نهی از منکر جامعه بدی را می سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۴۸،۹

۴ ترک نهی از منکر ، نمونه ای بارز از تجاوزگری بنی اسرائیل

و کانوا یعتدون. کانوا لایتناهون

جمله <کانوا لایتناهون> تفسیر جمله <کانوا یعتدون> و یا بیان مصداقی بارز از آن می باشد.

۸ ترک نهی از منکر از اعمال زشت و ناپسند گروهی از بنی اسرائیل

کانوا لایتناهون .. لبس ما کانوا یفعلون

۹ ترک نهی از منکر عملی زشت و ناپسند

کانوا لایتناهون .. لبس ما کانوا یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۸،۱۶

۸ لزوم نظارت عمومی جامعه ایمانی بر صحنه روابط خارجی و بازداشتن مؤمنان از پذیرش ولایت کافران و پیوند های مودت آمیز با آنان

کانوا لایتناهون عن منکر .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

۱۶ جاودانگی عذاب بنی اسرائیل به خاطر عصیان گری ، تجاوزپیشگی ، ترک نهی از منکر ، و پذیرش ولایت کافران

ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون. كانوا لا يتناهون ... و في العذاب هم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ حق ناپذیری فاسقان مجوّز ترك نهی از منكر نیست .

لم تعظون قوماً اللّٰه مهلكهم .. قالوا معذره إلی ربكم و لعلمهم يتقون

موعظه گران یهود دو دلیل برای نهی از منكر اقامه کردند: داشتن عذر در پیشگاه خدا (معذره إلی ربكم)، احتمال تأثیر (لعلمهم يتقون). مقتضای سخن آنان این است که نبود احتمال تأثیر نمی تواند مجوّز ترك نهی از منكر باشد و عذر پذیرفته شده ای نخواهد بود.

حق نهی از منكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۴،۵

۴ امر به معروف و نهی از منكر ، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر .

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنكر

۵ امر به معروف و نهی از منكر ، تبلور ولایت و محبت جامعه ایمانی نسبت به یکدیگر

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنكر

خشنوت در نهی از منكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ - امر به معروف و نهی از منكر ، با روش ناهنجار و داد و فریاد ، نفرت انگیز و دارای تأثیر منفی است . *

و امر بالمعروف و انه عن المنكر .. و اغضض من صوتك إن أنكر

احتمال دارد سفارش به روی نگرداندن از مردم و نیز رعایت اعتدال در رفتار و کاستن از صدا، پس از توصیه به امر به معروف و نهی از منكر، به

این منظور باشد که در انجام امر به معروف و نهی از منکر، باید موازین یاد شده رعایت گردد و گرنه، همان گونه که صدای الاغ برای گوش ها ناهنجار است امر به معروف و نهی از منکر بدون رعایت موازین اخلاقی هم اثر منفی دارد.

دعوت به نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۱

۱ - اهتمام به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و شکیبایی در بلاها، از مواعظ لقمان به پسر خویش بود.

يَبْنَئِ أَقْمِ الصَّلٰوةِ .. و اصبر على ما أصابك

روش نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ - امر به معروف و نهی از منکر، با روش ناهنجار و داد و فریاد، نفرت انگیز و دارای تأثیر منفی است. *

و امر بالمعروف و انه عن المنکر .. و اغضض من صوتك إن أنکر

احتمال دارد سفارش به روی نگرداندن از مردم و نیز رعایت اعتدال در رفتار و کاستن از صدا، پس از توصیه به امر به معروف و نهی از منکر، به این منظور باشد که در انجام امر به معروف و نهی از منکر، باید موازین یاد شده رعایت گردد و گرنه، همان گونه که صدای الاغ برای گوش ها ناهنجار است امر به معروف و نهی از منکر بدون رعایت موازین اخلاقی هم اثر منفی دارد.

زمینه ترک نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ ترک نهی از منکر در برابر ستمگران ، از سوی علمای اهل کتاب ، به انگیزه حفظ منافع شخصی تأمین شده از ناحیه آن ستمگران و یا ترس از تهدیداتشان

لولا ینهیهم الرینیون و الاحبار

از امام حسین(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: ... و انما عاب الله ذلك عليهم لانهم كانوا يرون من الظلمه الذين بين اظهرهم المنكر و الفساد فلا ینهونهم عن ذلك رغبه فیما كانوا ینالون منهم و رهبه مما یحذرون ...

تحف العقول، ص ۱۳۷؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۹، ح ۳۷.

سختیهای نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۸، ۱۳

۸ - امر به معروف و نهی از منکر ، مشکلاتی در پی دارد که باید آنها را تحمل کرد .

و أمر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما أصابک

احتمال دارد دستور به صبر پس از سه فرمان اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر، همانند آن سه، فرمانی عام باشد و احتمال دارد فرمانی ویژه و مربوط به امر به معروف و نهی از منکر باشد. در صورت دوم، نشان می دهد که امر به معروف و نهی از منکر، مشکلاتی به همراه دارد که باید آن را تحمل کرد.

۱۳ - > فی مجمع البیان > و اصبر علی ما أصابک < من المشقه و الأذى فی الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر عن علی (ع) ; (

در مجمع البیان از امام علی(ع) درباره > و اصبر علی ما أصابک < روایت شده: در برابر سختی

ها و اذیت هایی که در راه امر به معروف و نهی از منکر می بینی، بردبار باش <.

شرایط نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ - امام صادق (ع) فرموده اند: > من لم ينسلخ عن هواجسه و لم يتخلص من آفات نفسه و شهواتها و لم يدخل في كنف الله و أمان عصمته لا يصلح له الأمر بالمعروف و النهی عن المنكر... قال تعالى < أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسكم > .. ;

کسی که از خاطرات نفسانی جدا نشود و از آفتهای نفس و شهوتهای آن خلاص نگردد و در کنف رحمت، امان و حفظ خدا داخل نشود، سزاوار نیست امر به معروف و نهی از منکر کند... خدای تعالی فرموده است: آیا شما مردم را به خوبی امر می کنید و خود را فرموش می کنید؟ ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۷

۷ آشنایی عمیق با احکام دین و معارف الهی، از شرایط ضروری برای نهی کنندگان از منکر

لولا ينهيهم الربنيون و الاحبار

بدان احتمال که نام بردن عالمان دین برای اشاره به این باشد که نهی از منکر تنها وظیفه آشنایان به احکام الهی، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۶

۶ امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی که احتمال تأثیر در آن نباشد، واجب نیست.

و لا ينفعكم نصحي إن

أردت أن أنصح لكم إن كان الله يريد أن يغويكم

صبر در نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۸،۱۳

۸ - امر به معروف و نهی از منکر، مشکلاتی در پی دارد که باید آنها را تحمل کرد.

و أمر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما أصابک

احتمال دارد دستور به صبر پس از سه فرمان اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر، همانند آن سه، فرمانی عام باشد و احتمال دارد فرمانی ویژه و مربوط به امر به معروف و نهی از منکر باشد. در صورت دوم، نشان می دهد که امر به معروف و نهی از منکر، مشکلاتی به همراه دارد که باید آن را تحمل کرد.

۱۳ - > فی مجمع البیان > و اصبر علی ما أصابک < من المشقه و الأذى فی الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر عن علی (ع) ; (

در مجمع البیان از امام علی (ع) درباره > و اصبر علی ما أصابک < روایت شده: در برابر سختی ها و اذیت هایی که در راه امر به معروف و نهی از منکر می بینی، بردبار باش <.

عذاب تارکان نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۴

۴ خداوند حتی آن گروه از یهودیان ایله را که خود صالح بودند، ولی متجاوزان را موعظه نکردند، به عذابی شدید گرفتار ساخت.

أنجینا الذین ینهون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

در آیه قبل در مقام تقسیم یهودیان ایله از

نظر عملکرد، آنان را به سه گروه تقسیم کرد و آیه مورد بحث در مقام بیان سرنوشت آنان است و ایشان را در دو گروه قرار داده است. این مقایسه نشان می دهد که خداوند ترک کنندگان نهی از منکر را از گروه ظالمان (الذین ظلموا) شمرده است.

عمومیت نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۳

۱۳ تلاش برای اصلاح جامعه و نهی از منکر ، امری لازم بر عهده همگان

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۸

۸ امر به معروف و نهی از منکر ، از وظایف اجتماعی همگانی و مشترک میان زنان و مردان

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

فرجام تارکان نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱۱

۱۱ ترک کنندگان نهی از منکر ، شریک جرم گنهکاران و دارای سرنوشتی همسان با آنان هستند .

أنجینا الذین ینهون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

فلسفه نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۸،۱۲

۸ داشتن عذر در پیشگاه خداوند و نیز امید به پرهیز تجاوزگران از تجاوز خویش ، پاسخ موعظه گران یهود به اعتراض تارکان

نهی از منکر

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

<معذره> مصدر و به معنای حجت داشتن است. این کلمه مفعولٌ له برای فعل مقدر

<نعظهم> می باشد، یعنی آنان را موعظه می کنیم تا در پیشگاه خدا حجت و عذر داشته باشیم.

۱۲ نهی از منکر وسیله ای برای بازداري مردم از گناهان

و لعلهم یتقون

کیفر ترک نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۹

۹ ترک نهی از منکر و سکوت در برابر منحرفان و فسق و ستمگری، دارای کیفری شدید است.

أنجینا الذین ینهون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

گناه تارکان نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۹

۹ اصلاحگران ایله سکوت در برابر گناه را ناروا شمرده و تارکان نهی از منکر را در پیشگاه خدا معذور نمی دانستند.

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

ظاهر اقتضا می کرد که موعظه گران بگویند <ربنا> (پروردگاران)، نه <ربکم> (پروردگارشما). این جا به جایی اشاره به این حقیقت دارد که خداوند پروردگارشما نیز هست و باید در برابر او عذری داشته باشید و بدانید که اگر نهی از منکر نکنید، معذور نیستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱۱

۱۱ ترک کنندگان نهی از منکر، شریک جرم گناهکاران و دارای سرنوشتی همسان با آنان هستند.

أنجینا الذین ینهون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

مراتب نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۵

۵ ترک سخن و مجادله با مغالطه گران

یاوه گو درباره قرآن، روشی در بازداشتن آنان از این عمل ناپسند و مرتبه ای در نهی آنان از این منکر است.

یخوضون فیء ایتنا فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۵

۵ فلسفه تحریم همنشینی با یاوه گویان مغالطه گر در آیات الهی، بازداشتن آنها از این عمل ناپسند است.

فلا تقعد بعد الذکری .. و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۳،۶

۳ پیامبر(ص) وظیفه دار بی اعتنایی به کسانی که آیین آنها بازی و سرگرمی است.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

۶ رها کردن و بی اعتنایی به کسانی که دین خدا را بازیچه و سرگرمی انگاشته اند، وظیفه پیامبر(ص) و مؤمنان است.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۴ - ۴

۴ - با وجود احتمال تأثیر گفتار در بازداشتن مردم از منکرات، نباید به ستیز عملی و برخورد با زور اقدام کرد.

فقولا له قولاً لئینا لعله یتدکر او یخشی

از حرف <لعل> می توان چنین فهمید که تا امید به تأثیر گفتار نرم وجود دارد، درگیر شدن و اقدام عملی برای ترک منکر جایز نیست.

موارد نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۵،۹

۵ فلسفه تحریم همنشینی با یاوه گویان مغالطه گر در

آیات الهی، بازداشتن آنها از این عمل ناپسند است.

فلاتقعد بعد الذکری .. و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یتقون

۹ قال أبو جعفر (ع): لما نزلت <فلاتقعد بعد الذکری مع القوم الظالمین> قال المسلمون: کیف نصنع إن کان کلما استهزء المشرکون بالقرآن قمننا و ترکناهم فلاندخل إذا المسجد الحرام و لانطوف بالبيت الحرام فأنزل الله تعالی <و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء> و أمرهم بتذکیرهم و تبصیرهم ما استطاعوا.

امام باقر (ع) فرمود: چون آیه <فلاتقعد بعد الذکری مع القوم الظالمین> نازل شد، مسلمانان گفتند: حال که هرگاه مشرکان، قرآن را مسخره کنند، باید برخیزیم و از آنان دوری کنیم، در نتیجه هیچگاه نباید وارد مسجد الحرام شده و طواف خانه خدا را بجا آوریم، پس چه کنیم؟ در این هنگام خداوند آیه <و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری> را نازل کرد و در آن به مسلمانان دستور داد که، کافران را متذکر نموده و در حد توان، آنان را با موعظه بیدار کنند.

نهی از منکر در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱،۳

۱ یهودیان ساکن در ایله متشکل از سه گروه بودند: تجاوزگران فاسق، صالحان موعظه گر و نهی کننده از منکرات، تارکان نهی از منکر.

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

مقصود از موعظه، به دلیل <الذین ینهون عن السوء> در آیه بعد، نهی از منکر است.

۳ موعظه گران یهود در آبادی ایله، همکیشان خویش را از نافرمانی خدا (شکستن احکام روز

شنبه) برحذر می داشتند .

لم تعظون قوماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۷

۷ وجوب نهی از منکر در ادیان پیشین

فلولا كان من القرون من قبلكم أولوا بقية ينهون عن الفساد

نهی از منکر در ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۳،۴

۳ موعظه گران یهود در آبادی ایله ، همکیشان خویش را از نافرمانی خدا (شکستن احکام روز شنبه) برحذر می داشتند .

لم تعظون قوماً

۴ تارکان نهی از منکر در میان یهودیان ایله ، به موعظه گران اعتراض کردند و عمل آنان (نهی از منکر) را نابجا شمردند .

لم تعظون قوماً

نهی از منکر در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۱

۱ بی اعتنایی گروهی از بنی اسرائیل به وظیفه الهی نهی از منکر و بی تفاوتی آنان در برابر فساد جامعه خویش

کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه

<لایتناهون> یعنی همدیگر را باز نمی داشتند و نهی نمی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - رواج اخلاق خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر ، در میان مردم عصر موسی

و ابتغ فیما ۛاتیک اللّٰه الدار الآخره و لاتنس نصیبک من الدنیا و أحسن

نهی از منکر در دوران لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۳

۳ - نماز و امر به معروف

و نهی از منکر ، از زمره تعالیم شریعت عصر لقمان بود .

يَنْبَغِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ

نهی از منکر مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۲

۲ توبه ، عبادت ، حمد ، تلاش در راه بندگی ، رکوع ، سجود ، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود الهی ، از صفات مجاهدان راه خدا

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ .. التَّابُونَ ... وَالْحَفْظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۲

۲ - اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، از بارزترین ویژگی های یاران خدا و پیکارکنندگان راه دین او

الَّذِينَ إِذَا مَكَتَهُمْ ... وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ

نهی از منکر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۸

۸ پایداری بر رکوع و سجده و امر به معروف و نهی از منکر ، از ویژگی های مؤمنان راستین

الرَّكَعُونَ السَّجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ

نهی از منکر هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ - هارون (ع)، در غیاب موسی (ع)، وظیفه ارشاد، هشدار، امر به معروف و نهی از منکر را به نحو وافی انجام داد.

و لقد قال لهم هرون من قبل يقوم .. فأتبعوني و أطيعوا أمري

و جوب نهی

از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۵

۵ لزوم نهی از منکر و مقابله با انحرافات جامعه

لولا ینهیهم الربینون و الاحبار عن قولهم الاثم و اكلهم السحت

نیاز از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نیاز

آثار اظهار نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۵

۵ - استغفار، پیش از دعا و اظهار حاجت به درگاه الهی، زمینه ساز استجابت دعا و برآوردن حاجت است.

قال رب اغفر لی و هب لی ملکاً

برداشت یاد شده از استغفار سلیمان(ع)، پیش از اظهار حاجت و درخواست پادشاهی از خداوند برمی آید.

آثار نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۶ - ۸

۸- نیاز، از عوامل گرایش انسان به خداوند

فلا یملکون کشف الضر عنکم و لاتحویلاً

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که خداوند برای گرایش دادن مشرکان به خویش، به آنان یادآوری کرده که جز من، کسی نیاز شما را روا نخواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۰ - ۶

۶ - نیاز های ضروری و مداوم زندگی ، از عوامل گرایش قوم ابراهیم به بت پرستی *

و الذی هو یطعمنی و یسقین . و إذا مرضت فهو یشفین

تأکید ابراهیم(ع) بر نقش خداوند در روزی دادن به انسان ها (یطعمنی) و فرو فرستادن باران (یسقین) و شفا بخشی به انسان (یشفین)، می تواند از آن جهت باشد که قوم او، به انگیزه همین امور به بت ها رو آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۷

۷- نیاز های گسترده آدمی ، از عوامل و زمینه های گرایش او به پرستش معبود

و من أضلّ ممّن يدعوا من دون الله من لا يستجيب له إلى يوم القيمة و هم عن دعائهم

تکیه آیه شریفه بر دعا و نیازخواهی های انسان و این که جز خداوند، کسی قادر به اجابت نیازهای همیشگی و گسترده انسان نیست، می رساند که خداوند از این اهرم برای سوق دادن انسان ها به توحید استفاده کرده است؛ چه این که نیازمندی آنان زمینه ای است هموار برای روی آوری به مبدأ توانمند بی نیاز.

آثار نیاز به ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۹

۹- موجود نیازمند ولایت (سرپرستی و دوستی) ، از سر ذلّت موجودی در مانده و دارای کاستی است .

و لم یکن له ولی من الذلّ

<ولایت> یا به معنای دوستی است و یا به معنای سرپرستی است که در هر دو صورت، در صورتی که از سر ذلّت باشد نشانگر وجود نقص و کاستی در شیء مورد حمایت و دوستی است.

آثار نیاز ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۵

۱۵ - نیاز های طبیعی انسان ، زمینه ای برای انحراف وی و تسلط شیطان بر اوست .

کلوا مما فی الأرض حلالاً طیباً و لاتتبعوا خطوت الشیطن

آثار نیاز های مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- تأثیرگذاری نیازهای محیطی و مادی

انسان بر آرا و نظریات وی حتی در زمینه مسائل فکری و معنوی *

و قالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ينبوعًا

با این احتمال که پیشنهاد ایجاد چشمه به عنوان معجزه از سوی مشرکان، متأثر از شدت نیاز آنان به منابع آبی بوده باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۳

۱۳- نیاز های طبیعی و مادی بشر ، وسیله ای در جهت گرایش دادن او به ارزش ها

فیها أنهر من ماء غیر ءاسن و أنهر من لبن لم يتغير طعمه و أنهر من خمر لذة للش

خداوند از گرایش های طبیعی انسان به نوشیدن و لذت بردن و .. در جهت تشویق او به دین داری، استقامت و تقوایبشگی در طریق حق استفاده کرده است.

ارزش نیاز های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - برتری درخواست ها و نیاز های معنوی و اخروی ، بر درخواست ها و نیاز های مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت به درگاه الهی

قال رب اغفر لی و هب لی ملکًا

ارزش نیاز های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - برتری درخواست ها و نیاز های معنوی و اخروی ، بر درخواست ها و نیاز های مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت به درگاه الهی

قال رب اغفر لي و هب لي ملكا

ارزش نیاز های مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - برتری درخواست ها و نیاز های معنوی و اخروی ، بر درخواست ها و نیاز های مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت به درگاه الهی

قال رب اغفر لی و هب لی ملکاً

ارزش نیاز های معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - برتری درخواست ها و نیاز های معنوی و اخروی ، بر درخواست ها و نیاز های مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت به درگاه الهی

قال رب اغفر لی و هب لی ملکاً

اظهار نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۷

۱۷ - ثنای خداوند و ذکر اوصاف او ، پیش از اظهار حاجت ، امری شایسته و از آداب دعا است .

قل اللهم فاطر السموت .. علم ... أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیہ یختلفون

اظهار نیاز به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۶

۶- مقام بندگی و عبودیت ، مقتضی کرنش و طلب آمرزش و اظهار نیاز به درگاه خداوند

فاعلم أنه لا إله إلا الله و استغفر لذنبک

از ارتباط <لا إله إلا الله> با <استغفر>، استفاده می شود که مقام الوهیت خدا و عبودیت انسان، مستلزم آن است که حتی شخصی همچون پیامبر(ص) که از گناهان، مصون می باشد با طلب آمرزش از خداوند در برابر او کرنش کند.

اقرار به نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۴

۴ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان جن و انس به فقر ذاتی موجودات و نیاز آنها به خداوند

یسله من فی السموت و الأرض .. فبأیء آلاء ربکما تکذبان

سرزنش شدن تکذیب گران یا غافلانی که با غفلت خویش، از جلوه های ربوبیت خداوند چشم پوشیده اند، در واقع بدین منظور است که آنان بیدار شده و تجلیات ربوبیت فراگیر الهی را در درباره خود دریابند.

اهمیت تأمین نیازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۱۵

۱۵- حفظ سلامتی و رفع نیازهای ضروری بدن ، دارای اهمیت و مورد توجه ویژه در تعالیم دین

إنما حرّم علیکم المیتة .. فمن اضطرّ غیر باغ و لاعاد فإن الله غفور رحیم

از آن جایی که خداوند خوردنیهای حرام را در صورت اضطرار (نیاز ضروری بدن و سلامتی جسم به تناول خوردنیهای حرام) حلال شمرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۸

۸- تأمین نیازها و دفع بلیات ، از انگیزه های مهم در پرستش معبودها است .

یأبت لِمَ تعبد ما .. لا یغنی عنک شیئاً

از جمله استدلال های ابراهیم(ع) علیه بت پرستی آزر این بوده که بت ها نمی توانند نیازی از تو برطرف سازند، پس چرا آنها را می پرستی؟! از این استدلال بر می آید که تأمین نیازها یکی از دلایل عمده پرستشها است.

اهمیت تأمین نیازهای ضروری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷- امید بستن به هدایت و تربیت انسان ها ، پس از تأمین نیاز های ضروری آنان ، امیدی بجا و مناسب است .

و الله جعل لكم .. لعلکم تسلمون

برداشت فوق، به خاطر این است که خداوند جمله <لعلکم تسلمون> را پس از به رخ کشیدن نعمتهای فراوان خویش به انسانها، مطرح کرده است.

اهمیت نیاز های معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ رهبران الهی ، وظیفه دار جهت دهی معنوی به خواسته های مادی مردمان

نرید ان نأکل منها .. تکون لنا عيداً لاؤلنا وءاخرنا ءایه منک و ارزقنا

حضرت مسیح(ع) با ذکر مسأله تغذیه به عنوان آخرین هدف و با جمله <وارزقنا ..> که خود ابراز نیاز و تذلل در پیشگاه خداوند است، اشاره به ناموجه بودن سخن حواریون دارد که آنان مسأله تغذیه را قبل از اهداف معنوی مطرح کردند.

تأمین نیاز انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۷

۷ خداوند ، تأمین کننده نیاز های آدمی

یغن الله کلا من سعته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۴

۴ مالکیت خداوند بر هستی ، دلیل توانمندی او بر رفع نیاز های انسان

یغن الله کلا من سعته .. و لله ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۹،۱۰

۹ - خداوند ، تمامی نیاز

های بشر را از نوع پاکیزه و دلپذیرش فراهم ساخته است .

و رزقکم من الطیبت

۱۰ - فراهم ساختن تمامی نیاز های بشر از نوع پاکیزه و دلپذیر آن پس از آفرینش او جلوه ای از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

فأحسن صورکم و رزقکم من الطیبت

تأمین نیاز انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۸ - ۱،۳

۱ - خداوند ، تنها برآورنده نیاز ها و عطاکننده ثروت و مکنت به آدمیان

و أنه هو أغنی

۳ - نیاز های مقطعی و دراز مدت بشر ، برآورده شده در نظام هستی از سوی خداوند *

و أنه هو أغنی و أقتنی

<أقتنی> یعنی ، <أعطی القنیه> و <قتیه> به سرمایه های باقی و ذخایر پایدار گفته می شود. بنابراین جمع میان <أغنی> و <أقتنی> بیانگر مطلب یاد شده است.

تأمین نیاز بندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۵

۵ توانایی بر رفع نیاز بندگان و اجابت درخواست ها و دعا های آنان ، نشانه خدایی است .

له دعوه الحق والذین یدعون من دونه لایستجیون لهم بشیء

تأمین نیاز بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - وعده خداوند به برطرف ساختن نیاز های غیر متأهلان فاقد امکانات ازدواج ، در صورت رعایت عفت و پاکدامنی

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّٰی یغنیهم اللّٰه من فضله

تأمین نیاز زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۱۳

۱۳ گستردگی فضل

خداوند و حکمت او ، مقتضی رفع نیاز های زن و شوهر پس از طلاق

و إن يتفرقا يغن الله كلا من سعته و كان الله وسعاً حكيماً

تأمین نیاز فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۹

۹ لزوم توجه به نیازمندان و رفع نیاز افراد جامعه

قل ما انفقتم من خير فلولوالدين و الأقربين و اليتامى و المساكين و ابن السبيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۸

۸ مسؤولیت سنگین ثروتمندان در تأمین هزینه جهاد و دستگیری از مستمندان

و لا يحسبن الذين يبخلون بما اتيهم الله من فضله

چنانچه <فضل> به معنای زاید بر نیاز باشد، ثروتمندان هستند که دارایی آنان افزون بر نیازشان است.

تأمین نیاز مدیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۸

۸ - ابزار مورد نیاز مسئولان و مدیران باید همراه با اعطای مسؤولیت ، در اختیار آنان قرار گیرد .

اذهب إلى . . . قال ربّ . . . قد أتيت سؤلک

موسی(ع) در پی موظف شدن به رسالت و حرکت به سوی فرعون، نیازها و خواسته هایی را در درگاه خداوند مطرح ساخت. خداوند نیز به آن نیازها پاسخ مثبت داد. این درسی است برای همه در موضوع مدیریت و اعطای مسؤولیت ها که اگر مسؤولیت ی به کسی واگذار می شود، باید سخن مسؤول شنیده شده و به تقاضای او رسیدگی و نیاز او تأمین شود.

تأمین نیاز مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴

۱۳ گسترده‌گی فضل خداوند و حکمت او ، مقتضی رفع نیاز های زن و شوهر پس از طلاق

و إن یتفرقا یغن الله کلا من سعته و کان الله وسعاً حکیماً

تأمین نیاز مسؤلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۸

۸- ابزار مورد نیاز مسؤلان و مدیران باید همراه با اعطای مسؤولیت ، در اختیار آنان قرار گیرد .

اذهب إلی .. قال ربّ .. قد أتیت سؤلک

موسی(ع) در پی موظف شدن به رسالت و حرکت به سوی فرعون، نیازها و خواسته هایی را در درگاه خداوند مطرح ساخت. خداوند نیز به آن نیازها پاسخ مثبت داد. این درسی است برای همه در موضوع مدیریت و اعطای مسؤولیت ها که اگر مسؤولیت ی به کسی واگذار می شود، باید سخن مسؤل شنیده شده و به تقاضای او رسیدگی و نیاز او تأمین شود.

تأمین نیاز موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۸ - ۲

۲ - تدارک نیاز های خلق در پی آفرینش ایشان ، نمودی از ربوبیت یگانه خداوند

و أنّ إلی ربّک المنتهی .. و أنّه خلق ... و أنّه هو أغنی و أفنی

تأمین نیازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۲

۲ - قرآن ، یادآور نیاز های بشر و تأمین کننده آن است .

إنّ هذه تذکره

واژه <تذکره> در بیشتر لغت نامه ها چنین معنا و تعریف شده است: <ما يُسْتَذَكَّرُ به الحاجه> (چیزی که به وسیله آن نیازها خاطر

نشان می شود و انسان همواره آن را به یاد دارد و فراموشش نمی کند (ر. ک: قاموس، صحاح، تاج العروس و لسان العرب).
بر این اساس می توان استفاده کرد که قرآن، نیازهای انسان ها را بدان ها یادآور شده است؛ بگونه ای که آن را همواره در
خاطر دارد و در واقع آنها را تأمین خواهد کرد.

تأمین نیاز های اقتصادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۳

۳ توجه اسلام به نیاز های اقتصادی جامعه اسلامی و تأمین آنها

إنما الصدقات للفقراء .. و ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۱۲

۱۲ اهتمام اسلام به انفاق و تأمین نیاز های معیشتی جامعه

و یقبضون أیدیهم

تأمین نیاز های مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۴

۴ خداوند فراهم سازنده راههایی گوناگون برای تأمین معیشت انسانها در زمین است.

و جعلنا لکم فیها معیش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۷

۷ استقامت و پایداری توده مردم بر ایمان و عقاید دینی خود، در گرو تأمین نیاز های مادی و معنوی آنان

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا

تأمین نیاز های معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۱۴

۱۴ - دعا به درگاه خداوند ، مؤثر در برآورده شدن خواسته های معنوی انسان است .

ربنا واجعلنا مسلمین لك . . .

و تب علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۷

۷ استقامت و پایداری توده مردم بر ایمان و عقاید دینی خود، در گرو تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان

قالوا نريد ان نأكل منها و تطمئن قلوبنا

تناسب دعا با نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱۳

۱۳- حسن ستایش خدا و یاد کردن صفات و اسمای او به گونه ای مناسب با نیاز، به هنگام نیایش و دعا

و أنت خیر الورثین

برداشت یاد شده به این دلیل است که زکریا(ع) متناسب با نیاز و خواسته اش (حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزندان شدن)، خدا را به <بهترین وارث بودن> یاد کرد.

خدا و نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۵،۶

۵- خداوند، منزله از هرگونه نقص و نیاز است.

ما کان لله أن یتخذ من ولد سبحة

۶- لزوم تنزیه ذات اقدس خداوند از هرگونه نقص و نیاز

سبحة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - غفران الهی، از رحمت گسترده او نشأت یافته است؛ نه نیاز و چشمداشت

و لله ملک .. و كان الله غفوراً رحیماً

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که <رحیماً> صفت <غفوراً> باشد؛ یعنی، خدا بخشاینده ای است که از سر رحمت می بخشاید؛ و نه مانند آدمیان که اگر می بخشند، در مقابل چشمداشتی از خلق یا خالق دارند.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۸ - ۷

۷ - نیکی های گسترده خداوند به خلق ، نشأت یافته از رحمت بی کران او است ؛ و نه معلول نیاز و چشمداشت .

هو البرّ الرحیم

توصیف <البرّ> به صفت <الرحیم> ، می رساند که نیکی های خداوند از سر رحمت است ؛ نه مانند نیکی خلق که برای جلب منافع مادی یا معنوی است و یا دستکم رهانیدن خود از شکنجه وجدان.

ذکر نیاز به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۶

۶ - توجه به آفرینش انسان از خون لخته و وابستگی تمام دانش های او به خداوند ، مایه ترک طغیان است .

خلق الإنسن من علق ... علم الإنسن ما لم يعلم . کلاً إنّ الإنسن لیطغی

رفع نیاز انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۳ - ۴

۴ - نزول تورات از سوی خداوند ، با هدف رفع نیاز انسان ها

و لقد ءاتینا موسی الکتب من بعد ما أهلکنا القرون الأولى

زمینه تأمین نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۰، ۷

۷ - آفرینش شب و روز برای تأمین نیاز های بشر ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيهِ .. اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا

آیه شریفه، درصدد اثبات و ارائه نشانه های درستی و راستی برپایی قیامت است که در دو آیه قبل، با صراحت به آن تأکید شده است.

- آفرینش شب و روز در راستای تأمین نیازها و منافع بشر، جلوه ای از فضل و احسان خداوند به او است.

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ .. إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ

زمینه تأمین نیازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۱۰

۱۰- آفرینش جهان و انسان و برآوردن نیازهای او، مقتضای رأفت و رحمت پروردگار است.

خَلَقَ السَّمَوَاتِ .. تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ... خَلَقَ الْإِنْسَانَ ... إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ

سختی تأمین نیازهای دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۹ - ۳

۳- دشواری تأمین نیازهای اولیه انسان (غذا، پوشاک، آب و مسکن) در بیرون بهشت، از هشدارهای خداوند به آدم (ع)
(

فَتَشْقَى . إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى . وَ إِنَّكَ ... لَا تَضْحَى

<أَنَّكَ> عطف بر <أَلَّا تَجُوعَ> است و جمله <إِنَّ لَكَ..> تفسیر برای <فَتَشْقَى> می باشد. نفی گرسنگی، برهنگی، آفتاب زدگی و تشنگی، به منظور اشاره به سختی هایی است که آدم(ع) در صورت اخراج از بهشت به آن گرفتار می شد.

عجز از تأمین نیازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۲

۲- عجز و ناتوانی معبودهای مشرکان، از اجابت خواسته ها و برآوردن نیازهای ایشان

مَنْ دُونَ اللَّهِ مِنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ هُمْ عَنْ دَعْوَاهُمْ غَفْلُونَ

عوامل تأمین نیاز

۵ گردش شب و روز و آرامش در شب و تلاش روزانه ، در راستای تأمین نیازها و منافع انسانها و هماهنگی با آنها است .

و هو الذی جعل لکم الیل لباساً و النوم سباتاً و جعل النهار نشوراً
برداشت فوق، از لام <لکم> که برای انتفاع است به دست می آید.

عوامل تأمین نیازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- قوانین شریعت ، در جهت رفع نیازهای واقعی خود مردم و بی تأثیر در ذات بی نیاز خداوند

و الله الغنی و أنتم الفقراء

با توجه به این که <والله الغنی و أنتم الفقراء> در بیان غنای الهی و نیز فقر خلق مطلق است؛ این نکته استفاده می شود که همه دستورات دین برای رفع نیازهای خلق است؛ و نفعی برای ذات خدا ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - نقش اساسی نقطه طلوع و غروب خورشید ، در پیدایش فصول و تأمین نیازهای بشر *

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

با توجه به این که پیدایش فصول هم زمان با تغییر میل خورشید در طلوع و غروب صورت می گیرد احتمال می رود یاد کرد <مشرقین و مغربین>، اشاره به پیامدهای مهم آن (پیدایش فصول) داشته باشد که بشر از این رهگذر، به امکانات زندگی دست می یابد.

معبود راستین و نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- معبود هستی، واجد همه ارزش ها و کمالات و فاقد هر نقص و نیاز

و قل الحمد لله

اختصاص داشتن همه ستایشها به خدا، مستلزم این است که همه ارزشهای ستایش برانگیز در او جمع بوده و در نهایت نقص و نیاز در او راه نداشته باشد.

معبودان باطل و تأمین نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۹

۹ - مشرکان، معتقد به حاجت دادن معبودهایشان و رساندن سود به انسان ها و برطرف کردن گزند از آنان

أفراء یتیم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله بضرٍ . . . برحمة هل هنّ ممسکت رحمت

مقصود از <دعاء> در <ماتدعون>، حاجت بردن و استعانت جستن است.

منابع تأمین نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۵

۵- همه نیازمندی ها و خواسته های مادی بشر در طبیعت وجود دارد .

و ءاتیکم من کلّ ما سألتموه

منابع تأمین نیازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۴،۵

۴ - زمین، بستر و منبعی مناسب برای تغذیه و تأمین نیازمندی های بشر

و کلوأ من رزقه

۵- وجود روزی و نیازمندی های بشر در زمین ، از نعمت های خداوند و جلوه لطف او است .

هو الذی جعل لکم الأرض ذلولاً .. و کلوأ من رزقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۶ - ۲

۲ - گنجایش زمین ، برای تأمین نیاز های بشر در حال حیات و مرگ *

أحیاء و

أموثاً

منشأ تأمين نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۹

۲۹ اتکا و توکل بر خدا وادارکننده آدمی به درخواست نیازها از وی و نیایش به درگاه اوست .

علی الله توکلنا ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

منشأ تأمين نیازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۲

۲ - التجا به مقام ربوبی خداوند ، از آداب دعا و درخواست نیازها از درگاه اوست .

رب اجعل هذا بلداً آمناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۹ - ۸

۸ توکل بر خداوند و کافی دانستن او برای رفع نیازهای انسان ، زمینه ساز جلب فضل و عطایای الهی

و قالوا حسبنا الله سيؤتينا الله من فضله

از اینکه خداوند قبل از بیان امیدواری به فضل خویش، موضوع توکل (حسبنا الله) را مطرح کرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹ - ۴

۴- نیازمندی های مادی ، جسمانی ، معنوی و فکری انسان ها از سوی خداوند تأمین شده است .

و الأنعم خلقها لكم .. و على الله قصد السبيل

آیات سابق می تواند نیازمندیهای جسمی انسان را در نظر داشته باشد و مراد از <قصد السبیل> در این آیه نیز می تواند نیازمندیهای معنوی انسان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲ - ۷

۷- انسان ، نیازمند به تکیه گاه و

پشتیبان و خدا تنها تأمین کننده آن است .

أَلَا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكَيْلًا

برداشت فوق با توجه به دو مسأله ذیل است: ۱ <التوکیل> در لغت به معنای اعتماد به غیر است و نایب گرفتن اوست (مفردات راغب). ۲- در آیه، نیاز انسان به تکیه گاه امری مسلم شمرده شده و با نهی از اتکال به غیر خدا این حقیقت نشان داده شده است که تنها خداوند تأمین کننده آن نیاز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۹ - ۲،۳،۴

۲ - تدارک نیاز های زندگی انسان (چون خوردنی ها و آشامیدنی ها) در زمین ، از شئون ربوبیت خداوند

فإنهم عدوٌ لى إلا رب العلمين .. و الذى هو يطعمنى و يسقین

۳ - تنها تأمین کننده نیاز های زندگی انسان ، شایسته پرستش است ؛ نه بت های بی جان و ساخته دست مردمان .

فإنهم عدوٌ لى إلا .. و الذى هو يطعمنى و يسقین

۴ - تذکر ابراهیم (ع) به قوم خویش ، مبنی بر حاکمیت اراده خدا بر معاش و زندگی انسان و نفی هرگونه نقش برای بت ها

فإنهم عدوٌ لى إلا رب العلمين .. و الذى هو يطعمنى و يسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۹ - ۲

۲ - حامیان غیر الهی ، بی تأثیر در بی نیاز ساختن انسان از خداوند

إنهم لن یغنوا عنک من الله شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۶ - ۷

۷ - خداوند ، برآورنده نیاز های

نظام جهان و تمامی موجودات آن

فَللهُ الحمد ربَّ السموت و ربَّ الأرض ربَّ العلمین

ربوبیت و تدبیر موجودات عالم از سوی پروردگار، ملازم با رفع نیازها و ایجاد زمینه برای رشد و پرورش آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۸ - ۱،۲،۳،۶

۱ - خداوند، تنها برآورنده نیازها و عطاکننده ثروت و مکتب به آدمیان

و أَنَّهُ هُوَ أَغْنَى

۲ - تدارک نیازهای خلق در پی آفرینش ایشان، نمودی از ربوبیت یگانه خداوند

و أَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى... و أَنَّهُ خَلَقَ... و أَنَّهُ هُوَ أَغْنَى و أَقْنَى

۳ - نیازهای مقطعی و درازمدت بشر، برآورده شده در نظام هستی از سوی خداوند*

و أَنَّهُ هُوَ أَغْنَى و أَقْنَى

<أقنی>؛ یعنی، <أعطى القنیه> و <قنیه> به سرمایه های باقی و ذخایر پایدار گفته می شود. بنابراین جمع میان <أغنی> و <أقنی> بیانگر مطلب یاد شده است.

۶ - <قال أمير المؤمنين (ع) في قول الله > و أَنَّهُ هُوَ أَغْنَى و أَقْنَى < قال أغنی کلّ انسان بمعیشته و أرضاه بکسب یده >

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که درباره آیه <و أَنَّهُ هُوَ أَغْنَى و أَقْنَى> فرمود: او است که هر کس را در معیشت بی نیاز می کند و وی را به کسب و درآمدش خوشنود می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۹ - ۶

۶ - فیض پیوسته حق، پشتوانه اجابت نیازها و خواسته های خلق

یسله... کلّ یوم هو فی شأن

از ارتباط میان دو بخش آیه، مطلب یاد شده

قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله ... کلّ یوم هو فی شأن . فبأیّ ءالآء ربکما تکذّبان

خداوند در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمندی موجودات و فیاضیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کافران را مورد سرزنش قرار داده که چرا این حقیقت را در هستی نادیده می گیرند. تشبیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۱،۱۴

۱ - خداوند ، مرجعی مطمئن برای رفع تمام نیازمندی ها است .

الله الصمد

<صمد> از ریشه <صَمَدٌ> (قصد) آقا و سروری است که در امور به او توجه می شود و فعل <صَمَدٌ صَمَدَهُ>؛ یعنی، با اطمینان به او روی آورد و قصد خود را بر او متمرکز کرد. (مفردات راغب)

۱۴ - > عن داود بن القاسم الجعفری قال : قلت لأبی جعفر الثانی (ع) جعلت فداک ما الصمد ؟ قال : السید المصمود إلیه فی القلیل و الكثير ؛

از داوود بن قاسم جعفری روایت شده که به امام جواد(ع) عرض کردم: فدایت گردهم مراد از <صمد> چیست؟ فرمود: بزرگواری است که در [نیازهای] کم و زیاد، به او رجوع می شود.

منشأ تأمین نیاز ها ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۶

۶ - روح و ذائقه انسان ، تنوع طلب و خداوند برآورنده این نیازها *

فیهما فکھه و النخل ذات الأکمام . و الحبّ ذوالعصف و الريحان

از این که خداوند متعال، خوراکی های متنوع با شکل های گوناگون را به انسان یادآوری کرده و نیز در اختیار او قرار داده و بر این گوناگونی بر انسان منت نهاده است، می توان مطلب بالا را نتیجه گرفت.

منشأ تأمین نیازهای روحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۲

۲ - تأمین نیازهای روحی و تجملی انسان در طبیعت ، جلوه ای از ربوبیت انکارناپذیر الهی در حق وی

یخرج منهما اللؤلؤ و المرجان . فبأیء الآء ربکما تکذبان

با توجه به این که نقش مروارید و مرجان در بعد تجملی زندگی انسان آشکار می باشد، نعمت شمرده شدن آن برای انسان، می رساند که خداوند در کنار همه نیازهای اولیه بشر نیازهای ثانوی آنان را نیز در نظر داشته و تأمین کرده است.

منشأ تأمین نیازهای مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۲ - ۸

۸- خداوند ، آب باران را وسیله سیرابی انسان ها قرار داد .

فأنزلنا من السماء ماء فأسقینکموه

مهمترین نیازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۴

۴- غذا و پوشاک ، نیازی مقدم بر زیبایی خواص و جمال طلبی است . *

لکم فیها دفءٌ و منفع و منها تأکلون . و لکم

فیهما جمال حین تریحون و حین تسرحون

با توجه به اینکه حیوانات هم باعث جمال و هم تأمین کننده غذا و پوشاکند، تقدّم ذکر لباس و غذا در مقام امتنان، ممکن است اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

نشانه های نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۴

۴- فرزندگزینی، نشانه نقص و نیاز است.

ما کان لله أن یتخذ من ولد سبحه

<سبحانه> مفعول مطلق برای فعل محذوف، مانند <سبحوه> می باشد؛ یعنی <منزه بدانید او را منزه دانستی>. کاربرد تزییه در این مورد نشان از آن دارد که <اتخاذ ولد> نشانه نقص و کاستی است و خداوند از آن منزه است.

نقش نیازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - نیاز، بر انگیزاننده آدمی به تلاش و تکاپو

کسراب بقیعه یحسبه الظمان ماء حتّی إذا جاءه لم یجدہ شیئاً

جمله <حتّی إذا جاءه> بیانگر تلاش و تکاپوی انسان تشنه برای به دست آوردن آب است که از نیازهای اصلی و حیاتی او می باشد.

نیاز اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۷

۷ نیاز شدید آدمی به انفاق و اعمال خیر خویش در قیامت

ایوَد احد کم .. و اصابه الکبر و له ذرّیه ضعفاء

از تشبیه انفاق به بوستانی که صاحب آن در حال پیری سخت نیازمند ثمراتِ کارهای گذشته خویش است و انطباق آن بر حال آدمی که در قیامت تنها از نتایج اعمال دنیوی می تواند بهره گیرد، برداشت فوق استفاده می شود.

نیاز انبیا به آمرزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۱ - ۳

۳ انبیای بزرگ نیز نیازمند آمرزش خداوند هستند .

قال رب اغفر لی و لأخی

نیاز انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ همه انسان ها ، حتی مؤمنان حقیقی ، از خطا و گناه مصون نیستند و نیازمند مغفرت الهی هستند .

أولئک هم المؤمنون حقاً لهم مغفرة و رزق کریم

نیاز انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۳

۳ - نیاز انسان ها به یاری یکدیگر در قیامت

یوم لا تملک نفس لنفس شیئاً

بیان سلب قدرت از یاری رسان، گویای آن است که نیاز به کمک وجود دارد ولی از کسی ساخته نیست.

نیاز به آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۰ - ۶

۶- مکه در آغاز بعثت پیامبر (ص) ، سرزمینی کم آب بود و مکیان نیازمند به منابع دائمی آب بودند .

تفجر لنا من الأرض ينبوعًا

درخواست مشرکان مکه از پیامبر(ص) برای ایجاد چشمه ای جوشان، احتمال دارد به خاطر، نیاز شدید آنان به منابع آب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۲۹ - ۶

۶- پیامبر (ص) موظف به رساندن پیام حقّ الهی به مردم است و نه مسئول ایمان و کفر آنان .

و قل الحقّ من ربّکم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليکفر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۹ - ۲

۲ - آب و مسکن ، از جمله نیاز های اساسی انسان از آغاز خلقت

و إِنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۳

۳ - نیاز دوزخیان به تغذیه و نوشیدن

فَأَنهَم لَأَكُلُون مَنهَآ .. عَلَيْهَآ لَشَوْبًا مِّن حَمِيم . ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُم لِإِلَى الْجَحِيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۵

۵ - انسان ، در بهشت به خوردن و آشامیدن نیاز دارد و از آن لذت می برد .

يَطَاف عَلَيْهِم بِصَحَاف مِّن ذَهَبٍ وَ أَكْوَاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۳

۳ - تأمین آب مورد نیاز بشر در زمین ، از سوی خداوند

وَ أَسْقِينَكُم مَّاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۴ - ۴

۴ - انسان پس از معاد ، نیازمند آب و هوای مطبوع و دارای ویژگی های جسمانی است .

لَا يَذُوقُون فِيهَا بَرْدًا وَ لَا شَرَابًا

نیاز به آب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۲

۲ - دوزخیان ، گرفتار تشنگی و نیازمند نوشیدنی خواهند شد .

تسقی من عین ءانیه

نیاز به آرامش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۷

۷- زنان ، پس از زایمان به ویژه در ساعات نخستین آن نیازمند آب آشامیدنی ، آرامش روحی

و روانی و نداشتن حزن و اندوه اند .

أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبِّكَ تَحْتَكِ سَرِيًّا

توصیه شدن مریم(س) به محزون نبودن و نیز فراهم ساختن آنچه او را شادمان می کند، (آب روان) اشاره به ضروری بودن آرامش و انبساط خاطر پس از زایمان زنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۱،۲۱

۱۱ - نیاز رهبری به آرامش و عدم نگرانی در تصمیم گیری ها ، بیش از پیروان *

فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَةً عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ

تقدم <علی رسوله> بر <علی المؤمنین>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

۲۱- ایجاد روح آرامش و تقوا در پیامبر (ص) و مؤمنان ، به هنگام نیاز آنان ، متکی به علم فراگیر خداوند بر هستی

فَأَنْزَلَ اللَّهُ... و أَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى... و كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

از ارتباط <و كان الله...> با عبارت قبل آیه (فَأَنْزَلَ اللَّهُ...)، مطلب بالا استفاده می شود.

نیاز به آسایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۷

۷ - نیاز بشر به استراحت و آرامش ، پس از تلاش های روزانه

مَنْ إِلَهٍ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَلِيلٌ تَسْكُنُونَ فِيهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۳

۳ - تأمین نیاز انسان (نیاز وی به آسایش ، پس از تلاش های روزانه) هدف الهی از برقرار ساختن شب

جعل لكم الّيل . . لتسكنوا فيه

نیاز به آمرزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ -

۱۸ معاف شدگان از جهاد، در عین معذور بودن، نیازمند غفران و رحمت خدایند.

لیس علی الضعفاء... و الله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۶ - ۴

۴ برخی از توبه کنندگان نادم، نیازمند نوید غفران و گروهی دیگر نیازمند باقی ماندن در حال بیم و اضطراب

و ءاخرون مرجون لأمر الله

از اینکه خداوند به گروهی از توبه کنندگان نوید غفران داد و گروهی دیگر را با سرنوشتی مبهم، در اضطراب و انهداد، مطلب فوق را می توان به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۷

۷- نیاز همه انسان ها، حتی انبیای بزرگ، به آمرزش الهی در روز قیامت

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۵

۵- نیاز شدید همه انسان ها در قیامت، به غفران و رحمت الهی

إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ . يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تَجَدَّلُ عَنْ نَفْسِهَا

برداشت فوق، با توجه به این مطلب است که آیه قبل، در بردارنده بشارت غفران و رحمت الهی باشد و بشارت بودن وعده غفران، در صورتی است که انسان نیاز مبرم به آن داشته باشد، زیرا مجادله و دفاع کردن از خود، بیانگر نوعی نیاز به عنایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نیاز شدید انسان در قیامت به مغفرت و آمرزش پروردگار

والذی

أطمع أن يغفر لي خطيئتي يوم الدين

جایی که حضرت ابراهیم(ع) خود را نیازمند مغفرت خدا بدانند، دیگر انسان ها به آن بیشتر و شدیدتر نیاز خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۶

۶ - انسان های مؤمن نیز در معرض لغزش و نیازمند آمرزش اند . *

الذین ءامنوا .. أولئك لهم مغفرة

این که خداوند فرموده است: برای مؤمنان قطعاً مغفرتی وجود دارد، به ملازمه دلالت بر وجود لغزش می کند و اگر نه آمرزیدن معنا نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۷ - ۲

۲ - مؤمنان هرچند از ایمان بالایی برخوردار باشند ، باز به غفران و بخشش خدا نیاز دارند .

قيل ادخل الجنة قال .. بما غفر لي ربّي

برداشت یاد شده از آن جا است که مؤمن انطاکیه که از ایمان بالایی برخوردار بود باز مورد غفران و بخشش الهی قرار گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۲ - ۵

۵ - انسان ها ، حتی موحدان راستین ، نیازمند مغفرت و آمرزش الهی

نزلاً من غفور رحيم

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ - تمامی انسان ها حتی پیامبران نیازمند مغفرت و بخشش اند .

إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ

بنابراین که <لذو مغفره> برای حق گرایان باشد و با توجه به این که پیامبران در رأس حق

گرایان قرار دارند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۹

۹- جنیان ، نیازمند غفران الهی ، همانند آدمیان

و ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من عذاب أليم

وعده غفران، نشانگر نیاز است؛ چه این که اگر نیازی در کار نباشد، نوید تحقق نمی یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۸

۴۸- همه انسان ها حتی مؤمنان ، در معرض لغزش و نیازمند مغفرت الهی

وعد الله الذین . . . مغفره

این که خداوند، به مؤمنان دارای عمل صالح نوید مغفرت داده است؛ در حقیقت می نمایاند که بعضی از لغزش ها، برای همگان متوقع است و در صورت حفظ ایمان و عمل صالح، قابل جبران و بخشش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۴۱

۴۱- انسان ها ، هر چند بسیار نیکوکار باشند ، نیازمند آمرزش الهی اند .

و ما تقدّموا لأنفسکم . . . و استغفروا الله

مطلب یاد شده از ذکر شدن استغفار پس از تشویق به انجام دادن کارهای خیر به دست می آید.

نیاز به آمرزش خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۴

۴ انسان ها ، حتی مؤمنان حقیقی ، در معرض لغزش و نیازمند مغفرت خداوند *

أولئك هم المؤمنون حقا لهم .. مغفره و رزق كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۱۰

همه انسان ها ، حتی مؤمنان حقیقی ، از خطا و گناه مصون نیستند و نیازمند مغفرت الهی هستند .

أولئك هم المؤمنون حقا لهم مغفرة و رزق كريم

نیاز به آمرزشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۹

۹ همگان ، حتی پیامبران الهی برای نیل به سعادت ، نیازمند مغفرت و رحمت الهی اند .

إلا تغفر لی و ترحمنی أکن من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- همه انسان ها ، حتی پیامبر (ص) و مؤمنان واقعی ، در معرض خطا و لغزش و نیازمند غفران الهی

و استغفر لذنبک و للمؤمنین و المؤمنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) در ادامه حیات خویش ، نیازمند مغفرت الهی و ملزم به طلب آن از خداوند بود .

و استغفره

استغفار پیامبر(ص) با آن که معصوم است ممکن است به معنای درخواست ادامه یافتن مغفرت الهی باشد و می تواند بیانگر این نکته باشد که پیامبر(ص)، گرچه بالاترین درجه عبادت را داشت ولی همواره آن را در برابر عظمت خداوند، ناچیز دیده و با احساس شرمندگی به درگاه خداوند از او پوزش می طلبید برداشت یاد شده ناظر به احتمال نخست است.

نیاز به آمیزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۲۲

۲۲- زناشویی ، از نیاز های اساسی انسان است .

فلما قضی زید منها وطراً

نیاز به استعداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۹

۹ - بهره مندی از عنایات و الطاف خداوند ، نیازمند داشتن زمینه های شایسته و مستعد است .

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا

نیاز به استغفار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۸ - ۳

۳ - انسان ها ، حتی متقین ، همواره در معرض لغزش و نیازمند استغفار مداوم

و بالأسحار هم یستغفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۵،۷

۵ - احساس نیاز همیشگی مؤمنان به درخواست غفران ، از پروردگار خویش

من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا

فعل مضارع <یقولون> مفید استمرار و بیانگر مطلب یاد شده است.

۷ - مؤمنان ، حتی پیشتازان ایمان (مهاجران و انصار) ، فاقد مصونیت از خطا و نیازمند غفران الهی

و الذین جاءو من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمن

از تأیید خداوند نسبت به استغفار برای پیشتازان راه ایمان، به جا بودن این دعا و نیاز آنان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۶

۶ - نیاز همه انسان ها حتی پیامبران ، به دعا و طلب آمرزش از خداوند

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا .. رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً ... وَاغْفِرْ لَنَا

از این که خداوند به مؤمنان رهنمود داده است که چون ابراهیم(ع)، دعا و استغفار کنند، نیاز داشتن آنان به دعا و استغفار استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۸

۸ - همه انسان ها در تمامی سطوح ایمانی حتی پیامبران نیازمند آمرزش الهی اند .

رَبِّ اغْفِرْ لِي و لَوْلَدِي و لِمَن دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا و لِّلْمُؤْمِنِينَ و الْمُؤْمِنَاتِ

نیاز به استقامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۷

۷ - حق پذیری و دفاع از حق ، نیازمند شکیبایی و استقامت \$ است .

تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ و تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

جمله <تواصوا بالصبر>، ممکن است درصدد بیان زمینه های لازم برای مفاد <تواصوا بالحق> باشد.

نیاز به اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۳

۳- قیام برای خدا و دفاع از ارزش ها ، نیازمند قدرت روحی و قلبی نیرومند است .

و رَبَطْنَا عَلٰی قُلُوبِهِمْ اِذْ قَامُوا

نیاز به الگو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۸ - ۸

۸ - نیاز بشر به مرشد و مقتدا ، در دست یافتن به راه درست زندگی

اَتَّبِعُونَ اَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ

از این که فرعون و مؤمن آل فرعون، هر دو مدعی نشان دادن راه صواب به مردم شدند، می توان این حقیقت را به دست آورد که اصل نیازمندی انسان ها به راه درست و به مقتدایی که خود این راه را طی کرده و راهنمای دیگران باشد، جای تردید نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۹

۹ - نیاز انسان ها به الگوی الهی ، برای ره یابی به هدایت *

إِنَّا

أرسلنك شهداً

برداشت بالا- بدان احتمال است که مراد از <شاهداً> الگو بودن و معیار متعالی ارزش ها قرار گرفتن باشد، به طوری که انسان ها هر چیزی را با مقایسه با او بسنجند و ارزش آن را بشناسند.

نیاز به امداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۸

۸- انسان در زندگی خویش ، همواره نیازمند یاری و حمایت است .

و ما لكم من دون الله من ولي ولا نصير

در جمله <و ما لكم من دون الله..> اصل نیاز انسان به سرپرست و یاور مسلم تلقی شده و آیه درصدد تعیین مصداق واقعی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۵ - ۲

۲- انسان پس از مرگ ، دارای سردرگمی و نابسامانی و نیازمند امداد و دستگیری

سپه‌دهم و يصلح بالهم

از این که خداوند، به شهیدان نوید داده که آنان را پس از مرگ هدایت کرده و امورشان را سامان خواهد بخشید، استفاده می شود که بشر پس از مرگ، سردرگم و بی سامان خواهد بود، ولی شهیدان از این مشکل در امان می مانند.

نیاز به امداد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۳

۳- نیاز انسان ها به یاری یکدیگر در قیامت

يوم لا تملك نفس لنفس شيئاً

بیان سلب قدرت از یاری رسان، گویای آن است که نیاز به کمک وجود دارد ولی از کسی ساخته نیست.

نیاز به امدادگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷

۱۸ لحظه مرگ هنگام احساس نیاز همه آدمیان به فریادرسی تواناست.

أین ما کنتم تدعون من دون الله

نیاز به امدادهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱۰

۱۰ ساحران مؤمن در عین اظهار استقامت در برابر فرعون ، خود را برای مقاومت در برابر شکنجه های فرعون و پایداری بر طریق ایمان ، نیازمند امداد های الهی دانستند .

ربنا أفرغ علينا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۱۴،۱۸

۱۴ - انسان در پرستش خدا و خلوص در آن ، نیازمند امداد الهی است .

إياك نعبد و إياك نستعين

متعلق <نستعين> همه وظایفی است که از سوره حمد می توان استفاده کرد و از آنها لزوم یکتا پرستی است که از <إياك نعبد> به دست می آید؛ یعنی: نستعینک علی عبادتک و خلوصها.

۱۸ - انسان نیازمند یاری خداوند در تمامی امور خویش است .

إياك نستعين

برخی برآنند که متعلق <نستعين> یعنی مورد استعانت، ذکر نشده تا حکایت از همه امور داشته باشد؛ یعنی: نستعینک علی امورنا کلها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ پیامبران ، برای مصون ماندن از گناه و پایداری بر عصمت ، همواره و در هر حال به توفیق و امداد های الهی نیازمندند .

و إِلَّا تَصْرَفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۱۵

۱۵- موحد بودن و مصونیت کامل از شرک ، نیازمند به

توفیق خداوند و امداد اوست .

و اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام

برداشت فوق به این دلیل است که حضرت ابراهیم(ع) با آنکه از انبیای بزرگ الهی (اولوالعزم) بود، از خداوند خواستار مصونیت خود و فرزندانش از شرک شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۶

۶- شکیبایی پیامبر (ص) در قبال تجاوزات دشمن ، نیازمند امداد و توفیق الهی بود .

و اصبر و ما صبرک إلا بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۳

۳- پیامبر (ص) ، نیازمند امداد های الهی برای پایدار ماندن بر طریق وحی

و لولا أن ثبتتک لقد کدت ترکن إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۱، ۱۴، ۶

۶- ورود در کار ها به صدق و راستی و خروج از آن به درستی ، نیازمند استمداد از خدا

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۱۱- همه انسان ها ، حتی پیامبر (ص) برای داشتن اخلاص و صداقت در عمل ، به امداد ویژه الهی نیازمندند .

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۱۴- حفظ صداقت و راستی در انجام کار ها از آغاز تا انجام ، نیازمند قدرت و توانی خدادادی

أدخلنی .. و اجعل لی من لدنک سلطناً نصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۸

۸- مؤمنان ، حتی پیامبران ، نیازمند امداد خدا در تنگناها

قل رب احکم بالحقّ و ربّنا الرحمن المستعان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۵

۵ پیامبر (ص) ، نیازمند به تقویت روحی و امداد الهی در انجام مسؤولیت خطیر پیامبری

كذلك لنتبت به فؤادك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۶

۶ - انسان ، نیازمند یاری خداوند ، حتی در برابر کوچک ترین وسوسه شیطان

و إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

برداشت یاد شده از تنکیر <نزغ> که برای تحقیر می باشد استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۴

۴ - انسان ، نیازمند ولایت و یآوری از جانب خداوند ، در تمامی حالات زندگی خویش

و من يضلل الله فما له من ولي من بعده

این که گمراهان با محروم شدن از ولایت الهی ره به جایی نمی برند، نشانگر آن است که انسان ها در تمامی حالات زندگی

خویش نیازمند امداد و ولایت الهی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۸

۸ - تمامی انسان ها ، حتی پیامبران بزرگ الهی ، نیازمند امداد و هدایت الهی اند .

فإنه سيهدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸- توفیق در ره یابی به صلاح و خودسازی ، نیازمند امداد و الهام الهی

قال ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتک . . . و أن أعمل صلحاً

<أوزعنی> (از مصدر <ایزاع>) به معنای الهام کردن و توفیق و بازداشتن از انحراف است. این

خود می رساند که توفیق شکرگزاری و خودسازی را نیز، باید از خداوند طلب کرد و از او الهام گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۲

۲ - مؤمنان ، نیازمند امداد الهی در بحران ها و سختی ها ، برای پایداری و استقامت

هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۷

۱۷ - مؤمنان ، نیازمند امداد های مادی و معنوی خداوند ، برای حرکت مداوم در طریق دین و ارزش ها

لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صراطاً مستقیماً

تعبیر <لتکون..> اخباری است که حکایت از واقعیت نیاز انسان به آیات و رهنمودهای خداوند دارد. تداوم این نیاز از <یهدیکم> که به صورت فعل مضارع آمده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۸ - ۳

۳ - توفیق یافتن پیامبر (ص) به فراگیری قرآن و به خاطر سپردن آن ، نیازمند امداد های ویژه خداوند

و نیسرک لیسری

به قرینه <سنقرئک فلاتنسی> (در آیات پیشین) می توان گفت: مراد از <نیسرک>، آماده ساختن پیامبر(ص) برای قرائت و حفظ قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۷ - ۵

۵ - توفیق انسان در انجام دادن تکالیف دینی ، نیازمند امداد های ویژه خداوند

فسنیسره لیسری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۷

۷ - پیامبر (ص)، در معرض آسیب و

خطر و نیازمند امداد الهی

قل أعوذ بربّ الفلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۱ - ۶

۶ - پیامبر (ص) ، در معرض آسیب و خطر و نیازمند امداد الهی

قل أعوذ بربّ الناس

نیاز به امنیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۶

۶- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً

نکره بودن <سلام> بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و .. است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۶

۶- نیاز انسان به سلامت و امنیت الهی ، حتی در لحظه مرگ

والسلم علیّ . . . یوم أموت

مراد از سلامت هنگام مرگ، دور ماندن از وحشت، نومیدی، اضطراب و نظایر آن است که منکران خدا و معاد به آن گرفتار می شوند.

نیاز به امنیت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - انسان در صحنه قیامت ، در معرض آسیب ها و نیازمند امنیت

أم من يأتي ءامناً يوم القيمة

با توجه به اتصاف مؤمنان به وصف امنیت و آرامش، مطلب بالا برداشت می شود.

نیاز به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ -

۹- اصل وجود خدا و نیاز به رسالت ، امری پذیرفته شده حتی در بینش مشرکان

أبعث الله بشراً رسولاً

از اینکه مشرکان به جای انکار اصل رسالت به استبعاد نبوت بشر پرداختند، می توان استفاده کرد که اصل رسالت و نبوت برای آنان، امری محرز بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۳

۳- ساکنان زمین چه انسان باشند و چه فرشته نیازمند رسولانی از جنس خویشند .

قل لو كان في الأرض ملئكة .. لنزلنا عليهم من السماء ملكاً رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۵

۵- نیاز نسل عصر بعثت به پیامبر و کتاب آسمانی جدید

و لکننا أنشأنا قرونًا فتطاول عليهم العمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۴ - ۴

۴- تعداد رسولان الهی ، به میزان نیاز جبهه حق و دین الهی و به مقدار تأثیرپذیری مردم هر جامعه ای بستگی داشت .

إذ أرسلنا إليهم اثنين فكذبوهما فعززنا بثالث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۶ - ۳

۳- انتخاب پیامبر برای هدایت انسان ها از میان خود آنان ، کاری عالمانه و حکیمانه و متناسب با ویژگی های انسان ها و نیاز های آنان است .

قالوا ربنا يعلم إنا إليكم لمرسلون

بیشتر مفسران بر آنند که به گواه گرفتن خدا و یاد علم و دانایی او، در پاسخ کسانی که به دلیل بشر بودن پیامبران منکر رسالت آنان بودند، می تواند برای بیان این نکته

باشد که این انتخاب از سوی کسی است که عالم و حکیم است و کار او نیز عالمانه و حکیمانه می باشد؛ مثل آیه شریفه:
<اللّٰهُ اَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ> (أنعام (۶) آیه ۱۲۴).

نیاز به انذار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۷

۷ - نیاز عمیق بشر به انذار و انذارگران ، برای حرکت در طریق کمال

و إِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَلَمِينَ ... لَتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ

خداوند، قرآن را نازل شده از مقام ربوبیت و نیز وسیله انذار خلق شمرده است و این دو، می رساند که بشر در راستای تکامل خویش، به انذار و منذران سخت نیازمند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۸ - ۳

۳ - نیاز جوامع بشری به انذار و انذارگرانی از جانب خداوند

و ما أهلكنا من قرية إلا لها منذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۸

۸ - بشارت و انذار ، دو نیاز ضروری بشر ، برای ره یابی به هدایت و انتخاب راه صحیح

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ ... وَ مَبَشِّرًا وَ نَذِيرًا

برداشت یاد شده بااستفاده از این نکته است که حقایق کتاب تشریح و محتوای رسالت پیامبران، منطبق بر نیازهای واقعی بشر است و خداوند در این آیه به دو عنصر بشارت و انذار، به عنوان اصول رسالت پیامبر اشاره فرموده است.

نیاز به انذارهای انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵- نیاز عمیق بشر به انذار های پیامبران

الهی ، برای گرایش یافتن به حق

قل . . و ما أنا إلا نذیر مبین

با توجه به این که تمام رسالت پیامبر(ص) در این آیه، در بعد انذار خلاصه شده است، نیاز اساسی بسیاری از انسان ها به انذار در مسیر هدایت استفاده می شود.

نیاز به انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۰

۱۰- انسان به هر مرحله از قرب و منزلت الهی برسد ، نیازمند به عبادت (نماز و . . .) و خدمت به خلق (انفاق) است .

قل لعبادی الذین ءامنوا یقیموا الصلوه و ینفقوا ممّا رزقنهم

اضافه <عباد> به <یاء> متکلم، تشریفیه و بیانگر قرب و منزلت بندگان به پیشگاه خداوند است. بنابراین فرمان خداوند به آنان برای اقامه نماز و انفاق، نشانگر آن است که بنده، هر چند به مقام قرب الهی رسیده باشد، نیازمند به انجام دو فریضه نماز و انفاق است.

نیاز به بازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۵،۷

۵ نیاز یوسف (ع) به گردش و بازی و استفاده از خوراکی های مراتع ، بهانه برادرانش برای بردن او به صحرا و جدا ساختنش از یعقوب (ع)

أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

۷ حضور در مراتع و بازی و گردش ، از نیاز های طبیعی کودکان

و إنا له لنصحون. أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

نیاز به بشارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۸

۸ - بشارت و انذار ، دو

نیاز ضروری بشر، برای ره یابی به هدایت و انتخاب راه صحیح

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ .. وَ مَبَشِّرًا وَ نَذِيرًا

برداشت یاد شده با استفاده از این نکته است که حقایق کتاب تشریح و محتوای رسالت پیامبران، منطبق بر نیازهای واقعی بشر است و خداوند در این آیه به دو عنصر بشارت و انذار، به عنوان اصول رسالت پیامبر اشاره فرموده است.

نیاز به بشارتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۷

۷ - تمامی ره پویان مسیر هدایت، حتی بندگان مقرب الهی، نیازمند بشارت های پیوسته و مستمر خدا هستند.

يَبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

برداشت یاد شده با توجه به دو مطلب است: الف) بندگان مقرب الهی از <عباده الذين ءامنوا> استفاده می شود. ب) با توجه به واژه <بیشر> که از باب تفعیل و مفید تکرار است این نکته بر می آید که مؤمنان صالح، نیازمند بشارت های مداوم خداوند هستند.

نیاز به پوشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲،۳

۲ - آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند.

إِنَّ لَكَ أَلَاتٍ تَجُوعُ فِيهَا وَ لَا تُعْرَى

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تشبیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

۳ - غذا و پوشاک از آغاز آفرینش انسان از جمله نیاز های اصلی او

بوده است .

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى

نیاز به تأییدات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ - رهبران الهی ، در ایفای رسالت خویش و گذر از دشواری ها ، نیازمند اطمینان و تأیید های خداوندی اند .

فاستمسكك .. إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

نیاز به تدبیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۴ - ۸

۸- توجه به وابستگی امور انسان ها به تدبیر الهی ، مایه از یاد نبردن او در هیچ کار و حالت است .

وَ اذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ

کلمه <رَبِّ> در آیه گویای برداشت بالا است.

نیاز به تذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۹

۹ آدمی همواره نیازمند تذکر و هشدار است.

قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَةَ لِقَوْمٍ يَذْكُرُونَ

<یذکرون> صیغه مضارع و معنی تجدد و استمرار دارد. ستوده شدن متذکران با این بیان اشاره ای ظریف به این نکته دارد که آدمی همواره نیازمند متذکر شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۲۰

۲۰- انسان ، در معرض غفلت و روی گردانی از تمایلات فطری و دریافت های عقلی خویش و نیازمند به تذکر و بیدار باش

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ... وَيَنْهَى... يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۴

۴- انسان ها ، نیازمند تذکر و بیدار باش ، حتی نسبت به گرایش های فطری خویش

و

لقد صرّفنا في هذا القرآن ليذكروا

در ماده <يذكروا> (متذکر شوند) این نکته نهفته است که موضوعات مورد تذکر، به نحوی در معرض فهم، ادراک و دریافت بشر وجود دارد و غفلت بر آن عارض می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۱۹

۱۹- همه انسان ها ، حتی عبادت پیشگان ، نیازمند تذکر و یادآوری اند .

ذکری للعبدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۳

۳- انسان ها ، نیازمند تذکر و یادآوری برای ره یافتن به حق

إلا لها منذرون . ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۲

۲- همه انسان ها ، حتی پیامبر (ص) نیازمند تذکر و یادآوری های وحی

و إنّه لذكر لك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۱۱

۱۱- مؤمنان ، در معرض لغزش و نیازمند تذکر و هشدار مکرر

يأيتها الذين ءامنوا أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و لا تبطلوا أعمالكم

از تکرار <أطيعوا> و نهی <لا تبطلوا> در مورد مؤمنان، مطلب بالا استفاده می شود.

۴ انسان ، حتی پس از برخورداری از روحیه عبودیت و خداجویی ، نیازمند بینش یابی و تذکر

تبصره و ذکر لکلّ عبد منیب

تعبیر <لکلّ عبد منیب>، می رساند که انسان حتی با داشتن روحیه عبودیت و انابه، باز نیازمند تبصره (بینش یابی) و تذکر است. از این رو خداوند، مظاهر

طبیعت را به گونه ای قرار داده تا مایه بینش و تذکر آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۶

۶ - اندیشه و خرد آدمی ، برای ره یابی به حقیقت ، نیازمند تذکار های وحی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ

تعبیر <لذکری> می رساند که خرد انسان در ره یابی به حقیقت، نیازمند تذکار الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۷

۷ - حقایق دین ، نهفته در نهاد آدمیان ؛ اما نیازمند تذکر و یادآوری با پیام

فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ

واژه <ذکر> به معنای تذکر است. یادآوری کردن در جایی کاربرد دارد که قبلاً مورد توجه بوده؛ اما به دلایلی مغفول واقع شده است. در مورد آدمیان توجه قبلی آنان به حقایق دین، توجه فطری و غریزی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۵ - ۵

۵ - مؤمنان ، همواره نیازمند تذکر و بیدار باش ، برای استواری بر طریق حق

و ذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِیْنَ

فعل مضارع <تنفع>، استمرار بهره‌وری مؤمنان از تذکرات پیامبر(ص) را می‌رساند و فرمان الهی به ادامه تذکر، نیاز مؤمنان را افاده می‌کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۳

۳ - انسان ، نیازمند تذکر و هشدار برای حرکت در مسیر صلاح

فذكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۴ - ۵

۵ - بشر

در همه ادوار تاریخی، نیازمند تذکر و عبرت آموزی از سرگذشت پیشینیان

و أَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى

برداشت یاد شده در صورتی است که این آیات در صحف موسی و ابراهیم(ع) آمده باشد؛ چنان که برخی از مفسران گفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - انسان همواره در معرض لغزش و نیازمند توصیه و تذکر به تقوا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ .. و اتَّقُوا اللَّهَ

از این که مؤمنان مورد دعوت های مکرر <اتَّقُوا..> قرار گرفته اند؛ نیاز آن به این دعوت استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۳

۳ - نیاز بشر، به تذکار های الهی و تعالیم قرآن کریم

إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ

نیاز به تسبیح خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۹

۹ - انسان در شرایط سخت، برای کسب تحمل بیشتر، به تسبیح و یاد خدا نیازمند است.

فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربک

توصیه به تسبیح، پس از فرمان به <صبر>، نشانگر نقش تسبیح در توانمند شدن بر صبر است.

نیاز به تشویق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱۲

۱۲- جنیان ، نیازمند تشویق و تهدید ، برای گرایش یافتن به ایمان

أجیبوا .. ءامنوا ... یغفر لکم ... و یجرکم من عذاب أليم

منطوق <یجرکم ..> تشویق و مفهوم آن بیانگر تهدید است؛ یعنی، اگر ایمان نیاورید، پناه داده نمی شوید و به

عذاب دردناک گرفتار خواهید شد.

نیاز به تضرع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۷

۷ مؤمنان نباید به خاطر عبادت و رفتار خوب خود، به عجب و غرور گرفتار آیند و خویشان را بی نیاز از تضرع و دعا بیندارند

و الذین یبیتون لربهم .. یقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابهاکان غراماً

نیاز به تعالیم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۲ - ۳

۳ - پیامبر (ص) در شناخت ستارگان، نیازمند تعلیم الهی است.

و ما أدریک ما الطارق

نیاز به تغذیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ مسکن، همسر و خوراک از نیازهای ضروری انسان

اسکن أنت و زوجک الجنة و کلا منها

جریان آفرینش آدم(ع) و نکات ذکر شده پیرامون آن، ترسیمی کلی از چهره انسان و نیازها، روحيات، افکار و .. اوست نه مجرد داستانی از آدم(ع) و حوا، یعنی، اگر سخن از نیاز آدم(ع) و حوا به مسکن، همسر و خوراک به میان آمده بیانگر نیاز همه انسانها به این موارد می باشد و اگر سخن از تشریح و هدایت است، نشانگر نیاز همه انسانها به هدایت و تشریح خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸ - ۵، ۱

۱- بدن پیامبران همانند دیگر انسان ها ، نیازمند به تغذیه است .

و ما جعلنهم جسداً لایأکلون الطعام

۵- فناپذیری و احتیاج به خوراک ،

از عوارض جسم انسان است .

و ما جعلنهم جسداً لا يأكلون الطعام و ما كانوا خلدین

آمدن لفظ <جسد> و آن گاه توصیف کردن پیامبران به این که آنان خوراک می خوردند و می مردند؛ بیانگر این نکته است که این دو صفت مربوط به جسمانی بودن وجود انبیا است؛ زیرا این جسم آدمی است که نیاز به خوراک دارد و فناپذیر است، نه روح آدمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۳

۳ - نیاز دوزخیان به تغذیه و نوشیدن

فإنهم لأكلون منها .. علیها لشوباً من حمیم . ثم إن مرجعهم لالی الجحیم

نیاز به تفریح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۵،۷

۵ نیاز یوسف (ع) به گردش و بازی و استفاده از خوراکی های مراتع ، بهانه برادرانش برای بردن او به صحرا و جدا ساختنش از یعقوب (ع)

أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

۷ حضور در مراتع و بازی و گردش ، از نیاز های طبیعی کودکان

و إنا له لنصحون. أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

نیاز به تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۲۱

۲۱- ایجاد روح آرامش و تقوا در پیامبر (ص) و مؤمنان ، به هنگام نیاز آنان ، متکی به علم فراگیر خداوند بر هستی

فَأَنْزَلَ اللَّهُ .. و أَلْزَمَهُم كَلِمَةَ التَّقْوَى ... و كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

از ارتباط <و كان الله..> با عبارت قبل آیه (فَأَنْزَلَ اللَّهُ...)، مطلب بالا استفاده می شود.

نیاز به تقویت روحیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۵

۵ پیامبر (ص)، نیازمند به تقویت روحی و امداد الهی در انجام مسؤولیت خطیر پیامبری

كذلك لنتبت به فؤادك

نیاز به تکامل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۷ - ۴

۴ - وظیفه تزکیه و پاکسازی دیگران از آلودگی های معنوی، تکلیفی سنگین و نیازمند برخورداری از کمالاتی ویژه است.

و ما علیک الا یزکی

نفی تکلیف از مخاطب، در مورد تزکیه کافرانی که در مجلس پیامبر(ص) حضور داشتند، بیانگر آن است که وی در مقامی نبود که این تکلیف از او ساخته باشد و خداوند، از چنین افرادی انجام دادن آن را نخواست است.

نیاز به تکفیر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۲۰

۲۰- نیاز همیشگی انسان، به لطف و خطاپوشی خداوند

و الذین ءامنوا .. کفر عنهم سیئاتهم

از این که خداوند به موحدان نیک کردار و مؤمن به قرآن و خط پیامبر(ص)، نوید غفران داده است؛ استفاده می شود که حتی چنین مؤمنانی نیز نیازمند غفران خداوند هستند.

نیاز به تنوع خوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- وجود آدمی ، نیازمند خواص متنوع نهفته در انواع میوه ها ، حبوبات و سبزی ها *

و الأرض وضعها للأنام . فيها فكهه و النخل ... و الحبّ ... الريحان

از این که خداوند، پس از یادآوری آمادگی زمین برای زندگی

انسان، میوه های مختلف، حبوبات و سبزی ها را مورد اشاره قرار داده است؛ می توان استفاده کرد که انسان در زندگی خویش، به همه این نعمت ها و خواص نهفته در آنها نیازمند است و کمبود هر یک، می تواند انسان را با مشکل مواجه سازد.

نیاز به تنوع سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۵

۵ - وجود آدمی ، نیازمند خواص متنوع نهفته در انواع میوه ها ، حبوبات و سبزی ها *

و الأرض وضعها للأنام . فيها فكهة و النخل ... و الحبّ ... الريحان

از این که خداوند، پس از یادآوری آمادگی زمین برای زندگی انسان، میوه های مختلف، حبوبات و سبزی ها را مورد اشاره قرار داده است؛ می توان استفاده کرد که انسان در زندگی خویش، به همه این نعمت ها و خواص نهفته در آنها نیازمند است و کمبود هر یک، می تواند انسان را با مشکل مواجه سازد.

نیاز به تنوع میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۵

۵ - وجود آدمی ، نیازمند خواص متنوع نهفته در انواع میوه ها ، حبوبات و سبزی ها *

و الأرض وضعها للأنام . فيها فكهة و النخل ... و الحبّ ... الريحان

از این که خداوند، پس از یادآوری آمادگی زمین برای زندگی انسان، میوه های مختلف، حبوبات و سبزی ها را مورد اشاره قرار داده است؛ می توان استفاده کرد که انسان در زندگی خویش، به همه این نعمت ها و خواص نهفته در آنها نیازمند است

و

کمبود هر یک، می تواند انسان را با مشکل مواجه سازد.

نیاز به توبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۳۱

۳۱ - همه مؤمنان ، دارای نوعی لغزش و خطا و نیازمند به توبه اند .

و توبوا إلى الله جميعاً أيه المؤمنون

برداشت یاد شده، از خطاب عمومی <توبوا> و <أيه المؤمنون> همراه با واژه مخصوص تأکید (جمعاً) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۲

۲ - مؤمنان ، هرگز از خطا و گناه مصون نبوده و نیازمند به توبه خالصانه به درگاه الهی اند .

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا توبوا إلى الله توبه نصحاً عسى ربكم أن يكفر عنكم سيئاتك

نیاز به توکل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۸

۸- صبر ، نیازی موقت و توکل بر خداوند نیازی دائمی برای مسلمانان

الذين هاجروا .. الذين صبروا و على ربهم يتوكلون

از اینکه در توصیف صبر مهاجران، از فعل ماضی استفاده شده و برای تعریف توکل آنها از فعل مضارع استفاده گردیده است، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲ - ۷

۷- انسان ، نیازمند به تکیه گاه و پشتیبان و خدا تنها تأمین کننده آن است .

أَلَا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكَيْلًا

برداشت فوق با توجه به دو مسأله ذیل است: ۱ <التوکیل> در لغت به معنای اعتماد به غیر است و نایب گرفتن اوست (مفردات راغب). ۲- در آیه، نیاز

انسان به تکیه گاه امری مسلم شمرده شده و با نهی از اتکال به غیر خدا این حقیقت نشان داده شده است که تنها خداوند تأمین کننده آن نیاز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۹

۹- آدمیان نیازمند به توکل و اتکای بر خداوند ، برای ایمن ماندن از سلطه ابلیس

لیس لكك عليهم سلطن و كفى برّبك و كیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۲۰

۲۰- نیاز همه انسان ها حتی پیامبران در صحنه های زندگی به توکل بر خداوند

قل حسبی الله علیه یتوكل المتوكلون

نیاز به تهدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱۲

۱۲- جنیان ، نیازمند تشویق و تهدید ، برای گرایش یافتن به ایمان

أجیبوا... ءامنوا... یغفر لكم... و یجرکم من عذاب أليم

منطوق <یجرکم...> تشویق و مفهوم آن بیانگر تهدید است؛ یعنی، اگر ایمان نیاورید، پناه داده نمی شوید و به عذاب دردناک گرفتار خواهید شد.

نیاز به حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۰

۱۰ نیاز دائمی انسان به رهبری و ولایت

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا . . . وَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَوْلِيَآؤُهُمُ الطَّاغُوْت

خارج نبودن هر انسانی از تحت ولایت و سرپرستی به مقتضای تقسیم آنان به مؤمن و کافر، بیانگر این معناست که آدمی همواره نیازمند رهبری و ولایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ -

۳ - حکومت و مدیریت اجتماعی در نگاه وحی ، امری ضروری و پسندیده برای جوامع بشری

و شددنا ملکه

تثبیت و تقویت حکومت داوود(ع) از سوی خداوند، گویای سه نکته است: ۱ اصل وجود حکومت و مدیریت اجتماعی امری ضروری و مطلوب است؛ ۲ در دست گرفتن حکومت و مدیریت اجتماعی از سوی مردان الهی (همچون داوود(ع)) کاری بایسته و شایسته است و این کار با اهداف معنوی و الهی بشر کاملاً سازگاری دارد؛ ۳ دین از سیاست اجتماع جدا نیست؛ بلکه کاملاً با آن سازگار و هماهنگ است.

نیاز به حمایت‌های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۳

۳- انسان ، نیازمند به حفاظت و حمایت الهی در تمام لحظات زندگی

قل من یکلؤکم باللیل والنهار من الرحمن

<کلاه> (ماده <یکلؤ>) به معنای حفظ شیء است و <من> در <من الرحمان> بدلیه است؛ یعنی، به جای خدای رحمان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۷

۷ - نیاز انسان به لطف و حمایت خدا ، در قیامت

و لاتخزنی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۴

۴ - نیاز پیامبر (ص) به حمایت های معنوی و دلجویی خدا از وی در مسیر رسالت

فتوکل علی الله إنک علی الحق المبین

تأیید رسول اکرم (ص) از سوی خدا و تأکید خداوند بر حقانیت راه وی، می نمایاند که پیامبر (ص) به این تأییدها نیازمند بوده است.

نیاز به خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - خلق در بقای خویش همانند اصل پیدایش ، همواره نیازمند و متکی به خالق خویش

یسله من فی السموت و الأرض

فعل مضارع <یسئله>، می نمایاند که خلق پس از تکوّن، بی نیاز از خالق نمی باشند؛ بلکه همچنان در تمنای کسب فیض از مبدأ فیاض اند.

نیاز به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۲

۲- انسان در تأمین همه نیازمندی های خویش محتاج به خداست .

و ءاتیکم من کلّ ما سألتموه

از اینکه خداوند فرمود: همه خواسته های شما را برآورده و تأمین کردم، دلیل احتیاج انسان در رفع تمامی نیازمندیهایش به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۷

۷- خداوند ، برای همگان کارساز و حامی کافی است و جز او به کسی نیازی نیست .

و کفی برّبک و کیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۴ - ۵

۵ - سراسر هستی ، فقیر و نیازمند به خدای یگانه و ستایشگر او

له ما فی السموت . . . و إنّ الله لهو الغنی الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - درك ماهيت تعلق و نياز زمين و موجودات روى آن به خداوند ، تنها در توان اهل دانش و خرد است .

قل لمن الأرض و من فيها إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

شرک ورزی ، برخاسته از جهل انسان و عدم شناخت او نسبت به ماهیت سراسر نیاز جهان هستی به خداوند

قل من بیده . . . إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۵ - ۳

۳ - تمامی موجودات ، در بقای خویش ، نیازمند به خداوندند .

أن تقوم السماء و الأرض بأمره

<السماء و الأرض> کنایه از عالم و آفرینش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۵ - ۱،۶

۱ - فقر و نیاز شدید و همه جانبه انسان ها به خداوند

يأيتها الناس أنتم الفقراء إلى الله

معرفه بودن <الفقراء> برای جنس و یا استغراق است که دلالت بر شدت فقر و نیاز می کند. هم چنین اطلاق فقر و مقید نشدن آن به جهتی خاص، بیانگر همه جانبه بودن فقر و نیاز است.

۶ - نیاز بشر به خدا ، بیش از هر موجود دیگری است .

أنتم الفقراء إلى الله

برخی از مفسران بر این باورند که تأکید خداوند بر فقر و نیاز انسان ها به خداوند با آن که همه موجودات عالم به او نیازمند هستند گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۳

۳ - نیازمندی ممکنات (جهان هستی) در بقا به خداوند ، همانند نیاز آنها در اصل وجود

إنّ الله يمسك السموات و الأرض . . . إن أمسكهما من أحد من بعده

این آیه هر چند درباره آسمان ها و زمین بحث کرده ولی ممکن است به وجود این قانون عام در

جهان هستی نیز اشاره داشته باشد که همه ممکنات، در اصل وجود و در بقای خود، به خداوند نیازمند می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۶

۶ - احتیاج انسان در تأمین رزق و روزی خود به خداوند

إِنَّمَا أُوتِيْتَهُ عَلَىٰ عِلْمٍ .. أَوْلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۲ - ۵

۵ - نیاز تمامی پدیده های جهان ، در بقا و تدبیر امورشان به خالق هستی (خداوند)

اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

یادآوری حفاظت و تدبیر امور جهان از سوی خداوند پس از ذکر خالقیت او می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۴

۴ - خداوند ، خواهان توجه و اذعان جن و انس به فقر ذاتی موجودات و نیاز آنها به خداوند

يَسْأَلُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ .. فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

سرزنش شدن تکذیب گران یا غافلانی که با غفلت خویش، از جلوه های ربوبیت خداوند چشم پوشیده اند، در واقع بدین منظور است که آنان بیدار شده و تجلیات ربوبیت فراگیر الهی را در درباره خود دریابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۶

۶ - بازگشت انسان ها به خداوند ، دلیل نیازمندی آنان به او است .

أَن رَّءَاهُ اسْتَغْنَىٰ . إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ

- آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۲

۲ - همه موجودات نیازمند به خدا

اللّٰهُ الصّمد

مورد توجه بودن خداوند در همه امور و حوائج نشانگر نیاز موجودات به او و بی نیازی او از آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۴ - ۳

۳ - نیاز همه موجودات به خداوند ، دلیل نبود همتا برای او است .

الصّمد . . . و لم یکن له کفوًا أحد

این آیه مانند آیه قبل، تفسیر <صمد> است؛ یعنی، خداوند مرجع حاجت های همه موجودات است؛ بنابراین، چگونه می توان موجودی را که به او محتاج است، مشابه و نظیر او دانست.

نیاز به دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۷

۷ مؤمنان نباید به خاطر عبادت و رفتار خوب خود ، به عجب و غرور گرفتار آیند و خویشان را بی نیاز از تضرع و دعا پندارند .

و الذین یبیتون لربّهم . . . یقولون ربّنا اصرف عَنَّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرامّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۲۲

۲۲ - نیاز همه انسان ها حتی پیامبران ، به دعا برای کسب توفیق از درگاه خدا

و قال ربّ أوزعنی أن أشکر . . . و أن أعمل صلحًا ترضیه و أدخلنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۶

۶ - نیازمندی انسان ها حتی پیامبران ، به ارتباط مستمر و مداوم با خداوند

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ

... و أدبر السجود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۶

۶ - نیاز همه انسان ها حتی پیامبران ، به دعا و طلب آمرزش از خداوند

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا .. رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً ... وَاغْفِرْ لَنَا

از این که خداوند به مؤمنان رهنمود داده است که چون ابراهیم(ع)، دعا و استغفار کنند، نیاز داشتن آنان به دعا و استغفار استفاده می شود.

نیاز به دلداریهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، نیازمند رهنمود و دلجویی از جانب خداوند برای پایداری در طریق تبلیغ

و اصبر لحکم ربِّک فإِنَّک بأعیننا

چنانکه گفته شد: تعبیر <بأعیننا> پیامدار حمایت می باشد، از این تعبیر و از فرمان <و اصبر> مطلب بالا استفاده می شود.

نیاز به دوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۲

۲ - نیاز انسان به دوستِ دلسوز ، حتی در قیامت

و لاصدیق حمیم

حسرت گمراهان بر نداشتن رفیق، نشانگر نیاز و کمبود آنان است.

نیاز به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۷

۱۷ انسان موجودی نیازمند به قانون و هدایت های تشریحی از جانب خداوند

و لاتقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۷

۷- بشر ، برای رفع اختلاف های عقیدتی و نیل به عقیده ای سالم و برتر ، محتاج به وحی و تعالیم

آسمانی است .

و ما أنزلنا عليك الكتب إلا لتبين لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۳ - ۳

۳ - نیاز مردم عصر موسی به تعالیم آسمانی جدید

و لقد آتينا موسى الكتب من بعد ما أهلكنا القرون الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۴

۴ - نیاز بشر ، به وحی و دین الهی در شناخت حق و راه درست

فلما جاءهم بالحق من عندنا

برداشت یاد شده از آمدن قید <عندنا> برای <حق> به دست می آید.

نیاز به ذکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۹

۹ - انسان در شرایط سخت ، برای کسب تحمل بیشتر ، به تسبیح و یاد خدا نیازمند است .

فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربك

توصیه به تسبیح، پس از فرمان به <صبر>، نشانگر نقش تسبیح در توانمند شدن بر صبر است.

نیاز به ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۶ - ۲

۲- عیسی (ع) ، خود را چون همه مردم ، موجودی نیازمند به ربوبیت خدا دانست و آن را به همگان اعلام کرد .

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ

نیاز به رحمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ معاف شدگان از جهاد ، در عین معذور بودن ، نیازمند غفران و رحمت خدایند .

ليس على الضعفاء .. و الله غفور رحيم

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۹

۹ همگان ، حتی پیامبران الهی برای نیل به سعادت ، نیازمند مغفرت و رحمت الهی اند .

إِلَّا تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ الْخَسِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۵

۵- نیاز شدید همه انسان ها در قیامت ، به غفران و رحمت الهی

إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ . يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تَجَدُّدًا عَنْ نَفْسِهَا

برداشت فوق، با توجه به این مطلب است که آیه قبل، دربردارنده بشارت غفران و رحمت الهی باشد و بشارت بودن وعده غفران، در صورتی است که انسان نیاز مبرم به آن داشته باشد زیرا مجادله و دفاع کردن از خود، بیانگر نوعی نیاز به عنایت خداوند است.

نیاز به رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶ - ۲،۴

۲ آدمی، در هر مرتبه و با هر گونه عمل، برای رهایی از عذاب قیامت نیازمند رحمت خداوند است.

من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه

<من> اسم موصول و از ادات عموم است، یعنی (هر کس) بنابراین مفاد صله آن <یصرف ..> عمومیت داشته و شامل همه مردم می شود.

۴ پیامبر اکرم(ص) هم نیازمند رحمت الهی برای نجات از عذاب قیامت است.

قل إني أخاف .. من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه

نیاز به رهبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۸ - ۸

۸ - نیاز بشر به مرشد و مقتدا ، در دست یافتن به

راه درست زندگی

اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ

از این که فرعون و مؤمن آل فرعون، هر دو مدعی نشان دادن راه صواب به مردم شدند، می توان این حقیقت را به دست آورد که اصل نیازمندی انسان ها به راه درست و به مقتدایی که خود این راه را طی کرده و راهنمای دیگران باشد، جای تردید نیست.

نیاز به رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۲ - ۱۴

۱۴ - اصل رهبری و مدیریت اجتماعی و نیاز جامعه به آن ، امری پذیرفته شده و مسلم در نگاه وحی

و إِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ .. فَأَذْنِ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ

از این که خداوند رها کردن حل و فصل مسائل اجتماعی را، منوط به اجازه پیامبر(ص) دانسته است، به دست می آید که رهبری و مدیریت اجتماعی، امری مسلم و ضروری شمرده شده است و بر این اساس، باید مردم از آن مقام کسب تکلیف کنند.

نیاز به زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۵

۵ زینت و زیبایی، همچون غذای پاکیزه، بخشی از نیازهای آدمیان می باشد.

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ

ذکر کردن خوراکیها و زینتها در یک جمله و برخورد مساوی در بیان حلیت آنها، حاکی از نیاز همسان آدمی به آنهاست.

نیاز به سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند

سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًا

نکره بودن <سلام> بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومییدی و .. است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۶

۶- نیاز انسان به سلامت و امنیت الهی ، حتی در لحظه مرگ

والسلم علیّ . . . یوم أموت

مراد از سلامت هنگام مرگ، دور ماندن از وحشت، نومییدی، اضطراب و نظایر آن است که منکران خدا و معاد به آن گرفتار می شوند.

نیاز به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۸

۸- صبر ، نیازی موقت و توکل بر خداوند نیازی دائمی برای مسلمانان

الذین هاجروا .. الذین صبروا و علی ربهم یتوکلون

از اینکه در توصیف صبر مهاجران، از فعل ماضی استفاده شده و برای تعریف توکل آنها از فعل مضارع استفاده گردیده است، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۷

۷- حق پذیری و دفاع از حق ، نیازمند شکیبایی و استقامت \$ است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

جمله <تواصوا بالصبر>، ممکن است درصدد بیان زمینه های لازم برای مفاد <تواصوا بالحق> باشد.

نیاز به طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۴

۱۴ تغذیه ، نیاز روزمره مسیح (ع)

(و مادرش مریم (ع)

كانا يأكلان الطعام

فعل مضارع <يأكلان> دلالت بر استمرار دارد و حاکی از نیاز دائمی آنان به غذاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲،۳

۲- آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تشبیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

۳- غذا و پوشاک از آغاز آفرینش انسان از جمله نیاز های اصلی او بوده است .

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷ - ۲

۲ پیامبر (ص) همچون دیگر انسان ها ، نیازمند به غذا و مناسبات اقتصادی با مردم

مالِ هذا الرسول يأكل الطعام و يمشى فى الأسواق

نیاز به عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۰

۱۰- انسان به هر مرحله از قرب و منزلت الهی برسد ، نیازمند به عبادت (نماز و ...) و خدمت به خلق (انفاق) است .

قل لعبادى الذين ءامنوا يقيموا الصلوة و ينفقوا مما رزقنهم

اضافه <عباد> به <یاء> متکلم، تشریفیه و بیانگر قرب و منزلت بندگان به پیشگاه خداوند است. بنابراین فرمان خداوند به آنان برای اقامه نماز و انفاق،

نشانگر آن است که بنده، هر چند به مقام قرب الهی رسیده باشد، نیازمند به انجام دو فریضه نماز و انفاق است.

نیاز به عبادت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۵ - ۳

۳ - نیاز بشر به عبادت خدا و حاجت خواهی از درگاه او

و الذین تدعون من دونه .. و لو سمعوا ما استجابوا لكم ... أنتم الفقراء إلى الله

با توجه به آیه قبل که درباره عبادت و حاجت خواهی مشرکان بود می توان استفاده کرد که از مصادیق مورد نظر برای فقر و غنا در این آیه، مسأله نیاز بشر به عبادت و بی نیازی خداوند از این عبادت است.

نیاز به عبرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۴ - ۵

۵ - بشر در همه ادوار تاریخی ، نیازمند تذکر و عبرت آموزی از سرگذشت پیشینیان

و أنه أهلك عادًا الأولى

برداشت یاد شده در صورتی است که این آیات در صحف موسی و ابراهیم(ع) آمده باشد؛ چنان که برخی از مفسران گفته اند.

نیاز به غذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۵

۵ - انسان ، در بهشت به خوردن و آشامیدن نیاز دارد و از آن لذت می برد .

یطاف عليهم بصحاف من ذهب و أكواب

نیاز به غذای پاکیزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۵

۵ زینت و زیبایی، همچون غذای پاکیزه، بخشی از نیازهای آدمیان می باشد.

قل من

حرم زینه الله التی أخرج لعباده و الطیبت من الرزق

ذکر کردن خوراکیها و زینتها در یک جمله و برخورد مساوی در بیان حلیت آنها، حاکی از نیاز همسان آدمی به آنهاست.

نیاز به فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۹ - ۶

۶ - نیاز شدید فرعون و همسرش به وجود کودکی در کنارشان

و قالت امرأت فرعون قرت عین لی و لک

نیاز به فضل خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۵ - ۵

۵ - همه انسان ها حتی پیامبران بزرگ ، نیازمند فضل خدا

و اجعلنی من ورثه جنّ النعیم

نیاز به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۳

۳ - نزول کتاب (قرآن) از سوی خداوند ، عملی هدفدار و امری لازم و شایسته برای بشر

إنا أنزلنا إلیک الکتب بالحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحقّ> متعلق به <أنزلنا> باشد. کلمه <حق> در برابر باطل (پوچ و بیهوده) به معنای کار به جا، شایسته و هدفمند است. بنابراین نزول قرآن، هدفمند و کاری شایسته و لازم برای بشر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نیاز بشر ، به تذکار های الهی و تعالیم قرآن کریم

إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ

نیاز به کتاب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۵

۵ - نیاز نسل عصر بعثت به پیامبر و

کتاب آسمانی جدید

و لکنّا أنشأنا قرونًا فتطاول علیهم العمر

نیاز به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱

۱ - ضرورت وجود داشتن کتابی آسمانی در اختیار مردم ، بر فرض آسمانی نبودن قرآن و تورات

قل فأتوا بكتب من عند الله هو أهدي منهما

آیه بالا تفریح بر <قالوا سحران تظاهرا> است و این تفریح در صورتی درست است که لازم باشد همواره در میان مردم کتابی آسمانی باشد و مردم از آن پیروی کنند؛ زیرا در این صورت است که اگر فرضاً تورات و قرآن آسمانی نبودند، قطعاً باید کتاب دیگری می بود و در نتیجه از کافران خواسته می شد که آن را معرفی کنند.

نیاز به لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۱۶

۱۶- نیاز به لباس ، نیازی دائمی برای انسان و تأمین آن از فراورده های حیوانی ، امری موقت است .

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثناً و متعاً إلی حین . . و جعل لکم سربیل تق

برداشت فوق، بر این احتمال است که قید <إلی حین> مربوط به محدودیت بهره مندی از پشم، کرک و مو باشد و از اینکه اشیای یاد شده مقید به زمانی محدود شده است، ولی <سربیل> که ذکر عام بعد از خاص است چنین قیدی ندارد، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

نیاز به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۵

حتی پیامبران به عنایت خداوند در رشد و کمال نیازمنداند .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشد من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۷

۷ - نیاز انسان به لطف و حمایت خدا ، در قیامت

و لاتخزنی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۲۰

۲۰ - نیاز همیشگی انسان ، به لطف و خطاپوشی خداوند

و الذین ءامنوا .. کفر عنهم سیئاتهم

از این که خداوند به موحدان نیک کردار و مؤمن به قرآن و خط پیامبر(ص)، نوید غفران داده است؛ استفاده می شود که حتی چنین مؤمنانی نیز نیازمند غفران خداوند هستند.

نیاز به محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۵ - ۳

۳ - وابستگی شدید مردم ، به محصولات کشاورزی

لو نشاء لجعلنه حطماً فظلمتم تفکھون

طرح موضوع کشاورزی و این که اگر خداوند مانع محصول دادن آن شود، کافران به وضع رقت باری گرفتار خواهند شد، نشانگر مطلب یاد شده است.

نیاز به مدبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - نیاز جهان آفرینش به مدیر و مدبر ، امری روشن برای هر انسان دانشور و خردمند

إن كنتم تعلمون .. قل من ربّ السموات السبع و ربّ العرش العظيم

روشن است که سؤال <من ربّ السماوات السبع..> (پروردگار آسمان های هفتگانه و... کیست؟) زمانی قابل طرح است که اصل نیاز آنها به مدیر و مدبر، قبلاً برای انسان حل شده باشد. و چون درك

این مسأله، برای اهل دانش و خرد که در آیه پیشین به آن تصریح شده است امر پیچیده ای نیست به عنوان اصل مسلم تلقی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۹

۹ - نیاز آسمان ها و زمین و همه موجودات میان آن دو به مربی و مدبر

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کتتم موقنین

نیاز به مربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۴

۴ - نیاز انسان به پروردگار ، باور مشترک همه ادیان توحیدی و مکاتب شرک

هذان خصمان اختصموا فی ربهم

از این آیه شریفه، استفاده می شود که آنچه مورد اختلاف واقع شده، مصداق <پروردگار> است و اما اصل نیاز انسان به پروردگار، باوری پذیرفته شده در میان تمامی مکاتب و ادیان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۹

۹ - نیاز آسمان ها و زمین و همه موجودات میان آن دو به مربی و مدبر

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کتتم موقنین

نیاز به مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ مسکن ، همسر و خوراک از نیاز های ضروری انسان

اسکن أنت و زوجك الجنة و كلا منها

جریان آفرینش آدم(ع) و نکات ذکر شده پیرامون آن، ترسیمی کلی از چهره انسان و نیازها، روحيات، افکار و . . . اوست نه مجرد داستانی از آدم(ع) و حوا، یعنی، اگر سخن از نیاز

آدم(ع) و حوا به مسکن، همسر و خوراک به میان آمده بیانگر نیاز همه انسانها به این موارد می باشد و اگر سخن از تشریح و هدایت است، نشانگر نیاز همه انسانها به هدایت و تشریح خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۹ - ۲

۲ - آب و مسکن ، از جمله نیاز های اساسی انسان از آغاز خلقت

و إِنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى

نیاز به معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۶

۶ - نیاز بشر آینده به معجزه ای بزرگ ، شگفت و بی سابقه برای گرایش به ایمان

أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ

بیرون آمدن جنبیده ای سخنگو از زمین پدیده ای است که در گذشته تاریخ سابقه ندارد و نکره آمدن <دابه> بیانگر عظمت و سترگی آن است.

نیاز به معماری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۸ - ۶

۶ - نیاز و هنرمند بودن ، از معیار های لازم برای خلق آثار و معماری ها و بنا سازی ها

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ

نیاز به معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۶

۶- نیاز بشر در سعادت خود، به چیزهایی غیر از برخورداری مادی و دانش اقتصادی

ثم إذا حوّلته نعمه .. فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

نیاز به مندر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۸ - ۳

۳- نیاز جوامع بشری

به انذار و انذار گرانی از جانب خداوند

و ما أهلكنا من قرية إلا لها منذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۱۲

۱۲- نیاز همواره جوامع بشری ، به وجود انذار گرانی الهی

و قد خلت النذر من بین یدیه و من خلفه

بنابراین که آیه شریفه نظر به استمرار خط نبوت و انذار گری در قبل و بعد از هود(ع) داشته باشد، نیاز همواره بشر به وجود انذار گران استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- جنیان ، همانند آدمیان ، گرفتار گمراهی و گناه و نیازمند هدایت گران و بیم دهندگان

وَلَوْ اِلیٰ قومهم منذرین

<مذرین>، در جایی معنا دارد که گناه و انحرافی وجود داشته و یا زمینه آن فراهم باشد.

نیاز به موعظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۹

۹- انسان برای گرایش به راه خدا ، نیازمند موعظه نیک در کنار دلایل متقن عقلی

ادع اِلیٰ سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که <الموعظه> عطف بر <بالحکمه> است و با یک سیاق ذکر شده، در حالی که <و جادلهم> با بیان دیگر و امری مجزا آمده است.

نیاز به نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۸

۸- مؤمنان ، محتاج امداد های الهی ، در پیشبرد دین و مبارزه با دشمنان

إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ

از این که خداوند، نوید نصرت و امداد به مؤمنان را در زمینه جهاد مطرح کرده

است، نیاز آنان به امدادهای خداوند استفاده می شود.

نیاز به نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۰

۱۰- انسان به هر مرحله از قرب و منزلت الهی برسد، نیازمند به عبادت (نماز و...) و خدمت به خلق (انفاق) است.

قل لعبادی الذین ءامنوا یقیموا الصلوه و ینفقوا ممّا رزقنهم

اضافه <عباد> به <یاء> متکلم، تشریفیه و بیانگر قرب و منزلت بندگان به پیشگاه خداوند است. بنابراین فرمان خداوند به آنان برای اقامه نماز و انفاق، نشانگر آن است که بنده، هر چند به مقام قرب الهی رسیده باشد، نیازمند به انجام دو فریضه نماز و انفاق است.

نیاز به نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۲

۲- حرکت در عرصه تاریک قیامت، نیازمند داشتن نور و روشنایی از خود

یوم یقول المنفقون .. انظرونا نقتبس من نورکم

نیاز به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۷

۷- بشر، برای رفع اختلاف های عقیدتی و نیل به عقیده ای سالم و برتر، محتاج به وحی و تعالیم آسمانی است.

و ما أنزلنا علیک الکتب إلا لتبین لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۵

۵- هر موجود شعورمند مستقر در زمین ، نیازمند به وحی الهی و هدایت آسمانی

قل لو كان في الأرض ملئكة يمشون مطمئنين لنزلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۴

۴ - نیاز بشر ، به وحی و دین الهی در شناخت حق و راه درست

فلما جاءهم بالحق من عندنا

برداشت یاد شده از آمدن قید <عندنا> برای <حق> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶ - ۴

۴ - سپری شدن تاریخ [رخداد ها و تحولات زندگی انسان در گذر زمان] ، باعث بی نیازی بشر از وحی و هدایت های آسمانی نیست .

أفضرب عنکم الذکر .. و کم أرسلنا من نبی فی الأولین

فرستاده شدن پیامبران فراوان در امت های پیشین، نشانگر آن است که انسان ها در هیچ یک از دوره های تاریخ، بی نیاز از وحی الهی نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۷

۷- نیاز همه انسان ها به پیام وحی و رهنمود های پروردگار ، برای رسیدن به حق و صلاح

بأنّ الذین کفروا اتّبعوا البطل و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

مقید شدن <الحق> به <من ربهم> و مقابله <الحق من ربهم> با <الباطل> ، می رساند که بشر بیش از دو راه در پیش ندارد: راه باطل و یا راه حق، راه حق تنها همان راهی است که منتسب به پروردگار و نازل شده از سوی او است از این رو انسان برای رسیدن به حق، ضرورتاً نیازمند رهنمود خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۲ - ۱

۱- انسان ، در تشخیص تکالیف دشواری که خداوند خواهد

انجام گرفتن آن است ، نیازمند وحی است .

و ما أدريك ما العقبه

<العقبه> گرچه مطلق است؛ ولی مراد از آن به قرینه سیاق آیه طریقه های سختی است که سلوک آن، مطلوب خداوند می باشد؛ و گرنه شناخت مطلق کارهای دشوار بر کسی سخت نیست.

نیاز به ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۳

۱۳ - انسان در قیامت ، نیازمند ولایت و یآوری است .

و الظلمون ما لهم من ولی و لانصیر

نیاز به ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۴

۴ - انسان ، نیازمند ولایت و یآوری از جانب خداوند ، در تمامی حالات زندگی خویش

و من یضلل الله فما له من ولی من بعده

این که گمراهان با محروم شدن از ولایت الهی ره به جایی نمی برند، نشانگر آن است که انسان ها در تمامی حالات زندگی خویش نیازمند امداد و ولایت الهی اند.

نیاز به ولی (سرپرست)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۶ - ۲

۲ - یتیمی پیامبر (ص) ، او را به داشتن سرپرست نیازمند کرده بود .

ألم یجدک یتیمًا فاوی

حرف <فاء> برای عطف مسبب بر سبب است و دلالت دارد که آنچه پیامبر(ص) را نیازمند سرپرست کرده بود، یتیمی آن حضرت بوده است.

نیاز به هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۴

۴ - انسان همواره نیازمند هدایت های الهی است .

إهدنا الصراط المستقیم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۷

۱۷ انسان موجودی نیازمند به قانون و هدایت های تشریحی از جانب خداوند

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۵

۵ - انسان برای نیل به سعادت ، نیازمند هدایت ها و رهنمود های الهی است .

فإما يأتينكم منى هدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ انسان بدون هدایت پروردگار در گمراهی خواهد ماند.

لئن لم يهدنى ربى لأكونن من القوم الضالين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۱ - ۶

۶ - انسان ، نیازمند به هدایت الهی در راهیابی به < صراط مستقیم >

هده إلى صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۵

۵ - هر موجود شعورمند مستقر در زمین ، نیازمند به وحی الهی و هدایت آسمانی

قل لو كان فى الأرض ملئكة يمشون مطمئنن لنزلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۲۲

۲۲- همواره یاد کردن خداوند ، نیازمند توفیق و هدایت ویژه الهی است .

واذکر ربّک إذا نسیت و قل عسی أن یهدین ربّی لأقرب من هذا رشداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۹ - ۵

۵- بنی اسرائیل در عصر فرعون ، گرفتار انحراف در عقیده و عمل و نیازمند هدایت از سوی خدا

و

لقد آتينا موسى الكتب لعلهم يهتدون

<هم> در <لعلهم> کنایه از بنی اسرائیل است و ارجاع آن به فرعون و طایفه او، درست نیست؛ زیرا نزول تورات، بعد از هلاکت آنها بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۲

۲ - بشر، نیازمند هدایت و راهنمایی از جانب خداوند

قل فأتوا بكتب من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۱۱

۱۱ - انسان، نیازمند به هدایت الهی است و در صورت بهره نداشتن از آن گمراه می شود.

قل ربی أعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلل مبین

برداشت یاد شده با توجه به این مطلب است که گمراهی بشر در برابر هدایت ارائه شده از سوی خداوند قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۶

۶ - نیاز انسان به هدایت الهی در رسیدن به سعادت و خوشبختی

لو أن الله هدینی لكنت من المتقین

از این که کافران رسیدن به مقام متقین (سعادت‌مندان) را منوط به هدایت الهی می دانند، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۳ - ۳

۳ - نیاز همه انسان ها، حتی پیامبران، به هدایت الهی

و لقد ءاتينا موسى الهدى

آیه شریفه در مقام امتنان است. در این مقام، اعطا و بخشش هدایت، دلیل نیاز بشر به آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ -

۴ - سپری شدن تاریخ [رخدادها و تحولات زندگی انسان در گذر زمان]، باعث بی‌نیازی بشر از وحی و هدایت‌های آسمانی نیست.

أفضرب عنکم الذکر .. و کم أرسلنا من نبی فی الأولین

فرستاده شدن پیامبران فراوان در امت‌های پیشین، نشانگر آن است که انسان‌ها در هیچ‌یک از دوره‌های تاریخ، بی‌نیاز از وحی الهی نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - انسان، در اشتیاق رستگاری و نیازمند راهنمایی، برای تشخیص راه‌ها و مصادیق آن

ذَکَّکَ هُوَ الْفَوْزُ الْمَبِیْنُ

تأکید با ضمیر فصل در زمینه نمایاندن رستگاری راستین، نشانگر آن است که اولاً انسان در نهاد خودش، عشق به رستگاری دارد و ثانیاً دستیابی به آن، نیازمند هدایت و راهنمایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۲۰

۲۰ - انسان در هر مرحله از زندگی، مواجه با راه‌های گوناگون حق و باطل و نیازمند هدایت مداوم

و یهدیکم صراطاً مستقیماً

از این‌که خداوند، برای مؤمنان مسأله هدایت را مطرح کرده؛ معلوم می‌شود که اصولاً انسان‌ها، حتی مؤمنان، در هر مرحله از زندگی، مواجه با ابهام‌ها و آزمون‌های جدیدی می‌شوند که برای انتخاب راه صحیح، همواره نیازمند هدایت‌اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۸ - ۴

۴ انسان، حتی پس از برخورداری از روحیه عبودیت و خداجویی، نیازمند بینش یابی و تذکر

لکلّ عبد منیب

تعبیر <لکلّ عبد منیب>، می رساند که انسان حتی با داشتن روحیه عبودیت و انابه، باز نیازمند تبصره (بینش یابی) و تذکر است. از این رو خداوند، مظاهر طبیعت را به گونه ای قرار داده تا مایه بینش و تذکر آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۸

۸ - انسان ، جهت گذار سالم از مسیر زندگی دنیوی و به بیراهه نیفتادن ، به نوری هدایت کننده در وجود خود نیازمند است .

و يجعل لکم نورًا تمشون به

برداشت یاد شده در صورتی استفاده می شود که مراد از <تمشون> طی کردن مسیر زندگی دنیوی باشد.

نیاز به هدایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۵ - ۷

۷ غیر خدا ، ذاتاً فاقد توانایی ره یابی به سوی حق بوده و نیازمند هدایت خداست .

أفمن یهدی إلی الحق أن یتبع أمن لایهدی إلا أن یهدی

نیاز به هدایتگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- جنیان ، همانند آدمیان ، گرفتار گمراهی و گناه و نیازمند هدایت گران و بیم دهندگان

وَلَوْ اِلی قومهم منذرین

<مذرین>، در جایی معنا دارد که گناه و انحرافی وجود داشته و یا زمینه آن فراهم باشد.

نیاز به هدایتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۹

۹ - پیامبران ، در تشخیص موارد رضایت خداوند ، نیازمند راهنمایی و هدایت او هستند .

و ما أعجلک .. عجلت إلیک ربّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۸

۱۸ - انسان ، برای رهایی از خطاها و رسیدن به خوشبختی ، نیازمند رهنمود های الهی است .

فمن اتبع هدای فلا یضلّ و لایشقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۸ - ۵

۵ - نیاز مستمر موجودات هستی به هدایت خدا

الذی خلقنی فهو یهدین

تفریع <فهو یهدین> بر <الذی خلقنی> ، بیانگر این نکته است که هر مخلوقی نیازمند هدایت است و چون خدا آن را خلق کرد، هدایتش هم خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۸،۱۱

۸ - تمامی انسان ها ، حتی پیامبران بزرگ الهی ، نیازمند امداد و هدایت الهی اند .

فإنّه سیهدین

۱۱ - ایمان به توحید و خدای یگانه ، آغاز راه بوده و در ادامه آن انسان نیازمند راهنمایی از سوی خداوند است .

إلا الذی فطرنی فإنّه سیهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۱۱

۱۱ - پیامبر (ص) ، نیازمند هدایت الهی ، برای رهنمون شدن به راه راست و صلاح

و يهديك صراطاً مستقيماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۴

۴ - انسان ، نیازمند هدایت از جانب خداوند

أرسل رسوله بالهدى

فرستاده شدن پیامبر(ص) برای هدایت، با این فرض می باشد که انسان، نیازمند هدایت از سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۳

۲ - پیامبر (ص)، برای پاسخ به پرسش های مردم، نیازمند راهنمایی خداوند و دارای آگاهی های محدود

فیم أنت من ذکریها

خداوند، با بیان این حقیقت که مقام پیامبر(ص) قاصر از بیان تمام ویژگی های قیامت است، شیوه پاسخ گویی به پرسش مردم از زمان وقوع قیامت را به آن حضرت می آموزد.

نیاز به هشدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۹

۹ آدمی همواره نیازمند تذکر و هشدار است.

قد فصلنا الأیت لقوم یذکرون

<یذکرون> صیغه مضارع و معنی تجدد و استمرار دارد. ستوده شدن متذکران با این بیان اشاره ای ظریف به این نکته دارد که آدمی همواره نیازمند متذکر شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۹

۹- انسان، همواره در معرض ابتلا به شرک و نیازمند به هشدار است. *

لاتجعل مع الله إلهاء اخر .. و قضي ربك ألا تعبدوا إلا إياه ... لاتجعل مع ال

تأکید بر پرهیز از شرک در این مجموعه آیات (آیه ۲۲ ۳۸) که درباره مباحث مختلف خانوادگی و اجتماعی است بیانگر این نکته است که احتمال لغزش انسانها زیاد است و باید به آنها توجه داده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۱۱

۱۱- مؤمنان، در معرض لغزش و نیازمند تذکر و هشدار مکرر

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تَبْطُلُوا ءَعْمَلَكُمْ

از تکرار <أطيعوا> و نهی <لا تبطلوا> در مورد مؤمنان، مطلب بالا استفاده می شود.

نیاز به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۳ - ۲

۲- انسان ، در معرض غفلت از سود و زیان واقعی خویش و نیازمند هشدار پیامبران (ع) است .

قل هل نتبئکم بالأخسرین أعملاً

نیاز به هشدارهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۹ - ۲

۲ - مؤمنان ، در معرض از یاد بردن خدا و نیازمند هشدار الهی برای پایبندی به تقوا

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ .. و لا تكونوا كالذين نسوا اللَّهَ

نیاز به همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ مسکن ، همسر و خوراک از نیازهای ضروری انسان

اسکن أنت و زوجك الجنة و كلا منها

جریان آفرینش آدم(ع) و نکات ذکر شده پیرامون آن، ترسیمی کلی از چهره انسان و نیازها، روحیات، افکار و .. اوست نه مجرد داستانی از آدم(ع) و حوا، یعنی، اگر سخن از نیاز آدم(ع) و حوا به مسکن، همسر و خوراک به میان آمده بیانگر نیاز همه انسانها به این موارد می باشد و اگر سخن از تشریح و هدایت است، نشانگر نیاز همه انسانها به هدایت و تشریح خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۴،۵

۴ - نیاز مداوم زن و شوهر به یکدیگر

هن لباس لکم و اتم لباس لهن

در جمله <هن لباس لکم . . . > زن برای شوهر و شوهر برای زن، به لباس برای انسان، تشبیه شده اند. <نیاز مداوم > وجه

شبه روشنی است که تشبیه مذکور گویای آن می باشد.

۵- نیاز جنسی زن و شوهر به یکدیگر از حکمت های حلیت آمیزش جنسی در شب های رمضان

أحل لكم ليلة الصيام الرفث إلى نسائكم هن لباس لكم و أنتم لباس لهن

جمله <هن لباس لكم...> بیانگر حکمت و دلیل اعلام حلیت (أحل لكم...) است.

نیاز به هنگام احتضار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- اعراف - ۷ - ۳۷ - ۱۹، ۱۸

۱۸ لحظه مرگ هنگام احساس نیاز همه آدمیان به فریادرسی تواناست.

أین ما کنتم تدعون من دون الله

۱۹ تنها خداوند، توانا به یاری انسان به هنگام مرگ است.

أین ما کنتم تدعون من دون الله

نیاز به هوای مطبوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۴ - ۴

۴ - انسان پس از معاد، نیازمند آب و هوای مطبوع و دارای ویژگی های جسمانی است.

لا یدوقون فیها بردًا و لا شرابًا

نیاز به یاور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۳

۱۳ - انسان در قیامت، نیازمند ولایت و یآوری است.

و الظلمون ما لهم من وليّ ولا نصير

نیاز زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۳

۳ وعده خداوند به رفع نیاز مرد و زن ، در صورت وقوع طلاق از روی ناچاری

و إن يتفرقا يغن الله كلا من سعته

نیاز فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۳ - ۱۰، ۱۲، ۳

لزوم پرده پوشی نیاز نیازمندان و عفو و گذشت از خطای آنان

قول معروف و مغفره خیر

کلمه <مغفره> در اصل به معنای پوشاندن است و معنای آن به تناسب مورد، عفو و گذشت و پوشاندن نیازمندی نیازمندان است.

۱۰ نباید پس از انفاق، با گفتاری ناصواب و یا آشکار ساختن فقر نیازمندان، آنان را آزرده.

قول معروف و مغفره خیر من صدقه یتبعها اذی

۱۲ غنای الهی، کفایت کننده نیاز محرومان از انفاق های همراه با آزار و اذیت

و الله غنی حلیم

بکارگیری صفت <غنی> بیانگر این است که نیازی به انفاق همراه با آزار محرومان نیست و خداوند با غنای خود روزی آنان را خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۱ - ۴

۴ اولویت تأمین زندگی نیازمندان به وسیله صدقات، نسبت به سایر مصارف

ان تبدوا الصدقات .. و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خیر لکم

از تخصیص به ذکر <فقراء> در بین تمام مصارف که قطعاً صدقات مصارف دیگری نیز دارند اولویت آنان استفاده می گردد.

نیاز متقابل انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۱۴

۱۴ - نیاز متقابل و ارتباط ناگسستی انسان ها با یکدیگر در زندگی اجتماعی

و رفعنا بعضهم فوق بعض درجت لیّخذ بعضهم بعضاً سخریاً

نیاز مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۳

۳ وعده خداوند به رفع نیاز مرد و زن ، در صورت وقوع طلاق از روی ناچاری

و إن يتفرقا يغن

اللّٰه كلاً من سعته

نیاز ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۴

۴ ملائکه در اجرای مأموریت های خویش نیازمند تقویت و پشتیبانی از جانب خدا

إذ يوحى ربك إلى الملكة أنى معكم فثبتوا الذين آمنوا

نیاز مؤمنان راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ همه انسان ها ، حتی مؤمنان حقیقی ، از خطا و گناه مصون نیستند و نیازمند مغفرت الهی هستند .

أولئك هم المؤمنون حقا لهم مغفرة و رزق كريم

نیاز های اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۲ - ۱۴

۱۴ - اصل رهبری و مدیریت اجتماعی و نیاز جامعه به آن ، امری پذیرفته شده و مسلم در نگاه وحی

و إذا كانوا معه على أمر جامع لم يذهبوا حتى يستأذنوه .. فأذن لمن شئت منهم

از این که خداوند رها کردن حل و فصل مسائل اجتماعی را، منوط به اجازه پیامبر(ص) دانسته است، به دست می آید که رهبری و مدیریت اجتماعی، امری مسلم و ضروری شمرده شده است و بر این اساس، باید مردم از آن مقام کسب تکلیف کنند.

نیاز های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - حرکت در عرصه تاریک قیامت ، نیازمند داشتن نور و روشنایی از خود

یوم یقول المنفقون .. انظرونا نقتبس من نورکم

نیاز های جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۶- توجه اسلام به نیاز های جنسی و طبیعی ، در تشریح احکام و قوانین دین

أحل لكم ليلة الصيام الرفث إلى نسائكم

نیاز های معنوی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۳

۳- انسان ، نیازمند به حفاظت و حمایت الهی در تمام لحظات زندگی

قل من يكلؤكم بالليل والنهار من الرحمن

<کلاه> (ماده <یکلاؤ>) به معنای حفظ شیء است و <من> در <من الرحمان> بدلیه است؛ یعنی، به جای خدای رحمان.

وقت تأمین نیاز محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۷ - ۵

۵ - <عن أبي جعفر (ع) في قوله : <إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا> يقول : فراغاً طويلاً لنومك و لحاجتك ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا> روایت شده که خدا [به رسول خود] می فرماید: تو در روز برای خواب و رفع نیازهایت، فراغت طولانی خواهی داشت.<

نیاز به انبیا

{نیاز به انبیا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴ - ۶

۶- مبلغان ، در تبلیغ دین باید با زبان مردم خویش سخن بگویند .

و ما أرسلنا من رسول إلا بلسان قومه ليبيّن لهم

نیاز به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۹

۹- اصل وجود خدا و نیاز به رسالت ، امری پذیرفته شده حتی در بینش مشرکان

أبعث الله بشراً رسولاً

از اینکه مشرکان به جای انکار اصل رسالت به استبعاد

نبوت بشر پرداختند، می توان استفاده کرد که اصل رسالت و نبوت برای آنان، امری محرز بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۳

۳- ساکنان زمین چه انسان باشند و چه فرشته نیازمند رسولانی از جنس خویشند .

قل لو كان في الأرض ملئكة .. لنزلنا عليهم من السماء ملئكا رسولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۵

۵ - نیاز نسل عصر بعثت به پیامبر و کتاب آسمانی جدید

و لکننا أنشأنا قروناً فتطاول عليهم العمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۴ - ۴

۴ - تعداد رسولان الهی ، به میزان نیاز جبهه حق و دین الهی و به مقدار تأثیرپذیری مردم هر جامعه ای بستگی داشت .

إذ أرسلنا إليهم اثنتين فكذبوهما فعززنا بثالث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۶ - ۳

۳ - انتخاب پیامبر برای هدایت انسان ها از میان خود آنان ، کاری عالمانه و حکیمانه و متناسب با ویژگی های انسان ها و نیاز های آنان است .

قالوا ربنا يعلم إنا إليكم لمرسلون

بیشتر مفسران برآنند که به گواه گرفتن خدا و یاد علم و دانایی او، در پاسخ کسانی که به دلیل بشر بودن پیامبران منکر رسالت آنان بودند، می تواند برای بیان این نکته باشد که این انتخاب از سوی کسی است که عالم و حکیم است و کار او نیز عالمانه و حکیمانه می باشد، مثل آیه شریفه: >اللّه أعلم حیث

يجعل رسالته < (أنعام ٦) آیه ١٢٤).

نیازها

آثار نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٧ - احقاف - ٤٦ - ٥ - ٧

٧- نیازهای گسترده آدمی، از عوامل و زمینه های گرایش او به پرستش معبود

و من أضلّ ممّن يدعوا من دون الله من لا يستجيب له إلى يوم القيمة و هم عن دعائهم

تکیه آیه شریفه بر دعا و نیازخواهی های انسان و این که جز خداوند، کسی قادر به اجابت نیازهای همیشگی و گسترده انسان نیست، می رساند که خداوند از این اهرم برای سوق دادن انسان ها به توحید استفاده کرده است؛ چه این که نیازمندی آنان زمینه ای است هموار برای روی آوری به مبدأ توانمند بی نیاز.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٠ - اسراء - ١٧ - ٥٦ - ٨

٨- نیاز، از عوامل گرایش انسان به خداوند

فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلاً

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که خداوند برای گرایش دادن مشرکان به خویش، به آنان یادآوری کرده که جز من، کسی نیاز شما را روا نخواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٣ - شعراء - ٢٦ - ٨٠ - ٦

٦ - نیازهای ضروری و مداوم زندگی، از عوامل گرایش قوم ابراهیم به بت پرستی *

و الذی هو يطعمنی و یسقین . و إذا مرضت فهو یشفین

تأکید ابراهیم(ع) بر نقش خداوند در روزی دادن به انسان ها (یطعمنی) و فرو فرستادن باران (یسقین) و شفا بخشی به انسان

(یشفین)، می تواند از آن جهت باشد که قوم او، به انگیزه همین امور به بت

ها رو آورده بودند.

آثار نیاز به ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۹

۹- موجود نیازمند ولایت (سرپرستی و دوستی) ، از سر ذلّت موجودی در مانده و دارای کاستی است .

و لم یکن له ولی من الذلّ

<ولایت> یا به معنای دوستی است و یا به معنای سرپرستی است که در هر دو صورت، در صورتی که از سر ذلّت باشد نشانگر وجود نقص و کاستی در شیء مورد حمایت و دوستی است.

آثار نیازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۵

۱۵ - نیاز های طبیعی انسان ، زمینه ای برای انحراف وی و تسلط شیطان بر اوست .

كلوا مما فی الأرض حللاً طیباً و لا تتبعوا خطوت الشیطن

آثار نیاز های مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۰ - ۷

۷- تأثیر گذاری نیاز های محیطی و مادی انسان بر آرا و نظریات وی حتی در زمینه مسائل فکری و معنوی *

و قالوا لن نؤمن لك حتی تفجر لنا من الأرض ینبوعاً

با این احتمال که پیشنهاد ایجاد چشمه به عنوان معجزه از سوی مشرکان، متأثر از شدت نیاز آنان به منابع آبی بوده باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳- نیازهای طبیعی و مادی بشر، وسیله ای در جهت گرایش دادن او به ارزش ها

فیها أنهر من ماء غیر ءاسن و أنهر من لبن لم یتغیر

طعمه و أنهر من خمر لذه للش

خداوند از گرایش های طبیعی انسان به نوشیدن و لذت بردن و .. در جهت تشویق او به دین داری، استقامت و تقوایبشگی در طریق حق استفاده کرده است.

اظهار نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۷

۱۷ - ثنای خداوند و ذکر اوصاف او ، پیش از اظهار حاجت ، امری شایسته و از آداب دعا است .

قل اللهم فاطر السموت .. علم ... أنت تحكم بين عبادك في ما كانوا فيه يختلفون

اظهار نیاز به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۶

۶- مقام بندگی و عبودیت ، مقتضی کرنش و طلب آمرزش و اظهار نیاز به درگاه خداوند

فاعلم أنه لا إله إلا الله و استغفر لذنبك

از ارتباط <لا إله إلا الله> با <استغفر>، استفاده می شود که مقام الوهیت خدا و عبودیت انسان، مستلزم آن است که حتی شخصی همچون پیامبر(ص) که از گناهان، مصون می باشد با طلب آمرزش از خداوند در برابر او کرنش کند.

اهمیت تأمین نیازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۱۵

۱۵- حفظ سلامتی و رفع نیازهای ضروری بدن ، دارای اهمیت و مورد توجه ویژه در تعالیم دین

إنما حرم عليكم الميتة .. فمن اضطر غير باغ ولا عاد فإن الله غفور رحيم

از آن جایی که خداوند خوردنیهای حرام را در صورت اضطرار (نیاز ضروری بدن و سلامتی جسم به تناول خوردنیهای حرام)

است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۸

۸- تأمین نیازها و دفع بلیات ، از انگیزه های مهم در پرستش معبودها است .

يَأْتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا .. لَا يَغْنَىٰ عَنْكَ شَيْئًا

از جمله استدلال های ابراهیم(ع) علیه بت پرستی آزر این بوده که بت ها نمی توانند نیازی از تو برطرف سازند، پس چرا آنها را می پرستی؟! از این استدلال بر می آید که تأمین نیازها یکی از دلایل عمده پرستشها است.

اهمیت تأمین نیازهای ضروری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۱۷

۱۷- امید بستن به هدایت و تربیت انسانها ، پس از تأمین نیازهای ضروری آنان ، امیدی بجا و مناسب است .

و الله جعل لكم .. لعلكم تسلمون

برداشت فوق، به خاطر این است که خداوند جمله <لعلكم تسلمون> را پس از به رخ کشیدن نعمتهای فراوان خویش به انسانها، مطرح کرده است.

تأمین نیازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۲

۲ - قرآن ، یادآور نیازهای بشر و تأمین کننده آن است .

إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ

واژه <تذکره> در بیشتر لغت نامه ها چنین معنا و تعریف شده است: <مَا يُسْتَذَكَّرُ بِهِ الْحَاجَةُ> (چیزی که بهوسیله آن نیازها خاطر نشان می شود و انسان همواره آن را به یاد دارد و فراموشش نمی کند) (ر. ک: قاموس، صحاح، تاج العروس و لسان

العرب). بر این اساس می توان استفاده کرد که

قرآن، نیازهای انسان‌ها را بدان‌ها یادآور شده است؛^۳ بگونه‌ای که آن‌ها را همواره در خاطر دارد و در واقع آنها را تأمین خواهد کرد.

تأمین نیازهای اقتصادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۳

۳ توجه اسلام به نیازهای اقتصادی جامعه اسلامی و تأمین آنها

إنما الصدقات للفقراء... و ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۱۲

۱۲ اهتمام اسلام به انفاق و تأمین نیازهای معیشتی جامعه

و یقبضون أیدیهم

تأمین نیازهای مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۴

۴ خداوند فراهم سازنده راههایی گوناگون برای تأمین معیشت انسانها در زمین است.

و جعلنا لکم فیها معیش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۷

۷ استقامت و پایداری توده مردم بر ایمان و عقاید دینی خود، در گرو تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا

تأمین نیاز های معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۱۴

۱۴ - دعا به درگاه خداوند ، مؤثر در برآورده شدن خواسته های معنوی انسان است .

ربنا واجعلنا مسلمین لك . . . و تب علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۷

۷ استقامت و پایداری توده مردم بر ایمان و عقاید دینی خود

، در گرو تأمین نیاز های مادی و معنوی آنان

قالوا نريد ان نأكل منها و تطمئن قلوبنا

زمینه تأمین نیاز ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۱۰

۱۰- آفرینش جهان و انسان و برآوردن نیاز های او ، مقتضای رأفت و رحمت پروردگار است .

خلق السموت .. . تعالى عمّا يشركون ... خلق الإنسن ... إن ربكم لرءوف رحيم

سختی تأمین نیاز های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۹ - ۳

۳- دشواری تأمین نیاز های اولیه انسان (غذا ، پوشاک ، آب و مسکن) در بیرون بهشت ، از هشدار های خداوند به آدم (ع)
(

فتشقی . إن لك ألاتجوع فيها و لاتعری . و إنك ... لاتضحی

<أنك> عطف بر <ألاتجوع> است و جمله <إن لك..> تفسیر برای <فتشقی> می باشد. نفی گرسنگی، برهنگی، آفتاب زدگی و تشنگی، به منظور اشاره به سختی هایی است که آدم(ع) در صورت اخراج از بهشت به آن گرفتار می شد.

عجز از تأمین نیاز ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۲

۲- عجز و ناتوانی معبود های مشرکان ، از اجابت خواسته ها و بر آوردن نیاز های ایشان

من دون الله من لا يستجيب له إلى يوم القيمة و هم عن دعائهم غفلون

عوامل تأمین نیاز ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۱۱

۱۱- قوانین شریعت ، در جهت رفع نیاز های واقعی

خود مردم و بی تأثیر در ذات بی نیاز خداوند

و الله الغنی و أنتم الفقراء

با توجه به این که <والله الغنی و أنتم الفقراء> در بیان غنای الهی و نیز فقر خلق مطلق است؛ این نکته استفاده می شود که همه دستورات دین برای رفع نیازهای خلق است؛ و نفعی برای ذات خدا ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۷ - ۲

۲ - نقش اساسی نقطه طلوع و غروب خورشید ، در پیدایش فصول و تأمین نیاز های بشر *

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

با توجه به این که پیدایش فصول هم زمان با تغییر میل خورشید در طلوع و غروب صورت می گیرد احتمال می رود یاد کرد <مشرقین و مغربین>، اشاره به پیامدهای مهم آن (پیدایش فصول) داشته باشد که بشر از این رهگذر، به امکانات زندگی دست می یابد.

منابع تأمین نیاز ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۴،۵

۴ - زمین ، بستر و منبعی مناسب برای تغذیه و تأمین نیازمندی های بشر

و کلوا من رزقه

۵ - وجود روزی و نیازمندی های بشر در زمین ، از نعمت های خداوند و جلوه لطف او است .

هو الذی جعل لکم الأرض ذلولاً .. و کلوا من رزقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۶ - ۲

۲ - گنجایش زمین ، برای تأمین نیاز های بشر در حال حیات و مرگ *

أحياء و أمواتاً

منشأ تأمين نيازها

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۲

۲ - التجا به مقام ربوبی خداوند ، از آداب دعا و درخواست نیازها از درگاه اوست .

رب اجعل هذا بلداً آمناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۹ - ۸

۸ توکل بر خداوند و کافی دانستن او برای رفع نیازهای انسان ، زمینه ساز جلب فضل و عطایای الهی

و قالوا حسبنا الله سيؤتينا الله من فضله

از اینکه خداوند قبل از بیان امیدواری به فضل خویش، موضوع توکل (حسبنا الله) را مطرح کرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹ - ۴

۴- نیازمندی های مادی ، جسمانی ، معنوی و فکری انسان ها از سوی خداوند تأمین شده است .

و الأنعم خلقها لكم .. و على الله قصد السبيل

آیات سابق می تواند نیازمندیهای جسمی انسان را در نظر داشته باشد و مراد از <قصد السبيل> در این آیه نیز می تواند نیازمندیهای معنوی انسان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲ - ۷

۷- انسان ، نیازمند به تکیه گاه و پشتیبان و خدا تنها تأمین کننده آن است .

ألا تتخذوا من دوني وكيلاً

برداشت فوق با توجه به دو مسأله ذیل است: ۱ <التوكيل> در لغت به معنای اعتماد به غیر است و نایب گرفتن اوست

(مفردات راغب). ۲- در آیه، نیاز انسان به تکیه گاه امری مسلم شمرده شده و با نهی از اتکال به غیر خدا این حقیقت نشان

داده شده است

که تنها خداوند تأمین کننده آن نیاز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۹ - ۲،۳،۴

۲ - تدارک نیازهای زندگی انسان (چون خوردنی ها و آشامیدنی ها) در زمین ، از شؤون ربوبیت خداوند

فإنهم عدوٌ لى إلا رب العلمین . . . و الذی هو یطعمنی و یسقین

۳ - تنها تأمین کننده نیازهای زندگی انسان ، شایسته پرستش است ؛ نه بت های بی جان و ساخته دست مردمان .

فإنهم عدوٌ لى إلا . . . و الذی هو یطعمنی و یسقین

۴ - تذکر ابراهیم (ع) به قوم خویش ، مبنی بر حاکمیت اراده خدا بر معاش و زندگی انسان و نفی هرگونه نقش برای بت ها

فإنهم عدوٌ لى إلا رب العلمین . . . و الذی هو یطعمنی و یسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۹ - ۲

۲ - حامیان غیر الهی ، بی تأثیر در بی نیاز ساختن انسان از خداوند

إنهم لن یغنونک من اللّٰه شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۶ - ۷

۷ - خداوند ، برآورنده نیازهای نظام جهان و تمامی موجودات آن

فللّٰه الحمد ربّ السموت و ربّ الأرض ربّ العلمین

ربوبیت و تدبیر موجودات عالم از سوی پروردگار، ملازم با رفع نیازها و ایجاد زمینه برای رشد و پرورش آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۸ - ۱،۲،۳،۶

۱ - خداوند ، تنها برآورنده نیازها و عطاکننده ثروت و

مکتب به آدمیان

و أَنَّهُ هُوَ أَغْنَى

۲ - تدارک نیاز های خلق در پی آفرینش ایشان ، نمودی از ربوبیت یگانه خداوند

و أَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ... و أَنَّهُ خَلَقَ ... و أَنَّهُ هُوَ أَغْنَى و أَقْنَى

۳ - نیاز های مقطعی و دراز مدت بشر ، برآورده شده در نظام هستی از سوی خداوند *

و أَنَّهُ هُوَ أَغْنَى و أَقْنَى

<أقنى> یعنی، <أعطى القنیه> و <قنیه> به سرمایه های باقی و ذخایر پایدار گفته می شود. بنابراین جمع میان <أغنى> و <أقنى> بیانگر مطلب یاد شده است.

۶ - < قال أمير المؤمنين (ع) في قول الله > و أَنَّهُ هُوَ أَغْنَى و أَقْنَى < قال أغنى كلَّ انسان بمعيشته و أرضاه بكسب يده >

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که درباره آیه <و أَنَّهُ هُوَ أَغْنَى و أَقْنَى> فرمود: او است که هر کس را در معیشت بی نیاز می کند و وی را به کسب و درآمدش خوشنود می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۹ - ۶

۶ - فیض پیوسته حق ، پشتوانه اجابت نیاز ها و خواسته های خلق

یسله ... كلَّ يوم هو في شأن

از ارتباط میان دو بخش آیه، مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله ... كلَّ يوم هو في شأن . فبأىء آلاء ربكما تكذبان

خداوند در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمندی

موجودات و فیاضیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کافران را مورد سرزنش قرار داده که چرا این حقیقت را در هستی نادیده می گیرند. تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۱،۱۴

۱ - خداوند، مرجعی مطمئن برای رفع تمام نیازمندی ها است .

الله الصمد

<صمد> از ریشه <صَمَد> (قصد) آقا و سروری است که در امور به او توجه می شود و فعل <صَمَدٌ صَمَدٌ>؛ یعنی، با اطمینان به او روی آورد و قصد خود را بر او متمرکز کرد. (مفردات راغب)

۱۴ - > عن داود بن القاسم الجعفری قال : قلت لأبی جعفر الثانی (ع) جعلت فداك ما الصمد ؟ قال : السيد المصمود إليه فی القلیل و الكثير ؛

از داوود بن قاسم جعفری روایت شده که به امام جواد(ع) عرض کردم: فدایت گردهم مراد از <صمد> چیست؟ فرمود: بزرگواری است که در [نیازهای] کم و زیاد، به او رجوع می شود.*

منشأ تأمین نیازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۶

۶ - روح و ذائقه انسان، تنوع طلب و خداوند برآورنده این نیازها *

فيها فكهه و النخل ذات الأكمام . و الحبّ ذوالعصف و الريحان

از این که خداوند متعال، خوراکی های متنوع با شکل های گوناگون را به انسان یادآوری کرده و نیز در اختیار او قرار داده و بر این

گوناگونی بر انسان منت نهاده است، می توان مطلب بالا را نتیجه گرفت.

منشأ تأمین نیاز های روحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۲

۲ - تأمین نیاز های روحی و تجملی انسان در طبیعت ، جلوه ای از ربوبیت انکارناپذیر الهی در حق وی

يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللَّؤْلُؤَ وَالْمَرْجَانَ . فَبِأَيِّ آءِ الرَّبِّ كَمَا تَكْذِبَانِ

با توجه به این که نقش مروارید و مرجان در بعد تجملی زندگی انسان آشکار می باشد، نعمت شمرده شدن آن برای انسان، می رساند که خداوند در کنار همه نیازهای اولیه بشر نیازهای ثانوی آنان را نیز در نظر داشته و تأمین کرده است.

منشأ تأمین نیاز های مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۲ - ۸

۸- خداوند ، آب باران را وسیله سیرابی انسان ها قرار داد .

فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ

مهمترین نیاز ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۴

۴- غذا و پوشاک ، نیازی مقدم بر زیبایی خواص و جمال طلبی است . *

لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ . وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تَرِيحُونَ وَحِينَ تُسْرِحُونَ

با توجه به اینکه حیوانات هم باعث جمال و هم تأمین کننده غذا و پوشاکند، تقدّم ذکری لباس و غذا در مقام امتنان، ممکن است اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

نقش نیاز ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - نیاز ، برانگیزاننده

آدمی به تلاش و تکاپو

كسراب بقیعه یحسبه الظمان ماء حتّی إذا جاءه لم یجدہ شیئاً

جمله <حتّی إذا جاءه> بیانگر تلاش و تکاپوی انسان تشنه برای به دست آوردن آب است که از نیازهای اصلی و حیاتی او می باشد.

نیاز به آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۰ - ۶

۶- مکه در آغاز بعثت پیامبر (ص)، سرزمینی کم آب بود و مکیان نیازمند به منابع دائمی آب بودند.

تفجر لنا من الأرض ینوعاً

درخواست مشرکان مکه از پیامبر(ص) برای ایجاد چشمه ای جوشان، احتمال دارد به خاطر، نیاز شدید آنان به منابع آب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۶

۶- پیامبر (ص) موظف به رساندن پیام حقّ الهی به مردم است و نه مسئول ایمان و کفر آنان.

و قل الحقّ من ربکم فمن شاء فلیؤمن ومن شاء فلیکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۹ - ۲

۲- آب و مسکن، از جمله نیازهای اساسی انسان از آغاز خلقت

و إنک لا تظمؤا فیها ولا تضحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۳

۳ - نیاز دوزخیان به تغذیه و نوشیدن

فإنهم لأكلون منها .. عليها لشوبًا من حميم . ثم إن مرجعهم لآلى الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۵

۵ - انسان ، در بهشت به خوردن و آشامیدن نیاز دارد

و از آن لذت می برد .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۳

۳ - تأمین آب مورد نیاز بشر در زمین ، از سوی خداوند

و أسقینکم ماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۴ - ۴

۴ - انسان پس از معاد ، نیازمند آب و هوای مطبوع و دارای ویژگی های جسمانی است .

لا ینذوقون فیها بردًا و لا شرابًا

نیاز به آب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۲

۲ - دوزخیان ، گرفتار تشنگی و نیازمند نوشیدنی خواهند شد .

تسقی من عین ءانیه

نیاز به آرامش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۷

۷- زنان ، پس از زایمان به ویژه در ساعات نخستین آن نیازمند آب آشامیدنی ، آرامش روحی و روانی و نداشتن حزن و اندوه اند .

أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكَ تَحْتَكِ سَرِيًّا

توصیه شدن مریم(س) به محزون نبودن و نیز فراهم ساختن آنچه او را شادمان می کند، (آب روان) اشاره به ضروری بودن آرامش و انبساط خاطر پس از زایمان زنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۱،۲۱

۱۱ - نیاز رهبری به آرامش و عدم نگرانی در تصمیم گیری ها ، بیش از پیروان *

فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ

تقدم <علی رسوله> بر <علی المؤمنین>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

ایجاد روح آرامش و تقوا در پیامبر (ص) و مؤمنان ، به هنگام نیاز آنان ، متکی به علم فراگیر خداوند بر هستی

فَأَنْزَلَ اللَّهُ .. و أَلْزَمَهُم كَلِمَةَ التَّقْوَى ... و كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

از ارتباط <و كان الله..> با عبارت قبل آیه (فأنزل الله...)، مطلب بالا استفاده می شود.

نیاز به آسایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۷

۷ - نیاز بشر به استراحت و آرامش ، پس از تلاش های روزانه

من إله غير الله يأتیکم بليل تسکنون فيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۳

۳ - تأمین نیاز انسان (نیاز وی به آسایش ، پس از تلاش های روزانه) هدف الهی از برقرار ساختن شب

جعل لكم الیل .. لتسکنوا فيه

نیاز به آمرزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ معاف شدگان از جهاد ، در عین معذور بودن ، نیازمند غفران و رحمت خدایند .

ليس على الضعفاء .. و الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۶ - ۴

۴ برخی از توبه کنندگان نادم ، نیازمند نوید غفران و گروهی دیگر نیازمند باقی ماندن در حال بیم و اضطراب

و ءاخرن مرءون لأمر الله

از اینهه آءاوند به گروهی از توبه کنندگان نوید عفرا ن داد و گروهی دیگر را با سرنوشتی مبهم، در اضطراب وانهاد، مطلب فوق را می توان به دست آورد.

ءلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۷

۷- نیاز همه انسان ها ، حتی انبیای بزرگ ، به آمرزش الهی در روز قیامت

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۵

۵- نیاز شدید همه انسان ها در قیامت ، به غفران و رحمت الهی

إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ . يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تَجَدُّلًا عَنْ نَفْسِهَا

برداشت فوق، با توجه به این مطلب است که آیه قبل، دربردارنده بشارت غفران و رحمت الهی باشد و بشارت بودن وعده غفران، در صورتی است که انسان نیاز مبرم به آن داشته باشد، زیرا مجادله و دفاع کردن از خود، بیانگر نوعی نیاز به عنایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۳

۳ - نیاز شدید انسان در قیامت به مغفرت و آمرزش پروردگار

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ

جایی که حضرت ابراهیم(ع) خود را نیازمند مغفرت خدا بداند، دیگر انسان ها به آن بیشتر و شدیدتر نیاز خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۶

۶ - انسان های مؤمن نیز در معرض لغزش و نیازمند آمرزش اند . *

الَّذِينَ ءَامَنُوا .. أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ

این که خداوند فرموده است: برای مؤمنان قطعاً مغفرتی وجود دارد، به ملازمه دلالت بر وجود لغزش می کند و اگر نه

آمرزیدن معنا نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - مؤمنان هر چند از ایمان بالایی برخوردار باشند ، باز به غفران و بخشش خدا نیاز دارند .

قيل ادخل الجنة قال .. بما غفر لي ربّي

برداشت یاد شده از آن جا است که مؤمن انطاکیه که از ایمان بالایی برخوردار بود باز مورد غفران و بخشش الهی قرار گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۲ - ۵

۵ - انسان ها ، حتی موحدان راستین ، نیازمند مغفرت و آمرزش الهی

نزلاً من غفور رحيم

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل ، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ - تمامی انسان ها حتی پیامبران نیازمند مغفرت و بخشش اند .

إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ

بنابراین که <لذو مغفره> برای حق گرایان باشد و با توجه به این که پیامبران در رأس حق گرایان قرار دارند ، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۹

۹- جنیان ، نیازمند غفران الهی ، همانند آدمیان

و ءامنوا به يغفر لكم من ذنوبكم و يجركم من عذاب أليم

وعده غفران ، نشانگر نیاز است ؛ چه این که اگر نیازی در کار نباشد ، نوید تحقق نمی یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۸

۴۸- همه انسان ها حتی مؤمنان ، در معرض لغزش و نیازمند مغفرت الهی

وعد الله الذین . . . مغفره

این که

خداوند، به مؤمنان دارای عمل صالح نوید مغفرت داده است؛ در حقیقت می نمایاند که بعضی از لغزش ها، برای همگان متوقع است و در صورت حفظ ایمان و عمل صالح، قابل جبران و بخشش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۴۱

۴۱ - انسان ها ، هر چند بسیار نیکوکار باشند ، نیازمند آمرزش الهی اند .

و ما تقدّموا لأنفسكم .. و استغفروا الله

مطلب یاد شده از ذکر شدن استغفار پس از تشویق به انجام دادن کارهای خیر به دست می آید.

نیاز به آمرزشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۹

۹ همگان ، حتی پیامبران الهی برای نیل به سعادت ، نیازمند مغفرت و رحمت الهی اند .

إلا تغفر لی و ترحمنی أکن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ - همه انسان ها ، حتی پیامبر (ص) و مؤمنان واقعی ، در معرض خطا و لغزش و نیازمند غفران الهی

و استغفر لذنبک و للمؤمنین و المؤمنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) در ادامه حیات خویش ، نیازمند مغفرت الهی و ملزم به طلب آن از خداوند بود .

و استغفره

استغفار پیامبر(ص) با آن که معصوم است ممکن است به معنای درخواست ادامه یافتن مغفرت الهی باشد و می تواند بیانگر این نکته باشد که پیامبر(ص)، گرچه بالاترین درجه عبادت

را داشت؛ ولی همواره آن را در برابر عظمت خداوند، ناچیز دیده و با احساس شرمندگی به درگاه خداوند از او پوزش می طلبید برداشت یاد شده ناظر به احتمال نخست است.

نیاز به آمیزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۲۲

۲۲ - زناشویی ، از نیاز های اساسی انسان است .

فلما قضی زید منها وطراً

نیاز به استعداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۹

۹ - بهره مندی از عنایات و الطاف خداوند ، نیازمند داشتن زمینه های شایسته و مستعد است .

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رَوْحِنَا

نیاز به استغفار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۸ - ۳

۳ - انسان ها ، حتی متقین ، همواره در معرض لغزش و نیازمند استغفار مداوم

و بالأسحار هم يستغفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۵،۷

۵ - احساس نیاز همیشگی مؤمنان به درخواست غفران ، از پروردگار خویش

من بعدهم يقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا

فعل مضارع <يقولون> مفيد استمرار و بيانگر مطلب یاد شده است.

۷- مؤمنان ، حتی پیشتازان ایمان (مهاجران و انصار) ، فاقد مصونیت از خطا و نیازمند غفران الهی

و الذين جاءو من بعدهم يقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان

از تأیید خداوند نسبت به استغفار برای پیشتازان راه ایمان، به جا بودن این دعا و نیاز آنان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۶

۶ - نیاز همه انسان ها حتی پیامبران ، به دعا و طلب آمرزش از خداوند

ربّنا عليك توكلنا. .. ربّنا لاتجعلنا فتنه ... واغفر لنا

از این که خداوند به مؤمنان رهنمود داده است که چون ابراهیم(ع)، دعا و استغفار کنند، نیاز داشتن آنان به دعا و استغفار استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۸

۸ - همه انسان ها در تمامی سطوح ایمانی حتی پیامبران نیازمند آمرزش الهی اند .

ربّ اغفر لی و لولدئی و لمن دخل بیتی مؤمناً و للمؤمنین و المؤمنات

نیاز به استقامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۷

۷ - حق پذیری و دفاع از حق ، نیازمند شکیبایی و استقامت \$ است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

جمله <تواصوا بالصبر>، ممکن است درصدد بیان زمینه های لازم برای مفاد <تواصوا بالحقّ> باشد.

نیاز به اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۳

۳- قیام برای خدا و دفاع از ارزش ها ، نیازمند قدرت روحی و قلبی نیرومند است .

و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا

نیاز به الگو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۸ - ۸

۸ - نیاز بشر به مرشد و مقتدا، در دست یافتن به راه درست زندگی

اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ

از این که فرعون و مؤمن آل فرعون، هر دو مدعی نشان دادن راه صواب به

مردم شدند، می توان این حقیقت را به دست آورد که اصل نیازمندی انسان ها به راه درست و به مقتدایی که خود این راه را طی کرده و راهنمای دیگران باشد، جای تردید نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۹

۹ - نیاز انسان ها به الگوی الهی ، برای ره یابی به هدایت *

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا

برداشت بالا- بدان احتمال است که مراد از <شاهدًا> الگو بودن و معیار متعالی ارزش ها قرار گرفتن باشد؛ به طوری که انسان ها هر چیزی را با مقایسه با او بسنجند و ارزش آن را بشناسند.

نیاز به امداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۸

۸ - انسان در زندگی خویش ، همواره نیازمند یاری و حمایت است .

و ما لكم من دون الله من ولي ولا نصير

در جمله <و ما لكم من دون الله..> اصل نیاز انسان به سرپرست و یاور مسلم تلقی شده و آیه درصدد تعیین مصداق واقعی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۵ - ۲

۲- انسان پس از مرگ ، دارای سردرگمی و نابسامانی و نیازمند امداد و دستگیری

سپه‌دیه‌م و یصلح بالهم

از این که خداوند، به شهیدان نوید داده که آنان را پس از مرگ هدایت کرده و امورشان را سامان خواهد بخشید؛ استفاده می شود که بشر پس از مرگ، سردرگم و بی سامان خواهد بود؛ ولی شهیدان از این مشکل در امان می مانند.

قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۳

۳ - نیاز انسان ها به یاری یکدیگر در قیامت

یوم لاتملک نفس لنفس شیئاً

بیان سلب قدرت از یاری رسان، گویای آن است که نیاز به کمک وجود دارد ولی از کسی ساخته نیست.

نیاز به امدادگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۷ - ۱۸

۱۸ لحظه مرگ هنگام احساس نیاز همه آدمیان به فریادرسی تواناست.

أین ما کنتم تدعون من دون الله

نیاز به امدادهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۱۴، ۱۸

۱۴ - انسان در پرستش خدا و خلوص در آن ، نیازمند امداد الهی است .

إیاک نعبد و إیاک نستعین

متعلق <نستعین> همه وظایفی است که از سوره حمد می توان استفاده کرد و از آنها لزوم یکتا پرستی است که از <إیاک

نعبد> به دست می آید؛ یعنی: نستعینک علی عبادتک و خلوصها.

۱۸ - انسان نیازمند یاری خداوند در تمامی امور خویش است .

إیاک نستعین

برخی برآند که متعلق <نستعین> یعنی مورد استعانت، ذکر نشده تا حکایت از همه امور داشته باشد / یعنی: نستعینک علی
امورنا کلها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ پیامبران ، برای مصون ماندن از گناه و پایداری بر عصمت ، همواره و در هر حال به توفیق و امداد های الهی نیازمندند .

و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴

۱۵- موحد بودن و مصونیت کامل از شرک ، نیازمند به توفیق خداوند و امداد اوست .

و اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام

برداشت فوق به این دلیل است که حضرت ابراهیم(ع) با آنکه از انبیای بزرگ الهی (اولوالعزم) بود، از خداوند خواستار مصونیت خود و فرزندانش از شرک شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۶

۶- شکیبایی پیامبر (ص) در قبال تجاوزات دشمن ، نیازمند امداد و توفیق الهی بود .

و اصبر و ما صبرک إلا بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۳

۳- پیامبر (ص) ، نیازمند امداد های الهی برای پایدار ماندن بر طریق وحی

و لولا أن ثبتنک لقد کدت ترکن إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۱، ۱۴، ۶

۶- ورود در کارها به صدق و راستی و خروج از آن به درستی ، نیازمند استمداد از خدا

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۱۱- همه انسان ها ، حتی پیامبر (ص) برای داشتن اخلاص و صداقت در عمل ، به امداد ویژه الهی نیازمندند .

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۱۴- حفظ صداقت و راستی در انجام کارها از آغاز تا انجام ، نیازمند قدرت و توانی خدادادی

أدخلني .. و اجعل لي من لدنك سلطانًا نصيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۸

۸- مؤمنان ، حتى

پیامبران ، نیازمند امداد خدا در تنگناها

قل رب احکم بالحقّ و ربّنا الرحمن المستعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۵

۵ پیامبر (ص) ، نیازمند به تقویت روحی و امداد الهی در انجام مسؤولیت خطیر پیامبری

کذلک لنثبت به فؤادک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۶

۶ - انسان ، نیازمند یاری خداوند ، حتی در برابر کوچک ترین وسوسه شیطان

و اّما ینزغنّک من الشیطن نزع فاستعد بالله

برداشت یاد شده از تنکیر <نزع> که برای تحقیر می باشد استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۴

۴ - انسان ، نیازمند ولایت و یآوری از جانب خداوند ، در تمامی حالات زندگی خویش

و من یضلل الله فما له من ولی من بعده

این که گمراهان با محروم شدن از ولایت الهی ره به جایی نمی برند، نشانگر آن است که انسان ها در تمامی حالات زندگی خویش نیازمند امداد و ولایت الهی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۸

۸ - تمامی انسان ها ، حتی پیامبران بزرگ الهی ، نیازمند امداد و هدایت الهی اند .

فإنه سيهدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱۸

۱۸- توفيق در ره يابی به صلاح و خودسازی ، نیازمند امداد و الهام الهی

قال ربّ أوزعني أن أشكر نعمتك . . . و أن أعمل صلحًا

<أوزعني> (از)

مصدر <ایزاع> به معنای الهام کردن و توفیق و بازداشتن از انحراف است. این خود می‌رساند که توفیق شکرگزاری و خودسازی را نیز، باید از خداوند طلب کرد و از او الهام گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۲

۲ - مؤمنان ، نیازمند امداد الهی در بحران‌ها و سختی‌ها ، برای پایداری و استقامت

هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۷

۱۷ - مؤمنان ، نیازمند امداد‌های مادی و معنوی خداوند ، برای حرکت مداوم در طریق دین و ارزش‌ها

لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صراطاً مستقیماً

تعبیر <لتکون..> اخباری است که حکایت از واقعیت نیاز انسان به آیات و رهنمودهای خداوند دارد. تداوم این نیاز از <یهدیکم> که به صورت فعل مضارع آمده استفاده می‌شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۸ - ۳

۳ - توفیق یافتن پیامبر (ص) به فراگیری قرآن و به خاطر سپردن آن ، نیازمند امداد‌های ویژه خداوند

و نیسرک لیسری

به قرینه <سنقرئک فلا تنسی> (در آیات پیشین) می‌توان گفت: مراد از <نیسرک>، آماده ساختن پیامبر(ص) برای قرائت و حفظ قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۷ - ۵

۵ - توفیق انسان در انجام دادن تکالیف دینی ، نیازمند امداد‌های ویژه خداوند

فَسْنِيَسْرَه لِّلِيَسْرِي

جَلْد - نَام سوره - سوره - آيه - فِيش

٢٠ - فلق - ١١٣

۷- پیامبر (ص) ، در معرض آسیب و خطر و نیازمند امداد الهی

قل أعوذ بربّ الفلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۱ - ۶

۶- پیامبر (ص) ، در معرض آسیب و خطر و نیازمند امداد الهی

قل أعوذ بربّ الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱۰

۱۰ ساحران مؤمن در عین اظهار استقامت در برابر فرعون ، خود را برای مقاومت در برابر شکنجه های فرعون و پایداری بر طریق ایمان ، نیازمند امداد های الهی دانستند .

ربنا أفرغ علينا صبراً

نیاز به امنیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۶

۶- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً

نکره بودن <سلام> بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و .. است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۶

۶- نیاز انسان به سلامت و امنیت الهی ، حتی در لحظه مرگ

والسالم علی . . . یوم أموت

مراد از سلامت هنگام مرگ، دور ماندن از وحشت، نومیدی، اضطراب و نظایر آن است که منکران خدا و معاد به آن گرفتار می شوند.

نیاز به امنیت اخروی

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۸

۸ - انسان در صحنه قیامت ، در معرض آسیب ها و نیازمند امنیت

أَمْ مِنْ يَأْتِي ءَامِنًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ

با توجه به اتصاف مؤمنان به وصف امنیت و آرامش، مطلب بالا برداشت می شود.

نیاز به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۹

۹ - اصل وجود خدا و نیاز به رسالت ، امری پذیرفته شده حتی در بینش مشرکان

أَبْعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا

از اینکه مشرکان به جای انکار اصل رسالت به استبعاد نبوت بشر پرداختند، می توان استفاده کرد که اصل رسالت و نبوت برای آنان، امری محرز بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۳

۳ - ساکنان زمین چه انسان باشند و چه فرشته نیازمند رسولانی از جنس خویشند .

قُلْ لَوْ كَانُ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ .. لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۵

۵ - نیاز نسل عصر بعثت به پیامبر و کتاب آسمانی جدید

و لَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلُ عَلَيْهِمُ الْعَمْرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۴ - ۴

۴ - تعداد رسولان الهی ، به میزان نیاز جبهه حق و دین الهی و به مقدار تأثیرپذیری مردم هر جامعه ای بستگی داشت .

إذ أرسلنا إليهم اثني عشر نبيا فكذبوهما فعزنا بثالث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۶ - ۳

- انتخاب پیامبر برای هدایت انسان ها از میان خود آنان ، کاری عالمانه و حکیمانه و متناسب با ویژگی های انسان ها و نیاز های آنان است .

قالوا ربنا يعلم إنا إليكم لمرسلون

بیشتر مفسران بر آنند که به گواه گرفتن خدا و یاد علم و دانایی او، در پاسخ کسانی که به دلیل بشر بودن پیامبران منکر رسالت آنان بودند، می تواند برای بیان این نکته باشد که این انتخاب از سوی کسی است که عالم و حکیم است و کار او نیز عالمانه و حکیمانه می باشد. مثل آیه شریفه: <اللّٰهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ> (أنعام (۶) آیه ۱۲۴).

نیاز به انذار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۷

۷ - نیاز عمیق بشر به انذار و انذار گران ، برای حرکت در طریق کمال

و إِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَلَمِينَ .. لتكون من المنذرين

خداوند، قرآن را نازل شده از مقام ربوبیت و نیز وسیله انذار خلق شمرده است و این دو، می رساند که بشر در راستای تکامل خویش، به انذار و منذاران سخت نیازمند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۸ - ۳

۳ - نیاز جوامع بشری به انذار و انذار گرانی از جانب خداوند

و ما أهلكنا من قرية إلا لها منذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۸

۸ - بشارت و انذار ، دو نیاز ضروری بشر ، برای ره یابی به هدایت و انتخاب راه صحیح

إنا أرسلناك .. و مبشراً و نذيراً

با استفاده از این نکته است که حقایق کتاب تشریح و محتوای رسالت پیامبران، منطبق بر نیازهای واقعی بشر است و خداوند در این آیه به دو عنصر بشارت و انداز، به عنوان اصول رسالت پیامبر اشاره فرموده است.

نیاز به اندازهای انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۱۵

۱۵- نیاز عمیق بشر به اندازهای پیامبران الهی، برای گرایش یافتن به حق

قل . . . و ما أنا إلا نذیر مبین

با توجه به این که تمام رسالت پیامبر(ص) در این آیه، در بعد انداز خلاصه شده است، نیاز اساسی بسیاری از انسان ها به انداز در مسیر هدایت استفاده می شود.

نیاز به انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۰

۱۰- انسان به هر مرحله از قرب و منزلت الهی برسد، نیازمند به عبادت (نماز و . . .) و خدمت به خلق (انفاق) است .

قل لعبادی الذین ءامنوا یقیموا الصلوه و ینفقوا ممّا رزقنهم

اضافه <عباد> به <یاء> متکلم، تشریفیه و بیانگر قرب و منزلت بندگان به پیشگاه خداوند است. بنابراین فرمان خداوند به آنان برای اقامه نماز و انفاق، نشانگر آن است که بنده، هر چند به مقام قرب الهی رسیده باشد، نیازمند به انجام دو فریضه نماز و انفاق است.

نیاز به بازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۵،۷

۵ نیاز یوسف (ع) به گردش و بازی و استفاده از خوراکی های مراتع، بهانه برادرانش

برای بردن او به صحرا و جدا ساختنش از یعقوب (ع)

أرسله معنا غداً يرتع و يلعب

۷ حضور در مراتع و بازی و گردش، از نیازهای طبیعی کودکان

و إنا له لنصحون. أرسله معنا غداً يرتع و يلعب

نیاز به بشارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۸

۸ - بشارت و انداز، دو نیاز ضروری بشر، برای ره یابی به هدایت و انتخاب راه صحیح

إنا أرسلنك .. و مبشراً و نذيراً

برداشت یاد شده با استفاده از این نکته است که حقایق کتاب تشریح و محتوای رسالت پیامبران، منطبق بر نیازهای واقعی بشر است و خداوند در این آیه به دو عنصر بشارت و انداز، به عنوان اصول رسالت پیامبر اشاره فرموده است.

نیاز به بشارتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۷

۷ - تمامی ره پویان مسیر هدایت، حتی بندگان مقرب الهی، نیازمند بشارت های پیوسته و مستمر خدا هستند.

يَبْشُرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

برداشت یاد شده با توجه به دو مطلب است: الف) بندگان مقرب الهی از <عباده الذین ءامنوا> استفاده می شود. ب) با توجه به واژه <یبشُر> که از باب تفعیل و مفید تکرار است این نکته بر می آید که مؤمنان صالح، نیازمند بشارت های مداوم خداوند هستند.

نیاز به پوشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و

پوشاک بودند .

إِنَّ لَكَ أَلَاتِجُوعَ فِيهَا وَ لَاتَعْرِى

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تشبیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

۳- غذا و پوشاک از آغاز آفرینش انسان از جمله نیاز های اصلی او بوده است .

إِنَّ لَكَ أَلَاتِجُوعَ فِيهَا وَ لَاتَعْرِى

نیاز به تأییدات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۱۳

۱۳- رهبران الهی ، در ایفای رسالت خویش و گذر از دشواری ها ، نیازمند اطمینان و تأیید های خداوندی اند .

فاستمسكك .. إِنَّكَ عَلَى صِرْطٍ مُسْتَقِيمٍ

نیاز به تدبیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۴ - ۸

۸- توجه به وابستگی امور انسان ها به تدبیر الهی ، مایه از یاد نبردن او در هیچ کار و حالت است .

وَ اذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ

کلمه <رَبِّ> در آیه گویای برداشت بالا است.

نیاز به تذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۹

۹ آدمی همواره نیازمند تذکر و هشدار است.

قد فصلنا الأیت لقوم یذکرون

<یذکرون> صیغه مضارع و معنی تجدد و استمرار دارد. ستوده شدن متذکران با این بیان اشاره ای ظریف به این نکته دارد که آدمی همواره نیازمند متذکر شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۲۰

-۲۰

انسان ، در معرض غفلت و روی گردانی از تمایلات فطری و دریافت های عقلی خویش و نیازمند به تذکر و بیدار باش

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ... وَيَنْهَى... يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۴

۴- انسان ها ، نیازمند تذکر و بیدار باش ، حتی نسبت به گرایش های فطری خویش

و لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكَّرُوا

در ماده <یذکروا> (متذکر شوند) این نکته نهفته است که موضوعات مورد تذکر، به نحوی در معرض فهم، ادراک و دریافت بشر وجود دارد و غفلت بر آن عارض می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۱۹

۱۹- همه انسان ها ، حتی عبادت پیشگان ، نیازمند تذکر و یادآوری اند .

ذکری للعبدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۳

۳- انسان ها ، نیازمند تذکر و یادآوری برای ره یافتن به حق

إِلَّا لَهَا مَنْدَرُونَ . ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۲

۲- همه انسان ها ، حتی پیامبر (ص) نیازمند تذکر و یادآوری های وحی

و إِنَّهُ لَذَكَرُ لَكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۱۱

۱۱- مؤمنان ، در معرض لغزش و نیازمند تذکر و هشدار مکرر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ و أَطِيعُوا الرَّسُولَ و لَا تَبْطُلُوا ءَعْمَلَكُمْ

از تکرار <أطيعوا> و نهی <لا تبطلوا> در مورد مؤمنان، مطلب بالا استفاده می

شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۸ - ۴

۴ انسان ، حتی پس از برخورداری از روحیه عبودیت و خداجویی ، نیازمند بینش یابی و تذکر

تبصره و ذکرى لکلّ عبد منیب

تعبیر <لکلّ عبد منیب>، می رساند که انسان حتی با داشتن روحیه عبودیت و انابه، باز نیازمند تبصره (بینش یابی) و تذکر است. از این رو خداوند، مظاهر طبیعت را به گونه ای قرار داده تا مایه بینش و تذکر آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۶

۶ - اندیشه و خرد آدمی ، برای ره یابی به حقیقت ، نیازمند تذکار های وحی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ

تعبیر <لذکرى> می رساند که خرد انسان در ره یابی به حقیقت، نیازمند تذکار الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۷

۷ - حقایق دین ، نهفته در نهاد آدمیان ؛ اما نیازمند تذکر و یادآوری با پیام

فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ

واژه <ذکر> به معنای تذکر است. یادآوری کردن در جایی کاربرد دارد که قبلاً مورد توجه بوده؛ اما به دلایلی مغفول واقع شده است. در مورد آدمیان توجه قبلی آنان به حقایق دین، توجه فطری و غریزی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۵ - ۵

۵ - مؤمنان ، همواره نیازمند تذکر و بیدار باش ، برای استواری بر طریق حق

و ذكّر فإنّ الذّكرى تنفع المؤمنين

فعل مضارع <تنفع>، استمرار بهر هورى مؤمنان

از تذکرهاى پیامبر(ص) را مى رساند و فرمان الهى به ادامه تذکر، نیاز مؤمنان را افاده مى کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۳

۳ - انسان ، نیازمند تذکر و هشدار برای حرکت در مسیر صلاح

فذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۴ - ۵

۵ - بشر در همه ادوار تاریخی ، نیازمند تذکر و عبرت آموزی از سرگذشت پیشینیان

و أَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى

برداشت یاد شده در صورتی است که این آیات در صحف موسی و ابراهیم(ع) آمده باشد؛ چنان که برخی از مفسران گفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - انسان همواره در معرض لغزش و نیازمند توصیه و تذکر به تقوا

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ .. و اتَّقُوا اللَّهَ

از این که مؤمنان مورد دعوت های مکرر <اتَّقُوا..> قرار گرفته اند؛ نیاز آن به این دعوت استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۳

۳ - نیاز بشر ، به تذکار های الهی و تعالیم قرآن کریم

إِنَّ هَذِهِ تَذَكْرَةٌ

نیاز به تسبیح خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۹

۹ - انسان در شرایط سخت ، برای کسب تحمل بیشتر ، به تسبیح و یاد خدا نیازمند است .

فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربک

توصیه به تسبیح، پس از فرمان به <صبر>، نشانگر نقش تسبیح در توانمند شدن

بر صبر است.

نیاز به تشویق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱۲

۱۲- جنیان ، نیازمند تشویق و تهدید ، برای گرایش یافتن به ایمان

أجیبوا... ءامنوا... یغفر لکم... و یجرکم من عذاب ألیم

منطوق <یجرکم...> تشویق و مفهوم آن بیانگر تهدید است؛ یعنی، اگر ایمان نیاورید، پناه داده نمی شوید و به عذاب دردناک گرفتار خواهید شد.

نیاز به تضرع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۷

۷ مؤمنان نباید به خاطر عبادت و رفتار خوب خود ، به عجب و غرور گرفتار آیند و خویشان را بی نیاز از تضرع و دعا بیندارند

و الذین یبیتون لربهم... یقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابهاکان غراماً

نیاز به تعالیم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۲ - ۳

۳- پیامبر (ص) در شناخت ستارگان ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدریک ما الطارق

نیاز به تغذیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ مسکن، همسر و خوراک از نیازهای ضروری انسان

اسکن أنت و زوجك الجنة و کلا منها

جریان آفرینش آدم(ع) و نکات ذکر شده پیرامون آن، ترسیمی کلی از چهره انسان و نیازها، روحيات، افکار و .. اوست نه مجرد داستانی از آدم(ع) و حوا، یعنی، اگر سخن از نیاز آدم(ع) و حوا به مسکن، همسر و خوراک به میان آمده بیانگر

نیاز همه انسانها به این موارد می باشد و اگر سخن از تشریح و هدایت است، نشانگر نیاز همه انسانها به هدایت و تشریح خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸ - ۵، ۱

۱- بدن پیامبران همانند دیگر انسان ها ، نیازمند به تغذیه است .

و ما جعلنهم جسداً لایأکلون الطعام

۵- فناپذیری و احتیاج به خوراک ، از عوارض جسم انسان است .

و ما جعلنهم جسداً لایأکلون الطعام و ما کانوا خلدین

آمدن لفظ <جسد> و آن گاه توصیف کردن پیامبران به این که آنان خوراک می خوردند و می مردند؛ بیانگر این نکته است که این دو صفت مربوط به جسمانی بودن وجود انبیا است؛ زیرا این جسم آدمی است که نیاز به خوراک دارد و فناپذیر است، نه روح آدمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۳

۳ - نیاز دوزخیان به تغذیه و نوشیدن

فإنهم لأکلون منها .. علیها لشوباً من حمیم . ثم إن مرجعهم لالی الجحیم

نیاز به تفریح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۵، ۷

۵ نیاز یوسف (ع) به گردش و بازی و استفاده از خوراکی های مراتع ، بهانه برادرانش برای بردن او به صحرا و جدا ساختنش از یعقوب (ع)

أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

۷ حضور در مراتع و بازی و گردش ، از نیاز های طبیعی کودکان

و انا له لنصحون. أرسله معنا غداً يرتع و يلعب

نیاز به تقوا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۲۱

۲۱- ایجاد روح آرامش و تقوا در پیامبر (ص) و مؤمنان، به هنگام نیاز آنان، متکی به علم فراگیر خداوند بر هستی

فَأَنْزَلَ اللَّهُ... و أَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى... و كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

از ارتباط <و كان الله..> با عبارت قبل آیه (فأنزل الله...), مطلب بالا استفاده می شود.

نیاز به تقویت روحیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۵

۵ پیامبر (ص)، نیازمند به تقویت روحی و امداد الهی در انجام مسؤولیت خطیر پیامبری

كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ

نیاز به تکامل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۷ - ۴

۴ - وظیفه تزکیه و پاکسازی دیگران از آلودگی های معنوی، تکلیفی سنگین و نیازمند برخورداری از کمالاتی ویژه است.

و مَا عَلَيْكَ إِلَّا يَزْكِي

نفی تکلیف از مخاطب، در مورد تزکیه کافرانی که در مجلس پیامبر(ص) حضور داشتند، بیانگر آن است که وی در مقامی نبود که این تکلیف از او ساخته باشد و خداوند، از چنین افرادی انجام دادن آن را نخواستہ است.

نیاز به تکفیر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۲۰

۲۰- نیاز همیشگی انسان ، به لطف و خطاپوشی خداوند

و الذین ءامنوا .. کفر عنهم سیئاتهم

از این که خداوند به موحدان نیک کردار و مؤمن به قرآن و خط پیامبر(ص)، نوید غفران داده است؛ استفاده می شود که حتی چنین مؤمنانی نیز

نیازمند غفران خداوند هستند.

نیاز به تنوع حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۵

۵ - وجود آدمی ، نیازمند خواص متنوع نهفته در انواع میوه ها ، حبوبات و سبزی ها *

و الأرض وضعها للأنام . فيها فكهه و النخل ... و الحبّ ... الريحان

از این که خداوند، پس از یادآوری آمادگی زمین برای زندگی انسان، میوه های مختلف، حبوبات و سبزی ها را مورد اشاره قرار داده است؛ می توان استفاده کرد که انسان در زندگی خویش، به همه این نعمت ها و خواص نهفته در آنها نیازمند است و کمبود هر یک، می تواند انسان را با مشکل مواجه سازد.

نیاز به تنوع سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۵

۵ - وجود آدمی ، نیازمند خواص متنوع نهفته در انواع میوه ها ، حبوبات و سبزی ها *

و الأرض وضعها للأنام . فيها فكهه و النخل ... و الحبّ ... الريحان

از این که خداوند، پس از یادآوری آمادگی زمین برای زندگی انسان، میوه های مختلف، حبوبات و سبزی ها را مورد اشاره قرار داده است؛ می توان استفاده کرد که انسان در زندگی خویش، به همه این نعمت ها و خواص نهفته در آنها نیازمند است و کمبود هر یک، می تواند انسان را با مشکل مواجه سازد.

نیاز به تنوع میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۵

۵ - وجود آدمی ، نیازمند خواص متنوع نهفته در انواع میوه

ها ، حبوبات و سبزی ها *

و الأرض وضعها للأنام . فيها فكهة و النخل ... و الحبّ ... الريحان

از این که خداوند، پس از یادآوری آمادگی زمین برای زندگی انسان، میوه های مختلف، حبوبات و سبزی ها را مورد اشاره قرار داده است؛ می توان استفاده کرد که انسان در زندگی خویش، به همه این نعمت ها و خواص نهفته در آنها نیازمند است و کمبود هر یک، می تواند انسان را با مشکل مواجه سازد.

نیاز به توبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۳۱

۳۱ - همه مؤمنان ، دارای نوعی لغزش و خطا و نیازمند به توبه اند .

و توبوا إلى الله جميعاً أيّه المؤمنون

برداشت یاد شده، از خطاب عمومی <توبوا> و <أيّه المؤمنون> همراه با واژه مخصوص تأکید (جمعاً) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۲

۲ - مؤمنان ، هرگز از خطا و گناه مصون نبوده و نیازمند به توبه خالصانه به درگاه الهی اند .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَكْفُرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

نیاز به توکل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۸

۸- صبر ، نیازی موقت و توکل بر خداوند نیازی دائمی برای مسلمانان

الذین هاجروا .. الذین صبروا و علی ربهم یتوکلون

از اینکه در توصیف صبر مهاجران، از فعل ماضی استفاده شده و برای تعریف توکل آنها از فعل مضارع استفاده گردیده است،

می توان نکته یاد شده را به

دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲ - ۷

۷- انسان ، نیازمند به تکیه گاه و پشتیبان و خدا تنها تأمین کننده آن است .

أَلَا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكَيْلًا

برداشت فوق با توجه به دو مسأله ذیل است: ۱ <التوکیل> در لغت به معنای اعتماد به غیر است و نایب گرفتن اوست (مفردات راغب). ۲- در آیه، نیاز انسان به تکیه گاه امری مسلم شمرده شده و با نهی از اتکال به غیر خدا این حقیقت نشان داده شده است که تنها خداوند تأمین کننده آن نیاز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۹

۹- آدمیان نیازمند به توکل و اتکای بر خداوند ، برای ایمن ماندن از سلطه ابلیس

لیس لكك عليهم سلطن و كفى بر بئك و كیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۲۰

۲۰- نیاز همه انسان ها حتی پیامبران در صحنه های زندگی به توکل بر خداوند

قل حسبی الله علیه یتوکل المتوکلون

نیاز به تهدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱۲

۱۲- جنیان ، نیازمند تشویق و تهدید ، برای گرایش یافتن به ایمان

أجیبوا... ءامنوا... یغفر لكم... و یجرکم من عذاب أليم

منطوق <یجرکم..> تشویق و مفهوم آن بیانگر تهدید است؛ یعنی، اگر ایمان نیاورید، پناه داده نمی شوید و به عذاب دردناک گرفتار خواهید شد.

نیاز به حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- حکومت و مدیریت اجتماعی در نگاه وحی ، امری ضروری و پسندیده برای جوامع بشری

و شددنا ملکه

تثبیت و تقویت حکومت داوود(ع) از سوی خداوند، گویای سه نکته است: ۱ اصل وجود حکومت و مدیریت اجتماعی امری ضروری و مطلوب است؛ ۲ در دست گرفتن حکومت و مدیریت اجتماعی از سوی مردان الهی (همچون داوود(ع)) کاری بایسته و شایسته است و این کار با اهداف معنوی و الهی بشر کاملاً سازگاری دارد؛ ۳ دین از سیاست اجتماع جدا نیست؛ بلکه کاملاً با آن سازگار و هماهنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۰

۱۰ نیاز دائمی انسان به رهبری و ولایت

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا .. وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوت

خارج نبودن هر انسانی از تحت ولایت و سرپرستی به مقتضای تقسیم آنان به مؤمن و کافر، بیانگر این معناست که آدمی همواره نیازمند رهبری و ولایت است.

نیاز به حمایت‌های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۳

۳- انسان ، نیازمند به حفاظت و حمایت الهی در تمام لحظات زندگی

قل من يكلؤكم بالليل والنهار من الرحمن

<كلاءه> (ماده <يكلؤ>) به معنای حفظ شیء است و <من> در <من الرحمان> بدلیه است؛ یعنی، به جای خدای رحمان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۷

۷- نیاز انسان به لطف و حمایت خدا ، در قیامت

و لاتخزنی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نیاز پیامبر (ص) به حمایت های معنوی و دلجویی خدا از وی در مسیر رسالت

فتوکل علی الله إنک علی الحق المبین

تأیید رسول اکرم(ص) از سوی خدا و تأکید خداوند بر حقانیت راه وی، می نمایاند که پیامبر(ص) به این تأییدها نیازمند بوده است.

نیاز به خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۹ - ۲

۲ - خلق در بقای خویش همانند اصل پیدایش ، همواره نیازمند و متکی به خالق خویش

یسله من فی السموت و الأرض

فعل مضارع <یسئله>، می نمایاند که خلق پس از تکوّن، بی نیاز از خالق نمی باشند؛ بلکه همچنان در تمنای کسب فیض از مبدأ فیاض اند.

نیاز به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۲

۲- انسان در تأمین همه نیازمندی های خویش محتاج به خداست .

و ءاتیکم من کلّ ما سألتموه

از اینکه خداوند فرمود: همه خواسته های شما را برآورده و تأمین کردم، دلیل احتیاج انسان در رفع تمامی نیازمندیهایش به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۷

۷- خداوند ، برای همگان کارساز و حامی کافی است و جز او به کسی نیازی نیست .

و كَفَىٰ بربِّكَ و كَيْلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۴ - ۵

۵ - سراسر هستی ، فقیر و نیازمند به خدای یگانه و ستایشگر او

له ما فی السموت . . . و إِنَّ اللّٰهَ لَهوَ الغَنِيِّ الحمید

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۴ - ۴

۴ - درك ماهیت تعلق و نیاز زمین و موجودات روی آن به خداوند ، تنها در توان اهل دانش و خرد است .

قل لمن الأرض و من فیها إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۸ - ۵

۵ - شرك ورزی ، برخاسته از جهل انسان و عدم شناخت او نسبت به ماهیت سراسر نیاز جهان هستی به خداوند

قل من بیده .. إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۵ - ۳

۳ - تمامی موجودات ، در بقای خویش ، نیازمند به خداوندند .

أن تقوم السماء و الأرض بأمره

<السماء و الأرض > کنایه از عالم و آفرینش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۵ - ۱،۶

۱ - فقر و نیاز شدید و همه جانبه انسان ها به خداوند

يأيتها الناس أنتم الفقراء إلى الله

معرفه بودن <الفقراء > برای جنس و یا استغراق است که دلالت بر شدت فقر و نیاز می کند. هم چنین اطلاق فقر و مقید نشدن آن به جهتی خاص، بیانگر همه جانبه بودن فقر و نیاز است.

۶ - نیاز بشر به خدا ، بیش از هر موجود دیگری است .

أنتم الفقراء إلى الله

برخی از مفسران بر این باورند که تأکید خداوند بر فقر و نیاز انسان ها به خداوند با آن که همه موجودات عالم به او نیازمند هستند گویای حقیقت یاد شده است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۳

۳ - نیازمندی ممکنات (جهان هستی) در بقا به خداوند، همانند نیاز آنها در اصل وجود

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ... إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

این آیه هر چند درباره آسمان ها و زمین بحث کرده ولی ممکن است به وجود این قانون عام در جهان هستی نیز اشاره داشته باشد که همه ممکنات، در اصل وجود و در بقای خود، به خداوند نیازمند می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۶

۶ - احتیاج انسان در تأمین رزق و روزی خود به خداوند

إِنَّمَا أُوتِيْتَهُ عَلَىٰ عِلْمٍ... أَوْلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۲ - ۵

۵ - نیاز تمامی پدیده های جهان، در بقا و تدبیر امورشان به خالق هستی (خداوند)

اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

یادآوری حفاظت و تدبیر امور جهان از سوی خداوند پس از ذکر خالقیت او می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۴

۴ - خداوند، خواهان توجه و اذعان جن و انس به فقر ذاتی موجودات و نیاز آنها به خداوند

يَسْأَلُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ... فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

سرزنش شدن تکذیب گران یا غافلانی که با غفلت خویش، از جلوه های

ربوبیت خداوند چشم پوشیده اند، در واقع بدین منظور است که آنان بیدار شده و تجلیات ربوبیت فراگیر الهی را در دربار خود دریابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۶

۶ - بازگشت انسان ها به خداوند ، دلیل نیازمندی آنان به او است .

أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى . إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرَّجْعِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۲

۲ - همه موجودات نیازمند به خدا

اللَّهُ الصَّمَدُ

مورد توجه بودن خداوند در همه امور و حوائج نشانگر نیاز موجودات به او و بی نیازی او از آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۴ - ۳

۳ - نیاز همه موجودات به خداوند ، دلیل نبود همتا برای او است .

الصَّمَدُ . . . وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

این آیه مانند آیه قبل، تفسیر <صمد> است، یعنی، خداوند مرجع حاجت های همه موجودات است، بنابراین، چگونه می توان موجودی را که به او محتاج است، مشابه و نظیر او دانست.

نیاز به دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۷

۷ مؤمنان نباید به خاطر عبادت و رفتار خوب خود ، به عجب و غرور گرفتار آیند و خویشان را بی نیاز از تضرع و دعا پندارند

و الذين يبيتون لربهم .. يقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها كان غراماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۲۲

- ۲۲

نیاز همه انسان ها حتی پیامبران ، به دعا برای کسب توفیق از درگاه خدا

و قال ربّ أوزعنی أن أشکر .. و أن أعمل صلحًا ترضیه و أدخلنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۶

۶ - نیازمندی انسان ها حتی پیامبران ، به ارتباط مستمر و مداوم با خداوند

و سبح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس .. و أدبر السجود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۶

۶ - نیاز همه انسان ها حتی پیامبران ، به دعا و طلب آمرزش از خداوند

ربّنا علیک توکلنا .. ربّنا لاتجعلنا فتنه ... واغفر لنا

از این که خداوند به مؤمنان رهنمود داده است که چون ابراهیم(ع)، دعا و استغفار کنند، نیاز داشتن آنان به دعا و استغفار استفاده می شود.

نیاز به دلداریهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، نیازمند رهنمود و دلجویی از جانب خداوند برای پایداری در طریق تبلیغ

و اصبر لحکم ربّک فإنّک بأعیننا

چنانکه گفته شد: تعبیر <بأعیننا> پیامدار حمایت می باشد، از این تعبیر و از فرمان <و اصبر> مطلب بالا استفاده می شود.

نیاز به دوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۲

۲ - نیاز انسان به دوستِ دلسوز ، حتی در قیامت

و لاصدیق حمیم

حسرت گمراهان بر نداشتن رفیق، نشانگر نیاز و کمبود آنان است.

نیاز به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۷

۱۷ انسان موجودی نیازمند به قانون و هدایت های تشریحی از جانب خداوند

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۷

۷- بشر ، برای رفع اختلاف های عقیدتی و نیل به عقیده ای سالم و برتر ، محتاج به وحی و تعالیم آسمانی است .

و ما أنزلنا عليك الكتب إلا لتبين لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۳ - ۳

۳ - نیاز مردم عصر موسی به تعالیم آسمانی جدید

و لقد آتينا موسى الكتب من بعد ما أهلكنا القرون الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۴

۴ - نیاز بشر ، به وحی و دین الهی در شناخت حق و راه درست

فلما جاءهم بالحق من عندنا

برداشت یاد شده از آمدن قید <عندنا> برای <حق> به دست می آید.

نیاز به ذکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۹

۹- انسان در شرایط سخت ، برای کسب تحمل بیشتر ، به تسبیح و یاد خدا نیازمند است .

فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربّک

توصیه به تسبیح، پس از فرمان به <صبر>، نشانگر نقش تسبیح در توانمند شدن بر صبر است.

نیاز به ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مریم - ۱۹ - ۳۶ - ۲

۲- عیسی (ع) ، خود را چون همه مردم ،

موجودی نیازمند به ربوبیت خدا دانست و آن را به همگان اعلام کرد .

وَ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ

نیاز به رحمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ معاف شدگان از جهاد ، در عین معذور بودن ، نیازمند غفران و رحمت خدایند .

ليس على الضعفاء .. و الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۹

۹ همگان ، حتی پیامبران الهی برای نیل به سعادت ، نیازمند مغفرت و رحمت الهی اند .

إِلَّا تَغْفِرَ لِي وَ تَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ الْخٰسِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۵

۵- نیاز شدید همه انسان ها در قیامت ، به غفران و رحمت الهی

إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ . يَوْمَ تَأْتِي كُلَّ نَفْسٍ تَجَدَّلُ عَنْ نَفْسِهَا

برداشت فوق، با توجه به این مطلب است که آیه قبل، دربردارنده بشارت غفران و رحمت الهی باشد و بشارت بودن وعده غفران، در صورتی است که انسان نیاز مبرم به آن داشته باشد زیرا مجادله و دفاع کردن از خود، بیانگر نوعی نیاز به عنایت خداوند است.

نیاز به رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶ - ۲،۴

۲ آدمی، در هر مرتبه و با هر گونه عمل، برای رهایی از عذاب قیامت نیازمند رحمت خداوند است.

من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه

<من> اسم موصول و از ادات عموم است، یعنی (هر کس) بنابراین مفاد صله آن <یصرف

... < عمومیت داشته و شامل همه مردم می شود.

۴ پیامبر اکرم(ص) هم نیازمند رحمت الهی برای نجات از عذاب قیامت است.

قل إني أخاف .. من يصرف عنه يومئذ فقد رحمه

نیاز به رهبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۸ - ۸

۸ - نیاز بشر به مرشد و مقتدا، در دست یافتن به راه درست زندگی

اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ

از این که فرعون و مؤمن آل فرعون، هر دو مدعی نشان دادن راه صواب به مردم شدند، می توان این حقیقت را به دست آورد که اصل نیازمندی انسان ها به راه درست و به مقتدایی که خود این راه را طی کرده و راهنمای دیگران باشد، جای تردید نیست.

نیاز به رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۲ - ۱۴

۱۴ - اصل رهبری و مدیریت اجتماعی و نیاز جامعه به آن ، امری پذیرفته شده و مسلم در نگاه وحی

و إذا كانوا معه على أمر جامع لم يذهبوا حتى يستأذنوه .. فأذن لمن شئت منهم

از این که خداوند رها کردن حل و فصل مسائل اجتماعی را، منوط به اجازه پیامبر(ص) دانسته است، به دست می آید که رهبری و مدیریت اجتماعی، امری مسلم و ضروری شمرده شده است و بر این اساس، باید مردم از آن مقام کسب تکلیف کنند.

نیاز به زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ زینت و زیبایی، همچون غذای پاکیزه، بخشی از نیازهای آدمیان می

باشد.

قل من حرم زينه الله التي أخرج لعباده والطيبات من الرزق

ذکر کردن خوراکیها و زینتها در یک جمله و برخورد مساوی در بیان حلیت آنها، حاکی از نیاز همسان آدمی به آنهاست.

نیاز به سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۶

۶- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه يوم ولد و يوم يموت و يوم يبعث حياً

نکره بودن <سلام> بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و .. است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۶

۶- نیاز انسان به سلامت و امنیت الهی ، حتی در لحظه مرگ

والسلم علی . . . يوم أموت

مراد از سلامت هنگام مرگ، دور ماندن از وحشت، نومیدی، اضطراب و نظایر آن است که منکران خدا و معاد به آن گرفتار می شوند.

نیاز به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۸

۸- صبر ، نیازی موقت و توکل بر خداوند نیازی دائمی برای مسلمانان

الذین هاجروا . . . الذین صبروا و علی ربهم يتوکلون

از اینکه در توصیف صبر مهاجران، از فعل ماضی استفاده شده و برای تعریف توکل آنها از فعل مضارع استفاده گردیده است، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر

۷- حق پذیری و دفاع از حق ، نیازمند شکیبایی و استقامت \$ است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

جمله <تواصوا بالصبر>، ممکن است درصدد بیان زمینه های لازم برای مفاد <تواصوا بالحقّ> باشد.

نیاز به طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲،۳

۲- آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إِنَّ لَكَ أَلَاتِجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرِى

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تشبیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

۳- غذا و پوشاک از آغاز آفرینش انسان از جمله نیاز های اصلی او بوده است .

إِنَّ لَكَ أَلَاتِجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرِى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷ - ۲

۲ پیامبر (ص) همچون دیگر انسان ها ، نیازمند به غذا و مناسبات اقتصادی با مردم

مالِ هذا الرسول يأكل الطعام و يمشى فى الأسواق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۴

۱۴ تغذیه ، نیاز روزمره مسیح (ع) و مادرش مریم (ع)

کانا یا کلان الطعام

فعل مضارع <یاکلان> دلالت بر استمرار دارد و حاکی از نیاز دائمی آنان به غذاست.

نیاز به عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱

۱۰- انسان به هر مرحله از قرب و منزلت الهی برسد، نیازمند به عبادت (نماز و...) و خدمت به خلق (انفاق) است.

قل لعبادی الذین ءامنوا یقیموا الصلوه و ینفقوا ممّا رزقنهم

اضافه <عباد> به <یاء> متکلم، تشریفیه و بیانگر قرب و منزلت بندگان به پیشگاه خداوند است. بنابراین فرمان خداوند به آنان برای اقامه نماز و انفاق، نشانگر آن است که بنده، هر چند به مقام قرب الهی رسیده باشد، نیازمند به انجام دو فریضه نماز و انفاق است.

نیاز به عبادت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۵ - ۳

۳ - نیاز بشر به عبادت خدا و حاجت خواهی از درگاه او

و الذین تدعون من دونه .. و لو سمعوا ما استجابوا لکم ... أنتم الفقراء إلى الله

با توجه به آیه قبل که درباره عبادت و حاجت خواهی مشرکان بود می توان استفاده کرد که از مصادیق مورد نظر برای فقر و غنا در این آیه، مسأله نیاز بشر به عبادت و بی نیازی خداوند از این عبادت است.

نیاز به عبرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۴ - ۵

۵ - بشر در همه ادوار تاریخی، نیازمند تذکر و عبرت آموزی از سرگذشت پیشینیان

و أنه أهلك عادًا الأولى

برداشت یاد شده در صورتی است که این آیات در صحف موسی و ابراهیم (ع) آمده باشد؛ چنان که برخی از مفسران گفته اند.

نیاز به غذا

زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۵

۵ - انسان ، در بهشت به خوردن و آشامیدن نیاز دارد و از آن لذت می برد .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

نیاز به غذای پاکیزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۵

۵ زینت و زیبایی، همچون غذای پاکیزه، بخشی از نیازهای آدمیان می باشد.

قل من حرم زینه الله التی أخرج لعباده و الطیبت من الرزق

ذکر کردن خوراکیها و زینتها در یک جمله و برخورد مساوی در بیان حلیت آنها، حاکی از نیاز همسان آدمی به آنهاست.

نیاز به فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۹ - ۶

۶ - نیاز شدید فرعون و همسرش به وجود کودکی در کنارشان

و قالت امرأت فرعون قرت عین لی و لک

نیاز به فضل خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۵ - ۵

۵ - همه انسان ها حتی پیامبران بزرگ ، نیازمند فضل خدا

و اجعلنی من ورثه جنّ النعیم

نیاز به قرآن

۳ - نزول کتاب (قرآن) از سوی خداوند، عملی هدفدار و امری لازم و شایسته برای بشر

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحقّ> متعلق به <أنزلنا> باشد. کلمه <حق> در برابر باطل (پوچ و بیهوده) به معنای کار به جا، شایسته و هدفمند است. بنابراین نزول قرآن، هدفمند و کاری شایسته

و لازم برای بشر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۳

۳ - نیاز بشر ، به تذکار های الهی و تعالیم قرآن کریم

إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ

نیاز به کتاب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۵

۵ - نیاز نسل عصر بعثت به پیامبر و کتاب آسمانی جدید

و لَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ

نیاز به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱

۱ - ضرورت وجود داشتن کتابی آسمانی در اختیار مردم ، بر فرض آسمانی نبودن قرآن و تورات

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِندِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا

آیه بالا تفریح بر <قالوا سحران تظاهرا> است و این تفریح در صورتی درست است که لازم باشد همواره در میان مردم کتابی آسمانی باشد و مردم از آن پیروی کنند؛ زیرا در این صورت است که اگر فرضاً تورات و قرآن آسمانی نبودند، قطعاً باید کتاب دیگری می بود و در نتیجه از کافران خواسته می شد که آن را معرفی کنند.

نیاز به لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۱۶

۱۶- نیاز به لباس ، نیازی دائمی برای انسان و تأمین آن از فراورده های حیوانی ، امری موقت است .

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثنًا و متعًا إلى حين . . . و جعل لكم سربيل تق

برداشت فوق، بر این احتمال است که قید <إلى حين > مربوط به محدودیت بهره مندی

از پشم، کرک و مو باشد و از اینکه اشیای یاد شده مقید به زمانی محدود شده است، ولی <سراییل> که ذکر عام بعد از خاص است چنین قیدی ندارد، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

نیاز به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۵

۵- تمامی انسان ها ، حتی پیامبران به عنایت خداوند در رشد و کمال نیازمنداند .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشد من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۷

۷- نیاز انسان به لطف و حمایت خدا ، در قیامت

و لاتخزنی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۲۰

۲۰- نیاز همیشگی انسان ، به لطف و خطاپوشی خداوند

و الذین ءامنوا .. کفر عنهم سیئاتهم

از این که خداوند به موحدان نیک کردار و مؤمن به قرآن و خط پیامبر(ص)، نوید غفران داده است؛ استفاده می شود که حتی چنین مؤمنانی نیز نیازمند غفران خداوند هستند.

نیاز به محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۵ - ۳

۳- وابستگی شدید مردم ، به محصولات کشاورزی

لو نشاء لجعلنه حطماً فظلتم تفكّهون

طرح موضوع کشاورزی و این که اگر خداوند مانع محصول دادن آن شود، کافران به وضع رقت باری گرفتار خواهند شد، نشانگر مطلب یاد شده است.

نیاز به مدبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۶ -

۲- نیاز جهان آفرینش به مدیر و مدبر، امری روشن برای هر انسان دانشور و خردمند

إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ .. قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

روشن است که سؤال <من ربّ السماوات السبع..> (پروردگار آسمان های هفتگانه و... کیست؟) زمانی قابل طرح است که اصل نیاز آنها به مدیر و مدبر، قبلاً برای انسان حل شده باشد. و چون درک این مسأله، برای اهل دانش و خرد که در آیه پیشین به آن تصریح شده است امر پیچیده ای نیست به عنوان اصل مسلم تلقی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۹

۹- نیاز آسمان ها و زمین و همه موجودات میان آن دو به مربّی و مدبّر

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ

نیاز به مربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۴

۴- نیاز انسان به پروردگار، باور مشترک همه ادیان توحیدی و مکاتب شرک

هَذَا نَصْرًا لِمَنْ حَرَّمَ فِي رُبُّهُمْ

از این آیه شریفه، استفاده می شود که آنچه مورد اختلاف واقع شده، مصداق <پروردگار> است و اما اصل نیاز انسان به پروردگار، باوری پذیرفته شده در میان تمامی مکاتب و ادیان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۹

۹- نیاز آسمان ها و زمین و همه موجودات میان آن دو به مربّی و مدبّر

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ

نیاز به مسکن

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ مسکن ، همسر و خوراک از نیاز های ضروری انسان

اسکن أنت و زوجك الجنة و كلا منها

جریان آفرینش آدم(ع) و نکات ذکر شده پیرامون آن، ترسیمی کلی از چهره انسان و نیازها، روحیات، افکار و ... اوست نه مجرد داستانی از آدم(ع) و حوا، یعنی، اگر سخن از نیاز آدم(ع) و حوا به مسکن، همسر و خوراک به میان آمده بیانگر نیاز همه انسانها به این موارد می باشد و اگر سخن از تشریح و هدایت است، نشانگر نیاز همه انسانها به هدایت و تشریح خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۹ - ۲

۲ - آب و مسکن ، از جمله نیاز های اساسی انسان از آغاز خلقت

و إنك لا تظمؤا فيها ولا تضحى

نیاز به معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۶

۶ - نیاز بشر آینده به معجزه ای بزرگ ، شگفت و بی سابقه برای گرایش به ایمان

أخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم

بیرون آمدن جنبنده ای سخنگو از زمین پدیده ای است که در گذشته تاریخ سابقه ندارد و نکره آمدن <دابه> بیانگر عظمت و سترگی آن است.

نیاز به معماری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - نیاز و هنرمند بودن ، از معیار های لازم برای خلق آثار و معماری ها و بنا سازی ها

أُتْبِنُونُ بَكْلَ رِيْعٍ ءَايَه تَعْبِثُون

نیاز به معنویات

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۶

۶ - نیاز بشر در سعادت خود ، به چیزهایی غیر از برخورداری مادی و دانش اقتصادی

ثم إذا حوّلنه نعمه .. فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

نیاز به منذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۸ - ۳

۳ - نیاز جوامع بشری به انذار و انذارگرانی از جانب خداوند

و ما أهلكنا من قرية إلاّ لها منذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - نیاز همواره جوامع بشری ، به وجود انذارگرانی الهی

و قد خلت النذر من بین یدیه و من خلفه

بنابراین که آیه شریفه نظر به استمرار خط نبوت و انذارگری در قبل و بعد از هود(ع) داشته باشد، نیاز همواره بشر به وجود انذارگران استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ - جنیان ، همانند آدمیان ، گرفتار گمراهی و گناه و نیازمند هدایت گران و بیم دهندگان

ولوا إلى قومهم منذرين

<منذرين>، در جایی معنا دارد که گناه و انحرافی وجود داشته و یا زمینه آن فراهم باشد.

نیاز به موعظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۹

۹- انسان برای گرایش به راه خدا، نیازمند موعظه نیک در کنار دلایل متقن عقلی

ادع إلى سبیل ربّک بالحکمہ و الموعظه الحسنه

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که <الموعظه> عطف بر <بالحکمہ> است و با یک سیاق ذکر شده،

در حالی که <وجادلهم> با بیان دیگر و امری مجزا آمده است.

نیاز به نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۸

۸- مؤمنان ، محتاج امداد های الهی ، در پیشبرد دین و مبارزه با دشمنان

إن تنصروا الله ينصركم

از این که خداوند، نوید نصرت و امداد به مؤمنان را در زمینه جهاد مطرح کرده است، نیاز آنان به امدادهای خداوند استفاده می شود.

نیاز به نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۰

۱۰- انسان به هر مرحله از قرب و منزلت الهی برسد ، نیازمند به عبادت (نماز و ...) و خدمت به خلق (انفاق) است .

قل لعبادی الذین ءامنوا یقیموا الصلوه و ینفقوا ممّا رزقنهم

اضافه <عباد> به <یاء> متکلم، تشریفیه و بیانگر قرب و منزلت بندگان به پیشگاه خداوند است. بنابراین فرمان خداوند به آنان برای اقامه نماز و انفاق، نشانگر آن است که بنده، هر چند به مقام قرب الهی رسیده باشد، نیازمند به انجام دو فریضه نماز و انفاق است.

نیاز به نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۲

۲ - حرکت در عرصه تاریک قیامت ، نیازمند داشتن نور و روشنایی از خود

یوم یقول المنفقون .. انظرونا نقتبس من نورکم

نیاز به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۷

۷- بشر ، برای رفع اختلاف های عقیدتی و نیل به عقیده ای

سالم و برتر ، محتاج به وحی و تعالیم آسمانی است .

و ما أنزلنا عليك الكتب إلا لتبين لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۵

۵- هر موجود شعورمند مستقر در زمین ، نیازمند به وحی الهی و هدایت آسمانی

قل لو كان في الأرض ملئكة يمشون مطمئنين لنزلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۴

۴ - نیاز بشر ، به وحی و دین الهی در شناخت حق و راه درست

فلما جاءهم بالحق من عندنا

برداشت یاد شده از آمدن قید <عندنا> برای <حق> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶ - ۴

۴ - سپری شدن تاریخ [رخداد ها و تحولات زندگی انسان در گذر زمان] ، باعث بی نیازی بشر از وحی و هدایت های آسمانی نیست .

أفضرب عنكم الذكر . . . و کم أرسلنا من نبی فی الأولین

فرستاده شدن پیامبران فراوان در امت های پیشین، نشانگر آن است که انسان ها در هیچ یک از دوره های تاریخ، بی نیاز از وحی الهی نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۷

۷- نیاز همه انسان ها به پیام وحی و رهنمود های پروردگار ، برای رسیدن به حق و صلاح

بأنّ الذين كفروا اتبعوا البطل و أنّ الذين ءامنوا اتبعوا الحقّ من ربّهم

مقید شدن <الحقّ> به <من ربّهم> و مقابله <الحقّ من ربّهم> با <الباطل>، می رساند که بشر بیش از دو راه

در پیش ندارد: راه باطل و یا راه حق، راه حق تنها همان راهی است که منتسب به پروردگار و نازل شده از سوی او است از این رو انسان برای رسیدن به حق، ضرورتاً نیازمند رهنمود خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۲ - ۱

۱ - انسان ، در تشخیص تکالیف دشواری که خداوند خواهان انجام گرفتن آن است ، نیازمند وحی است .

و ما أدريك ما العقبه

<العقبه> گرچه مطلق است؛ ولی مراد از آن به قرینه سیاق آیه طریقه های سختی است که سلوک آن، مطلوب خداوند می باشد؛ و گرنه شناخت مطلق کارهای دشوار بر کسی سخت نیست.

نیاز به ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۳

۱۳ - انسان در قیامت ، نیازمند ولایت و یابوری است .

و الظلمون ما لهم من ولی و لانصیر

نیاز به ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۴

۴ - انسان ، نیازمند ولایت و یابوری از جانب خداوند ، در تمامی حالات زندگی خویش

و من یضلل الله فما له من ولی من بعده

این که گمراهان با محروم شدن از ولایت الهی ره به جایی نمی برند، نشانگر آن است که انسان ها در تمامی حالات زندگی خویش نیازمند امداد و ولایت الهی اند.

نیاز به ولی (سرپرست)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۶ - ۲

۲ - یتیمی پیامبر (ص) ، او

را به داشتن سرپرست نیازمند کرده بود .

ألم يجدك يتيماً فاوی

حرف <فاء> برای عطف مسبب بر سبب است و دلالت دارد که آنچه پیامبر(ص) را نیازمند سرپرست کرده بود، یتیمی آن حضرت بوده است.

نیاز به هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۴

۴ - انسان همواره نیازمند هدایت های الهی است .

إهدنا الصراط المستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۷

۱۷ انسان موجودی نیازمند به قانون و هدایت های تشریحی از جانب خداوند

و لاتقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۵

۵ - انسان برای نیل به سعادت ، نیازمند هدایت ها و رهنمود های الهی است .

فإما یأتینکم منی هدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ انسان بدون هدایت پروردگار در گمراهی خواهد ماند.

لئن لم يهدني ربي لأكونن من القوم الضالين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٩ - نحل - ١٦ - ١٢١ - ٦

٦- انسان ، نیازمند به هدایت الهی در راهیابی به < صراط مستقیم >

هده إلى صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - اسراء - ١٧ - ٩٥ - ٥

٥- هر موجود شعورمند مستقر در زمین ، نیازمند به وحی الهی و هدایت آسمانی

قل لو كان في الأرض ملئكة يمشون مطمئنين لنزلنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - كهف - ١٨

۲۲- همواره یاد کردن خداوند ، نیازمند توفیق و هدایت ویژه الهی است .

واذکر ربک إذا نسیت و قل عسی أن یهدین ربی لأقرب من هذا رشداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۹ - ۵

۵- بنی اسرائیل در عصر فرعون ، گرفتار انحراف در عقیده و عمل و نیازمند هدایت از سوی خدا

و لقد آتینا موسی الکتب لعلهم یهتدون

<هم> در <لعلهم> کنایه از بنی اسرائیل است و ارجاع آن به فرعون و طایفه او، درست نیست؛ زیرا نزول تورات، بعد از هلاکت آنها بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۲

۲- بشر ، نیازمند هدایت و راهنمایی از جانب خداوند

قل فأتوا بکتب من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۱۱

۱۱- انسان ، نیازمند به هدایت الهی است و در صورت بهره نجستن از آن گمراه می شود .

قل ربی أعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلل مبین

برداشت یاد شده با توجه به این مطلب است که گمراهی بشر در برابر هدایت ارائه شده از سوی خداوند قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۶

۶ - نیاز انسان به هدایت الهی در رسیدن به سعادت و خوشبختی

لو أنّ الله هديني لكنت من المتقين

از این که کافران رسیدن به مقام متقین (سعادت‌مندان) را منوط به هدایت الهی می‌دانند، مطلب یاد شده را می‌توان استفاده

کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۳ - ۳

۳ - نیاز همه انسان ها ، حتی پیامبران ، به هدایت الهی

و لقد ءاتینا موسی الهدی

آیه شریفه در مقام امتنان است. در این مقام، اعطا و بخشش هدایت، دلیل نیاز بشر به آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶ - ۴

۴ - سپری شدن تاریخ [رخداد ها و تحولات زندگی انسان در گذر زمان] ، باعث بی نیازی بشر از وحی و هدایت های آسمانی نیست .

أفضرب عنکم الذکر . . . و کم أرسلنا من نبی فی الأولین

فرستاده شدن پیامبران فراوان در امت های پیشین، نشانگر آن است که انسان ها در هیچ یک از دوره های تاریخ، بی نیاز از وحی الهی نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - انسان ، در اشتیاق رستگاری و نیازمند راهنمایی ، برای تشخیص راه ها و مصادیق آن

ذلک هو الفوز المبین

تأکید با ضمیر فصل در زمینه نمایاندن رستگاری راستین، نشانگر آن است که اولاً انسان در نهاد خودش، عشق به رستگاری دارد و ثانیاً دستیابی به آن، نیازمند هدایت و راهنمایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۲۰

۲۰- انسان در هر مرحله از زندگی ، مواجه با راه های گوناگون حق و باطل و نیازمند هدایت مداوم

و یهدیکم صرطاً مستقیماً

از این که خداوند، برای مؤمنان مسأله هدایت را مطرح کرده؛ معلوم می شود

که اصولاً انسان ها، حتی مؤمنان، در هر مرحله از زندگی، مواجه با ابهام ها و آزمون های جدیدی می شوند که برای انتخاب راه صحیح، همواره نیازمند هدایت اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۸ - ۴

۴ انسان، حتی پس از برخورداری از روحیه عبودیت و خداجویی، نیازمند بینش یابی و تذکر

تبصره و ذکری لکل عبد منیب

تعبیر <لکل عبد منیب>، می رساند که انسان حتی با داشتن روحیه عبودیت و انابه، باز نیازمند تبصره (بینش یابی) و تذکر است. از این رو خداوند، مظاهر طبیعت را به گونه ای قرار داده تا مایه بینش و تذکر آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۸

۸ - انسان، جهت گذار سالم از مسیر زندگی دنیوی و به بیراهه نیفتادن، به نوری هدایت کننده در وجود خود نیازمند است.

و يجعل لکم نوراً تمشون به

برداشت یاد شده در صورتی استفاده می شود که مراد از <تمشون> طی کردن مسیر زندگی دنیوی باشد.

نیاز به هدایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۵ - ۷

۷ غیر خدا، ذاتاً فاقد توانایی ره یابی به سوی حق بوده و نیازمند هدایت خداست.

أفمن یهدی إلی الحق أن یتبع أمن لایهدی إلا أن یهدی

نیاز به هدایتگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- جنیان ، همانند آدمیان ، گرفتار گمراهی و گناه و نیازمند هدایت گران

و بیم دهندگان

وَلَوْ اِلَى قَوْمِهِمْ مَنْذَرِيْنَ

<منذرين>، در جایی معنا دارد که گناه و انحرافی وجود داشته و یا زمینه آن فراهم باشد.

نیاز به هدایت‌های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۹

۹ - پیامبران ، در تشخیص موارد رضایت خداوند ، نیازمند راهنمایی و هدایت او هستند .

و ما أعجلک .. عجلت إليك ربّ لترضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۸

۱۸ - انسان ، برای رهایی از خطاها و رسیدن به خوشبختی ، نیازمند رهنمود های الهی است .

فمن اتبع هدای فلا یضلّ و لایشقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۸ - ۵

۵ - نیاز مستمر موجودات هستی به هدایت خدا

الذی خلقنی فهو یهدین

تفریع <فهو یهدین> بر <الذی خلقنی>، بیانگر این نکته است که هر مخلوقی نیازمند هدایت است و چون خدا آن را خلق کرد، هدایتش هم خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۸،۱۱

۸- تمامی انسان ها ، حتی پیامبران بزرگ الهی ، نیازمند امداد و هدایت الهی اند .

فَإِنَّ سَيِّدِينَ

۱۱- ایمان به توحید و خدای یگانه ، آغاز راه بوده و در ادامه آن انسان نیازمند راهنمایی از سوی خداوند است .

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيِّدِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۱۱

۱۱- پیامبر (ص) ، نیازمند هدایت الهی ، برای رهنمون شدن به

راه راست و صلاح

و یهدیک صرطاً مستقیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۴

۴ - انسان ، نیازمند هدایت از جانب خداوند

أرسل رسوله بالهدی

فرستاده شدن پیامبر(ص) برای هدایت، با این فرض می باشد که انسان، نیازمند هدایت از سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۳ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، برای پاسخ به پرسش های مردم ، نیازمند راهنمایی خداوند و دارای آگاهی های محدود

فیم أنت من ذکریها

خداوند، با بیان این حقیقت که مقام پیامبر(ص) قاصر از بیان تمام ویژگی های قیامت است، شیوه پاسخ گویی به پرسش مردم از زمان وقوع قیامت را به آن حضرت می آموزد.

نیاز به هشدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۹

۹ آدمی همواره نیازمند تذکر و هشدار است.

قد فصلنا الأیت لقوم یذکرون

<یذکرون> صیغه مضارع و معنی تجدد و استمرار دارد. ستوده شدن متذکران با این بیان اشاره ای ظریف به این نکته دارد که آدمی همواره نیازمند متذکر شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- انسان ، همواره در معرض ابتلا به شرک و نیازمند به هشدار است . *

لا تجعل مع الله إلهاء آخر .. و قضي ربك ألا تعبدوا إلا إياه ... لا تجعل مع ال

تأکید بر پرهیز از شرک در این مجموعه آیات (آیه ۲۲ ۳۸) که درباره مباحث مختلف خانوادگی و اجتماعی است بیانگر این نکته است که

احتمال لغزش انسانها زیاد است و باید به آنها توجه داده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۱۱

۱۱- مؤمنان ، در معرض لغزش و نیازمند تذکر و هشدار مکرر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ و أَطِيعُوا الرَّسُولَ و لَا تَبْطُلُوا ءَعْمَلَكُمْ

از تکرار <أطيعوا> و نهی <لا تبطلوا> در مورد مؤمنان، مطلب بالا استفاده می شود.

نیاز به هشدارهای انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۳ - ۲

۲- انسان ، در معرض غفلت از سود و زیان واقعی خویش و نیازمند هشدار پیامبران (ع) است .

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ ءَعْمَالًا

نیاز به هشدارهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۹ - ۲

۲ - مؤمنان ، در معرض از یاد بردن خدا و نیازمند هشدار الهی برای پابندی به تقوا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ .. و لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ

نیاز به همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ مسکن ، همسر و خوراک از نیازهای ضروری انسان

اسکن أنت و زوجك الجنة و كلا منها

جریان آفرینش آدم(ع) و نکات ذکر شده پیرامون آن، ترسیمی کلی از چهره انسان و نیازها، روحيات، افکار و . . . اوست نه مجرد داستانی از آدم(ع) و حوا، یعنی، اگر سخن از نیاز آدم(ع) و حوا به مسکن، همسر و خوراک به میان آمده بیانگر نیاز همه انسانها به این موارد می باشد و اگر سخن از تشریح و

هدایت است، نشانگر نیاز همه انسانها به هدایت و تشریح خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۴،۵

۴ - نیاز مداوم زن و شوهر به یکدیگر

هن لباس لکم و أنتم لباس لهن

در جمله <هن لباس لکم...> زن برای شوهر و شوهر برای زن، به لباس برای انسان، تشبیه شده اند. <نیاز مداوم> وجه شبه روشنی است که تشبیه مذکور گویای آن می باشد.

۵ - نیاز جنسی زن و شوهر به یکدیگر از حکمت های حلیت آمیزش جنسی در شب های رمضان

أحل لکم ليله الصیام الرفث إلی نسائکم هن لباس لکم و أنتم لباس لهن

جمله <هن لباس لکم...> بیانگر حکمت و دلیل اعلام حلیت (أحل لکم...) است.

نیاز به هوای مطبوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۴ - ۴

۴ - انسان پس از معاد، نیازمند آب و هوای مطبوع و دارای ویژگی های جسمانی است.

لا یندوقون فیها بردًا و لا شرابًا

نیاز به یاور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۳

۱۳ - انسان در قیامت، نیازمند ولایت و یآوری است.

و الظلمون ما لهم من ولی و لانصیر

نیاز های اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۲ - ۱۴

۱۴ - اصل رهبری و مدیریت اجتماعی و نیاز جامعه به آن ، امری پذیرفته شده و مسلم در نگاه وحی

و إذا كانوا معه على أمر جامع لم يذهبوا حتى يستأذنوه .

.. فأذن لمن شئت منهم

از این که خداوند رها کردن حل و فصل مسائل اجتماعی را، منوط به اجازه پیامبر(ص) دانسته است، به دست می آید که رهبری و مدیریت اجتماعی، امری مسلم و ضروری شمرده شده است و بر این اساس، باید مردم از آن مقام کسب تکلیف کنند.

نیاز های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۲

۲ - حرکت در عرصه تاریک قیامت ، نیازمند داشتن نور و روشنایی از خود

يوم يقول المنافقون . . انظرونا نقتبس من نوركم

نیاز های جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۶

۶ - توجه اسلام به نیاز های جنسی و طبیعی ، در تشریح احکام و قوانین دین

أحل لكم ليله الصيام الرفث إلی نساءكم

نیاز های معنوی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۳

۳- انسان ، نیازمند به حفاظت و حمایت الهی در تمام لحظات زندگی

قل من یكلؤکم باللیل والنهار من الرحمن

<کلاءه> (ماده <یکلؤ>) به معنای حفظ شیء است و <من> در <من الرحمان> بدلیه است؛ یعنی، به جای خدای رحمان.

نیاز های

آثار نیاز های مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۰ - ۷

۷- تأثیر گذاری نیاز های محیطی و مادی انسان بر آرا و نظریات وی حتی در زمینه مسائل فکری و معنوی *

و قالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ينبوعًا

با این احتمال که پیشنهاد ایجاد چشمه به عنوان معجزه از سوی

مشركان، متأثر از شدت نیاز آنان به منابع آبی بوده باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۳

۱۳- نیاز های طبیعی و مادی بشر ، وسیله ای در جهت گرایش دادن او به ارزش ها

فیها أنهر من ماء غیر ءاسن و أنهر من لبن لم یتغیر طعمه و أنهر من خمر لذه للث

خداوند از گرایش های طبیعی انسان به نوشیدن و لذت بردن و .. در جهت تشویق او به دین داری، استقامت و تقوایشگی در طریق حق استفاده کرده است.

ارزش نیاز های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - برتری درخواست ها و نیاز های معنوی و اخروی ، بر درخواست ها و نیاز های مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت به درگاه الهی

قال رب اغفر لی و هب لی ملکاً

ارزش نیاز های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - برتری درخواست ها و نیاز های معنوی و اخروی ، بر درخواست ها و نیاز های مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت به درگاه الهی

قال رب اغفر لی و هب لی ملکاً

ارزش نیاز های مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - برتری درخواست ها و نیاز های معنوی و اخروی ، بر درخواست ها و نیاز های مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت

به درگاه الهی

قال رب اغفر لی و هب لی ملکا

ارزش نیاز های معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - برتری درخواست ها و نیاز های معنوی و اخروی ، بر درخواست ها و نیاز های مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت به درگاه الهی

قال رب اغفر لی و هب لی ملکا

اهمیت تأمین نیاز های ضروری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۱۷

۱۷- امید بستن به هدایت و تربیت انسان ها ، پس از تأمین نیاز های ضروری آنان ، امیدی بجا و مناسب است .

و الله جعل لکم .. لعلکم تسلمون

برداشت فوق، به خاطر این است که خداوند جمله <لعلکم تسلمون> را پس از به رخ کشیدن نعمتهای فراوان خویش به انسانها، مطرح کرده است.

اهمیت نیاز های معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ رهبران الهی ، وظیفه دار جهت دهی معنوی به خواسته های مادی مردمان

نرید ان نأکل منها .. تکون لنا عیداً لاؤلنا و ءاخرنا ءایه منک و ارزقنا

حضرت مسیح(ع) با ذکر مسأله تغذیه به عنوان آخرین هدف و با جمله <وارزقنا ..> که خود ابراز نیاز و تذلل در پیشگاه

خداوند است، اشاره به ناموجه بودن سخن حواریون دارد که آنان مسأله تغذیه را قبل از اهداف معنوی مطرح کردند.

تأمین نیاز های اقتصادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ -

۳ توجه اسلام به نیاز های اقتصادی جامعه اسلامی و تأمین آنها

إنما الصدقات للفقراء .. و ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۱۲

۱۲ اهتمام اسلام به انفاق و تأمین نیاز های معیشتی جامعه

و یقبضون أیدیهم

تأمین نیاز های مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۴

۴ خداوند فراهم سازنده راههایی گوناگون برای تأمین معیشت انسانها در زمین است.

و جعلنا لکم فیها معیش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۷

۷ استقامت و پایداری توده مردم بر ایمان و عقاید دینی خود، در گرو تأمین نیاز های مادی و معنوی آنان

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا

تأمین نیاز های معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۱۴

۱۴ - دعا به درگاه خداوند، مؤثر در برآورده شدن خواسته های معنوی انسان است.

ربنا واجعلنا مسلمین لک . . و تب علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۷

۷ استقامت و پایداری توده مردم بر ایمان و عقاید دینی خود، در گرو تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا

سختی تأمین نیازهای دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۹ - ۳

۳ - دشواری تأمین نیازهای اولیه انسان)

غذا، پوشاک، آب و مسکن) در بیرون بهشت، از هشدارهای خداوند به آدم (ع)

فتشقی . إِنَّ لَكَ أَلَاتِجُوعٍ فِيهَا وَ لَاتَعْرِى . وَ إِنَّكَ ... لَاتَضْحَى

<اِنَّكَ> عطف بر <الآتجوع> است و جمله <اِنَّ لَكَ..> تفسیر برای <فتشقی> می باشد. نفی گرسنگی، برهنگی، آفتاب زدگی و تشنگی، به منظور اشاره به سختی هایی است که آدم(ع) در صورت اخراج از بهشت به آن گرفتار می شد.

منشأ تأمین نیازهای روحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۲

۲ - تأمین نیازهای روحی و تجملی انسان در طبیعت، جلوه ای از ربوبیت انکارناپذیر الهی در حق وی

يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤَ وَ الْمَرْجَانَ . فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانِ

با توجه به این که نقش مروارید و مرجان در بعد تجملی زندگی انسان آشکار می باشد، نعمت شمرده شدن آن برای انسان، می رساند که خداوند در کنار همه نیازهای اولیه بشر نیازهای ثانوی آنان را نیز در نظر داشته و تأمین کرده است.

منشأ تأمین نیازهای مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۲ - ۸

۸- خداوند، آب باران را وسیله سیرابی انسان ها قرار داد.

فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ

نیازهای اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۲ - ۱۴

۱۴ - اصل رهبری و مدیریت اجتماعی و نیاز جامعه به آن، امری پذیرفته شده و مسلم در نگاه وحی

و إِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ

یذهبوا حتی یستذنوه... فأذن لمن شئت منهم

از این که خداوند رها کردن حل و فصل مسائل اجتماعی را، منوط به اجازه پیامبر(ص) دانسته است، به دست می آید که رهبری و مدیریت اجتماعی، امری مسلم و ضروری شمرده شده است و بر این اساس، باید مردم از آن مقام کسب تکلیف کنند.

نیاز های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۲

۲ - حرکت در عرصه تاریک قیامت ، نیازمند داشتن نور و روشنایی از خود

یوم یقول المنفقون .. انظرونا نقتبس من نورکم

نیاز های جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۶

۶ - توجه اسلام به نیاز های جنسی و طبیعی ، در تشریح احکام و قوانین دین

أحل لکم ليله الصیام الرفث إلی نسائکم

نیاز های معنوی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۳

۳- انسان ، نیازمند به حفاظت و حمایت الهی در تمام لحظات زندگی

قل من یکلؤکم بالیل والنهار من الرحمن

<کلاءه> (ماده <یکلؤ>) به معنای حفظ شیء است و <من> در <من الرحمان> بدلیه است؛ یعنی، به جای خدای رحمان.

نیاز های اجتماعی

{نیاز های اجتماعی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۲

۲ ضرورت جُبران کمبود ها و نیاز های اقتصادی جامعه

یا ایها الذین امنوا انفقوا

نیاز های اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۲ - ۱۴

۱۴ - اصل

رهبری و مدیریت اجتماعی و نیاز جامعه به آن، امری پذیرفته شده و مسلم در نگاه وحی

و إذا كانوا معه على أمر جامع لم يذهبوا حتى يستأذنوه .. فأذن لمن شئت منهم

از این که خداوند رها کردن حل و فصل مسائل اجتماعی را، منوط به اجازه پیامبر(ص) دانسته است، به دست می آید که رهبری و مدیریت اجتماعی، امری مسلم و ضروری شمرده شده است و بر این اساس، باید مردم از آن مقام کسب تکلیف کنند.

نیاز های مادی

آثار نیاز های مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۰ - ۷

۷- تأثیر گذاری نیاز های محیطی و مادی انسان بر آرا و نظریات وی حتی در زمینه مسائل فکری و معنوی *

و قالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ينبوعاً

با این احتمال که پیشنهاد ایجاد چشمه به عنوان معجزه از سوی مشرکان، متأثر از شدت نیاز آنان به منابع آبی بوده باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۳

۱۳- نیاز های طبیعی و مادی بشر، وسیله ای در جهت گرایش دادن او به ارزش ها

فيها أنهر من ماء غير ءاسن و أنهر من لبن لم يتغير طعمه و أنهر من خمر لذة للش

خداوند از گرایش های طبیعی انسان به نوشیدن و لذت بردن و .. در جهت تشویق او به دین داری، استقامت و تقوای پیشگی در طریق حق استفاده کرده است.

ارزش نیاز های مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - برتری درخواست‌ها و نیازهای معنوی و اخروی، بر درخواست‌ها و نیازهای مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت به درگاه الهی

قال رب اغفر لی و هب لی ملکاً

تأمین نیازهای مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۷

۷ استقامت و پایداری توده مردم بر ایمان و عقاید دینی خود، در گرو تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۴

۴ خداوند فراهم سازنده راههایی گوناگون برای تأمین معیشت انسانها در زمین است.

و جعلنا لکم فیها معیش

منشأ تأمین نیازهای مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۲ - ۸

۸- خداوند، آب باران را وسیله سیرابی انسان‌ها قرار داد.

فأنزلنا من السماء ماء فأسقینکموه

نیازهای معنوی

ارزش نیازهای معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - برتری درخواست ها و نیاز های معنوی و اخروی ، بر درخواست ها و نیاز های مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت به درگاه الهی

قال رب اغفر لی و هب لی ملکا

اهمیت نیاز های معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ رهبران الهی ، وظیفه دار جهت دهی معنوی به خواسته های مادی

نرید ان ناکل منها .. تکون لنا عیداً لاؤلنا وءاخرنا ءایه منک و ارزقنا

حضرت مسیح(ع) با ذکر مسأله تغذیه به عنوان آخرین هدف و با جمله <وارزقنا ..> که خود ابراز نیاز و تذلل در پیشگاه خداوند است، اشاره به ناموجه بودن سخن حواریون دارد که آنان مسأله تغذیه را قبل از اهداف معنوی مطرح کردند.

تأمین نیاز های معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۷

۷ استقامت و پایداری توده مردم بر ایمان و عقاید دینی خود، در گرو تأمین نیاز های مادی و معنوی آنان

قالوا نرید ان ناکل منها و تطمئن قلوبنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۱۴

۱۴ - دعا به درگاه خداوند، مؤثر در برآورده شدن خواسته های معنوی انسان است.

ربنا واجعلنا مسلمین لک .. و تب علینا

نیاز های معنوی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۳

۳- انسان، نیازمند به حفاظت و حمایت الهی در تمام لحظات زندگی

قل من ینکلؤکم بالیل والنهار من الرحمن

<کلاءه> (ماده <یکلاء>) به معنای حفظ شیء است و <من> در <من الرحمان> بدلیه است؛ یعنی، به جای خدای رحمان.

نیازمندان

انفاق به نیازمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۷،۱۱

۷- فرمان های دین در رسیدگی مالی به دیگران ، با عواطف طبیعی انسان ، هماهنگ است .

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ

تقدم ادای

حقوق خویشان بر دیگران، می تواند با توجه به این نکته باشد که انسان، به صورت فطری و طبیعی، رسیدگی به خویشان را در اولویت قرار می دهد.

۱۱ - پرداختن به کار های خیر ، مانند انفاق به نیازمندان با توجه به دستاورد بد کار های نادرست لازم است .

تصبههم سیئه بما قدمت أیدیهم .. فَأْتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ

<فا> در <فآت> می تواند فصیح و مربوط به فراز <إِنْ تَصْبَهُمْ> در آیات قبل باشد، یعنی: <حال که سیئه، در پی دارنده ناگواری است، پس، از آن پرهیز و حقوق خویشاوندان و .. را ادا کنید.>

اهمیت تأمین نیازمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۱۱

۱۱ - توجه به خدا و بر طرف ساختن نیاز های نیازمندان ، دو خصلت همگام در وجود محسنان است .

الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۷ - ۲

۲ - انفاق و رسیدگی به امور معیشتی نیازمندان (پرداخت زکات) ، از رکن های عملی شریعت

و ویل للمشرکین . الذین لایؤتون الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۱،۳،۴

۱ - کسانی که از عاریه دادن لوازم منزل ، دروغ ورزیده ، احتیاجات مردم را نادیده می گیرند ، گرفتار نفرین خدایند و عذاب جهنم ، فرجام آنان است .

فویل .. و یمنعون الماعون

<ماعون>، عنوان عامی برای اثنائه منزل، از قبیل دیگ، تبر، و کاسه است (مصباح). این کلمه به معنای کار خیر

و باران و آب و هر چیز نافع نیز می آید (قاموس). ریشه آن <مَعْن> (چیزی که کم و آسان باشد) است و برخی اصل آن را <مَعُونَه> (ابزار کمک دهنده) دانسته اند. (صحاح اللغة)

۳- لزوم رد نکردن مراجعه کنندگان و کمک خواهان و تأمین احتیاجات مردم

فویل .. الذین ... و یمنعون الماعون

۴- خواندن نماز، بدون تصمیم بر امدادسانی به نیازمندان، غفلت از <حقیقت نماز> است.

الذین هم عن صلاتهم ساهون .. و یمنعون الماعون

تأمین نیازمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱۲

۱۲ تلاش برای رفع نیاز نیازمندان، وظیفه ای بر عهده همگان و یکی از نشانه های تقواست.

هدی للمتقین .. و مما رزقنهم ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲۳، ۲۲، ۱۰، ۹، ۵

۵- ایمان به خدا، قیامت، فرشتگان، کتاب های آسمانی و پیامبران و پرداخت مال (انفاق) برای رفع نیاز مستمندان و آزادی بردگان از مسائل اساسی دین است.

لیس البر أن تولوا وجوهکم .. و لكن البر من ءامن بالله ... و ءاتی المال علی حبه

۹- لزوم دستگیری از خویشاوندان نیازمند و صرف مال برای برطرف کردن نیاز های آنان

و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی

<ذوی القربی> به معنای خویشاوندان است و از آن جا که در شمار یتیمان و مساکین و .. قرار گرفته اند، می توان دریافت که مراد، نیازمندان ایشان است.

۱۰- ضرورت دستگیری از یتیمان، درماندگان، در

راه ماندگان و فقیرانی که تقاضای کمک دارند .

و ءاتی المال علی حبه . . . الیتمی و المسکین و ابن السبیل و السائلین

۲۲ - محبت خدا ، انگیزه ابرار در صرف اموال خویش برای دستگیری از مستمندان

و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی

ضمیر در <علی حبه> می تواند به <الله> یا به <المال> و یا به <اتیان المال> باز گردد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۲۳ - ابرار ، با رغبت و طیب خاطر ، اموال خویش را در جهت رفع نیاز مستمندان هزینه می کنند .

و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <حبه> به <اتیان المال> - که از <ءاتی المال> استفاده می شود - برگردد؛ یعنی، مال را با میل و رغبت به مستمندان می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۱۸، ۱۴

۱۴ - توجه به مساکین و نیازمندان در جعل احکام و مقررات دین

و علی الذین یطیقونه فدیة طعام مسکین

۱۸ - تشویق و ترغیب اهل ایمان به انفاق و دستگیری مستمندان

فمن تطوع خیراً فهو خیر له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸ - ۱، ۳

۱ لزوم بهره مند ساختن نزدیکان نیازمند ، یتیمان و مساکین از اموال میت ، در صورت حضور آنان هنگام تقسیم ارث

و اذا حضر القسمة اولوا القربی و الیتامی و المساکین، فارزقوهم منه

ذکر <اولوا القربی> در ردیف یتیم و مسکین، حاکی از آن است که مراد از <اولوا القربی> خویشان نیازمند هستند نه

خویشان ثروتمندی که با یتیمان و مساکین تناسبی

ندارند. ذیل آیه که ترغیب به عطوفت و برخورد نیک با آنان است، این معنا را تأیید می کند.

۳ لزوم توجه به نیازمندی های خویشاوندان ، یتیمان و مساکین و برخورد نیک با آنان

اولوا القربى و الیتامى و المساکین، فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ پیدایش روحیه گذشت از مال و رسیدگی به وضع اقتصادی مستمندان ، از شرایط لازم هر جامعه دینی برای جهاد و مبارزه

كفوا ایدیكم و اقیموا الصلوه و اتوا الزكوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۸

۸ دعوت کنندگان مردم به دستگیری از مستمندان ، بهره مند از پاداش عظیم الهی

الا من امر بصدقه .. فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۵ - ۱۴

۱۴ رد نکردن درخواست نیازمندان و نیاز نبردن به درگاه غیر خدا ، موجب برگزیده شدن ابراهیم (ع) از سوی خداوند به

عنوان خلیل

و اتخذ الله إبرهیم خلیلاً

امام صادق(ع) درباره علت برگزیده شدن حضرت ابراهیم(ع) به عنوان خلیل، از سوی خداوند فرمود: لانه لم یرد احداً و لم یسال احداً قط غیر الله عز و جل.

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷۶، ح ۴، ب ۳۲، نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۴، ح ۵۸۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ ارتباط دایمی با خدا و تأمین نیاز مستمندان ، نشانه

الذین ءامنوا الذین یقیمون الصلوٰه و یؤتون الزکوٰه

بر این مبنا که اقامه نماز، به عنوان شیوه ای از ارتباط با خدا بیان شده باشد و پرداخت زکات، به عنوان مصداقی از رفع نیاز مستمندان مطرح باشد.

۱۶ ارزشمندی تواضع و فروتنی به هنگام انفاق و دستگیری از مستمندان

و یؤتون الزکوٰه و هم رکعون

بنابر اینکه رکوع به معنای لغوی خود (خضوع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۲

۲ استمرار در برپایی نماز و دستگیری دائمی از مستمندان ، نشان ایمان حقیقی در مرحله عمل

أولئک هم المؤمنون حقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۹

۹ برطرف سازی نیاز نیازمندان از اهداف مسائل اقتصادی در اسلام

ولذی القربی و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۶

۱۶ صرف صدقات در مورد بردگان ، بدهکاران ، راه و در راه ماندگان ، فقط برای تأمین نیاز های آنان است ، نه تملیک به ایشان .

و فی الرقاب . . . و ابن السبیل

با توجه به اینکه برای چهار مورد اخیر، به جای لام ملکیت، حرف <فی> که بیانگر جهت صرف صدقات است به کار گرفته

شده، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۴

۴ تلاش عملی و قرار دادن تمامی توان جسمی خود برای رفع نیاز حاجتمندان جامعه در صورت نبود امکانات مالی

از اوصاف مؤمنان راستین است .

و الذین لایجدون إلا جهدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۵

۵ - مسلمانان ، در قبال نیاز های نیازمندان جامعه ، مسؤول اند .

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ

محسنان و تأمین نیازمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۶

۶ - محسنان ، ارزش های معنوی را در جامعه زنده نگه می دارند و برای رفع خلأ های اقتصادی آن می کوشند .

لِلْمَحْسِنِينَ . الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

منشأ امداد به نیازمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۱۴

۱۴ - کمک و امداد خداوند به نیازمندان ، نشأت گرفته از فضل او است .

إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

موانع تأمین نیازمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲۵

۲۵ - محبت و علاقه به مال ، بازدارنده نیکان از انفاق و مصرف کردن آنها برای نجات مستمندان نخواهد شد .

و ءاتى المال على حبه ذوى القربى

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه ضمير در <حبه> به <المال> بر گردد.

نيازمندى

آثار ذكر نيازمندى انسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۵ - ۶

۶ - توجه به وابستگى تمام معلومات انسان به خداوند ، مايه اطمينان پيامبر (ص) به امداد الهى در توانا ساختن او بر دريافت و

قرائت قرآن

اقراء .. علم الانسان ما

لم يعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۶

۶ - توجه به آفرینش انسان از خون لخته و وابستگی تمام دانش های او به خداوند ، مایه ترك طغیان است .

خلق الإنسن من علق .. علم الإنسن ما لم يعلم . كلاً إنَّ الإنسن لیطغی

آثار ذکر نیازمندی انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۱۷

۱۷ - توجه به نیاز همه بندگان به خداوند در تأمین معاش ، از میان برنده پندار بهره بردن خداوند از عبادت بندگان است .

لانسلك رزقاً نحن نرزقك

در برداشت یاد شده جمله <نحن نرزقك> به منزله تعلیل برای جمله قبل است یعنی، چون رزق تو به دست ما تأمین می شود، پس روشن است که ما در فرمان نماز، در پی کسب روزی از جانب تو نیستیم.

آثار نیازمندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۹ - ۳

۳ نیازمندی و کمبود ، انگیزه ای برای ستم و تعدی

و ما الله یرید ظلماً للعالمین . و لله ما فی السموات و ما فی الارض

جمله <و لله ما فی السموات ..> ، در مقام تعلیل برای ظلم نکردن خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۷

۷ نیازمندی و قساوت دو عامل گرایش به ظلم و رعایت نکردن عدل است.

لكل درجت مما عملوا .. و ربك الغنى ذو الرحمه

ذکر دو صفت غنا و رحمت، پس از بیان عدم ظلم خداوند

در پاداش بندگان، بیانگر این است که ظلم برخاسته از نیاز و یا شقاوت و قساوت است که در مورد خدا این دو منتفی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۷

۷ روی آوردن انسان به درگاه خدا و بستن عهد با او ، به هنگام احساس نیاز

و منهم من عهد الله لئن آتینا من فضله

آثار نیازمندی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۶

۶- بندگی و نیاز همه موجودات به درگاه خدا ، خود ، دلیل پوچی پندار ولایت برای آنان در برابر خداوند است .

أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ

با این که معنای آیه، بدون کلمه <عبادی> نیز تمام است، ولی ذکر <عبادی> برای توجه دادن به این نکته است که آنچه به عنوان <ولیی> از سوی کافران انتخاب و در رتبه الوهیت و ربوبیت پنداشته شده است، جملگی عبد خدایند و چگونه است که بی خردان، عبد را در رتبه معبود پنداشته اند؟! بنابراین، آیه، متضمن نوعی استدلال نیز هست.

اهمیت نیازمندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۳

۳ - غم ، شادی ، مرگ ، حیات و نیازمندی و غنا ، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تُتْمَارِي

در صورتی که تعبیر <آلاء> در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

بدهت نیازمندی مخلوقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- نیازمندی پدیده ها به علت و پدید آورنده ، امری بدیهی و غیر قابل تردید است .

أفی الله شك فاطر السموت و الأرض

از اینکه خداوند از خالقیت خود نسبت به پدیده های آسمان و زمین نفی شک می کند، مبتنی بر قضیه ای است که کبرای آن به دلیل وضوح و بداهتتش نیاز به ذکر ندارد و آن نیازمندی هر پدیده (معلول) به پدید آورنده (علت) است که همه عقلا، و از جمله کفار، هیچ تردیدی درباره آن ندارند.

بداهت نیازمندی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۵ - ۳

۳- نیاز پدیده و شیء ممکن به علت پدید آورنده ، امری بدیهی و قابل فهم برای همگان

أم خلقوا من غیر شیء

از این که خداوند این مسأله را با پرسشی ساده و همراه با اعجاب و انکار مطرح کرده است استفاده می شود که شبهه در نیاز معلول به علت، برای عقل سلیم شگفت انگیز بوده و شک در امر بدیهی است.

درک نیازمندی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۴ - ۴

۴- درک ماهیت تعلق و نیاز زمین و موجودات روی آن به خداوند ، تنها در توان اهل دانش و خرد است .

قل لمن الأرض و من فیها إن كنتم تعلمون

درک نیازمندی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۴ - ۴

۴- درک ماهیت تعلق و نیاز زمین و موجودات روی آن به خداوند ، تنها در

توان اهل دانش و خرد است .

قل لمن الأرض و من فيها إن كنتم تعلمون

دلایل نیازمندی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۶

۶ - بازگشت انسان ها به خداوند ، دلیل نیازمندی آنان به او است .

أن رءاه استغنى . إن إلى ربك الرجعى

عاقلان و نیازمندی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۶ - ۲

۲ - نیاز جهان آفرینش به مدیر و مدبر ، امری روشن برای هر انسان دانشور و خردمند

إن كنتم تعلمون .. قل من رب السموت السبع و رب العرش العظيم

روشن است که سؤال <من رب السماوات السبع..> (پروردگار آسمان های هفتگانه و... کیست؟) زمانی قابل طرح است که اصل نیاز آنها به مدیر و مدبر، قبلاً برای انسان حل شده باشد. و چون درک این مسأله، برای اهل دانش و خرد که در آیه پیشین به آن تصریح شده است امر پیچیده ای نیست به عنوان اصل مسلم تلقی شده است.

علما و نیازمندی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۶ - ۲

۲ - نیاز جهان آفرینش به مدیر و مدبر ، امری روشن برای هر انسان دانشور و خردمند

إن كنتم تعلمون .. قل من رب السموت السبع و رب العرش العظيم

روشن است که سؤال <من رب السماوات السبع..> (پروردگار آسمان های هفتگانه و... کیست؟) زمانی قابل طرح است که

اصل نیاز آنها به مدیر و مدبر، قبلاً برای انسان حل شده باشد.

و چون درك این مسأله، برای اهل دانش و خرد که در آیه پیشین به آن تصریح شده است امر پیچیده ای نیست به عنوان اصل مسلم تلقی شده است.

نعمت نیازمندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۳

۳ - غم ، شادی ، مرگ ، حیات و نیازمندی و غنا ، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فَبأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى

در صورتی که تعبیر <آلاء> در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

نیازمندی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۴، ۳

۳ خداوند مردم را به تفکر و تأمل در وابسته بودن جهان آفرینش و نیاز همواره آن به هستی بخش دعوت کرد .

أَو لَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ

۱۴ آنان که از طریق اندیشه در ملکوت آسمان ها و زمین (نیاز جهان هستی به مالک و هستی بخش) هدایت نشوند ، هیچ دلیلی دیگر نمی تواند آنان را هدایت کند .

فَبأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

توضیح برداشت پیش راهنمای این برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۹

۹- تمامی هستی در برابر خداوند غنی ، فقیر و نیازمند مطلق است .

ضرب الله مثلاً عبداً مملوكاً لا يقدر على شيء و من ... فهو ينفق منه سرّاً و جهراً

برداشت فوق بر این اساس است که خداوند در مقام ردّ

عقیده مشرکان و تبیین این حقیقت که خداوند قابل مقایسه با خلق نیست از مثالی استفاده کرده است که مجموعه هستی را به منزله برده ای ناتوان و جایگاه خداوندی را به مثابه توانمندی انفاقگر دانسته است که هستی از نعمتهای او ارتزاق می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۴ - ۵

۵ - سراسر هستی ، فقیر و نیازمند به خدای یگانه و ستایشگر او

له ما فی السموت . . . و إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۶ - ۱

۱ - جهان آفرینش ، دارای ماهیتی نیازمند به مدیر و مدبر

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۸ - ۵

۵ - شرک و رزی ، برخاسته از جهل انسان و عدم شناخت او نسبت به ماهیت سراسر نیاز جهان هستی به خداوند

قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَرْجُلُكُمْ . . . إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۳

۳ - نیازمندی ممکنات (جهان هستی) در بقا به خداوند ، همانند نیاز آنها در اصل وجود

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ . . . إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

این آیه هر چند درباره آسمان ها و زمین بحث کرده ولی ممکن است به وجود این قانون عام در جهان هستی نیز اشاره داشته باشد که همه ممکنات، در اصل وجود و در بقای خود، به خداوند نیازمند می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ احساس نیاز، تضرع، اخلاص و التزام به شکرگزاری، حالات مختلف انسان به هنگام گرفتاری در سختیهاست.

تدعونه تضرعا و خفيه لئن أنجنا من هذه لنكونن من الشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۴ - ۴

۴ همگان در برابر خدا، ناتوان و نیازمند و ناچیزند .

إن الذين تدعون من دون الله عباد أمثالكم

<مثل>، جمع أمثال، به معنای همانند و همسان است. کلمه <عباد>، که حاکی از ناتوانی و نیازمندی است و وجه شبهه بین معبودان و عبادت کنندگان ایشان است. یعنی معبودان شما نیز همانند خود شما نیازمند و ناتوان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۳ - ۵

۵ - علوم و تجربه های بشری، نمی تواند جایگزین تعالیم الهی و تجربه های پیامبران شود و انسان را از آنها بی نیاز سازد .

فلما جاءتهم رسلهم بالبينت فرحوا بما عندهم من العلم

نیازمندی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۳ - ۴

۴- احتیاج و نیازمندی، با مقام الوهیت ناسازگار است .

لايستطيعون نصر أنفسهم

خداوند، ناتوانی <آلهه> در حفظ خویش و نیاز آنها به محافظانی دیگر را، دلیل عدم صلاحیت ایشان برای الوهیت شمرده است. یادآوری این حقیقت می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

نیازمندی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۲

۲ هر موجودی

در جهان آفرینش مملوک و در وجود یافتن نیازمند آفریدگار است .

أو لم ينظروا في ملكوت .. و ما خلق الله من شيء

<ما خلق الله> عطف به <السموات> است. یعنی <أو لم ينظروا في ملكوت ما خلق الله>. <من شيء> بیان برای <ما> در <ما خلق الله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۸ - ۴

۴ خداوند ، غنی مطلق است و ماسوای او همه به او نیازمندند .

هو الغنی

<الغنی> مسند محلی به <الف و لام جنس> مفید حصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۵ - ۳

۳ - تمامی موجودات ، در بقای خویش ، نیازمند به خداوندند .

أن تقوم السماء و الأرض بأمره

<السماء و الأرض> کنایه از عالم و آفرینش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۲ - ۵

۵ - نیاز تمامی پدیده های جهان ، در بقا و تدبیر امورشان به خالق هستی (خداوند)

الله خلق كل شيء و هو على كل شيء وكيل

یادآوری حفاظت و تدبیر امور جهان از سوی خداوند پس از ذکر خالقیت او می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- خداوند ، بی نیاز مطلق و خلق ، سراپا نیاز به درگاه او

و الله الغنی و أنتم الفقراء

وضوح نیازمندی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۶ - ۲

- نیاز جهان آفرینش به مدیر و مدبر ، امری روشن برای هر انسان دانشور و خردمند

إن كنتم تعلمون . . . قل من ربّ السموت السبع و ربّ العرش العظيم

روشن است که سؤال <من ربّ السماوات السبع. > (پروردگار آسمان های هفتگانه و... کیست؟) زمانی قابل طرح است که اصل نیاز آنها به مدیر و مدبر، قبلاً برای انسان حل شده باشد. و چون درک این مسأله، برای اهل دانش و خرد که در آیه پیشین به آن تصریح شده است امر پیچیده ای نیست به عنوان اصل مسلم تلقی شده است.

نیاکان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نیاکان

آثار پیروی از نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۲

۲ - تعصّب و تقلید کور از نیاکان ، مانع گرایش کافران به پیروی از قرآن و تعالیم آسمانی است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه آباءنا

آثار تبعیت از نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۹

۹ - اصرار مردم عصر بعثت بر شرکورزی و تحریم برخی از حلال ها ، برخاسته از تقلید آنان از نیاکانشان بود .

كلوا مما فى الأرض . . . و إذا قيل لهم اتبعوا ... قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه ءاب

از مصادیق مورد نظر برای <ما ألفينا عليه آباءنا> - به قرینه آیه ۱۶۵ و ۱۶۸ - شرکورزی و حرام دانستن برخی از نعمتهای الهی است.

آثار تقلید از نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - پایبندی مطلق و بی دلیل به سنت های ملی و قومی ، مایه تخدیر جامعه و سدّ راه خردورزی و مانع شناخت

قالوا بل وجدنا ءاباءنا كذلك يفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۷ - ۶

۶ - تکیه و پافشاری قوم عاد بر سنت های نیاکانشان ، عامل رویارویی آنان با هود (ع) و رد کردن نصایح وی

إن هذا إلا خلق الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۷

۷ - پافشاری بر تقلید از آیین نیاکان و گذشتگان ، از جمله موانع پذیرش دین حق

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بینت قالوا ما هذا إلا رجل یرید أن یصدّکم عما کان ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۳ - ۶

۶ - پیروی و تقلید از نیاکان ، عامل استمرار آیین شرک در میان ملت ها

و كذلك ما أرسلنا من قبلك .. إلا قال مترفوها إنا وجدنا ءاباءنا علی أمّه

با توجه به آیات پیشین که در زمینه نفی شرک است مطلب بالا استفاده می شود.

آثار شرک نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۴

۴ شرکورزی پدران زمینه ساز گرایش فرزندان به شرک است .

إنما أشرك ءاباؤنا من قبل و كنا ذرية من بعدهم

آثار عقیده باطل نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۳

۳ - تأثیر عقاید و باور های

خرافی نیاکان ، در گرایش های انحرافی آیندگان *

سمیتموها اُتم و اباؤکم

برداشت یاد شده بدان احتمال که ذکر <آباؤکم> اشاره به این داشته باشد که مشرکان، تحت تأثیر عقاید خرافی نیاکان خویش، به بت پرستی گرویدند.

آثار عمل نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۵

۵- عملکرد نیاکان ، دارای نقشی بس مؤثر در برخورداری فرزندانشان از هدایت ها و نعمت های خداوند

و ائینا موسی الکتب .. ذرّیه من حملنا مع نوح

در این برداشت، جمله <ذرّیه من ..> تعلیل برای آیه قبل (و ائینا موسی الکتب...) گرفته شده است؛ یعنی، چون بنی اسرائیل از فرزندان همراهان نوح(ع) در کشتی بودند، این افتخار را یافته اند که از هدایت‌های کتاب آسمانی (تورات) بهره مند شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۲ - ۴

۴ - سرنوشت هر ملتی با عقاید و کردار خود آنان رقم می خورد؛ نه با افکار و اعمال نیاکانشان .

قال فما بال القرون الأولى . قال علمها عند ربّی

پاسخ موسی و هارون(ع) این بود که اقوام پیشین، آنچه انجام داده اند، نزد خداوند محفوظ است و خود می داند با آنان چه کند، فرجام آنها هر چه باشد، تأثیری در سرنوشت تو ندارد.

اشراف فرعون و رسوم نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۸

۸ فرعون و اطرافیانش ، قدرت و مکت خود را ، در دفاع از آیین نیاکانشان می دانستند .

قالوا أجبنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون

لكما الكبرياء في الأرض

اطاعت از نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۷

۷ تصور رشد رسانی و بهروزی در پیروی از سنت اجدادی عامل رویگردانی از احکام قرآن و تعالیم پیامبر (ص)

إذا قيل لهم تعالوا... قالوا حسبنا ما وجدنا عليه اباءنا

افساد نیاکان فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۴، ۱۵

۱۴ - فرعون، از زمره مفسدان تاریخ مصر و از تبار آنان

إنه كان من المفسدين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <من> در <من المفسدين>، نشویه و بیانگر خاستگاه خانوادگی فرعون باشد.

۱۵ - فساد و تباهی، امری ریشه دار در خاندان و نیاکان فرعون

إنه كان من المفسدين

تعبیر از نیاکان فرعون به <المفسدين> (به صورت جمع با <ال>) نشان می دهد که همه آنان فسادگر بودند و فلسفه فسادگری در تاریخ فرعون ها، بسیار ریشه دار بوده است.

انذار نیاکان مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶ - ۱۰، ۵

۵ - پدران و اجداد مردم صدر اسلام، پیش از آن به وسیله پیامبران الهی انذار و اخطار شده بودند. *

لتنذر قومًا ما أنذر آباؤهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که <ما> در <ما أنذر> نافیہ نباشد، بلکه مصدریہ و یا موصولہ باشد.

۱۰ - <عن أبي بصير عن أبي عبد الله (ع) . . . قال : و سألته عن قول الله > لتنذر قومًا ما أنذر آباؤهم فهم غافلون < قال :

لتنذر القوم

الذین أنت فیهم کما أنذر آباؤهم فهم غافلون عن الله و عن رسوله و عن وعیده . . .

ابوبصیر گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند: <لتنذر قوماً ما أنذر آباؤهم فهم غافلون> سؤال کردم، فرمود: مقصود این است: تا انذار کنی گروهی را که در میان آن ها هستی، همان گونه که پدرانشان انذار شدند که اینان از خدا و از رسول او و از وعیدهای خدا غافل اند. . .

ایمان نیاکان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۲

۲- خداوند ، ایمان و شرافت نیاکان بنی اسرائیل را به آنان یادآور شد .

هدی لبني إسرئیل . . . ذریه من حملنا مع نوح

نصب <ذریه> یا به تقدیر حرف ندا و یا به تقدیر فعل <اخص> است. در هر صورت یادآوری عنوان <ذریه همراهان نوح> بیانگر حقیقت فوق است.

بت پرستی نیاکان قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۴ - ۴

۴ - بت پرستی ، امری سابقه دار در میان نیاکان قوم ابراهیم

قالوا بل وجدنا ءاباءنا كذلك یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۶ - ۳

۳ - بت پرستی ، دارای سابقه دیرینه در نیاکان قوم ابراهیم

أفرءیتم ما کنتم تعبدون . أنتم و ءاباؤکم الأقدمون

پیروی از نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۱، ۱۰، ۱

۱ - در صورت دعوت از مجادله گران درباره خدا برای پیروی از تعالیم آسمانی، آنان، خود را

پیرو آیین نیاکان شان معرفی می کنند .

الناس من یجدل فی اللّٰه بغیر علم . . . و إذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل اللّٰه قالوا

۱۰ - پاسخ منفی دادن به فراخوان عمل به تعالیم دین آسمانی ، به بهانه پیروی از آیین نیاکان ، جاهلانه و مجادله ای بدون دلیل است .

و من الناس من یجدل فی اللّٰه بغیر علم و لا هدّٰی و لا کتب منیر . و إذا قیل لهم ا

۱۱ - پیروی از رسوم و آیین نیاکان ، بدون دلیل و منطق صحیح ، امری مذموم و ناروا است .

قالوا بل نتبع ما وجدنا علیه ءاباءنا

نقل چنین کلامی از مجادله گران حق ناپذیر، در پاسخ دعوت به دین و نیز ذکر استفهام انکاری پس از آن، به سرزنش شدن آن اندیشه و عمل، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۰ - ۱

۱ - دوزخیان ستمگر ، بدون تعقل و بی اختیار از رفتار و کردار پدران خود ، تقلید کرده و پیروی می کردند .

فهم علی ءاثرهم یهرعون

مقصود از <آثار> رفتار و کردار و <اهراع> (ماده <یهرعون>) به معنای با سرعت دویدن است. این کنایه از بی تأمل اقدام کردن و بی اختیار عمل کردن است.

تأثیر نیاکان در فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۴

۴ شرک‌ورزی پدران زمینه ساز گرایش فرزندان به شرک است .

إنما أشرك ءاباؤنا من قبل و کنا ذریه من بعدهم

تبعیت از رسوم نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۴- التزام به تبعیت از نیاکان و آداب و سنن آنان ، پاسخ مشرکان در برابر دعوت پیامبر به پیروی از احکام خدا

و إذا قيل لهم اتبعوا .. قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه ءاباءنا

<ألفاء> (مصدر ألفينا) به معنای یافتن است.

۵- تکیه بر آداب و رسوم گذشتگان و اصرار بر رعایت آنها ، از عوامل نپذیرفتن دعوت پیامبر (ص) و پیروی نکردن از قرآن و احکام دین

قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه ءاباءنا

تفاخر به نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۱ - ۶

۶- نسب ها و تفاخر به نیاکان ، امری اعتباری و فاقد کمترین اثر در قیامت

فإذا نفخ في الصور فلا أنساب بينهم يومئذ

برداشت فوق، بر این اساس است که <فلا أنساب بينهم..> به تقدیر <لا أنساب بينهم يتفاخرون بها> باشد، یعنی، در آن روز نسبی نیست تا به آن تفاخر کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۱۱، ۲

۲ تفاخر به نیاکان پس از مناسک حج ، از سنن جاهلی

فاذكروا الله كذکرکم اباءکم

۱۱ پس از اتمام حج ، باید به جای تفاخر به نیاکان ، ذکر خداوند کرد .

فاذا قضيت مناسککم فاذكروا الله

امام باقر (ع): .. و يعدون مفاخر آياتهم ... فامرهم الله سبحانه، ان يذكره مكان ذكرهم آبائهم في هذا الموضع

مجمع البيان، ج ۲، ص ۵۲۹؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۷۲۲.

تقليد از نياکان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ -

۵ کفرپیشگان بدعت گذار ، گرفتار تقلید های کورکورانه از سنت های جاهلی نیاکان خویش اند

قالوا حسبنا ما وجدنا عليه ءاباءنا

۶ پایبندی کفرپیشگان به افکار و آراء گذشتگان خویش مانع پذیرش تعالیم قرآن و رسول خدا (ص)

و إذا قيل لهم تعالوا .. قالوا حسبنا ما وجدنا عليه ءاباءنا

۱۱ وفاداری جوامع به آراء و اندیشه های باطل پیشینیان ، جلوگیری بروز اندیشه های نو و بر حق در میان آنان

و إذا قيل لهم تعالوا .. قالوا حسبنا ما وجدنا عليه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۵، ۷

۵ قوم هود پذیرای معبودان نیاکان و نسل های گذشته خویش

و نذر ما كان يعبد ءاباؤنا

۷ تقلید از نیاکان و حفظ سنت های پیشینیان ، از انگیزه های قوم عاد برای پرستش معبودان دروغین و رویارویی با دعوت هود

قالوا .. و نذر ما كان يعبد ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۲

۲ در صورت نبود نشئه شهود و اقرار برای فرزندان ، آنان در انتخاب عقیده ، جز تبعیت و تقلید از پدران ، راهی نداشتند .

و أشهدهم على أنفسهم .. أو تقولوا إنما أشرك ءاباؤنا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۱۳

۱۳ - تعصب و تقلید کورکورانه از نیاکان و فرهنگ ملی ، مانع از شناخت درست حقایق و ره یابی به آن

ما سمعنا بهذا في ءابائنا الأولين

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۱۹

۱۹ - تقلید از نیاکان ، شعاری جاهلی و غیر منطقی است .

قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه ءاباءنا أو لو كان ءاباؤهم لا يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۱،۳،۷

۱ زشتکاران بی ایمان، پیروی از شیوه پدرانشان را توجیه کننده کردار خویش می شمردند.

للذين لا يؤمنون. و إذا فعلوا فحشه قالوا وجدنا عليها ءاباءنا

۳ جوامعی که به پندار اجرای فرمان خدا به رسوم ناروای نیاکان خویش پایبندند، جوامعی تحت نفوذ شیاطین می باشند.

إنا جعلنا الشيطان أولياء للذين لا يؤمنون .. الله أمرنا بها

جمله <إذا فعلوا .. > عطف بر <لا- يؤمنون> است و در حقیقت صله برای <الذين> می باشد. یعنی: إنا جعلنا الشيطان أولياء للذين إذا فعلوا فاحشه ...

۷ در بینش کافران زشتکردار عصر جاهلی، روش پدرانشان مهمتر از امر خداوند بود.

قالوا وجدنا عليها ءاباءنا و الله أمرنا بها

از اینکه زشتکاران در توجیه کردار خویش قبل از استناد به امر خدا به روش پدرانشان تمسک جستند، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ استناد به سنن پیشینیان در تعیین ارزشها، مخالف اخلاص در عبودیت خداوند است.

قالوا وجدنا عليها ءاباءنا. .. و ادعوه مخلصين له الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ پایبندی به آداب و رسوم پدران و نیاکان ، از انگیزه های مخالفت قوم ثمود با صالح (ع

(و تعالیم او

أتنهنا أن نعبد ما يعبد ءاباؤنا

مراد از <ما> بتها و معبودهای پنداری مشرکان است. توصیف آنها با جمله <يعبد ءاباؤنا> اشاره به علت حکم قبل (نعبد) دارد؛ یعنی، ما بتها را می پرستیم، چون پدرانمان آنها را می پرستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۶۸

۶ پایبندی به آداب و رسوم پدران و نیاکان، دلیل و انگیزه قوم شعیب در پرستش معبود های دروغین

أن نترك ما يعبد ءاباؤنا

مراد از <ما> در <ما يعبد ..> بتها و معبودهاست. توصیف آنها با جمله <يعبد ءاباؤنا> بیانگر علت اصرار آنان بر تمسک به بتهاست. بنابراین مفاد عبارت <أن نترك ...> چنین است: ما بتها را ترک نمی کنیم؛ زیرا پدرانمان آنها را می پرستیدند و همچنان به پرستش آنها ادامه می دهند.

۸ پایبندی جوامع به آرا و آداب باطل پیشینیان، مانع بروز اندیشه های نو و برحق در میان آنان است .

أن نترك ما يعبد ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۹ - ۷

۷ تقلید از گذشتگان و پیروی از سنت پیشینیان، وادار کننده مشرکان عصر بعثت به پرستش معبود های دروغین

ما يعبدون إلا كما يعبد ءاباؤهم من قبل

در برداشت فوق <كما> برای تعلیل گرفته شده است. بنابراین مفاد <ما يعبدون ...> چنین می شود: تنها دلیل گرایش مشرکان به بت پرستی، این است که پدرانشان بت پرست بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۱، ۲۳، ۲۵

عاد و ثمود و اقوام پس از آنان ، خدایان نیاکان خود را می پرستیدند .

تریدون أن تصدّونا عمّا كان يعبد ءاباؤنا

۲۳- اقوام کافر پیشین دارای تعصب بودند و از آیین نیاکان خویش کورکورانه تقلید می کردند .

تریدون أن تصدّونا عمّا كان يعبد ءاباؤنا

۲۵- تقلید از نیاکان در عبادت غیر خدا ، عمل باطلی است که انبیا به مبارزه با آن برخاستند .

تریدون أن تصدّونا عمّا كان يعبد ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۴ - ۱،۶

۱ - تقلید از نیاکان ، تنها پاسخ قوم ابراهیم در توجیه بت پرستی خود

قالوا بل وجدنا ءاباءنا كذلك يفعلون

۶ - شرک ، فاقد مبانی علمی و برهان و متکی به تقلید از نیاکان و پیروی از سنت های گذشتگان

قالوا بل وجدنا ءاباءنا كذلك يفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۷ - ۴

۴ - عادیان شیوه زندگی خویش (برج سازی ، کاخ نشینی و ...) را ، سنتی برجای مانده از پیشینیان خود اعلام کردند .

إن هذا إلا خلق الأولین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه <هذا> اشاره به رفتار عادیان داشته باشد. بر این اساس مراد از <خلق الأولین> ، شیوه نیاکان خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۸

۸- آیین مشرکان ، آیینی موروثی بود .

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قالوا .. يريد أن يصدكم عما كان يعبد آباؤكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات

۱ - تقلید از پدران و اجداد در عقاید دینی باطل و مبانی فکری غلط ، از ویژگی های دوزخیان ستمگر

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آباءَهُمْ ضَالِّينَ

مفسران برآنند که در این جا ظاهر آیه شریفه (کافران پدران شان را گمراه یافتند) مراد نیست بلکه این خداوند است که آنان را گمراه خوانده است و کافران تنها پدران خود را بر آیینی یافتند و بی تأمل و اندیشه از آنان تقلید کردند. مفاد این آیه، مانند مفاد آیه ۲۳ سوره زخرف است که می فرماید: <إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ آثَرِهِمْ وَأَنَّا عَلَيْنَا أَلْفَاؤُهُمْ قَالُوا إِنَّا تِلْكَ الْأَفْئِدَةُ الْعَقَبَاءُ لَا يَأْتِيهِمْ لِقَاءُ رَبِّهِمْ أَصْحَابُ الْعُقُبِ الْأُولَىٰ وَمَنْ يَلْمِهُمْ لِي يَلْمِ يَلْمَهُمْ أَصْحَابُ الْأُخْرَىٰ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْوَعْدِ>.

۲ - تقلید دوزخیان ستمگر از پدران خود در عقاید دینی و مبانی فکری ، تقلیدی کورکورانه بود .

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آباءَهُمْ ضَالِّينَ

۳ - تقلید کورکورانه دوزخیان ستمگر در عقاید دینی و مبانی فکری از پدران خود ، موجب دوزخی شدن آنان گردید .

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ . إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آباءَهُمْ ضَالِّينَ

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إِنَّهُمْ أَلْفَوْا..> تعلیل برای جملات پیشین (عذاب شدن و دوزخی گشتن کافران) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۰ - ۱،۴

۱ - دوزخیان ستمگر ، بدون تعقل و بی اختیار از رفتار و کردار پدران خود ، تقلید کرده و پیروی می کردند .

فهم علی ءاثرهم یهرعون

مقصود از <آثار> رفتار و کردار و <اهراع> (ماده <یهرعون>) به معنای با سرعت دویدن است. این کنایه از بی تأمل اقدام کردن و بی اختیار عمل کردن است.

۴ - دنباله روی کورکورانه دوزخیان در رفتار و کردار و مواضع فردی و اجتماعی خود

از پدران خویش ، موجب دوزخی شدن آنان گردید .

ثم إن مرجعهم لآلی الجحیم . إنهم ألقوا ... فهم علی ءاثرهم یهرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۱ - ۲

۲ - گمراهی و تقلید کورکورانه از پدران پیشین ، دارای پیشینه ای طولانی در تاریخ امت ها

و لقد ضلّ قبلهم أكثر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۲ - ۱

۱ - پیروی از سنت نیاکان ، تنها دلیل مشرکان بر پرستش فرشتگان

و جعلوا من عباده جزءاً .. بل قالوا إنا وجدنا ءاباءنا علی أمّه و إنا علی ءاث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۳ - ۳

۳ - اقتدا به آیین نیاکان ، تکیه گاه افراد مرفه و خوش گذران ، در مخالفت با پیامبران الهی

ما أرسلنا من قبلك .. مترفوها إنا وجدنا ءاباءنا علی أمّه

رفاه نیاکان مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۶

۶ معبود های مشرکان در پاسخ به سؤال خداوند در قیامت ، عامل انحراف و گمراهی مشرکان را ، برخوردار از آنان و پدرانشان از رفاه بسیار و از یاد بردن خدا خواهند دانست .

و لكن متّعتهم و ءاباءهم حتّی نسوا الذکر

<لکن> که در استدراک به کار می رود در آیه شریفه برای رد این اتهام است که معبودها در گمراهی مشرکان مؤثر بودند و نیز برای بیان علت های واقعی این انحراف است که در این آیه، به دو

عامل اشاره شده است: ۱ رفاه (که موجب فراموشی خدا است) (مَتَّعْتَهُمْ.. الذِّكْر). ۲- رفتار هلاکت بار آنان (و كانوا قوماً بوراً).

سرزنش تفاخر به قبر نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۸

۸ - > قال علی (ع) بعد تلاوه > أَلْهَيْكُمْ التَّكَاثُرَ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ < یا له مرأماً ما أبعدَه و زوراً ما أغفلَه و خطراً ما افظعَه . . .
. أفبمصارع أباءهم يفخرون أم بعدید الهلکی يتکاثرون . . . و لآن یكونوا عبراً أحق من أن یكونوا مفتخراً ;

علی(ع) بعد از تلاوت آیه > أَلْهَيْكُمْ التَّكَاثُرَ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ <، فرمود: شگفتا چه هدف بسیار دوری! و چه زیارت کنندگان غافل و چه خرامیدن بسیار زشتی! آیا به محل زمین خوردن پدران خویش می نازند و یا به تعداد هلاک شدگان [اقوام خود] مباحثات می کنند؟ . . . به راستی اینها مایه عبرت قرار گیرند، سزاوارتر است تا مایه مباحثات و افتخار باشند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۲ - ۶

شخصیت نیاکان مریم(س) در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۹

۹- مریم (س) و خاندان او ، افرادی سرشناس در بین مردم عصر خویش

يَأْخُذُ هَرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوْءًا وَ مَا كَانَتْ أُمَّكَ بَعِيًّا

شرک نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۵

۵ گرایش به شرک به خاطر شرک‌ورزی پدران ، عذر واهی و

ناپذیرفتنی در پیشگاه خداوند

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ

شرك نیاکان اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۴

۴ قوم شعیب و پدرانشان، مردمی مشرک و پرستشگر معبودی غیر از خدای یکتا

أَنْ تَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

شرك نیاکان قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۴

۴ دودمان و پیشینیان قوم هود، مردمی مشرک و پرستش کننده معبودانی دروغین

و نَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

شکل نیاکان انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۳

۱۳ اسلاف انسان، دارای شکل و صورتی غیر از انسان کنونی *

فردّها علی ادبارها

کلمه <ادبار>، جمع <دبر>، به معنای پشت و عقب است. و احتمال دارد مراد از آن، اسلاف انسانها باشد و تهدید الهی به بازگرداندن انسان به آن اسلاف، نشانه همانند نبودن صورت انسانهای فعلی با گذشتگان است.

عبرت از قبر نیاکان

- ۸ - > قال علی (ع) بعد تلاوه < ألهیکم التکاثر حتی زرتم المقابر > یا له مراماً ما أبعدہ و زوراً ما أغفلہ و خطراً ما افطعہ . .
. أفبمصارع أباءهم یفخرون أم بعدید الهلکی یتکاثرون . . . و لأن یتکاثرون عیباً أحق من أن یتکاثروا مفتخراً ;
- علی (ع) بعد از تلاوت آیه < ألهیکم التکاثر حتی زرتم المقابر >، فرمود: شکفتا چه هدف بسیار دوری! و چه

زیارت کنندگان غافل و چه خرامیدن بسیار زشتی! آیا به محل زمین خوردن پدران خویش می نازند و یا به تعداد هلاک شدگان [اقوام خود] مباحثات می کنند؟ .. به راستی اینها مایه عبرت قرار گیرند، سزاوارتر است تا مایه مباحثات و افتخار باشند.

عبرت از نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۲ - ۶

عقیده نیاکان اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۴

۴ قوم شعیب و پدرانشان ، مردمی مشرک و پرستشگر معبودی غیر از خدای یکتا

أَنْ تَرْكُ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

عقیده نیاکان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - اتکای قوم نوح ، تنها به آرا و اندیشه های پدران و نیاکان خویش

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِیْ آبَائِنَا الْأَوَّلِیْنَ

عقیده نیاکان مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۹ - ۶

۶ پدران و پیشینیان مشرکان عصر بعثت نیز مشرک و پرستشگر معبود های دروغین بودند .

مَا یَعْبُدُونَ إِلَّا کَمَا یَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۵ - ۲

۲- مشرکان عصر بعثت و نیاکان شان ، به فرزند داشتن خداوند معتقد بودند .

قالوا اتخذ الله ولداً . ما لهم به من علم و لا لأبائهم

عمل نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۸

۸ - انسان ها مسؤول اعمال

گذشتگان خویش نبوده و به سبب آنها مؤاخذه نخواهند شد .

و لاتستلون عما كانوا يعملون

عمل نیاکان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۹

۹ - مؤاخذه یهود به خاطر رفتار ناصواب نیاکانی از آنان ، از پندار های باطل ایشان *

و لاتستلون عما كانوا يعملون

مخاطب قرار دادن یهودیان و یادآور شدن این حقیقت که شما مسؤول اعمال گذشتگان نیستید، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

فرجام تقلید از نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۸ - ۲

۲ - به دور بودن راه پیشینیان از هر گونه پیامد شوم (عذاب و کیفر الهی) ، در دیدگاه قوم عاد

إن هذا إلا خلق الأولین . و ما نحن بمعذبین

با توجه به این که <هذا> در آیه پیش، اشاره به روش و رفتار قوم عاد داشته باشد، استدلال آنها به صورت زیر خواهد بود: این شیوه ای که ما در پیش گرفته ایم، سلوک پیشینیان ما است. این رفتار برای پیشینیان، پیامد ناگواری نداشته است پس برای ما نیز نتیجه بدی نخواهد داشت.

فرعون و رسوم نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۸

۸ فرعون و اطرافیانش ، قدرت و مکت خود را ، در دفاع از آیین نیاکانشان می دانستند .

قالوا أجبنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء في الأرض

فضايل نياكان بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - اسراء - ١٧ - ٣ - ٢

٢- خداوند

، ایمان و شرافت نیاکان بنی اسرائیل را به آنان یادآور شد .

هدی لبنی إسرئیل .. ذریه من حملنا مع نوح

نصب <ذریه> یا به تقدیر حرف ندا و یا به تقدیر فعل <اخص> است. در هر صورت یادآوری عنوان <ذریه همراهان نوح> بیانگر حقیقت فوق است.

فلسفه تقلید از نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۲ - ۲

۲ - پیروی از نیاکان ، امری موجه و دلیلی قانع کننده در فرهنگ عرب جاهلی

بل قالوا إنا وجدنا .. ءاثرهم مهتدون

کیفر نیاکان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۳

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر (ص) در گناه پدران خویش (کشتار انبیا)

و قتلهم الانبیاء بغير حقّ .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

بنابر اینکه خطاب در <ایدیکم> به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله <ذلک بما قدّمت ..> می رساند که آنان در گناه کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

گمراهی نیاکان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۹

۱۹ پیشینیان اهل کتاب بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله .. أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

گمراهی نیاکان کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷

۱ - بیشتر پدران و اجداد کافران و مشرکانِ صدر اسلام ، همچون خودشان در گمراهی به سر می بردند .

و لقد ضلّ قبلهم أكثر الأولین

گمراهی نیاکان مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷۱ - ۱

۱ - بیشتر پدران و اجداد کافران و مشرکانِ صدر اسلام ، همچون خودشان در گمراهی به سر می بردند .

و لقد ضلّ قبلهم أكثر الأولین

مصریان باستان و نیاکان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۴

۱۴ ناشناخته بودن حسب و نسب یوسف (ع) نزد عموم مصریان

فعر فهم و هم له منکرون

اگر عموم مردم مصر می دانستند که یوسف(ع) از کدام قبیله، جامعه و دودمان است طبعاً به گوش برادران وی نیز می رسید و یوسف(ع) برای آنان ناشناخته نمی ماند.

مقامات اخروی نیاکان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۹

۹ - پیوستن مؤمنان ، به درجه عالی پدران بهشتی خود ، تفضل الهی و نه مایه کم شدن از مقام پدر آنان و کاسته شدن از عمل آنان

ألحقنا بهم ذرّيتهم و ما ألتنهم من عملهم من شیء

جمله <ما ألتناهم..> معادل <ما نقصناهم> است و ضمیرهای <هم> به <الذین آمنوا> بازمی گردد. مقصود این است که خداوند، در ملحق کردن ذریه بهشتیان به آنان، از منزلت و درجه پدران چیزی نمی کاهد؛ بلکه بر درجه ذریه می افزاید.

نقش رسوم نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- آداب و رسوم اقوام ، در هدایت و یا گمراهی نسل ها آنان ، تأثیری قابل توجه دارد .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

نقش عقیده نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۶

۶- رفتار و عقاید پیشینیان و نیاکان ، در محرومیت و یا برخورداری از امکانات معنوی و مادی آیندگان و اسلاف ، نقش اساسی دارد .

و ما منعنا أن نرسل بالآيت إلا أن كذب بها الأولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۹ - ۶

۶- تأثیر عقاید و افکار پدران و مادران ، بر فرزندان و نسل های آینده

إنهم ألفوا ءاباءهم ضالین

نقش عمل نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۶

۶- رفتار و عقاید پیشینیان و نیاکان ، در محرومیت و یا برخورداری از امکانات معنوی و مادی آیندگان و اسلاف ، نقش اساسی دارد .

و ما منعنا أن نرسل بالآيت إلا أن كذب بها الأولون

نقش نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ نیاکان در شایستگی نسلشان برای بهره مند شدن از نعمت های الهی ، نقشی بسزا دارند .

یتیم نعمته علیک .. کما أتمها علی أبویک من قبل

کلمه <کما> گاهی برای تشبیه به کار می رود و گاهی برای تعلیل برداشت فوق براساس دومین معنای یاد شده است. قابل ذکر است

که در این گونه موارد مراد از علت ، علت تامه نیست بلکه مقصود اقتضا و زمینه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵ - ۴

۴- پدران و نیاکان و محیط خانوادگی و اجتماعی ، دارای نقشی مؤثر در باور های هر نسل

قالوا اتخذ الله ولداً . ما لهم به من علم و لا لأبائهم

ذکر <لأبائهم> اشاره به یکی از زمینه های اصلی گرایش ها و عقاید مردم عصر بعثت که همان روحیه تقلید و دنباله روی از نیاکان است دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - تأثیر عملکرد پدران ، در سرنوشت نسل های آینده آنان

و إذ قال إبراهيم .. و جعلها كلمه باقيه في عقبه

ذکر باقی ماندن توحید در نسل ابراهیم(ع) پس از بیان اعلام شجاعانه براءت از شرک و روی آوردن آن حضرت به توحید می تواند اشاره به نقش پدران در سرنوشت نسل های بعد داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱۶

۱۶ - از تبار نیکان و خداپرستان بودن ، از فضایل و کمالات آدمی

و كانت من القتين

نقش نیاکان موحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۳

۳- داشتن نیاکان مؤمن و موحد ، ارزشی مسؤولیت آور

ذَرِيهٔ مِنْ حَمَلِنَا مَعَ نُوحٍ

یادآوری نیاکان مؤمن و صالح بنی اسرائیل به آنان، برای واقف ساختنشان به مسؤولیت خویش است.

نقش نیاکان مؤمن

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۳

۳- داشتن نیاکان مؤمن و مؤحد، ارزشی مسؤولیت آور

ذریه من حملنا مع نوح

یادآوری نیاکان مؤمن و صالح بنی اسرائیل به آنان، برای واقف ساختنشان به مسؤولیت خویش است.

نیاکان اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۱

۱ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط، از ذریه نوح (ع) بودند.

و نوحا هدینا من قبل و من ذریته . . . و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

نیاکان الیاس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۱، ۲

۱ زکریا، یحیی و الیاس، نوادگانی از ذریه ابراهیم (ع) بودند.

و من ذریته . . . و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس

۲ زکریا، یحیی و الیاس از نوادگان نوح (ع) بودند.

و من ذریته . . . و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس

نیاکان الیسع (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۱

۱ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط، از ذریه نوح(ع) بودند.

و نوحا هدینا من قبل و من ذریته .. و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

نیاکان انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۸ - ۲

۲ خداوند تمامی آدمیان و نژادها و تیره های مختلف آن را از یک شخص (آدم) آفریده است.

و هو الذی أنشأکم من نفس وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ -

۱۲ تمام انسان ها فرزندان آدم (ع) هستند .

أخذت ربك من بنى آدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۱۱

۱۱- > عن أبي جعفر (ع) : . . . و ليس كل من فى الأرض من بنى آدم من ولد نوح قال الله فى كتابه : > . . . ذرية من حملنا مع نوح < ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . چنان نیست که تمام آدمیان روی زمین از فرزندان نوح باشند. خداوند در کتابش فرمود: . . . ذریه من حملنا مع نوح.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۴

۴- همه انسان ها ، از نسلی واحد و از فرزندان آدمند .

و لقد كرمنا بنى آدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۷ - ۲،۴

۲ - نسل نوح (ع) ، تنها نسل باقی مانده از میان نجات یافتگان از عذاب طوفان برای همیشه تاریخ

و جعلنا ذریته هم الباقین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که حصر استفاد از ضمیر فصل <هم>، حصر اضافی باشد و در مقایسه با افراد موجود در کشتی سنجیده شود که برخی از خاندان نوح(ع) و برخی از دیگر مردمان بودند که به آن حضرت ایمان آورده بودند؛ یعنی، نسل مردم کافر طوفان زده و نیز نسل مردم مؤمن نجات یافته بر عرشه کشتی، همگی قطع شده و تنها نسل نوح(ع) باقی ماند.

۴ - > عن أبي جعفر (ع) فى قوله

> و جعلنا ذرّيته هم الباقين < يقول: بالحقّ و النّبوه و الكتاب و الإيمان في عقبه ، و ليس كلّ من في الأرض من بنى آدم من ولد نوح (ع) ... >

از امام باقر(ع) [در باره سخن خداوند که می فرماید:] <و جعلنا ذرّيته هم الباقين > روایت شده است: خدا می فرماید: ذریه او را با حق و نبوت و کتاب و ایمان باقی قرار دادیم و آن طور نیست که تمام فرزندان آدم که در روی زمین زندگی می کنند از فرزندان نوح(ع) باشند. <..>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۳ - ۱

۱ - همه انسان ها و تمامی نژاد های بشر ، پدید آمده از یک زن و مرد (آدم و حوا)

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى

نیاکان اهل بیت(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۱۳

۱۳ خاندان محمّد (ص) ، از تبار ابراهیم

وَاتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا

حضرت علی (ع) در مورد آیه فوق فرمود: ... و نحن آل ابراهیم.

کتاب سلیم بن قیس، ص ۸۷؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۷۵، ح ۴۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - > سلیم بن قیس قال : خرج علينا عليّ بن أبي طالب (ع) ... فقال ... و العلم في عقبنا إلى أن تقوم الساعة ثم قرأ

> و جعلها كلمه باقيه في عقبه < ثم قال : كان رسول الله (ص) عقب إبراهيم و نحن أهل البيت عقب إبراهيم (ع) و محمد (ص) ;

سليم بن قيس می گوید: حضرت علی(ع) به سوی ما بیرون آمد و فرمود: علم در نسل ما است تا برپایی قیامت. سپس آیه < جعلها كلمه باقيه في عقبه > را تلاوت نمود، و فرمود: رسول خدا(ص) از نسل ابراهیم(ع) است و ما اهل بیت از نسل ابراهیم(ع) و محمد(ص) هستیم.<

نیاکان ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۶،۷

۶ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندان از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می آورد که ضمیر در < ذریته > به < ابراهیم > برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

۷ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندان از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا . . . و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت < نوحا > مرجع ضمیر در < ذریته > است: < نوحا > نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از

ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

نیاکان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۱،۴

۱- بنی اسرائیل، از ذریه و نسل همراهان نوح (ع) در کشتی بودند.

هَدَى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ .. ذَرِيَةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ

۴- انتساب بنی اسرائیل به همراهان نوح (ع)، موجب شایستگی آنان به عنایت خدا برای هدایتشان گردید.

وَأَتَيْنَا مُوسَى .. ذَرِيَةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که نصب <ذریه> به تقدیر فعل <اخص> و مجموع جمله <ذریه من حملنا..> در مقام تعلیل برای آیه قبل (و آتینا موسی...) باشد؛ یعنی، ما با نزول تورات، خواستار هدایت بنی اسرائیل بودیم؛ چون آنان از فرزندان همراهان حضرت نوح(ع) بودند.

نیاکان داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۶،۷

۶ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندان از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می آورد که ضمیر در <ذریته> به <ابراهیم> برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

۷ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندان از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا .. و من ذریته داود و سلیمان و

ایوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت <نوحا> مرجع ضمیر در <ذریته> است: <نوحا> نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

نیاکان زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۱،۲

۱ زکریا، یحیی و الیاس، نوادگانی از ذریه ابراهیم(ع) بودند.

و من ذریته . . . و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس

۲ زکریا، یحیی و الیاس از نوادگان نوح(ع) بودند.

و من ذریته . . . و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس

نیاکان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۶،۷

۶ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندان از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می آورد که ضمیر در <ذریته> به <ابراهیم> برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

۷ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندان از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا . . . و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت

<نوحا> مرجع ضمیر در <ذریته> است: <نوحا> نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

نیاکان قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۵

۵ قوم صالح و پدرانشان ، مردمانی مشرک و پرستشگر غیر خدا بودند .

أتنهنأ أن نعبد ما یعبد ءاباؤنا

نیاکان قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۵

۵ قوم هود پذیرای معبودان نیاکان و نسل های گذشته خویش

و نذر ما کان یعبد ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۸

۸ قوم هود پرستشگر اسمهایی بی هویت و معبودانی ساخته و پرداخته اوهام خود و نیاکانشان

اتجدلوننی فی أسماء سمیتموها أنتم و ءاباؤکم

نیاکان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۱

۱ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط، از ذریه نوح(ع) بودند.

و نوحا هدينا من قبل و من ذريته .. و إسماعيل و اليسع و يونس و لوطا

نياكان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۳

۳ - محمد (ص) پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت آن حضرت از میان نسلشان بودند .

ربنا و ابعث فيهم رسولا منهم .. . يزكّهم

به گفته همه مفسران، مراد از <رسولا> پیامبر عظیم

الشأن اسلام، حضرت محمد(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۹ - ۶

۶ - > عن أبي الجارود قال : سألت أبا جعفر (ع) عن قول الله عزَّوجلَّ < و تَقَلَّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ > قَالَ : يَرَى تَقَلُّبَهُ فِي أَصْلَابِ النَّبِيِّينَ مِنْ نَبِيِّ إِلَى نَبِيِّ ... ;

ابوالجارود گوید: از امام باقر(ع) در باره قول خدای عزوجل <و تَقَلَّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ> پرسیدم، فرمود: خدا می بیند جابه جا شدن پیغمبر را در صلب های پیامبران از پیغمبری به پیغمبر دیگر.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - > سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ : خَرَجَ عَلَيْنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) . . . فَقَالَ . . . وَ الْعِلْمُ فِي عَقْبِنَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ ثُمَّ قَرَأَ > وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ < ثُمَّ قَالَ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَقِبَ إِبْرَاهِيمَ وَ نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ عَقِبَ إِبْرَاهِيمَ (ع) وَ مُحَمَّدٌ (ص) ;

سليم بن قيس می گوید: حضرت علی(ع) به سوی ما بیرون آمد و فرمود: علم در نسل ما است تا برپایی قیامت. سپس آیه > جعلها کلمه باقیه فی عقبه < را تلاوت نمود، و فرمود: رسول خدا(ص) از نسل ابراهیم(ع) است و ما اهل بیت از نسل ابراهیم(ع) و محمد(ص) هستیم.<

نیاکان مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۱ - ۴

۴ - مردم جزیره العرب ، از نسل مؤمنان عصر

نوح بودند .

حملنکم فی الجاریه

در این آیه، <حمل شدن> به مخاطبان عصر نزول قرآن نسبت داده شده است و مقصود حمل اجداد آنان است و چون نجات آنان به سبب مؤمن بودن ایشان بوده است؛ می توان نتیجه گرفت مردم جزیره العرب (مخاطبان این آیه)، از نسل همین مؤمنان نجات یافته بودند.

نیاکان مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۲ - ۱۷

۱۷ پاکدامنی پدران و مادران حضرت مریم (ع) از زنا

طهرك و اصطفيك على نساء العالمين

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: ... و طهرها من ان يكون في ولادتها من آبائها و امهاتها سفاح ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۴۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۱۲۷؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۹۲، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۳

۳- هارون ، شخصیتی صالح در میان قوم مریم ، که افراد پاک را به او منتسب می کردند . *

یأخت هرون

برخی از مفسران وجه انتساب مریم(س) به هارون را نسبی ندانسته اند، بلکه او را شخصی برجسته در بین قوم حضرت مریم دانسته اند که مردم، زاهدان و تقوا پیشگان را، به او منتسب می کردند. این مفسران، انتساب مریم را به او از این باب می دانند.

نیاکان مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ رضایت یهودیان و مسیحیان عصر بعثت از رفتار های ناپسند نیاکان خویش

هل انبئکم بشرّ

من ذلک مثوبه عند اللّٰه من لعنه اللّٰه . . . و عبد الطغوت

سرزنش یهودیان و مسیحیان عصر بعثت به خاطر رفتار ناپسند پیشینیان آنان، می تواند حاکی از رضایشتان به آن رفتار باشد.

نیاکان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۶،۷

۶ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندان از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمن و ایوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می آورد که ضمیر در <ذریته> به <ابراهیم> برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

۷ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندان از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا . . . و من ذریته داود و سلیمن و ایوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت <نوحا> مرجع ضمیر در <ذریته> است: <نوحا> نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

نیاکان هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۶،۷

۶ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندان از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمن

و ایوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می آورد که ضمیر در <ذریته> به <ابراهیم> برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

۷ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندان از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا . . . و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت <نوحا> مرجع ضمیر در <ذریته> است: <نوحا> نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

نیاکان یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۲، ۱

۱ زکریا، یحیی و الیاس، نوادگانی از ذریه ابراهیم(ع) بودند.

و من ذریته . . . و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس

۲ زکریا، یحیی و الیاس از نوادگان نوح(ع) بودند.

و من ذریته . . . و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس

نیاکان یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۷

۱۷ ابراهیم و اسحاق (ع)، پدران یعقوب و یوسف (ع) بودند.

علی أبویک من قبل إبرهیم و إسحق

نیاکان یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۶ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندان از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می آورد که ضمیر در <ذریته> به <ابراهیم> برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

۷ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندان از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا . . . و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت <نوحا> مرجع ضمیر در <ذریته> است: <نوحا> نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۷

۱۷ ابراهیم و اسحاق (ع)، پدران یعقوب و یوسف (ع) بودند.

علی أبویک من قبل إبرهیم و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱

۱ ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع)، پدران و اجداد یوسف (ع) بودند.

واتبع مله ءاباءِ إبرهیم و إسحق و یعقوب

نیاکان یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط، از ذریه نوح(ع) بودند.

و نوحا هدینا من قبل و من ذریته .. و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

نیاکان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۷

۲۷ - ابو عمرو زبیری از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید > .. فلم تقتلون انبیاء الله من قبل ان کتتم مؤمنین < روایت کرده که : > انما نزل هذا فی قوم الیهود و کانوا علی عهد محمد (ص) لم یقتلوا الأنبیاء بأیدیهم و لا کانوا فی زمانهم و انما قتل أوایلهم .. فجعلهم الله منهم و أضاف إلیهم فعل أوایلهم بما تبعوه و تولّوهم ;

این آیه درباره یهود نازل گشته است در حالی که یهودیان زمان پیامبر(ص) پیامبرانی را نکشته بودند و در زمان آنان نیز زندگی نمی کردند و همانا گذشتگان آنان پیامبران را کشتند .. پس خداوند این یهودیان (یهودیان زمان حضرت محمد(ص)) را جزء آنان دانسته و قتل انبیا را به خاطر پیروی آنان و محبتشان به پیشینیان به آنان نسبت داده است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۹

۹ - مؤاخذه یهود به خاطر رفتار نادرست نیاکانی از آنان ، از پندار های باطل ایشان *

و لاتستلون عما کانوا یعملون

مخاطب قرار دادن یهودیان و یادآور شدن این حقیقت که شما مسؤول اعمال گذشتگان نیستید، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۴

۴ رضایت یهود زمان پیامبر (ص) از کشتار انبیای گذشته به دست نیاکان و همکیشان خویش

و قتلهم الانبیاء .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

به نظر می رسد نسبت قتل پیامبران به یهود عصر پیامبر (ص) که از خطاب در <ایدیکم> به دست می آید، به جهت رضایت آنان به عملکرد گذشتگان خویش باشد، چون آنان مرتکب قتل انبیا نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۹، ۲۷

۱۹ یهود عصر پیامبر (ص) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

۲۷ رضایت یهود معاصر پیامبر (ص) از قتل انبیا به دست نیاکانشان در پانصد سال قبل از بعثت، موجب نسبت دادن قتل انبیا به آنان از سوی خداوند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات و بالذی قتلتم فلم قتلتموهم

امام صادق (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: کان بین القاتلین و القاتلین خمس ماه عام، فالزمهم الله القتل برضاهم ما فعلوا.

کافی، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، ۴، ۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ رضایت یهودیان و مسیحیان عصر بعثت از رفتارهای ناپسند نیاکان خویش

هل انبئکم بشر من ذلک مثوبه عند الله من لعنه الله .. و عبد الطغوت

سرزنش یهودیان و مسیحیان عصر بعثت به خاطر رفتار ناپسند پیشینیان آنان،

می تواند حاکی از رضایشتان به آن رفتار باشد.

نیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نیت

آثار حسن نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۴، ۱۲

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

لیس علی الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله ما علی المحسنين من سبيل

۱۴ معاف شدگان از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، باید از هر گونه تعرض در جامعه مصون باشند .

لیس علی الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله ما علی المحسنين من سبيل

آثار نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۵

۵ - نیت نیک ، در نیکویی عمل کافی نیست .

لا تقولوا رعنا و قولوا انظرنا

بدیهی است که مسلمانان با گفتن کلمه <راعنا> نیت سوئی نداشتند ولی خداوند آنان را از به کارگیری آن کلمه - به خاطر جلوگیری از سوء استفاده دشمنان - باز می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۱ - ۴

۴ رُشد و شکل گیری شخصیت آدمی ، برخاسته از رفتار جهتدار وی *

مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل اللّٰه .. مائه حبه

از تشبیه شخص انفاق کننده به دانه ای که .. این معنا به دست می آید که رشد شخصیت آدمی، برخاسته از انفاق و رفتار او در راه خدا (جهت) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده

۱ سوگندهایی که بی هدف و لغو بر زبان جاری می شوند مؤاخذه ای را از سوی خداوند به همراه ندارند .

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ

<ایمان> جمع یمین (قسم) و <فی اَیْمَانِکُمْ> متعلق به <للغو> می باشد و سوگند لغو به سوگندهایی گفته می شود که از روی عادت و بدون توجه به محتوای قسم بر زبان جاری می شود.

۳ سوگندشکنان در صورتی که سوگندشان با توجه و از روی قصد باشد ، مورد مؤاخذه خداوند قرار خواهند گرفت

و لکن یؤاخذکم بما عقدتم الایمن

امت اسلام بر این اتفاق نظر دارند که مؤاخذه بر سوگند و لزوم کفاره تنها در صورتی است که یاد کننده سوگند به آن وفادار نماند (مجمع البیان).

۴ لزوم وفای به سوگند های برخاسته از قصد و نیت

و لکن یؤاخذکم بما عقدتم الایمن

۵ قصد و نیت ملاک و معیاری برای اعتبار گفته ها و کردارها

و لکن یؤاخذکم بما عقدتم الایمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۵

۱۵ نقش انگیزه و هدف انسان در حسن و قبح عملش و ارزش گذاری آن

إِذَا نَصَحُوا... مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۴

۴ تأثیر نیت و انگیزه انسان در ارزش اعمال و انفاقهایش نزد خداوند

ما ینفق مغرمًا... و یتخذ ما ینفق قربت عند الله و صلوات الرسول ألا إنها قربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ -

۱۰ ارزشمندی ساختن مسجد ، در گرو حسن نیت و انگیزه الهی داشتن آن است .

و الذين اتخذوا مسجداً .. و ليحلفن إن أردنا إلا الحسنى و الله يشهد إنهم لكذوبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۷

۷ منزلت معنوی مسجد ، منوط به نیت بنیانگذار آن است .

مسجداً ضراراً .. لا تقم فيه أبداً المسجد أسس على التقوى من أول يوم أحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ اعمال نیک ، اگر به قصد دستیابی به بهره های دنیوی انجام گیرد ، نتایج آن تنها در دنیا عاید انسان می شود .

من كان يريد الحيوة الدنيا و زينتها نوفّ إليهم أعمالهم فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۶ - ۴

۴ اعمال انسان ها در دنیا ، اگر جنبه الهی نداشته باشد ، در سرای آخرت فاقد ارزش بوده و ثمربخش نخواهد بود .

أولئك .. بطل ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۸

۸- در راه خدا بودن هجرت ، شرط ارزشمندی آن

هاجروا فی الله

<فی> احتمال دارد به همان معنای خودش باشد و بنابراین مراد از آن می تواند <فی سبیل الله> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۵

۵- نیت ، نقشی تعیین کننده ، در ارزیابی عمل آدمی دارد .

رَبِّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ

آنچه در درون و

قلب انسان می گذرد نیتها، افکار، تخیلات و ... اوست و خداوند قبل از نوید دادن به پذیرش توبه صالحان به اهمیت انگیزه های درونی انسان و نقش تعیین کننده آن در پذیرش توبه، اشاره کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۴ - ۱۳

۱۳- > عن أبي عبدالله (ع) في قول الله عزَّوجلَّ: ... < قل كلَّ يعمل على شاکلته > یعنی علی نیته ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزَّوجلَّ .. < قل كلَّ يعمل علی شاکلته > روایت شده است که فرمود: مقصود این است که هر کس بر نیت خویش عمل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۸

۸ - خوبی هر کار ، علاوه بر صدور آن به نیت خیر ، در گرو هماهنگی آن با سایر خواسته ها و دستورات خداوند است .

و ما أعجلک .. و عجلت إلیک ربّ لترضی

با وجود آن که موسی(ع) در تعجیل خود، نیت خیر داشته است؛ ولی بازخواست شدن او دال بر این مطلب است که صرف داشتن نیت خیر، برای برتری یافتن عمل کافی نیست؛ بلکه باید با ادله دیگر آن عمل را سنجید. اگر در تعارض نبود، آن گاه بدان اقدام کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۱،۲

۱ - نیت و انگیزه افراد ، معیار ارزش اعمال آنان در نزد خداوند

لن ینال الله لحومها .. و لکن یناله التقوی منکم

ضمیر <لحومها> و <دماؤها> به <بدن> بازمی

گردد. <بدن> نیز به معنای شتران درشت و فربه است. بنابراین معنای <لن ینال الله لحومها...التقوی منکم> چنین می شود: <هرگز گوشت ها و خون های شتران قربانی شده، به خدا نخواهد رسید؛ بلکه آن تقوا و خدا ترسی شما است که به خدا می رسد.> به نظر می رسد آیه یاد شده هشدار می دهد که باید توجه داشته باشند تنها چیزی که مایه قرب آنها به خدا می شود و سبب می گردد که خداوند از آنها بپذیرد و راضی شود، تقوا و خدا ترسی است؛ نه ظاهر اعمال، هر چند بزرگ و زیاد باشد؛ زیرا فرشتگان گزارشگر هیچ گاه ظواهر اعمال را به خدا گزارش نمی کنند؛ بلکه آنچه آنان گزارش می دهند مربوط به باطن عمل است.

۲ - پیکر ظاهری اعمال انسان هر چند بسیار خوب و شایسته هم باشد بدون در نظر گرفتن انگیزه و نیت صاحب آن، فاقد کمترین ارزش

لن ینال الله لحومها .. و لکن یناله التقوی منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۸

۸ - اعمال نیکی که جهت خدایی (حسن فاعلی) ندارد، بی ثمر و فاقد ارزش است.

و الذین کفروا أعمالهم کسراب بقیعه یحسبه الظمآن ماء حتی إذا جاءه لم یجدہ شیئاً

مقصود از اعمال کافران در آیه شریفه کردار خوب آنان است؛ چرا که اعمال بد نتیجه خوبی ندارد تا گفته شود که مثل سراب بی فایده است. اما جهت خدایی و حسن فاعلی اعمال، از وصف <الذین کفروا> استفاده شده است؛ یعنی، چون خدا را انکار می کنند

و برای او کار نمی کنند اعمالشان بی ثمر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۹ - ۴

۴ - تأثیر نیت ها و نوع جهت گیری ها ، در ارزش مندی رفتار ها و کردارها

و قال إني ذاهب إلی ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۸

۸ - نیت عمل خیر و فراهم ساختن زمینه های انجام آن ، برابر است با انجام کامل آن در بینش الهی

قد صدقت الرؤیا إنا كذلك نجزي المحسنین

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) به قصد قربانی کردن فرزندش اسماعیل، تمامی مقدمات آن را تا خواباندن وی بر زمین و به دست گرفتن کارد انجام داد و خداوند همین مقدار از تلاش آن حضرت را، انجام کامل ذبح تلقی فرمود و از ایشان قبول کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۲۰

۲۰ - تأثیر انگیزه ها و نیت های انسان ها در اعمالشان و نیز در چگونگی و میزان کیفر و پاداش آنان

فیتبئکم بما کنتم تعملون إنه علیم بذات الصدور

خداوند به جای آن که بفرماید: من به اعمال پنهانی آنان آگاهم، فرمود: به باطن و ضمیر آنان آگاه هستم. این تعبیر می تواند اشاره به حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۹

۹ - نقش اساسی نیت و انگیزه ، در ارزش اعمال آدمی و اثربخشی آنها

من كان يريد . . . و من كان يريد

تعبير

به <یرید> اشاره به تأثیر نیت های مردم در اعمال و ارزش آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۸ - ۷

۷- ارزش و ثمربخشی اعمال نیک ، در پرتو انگیزه صحیح و جلب رضای الهی

اتَّبِعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهُ وَ كَرِهُوا رِضْوَنَهُ فَأَحْبَطْ أَعْمَلَهُمْ

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اعمال نیک در صورتی حبط نخواهد شد که در جهت جلب رضایت خداوند باشد.

اخلاص در نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۴

۴ مرغوبیت کالای مورد انفاق و خلوص نیت انفاق کننده ، دو عنصر لازم در انفاق

من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً

نیکو بودن قرض <قرضاً حسناً>، عبارت است از حُسن فاعلی (خلوص در نیت و ..) و حُسن فعلی (پرداخت کالای مرغوب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۷،۸

۷ خلوص نیت همسر عمران ، در نذر فرزندش برای خدمت در راه خدا

رَبِّ اَنْتِ نَذَرْتِ لَكَ

<لَكَ>، بیانگر خلوص نیت است.

۸ نذر مخلصانه همسر عمران ، زمینه برگزیدن آل عمران برای نبوت از سوی خداوند

اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى .. ال عمران ... اذ قالت امرات عمران ربّ انتی نذرت لک

<اذ> متعلق به <اصطفی> است؛ یعنی آنگاه خداوند آل عمران را برگزید که همسر عمران، نذری مخلصانه کرد. و اخلاص، از <لك> استفاده شده است.

اهمیت نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۳

۲۳ - نقش هدف و نیت

در تعیین نیکویی و ناپسندی رفتارها

و لكن الشیطان کفروا یعلمون الناس السحر . . . و ما یعلمان من أحد حتی یقولاً إنما نح

شیاطین، بر خلاف دو فرشته (هاروت و ماروت) به خاطر آموزش سحر به مردم کافر شمرده شدند؛ زیرا غرض شیاطین از آموختن سحر ایجاد مفسده بود و انگیزه آن دو فرشته، دفع مفسده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۵ - ۳،۴،۶

۳ سوگندهایی که با قصد قلبی و اراده جدی باشد، موجب مؤاخذة الهی است .

و لكن یؤاخذکم بما کسبت قلوبکم

۴ ضرورت تعهد و وفاداری نسبت به سوگندهایی که برخاسته از اراده و قصد قلبی است .

و لكن یؤاخذکم بما کسبت قلوبکم

۶ نیت، ملاک ثواب و عقاب عمل

لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم و لكن یؤاخذکم بما کسبت قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۵ - ۳

۳ لزوم تداوم نیت خالص در انفاق

و تنبیئاً من انفسهم

بنابراینکه <تنبیئاً> به معنای تثبیت بر نیت خالص باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۵

۵ پاداش الهی به اعمال نیک در گرو انجام آن از سوی افراد صالح است .

و اولئك من الصّالحين. و ما يفعلوا من خير فلن يكفروه

فاعل در <ما يفعلوا>، ضمیری است که به <الصّالحین> برمی گردد؛ یعنی اگر صالحان عمل خیر انجام دهند پاداش می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۹

۹ قصه و

نیت عمل کننده کردار های نیک ، تعیین کننده برخورداری وی از نعمت های دنیا یا مواهب آخرت

و من یرد ثواب الدنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۴ - ۵

۵ - اهمیت نیت و انگیزه های درونی انسان ، در مقایسه با گفتار و کردار ظاهری وی

و إنّ ربّک لیعلم ما تکنّ صدورهم و ما یعلنون

تقدم عبارت <ما تکنّ صدورهم> بر <ما یعلنون> می تواند از آن جهت باشد که اسرار و انگیزه های درونی انسان ها، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۳

۳ - قصد قربت ، شرط مقبول افتادن انفاق است .

إلّا ابتغاء وجه ربّه

پاداش نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۴

۴ اعمال و نیت پنهان و آشکار آدمی مورد محاسبه و جزاء و پاداش الهی

و الله یعلم ما تبدون و ما تکتمون

بیان آگاهی خداوند بر آشکار و پنهان انسان هشدار می دهد که اعمال و رفتار و نیز نیت و حالات آنان محاسبه خواهد شد. و به مقتضای آن به پاداش و یا سزای لازم خواهند رسید.

حسن نیت معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

لیس علی

الضعفاء .. إذا نصحوها لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل

حسن نیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - مؤمن ، به دور از نیت و اندیشه سوء نسبت به دیگر مؤمنان

الذین جاءو من بعدهم يقولون .. و لا تجعل فی قلوبنا غلاً للذین ءامنوا

آیه شریفه، در حقیقت رهنمودی است به مؤمنان که خویش را از هرگونه بدخواهی و کینه نسبت به اهل ایمان، دور نگه دارند.

روش اثبات حُسن نیت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۵

۵ - منافقان ، همواره در صدد نشان دادن حسن نیت خود و جلب نظر و اطمینان مؤمنان به خویش اند .

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن أمرتهم ليخرجنَّ

روش اثبات حُسن نیت منافقان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۴

۴ - تلاش گسترده منافقان صدراسلام برای اثبات حسن نیت خود و جلب نظر و اطمینان پیامبر (ص) و مؤمنان به سوی خویش

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن أمرتهم ليخرجنَّ

سوگند مؤکد، دلیل بر وجود چنین تلاشی است.

سوء نیت قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۷

۷- حضرت لوط (ع) از نیت سوء و تجاوز کارانه قومش نسبت به مهمانان خویش باخبر و از آن به شدت نگران و بیمناک بود .

قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

درخواست لوط(ع) از قومش برای اجتناب از عملی شرم آور، به دنبال

روانه شدن آنان به در خانه آن حضرت بی آنکه توضیح دیگری داده شده باشد حکایت از این نکته می کند که لوط(ع) از قصد آنان باخبر بود.

سوء نیت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۱۶

۱۶ گواهی خداوند بر دروغ گویی منافقان در داشتن حسن نیت در ساختن مسجد (مسجد ضرار)

و الله يشهد انهم لکذبون

علم به نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۲۱

۲۱ علم و آگاهی خداوند به اسرار درونی انسانها

و ما تخفی صدورهم اکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۱۸،۲۱

۱۸ دانایی همه جانبه خداوند ، به آنچه آدمیان در دل خویش پنهان دارند .

انّ الله علیم بذات الصدور

۲۱ توجه به دانایی خدا به تمامی اسرار دل ها ، زمینه ساز پرهیز آدمی از انحرافات

یا ایها الذین امنوا .. ها انتم اولاء ... انّ الله علیم بذات الصدور

جمله < ان الله .. > علاوه بر بیان این حقیقت که خداوند به نمان دلها آگاه است، به این هدف ایراد شده که انسانها با توجه به این حقیقت از انحرافات پرهیزند؛ چرا که تمام افکار و اعمالشان در محضر و دید خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۶

۶ آگاهی خداوند ، از راز دل و اسرار افراد

و الله سمیع علیم. اذ همّت طائفتان

کلمه <همّت> از ماده

<هم> به معنای تصمیم و قصدی است که در دل، برای انجام کاری گرفته شود. و بنابر اینکه <اذ همّت> متعلق به <سمیع> و <علیم> باشد، بیانگر علم خداوند به قصد و نیت انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۱۸

۱۸ آگاهی کامل خداوند بر نیات و خواسته های درونی انسانها

ان یریدا اصلاحاً .. انّ الله کان علیماً خیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۲

۲ خداوند دانای به رفتار و کردار، نیات و حالات انسانها

و الله یعلم ما تبدون و ما تکتمون

در برداشت فوق <ماتبدون> به رفتار و کردار آدمی که جنبه بیرونی دارد و <ما تکتمون> به نیات و حالات انسان که همواره جنبه درونی دارد، تفسیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۸ - ۲

۲- نیت ها، انگیزه ها، افکار و رفتار آشکار و پنهانی انسان در قلمرو علم خداوند

ربّنا انک تعلم ما نخفی و ما نعلن

کیفر نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۴

۴ اعمال و نیات پنهان و آشکار آدمی مورد محاسبه و جزاء و پاداش الهی

و الله یعلم ما تبدون و ما تکتمون

بیان آگاهی خداوند بر آشکار و نهان انسان هشدار می‌دهد که اعمال و رفتار و نیز نیت و حالات آنان محاسبه خواهد شد. و به مقتضای آن به پاداش و یا سزای لازم خواهند رسید.

کیفر نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۵ - ۱۸

۱۸ نيات سوء انسان ، مقتضى بازخواست الهی است .

و اعلموا انّ الله يعلم ما فى انفسكم فاحذروه

نشانه های نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۹ - ۸

۸- عمل انسان ، نشانگر باور ها ، نیت ها و حالات درونی اوست .

ثم تابوا من بعد ذلك و اصلحوا

در آیه شریفه اقدام به اصلاح و صلاح عملی، به عنوان شرط توبه و نشانگر واقعی بودن آن ذکر شده است و این نشان می دهد که تحول درونی انسانها به سوی خدا، نمی تواند جدای از عمل صالح باشد.

نقش نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۵ - ۱۰

۱۰ نقش نیت (حُسن فاعلی) ، در ارزشمندی اعمال نیک (حُسن فعلی)

و مثل الذین ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۶

۶ وجود چیز های نامرغوب در بین اموال انفاق شده بدون تعمّد و قصد و نیت نسبت به آن ، مانعی ندارد .

انفقوا من طيبات ما كسبتم .. ولا تيمموا الخبيث

جمله < و لا تيمّموا .. > علاوه بر اینکه خود حکم مستقلى است و ضرورت پرهيز از انفاق كالای نامرغوب را بيان مى کند؛ به لحاظ اینکه متعلّق نهى، تمايل و قصد به نامرغوب است، مى تواند توضیحی باشد برای < من طيبات >. يعنى اگر در بين اموال انفاق شده

کالای نامرغوبی نیز یافت شود ولی شما قصد آنرا نداشتید، از مصداق <انفقوا من طیبات> خارج نشده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۱۴

۱۴ مقبولیت انفاق در پیشگاه خداوند و ثمردهی آن ، در گروه نیت و قصد قربت انفاق کننده

و ما تنفقوا من خیر فلانفسکم و ما تنفقون الا ابتغاء وجه الله

بنابراینکه جمله <و ما تنفقون> حال برای <و ما تنفقوا فلانفسکم> باشد؛ یعنی آنگاه انفاق به سود شماست که برای <ابتغاء وجه الله> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ نقش نیت خیر در جلب توفیق الهی

ان یریدا اصلاحاً یوفّق الله بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۲۰

۲۰ - نیت و انگیزه های پنهان اعمال ، مدرک و میزان داوری در روز قیامت است .

إلینا مرجعهم فنبتئهم بما عملوا إنّ الله علیم بذات الصدور

تعبیر <علیم بذات الصدور> در حقیقت، تأکیدی است بر این نکته که آنچه در اندرون سینه ها می گذرد، دارای نقشی اساسی در ارزش گذاری و بررسی اعمال آدمی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۲

۲ - تأثیر نیت ها و حالات درونی انسان ، بر سرنوشت او در قیامت

یوم تبلی السرائر

اختبار و آزمون سریره ها، دلالت بر تأثیر نیک و بد آنها در کیفر و پاداش اعمال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰

۵ - نقش نیت (حسن فاعلی) ، در ارزش مندی اعمال نیک (حسن فعلی)

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ

نقش نیت در ارزشگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۸

۸ نقش اساسی تقوا و نیت پاک در ارزش عمل

لمسجد أُنس على التقوى من أول يوم أحق

نیت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۴ - ۱۴، ۹، ۷، ۵، ۳

۳ خداوند ، حسابگر آنچه آدمی در دل دارد ؛ خواه آدمی آن را آشکار نماید و یا پنهان سازد .

و ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه يحاسبکم به الله

۵ منویات و ملکات نفسانیه انسان ، مورد محاسبه خداوند

و ان تبدوا ما فی انفسکم يحاسبکم به الله

<ما فی النفس> ، علاوه بر منویات، می تواند شامل ملکات نفسانیه (مانند شجاعت و بخل و ..) نیز بشود. بنابراین احتمال که

<فی انفسکم> ، متعلق به استقرار باشد؛ نه وجود تنها. و مستقر در نفس همان ملکات است.

۷ خداوند ، مالک انسان و اعمال و نیات وی

لله ما فی السموات و ما فی الارض و ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه يحاسبکم به ال

۸ مالکیت مطلق الهی ، علت و دلیل سلطه وی به اعمال و نیات انسان و محاسبه آنها

لَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تَخْفَوْهُ يَحْسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ

جمله <لَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ .. > به منزله تمهیدی است برای <ان تبدوا ... > یعنی خداوند مالک حقیقی همه چیز است

که از جمله آنها، اعمال و نیت انسان می باشد. و چون مالک حقیقی است، قادر به محاسبه نیت و اعمال آدمی است.

۹ خداوند پس از محاسبه اعمال و نیت انسان، وی را یا عفو خواهد کرد و یا عذاب.

و ان تبدوا .. فیغفر لمن یشاء و یعذب من یشاء

۱۴ خداوند، قادر بر محاسبه اعمال و نیت انسان و آمرزش و عذاب او

و ان تبدوا .. یحاسبکم به الله فیغفر ... و یعذب ... و الله علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷ - ۱۳

۱۳ آگاهی کامل خداوند از نیت قلبی و اسرار درونی انسان

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱۵

۱۵ خداوند آگاه به گفته ها و اندیشه های آدمیان و تمامی حالات و صفات نفسانی ایشان

ان كنت قلته فقد علمته تعلم ما فی نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۸

۱۸ - خداوند، بر اعمال و زوایای قلب و اندیشه آدمیان آگاهی دارد.

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

نیت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۵،۶

۵ - خداوند ، به نیت ها و راز های دل آدمیان آگاه است .

إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

۶ - آگاهی خداوند به نیت ها و راز دل ها ، دلیل آگاهی کامل او از حقایق پنهانی تمامی جهان

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ

غیب السموت و الأرض إنه علیم بذات الصدور

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <إنه علیم بذات الصدور> در مقام تعلیل برای <إنَّ الله عالم غیب..> می باشد؛ یعنی، چون خداوند به نیت ها و راز دل ها که پنهانی ترین امور جهان است آگاه می باشد، پس نسبت به امور غیبی جهان نیز آگاه خواهد بود.

نیت در بنای مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰ ارزشمندی ساختن مسجد، در گرو حسن نیت و انگیزه الهی داشتن آن است.

و الذین اتخذوا مسجداً .. و لیحلفن إن أردنا إلا الحسنى و الله یشهد إنهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۷

۷ منزلت معنوی مسجد، منوط به نیت بنیانگذار آن است.

مسجداً ضراراً .. لا تقم فیہ أبدأ المسجد أسس علی التقوی من أول یوم أحق

نیت در زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۴

۴ - پرداخت زکات، فقط باید برای جلب رضای خدا و دستیابی به سعادت اخروی باشد.

و الذین یؤتون .. و قلوبهم و جله أنهم إلی ربهم رجعون

نیت در طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۷ - ۲

۲ اعتبار قصد و لفظ در طلاق

و ان عزموا الطلاق فان الله سمیع علیم

به نظر می رسد آوردن دو صفت <سمیع> (شنوا) و <علیم> (دانا) اشاره به

اعتبار قصد و لفظ در طلاق دارد.

نیت در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۷

۷- انجام عبادت به قصد رسیدن به پاداش اخروی، با قصد قربت و الهی بودن آن، سازگار است.

يَسْتَبِيحُ لَهُ فِيهَا .. رجال لا تلهيهم تجره ولا يبيع عن ذكر الله و إقام الصلوه و إيتا

برداشت یاد شده، بر این اساس است که <لام> در <ليجزيههم> برای غایت باشد.

نیت در عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۵ - ۱۰

۱۰ نقش نیت (حُسن فاعلی)، در ارزشمندی اعمال نیک (حُسن فعلی)

و مثل الذين ينفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۱۲

۱۲- در روز قیامت، اعمال نیک، با انگیزه های غیر الهی، همانند اعمال ناشایست، فاقد وزن و ارزش است.

و هم يحسبون أنهم يحسنون .. فلانقيم لهم يوم القيمة وزناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۱،۲

۱ - نیت و انگیزه افراد، معیار ارزش اعمال آنان در نزد خداوند

لن ينال الله لحومها .. و لكن يناله التقوى منكم

ضمیر <لحومها> و <دماؤها> به <بُیدن> بازمی گردد. <بدن> نیز به معنای شتران درشت و فربه است. بنابراین معنای <لن ینال الله لحومها...التقوی منکم> چنین می شود: <هرگز گوشت ها و خون های شتران قربانی شده، به خدا نخواهد رسید؛ بلکه آن تقوا و

خدا ترسی شما است که به خدا می رسد. به نظر می رسد آیه یاد شده هشدار می دهد که همه مؤمنان که باید توجه داشته باشند تنها چیزی که مایه قرب آنها به خدا می شود و سبب می گردد که خداوند از آنها بپذیرد و راضی شود، تقوا و خداترسی است نه ظاهر اعمال، هر چند بزرگ و زیاد باشد زیرا فرشتگان گزارشگر هیچ گاه ظواهر اعمال را به خدا گزارش نمی کنند بلکه آنچه آنان گزارش می دهند مربوط به باطن عمل است.

۲- پیکر ظاهری اعمال انسان هر چند بسیار خوب و شایسته هم باشد بدون در نظر گرفتن انگیزه و نیت صاحب آن، فاقد کمترین ارزش

لن ینال الله لحومها .. و لكن یناله التقوی منکم

نیت در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۸

۸- خوبی هر کار، علاوه بر صدور آن به نیت خیر، در گرو هماهنگی آن با سایر خواسته ها و دستورات خداوند است.

و ما أعجلک .. و عجلت إلیک ربّ لترضی

با وجود آن که موسی(ع) در تعجیل خود، نیت خیر داشته است ولی بازخواست شدن او دال بر این مطلب است که صرف داشتن نیت خیر، برای برتری یافتن عمل کافی نیست بلکه باید با ادله دیگر آن عمل را سنجید. اگر در تعارض نبود، آن گاه بدان اقدام کرد.

نیت در نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۲۴

۲۴- در نذر، قصد قربت لازم است.

إِنّی نذرت للرحمن

نیت

در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۱۶

۱۶ - قصد قربت ، نشانه عبودیت و از اجزای نماز

ینهی . عبداً إذا صَلَّى ... لا تطعه ... و اقترب

نیت عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۸

۸ - نیت عمل خیر و فراهم ساختن زمینه های انجام آن ، برابر است با انجام کامل آن در بینش الهی

قد صدقت الرؤيا إنا كذلك نجزي المحسنين

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) به قصد قربانی کردن فرزندش اسماعیل، تمامی مقدمات آن را تا خواباندن وی بر زمین و به دست گرفتن کارد انجام داد و خداوند همین مقدار از تلاش آن حضرت را، انجام کامل ذبح تلقی فرمود و از ایشان قبول کرد.

نیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۱ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، به هر آنچه در قلب پیامبر (ص) و همسران اش هست ، آگاهی دارد .

و الله يعلم ما فی قلوبکم

خطاب <کم> به پیامبر(ص) و همسران آن حضرت است. آوردن ضمیر <کُم> به خاطر تغلیب است.

نیت منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - وحی ، نیت منافقان را در رخصت خواهی شان از پیامبر (ص) آشکار کرد .

و إذ قالت طائفة منهم يا أهل يثرب لامقام لكم . . . و يستثذن ... إن يريدون إلا فرار

نیت همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۱ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، به هر آنچه در قلب پیامبر (ص) و همسران اش هست ، آگاهی دارد .

و الله يعلم ما فی قلوبکم

خطاب <کم> به پیامبر(ص) و همسران آن حضرت است. آوردن ضمیر <کُم> به خاطر تغلیب است.

نیت سوء

{نیت سوء}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۵ - ۲۰

۲۰ توجه به دانایی خداوند به اسرار درون ، منشأ پرهیز از نیات ناشایسته درونی

و اعلموا ان الله يعلم ما فی انفسکم فاحذروه

کیفر نیت سوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۵ - ۱۸

۱۸ نیات سوء انسان ، مقتضی بازخواست الهی است .

و اعلموا ان الله يعلم ما فی انفسکم فاحذروه

نیکی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

نیکی

آثار ترک نیکی به مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ترک نیکی به مادر ، نشانه تیره بختی است . *

و بَرًّا بولدتی و لم یجعلنی جَبَّارًا شَقِيًّا

ممکن است عطف <لم یجعلنی> بر جمله سابق عطف سبب بر مسبب باشد؛ یعنی چون خداوند مرا جبار و شقی قرار نداده، من با مادرم نیک رفتارم، بنابراین کسی که نیکی به مادر را ترک می کند شقی و جبار است.

آثار ذکر نیکی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۸ - ۶

۶ - توجه انسان به نیکی و رحمت گسترده خداوند ، مایه گرایش به پرستش او و التجا به

ندعوه إنّه هو البرّ الرحيم

از ارتباط <ندعوه> با <إنّه هو البرّ الرحيم> و بیان تعلیلی <إنّه هو..>، مطلب بالا استفاده می شود.

آثار نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱۳

۱۳ نیکی در تقوای پیشگی است ، و تقوای پیشگان نیکوکارند .

لكن الذين اتقوا ربهم .. و ما عند الله خير للابرار

برداشت فوق بر این مبناست که <ال> در <الابرار>، عهد ذکری و اشاره به <الذین اتقوا> باشد ؛ یعنی <ما عند الله خير للذین اتقوا>، بنابراین نام بردن تقوای پیشگان به ابرار، اشاره به برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۹ - ۸

۸ نیکی به مردم در آشکار و نهان و گذشت از بدی های ایشان ، در پی دارنده عفو الهی

إن تبدوا خيراً أو تخفوه أو تعفوا عن سوء فإنّ الله كان عفواً قديراً

از جمله مصادیق مورد نظر برای کلمه <خیر>، به قرینه <او تعفوا عن سوء> که بیانگر گذشت از خطاهای دیگران است، احسان و نیکی به مردم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۲

۲۲ ایمان و انجام اعمال نیک ، موجب تکفیر (نادیده گرفتن) گناهان از جانب خداوند *

لئن اقمتم الصلوه .. لا كفرن عنكم سیاتکم

آثار نیکی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۴

۴- نیکی به پدر و مادر ، زمینه ساز رشد و تکامل معنوی انسان *

و زکوه .

.. و بَرًّا بولدیه

همان گونه که <و کان تَقِيًّا> تعلیل برای <و حناناً من لدنّاً و زکاه> بود، <بَرًّا بوالدیه> نیز که عطف بر <کان> می باشد، همان موقعیت را دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۷

۷- تقوا، احسان به پدر و مادر، پرهیز از سلطه جویی و عصیان، زمینه ساز فرجامی سرشار از سلامت و امنیت کامل است.

بَرًّا بولدیه و لم یکن جَبَّارًا عَصِيًّا. و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث

آداب تبیین نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۴

۴- تفصیل و تأکید در بیان نیکی ها و ارزش ها و اشاره و خلاصه گویی در بیان بدی ها و ضد ارزش ها، امری شایسته و روشی پسندیده است.

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا

تعبیر تفصیلی <إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ> در قبال تعبیر خلاصه تر <و إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا> می تواند به مطلب فوق اشاره داشته باشد.

ارزش نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱۸

۱۸ ارزشمندی تقوا و نیکوکاری و مقام والای پرهیزکاران و نیکوکاران

لكن الذين اتقوا ربهم .. و ما عند الله خير للابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ تسلیم در برابر خدا و برخورداری از روحیه احسان و نیکی ، روح ادیان الهی است .

و من احسن دیناً ممن اسلم وجهه

لله و هو محسن

از این که برای معرفی برترین دین، تنها دو ویژگی فوق یاد شده است، اهمیت بنیادین آن دو در ادیان الهی دانسته می شود.

ارزش نیکی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۲

۲- نیکی و احسان به پدر و مادر ، دارای ارزش والا ، نزد خداوند

و برّاً بولدیه

اظهار نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۹ - ۲

۲ جواز اظهار و ابراز کار های نیک انجام شده

إِنْ تَبَدُّوا خَيْرًا أَوْ تَخْفَوْهُ... فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوًا قَدِيرًا

در برداشت فوق متعلق ابداء و اخفاء می تواند عمل نیکی باشد که قبلاً انجام گرفته است. بنابراین ابداء خیر به معنای اظهار و ابراز آن می باشد.

اهمیت نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۹ - ۱،۳

۱ انجام کار های نیک چه در نهان و چه آشکارا ، مورد پسند و رضایت خداست .

إِنْ تَبَدُّوا خَيْرًا أَوْ تَخْفَوْهُ... فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوًا قَدِيرًا

۳ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند ، به انجام کار های نیک

إِن تَبَدُّوا... فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوَاً قَدِيرًا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۴ - مائدہ - ۵ - ۹۳ - ۲۰

۲۰ ترغیب و تشویق الہی بہ احسان و نیکوکاری

و اللہ یحب المحسنین

اہمیت نیکی بہ مادر

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - لزوم نیکی بہ مادر و پرهیز

از تحمیل خواسته های خویش بر وی

و بَرًّا بولدتی و لم یجعلنی جَبَّارًا

مراد از جمله <لم یجعلنی جَبَّارًا> (خداوند مرا مستبد و سلطه گر قرار نداده است) به قرینه <بَرًّا بولدتی> این است که در برابر مادرم جبار نیستم.

پاداش نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۸

۸ آمرزش الهی و بهشت جاودان ، پاداش انفاق در توانگری و تنگدستی و فرو خوردن خشم و گذشت از خطای دیگران

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ .. اولئك جزأؤهم مغفرة من ربهم و جنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۶

۶ - عفو و اغماض از خطای دیگران و اصلاح بدی آنان با نیکی و گذشت ، موجب اجر و پاداش ویژه خداوند است .

و جزؤا سیئته سیئته مثلها فمن عفا و أصلح فأجره علی الله

تشویق به نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۲ - ۱۱

۱۱ توجه دادن به ثبوت کارهای نیک انسان ، از روش های قرآن برای تشویق به نیکیها

لن تنالوا .. فان الله به علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ وعده پاداش ، از روش های قرآن برای برانگیختن مردم به نیکوکاری

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۴

۴ وساطت و

شفاعت برای انجام کار های نیک ، امری پسندیده و مورد تشویق خداوند

من یشفع شفاعة حسنه یکن له نصیب منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۸

۸ توجه انسان ها به فرجام اعمال خود ، بازدارنده ایشان از بدی ها و ترغیب کننده آنان به نیکیهاست .

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون الله فقد خسر . . و الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۸

۲۸ تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۹ - ۳

۳ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند ، به انجام کار های نیک

إن تبدوا . . . فإنّ الله کان عفواً قديراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۲۰

۲۰ ترغیب و تشویق الهی به احسان و نیکوکاری

و الله یحب المحسنین

تعاون بر نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳۶ لزوم تعاون و همکاری در انجام کار های نیک و سیر به سوی تقوا و پرهیزگاری

و تعاونوا علی البر و التقوی

۳۷ لزوم همکاری و تعاون در مراسم حج ، بر اساس نیکی و تقوا

لا یجرمنکم . . . عن المسجد الحرام ان تعتدوا و تعاونوا علی البر و التقوی

از مصادیق مورد نظر برای

<بَرِّ و >تقوی>، به قرینه فرازهای پیشین، مناسک حج و مسایل پیرامون آن است.

۴۲ تقوا، زمینه ساز همکاری در نیکی ها، فراخوانی یکدیگر به تقوای پیشگی و پرهیز از تعاون بر گناه و تجاوز است.

واتقوا الله

جمله <اتقوا الله> پس از امر به تعاون در کارهای نیک و نهی از همکاری در گناه، می تواند اشاره به راهی جهت تحقق امر و نهی یاد شده باشد.

تعلیم نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند، راه های نیک و بد را به انسان ها شناسانده است.

و هدینه النجدین

<نَجْدٌ> به معنای راه آشکاری است که در ارتفاع باشد. (قاموس)

دعوت به نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۱

۱ - عالمان بنی اسرائیل، مردمان رابه کار های نیک دعوت می کردند.

أتأمرون الناس بالبر

چون مخاطبان <أتأمرون> باید غیر از <الناس> باشند، می توان گفت: مراد از مخاطبان - به قرینه <و أنتم تتلون الكتاب> - عالمان دینی و مقصود از <الناس> توده های مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۵

۵ - بیان کار های نیک برای مردم (امر به معروف، ارشاد به نیکی ها و ...) از عهد های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا ميثق بني إسرائيل . . . و قولوا للناس حسناً

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <حسناً> مفعولٌ به برای قولوا باشد. بنابراین <قولوا...> یعنی، نیکوها

را برای مردم بگویند و بیان کنند.

زمینه نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۱ - ۶

۶ بهره گیری قرآن از نفع طلبی انسان ، برای عمل به نیکیها

و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خير لكم

زمینه های نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۲ - ۱،۴،۱۲

۱ دستیابی انسان به نیکی ، تنها در گرو انفاق از اشیای مورد علاقه خویش

لن تنالوا البرَّ حتّٰى تنفقوا ممّا تحبّون

۴ ایثار ، راه رسیدن به مقام برّ

لن تنالوا البرَّ حتّٰى تنفقوا ممّا تحبّون

۱۲ رسیدن به مقام برّ ، در گرو پرداخت مقداری از مال خویش به امام (ع) در هر سال

لن تنالوا البرّ حتّٰى تنفقوا ممّا تحبّون

امام صادق (ع): شنیدم از پدرم که می گفت: من مضت له سنه لم يصلنا من ماله قلّ او کثر، لم ينظر الله اليه يوم القيامة .. اذ يقول: <لن تنالوا البرّ ... > فنحن البرّ و التقوى.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۴، ح ۸۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۶۴، ح ۲۳۸.

ستایش نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۹

۹ انتظار ستایش و تشویق در برابر انجام اعمال نیک ، ناپسند نیست . *

لا تحسبنّ الذّین .. و یحبّون ان یحمدوا بما لم یفعلوا

با توجه به مفهوم جمله < یحبّون .. > (در برابر آنچه انجام نداده اند، خواهان ستایش هستند)، می توان به دست آورد که در صورت انجام

کار نیک، توقع ستایش و تشویق ناپسند نباشد.

سختی نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۲

۲ - راه نیک و بد ، هر دو برجسته و آشکار و پیمودن هر یک ، دارای دشواری هایی خاص است .

و هدینه النجدین

قرار داشتن راه خیر و شر در ارتفاعات، کنایه از آشکار بودن آن برای همگان و نیز صعب العبور بودن آن است. دشواری راه خیر، ممکن است به لحاظ ویژگی های خود آن و دشواری راه شرّ به لحاظ عواقب آن باشد.

شتاب در نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۱۳ ، ۱۰ ، ۸ ، ۷ ، ۴ ، ۱

۱ ایمان به خدا و روز قیامت ، امر به معروف ، نهی از منکر و شتاب در کار های خیر ، از ویژگی های برخی اهل کتاب

من اهل الكتب .. یؤمنون بالله و اليوم الاخر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنک

۴ ایمان به خدا و روز واپسین ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب ورزیدن به کار های نیک ، ملاک ارزش و شایستگی (صالح بودن)

یؤمنون .. یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین

۷ گروهی از اهل کتاب که مؤمن به خدا و روز واپسین و امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر و شتاب کنندگان به نیکی ها هستند ، از تبار صالحان هستند .

من اهل الكتب امه .. یؤمنون بالله ... و اولئک من الصالحین

۸ قیام به امر دین (اطاعت خدا) تلاوت آیات خدا

، سجده به درگاه او ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امور خیر ، ویژگی امت شایسته و صالح

امه قائمه . . . و اولئك من الصالحين

۱۰ صالح شدن انسان ها ، در گرو ایمان به خدا ، معاد ، امر به معروف و نهی از منکر (اصلاح دیگران) و شتاب در کار های نیک است .

يؤمنون بالله . . . و اولئك من الصالحين

۱۳ قیام به طاعت خدا ، تلاوت آیات او ، سجده به درگاه او ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در نیکی ها ، جبل الهی است . *

ضربت عليهم الذلّة . . . ألا بحبل من الله ... ليسوا سواءً من اهل الكتب ... يؤمن

به نظر می رسد صفات مذکور، بیانگر <جبل الله> است؛ چون دارندگان این صفات، قطعاً از ذلت به دور هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۴،۷

۴ قیام به طاعت خدا ، تلاوت آیات وی در شب هنگام در حال سجده ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف ، نهی از منکر و شتاب در نیکی ها ، از اعمال خیر

من اهل الكتب امه قائمه . . . و ما يفعلوا من خیر

۷ قیام به امر خدا ، تلاوت آیات او ، سجده ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امر خیر ، از ویژگی های تقوای پیشگان

امه قائمه يتلون

آیت الله . . . و الله علیم بالمتقین

آیه، در صدد بیان پاداش کسانی است که خصلتهای مذکور را دارند، از آنها تعبیر به متقین کرده، پس آن خصلتها از آن متقین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۳ - ۱،۲،۳

۱ ضرورت شتاب برای نیل به آمرزش الهی

و سارعوا الی مغفره من ربکم

۲ ضرورت شتاب برای نیل به بهشتی که به پهنای آسمان ها و زمین است .

و سارعوا . . . و جنّه عرضها السموات و الارض

۳ سرعت گرفتن در کار های نیک ، ملاکی برای سنجش ارزش اشخاص

و سارعوا الی مغفره من ربکم و جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۴

۴ لزوم شتاب در انفاق ، فرو بردن خشم ، گذشت از خطای مردمان و استغفار از گناهان

سارعوا الی مغفره من ربکم . . . الذین ینفقون ... اولئک جزاؤهم مغفره من ربهم

عوامل تشویق به نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۴

۴ توجه انسان به نظارت خدا و رسول و مؤمنان بر اعمالش ، بازدارنده او از خطا و تشویق کننده به نیکیهاست .

قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون

فرجام نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۵

۵ بازگشت نتایج اعمال نیک و بد انسان ، به خود او

لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت

محرومیت از نیکی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۲ - ۳،۷

۳ دل‌بستگی به دنیا، موجب محرومیت از نیل به مقام برّ

لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا ممّا تحبّون

۷ محرومیت بنی اسرائیل از مقام برّ، پیامد ترک انفاق از اشیای مورد علاقه خود و دل‌بستگی آنان به دنیا *

لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا ممّا تحبّون

با توجه به آیات قبل و بعد می توان گفت: بنی اسرائیل از جمله مخاطبان آیه می باشند.

مقام نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۲ - ۸،۱۲

۸ مقام برّ، از درجات عالی کمال انسان

لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا ممّا تحبّون

۱۲ رسیدن به مقام برّ، در گرو پرداخت مقداری از مال خویش به امام (ع) در هر سال

لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا ممّا تحبّون

امام صادق (ع): شنیدم از پدرم که می گفت: من مضت له سنه لم يصلنا من ماله قلّ او کثر، لم ينظر الله اليه يوم القيامة .. اذ يقول: <لن تنالوا البرّ ... > فنحن البرّ و التقوی.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۴، ح ۸۵ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۶۴، ح ۲۳۸.

ملاکهای نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱

۱ - قبله قرار دادن مشرق یا مغرب و یا هر جهت و مکانی دیگر، تعیین کننده و ملاک نیکی نیست .

ليس البر أن تولوا وجوهكم قبل المشرق و المغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹

۱۳ - نیکوکاری ، به تقوای پیشگی و پرهیز از گناهان است .

و لكن البر من اتقى

منشأ نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ خدا ، سرچشمه و مبدأ همه نیکیهاست .

أن الحمد لله رب العلمين

<حمد> ستایش در برابر نیکیهای اختیاری است. <ال> در <الحمد> برای جنس و مفید استغراق است ؛ یعنی، تمام ستایشها از آن خداست و مفهوم آن این است که: تمام نیکیهای از آن خدا بوده و سرچشمه همه آنهاست.

منشأ نیکی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۸ - ۷

۷ - نیکی های گسترده خداوند به خلق ، نشأت یافته از رحمت بی کران او است ؛ و نه معلول نیاز و چشمداشت .

هو البر الرحيم

توصیف <البر> به صفت <الرحيم> ، می رساند که نیکی های خداوند از سر رحمت است ؛ نه مانند نیکی خلق که برای جلب منافع مادی یا معنوی است و یا دستکم رهانیدن خود از شکنجه وجدان.

موارد نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۴ - ۲

۲ اتحاد ، اعتصام به ريسمان الهی و ألفت بين دل ها و برادری میان اهل ایمان ، از مصادیق خیر و نیکی

و اعتصموا بحبل الله جميعاً .. و لتكن منكم امة يدعون الى الخير

لام در <الخير> می تواند عهد ذکری و اشاره به مطالب آیه قبل باشد و یا به مقتضای ارتباط دو آیه، ویژگیهای ذکر شده در آیه قبل از مصادیق مورد

نظر کلمه <خیر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۳

۲۳ رعایت حقوق زنان ، یتیمان ، مستضعفان و اقامه قسط ، از مصادیق بارز خیرات و نیکیها

و ما تفعلوا من خیر فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا

<من خیر> می تواند اشاره به تکالیفی باشد که در آیه آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱۱

۱۱ ایمان به خدا ، قرآن و پیامبر (ص) و پرهیز از استکبار و نیکوکاری مایه رسیدن به مقام محسنین است .

و انهم لایستکبرون . . . و ذلک جزاء المحسنین

نجوا به نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۲،۷

۲ ارزش والای نجوا ها و مذاکرات محرمانه ، به انگیزه وادار نمودن دیگران به صدقه و دعوت به کار نیک و اصلاح میان مردمان

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف او اصلح بین الناس

۷ نجوا ها و مذاکرات محرمانه برای دعوت مردم به کار های نیک ، موجب پاداش بزرگ الهی

من نجویهم . . . و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

نشانه های نیکی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - راهیابی متقین به بهشت ، جلوه ای از نیکی و رحمت گسترده خداوند

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ .. إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ

نعمت شناخت نیکی

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۶

۶ - شناخت راه های نیک و بد ، نعمتی الهی و غفلت از آن ، شگفت آور و ملامت بار است .

ألم نجعل ... و هدینه النجدین

نیکی به زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۸

۲۸ تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

نیکی به مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۱،۲

۱- رفتار نیک با مادر و گرامی داشت وی ، سیرت الهی و خوی خدادادی عیسی (ع) ، از آغاز میلاد

و برّاً بولدتی

۲- عیسی (ع) در گهواره ، خود را فرزندی خوش رفتار و نیکوکار برای مادرش مریم (س) خواند و این ویژگی را عطیه خداوند دانست .

و برّاً بولدتی

تقدیر <و برّاً بولدتی> به قرینه آیه قبل <و جعلنی برّاً بولدتی> است.

نیکی به مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۸ تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

نیکی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۱،۳،۶

۱- یحیی (ع) نسبت به پدر و مادرش بسیار نیکوکار

بود .

و بَرًّا بولدیه

<بَرًّا> عطف بر <تَقِيًّا> در آیه قبل است و با کلمه <بَارًّا> به یک معنا است جز این که <بَرًّا> مبالغه دارد و <بَرِّالوالدین> احسان و نیکی گسترده به آنها است (مفردات راغب).

۳- احسان به پدر و مادر ، از نمود های بارز تقوا و لازمه آن

و کان تَقِيًّا . و بَرًّا بولدیه

۶- حضرت یحیی (ع) علاوه بر نیکی به پدر و مادر هیچ گاه چیزی بر آنان تحمیل نکرد و از فرمان آنها ، سربرنتافت .

و بَرًّا بولدیه و لم یکن جَبَّارًا عَصِيًّا

چون جملات پیشین در باره حضرت یحیی(ع)، مهر و شفقت را مطرح کرد و از بین صفات بارز او به نیکی در حق پدر و مادر اشاره نمود؛ محتمل است نفی جباریت و عصیان نیز متعلق به <والدیه> باشد. بنابراین می توان گفت حضرت یحیی در نهایت خضوع در برابر پدر و مادر و اطاعت از فرمان آنها بود.

نیکی به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۸

۲۸ تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعّلوا من خیر فإنّ الله کان به علیمًا

نیکی در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱۴

۱۴ - عمل نیک در حج ، رعایت تقوا و پرهیز از گناهان است .

و لکن البر من اتقی

نیکی عیسیٰ (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۱

۱- رفتار نیک با

مادر و گرامی داشت وی ، سیرت الهی و خوی خدادادی عیسی (ع) ، از آغاز میلاد

و برّاً بولدتی

نیکی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱۳

۱۳ نیکی در تقوای پیشگی است ، و تقوای پیشگان نیکوکارند .

لكن الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ ... و ما عند الله خير للابرار

برداشت فوق بر این مبناست که <ال> در <الابرار>، عهد ذکری و اشاره به <الَّذِينَ اتَّقَوْا> باشد ؛ یعنی <ما عند الله خير للَّذِينَ اتَّقَوْا>، بنابراین نام بردن تقوای پیشگان به ابرار، اشاره به برداشت فوق است.

نیکی یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۱،۶

۱- یحیی (ع) نسبت به پدر و مادرش بسیار نیکوکار بود .

و برّاً بولدیه

<بِرّاً> عطف بر <تَقِيّاً> در آیه قبل است و با کلمه <بَارّاً> به یک معنا است جز این که <بِرّاً> مبالغه دارد و <بِرّالوالدین> احسان و نیکی گسترده به آنها است (مفردات راغب).

۶- حضرت یحیی (ع) علاوه بر نیکی به پدر و مادر هیچ گاه چیزی بر آنان تحمیل نکرد و از فرمان آنها ، سربرنتافت .

و برّاً بولدیه و لم یکن جبّاراً عصیّاً

چون جملات پیشن در باره حضرت یحیی (ع)، مهر و شفقت را مطرح کرد و از بین صفات بارز او به نیکی در حق پدر و مادر اشاره نمود؛ محتمل است نفی جباریت و عصیان نیز متعلق به <والدیه> باشد. بنابراین می توان گفت حضرت یحیی در نهایت خضوع در برابر پدر و مادر و اطاعت از فرمان آنها بود.

در نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۱،۴

۱ وساطت در انجام کار خیر ، موجب سهیم شدن در نتیجه و پاداش آن

من یشفع شفاعة حسنه یکن له نصیب منها

۴ وساطت و شفاعت برای انجام کار های نیک ، امری پسندیده و مورد تشویق خداوند

من یشفع شفاعة حسنه یکن له نصیب منها

وضوح نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۲

۲ - راه نیک و بد ، هر دو برجسته و آشکار و پیمودن هر یک ، دارای دشواری هایی خاص است .

و هدینه النجدین

قرار داشتن راه خیر و شر در ارتفاعات، کنایه از آشکار بودن آن برای همگان و نیز صعب العبور بودن آن است. دشواری راه خیر، ممکن است به لحاظ ویژگی های خود آن و دشواری راه شرّ به لحاظ عواقب آن باشد.

نیکوکاران

پاداش نیکوکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۸

۸ نهر های جاری بهشت ، پاداش مؤمنان نیک کردار

تجری من تحتهم الأنهر

فرجام نیکوکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۲ - ۱

۱ بهشت جاودان ، جایگاه کسانی که به آیات الهی ایمان آورند و اعمال نیک انجام دهند .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت .. اولئک اصحب الجنه هم فیها خالدون

متعلق <ءامنوا> به دلیل آیه ۴۰، آیات الهی است.

نیکان

انفاق نیکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷

۲۰ - پرداخت مال برای رفع نیازمندی خویشان ، یتیمان ، مساکین ، در راه ماندگان و فقیران مشخصه نیکوکاران است .

و لكن البر من .. و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی و السائلین

۲۳ - ابرار ، با رغبت و طیب خاطر ، اموال خویش را در جهت رفع نیاز مستمندان هزینه می کنند .

و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <حبه> به <اتیان المال> - که از <ءاتی المال> استفاده می شود - برگردد؛ یعنی، مال را با میل و رغبت به مستمندان می پردازند.

بشارت به نیکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۶

۲۶ بشارت خداوند به برخورداری نیکوکاران از پاداش

و ما تفعّلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

بیان آگاهی خداوند به اعمال نیک، کنایه از پاداش دهی در برابر آنهاست.

پاداش نیکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۷

۷ ضمانت پاداش نیکوکاران از سوی خداوند

و ما تفعّلوا من خیر یعلمه الله

جمله <یعلمه الله>، علاوه بر بیان احاطه علمی خداوند به کارهای نیک بندگان، کنایه از ضمانت پاداش در قبال نیکوکاری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ بهترین پاداش الهی، از آن ابرار و نیکان است.

و ما عند الله خیر للابرار

برداشت فوق بر این مناست که <للابرار>، خبر دوّم برای <ما>ی موصوله باشد، نه متعلّق به <خیر>.

۱۵ پاداش ابرار، پاداشی

عظیم ، توصیف ناپذیر و برتر از بهشت و مواهب آن می باشد .

و ما عند الله خیر للابرار

مراد از <ما عند الله>، می تواند پاداشی غیر از بهشت و مواهب آن باشد و بیان آن به صورت مبهم، حاکی از عظمت و وصف ناپذیری آن است.

۱۶ پاداش اصلی و برتر نیکان و ابرار ، در پیشگاه خداوند است .

و نزلا من عند الله و ما عند الله خیر للابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۶

۲۶ بشارت خداوند به برخورداری نیکوکاران از پاداش

و ما تفعلوا من خیر فإن الله کان به علیماً

بیان آگاهی خداوند به اعمال نیک، کنایه از پاداش دهی در برابر آنهاست.

پیروزی نیکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱۳

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا یوم ینفع الصدقین .. ذلك الفوز العظیم

تقوای نیکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۳۲

۳۲ - ابرار ، تقوای پیشگان واقعی اند .

أولئك هم المتقون

رستگاری نیکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱۳

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا يوم ينفع الصادقين .. ذلك الفوز العظيم

صفات نیکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲۶، ۲۷، ۲۰، ۱۷

۱۷ - ایمان به خدا ، قیامت ، فرشتگان ، کتاب های آسمانی و

پیامبران مشخصه نیکان

و لكن البر من ءامن بالله . . . و النبیین

۲۰ - پرداخت مال برای رفع نیازمندی خویشان ، یتیمان ، مساکین ، در راه ماندگان و فقیران مشخصه نیکوکاران است .

و لكن البر من . . . و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی و السائلین

۲۶ - برپایی نماز ، پرداخت زکات ، پایبندی به عهد ها و صبر و پایداری در تنگنا ها و شداید از ویژگی های نیکان

و لكن البر من . . . أقام الصلوه ... والصبرین فی البأساء و الضراء

۲۷ - استقامت و پایداری در جنگ علیه دشمنان دین ، از مشخصه های ابرار

و لكن البر من . . . الصبرین فی البأساء و الضراء حین البأس

فضایل نیکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۲۲، ۲۳، ۲۰

۲۰ مقام رفیع ابرار ، در پیشگاه خداوند

و توفنا مع الابرار

۲۲ ابرار ، دارای درجه و مقامی بالاتر از مؤمنان خردمند

لایات لاولی الالباب . . . فامنا ... و توفنا مع الابرار

چون خردمندان با ایمان تقاضا دارند که همشان ابرار شوند.

۲۳ اعتراف خردمندان مؤمن ، به ناتوانی خویش از دستیابی به مقام رفیع ابرار

ربنا فاغفر لنا . . . و توفنا مع الابرار

از اینکه خردمندان خواستار مقام ابرار نشده اند، بلکه خواهان همراهی با آنان هستند، معلوم می شود که آنان خود را ناتوان از دستیابی به چنین مقام رفیعی می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱۶، ۱۷، ۱۸

۱۶ پاداش اصلی و برتر نیکان و ابرار ، در پیشگاه خداوند است .

و نزلا من

عند الله و ما عند الله خير للابرار

۱۷ ابرار دارای مقام و منزلتی والاتر از تقواییشان

و لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنات .. نزلا من عند الله و ما عند الله خير لل

تفاوت تعبیر در پاداش (<نزلاً> برای تقواییشان و <ما عند الله> برای ابرار) شاهد بر این است که منزلت ابرار منزلتی غیر از تقوایشگی و والاتر از آن است.

۱۸ ارزشمندی تقوا و نیکوکاری و مقام والای پرهیزکاران و نیکوکاران

لكن الذين اتقوا ربهم ... و ما عند الله خير للابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱۳

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا يوم ينفع الصديقين .. ذلك الفوز العظيم

فلسفه انفاق نیکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲۲

۲۲ - محبت خدا ، انگیزه ابرار در صرف اموال خویش برای دستگیری از مستمندان

و ءاتي المال على حبه ذوى القربى

ضمیر در <على حبه> می تواند به <الله> یا به <المال> و یا به <اتیان المال> بازگردد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

قیاس نیکان با بدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۷

۷- مقایسه کردن میان نیکان و بدان ، از روش های تربیتی قرآن

أَمَّنْ هُوَ قِنْتُ ءَأَنَاءَ أَلِيلٍ . . . و یرجوا رحمہ ربّہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ - مقایسه کردن میان نیکان و بدان ، از

روش های تربیتی قرآن

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه فويل للقسيه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ - مقایسه میان نیکان و بدان ، از روش های هدایتی و تربیتی قرآن

ضرب الله مثلاً رجلاً .. هل يستويان مثلاً

قیاس نیکان و بدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۴

۴ - مقایسه کردن میان نیکان و بدان ، از روش های تربیتی قرآن

أفمن يتقى بوجهه سوء العذاب يوم القيامة

نیکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱،۱۳

۱ راستگویان و راستکرداران ، بهره مند از آثار صدق خویش ، در قیامت

قال الله هذا يوم ينفع الصدقين صدقهم

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا يوم ينفع الصدقين .. ذلك الفوز العظيم

نیکان و مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۵ - محبت و علاقه به مال ، بازدارنده نیکان از انفاق و مصرف کردن آنها برای نجات مستمندان نخواهد شد .

و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <حبه> به <المال> برگردد.

همراهی با نیکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۲۵، ۲۱، ۱۹، ۷

۷ پذیرش ربوبیت خداوند ، حقیقت ایمان است .

سمعنا منادياً ینادی للایمان ان امنوا برّبکم

تفسیر <ایمان> به پذیرش ربوبیت

خداوند، دلالت می کند که اعتقاد به ربوبیت او حقیقت ایمان و یا رکن اساسی آن است.

۱۹ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند به دعا و طلب آمرزش و همراهی با ابرار و حسن عاقبت

رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ

ستایش خردمندان به ویژگیهای یاد شده، به این منظور است که مؤمنان هم، خواستار موارد یاد شده باشند.

۲۱ مصاحبت با ابرار ، مقامی ارزشمند و متعالی

وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ

۲۵ گناه و اعمال ناشایست ، مانعی در راه همشانی و همراهی با ابرار

رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ

درخواست آمرزش گناه و آنگاه تقاضای همراهی با ابرار، دلالت بر برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۵

۵ همراهی و همگامی خردمندان مؤمن با ابرار تا به هنگام مرگ ، تضمین شده از سوی خداوند

وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ .. فاستجاب لهم

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

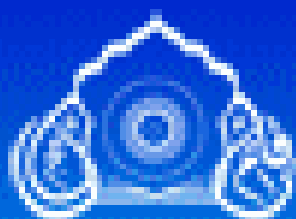
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹